





一
二
三
四
五
六
七
八
九
十

* فهرست الجند الاول من تاريخ كلشن معارف *

۰۲	معتقدات اهل السنه	۱۰۵	مهر نبوت نبی علیه السلام
۰۴	ملائکة عظام	۱۰۶	اخلاق حمیده نبی عم
۰۶	کتب الله	۱۰۹	معجزات نبی علیه السلام
۰۷	رسل الله	۱۱۶	غزوات نبی علیه السلام
۰۸	تمة معتقدات	۱۱۶	خدام وجواری نبی عم
۰۹	آدم علیه السلام	۱۱۶	نویسندگان نبی عم
۱۲	ثبت علیه السلام	۱۱۷	مؤذنان نبی علیه السلام
۱۳	ادريس علیه السلام	۱۱۷	رفقاء نبی علیه السلام
۱۵	نوح علیه السلام	۱۱۸	آلات سفیده نبی عم
۱۶	هود علیه السلام	۱۱۹	مخلفات نبی علیه السلام
۱۷	صالح علیه السلام	۱۲۰	ازواج طاهرات نبی عم
۱۸	ابراهيم علیه السلام	۱۳۰	سربدهای نبی علیه السلام
۲۱	اسماعيل علیه السلام	۱۳۱	اولاد کرام نبی علیه السلام
۲۲	اسحق علیه السلام	۱۳۴	اعمام و عمام نبی عم
۲۶	يعقوب علیه السلام	۱۳۶	عشیره مبشره رضوان
۲۸	يوسف علیه السلام		الله عليهم اجمعين
۲۹	موسى علیه السلام	۱۶۴	فضائل اصحاب کرام
۳۵	داود علیه السلام	۱۶۶	آخر متوفای اصحاب کرام
۴۷	سليمان علیه السلام	۱۶۷	فقههای اصحاب کرام
۵۶	عيسى علیه السلام	۱۷۵	حفاظ احادیث نبوی
۶۳	اوصاف جلیله اسم محمد	۱۸۶	ائمة احادیث
	عليه السلام	۱۹۱	ائمة سبعة
۶۵	نشأت روحانية نبی عم	۱۹۳	مشایخ عظام
۷۰	نشأت جسمانية نبی عم	۲۲۳	ملوك یدشدادیان
۷۹	ولادت نبی علیه السلام	۲۲۹	ملوك کانیان
۹۳	معراج نبی علیه السلام	۲۵۴	ملوك اشکانیان
۱۰۰	وفات نبی علیه السلام	۲۵۷	ملوك ساسان
۱۰۳	حلیة جلیله نبی عم	۲۸۱	خلفاء آل امیه

۳۰۱	خلفاء عباسیان	۴۲۰	فتح از تکبید وهرکه
۳۴۲	ملوك صفاریان	۴۲۲	صدارت علاءالدین پاشا
۳۴۳	ملوك سامانیان	۴۲۲	مخاربه درازنبی وفتح اش
۳۴۵	ملوك آل سبکشن	۴۲۳	فتح طراقلی و کوینگ
۳۵۰	سلاطین آل بویه	۴۲۴	فتح قلعه مکملین
۳۵۴	ملوك سلجوقیان	۴۲۴	آثار خیراور خان غازی
۳۶۳	ملوك کوهستان	۴۲۴	فتح کوبلید و ابوالبند
۳۶	ملوك سنقریان	۴۲۴	و کرماسی و میخالیج و اوآباد
۳۶۸	ملوك خوارزمیان	۴۲۶	فتح ارمودی و انا خور
۳۷۲	ملوك عبیدیان	۴۲۷	ابتداء مرور عسکر اسلام
۳۷۹	ملوك آل ابوب	۴۲۷	بجانب روم ایلی و فتح چنگلک
۳۸۲	سلاطین ترکیان	۴۲۸	محاصره کلپولی و فتح اش
۳۹۱	ملوك چراکسه	۴۲۹	فتح ملغره و ابصاله
۳۹۶	ملوك جنگیریان	۴۲۹	اتفاق کفار و وفات شهزاده
۴۰۰	ملوك تیموریان	۴۳۰	وقعه عربیه نصرت اسلام
۴۰۵	سلاطین ترکیان	۴۳۲	وفات اوزخا غازی
۴۰۷	ابتداء ظهور کوکبه آل عثمان	۴۳۳	سلطنت سلطان مراد
۴۰۹	فتح بله جک و یار حصار		خان
۴۱۱	سلطنت عثمان غازی فتح	۴۳۳	حرکت همایون بروم ایلی
	کبری حصار	۴۳۴	فتح بنطور و هدم چورلی
۴۱۲	فتح کستل و کته و محاصره	۴۳۵	فتح دمنوقه و کشان
	بروسه	۴۳۶	فتح ادرنه و دردار و کملجه
۴۱۳	اسلام کوسه میخال	۴۳۶	فتح زغره و فله
۴۱۵	فتح قلاع قره جیش	۴۳۷	مخاربه عسکر اسلام
	و قره تکین		و نصرت ایشان
۴۱۶	فتح قلعه بروسه	۴۳۹	آثار خیریه پادشاه غازی
۴۱۷	نصیح و وفات عثمان غازی	۴۴۰	فتح جرمن و بنای سرای
۴۱۸	سلطنت سلطان اورخان		ادرنه
۴۱۹	فتح حصار ایدوس		

۴۴۱	فتح قرق کنبسا و احتمان	۴۶۵	فتح شاه و پناه کوزلجه
	و صماقو		حصار
۴۴۲	حرکت همایون بروم ایلی	۴۶۶	آثار خیریه شهر یاری
	و فتح بلغراد	۴۶۶	آمدن الجی تیمور
۴۴۳	فتح قلاع انجو کز و قره جک	۴۷۳	محاربه تیمور و وقعه عظیمه
	و اولونیه و یورنی و مارولیه	۴۸۴	وقات یلدرم با یزید خان
۴۴۳	فتح قواله و سیروز و عودت	۴۸۶	محرابه شهزاده با برادرش
	همایون	۴۸۸	سلطنت جلای سلطان
۴۴۵	عقد دختر شهر یاری	...	محمد خان
۴۴۶	فتح رابه و مناسیر و قارلی	۴۹۱	حایه سرحد و وقعه غریبه
	ایلی و اشئیب	۴۹۵	محرابه امیر سلیمان با موسی
۴۴۶	قبول جزیه حاکم هر سک		جلای
	و بوسته	۴۹۹	حرکت همایون بجانب روم
۴۴۷	فتح قلعه صوفیه		ایلی و محاربه خود با برادرش
۴۴۸	محرابه پادشاهی با قره مان	۵۰۱	محرابه قره مان اوغلی
	اوغلی	۵۰۴	بناء قلعه یرکوی و تعمیر
۴۵۰	بغما شدن دیار لاس		ایساجی
۴۵۰	ملغنت حاکم ارنا بود	۵۰۵	آثار خیر پادشاه انام
	اسکندریه سی	۵۰۷	ارتحال شهر یار انام
۴۵۱	تزوج شهر یاری	۵۰۹	سلطنت سلطان مراد
	و شهراد کان		خان ثانی
۴۵۲	فتح کوس اوه و خردوینه	۵۱۲	تزوج شهر یاری با دختر
۴۵۳	محرابه و نصرت عظیمه		اسفندیار زاده
	و شهادت شهر یاری	۵۱۲	غارت دیار افلاق
۴۵۸	سلطنت سلطان با یزید	۵۱۳	غارت بلاد ارنا بود
	خان اول	۵۱۶	بناء جسر ارکنه
۴۶۰	حرکت همایون بروم ایلی	۵۱۶	فتح قلعه سلانک
۴۶۲	خدعه و یلق اوغلی	۵۱۶	حرکت همایون بسفر
۴۶۳	محاصره و محاربه شاه انام	...	انکروس و غنائم بدشمار
	با ستانه و کیفیت عجیبه	۵۱۷	حبس دیر اقرله و فتح سمندره

۵۱۷	فتح لازستان	۵۳۴	ظهور شیطان قوی
۵۱۸	فتح انچه حصار و بغی بانقو	۵۳۶	و وفات شهر یاری
۵۱۸	ارتحال شهر یار بدار بقا	۵۳۶	سلطنت سلطان سلیم خان
۵۱۹	سلطنت ابو الفتح سلطان	۵۳۸	فوت سلطان قورقود
	محمد خان		و سلطان احمد
۵۱۹	فتح قسطنطنیه	۵۳۹	محرابه پادشاه انام با شاه
۵۲۱	فتح اینوز و قلاع ساره		اسمعیل و نبل غنائم
۵۲۱	عزم همایون بفتح بلغراد	۵۴۱	فتح بایبورد و قلعه کجایخ
۵۲۲	فتح موره و سمندره	۵۴۲	حرکت همایون بحلب
۵۲۲	فتح قوی حصار	۵۴۲	محرابه شهر یاری با سلطان
۵۲۳	فتح جزیره مدالی و بوسته		مصر
۵۲۳	سفر همایون بدیار ارنا بود	۵۴۷	سلطنت سلطان سلیمان
۵۲۴	فتح جزیره اغریبوز		بن سلیم خان
۵۲۴	فتح قلعه علائیه	۵۴۷	طغیان جانبد غزالی
۵۲۵	محرابه شهر یاری با وزون	۵۴۸	فتح قلعه بلغراد
...	حسن	۵۴۹	حرکت همایون بتسخیر
۵۲۶	فتح کفه و اقکرمان و افاق		قلعه ردوس
	و سفر همایون بر بغداد	۵۵۲	حرکت همایون بسفر
۵۲۶	فتح ارنا بود اسکندریه سی		انکروس و فتوحات ساره
۵۲۷	ارتحال شهر یاری الی	۵۵۲	محاصره قلعه یح
	رحمة الله	۵۵۲	عزم همایون بجانب بغداد
۵۲۷	سلطنت سلطان با یزید	۵۵۳	انہزام اعداء در قوج قپان
	ولی خان	۵۵۳	سفر بغداد
۵۲۷	محرابه شهر یاری پیرادر	۵۵۳	فتح قلعه بودین
	خود	۵۵۴	آمدن هرکس اوغلی
۵۳۲	فتوحات یعقوب پاشا		بمحاصره بودین
۵۳۳	غارت ممالک له	۵۵۴	فتح ولایت انکروس و فتح
۵۳۳	فتوحات رئیس ترسانه عامره		قلعه شفلوش
۵۳۳	فتح این بختی و قرون و متون		

فتح قلاع استرغون	۵۵۵	عسبان حاکم افلاق	۵۷۳
واوستونی بلغراد		وامورها ناله	
فتح قلاع دشقرا و چوقه	۵۵۵	حرکت همایون برای سفر	۵۷۷
واندریک و بصره		آمدن ایلیچی اردل اوغلی	۵۸۵
فتح طمشوار و میچکوک	۵۵۶	فتح قلعه چنار	
ووالیوه		فتح قلعه فنیرو	۵۸۹
حرکت همایون بسفر عجم	۵۵۶	فتح قلعه اوستونی بلغراد	۵۹۱
مخاربه شهرزادگان بقونیه	۵۵۷	طغیان سپاه و ملغی	۵۹۱
فتح سکتوار و احوال عجیبه	۵۵۸	احوال غازی بک در تبریز	۵۹۴
ارتحال پادشاه انام بدار بقا	۵۵۹	ارتحال شهر یاری	۵۹۵
سلطنت سلیم خان ثانی	۵۶۰	سلطنت سلطان احمد	۵۹۵
حرکت همایون بلغراد	۵۶۰	خان اول	
فتح جزیره قبریس	۵۶۱	تعیین وزیر اعظم برکفار	۵۹۶
تسخیر قلعه ماغوسه	۵۶۲	استیلاء قزلباش باججه	۵۹۶
فتح صلابوت و اناوارین	۵۶۳	قلعه وقارص	
هدم قلعه حلق الواد	۵۶۳	حرکت سردار اکرم	۵۹۷
وفات پادشاه انام	۵۶۴	تسخیر قلعه ویوار	۶۰۲
سلطنت مراد خان ثالث	۵۶۴	فتوحات مشوعه	۶۰۵
طغیان ملغی در تبریز	۵۶۵	حرکت همایون بادرنه	۶۰۵
فتوحات عظیمه	۵۶۷	استیلاء قزلباش بقلعه	۶۲۲
غارت اعدای بعض	۵۶۸	سناب	
قلاع مسلمین	...	حرکت وزیر بسفر عجم	۶۲۳
انهرام اعداء دین	۵۶۹	سرداری اسکندر پاشا	۶۲۴
فتح قلعه تاتار	۵۷۰	بر قزاق	
وغنایم کثیره	...	ارتحال پادشاه انام بدار بقا	۶۲۵
فتح قلعه یانق	۵۷۱	سلطنت سلطان مصطفی	۶۲۶
وفات شهر یارانام	۵۷۲	خان اول و وقایعهایش	
سلطنت سلطان محمد خان	۵۷۲	سلطنت سلطان عثمان	۶۲۶
ثالث		عزم سردار اکرم از دیار بکر	۶۲۷

انهرام وزرا و عقد صلح	۶۲۷	احراق عظیمه در جب علی	۶۸۰
فتن عظیمه و خلع پادشاه	۶۳۶	در آستانه	
سلطنت سلطان مصطفی	۶۴۱	هدم قهوه خانها و منع	۶۸۰
خان دفعه ثانی		شرب دخان	
فتوحات بحریه	۶۴۳	عزم سردار ریحا نب بغداد	۶۸۰
احوال داود پاشا	۶۴۳	حرکت همایون به روسیه	۶۸۰
ظهور فتنه و خلع پادشاه	۶۴۶	حرکت همایون بادرنه	۶۸۴
سلطنت سلطان مراد	۶۴۸	مصلحه قرالیه	۶۸۵
خان رابع		حرکت همایون بسفر	۶۸۶
احوال بغداد	۶۴۸	شرق و فتح روان	
مخاصره سرخسمران	۶۵۱	عودت همایون باستانه	۶۸۹
بغداد		قصد قزلباش بقلعه وان	۶۹۰
ملعنت بکر صوباشی	۶۵۲	بناد اسطبل معده بعض	۶۹۱
واستیلاء قزلباش بغداد		مخلات طریق بغداد	
تسخیر قلعه مار دین	۶۵۳	دفعه حرکت همایون	۶۹۳
فتوحات شمالیه	۶۵۶	بفتح بغداد	
حرکت سردار اکرم	۶۵۷	محاصره بغداد و فتح اش	۶۹۴
و محاصره بغداد		تسخیر قلعه بغداد	۶۹۵
طغیان ملغی	۶۶۱	عودت همایون باستانه	۶۹۶
استیلاء قزلباش بر اخسجنه	۶۶۳	صورت صلحنامه بعجم	۷۰۲
هلاک شدن لشکر	۶۶۵	ارتحال شهر یاری بدار بقا	۷۰۳
قزلباش		سلطنت سلطان ابراهیم	۷۰۴
مخاربه و فتوحات والی شام	۶۶۷	خان	
فتح قلعه مهر بان	۶۶۸	محاصره قلعه ازاق	۷۰۵
تعمیر بیت الله الحرام	۶۷۰	نصب سردار بسفر روسیه	۷۰۵
مخاربه سردار بغداد	۶۷۰	احوال قلعه ازاق	۷۰۶
فتنه اوچاغ ملغی	۶۷۳	فتح اطیه و کرکس کرمان	۷۰۸
استیلاء شاه عجم	۶۷۹	باعث سفر جزیره کر بد	۷۰۹
بکور جستان		فتح حایه قلعه سی	۷۱۰

۷۱۷	عزیمت سردار حسین پاشا	۷۶۷	ملعنّت اوجاق ملغی
	یچانب کرید	۷۷۳	مقتولی بکاش اغا
۷۱۹	نظام قلعه کبسمو	۵۷۵	طغیان ابشیر و ابازه
۷۲۱	فتوحات حسین پاشا	۷۸۷	احوال سرحدات
۷۲۲	هدم مناسراستری	۷۹۳	شهادت صدراعظم ترخونی
۷۲۳	فتح قلعه ابوقرون		احمد پاشا
۷۲۴	سرداری حسین پاشا	۷۹۶	نمودن صورت صلاح
۷۲۴	وصف قلعه رغو بکرید		ابشیر پاشا
۷۲۵	فتح حصار پلو پونمه	۷۹۷	قتل بویاجی حسن اغا
۷۲۹	نقل طویمه به پیشگاه قنده	۷۹۸	قتل خادم عبدالرحمن پاشا
۷۲۹	وصف منانت حصار قنده	۷۹۹	آمدن الحی هندستان
۷۳۲	مخاربه و فتوحات	۸۰۱	احوال افلاق و بغداد
۷۳۸	حرکت ناهموار پادشاهی	۸۰۳	استیلاء تاتارخان بر بلادله
	و خلع شهر یاری	۸۰۸	مخاربه قیودان مراد پاشا
۷۴۳	سلطنت اوجی سلطان	۸۰۹	غارث جزیره استندیل
	محمدخان	۸۱۵	ارسال مهر همایون بابشیر
۷۴۳	آمدن مکتوب سردار کرید		پاشا
۷۴۵	وقعه حیدر اوعلی	۸۲۰	احوال صدراعظم ابشیر
۷۴۵	فتوحات تاتارخان		پاشا
۷۵۱	ظهور فساد در صکر کرید	۸۲۳	آمدن صدراعظم باستانه
۷۵۴	ختان شهر یاری	۸۲۳	زفاف وزیر اعظم باعاشه
۷۵۷	آمدن الحی جنرال قنده		سلطان
۷۵۸	محاصره قلعه استینا	۸۲۵	قتل دفتر دار
۷۵۸	اخراج دوتنای همایون	۸۲۵	نوروزی سلطانی
۷۵۹	فتوحات بحریه	۸۲۵	حرکت ناهموار صدراعظم
۷۶۰	ضبط قلعه استینا	۸۲۷	جمعیت سپاه و قتل ابشیر
۷۶۲	فتنه سپاهیان	۸۳۷	ظفر تاتار با کفار قراق
۷۶۳	قتل حاجی عثمان	۸۴۲	ایقاع فتنه
۷۶۴	طغیان ابازه	۸۴۶	استیلاء و ندیک بابوزجه اطه



۴۶۴



بسم الله الرحمن الرحيم *

بسم الله بدأ اولنسه بر کتاب	لاجرم حاصل اولور اجر و ثواب
اولنسه هر سوزك بی ارباب	جدله و صلوه فصل خطاب
انکچون کشف اولور سر نقاب	هر طرفدن آچیلور روی عجاب
یارب الطاف کریمک بی حساب	آج بیچاره سعیده حسن باب
ایتم اعمال خیری انساب	باری بو یوزدن اولسون انساب
روغما اولسون بکاره صواب	ایله دعواتم سراپا مستجاب
ایتم اوراق کالی انتخاب	اندن اولدی بوکاب مستطاب
جد لله خامه دن بی اضطراب	اقدی تاریخ معارف همچو آب
اهل فضل و دانش والا جناب	اوقود بجه ایده دعواته شتاب
بعض تعبیر اولدی ایسه ینصاب	ایلیان تصحیح اولسون فیضاب
روز محشر بی سؤال بی جواب	اوله الطاف خدادن کاسباب

* معتقدات اهل سنت و جماعت *

آمنت بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر و بالقدر خیر و شره
 من الله تعالی و البعث بعد الموت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
 محمدا عبده و رسوله * یعنی حق جل و علا حاضر تباریک ذات
 و صفاتند شریک و نظیری یوقدر * کیمسه دن تولد ایتمدی *
 و کیمسه بی تولد اولدی صفت حیاته موصوفدر * قدیمدر صکره دن
 اوله دکدر * موجود در کندی وجودنده علتسز * واحد در

عدد سز * اشتعانه و مدد دن مستغیدر * مکان و زماندن وجهات
 سندن منزهدر صفت قدیمه در منفرد در * اوزرینه زوال و عدم
 محالدر * مکنوناتک صانع و خالقیدر * ماضی و حال و استقبالی
 جزئیات و کلیاتله بیلور * سموات سبع و ارضین و ما بینهن علمدن خارج
 دکدر * اولدر بلا بدایه * آخردر بلا نهاییه * همداشیاء وحدانیتله
 دلیل و علامتدر * عزت و عظمت و کبریا کا خصوصدر * کندویه برشی
 مشابه دکدر * هر شیک رب و مولا سیدر * ضدی یوقدر واجب
 الوجوددر * وارلغی کند و دندر * مرکب دکدر * مکاندن منز
 اولدیغی حالده مؤمنین جنتدن بلا کیف کوررلر * وشول صفاتلر که
 مشابه اندر کنه و حقیقتی علم الوهیتی محیطدر * جمیع صفات
 کالیه ایله متصفدر * حالات نقص و زوالدن پاک و مطهردر * ماده
 و مثال و صور تسر خلق ایلدیکی همه اشیا عظمت و قدرتی تحتده
 مسخردر * اراده علیه سی اولد بجه حیواناندن برقیل و ذراتدن
 بر ذره قطعه متحرک و ساکن اولماز عوالمده واقع اولان خیر و شر
 و نفع و ضرر و حرکت و سکون و اولمش و اولاجق جمله سی انک علیه
 و خلقیه و اراده سیله اولمش و اولاجقدر * برشیته حلول ایتمز
 و برشیده اکا حلول ایتمز * اوزرینه زمان و احوال جریان ایتمز *
 محالدن برشیته راضی اولماز کندودن غیری اصلا خالق و رازق یوقدر
 جمیع ذی روح و جادات همیشه اکا محتاجدر * ماهیت و مقداریت
 و کیفیتله و صفاتلر * صفات ذاتیه سی * (حیاه) (علم) (قدرت)
 (ارادت) (سمع) (بصر) (کلامدر) و صفات فعلیه سی (تخلیق) (ترزیق)
 (تکوین) (انشاء ابداع صنعدر) جمله صفاتی ذاتک عینی و غیری دکدر
 و همه صفاتی مخلوقاتدن بر احدک صفاتنه بکره من * عالمدر بلمسی بزم
 بلمز کی دکل * قادردر قدرتی بزم قدرتمز کی دکل * متکلمدر سو بلمسی
 بزم سو بلمامز کی دکل * سمعدر اشمسی بزم اشمتمز کی دکل * بصیردر
 کورمسی بزم کورتمز کی دکل * اعضا و اجزا و کیفیتن منزهدر *
 معلوماتک تجدیدله علمی تجدید ایتمز * اراده سی اراده واحده در که
 مراد انک تجدیدله اراده سی متجدد اوان * هدایتی برکالدر * مشیت
 و قضا و قدر و امثال صفاتلرینک کیفیتی بلمز * کلامی صاحب

بیاندر * زیرا تورات لغت عبرانیه اوزرینه و زبور و انجیل لغت سریانیه
 اوزرینه و فرقان کریم لغت عربیه اوزرینه در * بونلرک عبارتک
 اختلافی کلام یارینک اختلافی اقتضایتم * کلامی قدیم در که
 کونا کون السنه ایله اوقمش * و قلوبده محفوظ اولمش و معماخله
 اشدش * و مصاحفده مکتوب اولمش * لکن بونلره حلولدن
 میزهدر * کلامی حضرت موسی به علیه السلام بلا کیف ایشتردی
 و کلیم فلقی سببیه قدر و مقامی عالی قیامدی اوزرینه برشی واجب
 دکل عذابی عدلیله در ثواب و جنت و پرر سه فضیله در اطف
 و احسانی عامدر جمع اشبابی ازاده تقدیر و قضا و لوح محفوظه یازوب
 امضا ایلدی بوندن اوزرینه جبر اقتضایتم زیرا اشبابی یازدی اما
 عباددن اختیار یله صدوری بیلوب نه کونه کنیدن اختیار یله صادر
 اوله حق ایسه اولو جهله یازدی تقدیر علم الله تابعدر و علم الله معلومه
 تابعدر که کسبله حصولی دکلدر و عبادی کفر و ایماندن سلیم و عاری
 خلق ایتد کدنصکره امر و نهی ایتکله توفیق یاور اولوب ایمانه کلنلر
 فعل و اقرار و تصدیقه ایمانه کلدیلر و کافر اولنلر دخی فعل و انکار لریله
 کافر اولدیلر کیسه بی ایمان یا خود کفر اوزرینه جبر ایتن و افعال
 عبادت کلیسی کنندی اختیار لریله کسلریدر انجیق افعال عبادی
 خالقدر لکن جبر و تفویض یوقدر یعنی عبدک مدخلی اولوب حق
 تعالیست خلقیله اولق یوقدر مع هذا عبدک و سعندن خارج شنبله
 تکلیف ایتن و شول طاعتکله ایشلا نلسته اراده سی تعلق ایلدی محضاً
 رضاسیله و امر یله و محبتیله و مشیتیه و تقدیر یله و قضا سیله در
 و معاصبتک جمله سی اگر چه علیله و قضا سیله و تقدیر یله و مشیتیه در اما
 محبتیه و امر یله و رضاسیله دکلدر بر احد لایق اولان عبودیتی باری تعالی به
 ادایده من و جناب خدا کفر و شرکی مغفرت ایتن اما غیر یسن مغفرت ایتک
 جائزدر و حق تعالی بی سومک و حمد و شکر و ذکر ایتک جمله به واجبدر
 * ملائکه کرام *

ابوهر بره ضی الله عنه دن مر ویدر که الله تعالی مخلوقات درت صنف
 ایلوب برین ملائکه و برین شیاطین و برین جن و برین انس ایشدر
 و بودرت صنفی اون جزء ایلوب طقوزین ملائکه و برین ماعدا

اعتقاد اهل سنتدن آبرمه دایما
 آچی ویر آه نجباتی ای کریم ذوالعطا
 جبرم و عصیانله کلام در که غفرانکه
 قوت ایمانی ایدم همیشه التجا
 دمیلم استغفر الله العظیم در وردل
 صولت نفس بوورده اوله وجوددن جدا
 حمد لله اعتقاد اهل سنت مسلم
 مذهب و دینیم ایچون جان و دلم اولسون فدا
 اطف و احسان و کرمه ایله توفیق رفیق
 اعتقاد پاک اوله تا کیم دایمل و زهد
 کید و مکنز نس و شیطان ایتیدن ساقله کیم
 دین و ایمانله مشهور اوله بی روز جنا
 حضرت فقر جهانک حرمتیله لطف ایلوب
 مول بخشیده سعیده شفقتی ایله روا

اولان اویج حصه ایشدر و شیاطین و جن و افسی دخی اون جزء
 ایلوب طقوزین شیاطین و برین جن و انس ایشدر و جن و انسی
 دخی اون جزء ایلوب طقوزین جن و برین انس ایشدر بونلر برجه
 ملائکه جمله دن اکثر و اید اولوب عددین انجیق حق تعالی بیلور
 پس ملائکه جناب یارینک عباد مکرملری اولمغه فرمانده همیشه
 مطیع و منقاد اولوب قطعاً عامی اولمازلر بنابرین معاصبتک جمله سندن
 معصوملر در مأمور اولد قریخی ایشلر زکورت و انوشت و نوم واکل
 و شرب و لوازم بشریه دن عاری جسم لطیفدر در هر شکله کیرلر حتی
 در در قنادرلی اولمغه اوچارلر جمله سی نوردن مخلوق اولوب ایمانله
 متصفلر در (لکن خواص انسان خواص ملکدن و عوام مؤمنین عوام
 ملکدن افضلدر) کراما کاتبین ایکی ملکدر که بره مؤمن خیر ایشلر
 صاعیده کی ملک دفتینه اقلی اون ثواب یازار کاه ایشلر صولده کی
 ملک صاعیده کی ملکدن یازمغه استیذان ایدر اولدخی توبه و استغفار
 ایدر دیویدی ساعت توقیف ایتدیرر نائب اولماز ایسه برینه بر بازار (اما
 کافرک حفظه ملکی ایکسدر بری سبئه سنی یازر و بری شاهد اولور
 و مؤمنینک عملنه کوره مؤکل ملکدر وارد بری اوکند خیرانه سوق ایدر
 و بری ایلدیکی صلواتی فخر عالمه علیه السلام تبلیغ ایدر و بری اردندن
 مضراتی دفع ایدر و دخی جبرائیل و عزرائیل و اسرافیل و میکائیل علیهم
 السلام حضرت اقای رسل الاهددر (و رضوان علیه السلام در بان بهشتدر
 و مالک علیه السلام در بان دوزخدر) و اسماعیل علیه السلام نصف
 شعبانده جمیع دفاتر اعمالی حفظه مأموردر و منکرین علیهم السلام قهرده
 سؤاله مؤکلدر و مؤمنین ایچون برقاج طاقم ملائکه کلور برطاقی رخم
 مادرده تصویر جنین و نفخ روح و عمر و رزق تحریرینه کلور و برطاقی
 صلاة صبح و عصری شرعه موافق قیلا نلره کلور و برطاقی صبح
 و مساده آخر سوره حشری شرعه موافق اوقیانلره کلور و برطاقی
 هر کیجه سوره دخانی شرعه موافق اوقیانلره کلور و برطاقی نفسیز
 و حدیث و مسائل دینیله تذکیر اولسان مجلسه کلور و برطاقی رمضانده
 شرعه موافق صائم اولنلره کلور و برطاقی لیله قدرده بولانن مؤمنین
 کلور و برطاقی مضطربینه کلور و برطاقی حالت موده اولنلره کلور

و بر طاقی جنازه صالحینک نماز بی قلمه کلور و بر طاقی کفارله حین
مقاتله ده مؤمنینه معاونه کلور و بر طاقی محشره کیدر کن کبرای امته
کلور و بر طاقی جنت قیوسنه واران اهل سعاده کلور و بر طاقی
جنده اولان مؤمنینه کلور و شمس طلوع ایدر کن ایکی ملک یار بی
منفقہ خلف و عسکه تلف و یر دیود عاء ایدرلر و بر کیمسه بر کیمسه
غائبانه دعاء ایتد کده اول کیمسه نک باشی اوزرینه بر ملک کلوب و لک
بنله دیر و بر کیمسه شرعه موافق ایدرسته جامعه نماز قیلسه ملائک
معیت ایدوب اللهم ارحمه اللهم اغفر له اللهم تب علیه دیود عاء ایدرلر
* کتب الله *

جبرائیل علیه السلام ایله روی ارضده اولان پیغمبران عظام علیهم
السلام حضرت انه قبل حقندن انزال اولنان یوز عدد صحف شریف
و درت عدد مدون کایدر که فرقاندن ماعداسی یکدن یازلمش نازل
اولمشدر و اول درت عدد کتاب کریمدن تورات حضرت موسایه
انجیل حضرت عیسیایه زبور حضرت داووده فرقان حضرت محمد
علیه السلامه نازل اولمشدر و اول یوز عدد صحف شریفک اونی
حضرت آدمه و اوتوزی حضرت ادریسه و الیسی حضرت شبنه
و اونی حضرت ابرهیمه علیهم السلام نازل اولمشدر بو کتب و صحایفک
جمله سی حقدر و محمد علیه السلام سن سعادتلی قرقه رسیده
اولدقدنه بعث اولوب رمضان شریفک یکرمی دردن قرآن عظیم
الشانک نزولنه ایتد عاء اولمغله جبریل علیه السلام اقتضاسنه کوره
از بردن یکرمی اوج سنه ده تکمیل ایلدی و محمد علیه السلام دخی
الشمس اوج باشنده عازم خلد برین اولدیلر اما قرآن کریم کتب
ساره نک افضل اولوب مؤخر انزال اولمغله حکمی قیامتده ک باقیدر
و قرآنک ترتیبی الحق خدائکدر ز بر آیتک انزالنه اراده الوهیتی تعاق
ایتد کده بی حروف و صوت پیوردقدن صکره حرف و صوتی برانمغله
جبریل علیه السلام اشیووب حفظ ایتد کده بو آخی فلان سوره به
و فلان محله یاز سونلر دیورماننه بناء جبریل دخی صدر کزین جناب
فتح المرسلنه کبروب قلب جناب محمدی به مأمور اولدیغی اوزره
افاده ایتد کده آنلردخی ازبر و حفظ پیورده ک کتاب و حیه اولوجهله

تقریر و ازک دیو امر و زردی کتاب وحی دخی مقتضاسیجه تحریر
واز بر لب قرأت ایدرلر دی وقتا که فخر عالم علیه السلام تشریف
عالم بقا پیوردنلرنده ابو بکر رضی الله عنه زید بن ثابت رضی الله عنه
بر ره جمع اولمغی امر ایلدی آنلردخی صحایف و حفاظدن ترتیب
جناب خدای متعال اوزره یاز دیلر بعد زمان حضرت عثمان
رضی الله عنه خلیفه اولوب حفاظک فقدانتنه مبنی اختلافدن وقایه
ایچون صحف حضرت ابو بکر دن رضی الله عنه بش یاخود یدی عدد
صحف شریف یازد ردقدن صکره جمله اصحاب کرام حضور لرلنده
بسم الله شریفه نک یاسندن و الناسک سیننه دک قرائت پیوروب فخر عالم
صلی الله علیه وسلم حضرت لرینه انزال پیوریلان قرآن کریم بو میدر
دیو خطاب پیوردنلرنده صحابه کرام رضی الله عنهم دخی بودردیو
بالاتفاق جواب ایتدیلر بعد سالف البیان یدی عدد صحف شریفک
برینی مکده و برینی کوفیه و برینی شام شریفه و برینی بحرینه و برینی یمنه
و برینی بصره جائینه کوندردی پس قرآن عظیمک شرطی اوچدر بری
صحف حضرت عثمان موافق اولمق و بری علوم عربیه به موافق اولمق
و بری دخی سند صحیحله استاددن اخذ اولمقدن و قرآنک دخی شرطی
اوچدر بری آغزده دل طو اشماق و بری حروف مخر جندن قویمق و بری
دخی او قودیغن قولاغبله اشمکدر و جمع کتب الهیه حقدر و حق ناطقدن
وقدیمدر مخلوق دکدر لکن تعلیم و تعلم و کتاب اولنان کلام لفظی حادث
و مخلوقدر که اصوات و حروفدن مرکبدر بولجه اعتقاد جمله به واجبدر
* رسل الله *

جمله انبیانک علیهم السلام اولی حضرت آدم آخر و خاتمی حضرت
محمد علیه السلامدر که نوری و روح اطیبی جمله دن اول مخلوقدر دنیایه
نبوتله تشریف پیوردیلر قرق یا شنده پیغمبر اولدیلر دیمک خطادرن
مرسل اولیان انبیاء کرام علیهم السلام ایکوز کره بیک و یکرمی
بششیک و ایکی کره یوز بیک کره بیک عدد در و مرسل اولان انبیاء
عظام یالکر اوچبوز اون اوچدر دیو کتب الاحبار رضی الله عنه دن
مر ویدر اما حضرت محمد علیه السلام بالاتفاق جمیع انبیاء
و مرسلینک افضل و اگر میدر بعده حضرت ابراهیم بعده حضرت

هناسمه فلیامل

موسی بعدہ حضرت عیسیٰ بعدہ حضرت نوح در صلوات اللہ علی نبینا وعلیہم اجمعین پس بویس نبی ایشان اولوالعزم اولمربله سائر انبیا و مرسلین افضلین و جمیع انبیا کرک قبل النبوه و کرک بعد النبوه مطلقا کفریدن معصوم و ملرد بعد النبوه ایسه جمیع کباردن و منقرات صفاتردن دخی حق تعالیٰ نیک عفتت و اعانتیله معصوم و ملرد الحق انبیا دن ضرورت عصیانده صنادزه اولان زلات و خطایا معصوم و ملرد و حق تعالیٰ دن غیریدن خوف ایتمزل و همه انبیاء عظام ملائکه کرامدن افضلدر و انبیا نیک بول و تقوی طاری ظاهر در قطع احلام اولمازل (و حضرت محمد علیہ السلام مدت العمر وجهها من الوجوه قطعا کاه صادر اولدی و جسم سعادتار یله سموات علایم عروج ایدوب بلا کیف و لامثال حق تعالیٰ بی مشاهده پیوردی (و دخی آدم و شیت و نوح و هود و صالح و یوسف و شعیب و لوط و زکریا و موسی و سلیمان و محمد علیهم السلام حضراتی مادر کرامتدن سنتی متواله اولدیار و حضرت محمد علیہ السلام کابی جمله کتبدن افضل اولدیغی کبی مبارک بر مقلدن جریان ایدن میاه کوردن افضلدر (و قبر شیرینی جتدن و لیلایه و لایقی ایله قدردن افضلدر و نبوت ابتدا اکا اعطا اولمشدر و جمله مخلوقات آنک در مته خلوقدر و رسول الثقلین اولمغه کافه انس و جنه مبعوثدر و معجزات باهراتی سائر پیغمبران معجزاتدن اکثر و او فردر و احسن کلام اکا نازل اولمغه شریعتی تا بروز قیام جاری اولوب زیاده اسهل و انفع و باقیدر جمله دن اول قبر سعادتارندن قائمغه جمیع انبیا و اصفا زیر اواء الحمدنده جمع و حشر اولورل (و روز قیامتده ابتدا شفاعتی انرا یلیوب ابتدا جتنه داخل اولورل و بقسام محمود و درجه و سبله صاحبیدر بومه لالو فضائل اثیق جناب فخر المرسلین مخصوصدر و امتی خیر الامم اولمغه درجه لری اعلا در صلواتی امتی اولان رجال پیغمبر اولیان ملائکه دن و خواتین جتنده که حور یلردن افضلدر و روز حساب مصالحتی ائم سائر دن مقدم کورلکله ائم سالفه حقلرنده شهادتاری مقبوله اولوب جمله دن اول جتنه داخل اولورل

* نه معتقدات *

حق تعالیٰ حضرت تارینک عذابدن امن و رحمتدن قنغ امید کنردر

اجل بر در متعدد اولر و وقتدن نیم لحظه متقدم و متاخر اولر حرام حق تعالیٰ دن رزقدر جمیع ذی روح ارزاق مقدره سین استیفا و تکمیل ایتمکله فوت اولماز و سعید کاه شقی و شقی کاه سعید اولور جناب حق دیلد یکنی اشلر و دیلد یکنی حکم ایدر (و دخی بعد الانبیا فضل بشر ابو بکر بعدہ عمر بعدہ عثمان بعدہ علی بعدہ سائر اصحاب کرامدر رضوان اللہ تعالیٰ علیهم اجمعین بناء علی هدا جمیع اصحاب کرامی خیرله ذکره مأمورن (و دجال و دابة الارض و یاجوج و ماجوج و خروجی و حضرت عیسانک علیہ السلام سمادن نزولی و سمسک مغربدن طلوعی و سائر اشراط ساعات و احوال یوم قیامت و روحک جسدہ قسیده عودتی و مینی قبرک صمیمه سی و کفارک کلبسه و عصا مؤمنینک بهمنیسه عذاب قبر اولمسی و اهل طاعتک قبرده تنیم اولمسی و سؤال منکرین و جسدایله قبردن بعث اولمق و روز رستخیزده سؤال و حساب و میزان و وزن اعمال و صحایف اعمال و برک و بین الحصا عرصاتده حسنات التیق با خود سیئات محویله فصا ص و احقاق حق اولمق و حوض نبی و دوزخ اوزرینه مراط کوریمی قورلمق حقد و واقع اوله جقدر بویلمه اعتقاد جمله و اچیدن و مؤمنیندن اهل کار حقدده انبیاء عظام علیهم السلام ایله اخبار متقینک شفاعتاری ثابت و جارد و جنت و جهنم حالا مخلوق و موجود و باقیدر قانی اولمازل و اهل کبره ایمانله فوت اولدیغی تقدیر جه ایدی دوزخده قالماز بلکه جناب خدای متعالیٰ کمال فضل کریمله دوزخدن جتوب جتنه داخل اولورل و اهل جنت و اهل نار محلددر حق تعالیٰ نیک جتنده ثواب و برسمی و جهنمده عذاب و عقابی قانی اولمازل و ایدر اللهم احشرنا مع زمرة المقربین و شرفنا برؤیت جلالک با اکرم الاکرمین

* حضرت آدم علیہ السلام *

حضرت آدمک نهوی اولادینه ایدی بویلمه جتنده ایکنی نبی دینلردی زیا اولوقنده عنیدر سعادتارنده زوجه مکرملی حوادی غیریری بر فرد بویلمدی و کنیلری ایا محمد و ابوالبشر در بنیاء علیه اول الانبیاء و ابوالبشر و ابوبنبوتی انکار یاخود شک ایدن کافر اولور (حق تعالیٰ حضرت آدمی خاکدن القش اویج ارشون قامت اوزره صورت انسانیده

بعد تصویر نفع روحه بجای ایدوب بر روایتده مکه ایله طائف میاننده
بی پدر و مادر خلق ایلد کده جله ملائکه به آدمه سجده ایلد دیو فرمان
بیوز معین ناصیه حضرت آدمه کنش کی منور اولان نور محمدی برکنده
اولا جبرائیل بعده میکائیل بعده اسرافیل بعده عزرائیل علیهم السلام
بعده اصح اقوال او زره سائر ملائکه باجمعهم سجده ایلدیلر بعض
علماء عندنده اول سجده نمازده کی سجده کیدر (بو صورتده سجده
خدایه اولوب حضرت آدم قبله اولور) صکره باری تعالی آتی جسته
قویوب حضرت سوا بی مصل ایگوسی کو کنند بر اندی و نکاح
اسلامه آمه و یروب بر مذند صکره روی ارضه اهباط ایلدی و آدمدن
مقدم عالم وجوده انسان کلما مسدر و حضرت آدم دور سنبله اولنده
کلمه حکمی بدییک سنه در (و کتب منزله دن کند و له اون عدد
صحیفه کله شد کی اول زمانده اول صحیفه موجوده عمل ایلر دی
اول صحیفه کی بری حروف نهجیدر انکی چون بدیوز یک لغت و اسان
تکلم ایتمکله هر بری اولادندن بر طائفه به انقال ایلدی و دم ایله قتل
اولیامش جانورانی و خزیرک قانی و آتی تا اول زمانده حرام اولمشیدی
و حضرت آدم مطلقا طایفه سزایدی صکره اولادنده ظهوره کلدی
و خلقتندن بعثت جناب فخر عالم میانی بشیک سکر یوز سنه در (و آدم
ایله نوح علیهما السلام میانی بیکوز سنه در و آدم علیه السلام
سن سعادتری صحیح طقوز یوز الفمدر ابو هریره دن رضی الله تعالی
عنه مرویه که حق تعالی حضرت آدمی خلق ایدوب نفیخ روح
ایلد کیده قالب شریفنه نفیخه حلول ایدب ککرینه ایشیک حضرت
آدم اغمر ووب ازن حقه الحمد لله دید کده هاتقدن بر حنک ربک یا آدم
نداشی اشدلد کده صکره ملکاره کید ووب سلام و بر وسکا اشد کتری
تعظیمی کوش ایله دیو امر اولندیغنه بناء آدم علیه السلام دخی
ملائکه دن جانشین بر جماعته کیدوب السلام علیکم دیو جنک
انلر دخی علیک السلام و رجه الله و بر کانه دیو رجه الله تعالی
زیاده اید ککریده حضرت آدم در کاه الوهینه توجه ایدوب خداوند
شولحیت سنک تعیت کدر و سنک ایله ملائک ینشده بر تحیت در دید کده
هاتقدن یا آدم سنک و اولادیکک سلامی جوابی قرنا فقرنا الی یوم القیم

بو کلام فرخنده فام اولسون دیو آوازه کلدی (بناء علی هذا سلام
و بر مک سنت و در سلام میانه اسلامده فرض اولور) اندن صکره جناب
مولای تعالی بزم مللوا یادیدن منزله اولدیغنی حالده یومولی ایکی
دست قدرتی آدمه عرض ایدوب برینی اختیارله امر ایتمکین آدم دخی
دست میانی اختیار ایتمکله اول دست قدرتی فتح ایدنبجه آدم قیامتده کله
کله جنک ذریاتی اول دست مبارک ایچنده کوروب خدا یابونلر کیمدر
دیو سوالنده خطاب عزت کلدیکی یا آدم یونلر ایچمه سنک ذریات کدر
پس آدم کور دیک هر کسک عمری ایکی کوز لری آره سینده یاز اشد
و میانه ار واحد یوز لریده نور برق اورر بر کروه بر شکوه کوروب سوالنده
خطاب مستطاب نازل اولدیک یونلر اولاد کدن انبیادر (و ینده یونلرک
ایچنده جله دن نور و ضیائی افزون بر ذات کوروب صورتده جواب
کلدیکی بود دخی اولاد کدن داود پیغمبر علیه السلام در بو کافرق سنه
عمر تقدیر ایدم پیور لدقده حضرت آدم الهی یونک عمر ینده زیاده ایله
دیو یاز ایدیک خطاب عزت کلدیکه بنی آدمک عمری تقدیر ایدیکمدن
زیاده اولمز اول زمان حضرت آدم عمرندن قرق سنه سنی حضرت داوده
هیه اید کده اشته سن و اشته اول اختیار الکده در دیو خطاب عزت کلدی
ماحصل حضرت آدم بهشتدن بو عالم قانی به هیوط اید کده کلدی
عمر بنی تعداد ایدر لدی (و قنا که حضرت عزرائیل علیه السلام
کلوب آدمک روح لطیفی قبض مراد اید کده حضرت آدم
ملک الموته عجله ایتدک بنم ایچون یک سنه عمر تقدیر اولندی قرق ییل
دخی عمرم واردر دیدیکنی ملک الموت تصدیق ایدوب لیکن سن
عمر کدن قرق سنه سن حضرت داوده هیه ایلد ایدد کده حضرت
آدم و حوامونک تیر کله سن کریمه کوروب هیه بی اوتندی بنا برین
اول زماندیر و ذریاتی دخی ایکی کوز لری میانه مرسوم اولان عمری
و موتی اوتدیلر (القصد) امر حقه ایکی ملک کلوب حضرت آدمک
حضور شریفنده یا آدم عمر کدن قرق ییل اوغلاک داود پیغمبر هیه
ایتدک دیو شهادت ایدیلر (انک ایچون دعا و یده شاهد طوطی
اول زماندن قالدی) حضرت وهب دن رضی الله تعالی عنه
مرویدر که حضرت آدمک عمر شریفی ختمامه واریجی میوه جنانی

آرزو ایتمکین اوغلانینی کوندیردیلر آنلردنخی بولده کیدرکن فرشتهلر
یا ابن آدم فائده کیدر سنربا امان خسته التماسیله جنت موهبی طلبینه
کیده رز دیدکلرنده فرشتهلر یونلری دوندیروب حضور حضرت
آدمه کلدیلر (یونلرک عقیبجه ملک الموت کلوب حضرت آدمک
روح پاکنی یوم جمعهده بعد القبض خضیض خاکدن زروه افلاکه
کتورد کد نصکره ملائکه عظام حضرتانی جسد سعادت حضرت
آدمی اوج دفعه صوابله بعد الفسل جندن کتور دکلی حنوط ایله
ترطیب و کفن ایله تکفیلدا نصکره جبریل علیه السلام امام اولوب
نمازینی قیلدیلر (وایی قییش طاعتی تیار الکیره دفن ایتدیلر) وقتاکه
طوفان اولدقده حضرت نوح علیه السلام تابوت حضرت آدمی
نخقاروب کمنی به الدیلر طوفان برطرف اولیجی یتنه اولکی مقامده
یاخود یتنه المقدسه دفن ایتدیلر (و حضرت آدمک وفاتندن برسنه
فروردقده حضرت نوح اولدی وفات ایدوب جسم شریفی حضرت
آدم قاتله دفن ایتدیلر) پس حضرت آدم قید خیائده اولدقده
دائما فرشتهلر آدمی وزیرانی زیارت ایدرلر ایدی چون انیس
علیه السلامک و سوسه سیکه میانه ابن آدمده فتنه و قساد کرکی کبی
روغما اولغله جناب احدکم الحاکمین شیت علیه السلامده
پیغمبرلک احسان ایدوب اول قوم سقیمی ارشاد ایچون ارسل پیورسی
ایستادنده * حضرت شیت علیه السلام *
شیتک مفاسی عطاء الله و هبة الله دیمکدن حضرت حواءک حضرت
آدمدن یکر مېسی رجالدن و یکر مېسی نسا دن اوله رقی یکر می
بلنده قرق نفر توأم اولادی اولدی (اولزمانده لاجل الضرور
بطن اخرا دن اولان همشیره سنی بزواج جا زایدی صکره نسل
متکثر اولدقده حلی حرمتنه منبدل اولدی) بنابرین حضرت آدمک
اوغلی قابل بر روا یتده قز قز نداشتی اقلما ایله جنت اولادی اولوب
اقلما بی بن تزوج ایدرم دیود عوا سنه مینی هابلک قتلنده تحیر ایکن
شیطان تمثیل ایدوب بر قوشک باشی طاش اوزرینه قیوب طاشله
اورارق ازدی (پس قابل شقی بو کیفیتی کور یچک یکر می یا شنده
اولان هابل سعیدک باشی طاش اوزرینه قیوب طاشله شقی و بعد القتل

قرق کون یاخود برسنه کزدرد کد نصکره دفن ایلدی (بوتقدیرجه
وجه ارضنده اول قاتل قابل اولدی) و اول میت هابل اولدی
(و هابلک قتلی حکو تنده حضرت آدمک سن سعادت لری یوز
اوتوز سنه به رسیده اولغله حضرت حوا ایله زیاده محزون و الماک
اولدیار و حضرت حوا آنک حضرت آدمدن بو وقعده دتصکره
درت سنه اولادی اولدی بشی سنه شیت علیه السلام حضرت
خوادن ستلی تولد ایدی (بوتقدیرجه شیت علیه السلام هابلدن
عوض ویرلدی) اول زمان حضرت آدمک عمر عزیزی یوز اوتوز
بش بیله ایرشمشیدی و حضرت (آدم بر حیات ایکن شیت علیه
السلامه الی صحف نازل اولدی) وقتاکه حضرت آدمک عمر
عزیزدن اون بش کون قالدی (بر مکتوب یازوب حضرت شیت
ویردی) و وصیت ایدیکه پیغمبرلکک ظاهر اولنججه بو مکتوبی
فرد آفریده به کوستر میه سن ذیر اولاد قابل کوررلر ایسه اولاد که
خسدا یدرلر دندی (ما حصل هرینه مالک ایسه حضرت شیت
تسلیم ایدوب وداع عالم فانی ایتدکده) ولد و ولد بی ادم قزق بیکنه
بانغ اولمشیدی چون پیغمبرلک حضرت شیت ایرشیدی (الی آخر العمر
اول قوم سقیمی طریق مستقیمه دعونه مشغول اولمشلر ایدی) اولوقت
کعبه معظمه برنده خیام جناندن برخیمه مکرمه وار ایدی (حضرت
شیت سنک وکل ایله بنیاد ایتدی) بعد زمان اول خیمه سنشدش
فضای قدسدن صحرای فردوسه صعود ایتدی (پس حضرت
شیتک طقه و زیوز اون ایکی ینل عمری اولغله هبوط آدمدن
بیکنیوز قرق ایکی سنه سنده عازم خلد برین اولدیلر) انتهى
* حضرت ادریس علیه السلام *

ابن برداء بن مهلایل بن قیسان بن انوش بن شیت بن ادم علیهم السلام در
اصل نام شریف لری خنوخ ایدیکه لغت سریانیده ضابطه مناسند در
حضرت ادم و شیت علیهما السلامه نازل اولان صحایف شریفه لری
چوق درس ایتدیکندن ادریس دیدیلر (هبوط آدمدن بیکیوز یکر می
ایکی سالده والده سی بره دن تولد ایدوب بیکیوز قرق تار یخننده
علوی طوفان دن حفاظانجه من مصرده اهرامات بنا ایتدیلر) و حضرت

ادریس زمان وفات حضرت آمده یوز یا شده ایدی (واوچ مرتبه لری
 وارا یدیکه بری نبوت و بری حکمت و بری سلطنت در) وفات حضرت
 آمدن ایکوز سنه کچوب سن سعادت حضرت ادریس اوچ یوز
 وارد قدده نبوت اعطا و او توز عدد صحف شریفه ازال او اندی
 صفت شریف لری بالاقد و محسم و یصی سینه او مرد مخیم چوق قیلاو
 واوزون صقالو مبارک قولاشنک بریسی اول برندن بیوک ایچنه
 آواز او وزم سوزلی ایدیلر (و حضرت آمدن نصکر اول مرسل پیغمبر
 حضرت ادریس در) هر چند که سعی بلیغ وجهه پیدریغ ایله اصحابی
 دینه دعوت ایلدی (همان یك نفر کیم سنه دعوتی قبول ایلدی)
 و حضرت ادریس دنیاده اون التی سنه یمدی و ایچمدی و او یومدی
 و تزوج ایلدی (زیرا کثرت ریاضتدن شهوت کلیا زائل اولوب عقل
 مجرد قالمشیدی) یوز بش سنه سجاده نشین نبوت اولوب در تیز بش
 یا شده مکان اعلا یه رفع اولندی (بعضیلر سماء رابعه و بعضیلر
 سماء خامسه و بعضیلر سماء سادسه و بعضیلر چته رفع اولندی
 دیدیلر رفع اولندیغی مکاندن اعلی مکان یو قدر دنیاده ابتدا
 قلم ایله کاتب واثواب دیکمک و علم نجوم و حساب بونلردن ظاهر
 اولدی و فلاك زحله عروج ایدوب امر حقله او توز سنه زحل ایله
 دور ایتدیلر) علم حروف دخی انارک مجزائندن در (حضرت
 جبریل صورت بشرده حضور لرینه کلوب بعد السلام یا ادریس
 جبریل قنیده در دیو صورت قلارنده شمدیکی حالده روی ارضده جانب
 جنوبیده و بوشهرده و بوخانه ده بلکه جبریل سنسن دیو یور ییچی
 اولدخی جبریل بنم دیو جواب و یردیلر اولوقته ده حضرت ادریسک
 تصدیقاتی مبارک اللرنده ایدی جناب جبریل دست سعادت حضرت
 ادریسدن قلیوب دریاه آغچیکون ال صوند قلارنده بعضیسی دریاه
 کیدوبه و بعضیسی حضرت جبریلک مبارک اللارندن یره دوشیدی
 پس سلاطین و علماء و حکماء اول یره دوشن اوراق متفرقه دن
 اقتباس واستفاده ایتدیلر چون حضرت ادریس اعلا یه علیه
 رفع اولندیلمیانه بنی آمده تکرارفته و فساد و ظلم بی داد از هر جهت
 هویدا اولغله جناب عزیز ذوات تقام حضرت نوح علیه السلامی

آیات قاطعه و دلالات باهره ایله اول قومه ارسال ایلدی
 * حضرت نوح علیه السلام *

ابن ملک بن متوشلخ بن خنوخ علیهما السلام در و نام مادر محترم لری
 قوس بنت کابیلدر نوح علیه السلام قومنی دعوت حق ایتدیکه
 قبول ایتدکارندن بیحد نوحه ایله کفارک عنادی زنجندن آزرده دل
 اولدیغنه سبب نوح دیدیلر بعضیلر دیرلر که شریعت ابتدا حضرت
 نوحه کوند رلدی حق تعالی ک امر بنی عبادینه ایشدر مکده محکم
 اجتهاد ایدوب جد بلیغ و سعی یدریغ ایلین نبی یه اولوالعزم دیرلر
 بنابرین حضرت نوحه اول اولوالعزم دیدیلر زرا پیغمبرانندن پیدری
 قومنی حق دینه دعوت ایدن حضرت نوحدر حتی چشمه کر یالده
 قومنی دعوت حق پیورد قلارنده کفره بفره عقلی زائل اولننه قدر
 حضرت نوحی ضربدن صکره فوت اولدی دیومغشوش و مشوش
 مزبله لره براقیرلردی ینه عقلی باشد کله کده تکرار دعوت حق ایله
 مشغول اولورلردی بوسسپیدن شیخ المرسلین واعظم انبیاء کزین
 اولدیلر و مدت العمر قوت و قدر تیری زائل اولدی حتی مبارک
 دند انلری قطعاً آخر یمدی و دوشمدی قومنه بد دعا ایتدیکنک سببی
 بودر که بر بیدین و بد آیین کفرنده معنت قوجه کافر برکون اوغلنی
 او وزینه الوب کیدرکن حضرت نوحه راست کلکله اول شوم اوغلنه
 ای اوغول ایشو پیری صکور و خاطر نشان ایله که پیودیکک زمانده
 بونک سوزینه الدانوب دین و آیین کیریمه سن و بنم کی ظلمات کفرده
 فلاسن دیو و سیننده اول بد اصل باباستک او وزندن اینوب بر چوماق
 ایله حضرت نوحک مبارک چشمه خشمه اور قدده حضرت نوحک
 آنش غیرت سنه پرسوزندن باش کوسر و ب ای ملک قهار بر آوچ
 ناپاک کفاری راه سلامتدن طوفان بلایه غرق ایله دیو بد دعا ایتدیکک
 غیرت الهیه ظهور ایدوب هبوط آمدن ایکیکیک التیوز الی التجی
 سنه سی ماه زجینک اونجی کون طوفان ظهور ایتدکده حضرت نوح
 علیه السلام سکسان نفر کیمسه ایله کشتی سوار اولوب الی ماه کشت
 و کذا در نصکره ماه محرم الحرامک اونجی کونی کشتی حضرت نوح
 جبل جودی ده قرار ایتدی بناء علیه اولکونه یوم عاشورا دیدیلر و اول

سکسان نفر کسان جزیره عمریه ده ارض خرید نام محله بر شهر شاه
ایوب نامی سوق ثمانین قودیلر بعد الطوفان ابتدایا اولنان شهر
سوق ثمانیدر و طوفانیدن صکره کشتی سوار اولان اشخاصیدن توالد
و تناسل منقطع اولوب وجوده کلان انسان انجق حضرت نوح
نسبتدن حاصل اولغله بوسیدن حضرت نوحه آدم ثانی دیدیلر
و حضرت نوح کیمیده اوج نفر اولادی و ارایدی بری سایدن که
مظهر خیر دعاء اولایغندن انبیا و عرب و عجم و روم و قبطی جمله
انک نسبتدن متولد اولدی و حضرت سام زمان طوفانده الی باشنده
و وفات حضرت نوحه در نیوز باشنده ایدی بعده ایکیز سنه دخی
معمرا اولدیلر بو تقدیرجه سامک مدت عمری التیوز سنه اولور و براوغلی
دخی حامدیر که حیشه وزیرکیان انک نسبتدن متولد اولدی حضرت
نوح اوغلی حامد اولادیکک باشنده اولان مویشی اصلا قولایقارندن
آشقی رویلر سنه ایشون (و اولاد سامه قول اولسونلر دیوید دعاء
ایمکه اتر دعاء حلالا کون کبی طاهر در (و براوغلی دخی یافتنر که بلدان
بعیده ده اولان اترک و یاجوج و ماجوج انک نسبتدن متولد اولدی
و حضرت نوحه علیه السلام الی باشنده ایکن پیغمبر لک احسان
اولندی (و عمر عزیزی دخی یک اوچوز سنه در (زیر اقبل الطوفان
طقوز یوز الی باشنده ایدیلر (و بعد الطوفان اوچوز الی
سنه دخی بر حیات اولوب ارتحال دار بقایور دیلر سن حق تعالی تکرار
آیات دینی نصب ایکیچون حضرت هود علیه السلامی ایمال ایلدی
* حضرت هود علیه السلام *

ابن صالح بن سام بن نوح علیه السلام در (اصل نام شریفاری عاردر که
والدی صالح اوتوز باشنده ایکن حضرت غار والده لری مرجانه دن
وجوده کلدیلر (و عارک سکون و وقاری بر کال اولدیغنه سبب هود
دیلدی (و حضرت هود قرق باشنده مرسل پیغمبر اولوب عاب بن عوض
ابن آدم بن سام بن نوح ک اولاد دخی دعوته مأمور اولدیلر (و قوم عاد قوت
و قدرت صاحبیلری اولوب زیاده با ایقدرلرک یوزوز زیاده کوهلرینک
الشمس ارشون قامتیلری و ارایدی (و باشلری حجام قبه سنی کبی ایدی
بنار بن دکه بر خانه وصفه به صغیر قیلرندن صحرا و مغاره لده

طوور لردی (و چشم و انگلرین سرون سرون طوور اشیانه ایدیلر ایل
باور یلر بسلوب اوچور لردی (روی ارضنده بز جلین صاحب قوت
بو قدر دیوهر طائفه ایلر عداوت ایدوب حضرت هودک دعوتی قبول
ایتمک لرنده (سموات و ارضین صیار صیلوب یدی کون سکر کجه زنج
صیر صراسمکه (اول قوم دوزخ قرخی فریات قادر مطلق ایلر در حال
اهلاک ایلدی اولوقت حضرت هود علیه السلام معینده کی
مؤمنین ایلر بر مقام امینده آرام بیورب و اوزرینه یاد نسجیدن غیری روز کار
اممه دی (پس حضرت هود اول زمیره کفره نک مظهر قهر الهی
اولوب هلاک لری کور یحک (شکر جیلدن صکره کعبه مکر مدیه کیدوب
طاعات و عباداته مشغول اولدیلر (و قنا که سن سعادت لری یوز الی سنه به
واردی حضرت علی رضی الله عنه قول اوزده عین وز بیده میائنده کی
حضرت موت نام ولایته معینده کی مؤمنین ایلر ارتحال دار بقایور دقلرند
نکین خاتم نبوت حضرت صالح علیه السلام نامنه نقش اولندی
* حضرت صالح علیه السلام *

ابن عییند بن اسفد بن کاشح بن حادر بن حمود بن حار بن آدم بن سام
بن نوح علیه السلام در (شام شریف ایلر واردی القری میائنده کی
حجر نام محلدن ظلم و رایدوب هنگام مرتبه بلوغده نبوت اعطا اولندی
دائما بر هنر کرب و تجارت ایدر لردی اما عیال بق سوادن قطعله تجرد
اختیار ایدیلر انکچون مسکنلری یوغیدی (اول زمان قوم حمود بت
پرست اوللر ایلر دعوت ایلر مأمور اولدیلر (آخر اول قوم شوم یا صالح
یار بن علی الصباح جمله صحرا به حقیقه لم التماس ایده حکم شینک ظم و رینه
مقتدر اولورلرک سنی و پروردگار یکی اقرار ایده لم دیدیلر (چون صباح
اولوب صغیر و کبر عموما حضرت صالح ایلر بر صحرای عظیمه حیدیلر
یا صالح پروردگار کدن زجامند اولکه (اشیو معاینه اولنان سنک
سیاهدن بر رأس دیشی نافه چاغرد قد نصکره میدان چاقوب طوغرسن
دید کارنده (حضرت صالح علیه السلام ایکن رکعت نماز قیلوب
جناب بی نیازه تضرع و دعا نصکره روی مبارک کن خا که سوروب الهی
بو قومک مرادین احسان ایلر دیو دعا یدیکک (در حال اول سنک
سیاهدن بوری طوتان عور تلر کی ایکلدیلر طهور (و همان اول

قره طاشدن بردیشی دوه چقبوب فی الحال بر کوخک طغور نجه قوم نمود
 متحیر اولدیلر (ایچلرندن چندخ بن عمر توابع ولواحقه ایمان ایدوب
 ماعداسنی دوار بن عمرو نام کافر ایماندن منع ایلدی (واول ناقة کوخکله
 اولامغیه و صولمغه باشلدیلر) و هر کون اول قوم بد کردارک
 طوارزله اولوب صواجرلری بر کون اول قومدن نیجه بیدین
 ناقة مبارکه بی اولتی و صودن منع و تلفه قرار و ناقة یاور و سله اولمغه
 کیدرکن مسداع نام شی قیر آتوب قتل ایتدکه یاور یسی بر اولی طاعه
 قاجدی (پس اول قوم بیرجم حمله حضرت صالحدن عذر
 دیدیلر ایسه ده حضرت اوج کوندن صکره سره نازل اوله حق عذابدن
 بریکر قوز ایدوب بر دمه جان و یزر سکر یلورد قده (قوم لثم بونجه
 فصحا چند نصکره صورت استهزاده بی اوله اولور) ایماندن ناله لم
 دیدیلر (حضرت صالح بارکی یوم خیسنه عمو یوز یکن صرارز
 وجهه کونی قان کی قرارر) و شبه کونی کور کی قرارر یوز دیلر
 واقعا اوله اولوب شنه کوانی بر آواره سهمناک کوشله (آن غیر
 منقسم جموعی هلاک اولدیلر) و مؤمنین بالحقه والسلامه کعبه
 مکر مویه عزیمتد نصکره حضرت صالح علیه السلام ملک عمر
 کرانیه لی ایکوز یکر می سنه یه وار دوقه عازم خلد برین
 اولدیلر (جسم لطیفاری بین الصفا والمروه بر مقام مبارکه دفن
 اولندی) پمن حضرت صالح علیه السلام نصکره کلبانک نبوت
 حضرت خلیل الله ابراهیم علیه السلام نام شریفه اولندی
 حضرت ابراهیم علیه السلام
 ابن تاریخ بن تاخو بن ساروغ بن ساروغ بن ارضو بن فالخ بن عابر
 علیه السلام (لفظ ابراهیم عبرانیدر) پدر لی تاریخ که آزد پرل
 نمرودک و قومک بتلرینک خزینه داری ایدی (زیر زبان عبرانیده
 خزینه داره آزد پرل) اما انسان قبطیه آرز شیخ فانی دیمکرر
 و حضرت ابراهیم علیه السلام اولوالعزم پیغمبر دیشان اولمغه (قبل
 حقندن کندویه ازال اولنان اون عدد صحف شریفه جلاضروب امثالدر
 ولادتلیله میانه وفات نوح اکتیوز قرق ایکی (و کذلک ولادتلیله
 میانه طوفان میک) و زمان شریف لریله میانه هجرت نبویه ایکیک

اوجیوز تمش اوج سنه در (دیشلر در که حضرت ابراهیم هبوط
 آدمدن اوچیک اوجیوز یکر می اوجی سنه ده بابل نام شهر ده
 تشریف عالم وجود یوزوب اوچیک اوجیوز اوتوز طغور نجه
 سنه ده عراقده سواد کوفه دن کونی نام قریه ده بار نمروده القبا
 اولدیلر (زیر انمورد علیه الله سمری دولینه آلتون تاج کیوب
 شرق و غرب اهلی باجمهم امرینه رام و حکمنه قیام کوسر مکه
 کال غرورندن دعوی ربوبیت ایدوب اخر الامر اسفل ساقلینده
 انواع عذابه معذب و محلد اولدی) و حضرت ابراهیم دعوتندن
 ایلا ایدوب اول اون التي یا شده اولان جمال باغ خندان پیغمبر ایشانی
 منجیق ایل آتسه اندقده جناب حاکم مطلق جل ذکره حضرت نوری
 اول اتش سوزانی برد و سیلام ایدوب برینه کل ایتوردی و عذاب
 دخی اول حالده حضرت ابراهیم موافقت ایتکله بیک براسمه داستار
 سیرالی ایتدیکندن خایک سنا ایتادن تمیزی کی بللی دخی
 عتساز طیور اولدی انکچون جناب ابراهیم فخر عالمندن ماعداسی
 اوزرینه مفضل اولدیغی متقی علیهدر بعضیلر حضرت ابراهیم عرفه
 شهرنده ناره القا اولندی دیرلر و بوقعه ذنصره حضرت ابراهیم ارض
 عراقده اوتوز سنه دن زیاده مکت ایدوب هبوط آدمدن اوچیک
 اوجیوز طقسان سکر سنه می ورند شهر بایلدن قاقوب ارض شامدن
 ارض فلسطینه هجرت ایلدیلر ارض فلسطین غزه و زمه و عسقلان
 و بیت المقدس و امثالی مشملدن و اوچیک در تیور اوج تار یخنده قدوم
 نام محلد حضرت ابراهیم کنندی کنندی سنت ایتدیلر و اوغلی
 حضرت اسحاق بی دی کونلک ایکن ختان ایتکله طائفه یهود اولد
 یعقوب بن اسحاق دن اولد قلندن انکله عمل ایتدیلر و دیگر اوغلی
 حضرت اسمعیلی اون اوج یا شده ختان ایتکله طائفه عرب اولد
 اسماعیلدن اولد قلندن انکله عمل ایتدیلر و اوچیک در تیور یکر می
 اوج سالنده حضرت ابراهیم کعبه بی بنا ایتدیلر و اوچیک در تیور سکسان
 تار یخنده سیداً جوجی بنا ایدن اسکندر ذوالقرینه مکه مکر مده
 ملاقی اولوب معانقه ایتدیلر و سدک بناسی بوملاقندن یکر می سنه مقدم
 ایدی و اوچیک در تیور طقسان سکر سنه سنه عمر عزیزی

یون پشش بش شده به منتهی اولاد قدس مرغ روحی پرواز ریاض عتدن
ایدوب قدس شریف قر پنده خلبل الرحمن نام موضع شده غار
دفن اولندیلر (وحلیله مکره لری حضرت ساره که والدیه محترمه
حضرت امحق علیه السلام (او نور سکر شده مقدم وفات ایدوب
مقاره مذکوره ده متواریه خاك اولندیلر (سالان مقاره مذکوره نك
بابی مسدود و مطلق اولغله بالاسندن قنابل ابقاد و او یخته اولنور
زیارتگاهدر (و حضرت ابراهیم امت محمد ضیافت ایتك مراد ایتدکده
حضرت جبريلك اکا کتوردیکی بر آوج کافور جنتی جبل ابی قیسیدن
نثر ایتكده حق تعالی ایتك ذراتی جمیع اقطار ارضه ایتضای ایدوب
اندن طوزی خلق ایلدی (بو جهتدن طور ضیافت حضرت
ابراهیمدر (و مقام ابراهیم دینلن بر حجر مبارک که در که اثر پای مکرم
حضرت ابراهیم آتده باقیندر (لکن اول حجر مبارک نابود اولوب
الیوم موجود اولان حجر مذکور دکلدر (دیمش لردر که حضرت
ابراهیمك حالامقامی سماء سابعده بیت محمودر انکچون رسول الله
علیه السلام لیلده مر الجده انلری اولغامده متقیان کور دکلرتده
رسوالله توصیه ایدوب ایتكده غراس جنتله امر ایت پیور دیلر
مراد اسمله و تهلیل و تحمید و تکبیر و اذنی ان کار شریفه در که جنتك
هر صه خالیه و بقیه فارغه سی انلرله باغ و بیچه اولور (و دینادن
ایقال ایدن نایالغ همه اطفال مسلمین حصانه حضرت ابراهیمده
اولغله پدر و مادر امت مرحومه اولور (بس حضرت ابراهیم نصکره
صکوس نبوت حضرت اسماعیل علیه السلام قائمه اولدی
* حضرت اسماعیل علیه السلام *

این حضرت ابراهیمدر علیه السلام حضرت ابراهیمك حلیله
محترمه لری حضرت ساره رضی الله عنهما یا ابراهیم بو قدر زماندنبر و
پندن اولاد دیکر اولدی و لیس سعادت کور دخی یوزیش سنه اولدی
جاریهم قیطیه هاجرری سنه هبه ایدهم انشاء الله اندن اولادیکر اولور
دیو هاجرری حضرت ابراهیم هبه ایتشدی و حضرت هاجرریوز
الی باشند ایکن حضرت اسماعیل تولد پیور یحیی حضرت ساره
قسغا نوب (یا ابراهیم هاجرری و او غنی براسنن محله براق دیمکده

حضرت ابراهیم بو خصوصده متخیر اولوب حق تعالی به عرضحالله
نیاز ایتدکده هاجر و اسمعیل بر مقدار آب و نان ایله ناقه آر دینه الوب
پوله کیت ناقه نه محله جو کر سنه انلری اولحله براغوب بکا اصمرله
دیو فرمان الهی اولغله حضرت ابراهیم هاجر و اسمعیل بر مقتضای
امر الهی ناقه آر دینه الوب خلبل الرحمن خوله توجه وطی مکانه
مکه مکره نك بریه کلدیلر (اول ز مانده اولحل اسننر و صوسنر
و حرار تلی بر ایدی (اورایه ناقه جو کملکه حضرت ابراهیم یونلری
ناقه دن ایدوب بر مقدار آب و نان بر قد قد نصکره همان ششامه متوجه
اولیحق (هاجر یا ابراهیم بری بورایه یحیون براق دك دیدی (حضرت
ابراهیم جواب و برمدی (بر دخی سولیدی یتنه جواب و برمدی
او حنیجده قسمله سولوب بوراده نه یدلم و نه ایچمه لم دیدکده
حضرت ابراهیم خالق و راز فکر و بر دیدی (باحق تعالی بویله اسنر
و صوسنر محله بری براقغه امر ایتدی دیدکده حضرت ابراهیم
نعم دیو جك هاجر امر حقه انقیاد ایدوب حضرت ابراهیمك آر دندن
اغلاشه قالدیلر اول وقت حضرت اسمعیل مده امردی (وقتا که بر اقبلن
آب و نان دو کنوب آخلق و صوسنر اقدن ماعدا حضرت اسمعیل
زیاده حرار تدن کریمه ایدیمك حضرت هاجر کمال حیر تدن حضرت
اسمعیل یزه براغوب جبل صفایه عروج و صوب بولایه یحیه ایتوب جبل
مروه به کیدر کن تاله اسمعیلدن مرویه طوغری سکر تدی (اندن صفایه
بواندن مرویه تا بدیجی دفعه ده مرویه وار کریمه اسمعیل استمجنه
فوت اولدی قیاسیله آعلیه رقی مرویه دن ایتوب طوغری حضرت
اسمعیل یا یتنه کلدکده کوردیلر که یا تدیجی بردن مبارک ایتلرین
یزه اور دجیه بردن صومجرار (بن واره نه قدر کتیلور خوفندن
زمزم دیدیلر (یعنی برکده طور آقه دیمکدر (اذن حقله اول سنو
آقنبوب طور دی ایتك ایچون اورایه بر زمزم دینلیدی (بو جهتدن
موسم حیره دی کر تصفادن مرویه و مرویه دن صفایه وارلق و میاشند
سعی ایدوب سکر تكم قبل خقدن بوانده تعیین او اندی (و حضرت
هاجر زمزم دن ایتدکده قارنی طوب صوسنر اقی کیدردی (بیکساکدن
حق تعالی به نصری مقبول اولغله جرهم قبیله سندن بر کار بان

شامدن اتفاقاً و رایه کلوب کور دیلر که بر خاتون الله بر صغیر
 کوهر پاره ایله تک و تنها و تورر (تعجب ایدوب حکمتدن صور دقلرنده
 حضرت ابراهیم جاریه سی و معصوم اوغلی اولدیننی و ساره تک
 التماسه منی امر حقه له حضرت ابراهیم اورایه بر اقدیننی سر ایا
 سوبلیجک (یا بونده صوبوقدر نه بر سکز ونه ایچر سکز دید کلرنده
 حق تعالی حضرت اسمعیلک ایاغی التندن شو صوبی احسان ایدی
 بر زم طعام و صومیر بودر دیو زم می کو ستردی (پس کار باندن خسته
 و علیل اولنر ایچون شفا یولغا کیمی آیده قالدی (و کیمی اولاد و عیالی
 کتوب آنده متوطن اولنر یله شهر مکه مکرمه بی بناییدیلر (وقتا که
 حضرت اسمعیلیدی یاخود اون اوچ باشنه کیردی (ابراهم
 علیه السلام ماه ذی الحجه تک سکرنجی کیجه سنده رؤیا سنده حضرت
 اسمعیلک ذبحله مأمور اولدیلر (ایته سی کون بواصر عظیم حقیقیدر
 محارمیدر برنجی اولادیننی ذبحله مأمور اولدی (اوغل اسمعیلک ایسه
 یوزنده نور محمدی واردیو عظیم فکر ایلدیلر (انک ایچون اولکونه
 یوم ترویه دیرلر (احشامیکه طغوزنجی کیجه در (بنه ذبحله مأمور
 اولوب بیدار اولدقده بیلدیکه حقیقیدر (بنابرین اولکونه یوم عرفه
 دینلیدی اولزمان حضرت ابراهیم یوزرأس لحیم نافه عظمه قربان
 ایدوب حق تعالیدن اسمعیله بدل قبولی رجامند اولدیه ده سمدن
 آتش اینوب اول یوزرأس نافه بی احراق ایلدی (ایته سی اوننجی کیجه
 بنه و یاده مؤکدا ذبحله مأمور اولیچ حضرت ابراهیم همان صیاحلین
 ایب و یحاق تدارک (وطی مکانله قوشاق وقتی مکمه کلوب (یاهاجر اوغل
 اسمعیلک باشنی بیقه و طره و کیدر ضیافه کتوره حکم دیمکله حضرت
 ها جردخی مقتضای سنجه اویله ایدوب دست سعادتلرینه تسلیم اتمکله
 حضرت ابراهیم دخی حضرت اسمعیلی آلوب طائفه طوغری کیدر کن
 ابلبس علیه الله تک کلوب یاهاجر حضرت ابراهیم یحاق و ایب آلدی
 اوغلاک اسمعیلی ذبح ایده جک دیو و سوسه سنده حکمتدن صور یچق
 رؤیا سنده ذبحله مأمور اولدیننی حق تعالیدن ظن ایدی دید کده
 حضرت ها جریغیمبرانک رؤیا لری صحیحدر حال بویله ایسه
 سماع و طاعه ابراهیم و بن اوغلمزی فدایده رز و اوغلم دخی حاتی

فدا ایدر دیو ابلبس طرد و تبعید ایلدی (پس ابلبس لعینک برو فوق
 من ام مادی حاصل او لیچق حضرت ابراهیم آردندن ایریشوب
 حضرت اسمعیلی باباسی اوکنده بیتهججا سکر دوب کیدر کور دکده
 یا ابراهیم اوغلکی ذبح ایده جکسن حسن و جمال و قامت و تناسینه
 و والدیننه انقیادینه باق اختیار لقمه مالک اولدک (بواشدن فراغت
 ایله دیدیکده حضرت ابراهیم ذبحله مأمور اولدم بیور یچق (ابلس
 رؤیا کده امر ایدن شیطاندر (حق تعالی تک بویله اولادی ذبحله
 امر ایدیکی یوقدر دیدی (پس حضرت ابراهیم بونک شیطان
 اولدینن ییلوب طرد و تبعید ایلدیلر (بودفه ابلبس لعین حضرت
 اسمعیلک یاتنه واروب باباک ابراهیم الله کی ایب و یحاق ایله سنی
 ذبح ایده جک دیو جک حضرت اسمعیل یا یامنی ذبحله مأمور ذردیوب
 زیاده مسرور اولدی (ابلس تکرار سوبلک استد کده حضرت
 اسمعیل برطاش آتوب ابلبسک صول کوزنی چقاروب کور ایلدی
 انکچون اولدقده رجلا شیاطین یدیشر طاش اتلق حجاج ایچون
 واجب اولدی (وقتا که حضرت ابراهیم محل ذبحه کلدکده (ای اوغل
 رؤیا مده سنی ذبحله مأمور اولدم (مطیع و متقصاد اولور میسن
 بیوردیلر (اولدخی سماع و طاعه دیوب انجق اول سوبلیدک والدیه
 و داع ایدوب حق مادرینک عفو فی نیاز ایدردم (ایندی بواب ایله
 دست و پای محکم باغله (ماکه هول بحاله الم وایاغم سکا طوقوب و اعه
 نقص کلسون (وقیری والدیه مه کو سترمه که مصیبتی تازه نمسون
 و کوملکمی قانه بواشماقی ایچون آرقه مدن چقاروب والدیه مه ویر
 و بندن سلام ایله که امر حق بویله در صبر اینسون و کوملکمه باقوب
 منسلی اولسون (ای بابا یحاقی یک بیله (واوایی کوزله دیوشور
 تا که اوزریکه قائم بولاشسون (یوزمی بره چویروب یحاقی کردانه
 یک باص (ویوزمه باقه زرا شفقتک امر خدایک تاخیرینه بادی
 اولور دیو جکر سوز کلمات بیور دقلرنده حضرت ابراهیم بکاه بیوروب
 جکر گوشه سی حضرت اسمعیلک دست و پای شریفه لرین اول
 ایب ایله بند و یاتی اوزرینه یاتردقدن صکره ایکی رکعت نماز قیلوب
 دست کشا کر به ایدره رک یا رحم الرحمن اختیار لقمه مر حه بویله کناه

کوه پاره معصومه مرحمت و شفقت ايله ديو بغداد صا امر حقه امثالا
ذبحه مباشرتند حق تعالى جمله ملائکدن بجایي قالديروب حضرت
ابراهيم حضرت اسمعيل يازوب بجاغي کردانه وضعله ذبح مراد ايتديکن
کورد کلرنده جمله سجده يه وارديلر (حق تعالى اي ملکرم قولم ابراهيم
امر مه امثالا بجاغي کيد پاره سني و اوغلي اسمعيلک کردانه ذبح ايگک
استر) و اسمعيل قولم دخي نه کيفيته بجاغه کردان اوزادوب فرمان واجب
الاتباعه مطيع اولور بيور يحق ملائک قاطبة بکلا ايلوب يارينا
ارحم الرحمن سن ديو مقام رجاده اولديلر (پس حضرت ابراهيم بجاغي
حضرت اسمعيلک مبارک کردانه قيوب چالديقه کسمدي) (تکرار
بجاغي بيله يوب بيله چالديقه کسمک دکل بلکه پاره بيله اتمدي و جزمدي
حضرت ابراهيم غنبله بجاغي طاشه چالديق بجاغ طاشي کسوب
دو پاره ايلدي) (حالا حجاج ذوي الاشتهاج اول طاشي زيارت لرنده اثار
قدرت الهيه بي کورر) حضرت ابراهيم اي بجاغ بيله يوب مشق لم
مکرمي کسميوب طاشي کسر سن ديو چک (بجاق نطقه اکلوب
يا خليل الله نمرود عليه السلامه سني آتسه القاب ايتد کده حق تعالى آتسه
باقسه ديو بر کره فرمان ايلدي) (سزک ايسسه بي دست شريف کره
الدين بروتش کره حضرت اسمعيلک وجوه شريفندن بر قيل دخي
کسمه ديو فرمان آلهي اولندي ديدی) (پس حضرت اسمعيل اي بابا
بجاغي تکرار بيله و کردانه قويد يکده سن و بن اسم الهی ذکر ايدم
اوليتد چک) انشاء الله امر حق بر من بولور ديمکله حضرت
ابراهيم بجاغي يکيدن بيله يوب حضرت اسمعيلک مبارک کردانه
بعد الوضع حکمک مراد ايتد لرنده (جناب حکيم مطلق يا جبرائيل
جندده اوچيک اوچيوز يمش سنه دنيرو فداء لاسمعيل تر پيه اولنان
عظيم الجئه قوحي اسمعيله بجاغ چالتمزن مقدم يشدن) و ابراهيم
اول قوحي فداء لاسمعيل ذبح ايتون ايکيسه نذند قبول ايتدم
بيور مغله جناب جبريل عليه السلام جندن اول قوحي آلوب
مقامنده (الله اکبر الله اکبر ديه رک روی ارضه ايگک باشليق قوج
دخي الله اکبر الله اکبر ديدی) وقتا که حضرت ابراهيم عليه السلام
جبريل ايله قوچک تکيراتن اشدی (اول دخي لا اله الا الله والله اکبر

ديدی) حضرت اسمعيل دخي ياتديغي يردن جبريل وقوج و باباسنک
توحيد و تکيراتن کوش ايدوب رجعت رحانک ظهور ايله چکني بيلکله
الله اکبر والله الحمد بيول ديلر (بنشاء علي هذا يوم عرفه نك صباح
تباردن ايام تشر يک آخر کونک صلاه حضرت نك يکرمي اوج
وقتک صلاه فرضي عقيدته تکير ايلک بوامت هر حومه يه واجب
اولدی) چون حضرت جبريل تکيرک تمامديه انواع سرور موفور ايله
روی ارضه اينوب يا ابراهيم حق تعالى شکا سلام ايتدی (و بوقوحي
قولم اسمعيله فداء ذبح ايتسون ايکيسه نذند قبول ايتدم ديو ظاهر
اولان کرم و عنايتي تبليغ بيور دقده حضرت ابراهيم حضرت اسمعيلک
ايادي سعادتن چوز مکه وار يحق حضرت اسمعيل دست تها دق
چوز لمس آياق اوزره طوررقيا ما کوروب اي اوغل دلشکي کرم
چوز دی بيور يحق (دست اطف و عنايت ماري چوز دی ديدی
پس حضرت ابراهيم بر مفضاي امر آلهي اول قوحي ذبح نکره
حضرت اسمعيل اي باباسني جو مردن بوخسه نعي جو مردم ديدی
حضرت ابراهيم بن جو مردم که فرمان الهی يه امثالا سني ذبح
مباشرت ايتدم بيوردي) و حضرت اسمعيل لالابن سنين چوز ديمک
سن بي فدا ايتدک ايسه ده کرم خدادن بدلم احسان اولمق مر جودر
اما بن جائمي رضاه الله فدا ايتدم ديد کده حق تعالى ابراهيمه الحق ذبح
توانن اعطا ايدوب اوغلي باغشيدم اما اسمعيله هم جائمي فدا ايتون
ذبح اولمق توانن و پردم و هم فداء قوج احسانيله جائمي باغشيدم
بيوردي) (پس حضرت اسمعيل عليه السلام حضرت ابراهيم
سکر عدد اولاد يک اکبري ایدی) (و عرب بونک صليبي نذند
وفات حضرت ابراهيم طغسان سکر يا ششده ايديلر) (يوز
اوتوز يدي سنه ممر اولوب ولادت حضرت فخر عالمدين عليه السلام
ايکيبيک يوز سنه مقدم عازم خلدبرين اولد قسارنده کلک نبوت
حضرت اسحق عليه السلام نامه چاندي

* حضرت اسحق عليه السلام *

ابن ابراهيم عليه السلام حضرت اسحق حضرت ابراهيم عي هارائک
قرنی سارهدن تولد ايلدي يهود و نصاري قولجه ذبح اولمقلقه فرمان

اوئان حضرت اسحاقدر اهل یونان وروم و ارمن و بونله تابع اولنلر
و بنی اسرائیل بایله حضرت اسحق علیه السلام اولادیندر
سن سعادتلری یوز سکنان سنده رسیده اولدقده ارنحال دار بقا
بیوروب محکم لطیفلری خلیل الرحمانده حضرت ابراهیم علیه السلام
جانب عناسنه دفن ایدیلر بس حضرت اسحاقدر نصیره علیه السلام
نوبت دولت نبوت حضرت یعقوبه علیه السلام اعطا بیورلدی
* حضرت یعقوب علیه السلام *

ابن اسحق علیه السلام در اصل اسم بیوریلدر که صفوة الله
دیکدر زیر افرنداشی عیصل ایله توأم تولد ایدیلر یعنی ابتدا حبص
بعده حضرت یعقوب تولد بیوردرقلندن یعقوب دینلر و حضرت
یعقوب ابوالاساطدر تحکیمدر که عیص بالاقد و کبود چشم و صاروشین
و صاحب قوت و باز و سریع السیرایدی شوبله که صیاد اولمغه
شکارک اردندن سکر دواب طوناردی و وجودی سیرابا قیون کی
قیلاو ایدی و حضرت یعقوب باباسی حضرت اسحاقک قبوللری
رعی ایدردی اما حضرت اسحق عیصی و والده سی حضرت یعقوبی
سورلردی و حضرت اسحاقک آخر عمرنده دو چشم سعادتلری
نایینا اولدی حضرت اسحاقه جهم محمد علیه السلامدن غیر
جمع اندیانی نسلکدن ~~یک~~ و ده حکم ایکی اولمکدن برینک چقنده
دعا ایله دیو و حی اولمغه یا عیص حق تعالی نسلدن اندیانی
کتوره حک دعاده بی بیوردریلر اکن دعای سکا ایدرم اسحق کوکلم
لحم شکار استر وار آوله و کباب ایدوب بکا کتور عقیبنده سکا دعایده
دیمکله عیص همان شکاره کتدی و حضرت یعقوب رعی غنم ایله
مشغول ایدی والده سی بیوردرن خبردار و آگاه اولوب همان برقوزی
ذبح و کباب ایدوب در یغیله کاسون دیو حضرت یعقوبه خبر کوندردی
یعقوب دخی کلوب وقعه دن خبردار اولدقده با تعلیم قوزینک در یغی
یوزینه یا ایدردی و آواز بی عیصه بکردوب بابا کی کتوردم بیوب
بکا دعای ایله دید کیده حضرت اسحق حضرت یعقوبک یوزین
یوقلوب اوغل عیصه شبیه اما قو خو یعقوبه بکرز دید کدیده کده
کبابی بعد الاکل یار بی محمد علیه السلامدن ماعدا کچک چله پیغمبرانی

یو اوغلمک نسلدن قبل دیو ایتدیکی دعا حیراجاننده اولدی بعده عیص
کلوب اشته کوچیله تدارک ایتدیکم شکارک کبابی کتوردم بیوب بکا
دعا ایله دید کیده حضرت اسحق مصلمته واقف اولوب اکادخی
هر تقدیر ملوک کتور سینه نسلکدن کاسون دیو دعا بیور دیلر (بس
حضرت یعقوبک والده سی عیصک یو یوزدن یعقوبه عد اوله جانده
قصد ایده چکنی بیلوب ای اوغل دعای آلدک اما قرتداشک عیصک
سکاسوه قصیدی وار بو کجه قرا ایدوب بحرانه وار انده صاحب نعمت
و سخنی دایلریمه کندیکی بیلدر (حق تعالی تک امر قضا سی برین
بولنه قدر آنده طور دیمکله حضرت یعقوب دخی اول کجه خفیه
حیقوب صباح اولدقده برضایه محمد به بر مغاره به صکر ایدیلر وقتا که
صبح اولوب عیص حضرت یعقوبک فرارندن خبردار اولوب اسحق
کونلک بولی برکونده هم وارن وهم کتور مقوله دن اولمغه قوشلق و قی
حضرت یعقوبک اولدقلری یردن المدن قوزیله فرسندی به رک کچوب
وقت عصرده ینه عودت ایلدی (چون حضرت یعقوب بیم جانلا
کجه رده کیدوب کوندوز اختفا ایده رک بحرانه واردقلرنده دایلر
بعد الا استقبال کونا کون ضیافت و استقبال ایلدیلر اما دایلرندن
برینک ایکی نفر کریمه لرینک کوچیکی راحله نام کریمه به قلب شریفلری
میل ایدوب استد کلرنده (اول برینی تنکیج و تزویج ایدیلر نیم استدیکم
بود کلد بیور بیجق آیدخی تزویج ایدیلر زرا اولمانده جمع اختین
جائز ایدی (و حضرت یوسف علیه السلام حضرت راحله دن
تشریف عالم شهود ایتکله حضرت راحله کی حضرت یوسف دخی
زیاده سورلردی و حضرت یعقوب علیه السلامک اون ایکی نفر
اولاد کتوراملری او اوب هر بری برقیبیه اولدقلرندن ناشی
بنی اسرائیل دینلیدی (چون حضرت یعقوب والدینی آرزو سیله
دایلرندن مأذونا ایکی نفر حلیله مکرمه لرله ایکی نفر جاریه لرینی
واولاد کرامتی و خدامتی اوب کتورانه کلد کلرنده (اولاد و ابیاعنی
ایلر و کوندروب اگر سیزی برن آقد و کبود چشم و وجودی قیلاو مسلح
بر کیمه کوروب سز کیمسکز دیر ایه عیصک یعقوب نامنده برقوبلی
وار ایش افندیسنیدن قاجوب دیار آخرده تاهل ایش برانک اولاد

و اتباع و خدام و خاتونلری یز (شمدی افتد یسند یوز شورمه کلبور دیک
دیوتشید ایتشیدی (پس یوزلر یوله روانه اولوب ایلر و ده عیص یوزلر
قاریشچق بدنک قیلاری اور پردی (و کریمه ایله سزلر کیمسکر دیوچک
بر وفق تعلیم جواب وردیلر (عیص فکر ایتدیکه یعقوب قرنداشم
اولوب الحاله هذه ابو الانبیاء ایکن بکایو کونا قولق سستی تواضع
عظیمه در (یوتقدیرجه بوکا عداوت محض قیاجتدر دیوب کمال محبتله
یعقوب بنم قولم دکادر بلکه بیوک قرنداشمکر نره ده در دیوچک
ورامزدن کلبور دیدیلر (همان عیص یاننده کی اسلحه بی اورایه براغوب کمال
اداب و تعظیمه آغلیه رق حضرت یعقوب علیه السلامی استقبال و دست
شریفی انواع توقیر و تحبیل ایله بعد التقبیل میانه ده مسبق اولان
ماجران دولای اولان خشونت و عدالتی بر طرف ایله یی (پس
حضرت یعقوب ک عمر عزیزی یوز قرق یدی سنه به وارد قد
ارض مقدسه به دفینه اوغلی حضرت یوسف علیه السلامه وصیت
ایتشیدی (بر مقتضای حکم حضرت حی لاموت مصر ده
حضرت یوسف علیه السلام قائنده و داغ عالم فانی یوز دقد
حضرت یوسف علیه السلام جسده سعادت حضرت یعقوب
خلیل الرحمانه کتورب جوار سعادت دار حضرت اسحق علیه السلامه
دفن ایتاشنده کور دیلر که بر جنازه دخی کایور (بو کیمدر دیو ضرور
دفنلنده (اسحق علیه السلام اوغلی و یعقوب علیه السلام
قرنداشی عیصدر (بنی قرنداشم حضرت یعقوب علیه السلام ایله
بر قبره دفن ایدک دیو وصیت ایلدیکنی خبر ویزملر ایله ایکسینی بر قبر
شریفه دفن ایتدیلر (سبحان القیادر الحکیم (پس یعقوب
علیه السلامه نصکره ما عتاب مهربوت جمال باکال حضرت
یوسف علیه السلامه طلوع ایلدی

* حضرت یوسف علیه السلام *

ابن یعقوب علیه السلام فخر عالم صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری
اولاد آدم حسن یونندن و خلق جهنم دین زیاده اعز و اکرمی
یوسف بن یعقوب علیهما السلام در یوز دیلر (حضرت یوسف منقبه
جلیه بنی تفصیل و بیان مستغنی و مشهور در (التفه قرق سنه پیری

حضرت یعقوب بن جد اولوب اول هنکامده نیوله بکام اولدقد نصکره
اول عزیز جهان مصره سلطان اولدیلر (مزیدر که حضرت یوسف
علیه السلامی قرنداشلر ی بغض و حسد ایدوب چاهه براقشلر ایدی
برمدتد نصکره اول چاهک یا نله کلوب برین اول چاهدن صوالمغه
کوندردیلر اول دخی قویه کلوب ظلمات چاهه ایچنده نور کی برق اورر
اول ماهتابی کور یچک خیرتندن کبر و رجوع ایدوب خبر ویرمکله انلر
دخی جمع اولوب حضرت یوسفی قیودن چقار دقلرنده (قرنداشلری
بو بزم فراز ایتش قولومزد در (دیو اول محبوب بر حسن و بهایی بر قاج
ثم ایله ریانه صاندیلر بعده ریان حضرت یوسفی آوب مصره وارد قد
حضرت یوسفک آوازه حسنی آفاقه شایع و منتشر اولدی
(و حضرت یوسف اول فرعون اولان ریان بن وایدک ظاهرده عبد
ملوکی اولمغه انی ایمانه دعوت ایدچک اول دخی ایمانی قبول
ایدوب وفات ایتدکد نصکره حضرت یوسف قابوس بن مصعب
بن ربانک قولی اولدی (و سلطنت مصر قابوسه ابرشکله فرعون
ثانی دیدیلر (پس قابوس حضرت یوسفک دعوتی قبول ایمان مکله
ضلالته دینان نامراد ککشدکد نصکره سلطنت مصر
حضرت یوسف علیه السلامه ایشیدی (آخر حضرت یوسفک
سال عمرناز ینلری یوز یکر می به وارد قد مصر ده دار عروردن
سرای سروره انقصال یوز دیلر اند نصکره زمان حضرت موسی
علیه السلامه قدر که تقریباً یوز سنه جهان کفر و ضلالت
ایچره قالدی (پس حضرت یوسف علیه السلامه نصکره خلعت
فاخره نبوت دوش حضرت موسایه علیه السلام الناس اولندی
* حضرت موسی علیه السلام *

ابن عمران بن یطهر بن قاض بن لای بن یعقوب علیه السلام در
ونام مادرلری نجیب بنت اشمویل بن کعبه بن یحسان بن ابراهیم
علیه السلام در (بر وایتده یوخا بن بنت یصهر در و حضرت موسی
علیه السلام فرعون ثالث اولان وایدن مصعب زماننده مصر ده
تولد ایلدی (مکیدر که فرعون علیه لاهنه ک رو یاشنده بنت مقدس
طرفندن بر آتش ظهور و مصر ده قطیف لک خانه لری یا قوت

فقط بنی اسرائیلدن بر کپشنه نك خانه سنی یا قیدی (بیدار اولوب
تعبیر ایندر دکه یقینه بنی اسرائیلدن بر ولد مكرم وجوده کاور
ملككك زوالی انك النده اولور دیو تعبیر ایندر یله (فرعون بعد ازین
بنی اسرائیلدن مذکر طوغان ولد کلبا قتل اولسون دیمکله طغسان یلک
مذکر صفاری قتل ایندیلمی کیفیت آدمیانك فقدان وقتله بادی اولمغه
بر سنه طوغان ولد مذکر قتل اولسون و بر سنه ترك اولسون دیمکله
اوج سنه سرورنده که ولد مذکر قتل اولدیغی سنه در اتفقا
موسی علیه السلام توالد ایدوب دو چشم سعادت لری مینانده نور
نیوتك لعانی قابله کور دکه کتم ایدوب قتل ایچون مأمور اولان
جلاد لره مرض ایتمش و ایدوب قدر دیو جریان ایدن قانلری کور ستردی
انا نمیوب ایچرویه کورد کلرنده حضرت موسی بی مادر مکرملری فرن
یاناردی ایچنه آندی (جلاد لری کتد کد نصکره کور دیلر که حضرت
موسایه اول آتش شدید قطعا اصابت ایتمش مبارک صاع النك بر ماغن
امر جبقاروب امر حقا فظه سنده مختبر ایکن وحی تشریفله وحی
اولندیکه ولد کی امزرا کرامز رکن سکا خوف طاری اولور سه
اول حضرت قی بر تابوته قیوب نیله براق آیا بالقریری یا خود تابوت
پاره انوب موسی هلاک اولور می دیو قورقه برائی بنه سکا و یروب
بسه دیرز وانی اندیسا و مرسلیندن قیلارزد یو تبشیر اولندیلر (بس
حضرت موسی درت ماهه اموب قطعا اغلادی (درت ماهه نصکره
غلفه باشلیحق مادر مکرملری بر وفق مأموریت بر نجاره واروب طولی
یش زراع و عریضی یش زراع بر تابوت اصمرد قنده نجار جهوله واسع
تابوتی نلر سن دیو جك (وقعه بی خیر ویر مکاه همان نجار جلاد لره
واروب عمر انك خانونی بر مذکر ولد طوغور مش (آره دیفکزده فرونه
آتمش لری آتشیده یا تمش (فرعونك ایه دیخی ولد بودر دیمک
استد کده امر حقه دلی طوتیلوب سویله مدی (واشبارنله کله م
دید بکسه بر مقملری حر کتدن قالدی (ماحصل جلاد ل
نجاری ضرب ایدوب طرد ایتسیدیلر نجار طشره جی قیوب الی
ودلی آچلمغه تکرار سویلم دیو کور وعودتنده بود دفعه کوزلری
اغمی اولدی وینه کلاول دلی طملدی و حاره کلب کبی

حایره رقی اللرین قالدیروب ایندر مکه باشلد قنده جلاد لری اولکیدن
زیاده ضرب ایدوب من بعد بورایه کله والاسی قتل ایدرز دیدیلر
نجار طشره جی قیوب یو معصوم پیغمبر ذیشان اولور دیو خلوصه
ایمان ایتمکین دران ساعت کوزلری واللری و ذلی آچلمغه مادر مکرمه یه
واروب حضرت موسایك قدیم سعادتین بالب ادب بعد التقییل کال
تغظیله حضرت موسای تابوته وضع و صو کبر مسون دیو دقتله
قیاغنی محکم اورتد کد نصکره بر یوم دو شنبه خفیه تابوتی نیله القبا
ایندیکی انده نلی تموج ایدوب امر حقه طائفه لرتابوتی فرعونك نل
کلرنده واقع کوشکی او کینده اولان حوضه طوغری سوردی فرعونك
علت بر صبه مبتلی بر می رضه قزی اولوب اطبعا تمساح بالغنك
توکر و کندن سور یلور سه بو عادتدن قور یلور دیمش لری ایدی اولکون
فرعون وزوجده سی حضرت آمید و قزی اول کوشکده حاضر ایدیلر
تابوت کوروب کتوردیلر فرعون بر دورلی قیاغنی اچه ما مغله آسیه رض
امر حقه ایچنه بر نور معظیم سمایه طوغری جی قیدی کوردیکه بر صبی
معصوم صاع النك مبارک باش بر ماغن اخرنه الممش سودا امر و دو چشم
سعادت لری ایه سندن نور لمسان ایدرز زیاده محبتدن در اغوش ایلدی
فرعونك قزی حضرت موسایك فم سعادتدن مبارک بر ماغن
حقار بحق کوردیکه سبل انکشت سعادتدن سودا فر همان اول ربق
شفارشیدن مرض بر صبه سوردی اول انده علت دفع اولمغه اولدیغی
حضرت موسایه کالبه محبت ایلدی فرعون دخی حضرت موسای
کورد کده (والقیبت علیک محبت منی) مدد اولایله اولدیغی محبت ایلدی بس
فرعون علیه السلام نك قرنامی فرعونه بو چو حق بنی اسرائیلدن
و عمر ایدر و بوقدر مدتدیر و دقت واهتمامه اراد یغکز چو جق بودر
دیمار یله فرعون قتل اولسون دیدی اما آسیه رضی الله عنها بو ولد
مكرم نور باصره مدر بوندن نفع عظیم کور ورز قزیك مرضی بونك
ربقندن دفع اولدی وهم کوزلرینك اره سندن نور لمسان ایده یور دیدی
یا خود مذکر ولد مز یوق بونی ولد ایدینه لم و سنکده معصوم قتل
ایندیكک سنه اشو سنه در یوم معصومك عظم جثه سندن اکاشیلان
کیچن سنه طوغرندر بافسکه بر یحق باشند وار بونك قتانی البسه

عفو ایدر سن دیوجک فرعون حضرت آسیه به سنک اولسون
 اوغل ایدن بن ایدغم دیدی (چونکه حضرت موسای والدہ سی
 نابوتله نیله براقدیغی اولنده کندیلرینه حیرت ودهشت کیشیدی
 شیطان شکل انسانیده کلوب اوغلیکی فرعون قتل ایدی قتل
 سانیله اجر و ثوابه نائل اولوب چته کیدر دک شمدی الکله نیله
 براغوب اولدر دیککدن جهنمک اولدک دیوجک والدہ مشفقہ نک
 خیرت ودهشتی مزداد اولد قد نصکره تکرار کلوب سن حضرت
 موسای بعد التولد دات ماه امرزدک حق تعالی کیسه بی مطلع
 ایددی بنویجه بسلسک ایدی یته کیسه مطلع اولزدی سن ایسه
 صویه براغوب الکله دشمنه ویردک یارین روز قیامتده نه جواب
 ویررسن دیوکونا کون وسوسه ل القایتد کده والدہ محترمه نک عقلی
 کیدوب حیفه باشلیحق هاتقدن یاسن اوغلیکی کندی رایکله می
 راقدک بلکه وحی اکهی ایله براقدک بوصورتده نیجه کله اولور وندن
 باعث دخول نیران اولور حق تعالی اوغلیکی سکارده وعد میوزدی
 وعدی حقد فرعون اوغلیکی هلاک ایده در بلکه یته سکا ویرمکله
 سن انی بسلمرسن دیومندا کلد کده حضرت موسی فرعونک الله
 اولوب حضرت آسیه قزیله محبت ایده رک اولاد ایدند کلرینی یقینا
 یلوب فرحناک اولدیغندن اوغلم موسی فرعونک الله کیرمش وآسه
 رضی الله عنهما انی اولاد ایدتمش دیمکه باشلدقده یته هاتقدن یامسکینه
 فرعونک محبتنه وآسه نک اوغل ایدند یکنه مغرور اولد بلکه
 حق تعالی نک وعده کریمه واطفنه اعتماد ایله وربط قلبی اکایله دیوندا
 کلیمک جد و شکر می بعد الادا حضرت موسای قزندی می
 رضی الله عنهما ای فرعونک سراینه برای تجسس کوندرمکین حضرت
 مزیم دخی تجاهلدن سرای فرعونه واروب کوردیکه حضرت موسی
 فرعونک الله بکاء ایلر و حضرت آسیه دخی بومعصوم کیسه نک
 مده سن المزنه یاسق دیرو فرعون دخی بومعصومی امریره جلک
 برخانون زده بوانورکی دیر حضرت آسیه حضرت مریمی کورمکین
 جاغروب بومعصومه مده الدیره مدق نه یاه لم دیدی مریم بومعصوم
 کیدر دیوجک حضرت آسیه وقعه بی خبر وروب سن کون بزه

برامرکلی خاتون بول دید کده مریم سمترده برخانون وار دیمکله
 شمدی انی بورایه کتور دیدیلر یس حضرت مریم حضرت موسایک
 والدہ مشفقہ سی یوخاندی کتورد کده حضرت موسی بلا توقف
 بوخاندک دوشدینی امدی اول زمان آسیه و فرعون و فری حضرت
 موسایک مده امدیکنه زیاده حظ ایدوب سرایلرینده خیدمت ایچون
 حضرت بوخاندک به جوار ی تعیین اولد یلر فسیحان القیادر الحکیم
 انتهى و حضرت موسی علیه السلام اولوازم یغمیر دیشاند
 پدری عمران هبوط ادمدن اوچیک التیون تمش سکر می سنه ده
 طوغشدر و حضرت موسی علیه السلام دخی اوچیک
 دیدیوز فرق سکر می سنه ده مصرده متولد اولد یلر
 و اوچیک سکر یوز اون در دخی سنه ده بابایی عمران فوت اولوب
 حضرت موسی اول سنه فرعونه مبعوث و قبطی بی دعوت تو حیده
 مأمور اولدیلر محکیم کده حضرت موسی بنی اسرائیل اوزرندن عدوسی
 اولان قبطیک ظلمی دفع ایچون مبارک الله قبطی بی اورمغله بحکمه
 سخانه قبطی هلاک اولدی و فرعون موسایک ایتدیکنی طوبی سو
 قصد مراد ایتد کده یاموسی فرعون سنی قبل ایده چک فرار ایله
 دید کلرینه مینی حضرت موسی مصر دن حقیوب مدینه قریب
 وار ییچ کوردیکه برقوی باشنده چو بانلر قیون و دوهل بن سوار لر
 ایچق ایکی خاتون قیونلرله آروجه بر محله طور اول خاتونلر شعیب
 علیه السلامک دختر یا کیرلری ایدی (حضرت موسی اول قومک
 و حیوانلرینک کرتی و اول خاتونلرک اوزاقیدن قومک کیسه
 منتظر ایدکلرین کور یچک مرجه خاتونلرک یانه واروب ایچون
 قیونلر یکنی سوار مز سکر بو قدر حیوانات زمان دو کتور دید کده
 برخانونلر قورقارن که حیواناتن سار حیواناته قاریشه باخود عرضنه
 کسر و نقصان ویرجک لر عیب ظهور ایده چویان طونه جق مالمز
 وار کیمر بو قدر همان براختیار یامز وار دیدیلر چون حضرت موسی
 سکر کون و سکر کیجه آج و ستر عتله یال ایاق یوز یوب کلد یکندن
 قدم سعادتنده کی تعلینی پاره لغله زیاده بی تاب ایدی خاتونلرک
 بابار سنک اختیار لغنه حرمت و انتظار دن خلاص و مقابله سنده اجر

و ثواب نیتله اول خاتونلرک قیونلرک اول قومک صواردقلری محمدن
بعیدزده اولان حقورجه بئزک یانته کتوردی لکن اول بئزک قوغاسنی
قرق نفر کیمسه چکه بیلوردی قوت بیغمبری ایله قوغانی چکوب
قیونلری صواردی برروایتده اول قیونن بعیدجه برقوی دخی
وارایدیکه آغزنده اولان طاش قیاغی انجق قرق آدم قالدیره بیلوردی
حضرت موسی قوت کرامتله اول طاشی قالدیروب معهود ذلوايله
صوچکوب قیونلری صواردقدن صکره قوت قدسیه ایله طاشی نه
برینه قیوب قیونلری خاتونلره تسلیم ایلدی و حرارت شمسک اشتدادندن
برکولکه محله واروب یارب بنی مصرده کید فرعوندن خلاصله بورایه
کتوروب زیاده محتاج اولدیغم خیره موفق و نائل اجر و ثواب ایلدک
دیو حد ایلدی (یا خودجد بزرگواری حضرت یعقوبک اولادینسه
شکایت و حزنم محض حق تعالی به دردیدیکی کبی حضرت موساده
بو قدر کوندر برشی یمدم و مریم و غیریم وضعیم و فقیریم دیو
مناجاتده مریم بعض اولدر که برشافیسی اولیه و غریب اولدر که بن اکا
حبیب اولیم وضعیف اولدر که بن اکارقیب اولیم و فقیر اولدر که
بن اکامعین و نصیر اولیم دیو جانب حقن سر نه ندا اولاند قدده
یومناجاتی حضرت شعیب قزلری دکلیوب حضرت موسانک کمالیه
آخ اولدیغنی بئزلیله باباری حضرت شعیب فاتمه بحله واردیاری قزلرم
نچون تیر کلدیکر یوخسه حیواناتی صواره مدیکرمی بنوردقلرنده
ای بابا حیوانانم بئزک یانته شوصفتلره موصوف بریکت کوردک کمالیه
بورغونلغی و عجزی واریکن احوالره واقف اولغین سزک پیرلککره
وزم عجزیمزه مرجه قرق نفر کیمسه نک چکه جکی قوغه ایله یالکز
صوچکوب قیونلری صواردقدن نصکره بزه تسلیم ایدوب اغاج
سایه سنده کال جوعدندن حق تعالی به مناجات و عرض احتیاج ایلدی
دیدیلر حضرت شعیب دخی اتفاق علما اوزره کوخک کریمه لری
صغورای حضرت موسایه دعوتی کوندر دیلر صفورا دخی حیا ایلدک
حضرت موسایه کلوب باام سیری قیونلری صواردیغکز ایچون
دعوت ایدر جزا ایدک دیکده بوسوز جناب موسایه اگر چه کران
کلدی ولیکن چونکه بابا کز اختیار ایش دعاسنی تبرکات الهی دیودعوتنه

اجابت ایدوب انکله کتدیلم اول دختر یا کیره دلالت طریق ایچون
او کجه کیمکه روز کار اسدکجه آستین و بعض برلری آجلد یغندن
حضرت موسی یادختر آردجه کل و یولی آردمدن دلالت ایله بیوردیلر
(بش حضرت موسی مجلس سعادت حضرت شعیب کلدیلر طعام
حاضر لشم جمله ورودینه منتظر طعامدن امتناع ایدیچک حضرت
شعیب حضرت موسایه آج دکلسن نیچون امتناع ایدرسن دیدکده
حضرت موسی قانم آجدر لکن بن ابراهیم واسحق و یعقوب
علیهم السلامک سلاله سندنم خیری برایله ککوک اراسی طلوا تونه
دکشم بیوردقدده حضرت شعیب بزدده سلاله حضرت ابراهیم دتر
خانه مزه کلن مسافرینه اکرام ایدرز بو طعام اجرت سقیر دکلدرکی
امتناع بیوره سز بیکه سز اکراما برضیاقتدر بیورک بیلم دیککه
حضرت موسی جناب شعیب ایله طعام ایدکد نصکره فرعونک
اولاد بنی اسرائیلی قتل ایلدیکی سنده طوغوت قابله نک ککندینو
صفلا دیغنی و جلاد الیه ارارزدیلر ایله یسار قرونه اتدقلرنده حق
تعالیک یاقدیغنی و والده سی خانه سنده درت ماه تمام امزرد کد نصکره
بامر خدا تابوتله نیله برافلدیغنی و نیل انی فرعونک کوشکی طرفنه
کتورمکه بولدقلر بنی و حق تعالی حضرت اسنیه نک قلینه محبت
ویروب اولاد ایدندیکنی و حال کبرنده برقبطینک بنی اسرائیل عذاب
کور یچک قبطی بیردومنع ایچون فاقدقدده بقضاء الله تعالی قبطی
هلاک اولمکه فرعون کندی اولدر میچون ادملر تمین ایتدیکندن
خوفندن فرار ایدوب بولد چکدیکی زحمت و مشقتی سیراپا خبر
ویزدکده حضرت شعیب یاموسی قورقه کید فرعوندن امین اول زبرا
فرعونک بورایه حکمی کیمزدیدی و جناب صفورا بیاسی حضرت
شعیب قیونلری زعی ایچون بونی اجرتله طوت زبرا بواجرته
طوتلارک زیاده خیرلوسیدر و ازهر جهت قوتلو و امیند دیدکده
حضرت شعیب یاسن انک قوتلو و امین اولدیغنی ندرن بیلدک دیوچک
صفورا بقی حیوانانم ی صواری مراد ایتدیکده بئزک اوزرنده کی
قرق آدم ایله قالدیریلوب برینه قونیلان طاشی بویکت بورغون
واج ایکن یالکر جه بره ایتدیروب و قرق آدمک چکندیکی قوغه ایله

اول قیودن صوجلوب حیوانی صوارد قد نصکره ینه اول طاشی
 بلا زخمه و شقه یرینه قومند یغندن زیاده فوتلو و متین یایدن کلن
 و یغی دعوت ایچون کوندن دیکر ده بکا باقیوب لیجین قیودن یغندن یغول
 به لایق ایچون او کجه کیتدی که راضی اولیوب و راضی کل اعضا کی
 کوریم دیمکله متدین و صلح الیدی کلن ایلمدیم دیکر ده حضرت شعیب
 حظه لیدروب یاموسی سنی زیاد و سودم یواکی قریمت ک بری سکا
 بکا حله و یریم دیوجک حضرت موسی کوزل یوردن لکن بن فقیر
 و غریبم دخر با کره کره مهر و یرمه قدرم یوقدر دید که حضرت
 شعیب بل بندن مال و مهر استم قیونلری سکره رخی ایله ایچون
 قریمت مهری اولق اوزره سکا عقد ایدوب و یرم اکر رضا کده
 اون سکره رخی ایدرسک لر و سکا کوز و ایکی قریمت قیونلری
 اختیار ایدرسک ایت دیمکله حضرت موسی بنی دعوت کان صفورانی
 اختیار ایدیم زرا بنم قوت و متاعی مدخ ایلدی یور ییچ حضرت
 شعیب جناب صفورانی بر یوم ججه حضرت موسایه نکاحه بعد التسلیم
 بر حیره سنی واریا بیکه ایچده یغمران مانیه نک علیهم السلام عضای
 شریفلری کیند و لره نوروت ایدنی و اول عضالک بری حضرت آدم
 صنی الله نهال ندره المتنه اذن یاپوب ججه دن هبوط اید اول عضای
 شریف ججه دن قالمین امر حقه حضرت جبریل صورت انسانیده
 سکا لوب حضرت شعیب بعد زمان امانت بر اقله سائر عضای
 شریف لیل اول حیره سعادتده طور ردی حضرت شعیب دخر بلند
 اختیرنه و اراوطه دن بر عصا کتور موسایه تبرکا و یریم انتفاع ایدسون
 دیمکله اولدنی واروب اتفاقا حضرت جبریلک امانه براقده یغی
 عضای شریفی کتور مکه حضرت شعیب بو عصا بزده امانتد بونی
 برینه براغوب اینسا کرام علیهم السلامک عصا لردن بری کتور دیمکله
 اولدنی عضای الیغی بره براغوب غیر طرفدن بر عضای شریف
 الوب کتور دیکه کوردیکه ینه اولکی عضای شریف بر امانتد
 غیر یسن کتور دیونکرار سو یملکه یویله واروب دیکشیروب
 ینه امر حقه اول عضای کتور ییچ حضرت شعیب بوندن غیر
 عصا یوقدر که ینه اونی کتور رسن دید که صفورانی دیکه بن

هر وارد یغمده عضای الیغی بره براغوب غیر طرفدن المورم حکمت
 المیده اول اولور هر چند سعی ایلدم ایسه ده ممکن اوله مدنی دیندی چون
 حضرت موسی اول عضای و قیونلری الوب کیند کده حضرت شعیب
 عضای امانت ایدن ایستمد نه دیه لم دیوب حضرت موسی نک اوردن
 یندوب عضای راستد کده حضرت موسی سن عضای بکا و یردک
 بنده قبول ایدیم کتور و یرم دیو بعد المازعه بورایه ابتدا هر کیم کلورسه
 حاکم نصب ایدوب حکیمه راضی اوله لم دیو اتفاق ایلدی بر سن حق
 تعالی صورت انسانیده بر ملک کوندروب اول ملک حضرت موسایه
 عضای بره براق قیونلری برون قالدیرسه اعضا کتور دیمکله حضرت
 موسی عضای بره براق قدده ملک حضرت شعیب عضای قالدردیدی
 حضرت شعیب یوقدر چید و سعی ایدوب قالدیره ممغله ملک حضرت
 موسایه سن قالدردیوجک حضرت موسی عضایه پادشاه یغی اید
 قالدیرمغله ملک عصا کتور و هم حضرت موسایه و یرم ایچون سکا
 امانت قوندیدی شمدی امانت بری بولدی دایوب کیند کده حضرت
 شعیب حضرت موسایه بو عضایه بقایت اعتبار ایت زیر اشانی عظیم
 اولق کرک دیو نصیحت نصکره یاموسی شو بولدن کیت ایلر و ده یول
 ایکی اولور ضاع طرفده کی یول کرجه اولی و صولی لکن یدی باشاو
 بر اذر ضبط ایش کب دن قیونلری و چوبالری هلاک ایلر اما صول
 طرفده کی بولک اوقی اگر چه اردد اما امانتد کدر دیوب کیند کده نصکره
 حضرت موسی ذکر اولان ضاع بولک باشنه کلد کده قیونلری
 چوبیره میوب امله اول بول کیندیلر و چوبالره یایلدیلر حضرت موسی
 غایت یورلد یغندن قیونلری بر یر جمع ایدم مکه عضای بره براغوب
 بر مقدار خوابد نصکره اذر ظهور ایدوب قیونلره هجومنده قدرته
 سبحانه و تعالی اول عصا بر اذر عظیم اولوب کلان اذر کی هلاک ایلدی
 و کند ویه بر مقدار قان بولاشد قد نصکره کما کان عصا اولدی وقتا که
 حضرت موسی او یانوب کوردیکه غصاده قان وار عضاسته اذر کی
 هلاکندن قان بولشد یغی بیلمجه بعد الحمد والشکر الحمد ل قیونلری
 ججه سنک سالما اوت اولاد ولرین کورد کده تکرار حمد و شکر مر اسینی
 امدالاد حضرت شعیه وقعه دن خبر و بر ییچ مسرور اولوب یاموسی

بو عصيانك سكا اعطا اولميسنده باق نه سیر و حکمت و ار ایش
 بوکا زیادہ رغبت ایت بوندن چوق مشفق او اور سن دیدی اول
 عصيانك منافعتك بری بودر که حضرت موسی بورد قدده اول عصایه
 راسک ب او اورادی بقدرته سبحانه اکتاده سکرلان آت اولوب آتی
 کتورردی و آحقه قدده اول عصایه بره او تون یمنی بلطفه تعالی
 کونا کون نفیس اطعمه ظهور ایدوب انی تا اول پیورردی و خصوصاً قدده
 عصای طوبی ایچندن صوبکار کی اقله ایچرلردی و قرانلق اولم قدده
 عصای دیگمه کله زیادہ ضیالو یال موسی کی یانوب شعله و پرردی
 و کند و به وحشت غارض اولم قدده لسان فصیحله مکالمه و انسیب
 ایدردی و عد و به راست کلدیکده عصای بره براغیچقد ایدر او او
 کوز و بوردن آتش حقیقه رق کوز کورل کی صیحه ایله اعدایه هجوم
 ایدردی اهل مدین حضرت موسانک قوت قدسیه ایله ایدردی هلاک
 ایتدیکن اشد کلرندہ جلہ مسرور اولم قدده بناء حضرت موسایه
 زیادہ عظیم ایدوب مواشیلرین آمنه اولم قدده اولم قدده اولم قدده
 حضرت موسی حضرت شعیب سکر سینه قبولانن رعی ایدوب
 مدت تمام اولدی حضرت شعیب باموسی تأجیل اولان سکر سینه بی
 تمام ایتدک برسنه دخی رعی ایله قبولنن قوز یلاد قدده دیشی اولان
 قوز یلرک جله سی سنک اولسون دیمکله حضرت موسی برسنه دخی
 رعی ایدردی بحکمته تعالی اول سنه قبولننک جله سی دیشی قوز یلاد یغندن
 حضرت شعیب قوزلرک جله سی حضرت موسایه و پررب برسنه دخی
 رعی ایله قبولنن قوز یلاد قدده ارکک اولان قوز یلرک جله سی
 سنک اولسون دیمکله حضرت موسی اول سنه دخی قبولنن رعی
 ایتدی بحکمته تعالی اول سنه قبولننک جله سی ارکک قوز یلارین
 حضرت شعیب اول ارکک قوز یلرک جله سی حضرت موسایه و پررب
 مره ثله اول سنه بی بعد الاتمام اون سنه متوالیه حضرت شعیب
 یاننده اولم قدده جلایه لری صفورادین مزون و بلیغ ازار نام ایکی
 رأس اوغلی وجوده کلدیکده نصکره والدہ سنی و قریندیشلری هر ون
 و مریمی کور میچون حضرت شعیبدن مأذونا هانی و ایکی عدد اوغلی
 و قولی و قبولننن آلوب مصره طوغری توجه پیورددیلر انجق حضرت

موسی غایت غیور اولدیغندن عیالمی کورمسونلردی و رفقاانک و راستندن
 کیدوب اخشام اولم قدده رفقاانسه قریب محله قوناردی طور سینه
 یقین کلد کلرندہ زیادہ صوق و شدید روز کار اسوب کثرت باراندن
 حضرت موسی یولی شاشروب اخشام اولم قدده رفقاانسی بوله مدیغندن
 اول لیلہ مظلمه ده اولاد و عیالیه بریزه کلوب طور لر ایکن قبولننن
 بریشان اولدیغندن باشقه حلیله مکره لری صفورا ایکن دخی آغریسنی
 طوغغله زیادہ شدت بردن حضرت موسی خیران و سرکردان
 اولوب باری آتش یا قسقی دیوهر نقدر چاقق چاق دیسه طوندیره محله
 مال عجزندن حق تعالی به نیازه و عرض حاجاته باشلد قدده حاجت
 طازردن برنار عظیم کوز و یجک صفورایه سن بوندہ طور شوا آتشک
 اهلندن بولمزی صورلم (یا خود آتشدن برشعله آلوب سکره آتش یا قسیم
 قرانلقدن قوریللم دیو آتشک کورندیک بره وارد قدده) آتشدن
 اثر یوق کورینن نور ایش (حضرت موسی علیه السلام اوراده
 مکاندن و لفظ و هر و قدن منز اولان حق تعالی حضرت تارندن نعمت
 کلام و خطابه مظهر و نبوت و رسالت شرفیاب او او ب رجاسیله
 قوندانی حضرت هارونه دخی نبوت احسان اولندی) و ایکیسی
 دخی بینات و اضحیاته فرعونی ایمانه دعوته مأمورا پیغمبر اولدیلر
 و حضرت موسی مکالمه رب العلی ایله متلذذا اولم قدده یدی کون
 ویدی کیچمه طور و ب مدیندن اورایه کلنه قدر فرعوندن خوف
 ایدردی (حین رسالتیه فرعوندن قورقه دیو حق تعالی نهی ایتکله
 خوف کلیا کندیدن زائل اولدی) چون مصره یقین اولدیلر
 حضرت هارون وحی الهی ایله حضرت موسی علیه السلامی استقبال
 ایدوب مصاحفه و معانقه ایله مسرور اولم قدده مکره حضرت موسی
 علیه السلام امر حقه فرعونی کوردیکه اللهم انی اجعل هیتک
 و سلطانت فی نحره و صدره و اعوذیک من شره و مکره پیورددی (یعنی
 خداوند تحقیق بن سن جلیل الشانک عظمت و سلطنتی فرعونک
 قابنده قبلر مکه دائماً خوف اوزره اوله و آنک شر و مکرندن سکا
 صفورم دیمکدر) بنابرین حق تعالی فرعونک قلبیه اولم قدده خوف
 و زعب اقا ایدیکه حضرت موسی علیه السلامی کوردیکه خوفندن

خز مثالی بول ایدردی (چونکه حضرت موسی علیه السلام جلیله
مکرمه لری یانندن طور سیناه کیشیدی (صباحه قدر ظهور ایچیک
قیونلری زعی ایدن قوی غایت عاقل اولمهله قیونلری و حضرت
صفورانی و اولاد کرامی ینه بلده مدینه کتوروب حضرت شعیب
علیه السلامه تسلیم ایلدی (هبوط حضرت آدمدن اوچیک سکر
یوز یکریمی ایکنجی سنده خضر و موسی علیهما السلام حضراتی
جمع البحرینده جمع اولدیلر (محکدر که حضرت موسی علیه السلام
یار بی قوللر کن سکا قنخی قوللر سوکولدر دیدکده حق تعالی شول
قوللرکی دائما مستمرا ذکر ایدوب اوتور یوردیلر (یا قنخی قوللر زیاده
حق اوزره قضا ایدن دیدکده هوا سنه تابع اولوب داغاق
اوزره قضا ایدن یوردیلر (بو عصرده قوللر کده بندن اعلم
وار ایسه بی تا کالات ایله دیو جک مجمع البحرینده بر قولم
وار سندن اعلمر یوردی (لکن ابی بن کعب رضی الله
تعالی علیه جناب رسالتدن علیه السلام روایت ایدر که
حضرات موسی علیه السلام بی اسیر بلده خطبه ده ایکن یو
عصرده جله دن اعلم کیدر دیو صور دیلر حضرت موسی علیه
السلام بنم دیو جک علمی حقه حواله ایدوب الله اعلم دیو یور مدیفندن
حق تعالی جمع البحرینده بر قولم وار سندن اعلمر دیو جکی ایلدکده
حضرت موسی یار بی مجمع البحرینده آتی شکل بولیم (وندن پله
دیدی (حق تعالی یانکه بر بالی آل و اول بالی اون یش صاع سنه
آور بر زبیله قیوب دریا کارینه کیت اول بالی نه محله دیو یور سه
اول آدم اولمده در دیو یور دقه حضرت موسی خدمتده اولان
یوشع بن نون بن افرایم بن یوسف علیه السلام اله ایچی بار لاش
بوطور لاش بر بالی زبیله قیوب حضرت یوشع یو بالی زبیلدن
غائب اولدیغی آنده بکا خبر و بر دیکله حضرت یوشع اله فاجل بحر
کیتدیلر (مجمع البحرینده زیتون دینلر شهرک یانینده حضرت
موسایه نوم علیه ایچکله بر حجر عظیم اوزر ینه یاتوب او یور کن یوشع
علیه السلام زبیله باقردی و بالغک نصفه قدر اکل ایشلریدی
اوراده بالی دیر لمکله زبیلدن حقوب دریا به کیشیدی (زیرا اوراد

عین الحیات اقادردی (اول آب حیاتک برودتی و رایحه سی زبیلده کی
بالغه اصابت ایدوب ازن حقه دیر لشدی (برز و اینه حضرت یوشع
عین حیاتدن آیدست آور کن عضو سعادت لردن مکر این صو
زبیلده کی بالغه اصابت ایدوب دیر لشدی (پس حضرت موسی او یاتوب
بالی صور مقبر بن یوله روان اولدی (و حضرت یوشع دخی بالغک
دیر لشدی خیر و بر مکله او شیدی (اخشلمه قدر کیتد کلر نده حضرت
موسی حضرت یوشعک یورلدی بالغدن بر مقدار ینه لم دیچک
حضرت یوشع سز او یور کن بالی دیر یلوب دریا به کیشیدی سزه خبر
و بر مکی بکا شیطان او شدر دی دیدکده (حضرت موسی علیه السلام
بنم ارادیم بالغک دیر لشدی یور در دیو کیر و دوتوب یانیدیغی یزه کلدکده
کور دیکه بر کیمسه اثوانی بورغش یاتور و او یور (بیدار اولیچق
حضرت موسی علیه السلام حضرت خضره سلام و بر مکله سلام
آلوب بوراده سلام و بر یوقدر (زیرا یورالر آبادی کفرده در
سز زه دیکر دیدکده حضرت موسی علیه السلام بن موسایم
دیو جک حضرت خضر بی اسیر ایلدن اولان موسی بنعمر مین دیدی
اولدخی نعم دیدی (بوندن معلوم اولدیکه انبیاء علیهم السلام حضراتی
عینی یلزلر مکر که وحی اوله (زیرا حضرت خضر غیبی بلیدی حضرت
موسای کور دیکه آنده ییلوردی (چون حضرت موسی حضرت
خضره سزه تابع اولیم بی بلد کیکر علمه ارشاد ایدک دیدکده حضرت
خضر سن بده اوله مر سن (زیرا ظاهر شرع شریفه مغایر بعضی شی
ایشلم تاویل و حکمتنه مطلع اولدن صبر ایموب اتی انکار و اعتراض
ایدن دیدکده (حضرت موسی علیه السلام انشاء الله صبر ایدوب
ایشکله مخالفت و تعرض ایتم دیو جک (حضرت خضر اگر بکا تابع
او اور سک بن سکا اصلی و حکمتی سو یلچجه اسلد بکدن بکا صورده
دیو بعد التنبیه شام شریف طرفته کیده جک بر مکی بولوب کیر مک
استدکار نده بوللرک ما کولاتی اولمده یقندن سفینه به اله ایچی استیلر
حضرت موسی و خضر علیهما السلام وجه شریفلر نده کی نور صلاحی
ملاح سفینه کور مکله اهل سفینه بی دکلر یوب بن سلام دیو یونلری
کی به آلوب آلت طبقه ده بر محله قویدیلر (یوم من الایام بوللر

سفینه نیک در پایه ناظر بر پرنده کور دلیله که بر سر آیه قوشی اول مخلد
اولان دلو که قونوب در بادن بر یا خود ایکی طامله صوا آدیده حضرت
خضر علیه السلام حضرت موسی علیه السلام شوق و شوق آدیدی
صومجوع در بانیك ضوینه نسبت تمهیدار اقل قلیل ایسه سنك و نیم
علم حق تعالیك علی قتیده او یله قلیلدر دیدی (من حضرت
خضر اول کینک بر محلدن بر مقدار دلوب کی صو ایتمک با شلیج حق
حضرت موسی علیه السلام صبر ایده میوب اهل سفینه بزی استمر
ایکن رئیس بزی اکوب ما کولا تمزی کواری (من ایسه انک سفینه سنی
غرق اولستون دیودانک و شرع مخالف ایش ایتدک دیو جک
حضرت خضر یا نیم ایشمک تأیل احسنی وار در سن انی ظاهر بند جل
ایدوب انکار ایدرسن دیمشدم دید کده (حضرت موسی علیه السلام
اونتم دیو معذرتد نصکره کیدن حقوق نواحی شامه طوغری
کیندر لایکن (حضرت موسی علیه السلام کور دیکه بلوغه
ایرمش خوب صورت و ملبس بر جو حق اقرانی جو حق ایل او بنار
حضرت خضر اول جو جی طوغری ذبح ایتدک حضرت موسی
علیه السلام طوره میوب بویله نابالغ بیکناه صبی بی بغیر حق
نیچون قتل ایتدک دید کده حضرت خضر علیه السلام بونک حکمتی
وار امر حمله قتل ایتدم مطلع دکل ایکن صبر ایتمیوب بکا اعترافش
ولوم ایدرسن دیمه دیمی دیو جک (حضرت موسی علیه السلام
سرینه واقف اولفسنری ایکی دفعه بحاله انکار ندن او تانوب
یا خضر بعد ازین سندن برشی صورتهم معترفت اید لم دیو
مقاوله دنصکره یتد فاقته بعد الغروب انطال کیه شهرینه واردیلر که
اولکیجه غایت صوق ایدی (اهالی انطالقیم بونله قوتلق دکل
طعام یله ویرمدکارندن آج قالدیلر) صباح اولوب کیندر لایکن
ایکیوز ذراع عرضی و بشوز ذراع طولی وار ایتداده قریب اولمش
بر دیوار کور دیلر که اهالی اوزادن مروره خوف ایدر لایدی
حضرت خضر علیه السلام دیواری اشارت یا خود الیه صیغامعه
دوزلدوب قوی و محکم ایلد کده حضرت موسی علیه السلام صبر
ایده میوب یا خضر مراد ایتدک بوندن اجرت اکوردک اهالی بزه برشی

ویرمشلر ایکن بودیواری مجا نا نیچون قوی و محکم ایتدک دیو جک
حضرت خضر غیری سنکله وقت افترا قر در (اول بحاله صورت دیک
شیرک حقیقتی سکا شو یله یم) اول اول سفینه اون نفر قریب ایشک
مالیدر که بش نفری عمل مانده کوریم یا تور و بش نفری سفینه ایله تعیش
ایدر لایکن کی بی غرق یا خود صاحبزین حضرت اولسون ایچون دلدیم
یکه بر حقیقت نصکره ایلر و ده جلد این کور کنه دیرلر بر طالم پادشاه وار
کلان کیندرک صاغ و سالی ظلماضیط ایدر اول ظالم سفینه بی چورک
و خراب ایش دیوضیط ایتوب یتد صاحبانه ویرسون دیو دلدیم (تایا قتل
ایتدیکم صیبتک اسمی چیسون یا خود چیسوند ز ووالدنی مؤمنلردن
اول صبی حال کینده شیطان و سوسه سیله فاشی و فاجر و اهل طغیان
اوله جقدر بلکه ابوینی دخی اهل طغیان ایدر دیو حجه قتل ایدوب
برینه ولد صالح اعطای اولتمیچون حق تعالیدن نیاز ایلدم حق تعالی دخی
فصل و کرمیله اول صبی به بدل انلره بر ولد مؤنت احسان ایدر و اول
دختر سعادت اختری بر پیغمبر دیشان اکوب نسلدن یمش نفر پیغمبر
کزین شریف عالم شهود بیورر دیدی (تالش اول دیوار احرم
و خیرم نام ایکی نفر یتیمکدر ایچنده اول یتیم ایچون علم و ملالین میکتوم
کز واردر که انجی و صیلری بیلور اولدخی بونده یوقدر و بوی ایتدک
اجدادندن یتیمی بابا ریشه کاشخ دیرلر دیکه صالحین و سیاحیندن
ایدی حق تعالیك امر یله دیواری طوغر ایتدم تا که یتیم ییود کده
کزنی بواوب ایچنده کی علمی تعلم و عمل و مال ایله کچنده ل و اول کزنده
اولان علم التوئندن بر لوحنر بر طرفنده حق تعالیك کلامی شویله
یازلمشدر که تحقیق انجیق معبود بالحق بنم بندن خبری معبود یوقدر
بر اولدیغم حالده بنم ایچون شریک یوقدر حله خیرلری و شرلری بن
خلق ایدرم دنیا و آخرتده طیب اولان حالتلر شول کیمسه ایچوند که
انی خیر ایچون خلق ایتدیم و خیره توفیق ایدوب خیرمی لشدن بزم
ویل هلاک شول کیمسه ایچوند که انی شر ایچون خلق ایلدیم
و شرلری اکا لشدن بزم (و بر طرفنده دخی شویله یازلمشدر که تعجب
شول آدم ایچونکه یقینا اوله حکمی یله ده نه کفینده اول آدم فر حلقوب
کولر) و تعجب شول کیمسه ایچوند که خیر و شر حق تعالیك

تقدیر به اوله جانی بیلور کن نه کیفیتده یوز یلور و المیزور و تعجب شول
 کیمسه ایچونکه بجه رزق حق تعالی ازلده تقدیر ایلوب اول رزق
 بجه سنی اولکیمسه استیفا ایدر نه ارتق و نه اکسک اولیه جفته یقینا
 ایمانی اوله ده نه کیفیتده خریض اولوب یوز یلور و کندیلردن زیاده
 عالی اولنری کوروب تعجب المیزور (و تعجب شول) کیمسه ایچونکه
 قیامتده بجه اعمال و اموالیدن حساب و سوال اولنه جفته یقینا ایمانی
 اوله ده نه کیفیتده غفلت ایدر و تعجب شول کیمسه ایچونکه دنیاك
 زائل و فانی اولدیغنه و میل ایدنرك و اهلارینك قلب و تغیرلری
 کوروب یقینا ایله ده نه کیفیتده دنیا به او اهلارینه اعتبار و اطمینان ایدر
 دیو یازمیشدر (یا موسی بن یونلری حق تعالیك امر یله ایتدم و یا یلنی
 وکنه حقیقتی سکا سو یلدم دیدی) (الی بن کعب رضی الله عنه جناب
 رسالتدن علیه السلام روایت ایدر که حق تعالی موسی علیه السلامه
 رحمت ایلسون نولایدی خضره ملاقی اولوب اندن عجب کورد که
 صبر ایدوب اینکیمسندده اگر بزدخی سوال ایدرمم غیری بکا صاحب
 اوله زیر اعدنم ایته بالغ اولدی دیمسیدی اندن چوق عجایب کورمکله
 بزه خبر و یریلوردی پیوز دیلر (پس حضرت خضر حین مقارقتده
 وضعت ایدوب یا موسی علمنی سو یلک ایچون تحصیل ایلکه بلکه موجب
 عمل و بیلنره تعلیم ایچون او کرن دنیا دار قرار دکلدن کفایت
 مقداری استنده سنی والدهك امر حقه تابوت قیوب نیل مبارکه القا
 ایتد که حق تعالی سنی تفریق ایچوب یله والده که رد و احسان
 ایلدی بنده امر حقه کئی بی ذلک ایدر عظیمه او اوب یله
 کئی سیلامته له صاحبزینك الارتهه قالدی عذ و کن اولان قطبی بی
 امر حق اولمزدن مقدم قتل ایلدک اما بن اول صبی بی امر حقه قتل
 ایتدم یا موسی سن شعیب علیه السلام کفرلرینک قیولرین صواروب
 حق تعالی در اجر و ثواب استدک بنده اول ایکی یتیمک دیوارن دوزلدوب
 باری تعالی دن اجر و ثواب استدم دیدی (شویله معلوم اوله که
 حضرت خضر دن حضرت موسیك علیهما السلام یونلری تعلیمه
 حضرت موسی دن حضرت خضرک افضلیتی لازم کلر زیر حضرت
 موسی اولوالعزم و صاحب کلبدر حضرت خضرک ایهه علمی علم لدنی

و کشفیدن حکم بعض اولیاء الله و ظهور ایدر ایتنهلی (چون فرعون
 علیه اللعنه حضرت موسیه ایمان ایتدی آخر هبوط حضرت آدم دن
 اوچینک سکر یوز یکریمی سکر نجی سننه ده بحر قلزمده اغراق
 و بنی اسرائیل نجات یولمشدر و همرده مدت مکث بنی اسرائیل ایکیون
 اون یش سننه در بو تقدیر بجه حضرت موسیك فرعونی مدت دعوتی
 اون درت سنه اولور و اوچینک سکر یوز قرق یدنجی سننه ده حضرت
 موسی جبل طوره جبقوب جناب متعال ایله بعد المکالمه کتاب شریف
 توراتی الماشدر (و تورات ز بر جدا خضر او ز رینه قلم قدرتله یازمیش
 یدی عدد لوح ایدی طوردن عود تلرندده قومی عجله عبادت ایدر
 کورد که غیرت و غضبندن مبارک دست سعادتلرندن الواجی بزه
 بر اقیقش بش عددی منکسر او اوب سمایه مرفوع و ایکسینی مشک
 قالدی و اول الواح شریفه احکام صکره شاقه بی مشتمل ایدی
 و ابتدا احکام و شرایعی جامع اولان کتاب تورات شریف قدر بوندن مقدم
 نازل اولان بحالیف شریفه ذکر و موعظه و حکمتدن عبارتندرا
 و حضرت عیساك ولادتده قدر حکم توراتله عمل اولندی (و حضرت
 موسی ایله مینانه وفات حضرت آدم اوچینک درت یوز اون سکر سنه دن
 و مینانه حضرت ابراهیم بشیر الشمس بش سننه در و مینانه هجرت نبویه
 بیك التیوز قرق یدی سننه در و اوچینک سکر یوز الشمس سکر نجی
 سننه ده عمر عزیز حضرت موسی علیه السلام یوز یکریمی شاله
 وارد قدیم جام موتی مقام یتده نوش ایدوب عالم سر و شک بزم جفته
 شمع اولمزلریله جسم اطفالین ارض مقدسه سه ده کشتب الحمر
 یاننه دفن ایتدیلر) و حضرت موسی علیه السلامه نصکره طغرای
 غرای برات نبوت (حضرت داود علیه السلام نامنه چکلدی
 * حضرت داود علیه السلام *

ابن ایشی بن عوید بن ناعور بن سلون بن یحسون بن عمی بن زباب
 بن زافدن حضرت بن فارض بن یهودا بن یعقوب علیه السلامدر) که
 هبوط حضرت آدم دن درتیک اوچینوز او تون اوچنجی سننه ده شریف
 عالم شهود پیوردیلر (و درتیک اوچینوز الشمس اوچنجی سننه ده جالوت
 بربری هلاک ایتدیلر) و طالوت دخی اول سننه ده وفات ایلدی

و بلاد روم و مدین از مرقر بنده واقع مدینه مغیره اول سنده بنا اولندی
و مسجد اقصا ک بنا سنده همت ایدب اتمامه طغر یاب اوله مخلفه زمان
حضرت سلیمان علیه السلام مدینه یدی سنده ده تکمیل اولندی
و حضرت داود ری غنم ایدردی (حق تعالی عز اسماء) اکا هم نبوت
و هم خلافت و هم مجوع عالمک سلطنتی و پروپ لیسان عبری اوزره
کتاب شریف زیوری ازان یوردیکه علی الترتیب یوز الی سوره
اولوب الی سوره سنی تخت انصیرک اهل بابل ایله اولان قضیه و حکایاتی
میندر (والی سوره سنی اهل ایزون قضایا سنده داندز) (والی سوره سنی
دخی نصایح و مواظبت و حکمتدن عبارتدر) (و کتاب زیورده جلال و حرام
و حدود و حکم اولدیغندن حضرت داود تورانه حکم ایدرلیدی
اما زیورک سار صغایف اوزرینه زحمتی و ایدیدی) و حضرت
داود دخی خلافتله مخاطبه اولغله سارل اوزرینه شرف عظیمی واردر
و حضرت داودک تسابیح و حقه اولان معاملاتی مشهور و معروفدر
(و کنت کز اخفیا) حدیث قدسیدر که اکا خطبات اولمدر
و حضرت داوده آوازه خوب احسان اولمغله استماع ایدن و خوش
و طبور حیران و مدتهوش اولورلیدی (و هواده یوز ایدرلیدی)
صلواتی اشد کمرنده سر سعادت حضرت داود اوزرینه قتادری
یا یونیه طورلیدی (واهل حال و وجد اولنار دخی اول خوش آوازک
استماعندن جوشه کلوب رقص و سماعه کیرلیدی) (و آهن کرم دست
گرامت یوست حضرت داودده موم کی بزم اولوب آتشدن تلمیذین ایتدین
حلقه حلقه ایملکه زده تلمیذین درعی عمل ایلدیلر) تا که مؤمنین اول
قبض آهنین ایله جنک و خربده آفاندن مصون اوله (حق جنک جالوتده
تلمیذین یوز دقلری درعی قینقا عدن جناب رسالت علیه السلام
انفال ایتشدی) (صکره نابید اولدی) (و حضرت داود علیه السلام
حق تعالی فصل حکومت زنجیره نی کوندردی رعایا و برایله حکم
ایچون تخت عدالت نشین اولدقلرنده اول زنجیر مانند کاکل بخون عالمکیر
اصیلوردی) (و هر ایکی خصم الارین اول زنجیره اوزدقلرنده
اهل حقک الی اول زنجیره ایشوردی) (واهل باطلک ایشوردی
هجوم ظلمدن مریض اولنله شربت صحت و عافیت ایچور دیکچون

اول زنجیره سلسله تفصیل و شفا دیرلیدی (و حضرت داود ایله
مینانه حضرت موسی علیهما السلام بشیور الشمس طغوز سنده در
عمر عزیز کرانبه ساری یتیم سنده یه واروب مستبد خلافتدن کفاید
ودرت بیک درت یوز اوچین سنده ده آخرت سلطنتیه یوز طوطیقلرنده
نکین نبوت انکشت سعادت حضرت سلیمان علیه السلام طاقلدی
* حضرت سلیمان علیه السلام *

ابن داود علیه السلام نام مادر سعادت لری سابعه بنت سابعدر
حضرت داود علیه السلام ملک کنی حضرت سلیمان و صیت ایتدین
اون اوچ یاشنده ایکن ملک و نبوته ارثا مالک اولدیلر (و حضرت داود
علیه السلام هم یغیردیشان و هم پادشاه اولدیغنی کی اوغلی
حضرت سلیمان دخی هم نی و هم پادشاه اولوب یاشنده هم نبوتده
و هم پادشاه لقمده وارث اولدیلر) و حضرت سلیمان حضرت داود
علیه السلام اوغلارینک کوچکی ایدی (اما عقل و زکا و علمده
جمله سنده مرجع ایدی) (حتی حال صبا و تنده نیجه حکومتده پادشاهی
حضرت داود علیه السلامی ارشاد ایدردی) (حق تعالی بیک
(و داود و سلیمان اذ یحکمان فی الحزب اذ تفشت فیه غم القوم و کما
لحکمهم شاهدین) ایت کریمه سنی مالی اوزره بر قودک قیونلری
چو بانسز قالمغله بر کیمجه برجا عنک اکیلرین ییوب اتلاف ایتدیلر
یا خود باغلرینه کیروب اوزملرین اتلاف ایتدکلرنده مال صاحب لری
قیون صاحب لرندن حضرت داود علیه السلام حضورنده دعوی
ایتدکلرنده تلف اولان اشیانک قیمتی قیونلرک قیمتیله بحسابه مساوی
اولغله حضرت داود علیه السلام قیونلری مال صاحب لرنده حکم
ایتشدی (یونلر طشره چقدقلرنده حضرت سلیمان بابام شکل حکم
ایتدی دیو صوز یحیی) (قیونلرک قیمتیله تلف اولان اشیانک قیمتی مساوی
اولدیغندن قیونلری مال صاحب لرنده حکم ایتدی دیدکلرنده حضرت
سلیمان بو حکمدن خیر لوطر فینه غیری حکم و ایدیدی دیدی یا خودا کر
والی اولیدم غیری بر حکم ایدر ایدم که طرفینه بوندن انفع اولور ایدی
دیدکلرنه بناء طرفین ایچرو کیروب حضرت سلیمانک کلامن حضرت
داود علیه السلام خبره رد کلرنده) (چاغر و ب ای اوغل سنی یونلرک

دعواسته خا کم نصبت ایلسنم شکل حکم ایدرک دیدیلر (یا خود ای
اوغل طرفینه خیر او اولان حکمی بکا سوانله دیدیکده (حضرت
سلیمان اکتلری یا باغلری محصولی تلف اولان مال صاحبینه
قبوللری امانت و یرک وار شونلر سود و یوک و قوز نلریله انتفاع
ایتسوللر (وقیون صاحبازی دخی محصولی تلف اولان ترلاری سوزب
واکوب محصولندن انتفاع ایتسوللر) سنه تمامنده قبول صاحبازی
قبوللرینه (وزلا صاحبازی ترلارینه متصرف اولسوللر دیوجک
حضرت داود علیه السلام حضرت سلیمان علیه السلام
بو حکمی تحسین ایدوب بو وجهله حکم ایدیلر (بخاری و مسلمه
ابوهریره رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه و آله روایت ایدر که
برکسینه نکاحی بر یوک خاتونی و بر کوچک او طه لاق بخاریه می
وار ایدیکه هر بدن بر ولدی اولمشیدی (اول ایکی ولدک بری
قورده لاک ایتکین خاتونلر موجود اولان بر آس چو جوق ابله حضور
حضرت داود علیه السلام کلوب هر بری بو جوق بیدر یوک
چو جوغنی قورده هلاک ایتدی دیر (انجیق بیوک خاتون زیاده
بکاه ایتدیکدن حضرت داود علیه السلام فریاد و بکاسنه باقوب
چو جوغی انک ظنیه یدینه تسلیم ایلدی حضرت سلیمان باباشنه
بکار خصیت و یرک چو جوغک والده سنی سزه بولیم دیمکله (حضرت
داود علیه السلام ملک رخصتی اولمغین حضرت سلیمان علیه
السلام برکسکین بچاق کتوردک (و چو جوغنی ضویک دیدیلر
(خاتونلر یا سلیمان نه یا باجقسن دیدیلر چو جوغنی بچاغله سر ایا ایکی
یولوب برلشی و یره حکم دیوجک (بیوک خاتون راضی اوردی اما
کوچک خاتون یا سلیمان حق تعالی سکا رجعت ایتسون چو جوغه
مر جعت ابله بن معترف چو جوق بیوک خاتونکدر دیدیکنده حضرت
سلیمان علیه السلام ای بابا چو جوغی کوچک خاتونه حکم نیورک
بیوک خاتونک ولدنی قوردیمش زیرایوک خاتون کوچک خاتونک
ولدنی کورد کده ولدم خاطرمه کلوب غماک اولورم کوچک خاتونده
بچلین اولسونده ایکی زده اولادسز قالهلم دیوچو جوغک ایکی پاره
اولسنده راضیه اوردی (اما کوچک خاتون تک ولدم صاع اولسونده

انک اولسون دیو اعتراف ایدر دیدیکنده حضرت داود علیه السلام
وعلا و وزیر سی حضرت سلیمان علیه السلام تحسین ایتدکرینه
مینی حضرت داود علیه السلام چو جوغی کوچک خاتونه حکم
ایتد کده بیوک خاتون یا سلیمان آفرین رشد که که بنم ولدی قورده لاک
ایلدی بو ولد بونکدر دیو اعتراف ایلدی (حافظ ابوالقاسم
ابن عساکردن مرویدر که زمان حضرت داود علیه السلام غایت
صالحه و متعففه بر صاحب جلال خاتون و ار ایدی (اکارینی اسرا ایلدن
درت کیمسه اول خاتونه زنا قصیده مال و امتعه و جواهر عرض
ایتدکرینه خاتون زنادن مجتنبه اولمغین (اول درت نفر کیمسه بالاتفاق
اول خاتونی احضار (و حضرت داود علیه السلام حضورنده
بو خاتون بر کلک آلتنه یا توب کندینه زنا ایتدردی دیو شها دتلرنده
حضرت داود علیه السلام خاتونی رجله امر ایدیچک حضرت
سلیمان مجلسده ایدی طشره چیقوب کندی اقرانشدن اتی نفر
چو جوق جمع (و برین خاتون مقامنده قویوب (بش نفر چو جوغه
بنم حضورمه کلد کده بو خاتون کلب ابله زنا ایتدی دیو شهادت
ایک دیمکله خدامدن بری بوسره واقف اولوب حضرت داود
علیه السلامه خبر و یرد کده حضرت داود علیه السلام کلوب
خفیه دکلدیکه اول بش نفر چو جوقلر خاتون مقامنده اولان
چو جوغی حضور حضرت سلیمان علیه السلامه کتوروب یا سلیمان
بو خاتون کلب ابله زنا ایتدی بز شاهدز دیدیلر (حضرت سلیمان علیه
السلام التبی چو جوغه بونلری طشره چقاروب برر برر کتور دیمکله
اولدخی درد ندیده طشره چقاروب برین کتورد کده سلیمان علیه السلام
اول چو جوغه بو خاتونه زنا ایدن کلب نه رنکده ایدی دیوچک سیاه
ایدی دیدی یا کلک قولاقلری و قویر یغی در ستمیدی یو خسه
قصور لیدی دیوچک هر بر اعضایی درست ایدی دیدی حضرت
سلیمان آلتی چو جوغه بو چو جوغی آخر بره کوندر (اول برلینی
کور مسون باقی قلان اوج نفر چو جوغک برینی دخی کتورد دیدیکنده
اولدخی برینی دخی کتور مکین (حضرت سلیمان کلب نه رنک ایدی
و اعضایی شکل ایدی دیوچک (سرا یا قرمزی ایدی و قویر یغی

کسک ایدی دیدی (بونیده اولکینک یانه کتوروب برین دخی کتورک
دیمکله) ایندخی کتوردکلرنده کلک رنگنی و اعضاسنی صورددقه
الاجه ایدی و براباغی قلمشیدی دیدی بونی دخی اول ایکینک یانه
کوندروب دردنجیسن احضار وکلک رنگ و اعضاسن صوریحق
کلب بیاض ایدی وایکی قولقلری کسک ایدی دیدیکنده (حضرت
سلیمان پیوردیلر که برکلب هم بتون بیاض و هم بتون قرمزی و هم
آلاجه و هم سیاه اولمز کیمکز قولقلری کسک و کیمکز ایاغی قرق
و کیمکز قوریغی کسک و کیمکز اعضاسنی درست دیدیکز شها دتکر
بر برینه اویمدی (بوخاتون زنایه مطیعه اولمدیغندن افزا ایدوب
شهادت زور ایتدیکز وارک بوتک دردیده قتل ایدک) (بوخاتونی
قبو ویرک صوچی یوقدر پیوردیلر) پس حضرت داود سلیمانک
بووجهله حکومتی کوردکده تکرار خاتونی عز حضور لرینه احضار
و شاهدری یکان یکان ایچرویه آلوب اول کلک کیفیتی صورددقه
هربری بر برینه مخالف خبر ویرمالریله دردینده قتل ایدک دیوامر
وخاتونی تصدیق ایدوب قبو ویردی اتشی (ابوالبث سمر قندی
رحمة الله علیه رونق المجالسده نقل ایدر که برکوب حضرت سلیمان
علیه السلام درسمعادتلی اوکنده طوررلریکن (برخاتون اغلیه رق
کلور یاخاتون نه اغلرسن دیدکده ایکی نفر معصوم یتیم وارغایت فقیره یم
براولک حنطه پیدا ایدوب دکرمنده اوکیدوب کتوررکن برشید
روز کارارقه مدن چوالی الوب دریاه اتدی چو جوقلرم آج غیری
یسه جکمز اولمغله چو جوقلرم یماغلرم دیوجک (حضرت سلیمان
باباه وارده روز کار بنم چوال ایله اونمی الدی استرم دیو دعوی ایت
دیمکله خاتون ایچرو کوروب دعوی ایتدکده حضرت داود ایکی
اولچک بغدادی ویرمکین الوب طشره چیچق حضرت سلیمان خاتونه
بغدادی اله دعواکی ایت دیمکله خاتون ینه ایچرو کوروب دعوی
ایتدکده حضرت داود بودفعه اوچ اولچک بغدادی ویردیلر خاتون
بغدادی الوب طشره چیچقدقه حضرت سلیمان خاتونه وار بغدادی
براق دعواکی ایت دیوجک تکرار خاتون ایچرو کوروب دعوی ایتکین
حضرت داود روز کارله دعوی اولماز وار سکا بش اولچک بغدادی

ویرسولر من بعد بورایه کله دیمکله طشره چیچقدقه حضرت سلیمان نه
اجق خاتونسن وار باباه سندن بغدادی استرم روز کارله شرعا دعوی
کوردیوسویله بغدادی اله دیمکله خاتون ینه تکرار ایچرو کوروب
یاداود بن سزدن بغدادی استرم روز کارایله شرعا دعوی کوردیوجک
حضرت داود ای خاتون بوراده بغدادی قبول ایدرسن طشره
چیچقدقه تکرار کوروب یسه دعوی ایدرسن سکا طشره ده بونی کیم
تعلیم ایده یوردیدکده اوغلاک حضرت سلیمان اوگردیور دیچک
حضرت داود طشره چیچقوب ای اوغول بوخاتونی نیچون تحریک
ایدرسن دیدیلر (حضرت سلیمان بوخاتون سنزک حضور کزد
روز کاردن دعوی ایدر شرعا مرفعه لازم ایکن دکلوب تصدق
ایدرسکزدیوجک (حضرت داود ای اوغول روز کارله دعوی
اولورمی دیدکده حضرت سلیمان روز کار بوخاتونک دقیقنی امر حقه
کتوررکندی کند ویه کتوره مزر روز کاری احضار ایدوب بوخاتونک
نیچون مرفعه سن کورمز سن دیوجک یاروز کار احضار اولورمی
دیدکده حضرت سلیمان یاسن یالکزیادشاه دکلسن که روز کاری
احضاره قادر اولیسه سن بلکه هم یازشاهسن و هم پیغمبرسن
عبادتخانه کزده حق تعالیدن روز کارک احضارینی نیاز ایدک دیدکده
حضرت داود عبادتخانه سنده یعد النیاز صدر حکومتیه نشین
اولدقلرنده کوردیلر که شکل انسانیده برملک کلوب یانی الله اول خاتونک
دعوا سیچون کوندرا دم روز کاره مؤکلم بن اول خاتونک چوال ایله
اوتی کندی رأیله روز کاره الدرمدم بلکه متاعله مملو بر سفینه دریاده
طاشه چار یملغله دلنوب قیامدیغندن اول سفینه اصحابی یارپی بزی
غرق ایتمه رزقک نصفی فقرایه ویره لم دیو نیاز ایتدیلر نیازلری مقبوله
اولغین حق تعالینک امریله بوخاتونک چوالن الوب اول سفینه نک
دلیکینه طبقه دم شمیدی اول سفینه سلامت بولوب کاره یناشدی
اصحابی کتوردوب احوالی صور و نذرلری اولان مالی بوخاتونک
یتیملرینه ویرسولر دیو حق تعالی امر ایتیدی دیوجک (حضرت
داود اول سفینه دهکی باز کارلری احضار و سؤالنده چوالی و نذرلری
مقرو معترف اولمالریله حضرت داود اول چوال ایله دقیق بوخاتونک

ایکی نفر یتیم یکنکدر حق تعالی انلرک چوالیلہ سزہ سلامت احسان
ایلدی غیر سزده نذر ایتدیککز مالی اول یتیملره ویزک دیدکده
اول سفینه احسابی اموالک نصفی ایروب اول خاتونه تسلیم ایلدیلر
(پس حضرت سلیمان علیه السلاسه نوعنايته سبب اولدک دیو
اول یتیملر عظیم ثنای جمیل ایتدیلر وقتا که حضرت داودک عمر شر یفلی
یوز سنه یه وارد قدده اوغلاک سلیمانی یریکه خلیفه ایله دیو وحی اولمغین
یار بی سلیمان اون طقوز نفر اولاد مک جله سنک کو چیکی والیوم
اون اوچ یاشنده علماء بنی اسرائیل نوبت بیوک اوغلو ککدر دبر لسه
دیدکده اولادکی و علماء بنی اسرائیلی جمع ایدوب اولادیکه بکا جانب
حقدن وحی اولندی سز دن اون بش سوالم وار هر قنغیکز جواب
ویرسه آتی بریمه خلیفه ایدہ حکم دیوب اول اون بش شہتی صور سلیماندن
غیر بیسی جواب ویرہ منزل اول زمان سلیمانی جله اتفاقیله خلیفه ایت دیو
وحی اولند یغنه مبنی حضرت داود علما ووز راسی محضرندہ اون طقوز
نفر اولادینہ وخی تبلیغ پیورد قلرنده جله فرمان الهی یه اطاعت ایدوب
اول اسؤلہ بی بیورک زیر خلیفه اولان عالم اولمیدر دیدککرنده حضرت
داود اون بش سوالدن (اولکبسی انسانہ نه پک یقین اولان شی ندر
(ایکجیبسی انسانہ پک بعید اولان شی ندر) اوچجیبسی انسانک پک انسیب
ایتدیکی شی ندر (در دنجیبسی انسانک پک وحشت ایتدیکی شی ندر
(بشجیبسی انسانک پک کوزل اولان شہتی ندر) التجبیبسی انسانک پک قبیح
اولان شہتی ندر (یدنجیبسی انسانک پک آز اولان شہتی ندر) سکرنجیبسی
انسانک پک چوق اولان شہتی ندر (طقوزنجیبسی اول ایکی شی که دائما
طور لر ندر) اوننجیبسی اول ایکی شی که دائما سعی ایدوب یور لر ندر
(اون برنجیبسی اول ایکی شی که بر برینہ شریک اولوب بر برینی دائما
تعاقب ایدر لر ندر) (اون ایکجیبسی اول ایکی شی که بر برینہ بغض
ایدوب بریزده جمع اولر لر ندر) (اون اوچجیبسی اول ایکی شی که
بر برینہ محبت ایدر لر ندر) (اون در دنجیبسی آخری محمود اولان
شی ندر) (اون بشجیبسی آخری مذموم اولان شی ندر دیویکان یکان
سوال پیورد قلرنده جله اولاد مبهوت اولمغله حضرت سلیمان
علینہ السلام فتح دهان ایدوب انسانہ پک یقین اولان آخرتدر وپک

بعید اولان دنیادن پیدر پی کیچن عمر در وانسانک پک انسیب ایتدیکی
ایچنده جان اولان جسددر پک وحشت ایتدیکی ایچنده جان اولیان
جسددر وانسانده پک کوزل اولان بعد الکفر ایماندر وپک قبیح اولان بعد
الایمان کفر در وانسانده پک آز اولان یقیندر وپک چوق اولان شک
وشبهه در واول ایکی شی که دائما طور لر رارض وسمادر واول ایکی شی که
دائما یور لر شمس وقردر (واول ایکی شی که بر برینہ شریک اولور لر روز
وشبدر) (واول ایکی شی که بر برینہ بغض ایدوب بریرہ کلزلر حیات
وهوتدر) (واول ایکی شی که بر برین سور لر جان و جسددر) (واول
شی که آخری محموددر بعد الغضب حمله معامله ایدوب عفو ایتکدر
(واول شی که آخری مذمومدر غضب کلیدکده اجرا ایتکدر
دیو جواب ویرد ککرنده جله علماء بنی اسرائیل جوابلرین تحسین
ایدوب خلافت و جوهله الیق و احق در دیدککرنده بناء (حضرت داود
منبره چیقوب ایها الناس حق تعالی بریمه او غلوم سلیمانی خلیفه
نصب و تمین پیوردیلر و سزہ پادشاه نصب ایتدیلر جله کز سلیمانک
امر و فرمانده مطیع و منقاد اولوک دییچک یاد اود اون طقوز نفر
اولادیکک سلیمان ککوچوکیدر آندن اول پادشاهلغہ اون سکر نفر
برادرلری مستحقلر ایکن سلیمانی بیچون تقدیم پیوردیکز دیدککرنده
حضرت داود پادشاهلق و هیدر کبی دکلدر و ملک الله عظیم
الشانکدر دیلدیکنه ویر سلیمانی امر حقه خلیفه ایتدم شبهه کز
وارینہ اون طقوز نفر اولاد قوری اغاجدن برز عصا کتورسونلر
واوزینہ هر بری اسملرین یازسونلر بریرہ دیکه لم واول پرک قبوسنی
محکم قیایه لم صباحه دک بکلک صباح اولدقدہ جله مز جمع اولوب
قیوی آچه لم حق تعالی اون طقوز نفر اولاد مک قنغیسنک عصا سنی
یشاردوب دالر و بوداقلر و پیراقلر احسان ایدر سہ ملک و سلطنت
انکدر دیمکله اون طقوز اولاد بروجه محرر عصا لرین دیکوب
صباحه قدر بکلدیلر صباح اولدقدہ ناس جمع اولوب قیوی آچد قلرنده
اون سکر اولادک بمصاری کا کان قوری طورر همان حضرت سلیمانک
عصای شریفی یشاروب دالر و پیراقلر و یرمش کورد ککرنده حضرت
سلیمانہ سلطنت و پادشاهلق حق تعالیک لطف و احسانیلہ اولد یغین

نیلوب اطاعت و انقیاد ایتدیلر ایتھی دیمشدر در که جهان دردت
صاحبقران پادشاه اولمشدر بری حضرت سلیمان علیه السلام و بری
حضرت اسکندر در که مؤمن و موحد لردر و بری عمرود علیه السلام
و بردخی تخت النصر در که کافر لردر اما بواو چندن هر برینک شکوه
و سلطنتی حضرت سلیمان سلطنته بمائل اولامشدر زیرا انس و جن
و دیو و پری و وحوش و طیور و مار و مور و همه روزگار تحت تسخیرنده
اولمه له از هر جهت امر همایونه رام ایدیلر بوجهتدن عجب عجب
مناقب جلایله لری خیرت افزادر و خاتم جهانیه لری نیک فاشی کبریت
احمر اولوب اوزرنده منقوش اولان اوچ سطر دن سطر اول
(بسم الله الرحمن الرحيم) و سطر ثانی (لا اله الا الله) و سطر ثالث
(محمد رسول الله) ایدی و حضرت آدم علیه السلام جنیده ایکن اول
خاتم سعادت مبارك اصیبنده ایدی زله وقوعینده ارکان عرشدن
بررکنده بعد الوضع زمان شریف حضرت سلیماننده جبریل
علیه السلام فرمان الهی ایله سلیمان کتوروب انکشت سعادت لرینده
یکپوردی و اول خاتمک نورایت و هیئتدن سلیمان علیه السلام
اعین ناسدن غائب اولغین یانی الله مطالعه جال باکالک استرز
دید کلرنده حضرت سلیمان اذکرو الله یوردیلر انلردخی بره مقتضای
مأموریت ذکر ایلیجک حضرت سلیمان مشاهده ایتدیلر محکیدر که
حضرت سلیمان علیه السلام بر محلدن گذران ایدر لریکن عسداپ
اوزدی اصحابنه بوقوش نه سویلر یلور میسکز دیجک الله تعالی
و تعلیم ایلدیکی رسول یلور دیدیلر حضرت سلیمان بوقوش نیم خرما
یدیکمده دنیا اوزرینه طبراق صابا سون دیر مقصود ارزاقه قناعتی
افاده در یوردی (واویک اوتدکده بوقوش نوایدی اشبو مخلوق ایچنده
خلاق اولمیدم دیر) مقصود حق تعالی بدن کمال خوف و خشیتدن
خلق اولنماسن نمی ایدر یوردی (وطاوس اوتدکده بوقوش برکیمسه
هرنه عمل ایلر سه خبر و شر جزاسن بولور دیر یوردی) و هده هد
اوتدکده بوقوش ای کاه اشلیجیلر کاه کزدن حق تعالی به توبه
و استغفار ایدک دیر یوردی (و آنجه یا خود براسه اوتدکده بوقوش
هر جانلو اولور و هر یکی اولان شی اسکیوب فنا بولور عمر یکزه و دنیا به

مفرور اولوب آخرت تدارکن کورک دیر یوردی (و قرلغچ و ابابیل
اوتدکده بوقوش اعمال حسنه و انعام و احساندن ایلرو کوند رر سه کز
آخرته حاضر بولور سکز دیر) مقصود قوللری عبادته ترغیدر
یوردی (و قرنال اوتدکده بوقوش هرشی هلاک اولور انجق حق تعالی
باقیدر دیر یوردی) و کرکس اوتدکده بوقوش دنیا به نقد ریشاسک
عاقبتی موتدر الدائموب تدارک اوزره اولک دیر یوردی (وطوشنجل
اوتدکده بوقوش ناسدن بعید اولمقده و عزالت و انزوا ایتکده
انس بالله وارد دیر یوردی) (ابن مسعود رضی الله عنه بیورر که
کعب الاحباری رضی الله عنه حضرت عمرک رضی الله عنه زمان
خلافتنده یاننده کوردم کعب یا امیر المؤمنین کابلردن اوقود یغم
شبتلرک زیاده اغربندن سکا خبر و یرهم دیوب برکون بحاس سعادت
حضرت سلیمان علیه السلام بر بایغوش کلدکده یا بوم بغدادی وار په
وساژ حبوباتدن نیچون تناول ایتزسن بیورد قلرنده آدم و حوا اول
حبوباتی یدکلرندن چندن اخراج اولندیلر دیدی باصودن نیچون
ایچمزسن بیورد قده حضرت نوح علیه السلام ک قومی صویه غرق
اولدیلر دیدی (یا نیچون معوری ترک و خراباتی اختیار ایتدک بیورد قده
خرابات میراث اللهدر کیمسه نک ملکی اولدیغندن لانه و اشیانه ایدندم
دیدی) یا اول خراباتده اوتدیککده نه دیرسن بیورد قده نعم دنیا به
الدانوب بنم دینلر و ترغمنه الدانوب مفرور اولنلر نه ده قالدی دیرم
دیدی (یا خانه ل اوزرنده قناد آچوب اوجدیغکده نه دیرسن بیورد قده
ویل خسران بنی آدمه که اوکلرنده بوقدر هموم و غموم و هول شداند
وارایکن شکل او یورلر و نعم ایله تلذذ ایدر لردیرم دیدی) یا نیچون کوندز
جیفوب اوچزسن دیدکده بنی آدم نفسلرینه ظلمی اکثر باکوندز
ایتدکلرندن کندی می انلردن مخفی قیلرم تا که انلرله مخالطه ایتیم دیدی
یا کیمسه رده صباحه قدر نه دیرسن بیورد قلرنده ای غافلر او بچو
و غفلتی ترک ایدوب آخرت ایچون حاضر نک دیرم و حق تعالی بی
نقایص و سمات حدو ثدن تنزیه و تقدیس اینده رک شریک و نظیردن
وزوال و فسادن منزّه و مقدس دیر دیو تسبیح ایدرم دیدکده (حضرت
سلیمان علیه السلام بنی آدمه نوع طوبوردن بیغوشدن شفقنلو بوغیکن

بنده عندلنده جله دن مبعوضدر بیوردی دیو حضرت عمره رضی الله عنه خبر و پردی (و حضرت سلیمان علیه السلام حکم توراتله عمل ایدرلردی وزمان شریفلرندن هجرت نبویه علیه افضل التحیه میانی بیکوز سینه مقداریدر (بعضیلر زمان حضرت سلیمان ایله ولادت جناب مفرکائنات میانی بیک الشمس سینه در دیدیلر و عمر عزیز حضرت سلیمان علیه السلام الی سینه دن زیاده جده در چونکه اول صاحب نیاز جهناک عزت و نازندن بکوب جام جانکدازی دست هاذم الله تذدن نوش ابتدی لاجرم مهر نبوت حضرت عیسی علیه السلام جلال باکالنه طلوع ایلدی

* حضرت عیسی علیه السلام *

ابن مریم بن عمران بن ماثان بن امون بن میشا بن جزقیان بن آخریق ابن یوثام بن عزازیان امضیان باوش بن خریهون بن یارم بن یهفایشاظ بن ایسا ابن رجیم بن سلیمان بن داود علیهم السلامدر و حضرت عیسی علیه السلام اولوالعزمنددر اوتوز یاشنده ایکن قبل حقندن بعث اولوب کندی و یه انجیل شریف ارسال اولمقله حکم تورات شریف نسخ اولندی (و حضرت عیسیه ارزانی قیلان معجزات عجیب و امور غریبه اسلافنده کی پیغمبران ذیشانه مبسر اولمشدر بنابرین نیجه ابرص و سیمی تندرست و صحیح و نیجه عظام و رمیمی یک نفسه احیا بیورلردی و والدہ مکرمه لی حضرت مریم بنت عمران اون اوچ یاشنده ایکن بی پدر حضرت عیسیایی حامل اولوب هبوط حضرت آمدن بشیک بشیوز سکسان درت سینه ده قرای قدس شریفدن پیت لحم نام محله ولادت حضرت یحیادن عایله السلام الی ماه مرونده شریف عالم شهود بیوردیلر محکدر که حضرت مریم باپاسی عمران و والدہ سی حنه در و حنه عاقر اولوب حال اختیاریده برقوش یاور یسن بسرکور یحک اولاد ارزوسیه جناب عطا بخشایه ابتدکی دعاه قبول اولوب حضرت مریمه حامل اولدقده زوجی عمران وفات ایلدی پس حنه کبه اولدیغنه واقف اولیحق بعد الحمد و الثناء یاری بطمنده کی ولدی بیت مقدسه سکا خلاصله عبادت و ایچنده ساکن اولان حکمایه خدمت ایچون محرر نذر ایدم

بندن قبول ایله دیو نیاز ایلدی محرر دیو بنی اسرائیل شریعتنده ارکک ولدی بیت مقدسه عبادت و ایچنده اولان علمایه خدمته خاص فیلوب اون یاشنه قدر کندولر تربیه ایدرلر اون یاشنه کیردکده بیت مقدسه قویوب مرتبه رجاله ابرجعه عبادت و علمایه خدمته تربیه ایدرلر و مرتبه رجاله ابرجک علمایع اولوب والدینک تحریری تمام اولدی شمعی فاعل مختار اولدک دیلرسک کیت و دیلرسک بونده مقیم اولوب خدمته اول دیرلردی (وقتا که ختنه مؤنث طوغور دیلر یاری بطمنده کی ولدی مذکر امیدله محررا تمکه نذر ایتشیدم شمعی مؤنث برقز طوغندی بیت مقدسه محرر اولان اولاد مذکر اولور قز اولمز (امدی مریم عایده معنایه اولمقله بوقزک نامنی مریم تسمیه ایتدم تا که مستمرا عبادت و طاعت ملازم اوله و بن بوقزی و ذریاتی شیطانک شر و وسوسه سیندن سکا صغندر دم دایم حفظ امانکده ایله دیو دعاسنی جناب محیب الدعوات قبول ایلدی انکیچون جناب پیغمبر علیه السلام بیوردیلر که هیچ برولد اتادن طوغز الاشبدان اول ولدی طوغدیغی آنده مس ایدر یعنی سینده می طوغدک یاشمزی و وسوسه قیدیه زجنه اوغراده چکسن دیو شدتله قاقشد پروب درندکده چو جوغک ناله سی شیطانک مس سیندر انحق مریم و اوغلی عیسیایی مس ایده مدی بیوردیلر (و بعض روایتده مریم و عیسی طوغدقلرنده شیطان مس ایتک مراد اید یحک حق تعالی حجاب ایتکله شیطان مس ایده مدی بوکرامت مریمک والدہ سی حنه نک دعاسی حرمتنه در چون ختنه تولد ایلدیکی ولدک مؤنث اولدیغنه نأسف ایتدیکنده حق تعالی مریمی ولد مذکر برینه قبول ایدوب طوغدیغی آنده بی بیت مقدسه عبادت ایچون همان تسلیم ایدک دیو سوبلتمکله حضرت مریمی بریزه صاروب بیت مقدسه برافدقلرنده حضرت زکریا علیه السلام بکرمی یدی نفر اخبار ایله اوتروب تورات شریف یازارلردی (اول چو جوغی کوردکلرنده حضرت زکریا بوجو جوغک خالتم سی بن تحت نکا حده در بن باقوب تربیه ایدرم دیدکده (اخباران بودختر پاکیزه اون یاشنه وار مدین طوغدیغی کی کنذنی بورایه کتور مک ایچون امر حقله سوبلتمکله خالتم سی تربیه یه احق و البق اولمز دیو

منارعه و حضرت امیر علیه و جوهله محبت ایلدکلرندن هر بری مستقلا
 ترپیه طالع و راغب اولملرله رؤساری و پادشاهلری اولان
 یونانلار یونلری برماه جاری پانته کتورب جله کز تورانی یازدیغکر
 قلملری صویه براغک قنغیکزک قلمی باتمبوب صوایله آفرسه بودختری
 اول ترپیه ایتسون دیمکه هر بری قلملرین اول صویه پراقدیلر
 جله سی صویه باتوب (همان حضرت زکریا نیک قلمی صوایله
 آقدیغده حضرت مریم حضرت زکریا باغده و ترپیه به تکفل
 ایتکله ویردکلرنده) حضرت زکریا حضرت مریم ایچون زردباله
 چقبور یوکسک برصومعه بنا (و حضرت مریم ایچنه قیوب وحی
 الهی ایل قیوسنی کلیدلدی و حضرت مریم قطعا همه امامکله حضرت
 جبریل طعام جنازه ترپیه و تطهیر ایدردی و هر بار حضرت زکریا
 پر ای عبادت اول صومعه کیره لردی قیوش ایسه یازمشی و یازایسه
 قیوش بمشی کوروب یامریم بیوتت عادتله مخالف بویله الطف و انفس
 فواکه سکا زدن کلور و کیم کتورر دیو صور دقده (حضرت مریم
 حق تعالی جندندندر) دیلدیکنه بغیر حساب ارزاق احسان ایدر دیرایدی
 پس حضرت مریم اول صومعه ده اون اوچ یاشنه قدر و حیدر طاعنه
 اولوب حیض کورمکه باشلدقده صومعه سندن جی قیوب خانه سی
 ایشاع بنت فاقودک خانه سنده پالک اولوب ینه صومعه سنده کلدیله
 ابرته سی ماه ینه حیض کورمکه کذلک ایشاعک خانه سنده واروب بعد
 الفسل ینه صومعه سنده کیمک مراد ایلدیله (و غسل ایچون برتنها محله
 واروب آنده عریان ایکن امر حقه حضرت جبریل صورت انسانیده
 کورمکین همان کال عصمت و عفتندن پیراهن سعادتلرین کیوب
 حضرت جبریل بن حق تعالی نیک حفظنه و رحمتنه سندن صغیرم
 متقی و صالح ایسکده ینه سندن صغیرم دیو جک (حضرت جبریل
 سنی کوچکدن بلوغکه قدر نعم جتنله ارزاق و ترپیه و حفظ ایدوب
 دایما صومعه ده سکا نعم جنتی بخله کوندرن ربکدن سکا کوند رملش
 رسولم (سکا ذنوبدن طاهر و خیرله نشوونما بولور برار کک ولد
 ایچون کلدیم دیدکده) حضرت مریم بونک قبل حقدن کوند رملش
 ملک ایدیکنی ییلوب ولد مذکر ایله تبشیرین کوش ایدیکن بن نکاحله

اره وارمدم (و بنی انسان مس ایتدی و بن نفس و شهوتله او یوب
 برار کک پانته وارمدم بندن ولد نیجه ظهوره کلور دیدکده) حضرت
 جبریل کرجه سویلدیکک صحیح فاما سنی قزایکن ییتنه تسلیم
 ایتدیروب شیر خواره لکدن منع و نعم جتنله ارزاق و انواع نعمتله
 ترپیه ایدن حق تعالی حضرت آدمی اناسز و باباسز پرا تدیغ کبی
 بشر مس ایتدین باباسز اولاد خلق ایتک بکا قولایدن (مراد ایتدیکم
 شیئی ماده سز و سنیسز و جوده کتوررم) امدی سندن بی پدر
 ولد قیلارز که تا اول ولد بزم هر مراد ایتدیکم سبب سز ایجا ده کار
 قدرت و قوتنه ناسه دلیل اوله (و بزدن ناسه رجعت اوله که آتیلر بونکله
 هدایتله واصل و ارشاد اوله) (یا مریم سندن باباسز ولد کلمسی ازلد
 تقدیر اولوب لوح محفوظه یاز لشدن دیو حق تعالی پیوردی دیو جک
 حضرت مریم قلب شریفلری مطمئن اولغین) حضرت جبریل
 حضرت مریم یقیننه کلوب قیص سعادتلرینک یقاسندن او فورمکه
 نفس شریفلری حضرت مریم بطن سعادتلری دروننه کبر مکین
 اول آنده حضرت مریم حضرت عیسی علیه السلام حامل اولدیله
 پس وقت تولد تقرب ایتدکده وقت شتایدی بطنکی خرما اغا جنه
 طایه دیو الهام اولمغله حضرت مریم یقیننه قوریمش پیراق سز
 برخما اغا جی واریدی و اول اغا جک دیننده برکو جک دره واریدیکه
 اصلا صوبی آقردی (حضرت مریم شدت و جمدن مأور اولدیغی
 اوزره بهارک قارتنی اول درخته طیا دقده) همان اول درخت
 یشاروب تازه لیمکه یمش ویردی (و حضرت مریم شدت حیا سندن
 و خلق تشویش سندن) یا خود ولد ایله مشغول او اورمده عبادات
 و طاعتله قصور ایدرم دیو توهمندن یا خود باباسز ولد اولدیغندن
 خلق کونا کون افترا و غیبت ایتیلر یلر کنه کار او اورلر دیو تولایدی
 فوت اولمش اولیدم (و ناسک دلندن قورتلغله اونودلمش اولیدمده
 بندن بو ولد وجوده کلمک حسیه خلق عیسی ننه باعث اولیدم
 دیو جک) حضرت عیسی علیه السلام لسان فصیحله آلتندن یا والده
 محزوننه اوله زبیرا آلتکده اولان قوری دره دن ازاجق صو آغسه
 باشلدی طوغان ولد کک عندالله قدری عالی و بوجه در والو اولعزم

اولان رسل عليهم السلام مندر قارنكي طياديغك اغاجي قوتله سنيك
قارنكي طيا ديغكدن حق تعالى اول قوري اغاجي يشاردوب يراقلا
ويمشلا احسان ايلدي تا كه بيوقت هنوز بيش نازه فواكه دوكلد كده اكل
ايله واول خرماري صقوب صنوين ايچ (ياخود اول قوري دره دن
ظهور ايدن صودن ايچ و سنك باباسر ولدك ذكرخدا ايدز) و سني
طاعاته ترغيب ايدوب ناسك شبهه سني دفع ايدز (واول درخت
خشكك قدرت حقله يشاروب ميوه ويرديكن وقوري دره دن صو
كلديكن و باباسر ولدك ظهورين مشاهده ايتديككده قلبكي خوف
وحزن دن بري ايله ياخود بوكراماتي كورديككده كوزل كدن صوق
صوكله جك عرسه ده مسرور اول (زيرا وقت حزنه كوزدن كلن
دمعه صبحا قدر) و وقت سرور ده كلن دمعه صوقدر اقرار باواجابدن
سكايو باباسر ولدندز ديو صورر لايحه بن بوكون الله ايچون صومه
نذرايتدم كيميه سوز سويلم دي (ياخود بومعه صومه سن نه دن كلدك
ديو صورك ذي بن آنلره جواب ويرم ديو) حضرت عيسي تكلم
بيورديلر (وقتا كه حضرت عيسي طوغديلر والده سني حضرت مريم
آني برخرقديه صاروب ديزي اوزريشه ياتورديلر) واولكون حضرت
مريم دن خارق عاده نك ظهور ايدنه چكي كون ايدى (بتون قومي
عادتلري اوزره كلرب حضرت مريمي بومعه صوم طغور مش ديزنده
ياتور كور دكلرنده) يامريم سن بردختر پاكيزه سن بومعه صوم سندن
نشكل وجوده كلدي سنك باباكران وانك قرتدشي هارون ووالدك
خسته صالحلر وعايلر وشفيلردر (سن آنلك عبادتلري اوزره كيتوب
فساد ارتكاييله باباسر ولدطغوردك ديو دورلي دورلي ناسرا مقرر يات
عزوايلد كلرنده حضرت مريم بن بوكون صائم كيميه سوز سويلم
بومعه صومدن صورك ديو اشارنده (يامريم و ايتديكك اشارت باباسر
ولدطغور ديغكدن غريبدر كه بزي استهزا ايدرسن هنوز طوغان
معصوم هيچ سوز سويلرمي ديدكلرنده) حضرت عيسي صاغ طرفي
اوزرينه ياتمش والده سنك مهنه سن امردى (همان قم سعادتلردن
مهمي براغوب اعتراض ايدن قومه دونديلر) وصول ايله يره طيانوب
صاغ لئك انكشت شها دتيله كندينه اشارت ايدنه رك نطقه كلوب

بيورديكه تحقيق بن الله تعالى نيك قوليم بكا كتاب شريف انجيلي احسان
ايكمله صاحب كايم و بنى پيغمبر قيلدى بن هنوز طوغده دن والده مي
قارنده ايكن حزن دن وسرك كلوب بندن دولايي صور ديغكزنه سزه
جواب ويردن نهى ايلدم بن صائم سوز سويلم معصومدن صورك
ديو اشارتيله امر ايتدم (اول قوريمش خرما اغاجنه قارنكي طايه ديغك
ساعت يشاروب بيوقت خرما ويرر) آندن اكل ايت ديدم و يانكده كي
قوري دره نك صوبي كلدي آندن ايچوب قلبكي مطمئن ايله ديدم
حق تعالى بي پدر اولاد خلق ايمكه قادر در (بن سندن بلا ماده
خلق ايتديكنه اول درخت خشكك يشاروب پربار اولسي وقوري
دره دن صوجريان ايتسي قدرت حقه دليلدر) همان ربكه ليل ونهار
مستمر عبادت و طاعتده اول (وانعم الهيمه نك جله سنه شكر ايت ديو
امر ايلدم) وحق تعالى عبادينك دنيا و آخرت لرينه تفعل اولنلري
بكا تعليم و امر ايلدى (وضررلى اولنلري دخی بيلدروب آندن نهيله
دائما آنلره فوايد جليله بيان ايتك ايچون بنى مبارك قيلدى ومدت
حياتمه شريعت موسي اوزره نماز قيلمك و زكوة ويرمكه امر ايلدى
ووالده مه اطاعت و امرينه امتسال و اكاييك احسانيله جله عيوب
ونهمدن تنزيه اعم ايله امر ايلدى) و جله سلامت لر بكا اتباع ايدنلرك
اوزرلرينه نازله او اور (طوغديغيم كونده مس شيطاندن سلامت
و آخرتي شريف ايتديكده فته قيردن سلامت و روز جزاده جله
اهوالدن سلامت بنم اوزريمه و جله امتلرم اوزرلرينه نازله و ثابته در
ديو بيورديلر انتهى) بعد ذاهبوط آدمدن بشيك بشيوز سكسان
بش سنه سنده غدير يهودله حضرت زكريا عليه السلام شهيد اوليحق
حضرت مريم حضرت عيسايي قدس شريفدن جانب مصره كوتوروب
اوراده اون رسنه مقداري اقامتد نصكره حضرت عيسايي آلوب شام
شريف قراستدن ناصره نام قريه ده قرار ايلديلر (و حضرت عيسايك
نشو و نماسي قريه دن بورده واصل دين نصاري اورادن اولغله
نصاريي اكانسبت ايدوب نصرائي ديايلر) و بشيك التوز اون
درت سنه سنده حضرت عيسي قدس شريف ايله حوران مياننده
واقع ناحيه غورده اظهار نبوت (واوچ سنه سنده يهود و نصاريي پياي

طریق مستقیم دعوت پیورده لر (اولوقده هر دوس نام کافر منحوس
والی قدس شریف و حاکم یهود ایدی (حتی طرف قبصردن قبصریه
شهرینی بنسایتمشیدی (و بوهر دوس خواهرزاده سنی کندویه تزویج
مرا دایتد کده حضرت زکریا نک اوغلی حضرت یحیی علیه السلام
شریعت عیسایه مغایر دردیو منع اید یحیک هر دوس ملعون غضبه
کلوب حضرت یحیی بی ذبحله شهید ایلدی (حالاً سر سعادت
حضرت یحیی دمشق الشامده جامع امویه در و تنده نما شدن بر طرف
ایچنده محفوظ زیارتگاه در اما جسد شریف قبری زده آسوده اولدینی
معلوم دکدر (و حضرت یحیی انک اهل سعادت و سلامدن اولدینی
اظهار در (انکچون آخرتده بین الدارین کیش موتی ذبحنه کندینکدخی
حیات باقیه سن اشعار ایدر (و بشیک التیوز اون یدی تاریخنده
حضرت عیسی علیه السلام اوتوز اوج یاشنده ایکن فلک عطارد
یعنی فلک ثانی به رفع اولمغله یهود و نصاری انک حقهده اختلافه
دوشدیلر حالاً طائفة نصاری حضرت عیسایی خاصاً طائفة یهود
قتل ایدوب یدی کون مرورنده احیا اولندی دیو باطل اعتقاد ایدر
و حضرت مریم اوغلی حضرت عیسانک رفعدن الی سینه صکره الی
اوج یاشنه کیرم شلر ایدی قدس شریفده وداع عالم فانی پیورده لر
و حضرت عیسی ایله مبانده حضرت ابراهیم علیه السلام بیک بشیوز
طعسان سنه درو مبانده (حضرت موسی بیک سنه در (و مبانده هجرت
نبویه التیوز اوتوز سنه در (و دم آخرده دجال خروج ایدوب همه
بلدانه القاء فن و فساد ایدر (لک عباد الاهی استیلاء ایتد کده ناس
شردن خلاص ایچون شام شریف طرفنه فرار ایمکن دجال امین
ناسی اوراده دخی محاصره و تصبیق ایمکله دین مبینی تأیید و امت
مجدی تخلص ایچون حضرت عیسی علیه السلام ایکنچی قات کوکدن
جامع امویه نک آق منار سنه ایکی ملکک قسادینه ید مبارکه لرین وضع
پیورمش اولدینی حالده وقت سحرده نزول پیوروب جماعتک امامنه
اقتدا پیورمق اوزره صلاه صبحی بعد الادا طرف دجاله توجه
پیورملر یله قریب اولوب کورد کده طوز کی اریمکه باشلیوب باب لد
ذیلن محاصره اول ایمینی حربه ایله قتل ایدوب محمد علیه السلام

شر یعتیله

شر یعتیله عمل پیوردر (و حضرت مهدی ایله جمع اولور و حضرت
عیسی علیه السلام کوکدن ایتد کده جزیه نک مدتی تمام اولوب ایمانه
کلین کفاری قتل ایدر (بعد ذایا جوج و ما جوج ظهوره کلوب
مکه مکرمه و مدینه منوره و بیت مقدسدن ماعدا همه بلدانی استیلاء
وروی ارضده اولان صولری جلاله نوش و کافه ما کولات و حبوبات
و حیواناتی اکل ایلد کارنده حضرت عیسی علیه السلام کند وزه
تبعیت ایدن طائفة قلیله ایله جبل طور جایتدنده تحصن و مضایقه
عظیمه ایله تحرن ایلد کارنده دعاری برکات یله قوم یا جوج و ما جوجک
میونارنده یاره لر ظهور و قورتلوب برکیمه ده جلاله هلاک اولملر یله
لاشدر ینک رواج کر یهه سندن منادی اولملرینه مبنی تکرار برکات
دعاریله جسیم دوه بونی کی قوشلر کلوب جلاله سنی دریاه بعد الالقاء
مطر عظیم ایله روی ارض آینه کی پاک و برکات کثیره اوله رق بر مدت
مرورنده نصکره حضرت عیسی قرق سینه معمر اولوب تشریف
عالم عقبا پیوردر قارنده مؤمنین نمازینی بعد الادا اصح اقوال اوزره
صدر رسالت علیه افضل الصلاة والتخیه افندیمر حضرت تلیرتک
جوار سعادتدارلرینه دفن اولمغله جقلر در (و حضرت عیسانک نصکره
دولت اید پیوند نبوت اول خاتم الانبیاء والمرسلین سید الاولین والاخرین
رسول کونین پیشوای ثقلین رفیق طریق وصول برسر منزل نجات
و حیات خضر شفیق راه امید برسر چشمه حیات و ثبات مقتدای
زمره یحیاهدون فی سبیل الله پیشوای فرقه فاتبعونی یحییکم الله
شهمسوار معرکه خذ الکفار و المنافقین صفشکن میدان و اعرض
عن المشرکین شاهد و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین اعنی حضرت
محمد مصطفی صلی الله تعالی علیه وسلم ابرشدی
* اوصاف جلیله اسم محمد علیه السلام *

جناب پیغمبر علیه السلام عالم وجوده تشریفارندن مقدم السنه
ملائک و انبیادان و کتب منزله و صحایفده مکرراً مدح و ثنا اولمغله
ذات شریفلرینه محمد تسمیه اولندی انکچون لفظ شریف محمد
چوق چوق ثنا و حمد و مدح اولمش معناسنه در و حق تعالی عز
اسمه جناب فخر عالمه بو اسم شریفی تسمیه ایدوب سموات و عرشی

براند قدس سموات و ساق عرش اوزر زینده (لا اله الا الله محمد رسول الله)
دیو یازدی و جنتی براند قدس برک شجره طوبی اوزر زینده و حور یلک
جیپشته و جنتک جله عرف و سرائیری اوزر زینده (لا اله الا الله
محمد رسول الله) دیو یازدی و حضرت آدم توبه ایدر کن یار بی محرم
حرمتنه دیو تشفع ایدر کده حق تعالی سن محمدی نه دن بیلدک دیو حاکم
بی ترایدن خلق ایدر یککده کوزم آچوب کورد مکه بتون سموات و عرش
اوزر زنده (لا اله الا الله محمد رسول الله) یازلمش اول زمان بیلد مکه محمد
جمله دن مقبولدر دینجه حق تعالی تصدیق ایدوب یا آدم محمد جمله دن
معزز و محترمدر و سنک اولاد کدندر جمله اندیکانک آخر زنده تشریف
عالم شهود ایدر سنی سموات و عرش و جنت و همه مخلوقاتک المک حرمتنه
یراندم بیوردی (و حضرت حوا حضرت آدمه عقد اولشد قدس مهر
ونکا حاری جناب نبوت علیه السلامه بکرمی ککره صلوات
شیر یقه ایله عقد اولندی و حضرت آمنه به رؤیاسنده جمله مخلوقاتک
اولوستنی حاملسن طو غد قدس انیم شریفی محمد تسمیه ایله دیو
تنبیه اولندی (و عبد المطلبک رؤیاسنده ظاهرندن بر سیم زنجیر
چیقوب درت بلوک اولدی بری سمایه و بری زمیننه و بری مغربه
و بری مشرقه کیدوب جمله بی محیط اولدقد نصکره عودت ایدوب
ککریا بر درخت اولمغله هر بر برکی اوزر زنده نور ظاهر اولدیفنی
معبره سو بیلد کده صلیکدن بر پیغمبر ذیشان تشریف عالم دنیا ایدوب
مشرق و مغرب اهلی انک شریعتنه تابع اولورل و اهل سموات و ارضین
اکا جد و ثنا ایدرل و سمواته عروج ایدر و جسد سعادت بر انورلی
ارضه دفن اولور دیو تغییر ایدر یککدن حین ولادت لر زنده نام جناب
مفخر موجوداتی محمد تسمیه ایلدی (و اختیار یون هندده بر قرمزی
کل وار بیراغنده (لا اله الا الله محمد رسول الله) یازلمش کوردیم دیو علی بن
عبد الله الهاشمی هندده بر قریه ده رایحه دار بر بیلک سیاه کل بیراغنده
قد رندن بیاز خطله (لا اله الا الله محمد رسول الله) ابو بکر الصدیق
و عمر الفاروق یازلمش کوردیم دیر و عبد الله بن مالک هندده بر درخت
منته کوردیم جوز کی میوه سنک ایکی قات قبوغی وار اول قبوقلر
قرلد قدس ایچینده قات قات بوکلش یشیل بیراقلر وار اول بیراقلرک

قاتلری آجلد قدس احسن خطله (لا اله الا الله محمد رسول الله) یازلمش
اولمغله اهل هند تعظیم ایدرلر و خسته زینده ایچور دکلر زنده سفا بولور
و استسقایه جیقوب انکله ایدر کوری دعوات خیر اجابتده اولمغله یا غور
یغاردیر و ابن طغریل بر جزیره ده بر شجره عظیمه کوردیم بیراقلر سنک
رایحه سنی بغایت لطیف اوزر زینده قرمزی و سیاض نقش اولان اوچ
سطر حسن خطک اولکبسی (لا اله الا الله) ایکبجیسی (محمد رسول الله)
اوچبجیسی (ان الدین عند الله الاسلام در دیدی و ابو یعقوب در یادن
بر بالی صید ایدم صاغنده (لا اله الا الله) و صولنده (محمد رسول الله)
یازلمش اولمغله تعظیماینه صالیو یردم دیر و اصحاب کرام رضی الله عنهم
یار رسول الله ولد مذکر من اولدقدس نامی محمد تسمیه ایده لمی دید کلر زنده
ضرب و شتم و تحقیر ایچوب نکا ایدر یککدن کی تعظیم ایدر سه کز محمد
تسمیه ایدر ز برانم اسمعله مسمی ایکن آتی تحقیر انک بی تعظیمه
منافیدر بیوردی بر سفره ده محمد اسمعله مسمی بر کیمسه بولنسه
حق تعالی اول طعامه برکات احسان ایدر و بر خانه ده محمد اسمعله
بنام آدم بولنسه حق تعالی اول خانه بی و اهلی جله بلایا
و قضا یادن امین ایدر

* نشئه روحانیه حضرت محمد علیه السلام *

جناب جابر بن رضی الله عنه مرویدر که یار رسول الله جناب خالق
اشیاء جمله اشیا دن اول نه یراندی دیدم جمله مخلوقدن مقدم
پیغمبر بیک نور بی کنیدی نورندن یراندی اولوقتنده مخلوقات و اوح
و قلم و جنت و جهنم و ملائکه و سموات و ارضین و شمس و قمر و انیس
و جن خلق اولنامش ایدی (و قتا که مخلوقاتی خلق مراد ایلدی
اول نوری درت قسم ایلوب (اولکیدن قلمی) و ایکبجیدن اوحی
و اوچبجیدن عرش یراندی و قلمک بوز بوغنی وار ایدر یکم هر بر
بوغنیق میناکی البشر سنه لک ایدی بس قلمه اوحک اوزر زینده یاز دیو
امر ایدر کده یار بی نه یازه دیدی (لا اله الا الله محمد رسول الله) یاز دیو
امر اولمغله قلم بو جلیل القدر محمد کیمدر دیدی ای قلم ادب ایله محمد
حبیبک اسمیدر که سنی و عرش و اوحی انک نورندن یراندم بیور یحی
قلم هیبت و دهشتدن یارلمغله قد رندن بر یمور کلوب قلمک اول سو بیلن

محلی قطع ایلندی وینه قلمه یاز دیدی یارب ی نه یاره یم دیو جن
 ال یوم القیام اوله جقاری تعلیم ایده یم یاز یوردی یارب ی نه ایلله بندا
 ایده یم دیو جنک (بسم الله الرحمن الرحيم) ایلله باشلیوب یاز یوز لقله
 قلم لوح اوزرینه بدییور سنه ده کمال توقیر ایلله (بسم الله الرحمن الرحيم
 یازدی یاقلم یواوچ اسممکه اسم جلال ورحانیت ورحیمیتی تعظیما
 بدییور سنه ده یازدک یونی حبیبک امته احسان ایدرم جلاله قسم
 ایدرمکه اول امتدن براحد کمال خلوصله (بسم الله الرحمن الرحيم) دیسه
 دفتر حسانتسه بدییور ثواب یازد برزم ودفتر سیئاتدن بدییور کاهنی
 عفو ایدرم یوردی واول درت قسم نوزله دردنجیستی دخی درت قسم
 ایلوب اولکبستدن عرشی ایکبجستدن کریمی بی اوچجیستدن
 همه ملائکه بی براندی ودردنجیستی دخی درت قسم ایلوب
 اولکبستدن نور باصره مؤمنینی ایکبجستدن قلوب مؤمنینی که
 معرفه الاهد ر اوچجیستدن نور انسان مؤمنینکه نور توحید در
 دردنجیستدن حضرت محمد علیه السلام روح پرانور لرین جله
 مخلوقاندن اوچبوز التمش بیک سنه مقدم براندی واول روح مکرملک
 سرینی هدایتدن وحق تعالی تواضعدن وچشمی تحسیندن وناصبه سنی
 یقیندن وخی صبردن ولسانی صدقندن وخدمتی محبت و نصیحتدن
 واطمنی زهددن وذراری خوفدن و قد مینتی استقامتدن وقلب
 شریفی رحمتله مملوقیلدی واول روح شریفی شفقتله تربیه و انواع
 کرامتله تعظیم ورسالت ونبوتله جله مخلوقاندن ممتاز وحبیب اتخاذ
 ایدوب سر سعادتین تاج بقیله متوج و رداء هدایله ایداء واسم پاکتی
 حبیب الله تسبیحه ابتد کدن صکره اون ایکی حجاب براندی (اولکبستی
 حجاب قدر تدر که آنده روح طیفلی اون ایکی بیک سنه (سبحان
 ربی الاعلی دیو تسبیح ایلدی (ایکبجیستی حجاب طلسمدر که آنده اول
 روح لطیف اون بریک سنه (سبحان العالم الحاکم دیو تسبیح ایلدی
 (اوچجیستی حجاب مشدر که آنده اول روح اشرف اون بیک سنه
 سبحان من هو دائم لایقنی) دیو تسبیح ایلدی (دردنجیستی حجاب رحمتدر که
 آنده اول روح اطهر طهریز بیک سنه (سبحان الرفیع الاعلی) دیو تسبیح
 ایلدی (بشجیستی حجاب سعادتدر که آنده اول روح اقدس سکر بیک

سنه (سبحان من هو قائم لایلهو) دیو تسبیح ایلدی (التنجیسی حجاب
 کرامتدر که آنده اول روح منوریدی بیک سنه (سبحان من هو غنی
 لایفقیر) دیو تسبیح ایلدی (التنجیسی حجاب منزله در که آنده اول روح
 عالی الکی بیک سنه (سبحان خالق النور) دیو تسبیح ایلدی (سکرنجیستی
 حجاب هدایتدر که آنده اول روح عظیم بشبیک سنه سبحان من لا یزول
 ولا یرال) دیو تسبیح ایلدی (طغوزنجیستی حجاب نبوتدر که آنده اول
 روح مصور در تبیک سنه (سبحان من تفرد بالقدرة والبقلة) دیو تسبیح
 ایلدی (اوننجیستی حجاب رفعتدر که آنده اول روح مکرملک او حبیبک سنه
 (سبحان ذی العرش عا صفون) دیو تسبیح ایلدی (اون برنجیستی
 حجاب نوردر که آنده اول روح معظم ایکبیک سنه (سبحان ذی الملک
 و الملکوت) دیو تسبیح ایلدی (اون ایکبجیستی حجاب شفاعتدر که آنده
 اول روح طبیب بیک سنه (سبحان ربی العظیم) دیو حجاب خالق بی انبازه
 تسبیح ابتد کدن صکره حق تعالی شجره یقین نامنده درت دالو
 پردخت برادوب روح جناب محمدی بی اول درخت اوزرنده قومقله
 آنده اول روح مکرملک فرق بیک سنه انواع تسبیحه ذکر ایلدی کدن صکره
 حق تعالی اول روح نبیک قارشو سنه برآینه برادوب امر یله نظر
 ایدیک جناب رسالت علیه السلام جسم سعادتی عالم دنیا ده کی
 احسن صورت واجل هیئتده کوریک شکر الله بش کره حق تعالی به
 سجده وهر سجده سنه یوز سنه طوروب (سبحان العالم الذی لا یمهل
 سبحان الحليم الذی لا یجل سبحان الجواد الذی لا یخجل دیو تسبیح ایکله
 هر سجده سنی مقابله سنه امته بروقت نماز احسانا فرمان اولوب
 بش عدد سجده مقابله سنه اوقات خسه ایلله امتی مشرف اولدی قد نصکره
 حق تعالی نوردن زنجیر ایلله اول درخته اویزه اولش عقیق احردن
 برقندیل برادوب روح محمدی بی ایچنه وضع وذات پاکتی واسماء
 حسنا سنی ذکرله امر ایکله روح محمدی اول قندیل ایچنده حق سبحانه
 و تعالی بی اسماء حسنا سینه ذکره باشلیوی وهر بر اسم شریفیه
 علم الدوام بیک سنه ملازمت ایلله اسم رحمانه کلوب انکله مشغول ایکن
 حق تعالی کند و به نظر رحمتله باقیحق حیاء من الله انیلله وهر سله بیک
 عدد نیمه روح محمدین عرق یعنی در طاهمه هر بر طاهمه دن بر روح

شريف نبی ديشان خلق اولوب جله درون قند يلدن تجمع
ايتدكلرنده حق تعالی يا محمد دركي دردن خلق اولانلره نظر ايله ديور
فرمان يورمغله جناب سيدالاولين والاخرين دخی نظر ايدن
كنش بلوتدن چقد قنده ضياعی ديبای يورديكي كي نور محمدی
ارواح انديايي بدن بره يوريد كده ارواح اندياياري بری مستغرق اوار
ايدن كيمدر ديديلر حق تعالی حبيب محمد مصطفی نوريند نبوتی تصديق
ايدرسكر سري نبوت و رسالتله شريف ايدرم يورمغين همان ارواح
انباء كرام محمد عليه السلامه و نبوته ايمان كتوروب تصديق ايتدك
ديديلر حق تعالی بواقزار يكره شاهد اوله يم يوريجق جله نعم
ديديلر بعد ازين جناب رسالت عليه السلام يه اسماء حسناسته
مشغول اولوب اسم قهاره كلكده حق تعالينك تعصب و هيئت
و خوف و خشيتدن عرق رز اولمغله مبارك سر دولتلي دردن ارواح
ملائكه و مبارك وجه جيلاري دردن عرش و كرسي و لوح و قلم
و كواكب و مبارك صدر پرانورلي دردن ارواح علماء و شهدا و صالحين
و مبارك ظهر سعادتلي دردن بيت معمور و كعبه الله و بيت مقدس
و روضه منوره و مساجد و مبارك قاشلي سعادتلي دردن املاك
ارواح و مبارك قوبروق صوفي دردن ارواح يهود و نصاري و مجوس
و همه مشركين و مبارك قدم دولتلي دردن از شرق تا غربت روي دنيا
و مافيه خلق اولندي بو يوردن روح اطهر حضرت محمدي يه
ابوالارواح ديور كيه و بر يلوب اول ارواح شريفه روح جناب
محمدنيك اطرافنده تسبيح و تهليل ايدرك نيك سته مقداري طواف
ايتدكلرنده نصكره حق تعالی جل شاناه روح شريف حضرت محمدي يه
نظر ايدك ديور ايتكين ارواح دخی باجمهم بروفي مأموريت نظر
ايتدكلرنده روح اطهر حضرت محمدنيك سر سعادتلي كورنلر دنيا
خليقه و ملوك و سلاطين اولديلر و مبارك ناصيه منوره زين كورنلر
عادل بكر اولديلر و مبارك چشم شريفلي كورنلر حافظ كلام الله
اولديلر و مبارك قاشلي كورنلر يقاس اولديلر و مبارك قولقزلي
كورنلر نصيحت و وعظ قبول ايديجي اولديلر و مبارك خديني كورنلر
عادل و اهل خير اولديلر و مبارك وجه جيلاري كورنلر حكيم و عطار

اولديلر و مبارك اب سعادتلي كورنلر وزير اولديلر و مبارك قم
شريفلي كورنلر چوق اورج طويجي اولديلر و مبارك دندانلريني
كورنلر كوزل صوتلي اولديلر و مبارك لسان شريفني كورنلر ميان
ياد شاهيده الحى اولديلر و مبارك بوغازيني كورنلر واعظ و ناصح
و مؤذن اولديلر و مبارك طبع سعادتلي كورنلر مجاهد في سبيل الله
اولديلر و مبارك بويني كورنلر تاجر و بازاركان اولديلر و مبارك
بارولريني كورنلر كاكش و طالعج اولديلر و مبارك صاغ باروسني
كورنلر حجام و فساد اولديلر و مبارك دست ايتلريني كورنلر صراف
اولديلر و مبارك دست ايتلريني كورنلر وزنه دار و وكلا اولديلر و مبارك
دست شريفلي كورنلر ينجي كورنلر مخي و جوهر اولديلر و مبارك دست
گرامتليو شلرينك آرقه سني كورنلر بخيل و ائيم اولديلر و مبارك دست
ايتلرينك كفي كورنلر بويه جي اولديلر و مبارك سرانكشتي كورنلر
تيمورجي اولديلر و مبارك صدر پرانورلي كورنلر عالم و زاهد و مجتهد
اولديلر و مبارك ظهر سعادتلي كورنلر حكيم شرع شريفه مطيع
اولديلر و مبارك يانلريني كورنلر غازي اولديلر و مبارك بطن شريفني
كورنلر اهل فناعت اولديلر و مبارك درلي كورنلر ركوع و سجود
اهلي اولديلر و مبارك قدم شريفلي كورنلر صياد اولديلر و مبارك
قدمك تحتي كورنلر يبل يوريجي اولديلر و مبارك سايه هماويه زيني
كورنلر مفتي و اهل ساز اولديلر (نظر ايدوب عضو سعادتلي كورنلر
يهود و نصاري و مجوس و مشرك اولديلر) و هيچ نظر ايتيلر نمرود
و فرعون كي دغواي الوهيت ايتديلر (پس جله ارواح ادرت صف
اولوب صف اول ارواح مرسلين صف ثاني ارواح اولياء الله صف
ثالث ارواح مؤمنين و مؤمنات صف رابع ارواح كفار و مشركين اولمغله
اولمقامده الى ماشاء الله طور دقلرند نصكره عالم اخياده و قيله بعث
اولديلر) لکن محمد عليه السلامك عالم ارواحدن نشئه جسمانيه سته
قدز اولان اوقاتك سته ليك عددی عقول بشردن خارجدر حقي
جبريل عليه السلام سن خلق اوله لي قاچ سنددر ديور رسول الله
عليه السلام صورت قنده نلم لکن هر يمشيك سته ده سر اوقات عرشك
اوزندن بر نور ظهور ايدرك (پس خلق اوله لي اول تور اون ايكبيك كره

ظهور ایتدی دیوجک جناب پیغمبر علیه السلام اول نورنهک توری
ایدی بیوردقده جبریل بلم دیوجک جناب پیغمبر علیه السلام
اول نور عالم ارواحده بنم روح شریفک توری ایدی بیوردیسلر
* نشئه جسمانیه حضرت محمد علیه السلام *

سعد بن عمرو الانصاری رضی الله عنهما باباسی عمرودن روایت ایدر که
برکون کعب الاحبار رضی الله عنه قولوغی الشدن سقطه سمیه اولنان
وعانی حقدردیکم مثال لؤلؤ بیاض برصغیر صندوق ایدی (اوزرندن
التون کلیدیک او سنبده کی مهری یوزوب کلیدی آجیدی شدله
ضارلس برشل حریر حقدروب یونده رسول الله علیه السلام
تورات وایچیلده بیان اولدیغی اوزره اوصاف شریفه واخلای
لطیفه هاری واریدی) یاایا اسحق رسول الاله علیه السلام
ابتداء خلقندن بزه خبر ویرک دیدک (جناب کعب بیوردیلر که حق تعالی
حضرت محمد علیه السلامی خلق ایتک مراد ایتدکه جبریل
علیه السلام وافر لائک فردوس الوب امر حقه روضه مطهره دن
آلدیغی برقیضه خاک پاکی ماء تسنیم ایله یوغروب ویدویضا کی
ایتدک نصکره جنده کی ارمق ویررک جله سنه طالدردی وسموات
وارضین وجاه در یایی کزد یروب رسول الاله اوصاف جبهله سنی
وعند الله مقبول ایتی خلقت حضرت آدمین مقدم جله به بیلدر دیکه
کمال تعظیم ایله شالیدیلر (وقتاکه حضرت آدم خلق اولندیار اول
نور محمدی مبارک آله قولمغه ارمق کی صد اویره رک آقدی) یارب سنی
تسبیح ایدرم (آئمه کی آواز جا نکداز ندر دیوجک) (حق تعالی
اولادکنن حبیب محمد علیه السلام نورینک تهلیل و تسبیحک
آواز ایدر) یونوری تعظیم ایدوب حفظ ایله سندن اولادکه نقل
ایتدکده (سپارش ایله که بطننا بعد بطن صاحبی محمد علیه السلامه
وارنجیده ک طاهرات اولان خواتینی تکلیج و تزوج وکال تطهرو تعظیم
ایله یونورک بو وجهله امری محافظه سنم مقید اولم لردیو عهد میثاق
آلدی) پس حضرت آدم خلق اولاندقده اول نور محمدی کنفی
اوزرینه وضع اولمغله نه طرفه توجه بیورسه لرایدی آردندن
ملائکه همیشه صف صف کیدردی یارب یوقدر ملائکه نچون

آردمده طوررل دیوجک (یا آدم ظاهر کده حبیبک علیه السلام
توری وارائی زیارت ایدرل بیوردی) یارب اول نور محمدی بی ظاهرمدن
قالد یروب اوسک و مده قبل تا که یونجه ملائکه آردمده طور مستونلر
دیدکده حق تعالی اول نور محمدی بی جبین سنا دت حضرت
آدمده قیلد قد نصکره طرفه العینده مبارک صانع الیک سیایه پرمغنده
قیلیدی (ملائکه یوقدرت الهی بی کوردکلرند تسبیح ایتدیلر اول
نورک دخی حضرت آدم پرمغنده تسبیحی جسته ملائکه کرام ایله
ایشتدکلرند اول پرمغنه مسبحه دیدیلر) و حضرت آدم و حواءک
جنده لباسلری نزع اولوب دنیا به جیقسونلر دیو امر اولند کلرند
ملائکه دن حیای ایدوب قنقی اغاچدرای تستر فرار ایتدیلر ایسه قبول
ایچوب همان عودا شایجی قبول ایدیچک (حق تعالی سائر اغاچلر
قبول ایتدی سن نچون قبول ایتدک بیور دقده خداوند حضرت
آدمه حبیب اگر مکن نورینی و یروب اول نوره تعظیله جله مخلوقه
فرمان بیوردک) حضرت آدم اول نور ایله بکا کلدکده نور دن حیا
ایدوب تعظیله قبول ایتدم دیوجک) باعود چونکه نور محمدی به تعظیم
ایتدک بعد ازین انک حرمتنه سنی قوللرم اره سنده جله اغچلردن معزز
و مکررم ایدوب سکا زیاده رایحه طویه احسان ایتدم لکن اذم
اولقسنزین قبول ایتدیکک ایچون قوللرم سنی آتسه یا فقی ایله انتفاع
ایتد و نلرو سنی یا قدیغه اول رایحه سندن ظهور ایچم بیوردی (چون
حضرت آدم و حواء تستر ایچون قنقی اغاچدن بیراق المی استدیلر
ایسه ویرمدکلرینه مخیرلریکن ایچیر اغاچی بیراق ویرمکین آنلرده اول
بیراغله تستر ایتدکلرند بیراق پاره اولوب دوکولچک آدم و حواء زیاده
اغلاشدیلر شول قولی که حق تعالی عربان ایده انی کیمسه کسودلند بره من
وشول قولی که ترک ایله اکا کیمسه یاردم ایده مز دیو برندا ایشدکلرند
حق تعالی دن ستر اولمغری نیازدن صکره حضرت آدم ایچیر اغاچی
سلکوب اوچ عدد بیراق دوشوردی و حوادخی سلکوب بش بیراق
دوشوروب انکله تستر ایتدیلر (انکچون رجاله اچ کفن و نسایه بش کفن
مسنون اولدی و اول بیراقلرک قوپدیغی بدن اقان برقاچ طمعه
سوددن پنه بتدی بنابرین کفن پنه بندن اولدی) * پس حق تعالی

انجیر اغاجنه نیچون براق و بردک دیو خطاب ایدیجک یاربی آدم
و حوایه براق و یرمکی حرام ایتدی بگدن و یردم دیوچک چونکه
آنلره ترجم ایتدک سنک اغاجکی غایت کورک و ایچکی بوش قیلدم تا که
ایندیه قوللمسونلر و احراق ایتسونلر یوردی وقتا که حضرت آدمک
جنتدن خروجنه فرمان یورلدی جله ایشا و عجز علیه السلامی
شفیع طو توب یاربی اول بنی برده خلق ایتدک بعیده جنته قویدک
ینه چقاروب بره ایندر مکده حکمتک ندریدکده یا آدم سنی روی ارضده
خليفة اولق ایچون براندم و سنی اول جنته قویدمکه قیامتہ دک کلن
ذریتک قلو بنده جنت و طن اصلیه اولوب ا کامل و محبت
ایدوب بنی توحید و پیغمبر لای تصدیق و طرفدن کنوردکلر بنی قبول
و موجبجه عمله سعی بلوغ ایدل دیو یور مغله (حضرت آدم جنتدن
سرنیدیسه و حضرت حوا جده به مبوط ایتدیلر) یو اوآنده ابللس
علیه الامنه ده ازال اولمغله حضرت آدمی و سوسه مایله جنتدن
چقاردم دایاه ایندی (یرنجی جانورلره واروب حضرت آدم و حواک
اولادی چوغالدقده سزی هلاک ایدلر دیواغوا و یردی یا برنه یا بهلم
دیدیلر ابللس اوکارینه دوشوب هلاک قصدیلر حضرت آدمده هجوم
ایتد کلرنده حضرت آدم امر حقله ابللسک باشی صبیح ابللسک
باشدن برک و چک کاب دوشدی و همان یو یوب اول جانور لری
طاغندی (الی الا کن کلب یرنجی حیوانلره خصمدر) بعد ازا حضرت آدم
روی ارضده سنین کثیره اغلیوب حق تعالیدن مغفرت و حوا ایله جمع
اولمغی نیاز ایتدکده (دعا تلقین اولوب انک سبیلہ مغفرت اولندی
حضرت علی کرم الله وجهه و رضی الله عنه روایتله اول دعا
(لا اله الا انت سبحانک رب علمت سوه ظنی و ظلمت نفسی و انت خیر الراحمین
در جناب پیغمبر علیه السلام بودعایی اوقیانک کاهمی دریا کیوکی و صحرا
قو ملری قدر ایتدده حق تعالی عفوایدن یوردی (و حسن بصری
رحمة الله علیه روایتی اوزره اول دعا (ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم تغفر لنا
و ترجنا لنکونن من الخاسرین در چون حضرت آدمک دعایی
عند الله مقبول اولدی (ا کاجنتدن یا قوت ایله مصنوع بیت معوره
کرر بلوب کعبه نک برینه قویدیلر و انک قبوسنک بری مغربه و بری

مشرقه آچیلوردی حق تعالی یا آدم بونی طواف ایت دعا کی قبول
ایده یم جک مقبول و سبیک مشکور اولسون دیو جبریلی دلیل اولمچون
کوندر مکله حضرت آدم دخی تعلیم جبریل اوزره مناسک حجی و زیارت
بیت اللهی بعد الا دا عرفاته جیقدقده حضرت حوا دخی جده دن
حضرت آدمی اره یه رق کلمکله عرفاته قاویشوب منایه کلد کلرنده
ملائکه حق تعالیدن نه تمنی ایدر سکر دیدیلر مغفرت و رجعت استرز
دیلر ایله اولمغله منی دندی و حضرت آدم حوا ایله جمع اولمغی مراد
ایتد کلرنده بعد الطیب و التطهیر بنده مستودع اولان نور سکا
طهارتله و اصل اولور دیر ایدی (وقتا که حضرت حوا حضرت شیثی
حامل اولد کلرنده اول نور جبهه سعادت حضرت آدمدن حضرت
حوا یه نقل ایدوب شیث علیه السلامی وضع ایتدکده حضرت
شیثک دو چشم شیرینی اره سنیده اول نور محمدی تلاؤ ایلدی و اول
نور ایله ابللس میانشه برده چکلدی و ملائکه حضرت شیثی طواف
ایدوب یاننده اوتور لر دی (و بین السماء و الارض حضرت شیث
مراهی اولمغله قدرای ارض مرده سکا و سکا نکه که نور محمدی شیث
علیه السلامی شریف ایندی دیوقبل حقندن ندایله بشارت اولوردی
پس حضرت شیث بلوغه ایردکده حضرت آدم التدن طو توب یاربی
بندن نوری محافظه یه عهد الدک بنده شیثه عهد ایتدیرمک مراد ایدرم
شاهد کلر کوندر دیو نیاز ایتدکده جبریل علیه السلام برآق یشل حریر
و خامه چناندن بر قلم و الوب یش یشک ملک ایله روی ارضه نزول
ایدوب حضرت آدمه بعد السلام حق تعالی بومر کبسر قلم ازغله یازار
حضرت شیثه وصیت ایله که نسلا بعد نسل توصیه ایدلر و بوقدن
ملائکه شهادت لریله عهد میثاق النسون تا که بونورک صراحی
کلنجیه دک طاهر و طاهراته نقله عرق و نسلرینه قطع عیوب طاری
اولسون یوردی دیمکله (بر مقتضای اراده الهیه الشان عهدی
حضرت آدم اول قلم ایله اول یشل حریر اوزرینه یازوب اول ملکر
شاهد اولدیلر و جبریلک علیه السلام جنتدن کنوردیکی تابوت که دروننده
اشکال انبیا و مرسلین و ارایدی اول حریری انک ایچنه وضع ایلدی
و حضرت آدم اوغلی حضرت شیثه ایکی عدد قرمزی حله کید یروب

قامت سعادت حضرت حواءه اولان نخواستی ایضا نام پاکیزه بی
خطبه حضرت جبریل و شهادت ملائکه ایلله حضرت شیشه عقد
ایلیوب حامل اولدقده یا نخواستی ایضا سکا قوتلو و مبارک اولسونکده
سینده اولان نورک صاحبیه حامل اولدقده دیو هاتقندن تیشیر اولندی
وقتا که آنوش تواد ایدوب نور محمدی سینه له شیطان و جنی و عین
اعدادن محفوظ اولدی (آنوش دخی من اهل اولدقده حضرت شیشه
حضرت آدمک وصیتی اوزره آنوشه وصیت و تابوتی تسلیم ایلدی
اولدخی اوغلی (قینانه اولدخی اوغلی (مهلائیه اولدخی (اوغلی بردابه
اولدخی اوغلی (ادر یسه علیه السلام اولدخی اوغلی (شیشه اولدخی
اوغلی لکه اولدخی نوحه علیه السلام اولدخی اوغلی سامک یوزنده
نور محمدی بی کور یحک حضرت آدمک عهدی ایچنده اولان تابوتی
تسلیم ایلدی اوغلی اوغلی (ار فخشدهک ناصیه سینده نور محمدی بی
کوروب تابوتی اگا وردی اولدخی اوغلی (شیشه اولدخی اوغلی
(هوزده علیه السلام اولدخی اوغلی (فالقایه اولدخی اوغلی (ارغوا به
اولدخی (اوغلی ساروعد اولدخی اوغلی (ناحویه اولدخی اوغلی (تارخه
اولدخی اوغلی (ابراهیم علیه السلام وصیت ایدوب تابوتی تسلیم
ایلدی چونکسه ولادت حضرت ابراهیمه مشرق و مغربه نور دن
ایکی علم دیگلدی حضرت ابراهیم کندنی درک ایتد کده مبارک
آلنده نور محمدینک تسبیح و اوازی ایشید یحک حق تعالیدن صور دی
حییم محمد نور یسک آواز یدر بی ذکر ایدر آئی حفظ ایلله دیو حضرت
آدمک و سینی توصیفه یور دیغی زوجه محترمه لری حضرت (ساره به
رضی الله عنها سوبلکله حضرت ساره دخی کندنده نور محمدینک
ظهور یسینه مترقب ایدی اول نورک صاحبی اسمعیل علیه السلام
دیگر زوجه محترمه لری حضرت (هاجر دن رضی الله عنها وجوده
گاه کین حضرت ساره بیچون بوسعادتدن محرومه اولدم دیو آعلیق
حضرت ابراهیم یا ساره حق تعالی وعدنده خلف ایتر سنی دخی
مسرور ایدر دیگله حضرت ساره حضرت اسحاقک ظهور یسینه قدر
صبر ایلدی پس حضرت اسحق م تولد اولوب بلوغه ایرد کده اول
زمان حضرت ابراهیمک الی عدد اولادی وار ایدی جمله سنی برره جمع

ایدوب امر حقه حضرت ابراهیم مذکور تابوتی اچدی اذنیله اولادی
ایچنه باقدیلر که انبیاء و مرسلینک عدد نجه خانه فر وار و هر خانه ده برنی
ذیشانک شکلی تصویر اولمش (و نهایتنده اولان خانه حضرت
محمدک علیه السلام اولمغله عالم دنیساده اولان وجود شریفک مثالی
یا یلمش نمازده قیام مثالی یا یلمش و ناصیه سینده ابتدا ایمان کتورند
رضی الله تعالی عنه مثالی یا یلمش و ناصیه سینده ابتدا ایمان کتورند
دیو یازلمش و طرف ایسر لنده عمر بن الخطابک رضی الله تعالی عنه مثالی
یا یلمش (و جبهه سینده دینه صلاحتلو و شدید قطع سادین اللهی اجراده
لوم لاعدن قور قور دیو یازلمش (و ورای سعادت لنده عثمان بن عفانک
رضی الله تعالی عنه مثالی یا یلمش (و آلتدده جمله مخلوقک مزین و خلقانک
لی دیو یازلمش (و مبارک او کنده علی بن ابی طالبک رضی الله تعالی عنه
مثالی یا یلمش (دست شریفنده یان قلج وار (و پیشانه مبارک سینده
محمد علیه السلام دین قرند ایشیدر و الله تعالی نصر نیله مؤیدد
دیو یازلمش (و اطراف شریفه لنده عم یا کلرینک و صحابه کرامک
نقبالنک مثالری یا یلمش (و هر برینک آلتدنده اسملری یا یلمش
کور دیلر (و همه انبیا اسحق علیه السلام (و یا اکر محمد علیه السلام
اسمعیل علیه السلام عرق طاهر لرندن و میسندده انبیا دن برنی
اولیه رقی عالم شهودی شریف پیوره جقه لرینی کوروب پیلد کلرند
حضرت ابراهیم حضرت اسمعیله کوردک می حضرت محمد
علیه السلام سنک عرق کدن کلور سن و اولادک عصر لنده عقلم
معروف طاهر اقی تروج ایده ل تا که اول نور صاحبیه و اصل اوله
پوزدی و حضرت اسمعیل (هاله بنت قیداری تروج ایدوب اندن
تولد ایدن اوغلی دیگر قیدارک آلتدده نور محمدی بی کورمکین تابوتی
اگا وردی (پس حضرت اسحاقک عرقندن قیدارک الدیغی یوز عدد
بشالله قیدار ایکوز سنه بکنوب اولاد کلمیچک برکون شکار دن
کوردی حیوانات و طیور زبان فصیحله یا قیدار آلتدده کی نورک
صاحبیه زمان کله جک قور قور میسن قی سکا اولان عهد دیدیلر
و طرف حقدن صورت انسانیده بره لک کلوب یا قیدار حق تعالی سنی
قوتله و شهر لره مالک ایتدی (سندده امانت اولان نوری نسل اسحقندن

غیری پانه دامن خاتونه ایداع ایده سن دیو فرمان پیور دیلر دیدکده
جرهم قبیله سندن عقیقه معروفه فاخره نام خاتونی نکاحله آلدی
فاخره حامل اولدوقده قیدار تابوتی آحق استدی (تابوتی نی اولان
حفظ ایدر یاشمه ضرر کورر سن دیوندا کلچک (قیدار تابوتی مامورا
عمی حضرت یعقوبه علیه السلام تسلیم ایلدی (وقتا که فاخره دن
تولد ایدن حل نام ولد مذکر بیویوب کندینی یلیدی (قیدار کل سنی
جده ابراهیم یادیغی بیت الله کتورهیم (اولقاسم عالی بی زیارت
وحاجتی استه دیو قرب یننده واقع (بیره طاغنه کلدکلرنده حضرت
عزرائیل صورت انسانیده یا قیدار زه به کیدرسن دیدی اوغلی
کعبه به کونوره یورم دیدکده پانه کل سکاسرا سوزم واردیدی اولدخی
واریجی روح شریفی قبض ایلدی (پس حل باباسنک دوشدیکنی
کورنجه نیچون بابای اولدر دلدیو اوزرینه خله ایتدکده (حضرت
عزرائیل ماله بزکراه کل باق باباک اولومیدر دیمکله حل اکلدیکی کنی
عزرائیل سمایه جقدی (حل باشی قالدیر وب کیمه بی بولمغله
عزرائیل اولدیم یلیدی (بعد زمان حل تاهل ایدوب نیت نام اوغلی
اولدی انکدخی (همیع انکدخی (ادد انکدخی (اد انکدخی (عدنان
نام اوغلی اولدیکه بکرمی برنجی اتادر وعدنانکدخی (معد انکدخی
تزار انکدخی (مضر نام اوغلی اولدی ومضر ملت ابراهیم اوزره اولوب نور
محمدی یوزنده لمعان ایلدی حتی جناب پیغمبر علیه السلام مضره
وریمه به سبب ایتیک مسلمانلردر پیوردی ومضرک الیاس نام اوغلی
ظهرندن آواره زبور ککی نور محمدینک تلبیه سنی اشیدیلوردی
والیاست مدر که انکدخی حزمه انکدخی کانه انکدخی نصر نام اوغلی
اولدی زیرا حق تعالی آنی اختیار ایلوب اکا البسه خضر الباس
ایلدی ونضیره قریش دخی دیدیلر ونضیرک رؤیا سنده آرقه سندن
بن یسبل اغاجک بوداقلری ویدرقلری نوردن اولوب باشی کول
یوزنجی سراپا یوزیدکده سفید روی آدمک کلوب اول اغاجک اساسنه
واریمه بوداقلرینه صارلیدیلر بیدار اولوب رؤیا سنی کهنه به
سویلدکده صلب و عرقکدن پیغمبر آخر زمان تشریف عالم دنیا
ایدوب بتون اهل ارض اکانه عظیم و کرم ایدرلر دیو تعجب بری اشیدیلر

یوانجی قریشدر دیدیلر یعنی کسب طیب معناسنه کوزل اولاد دیمکدر
پیارین اولوقده نضیره قریش دینلیدی ونضیرک دخی (مالک انکدخی
(فهر انکدخی (لوی انکدخی (غالب انکدخی (کعب انکدخی (مزه
انکدخی (کلاب انکدخی (قصی انکدخی (عبد مناف انکدخی (هاشم
نام اوغلی اولدی وهاشمک جدی آخر زمان ایدیکه بین الناس مشهور
اولدیفندن رؤسای قبائل عرب همه دخترلرین اکا عرض ایدرلر دخی
روم قرالی هرقل ابن قیصر غایت حسندار بردخیزم وار نکاح ایدم دیو
الحی ایلدهاشمی دعوت ایلدی زیر انجیلده نبی آخر زمانک مکده هاشم
بن عبد مناف نسلدن تولد پیوره جغنی کورم شیدی هاشم عهد مؤکد دن
اوتوری ابوتنفر ایدوب متفکر ایکن رؤیا سنده جرهم قبیله سندن
(سلی بنت زید بن عمرو بن لید بن خراش بن عدی بن نجساری بی
زوجله مامور وشکل و شمائل کوسترملکله بیدار اولوب نکاحله الدقه
(عبدالمطلب نام اوغلی اولدی وعبدالمطلبکدخی حارث (وعبدالله
(و حزه (وابولهب (وعباس وسائر اولادی اولدی حضرت عباسدن
رضی الله عنه مرویدر که بابام عبدالمطلب رؤیا سنده ارقه مدن درت
طرفلو بریاض زنجیر جقوب برطرفی مشرقه وبرطرفی مغربه وبرطرفی
سمواته وبرطرفی ارضه ککیدری بن اکا نظر ایدرکن طرفه العینده
بریشل بیراقلی درخت اولوب دنیاده اولان فواکهک جمله منی اوزرنده
یتدی وعرب وعجم اکامجده ایتدیلر وقریشدن برجاعت بوداقلرینه
یاشیدیلر وبربلوک قریش دخی اول اغاجی کسمکه باشلد قلرنده
برذات جبل الوجه ظهور ایدوب آنری منع ایلدی بونور کیمه نصیدر
دیواندن مورد یغمده بودرختک بوداغنه یاشیلر نصیب اولرل دیدی
بن اکک حسنی تماشا ایدرکن اول درختک آلتده حسندار ایکی عدد
شیخ طورر سنز کپلر سنز دید یکمده بری نوحم وبری ابراهیم دیدی
وبکا خطاب ایدوب یاعبدالمطلب یوشجره مبارکه اول اصل
شریفدر که آباوا جدادندن سنک صلب پاککه ایشیدی دیدیلر دیو
معبره سویلدکده آخر زمان پیغمبری سنک نسلکدن وجوده کلوب
جمله اهل سموات وارضین نبوتی تصدیق وامتکن قبول ایدرلر وسمایه
جقوب عاقبت بره دفن اوتور وقریشندن بربلوک جماعت نبوتی

تصدیق و بر بلوک جاعت انکار ایدوب هلاکنه قصه ایدرل اول
 شخص منور ایمان واسلامدر انلری تحت قهر اسلامده مقهور ایدر
 واکانخالفت ایدنلر قوم نوح کبی بحر بلایه غرق اوورلر اما تابع اولار
 ملت خلیل ایلل مشرف اوورلر وشریعتی تغیردن عاری قیامتده
 باقیدرودینی طوغری وخیرلوو آسان اووردیو تعبیر ایلدی و عبدالمطلبک
 فاطمه بنت عمرو دن اولان اوغلی عبد الله حضرت نلر نلک طوغدینی
 کیجه بی علماء یهود شامده و سائر محالده جله بیلورلردی زبیرا حضرت
 یحیی علیه السلامی شهید ایتدکنلرند مبارک ارقه سنده کی صوفه دم
 سعادتلری بولاشمشیدی هر نه زمان اول قوریمش قان تازه لنوب اول
 صوفده طلمرایسه محمدک علیه السلام باباسی عبد اللهک مکده
 طوغدینی کابلرند یازمشیدی انکچون هر صباح صوفه نظر ایدرلردی
 او اصباحکده او صوفدن تازه قان طلمر و صبح قلغندن بخار کوردکنلرند
 اکر عبد اللهی صبی ایکن قتل ایدمه مزایسک اوغلی محمد حضرت یحییانک
 قانی بزدن دعوی و قوم یهودی عموما قتل ایدرلردیو کوندردکلری یتیم
 نفر یهودی زهرناک سیوف ایلل مکده یه کلدیلر و حضرت عبد اللهده
 رضی الله عنه نور محمدی تزیایدوب جناب حق جل و علاعین
 شیطین و جنیدن حفظ ایتکلل بین الناس نبی آخر زمناک باباسیدر دبو
 سویلنوردی و حضرت عبد الله دخی کون بکون مشاهده ایتدیکی کونا
 کون بحایاتی سویلردی حتی بیوردیلرکه بطمنا مکده واردم ارقه مدن
 بر نور چیتوب ایکی بلوک اولدی بری مشرقه و بری مغربه کیدوب
 دنیای دور ایتد کلرند نصکره طرفه العینده مدتور شکل اولوب باشم
 اوزرنده طورده قد نصکره سمایه عروج و فی الحال بنه کلوب آرقه مه کیردی
 وهر نه زمان اوتورسم زمین سلام اولسون سکا که محمد علیه السلامک
 نوری سنده امانتدردر و بر قوری اغاج آکنده اوتورسم تازه لنوب سایبان
 اولور آکندن قاتلیقی بنه کالاول قورور دیوسو بلردی پس حضرت
 آمنه نک باباسی حضرت (و هب بن عبد مناف بن زهره بن کلاب بن مره
 حضرت عبد اللهک حسن و جمال و ادب و محمد علیه السلامک پدر
 عالیکهری اولدیغنی اشمکله مدینه ده برینه وکیل براغوب بالکنرجه
 مکده یه کلوب زیارت بیتد نصکره عبد اللهی کوره هم اوصاف

جمله سی اشتدیکم کی ایسه قزم آمنه بی همان اکا نکاح ایدمه بی دیو
 مدینه دن مکده متوجه اولدیلر و حضرت عبد الله دخی باباسی
 عبدالمطلب دن مأذونا بر قاج نفر کیسه ایلل هججه بنوب شکاره کیتمکله
 اول مترصد اولان یتیم نفر یهود مکده دن خارج بر طاغ دینده پوصیده
 عبد اللهک و رودینه مترقبه ایکن و هب دخی اولکون مکده یه قریب
 کلکین استراحت ایتچون اول یهودلرک پوصوده اولدقلری طاغک
 اوزرنده دوه سندن اینوب اوتورردی حضرت عبد الله بامر خدا
 را کب اولدیغنی هججه بنی ضبط ایدمه مبوب اول طاغه توجه ایلدی و هب
 کوردیکه یوزنده نور لمعان ایدر بر تازله جوان هججه ایلل کلور بود کل الا
 نبی آخر زمانک پدری حضرت عبد اللهدر همان دختر آمنه بی اکا
 تزویج ایدمه بی دیواندیشده ایکن یهودلرک سیوفله حضرت عبد اللهده
 هجوم و سوء قصدلرین کور یجک در حال دوه سنه بنوب آبار ایلل محاربه
 مراد ایلدی اما خلیفه میانه لری بعد اولغله اکر عبد الله نبی آخر زمانک
 پدری ایسه ضرر ایدمه مزلر والا قتل ایدرلردیو باقردی همان سماندن
 سواری مهیب آدم لظهور ایدوب اول یهودلری جمله هلاک ایتلریله
 حضرت عبد الله سمانا کبر و دونوب کیتدی و هب دخی ورا سندن وار یحقی
 عبدالمطلبه مدینه حاکمی و هب حضرتلری کلدی دبدیلر اولدخی
 استقبال ایلدکده یا عبدالمطلب سندن بر رجام وار بیت مکرم حرمتده
 قبول بیورک دیو نیازنده عبدالمطلب سمع و طاعه بیورک دیو جک
 قزم آمنه نک عفت و عصمتی و خیر الخواتین ایدیکی جمله عنده مسلم
 و بوقدر امر او ملوک استیبار و یرمدم لکن او غلک عبد اللهده جاریه لکه
 و بره یم قبول ایلل و بنی مسرور ایلل دیمکله عبدالمطلب بعد القبول و العقد
 رجب شریفک ابتدا جمعه سی کیجه سنده زفاف ایتدیلر انکچون
 اول کیجه به لیلل رغائب دیدیلر پس جناب پیغمبر علیه السلامک
 دم سعادتلری و بول و منبسی و سائر جمله فضلاقی پاک و طاهر اولدیغنی
 کبی پدر عالیکهرلری عبد الله صلبدن مادر مکرم لری آمنه رحنه
 اینن ماده وجودلری دخی پاکدر

* ولادت حضرت محمد علیه السلام *

مرویدر که اولکیجه جناب عبد الله رضی الله عنه حضرت آمنه ایلل

ز قاف اوله جق ایدیکه اولکون پنجشنبه ایدی و خود شیر یغرینه
ثقلت عارض اولغله هجته بنوب کشت و گذار ایدر کن ضبط ایده بنوب
مخالف محله کیمکله کندیدن ناامید و حرارت شمسدن عارض اولان
شدت عطشدن مرتبه هلا که وارد قدده کوردیکه او کئنده عظیم الماس کی
بر بیاض طاش اوزرینه وضع اولمش جوهر دار بیوک کاسه نک ایچی
سود ایله مملودن هجتن اوراده طور مغین حضرت عبدالله اول سودی
نوشله حیات بولوب عطشی بالکلیه زائل اولغله هجته بنوبینه
مکه یه عودت ایتدیلر و حضرت عبد اللهده نطفه پیغمبری وماده
وجود محمدی اول سوددن حاصل اولوب اولکیجه اول ماده مبارکه
در یتیم حضرت عبداللهدن صدق حضرت آمنه یه نزول ایلدکه
رضوان علیه السلام امر حقه اولکیجه ادر جنائی آچوب قدوم مینت
لزم حضرت محمدی ایله سکان جنائی جله تشرایلدی وسکان سموات
وارضینه دخی آگاه اولوک که مخزن مکنون اولان نور محمدی بویکجه
رحم مادره اینوب مدتی تمام اولدقدده رجه لاعالمین اوله رق تشریف
عالم شهود بیورول دیوندا اولاندی (وقتا که نطفه جناب محمدی
صدق حضرت آمنه ده قرار ایلدی ملک و ملکوته وعالم جبروته جوامع
قدسایری راجحه طیبه ایله تعطیر و قدوم محمدی بی تشریف و تحویل
ایلدک دیوندا اولاندی شویله که اولکیجه ظهور ایدن عجایب پنهانیه در
از جله مکه ده اولان جله حیوانات اسنان فصیحله بویکجه محمد
علیه السلام رحم مادره حل اولندی دیدیلر و وحوش و طیور شرفدن
غریبه دک بر لرینه تشریف ایتدیلر و ملوکک اولکیجه بتون تختلری
و کلبسارینک سقوفی یقیلوب اصنامی پاره پاره اولدی و دللری دخی
طوتلغله علی الصباح بویکیتی ملوککینه سولیدک کئرنده جوابه قادر
اوله مدقلندن حیوان کی بوزلینه باقوب اولکون غریبه قدر دللری
آچلادی اخشام اولوب دللری آچلیجق علما و کهنه و تجمیعندن
بویکیتک سرف صور دقلرنده کتب منزله ده و انبیا و رسل اسانلرنده
مدح اولنان محمد علیه السلام بویکجه مکه ده رحم مادره تشریف
بیوردی دیدیلر (بعد ازین دولت و ملک و سلطنتک زائل اولوب
امتک تحت قهرارنده مقهور و شریعتک حکمی منسوخ اولغله

عالمدن ظلمات کفر و شرکی دفع و نور ایمان و اسلام ایله بر ایدر دیدک کئرنده
جمله قلوب ملوک و امرا و حکامه و همه اهل دنیا به هیت محمدی ایله
خوف و دهشت و رعب طوادی و محمد علیه السلام رحم مادره
اولدیغی مدته هر آی باشند حضرت آمنه سموات وارضیندن
مرده سکا که محمد علیه السلام بالین والیر که تشریف قری قریب
اولدی دیوندا ایتدیلر و حضرت آمنه رضی الله عنیهادن منقولدر که
رسول الهی علیه السلام حامل ایکن ماه رجده بویکجه اوتورردم
جیل الوجه بذات الحی و کربوب صدر یمه نظر ایلدی کویا بطمنده کی
ولد مکرمه اشارتله السلام علیک یا محمد دیدی یاسیدی سیر کیمسکر
دیدم ابوالشیر آدم علیه السلام یا آمنه مرده سکا که کوکده کی قری
دوباره ایدن و ابحار ککند و به سلام و یرن سید البشر نبی ذیشان
حامل اولدک بیوردی (ایکینجی آیده سکونت و وقارلی منور الوجه
بذات الحی و کربوب صدر یمه نظر ایلدی کویا بطمنده کی ولد مکرمه
اشارتله السلام علیک یا غایه المحبوب السلام علیک یا نهایه المطلوب
دیدی یاسیدی سیر کیمسکر دیدم شبت علیه السلام یا آمنه مرده
سکا که نبی جیل و رسول خلیل حامل اولدک بیوردی (اوچینجی آیده
سکون و وقارلی و کذلک منور الوجه بذات الحی و کربوب بطمنده کی
معصومه اشارتله السلام علیک یا مرمل السلام علیک یا مدثر دیدی
یاسیدی سیر کیمسکر دیدم ادریس علیه السلام یا آمنه مرده سکا که
جمله نک سیدی نبی ذیشان حامل اولدک بیوردی (دردینجی آیده اسمع اللون
و ملج المنظر بذات الحی و کربوب بطمنده کی معصومه اشارتله السلام
علیک یا صفوة الخاق دیدی یاسیدی سیر کیمسکر دیدم نوح
علیه السلام یا آمنه مرده سکا که نبی الممدوح صاحب النصر و الفتوح
یتعبر ذیشان حامل اولدک بیوردی (بشینجی آیده حسنی مکمل و رومی
منور بذات الحی و کربوب بطمنده کی معصومه اشارتله السلام علیک
یا بن المرسلین السلام علیک یا خاتم النبیین دیدی یاسیدی سیر کیمسکر
دیدم هود علیه السلام یا آمنه مرده سکا که انبی المحمود صاحب الکرم
والجود یتعبر ذیشان حاملین بیوردی (تینجینجی آیده جلیل القدر
بذات الحی و کربوب فوادمه نظر و معصومه اشارتله السلام علیک

یا رسول الله السلام عليك یا حبيب الله دیدی یا سیدی ستر کیمز
 دیدیم ابراهیم خلیل الله یا آمنه مرده سکا که النبی الجلیل صاحب
 الوجه الجلیل پیغمبر ذی شانی حامل اولدک بیوردی (یدنجی آیده احسن
 و ملیح و صبیح الوجه بر ذات ایجر و کبر و ب قوادمه نظر و معصومه
 اشارتله السلام عليك یا نبی الله السلام عليك یا نبی الله دیدی یا سیدی
 ستر کیمز دیدیم اسمعیل ذبیح الله یا آمنه مرده سکا که النبی الملیح
 صاحب النسب الصحیح واللہان الفصیح والقدر الریح پیغمبری حامل
 اولدک بیوردی (سکرچی آیده بالاقد و ملیح بر ذات ایجر و کبر و ب قوادمه
 نظر و معصومه اشارتله السلام عليك یا حبيب الغفار للسلام عليك
 یا رسول ملک الجبار دیدی یا سیدی ستر کیمز دیدیم موسی علیه السلام
 یا آمنه مرده سکا که النبی الذی ازل علیه القرآن و کلام الرحمن سیده
 ولد عدنان اولان پیغمبری حامل اولدک بیوردی (طنوزنجی آیده
 صوف پوش اولان بر ذات ایجر و کبر و ب قوادمه نظر و معصومه اشارتله
 السلام عليك یا رسول الله السلام عليك یا نبی الله دیدی یا سیدی ستر
 کیمز دیدیم مسیح علیه السلام یا آمنه مرده سکا که حاضر اول وضع
 حاکم یقیندر بیوردی اول سنه مبارکه ده مکده ده خط و غلا و زابکن
 حق تعالی جلاله برکت و وسعت احسان ایلدی انکچون اول سنه به سنه
 فتح دیدیلر (و همه خواتین اول سنه به مذکر مواده اولدیلر) و حضرت
 محمد علیه السلام بطن مادر مکرده ایکن عیسی المطلب حضرت نوری
 اوغلی حضرت عیسی الله ای اوغل سکا و بکا رو یاده اول ولد
 جلیل القدرک عزت و رفعتی و علو منزلتی کو سترادی تهنیه سیچون
 مدینه دن اعلی خرما الوب کتور مک ایچون کوندر لکله حضرت عیسی الله
 دخی مدینه دن عودتده ایکنجی قوناقد و فات ایدوب انده دفن ایدیلر
 (ملائکه عظام باجمهم خداوند جلاله عالمی حرمتیه براند یکن
 محمد علیه السلامی بطن مادرده ایکن ایکن آیلوق یتیم ایتدی ککلت ستر
 و حکمتی ندر دیدنکرده بابا اولادی تربیه و حفظ ایچوندلرکن حبیبک
 تربیه و تادیب و حفظ خصوصتده بنیدن غیری به حاجتی یوقدر غیریلر
 یا یارینه یا ابی دیرلر (محمد علیه السلام یارینی دیوانحق بکا ند ایدوب
 بنیدن استه سون بیوردی) و حضرت عیسی الله ترکه سی برفاچ رأس

غنم و بش رأس دوه و دایه حضرت محمدی اولان ام ایمن نام امز کلی
 حبشه جاریه در چون محمد علیه السلام هنکام بلوغیده ام ایمنی
 اعتاق و بعد تلقین دینی ایدوب زید بن حارثه رضی الله عنه بکامله
 و بر مکله اسامه رضی الله عنه وجوده کلدی (ابن عباس دن رضی الله عنهما
 مر ویدر که حضرت محمد علیه السلام بطن مادرده طه و زماه طاور مغله
 مادر مکرملری سائر خواتین کبی الم و وجع و ضری و آغراق و شدت
 و ریح کورمدیلر (حضرت آمنه دن رضی الله عنها منقولدر که مدت
 خلدده ثقلت کورمدیم و کیجه زده بطمن دن ذکر و تسبیح حضرت
 محمدی بی ایشیدردیم و ملائکه بکاسی خیر البریه بی حاملسن دیومرده
 ایدرلر دی حتی النجی آیده بر کیمسه رو یاده جله عالمک خیرلوسنی
 حاملسن طوغدقد محمد سمیه ایلله دیو تنیه ایلدی (ابن عباس دن
 رضی الله عنهما مر ویدر که نهادن ملائکه زول ایدوب جنی کوزلندن
 و ضررلندن حفظ ایچون حضرت آمنه بی اورتایه ایدیلر ایچرلندن
 بر ملک یا آمنه سکا بطمنده کی ولد مکرملک خیر و برکتله مرده ایده رم
 زرا جله رسالت سیدی و انبیا ناک خاتمدر طوغدقد الله صغوب
 (بسم الله استود عتک بالواحد من شر کل خاسد و قائم و قاعد
 عن السبیل خایده علی الفساد جاهد و کل خلق فاسد من نافث او عاقد
 و کل جن مارد یاخذ بالمرأصد فی طرق الوارد لا یضرو نه ولا یطو نه
 فی یقظه و لا نام و لا ظمن و لا مقام بد الله فوق اید یهم و حجاب الله
 دون عاد یهم) بو تعویذی اوزرینه اوقیوب اوفوره سن دیدی (ابو عمرو
 حضرت نوری بو حرز شریف حرز محمدی اولغله حاملی هر زده کیجهلر
 ایسه خوف ایتسون بیوردی و بر صغیره وضع اولنسه عاهاندن و ضرر
 جنیدن محفوظ اولور (و حضرت آمنه رو یاده بر شخص کاوب تورانده
 محمد علیه السلام امی احمد در سن محمد قویه سن و بو حرز شریفی
 محمد علیه السلام طوغدقد اکا باغلیه سن دیدی چون خوابدن بیدار
 اولدم باشم او چندده بو تعویذی سیدن بر صغیره اوزرنده منقوش
 بولدم دیر وقتا که شهر ریح الاولک اون ایکنجی اثنین کونی یا خود
 کیجه سی و نیسانک بکرمی او چنجی کونیکه شمس برج حاکم آخرنده
 ایدی و قر برج میرانده ایدی و کواکب سیاره ناک شرفلری

و قشده ایدنی و حضرت عیسا ک سمواته عرب و خندین التیوز سنه صکره
و حضرت ابراهیم بن علیه السلام ایکیبیک یوز سنه صکره و هبوط
حضرت آدم بن التی یوز الشمس اویچ سنه صکره حضرت آمنه دن
رضی الله عنهما یالکر حضرت محمد علیه السلام مبارک دوشنبه کیجه سی
ربیع الاول آینه احکام فیل سنه سنه عالم دنیایی بالین والاقبال
تشریف ساز اجلال پیوریلر (و حضرت آمنه نک مدت حلی
تمامده کعبه مکرمه نک نصفی بقبولوب یره دوشنبه طائفه قریش
زیاده قورقد قلرنده کعبه مکرمه ایچندن ای معاشر قریش دنیای
نوری و آخرتک شرقی و اهل جناتک شراجی اولان محمد علیه السلام
حضرت یلری بطن مادر دن ضیاء دنیایه جیفیق مراد ایدر بیت مکرری
مشرکینک اصنام و شرک و طغیانلرن دن تطهیر و کالاول نور ایمانه
عملو و قبایه انام باعکله امتی بهر سنه برکزه حج ایدر لر انک شرفیه
د و یاره اولدی دیو صدا ایشیدیلر و ایله ولادت حضرت محمدیه
حق تعالی عز اسمیه سموات و جناتک قبولک میر آچک دیو ملائکه به
فرمان پیوردی (عبدالله بن سلام دن رضی الله عنه مرویدر که لبله
ولادت جناب فخر عالمده اهل کایدن بر عالم ایله او تورردم سمایه یاقوب
بو کیجه مکه ده بی عمر بن محمد بن عبدالله حضرت یلری تولد ایلدی زرا
شهاده بر نور عظیم و ضیاء کورد مکه دنیا خلق اوله کیجه
کورمشدر حتی اولکیجه برقرانلق خانه به کیردم یتیم قدر سراج
فر و زان اولمش ظن ایتدم دیدی (و حضرت آمنه پیورر لر که ولادت
بامره البشاره خیر البشرده خانه دولت اشیا نه مده یالکر ایدم بر مذهب
صکروردی و صدای عظیم ایشیدوب بر امر عظیم کوردیکمده قلبه
خوف و وحشی بر باض قوس کلوب صدر می صفایحق خرم کیدوب
الم و کدر و آخری قالدی و بکا و بر دکلری میاض شری ایچدیکمده
قلبم نور عظیم ایله منور اولوب کمال سرور و فرح حاصل اولدی
و خوا و ساره و مزیم بنت عمران حضرت اتی و یجه خوریلر اطرافه
او توروب تشریف پیوره حتی نبی مکرمه تعظیم و تجلیل ایچون کلک
دیدیلر ناگاه اولکیبک زیاده شدید کورلری و صدال ظهور عقیده
اعز جنین ستر یجو کوکدن زمینه قدر بیاض بیادینده جگله

و پیوریلری زمرد و قنادلری یاقوت قوشلر بکا طوغری کلوب حجره مه
پیوریلرین و قنادلرین یوس ایدر کی طوقند یروب اطرافی طواف
ایلدیلر و حق تعالی کوزمدن برده بی قالدیروب من المشرق الی المغرب
عالمی کوردیم و مشرق و مغربه و کعبه اوزرینه برر سنجاق دیکلدی
و سعاد آدمی صورتده ملکرالرنده جواهر دن لکن و ابریق و التوندن
طاس طوتارلر ایکن محمد علیه السلام بلا زحمة و لامشقه بندن متولد
اولد قلرنده سنت اولمش و کوبکی کیشمش و بیاض حریره ضارلمش
ایندی و مبارک سر سعادتن یره قویوب سجده یه واردی و مبارک صباغ
(النیک شهادت بر معن قالدیرمش کوردیکمده دکلد مکه (اشهد ان لا اله
الا الله و اشهد انی رسول الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
بکرة و اصیلا اللهم امی امی) دیو نیاز ایدر لر پیوردی (وصفیه بنت
عبدالمطلب پیورر لر که ایله ولادته حضرت محمد علیه السلام دن
آتی علامت کوردیم (اولکیبسی طوغد قلدی ساعت سجده پیوردیلر
(ایکیبسی سر سعادتن قالدیروب آسان فصیحله لا اله الا الله و انی
رسول الله پیوردیلر (اوکیبسی بر عظیم نور ظاهر اولدی (در دیکبسی
جسد سعادت حضرت محمدی بی غسل مراد ایتدیکمده ای صفیه
رحمت حکمه بر آتی یودق دیوندا ایشیدم (بشجیسی سنت اولمش
و کوبکی کیشک اوله رق تولد ایتدیلر (التجیسی وجود شری یقارین
برسنه یه صارمق استدیکمده مبارک طهرنده بر مهر کوردیم اوزرنده
لا اله الا الله محمد رسول الله یازلمش و سجده پیوردیلر مبارک اغزلرینه
قولاع طوتدیکمده امتی امی دیو نیاز بی ایشیدم دیر و حضرت آمنه
پیورر که سعادتن بر بیاض بلوط کلوب محمد علیه السلامی محیط اولغین
کوزمدن غائب اولدیلر و برمنادی محمد علیه السلامه جله روی ارض
و مشرق و مغربی کزدیرک و در یاز طالدیرک تا که تشریفاتی و شد ال
شریقه سنی بیله لر ذریعه البعثه جله شرک و طغیان جهان دن
قافقوب عالم نوره منور اولور دیوندا ایتدیکمده بلوط آچلدی
کوردیکمده محمد علیه السلام پیشیل حریره ایله قوندا قلمش طور
و برکیبیه محمد علیه السلام دنیایی مشرق دن مغربه دکل کزدی دیوندا
ایندی و محمد علیه السلام و حقه منور لری ایک اون دردی کی

اولوب مسك از فرکی رایحه طیبه کلوزدی و اوج شخص کوردی که
برینك النده آب جنانه مملو سیم و نوردن ابریق و برینك زمره لکن
و برینك النده بو گلش بیاض حر پروار حریری آجوب کوزل قاشور بر خاتم
چقردی و جسم شریف حضرت محمدی بی اول ابریقن بدی
دفعه غسلسد نصکره اول خاتم ایله کشفین سعادت مهردیلر و خانی
ینه حریره ضار دیلر و محمد علیه السلامی زیر جناحنده بر ساعت
مقداری طوتوب ینه بکا و یردی و یدنده حریر اولان ملک محمد
علیه السلامک کوش سعادتیه سیرا وافر کلمات افاده و دو چشم
بعد التقیل طوبی لك يا محمد همه قلوبده هیبتلو و حرمتلو اولدك
و سکا و اصحاب و امتكه مفتاح نصرت و غلبه و یرلدی و یرلدی
(این عبادت رضی الله عنهما مرویدر که اولکیجه کعبه ده کی اصنام
دوشوب قیرلدی و قریش ایچون هلاک و ویل اولسونکده امین
و مصدوق اولان نبی ذیشان کلدی و بتلر جله قیرلدی و ابلیس
خمس اولاندی و جنات انواع زینله ترین اولندی دیوها نغدن
ندا کلدی و درون کعبه یه التون قندیلر اصلدی و جتده کی خوریلر
بزه نوب یا محمد حق تعالی سنی مسرور ایلسون سندن مکرم بر قول
برآمدی و سندن افضل پروان طوعدی دیدیلر (وارضی و سما میانه
بر برینه بکره مز جو هودن دیرکلر دیکلندی و دایه رسول الله اولان
ام المؤمنین حضرت حلیمه دن مرویدر که جبریل علیه السلام
محمد علیه السلامک مبارک صدر سعادتینی شی ایدوب و برپاره طوکش
قان چیقروپ و هذا حظ الشيطان منك دیو یابانه آندی و حقد
و حسد و بغض و کینه دن پاك اولمچون التون لکن کتوروب زمزمه
ملو التون ابریقن مبارك قلب پاکی یودی (کعب الاخباردن
منقولدر که اولکیجه ظلموسانام بالق که یتش عدد باشی و یتش عدد
فوریخی وار وارقد سنده اولان هر بر پولک الک کوچکی جبل قییس
قدر ساحه لایله یتش عدد طاع صغاردی اول بالق امر حقله
فرچندن خوش و خروش ایدوب دریا ده کی بالقیری ولادت فتح عالم
ایله تبشیر ایلدی (و حین ولادته عند المطلب خضر تلمی کعبه ده
بولنوب ولادت تبشیر ایله دعوت اولدقدده کلوب کعبه ده ایدم بر دیوان

کمال فرچندن دتره یوب بر برینه یزی عین نجس اولان اصنامدن
نظم ایدن پیغمبر عالیجناب دنیایی تشریف پیوردی دید کلرنده
وضع حل ایتدیکلک بیلدم دیدی و روایح طیبه وجود شریف
حضرت محمدی مکه مکرمه بی مالامال ایدوب کونا کون بشارتله ظاهر
اولاندی حتی عی ابله لب او یوردی اول صیدادن او یانوب روایح
طیبه نك حکمتنی صور دقدده ثویه نام امر کلی جاریه سی کلوب مرده
قرنداشك عبد اللهك خاتونی محمد نامنده پرولد طوغوردی یورایحه
طیبه آتک وجود شریفك رایحه سی و بوصدال محمد طوغدی دیو
بین السماء والارض اولان مرده صدر لیدر دیوچک ابله لب کمال
خظندن ثویه بی آزاد ایدوب وار محمد همه و یردی کله یددی کون
حضرت آمند امر رد کد نصکره ثویه شیر خواره لک ایلدی (بنابرین
ابله لبك هر بازار ایره سی کیجه سندن صالی کیجه سنه وارنجه عذابی
تحقیف اولنور زیر اولکیجه و کوند وزنده ابوله لبك سنبابه و وسطی
برمقارندن صوق صوکلکله خفتلور و اولکیجه دنیاده کی بتلر جله
قیرلدی و ملائکه شیطانی دریا به طالدر مغله فرق کون حبسده نصکره
جبل ای قیسه قاچوب ایلدی کی صیحه و قریا بدن همه شیاطین یاشند
بریکوب ته اولدک دید کلرنده محمد بن عبدالله دنیایه سیف ایله پیغمبر
کوتدرلدی شریک و کفری محو ایدوب دنیایی سراسر نور ایمانله منور
ایتمکین قلعده توحید خدایه یللدک بر قالمز و اهل کفری قتل ابار
و یوگ دفعنک چاره سی یوقدن و شریعتی قیلته دک یاقیدر و امنی
حق تعالیك داغافقو و مغفرت و اطف و کرم و رحمته مظهر اولور
دیدی و اولکیجه مجوس قومك بیک سنه دین و دایما یاقوب محافظه
ایتدکری آتشکده کلیاسونوب یوز طای کی اولغله زیاده صوق صول
آقدی و دیار فارسنده بلده ساده یاشندن آفن فراتک چوره سنه یهود
و نصاری کلیسا و مناسیر بنا ایتش لرایدی اولکیجه فرات اورادن کلبا
کسلدی و کسمرانک یگری ایکی شرفه لو کونکوره لی کوشکنک
اون دزت کونکره سی اولکیجه یقلدی و جناب ثویه دن نصکره حلیمه
بنت ای ذویب السعدیه حضرت محمد علیه السلامی از یروب
دایلك ایتدیلر چون محمد علیه السلام الی یاشند واردیلر حضرت

امنه ام ایمن ایله مدینه به کیدوب برماه مکشد نص کره بنه مکه به عودت
ایدرکن بین الحرمین ابوانام مقامده حضرت امنه وفات ایتمکله اورایه
دفن ایتمیلر و ام ایمن دخی محمد علیه السلامی مکه به کیدوب
عیدالمطلبه تسلیم ایلدی چون سن سعادت حضرت محمدی سکر
سنه وایکی ماه واون کونه رسیده اولدی جدی عیدالمطلب وفات
ایتمکله (اوغل ابوطالب که حضرت علینک رضی الله عنه پدریدر
حضرت محمد علیه السلامی ابوب کندی یانده تربیه ایلمیلر
(بعدازین سن سعادتلی اونی ایکی سنه وایکی ماه واون کونه ایرشدی
ابوطالب برای تجارت بشامه کیدر کن محمد علیه السلامی دخی
کنور مشلر ایلدی چون تقریه سنه واردیلر اوراده بحیرانام راهب قوت
علم ایله اول سنه نه واولوقته بی اخر زمانک اورادن شامه توجه پیوره جغنی
یلدیکندن روزو شب وودینه مترقب ایلدی (ابوطالب و محمد
علیه السلام کاربان ایله ظهور ایدوب اوزرلنده کلن برپاره سخای
واجاز واشجارک السلام علیک یا رسول الله دیو سجده لرین کوردی
القصة یا اباطالب بوسه ست نکدرم یو جک قرنداشم او غلبدر
اما اولادمدن سوکولیدر دیدی (یا بابا سی نجم اولدی دیدی
ابوطالب بونلر بطن مادریه ایکن وفات ایلدی دیدکده بحیران صدیق
ایدوب محمد علیه السلام بطن مادریه ایکن یتیمکی کتب الهیه ده
مسطور در دیدکده مکره ای اهالی کاربان بوذات شریف عالمینک
سیدی وانبیا و مرسلینک افضل خاتم النبیین پیغمبر آخر زماندر
دیو بروجده محرر مشاهده ایتمیکن بعدالبیان شاهد اولک بن بونک
نبوت تصدیق وامتلاکنی قبول ایتم (یا محمد سنده بی امتلاک قبوالله دیو
نیز ایتمکده نص کره یا اباطالب بونلرک پیغمبر اوله جغنی و جله دن
افضل ایمنی وکوات بونک خرمته یاره دلدیغنی و صفات و اوصافنی
و بواوانده بو طرفی تشریف پیوره جغنی یهودان شام کابلرنده کورمکله
بیاورلر کیده مضرت و سوء قصدلندن حفظ ایچ و نه مکه به عودت
ایتمیراسه دیمکله اشهر روایت اوزره ابوطالب محمد علیه السلام ایله
مکه به عودت ایلدی (چون سن سعادت حضرت محمدی یکریمی شه
واردی خدیجه بنت خویلدی نکاحله اکوب اندن التي یاخودیدی

نفر ولد سعادت مند وجوده کلدیلر چون سن سعادت حضرت محمدی تمام
قرق سنه به واردی بشیر و نذیر اولدقلری حالده تاج نبوت سر دولتر بنه
کیدرلدی (وسوره (اقرأ ما لم یعلم) آینه وارنجه نازل اولدی و حضرت
خبریل همان اولکون محمد علیه السلامه ایست المغنی کو ستر و ب
ایکی رکعت نماز قیلدردی (و بعثدن یکریمی کون صکره شیطانیه
شهب اتیلوب ملائکه نک خبرلرین کهنده افاده دن منع اولندیلر) بعده
اوج سنه خواص و عوامی کز اوجسه دعوتد نص کره (واندر
عشیرتک الاقریین) ایت کریمه سی نازل اولغله دعوی نبوی اشکار
واعلام رسالتی مکه و مدینه به دیکمکه باشلدیلر (چون سن شریف
حضرت محمدی قرق طقوز سنه و سکر ماهه واردی (ابوطالب وفات
ایتمکله زید بن حارثی اکوب طائفه عزیمت (وایکی ماه طائفک
طائفه سنی ایمانه دعوت ایتمیلر (قبول ایتمکدن مکه به کلوب
مطعم بن عدی جوازنده سعادت خانه طوملریله اولکون همان مطعم
ایمانه کلدیلر (چون سن سعادت حضرت محمدی الی یله واردقده
طائفه حبشیان ایمانه کلدیلر (و سوده بیست زمعه بی کندوره نکاح ایتمیلر
و برماه صکره حضرت عائشه صدیقه بی دخی نکاح ایتمیلر (و چون
سن سعادت حضرت محمدی الی برسنه طقوز ماهه ایرشدی
هجرتدن برسنه مقدم دوات ایدنیونله معراجی تشریف بیور دیلر
وعقبه ده اون ایکی نفر انصار رضی الله عنهم بیعت جناب رسالتله
بامدار اولدیلر که ابتدا انصار دن بیعت ایدنلر بونلردر (و چون سن
شریف حضرت نبوی الی ایکی سنه به ایرشدی (اوس وخررجدن
یمش برنفر کیمسنه عقبه به کلوب ایام تشریفده بیعت ایتمیلر که بوکا انصار
ایچون بیعت ثانیه دیلور (و چون سن سعادت جناب رسالتله الی
اوج سنه به ایرشدی عبدالله بن اریقط الیهی یی قولور بیور و ب
العصديق و عامر ابن فهیره ایله و اخر صفر اخیرده یوم دوشنبه برای هجرت
مکه دن قادمه حبشیان اولوب ربیع الاولک اون ایکیجی کونی یوم انیمده
مدینه منوره بی بالین والاقبال تشریف بیور دیلر (و غماما اون سنه
مدینه منوره ده اقامت بیور دیلر (اولکی سنه ده صلابت خجسته فرض
اواردی (وجهه نمازین قیلدیلر (و برعالی مسجد و بر سعادت خانه

بنیاد بیوردیلر (و مسجد قبا بی بعد التکمیل عبدالله بن زبیر حضرت تریبه
صفت اذانی تعلیم ایتدیلر (و عبدالله بن سلام اولسنه اسلامه کلدیلر
وانصار دن اسعد بن زراره وفات ایلدی (و مهاجرین و انصار میاننده
اخوت منعقد اولدی (چونکه مهاجرین و انصار پیننده عقد اخوت
ایکی دفعه واقع اولمشیدی (اولکی سنده ابو بکر ایله عمر و حذیفه ایله
زید بن حارثه (و عبدالرحمن ایله عثمان بن عفان (و زبیر ایله ابن مسعود
و عبیده بن الحارث ایله بلال حبشی و مصعب بن عمیر ایله سعد بن
ابی وقاص (و ابو عبیده ایله مولای ابو حذیفه سالم (و سعد بن زید ایله
طلحه بن عبدالله (و علی بن ابی طالب ایله محمد علیه السلام حضرت رقی
قرنداش اولدیلر (و ایکنجی نوبتله حضرت محمد علیه السلام برای خدا
ایکبشر ایکبشر قرنداش اولک دیو فرمان بیوردی ذات کربلری
حضرت علینک الله یا شوب هذاخی بیوردی قرنداش حزه ایله زید بن
حارث و سید بن داود بن حارث ایله اسید بن خضیر و جعفر بن ابی
طالب ایله معاذ بن جبل (و ابو بکر ایله خارج بن زید (و عمر بن
الخطاب ایله عثمان بن مائل (و ابو عبیده الجراح ایله سعد بن معاذ
و عبدالرحمن بن عوف ایله سعد بن الربیع (و زبیر بن العوام ایله سلمه
بن اسلام و عثمان بن عفان ایله اوس بن ثابت (و منذر ایله طلحه بن
عبدالله و کعب بن مالک ایله سعید بن زید (و ابی بن کعب ایله
مصعب بن عمیره (و ابو ایوب ایله خالد بن زید (و ابو حذیفه ایله
عباد بن بشیر (و عمار بن یاسر ایله حذیفه بن الیمان و ابو ذر ایله
منذر (و طلح بن عمیر ایله منذر بن عمر حضرت رقی قرنداش اولدیلر
بو بودوات کرامت یوزالبسی مهاجریندن (و البسی انصار دن
ایردی (ایکنجی سنه ده بواط غزاسن بعده ایکی ماه اون کون کچد کده
ودان غزاسن بعده اوج ماه و اون اوج کون کچد کده قریش کاریانی
غزاسن ایتدیلر بعده یکرمی کون کچد کده مدینه دن بدر غزاسی نیت
سوار اولدیلر که رمضانک اون یکنجی کجه سنه واقع اولمشدر (اول
کونده اصحاب کرام اوجیوز الشمس اوج و کفار بیک طغوز یوزه قریب
ایندی (حق و باطل اولکونده فرق اولندی چچون اولکونه یوم الفرقان
دیو دیلر بعده فی قیقاغ غزاسن ایدوب ابی سفیان بن صحرا بن حب طلسه

کشدیلر (بعده سویق طرفنه بعده قرقره الکذری تشریف بیوردی
بنی سلمه غزاسن ایتدیلر (اولسنه قبله کعبه یه تبدیل اولندی (و صوم
رمضان و صدقه فطر فرض اولندی (و حضرت عایشه صدیقہ بی
رضی الله عنہا بی تزوج بیوردیلر (و حضرت فاطمه الزهرا بی
حضرت علی یه رضی الله عنہا نکاح ایله و یروب ایکی رأس قوج
قریان ایتدیلر (و مهاجریندن عثمان بن مظعون و کریمه محترمه
حضرت فخر عالم رقیه رضی الله عنہا وفات ایتدیلر (و نعمان بن بشیر
تولد ایلدی (بعد الهجرة انصار دن اول متولد اولان موی الیه
نعماندر (و مهاجریندن عبدالله بن زبیر دخی بعد الهجرة متولد
اولدیلر (اوچنچی سنه ده غطفان غزاسن بعد احد غزاسن بعده
طغوز ماه اون کون مرورنده حراء الاسد غزاسن ایتدیلر (و اولسنه ده
ام کلثومی حضرت عثمان رضی الله عنہما نکاح ایتدیلر (و جناب پیغمبر
علیه السلام دخی حفصه بنت عمری و زینب بنت حزمه الهلالیه بی
تزوج بیوردیلر (و خدر حرام اولدی (و حضرت حسن بن علی
رضی الله عنہ متولد اولدیلر (و کعب بن اشرف محمد علیه السلام بر جاریه
کوندر دیلر (در دنجی سنه ده بدر غزاسن بعده بنی النضیر غزاسن بعده
ذات الرقاع غزاسن ایتدیلر (و بوغزاده نماز خوفه فرمان اولندی
و آیت تیمم نازل اولدی و سفر لرده نمازی قصر ایتمک اشبوزات الرقاع
غزاسن سنه اولدی (بعده دومه الجندل غزاسن بعده بنی المصطلق
غزاسن ایتدیلر (و حضرت عایشه رضی الله عنہا حقنده بنی المصطلق
قبیله سی بهتان و افرا ایتدیلر (و ام المؤمنین حضرت زینب بنت حزمه
وفات ایتدیلر و سرور کائنات ام سلمه بی و زینب بنت جحش تزوج
بیوردیلر (و حضرت حسین بن علی رضی الله عنہ وجوده کلدیلر
و ایکی عدد یهود رجم اولندی (و آیت حجاب بوغزاده نازل اولدی
بشعی سنه ده خندق غزاسن بعده بنی قریضه غزاسن ایتدیلر
و جویریہ بنت حارثی و ریحانه بنت زبیدی تزوج بیوردیلر (التثبی
سنه ده بنی الحیان غزاسن بعده غایه غزاسن ایتدیلر (و خمس غنایم
بوغزاده فرض اولدی و زیارت بیت الله ایچون چیقدیلر ایدی ممکن
اوله میجه حضرت عثمان رضی الله عنہ مکعبه کوندر دیلر بر مقدار

مکشد نصکره کبر و دونوب سنه آیه ده قضا و لوق اوزره مصالحه
اولدیلر (یدنجی سنه ده خیر غزاسن بعده عمره غزاسن ایتدیلر
وصفیه بنت حیاتی و ام حبیبه بنت سفیان و میونه بنت حارثی تزوج
یوردیلر) و حبش ملکی نجاشی به عمرو بن امیه الصمیری بن ورم
پادشاهی قیصره دحیه بن خلیفه الکلبی بن و فارس ملکی کسراه
عبدالله بن خذافه سهمی بن و مصر و اسکندر بکی مقوقسه خاطب
ابن ابی بلعه بن و شامه ملک البلقاع اولان حارث بن ابی شمس
الغسانی به شجاع بن وهب الاسدی بن و عیصیه ملکی هوده بن علی
الخنقی به سلیط بن عمرو الامری بن دعوت ایمان ایحون الحی کوندزیلر
پس خاطب رضی الله عنه مصر و اسکندر به ملکند ن ماریه بنت
شهنون نام قبطی بن شیرین نام قرنداشیله و مایور نام برخادمی و دلدل
نام استری و یهفور نام خاری در سعادت حضرت محمدی به کتوزدی
و جعفر بن ابی طالب اصحابیله حدیثدن خاکهای حاجتروای حضرت
محمدی به کلوب و صلت میسر اولدی (و ابوهریره و عمران ابن حصین
مسلمان اولدیلر و لحم حار حرام اولدی) و مستوره خواتین اجنبی
و بیکانه لر یوزندن منع اولندی و نکاح منع که نکاح وقت دیرلر
حرام اولدی (سکرنجی سنه ده فتح مکه و نصکره خنین غزاسن بعده
طائف غزاسن ایتدیلر) و جعرا نه دن کیدوب نافله بیت شریقی زیارت
ایتدیلر (و اولاد کرامیلری ابراهیم بن ماریه و زینب حضرتانی وفات
ایتدیلر و زوجات ظاهر اتدن سوده بنت ذمه رضی الله عنهما نوبتی
حضرت عایشه رضی الله عنهما به تغشدی و مدینه ده منبر وضع
یوردیلر) و حجه کیمک فرض اولغله عتاب بن اسید امیر حاج اولدیلر
طقوزنجی سنه ده تبوک غزاسن ایتدیلر (و مسجد ضرار خراب اولدی
و عبدالله بن ابی بن سلول وفات ایلدی) و حضرت ابوبکر رضی الله
عنه خلا یقله حج ایتدیلر (و حضرت علی رضی الله عنه پراة من الله
و رسوله سوره سنی او قیوب بعد ازین کفار و ملاعینی بچدن و عربان
اولنری طوافدن منع ایتدیلر) و دختر بلند اختر حضرت محمدی
اولان ام کاثوم رضی الله عنها متوفیه اولدیلر (و حبش پادشاهی
حضرت نجاشیک حبش ده وفاتی حضرت جبریل خبر و برد که

پیغمبر بن محمد علیه الصلاة والسلام مدینه ده غایب نمازین قبلدیلر
و طرف نجاشیدن کلن الحیلر جناب فخر عالمه بیعت ایتدیلر
(او نجی سنه ده حجه الوداع و هم عمره ایتدیلر و جبر بن عبدالله الحلی
مسلمان اولدی) (اوز برنجی سنه ده ایکی ماه تمامده محمد علیه السلام
حضرت نری جان پاکتی جانانه تسلیم ایدوب مقام محمودده جانشین اولدیلر
* معراج حضرت محمد علیه السلام *
معراج آلت عروجدر که نزدیکان معاشنه کلور (اصح اقوال اوزره
محمد علیه السلام شهر رجب الفردک یکر می یدنجی اثنین کیجه سی بین
النوم و البقظه مستغرق اتوار ایکن جبرائیل و میکائیل علیهما السلام با محمد
قم دیدیلر) جبریل امریله حضرت میکائیل صدر اعز محمدی بن شق
و اوج طاس ماء زمزم ایله اوج کره غسل و شوائب غل و تشویشی کلیا
دفع و ایمان و علم و حکمه پرا تید کندن صکره کتفین مبارکین یمنی منبر نبوتله
ختم و ماء زمزم و ماء کوثرا یله لیدست آلدیروب مسجد حرامدن مسجد
افصایه واروب انبیاء عظامه امام اولدیلر و ایکی رکعت نمازی بعد الاذا
حار دن بیوک بغلدن کو چک خدی خدا نسانه شبیه قویر یغی دوه
قویر یغی کبی (ایاقلری دوه ایاغنه مانند طرناقلری او کوس طرناغی کبی
صدری کو یا قووت حرا طهری کو یا دره بیضا اوزرنده جنت رحلی
قووش فخذلنده ایکی جناح اولغله یلدرم کبی سریع کیدوب کوزینک
کوردیکی تحله وضع قدم لیدر (تعریف حضرت جبریل ایله حضرت
محمد علیه السلام اشبو راق جلیل المینه او یانق ایکن جسم و روحک
مجموعه بتوب برابر جه کیده رک مدینه به واصلی و تعریف جبریل ایله
نزول و صلاتی بعد الا دینه سوار او اوب یرمقدار کید کد نصکره
طور سینه واصلی و تعریف جبریل ایله نزول وینه سوار و یرمقدار دخی
حیر و رایله عیسی علیه السلام تولد ایلد کیری بیت لحم تسمیه اولسان
تحله تعریف جبریل ایله نزول و اتدن بیت مقدسه واروب جانب خدادن
بشارت و کرامتله تهنیه ایدرک السلام علیک یا اول یا اخر یا حاضر دبو
توقیر ایدن ملائکه بنی رؤیت و بواسعک معنای لطیفی صور دقلرنده
جبریل علیه السلام دخی اولاسن و امک قیرون ظهور ایدر سکر
و اتدا جناب شری فکرتک شفاعتی مقبوله اولوز (انبشای عقلا مک

آخری اوانك (و يوم تحشرده ملجاء عباد اوله جنة سن دیوم مسجد
شريفك قبو سنه و اردقده اولمله برافى بط و ايجز وى تشریف
بنور ملایه جله انبیاء علیهم السلام استقبال و سالف الذکر ملائکه
تختلری کی تسلیم ابتدایار (اندن صخره الله اواروب کوردیلر که
بریزین معراج عالی اوچی سمایه متصل (برطر فی صخره نك اوسته
فونمش (برجانی یا قوت جراء و برجانی ز برجد خضراء بهما قلیرتك
بری سیم و بری زمرد اواروب اولو یاقوت ایله ترین اوانمشدر (پس محمد
علیه السلامی جبریل علیه السلام جناحی اوسته وضع و اول زرباندن
رفع و سمایه دنیا به واروب قرع ایلد کده کیمدر دینلدی (جبریل دیو
جوانی عقبنجه (یانکده کی کیمدر دیلوب محمد علیه السلام دیملکه قیوی
کشان و اکرام و احترام اوانشرق قدره الهی بعد المشاهده سماه ثابته
وار یلوب برهنوال محمد سوال و جواب و توقیر و احترام و مشاهده و نصکره
یواسلوب اوزره ناله به بعده رابعه به بعده خامسه به بعده سادسه به
بعده سابعه به و اردقده بیاض ایله سیاه قاریشق صاچلو کرسی نشین
ابراهم علیه السلامی برینه استناد ایتمش کور دیلر عند سعاد نلرنده
برطاف ادملر اوتورلر جبریل علیه السلام اشته بویت معهود در که
هر کون یتش یک ملک بوکا داخل اولورلر برکه کیرن بردخی کیرمز
دیوب محمد علیه السلامی سدره المنتهایه کتوردیلر (کور دیلر که
اول درخت عظیمک جسم یراقلری وار که هر بری بتون دیبانی قابل
و عملری هجر قریه سنده مصنوع اولان کوب کی (واساندن ایکی
ظاهر و ایکی باطن ارمق آفر جبریل علیه السلامه صور دقلرنده باطن
اولان ارمقلر جنتکدر (و طاهر اوانلر نیل و فراندن دیدی (بعد ازین
بر مقدار سدره به تقریب یور دقلرنده (نور الله احاطه سنی و کمال خستله
قتی چوق ملائکه نك جمعیتی کوردیلر (و بردخی نظر یور میحق
وصفدن میرون لایع قدره الهی و ملائکه کرامی و مانه ده مقام
جبریلی مشاهده یوردیلر (اندن نصکره جبریل علیه السلام اثر جناب
پیغمبری به تبعیتله جناب فرشته کلوب حجانی تحریک ایلد کده کیمدر
دینلدی جبریل یانکده کی محمد علیه السلامدر دیملکه ایچر و دن بر ملک
الله اکبر دیوب زیر پرده دن دستنی اخراج و محمد علیه السلامی ایچر و

الدقه حضرت جبریل کیر و قال دیلر نیچون کیر و قالدک یور دقلرنده
بو حجاب مخلوق واره مز بودقده تقریم سکا تبعیتله در دیدیکی عقبنجه
اول ملک طرفه العینده جناب اولو ایصال ایلدی وینه کالاول تحریک
جناب سوال و جواب و عقیب تکبیرده ایچر و انوب بو وجهه
جنابن حجاب هر برتک مایینی و قالنخی بشر یوز یللق بول اولمق اوزره
یتش جناب کجکد نصکره رفرف اخضر دنیان کونشدن اضواء
دوشک کی بر عجب شی اوزرینه محمد علیه السلام وضع اولنهرق عرشه
واصل و هر شیک حال و شاقی نزد عرشه عیاناً مشاهده لری عقبنجه
جناب حق جل و علا کیف و کدن مزه اوله رق اول ذات محبوبیت
سماتی ذات اجلته تقریب یور دقلرنده هر شیک انسان اکر ملری اوزرینه
برقطره واقع اولدیکه اندن الذ برشی بر احد ذوق ایتماشدر اول حالده
علوم اولین و آخرین کند و له منکشف اولدقدن صکره حق تعالی
هیبتی خوفی ازله و لسان مبارکینه طلاقت احسان یورمه قله جناب
محمد علیه السلام دخی (التحیات لله و الصلوة و الطیبات) دیوجک
حق تعالی (السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و بركاته) ییوردی حیات
اکرم دخی (السلام علیک و علی عباد الله الصالحین) دید کده جبریل علیه
السلام یوسردن آگاه اولوب مقامنده (اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا
عبد و رسوله) دیدی جناب رب عزت یا محمد ملائک سموات قننی عملک
فعلنی قننی ایدرلر یلورمستن یور دقده یار بی سز اعلمسن دیدیلر
و ملائک ملاه اعلا قننی عملک اختصاص ایدرلر یلورمستن یور دقده
کا هلی تکفیر و ستر ایدمی اعماله و جناتده در جاتی عالی قلیچی امله
اختصاص ایدرلر دیوجک (حق تعالی کا هلی تکفیر ایدمی اعمال ندر
یور دقده (ایام شتاده صوق صوابله ایدست آلوب هر اعضایی تکمیل
یقامق و جاعتله نماز قلمغه یور یوب کیمک بعد کله جک نماز ایچون وقت
یاقاشدیمی دیو صورت حاضرنمق اشته بو اعمال ثلثه کا هلی تکفیر
ایدردیدی وینه یا محمد جنتده باعث دفع درجات اولان ندر ییوردقده
اولدخی مسافرینه و خلایقه طعام یدر ملک و مؤمنینه سلام و بر ملک
و کیمه خلق او یورکن نماز قلمق دیدیلر وقتا که مقام قریه مواضلت ایله
ایمان غیبی ایمان شهوده مسدل اولدقده حق تعالی (آمین الرسول

ما نزل اليه من ربه بيوردي (يعني محمد عليه السلام ريسندن كندويه
 ازال او انانله ايمان كوردی ديمكدر) پس محمد عليه السلام نم
 ديوجك حق تعالى كيم ايمان كوردی بيوردقه (والمؤمنون كل آمن
 بالله) ديد بيلر يعني همه مؤمنين حق تعالى به ايمان كوردی ديمكدر
 حق تعالى كيم ايمان كورد بيلر بيوريجق (وملائكته وكتبه ورسوله
 لا نفرق بين احد من رساله) ديد بيلر يعني حق تعالى لك ملائكه وكتب
 منزله سبه ورسوله ايمان كرتوب بلا تفریق جمله سق تصديق ايدره
 ديمكدر (حق تعالى كتب منزله ودرج اولئان اوامر مؤمنين
 به ديد بيلر بيوريجق) وقالوا سمعنا واطعنا ديد بيلر يعني مؤمنين يارني كايكي
 اشتدك واطعنا كى اوامر اطاعت ايلدك ديد بيلر ديمكدر (حق تعالى
 يا محمد رسلت سو يلدك مؤمنين كايكي بكاوب اوامر اطاعت ايدرل
 امدى مرادك هر نه ايسه استه ويريلور بيوريجق (غفرانك ربنا واليك
 المضير) ديد بيلر يعني خداوند عفو و مغفرتكي استرزه و آخر حضور يكه
 واريزن بزي عفو و مغفرت ايلدوب حضور يكنه ناله ايلت ديمكدر
 حق تعالى سني وامتكي مغفرت ايلدم ديوب بعث النبي (لا يكلف الله
 نفسا الا وسعها الها ما كسبت وعليها ما اكتسبت) بيوردي بيلر يعني
 حق تعالى امتكه بيرون طاقت تكليف ايمز بلكه طاقت ووسعاري
 بشد بيله امر ايدر هر نه طاعت وعبادت ايدر ايسه نفعي كندوله در
 وهر نه معصيت و كاه ايدرل ايشه ضرري كند و لره در ديمكدر
 اندنصكره حق تعالى يا محمد بو كيمه ايله عطا در دخی استه ويريلور
 بيوريجق (ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا و اخطانا) ديد بيلر يعني خدايا اگر
 بزدن نسيان و خطا واقع اولد ايسه بزي انكه مواخذ ايمه ديمكدر
 حق تعالى سندن وامتكدن خطا و نسيان عفو ايلدم واوزر ايشه
 اگر اهله واقع اولان كاهلرني دخی عفو ايلدم بيوردقه نصكره (يا محمد
 دخی استه بيوريجق) ربنا ولا تحمل علينا اصرا كافله علي الذين
 من قبلنا) ديد بيلر يعني پروردگار ايمز سالفه به تحمل ايلديك بار كرائي
 بزه تحمل ايمه ديمكدر (زير ايم ماضيه مالل ربك ربعي زكوة و برمك
 و او ايندين مردارلق بولاشق بزي كيمك واشلد يكي كاهك عفو بيلر
 عجله و برمك و برصكنا اشد كند طيباتدن بزي جلال ايكين

ارتكاب بيله عقوبه حرام اولق و معصيتي ارتكابلرنده صورتلري
 ميون و خير صورته دوغك و كيمه كاه ايتدكلرنده آللري ياخود
 قبولي اوزرنده يازلس بولمق و نمازي كلسالرندن غيري محليه
 قيطامق و صائم اوله حق كيمه ده يتسود نصكره سا حور ايمك واهللك
 يائنه وارمق حرام اولق كي كه يونكليف كران مقتضاي اوامر الهيه
 ايدى محمد عليه السلام الهى بونك كي تكليفاني بزه تحصيل ايمه ديوب
 تيارنده حق تعالى سكا و امتكه آسانلق ايله امر ايدرم بويله كو چلكاي
 شبي تحصيل ايمم بيوردقه نصكره (يا محمد دخی استه ويريلور
 بيوريجق) ربنا ولا تحمل لنا ما لا طاقه لنا به) ديد بيلر يعني كو چيمز يديكي
 بلايا و بيماري و آغرايشلري بزه تحصيل ايمه ديمكدر حق تعالى سكا و امتكه
 كو چلري يديكي آغرا و مشقتلي شلري تحصيل ايمم بيوردقه نصكره
 (يا محمد دخی استه ويريلور بيوريجق) واعف عنا) ديد بيلر يعني
 صوجلر يدي بزدن عفو ايله ديمكدر حق تعالى سندن وامتكدن عفو
 ايلدم بيوريجق (واعف لنا) ديد بيلر يعني بزم ايجون مغفرت ايله ديمكدر
 حق تعالى سني وامتكي مغفرت ايلدم بيوردي برر و ايتده محمد
 عليه السلام جمله معاصي بي بكان يكان اسميله تصريح ايدرك آكوب
 امتي ايجون مغفرت ايشه دي هر بر استديكند حق تعالى مغفرت ايلدم
 بيوريجق (وارحنا) ديد بيلر يعني بزه رجتمكه معامله ايله ديمكدر
 حق تعالى مغفرت ايلدم سكا و امتكه رجتم ايلدم بيوريجق (انت مولينا
 ديد بيلر ايجق) ولين و حافظم و معين و ناصر من سنين ديمكدر
 حق تعالى بلي جمله نك ولسي بنم كفار ايجون مولا بوقدر بيوريجق
 (فانصرنا على القوم الكافرين) ديد بيلر يعني چونكه ايجق مولا من
 سنين بزه يردم ايدوب بزي كفار اوزر بيه غالب و منصور ايله ديمكدر
 حق تعالى سني وامتكي قيامت دك كفار اوزر بيه غالب و منصور ايلدم
 بيورد بيلر و بيه يا محمد امتكدن تضرع و تيارله يارني ديه نه ليك
 عبيدي ديم و سني امتكه شيع ايلدم و روز قيامتده حسابلري آزا ولسون
 ايجون ماللرين چوغا ايلدم و ما كولات و مشروباته احتياجلري آزا
 اولمچون جهلرين بيومدم و قلبلري مجلا اولمچون عمرلرين اوزون
 ايلدم تا كه موت ايجون حاضر اهل و موت ايجون خسته لكي سبب

ایندم تا که کناهان توبه و پور جان ادا و وصیت اندر
 و دنیا به جسد امد نصکره کتوردم تا که قبر لنده از طوره لر و امتک کا
 مطیع و کاه عاصی او را را اطا نلری رضامه در قبول ایدوب تقصیرات لری
 عفو ایدرم کریم کرمله معامله ایدرم و عصیان لری قضامه اولمغه
 عصیان لری دخی مغفرت ایدرم رحیم رحمله معامله ایدرم بیوردی
 وینه یا محمد امتکدن بش نسته دن سکا شکایت ایدرم (اولکی بن
 آنردن بشین عمل استم هر عملی وقتیه تکلیف ایدرم آنر بنسدن
 رزق لری بشین استرل نچسه سته لک ارزاقی در دست حاضر اولوب
 تکمیلنه قدر معمر اوله جقلری بنلر لریکن کچسه حکم بوقدر دیو
 شکایت و زیاده سن استرل ایام شتاده عالمی قار پور عیشکن علی
 الصباح مرغان لانه لزند قور صاقلری نهی اوله رقی او چارلر
 واخشام اوله قدده قور صاقلری طولی اوله رقی اشبانه لینه کلورلر
 امتک بوندن نچون عسرت المزلر بویله کونده طورک ارزاقی ویرن
 رزده و بر دیو نچون بکا اعتماد ایتزلر (ایکنی بر آنلرک ارزاقی غیره
 و بر مزایکن آنلر عملاری غیره ایدوب ریانه خلقه عمل کوسرزلر
 (اوچینی و بر دیکم رزق بیوب غیره شکر ایدرلر مثلا باغدن اوزم
 و تارلامدن محصول و نچار تمدن فائده حاصل اولدی دیرلر مع هذا
 اوزمی بتورن و محصول و فائده بی ویرن بنم (در دخی دنیا و برزخ
 و آخرتده آنلر عزتی بن و برزکن آنلر عزتی غیریدن استرل یعنی
 منصب اولایدم و مال چوغالیدی دیرلر (بشینی جهنمی کفار ایچون
 براندم آنلر داغما جهنمه دخوله بادی شپنلره چالشورلر بیور ییچق
 بعد التصدیق خداوند عفو و احسان بیوروب مجانا نائل رحمت ایل
 و واصل جنت ایل دیو نیاز لنده (یا محمد اگر امتک کاه ایمیه لری ایدی
 برکاه ایدیچی امت خلق ایدر دمکه آنلری عفو و مغفرت ایدوب آثار غفور
 و غفار یعنی آشکار ایدرم بیوردی (وینه یا محمد حبییم و قولسن همه
 مخلوقات سنکچون براندم و امتک کاهلریچون بحر رحمت خلق ایندم
 امتکدن سنک مقبولک بنده مقبولدر و سنک مر دودک بنده مردوددر
 و سن همه انبیا دن مقدم جتنه کیردیکک کی امتکدن جله ایدم اول
 حشده کیرر و امتک ثلثاتی سکا باغشلام ثلثی دخی قیامتده باغشلام

بیور ییچق یاری امته تحفه احسان ایله کوتوره بم دیو نیاز لنده مادامکه
 آنلر دنیاده درلر معین لری بنم و بلا یا و کناهدن حفظ و خیراته
 موفق و اتواع نعمه انعام ایدرم و دعالر بن قبول و مرادات لری
 احسان ایدرم و حین وفات لنده معین لری اولمغه مکر شیطاندن حفظ
 ایدرم و جتنه تبشیر و مقاملرین ارانه و سلامت ایمانه کچوروب
 قبر لری توسیع و پر نور و سؤال منکرینی آسان ایدرم و قبر لندن یوز
 آقلغیه فالد یروب جنت حله لر بن الباس وینکره بند یروب اطرافشده
 ملکر ایلله معززا هول محشر دن آمنه نجات لوا که ادخال و حوضیکدن
 سیراب و ظل عرشده انعام ایتدیکم انبیا و مرسلین و صدیقین و شهدا
 صالحینه رفیق و انواع نعم جتنه متعم ایدرم و کابلرین صاغ اللرینه
 و یروب حساب لری آسان و میرانده حسنات لری کران و صراطدر
 آسان کچوروب فضل و لطفله جنات عالیا نجه ادخال ایدرم وینه یا محمد
 اگر بر کچسه دن برشی رجا ایدر سکر رجا اولمغه بن جله دن اولای
 زیرا جیع حاجاتی قبول و مراداتی احسان ایدن ایچق بنم اگر بر کچسه یا
 جقا ایتدیکک ایچون آدن حیا ایدر سکر بندن حیا ایدک اوتانمغه بن
 جله دن اولایم و خالق و رازق معبود کز ایچق بنم مالا و بدنا بکا قوللق
 ایدک بونی بویله امتک تبلیغ ایلله بیوردی (وینه یا محمد ابراهیمی
 خلیل الخ ساز ایتدیکم کی سنی خلیل الخ ساز ایلدم و موسایه تکلم کی
 سکاده ایتدم دیو بعد التلطیف غیره اخبار اولمغه حق بیعداد سراری
 جناب مکرملرینه بیان و غایه الامر امتسه اللی وقت نماز فرض
 بیوراند قد نصکره بنه سدره به عودت بیور دیر جبریل علیه السلام
 تبریک و نهیه ایدرک جله جناتی و ناری دخی بعد الارانه سعادتن سماعه
 نزولله سماء ساد سده موسی علیه السلام معراجی تبریک و اکرام
 شناسنده امت محمد اللی وقت نمازک فرض اولد یعنی کوش ایدیکک
 بن قومدن مشقت کثیره کوردم بیلورم بوقدر شسته تحمل ایده مزار
 رجا ایلله مولای متعال تحفیف بیور دیو اخطار لری نه مینی محمد
 علیه السلام دخی رجا بیور قدده هر برر جالرنده بشر بشر نزل
 اولنه رقی بش وقت نمازده قرار واللی وقت نماز مرتبه لری درجات
 عالیه عطا بیور یله جفی تبشیر اولمغه سرور لایحی و فخری انتها ایلله

عودت و جبریل علیه السلام ایله مکه مکرمه ده مضجع علری اولان
خطیم دنیلان محل مبارکی تشریف بیوردیلر پس بومعراج حضرت
محمدی طرفه العینده واقع اولمشیدی بونده طی مکان اولدیغی کی
طی زمان دخی وارد و فخر عالم حضرتلرینک اولکیجه مسجد اقصایه
وارد قلی نص قاطع ایله مثبت اولغین منکری کافر اولور و مسجد
اقصاده انبیایه بعد الامامه سمواته عرو و جبری احادیث مشهوره ایله
مثبت اولغین منکری تضلیل اولتور و براقه یتوب جنت و جهنمی
کور دیکی احادیث ایله مثبتدر که انکاری فاسددر و عرش و باعرشک
برطرفه وارد قلی خبر واحد ایله مثبتدر که انکاری خطادر و اوتوز
درت دفعه وقوعبولان معراجدن بالکن بومعراج جسمانیدر معادسی
روحانیدر بومعنی عقول محجوبه به کره امر بعد اولدیغندن اکثر تاس
انکاره دوشمشلردر اما ابوبکر الصدیق رضی الله عنه بلا تأخر
تصدیق ایتشد

* وفات حضرت محمد علیه السلام *

جناب پیغمبر علیه السلام حضرت عایشه نك رضی الله عنها
سعادخانه ارنده ایکن مبارک سر سعادت افسرارینه صداع عارض اولغله
حضرت میونه نك رضی الله عنها و آخانه لرینی تشریف و سائر زوجات
ظاهرات حضرتی جمع و بالمسورة و الاجازة یتنه سعادخانه حضرت
عایشه بی تشریف بیوروب اوراده اون ایکی کون یاخود اون درت
کون نامزاج اولدیلر ابوهریره دن رضی الله عنه مرویدر که حضرت
جبریل کلوب یا محمد حق تعالی سکا سلام ایتدی و خسته لککدن
سوال یتدی دیو خک رسول الله علیه السلام دخی یا جبریل باشم زیاده
آغور بیوردیلر انکیچی کونده یتنه جبریل علیه السلام کلوب خسته
لککدن صور یحیی یتنه کالاول جوان بیوردیلر (اوچنجی کونده یتنه
جبریل ملک الموت ایله علیهما السلام کلوب سوال حال ایتدکرنده) باخی
جبریل یتنه باشم آغور دیو جواب شافید نصکره سنکله کن کیمدر
بیوردیلر نه عزرا ایلدر یجناب شریفکری بعند الزبارة اجازت
بیوریلور ایسه قبض روح رفوح ایده جکر زیر اسنیک آخر عمر کدر
و نیم دخی روی ارضه آخر هر وظه نرسن شید المرسلین خاتم النبیین

من سند نصکره جنهاته پیغمبر کلیم (و سنک احکام و سنک امنک
میاننده قینامته نك یاقیدر دیو جک (صداع سر سعادت حضرت
محمدی مشد اولوب علامت موت قریب اولغله یا شند قیده (امر
و التماسلریله کتوز دیکری برکاسه کلابدن شدت موت زیاده لندیکجه
مبارک یوزلر یتنه بر مقدار سورلردی (و اول اثاده الهی شدت موتی
بکاسان ایله دیو بیورلردی آخر هجرتک اون برنجی سنه سنده و تاریخ
اسکندرک طقوز یوز قرق اوچنجی سنه سنده (ماه ربیع الاولک اون ایکیچی
دوشنبه کونی قوشلق و قنده اعلاهی علینده مقام محموده دیوان
اولدیلریده حضرت علی و عباس و عباسک او غلری فضل و قثم
واسامه و سیر و کائناتک علیه السلام صالح تام غلامی و بشقیران
نام بر مرد بنام رضی الله عنهم حضرتی جسد سعادت حضرت
محمدی بی عریان اولیده رقی مبارک بیراهنلریله بعد المغسل بیاض یتنه
بزندن اوج عدد کفن ایله تکفین ایتدیلر (اما پیرهن و دستار ایتدیلر
(و همان دولخانه حضرت عایشه ده رضی الله عنها ایحامه
خوابی اولان موضع سعادته قیر شریقلرین قازوب لحد ایتدیلر
حضرت انس دن رضی الله عنه مرویدر که (رسول اللهک علیه السلام
قیر برانور یچون ابوطلحه ایله زید بن سهل الانصاری رضی الله عنهما به
لحد ایتدیلر و ابو عبیده بن الجراح رضی الله عنه خندق منالی
ایتدیلر دیملکه میانه ده بو دکلو قیل و قال اولدقد آخر بالاتفاق
ایتدیلر استخاره ده اشارت اولدیغی اوزره لحد ایتدیلر و رسول اللهک
علیه السلام کاه اوزر یتنه سعادته اوتور دقلری و کاه مبارک
ارقه لریته کیدکری کلیم سرخی درون قیر شریفه بعد البسط سرور
کائنات علیه افضل الخیات حضرتلرینی اول سعادتلوکیم اوزر یتنه
یا نور دیلر (بعد ازین اصحاب کرام و سائر مسلمین قوج قوج امامستر
اول امام همام و مقتدای کرامک نمازین بعد الاذا حضرت اسامه
رضی الله عنه قیر منور لریته یتوب طقوز عدد خشت خامی بری برینک
اوزر یتنه قیوب مبارک چهارشنبه کیجه سی نصفنده دفن ایتدیلر (و بلال
بن رباح رضی الله عنه برقریه صوبی شریهار کلرندن قدم سعادتلریته
ورنج قیر برانور (اما کندی (اس محمد علیه السلام

مبارك دوشنبه كونی عالم دنیا بی تشریف پیوردیلر (ودوشنبه كونه
مظهر رسالت اولدیلر) ودوشنبه كونی مکه دن خروج وینه دوشنبه
كونی مدینه به هجرت پیوردیلر (وینه دوشنبه كونی مقام محمود خرامان
اولدیلر) واضح روایت اوزره سن سعادتلی التمش اوج سنه ومدت
نبوتلی بکرمی اوج سنه در * محکیم در که شام یهودیلرینک ربیسی
توراتدن جناب پیغمبر علیه السلامک نعت پاکنی قطع و احراق ایدیم
وسؤال ایدنلر توراتده نعتی یوقدر دیه بم تا که طائفه یهودا کانا بیلر
دیویر یوم سبت مکان مخفیده توراتی الی آخره قرائت و درت ورقده
نعت شریف حضرت محمدی بی یولوب قطع و احراق ایلدی اینه سی
یوم سبت ینه مکان مخفیده توراتی الی آخره قرائت و سکر ورقده نعت
شریفی یولوب ینه قطع و احراق ایلدی (زیاده حیرت الویرمکه
ایته سی یوم سبت کذلک مکان مخفیده زیاده دقتله توراتی الی آخره
قرائت و اون آلتی ورقده نعت شریف حضرت محمدی بی یولوب یوق
سکر در که نعت محمدی بی اول درت ورقده بعد سکر ورقده یولوب قطع
و احراق ایدیم محمدی اون آلتی ورقده ده یولدم یولوب یوقنی قطع
و احراق ایدیم کله جک یوم سبتده اوتوز ایکی ورقده یولوب یوق
و ایه بم مدینه ده محمدی کوره بم اکر توراتده یازیلان وجهله ایسه
نبوتی صدیق و اسلامی قبول ایدیم والا توراتده نعتی اولان
پیغمبر سن دکلین دیه بم دیوب اتفاق حضرت محمد علیه السلام
دارنه سانی تشریفلرینک اوجنجهی کونی مدینه به مواصبات و ابوبکر
رضی الله عنه اصحاب کرامله اولدقلری مسجد شریفه کوروب السلام
علیک یا محمد دیو جک اصحاب کرام بکا ایلدیلر جناب صدیق رضی الله
عنه ای یهود یچون بزم فراق ایلر بحروح اولمش قلمیزی شرحه شرحه
ایدر سن دیدکده (یهود محمدیجه اولدی ایچکزدده یوقی دیو جک
ابوبکر رضی الله عنه محمد علیه السلام دار بقای تشریف پیوره لی
بوکون اوج کوندر دیدکده یهود تولیدی انامدن طوع و نفی و نعت
پاک حضرت محمدی بی توراتده کور مییدم باری برکده جک اولسون
جمال یا کمالی کور یدم دیو زاری و فریاده باشمغین (حضرت علی
رضی الله عنه پیوردیلر که یاسن کال عداوتکدن شامده یوم سبتده

تنها محله توراتدن درت ورقده نعت شریف نبوی بی یولوب قطع
و احراق ایلدی ایته سی هفته سکر ورقده یولوب ینه قطع و احراق
ایلدی ایته سی هفته اون آلتی ورقده یولدی اول عداوتک و ارایدی
محمدی یو محبت و فریادک ندر دیو جک یهود ایتدی که محمدی اولایدی
کلامنده خلاف اولمزدی زیر آلتی بعدی پیور مدیمی دیدکده
حضرت علی رضی الله عنه نعم دیدی یاسن بنم شامده خلوتده سرا
ایتدی که یچون ندرن یولور سن یوخسه سبتده پیغمبر یسن دیو جک
حضرت علی رضی الله عنه بنی دکلیم اما نی ذیشانک دامادی
و عزاده سیم (آخرتی تشریف پیور رکن با علی و فاطمه دن اوج کون صکره
شامدن بر یهود کاوب اظهار محبت ایدر) تنها سنده ایتدی کی قباختی
جبریل علیه السلام بکا سولیدی سنده کاوقعه بی یو وجهله سوبله
یوم هجریه اکا کافیدر ایمان کتور سن پیوردی دیو جک یهود نبوت
بو شاهددر انجق شهادی دفع ایچون بر شاهدی بولک ایمان
کتوریم دیمکه حضرت علی رضی الله عنه نه استر سن دیدی یهود
قبض سعادتی کتورک کوره بم اندن نبوتی یولورم زیر توراتده اوصاف
جليله سی مسطور در دیمکه حضرت علی رضی الله عنه حضرت
فاطمه دن دینی الله عنها پیرهن سعادتی کتور تده یهود
باقوب قو قلا دیغی آنده بوکوملکی کین توراتده نعتی اولان پیغمبر
عالیجنابدر زیر بورایحه طیبه غیریده ممکن اولر قیر پر انور لری
کوسرک اوزاده ایمان ایدیم دیمکه قبر سعاده کتور دکلر تده یهود
باری بوسول ذیشانه عشق و محبت زیاده در (روحی قبض ایدوب بی
کورشدر دیو تضرع و نیاز و کله شهادتی کتور بک اول آنده آخرته
انتقال ایلدی بعد الفسل غازی قبیلوب مقبره یقیعده دفن اولندی
* حلیه جليلة حضرت محمد علیه السلام *

اصحاب احادیث شریفه دن روایت اولندیغی اوزره جناب محمد
علیه السلام اوزره بویلی معتدل القامه ایدیلر (مبارک او موزلمرینک
مایلی واسع ایدی ولون سعادتسارینک اسیرلکی زیاده اولوب بیاضه
مائل ایدی جسم مبارکلی نرم و خوشبو ایدی شویله که یورید بکی
یولور رایح مسک و عنبر ایلر مالامال اولوردی و سر سهادتلی مبارک

صاحبی غایت و غایت قورجق دکل ایدی (و غایت لحیم و طویل
الوجه دکل ایدی بلکه بوجه اعتدال دکر می بوزل و کوزل چهره لوحرت
ایله مختلف بیاض ایدی (و مبارک اککری غایت دکر می دکل ایدی
(و مبارک وجه شریفینک آق قلی قزلاغه قارشه ش ایدی و چشم
سعادتینک بیاضی ایچنده سیاهی غایت زیاده ایدی) و مبارک
کز بکلری اوزن و سیاه ایدی (و مبارک سر استخوانلری بیوک و ایلاک
مثالی نرم ایدی (و مبارک شانه لریله وسط ظهرلری لحیم ایدی و مبارک
وجود بهرودلری قیلا و دکل ایدی بلکه مسریه دن غیری سائر انداملرنده
قبل یوغیدی مسریه فاسقندن سینه به کلجه بتن برقاج قبلدر شویله که
غایت اینجه جک اوله (و دست سعادتینک آیه لری و مبارک قد منی
قالجه ایدی (شویله که حال مشیده به ضر بلجه اورلردی برشیه
التفات بیورسه لبتون وجود شریف لریله التفات ایدرلردی تکلم
بیورسه ر آحق سویلرلردی جلله دن جوهر دایدی (هندی هاله دن
رضی الله عنهما مرویدر که محمد علیه السلام معظم و بر مقدار مجسم ایدی
ووجه انورلری ضیاسندن شب تاریکده اکنه دوشورسه بوانورلردی
و معتدل القامه ایدی و سر مبارکی بیوک ایدی و مبارک ناصیه لری
بصی ایدی و وجه جیللری دخی غایتله تازه و کویکت ایدی و مبارک
فاش لری قلم قدر تله مصنوع غایت اینجه ایدی (اما برینه متصل
دکل ایدی (و مبارک یوزلرنده کون و مکان به ایکی خال سیاه لری
وار ایدی (و مبارک ریش سعادتینک قیللری بر مقدار زیاده ایدی و مبارک
انف سعادتینک اورته سی بومر یجه ایدی (و هم قوه شمامه لری
وار ایدی و فم سعادتینک بر مقدار بیوک ایدی (و مبارک دندان در وارلری
سلاک جوهر ازهر کی منتظم و سیره جک و هموار ایدی (و مبارک بینی
سیم و ش غایت لطیف و کوزل و معتدل و طوغری ایدی و مبارک بطن
سعادتینک سینه به وارنجه بر ایدی و مبارک ظاهر شریفینک مهره لری
سینه لری کی بصی ایدی و مبارک کویکله لری مایینی پیوسته
ایدی لیه اکادیرلر که فلاده وضع اولسان محیده اوله و مبارک
سینه لری عریض یعنی انلو اولوب اوزرنده و اموزلری اوزرنده و یازولری
اوزرنده قیلا ی وار ایدی (و مبارک سیم بازو لری اوزون

ایدی و مبارک دست سعادتینک آیه لری و اسم ایدی و مبارک
ایدیلر و مبارک اوکجه لری قتی اتا و دکل ایدی آهسته آهسته یوزرلردی
اما قدم سعادتینک آلت طرفینک وسطی بدن مرتفع اولوب به
اصابت ایتمزدی و هم واسع الخطوه ایدیلر و بولده ملا فی اولد قلیشه
اندن مقدم سلام و برلردی و حال مشیده ضر بلجه باصید قلیندن
صویه اصابت اینسه صوبوقاری قالقوب صاحبیلردی و مبارک
نظرلری بولک ایکی جانبده صرف ایدرک و قارایله یوزرلردی و اکثر
نظرلری روی ارضه ایدی ممانه چوقاق نظر بیورمزلردی انسر
ابن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که حضرت محمد علیه السلام
انوار جمال باکالی عالمه ضیا و پرتو صالمشیدی و عرق سعادتینک
مروارید فارد مانند ایدی و مبارک کفه شریفینک نرم و لایه
هیچ بر حریر و دیبا یوغیدی و خو شبوبندن خوشبو هیچ مسک و عنبر
رایجه سن قوقلدم و حین وفاتلرنده مبارک سر دولترینک و ریش
سعادتینک قیللرنده بکر می عدد بیاض قبل یوغیدی انتهی (اللهم
لا تحرمنا من شفاعته يوم المصائب و کرامه التفاته فی المیقات بعمره آله
و اصحابه الطیین الطاهرین

* مهربوت حضرت محمد علیه السلام *

عبدالله بن سر جدن رضی الله عنه مرویدر که جناب نبوتله
علیه السلام اتمک و لجم یا خود ترید تناول ایدرک (غفر الله لك
یا رسول الله) دیدیکمه (و لك بیوردیلر بعده (استغفر لك) دیدیکمه
(نعم و لك) بیوروب قوله اهالی (واستغفر لذنبك وللمؤمنین والمؤمنات)
آیینی قرائت بیوردیلر اندن صکره جناب رسالتک علیه السلام قفاسی
طرفنه نظر ایتدم و مهربوتی کوزدم ایکی شانه کاهلری وسطنده رسول
جانبده جمع اولمش شکل مثالی بر طاقم خال شریفلردر مشاهده ایتدم
دیدیدی (جابر بن سمره دن رضی الله عنه مرویدر که جناب پیغمبرک
علیه السلام مهربوتلری ایکی مبارک او موزلری وسطندم بیضا
جامه قدر سرخ رنگ ات یکی ایدیکه رنگی مبارک جسم شریفینک رنگنه
موافق ایدی دیدیدی (و ابو سعید دن رضی الله عنه مرویدر که مهربوت
جناب فخر عالم علیه السلام بر باره یومر وجه لجم کی ایدیکه ایکی مبارک

شانه کاهلری و سظنده یومر یجه بلشره جیمه شیدی ولونی مبارک
 تن سعادتلرینک رنکسه موافق ایدی ایدی مبارک
 * اخلاق شریفه حضرت محمد علیه السلام *
 ام المؤمنین حضرت عایشه دن رضی الله عنها مرویدر که رسول الله
 علیه السلام حضرت یاری قطعا قوش ایترلردی و سواقا لردده شدت
 صونله چاغرمزلردی و هیچ بفرزدک کاهنه و عصیانده نظر ایدوب
 مؤاخذه ایترلردی بلکه احسن وجهله و تغیر الله عقوبتورزلردی
 و کندی نفس نفیسلی چون اصلا بر کیمسه دن اخذ انتقام ایترلردی
 مکر حد و د الهی تجاوز ایده بوتقد بر جده غضبه کلوب اخذ انتقام
 ایدرلردی و نهلین کیم ده و حال مشیده و ظهورده و جمع شایده صباغ
 طرقلرندن پدا ایدرلردی و مده العمر غزواتده کافرین و منافقیندن
 غیری کرک اهل بیتدن و کرک سارزدن فرد آفریده بی مبارک الله
 اورماشدر و خانه دولترنده اولدقلری و قتده نه ایله مشغول اولورل
 دیو حضرت عایشه دن رضی الله عنها سوال اولندقدده نماز و قنقه قدر
 اهل بیتک خدمتن ایدرلر و غار و قنقه آیدست آلوب نماز شروغ
 ایدرلردی دیدی وینه حضرت عایشه دن رضی الله عنها مرویدر که
 رسول الله علیه السلام شول وقتکه برشی اشک مهملری اولایدی
 آنی اشکلردی اما مخالف امر الهی اولورسه همان آندن اغراض
 ایدرلردی (انس بن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که سلطان انبیا
 علیه افضل التحایات خدمت دولتریمچون سکر باشمده ایکن عز
 حضورلرینه کلوب اون سینه خدمت ایتدم هرگز بنی انجمنیلر و کوکم
 بقمیلر اهل بیتلرندن احبانا رنجیده خاطر اولسم انلره رفقه
 و حسن بیانه نصیحت ایدوب بنی خوشدل ایدرلردی و بر کیمسه ده
 راست کلسه لر مصاحفه پیورلردی و هر کیم حضور عنایتفورلرینه
 کلوب مبارک دست گرامتیوسلرین تقبل ایدیدی کندی اختیارله
 انی حکمینه جناب نبوت علیه السلام مبارک الارین حکمزلردی
 و مبارک یوزلرین چورمزلردی تا اول کیمسه چورینه حقی مدینه ده
 بر جاریه دست سعادتلرینه یا شوب استیدی یکی شله کتورلردی
 و رسول الله علیه السلام دخی اکا اطاعت ایدوب بیله جده کتدیلر

(وینه حضرت عایشه دن رضی الله عنها مرویدر که کوچک قرنداشم
 ابو عمرک برطاو ییغنی یا خود بر قوش یغیزی و ارایدیکه کیمه و کوندز انکاه
 انس ایتمکله ملاعبه ایدردی اول طاووق اولدکده حضرت رسالت
 علیه السلام خانه مزی شیر یق ایدوب یا با عمر قوش نه ایشلیدی
 و نه یایدی سز ضاع اولک دیونلطیفانه تعزیه پیوردیلر (وینه انسدن
 رضی الله عنه مرویدر که رسول الله علیه السلام اشجع ناس ایدیلر حتی
 بر کیمه اهل مدینه جرح و فرغ ایلد غلغله ایتمشیر ایدی و بر طاقم ناس
 بجانب صوته کیدرلردی رسول الله علیه السلام آنلردن مقدم اولملا
 واروب کلوزکن انلره ملاقی اولملا اوکلرینه دوشوب اوریاه کتوردیلر
 بنابرین جله نک جو مرد واکرمی ایدیلر (وینه انسدن رضی الله عنه
 مرویدر که بر کون رسول الله علیه السلام مبارک ظهر سعادتلرینه
 قال کلرک بر برده بحرانی کوب کیدرلردی براعرابی اول برده بی شدت
 و غنقله چکوب مبارک آرقه لردن قایدی شویله که مبارک اوموز یله
 یوینلری مایینی آچلیدی و شدت ایلد چکدیکسندن بیابک کلاری
 اوریاه تأثیر ایلدی اما کمال مهابت حضرت محمدیدن فراز ایده ممکنه
 حضرت رسالتیه اول اعرابی به نظر پیور ییغنی یا محمد اشبو برده بی
 حق تعالی مالیدن بکایغشله دید که خشم ایتوب تبسم ایدرک
 اول برده بی اول اعرابی به احسان پیوردیلر (عبدالله بن ابی اوفادن
 رضی الله عنه مرویدر که رسول الله علیه السلام نمازی غایت آغر
 قبول تطویل ایدرلردی و چوق تسبیح ایدرلردی اما خطبه بی
 اختصار ایدرلردی و ناشایسته کلت سویلمزلردی و حاجت ایچون
 خاصه پازینه کلان طول خاتون و فقیر و مسکینک بر وفق دلخواه
 حاجت لرینی پیور مکه سعی بلیغ پیورلردی (حضرت خسته دن
 رضی الله عنه مرویدر که اتام حضرت علیدن رضی الله عنه جدم
 محمد علیه السلام سیرت شریفه و خصلت لطیفه لرینی سوال
 ایتدیکمده رسول الله علیه السلام دائما کشاده رو ایدیلر صنا سنکه
 تبسم پیورلر ایدی و زم دل و خوش خلق و لطیف سخن و مرده کو
 ایدیلر قطعا بد کو و عیب جو دکل ایدیلر اشتهای ایتد کلری شبتدن
 تغافل و تجاهل ایدرلردی اما خلق اول شبتدن جانب و خاسر و محروم

ایترلردی و جمیع زمانده اهل حاجتی نومیدد ایتمیوب بحواب امید
و برلردی و اوج شیئی نفس لرندن ترك ایتمیولر ایدی بری یحوق سونلکی
و بری شیداز بانلغی و ربانی و بری دخی مالا یعنی بی و اوج نسنه بی
دخی خلا یقندن تركه امر بیور مشلر ایدی بری ید کولغی و بری غیبی
و بری دخی کشف عورتی صواب مترتب اولمیشان کلماتی قطعاً لسانه
آمیوب دایم محاسن سعادتلرنده منشیلر یله کلمات طیبیه ایدرلردی
واتلر سوزلر بی تمام ایتمیوب سوزه یا شلر ایدی و دخی آشکاره تبسم
ایترلردی بلکه خلقت خدک ایتدکلرینه تبسم بیورلردی و غریزه
دائم غایت ایدرلردی دیدیلر (حضرت بخارندن رضی الله عنه
مرویدر که جناب نبوتدن علیه السلام برکیمه برشی استنسه ایدی
صانعرا سسه در حال اعطای بیورلردی و الاحسن تعبیر یله انشاء الله
اله کتوره لم و کوتدره لم بیورلردی مع هذا جهت دنیویه دن هیچ
برنسنه لمی یوضیعی دیدیلر (ابوهریره رضی الله عنه دن مرویدر که
جناب پیغمبر علیه السلام اینه آمکندن طویحه هرگز تناول
بیورمیدیلر دیدیلر (ابن عباسدن رضی الله عنه مرویدر که جناب
نبوت علیه السلام اکثر کیمه لده آج باتورلردی و کاهجه اهل یتلری
نان بوله مزلردی (حضرت غایبه دن رضی الله عنه مرویدر که
برای تمام اولوردیکه سعاد تخانه جناب خیر البریه ده آتش یاغزردی
(انس ابن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که برکون فاطمه الزهراء
رضی الله عنها بر پارچه چورک کتوردیلر بو کتوردیکل تدر بیور یحقی
یا رسول الله چورک پشوردم بالکز بو غارمدن یکمدی بر مقدار ستره ده
کتوردم دیدکده یا فاطمه بو کون اوچکوتدر اناک بو غارندن بوندن
غیری هیچ نسنه یکما مشدر بیوردیلر مرویدر که برکیمه جناب خواجه
جهانیدن علیه السلام برنسنه طلب ایدی اول نسنه موجود اولمغله
جناب نبوت علیه السلام بزمه اول انشاء الله المزه کیررمنه ستره و بره لم
بیور یحقی (حضرت عمر رضی الله عنه حاضر بالمجلس ایدی یا رسول الله
حق تعالی سنی کفیل ایلدیمنی که جمیع عالمک مقصودینی حاصل ایده سنی
دیدکده (خواجه کائنات علیه افضل التحیات حضرتلری جناب
عمرک بوسوزینی روا کورمیدیلر صکبار انصاردن صاحب اسرار

برکیمسه اولمیشنده بولمغله یا رسول الله احسان و اعطایله قورقه
عرش افندیسنک خزینه سنده بینهایه در دیوچک (حضرت رسالتیه
علیه السلام بوسوز خوش کلوب تبسم بیوردقدن ذکره) و بهذا امرت
بیور دیلر یعنی بن بونکله امر اولندم دیگدر انهمی
* هجرات حضرت محمد علیه السلام *

حضرت رسالتیه صلی علیه و آله کله هجرات باهراتلری اعداددن
میر و ندر نذ جمله (حضرت ابو بکر دن رضی الله عنه مرویدر که
یا رسول الله علیه السلام ایلر بر غاره یحرم مشرکین باشمز اوزرنده مغاره
اوستنده بری آرلر ایدی و بعضیا ایلری باشمز دگلو او اوردی
یا رسول الله انکر کفار ایلری الله یا قوب بری کوره چک اولور ارایسه
حال نیسنه اولور دیدیکمه یا ابابکره ظن ایدرسن اول ایکی کشتیک
حقننده که اوچنجیمی جناب الله اوله دیو بیوردیلر ایشو قومه جلیله
مشهوردر (وینه ابو بکر دن رضی الله عنه مرویدر که اولکجه
متمصل کیتدک تا که صباح اولدی بنه کیتدک هواسی اولمغله یول خالی
اولغین بر اوزون صحرا یه ایشو ب بر سایه یه اوتوردق و جناب نبوت
علیه السلام الله یانه چک بر دوزاندم و کورکی التریمنه یا ایدم خواجه
کائنات علیه افضل الصلوات حضرتلری سعادته اوزرلرینه
یا قوب بر مقدار خوابه واردیلر و بن قاقوب بر مقدار ایلر و صککندوب
بر چوبانه راست کاسدم قیونلرک سودلیدر دیدیکمه بر مقدار سود
صاعقه مغره یه قیوب حضرت رسالتیه کتوردنکده هنوز او بخوده
ایدیلر اول مغره یه بر مقدار صوقیوب حضور سعادتلرینه کتوردیکمه
آلوب نوش ایتدیلر آفتاب زوالی منجاور و هو انک اسیلکی بر مقدار
ساکن اولغین اوزادن قاقوب کیدر کن ناکاه سراقه بن مالک
کورندکده یا محمد کافرلر شدیلر دیدیکمه (لا تحزن ان الله معنا بیوروب
در حال دعا بیورملریله سراقه نک سوار اولدیمنی حیوان قارننه دک پره
کولچیک سراقه یا محمد الله ایچون اولسون بی بو عذایدن قورنار سکا
سوء قصددن توبه واستغفار ایتدم دیو نیاز ایتکله تکرار دعا بیوردقلرنده
سراقه حیوانیه اول بلیه دن قوریلوب کیرویه عودت ایلدی
(انس بن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که خواجه کائنات عاید السلام

برخنده خرما دوشور لودی عبدالله بن سلام رضی الله عنه کلوب
یا محمد سندن اوج نسته صورارم آنلری پیغمبراندن غیری بر احد یلر
دیددی (مساعده بیور بلجیق علامت قیامت ندر) وشول طعمامیکه
اهل جنت همه اطعمه دن مقدم تناول ایدرل اول ندر (واطفالک
بعضیسی باباسنه و بعضیسی اناسنه مشابه اولور حکمتی ندر دیوجک
یا بن سلام یوسواللر بکک جوانی قونداشم جبرائیل شمدی کلوب بکا
سویلدی چون قیامت یقین اوله جانب قدس دن برآتش سزکش
پیدا اولوب حجوع خلاقی مغریه سورر (واهل بهشت جنته
کیردکلرنده ججع اطعمه دن مقدم بالی چکرین برلر) و حین جاعده
ارک شهوتی غالب اولوب نطفه سی مقدم رجه دوشور طوغان ولد
باباسنه بکزر واکر عورتک شهوتی غالب اولوب نطفه سی مقدم رجه
دوشور طوغان ولد اناسنه بکزر بیور دقلرنده همان عبدالله بن
سلام اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا رسول الله دیوب اسلامه
کلدیلر (سلمه بن اکوعدن رضی الله عنه مرویدر که جناب رسالتله
علیه السلام حنین غزاسنده ایدم) اشکر کفارک علیه سندن صحابه
کرام حضرتانی یوز دوندلر ملریله سلطان ابرار علیه السلامه
ایرشدکاری کی همان استرلندن نزول ویردن آلدقلری برآوج خاک
اوزرینه شاعبت الوجوه دیوب اشکر کفار صایخلریله برزیه سی
کوزینه طوقنان مشرکینک بامر تعالی کوزی کوز اولوب اشکر
مخوسه پریشان وضمحل اولهرق فرار ایدیلر (پس اعظم معجزات
قران عظیم البرهاندر آسماندر سرور کائناته علیه السلام نزول ایدوب
قیامت دك امتی میاننده باقیدر شویله که یونک مثلی بر آیت ترکیب
ایتمکه کیمه قادر اوله مرتبه کیم موسم حیده منافقین انهم الله فصحا
عربدن اختیار ایتدکاری درت نفر کیمسینه کلام قدیمدن بر آیت
ویردیروملی و نظیرتی ترکیب ایچون برسنه مهمل ویردیلر (آخره مثلی
ترکیب و نظیردن عاجز وقاصر و خاسر اولدیلر) انس ابن مالکندن
رضی الله عنه مرویدر که مدینه منوره ده جناب نبوتک علیه السلام
عز حضورلرینه برصوقانی کتوردیلر که ایچنده ازاجق صو واریلیدی
مبارک آهل بنی اواسویه وضع بیور دقلرنده انکشت سعادتلی

میانندن و اوچندن میاه جاری اولغله اوچبوز نفر صحابه کرام اول ماء
مبارک ایله آیدست آلدیلر (ابن مسعود رضی الله عنه دن مرویدر که
شول زمانکه جناب رسالتک علیه السلام مجلس سعادتلرنده ایدم
یاغزده صواولمغله بطلیله امر بیور دقلرینه منی اصحابک کتوردکاری
برمقدار صوبی بر قایه وضع بیور ووب مبارک آهل بنی اول صوبیه صو دقلری
آنده میانده انکشت سعادتلرندن آب جریانه باشلدقده یومبارک
ویاک ایدجی صوبیه کلک برکت حق تعالی دندر بیوردیلر (ابن عباس
رضی الله عنمدن مرویدر که برکون عسا کرده صو یولمغله برکیمسه
یارسول الله صوبیوقدر دیوجک یا نکنده برشی وارمیدر بیوردیلر
اولدخی ایچنده ازاجق صو وار برقاب کتور مکله جناب پیغمبر
علیه السلام انکشت سعادتلی بنی اول قایک آغزیده طو توب برمقدار بنی
آجدقلرنده (همان مبارک برمقدارندن میاه جریانه باشلیجیق بلاله
رضی الله عنه امر ایدوب اصحابم ایدسته کلسونلر دیوندا ایدر دیلر
عبداللهدن رضی الله عنه مرویدر که رسول الله ایله علیه السلام برغزاده
ایدم صو یولمغله عز حضورلرینه کتوردکاری برچنق صویک ایچنه
مبارک دست کرامت پیوستلرین وضع وانکشت سعادتلی میاتی
آجدقلرنده میانده انکشت سعادتندن جریان ایدن صوبیه ییک بشیوز نفر
صحابه کرامی دعوت ایدوب برکت حق تعالی دندر بیوردیلر (سالم
بن جابر دن رضی الله عنه مرویدر که یوم حدیبیه ده اصحاب کرام صوصا
مشارایدی رسول الله علیه السلام پیشگاهنده اولان مطره دن ایدست
اکوب اصحاب کرامه نه اولدیکز وند استر سز بیور یجیق (یارسول الله
ایدست المنه و ایچمکه مطره کرده کی صودن غیری صوبیز یوقدر
دیدکلرنده همان دست شریفلرین اول مطره نک اوزرینه قومقله
میانده انکشت برانور لرندن پیکار کی صول جریان ایلیدی (اولکونده
ییک بشیوز نفر صحابه ایدک اول صودن ایچوب ایدست آلدق یوزیک
نفر دخی اولسیدک ینده کافی ایدی) ابن عباس دن رضی الله عنهما
مرویدر که هجرتدن مقدم مکده حضور سعادت حضرت محمدی به
علیه السلام بر طاق مشرکین کلوب اکر دعوا کده صلح ایسک
سماده کی قری ایکی باره ایله دیدکلرنده کر قری ایکی باره ایدرسم بکا ایمان

کتور میسر بیور یحیی شریکین ایمان کتور برز دیلر به دعا بیوردیلر
همان آی ابکی شق اولیحق بافلان بافلان شاهد اولک بیوردیلر
پس قریک بر پاره سی علی روایت یزنده قلوب بر پاره سنک طاع اوزرینه
کیندیکنی مشر کین کور و ب سحره جیل ایندیله و مشر کیندن
بر طایفه اطراف واکافدن کلله صورک اکرانلرده سنک کوردیککر
کی کوردیلر ایسه محمد صادق و الاسحر در دیلر به اطرافدن کلله
صور دقلزنده قریک ابکی پاره اولدیغی کور دک دیدیلر حضرت علیدن
کرم الله وجهه و رضی الله عنه مرویدر که جناب محبوب خدا علیه
افضل التحایا ایلله مکته اطرافه جیفشیدق بر درخت و بر سنک
فارشومره کلدی الا السلام علیک یا رسول الله دیرلیدی (حضرت
عایشه رضی الله عنها دن مرویدر که رسول الله علیه السلام سعادتله
بیور دیلر که قرینداشم جبریل حق تعالیدن بکار سالت کتوردکده بر سنک
یا خود بر درخت بکارشو کلرایدی الا السلام علیک یا رسول الله
دیرلیدی (ابن مسعود دن رضی الله عنه مرویدر که جناب رسالتیناهله
علیه السلام طعام ایدردک طعم تسبیح ایدردی و بر تسبیحی ایشدرک
دیدی (امام ترمذی و بیهقیقک تخریج لری اوزره محمد علیه السلام
بر مقدار نامزاج اولدقلزنده جناب جبریلک کتور دک لری بر طاق رمان
و یاش اوزمی محمد علیه السلام تناول بیوردیلر و انلرک تسبیحی
ایشیدلدی (ابن عمر دن رضی الله عنه مرویدر که جناب نبوت علیه السلام
بر اعرابی به تریه کیدرسن بیور دقلزنده اهلله و قومیه کیدرم دیدی
یاسنده بر خبر وارمیدر بیور یحیی خبر ندر دیدی محمد علیه السلام اول
خبر شهادت ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان محمدا عبده و سوله در
بیورمغین (اعرابی یوگا شاهد کز واره بدرک بوجک پیغمبر علیه السلام
اولمخلده اولان شجره عظیمه بی دعوت بیوردیلر همان اول اغاج حقت
سورر کی بری شق ایدرک حضور سعادتله کلوب لسانه فصیحله
شهادتند نضکره حق تعالیکنک رسولین و حق پیغمبرین دیوب
یته محله کیندکده اول اعرابی در حال ایمانه کلدی (عقل بن ابی
طالبدن رضی الله عنه مرویدر که جناب مقدر موجودات ایلله علیه السلام
غزاده ایدم بر محله قضای حاجت مراد ایندکلزنده اوزاده کی

اعجاز طبع امر و تعریف لری اوزره ای اعجاز رسول الله حضرت لری
سری دعوت ایدر (قضای حاجت ایدر کک برده اولک دیدکده
همان جمله سی برلندن آریاوب کوکری اوزره یور یوب بری شق
ایدرک کلوب جناب محمدک علیه السلام اطرفی احاطه ایلله برده اولدیلر
و قضای حاجت نضکره یته مکا نلر یته کیندیلر (علی بن مره دن
رضی الله عنه مرویدر که رسول الله علیه السلام سفرد بر محله
خوایه وارمشاریدی (بر درخت عظیم بری شق ایدرک جناب سعادتله
کلوب یته محله کیندی بیدار اولدقلزنده وقعه بی نقل ایلدم اول
درخت اذن حقه بکا کلوب سلام و بری بیوردیلر (مشهور در که
پیغمبر علیه السلام اصحابدن رجاء عتله بر محله ایدیلر (بر اعرابی
کلوب صید ایلدی کلر ایچون شهادت ایتیکده سکا انا نعم دیمک
ای کلر بیور قری آند لسان فصیحله لیک و سعیدک دیدی سن عبادتی
کیم ایدر سن بیور دقلزنده شول الله عبادت ایدر مکه عرش
کوکده در (و تصرفاتی برده در) و در ایلده طریق ایجاد ایدر
ورجی جتده در (وعذابی جهنمه در دیدی (ابن کیم بیور دقلزنده
سن رب العالمینک رسولین و خاتم الانبیاسن (سکا ایمان کتور
نجات و فلاح یوادی (وانکار ایدن خائب و خاسر اولدی دیوچک
اول اعرابی در آن ساعت ایمانی قبول ایلدی (ابو سعید الخدری دن
رضی الله عنه مرویدر که (بر جوان قیوی بر قورت قائمله جوان
قیوی قورتدن قورتارم قدده قورت لسان فصیحله یا جوان الله تعالیدن
قورقز مسین (بو قیوی بکا رزق ایلدی دیوچک (قوردک انسان کی
تکلمه جوان نجیب ایدرکن یا جوان بوندن نجیب سکا سوز سو یا نیم
محمد علیه السلام حق رسولدر (ماضیده وقوع یولان خسر و صیاتی
خلقه بیلدر یردیکده (جوان قیوی حضور سعادته کتور ب ماجرایی
سرا با نقل ایدیک (رسول الله علیه السلام قوردک سوری واقعدر
اما انسان کی سولسی علامت قیامتیندر بیوردیلر (ام سلمه دن
رضی الله عنها مرویدر که جناب نبوتله علیه السلام صحرا ده کیند و کن
بر طرفدن اوج کره یا رسول الله نداسی کلکله اول طرفه نظر بیوردیلر که
بر اعرابی یاننده بر دیشی کیک باغلو طور اول کیک یا رسول الله یقین کل

سکا سوئلیه بحکم وارد یو جنگ (سؤال بیوردیلر) کیک جوابنده
شواعرابی بنی طوئدی قورتار (شوطاغده ایکی رأس قوزم وار امر یروب
ینه کله یم دید کده کرچک کلور میسن بیوردیلر) اگر کلر ایسم حق تعالی
بکا کر بکیرلر عذاب کی عذاب اینسون دیمکله قوی ویردیلر کیک
کیدوب قوزیلر بی امر یروب کلد کده رسول الله کیک ینه باغلدیلر
اول اعرابی یاتورایدی بیدار اولوب رسول الله علیه السلامی کور بچک
یار رسول الله بر مراد کر وار میدردید کده شوکی صالیو بر بیور ملریله
(اعراب قوی و یروب کیک کیدر کن اشهدان لا اله الا الله وانک رسول الله
دیمکین عرب ایمانی قبول ایلدی (مرویدر که بر دوه یارسون الله
خدایه قسم اینرمکه شی کر امتله کوندردی شو صاحب بنی سرقه ایتمدی
و آندما عدا را حد بکا مالک اولدی دیدی (معقوب بن ابی بن رضی الله عنه
مرویدر که حجة الوداعه اذکره مکده رسول الله علیه السلام ساکن
اولد قلی سعادخانه یه واردم اهل یما مدین بری اول کون طوئمش
بر والدایله مجلس سعادته کلد کده (یا غلام بن کیم بیوردیلر) غلام
دخی سن رسول الله سن دیو جنگ (صدقت باریک الله فیک بیوردیلر
صکره اول غلام وقتی کلنجیه دیک سوئلدی (ومبارک الیمامه دیو
نعمیه اولندی (مرویدر که رسوالله علیه السلام اصحاب کهنی کورمک
استدکارنده دنیاده کوره من سن اصحابکدن درت کیمسه کوندر
نبوتکی اخباره (واسلامی تبلیغ ایتسونلرد یو وحی اولغله (تعلیم
جناب جبریل اوزره کسوه شریفه لری اوزریش او نوروب جانب
سعدا دتلیشه ابوبکر و عمر و عثمان و علی رضی الله عنهم حضراتی
اوتوردیلر) و دعایور دقلرنده امر حقه سلیمان علیه السلامه مطیع اولان
روزگار اول درت نفر اصحابی آلوب در غاره کتورد کده مقاره نک
اغزنده کی بیوک طاشی قویا روب درون غاره کیدیلر (قطیر دیریلوب
بونلری تبصیر ایلله زک جانب اصحاب کهنه کتور بچک حق تعالی
اصحاب کهنی بیدار بچکله اول درت نفر اصحاب واروب السلام علیکم
ورحمه الله و برکاته دیدیلر انلزدخی وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته
دیدکلرنده ای اصحاب کهنه تحقیق نبی الله محمد بن عبد الله سزه
سلام ایلدی دیملریله رسول الله اولان حضرت محمد سلام اولسون

واسلامی بزه تبلیغ ایتد کیکر ایچون سزاره ده سلام اولسون دین اسلامی
قبول ایتد بزدن محمد علیه السلام ایدک دیوب ینه جوابه واردیلر
جناب مهدینک ظهورنده ینه بیدار اولورلر (بس اول درت نفر اصحاب
رضی الله عنهم ینه روز کارله کلوب جناب جبریل خیر و بریدیکی
کی کفیلر بی و سلاملری رسول الله علیه السلام خیر و برملریله
باری بدن اصحابی آرمه و بکا و اهل بیت نبوته محبت ایدلری مغفرت
ایله دیودعا بیوردیلر) ابوموسی الاشعری بدن رضی الله عنه مرویدر که
جناب رسالتنا هک امر لریله در بوستانی حفظ ایدر ایکن بر کیمسه کلوب
کیرمک استد کده رخصت و یروب جناله تبشیر ایله بیور ملریله کورد مکه
اول کلان کیمسه ابوبکر در رضی الله عنه بعده بر کیمسه دخی کلوب
کیرمک استد کده کذلک رخصت و یروب جناله تبشیر ایله بیور ملریله
کورد مکه بود فعه کلان کیمسه عمر الفاروق در رضی الله عنه بعده
بر کیمسه دخی کلوب کیرمک استد کده کذلک رخصت و یروب جناله
تبشیر ایله بیور ملریله کورد مکه بود فعه کلان کیمسه عثمان ذی النوریندر
رضی الله عنه (عیدین رضی الله عنه مرویدر که رسول الله
علیه السلام بکا خطاب ایدوب یا عدی حمزک اوزون اوورسنه کسیرانک
خریشه لری کوروب مالک اولورسن بیوردیلر برمدتد نصکره ممالک
کسیرایه برای غزا واریلوب بعد الحاربه فتح و نصرت مبسر کرده
جناب رب عزت اولغله خزیته لری میانه اصحابه رضی الله عنهم
تقسیم اولندی (عربین الخطاب بدن رضی الله عنه مرویدر که حق تعالی
حضرت آدمه علیه السلام خطاب ایدوب یا آدم اگر محمد علیه السلامی
خلق ایتمیه جک اولیدم سنی براتمزم بیوردیلر (سلطان فارس بدن
رضی الله عنه مرویدر که جبریل علیه السلام جناب نبوت علیه السلامه
کلوب سنک ربک ابراهیمی خابیل ایدیم محمدی حبیب ایتدم و اندین
مکرم کیمسه براتمدم و انک عند الوهمده کرامت و علو درجه سنی
بیادیرمک ایچون دنیا و مخلوقات براتمدم اگرانی براتمیه جک اولیدم دنیا
براتمزم بیوردیلر دیدی (ورسول الله علیه السلام بری حال صفرنده
وبری اون یاشنده ایکن و بری قرق یاشنده ایکن و بری دخی ایله
معراجده شق صمد واقع اولشدر (و بالاده بسط و بیان اولشدر بی

اوزره مجزة معراج حیرت افزا اولوب بوجمله معجزات مباره ربیه
دخی غایت ونهایت یوقدر اللهم ثبت قلوبنا علی دینک وطاعتک
* غزوات حضرت محمد علیه السلام *

صاحب السیف والعلم صلی الله تعالی علیه وسلم حضرت نوری بکرمی
اوج غزالندن طغوز غزواتکه (بدر) (احد) (بخی المعطلق)
(بخی قریضه) (خندق) (خیبر) (حنین) (فتح مکه) (طائف در)
بالین والاقبال ویاالکرامه والاحلال بالذات یولندیلر بعض روایتده
تجموع غزوات بکرمی بش اولوب ذات کرامتسماتلری غایه غزاسیله
اون غزاده جنکده ییله ایدیلر دیمشله (زید بن ارقدن رضی الله عنه
مر ویدر که حضرت رسالتناه صلی علیه الاله اون طغوز غزایندیلر
اون یدی غزاده معیت دولترنده ایدم دیدیلر (بریده دن رضی الله عنه
مر ویدر که جناب نبوت علیه السلام اون الی غزایندیلر اویته
مذکور بریده دن رضی الله عنه مر ویدر که سرور کائنات
علیه افضل الصلوات حضرت نوری اون طغوز غزایندیلر سکر غزاده
معیت دولترنده ایدم دیدیلر اما اکثر توار یخده ثبت وقید اولندیغی
اوزره جناب رسالت علیه السلام بکرمی یدی غزایدوب ذات
بهبودلری بنقسه طغوز غزاده یولندیلر والله اعلم

* خدام وجواری حضرت محمد علیه السلام *

جناب رسالت علیه السلام هدایا واموال غزوات اوله رقی
جواریسی الشمس قریدر بعضیلر قرق بدیدر دیدیلر اما آزاد
یوزدقلری غلام قرق اوج نفر وجواری اون برنقدرد انجق حرا الاصل
ارلق اوزره خدمت دولتر یله مشرف اولنلر (انس بن مالک) (وهند
(واسم بن حارثه) (وریه بن کعب) (ابن مسعود حضرت نوریکه
بشمقلمی حفظ ایدرلردی (وعقبه بن عامر حضرت نوریکه استرلرینی
تجار ایدرلردی بس یوالی نفر صحابه کرام رضی الله عنهم حضراتی
جناب رسالتناه علیه السلام دن قطعاجدا اولمازلردی
* نویسنده کان حضرت محمد علیه السلام *

خواجه عالم صلی الله علیه وسلم حضرت نرینک خدمت شریفلریله
مشرف اولمش بکرمی یدی نفر کاتب وحیلری واردر که بروجده آتی

ذکر اولنور (ابوبکر الصدیق وعمر الفاروق وعثمان ذی النورین
وعلی المرتضی وزبیر وعامر بن فهیره وخالد بن عاص وابان بن عاص
وسعید بن عاص وعبدالله بن ارقم وحنظلة بن زبیر وابی بن کعب
وثابت بن قیس بن شماس وشرحیل بن حسته ومغیره بن شعبه
وعبدالله بن زید وجهیم بن الصلت وخالد بن الولید وعلابن
الحضرمی وعمر بن العاص وعبدالله بن رواحه ومحمد بن سلمه
وعبدالله بن عبدالله بن ابی وابن مسعود ومعیت بن ابی فاطمه
وزید بن ثابت ومعاویه بن ابی سفیان) رضوان الله علیهم اجمعین (اما
بوجه دن زید بن ثابت ومعاویه بن ابی سفیان آستانه سعادت
حضرت محمدیدن علیه السلام قطعاجدا اولمازلردی

* مؤذنان حضرت محمد علیه السلام *

خطیب منبر سعادت علیه افضل الصلوات والکعبت حضرت نرینک
دزت نفر مؤذنلری وارایدیکه همیشه خدمت دولترندن ایرلیوب
آستانه رسالت ملازمت ایدرلردی بری بلال بن رباح وبری عمرو بن
ام مکتوم الاعمی وبری سعد القرط وبری ابومحمد وده دن رضی الله
تعالی عنهم

* رفقای حضرت محمد علیه السلام *

جناب هادی السبل شافع جزء وکل علیه السلامک اصحاب کرامدن
یرقاج نفر سرور ودلاورلری واردر که لیل ونهار هراهلری اولوب
سفر وحضرده اول سیدالاولین والاخریندن ایرلیوب کاه ویکاه
پاسانلق ایدرلردی ابوبکر وعمر وعثمان وعلی وحضرت علیک
ایکی نفر اولاد کرامبلری وحزه وجعفر وابیذر ومقداد وسلمان
وحذیفه وعمار وبلال رضی الله عنهم حضراتی دانما همراه جناب
رسالتناه اولوب هتکام جنکده بهادرلک ودلاورلک ایدرلردی (حتی
رسول الله علیه السلام بدر غزاستده خیمه ایچده خوابه وارد قارنده
شعدین معادود کوان بن عبدالله بن قیس حضرت نوری پاسانلق ایدیلر
ویوم ایدرده دخی محمد بن سلمه الانصاری پاسانلق ایلدی ویوم
خندقده دخی زبیر بن عوام وعباد بن بشر حضراتی تکهبانلق
ایندیلر وسعد بن ابی وقاص حضرت نوری دخی یرقاج دفعه جناب

نبوته نکهبانیلق ایتدیله و بی صفیه دخی کیجه ایله یاسبانیلق ایتدیله
و غنیمت غزاسنده بی بصفیه کیجه سنده ابویوب انصاری حضرتلری
نکهبانیلق ایتدیله و قری وادی سنده حضرت بلال یاسبانیلق ایتدیله
وقتا که (والله یعصمک من الناس) آیت کریمه سی نازله اولدی
من بعد رسول الله علیه السلام یاسبانیلق ایتدیله و امیر المؤمنین علی
وزبیر و محمد بن سله و عاصم بن افح و مقداد حضرتانی حضور جلالت
موفور جناب محمدیده اعتناق کفارید کرداری اورلردی
* آلات سفریه و حضرت محمد علیه السلام *

سلطانان انبیا سردار اصغیا علیه افضل التحایا حضرتلرینک سکر
عدد سیف سعادتلرین مآثور نام سیف و الدماجلرین میراث ایدی
و ذوالفقار نام سیف غزای بدرده لریینه کیرمشیدی و غضب نام سیف
سعد بن عباد هدیه ایله در و قلعی و تبار و خف نام اوچ عدد سیف و بی
قیقاع غزاسنده لریینه کیرمشیدی و یزید و رسوب نام ایکی عدد
سیف لری دخی و ارایدی و درت عدد کوندلری یعنی مرزاقلری و ارایدی
برینه منشی دیرلردی و اوچی دخی بی قیقاعدن اله کتوردیلر
و عرجون نام قصه جی برکوندلری دخی و ارایدی و عتزه نام عصادن
بیوجک و مرزاقدن کچرک اوچی تیمورل کوندلری دخی و ارایدی
و یچن نام برکوندلری دخی و ارایدی و تیمورسز مشوق نام برکوندلری
دخی و ارایدی بو تقدیرجه جناب سرور کاشانک علیه السلام سکر
عدد کوندلری اوور (و اوچ زرهلری و ارایدیکه غنیمت و سعیده نام
ایکی زرهلری بی قیقاع غزاسنده اله کتوردیلر و فضول نام برزرهلری
دخی و ارایدی و بو فضول نام زره حنیده بعضی حضرت داود
علیه السلام جالوت چنکیده کیدکاری زره در دیرلر (و درت عدد
یایلری و ارایدیکه برینه روحا و برینه بیضا و برینه صغرا و برینه
کتوم دیرلردی (و برعدد ترکشی و ارایدیکه اسمیه کافور دیرلردی
(و سختیدن و ارشیدن مصنوع برک قوشاقلری و ارایدیکه باشند
فضه یا خود سیدن اوچ عدد حلقه سی و ارایدی (و برقالقانی و ار
ایدیکه هدیه کوندلریشیدی و اوزرنده اوچ عدد طوشجیل صورتی اولغله
ناصیه سعادتلری اوزرنده قوید قلرنده حق تعالی اول صورتلری

خوایدی یا خود اول قالقانه دست اوروب نظرایتد کلرنده بحکمه
خدا اول صورتلر زائل اولدی (و ایکی عدد سنجاقلری و ارایدی
بری سیاه که عقاب دیرلردی و بری دخی بیاض ایدی و مبارک باشلرینه
کجه جک سبوغ نام عرجینلری و ارایدی (و بیدی رأس اسبیلری
و ارایدی برینه سبک دیرلر ایدیکه ایتد مالک اولملر یله سرطویله ایدی
و براسبیلری دخی و ارایدیکه تمیم داری رضی الله عنه باغشیلیدی
صکره رسول الله علیه السلام آتی حضرت عمره رضی الله عنه
باغشیلیدی و ضرب و مرنجیز و ذار و نجیف و سبجه نام بیش رأس
اسبیلری دخی و ارایدی (و درت رأس استراری و ارایدی بری مقوقسک
هدیه ایدیکه دلدل نام قاتردر که اسلامده اول بیلن قاتراولدر و بریسی
دخی صاحب ایله نک هدیه و پردیکی بیضا نام قاتردر و بریسی دخی
دومه الجندلک هدیه و پردیکی قاتردر و فضه نام برقازاری دخی و ارایدیکه
آتی ابو بکره رضی الله عنه احسان پیوردیلر (و بررأس مرکباری
و ارایدیکه نامنه به غفور یا خود غفور دیرلردی (و درت رأس دوه لری
و ارایدیکه برینه غضبا و برینه قصا و برینه مزوه و برینه بعوم دیرلردی
(و بررأس و الد ایچون تخم لقی لقاح نام دوه لری دخی و ارایدی (و یوز
رأسدن زیاده قیوتلری و ارایدی (و سرخ اصل کلیم و ش رنکی عملی
دکل برد الا حرنام بساطلری و ارایدیکه ججه کونی مبارک اومهوزلرینه
آلورلردی و اکثر اوقانده سر دولرینه صرارلردی و برقالیجه لری
و برکاملری و عطسازان بویدانی کچی بریویدانلری و ارایدیکه دروننده
برآینه و عاج اغاجندن برطراق و برسرمدان و برمرقاص و برمسواکلری
و ارایدی و برختی و برختانی و اغاجندن برقدخلری و ارایدیکه برطرقی
یارلش و اوچ یزدن سیم ایله بند او لمشیدی و محصب نام طاشدن
مصنوع بر بار دقلری و ارایدی و جامه شوی ایچون برتجد برلککلری
و ارایدی و صرجه دن برقدخلری و ارایدی و تو جیدن مغشیل
برابر یقلری و ارایدی و درت رأس کجه قالدر بر غرانام کاسه یا خود
قصه لری و ارایدی و بر پیوردانلری و ارایدیکه ایچنده عودایله کافوری
خلطایدوب تیج ایدیلردی

* مخلفات حضرت محمد علیه السلام *

جناب مقرر موجودات علیه افضل الصلوات دار دنیا بدن سرای
عقبانی تشریف پیورد قلزنده ایکی جدید حقیقتان یمانی و برار عانی
وایکی ثوب صحاری و بر پیرهن صحاری و پنبه ایلکتیدن منسوج بر آق
پیرهن و برجیه یمانی و بر سیاه ثوب و بر بیاض ثوب و اوج یا خود درت
عدد قرل کلاه و طولی بش ذراع براوزون ازار و ضارویه بویانمش برش
بوش و نجاشینک هدیه و پردیکی ایکی عدد خف چهار تپایی ترک پیوردیلر
* زوجات طاهرات رضی الله عنهن *

اكثر علماء رخصهم الله اتفاقا لری بیک اوزرینه در که حضرت خیر البشر
صلی الله علیه وسلم کندهی نفس نفس یلرینه ابتدا خدیجه بنت
خو یلدی بعده سوده بنت زمعه بی بعد عایشه صدیقہ بی بعده
حفصہ بی بعده ام سلمہ بی بعده جویریہ بی بعده زینب بنت حزمہ بی
بعده زینب بنت جحش بی بعده ریحانہ بنت زید بی بعده ام حبیبہ بنت
ابی سفیان بی بعده صفیہ بنت حی بن اخطبی بعده مہونہ بی بعده فاطمہ
بنت جحاک بی بعده اسماء بنت نعمانی رضی الله عنهن بعد نکاح ایلدیلر
اما بعض علماء حضرت حفصہ دن صکره ام حبیبہ بی بعده زینب بنت
جحش بعده مہونہ بی بعده ام سلمہ بی بعده زینب بنت حزمہ بی بعده
صفیہ بی بعده حمزہ بنت معاویہ بی بعده جویریہ بی بعده قبلہ بنت
قبیس بی بعده ام شریکی بعده لیلی بنت خطیبی کندهی نفس نفس یلرینه
نکاح ایتدیلر القصة بویاده اختلافات کثیره واقع اولمشدر لیکن اتفاق
علماء اوزره اون ایکی سر پوشیده خواتین محضات حضرت محمد
علیه السلام ایلر نکاح و خلوت اولمشدر یعنی حضرت خدیجه کبری
و حضرت سوده و حضرت عایشه صدیقہ و حضرت حفصہ و حضرت
زینب بنت حزمہ و حضرت ام سلمہ و حضرت زینب بنت جحش
و حضرت ام حبیبہ و حضرت جویریہ و حضرت ریحانہ بنت زید
و حضرت مہونہ و حضرت صفیہ اشواون ایکی نفر منکوحه مستور اتدن
اول خدیجه بنت خو یلد بعده زینب بنت حزمہ بعده ریحانہ بنت
زید حضرت اقی جناب رسالتدن مقدم وداع عالم فانی ایتدیلر
و باقی قیلان طقوز عدد خواتین مستورات حضرت اقی جناب
نبوتد صکره وداع عالم دنیا ایتدیلر رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

پس بونفصیل اوانسان تقریرده هرگز اختلاف و احتمال کذب بوقدر
* حضرت خدیجه رضی الله عنها *

بنت خو یلدی بن اسمد بن عبد العزی بن قصی بن کلاب قریشدر که
محمد علیه السلام ابتدا کی زوجه منکوحه مستوره لیدر (ونسب
شریف لری نسب سعادت حضرت خیر البریه ایلر قضی بن کلابده
متفق اولور) و حضرت خدیجه به زمان جاهلیتده طاهره دیرلری
ونام مادر لری فاطمه بنت زائده بن اصمدر و حضرت خدیجه اول
ابی هاله بن زراره تمیمینک تحت نکاحنده اولوب اندن هند و هاله
نام ایکی نفر اوغلاری اولدی (بعد وفاته عتیق بن عاید بخزومینک
تحت نکاحنده اولوب آندن هند نام برقری اولدی) بعد وفاته حضرت
محمد علیه السلامک تحت نکاحنه داخل اولدیلر (او اوقتنده سن
شریف حضرت خدیجه فرقدن زیاده جه و فرق بردن نقصا نجسه
ایدی) و سن سعادت حضرت محمد علیه السلام دخی بکرمی بش
یاخو دیگر می برایدی (مادامکه جناب خدیجه حضرت محمد
علیه السلامک تحت نکاحنده ایدیلر) آنک اوزرینه غیری خاتون
نکاح ایتماشلر ایدی (و سر پوشیده لردن و همه امتدن اول حضرت
سرور کاشانه ایمان کتورن اولدر) و اندن مقدم بر خاتون مانی
و نفسی حضرت رسالتنا هه عرض ایدوب بعشما مشدر (و رسول الله
علیه السلام حضرت ابرا همدن ماعدا اولاد کرامی حضرت
خدیجه دن وجوده کلمشدر) پس حضرت خدیجه رضی الله عنها
یکرمی بش سنه تحت نکاح جناب رسالتده اولوب اول نبوتدن اون سنه به
قریب مدت مرورنده و هجرة نبویه دن اوج سنه درت ماه مقدم
الشمس بش یا شنده ایکن مکة مکرمده وداع عالم فانی ایدوب بخون
نام مقبایه دفن ایتدیلر) بخون مکة ایچنده مولد حضرت رسالتده
علیه السلام مولد علی بن ابی طالبک رضی الله عنه بی بی در
* حضرت سوده رضی الله عنها *

بنت زمعه بن قیس بن عبد شمس بن عبدود بن نصر مالک بن حنبل بن
عامر بن اری در که محمد علیه السلام ایکنی زوجه منکوحه مستوره لیدر
نسب طاهر لری نسب اطهر جناب فخر رسل ایلر لوی بن عامر ده محمد

اولور (و نام مادر لری شمس بنت قیس بن زید بن عمرو بن لبید بن
بخارد در جناب سوده اول نمراده نبی سکران بن عمرک تحت نکاحند ایکن
ایکبسی دخی اسلامی قبول ایتلردر (و جناب سوده رسول الله علیه
السلامه بیعت ایلدی (پس سوده و سکران مکبه هجرت ایتدیلر بعده
حبشه هجرت ایلدیلر (و رسول علیه السلام ایله حبشه سفرندن
مکبه وصولرند سکران وفات ایتکله جناب رشا لتهناه علیه صلوات
الاله حضرت خدیجه نک وفاتند نصکره و حضرت عایشه نک رضی الله
عنهما نکا خندن مقدم (سوده حضرت لری نفس نفیس لرینه نکاح ایدوب
مکده دخول ایتدیلر (و بالمعه مکده مدینه هجرت یوردیلر (سکر
سنه تحت نکاح حضرت نبویه خله دار عصمت اولوب غزای بدرده
قوم و قبیله سندن وافر کیمیه قتل اولغین آنلری یاد ایدوب چوق
کره فریاد و فغان ایلدیکندن طلاق و یرمشلر ایدی آخر خاکای
جناب نبوتدن شفاعت اولغین رجوع ایدوب ینسه عقد ایلدیلر
و جناب سوده رضی الله عنها کندی نوبی اولان کونی حضرت عایشه
صدیقیه رضی الله عنها باغشلر ایلر (هجرتک الی دردیجی سنه سی
شوالنده زمان امارت معاویه ده مدینه منوره و داع عالم فانی ایتدیلر
* حضرت عایشه رضی الله عنها *

بیت ابی بکر الصدیق در که رسول الله علیه السلام اوچنچی زوجه
منکوحه عفت شیلریدر رضی الله عنها وعن ایهما (واسم مادر لری
ام دومان بنت عامر بن عزی بن عبد شمس بن عبد ود بن نصر بن
مالک در (حضرت محمد علیه السلام عالم رؤیاده جناب عایشه بی
سکوروب صبور دقلرنده (شمرک دنیا و آخرتده منکوحه محصنه
مستوره کز در دیلر (بنابرین چوق کیم یوب نبوتدن اون سنه مرورنده
و هجرتدن اوچ سنه مقدم ماه شوالده حضرت عایشه بی التي یاشنده
ایکن مکده ذات بهبودلر ینسه عقد یوردیلر (و هجرتدن ایکی سنه
مرورنده مدینه ده ماه شوالده زفاف یوردیلر (بعده ایکی سنه و بر قاج
ماه مرورنده خلوت یوردیلر (اولوقنده حضرت عایشه رضی الله عنها
طقو زیاشنده ایلر بوتقدیر چه عقدله خلوت مانی ایکی سنه و بر قاج
ماه مقداری زمان اولور (و حضرت عایشه رضی الله عنها حضرت

محمد ایله علیه السلام طقوز سنه و بش ماه اولدقلرنده نصکره جناب
رسالت علیه السلام آخرته نقل یور یحی بر احدثک تحت نکاحند داخل
اولدیلر (حین نقل جناب نبوتده اون سکر یاشنی بش ماه کچمشیدی
و زوجات طاهرانده حضرت عایشه دن زیاده عالمه و صالحه و عایده
و فقیهه و زاهده و عارفه و شاعره یوغیدی (انکچون اصحاب کرامک
رضی الله عنهم برمشکلی اولدقده حضرت عایشه دن رضی الله عنها سوال
ایدوب جواب صحیح اولردی جناب رسالتدن علیه السلام روایت
ایلدکلری بیک ایکوز اون حدیث شریفدن یوز یمش درت حدیثده
ابو عبد الله محمد بن اسمعیل البخاری ایله ابوالحسن مسلم بن الحجاج
القشیری حضرت لری متفقلردر (و امام بخاری یانکزی الی درت حدیث
امام مسلم دخی یانکزی التمش سکر حدیث روایت ایتلردر (باقبسی سائر
چو امعه در (صحابه و تابعیندن رضی الله عنهم ایکوز مقداری کیم سنه
حضرت عایشه دن رضی الله عنها احادیث شریفه روایت ایللردر
و حضرت عایشه ایله حضرت خدیجه رضی الله عنها سائر خد رات
سر اپرد رسول الله دن عزیزه و شریفه و فاضله ایله حضرت
عایشه بی حضرت خدیجه اوزرینه و بالعکس ترجیح و تفضیلی ایدرلر اما
حضرت رسالتنا هک دختر پاکیزه لری حضرت فاطمه زهرا رضی الله
عنهما و جوهله عایشه و خدیجه حضراتندن افضلدر (زیرا حضرت
آدم علیه السلام جنتدن روی ارضه هبوط (و حضرت حوادن جدا
اولوب شین مطاوله زار و زار آغشلر ایدی و جنت قیوسنده حضرت
محمد علیه السلام و چهار یار باصفانک و حسن و حسین و فاطمه
الزهرا نک رضی الله عنهم اسمی شریفه لرینی کوروب در خاطر ایتمشیدی
(و آدمک توبه سنک قبولی بر واسطه یه محتاج اولوق مقبضای اراده
الهمیه اولدیفندن ذکر اولنان اسمی سا میلری حضرت آدمک کوکلنه
الهام طریقیله القا اولغله (در کاه جناب رب عزندن بونلر ایله استشفاع
ایدوب تیر نیازی هدف اجابته رسیده اولغین توبه سی مقبول
اولدقد نصکره حضرت حوا ایله جمع اولدیلر (بوندن منقهم اولدیکله
حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها جمیع مؤمنه و مسلمه نک سیده سیدر
بعده عایشه و خدیجه حضرت لردر (بعد هاسا رهنکوحه محصنه جناب

یغبریدر (بعدها حضرت مریدر) (بعدها حضرت آسیه در) (بعدها حضرت ساره در) (بعدها حضرت هاجر در) (بعدها حضرت زلیخا و حضرت رابعه در رضوان الله تعالى عليهم اجمعين) (چون حضرت عائشه نك سن شریفی تقریبا الى بشه وارد قدده هجرت نبویه نك الى بدیجی سنه سی شهر رمضانك اون بدیجی سه شنبه مدینه ده وداع عالم فانی ابتدیلر) (اولوقده ابوهریره رضی الله عنه اهل اسلامه خلیفه اولشیدی نمازین قیلوب جسد پاکیزه زنی امر و وصیتلری او زره کبلا بقع کورستانه دفن ابتدیلر)
* حضرت حفصه رضی الله عنها *

بنك حضرت عمر بن الخطاب در كه رسول الله عليه السلام در دنجی زوجه منكو حه مستوره زیدر) (نسب شریفی عشره مبشره بیاننده تفصیل اولنور) (والده لری اسمی زینب بنت مظاهر بن وهب بن خذافه بن جهمدر) (جناب حفصه مقدما حنیس بن خذافه بن قیس بن عدی سمیتك تحت نکاحنده اولمغه بالمعیه مدینه هجرت وغزای بدرده حاضرده اولدقد نصکره حنیس مدینه ده وقات ابتدکده حضرت عمر رضی الله عنه قزی جناب حفصه بی حضرت عثمانه بعده حضرت ابو بکر الصدیقه اگر چه عرض ایلدی (لكن جناب نبوتك عليه السلام جناب حفصه به مبلنی عثمان و ابو بکر حضرتلری تفرس ایدکلرندن قبول ایتمایلر ایدی) (آخر حضرت رسالتهناه جناب حفصه بی هجرتدن او چنجی یاخود ایکنجی سنه ده نفس تفسیرینه عقد نکاح پیوردیلر) (بعده طلاق واحد ايله تطلیق ابتدیلر) (اما جناب حفصه زیاده صالحه و عابده و زاهده ایدی) (انکیچون حفصه جتده سنکله پیاه اولسه کر کدر دیو رسول الله وحی الهی نازل اولمغه رجوع ایدوب بعدالنکاح سعادت خانه لریته کنوردیلر) (برادر عالیکهرلری عبدالله بن عمر ايله عبدالله بن صقوان و مطلب بن ابی وداعه و نافع و سائر صحابه و تابعیندن جماعت کثیره جناب حفصه دن احادیث شریفه روایت ابتدیلر) (پس جناب حفصه نك عمر عزیزلری الشمس بشه وارد قدده هجرت نبویه نك قرق بشنجی سنه سی شعباننده عازم خلدیورین اولدیلر)
* حضرت زینب رضی الله عنها *

بنك حزمه بن حارث بن عبدالله بن عمرو بن عبد مناف بن هلال بن عامر بن صعصعه هلالی عامریدر كه رسول الله عليه السلام بشنجی زوجه منكو حه مستوره زیدر) (داعیه فقر او مساکینه طعام و پردکلرندن زمان جاهلیتده نامنه ام المساکین دیرلر ایدی) (جناب زینب مقدما عبدالله بن جحشك تحت نکاحنده ایدیلر) (صکره عبدالله غزای اجدده شهید اولیچق رسول الله عليه السلام هجرتك او چنجی سنه سنده نفس تفسیرینه نکاح ابتدیلر) (سکرماه یاخود اوچ ماه یاخود ایکی ماه تحت نکاح حضرت یغبریده اولوب هجرتك در دنجی سنه سی شهر ربیع الاخرنده ارتحال دار بقعا ایدکلرنده بقع کورستانه دفن ایلدیلر به صیلر حضرت زینب رضی الله عنها رسول الله عليه السلام دیکر زوجه محترمه لری جناب میونه نك لام قرندا شیدر دایدیلر)
* حضرت ام سلمه رضی الله عنها *

اصل نام شریفی هندینت ابی امیه بن سهیل بن مغیره بن عبدالله بن عمرو بن مخذومدر كه رسول الله عليه السلام التنجی زوجه منكو حه مستوره لری در) (اسم مادر لری عاتکه بنت عامر بن ربهعه بن مالک بن حزمه بن علقمه بن فراسدر جناب ام سلمه مقدما ابوسلمه بن عبدالاسدك تحت نکاحنده او ابوبالمعیه حیثه هجرت ابتدیلر او راده ابوسلمه دن زینب و سلمه و عمرو دره نام درت تفر اولادی اولدقد تصکره هجرتك در دنجی بیلمنده ابوسلمه وقات ایتمکین اولسنه شوالنده ام سلمه بی رسول الله عليه السلام کندی نفس تفسیرینه نکاح ابتدیلر بو نلردخی زیاده عالمه وفقیه و صالحه و عابده و زاهده ایدیلر) (انکیچون ابن عباس و عائشه و زینب و زینب قزی و قرزندار جنب دلری عمرو سعد بن مسیب و صحابه و تابعیندن جماعت کثیره ام سلمه دن ضی الله عنها احادیث شریفه روایت ابتدیلر) (عمر عزیزلری سکسان درده وارد قدده هجرتك الى طقوزنجی بیلمنده وداع عالم ایتمکله) (ابوهریره یاخود سعد بن زید رضی الله عنه نمازین قیلوب بقع کورستانه دفن ابتدیلر)
* دیکر حضرت زینب رضی الله عنها *

بنك حش بن رباب بن یغبر بن صیره بن مره بن کثیر بن غنم بن دوادن ابن اسد بن حزمه در كه رسول الله عليه السلام بدیجی زوجه

منكوحه مستوره زید (ونسب شریفی نسب سعادت حضرت محمدی ایل خرمه ده محمد ارور) نام مادر زری محمد علیه السلام عمه سی امه بنت جناب عبدالمطلب (مقدم رسول الله علیه السلام معتقی زید بن حارثه نكحت نكاحه ایکن ملاق و برمشیدی (انس بن مالک کن رضی الله عنه مرویدر که جناب زینب عدتی تمام اولد قدده حضرت محمد علیه السلام بنم ایچون استه دیومد کور زید بن حارثه بن جناب زینب کوندردیلر (زید دخی واردیلر که جناب زینب خیر یوغوردلر باشی اشاعی ایندوب حضرت محمد علیه السلام بن سکا کوندردیلر (سنی آلر ایچون دیکه کلام دیو جک جناب زینب بنم المذن نه کاور یورق وفرمان حق تعالی کدر دیوب نماز کاهه متوجه اولدیلر اولد قدده (فلما قضی زید منها وطرا زوجنا بها) آیت کریمه سی نازله اولدی بنابرین جناب زینب رضی الله عنها حق تعالی بنی حبیبی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم حضرت زینب بالذات کندیلری نکاح ایتمشدردیو آیت کریمه ایله منکوحه ساره اوزینه تفساخر ایدرلدی (نعم الفاجر) و بونکاح هجرتک بشیمی ییلنده واقع اولمشدر جناب زینب اول نام شریفی بره ایدی صکره حضرت محمد علیه السلام (فلا تزکوا نفوسکم) دیوب نام شریفی زینب تسمیه یوردیلر (و جناب زینب وفات حضرت پیغمبر یدنصکره و منکوحه ساره دن مقیدم وفات ایلدیلر پس جناب زینب رضی الله عنها منکوحه حضرت محمد بن خیر او اولوب دین پرور کسه و برهیر کارلقدده و راست کولقدده نهایت مرتبه ده ایدی و حضرت عایشه رضی الله عنها دیندن زینب خیر او خاتون یوقدر یوردیلر (انکچون جناب زینب غایت مشفق و صابره رحم ایدی و صدقه بی زیاده و پریمی ایدی) آخر عمر عزیزی الی اوج ناله وارد قدده هجرتک بکرمتی یاخود بکرمی برمی سنه سینه مدینه منوره ده عازم کشتسرا اولوب عمر بن الخطاب رضی الله عنه حضرت زری نمازین قیلد قد نصکره جنازه سینه تفت یایوب کوندیلر بونلردن مقدم جنازه به تفت ایلرلدی حضرت عایشه و ام حبیبه و انس بن مالک و صحابه کرامدن جماعت کثیره رضی الله عنهم جناب زینب بن رضی الله عنها احادیث شریفه روایت ایتدیلر

* حضرت ام حبیبه رضی الله عنها *

اصل اسم شریفی زینب بنت ابی سفیان بن سحر بن حرب بن امیه بن عبد شمسدر که رسول الله علیه السلام سکرمتی زوجه منکوحه مستوره لیدر واسم مادراری حضرت عثمان بن عفانک رضی الله عنه عمه سنی ضغیه بنت ابی العاصدر جناب ام حبیبه مقدمه عید الله بن جحش نكحت نكاحه اولغله اندن حبیه نام برقری اولوب بالمعیه حبشه بعد الهجرة عید الله ارتدادی قبول و جده شده مرد اولد قدده ام حبیه رضی الله عنها ایمانده ثابت قدم اولغین حضرت نجاشی رضی الله عنه ام حبیبه بنی جناب رسالت ایچون استیوب هجرتک التیمی ییلنده حبشه کند ییاندن درت یوز دینار مهر ایله بعد المقد جناب نبوته علیه السلام افاده و عرض ایدوب قبول بولغین شرحیل بن حسنه ایله مدینه منوره به کوندرد کارنده مدینه ده خاوت اولندی جناب ام حبیبه دن رضی الله عنها قرنداشی معاویه و عبسه و انس بن مالک و زینب بنت ابی سلمه و صحابه کرامدن خیلی ذولت رضی الله عنهم احادیث شریفه روایت ایتدیلر آخر هجرتک فرق یاخود فرق اوج یاخود فرق ایکنجی سنه سنه مدینه ده وفات ایتدیلر

* حضرت جویریہ رضی الله عنها *

بنت حارث بن ابی ضرار بن عاید بن مالک بن خزیمه المصطلقیدر که حضرت محمد علیه السلام طقوز می زوجه منکوحه مستوره لیدر عزای بنی المصطلقده اسیر اولوب بنت الحرا پس ثابت بن قیس بن شماسک حصه سنه دوشمشیدی بعض روایته ابن عمر حضرت زینبک حصه سنه دوشوب مکاتبه ایتمکین اول کوهر پاره اجه امید یله در مرحمتدار جناب خیر البشره کلوب اغنیا اوکنده زمزه فقر او مساکین یوینن بو کوب مایوردیغی کی طور قدده رسول الله علیه السلام نظر شریفی بن جناب آخره صرفله قبوله طور مد دیو یور میقی یا رسول الله حبیه قری جویریہ مالککم ثابت بن قیس بنی مکاتبه ابتد دینار و درهم احسان ایله اسیر لکدن قور تلم بد کده یا جویریہ بن سکلوندن دخی اعلی برسنه تعلیم ایده یم سنک بها کی و یروب کندی نقصه سنی نکاح ایده یم یوردیلر چون جناب جویریہ بو عنایات جلیله بنی ایشید یجک یلک جائله

راضیه اولدی (حضرت عایشه دن رضی الله عنهما مرویدر که رسول الله علیه السلام جناب جویریہ بی اوب نکاح ایدہ جکلی میانه احکامده مسعود اولدوقده هر کس قدرتی مقداری ثابت بن قبسه سنه و یروب جویریہ بی بعد الاعتاق هجرتک التجی یاخود بشجی سنه سنده حضرت رسالت ایچون نکاح ایدیلر خواتیندن قومی حقهده جویریہ دن برکتلو و قدومی مبارک و متین خاتون یوغیدی بنابرین بنی مصطلقدن یوز نفر کیمسه آزاد اولمشیدی جناب جویریہ مقدم مسافع بن صفوان مصطلقینک یاخود صفوان بن مالکک تحت نکاحده اولوب اسمی بره ایدی (رسول الله علیه السلام جویریہ نسبه یوردیلر یوزلردن دخی ابن عباس و ابن عمرو جابر رضی الله عنهم احادیث شریفه روایت ایدیلر آخر عمر عزیزی الی الی یاخود الشمس بش ساله واردقده هجرتک الی التجی سنه سنده وفات ایدیلر * حضرت ریحانه رضی الله عنها *

بنت زید بن عمرو در که رسول الله علیه السلام او تجی منکوحه مستوره لیدر جناب ریحانه مقدم بنی النضر یاخود بنی قریظه دن برر جلاک تحت نکاحده ایدی اولوقده نام شریفه حکم دیرلردی جناب رسالته علیه السلام اسیر اولغله بعد الاعتاق هجرتک التجی سنه سنده کندی نفس نفیسلرینه نکاح ایشلر ایدی و رسول الله علیه السلام حجه الوداعدن عودلرنده جناب ریحانه فوت اولوب مقبره یقیمه دفن ایشلر ایدی بزوایده وفات حضرت خیر البشر دن صکره هجرتک اون التجی سالنده وفات ایدوب حضرت عمر رضی الله عنه نمازین قیلدیلر

* حضرت میمنه رضی الله عنها *

بنت حارث بن حزن بن بحیر بن هرؤم بن ذریه بن عبدالله بن هلال بن عامر ابن صه صعه عامریدر که رسول الله علیه السلام اون برنجی زوجه منکوحه مستوره لیدر نام والده لی هند بنت عوف رهبر بن حارثدر که بنی حیردن یاخود بنی کانه دندر جناب میمنه نک مقدمه اسم شریفی بره ایدی بعد زمان رسول الله علیه السلام میمنه نسبه یوردیلر زمان جاهلیتده مسعود بن عمر ثقفینک بعده ابودهم

ابن عبد العریسینک تحت نکاحده ایدیلر بس ابودهم وفات ایدیلر هجرتک یدجی سنه سی ذی القعدة سنده مکه مکرمه یه اون قیل قری اولان عمره القضاء رسول الله علیه السلام جناب میمنه بی نفس نفیسلرینه نکاح ایدیلر هجرتک الشمس بر یاخود الشمس اوج یاخود الشمس التجی سنه سنده بحکمته سبحانه بنه عقد اولندیغی بحله کله کارنده اوراده وفات ایتکین نمازین ابن عباس رضی الله عنهما قیلدیلر و رسول الله علیه السلام جناب میمنه دن صکره بر خاتونی کندی نفسلرینه نکاح ایدیلر یعنی میمنه رضی الله عنها زوجات طاهراتک خاتمه شی اولدیلر ابن عباس و عید الله بن زید و عید الله بن شداد و کریمه و اعطاء ابن یسار و صحابه و تابعین رضی الله عنهم حوق کیمسه لر جناب میمنه دن رضی الله عنها احادیث شریفه روایت ایدیلر * حضرت صفیه رضی الله عنها *

بنت حنی بن اخطب بن شعبه بن ثعلبه بن عبید بن کعب بن خزرج ابن حبیب بن نصیر در که رسول الله علیه السلام اون ایکیجی زوجه منکوحه مستوره لیدر جناب صفیه بنی اسرائیلدن هارون بن عمران علیه السلام نسلدندر و نام مادر لری ضره بنت شموالدر اول کانه بن ابی الحفیفک تحت نکاحده ایدی هجرتک یدجی سنه سی بحر منده غرای خیبرده قتل اولمغین جناب صفیه رضی الله عنها دحیه بن خلیفه کلینک حصه سنه دوشمشیدی رسول الله علیه السلام د حیه یه یدی رأس اسیر و یروب صفیه بی صاتون الد قد نصکره مسلمان ایدوب بعد العتق عینق مهری مقابله سنده قیلوب نفس نفیسلرینه نکاح یوردیلر (انس بن مالکک رضی الله عنه مرویدر که رسول الله علیه السلام جناب صفیه نک حسن و جمالی ایشلر ایدی قلعه خیبر فتح اولدوقده ایلر و کیدوب صفیه نک زوجی مقبول کورمکین کندی نفسلر یچون اختیار ایدوب خیبردن حیرمشلر ایدی که اولوقده صفیه رضی الله عنها کی کلین ایدی بعده اسیر اسلام منصور اولوب مدینه یه اوتوز قرق قیل بعدی اولان شد لرو طاهام حله زوللرنده صفیه ایچون اطعام عروسی ایدیلر و آخر صفیه جنابلری هجرتک الی یاخود الی ایکیجی سالنده ارتحان دار بقا ایتکین مقبره بقیعه

دفن ابتدیلر (انس بن مالک و ابن عمر و مسلم بن صفوان رضی الله عنهم جناب صفیه دن بسیار احادیث شریفه روایت ابتدیلر) پس مناقب جلیله لایله بسط و بیان اولقان اون ایکی نفر خواتین محذرات و محضات امهات المؤمنین اولوب بی نزاع و خلاف رسول الله علیه السلام منکوحه لری اولمقین بالاتفاق جمله سببه خلوت پیوردیلر اما بونلردن ما عدا اون سکر سر پوشیده لری مختلف فیهدراز جمله (اسما بنت نعمان که رسول الله علیه السلام بعد النکاح خلوت ابتدیلر وقتا که اسماء رسول اللهی کوردیلر سندن خدایه صفورم دیوجک حضرت محمد علیه السلام دخی او او پادشاهه صغندک اهلکه لاحق اولدیو جواب و یوردیلر و قتيله بنت قیس و فاطمه بنت عمار طایفه و) عمره بنت معاویه بی بعد النکاح قبل الدخول اطلاق ابتدیلر و) لیلی بنت خطیم و) اسماء بنت صلت سلمی و) ام شریک بنت جابر بوام شریک نفسی جناب نبوته عرض ایلیلردن در و خوته بنت هذیل و) دحیه الکلبیه قرن داشی (شراف بنت خلیفه و) ایتنه جندب رسول الله علیه السلام بعد الخلوة بونده اثر برص مشاهده پیوردیقلرنده همان قویو یوزوب (الحق باهلاک پیوردیلر و ابوطالب قرنی و حضرت علی بنک رضی الله عنه همشیره سی (امهاتی رسول الله علیه السلام طلب پیوردیقلرنده عذر خواه اولغله بالاتفاق نکاح ایتماملردرو) ضیاعه بنت عامر و) امیه بنت شراحبیلی بعد النکاح قبل الخلوة تطلیق ابتدیلر و) صفیه بنت اسامه (و خیره بنت حارث و) سوده قریشیه و) خوله بنت حکیم و) امامه بنت حمزه اشبو امامه بکرایکن رسول الله علیه السلام عرض ایند کلرنده رضاعا فرنداشم قریندر دیوجواب و یوردیلر و) غره بنت ابی سفیان دخی عرض ایند کلرنده شمدن کربکا بکر و ثیبه خواتینی عرض اثبک پیوردیلر بونده نصکره بر نکاح دخی ابتدیلر اسمی نامعلوم اولغله غالباً غیر واقعدر

* امامه حضرت محمد علیه السلام *

حضرت رسالتک علیه السلام درت عدد سر پوشیده جاریه لری واریدی اولکسی (ماریه بنت شمعوندر که قبطیه در مصر واسکندریه ملکی مقوقس مزبور ماریه بی و همشیره سی (شیرینی پور نام عرب

خادم ابله خاصک پای حضرت رسالتک شاهه اهدا و تقدیمارنده (شیرینی احسان بن ثابت رضی الله عنه احسان پیوردیلر) و ماریه بی دخی کدی لری قبول پیورمغله ماریه دن ابراهیم نام فرزند ار جندلری وجوده کالیدی آخر حضرت ماریه رضی الله عنها زمان خلافت حضرت عمرده وفات ایدوب جسم شیرینلری بقیع کورستانده دفن ابتدیلر (ایکجیسی اریحانه بنت شمعوندر بعضیلر زیحانه بنت زید دیمشدر رسول الله علیه السلام جناب اریحانه بی رضی الله عنها اعتسافی انیوب ملک عین ابله ازدواج پیوردیلر بونلرک تفصیلی منکوحات تفصیلنده یکم شددر) او جیجیسی شول جاریه در که زوجة منکوحه مستوره لری حضرت زینب بنت جحش رضی الله عنها رسول الله علیه السلام هبه ایلشلردر (در دنجیسی شول جاریه در که آنی رسول الله علیه السلام غزاده اولمشدر در بوا یکی عدد جاریه لرک نام سعادتلری نامعلوم اولدیغندن یازلمدی

* اولاد کرام حضرت محمد علیه السلام *

حضرت خیر البشرک علیه السلام اوچ نفر فرزند ار جند و ذرت نفر دختر سعادت اخترلر بکه جه ایدی نفر اولاد پاکلری عالم شهودی تشریف پیوردیلر اولکی فرزند مکرملری حضرت (قاسم در که کنیه شریفه لری بونکله مشهوردر یعنی رسول الله علیه السلام ابو القاسم دیر و حضرت قاسم جناب خدیجه دن رضی الله عنها مکه ده وجوده کلوب رسالتدن مقدم ایکی یاشنده مکه ده و فلت ابتدی (ایکجی فرزند دولتمند لری حضرت (عبد الله) در که برای تعظیم طاهر و طیب دخی دیرلری بونلر دخی بعد الوحی حضرت خدیجه دن رضی الله عنها تولد ابتدیلر (او جیجی فرزند ار جند سعادتمند لری حضرت (ابرهیم) در که هجرتک سکر بنی سبه سی ذی الحجه سنده مدینه ده حضرت ماریه دن رضی الله عنها وجوده کلوب هجرتک او جیجی سننه سی هجرتک سکر بنی یوم ثلثاده برسنه و اوچ ماه و یکرمی کونلک عمر عزیزلر تکمیل ایدوب وفات ایند کلرنده جسم شیرینلری مقبره بقیعه دفن ابتدیلر جناب نبوت علیه السلام اولکی دختر بلند اخترلری حضرت (زینب) در که محمد علیه السلام

اوتوزباشنده ایدیلر اصحاب قبلك اوچنجی ییلنده زمان جاهلیتده
 حضرت خدیجه دن متولد اولدیله و حضرت زینب رضی الله عنها
 همه دخترانک اکبریدر فرزندان کرام حضرت ائندن دخی بیوک ایدی
 دیشلر رسول الله علیه السلام جناب زینبی رضی الله عنها حضرت
 خدیجه نك حاله زاده بی ابوالعاص بن مقسم بن ربيعة نکاح ایتکین
 آندن اسامه نام اوغلی و امامه نام قری اولمشیدی آخر ابوالعاص اسیر
 اولوب جناب زینبی رسول الله علیه السلام مکه یه کتورد کلرنده
 ابوالعاص خلاص اولوب ایمانه کلکین رسول الله علیه السلام جناب
 زینبی عقد جد یدایله یاخود اولکی عقدایله مدینه ده بنه ابوالعاصه
 وردیلر قصه جناب زینب رضی الله عنها هجرتک سکره یی ییلنده
 مدینه ده وفات ایتکله محمد علیه السلام مبارک ید سعادتلریله دفن
 یوردیلر (ایکنجی دختر بلند اخترلری حضرت (رقیه) در که
 اصحاب قبلك اوتوز اوچنجی ییلنده حضرت خدیجه دن رضی الله عنها
 جناب زینب نصکره متولده اولدیله اول عتبه بن ابولهبک تحت
 نکاحنده ایدیلر قبل الخلوة سورة (نت نازل اولغین همان بزرندن
 افتراق ایدوب مکه ده حضرت عثمان بن عفانه رضی الله عنه عقد
 ایدیلر و بالمعیه هجرت اولی ایل ارض حبشه یه هجرت ایدوب آنده
 عبدالله نام ولد مکرّم و جوده کلکین حضرت عثمان رضی الله عنه
 کتیه شریفه لایقه ایتکچون ابوعبده الله دیدیلر بعضیلر حضرت
 عثمانک زمان جاهلیتده کتیه شریفه لری ابو عبدالله ایدی بنایین
 و عثمانک اسمی عبدالله تسمیه ایدی دیشلر بعد زمان حضرت رقیه
 رضی الله عنها ایکنجی هجرتده حضرت عثمان رضی الله عنه ایل مدینه یه
 کلوب وفات ایلدی اولوقنده حضرت عثمان رضی الله عنه رسول الله
 ایل علیه السلام غزای بدرده اولوب حضرت رقیه نك یمار لغی کوش
 ایدیلر سرور کاتاندن بالاساره غزادن کتیر و دونوب کلدیله
 (اوچنجی بلند اخترلری حضرت (ام کلثوم) در رضی الله عنها بونلر
 دخی حضرت فاطمه رضی الله عنها دن مقدم حضرت خدیجه دن
 رضی الله عنها و جوده کللر در و حضرت ام کلثوم دخی عتبه بن ابی لهبک
 تحت نکاحنده اولوب هشره محترمه لری حضرت رقیه نك مفارقتی

کونی قبل الخلوة عتبه دن مفارقت اید کلرنده نصکره کیمسه نك تحت
 نکاحنه داخل اولامشیدی حضرت رقیه نك وفاتدن اوچ سنه
 مروزنده رسول الله علیه السلام حضرت ام کلثومی دخی مدینه ده
 حضرت عثمان رضی الله عنه نکاح ایدیلر و حضرت ام کلثومک
 رضی الله عنها جناب عثمان دن رضی الله عنه ولدی اولیوب طقوز سنه
 تحت نکاح حضرت عثمانده اولد قد نصکره هجرتک طقوزنجی سنه سنده
 وفات ایدیلر دیوانس بن مالک دن رضی الله عنه مری ویدر (در دنجی
 دختر بلند اخترلری حضرت (فاطمه الزهرا) در که نبوت کلردن مقدم
 بش سنه یه یقین زمانده یاخود اصحاب قبل سنه سنک قرق بونده
 حضرت خدیجه دن رضی الله عنها متولده اولدیله و حضرت فاطمه
 همه دختران کرامک کوچوکیدر (اما دنیاده اولان سر پوشیده لک
 حقا که یوکیدر جناب رسالتناه عایه صلوات الاله آتی هجرتک ایکنجی
 سنه سی رمضان شریفده یاخود رجینده یاخود غزای احد دن نصکره
 علی بن ابی طالبه کرم الله وجهه و رضی الله عنه نکاح اید کلرنده
 ایکی ماهدن زیاده جه مری و ایدیلر خلوت اولدی و حضرت
 علینک حضرت فاطمه دن حسن و حسین و محسن و زینب و ام کلثوم
 و رقیه نام کزیده و شریفه و پاکیزه الی نفر اولاد کراملری وجوده
 کلدیلر رضی الله عنهم آخر حضرت فاطمه نك رضی الله عنها
 عمر عزیزی یکریمی سکر یاخود یکریمی یدی سنه یه وارد قد هجرتک
 اون برنجی سنه سی ایدی وفات جناب نبوتدن علیه السلام الی ماه صکره
 مدینه ده وفات اید کلرنده زوج مکرملری حضرت علی رضی الله عنه
 کندی ایلک بعد الفسل نمازین قیلوب در وازه مدینه ایله بقع مایینه
 دفن ایدیلر و حضرت فاطمه دن رضی الله عنها حسن و حسین و عبدالله
 ابن عباس و ابن مسعود و عایشه و ام سلمه و اسمائیت عمیس رضی الله
 عنهم حضرتانی احادیث صحیحیه روایت ایدیلر (معلوم اوله که
 جناب نبوت علیه السلام اولاد کراملری قاسم زینب رقیه عبدالله
 ام کلثوم فاطمه ابرهیم یوزنیت اوزره وجوده کللر در بعضیلر
 زینب نصکره قاسم بعده ام کلثوم بعده فاطمه بعده ابرهیم وجوده کلدی
 دیدیلر و بعضیلر اول زینب بعده قاسم بعده ام کلثوم بعده فاطمه

بعده رقيه بعده هبده الله بعده ابراهيم عالم شهودي تشریف پیوردیلر
دیدیلر اما محمد بن اسحق قولی اوزره رسول الله علیه السلام جناب
خدیجه دن رضی الله عنه زینب و رقيه و ام کلثوم و فاطمه و قاسم و طیب
و طاهر نام یدی نفر اولاد کرامی وجوده کلوب فرزندان کرام قبل
الوحي وفات ایتدیلر و دختران بلند اختری اسلامه ایریشوب محمد
علیه السلام ایله هجرت ایتدیلر و زده سعادت حضرت رسالت پناهده
کریمه زاده لری امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما حضرت لری
کندی اولاددن زیاده مقبول ایتدیلر زیرا اول صدف رسالت
علیه السلام حضرت لری اشبور دین ازهر بن اولان دو مردم انسان
وملکه (قره عینی) دیوتاخر پیوردیلر (پس حضرت حسن بن علی
رضی الله عنه هجرتک اوجنچی سنه سی اواسط رمضانده وجوده
کلدکارنده حضرت رسالت پناه علیه السلام بونلرایچون مهمانلق ایدوب
برقیون قربان ایتدیلر) و سر سعادت حضرت حسنی تراشدن صکره
تراش اغراغی مقداری دینار مناسکین و فقرایه تصدق پیوردیلر و اولدمده
جناب اجل اعلادن جبریل علیه السلام کلوب نام شریفی حسن
سمیه ایتدیلر و حضرت حسنک سینه سنه و ارجه مبارک سردولتی تمام
حضرت رسول اکرمه علیه السلام مشابه ایدی (و حضرت حسین
بن علی رضی الله عنه دخی هجرتک دردنجی سالنده وجوده کلمکین
رسول الله علیه السلام بونلرایچون دخی قرنداشی حضرت حسنه
رضی الله عنده ایتدکاری کی مهمانلق و قربان و صدقه ایتدیلر و حضرت
حسین دخی از سینه تابه یا حضرت رسالت علیه السلام مشابه ایدی
و حضرت حسینک رضی الله عنه (زین العابدین و) علی اصغر و) عبدالله
نام اوج نفر اوغلارندن علی اصغر و عبدالله معرکه جکر سوز اولان
کر بلاد جام شهادتی نوش ایتلر یله همان زین العابدین حضرت لری
قالشیدی و مادر مکرملری شهر بانور رضی الله عنهما زین العابدین
حضرت لری مکده وجوده کتور مشرایدی و عمر عزیزی دخی یتیم
بش یله ایشمشیدی و حضرت زین العابدینک امام محمد باقر و امام
زهدي و ناصر و امام جعفر و ابراهيم و حسن و عیسی و حسین
و علی و طاهر و مطهر و مسلم و یزید نام اون درت نفر اوغلاری

وار ایدیکه اشرف و سادات کرام باجمعهم بونلرک نسل شریفلرنددر
* اتمام و عمت حضرت محمد علیه السلام *

اصح روایت اوزره رسول الله علیه السلام اعمام لری اون ایدیلر
حرث و ابوطالب و زبیره و حمزه و ابولهب و عیذاق و مقوم و ضرار
و عباس و قثم و عبد الکعبه و جمل بوز کراولنان اون ایکی نفر ایله والد
و ماجد خیر البشر علیه السلام عبدالله حضرت لری جله عبدالمطلب
حضرت لری نک اوغلاریدر و عمت لری دخی آلتدر ام حکم و بیره و عاتکه
وصفیه و ادوی و امیه او ارب بوجه دن طقوز نفر بکه عبدالله و ابو
طالب و زبیره و عبد الکعبه و ام حکم و امیه و ادوی و بیره و عاتکه و والده لری
فاطمه بنت عمرو بن عابد بن عمران بن مخدوم بدن تولد ایتیش لا بون
قرنداشلردر و حضرت حمزه و صفیه و مقوم و جمل بودرت نفر دخی
والده لری هاله بنت وهیب بن عبد مناف ابن زهره دن متولد کذلک
لا بون قرنداشلردر و حضرت عباس و ضرار و قثم و اوج نفر دخی
والده لری ثبته بنت خباب بن کلب بن نمره بن قاسط بدن متولد کذلک
لا بون قرنداشلردر یعنی عبدالله حضرت لری نک لاب قرنداشلریدر
و حرث یا لکر و والده سی صفیه بنت جندب بن بنی عامر بن صعصعه دن
و ابولهب دخی یا لکر و والده سی لی بنت هاجر دن نواد ایشلردر ذکر
اولنان اتمامدن (امیر المؤمنین حمزه و عباس رضی الله عنهما حضرت لری
و عمتدن) حضرت صفیه رضی الله عنها باو اچی بالاتفاق ایمانه کلوب
رسول الله ایله علیه السلام هجرت ایتدیلر بعضیلر عمتدن عاتکه و ادوی
آب روی جناب خیر البشر حرمة ناردن قورتلدیلر یعنی ایمانه کلوب
مدینه به هجرت ایتدیلر دیدیلر (ما عدا سی اگرچه زمان اسلامه
نشدیلر) لکن توفیق یاور اولوب اسلامه کلمدیلر دیدیلر (حتی
رسول الله علیه السلام عی ابوطالبک حین و قائده یانته واروب
ایمانه دعوت پیوردیلر کوزم نوری محمد یلورم سوزک حقدور
و کلامکده صادقسن لکن دین اسلامه کیروب خلقی کندیه بابایی دین
ترک ایتیش دیدر مم دیوجک (یا عی کا خدمتک چوقدر صوک پشیمانلق
قائده ایتز) و نار بحیمه طاقت کلمز و کفرله کیدلد کدنصکره تخایصه
بردر لی چاره اولمز را حد و اقف اولمقسن بن خفیمه ایمان کتور کیمیه به

بوسری سو یلوب حق تعالی بدن قبولی رجا ایدیم تن کندیکی
دوزخدن خلاص ایله بیوردیقلرنده یا محمد بوحال ایله فوت اولدیغده
دوزخه کیره جگمی و ایمان ابتدیکم تقدیر جه ناردن خلاص اوله جگمی
بیوریم (لکن جهنمه کیریم باباسی دینن ترک ایتمیش دینرمم دید کده
جناب نبوت علیه السلام تکرار دعوت ایمانه اصرار مرادیور یحیی
جبریل علیه السلام نزول ایدوب (انک لاتهدی من احیت ولكن الله
یهدی من یشاء) آیت کریمه سن کتورمکین (رسول الله علیه السلام
فارغ اولدقد نصکره ابوطالبک سوء حال ایله فوت اولدیغنه زیاده
محزون اولدقدلرنده تکرار جبریل علیه السلام کلوب (یا محمد حق تعالی
سکا سلام ابتدی حینم محزون اولسون کفار شهاده اذن و یرمن
لکن مبارک الیه ابوطالبی مسح ایسون (آنی جهنمه قوید یغده مسح
اولان یرلی آتسه یا قدریم) وعذاب سارزه بی چکدریم متسلی اولسون
بیوردی دیمکه رسول الله علیه السلام مسرور مبارک الیه جسم ابو
طالبی طرناق لری آره سنه وار محمد صغایوب همان طیبانی آتشی او توبیلر
تکرار جبریل علیه السلام کلوب یا محمد حق تعالی ابو طالبی جهنمه
قوید یغده وجودینه قطعا عذاب طوقمن انجی آیاغنه آتشدن نعلین
کبدیرر طسمه سنی آتش ایکن ایاغنه اوستنی یاقز) و دوزخده
ابوطالبدن خفیف عذابلی یوقدر دیوخه بروردی

* در بیان عشره مبشره و مناقب جلیله ایشان بر سیل اجمال *
عشره مبشره دین اولکی حضرت ابو بکر الصدیق رضی الله عنه در
نام شریقری عبدالله بن عثمان بن ابی قحافه بن عامر بن عمرو بن کعب
ابن سعد بن یم بن مره یمیدر که نسب شریقری نسب سعادت حضرت
فخر عالم علیه السلام ایله مره بن کعب بن لویده محمد اولور (قبل
الاسلام عبدالکعب دیرلری خادم الکعبه معشائنه) بعد الاسلام
رسول الله علیه السلام عبدالله تسمیه بیوردیلر (برکون جناب پیغمبر
علیه السلام خدمت شریقرینه کلد کلرنده مرده اولسون سکا
شاد اولکله اللهک آتشدن آزاد اولمش قوابسن بیوردیلر) برروا پنده
رسول الله علیه السلام هر کیم ناردن آزاد اولمش باقی استر سنه ابو
بکر الصدیق یاقسون بیوردیلر و جناب صدیق رضی الله عنه غایت

حسن و جمال صاحبی اولوب نسب شریقرینه عیویدن بر نسته
اولما مغله عتیق تلقب ایتمیشلر ایدی (زیرا اصطلاح عربده بی عیبه
عتیق دیرلر) و نام مادرلری سلمی بنت صخر بن عامر بن عمرو بن کعب
ابن سعد بن یم بن مره در (ابتدا مسلمان اولان حضرت ابو بکر در
رضی الله عنه) یا خود حضرت علی کرم الله وجهه و رضی الله عنه یا خود
حضرت خدیجه الکبریاء رضی الله عنها یا یحیی احرار رجالدن ابتدا
اسلامه کان ابو بکر ایدیکی مشهور در زوالیه عتده یازی بی بر خیرلو
دینه هدایت ایله دیودعا ایتمکه ابرنه سی کون دعوت رسوله اجابت
ایلدی (واطفالدن دخی ابتدا ایمانه کان حضرت علیدر رضی الله عنه
ونساوندخی ابتدا ایمانه کان حضرت خدیجه الکبریاء رضی الله عنها
و خداوندان ابتدا ایمانه کان زید بن حاربه در رضی الله عنه و بنده لردن
ابتدا ایمانه کان حضرت بلالدر رضی الله عنه و حضرت ابو بکر رضی الله
عنه حضور و مفرد قبل النبوه و بعد النبوه خاکای حضرت رسالتناهدن
بر لحظه و بر آن جدا و منفک اولما مشیدر) و عشره مبشره دین
عثمان بن عفان (و طلحه بن عبدالله و زبیر بن عوام و سعد بن ابی وقاص
و عبدالرحمن بن عوف حضرت ابوبکر مبارک دست شریقری بن
طونوب ایمان کتور مشلر ایدی رضوان الله علیهم اجمعین جناب سردار
اصفا علیه افضل النعمایغزای نبوکده اشکر اسلامی باشقه جه حکمک
ایچون ابو بکره رضی الله عنه بر سیاه علم و یردیلهر خواجه عالمدن علیه
السلام روایت ایلدکلری یوز قرق ایکی عدد حدیث شریقدن الی
حدیثه امام بخاری و مسلم اتفاق ایلدیلر اون بر حدیث شریقدن بخاری
و بر حدیث شریقدن مسلم نفردا ایلدیلر باقی یوزیکرمی در حدیث شریف
سار جوامعه مسطور در جناب نبوت علیه السلام حق تعالیدن ماعدا
اگر امتدن خلیل اتخاذ ایدیم ابو بکر خلیل اتخاذ ایدرم بیوردیلر
و ابو بکر قرنداشم و موسمدر بیوردیلر و حضرت عمر و او علی عبدالله
رضی الله عنهما نزد جناب رسالتده علیه السلام ابو بکر رضی الله عنه
جمع امتدن عز و شریقدن دیندیلر ابوهریره رضی الله عنه روایت ایدر که
محمد علیه السلام سعادتله بیورو که جبریل علیه السلام کلدیلر و آمدن

طوبت سکز جنتی و امتم ایچر ویه کیزه چکی قیوی بکا کوسریدی
 پیورد قدده جناب صدیق یار رسول الله تولیدی زده سعادته که همیا اولوب
 اول در دولتی کوریدم دیوجک با ابابکر امتدن سفندن اول کیمسه
 جنته ~~سکزمیه~~ پیوردیلر جناب عمر رضی الله عنه ابو بکر بزم سیدم
 و سروریمز و اولومز و عزیمز اولمغه رسول الله علیه السلام انلری
 بزدن زیاده سور و بزدن زیاده حرمت و عزت ایدر دیدی (و پیغمبر
 علیه السلام دن صکره خلافته احق اولان اتفاقا ابو بکر در زیر
 رسول الله علیه السلام آخر عمر زنده نامز اقلقدن غایت ضعیف اولمغه
 وقت صلاتده ابو بکره سوبلیک جماعتده امامت ایستون پیورد قدده
 حضرت عایشه یار رسول الله بابام غایت بزم دلدر سیک برینه امامت
 ایدم مز دیوجک تکرار ابو بکره سوبلیک جماعتده امامت ایستون
 پیورملریله حضرت عایشه یتسه جواب اولی و بر مکی اول امام همام
 علیه السلام حضرت عایشه به بر مقدار روی ملالت کوسر دکر نصکره
 بالذات جماعتده کلوب ابو بکره رضی الله عنه امامت ایتمکی امر
 پیوردیلر عبد الله بن زمعه رضی الله عنه پیور که رسول الله
 علیه السلام خسته لکی مشته اولد قدده عز حضور زنده ایدم
 بر جماعت کلوب خاطر برانورلین بهمد الاستفسار بکا ابو بکر ایچون
 امامت ایستون پیورملریله حضور سعادتدن بیرون اولوب ابو بکر
 کوره مدیکمده با عمر امامت ایله دیدیکمه بناء حضرت عمر رضی الله عنه
 ایلر و کلوب تکبیر ایتمکین رسول الله علیه السلام صدای حضرت عمری
 کوش ایدوب ابو بکر قشده در دیومر سعادتلری حیره دن اخراج
 و اوچ کره چشمک لالا لادیوب امامتی ابو بکره اوغلی ایتمک کر کدر
 دید که نصکره ابو بکر ای احضار و حضرت عمر نمازی ادا ایتمشلا ایکن
 تکرار اولوقنک نمازینی ادا به فرمان ایدوب ~~سکند~~ یاری دخی بالذات
 ابو بکره رضی الله عنه اقتدا پیوردیلر بوتقدیرجه رسول الله نصکره
 امت و اصحاب کرام میاندده ابو بکر دن رضی الله عنه اشرف و اعز
 و افضل و اکل یوقدر (بنابرین حضرت پیغمبر دن صکره امامت
 و خلافت ابو بکره مختص اولمغه وفات جناب خیر المرسلیندن ایکی کون
 مرده رنده هجرتک اون ربیعی سنه سی ماه ربیع الاولک اون اوچینی

سه شنبه کونی اجاع اصحاب ایلله خلیفه اسلام اولدیلر (ولاد تلری
 قبل یلندن ایکی سنه درت ماه و بر قاج ~~سکون~~ صکره ایدی (مدت
 عمر عزیزی الشمس اوج سنه به اربشوب هجرتک اون اوچینی سنه سی
 جادی الاولک بکرمی ایکنی سه شنبه کیمسه سی بین العشائین مدینه ده
 افتاب روح اطهر لری جانب بهشته غروب ایتمکله و صیتری اوزره
 زوجة منکوحه لری اسماء بنت عبس رضی الله عنه غسل ایدوب
 حضرت عمر رضی الله عنه نمازین بعدالادا (درون روضه مطهره ده
 جانب یسارده مبارک سر دولتری رسول الله علیه السلام
 مبارک اوموز لری برابرینه قونیلوب دفن ایدیلر (مدت خلافتلری
 ایکی سنه درت ماه و طقوز ~~سکون~~ در رضی الله تعالی عنه
 * عشره مبشره دن ایکنی عمر الفار و قدر رضی الله عنه *

ابن الخطاب بن عبد العزی بن رباح بن عبد الله بن ذراح بن عدی بن کعب
 بن اویدر که نسب شریف حضرت معمر موجودات ایله لویده و محمد
 اولور (و کینه لری ابو حفصدر) و قریبی الاصلدر و نام مادر لری
 حنتمه بنت هاشم بن مغیره بن عبد الله بن عمرو بن مخزومه (جناب عمر
 رضی الله عنه نبوک بشی باخود التبی یلنده اسلامه کلدکرنده فرق
 نفر جالدن و اون بر نفر نسادن اسلامه کلس اصحاب کرام وار ایدی
 جناب عمر رضی الله عنه قبل الاسلام هر تقدیر عزیز و شریف ایسه
 بعد الاسلام حق تعالی آتی اولکدن زیاده عزیز و شریف ایلدی
 و حقه باطل میانی کاینی فرق و فصل ایدر لری (بنابرین فاروق ایله
 ملقب اولدیلر زیرا کیمسه نک خاطرنه باقیوب احباق حق ایدر لری
 و غیرک حقنده اولان شدنن ماعدا اوغلی شهاد دخی تحت الحدم مقتول
 اولدی عبد الله بن عباس دن رضی الله عنهما مرویدر که رسول الله
 علیه السلام اسلامک ارتفاع شانی ایچون جناب عمر ایله ابو جهلک
 اسلامه کللری حقنده دعا پیور لری آخر جناب عمر رضی الله عنه
 ایمانه کلوب دولت اید پیونده مظهر اولدیلر اما ابو جهل بو عنایتدن
 محروم و محجوب اولدی ابن مسعود دن رضی الله عنه مرویدر که جناب
 عمر رضی الله عنه رسول الله علیه السلام خلوت خاصنه دخوله
 اجازت استمدکرنده حضور سعادتده قیله قریشدن بر قاج خانونلر

موجود اولوب قتی قتی سويلشورلردی جناب عمرک رضی الله عنه
کله چکنی اشهد کلرندہ خوفدن ناشی کندیلرک پنهان ایتدیلر چون
جناب عمر رضی الله عنه عمر حضور خیر البشره کلوب سلام و بردکده
تسم یوررلر کور یجک یار رسول الله همیشه شاد و خندیدان اولک انجق
نچون تسم یوررلر سکر دیدکده یا عمر شوخاتونلرسن کلردن مقدم قتی قتی
سويلشورلردی آوازی اشهد کلرندہ خوفلرندن کندیلرینی سندن
مسافلدیلر یور یجق جناب عمر رضی الله عنه اول خاتونلره خطاب
ایندوب ای نفسلرینک دشمنلری حضرت رسالتدن هیئت آلدوب
بند لئی آلور سکر دیدکده یا عمر شحت داسی قورقار مکده حضرت
موسی کبی فرعون نفسی سبلاب عضبله دریای حشمه غرق
ایتمیه سن یوردیلر و شیطان لعین خوفندن سکا همراہ اولر
وهر یواده که سنی کوره لاجرم اول یولدن طریق دیگره هارز اولسه
کر کدر یور دیلر این عمر دن رضی الله عنه هاما مر ویدر که رسول الله
علیه السلام حق تعالی حق عمرک لسان و قلبی اوزره وضع ایلدی یوردی
چار دن رضی الله عنه مر ویدر که برکون جناب عمر رضی الله عنه
حضرت ابو بکره رضی الله عنه خطاب ایدوب رسول الله صکره
خلاصه نوح بنی آدم سنسن دیدکده یا عمر محمد علیه السلام عمر دن
کر بده رک کیمسه نک اوزرینه آفتاب پرتو صالمشدر یوردیلر دیدی
عقبه بن عامر دن رضی الله عنه مر ویدر که رسول الله علیه السلام
اگر بند نصکره پیغمبر بعث اولمق جائز اولدی عمر بن الخطاب اولوردی
یوردی دیلدی جناب عمرک خلافتدن مقدم هیچ کیمسه به امیر المؤمنین
دیگر ایدی حتی حضرت ابو بکره رضی الله عنه امیر المؤمنین دیتلدی
بلکه خلیفه رسول الله دیتلوردی زیرا امیر اولان امر و نهی و حل
و عقدہ مقدر اولمیدر انچون حضرت عمر رضی الله عنه مقتضای
زمانه اوزره شدت و سطوت ایله ایدی والندن تازیانه تأدیب
دوشمزدی حتی مقدار کفایه خبره مالک اولدقد نصکره خلقدن
در یوزره و جرایدنلری تعزیر ایدردی زیرا قوت یومی اولانه سوال جزا مدر
و خلق جزا مدر منع ایتک امیر بلده اوزرینه لازمدر جناب عمرک خواجه
عالمین علیه السلام زوایت یلدکلری بشور طقسان او یچ عدد احاث

شریفه نک یکر می الی حدیث شریفه امام بخاری و مسلم اتفاق ایتدیلر
واونوز درت حدیث شریفه بخاری و یکر می بر حدیث شریفه
مسلم تقدیر ایتدیلر ما عدا سی سائر جوابده مسطور و مقید در امیر المؤمنین
عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و طلحه بن عبید الله و سعد بن
ابی وقاص و صحابی و تابعیندن چوق کیمسه لر حضرت عمر دن
احادیث شریفه روایت ایتدیلر رضی الله عنهم و حضرت ابو بکر دن
صکره انستحقاق خلافت حضرت عمره ایشمشدر یونلره طعن ایدن
روافض و ملحدین کافر مطلقدر نعوذ بالله تعالی و دمشق الشامک
نصفی صلح ایله و نصفی جنک و حرب ایله ابتداء خلافت جناب فاروقده
فتح اولدی و هجرتک اون بشجعی سنه سنده جناب عمر بالذات واروب
حصار قدسی و نارنج هجرتک وضعی اول سنه ده وقوع بولدی
ورمضانده تراویحک هیئت مخصوصه اوزره قلم اسنی جناب عمر وضع
ایتدیلر (ونعم البدعة هذه) دیو صلاه تراویحه اشارت ایلدیلر انکچون
یدعت خسته سنت سنیه به ملحقدر و حضرت عمرک کرامات کونیه دن
دخی آتاری بسیار در از جمله منبرده خطابت ایدرکن بر ایلق مسافده
امیر الجیش اولان اساریه یه ندا ایتکله اولدخی خطاب مستطابی
اشیدوب مقتضای نسخه عمل و حرکت برله اعدا اوزرینه منصور اولدی
اون ییل و بش ماه و اون کون حق و عدل اوزره خلیفه اولدقد نصکره
هجرتک اون اوچینچی سنه سی ذی الحجه سنک یکر می التجی چهارشنبه
کونی صلات فجرده ایکن مغیره بن شعبه نک ابو اؤلونام غلام بد فرجامی
ایکی طرفی زهرناک یحاق ایله حضرت عمرک مبارک بطونلرینه اوروب
شهید ایلدی و اول معرکه ده بحر و ح اولان اون برنفر ذواتک بدیسی رحمت
حقه و اصل اولوب دردی صحت بولدی آخر اول کافر دوزخقرینی
دیه لیوب جان حبشی اسفل بهیمه کوندردیلر و حضرت عمر رضی الله عنه
یجاغک زهر او ایدیکن بلوب سوداچیکین جسم شریفلرندن زهرک
ضرری سود واسطه سبله بره مقدار طشره چیقادی اماظن غالبی
اوزره روح طهر لرینی جناب رضوانه اهدا ایده چکرین بیلکله
عثمان بن عفان و علی بن ابی طالب و طلحه و زبیر و عبید الرحمن
بن عوف و سعد بن ابی وقاص حضرتاتی جمع ایدوب خلافتی کیمه

ویره لم پیوز دقلرنده عجزانه کز سعید بن زید خلافتیه مستحقدر
دید کاری آند بر خانه دن بر کشتی کافیه در دیوب مدت خلافتلرنده
بیت المال دن اخذنی بعد الرویه کندی تفسیرینه عاذاولان سکسان
التي بيك درهم ايجون اوغلی جناب عبد الله عمرک مالی بترسه
اندن ویر والا بنی عیدین استیوب بنه خزینه به تسلیم ایله دیو
وصیتد نصکره اوغلی جناب عبد الله پیوردیلر که وار حضرت
عایشه به عمر سکا سلام ایدردی امیر المؤمنین سلام ایدر دیمه زیرا
بو کوئی کونده امیر المؤمنین دکلم وفاتلرنده صاحبی فته دفن اولمیشی
سندن رجا ایدردی افاده ایله پیورمغله جناب عبد الله رضی الله عنه
دخی حضرت عایشه نک ضی الله عنها حضور لرینه واروب بکا ایدر
بولدیلر حضرت عمرک رضی الله عنه سلام ورجاسنی بعد التبلیغ
کر چه اولحل مبارکی کندم ايجون تدارک ایتشیدم اما حضرت
عمره لایق ورواردیو اجازت پیوردیلرینی جناب عبد الله رضی الله عنه
حضرت عمره رضی الله عنه افاده لرنده الحمد لله جناب واهب الامالدر
مرادم بو ایدی دیوانواع ممراتد نصکره یا عبد الله عزرائیل
علیه السلام اما بنی بندن آکوب صاحبیه تسلیم ایتد کده بنی حضور
فائض النور رسول الله ﷺ و توروب اجازت طلب ایدک اکر کمال
اطاف وکرملرندن بو بنده لرینی قبول پیوردر ایسه جوار سعادت
مدارلرنده حضرت ابو بکرک یانشه دفن ایدک والاسائر مسلمین
کورستانه دفن ایدک دیو وصیتلری حیثنده عمر شریفاری دخی
قول اعیح اوزره التمش اوج سنه به رسیده اولمشیدی مجروح اولدقلرندن
بش کون مرورنده هجرتک بکرمی درد بنی سنه سی محرم الحرامی غره سی
سه شنبه ده جان پاکنی جاناتنه تسلیم ایتد کلرنده مسیحة رسول الله
حضرت صهیب نمازین قلوب رسول الله ﷺ علیه السلام سریری
اوزرینه حل اولد قد نصکره وصیتلری اوزره روضه مطهره دن
بعد الاستیذان اوغلی عبد الله و عثمان بن عفان و سعد بن زید
وعبد الرحمن بن عوف حضراتی قبر منور لرینه نزول و مبارک سر
دولتربن حضرت ابو بکرک رضی الله عنه مبارک اوموزلری برابرینه
وضع ایدوب دفن ایتدیلر رضی الله عنهما (زمان خلافت حضرت

عمره رضی الله عنه لشکر اسلام چو غالب اطراف واکافره اولان
شهور و بلاد پیدر پی فتح اولند یغندن اهل اسلام ایله مالا مال
وآبادان اولمشیدی رضی الله عنهم

* و اوجنجیبسی حضرت عثمان ذی النور پیدر رضی الله عنه *

ابن عفان بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس بن عبد مناف بن
قصی القرشی الامویدر که جد امجدلری نسب سعادت جناب نبوتله
عبد منافده متحد اولور سلطان انبیا علیه افضل التحایا حضرت نلرینک
دختر بلند اخترلندن ابتدا حضرت رقیه بی بومه حضرت ام کلثومی
رضی الله عنهما نکاح ایله آکوب داماد حضرت پیغمبری اولدقلرندن
ذوالنورین دبدیلر و بویکی دختر یا کبره تحت نکاحلرنده ایکن عازم
خلد برین اولدقلرنده یا عثمان اکرا و جیبی بر قزم دخی اولیدی آیتدخی
سکا تزویج ایدردم پیوردیلر قبل الاسلام کنیه لری ابو عمرو ایدی
حضرت رقیه دن رضی الله عنها عبد الله نام بر فرزند دولتمند لری
وجوده کلکله ابو عبد الله دیو حضرت عثمانه لقب ویرلشیدی والده
محترمه لری اروی بنت کرب بن ربیع بن حنیب بن عبد شمسدر که
اسلام اوزرینه متوفیه اولدیلر و حضرت عثمان حضرت ابو بکر
رضی الله عنهما مبارک الارینه یادشوب مسلمان اولدقد نصکره ارقم
حضرتلرینک سعادتخانه لرنده عز حضور نبوی به علیه السلام واردیلر
و حضرت عثمانک رضی الله عنه فضائلنددر که رسول الله علیه السلام
اکادعاء سپارش پیوردیلرینه علیه میانه اهل اسلامده بر برینه خیر
دعاء سفارش ایتک اول زماندن برومسنون اولوب قالمشدر و حضرت
عثمان و تیم داری و سعید بن جبیر رضی الله عنهم و ابو حنیفه رح
رکعت واحده ده ختم قرآن عظیم ایتشلردر و حضرت عثمانک
رضی الله عنه کثرت قرائتلرندن دست کرامت پیوستلرنده ایکی عدد
مصحف شریف پاره پاره اولمشدر و حضرت عثمان رضی الله عنه
معیت حضرت پیغمبریده علیه السلام حبشه و مدینه به هجرت
ایتد کلرند ماعدا غزواتک جمله سنده خاکک پای رسالتنا هیدن
آرلماشیدی فقط غزای بدرده منکوحه مستوره لری حضرت رقیه
نامراج اولمغله رسول الله ﷺ علیه السلام بالا اجازه کبر و عودت پیوردیلر

اما مال غنایم دن حصه سنی جناب نبوت علیه السلام البقویوب بدینه
تسلیم و یار لغافلله شاد بیوردیلر و رسول الله علیه السلام طرف
رسالتلرندن رسول اولوب برای صلح مکه مکرمه به کیمکله
بیعه الرضوان نام خدیبه با عجه سنک بیعتده معیت دولترلنده
یوانه مدیلر (انس بن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که حضرت
عثمان رضی الله عنه خدیبه با عجه سنک بیعتده یوانه مافله رسول الله
علیه السلام مبارک دست سعادتلرین بر برینه اوروب عثمان اللهله
رسولنک حاجتده در بیوردیلر نعم الدوله العالیسه (طلحه دن
رضی الله عنه مرویدر که حضرت رسالتناه علیه صلوات الاله جتده
هر برنیک ذاتیه مخصوص بر رفیق و یولداشی اولسه کر کدر نیم رفیق
و همراه عثمان بیوردیلر) عبدالله بن سمره دن رضی الله عنه مرویدر که
حضرت عثمان عسیره لشکرینک تدارکی وقتده خاکای رسالتناهی به
یوز سوروب رسول الله علیه السلام اوزر لرینه یک عدد التون
صاحبدلرنده شمدنکر و عثمان هر کن زیان ایلر دیو بیوردیلر (ابن عمر دن
رضی الله عنهما مرویدر که رسول الله علیه السلام عثمانی طلمله اولدروب
شهید اینسه زکر کدر بیوردیلر) القصه حضرت عثمان رضی الله عنه
روایت ایلدکری یوز قرق الی حدیث شریفدن اوج عدد حدیث
شریفده امام بخاری و امام مسلم رح متفق اولدیلر و سنکر عدد
حدیث شریفده بخاری و بیش عدد حدیث شریفده مسلم تفرد
ایتدیلر باقبسی سائر جوامعهده مسطور و مقیددر زید بن خالد و ابن
زبیر و سائب بن زید و سائر اصحاب و تابعیندن جماعت کثیره حضرت
عثمان رضی الله عنهم احایث شریفه روایت ایتدیلر و حضرت عثمان
رضی الله عنه تبدلات و تغیراتدن امین اولمق ایچون قرآن عظیمی
صحیفدن محکمه جمع ایلدیلر مناقب جلیله سنه غایت و نهایت یوقدر
آخر قریه قباده چاه اریس کارنده اوتوررکن انکشت شریفلرندن
خاتم رسول الله اول چاهه دوشمکین هر چند طلب اولندی ایستده
اله کیره مامکله بو کیفیت حضرت عثمانک انتظام احوالنه سبب
بریشانی اولوب کتدکجه تنزل بولدی بالاخره اشقیای جمع اولوب
مدینهده واقع خانه دولترلرین چند روز محاصره دن صبره ایجرویه

هجوملرنده نهارث بن یدر یاخود ککانه بن یشر نام ملعنون
دوزخ مقرون مباشرتله حضرت عثمان رضی الله عنه خون شمدنلری
(فصیحکفیکهم) آیت شریفنه اصابت ایتدکده شهید اولدیلر و حضور
حقه صائم اولدقلری خالده کیتدیلر مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله
تلاوت عثمان آیت مذکور و وصولنده اسفلهاد اولنور دیو روایت
اولمشیدی و اول اوراق خون آلوددن بر قاج وراق مغریده واقع قرطبه
جامعنده محفوظدر (ماحصل هجرتک اوتوز بشی اسد سی ذی الحجه سنک
اون ایکیجی جمعه کوننده جام شهادتی نوش ایتمکین جبرین منظم
یاخود حکیم بن حرام یاخود زبیر بن عوام رضی الله عنهما حضرت
عثمانک نمازین قیلوب بقع کورستاندن خارج جیش کوک بستان نام
موضعی اشرا ایدوب بقعه الحساق ایتملر ایدی آیدن کیند و لرینه
تعیین ایدوب حاضر ایلدکری قیر شریفه اعدادن خوف ایلادق
ایدوب مدقنی بلور سن ایتدیلر بر نیجه مدت غرور ندن کفر بعض
اماراتله استدلال اولمغله قبر سعادتلری اوزر لرینه قبه بناء اولمشیدی
و حضرت عثمانک سن سعادتلری سکسان سکر یاخود لطفسان سنه در
ومدت خلافتلری دخی اون ایکی سنه دن بر قاج کون نقصاندر قافله
حجاج ایله متصل واحد اون کره حج شریف ایتدیلر رضی الله تعالی عنه
* در دخی علی المرتضی در کرم الله وجهه و رضی الله عنه *

ابن ابی طالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد منافدن رسول الله علیه
علیه السلام عزاده لری اولوب لقب شریفلرینه امیر المؤمنین و کینه لرینه
ابو الحسن و ابوتراب دیتلوریدی و مادر مکرمه لری فاطمه بنت اسد بن
هاشم مسلمان اولدیلر و هجرت ایتدیلر و اسلام اوزر لرینه متوفیه اولدیلر
و حضرت علی رضی الله عنه اول خلفاء بنی هاشمدر قبل البلوغ
یدی یاشنده ایدیلر مسلمان اولدیلر و بونلر دن مقدم صیددن کیمسه نک
اسلامه کلدیکنه علماء ربانین اتفاق ایتدیلر (بنابرین صبی مبرک
اسلامی صحیحدر دیتدیلر جمیع غزواتده خاصکهای شردار اصفیادن
علیه السلام جدا اولدیلر ایچق نبوک غزاستنده بولندا مدیلر و زرا
رسول الله علیه السلام حضرت علی بنی رضی الله عنه اهل بیتلری
اوزر لرینه امین نصب ایتملر ایدی اولوقتده یار رسول الله بنی عورتلر

واولاد فخر پرینه می حساب پیوردیکرد دیوانان اولاد قلنده یا علی
 راضی دگلشک کیم بنم قائمه سن حضرت موسی قائمده هر ون
 منزله سنده سن اما شوق در فرق وارد که بندنضکره پیغمبر کلر
 پیوردیلار بن عزون رضی الله عنهما هر ویدر که اولوقنکه سردار اکرم
 صلی الله علیه و سلم مهاجرین و انصار میمانده قرن داش اولمقلغه
 فرمان پیوردیلار و مقتضای سنجده اصحاب کرام حضرت اقی دخی ایکبشیر
 ایکبشیر قرن داش اولدیلار ایدی حضرت علی رضی الله عنه اول جهیت
 اخونده بوانه مامعین کپسه ایله قرن داش اوله مامشلا ایدی کر به و بکا
 ایدر که حضور حضرت فخر عالمه کلوب یار رسول الله فرمان واجب
 الاتباع کز اوزره همه اصحاب کرام اخوت ایتلر انجق بی کپسه قبول
 ایتماش دیوجک یا علی دنیا و آخرته قرن داشمن دیو مبارک دست
 مکرملریله حضرت علینک مبارک الیه یا شیدیلار انکچون جیتنده
 حضرت علینک قصر لری رسول اللهک علیه السلام قصر لری
 مقابله سنده در (سهل بن سعد دن رضی الله عنه) هر ویدر که یوم
 خیبرده سردار اسفیا علیه افضل التحایا حضرت لری یارنکی کون علی
 شعلتی البک و البت بر کپسه به ویزه جکر در که اخداور رسول اقی دوست
 طرقتلر و اولدخی خدا و رسولی دوست طرقتلر پیوردیلر قلنده
 اهل غزایا جهم بو غنایات جلیله ایچون امید واز اولوبه حاضر لندیلر
 حتی حضرت عمر رضی الله عنه شعلتکرو امیر اقی دوست طو تار دیلر
 چون صبح اولوب سلطان خاور خیال و کوهساره نور اعلام نصب
 ایدر که حضرت علینک رضی الله عنه دو چشم انور لری آغریوب
 زیاده زجت و یردیکدن اوراده حاضر دکل ایدیلر (سلطان انبیا
 علیه افضل التحایا حضرت لری جناب علی بن عز حضور لری کتوردوب
 مبارک کوزلریته هم سعادت لری یارندن لال احسان ایتلریله در حال
 بعد الا فاقه لواء سعادت اقی حضرت علی به رضی الله عنه تسلیم پیوردیلر
 بلطفه سبحانه و تعالی فتح و ظفر و نصرت پیسر اولدی (عمران بن
 حصین دن رضی الله عنه هر ویدر که رسول الله علیه السلام علی بنددر
 و بن علی بنم و علی جمیع مؤمنک بخداوندی و دوستدر پیور لردی
 انس بن مالک دن رضی الله عنه هر ویدر که حضرت رسالتک
 علیه

علیه السلام برتاویجخی و ارایدی طبع اولوب حضور سعادت لریته
 کتوردیلر الهی شول کپسه بی کوندز که مخلوقا شدن اندن عبور برقی
 اولمسه تا که بوتاو یجخی انکله تناول ایله لم دیو بیورن قلری جیتنده
 حضرت علی رضی الله عنه حضور سعادتک کلکله اول تاویجخی
 برابرجه اکل پیوردیلر (ام عطیه دن رضی الله عنه) هر ویدر که
 رسول الله علیه السلام جناب خیدر راضی ازلشکره سالار
 سردار تعین پیوروب کوندرد کده زور شت کرامت پیوستلری قالد یروب
 الهی علی به بکا کونست منجه جان پاکتی بدندن جلا ایتسه دیو فضا
 پیوردیلر (القصة حضرت علینک تحفته و و و ایدن احادیث
 شریفه و اخبار ایتلر حدیث حضرت اولوب مقتضای سنجده
 حضرت علی رضی الله عنه نزد حضرت پیغمبریده جلا دن سوکلی
 ایدیکی مدلل و مبرهنه لوندن حضرت علینک رضی الله عنه جلا دن
 افضل اولسی و جلا دن امامته اولی و احق اولسی اقتضا ایتلر زیر
 بر کپسه حضرت علی بن رضی الله عنه فضائل کثیره شمه شمه سترلردن
 زیاده سوب ترجیح ایلر رافضی اولور اما بعض علمادن بر کپسندک
 حضرت علی به یجخی سار خلقادن زیاده اولسده لازم کلور دیو سوال
 اولدقده (لایحیی فی هذه المسألة) دیمشدر و حلیه شریفه لری ثابت
 اسر و مبارک کوزلری ابری و قامت شریفه لری اوزنلقدن قصه لغت میل
 ایتلر و بر مقدار مجسم و جوق قیلا و صفالا و ایدیلر و جبهه لردن قناسنه
 قدر قبل بو غنیدی و سرد و لریله زرش سعادت لریتن قبللری آغده
 مائل ایدی اما پیر لکدن ورنکدن ذکل ایدی بلکه خدایی ایدی
 رسول الله دن علیه السلام روایت ایله کلری بشور سکسان اقی عدد
 حدیث شریفدن یکر می عدد حدیث شریفده امام بخاری و مسلم
 اتفاق ایتدیلر طرقتلر حدیث شریفده بخاری و اوفی بش عدد
 حدیث شریفده مسلم بقدر ایتدیلر (و باقی فلان بشور قرنی ایکی عدد
 حدیث شریفه یبار جو ایتلر طرقتلر و ایتدیلر (امام حسین و حسین
 و محسن دن ما عید محمد حنی و ابن عمر و ابن عباس و ابو موسی و ابن زبیر
 و ابوسعید و ابوهریره و جابر اصحاب و تابعین دن جماعت کثیره رضی الله
 عنهم حضرت علیدن رضی الله عنه احادیث صحیحه روایت ایتدیلر

و حضرت علی رضی الله عنه حضرت عثمان رضی الله عنه شهید
اولدقلری کون سر بر خلافت نشین اولمشلرایدی دوت سنه و بطور زما
و برفاق کون حق و عدل اوزره خلافت ایدوب عمر عز یزلی التمش
اوج یا خود التمش بش سنه و اردقه هجرتک قرق برنجی سنه سی
ماه رمضانک اون بدیجی جمعه کونی صباح اذان او قنغله کوفه مسجدنده
وقت اشراقده عبادات و طاعات ایدرلر ایکن عبدالرحمن بن ملجم المرادی
نام کافر دوز خرهین حضرت علینک سر سعادتلرینه بچاق ایله
اورمغله بکشتیه کچه سبکه ماه رمضانک اون طغوزنجی کونی سدر
فردوس اغلابی تشریف یوزدقلرنده نجل نجیلاری حسن و حسین ایله
عبداللہ بن جعفر رضی الله عنہم حضراتی بعد الغسل و التکفین حضرت
حسین رضی الله عنه نمازی قیلوب وقت صحریه دفنید نصبره
وصیتلری اوزره قیرر انورلری تغیب و اخفا اولتیدی بنابرین محل
مدفنلری الی الان اختلاف اوزرینه قالمشد رضی الله تعالی عنه
* عشره مبشره دن بشی طلمه در رضی الله تعالی عنه *

اعنی ابو محمد بن عبید الله بن عثمان بن عمرو بن کعب بن سعد بن تيم
بن مره در که نسب سعادت حضرت فخر عالم ایله علیه السلام کعبه
متحد اولوب و نام مادرلری صفیه بنت عبداللہ بن عباد بن خضر میدر که
مسلمه اولدیغی حالتده متوفاه اولدیلر جناب طلمه رضی الله عنه
حضرت ابو بکر رضی الله عنه مبارک الی طوتوب مسلمان اولدیلر
و جمیع غزاولره حاضر اولدیلر انجق غزای بدرده سیر داز اسکرم
صلی الله علیه وسلم جناب طلمه به سعد بن زیدنی هم بالیدوب ابوسفیان
ابن حرب ایله فریق کار یانک خبرن آلفه کوندر مکه بوایکسی
او خیدمت ایله مأمور اولدقلرندن بولنه مدیلر اما غنیمت ایدر دن
حصه ل بن الدیلر جاردن رضی الله عنه هر ویدلر که رسول الله
علیه السلام طلمه جانبده نظر ایدوب هر کیم روی ارضیده جبا
شهید کورمک استر سه طلمه به نظر اینسون بیوردیلر حضرت
رسالتیه علیه صلوات الا که غزای احدده آغر جه ایکی عند دوزه
کچلرایدی جناب طلمه اولکون یانلرندن اصلا آرلیدیلر و رسول الله
صلیه السلام صخره به صعود بیوردقلری زمانده جناب طلمه رودانله

ایدوب تحتہ قعود ایدیلر و اولمخلده جسد سعادتلرندن اول ایکی عدد
زره لری حقار دقد نصبره یا طلمه سکا جنت واجب اولدی بیوردیلر
وغزای من بورده جناب طلمه نك رضی الله عنه مبارک بدنی بکرمی دوت
یا خود یتمش بش برنده یازهلندی و مبارک اللزینک بری قوتسز اولوب
ایشدن قللیدی و رسول الله علیه السلام اولکونده اشمنی طلمه الخیر
قویدیلر و ذات العسیر غزاسنده طلمه الفیاض و حنین غزاسنده
طلمه الجود دیو تسمیه بیورمشلرایدی سن سعادتلری التمش درده
واردقه هجرتک اوتوزالتیجی سنه سی جادی الاولانک بکرمی یوم
خمسده مروان بن حکم النده شهید اولدیلر بعض روایتده بوغازلرینه
اوق ابریشوب وفات ایتکله بصره کورستانده دفن ایتدیلر اوج
سنه دینکره جناب طلمه حضرت عایشه نك رضی الله عنها روایتده
قبرلرندن شکایت ایتکله حضرت عایشه صدیقہ دخی جناب طلمه بی
مدفنیدن ترونازه اولدقلری حالده جیقار دوب یتنه بصره ده جناب
طلمه نك مالک اولدقلری خانه دولت اشیانه لریته دفن ایتدیلر جناب
طلمه نك رسول الله مدن علیه السلام روایت ایلدکلری اوتوز سکر عدد
احادیث شریفه نك ایکسندہ بخاری و مسلم اتفاق ایتدیلر و ایکی عدد
حدیث شریفده بخاری و اوج حدیث شریفده مسلم تفرد ایتدیلر
ماعداسی سارچو امعه مسطور در رضی الله تعالی عنه

* عشره مبشره دن التبی حضرت زبیر رضی الله تعالی عنه *
ابن عوام بن خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی در که نسب بلندلری
نسب سعادت فخر کائنات ایله قصی بن کلابده متحد اولور و کنیدلری
ابو عبد الله و مادر عالیکهرلری عمه رسول الله صفیه بنت عبد
المطلبدر که مسلمه اولدیغی حالده متوفاه اولدیلر جناب زبیر رضی الله
عنه اون التي باشندہ ایکن حضرت ابو بکر رضی الله عنه مبارک الن
طوتوب ایمانه کلدکلرینی عی کوش ایدیجک حبس و اشکنجه و هوذی
نستلر ایله اگر چه اذا ایلدی لکن عنایت الهیه اکاهنراه اولمغله
ایماننده ثابت قدم اولدیلر حبشه و مدینه به هجرتلرنده و جمیع غزواتده
خاکای رسالتدن قطعا جدا اولدیلر (یوم احدده رسول الله
علیه السلام مجموع پیغمبرانک حواریسی وارد ریم حواریم زبیر

این العواصم در پیوردیلر) انگچون اول غزاده خاکی ای نبوتدن برآن
آردیلر فی سبیل الله کفارہ ابتدا قلیج اورن جناب ز بیردزوغزای بی
قریضه ده رسول الله علیه السلام یاز بیر بابام و انام سنیك یواکده
فدا اولسون پیوردیلر مهاجرین حضرت اقی مکده برخطوق فرمان
سلطان انیلر بررله قنداش اولدقلرنده جناب ز بیر ایله ابن مسعود
حضرت تری اخوت ایتدیلر و مدینه ده دخی کذلک مهاجرین و انصار فی
سبیل الله قنداش اولدقلرنده جناب ز بیر ایله سلمه بن سلام حضرت تری
اخوت ایتدیلر رضوان الله علیهم اجمعین (عروندن رضی الله عنه
مریدیلر که غزای تبوکده اصحاب کرام یاز بیجین محاربه ده سن
دشمنه اقدام ایدرسن سکا متابعت ایدلم وجه و جوشن و سلاح که لم
دیدیلر بوندن معلوم اولدی که میانه اصحاب کرامده جناب ز بیرک
بهادر لکی مسلم ایمش حتی اول غزاده جناب ز بیرک یوخی اوزرینه ایکی
ضربه اوردیلر یوم بدرده دخی برضربه اوردیلر جناب ز بیرک رضی الله
عنه اولکونده صغیر ایلم محل طربه المی ادخال ایتدم دیدیلر سن
جناب ز بیر یوم جلده محاربه بی ترک ایدوب حضرت عایشه ایله
رضی الله عنه اولدیلر آخر هجرتک اوتوزالتجی سنه سی هجری
الاولانک اواسط سنه الفش اوج یاخود الفش درت یا شنیده ایکن
بصره ده سنوان نام محله عمر بن جوهور الفیه نوش جام شهادت
ایتمکله اول بصره حواله سنده وادی سباع نام محله دفن ایتدیلر بعده
نحویل اولوب بصره دفن ایتدیلر رضی الله عنه
* یدنجیسی حضرت سعد بن ابی وقاص الزهری القریشیدر رضی الله عنه *
یعنی ابوامحق حضرت سعد بن ابی وقاص مالک بن وهب بن عبد
مناف بن زهره بن کلابد که نسب شریفلری رسول الله علیه السلام
نسب بزرگوارلریله کلایده محمد اولور والدیه مکرمه لری بنحله بنت
سقیان بن عیاد شمس بن عمیره بن فخر رسول الله علیه السلام ایمان
کتورن مؤمنینک او حنیسیدر جناب سعد رضی الله عنه اون یدی
باشده ایکن حضرت ابوبکرک رضی الله عنه مبارک الی طوئوب
مسلمان اولدیلر بین العرب تیراندازاق ایله مشهور ایدیلر زرا فی سبیل الله
رمی سهام ایدرلردی و لشکر کفاردن ابتدای سبیل الله قان دوکد کلرندن

نام شریفلرینه فارس الاسلام دینلوردی همه غزوانده سردارا کرم
صلی الله علیه وسلم خدمت لازم المفخر تلرنده اولوب قطعا برخطد
و برآن ایلرلرایدی غزای اجدده بیک دفعه اوق آتدقلری جناب
ز بیریدن رضی الله عنه مرویدر حضرت علیدن رضی الله عنه
مرویدر که رسول الله علیه السلام غزای اجدده یا بعد اوق آت انام
و بابام سکافدا اولسون پیوردیلر و اولکونده الهی سعادتک دعاسی
مستجاب ورمینی شدید و بلکنی محکم ایله دیودعا پیوردیلر زرا میانه
اصحابه جناب سعد بن مستجاب الدعوه کیمسه یوغیدی و حضرت
عمر رضی الله عنه سعد جنابلرینی مقاتله ایچون سرانکر ایدوب ولایت
فارسه کوندرومکله لشکر فارسی قیردیفندن ماعددا وفادسیه بی
وجلولا رانی و ممدابن کسرابی فتح ایلدیلر و کوفه بی بننا ایلدیلر
و حضرت عمر رضی الله عنه ولایت عراقی جناب سعده تسلیم ایتمکله
حضرت عثمانک رضی الله عنه وفاته قدر عراقده حاکم و والی اولدیلر
چون حضرت عثمان رضی الله عنه وفات ایتدیلر جناب سعد ولایتدن
بقیسلرین عزل ایدوب من بعد لشکره فارشیدیلر خواجۀ عالمیدن
علیه السلام روایت ایلدکلری ایکیوزیمش قطعه احادیث شریفه نک
اون بشنده امام بخاری و امام مسلم متفق اولدیلر بشنده بخاری
و اون سکرندمه مسلم تفرد ایلدیلر ماعداسی سار جوافه سنده مسطور
و مقید در ابن عمر و ابن عباس و عایشه و سائب بربرید و تابعیندن
جماعت کثیره جناب سعد بن رضی الله عنه احادیث شریفه روایت
ایتدیلر عمر بن زری یمش طفوزه قریب ایدی مرض موئلرنده یارانی
عز حضور لایته دعوت و صوفدن براسکی بجه لری و ارایدی کتوزدوب
ای ایران جانی جانانمه تسلیم ایتدیکمده کفنی بوجه دن ایدک زرا
غزای بدرده بونی کیوب کفارله جنک و حرب ایتشیدم و الی الان کفتم
ایچون حفظ ایتشیدم دیو بعد الوصیه هجرتک الی ایشجی سنه سی
مدینه یه اون قبل قریب اولان عمیق نام محله وفات ایتمکله سالف الذکر
بجه سعادتله بعد الکفین و الی مدینه اولان مروان بن حکم جناب سعدک
جنازه سنی مدینه یه کتوردب نمازین بعد الاداء مقبره بقیعه دفن ایتدیلر
جناب سعد رضی الله عنه عشره مبشره نک نه ایتنده وفات ایده نیدر

جنازه سنی بقیع کورستانه دفن ابتدای سغد بن ابی وقاص حضرت تری
بکایلیه رک ای بنم طایغ کی ارقه م بیوردیلر جناب عبدالرحمن
رضی الله عنه وافر زور و سیم واثوایدن ماعدایک رأس دوه و یوز
رأس اسب و او تونیک رأس یا خود او جیک رأس غنم ترک ایتمکله
درت عدد زوجه مستوره لرینک هر یکنه علی طریق المصالحه
سکسانرینک دینار ویرلدی

* و او نجیبی حضرت عبیده بن القهری القهری رضی الله عنه *
یعنی عامر بن هلال بن اهب بن خبه بن حارث بن قهر بن مانکدر که
نصب سعاد تری نسل پاک حضرت محمدی ایله علیه السلام قهر بن
مانکدره متحد اوور و حضرت عبیده عثمان بن مظعون ایله مسلمان
او اوب حبشه ایکنی هجرتنده رسول الله ایله بالمعیه هجرت ابتدای
(انس بن مالکدن رضی الله عنه مرویدر که) فخر عالم علیه السلام
جیع پیغمبرانک امین و اردن بن امین عبیده بن الجراحدر
بیوردیلر (منقولدر که) اهل یمندن برجماعت حضور فاضل النور
حضرت پیغمبری به کلوب کندیلرینه طریق اسلامی تعلیم اچون
بر کعبه طلب ایتمکدرنده فخر عالم علیه السلام جناب عبیده الجراحک
النی طوتوب (هذا المین هذه لامة دیو بیوردیلر جیع غز و آند خاکبای
رسالتناهدن آیرلدیلر حتی غزای اخده جسارت و دلاوراک ایدوب
اعین کفاره عرصه جهانی تنک ابتدایر و چشم سعادت مغرور موجوداته
علیه السلام زره خلقه لرین ایکی عدد خلقه کبرمکله جناب عبیده
اول ایکی خلقه بی چشم حقایق یزدن اخراج و جراح اولان محلی
تیمار و مداوات ایلدی (و بو غزاده جناب پیغمبرک علیه السلام
قضا زده اولان مبارک اولک دیشلری جناب عبیده ده محفوظ ایدی
و غزای بدرده اتاسی شکندوبه اسیر اولوب ایمانه کلدیکندن باشقه
رسول الله علیه السلام حقنده کوش ایلدیکی اسرا کما تدن هر چند
اتاسی نمی ایلدیسده ده مستصحب و متبیه اولوب یتیمه الله ده اصرار
ایندیک در حال پدرینی قتل ایلدی هر قدر قتلدن منع ایلدیلر ایسه
غیرت ایمانیه مقتضاسی قبول ایتمدیلر اولوقسده (لا تجد قوما یؤمنون
بالله والو الاخر یوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم او ابناهم

آیت کریمه سی نازل اولدی آخر جناب عبیده نک رضی الله عنه
عمر شریقلری الی سکن ساله واریجق هجرتک اون سکر نجی سنه سنده
اردن نام محله مطمونا وفات ایتمکین معاذ بن جبل رضی الله عنه
نمازین قبولوب بر بستانه دفن ایلدیلر (بس بومناقب جلیله لری حکیده
براعه تحقیق قیلتمله برسبیل اجمال بسط و بیان قلنان عشره مبشره
رضی الله عنهم حضرت اسیان شریف مغرور موجودات ایله علیه السلام
اما کن متعدده جنت ایله تبشیر و تمشیر در اللهم لاتحر منامن شفاعتهم
یوم العرصات بحرمه محمد وآله الطیبین الطاهرات
* حضرت امام حسن رضی الله تعالی عنه *

خبرده وارد اولمشدر که حسن و حسین اسمی اهل جنتدن ایکی اسم
شریفدر و حسن و حسین رضی الله عنهما صد یقردن نبوته ذاهب
اولق رفض و الحاد در و حضرت حسین رضی الله عنه والده طرفندن
مناسب اولق مانع سیادت دکادر زرا حسنینک فخر عالم علیه السلام
اندس ایلری والده لری حضرت فاطمه رضی الله عنها و ساطیه در
اگر چه بابایری حضرت علی رضی الله عنه دخی هاشمیدر جناب حسن
رضی الله عنه والده ماجد لری حضرت علیک حین شهادت لرنده
او تونیدی یاشنده او اوب اهل عراق و غیریدن قرق بیکدن متجاوز
کمان کوفه ده جناب حسین رضی الله عنه بیعت ایدوب یدی ماهه
قریب خلیفه اسلام اولمغه اول حوالی به حکملری جاری اولد قدده
جانب شامدن معاویه طرفندن منازعه ملک واقع اولمغین جناب حسن
رضی الله عنه بر ظالم بد نام الندن خنجر خونخوار ایله مجروح اولمق
دیونکی کون پدری بیکاه قتل ایتمکیز بو کون بنی دخی قتل ایتمک
استر سکن یا اهل عراق سزدن خیر یوقدر دیوب هجرتک قرق برنجی
سنه سی ربیع الاولک بشنجی یوم خپسده تمسکات خلافتی معاویه به
بعد الفراع مدینه به کیدوب نقدینه عمر عزیز لرین طاعات و عباداته
مصرف ایلش ایسه ده هجرتک او جنجی سنه سیمده شریف عالم
شهود بیورمشلر ایدی سن سعاد تری قرق بش سنه یم وارمغین
هجرتک قرق سکر نجی سنه سنده طرف معاویه دن مسموماشهد شهادت
نوش ایدوب جانب قدسه ارتحال بیوردیلرنده قبه عباسده دفن خاک

عنبر شمیم اولدیله (مادر مکرملری حضرت فاطمه رضی الله عنها
دخی اصح اقوال اوزره اول قبه سعادتك جانب قلیبسنده واقع دیوار
درونده آسوده در که باشد سر پرده ستر آویخته در) بعد ذا اگر چه
حسنینک قصه داری فخر عالمك علیه السلام آنلری تقییلی سببیه اولدی
ولیکن کوردیلر که برینک کالی مسموم و برینک کالی مذبح اولمده در
بناء علی هذا بو کیفیتی نتیجه و بردی (و حضرت فاطمه رضی الله عنها
امام حسنی ولادتدن الی کون صکره امام حسینی حامل اولدیله و امام
حسن حضرتلرینک رضی الله عنهما وجه شریف انورلری حضرت
نبوتک وجه جلالرینه زیاده مشابه ایدی جناب حسن رضی الله عنه
کثیر النکاح والطلاق ایدیلر) شویله که درت حاتونی یکدن نکاح
و دردی دخی یکدن اطلاق ایدرلردی زیر اسبط رسول الله و ربخانه
حبیب الله و سید شباب اهل جنت اولدیغندن پای و کذا اذنی
بر ساعت اولورسه ده مصاهرته جان آردی (و حدیث شریفده
وارد اولمشدر که یار پی مغفور ایله اولکمه ییکه بن انکله یا اول بنم
ایله مصاهرت ایتش اوله بونده معاویه به دخی رایحه مغفرت استشمام
اولورز بر اهر مشیره سی ام حبیه رضی الله عنها از واج مطهره دندر
و بونده هاشمیلر ایله مصاهرته دخی ترغیب وارد ز بر اعموم دعاده
دخولی ظاهر در (پس جناب حسن رضی الله عنه خلافتدن فارغ
اولدیلری کون خلافت معاویه ده مقرر اولدی اولوقده معاویه بن
عمری الی سکر ییله ایزمیشیدی و دمشق جامعده پادشاهان ایچون
نماز قیله چق محلی ابتدا معاویه بنیاد ایشدی و میانه اهل اسلامده طبل
و نقره و صورنا و زرنکار کوشک معاویه دن قالدی حتی بریشیل قبه لو
چیم انشا ایتش ایدی ابو زر غفاری رضی الله عنه کور یحک یا معاویه
اگر مانکدن یا بک ایتسه اسراق ایتدک و اگر بیت المالدن یا بک ایتسه
تحقیق حق تعالی به خیانت ایتدک دیو پیورد قلنده معاویه بوسوزدن
ایچنکله امیر المؤمنین حضرت حسنه رضی الله عنه مکتوب کوندر و ب
ابو زر غفاری دن رضی الله عنه شکایت ایتکین جناب حسن رضی الله
عنه یا ممدار ایله یا خود مدینه به کل دیو ابو زر غفاری حضرتلرینه خبر
کوندر دیلر چون معاویه بک روز نامه عمری یتش سکر ییله وارد قدده

هجرتک فرق طغوزنجی سنه سی رجینده وفات ایتد کارنده اوغلی
یزید پلیدنکارده اولمه تقریبی نابید اولمده ضحاک بن قیس نمازین
قیلوب دفن ایتدیلر نقش تکی (الکل عمل ثواب) ایدی انبی
* حضرت امام حسین رضی الله عنه *

چونکه معاویه قورداغی حیمه خضرایی آنون ایله متسوخ قالجه لایله
دوشاد که نصکره اوغلی یزید پلیدیکه زمان خلافت فاروقده
دنیا به کلددر اول خیمه به اوتوردوب کرانه اباس فاخره ایله بعد الزین
ا کاردمشق و اعظم قبایلی یزیده بیعت و خلافتی قبول ایتدکه اولرتبد
ترغیب ایتدیکه کلن امر او اکابر ابتدا یزیده بعده معاویه به سلام و برلر
ایدی امامد مشقه اولان اصحاب کرام حضراتی معاویه بک بو حرکات
نابرجاسنی بکمنوب امیر المؤمنین قره عین رسول حضرت حسین بن
علی بر حیات ایکن و کیجه قائم و کوند ز صائم اولان عبدالله بن عمر و وجود
ایکن و سارا اصحاب رسولدن عبدالله بن زبیر ابن عوام مهاجرین
و انصاردن بوقدر کبرا مسند نشین ایکن معاویه و اوغلی یزید خلافتده
وجهان الوجوه لایق و سزا کلددر دیرلر ایدی (ذلک تقدیر العزیز العظیم)
آخر معاویه دتصکره هجرتک التمشیحی سنه سی رجینده یزیده بیعت
ایتدیلر و یزیدک مادری قبسون بنت هندل کلیدر چون یزید
تخته کجری عبدالله بن عمری و حسین بن علی بن و عبدالله بن زبیری
بیعتده دعوت ایله قبول ایتدیلر ایسه باشلرین کسوب بکا کوندر دیواید
بن عتبه بن مکتوب ایله مدینه به کوندردی عبدالله بن زبیر مکتوبیدن
خبردار اولمغین مکده کیمشیر ایدی (وقت که واید عبدالله بن زبیر دن
بیعت طلب ایتدی همان عبدالله یزیده بیعت ایتدی اما امیر المؤمنین
حضرت حسین رضی الله عنه ولیده سمی ایشامدر بیعت کوندوز
اولور یارین جواب ویرلم پیوردیلر چون صباح اولدی حضرت
حسین پارانله مشورت پیورد قلنده بنی هاشم و بتد کان حسین یزیده
بیعتی روا کور مدکلرندن حضرت حسین مدینه دن مکه به عریمت
پیوردیلر) عبدالله بن زبیر رضی الله عنه مکه بی کندیته خاص یلکله
حضرت حسینک مکه بی تشریفلری خوش کلدی پس عبدالله بک
بو کیفیتی کوفیلر ایشید یحک حضرت حسینه بیانی بک مکتوب

کوندرب دعوت ایتدیلر حضرت حسین دخی اول مکتوبلری
 عبدالله بن عباس حضرتلرینه کوستر دکده ابتدا کوفه یه برکیمسه
 کوندراهل کوفه بی سکا بیعتنه دعوت ایتسونلر قبول ایدرلر ایسه
 بعده کوفه یه عزیمت ایله دیو رای ایتمکله حضرت حسین دخی
 عزیمتده سنی مسلم بن عقیل بن ابی طالبی کوفه یه کوندردیلرلر کار
 کوفه دن سلمان بن خسرو و مسیب بن ناصیه و رفاعه بن شداد و حبیب
 بن مطهر و هانی بن عروه و غیر یار مسلمانان کلوب حضرت
 حسین بیعت ایتدیلرلر حاصل اون ایکی بیک یاخو داون ساکن بیک
 کیمسه حضرت حسین بیعت ایدوب مال و جان بولکه فدا واسون
 بو طرفی تشریف ایله دیواهل کوفه دن حضرت حسین بیعتی یوز
 الی قطعده مکتوب کلمکین حضرت حسین رضی الله عنه دخی کوفه یه
 عزیمتده حاضرلندیلرلر مکر یزید علیه الله عنه کوفه غلنه نعمان بن بشیری
 کوندرمشیدی اهل کوفه نیک احوالی یزیده یلدر مکین یزید دخی مسلمی
 واکانایع اولملری دیله دیو عبدالله بن زیاد خبر کوندرمکله در حال
 حضرت مسلمی شهید ایتدیلر حضرت حسین دخی اولادیلر کوفه یه
 یاقلمشیدی یزید اشدوب عبدالله بن زیاد محسینک ارقوری بولنه
 واروب بیعت طلب ایت قبول ایدرسه خوش و الاسر معطوعنی بکا
 کتوردیمکله عبدالله بن زیاد یزیدلر ایلر حضرت حسینک ارقوری
 بولنه کلدیلر پس حضرت حسین و یارانی مسلمانک شهادتن اشد کلرند
 یاران حضرت حسین ترک ایتمکله حضرت حسین سگسان نفر اهل
 بیتله قالمین جله مکله یه دوغملر اکن یزیدک عراقده والی نصب
 ایتد کیری عبید بن زیاد بیک نفر ایلر مکله یه عزیمتدن منع ایتمکله
 مشهد پدرلی اولان کوفه یه متوجه ایکن فرات کارنده واقع کر بلایه
 متوجه اولدیلر عبدالله بن زیاد و عمرو بن سعد نام کافرلر اون ییدی بیک
 یاخود یکریمی اوچبیک کیمسه ایلر کلوب حضرت حسینک یارانی
 کلمشید ایتمکله ایچق حضرت حسین و اهل و اولادی قالدیلر بونلر
 دخی محاربه ایتمکله شهید اولوب ارکک نامه همان زین العابدین
 حضرتلری قالدی اولدخی خیمه دروننده نامزاح و تشنه لکدن زیاده
 زبون ایدیلرلر یزید علیه الله عنه فرات طرفی طوتوب بولنه صو

و برزدی آخر حضرت حسین کندی اهل برده لر یله اول صحرا ده
 آز و جوغه قناعت ایتمشلر ایدی و بو حادثه جکر سوز هجرتک التمش
 برنجی سندسی محرمک طقوزنجی کوننده ایدی چون اخشام اولدی ایکی
 لشکر برزیدن آریلوب قرداسی بینه جتکه شتلب ایتدیلر ما حصل
 حضرت حسینک جله یارانی و جکر کوشدلی علی اصغر و علی اکبر
 و عباس بالکلید شهید اولوب نوبت دوات شهادت ذات سعادت
 بیتلرینه توجده ایتدکده مبارک ارقملرینه قبای خرمصری بی کلوب
 عمامه رسول الله علیه السلام سرد و ایلرینه صادرندیلر و سیدالشهداء
 حضرت حمزه نک سیرینی صول قوللرینه الدیلر و آتاسی شاه ولایتک
 ذوالفقار بی صناع لارینه الدیلر و ذوالجناح نام اسبه سوار اولوب
 شیر وار آهنگ میدان یوردقلرند اهل برده حضرتانی ای شاه کزین
 بری کیمه اصمردک دیوار دندن فریاد و فغانه باشلیچق حضرت حسین
 کیرود و نوبت سزی الله اصمردم اول بنم و کلمدر قید یکریمی قایردیلر
 یوردقلر نصکره میدانه جیمدیلر و کندی بری به محکم ایدوب یکریمی
 مصرع قصیده مبارکه جکر سوزی بعد الانشاء ای قوم بد کردار
 قورقیر شول اللهم کنه کوند وزی کیجه به و کیجه بی کوندوزه جیفار
 واولری دیری و دیر بلری اولو ایدر و رزق و بر و جان للور اگر بوذکر
 ایتدیمکر خدای اقرار ایدوب و رسولنه ایمان ایدر سکر بکا ظلم و ستمی
 روا کورمکر و شول یوم هوانا کدن قورقیر که جدم حضرت محمد
 مصطفی و انام علی مرتضی و انام بتول عذار سزه خصم اوله اشد
 یتش ایکی نفر او غلاریمی و قرداسلاریمی و خصملاریمی و عوادارلریمی
 شهید ایدوب شمدی بکا هجوم ایدر سکر اگر سوء قصد یکریمکدن
 اونوری ایسه بکلکدن و از کلدیم بکا بول و یرک بلاد و مه یاخود حبشه
 یاخود ترکستانه کیده یم و عیاللریمک تشنه لکدن جکر لری حال حالک
 اولدی آنلریده الوب کیده یم تا که روز جراده سزه خصم اولمده یم
 اگر یوسوزیمی قبول ایتیم سکر الحکم الله رضینا بقضاء الله دیوندا
 یوردقلرند عسا اگر شام شاد مان اولوب معرکه دن بیرون ایلدیلر
 و عسا اگر کوفه آغلاشدیلر یختری بن ریمه و شبت بن رای و سمر
 ذی الجوش حضرت حسین با آن ابوزاب قصه بی دراز ایتده برید

بیعت ایدوب یورطه دن قورتل والا حرب ایدرز دید کارنده حضرت
حسین سر دولتن اوکنه براغوب وافر فکر د نصکره میدان کوروب
قلبی قلبه وضی صفه قارشردی و نیمه تنک بدندن جان آری حق
عمر و سعد خسته نعره اوروب ای قوم یکان یکان حسینه مقابله به
قدرتکز یوقدر همان بردن هجوم ایدک دیمکله اول لشکر فراوان بردن
حاله ایتدیلر ایسه ده حضرت حسین یوز جویر محبوب اول گروه یزیدی
تیغ بران ایله تالان ایدر لردی (مر ویدر که حضرت حسین فرط
تشنه کیدن لب قرانه واروب مبارک آغز لینه صوالد قلرنده اهل یدک
صوسر اغی خاطره اولمغین ایچمدیلر و کاه کاه جراحه دن ناشی مبارک
آغز لری قان ایله طولمغین توکور لر لردی و اعداء دین دخی هر طرف دن
حاله ایله تن سعادت لری زخمیاله ایدر لردی (وقتا که حضرت حسین
کثرت زخمی چنکدن ال حکمدیلر و سوار اولد قلری آت دخی عمل
مانده اولمشیدی عمر و سعد سکر دوب حضرت حسینک یانسه کلکین
سارک کوزلرین آجوب سنی کلور شیکه نی شهید ایتکده یورد قلرنده
عمر و سعد یوسوزدن اوتانوب کیر و دو نیمه سمر لعین امر یله پیاده لر
حضرت حسین طوبی و آلدیلر یو حالده ایکن بر قیاح حواله سله جلد سن
تالان ایتکین سمر لعین غایت نجاشدن بر قیاح یک سبکین دل کیمسه ایله
ککوب بضمیلری خیمه لری غارت ایتک استند کارنده حضرت
حسین نعره اوروب ای آله سفیان اگر غیر تکر وار ایسه یکان
کلک چادر لده نه ایشکوز وار دیو یوز ییق سمر لعین ای حسین
سنک مقصودک ندر دید که اگر سزلک عرضکز نیم قلم ایسه اشته بن
طوبه یورم کیمسه نیم حرم خاعمه کرمسون یوز ییق سمر لعین ای فاطمه
اوغلی یو التماسک اجابه در خیمه که کیرنلر کیر و دوندیلر دید کد نصکره
نه چنکه باشلدیلر (حضرت حسین اول چند بشماره یاقوب ایچلرنده
هیچ موادار کیمسه کورمز دی و سواری و پیاده اگر چه حضرت حسین
حاله ایدر لردی فاما خوف لردن خطوه واحده ایله واره مر لردی
ناگاه بری دین حضرت حسینک مبارک ناصیه سنه بر اوق اورمغین
حضرت حسین اگر چه اوقی چقاروب آتدیلر لکن مبارک جبهه لرندن
جمعه سال قان ریان اولیحق دست سعادت لری اول زخم اوزرینه

قیوب قان طوبی حقه یوزینه و کورینه سوروب یو حالت ایله اولو جدم
حضرت یزه واروب عالمی عرض ایتم کربک یوز لر دی یو حالده ایکن
زرعه بن شریک کلوب حضرت حسینک دست شری یقه بر زخم
اوزدی و ستان بن انس دخی حضرت حسینک طهر سعادته بر کوندر
اورد قد نصکره محرمک و نجی یوم عاشورا که جمعه کونی ایدی
سمر لعین امام مظلومه نمازده ایکن اولکی سجده ده شریقت شهادتی
ایچوردی (انالله وانا الیه راجعون) زیر بر کون جبریل علیه السلام
حضرت حسینک مشهدی اولان کر بلاد بر قیضه نراب اخر کتوب
فخر عالی علیه السلام قصه دین آگاه ایتدیکده فخر عالم دخی اول خاک
سرخی ام المؤمنین حضرت ام سلمه به رضی الله عنه وروب یوردیکه
یو طیارق حسینک مقتلی اولان ارضدکن هر نه زمان قانه مقبول اولور
او اوقته ده حسین شیر این شهادتی نوش ایدر (ایس ام سلمه اول خاک
سرخی بر شیشه به قیوب وقتی کلد کیده کوردیکه اول خاک خون
اولشدر (بعد ذایزیدیلر علیه السلام غایبه دوشوب اهل برده لری
استرا ایدیلر و سر سعادت حضرت حسین ایون سکر نفر سر شهید ایله
کوندلر اوچنه طاقوب کوفه به کتورد کد نصکره اول سر سعادت لری
واهل بیت مکرمی رضی الله عنهم اجمعین ابن مر خانه یعنی عبدالله بن
زیاد اوکنه کتورد کارنده اول طالم یزیدین دخی اهل بیت مکرمی
باشلری و یوزلری آق اوله رقی دوه لره بند یروب سمر لعین ایله شاهه
یزید پلیده کوندردی و یواسلر ایچنده همان زین العابدین حضرت یزیدی
مد کرا و اوب ماعداللهی خواتین ایدی چون بوخبر جکر سوز شامه
واردی رجال و نسا طشیره حیقوب حضرت حسین ایچون آغلشیدیلر
اولکون بر مصیبت اولدیکه کنش جهان پر تو صلاله اولد کلو مصیبتلو
کونه اوغرامشیدی (دیمشدر که حضرت حسین یوم شهادتده
ار غضب الهی ظهور ایدوب شمس منکسف اولدی و آسمانده جرت
بلوردی و اول خیرت الی الان افقده یاقی قالدی و بر قیاح کون قان کبی
یغور یاغدی و شامه قنخی طشی قالدی رسه ل آتشد قان بلوردی
و یونک امثالی علامات ظهوره کلدی (و یو وقعه ده حاضر اولنلر
نائب اولدی و یوامر عظیمه رضا کوسر نلرک هر بی بر درده اوغرا یوب

زمان قلیلده هلاک اولدیله (و بوز و قعه و قعه حضرت حسنین
اون پرسته مؤخر در ولکن ایکسنگدخی وفاتلری یوم عاشورایه تصادف
ایتمسدر (پنا برین یوم عاشوراده سمره استعمال اتمک منهیدر زیر
خوارج و نواصیه تشبهدر و اولکونده ندب و نباح و حزن و امثالی
شمار رواغن و شمعدر) بعد ذایزید علیه السلام سر سعادت شهدایی
اوکنه کتردوب بکات بکات کورد کدن مکره الشده کی چوب ایله
حضرت حسینک مبارک دندان دروالرینه اوزوب استمرادن ماعداد و قعه
یدرده مقتول اولان اجداد و اقربا سنک انتقامی المغه متعلق برطاق
کلمات کفریات سوبلد کد مکره اول سر سعادتلری و اسرار حضرتاتی
انواع عفات ایله عربانا گوشه و محلاتی دور اشد برزوب ابدیه سر
شهدایی کربلاده ککوده لریله دفن اشد رذی (و حضرت امام
زین العابدین ایله اسرار حضرتاتی مدینه یه کوندردی چون اهل مدینه یه
بو خبر مصیبت واردی رجال و نسا فریاد و فغانله یوللر باشنه چیدیلر
و صاحبین جوزوب یاس و ماتم ایتدیله شویله که اهل مدینه
اولکوندن مصیبتلور کون کورما مشلرایدی (الفصه یزید علیه السلام
اوج سنه سکر ماه ایکی کون خلیفه عضوض اوایوب اولکی سنه ده
اولاد رسوله بوجه بالا ناسنرا ایشلرایندی ایکنجی سنه ده تسخیر عالم
غرضیله مسلم بن عقیبه بی اشکر ایله مدینه یه کوندروب مدینه بی
خراب ایتدردی و میودار اعجلمی چقاروب اساسندن قطع ایتدردی
واوچکون پناپی مدینه بی غارت ایتدردی و نسا و صبیاندن ماعداد و جوه
انصار و مهاجریندن بیک یدییوز و حله قرآن کریمدن یدییوز
کیمسه یه شربت شهادتی ایچوردی و مسجد رسول الهی اوچکون
اصطبل دواب اتمکله بومدیده اذان او قوندی و نمازدخی قیلندی
عبدالله بن عمر بن الخطاب و محمد بن علی بن ابی طالب و زین العابدین
و مهاجرین و انصاردن نیچه سرور دین رضوان الله علیهم اجمعین
حضراتی او اوقتنده مدینه ده ایدیلر بزدک بو کونا ملامتنه ضروری
صبر و تحمل ایتدیلر و یزیدیلرک مدینه ده کیرمدکلری برخانه قالدی
حتی اولسنه ده مدینه ده باباری نامعلوم بیک نفره بقین ولد وجوده
کلدی اوچنجی سنه ده یزید پلید مدینه نک ایشی بترک بعد ازین

اشکری مکه یه سوروب عبدالله ایله محاربه و مکه بی آلوب ابن رباحه
تسلیم ایله دیو مسفور مسله خبر و مکتوب کوندرمکله مسلم دخی مکه یه
کیدرکن اوچنجی منزلده خسته اولمقین ابن رباحه بی چاه غرنیدی
و حصین بن نمیری سر اشکر محوسه ایدوب کندی بی مرد اولسیدی
حصین دخی اشکر ایله مکه یه وار یوق عبدالله حضرتلری عساکر
مکه بی جمع ایدوب حصین ایله مقاتله یه باشلیدیلر اولکی کون شامیلر
غالب اولوب مکیلردن جوق کیمسه بی شهید ایتدیلر و ایکنجی کون
شامیلر مکه یه هجوم ایدوب مخیمه لریله طاس اتملریله مکه مکره نل
اوستنه طاشلر دوشوب برقاج ستونی خراب ایلدی روز سوم مخیمتیق ایله
کیمسه بی احراق اتمک اوزره ایکن روز کار امر حقه له آتشی
دویندرمکله عساکر محوسه دن بکرمی بش نفر یدین محترق اولدیلر
و هر کیمسه که بو خباشته اعانه ایچون المرنده ایلر طونار لردی انلردخی
محترق اولدیلر و بولردن غری دین مسیح اوزره خیری استخلال ایدوب
ایمان ایلدیلر و نکاح عاری یچو یزایدوب قیدیلر و یمازی ترک ایدوب
لجبه اشتغال و بونک امشالی کفر و کثاره مصر اولشلرایدی همان
اولکون بزدک مرد اوایوب سوی دوزخه عازم اولدیغی شایع اولدی
علیه مایستحق (دعشدر که یزید پلید شکاره کیمشیدی برکین
اردنبه دوشوب ارض شامده وادی جهنم نام محله وارمقین اورده
نایدید اوادی یاخود برعالی چار طاقده شرب خرا ایدردی مستکله
دوشوب بوخی الشده قالمقین همان هلاک اولدی نقش نکینی ربنا الله
ایدی و یزیدک معاویه و خاند و ابوسفیان و عبدالله و عمر و عبدالرحمن
و عتبه و ابوبکر و حرب و ابوابر یس جولانی نام اون رأس اوغللری
وارایدی و خالد و صفوان نام ایکی رأس حاجبی وارایدی و عبدالله
بن عتبه مصر قاعره ده طرفندن امیرایدی و سلمان بن سعد کاتبی ایدی
و یزیدک کینه سی ابوالایلی میاده اسلامده ایتدا آشکاره شرب خیر
ایتمک یزید دن قالدی (می ویدر که غزای اجدده حضرت حزه بی
رضی الله عنه شهید ایدن وحشی بعد زمان اسلامه کلدکده فخر عالم
علیه السلام وحشی یه خطاب ایدوب وار کوزک کوردیکی پره کیم
بکا کورعه زیر احسانی قتل ایدنلرک اوزینده نظر ایدمه هم بوردیلر

پس اسلام ما قبله کفارت ایکن فخر عالم می جزه بی شهید ایدنه
نظری سو میچک بکر گوشه سنی قتل و اهل یتیمی عریانا شام انجمنده
کر دیزه رک اجانب یاننده خور و جیل و بونک امینالی اهانلرایدن
یزید ملهونک یوزینه نیجه نظر ایدر حاشا بویله اولنلرک یوز زیتنه
نظر رحمتله باقلن و بونلرکی بجهانده ائتمه سترایو عیکن اهل ایمان
وغیرت اسانیدن یزیده نیجه لعنت اولنر فاعنه الله علیه و علی اعوانه
و انصاره و اتباعه انتهى

* فضائل اصحاب کرام رضی الله عنهم *

معلوم اوللا که عشره مبشره حضرتانی مبارک باد اصحاب اوزریتنه
تفضیل اولند یغنی کی اصحاب کرام حضرتانی دخی تابعین اوزریتنه
تفضیل اولنور (زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت تیزی ناسک
خیر اوسنی زمانده اولندر بعده بونلره تابع اولنلر در یوز دینار (بنا برین
شول) جماعتکه مجلس رسول الله کبروب صحبت خاص الخاصلرندن
انواع فوائد تحصیل ایلله و طریق اسلامی بلا واسطه سؤال ایللمه
و میانه ده مودت و محبت حاصل ارله لاجرم اول جماعت بو عنایات
جایله به مظهر اولملرندن اشرف و افضل و اکمل و اکرم اولورلر
و بونلرده اولان خاصیت مخصوصه اول سرور دینی و مجلس سعادت لرینی
کور میلرده اولنر پس اصحاب کرامک بو وجهله خیر امت اولدقلری
نصوص قاطعه و احادیث شریفه الله تعالی در (ابو سعید خدریدن
رضی الله عنه مره یدر که رسول الله علیه السلام اصحابه دشناملق
ایتمک و آملری دشمن اتخاذ ایتمک شول اللهه قسم ایدرمکه نفسم
یدر قدرتمده در اگر بریکر اصحابه شتم ایتمه یا خود دشمن طوتمه ده
مال حلالدن جبل احد قدر التون صدقه و برسه الک جزای عوضی
اولنر و ثواب و صوابدن عاری نومند و محروم ایدی اولور یوز دینار
(عبدالله بن مغفل رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه و سلم)
سزللهدن قورقک سزللهدن قورقک اصحابم حقده سزللهدن قورقک
سزللهدن قورقک اصحابم حقده اصحابی هدف تو ذایمک بند ذکره
هر کیم اصحابی سوه بی سور و انلره بغض و اذ ایدن بکا بغض
و اذ ایدر و بکا بغض و اذ ایدن حق تعالی به اذایتمکله مظهر غضب

اولور و حق تعالی راخی اولدیغنی مؤاخذه ایدر و مؤاخذه ایلدیک
عذابدن خلاص اولنر یوز دیناریدی (بریده رضی الله عنه
رسول الله صلی الله علیه و سلم) تدمکه اصحابم بری برار ضنده و قات
لیدوب ملقون اواسنه حق تعالی روز قیامتده اول ارض اهلنه بر نور
کوندر و ب اول نور دلائله بی تکلف چنه ادخال ایدر یوز دیناریدی
(انس بن مالک رضی الله عنه رسول الله صلی الله علیه و سلم) اشتد مکه
میانه امتده اصحابم طعامده کی طوز کیدر یوز دیناریدی (حداد ثم جدا
علماء اهل اسلامک اعتقادلری پاک اولوب وعظ و نصیحتلرنده اصحاب
کرامک اوصاف و آثار یله مؤمنینی ارشاد ایدرلر و مؤمنین دخی حسن
اعتقاد یله وعظ و نصیحتی بعد القبول فعل و عمله کوزرلر پس مؤمنه
واجب و قرض عین اولان اصحاب کرامک صواب کور کلری امور دن
قطعا تجاوز ایتمه لالا کافر اولورلر زیرا دین و اسلام حقیقده انلردن
ظهوره کلمدر انکچون امام شافعی حضرت تیزی اصحاب کرامک هر بری
جمع علوم و اجتهاد و عقل و فکر و رأی و تدبیرده یزدن یوز بیک مرتبه
زیاده در یوز دینار (سلطان انبیاک علیه السلام) تمقدار اصحاب کرامی
وارایدی دیو ابی زرعه دن رضی الله عنه سؤال اولند قدده حسابدن
بیروند ریدی رسول الله علیه السلام حجه الوداعده ایکن عند
سعادتلرنده قرق بیک تمقداری صحابه کرام وارایدی و غزای تبرکده
یتیمک صحابی وارایدی و حین وفات حضرت پیغمبریده یوز بیکری
درتیمک صحابی وارایدی دیو ابی زرعه دن مر و یدر رسول الله صلی
الله علیه و سلم اتحق درتیمک حدیث شریفی وار همان بقدره یدر
یوخسه زیاده میدر دیو سؤال اولند قدده ابن زرعه رضی الله عنه
مسلمان اولان یوم لاوز نادقه سوزینی سوزیلن دیدلر واقعا اصحاب کرام
حضراتنه علی الاتقرا دخواجه عالمدن علیه السلام احادیث شریفه
روایت ایتمک فرض و واجب دکدر که حدیثک قلبیه اصحاب کرامک
قلتمه استدلال اولند و الحاصل قریب و بعیددن جمال با کمال حضرت
پیغمبری بی مشاهده ایدن اصحابم در بو خصوصده مطابقی رؤیت
ناقدین بو جواب مستطاب بی ابی زرعه دن رضی الله عنه اهل سؤال
استماع و حسن قبول ایدوب بو قول قول معروف و مشهور در

دید یلر زیر طریق اهل حدیث بود که هر مسلمان که حضرت محمد المصطفی کورمش اوله او کیمسه اصحاب کرامند اما ابو مظفر نه مانیدن نقل اولندیغی اوزره رسول الله بن بر حدیث شریف و یا بر کجه روایت ایدنه اصحاب حدیث صحابه در دیر لکن طریق اهل اصول بود که هر کیم مجلس رسول الله به دخول ایدوب بر مدت خدمت نصکره قطع امر شریفی ترک ایتزایسه او کیمسه صحابه دندر (والحاصل افضل اصحاب بالاتفاق ابو بکر بعده عمر بعده عثمان بعده علی در رضی الله عنهم و بونلرک بر بری اوزرینه فضیلتلری مقرر در و بورتیب ابو منصور بغدادی قولیدر که بونکله عمل ایتک جله ید لازمدر عصمت الله من زلة لاقدام (و بوجهار یار حضرت اند نصکره افضل اولان سینه باقیه در بعده اهل بدر بعده اصحاب احد بعده حدیثیه رضواننده بیعت ایدنلر در رضوان الله علیهم اجمعین * نهایت متوفات اصحاب کرام رضی الله عنهم *

اتفاق آرایله هجرت نبویه نك یوزنجی سینه سنده اصحاب کرامدن آخر وفات ایدن ابو طفیل عامر بن واثله در بعضیلر هر ولایتده بر صحابی وفات ایتدی دیدیلر احمد بن حنبل روایتی اوزره صحابه دندن مدینه ده آخر وفات ایدن جابر بن عبد الله هدر اما قتاده رضی الله عنه روایتی اوزره صحابه دندن مدینه ده آخر وفات ایدن سهل بن سعد در بعضیلر سایب بن یزید در دیدیلر و علی بن مر بنی قولی اوزره صحابه دندن مکه ده آخر وفات ایدن عبد الله بن عمر در جابر بن عبد الله دیندی بصره ده صحابه دندن آخر وفات ایدن انس بن مالک در ودخی عبد البردی رضی الله عنه اصحاب دندن انس بن مالک دندن مکه وفات ایده فی بیلم مکه که کوفه ده عبد الله بن ابی اوفی و شامده عبد الله بن بسر اوله دیدی (بعضیلر فلسطینه ده آخر وفات ایدن ابوامامه در و بعضیلر مصر ده آخر وفات ایدن عبد الله بن حاتم در وده شقه واثله بن الاسه در و فلسطینه ده ابوامی بن ام حرام در و حصه عبد الله بن بسر در و یامده هر داس بن زیاد در و جزیره ده عرس بن نمیر در و بادیه اعرابده مسلمة بن اکوع در دیدیلر (بعضیلر سلمة بن اکوع برای مصلحت مدینه به کلاکین انده وفات ایتدی دیدیلر ودخی اصحاب کرامدن ایکی نفر ذات مکرم

التبشیر سینه جله ایتده و التبشیر سینه زمان اسلامده اولوب یوزیکر مبشیر سینه معمر اولدقلر ند نصکره هجرتك اللهی در دنجی سینه سی مدینه ده وفات ایتدیلر و اول ایکی نفر صحابه دندن بری حکیم بن حرامدر که اصحاب قبل سینه سندن اون اوج سینه مقدم جوف کعبه ده وجوده کاشدر و بری دخی حسان بن ثابت بن منذر خرام انصار بدر و بوجده حسان و ثابت و خرام انصاری یوزیکر مبشیر سینه معمر اولدیلر دیو ابو اسحاق دن منقولدر رضوان الله تعالی علیهم اجمعین * ذریه ان فقهاء اصحاب عظام رضی الله عنهم *

عمر بن الخطاب و علی بن ابی طالب و ابن عباس و ابن عمر و عبد الله بن زبیر و عبد الله بن عمر و العاص و ابن مسعود و زید بن ثابت و ابی بن کعب و ابو موسی الاشعری و ابوالدرداء حضرتانی اشبورتیب اوزره اون برنفر فقهاء اصحاب عظام در رضی الله تعالی عنهم (امام احمد بن حنبل رجه الله علیه پیور که فتوی و یرمکده ابن عباس دندن اعلم والیق یوغیدی و عبادله نك اولدیلر دیو مشهور ایدی یعنی عبد الله بن عباس و عبد الله بن زبیر و عبد الله بن عمرو بن العاص و عبد الله بن مسعود و بونلردن ماعدن میانه اصحاب کرامده مشهور اولان ایکیوزیکر می نفر عبد لاهک جله سی عبادله دندر اما عبد الله بن مسعود عبادله فقهاء دندر رضی الله عنهم (علی بن عبد الله مدنی قولی اوزره اصحاب کرامدن عبد الله بن مسعود و زید بن ثابت و عبد الله بن عباس کی بر احد اولوب بونلرک اقوال صادقدری و جوهله مقبول و مرغوبدر ابن مسروق دیر که اصحاب کرامک علمنی الی نفر صحابه دندن تمام بولدم آنلر عمرو علی و ابی وزید و ابوالدرداء و ابن مسعود حضرت ایدندر شعبی دیر که علم شریف الی نفر کیمسه دن آفاقه منتشر اولدی و اول الی نفر کیمسه دن عمر بن الخطاب و ابن مسعود و زید حضرتانی بر برلرینه مانند استفاده و افاده اوزره ایدیلر و علی بن ابی طالب و اشعری و ابی دخی بر برلرینه کذلک مانند افاده و استفاده ده اولدیلر (پس فقهاء اصحاب کرام اولان اون برنفر عزیز مکرمک اولکسی (عمر بن الخطاب) و ایکیجه سی (علی بن ابی طالب) در که منافب جلیلدری و کیفیت احوالدری عشره مبشره بیانده افاده اولندی رضی الله تعالی عنهم

* عبدالله بن عباس رضی الله عنه *

بنی حضرت عبدالله بن عباس بن عبد المطلب هاشمی در که
 خاتمه زاده جناب فخر عالم در و والد هری لبابه بنت حارث بن عامر بن
 صعصعه در که زوجات طاهر ابدن حضرت مجنون بنت حارث
 همشیره سید و جناب عبدالله بن عباس فقهاء اصحابك او خجسته
 هجرتدن اوج سه با خود ایکی سنه مقدم حجاج بن ورداعج الله وجوده
 کلد کرده ابتدا آغز زی بجه هم سعادت حضرت بعبیدن بر قطره
 جلاب زلال فیض عقیله پورادی حین وفات حضرت محمدیه اون
 اوج یاشنده مرد مجسم و بالا آید و سید بشیره و کشته رو و خوب مو
 و خوش خویاید و مبارک صبا حارث بن حنابله بو یارادی عطیادین
 مقولدر که ابن عباسك وجه انور لی مثال ماه چارده برقی آوردی
 و جمیع اوصافده امت محمدك غایت خیر اوسنی ایدی بنابر بن ائمه کرام
 انك علمدن استفاد و اصحاب كز بن انك قوابله عمل ایدوب بحد
 حرمت و عزت ایدرادی (حتی عمر بن الخطاب رضی الله عنه امور
 مکه بی اکابر اصحاب الله مشورت ایلد کده ابن عباسك رأی قبول
 ایدرادی حال صبا و تنده رسول الله علیه السلام آتی مبارک قول و قاری
 اره سنه آلوب انهم علمه الحکمة دیودعا و ورلادی به ضایع علمه کتاب
 دیور وایت ایدرادی و جناب عبدالله بن عباس حضرت جبریل
 علیه السلام ایکی دفعه مشاهده ایدیلر ابن مسعود رضی الله عنه
 نیک بختلی عبدالله بن عباسك در یوردیلر مشروق رضی الله عنه هر چند
 عبدالله بن عباسی کوردیکه علم و فضل او حسن ببیلر جهنم
 آدم و آدمی زادك اشرف و افضلدر دیر ایدم و حدیث شریف قرائت
 ایلدکرنده عالمده بونک کی عالم یوقیدر دیر ایدم یوردی و حضرت
 عبدالله بن عباسك مناسقب و اناری شماردن بهره ندر خواجه عالمدن
 علیه السلام روایت ایلدکاری بیک التیوز الشمس عیدد احادیث
 شریفه بک طقه ان بشی صحیحینه و بکرمی سکرزی بالکر بخاریده
 و فرق طقوزی بالکر مسلمده و باقی در تیوز سکسان سکر حدیثی سائر
 جوامعده در ابن عمر و انس و ابوالطفیل و امامه بن سهل و تابعیندن
 جماعت کثیره عبدالله بن عباسدن احادیث صحیحیه روایت ایدیلر

و حضرت محمد بن عبدالله بن عباس رضی الله عنه بن مسعود بن ابی سرح ابیه
 مصره و اروپ افر بقیه غراسنده بواندیلر هجرتك یکر می یدنی سالدیه
 چشم طاهر بیلری تابینا اولوب عمر جز بیلری بتمش بر یا خود الشمس
 بر سنه یه وارد قنده هجرتك الشمس سکر می سنه سنه کده عبدالله بن زبیرك
 ایامی ایدی طایفه وفات ایتکین نمازینی حضرت محمد بن حنیفه قیلدیلر
 هر چند ابن عباس لفظی مطلق ذکر اولنیده امر الله عبدالله بن عباس
 دینك اولور و ابن عباس حضرت تکرینك اون نفر اولادکر ایلری طیب الله
 و فضل و غیب الله و قیم و عبدالرحمن و سعید و حارث و کثیر و غوث
 و تمامند ذکر اولان محکم اگر آمدن عبدالله بن عباس قیر منور لری طائفه
 و فضیلت بره و کده و قشک سمر قنده و سیدك افر بقیه ده و غیب الله
 و عبدالرحمن و حارث و کثیر و غوث و تمامك دینی قیر را نور لری غیبیه
 منوره ده در رضوان الله تعالی علیهم اجمعین

* ابو عبدالله الرحمن عبدالله بن عمر بن الخطاب رضی الله عنه *

بوسرور دین دینی فقهی اصحابك در دین علی اولوب خند بلوغه
 ایدم کسز بن والدی حضرت عبدالله بن الخطاب رضی الله عنه
 مسلمان اولدیلر و بیا سندن مقدم هجرت با تمشیدی خندقی و سائر
 مشاهده حاضر ایدی حتی غزای احدیه ایلر و کتبه رسول الله بن
 علیه السلام اجازت استند کده هنوز طفل اولد قلدن اذن و اجازت
 یوردی اما نافع دیر که جناب نبوت علیه السلام اینه عبدالله بن عمر
 اجازت و پردیلر اما اون درت یاشنده نور سیده جوان اولغبله یتیم
 ایتدیلر اروع و اعلم و زاهد ذات شریفی ایدی فتوی و پردکرنده
 زیاده نقیض ایدوب احتیاط ایدرادی بوجهنندن مناسقب و بآری
 بی نهایت در خواجه کائناتدن علیه السلام روایت ایلد کلری بیک البوز
 اوتوز عیدد احادیث شریفه بک یوز التمی صحیحینه و سکسان بری
 بالکر بخاریده و اوتوز بری بالکر مسلمده و باقی بیک او بخیر یکر می
 ایکیسی سائر جوامعده در صحابی و تابعیندن جماعت بسیار عبدالله
 بن عمر دن احادیث شریفه روایت ایدیلر و حی زولتدن بزیل مقدم
 و جسوده کلشرا ایدی سن سعید ایلری بتمش یدی یا خود سکسان
 بر یا خود سکسان یدی سالد وارد قنده هجرتك بتمش او حقی سنه سنه کده

رسول الله عليه السلام دار ارقه دخول پیور مردن مقدم اوائل اسلامه
مسلمان اولدیلر حتی حضرت عمر رضی الله عنه اسلامتدن دخی اول
ایندی و کندیلری بن اسلامه کندی معنی التبتک التجبلی کوردن
اولمانده بندن غیری روی ارضده مسلمان یوغیدی پیورلردی حبشه
ومدینه به هجر تلریده رسول الله علیه السلام بیه ایدیلر در کاه سعادتک
خواصیده اولغله رسول الله علیه السلام اکرا و فائده یونلر ایه مشورت
پیورلردی وغراونده خاکبای رسالتیناهدن متفک اولیوب خدمته
اولدیلر اگر چه خدمت ایدیلری نهایی در فاما یونلر سیاره نسبت ایه
زیاده خدمت ایدیلردی بنابرین رسول الله علیه السلام تقریری
زیاده ایندی ابن مسعود رضی الله عنه پیورلر که شول الله حقیق و نسکه
اندن غیری آله یوقدر کتب الالهین بر سوره نازل اولد یکیم بن انک
سبب نزولنی یلیم و برایت یوقدر کیم بن انک نه مکانه نازل اولدیغنی
یلیم غزای بدرده و اند نصیحه اولان غزوانده معیت حضرت پیغمبریده
ایدیلر و قدس و مکینه نماز قیلدیلر و یونلر حقیده رسول الله علیه السلام
ابن مسعود اهل جندرامندن عبدالله بن مسعودک راضی اولدیغنه
بنده راضیم لکن راضی اولدیغنه بنده راضی اولم هر کیمسه به که
عبدالله بن مسعود نظر ایده بر دخی اول کیمسه به نظر ایده بر پیوریلر
ما حصل عبدالله بن مسعودک مناقب جلیله سنه نهایت یوقدر حتی
زمان حضرت فاروقیده کوفه ده قاضی اولدیلر خواجه عالمدر روایت
ایلد کلدی سکر یوز قرق سکر عدد احادیث شریفه تک التمش دردی
صحیحینده و بکرمی بری تنها بخاریده و او توی بشی تنها مسلمده و باقبسی
سماز جوامعده در اصحاب بسیار و تابعین یستما و یونلردن احادیث
شریفه روایت ایدیلر جناب عبدالله ابن مسعود زمان خلافت
حضرت عثمان رضی الله عنه ده مدینه به کلوب عمر شریفلری التمش
طوقه قریب اولدیده هجرتک او توی ایکجی سنه حشده مدینه ده
وفات اتمکله بقیع کورستانده دفن ایدیلر بعصیلر کوفه ده وفات ایدیلر
آنده مدفوندر و یشلر غالباً قول اول صحیحدر رضوانه الله علیهم اجمعین
* ابو سعید حضرت زید بن ثابت رضی الله عنه *

ابن صحبک بن زید بن اوزان بن عمرو بن عبد شوق بن ضمیر بن مالک

ابن نجار انصار بدر که نجار بدر جناب زید بن ثابت دخی فقهاء اصحابک
سکر نجیبی اولدیغندن کاتب وحی و کاتب مصحف شریف و کاتب
مکاتیب سرور کائنات علیه افضل التحیلت ایدیلر باباسی ثابت بن
ضحاک قتل اید کازنده الی یا سنده ایدیلر اون یو یا سنده کیرد کازنده
استانه رسالته کلوب قرآن کرمندن اون الی سوره از بولد کذ نصیحه
قرمان حضرت معمر موحودات ایه خط یهودک کاتب و قرانی
اون پر کونده تمامه او کندیلر و رسول الله علیه غزای بدره کیدیلر
اما غوز نو جوان اولغله رسول الله علیه السلام کیر و عودت ایدیلر
لکن سائر غز و انک جله سنده حاضر ایدیلر حتی غزای تبوکده
رسول الله علیه السلام بنی نجارک استیجانی زید بن ثابت تسلیم پیوریلر
(و حضرت عمر رضی الله عنه هر چند حج شریفه کیدیلردی زید بن
ثابتی مدینه ده کندی برلینه خلیفه نصب ایدیلردی و حضرت عثمان
رضی الله عنه زمانده امین بیت المال اولدیلر ما حصل جناب زید
بن ثابت علماء زاسخینک زیده شی و خلاصه سیدر خواجه کانتیدن
روایت ایلد کلدی طقستان ایکی عدد احادیث شریفه تک بشی
صحیحینده و دردی تنها بخاریده و بری تنها مسلمده و ماغدامی سائر
جوامعده در ابو عبدالله بن عمر و عبدالله عباس و انس و ابو هریره
و اصحاب و تابعین خیلی زمره ابرار زید بن ثابتدن احادیث شریفه
روایت ایدیلر جناب زیدک عمر عزیزی التمش بش ساله وارد فده
هجرتک الی در دخی تاریخنده مدینه ده وفات ایدیلر حین وفاتلریده
عبدالله بن عباس حضرتلری مجلسنده حاضر اولان اصحاب کرامه
ذهب الیوم علم کثیر دیوب فوق الغایه تأسف ایدیلر رضوان الله
تعالی علیهم اجمعین

* ابو المنذر حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه *

ابن قیس بن عییند بن زید بن معاویه بن عمرو بن مالک بن نجاری
الانصار بدر یونلر دخی فقهاء اصحابک طقوز نجیبی اولوب اعلم علماء
واقراء سید العراء ایدیلر و عقبه تک بیعت ثابته سنده حاضر ایدیلر
ومدینه به کلد کده رسول الله علیه السلام مکتوب یازدیلر و غزای
بدرده سردار اکرمه علیه السلام ایشدیلر و سائر غز و انده دخی حاضر

ابن رسول الله عليه السلام انك حقه ده (اقرء امي ابی بن كعب
 یوزدیلر و بونلرک فقاہت و علم و ورعی حقه ده احادیث کثیره وارد
 اولمشدیر بولمیشدین منیاقب جلیله سی عداد دن یوزدنر خواجه
 کائناتین روایت ایلد کیری یوزالتش دیرت عدد احادیث شریفه نك
 اوچی صحیحینده و اوچی تنها بخاریده و بیضاوی تنها مسلمده و بایه سی
 سار جوامعه ده در هجرتك اوتوزی ناریخده زمان خلافت حضرت
 عثمانده یا خود زمان خلافت حضرت عمرده مدینه ده وفات ایدوب
 ایلده دفن ایتدیلر رضوان الله علیهم اجمعین

* ابو موسی حضرت عبدالله بن قیس رضی الله عنه *
 ابن سلیم بن حصار بن خاری بن عامر بن غزن بن بکر بن عامر بن
 عاذر بن وکیل بن ناجیه بن حماد بن الاشعریدیلر یوزلدی فقهائ
 اصحاب کرامك اوتوزی ایدی قبل الهجرة مکه به کاتب مسلمان
 اولدیلر و حبشه و مدینه به هجرتلرینه خایه کای رسالت ایلدیلر
 حتی جعفر بن ابی طالب ایلد کشتی سوار اولوب حبشه هجرت ایتدیلر
 و قاعه خیمه فخریه مکه ایلد کیری دلاور حضور سعادته کات کارنده
 عباسیم خیردن بونلره دخی حصه احسان اولندی و بونلردن ماعدا
 خیر فخرینه بولمیشلره نسته و یرمدیلر و رسول الله علیه السلام زیید
 و عدن و ساحل عنی عبدالله بن قیس امانت و یرمشلر ایدی صکره
 حضرت عمر رضی الله عنه کوفه و بصره عمان دخی بونلره و یردیلر
 اردنده حاکم اولان حضرت عبیده نك وفاتلده حاکم اولمیشلر موی ایلد
 عبدالله بن قیس حضرت تیری جانب حضرت فاروقیدن رضی الله عنه
 هجرتك اون بدی تاریخده مازالیهان اردنده دخی حاکم اولدیلر
 (بعد از بن حضرت عمر رضی الله عنه امر ایتد ایشالا اهواز و ارواب
 به ایتد سجانه اهوازی قهر با خود صلح ایتد الفتح اصنفهانی دخی
 فتح ایتد کدن صکره عمر عزیزی الشمس اوج ساله و یرمشیدی مکه به
 کاتب هجرتك الی تاریخده وفات ایتدیلر خواجه عالمدن عابد السلام
 روایت ایلد کیری اوچوز الشمس عید احادیث شریفه نك التبتی
 صحیحینده و دردی تنها بخاریده و اون یشتی تنها مسلمده و بایه سی سار
 جوامعه در اصحاب و تابعیندن جم غفیر عبدالله بن قیسدن احادیث

نبویه روایت ایتدیلر رضی الله عنهم
 * حضرت ابو الدرداء عوم رضی الله عنه *

ابن قیس بن عایشه بن امیه بن مالک بن عامر بن عدی بن کعب بن
 انزارج انزارجی الانصاریدیلر بونلردی فقهاء اصحابك اون برنجسیدر
 هجرتدن زمان قلیله مرورنده مسلمان اولدیلر و عوم بن زیدك اهلندن
 مسلمان اولدق انجیق زیدك عالمشیددی انجیر زید دخی مسلمان اولدیلر
 طریق اسلامه برکال رعایت ایلد عالم و فقیه و حلیم ذات قویدیلر
 و رسول الله علیه السلام ابو الدرداء ایلد سلمان الخیری قرنداش ایتدیلر
 جناب ابو الدرداء غزای احد دن غیری جمع غزواتده حاضر ایدیلر حتی
 غزای احدده حاضر اولد قلی اختلا فیدر و بونلرک او صاف
 و مناقب جلیله نيك نهایتی یوزدر زمان خلافت جناب عثمانده والی
 دمشق ایلدیلر هجرتك اوتوز برنجی ساللده دمشقده وفات ایتد کارنده
 خوالی باب الصغیره روضه ام الدرداء نام محلده دفن ایتدیلر خواجه
 عالمدن علیه السلام روایت ایلد کیری یوزنیمش طقور عدد احادیث
 شریفه نك ایکسی صحیحینده و اوچی یازکن بخاریده و سکرزی یازکن
 مسلمده و بایه سی سار جوامعه در (ابن عمر و ابن عباس و ابو امامه
 و فضاله بن عبید و یوسف بن عبدالله بن سلام و تابعیندن جماعت
 کثیره جناب ابو الدرداء دن احادیث نبویه روایت ایتدیلر
 رضوان الله علیهم اجمعین

* تدبیران حفاظ احادیث شریفه *
 خواجه کائنات علیه افضل السلوات و اکل التحیات حضرت تیرك
 لسان در بارلردن من غیر واسطه بالذات احادیث شریفه کوش
 ایدوب روایت ایتدیلردن ممتاز و حفاظ اصحاب کرام رضی الله تعالی عنهم
 حضرت اقی اتفاق آرا ایلد (ابو هریره و ابن عمر و عایشه و جابر و ابن عباس
 و انس بن مالک و عبدالله بن عمرو و العاص حضرت اقی اولمیشلر ایشویدی
 نفر حقائق کرامك مناقب جلیله لری بر شیل اجمال حکمده براعه
 تحقیق قیلنور رضوان الله علیهم اجمعین

* حضرت ابو هریره عبد الرحمن رضی الله عنه *
 ابن صخر الدوسیدر زمان جاهلیتده اسملری عبد شمس یا خود

عبد عمروایندی و بونلر حفاظ احادیث شریفه نك ابتداسیدر مسلمان
اولد قلزنده رسول الله علیه السلام عیدالرحن تسبیحه پیوردیلر کمال
شفقتلرندن راست کلدکاری کر به لری بردن اخذ و مبارک اوموزلرینه
بند یروب سعادتحانه لرینه کتوردیلر بینه بناء رسول الله علیه السلام
ابوهریره دیوکنیه و پردیلر (بنابرین کتبه شریفه لری نام اصلیه لرینه
غلبه ایدوب علم اولدی خیرسنه سنه ایمانه کلوب خیر غزاسننده
حاضر اولدقدن صکره رسول الله علیه السلام هرگز خالی اولدیلر
چله دن زیاده علمه رغبت ایدوب تحصیل باینده اخلق و صوسزاق
وهر بانه راضی اولدیلر وهر زمان که رسول الله علیه السلام سعادت
وسلامه بر محله توجه و عزیمت پیوره لرایدی ملازمت شریفانندن
قطعا منفک اولزلدی وخواجه ایمالیدن علیه السلام کوش ایلدکاری
احادیث و اخباری حفظ ایدوب اوتزلدی شویله که بر احدث احضار
ایده مدیکی عجایی احضار ایدردی (القصة اصحابدن ابوهریره دن
زیاده هیچ کیمسه خاکبای رسالتناهده ملازمت ایتماشدر انکچون
میانه اصحابده ابوهریره دن زیاده حدیث شریف روایت ایدر کیمسه
یوقدر بناء علی هذا) ابن عباس و ابن عمر و جابر و انس و وائله الاسقع
حضرانی کی اصحاب و تابعین و تبع تابعیندن سکر یوزدن زیاده ضرور
دین ابوهریره دن احادیث شریفه روایت ایدیلر عبدالله بن عمر دن
غیری بندن زیاده حدیث شریف روایت ایدر یوقدر زبرا عبدالله
حضر تری بازار لردی بن یازمغه قادر دکل پیورزلدی بویله ایکن
ابوهریره دن شبیک و عبدالله بن عمر دن بدیور حدیث روایت
اولندی زبرا ابوهریره مدینه ده توطن ایتمکله دکل اهل حاجت مدینه ده
واروب ابوهریره ایله مصاحبت ایدر لردی (بنابرین زیاده حدیث
روایت ایدیلر اما عبدالله بن عمر مرده او اوب مدینه ایله یقی مسافه
بعیده اولدیغندن هر چند اختلاط و مصاحبت اولم مدینه ده یقی
انلردن احادیث شریفه از روایت اولندی و ابوهریره شبیک اوچیز
یتش درت عدد حدیث شریف روایت ایتمشدر که بود دولت ابد پیوند
بونلردن غیری اصحابدن کیمسه نصب اولماشدر انکچون اول صاحب
حدیثدر امام ابو بکر بن ابی داود سجستانیدن منقولدر که سجستانده

احادیث نبویه جمع ایدردم حضرت ابوهریره بر کیمیه واقعه مده
بن سنی زیاده سیله سورم و بن اول اصحاب احادیث حضرت رسول
پیوردیلر دیدی (پس ابوهریره نك ذی الحلیفه ده خانه دواتلری
اولم له آنده ساکن او اولر لردی عمر عن زلری یتش سکره وارد قده
هجر نك الی بدینی تاریخده مدینه ده وفات ایتمکله بقع کورستانده
دفن ایدیلر حفاظ احادیث شریفه نك ایکنجیسی حضرت (عباس
و اوچنجیسی حضرت (ابن عمر و در دنجیسی حضرت (عائشه در که
مناقب جلیله لری بالاده کتدر ایلدی رضی الله تعالی عنهم
* حضرت انس بن مالک رضی الله عنه *

ابن نصر بن منضم بن زید بن حرام بن جذب بن عامر بن غنه
بن عدی بن نجار انصاریدر رسول الله علیه السلام ابوحنه دیوکنیه
و پردیلر و بونلر دخی حفاظ احادیث شریفه نك بشیخسیدر رسول
علیه السلام سعادته مدینه بی تشریف پیورد قلدنده یا اباطلحه
خدمتکارلر کدن برینی بکا و پردیو پیورملریله جناب طلحه دخی جناب
انس کتوردیلر اولوقته جناب انس اون باشنده ایدیلر مدینه ده
اون سنه خدمت رسول الله علیه السلام اولدیلر و جمع غزواتده خاکبای
رسالتناهده دن جدا اولوب روی دشمنه تیر اندازاق ایدر لردی
و اصحابده جناب انس دن اولادی زیاده کیمسه یوغیدی (زبرا بصره ده
یوزیکرمی طقوزه یقین اولادی وجوده کلمی (منقولدر که هل بصره دن
انس و ابو بکر و خلیفه ایدر یوزیکر به شرف اولاد ذکورنی کورمتجه
وفات ایدیلر و جناب انس سنه ده ایکی دفعه محصول و بر بصره ده
برستانی وارایدیکه ایچده مسک کی ریحه دار براوت بزدی اونلرک
مناقب و آثاری ینهایه در (خواجه کائناتدن روایت ایلدکاری ایکیینک
یوزسکسان الی عدد احادیث شریفه نك یوزسکسان انس کیمچینده
وسکسان اوچی بالکر بخاریده و یتش بری بالکر مسلمه و باقسی
سائر جوامعه در (عمر شریف لری یوزیدی ییله وارد قده هجر نك
طقسان اوچنجی تاریخده بصره دن بر یحق فرسخ بعید یرده وفات
ایتمکله قصر انس نام محله دفن ایدیلر جناب انس خین وفاتلر نه
مودق نام کیمسه بو کون علمک فصیح کتدی زبرا حدیث شریفه

دين العلماء من الفت واقع اولد قده انس بن مالك كن سوال ايدوب
شبهه مزى حل ايتدير ايدك ديديلر رضوان الله تعالى عليهم اجمعين
* ابو عبدالله حضرت جابر بن عبدالله رضى الله عنه *

ابن عمرو بن خراد بن عمرو بن سواد سلمة بن سعد بن علي بن اسد بن
سارده بن زيد بن حشم بن خزرج الانصاري خزرجي السليدي بونلر
دخي اكابر احكامدين حفاظ احاديث نبويه نك التجسيدر خواجة عالمدين
عليه السلام روايت ايلد كاري بيك قرق عدد احاديث شريفه نك
التمشي صحيفينده واون التمشي بالكر بخار يده ويكرمي سكرمي بالكر
مسلمده و ما عدا سي سار جوامعه در (بن و ابوينم و قرنداشم عقبه
بيعتك احكاميندر پورلردى اون يدي عزاده معيت رسول الله
ايدم امايدر واحد غزالدين بابام بني منع ايتدى چون بابامي غزاي
محدده شهيد ايتديلر من بعد معيت رسول الله عزادن خالي اولدم
پورلردى جناب جابر سردار اكرمك عليه السلام سوار يارندينر
مناقب و اوصاف حميده سنك نهايتي بوقدر آخر چشم ظاهر يئلري نايينا
اولوب عمر عزيزلى طقسان درت ييله وارد قده هجر نك يمش اوچي
تار يخنده مدينه ده وفات ايتديلر (حفاظ احاديث نبويه نك يديجيسي
حضرت (عبدالله بن عمرو بن العاصدر كه مناقب عليه لري بالاده
فقهاء اهل حديث تفصيلنده كذر ايلدى رضوان الله عليهم اجمعين
* حضرت امام اعظم رحمه الله عليه *

اغمه نك اقدمي و مجتهدينك اعظمي حضرت ابو حنيفه نعمان بن ثابت
الكوفيدير هجر نك سكايتي تار يخنده وجوده كلديلر و باباسي ثابت
جناب ايحنيفه بي قوجاغنه آلوب حضرت علي ابن ابي طالبه رضى الله عنه
كتوردكارنده بركت ايله خير دعا پورديلر جناب ايحنيفه ميانه قد
و خوب صورت و شيرين سخن و نرم دل و خوش زندگاني و شفقتك
و جوامعرايديلر جناب امام شافعي پورلر كه امام مالكه حضرت
ايحنيفه بي كوردكي ديديكده اكر برستونه التون اول ديوسكلم پورسلر
انك بحيله التون اولوردى بر ساعت انكله مصاحبت ايديك مدت العمر
بران اندن آيرلزدك ديدكلرنده جناب امام شافعي دخي هر كيم علم
و فضيلته در بای تمان اولق استرسه امام اعظم حضرت ترينه ملازمت

ايتسون و اكر حديث شريفده متبحر اولق استرسه امام مالكه كيتسون
پورديلر مرويدر كه بعض احكام شافعي مجلس جناب شافعيده
ايحنيفه حضرت تريني بعض تعصب بطريقيله ياد ايتدكلرنده جناب
امام شافعي خشم ايدوب اول كيمسه بي مجلس شريفلرندن طردايدوب
آندنصكره مجلسلرينده قوبديلر و بالدايه حضرت امام اعظم
ستايسته دارا ون مصرع بيت انشاد پورديلر پس مذهب ايحنيفه
مذاهب ساربه په كوره سار نبوتلره و ولايتلره نسبتله نبوت محمديه
و ولايت عيسويه كيدير انكچون جميع مذاهب حقه انكله ختم اولسه
كر كدر بناء على ذلك تقدر اولياء حنيفه و ارايسه جمله سنك رئيسي
ابو حنيفه در (ملوك آل عثمان كه خدام الحرميندر مذهب امام اعظم
اوزرينه اولدقلى سريجيدير جناب ابي حنيفه نك مناقب جليله
و غرايب جليله سي حددن افزونتردر (شويله كه علوشانلري قلم دوز ياز
ايله تحرير امر محالدر علم ديننده عالم و كامل و فاضل و كامل صاحب
و روح دولتمند ايدى (حتى تورانده صفت جليله لري مذكور در و زمان
شريفارنده بالا تفاسق احكام كرامدين بصره ده انس بن مالك
و كوفه ده (عبدالله بن ابي اوفى و مدينه ده (سهل بن سعد الساعدي
ومكه ده (ابوالطفيل عامر بن وائله رضى الله عنهم حضرت ابي رحبات
ايديلر و اهل حديثدن برقاج بكار دخي وار ايديكيم حضرت امام اعظم
انلردن حديث شريفه روايت ايدرلردى انكچون اكابر اهل حديثندينر
رسول الله عليه السلام امام اعظم حقهده سراج امتي ديوبورمش
اوله بوقدر برجه ذات كرملى تعريف و توصيفدن بيروندر و علماء
اهل اسلام جميع زمانده ايحنيفه نك قولنده رجوع ايدوب بونلر
كلامنده ثابت و مقرر اولورل ايدى (و حضرت امام اعظم فقه شريفي
حامد بن ابي سليماندين واحاديث شريفه بي دخي عطا بن ابي رباح
و اباسحق ييهقي و محارب بن دثار و هشيم بن حبيب و محمد بن مكندر
و غلام ابن عمر نافع و هشام بن عروه و سمالك بن جريدن اوقوب
تحصيل ايتشد رضوان الله عليهم اجمعين (و حضرت امام اعظم بي
منصور خلايفه كوفه دن بغداده دعوت ليدوب كتورمشيدى حتى ابن
هبيره مروان بن محمد الاموي زمانده حضرت امام اعظم مسند

قضای کوفه بی عرض ایتد کلرنده قبول ایتماکله اون کون حبس
ایتدیلر وهر کون وجود شریقلرینه اون عدد قاجی اورر لردی
(قورینک اول ایادیکه اکا اورمق قصدین ایتشدیر) وکوراواسون اول
کوزلر که یوحالی کوروب تحمل ایتشدیر (وقطع اولسون اول دلار که
اکاغضبله سوز سولاشدیر) پس امام اعظمک یومتانتن کوروب بغداده
کوندردیلر بعد زمان منصور خلیفه عراقه حاکم و والی اولیحق
حضرت امام اعظمه قضای عراقی عرض ایلدیلر قبول ایتمیک منصور
خلیفه عین ایتدیکه البته حضرت امامی عراقه قاضی ایلیه و حضرت
امام دخی عین ایتدیکه البته عراقه قاضی اولیه اولوقده منصور
خلیفه حضرت امامی حبس ایتد کلرنده سن سعادتلی یمش سنه به
وارمشیدی هجرتک یوزالنجی تاریخده بغدادده حبسده یکه بیک ختم
شریف ایتدرد که نصکره ارنحال دار بقا یورد کلرنده بغدادده خیراران
کوزستانه دفن ایتدیلر بعضیلر دیرلر که حضرت امام نعمان بن ثابتک
نسبی بلوک پیشیدن انوشروانه چقمقله اهدا نعمانک امارت و سلطنته
قصد و نیی واردر دیو استاد مالک یکن اعلربنه سبب منصور امر قضای
بهانه ایدوب یوفضاحتی فعله کتوردی از شرق تا بغرب اهل سنت
و جماعت و مجموع امت سازه بوسروردینک فتوی و علومندن استفاده
ایتدزل اللهم ارضه بحرمة محمد وآله بعد زمان علاء الدین ملک شاه
سلجوقی حضرت امامک قبر منیرلی اوزرینه قبه بنا ایتدیلر بعد
سلطنتان مراد را بع دخی تریبه سعادتلرینک باب و شبان کنی سیم
صافیدن بنا ایلدی و ذکر ی اتی امام ابو یوسف و امام محمد حضرت
امام اعظمک مصاحبلرندن اولمقله مناقب علیه لری یروجه اتی
بیان اولور رحیم الله تعالی

* حضرت امام ابو یوسف رحمة الله *

یعقوب بن ابرهیم بن حبيب بن خنيس بن سعد بن یحیی بن معاویة بن سلی
بن یحیة در جناب امام یوسف حضرت امام اعظم و ابو اسحق شیبانی
وسلمیان التیمی و یحیی بن سعید الانصاری و سلمیان بن اعش و هشام بن
عروه و عطاء بن سائب و محمد بن اسحق بن یسار و لیث بن سعد دن
رحیم الله تحصیل علم شریف ایتدیلر اشو طوقوز نفر سرودین هم عصر

اولوب

اولوب بربر زیله مصاحبت ایتدیلر در و امام محمد بن حسن الشیبانی
و بشر بن ولید الکندی و علی بن جعد و احمد بن حنبل و یحیی بن
معین و احمد بن منیع و سائر افاضل کرام حضرتانی دخی حضرت امام
ابو یوسفدن تحصیل علوم نافع ایتدیلر بناء علی هذا امام ابو یوسف
حضرتلی مبانة اهل اسلامده علم فقه و حدیثه یمانند ایتدیلر بغدادده
ساکن اولدقلری اولنده موسی الهسانی نام خلیفه امام یوسف
حضرتلی بنی بغدادده مسند قضایه دعوت ایتد کلرنده قبول یوردیلر
زمان هرون الرشیده ده قاضی اولمقله ابتدا قاضی القضاة عنوانی جناب
ابو یوسف اطلاق اولندی هجرتک یوزاون اوچنجی تاریخده وجوده
کیشلر ایدی سن سعادتلی الشمس طقوز یسار واردر قده هجرتک
یوز سکسان ایکنجی سنه سنه وفات ایتدیلر رحیم الله تعالی
* ابو عبدالله حضرت امام محمد رحمة الله *

ابن حسن بن فرقد الشیبانی و والدی مزبور حسن دمشقدن حررنا
نام قریه دن اولوب زمین عراقه کیمکله امام محمد حضرتلی واسطده
هجرتک یوزاونوزا یکنجی تاریخده وجوده کلوب کرفته نش و ونما بوا دیلر
امام اعظم و مسعر بن کرام و توزی و مالک بن مغولدن علوم شرعیه
تحصیل ایتدیلر و بوجه هم عصر اولوب بربر بن کورمشلردر
یونلردنم اعدا مالک بن انس و ابو عمرو و اوزاعی و ابو یوسفدن دخی
حدیث و علم اوقیوب استفاده ایتدیلر و باب دینده برکاب مهالینصاب
تصنیف ایتدیلر و بر مدت بغدادده متوطن اولمقله محمد بن ادریس
شافعی و مشام بن عیبدانله رازی و ابو عبید قاسم بن سلام و اسمعیل
بن توبه و علی بن مسلم و غیریلر امام محمد حضرتلرندن تحصیل علوم
نافعه ایتدیلر (محکیدر که امام محمد حضرتلی بابامدن موروثم اولان
اوزیزیک اچمهک اون بشیک اچمه سنی علم نحو و شعر تحصیلنه
واون بشیک اچمه سنی دخی علم حدیث و فقه تحصیلنه صرف ایتدم
واووزسنه امام مالک حضرتلرینه ملازمت ایدوب آخر الامر فکرده
اکاغلبه ایتدم یوردیلر و امام محمد جنابلرینک ستایشنده امام شافعی
حضرتلی خلی مبالغه ایتدیلر آخر هرون الرشید حضرتلی جناب امام
محمدی مسند قضایه دعوت و بالمعیه خراسانه کتوردیلر سن شریقلری

الی بدی سنه به وارد قدده هجرتك یوز سکنان طقوز نجی تاریخنده
بلده ری ده وفات ایدوب شهر رامنه دفن ایتدیله رحه الله
* حضرت امام شافعی رحه الله *

ابو عبد الله ادریس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبید بن عبد یزید
ابن هاشم بن عبد المطلب بن عبد مناف قریشی المطلبی در جد
المجدلی شافع بن سائب رسول الله علیه السلام ابر شمشدر جناب
سائب یوم بدرده بنی هاشمك سنجای دیبده اسیر اولدقدن صکره
نفسنی صانوت آتوب مسلمان اولدیله و امام شافعی حضرت تلمی هجرتك
یوز المنجی سالنده غزه ده وجوده کلوب ایکی یاشنه واریمقی مکه به
کتور دیلر بعضی لر عسقلانده و بعضی لر یمنده وجوده کادی دیلر
القصد جناب شافعی امام مالک بن انس و امام محمد بن حسن الشیبانی
و ابرهیم بن سعد و سفیان بن عیینه و دود بن عبد الرحمن و عبد العزیز
ابن محمد الدواوری بن عبد العزیز بن ابی سلمه الما جشونی و کندی عم
محرمی محمد بن علی بن شافعیدن احادیث شریفه استماع ایتدیله یوز ذوات
کرام هم عصر اولمغله بر برینی کور و یب مصاحبت ایتیلر در سلیمان
ابن داود هاشمی و احمد بن حنبل و ابو ثور و ابرهیم بن خالد و حسین
ابن علی الکراییسی و حسین بن محمد زعفرانی و یونس بن سعید خلی
کبرا امام شافعی حضرت تلمی احادیث شریفه تحصیل ایتدیله
(پس امام شافعی حضرت تلمی احسان اولسان علم و فضیلت و ورع
و کرامت و دیانت آنلر د نصکره کان علمایه مبرر اولماشدر
(انکیچون حضرت امام شافعی مشرب امام علی اوزرینه در زیر
امام شافعی دن رحه الله حقایقه متعلق نیجه دلالات و اشارات
صادر اولشدر هر کیم مذهبنه تعرض و صددر جر حده اولور ایسه
مربض اولدینی مجربدر و مجموع اهل اسلام و مشایخ کرام امام
شافعی حضرت تلمی جوانمردلکنه و خلوه و خوب سیرت و زهد
و ورعنه متفقر در (ستایشی هر قدر اطباب اولسه ینسه ادا اولمز
عبد الله بن احمد بن حنبل ایدر لر که شافعی کپدر که دائما اوصاف
جهیه سن ذکر ایدوب دعا ایدر سن دیو با آمدن صور دیغمده دنیاده
آفتاب کیدر و ناسک عافیتی کیدر بو ایکی سنه نظر ایله که اصلا

کنده دل د نصکره خلف و بو ایکی سنه دن عوض یو قدر دیو جواب
و یردیله (ابو ثور بن ریم ایدر لر که هر کیم امام شافعید نصکره علم
و فصاحت و ثباتده اکامانده کیمسه اولقی ملاحظه سن ایدر بر امر محالی
التزام ایدوب بی قائده برطن دروغ تصویر ایتش اولور الحاصل امام
شافعی حضرت تلمی قید خیالده اولدقه ممتاز اقران و بلکه پیشل
و پیمانش اولوب بغداد وفاته فاک ذوار مثلی دورانه کتور مدی هجرتك
یوز طقسان بشجی تاریخنده بغداده کلوب ایکی سنه د نصکره مکه به
واندن ینه بغداده کلدیلر بر ماه مرو زاید یچک مصره کلوب سن شر بفاری
الی درده وارد قدده هجرتك ایکیوز در دنجی سنه سی شهر رجبك سلخنده
ارتحال دار بقا یور مغین قرافه صغرانام محله دفن ایتدیله امام اعظم
ایله امام شافعی حضرت تلمی میانی الی درت سنه در رحهم الله
* حضرت امام مالک رحه الله *

ابو عبد الله مالک بن انس بن عامر بن نجیم بن حارث بن عثمان بن
حنبل بن عمرو بن حرث بن نجیم بن سبا در امام حجاز اولدقلر ندن
اهل فقه و حدیث یونلر ایله افتخار ایدر لر دی اما صحابه دن انس بن
مالک حضرت تلمی ایله قرابتی یوقدر لکن ملوک یندن ذی اصبح نام
پادشاهك سلسله سندن در (و حضرت امام مالک علم شریفی محمد
ابن شهاب زهری و یحیی بن سعید الانصاری و عبد الله بن عمر
حضرت تلمی آزادلی غلامی نافع و محمد بن الکندر و هشام بن عروه
ابن زبیر و زید بن اسلم و سعید بن ابی سعید و مخزومه بن سلیمان و ربیع
بن ابی عبد الرحمن حضرت تلمی تحصیل ایدوب مقتضا سنجه فتوی
و یردیله (و امام شافعی و محمد بن ابرهیم بن دینار و ابو هاشم مغیره
ابن عبد الرحمن و ابو عبد الله بن عبد العزیز ابی حازم و سائر علماء دخی
امام مالک حضرت تلمی تحصیل علم شریف ایتدیله (زمان جناب
امام مالکده کتب علمیه اقل قبل ایدی ییخدر و بیشمار سعی و ایغ ایله
افاده و تعلیم ایتدیله امام مالک حضرت تلمی تحصیل علم ایتدیله کساندن
کلوب بندن استغنائیمین پک آزدرد یرلردی ابو یکر عبد الله صغار ایدر لر که
امام مالک حضرت تلمی صحبت خاصنه ایردیگمده ربیع بن ابی
عبدانر چاندن احادیث شریفه روایت ایدر لر دی ربیع ک سوزلر ینده

اعتراض ایلدیکمه او یوز کیمسه سزه جواب ویرمز یوردیلر
 یاز یعدقاندہ در دیدیکمه چار طاقده خوابده در یوردیلر (پس بیدار
 ایدوب کتر کارنده ر بیعه سزمسکز که امام مالک حضرتلری سزدن
 احادیث شریفه روایت ایدرلر دیدیم ایتدی یلی بنم یاسنک نفسکده
 علمک لذت و حظ و نصیبی وارمیدر که حضرت امام مالک سندن علم
 حصول نیجه ایریشوردیدیکمه علمدن بر منقال بنم یانمده بر قسطار
 دولتدن یکدر دیو جواب ویردیلر (پس امام مالک باب دینده سعی
 بلغایتدیکشد نماعدا قیلاعا آید سلسلریزه با صمزلردی و هنر بار که
 حدیث شریف نقلنسه اقدام ایدرلردی بعده تجدید الوضوء لباس
 فاخره تلبس و رواج طیبہ ایلہ بنجر د نصکره حلیه شریفه لر بن طریابوب
 صدر عز ته نشین اولیحق حدیث شریفک نقلنہ شروع ایدرلردی
 محکیمدر که بر کون جناب امام مالک بنی حازم نام کیمسه نک قیوسی
 اوکنندن کچرلردی بنی حازم دخی قپویه قارشوا و تور مشلر ایدی حضرت
 امامه استقبال ایدوب بر مقصدار او تور یکزدیو نیساز ایتد کلزنده
 بر حدیث نبوی ایلہ بویله محله او تور مقصدن ممنوع دیو جواب ویردیلر
 وینه محکیمدر که امام شافعی حضرتلری پیورزلر دیکه امام مالکدن
 زیاده منت و نعمتی حجابنده قالدیغم یوقدر زبرا بر کون مدینه ده
 قیوسی اوکنندن مرورا ایدر دمکه امام جنابلری عز و وقار ایلہ طورلردی
 و بر خن اسنانی اسب و بر مصری قار قپولارنده مریوط ایدی بنی
 کور یچک اول اسب وقازی بکاهدیه ایتدیلر یونلرک بر بنی بک ایچون
 آلیقویک دیدیکمه شول برده که رسول الله علیه السلام مدفون
 اوله اوراده اسب سوار اولانه حجاب ایدرم بنم آتمک ایلغی اول
 برده یره با صمیه پیور دیلر بنسار بن ترک ایدر دیو مدینه ده مر که
 را کب اولیوب کمال خوف ایلہ مشی ایدرلردی و مدینه نک
 هواسنی عفوتله وصف ایدنلری تعزیر ایدرلردی بوسرور دینک
 عجیب مناقبی بندهایه در (وامام مالک حضرتلری طلاق مکره حدیث
 شریفی روایتدن منصور خلیفه منع ایدرلردی اصغرا تیموب ملا ناسده
 (لبس علی مکره طلاق) حدیثی روایت و نقل پیور دقده منصور خلیفه
 سنوط ایلہ جناب امام مالکی ضرب ایلدی و ثابت ایدوب حدیث

شریف مذکور ی بنه روایت و نقل پیورلردی و رشید خلیفه امام مالک
 جنابلری مدینه دن اخراج مراد ایتدکده دکلوب بنه مدینه ده ثابت
 قدم اولدیلر هجرتک طقسان بشنی سنانیده اویچ سنه بطن مادرده
 مکث د نصکره وجوده کلمش لر ایدی سن شریفلری سکسان درده
 واردقده یوز طقسان بشنی تار یخیده خلافت رشیدده وفات ایتکله
 کورستان بقیعه دفن ایتدیلر ایوم مرقد میرلری اوزر زنده عالی قبه واردر
 و امام اعظم ایلہ امام مالکک وفاتی میانی یکرمی طقوز سنه در رحیم الله
 * حضرت امام احمد بن حنبل رحمه الله *

یعنی ابو عبدالله حضرت احمد بن محمد بن حنبلدر شهرتلی جدلری
 اسمیله اولمشدر که حنبلدر یونلرک تأخیر اولندقلری اصحاب و اتباعک
 قلمته بناء در یوخسه برلری اوزرلر ینه ر ایتلری چهار یار حضرت اتمک
 رحمانی کیدر بنابرین بعض اکابر قولنجه امام احمد اقطایدن مشرب
 حضرت عمر اوزر ینه در حضرت عمرک ایسه شریعت و غیرتی غالب ایدی
 و امامده دخی پوشدت و سطوت در کاردر (بعض اولیاء الله خضره
 ملا فی اولوب شافعی بی صورت قلزنده اوتاد دندریدی) (وامام احمدی
 صورت قلزنده صدیقدریدی) (و بشر حافی بی صورت قلزنده مثلی کلزیدی
 و امام احمد حضرتلرینک عصرینده بغدادده خلق قرآن مسئله سی
 شیوع بولغله خلیفه دخی قرآن مخلوقدر دیوب قائل اولینلری ضرب
 ایدرلردی امام احمد حضرتلری مخلوقینیه قائل اولدیفندن بیت نازیانه
 اوردیلر و میرری محل اولیحق جانب غیبیدن بردست ظهور ایدوب
 کشف عورتدن صیانت ایچون عقد ایتکله خقدن اعمال آتی کوزوب
 امام احمدی حالی اوزره ترک ایتدیلر والی الوفاة بغدادده محبوس زندان
 قیلدیلر پس امام احمد علم دینده عالم و فاضل و معتمد به و علم حدیثده
 کامل و ماهر و معتمد علیه اولوب عصرلر زنده امام ایدیلر و علمی امام
 شافعی و امام مالک و امام ابی یوسف حضرتلرندن و سایر علماء عظامدن
 اخذ ایتدیلر و علملر چوق کیمسه لر دخی امام احمد بن حنبلدن اخذ
 علم شریف ایتدیلر و حضرت امام احمد صدر فتوی و اختیاده بشن
 اولدیلر هجرتک یوز القش در دخی تار یخیده وجوده کلمش لر ایدی
 یدی ییل و اولوب انکوز قرق برخی سنه سی شهر ر بیع الاخر زنده

بغداد ده الحمد لله زنداندن قورتلدی دهرک باغ چشانه خرامان
اولدقلرنده سکسان ییک رجاندن و بلکه سکر یوز ییک والتش ییک
دخی نسادن جنازه سنه حاضر اولدیله و اول کونده یهود و نصاری
و مجوسدن یکریمی ییک قدر کیمسنه عمامه بند اسلام اولدیله زهی تأثیر که
باطن ولایتدن حصوله کلدی و اهل ولایت دخی انکله اقبال حق بولوب
بوزلی کولدی و امام مالک ایله امام احمد بن حنبل حضرتلر ییک
وفاتلری میانی التمش ایکی سنه در رحیم الله علیه رحمة واسعة
* در بیان ائمة اخباری شریفه *

ذکری آن التي نفر سرور دین و صاحب تمکین جنابلری فخر الرسل
هانی السبل دستگیر جزء و کل صلی الله علیه وسلم حضرتلر ییک السنه
در بارلرندن شکفته اولان احایث شریفی اصول حدیث شریفه
نقطیق ایله کاستان عالمن یکان یکان جمع و تألیف ایتملیله الی یوم القیام
ائمة حدیث عنوانیله بین الانام ایفاء تام ایتملیله رحمة الله علیهم و یوشش
نفر اصحاب حدیثک اونکبسی امام مالک حضرتلر ییک که علم حدیث
شریفدن صاحب کتاب موطأ در مناقب جلیله لری بالاده کدر ایلدی
* حضرت امام بخاری رحمة الله *

یعنی ابو عبد الله محمد بن اسمعیل بن ابرهیم بن مغیره بن زده به جعفری
البخاری پدر جدی من یوز مغیره آتش پرست اولدیله سنه ثمانه جعفری
دیدیلر و جعفری کرسی و زنده دیار یتمده بر قبیله نیک باباسی اسمعیل و یکان
اول قبیلهدن اولمغه بونلر ده جعفری دیونشبت اولندی و مغیره مارالذکر
یمار البخاری یکن یکنده اسلامه کلدیلر و شیخ بخاری حضرتلری ائمة
احادیث شریفه نیک ایکنجه سیدر اون یاشنده ایکن طالب علم شریف
اولوب اون بر یاشندن علما و مشایخ و صلح نیک خدمت شریفه
ایردیلر هر تقدیر عالم محدث استدیسه جد و سعی ایله البسه انلرک
خدمت شریفلرینه و اصل اولورلر دی القصه برای تحصیل علوم
خراسان و جبال و عراق و شام و مصر و حجاز و اروپا علم شریف
تحریر ایدرلر دی و اکثر علمی مکی بن ابرهیم بلخی و عبدان بن عثمان
مروزی و عبید الله بن موسی العبسی و ابو عامر الشیبانی و محمد
بن عبد الله الضاری و محمد بن یوسف انزلی و ابو نعیم الفضل

ابن دکین و علی بن مدنی و احمد بن حنبل و یحیی بن معین و اسمعیل بن
ابیاویس مدنی کی کبار مشایخ و حفاظ احادیث سنه احادیث شریفه
او قیوب استفادیه ایتدیلر (و امام بخاری حضرتلر یکنده شیخ سکسان طقوز
ییک طقوز یوز طقوسان طقوز نفر عزیزان او قیوب مشایخ و صحیح بخاریدن
تلمذ ایتدیلر در (و امام بخاری حضرتلری صحیح بخاری یکنده احادیثی التیوز
ییک قدر احادیث شریفه دن اخراج ایتدیلر (هر پر حدیث نبوی بی
یازوق مراد ایتدیکنده اولایکی رکعت نماز قیلا ردم بعد اول حدیث
شریفی تحریر ایدرلر بیورلر دی (محدیدر که امام بخاری حضرتلری
بقادری تشریفلرنده بغدادک ائمة حدیثی بالاتفاق یوز عدد حدیث
شریفک متون و اسانیدی تغیر ایدوب اوز اوز اون نفر کیمسنه نیک الله
و یردیله و ایتدیلر که بزجمله امام بخاری حضرتلر یکنده مجلس شریفه
حاضر ایکن بواحدی عرض ایدلر دیو بعد التسلیم ائمة حدیث جلیله
مجلس حضرت امام بخاری به وارد قلرنده اول کسماندن بری پدنده
تغیر اولنان اون حدیث حضرت امامه عرض ایدیلرک یلم دیو جواب
و یردیله (ماحصل اول یوز عدد حدیثی اوز اوز نما عارض ایتدیلر کدرنده
حضرت امام بخاری ایتدا حدیث عرض ایدن کیمسنه به التفات ایدوب
عرض ایلدیکنک اون عدد حدیثک جوهر حدیثی شویله در و اسانیدی
بویله در (بعد ایکنجه حدیثک لفظی شویله و اسانیدی بویله در دهرک
الی اخره اصل حدیث صحیح و اسانید صحیح یکان یکان بعد التسلیم
او قیوب یکن حدیثک جوهر حروفی و اسانیدی متغیر اولمش دیو جواب
و بر یکنک حاضر اولان علما و سائر علماء بغداد حیران اولوب حضرت امام
بخاری یکن فضلنی و علو منزلتی اعتراف ایتدیلر حضرت امامک
هر تقدیر مناقب جلیله سی ثبت و قید اولنسه در یادن قطره مثابه سنه
اولوز هم یکنک یوز طقوسان در ربی سنه سی شوالنک اون او یحیی جمعه
کونی بعد الظهر تولد ایدوب عمر عزیزی التمش پر سنه و اون بر ماه
ویدی کونه ایردکده ایکیوز الی التبی سنه سنک ایله عید قیلرنده
عمر قنده قریب خرتنک قریه سنه وفات ایتدیلر رحمة الله علیه
* حضرت امام مسلم رحمة الله *

یعنی ابو الحسین مسلم بن حجاج بن مسلم قشیریدر بونلر دخی برای علم

شریف عراق و خراسان و شام و مصر و یمن و یحیی بن نسیب ابوری
 و قتیبة بن سعید و اسحق بن راهویه و علی بن جهم و احمد بن حنبل
 و عبدالله بن قواریری و شریح بن یونس و عبدالله بن مسلمة العنبري
 و حرمله بن یحیی و خلف ابن هشام و یونس بن سعید و یونس بن سعید
 حدیثك البیة خدمت شریف یزید ابریشوب احادیث نبویه تحصیل
 ایتدیلر (و امام مسلم) حضرت یزید بن زکریا بن یحیی بن یحیی بن یحیی بن یحیی
 اهره مند اولدی لر جناب امام دفعاتله بغداده واروب آنده تحدیث
 ایتدیلر حتی اوقود یغم اوچبوز بیک احادیث شریفه دن یو صحیحی جمع
 و تألیف ایلدم یوزر کردی (ابو علی ابن نسیب ابوری ایدر که روی زمینه
 احادیثدن صحیح مسلمان صحیح کاب وارد دینلر عاصم سولیلر (امام
 احمد بن سلمه ایدر که ابو زرعه ایله ابو خاتم کوردیم برای صحیح حدیث
 شریف امام مسلم حضرت یزیدك خدمته کیدر کردی (ابو عمرو محمد بن
 احمد بن خندان ایدر که ابو العباس ابن عقده دن ابو عبد الله محمد بن
 اسماعیل بخاری می عالمدر یو خسه مسلم بن حجاج قشیری می عالمدر دیو
 صورت یغمده ابو العباس جواب و یزیدیلر برفاچ کره سؤال ایلدی که ده
 یا اباعمر و شامده امام بخاریك بر غلطی واقع اولدی اهل شامدن بر محدثی
 بر پرده کنیه ایله ذکر ایتش وینه اول محدثی محل آخردا اسمیله ذکر ایدوب
 هر بنی علی خده بر شخصی تصور ایتش اما امام مسلم حضرت یزیددن
 هر کز بنی علین غلط واقع اولدی دیو جواب و یزیدیلر (محمد بن یعقوب
 ایدر که هر کلامیکه امام بخاری حضرت یزیدی سولیلر اما اول کلامك
 معاصیله جزئی قوت اولور دی اما امام مسلم حضرت یزیدی سولیلر کلامك
 کلامك معاصی حدیث شریف ایله اثبات ایدر کردی انجیق ایکسیده
 صدقده منساویدر نهایت بریسی عموم ایله مقید و بریسی خصوص ایله
 مقید اوله (القصة امام مسلم حضرت یزیدك مناقب جلیله لی عد و تعداد
 سر خدندن خار جیدر هجرتك ایکبوز الانبی تاریخده تولد ایدوب عمر
 عزیزی الی بش سنه یه وارد قدده ایکبوز الشمس برنجی سنه سی ماه
 رجبك یکرمی اشجی یوم احدك کیجه سنه بین المشائین نسیب ابورده
 کل سنسرای عدنه خرامان اولدی لر رحمة الله علیه

* حضرت امام ابوداود رحمه الله *

یعنی ابوداود سلیمان بن اشعث بن اسحق بن شریح بن شداد ابن عمرو
 بن عمران الازدی السجستانی سدر یونلردخی برای تحصیل علم شریف
 عراق و خراسان و شام و مصر و سمرقنده کک بدوب مسلم بن ابراهیم
 و سلیمان بن حرث و عثمان بن ابی شیبه و ابوالولید طرابلسی و عبدالله بن
 مسلمة القفی و سلیمان بن مسرهد و یحیی بن معین و احمد بن حنبل
 و قتیبة بن سعید و احمد بن یونسدن احادیث شریفه تحصیل ایتدیلر
 و یونس بن سعید و یونس بن سعید و یونس بن سعید و یونس بن سعید
 واروب انلردن استفاده ایتدیلر دی (و جناب ابوداود دندخی کندی
 فرزند ارچند لری عبد الله و ابو عبد الرحمن نسای واحد بن محمد
 خلان و ابو علی محمد بن احمد بن عمرو الاولوی و علماء سائرین تلمذ
 و استفاده ایتدیلر (جناب ابوداود حدیث شریفدن سنن ابوداود
 نام کاب شریفی جمع و ترتیب نصکره بصره یه کلوب بر مدت آنده اقامت
 ایتدیلر بعده بغداده کلوب کاب شریف مز بوری آشکاره ایتدیلر
 اهل بغداد یونلردن علم و معارف تحصیل ایدوب کتاب شریف
 مذکور دن احادیث نبویه نقل ایدر کردی آخر کاب شریف مز بوری
 امام احمد بن حنبل حضرت یزیدنه عرض ایدوب اجازت طلب ایتدیلر
 جناب امام احمد فوق الغایه تحسین ایدوب ابوداود دن احادیث روایت
 اوانسه دیو اجازت و یردیلر (ابو بکر بن داود ایدر که ابوداود
 حضرت یزیددن ایتدیمکه یازد یغم بشیوز بیک حدیث شریفدن درتدیک
 حدیث شریف انتخاب ایدوب سنمده تحریر ایتدم و کاب شریف
 مز بورده درت عدد حدیث شریف یازد مکه سنن و متقی و پرهر کان
 اوللره کافیدر اول درت عدد حدیث شریفك (اولکسی انما الانمال
 بالنیات) (ایکجهسی من حسن اسلام المرء ترکه مالا یعنیه) (اوچنجیسی
 لا یكون المؤمن مؤمنا حتی یرضی لایحه ماری لایعنه) (دردنجیسی الحلال
 بین و الجرام بین و ینهما مشبهات لایعلمها کثیر من الناس من اتقی
 الشبهات استبرأ لدینه و عرضه و من وقع فی الشبهات وقع فی الحرام
 کراعی برعی حول الحی یوشک ان یوقعه الا وان لکل ملک حتی الاران
 حتی الله محارمه الا وان فی الجسد مضغة اذا صلحت صلح الجسد کله
 و اذا فسدت فسدت الجسد کله الا وهی القلب) (ابو بکر الخلال ایدر که

حضرت امام ابوداود فرید عصر و وحید دهر اولوب زمانلرنده علم و فضیله آنلره بيشر و لك ايدر كچينه بو غيبدی انكچون ابراهيم اصفهانی و ابو بكر بن صدقه دائما حضرت امام ابوداودك فضل و كمالني اعتراف ايدر لردی (ابن اعرابی ايدر كه قرآن كريمي اوقيوب و سنن ابوداودی كوره لك علم احتیاجی قالن پس جناب ابوداود هجرتك ايكبوز ايكچي تاريخنه وجوده كلوب یتش اوج یاشنه وارد قده ايكبوز یتش یتش سنه سی شوالنك اون النجی كونی بصرمده ارتحال دارنقا ایدیلر اليوم قبر انور لری زیارتكاهدر رجه الله علیه

* حضرت امام محمد ترمذی رحمه الله *

یعنی ابو عبسی محمد بن عیسی بن سورة بن موسی بن خضاك سلی ترمذیدر جدر لریك مسقط رأسلری هر و زاولوب ایت بن سنان زمانده ترمده كلش برمر د فقیه و عالم و كامل و ادیب و فاضل و ورع ذات شریف ایدنی علم حدیثی قتیبه بن سعید و اسحق بن موسی و محمود بن غیلان و سعید بن عبد الرحمن و محمد بن یسار و علی بن حجر و احمد بن منیع و محمد بن المثنی و سفیان بن وكیع و ابو عبد الله محمد بن اسمعیل بخاریدن و سائر علماء عظامدن اوقومشیلردر (و امام ترمذی دخی احمد بن محمد بن محبوب الشیبوی المروزی کبی نیچه علماء و صلحا تلم استفاده ایدیلر و بونلر ائمه حدیث شریفه لك بشجیبی اولغله مناقب جلیله سی بینهایی در و علم حدیثه تصانیف کثیره سی وارد حتی جمع و تالیف ایدیلر ترمذی نام كتاب شریفك فوائده جلیله سی و ایدر از جمله اصلاک كتاب مذکورده اصلا مکرر برشی یوقدر و آخر کلبه برنسته یازوب آدینه كتاب العلل تسمیه ایتشد و اول كتاب علله فوائده کثیره درج ایتشد كه منظور اولدجه معلوم اولز و یورردیكه بو كتاب ترمذی بی تصنیف ایدوب اول علماء حازه بعده علماء عرافه بعده علماء خراسانه کوشتر دیکچره جله سی پسند ایدوب بعد القبول برخانه ده كه جامع ترمذی موجود اوله کویا اول خانه ده برینغمبر واردر كه دائما اول خانه اهلبه کلمات طیبه ایدر دیدیلر هجرتك ايكبوز یتشبی سنه سی ماه رجبك اون اوچنجی ایاه اتی شده ترمذی وفات ایدیلر رجه الله

* حضرت امام احمد نسائی رحمه الله *

یعنی ابو عبد الرحمن احمد بن شعيب بن علي بن بحر بن سنان النسائیدر ابو عبد الله نيسابوري ايدر كه دفعاتله ابو علی حافظدن اشد مکه میانه علماء اهل اسلامده درت عالم و فاضل و ورع ذات ورر كه اهالی کوزلماشدر اول درت ذات شریفك اولکسی اشو عبد الرحمن نسائی حضرت تریدر جناب عبد الرحمن علم حدیث شریفی قتیبه بن سعید و اسحق بن ابراهيم و حید بن سعیده و علی بن حشرم و محمد بن عبد الاعلی و حرث بن مسکین و عناد بن سری و محمد بن بشار و محمود بن غیلان و ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانیدر و سائر مشایخین و حفاظ کرامدن اوقومشیلردر انكچون ائمه احادیث شریفه لك النجیبی اولوب مناقب جلیله سنه غایت و نهایت یوقدر (و امام نسائی حضرت تریندن دخی ابو بشر الدولابی ابو قاسم طبرانی و ابو جعفر طحاوی و محمد بن هرون بن شعيب و ابو الیون بن راشد و ابراهيم بن محمد بن صالح بن سنان و سائر علماء فخام تلم ایدوب احادیث شریفه اخذ ایتشد و جناب نسا بینك احادیث شریفه دن تصانیف کثیره سی واردر) محکيدر كه حرث بن مسکین قاضی مصر قاهره ايكن امام نسائی حضرت تریله ینلری شكر اب اولغله جناب نسا بینك مجلس شریفه آشکاره گله مزلردی لكن بر محله اختفا ایدوب كز لوجه حدیث شریف استماع ایدر لردی جناب امام نسائی هجرتك اوچبوز اوچنجی سائده مکه مكرمده كاشنسر ای عدنه خرامان اولدیلر رجه الله علیه

* در بیان ائمه سبعة رحهم الله *

بو ذوات کرام لازم الاحترامك اولکسی (ابو الحسن علی بن عمرو دارقطنی و بغدادیدر كه یتش طقوز یاشنه کیرد كده هجرتك اوچبوز النجی سنه سی ذی القعدة سنده وداع عالم فانی ایدیلر ايكچیبسی (ابو عبد الله عبد الله ابن یعی) نيسابوري ايدر كه هجرتك اوچبوز یکریمی برنجی سنه سی ربیع الاوانده وجوده كلوب سگسان درت ییل مهر اولدور نصکره در تیوز یتشبی سنه سی صفرنده ارتحال دارنقا ایدیلر اوچنجیبسی (ابو محمد عبد الغنی بن سعید) الازدیدر كه مصر

حافظانند در هجرتك او چيز او تونز ايكنجى سنه سى ذى القعدة سنه
وجوده كلوب یتش یدی یا شنه كریك در تونز طقوزنجى سنه سى صفر نده
مهر نده وفات ایتدیلر در نجیبسى (ابو نعیم احمد بن عبد الله)
اصفهان نده كه هجرتك او چيز او تونز در نجیبى تاریخ نده وجوده كلوب
طقسان الی سنه مهر اولدقد نصكره در تونز او تونزنجى سنه سى صفر نده
اصفهان نده وفات ایتدیلر بشنجیبسى (ابو عمرو بن عبد البر) غریدر كه
مغرب حفاظانند در هجرتك او چيز او تونز الشمس سكرنجى سنه سى شهر
ربیع الاول نده وجوده كلوب طقسان بش یا شنه كریك در تونز او چنجى
سنه سى شهر ربیع الآخر نده مغرب نده اندلس توابعندن سلطنت نام شهر نده
وفات ایتدیلر النجیبسى (ابو بكر احمد بن حسین) میهنیدر كه هجرتك
او چيز سكسان در نجیبى سال نده وجوده كلوب یتش درت یا شنه
كریك در تونز الی سكرنجى سنه سى جادى الاول نده نيسابور نده
ارنحال دار بقا ایتدیلر بشنجیبسى (ابو بكر احمد بن علی) الخطیب
بغداد نده كه هجرتك او چيز طقسان ايكنجى تاریخ نده وجوده كلوب
یتش سنه و بش ماه مهر اولدقد نصكره در تونز الشمس او چنجى سنه سى
ذی الحجه سنه بغداد نده وفات ایتدیلر بش (بونلر در نصكره) اشبو امام
همام اولان ابو حامد حضرت امام محمد بن محمد بن محمد بن محمد غزالی

طوسیدر رحهم الله
* امام غزالی قدس سره *

وجه تسمیه غزالی بود كه مادر مكره لری ایللك اكبر و ب فروخت
ایتدكد نصكره انچه سنى غزالی حضرتك تحصیل نموده او زمانه
صرف ایدردى زهى مادر سعادت مند كه بونجلین فرزند دولت مند
وجوده كترردى وزهى فرزند ارجمند كه بونك كبی مادر مكرم بدن
وجوده كلدى بعضی غزالی بی شده ايله او قورلر اما تخفیف ايله طوس
قریه سندن برقریه تك اسمیدر بونقدیرجه غزالی صفت نسبید لری
او از جناب امام غزالی عالم و عامل و كامل و فاضل و زاهد و عابد
و متدین و متورع فرید دهر و وحید عصر ایدی حتى طریق صوفیه ده
اصنافی بینهایه اولغله ظاهر لری كبی باطن لری دخی از هر جهت
معمور ایدی طقسان طقوز عدد تألیفات جلیل لری وارد كه مجموعی

علماء دین عند نده مقبول و مرغوبدر (امام الحرمین ابوالمعالی جوینیدن
او قومش لری و برای تحصیل علم شیر یف خراسان و عراق و شام و بخار نده
نجه علماء عظام و مشایخ كرام حضرتك مجلس شریف غریبه ایره شلردر
نساء دیوبه لری ديكه بر كیسید میسر اولماشدر بویه ایكن اذات
روحانی بی شهوات نفسانیه اوزرینه ترجیح ایدوب دینداران
و پر هیز كارلق طریقى اختیار ایتدیلر در هجرتك بشنجیبى
سنه سى جادى الاول نده طوس نده ارنحال دار بقا بونر مغله آ نده
* در بیان مشایخ عظام قدس الله اسرارهم *
محق و پوشیده اولمده كه اولیاء الله قدس الله اسرارهم حضرتك
از هر جهت باعث قوام دین و رهنمای مؤمنین و موحیدین اولغله
بوامت من خومه دین مشهور اولان بعض اولیاء آگاه و عارفان بالله
حضرتك مناقب جلیله و آثار جلیله لری تنه كار یله دیده درون
روشن و مجلا و دماغ جانیه دخی ایتد فیوضات عطا بونر یلوب دنیا نده
هم روحانیه لریه و اصل راه سداد و آخرت نده دخی نگاه شفاعت لریه
بمراد اولمق نیت خالصه سبله بونمختصرده کیفیت احوال لری بوسیل
احوال ابرار اولندی والله الموفق

* حضرت ابراهیم بن ادهم قدس سره *

یعنی ابواسحق ابراهیم بن ادهم بخند و الخیر میرزاده لریدن بركون
جناب ابراهیم بن ادهم شكار كیشیلر بشكارك ایدندن آت ایلده
سكردوب بشك استیكازنده ناكاه بشكار آره لرندن صحرایوب صحرا
بولن طومغسله بونلر دخی تنها طور ركن با ابراهیم سن بونك ایچونمی
خلق اولندك و بونجلین ایشلر می فرمانبردار سن دیو آواز چانكدار
عقبنجه بربوندن او توری برادمدق یعنی آت بتوب صحرا ده جانیه ورلر
صید بچون برادمدق و بونجلین ایشلر فرمانبردار ديو دیگر آواز
چكر سوز دخی اشیدیمك در حال حیواندن نزول و آت و طون و جیع
البسته سلطنتی چقاروب اول جوالیده اولان بابا شك چوبانلرین
بیر چوبانه تسلیم ایتدكد نصكره اول چوبانك بالاس و كر باس ایلچلرین
كیوب پادشاه عالم ایكن كدای عالم اولدیلر و كوس سلطنتی اعلیم فقر نده

یاوب بی طبل و علم شاه کدای ام اولد قد نصره مجنون وار کوه
و صحرایی دولاشوب لبلائی دولت ابدیه جمالک آشفته و شیدایی اولدیلر
یوشوقله بی سرو پامکه مکرمه ده سفیان ثوری و فضیل بن عیاض قدس
سرهمانک صحبت حاصلینه ایشوب آخر عمرلرینه قدر آنلردن جدا
اولدیلر و جهت معیشتلری کندی کسلردن ایدی زیرا کیمسه دن
برشی توقع ایتدیلر دنیای دنی بی ترک ایدوب صحرا و کوهستانی
طولاشد قلری هنگامه اقطابدن بر می شد بونلره اسم اعظمی تعلیم
ایدوب غائب اولدیفی آنده حضرت توفیق ایشوب یا ابراهیم قرنداشم
داود سکا کلوب اسم اعظمی سکا تعلیم ایتدی ایدیلر (الفصه بونلر
وزع و زهد و تقوی یابنده مشایخین کرامک اولوشی اولمغه مناقب
و آثارینه حد و غایت یوقدر آخر عمرلرینه مکه دن شامه کاوب وفات
ایتمکله طرابلس نوا حبسده جبل افراع آبکننده ساحل دریایه
دفن ایتدیلر رحمه الله علیه

* ابوالنصر حضرت ذوالنون مصری قدس سره *

اصل اسم شریفی ثوباندر بعضیلر فیصل الله بن ابراهیم پدر دیدیلر
والده لری بی توبه دن ایدی جناب ذوالنون علم و ورعده بی مانند
اولوب متوکل علی اللهک زمان خلافتده مصرده اولورلردی
حسودان دوان عمر ایتدکارینه بناء امر خلیفه ایله بغداده ایتدیلر
چون خلیفه بغداده وعظ و نصیحتی زیاده تاثیر ایلدی قوق الغیابه
اعتبارده نصره یته مصره کوندر دیلر برکون المتوکل علی الله جناب
ذوالنونه حق تعالی بی دوست طومنگ علامتی ندر دیو ضرور قلرنده
رسول اللهک علیه السلام کتوردیکی او امر و نواهی به از دل جان
امتالدر دیو یوردیلر یا ابن آدمک احقر و از دل کیمدر دیکلرنده حق
تعالی به کیدن طریق بلوب و اهلان دن دخی ضرور میندر یوردیلر
باطعام ایله مملو اولان معده ده علم و حکمت و پرهیزکاری قرار ایتد
توبه ندر دیکلرنده عوامک توبه سی کناهد ندر اما خواصک
توبه سی غفلت ندر یوردیلر یا بومر تبه فقر سزه دن حاصل اولدی
دیدکلرنده برکون مصر بریه سنده بر ناینا طورغال قوشی لانه سندن
بره دوشیمک یرایکی شی اولوب سیم وزردن ایکی قدح جلقدی آلتوندن

اولان قدح سوسام ایله مملو و سمدن اولان قدح آب ایله مملو ایدی اول
قوش اول ایکی قدح دن اکل و شرب ایدوب قناعت ایتدیکنی کوردیکمده
بندخی قناعت ایدوب ایتدیکم بونجه ایشلردن بعد الاستغفار کاپا
حق تعالی به توجه و ربط قلب و درگاه پیسدر یفک خدمتن قبول
ودیلادن کف ایتدیکمده جناب ارجم الزاجین دخی بونده بی قبول
ایدوب رد یوردی دیدیلر آخر جناب ذوالنون هجرتک ایکیوز فرق
بشخی سالنده ارتحال خلد برین ایتدیلر رحمه الله علیه
* حضرت فضیل بن عیاض قدس سره *

بوزات ملائکه خصال خراساندر بعضیلر سمرقند ده وجوده کلدی
دیشلر اما یوردده نشو و نما بولوب هجرتک یوز سکسان بدخی شته سی
محرم الحرامنده مکه ده وفات ایتدیلر (محمکدر که جناب فضیل مقدما
با یورد ایله سرخس میانه حرامیق ایدر کن قلب شریفلری
برجاریه به میل ایتشدی بر کیمسه اول جاریه نک طلبنه کیدر کن سمع
شریفلرینه قوله تعالی (الم یأین للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله
آیت کریمه سنک آوازی کلکله هدایت حق یشوب هوا و هو سدن
ونا همواره شوقدن کایا فراغ و زی اهل صلاحه کیدر کد نصره کیدر
دوئوب قرارگاهه کاورکن یولده برخارابه اوغرایوب کوردیلر که بر نیجه
بازر کانتلرک کیمی یوک یوکادر و کیمی مبادا که فضیل بن عیاض یولده
اموالری غارت و بری پریشان اید دیرلر بو کیمیتی دخی مشاهده لنده
ایتدیکنی افعال قبیحه دن از دل و جان توبه و استغفار د نصره مکه مکرمه
واروب آنده ارتحال دار بقا ایتدیلر شیخ ابوعلی قدس سره ایدر که
فضیل بن عیاض ایله او تورتینده هم صحبت اولدم هر کن انلری خنده ناک
کورمدم فقط بر فرزند شهاب تمندلری وفات ایتد کده فضیلی خندان
کوروب سبب خنده دن ضرور دیغمده شول نشنه بی که بنم پرورد کارم
منور ینده اکام طایع و راضیم یوردیلر روح الله روحه

* حضرت الشیخ معروف کرخی قدس سره *

یعنی ابو محفوظ حضرت شیخ معروف بن فیروز کرخیدر جناب معروف
علی بن موسی الرضی قدس سره حضرتلر یسک موالیستدن مستجاب
الدعوه بر ذاندر ابوعلی دفاق قدس سره یوردلر که جناب معروفک

ابو بنی نصرانی اولمغه حضرت معروفی تعلیم علم نصاری ایچون برکشیده
ویرمیشلر ایدی کشیش بدکش جناب معروفه ان الله ثالث ثلاثة آیتنی
اوقی دیوارام ایتدی که هو الله الواحد الاحد دیرلردی هر چند که کشیش
اوروب بویه دیمه بتم دیدیکم کی سوبله دیدیکم بونلرمهصل هو الله
الواحد الاحد دیرلردی آخر کشیش غضبه کلوب جناب معروفی زیاده
ضرب ایتکله معروف حضرتلری آزرده خاطر اوله رق قاجوب برنجیه
زمان تاپمدا اولدیلر و عاقبت مسلمان اولدیلر انجیق والدینی بونک
غیبتدن بغایت المناک اولوب ملاقات میسر اولورسه البته پرسش
ایتدیکی دیمه کیرهلم دیرلردی بعد زمان جناب معروف ابو بنی آرزوسیه
اولدقلری مقامدن بغداده کلوب کندلی قبولین حق ایدیلر ابو بنی
کیوردیلر معروف کشیدی ییلدر مکن درحال ایچرو آلوب انواع
مهرتد نصیره نه دیمه سن دیدکلرند حضرت محمد الامین صلی الله
علیه وسلم دیندهم دیمکله بونلره دخی هدایت حق رهمن اولوب
اوغلاری اوکنده مسلمان اولدقلرند جناب معروف والدینی علی
ابن موسی الرضی حضرتلریته کورونب صحابه مشرف ایتلردی
شیخ سری سقطی قدس سره یوردلر که معروف حضرتلری بعد
الوفات رؤیامده کوردمکه تحت العرش ملکه قارشمش اولماده قبل
حقندن ای ملکه ارا کرده اولان کشی کیوردیوندا اولندقه اقدیسی
یلموردیلر وینه بو که معروف کرخی دیرلر محمدن میهوش اولمشدر
دیدارم مشاهده سبله هوشه کلسه کرکیر دیوندا اولنیدی هجرتک
ایکیوزنجی سنه منته بغداده کلوب وفات ایتلر روح الله روحه

* حضرت سری سقطی قدس سره *

یعنی ابوالحسن حضرت سیر سقطی که جنید بغدادینک قدس سره
لابون حالی و شیخ سیر و معروف کرخی حضرتلریته دخی شاگردیلر
(شیخ جنید قدس سره دن میرویدر که برکون سیر سقطی حضرتلریته
خدمتله ایتد واروب کوردمکه بکا ایدرلر حکیمتین صور دیغمده
بو کیجه رؤیامده حسیته شمس و قمر طعن ایدر بر جاریه کوکلر دن ایتدی
کیمک یار غم جواری و نازنین کسار یسین دیدیکمده صوبی صوغیدوب
ایچیمک نصیم دیوب صوغش ما ایلله عملو بر بر دانی بره اورمغه بر داق

مکست اولدی و ایچنده کی صود و کلدی دیدیلر و اند نصیره سری سقطی
قطعه صوبی صوغیدوب ایچمدیلر دیدی (وینه جنید دن قدس سره
میرویدر که سری سقطی حضرتلری بر مختصر بول اولدم اول بول
طوبان آسانلق ایلله جنه کیرر دیو یوردقلرند اول بول نیک یولدر
دیو صودم هر کی که خلاقدن هیچ نسته آلمه و خلاقدن ایتد بر نسته سی
اولمده اولکیمده آسانلقه جنه داخل اولور دیو یوردیلر دیدی (وینه
جنید دن قدس سره میرویدر که سری سقطی حضرتلریته سن
سعادتلری طقسان سکر سسته به ابرمشیدی هر کزارقه سی اوزرینه
یاندیغن کوردمم یوردیلر اخر هجرتک ایکیوزنجی سنه سالتسده
وفات ایتدیلر رجه الله

* حضرت بشر حافی قدس سره *

یعنی ابوالنصر بشر بن حارث الحافیندر مرویه و جوده کلوب
بغدادده ساکن اولدیلر علی بن احمدر مک خواهر زاده سیدر
(مکیدر که برکون بشر حافی جنابلری بغداد چهارشوشده کیدر کن
یولده بره دوشمش بر مکتوب کوردیلر که اوزرینه حق تعالیته
اسم شریفی یازیلور همان بر دن آلوب بر مقدار عیبر ایچنه صار دقندن
صکره بر دیوارک قووغنه صوقدیلر اولکیمه رؤیالنده بر شخص کلوب
یابشر حق تعالیته او واسمینی تعظیم و تکریم ایلله بر دن قالدردیغک
ایچون بحق تعالی سنی دنیا و اخرتده عزیز و محترم ایدر دیدی (ابو علی
دقاقندن قدس سره میرویدر که برکون جناب بشر حافی کلوب
کیدر کن تاس بشر حافینک وجه انورلرینه باقوب بو کشی اوچکونده
برطمام ایدر و کیجه لری او یاغلق ایلله کورر دیدیلر جناب بشر حافی
کندی حقنده بو سوزی ناسدن اشدیلر ایچون بکا ایدرسن
دیدکلرند هر کیجه تابصباح یاتوب راحتده بم حق تعالی کمال لطیف
و کرمدن قلوب مؤمننه بویه القایمش یوردیلر جناب بشر حافین
قدس سره منقوادر که رسول الامی علیه السلام دوشمده کوردم بکا
خطاب ایدوب یابشر بو مرتبه به بدن ایدر یاورمسن دیوچک یور
یار رسول الله دیدیکمده سنمه متابعت ایتدک و علمیه حرمت و عزت ایتدک
ودین قرنداشلر بکه نصیحت ایتدک و اصحاب و اهل بیتی دوست طوبتک

لاجرم حق تعالی دخی سکا بومر تبه بی احسان ایدنی بیوردیلر دیدی
(بلال خواجه دن قدس سره منه ولد رکه صحرا ی تبهده بر شخص ایله
رفیق اولد مکه ظن غالب خضر علیه السلام ایدی امام شافعی حقنده
نه دیر سکر دیدم اوتاد دندر بیوردیلر یا امام احمد حنبل حقنده نه دیر سکر
دیدم مرد صادق در بیوردیلر یا بشر خانی حقنده نه دیر سکر دیدیم مکده
مثل ومانندی کلمه کر که ر بیوردیلر دیدی جناب بشر خانی قدس سره
هجرت نبویه مک ایکیوز یکر می بشجی سالنده بغداد ده وفات ایدیلر
رحمه الله

* ابو عبد الله حضرت حارث بن محاسی بصری قدس سره *
بقولك ورع و علم حائده نظیر لری نایب در بابل زندن ارثا انتقال ایدن
یمش دیناری قبول ایتدیار عدم قبولك حکمتی ضرور دقلرنده رسول الله
علیه السلام (لایق وارث اهل ملتین شتی) بیوردیلر دیدی (ابو علی دقاق دن
قدس سره منقولدر که جناب حارث حرام طعمه ال صوند قلرنده البته
مبارك بر عقلری در مکله طعمه حرام اولدیغنی بیلوب اکلدن اعراض
ایدلر دی) (چند بغدادی دن شقوا در که بر کون جناب حارث ایله اشیاء
مضا حبتده کندیلر ده علامت جووع کوروب برای اطعام بایلا سیدان
خانه مد کتور دم موجود اولان دو کون طعمه ندن اغزلر ینده قوبدیلر
هر چند که چینوب یوتغده قادر اوله در قلرنده اول طعمه می اغزلر ندن
بیانه آتوب کیتدیلر بر قاج کون ضکره ملاقاتده اول طعمه می قانندن کترک
دیو بیوردیلر ده بر قو کشی دوگونندن کتر دم دیو جک حق تعالی کمال
لطیف و کر مندن یوقولنه طعمه حرامی روا کوریمشدن بیوردیلر دیدی
هجرتک ایکیوز قرق اوچنجی سالنده وفات ایدیلر رحمه الله

* ابوسلمان حضرت داود بن نصیر الطائی قدس سره *

روز کارک اکابر و افاضلندندن شیخ واسطی قدس سره جناب داود دن
نصیحت استدی مکده دنیادن اورخ طوط و موت ایله عیب دایله و بی
جانه و لر دن فرار ایدر کی اهل بدعتندن قاج بیوردیلر دیدی (ابو علی
دقاق قدس سره جناب داود بر کون بغداد زوقا قلرنده کترکن بغداد
اکا برندن چینه طوسی اینه سنوار اولوب چاشودن هرور ایدر کن
رکابنده می چاوشان صاویلاک دیومین و یسناره ند ایدلر دی جناب

داود بن کبیری کوریمشک دنیادن واهلندن برار اولوب صدق له توبه
ایند کدنچکره گوشه فراخی اختیار ایدوب حق تعالی به توجهله
عبادت و زهد و صلاح مشغول اولدیلر دیدی (شیخ یوسف قدس
سره جناب داود پایا سندن یکر می بیک دینار میراث قالمشیدی یکر می
شندده همار ایتقی اول دیناری خرج و صرف ایلدیلر دیدی رحمه الله
* ابو علی حضرت شقیق بن ابراهیم بلخی قدس سره *

مشایخ خراساندن در و خاتم اصم حضرت تارینک استاد در جناب شقیق
ایناه تجلر تده برقریده کور دیلر که بر شخص ذلت و خوارق لباسن
کیمش کداتک اغنیا حضورنده تضرع و نیازی کبی او کنده کی صتمه
تضرع و نیاز ایدر جناب شقیق اول شخصه خطاب ایدوب ای غافل
سنت پروردگارک واردر که جمیع خلق عالم کافه مقاصدنی اتدن استرل
هرند استرک اتدن استه و یرک اکا ر اشور بو پدن نه حاصل اولور
بو پراغاج پاره سیدر که کندی الکله پایوب معبود مدر دیو طیرسن
و خدمت و عبادت و قولاق ایدرسن بر پادشاه پرسش ایتکیم سنک
اصلکی چار عناصر مختلفه دن ترکیب ایدوب قالب جسمکه جان
و بر مشدر بو خود جانی یوق بر قوری نقش و صورت بوندن نه امید
ایدرسن بنم پروردگارم بر مقاش و مند بور قوانه جبل احد کی بوزیک
التون و یرسه خزینه غیندن بر ذره قدر نسنه سی اکسار دیو
بیوریمشک کافر شق خطاب ایدوب ای شقیق اگر حال و کیفیت دیدیک
کی اولایدی بویله زار و سرگردان کشت و کذار ایتزدک بلکه
خانه کده اوتوردیک و پای طلبکی دامن فتاعته چکوب گوشه فراخته
اولوردک دیدکده جناب شقیق اول زمان خواب غفلتدن او یا نوب
طریق زهد و صلاحی پیشوا ایدندی رحمه الله

* ابویزید حضرت طیفور بن عباسی بسطامی قدس سره *

بوزات شریفک جدی مقدم آتش پرست ایدی صکره مسلمان اولدیلر
و بونلر آدم و طیفور و علی نام عالم و عابد و زاهد فرمداشلر ایدی لکن
جناب طیفورک مرتبه و جاهی و رفعت و شانی قرن اولری آدم
و علیدن زیاده ایدنی بومنصی ندن بولدا دیو ضرور قلرنده اچلقدن
و عریانلقدن بولدم بیوردیلر اوئوز سنه هرگاه کیم غازدن یوز می

جانب قبله به دوندور یدم ضانوردیمکه میامده زنار وارد بیوررلردی
اگر هوا یوزنده ظیران ایدر بر شخص کورر سکر انک فرمانبر لکی امر
بالمعروف ونهی عن المنکر ایچون اولوب شریعت بولنک حد و دینی
محافظه دن اوتوریمیدر بیلیمینجه زنهرا اول شخصه کوکل و یزمیه سکر
اگر بومذ کورائی برینه کتور میکیچون ایسه فیهما و انعم والا اندن بعید
اولک بیوررلردی مکر زمانلرنده ولایتله مشهور بر شخص واریدی
جناب ابویزید خادمبله برای زیارت کیدوب اول شخصی بر مسجدده
بولدیلرکه بحضور قلب ایلم قبله برارنده اوتورمش اما جانب قبله
تو کوررلر چون جناب ابویزید اول شخصی بو کیه فینه کور دیلر سلام
و بر میوب مسجد دن بیرون اولدقارنده سبب خروجدن صورنلره
هر کیمکه قبله آدابنک رعایتی برینه کتور میه حق تعالی نیک قوللوغنده
قنده لایق اولور بیور دیلر هجرت ایکیوزالتش برنجی سالنده بسطامده
وفات ایتمکله امام جعفر صادق فرزند مکرملری محمد حضرت ترینک
تر به لری مقابله سینه کنیدی خانه لرینه دفن ایتدیلر رحمه الله
* ابو حنیفه حضرت سهل بن عبد الله التستری قدس سره *
زمانلرنده نظیری نایاب صاحب کرامات ایدی و ذوالنون مصرینک
قدس سره خدمته واصل اولمشلر ایدی بیوررلردیکه اوچ یاشمده
ایکن خالم ایله مسجدده کیدردم و کیچمکرده تابصباح او یوم یوب خالم ایله
نماز قیلاردیم خالم بکا یاسهل سجد او یوزیرا کوسکم سکا مشغول
اوله یوزدیدکجه دکل یوب یته انکله نماز قیلاردیم برکون بکا یاسهل
پروردگار یکی کرکله طوت دیدکارنده شکل طوته یکه حق تعالی
بر پره صبرمزدیدم ایتدیکه هر کون اشو کلات طیبیه بی کوکله سوا یله
اما جهر ا دکه که اول کلات بولردر (الله معی الله ناظری الله شاهدهی
بر قاج کون یو که مشغولیتدن صکره یاسهل هر کیجه یونی یدی کره اونی
دیمکله او یله ایتدم بعد یاسهل هر کیجه یونی اون بر کره اونی ومن بعد
یونی قلبیکدن چقارمه تا که دو جهات فائده سنی مشاهده ایده سن
بیورمغله بر قاج سنه یو کامداومت ایله ایمانک لذتی تمام ذوق اولندی
بیور دیلر و جناب سهل آتی یلق و بدی ایلحق ایکن نعم دنیای ترک ایل یوب
ار به اتمکند نما عذر انسته یوزلردی و خانه سته سدر رفیق ایچون آز یوب

دائما صیام اوزره اولورلردی آخرانی حبیب حرة بن عبد الله حضرت ترینک
صحبترینه ایشوب بر مدت ایلرله اولدقدن صکره تستره کلوب
ایکیوز سکسان اوچ نار یخنده وفات ایتدیلر رحمه الله علیه
* امیر سلیمان حضرت عبدالرحمن بن عطیه دار یاقدر سره *
دار یا قرای دمشقدن برقریه در جناب عبد الرحمن جمع اوقانده
نصیحتنده بر کوکله که دنیا محبتی قرار ایده لاجرم آخرت اول کوکلدن
البته چقهسه کر کدر بیوررلردی هجرت نبویه نک ایکیوز اون بشنجی
سالنده وفات ایتدیلر رحمه الله علیه

* ابو عبد الرحمن حضرت حاتم اصم بن عنوان قدس سره *
اکا بر مشایخ خراساندن در و شقیق بلخینک قدس سره شاگردیدر
واحد بن مضرویه نک استنادیدر اصم دید کلرینک حکمتی بودر که
برکون بر عورتک بر مهمی اولوب عرضحال ایچون عز حضور لرینه
وارد قد اول عورتدن بالضرور آوازه شرمناک ظاهر اولمغله عورت
نجل اولمشیدی حاتم حضرت تری صاغر لغه اوز مغین عورت حاتم
صاغر تصور ایدوب شاد اولدی (بنا برین اصمغله مشتهر اولدیلر بر
مذهبه زده اولحق استین درت کونا موتی اختیار ایتسون بری آق اولدر که
آچلقدن کایه در و بری قاره اولدر که خلیفکدن و خاکسار اقدن
واهل تواضع اولقدن کایه در و بری دخی قزل اولدر که نفس اوزرینه
مخالفت ایتکدن کایه در و بری دخی یشل اولدر که قفسانلره کونا کون
رنک آمیز نسته دیکمکدن فراغت ایدوب یمالی خفتان کیمکدن کایه در
بیوررلردی هجرتک ایکیوز اوتوز یدنجی سالنده وفات ایتدیلر رحمه الله
* ابوزکریا حضرت یحیی بن معاذ رازی قدس سره *

زاهدک اوچ نسته در یعنی اوچ شیئدن ککایه در بری ناتوانقدر
و بری خلوتدر و بری جوعدر بیوررلردی هجرت نبویه نک ایکیوز اللی
سکرنجی نار یخنده وفات ایتدیلر رحمه الله

* ابو حامد حضرت احمد بن خضرویه قدس سره *
عظمای مشایخ خراساندن در ابوتراب یحیی حضرت ترینک صحبتده
ایرد کد نصکره نیسا بورده ابو حفص حضرت ترینی بعد از یاره بسطامه
کلوب بازید بسطامی حضرت ترینی زیارت ایتدیلر ابو حفص

حضرت تری عالی همت و صادق قرق احمد بن خضر و یه دن غیری کچسسه
 کورمدم پیورلردی هجرتک ایکوز قرقی سالنده وفات ایتدیلر رجه الله
 * ابوالحسن حضرت احمد بن حواری قدس سره *
 دمشق دندرا ابو سلیمان داری حضرت تری نک صحیفه ایر مشلردر شیخ جنید
 بغدادی قدس سره احمد بن حواری شام اهلنک ریجاید پیورلردی
 ابن حلبی قدس سره احمد حواریدن اشد مکه بر کیمسه که دنیایی سوه
 یاخود نظر محبتله دنیایه باقه حق تعالی اولکیمسه نک قلبندن نور یقینی
 چقار پیورلردی هجرتک ایکوز اوتوز اوچنچی سالنده وفات ایتدیلر
 * ابو حفص حضرت عمر بن سالم حداد نسا بوری قدس سره *
 بخاراده قریه کردا یاد دندر بر کیمسه که هر کون و هر لحظه کندی احوالی
 کتاب و سنده موافق میدردیو وزن اتمیه اولکیمسه اردکادر پیورلردی
 هجرتک ایکوز الی سکر بنی بیلنده نسا بوردی وفات ایتدیلر رجه الله
 * ابوتراب حضرت عسکر بن خضین نخشی قدس سره *
 حاتم اصم و اباحاتم عطاء بصری حضرت تری نک خدمتارینه واصل
 اولشلردر این جلاق قدس سره التیوز مشایخ کرامت صحبت شریفارینه
 واصل اولدم ابوتراب مانندی کورمدم طعام و لباسلری حلالدن
 ایدی و هر قائده اخشام اولورسه وطنلری اوره سی ایدی بر کون
 می یداندن بری یه دوشمش برقاون قابوغنی اکل ایچون ال
 اوزاندقدی جناب شیخ نعره اوروب اول هریده سن صوفیلغه لایق
 دکلمن دیو غصب ایتدیلر هجرتک ایکوز قرق بشتی تار یخنده بیابانده
 ارتحال دار بقا ایتدیلر کمرنده یاننده کیمسه بولمیدغندن دفن اولنه مامغله
 جسم شریفی سباع و سائر حیوانات اکل ایتدیلر رجه الله
 * ابو محمد حضرت عبد الله خنق قدس سره *
 زهاد اهل تصوف دندر یوسف بن اسباط حضرت تری نک مجلسنه
 ایرمشلردر کوفه دن انطاکیه یه کلوب آنده قرار ایتدیلر ایدی باطل نسته لره
 قواق طومق یعنی کلمات مزخرفه و ناشایسته اشمک عبادت لذتی
 وکلدن طشره چقار پیورلردی تاریخ و فانیلری تصحیح
 اولنه مدیغندن یازلمدی
 * ابو علی حضرت احمد بن عاصم انطاکی قدس سره *

بشر حافی و سری سقطی و ابو سلیمان داری حضرت تری نک افراندند
 زیاده صاحب فراست اولدقلردن نام شریفنه جاسوس القلوب
 دیرلردی هجرتک ایکوز طقسان طقوز بنی سالنده وفات ایتدیلر رجه الله
 * ابوسری حضرت منصور بن عمار قدس سره *
 زماننک و عاظندند بنده نک نیک لباسی تواضع و کسر نفسدر و عارفنک
 لباس فاخری پر هیز کارلقد پیورلردی بر کون اثناء طریقه برپاره
 یازیلو کاغذیره دوشمش قالدیروب اوقیدیلر که بسم الله الرحمن الرحیم
 یازیلوردر کولکلردن عجبسا بو کاغدی نزه به صوفسمکه دوشمیه دیو
 ملاحظه دینسکره بسم الله الرحمن الرحیم دیوب اول کاغدی یوتدیلر
 اول کیمیه واقعلرنده اول کاغدی تعظیله یردن قالدیروب یوتدیلر
 ایچون اول اسم عظیم حرمتنه حق تعالی سکارحت قبولی آچدی
 دیدیلر (مرویدر که یوم حشر و جزاده حق تعالی بر کرسی حاضر ایدوب
 منصوره کرسی یه چیق و دنیا ده وعظ و نصیحت ایتدیلر کبی بو کون
 ذات پاککی تزییه ایدوب خلایفه وعظ و نصیحت ایله دیو فرمان
 پیور مغله امر حقه امتثال نوردن کرسی یه چیقوب فرشتهلر و اهل
 محشره وعظ و نصیحت ایدلر رجه الله
 * ابوصالح حضرت جدون بن احمد بن عماره القصار نسا بوری *
 نسا بوردی مذهب ملائیه بونلردن پیدا اولدی هر کیم نفسی نفس
 فرعوندن یک طوته اولکیمسه تحقیق متکبردر پیورلردی بولمیدن
 سلمان پاروسی ایله ابوتراب نخشی حضرت تری نک صحبتلرینه ایرمشلردر
 هجرتک ایکوز طقسان بنی سالنده وفات ایتدیلر رجه الله
 * ابوقاسم حضرت جنید بن محمد قدس سره *
 مسقط رأسلری نه اوئددر صکره عراقه کاوب مدت وفیره آنده مشوطن
 اولدیلر پدری محمد صرجه ستارلردی انکچون جناب جنیده قواریری
 دیرلردی عالم و دیندار و متقی و پر هیز کار ایدیلر سری سقطی و حارث
 محاسبی و محمد بن علی القصاب حضرت تری نک صحبت شریفلرینه
 ایرمشلردر صوفیلق کفتکوا ایله حاصل اولمزلکه آچاق ایله و ترک
 مصاحبت ایله حاصل اولور دیرلردی و هر کون کز اوچده در تیوز
 رکعت نافله نماز قیلرلردی هجرت نیویه نک ایکوز طقسان بنی

تاریخچه وفات ایندیلر رحه الله

* ابو عثمان حضرت سعید بن اسماعیل حری اکرچی قدس سره *

نیسا بورده اقامت ایندوب شاه کرمان و یحیی بن معاذ حضرت تریسک صحبت شریفترین و اصل اولمشاد و شاه کرمان و ابو حفص خداد حضرت تریسک زیارتیه کلوب برمدت خدمتارنده اولدیلر و ابو حفص حضرت تریسک کمره اوتوزسته قید حیاته اولوب هجرتک ایکوز طوقسان سکرچی سالنده وفات ایندیلر رحه الله

* ابو الحسن حضرت احمد بن محمد النوری قدس سره *

صبح طامانی فقرایه بعدالتصدق صلاة ظهره قدر مسجد شریفده اوتورد قد نصکره دکانلرینه کلد کارنده اهل بازار احمدی قوشلق طامانی خانه سنده ایدوب کادی و اهل خانه دخی اخشام طامانی دکانده ایدوب کادی قیاس ایدر لردی بووجهله یکریمی سنده متصل واحد صائم اولدی و فرد آفریده یونلرک بو حاله مطلع اوله مدیلر جنید بغدادی قدس سره ابو الحسن نونینک و فائده نبر و هیچ کچنه یه طوغریلق حقیقی خبر ویرلماشدر یورر لردی هجرت نبویه تک ایکوز طوقسان شنجی ییلنده وفات ایندیلر رحه الله

* ابو عبد الله حضرت احمد بن یحیی بن جلال قدس سره *

بغداد ایدر صکره رمله و دمشق کلوب انده متوطن اولدیلر انکیچون اکا برمشایخ شامدندر ابوتراب یحیی و ذوالنون مصری حضرت تریسک صحبتلرینه و خدمتارینه ایریشوب ایکه سکنده رضای بن تحصیل ایندیلر بنی حق تعالی یه یاغشلیک دیو یا باسندن نیاز ایمکله انلردخی یاغشلد قیلنده همان ابویندن جدا اولوب برنیچه مدت سیاحت نصکره ابوینی آرزو سیله وطنه کلوب دق باب ایلدیلر ایچرودن مادی کیمدر دیو جک یحیی بن جلال تک اوغلی احمد دیدکده بزم بر اوغلز واریادی حق تعالی یه یاغشلق بین العرب یاغشلقن شیء کرو آلنزدیو جواب ویردیلر بناء علی هذا ابوینم بکا خانه مزه کیرمکه یول ویرمدیلر ضروری حکم ویردندم یورر لردی

* ابو محمد حضرت روم بن احمد بغدادی قدس سره *

عصرنده کی مشایخ کرامک کبراسندندر صوفیایله اوتورمق سائر

طائفه ایله اوتورمق نیند شوازدوز بر اصف و فیلرک اوتورمق نینی و لورمق نینی حقیقت اوزرینه در اما سائر خلقک اوتورمق نینی عوام ناسک رسمی اوزرینه در صوفیایله اوتوروب طوزنلر آزه حق نسنه ایله انلره مخالفت اینسه لحق تعالی نور ایمانی انلرک قلمندن سلب ایدر یورر لردی برکون صوسن قالمغله برامیز قیوسندن صواستد کارنده برچو چوق صوکتوزوب یونلر ایچد کد نصکره برداغی چو خوغک لینه ویرد کارنده چو چوق صوفیلر کوندوز صوا ایچر لری ذیمکله الی آخر العمر صیام اوزره اولوب هجرت نبویه تک اوچوز اوتوزنجی تاریخده وفات ایندیلر رحه الله

* ابو عبد الله حضرت محمد بن الفضل قدس سره *

یخیدر اما سمرقنده متوطن اولوب احمد بن خضرویه حضرت تریسک صحبت شریفترین ایرشد کد نصکره عثمان ضمیمه حضرت تریسک دخی صحبتیه و اصل اولق استیلر اما مینر اولدی انسان کاملده بدخلق نشانی اوج نسنه در بری علم روزی اوله ده اوکرتمیه و بری علم نصیب اوله ده اخلاس اولیه و بری دخی صحبت صالحین ممکن ایکن انلره تعظیم و حرمت ایمیه یورر لردی و هر کیم آخرنده عزت استرسه دنیایه خوارلق کوز یله نظر اینسون یورر لردی هجرت نبویه تک اوچوز طوقوزنجی سالنده وفات ایندیلر رحه الله علیه

* ابو بکر حضرت احمد بن نعر الزقاق مصری قدس سره *

چتید بغدادی حضرت تریسک اقراندند بری اسراشیل صحر استده صوسراق مستولی اولغله برصکره ایریشوب انلردن بر ایچم صوا ایچدیکم اجلدن اوتوزسنه متوالیه کوکلدن نور شماعی زائل اولدی یورر لردی رح

* ابو عبد الله حضرت عمر بن عثمان مکی قدس سره *

اصول طریقه سده شیخ کامل و مرشد فاضل ایدی ابوسعید خراسانی حضرت تریسک صحبتلرینه ایرشمدندر علم جانب حقه چکیچدر و قورقوی سور یچیدر نفس بدایسه آدمی سرکش اید یچیدر جهدا یملک کر کدر که علم واسطه سیله نفس سرکشی کید و بهرام ایله تا که دینار آخرنده بهره مند اوله یورر لردی هجرتک ایکوز طوقسان برنجی ییلنده وفات ایندیلر رحه الله

* ابو الحسن حضرت سمسون بن حمزه قدس سره *

سیری سقطی و ابو احمد قلانسی حضرت تریسک صحبتلرینه ایرشدیلر

ابو احمد حضرت تارندن منقولدر که شیخ سمسون زماننده بر کسمه
بغدادده درویشله قرق بیک انچه کتوردی شیخ سمسون حضرت تازی
یا اباحمد بواجه لری فالدیرک بواجه لرحسابجه بر خلوت یرده نماز قیله لم
تا که درویشانه نفقه اولغه لایق اوله دیمکه انچه فی فالدیروب بر میدانه
کتدک و قرق بیک رکعت نمازی بعدالاول انچه لری فقرایه بخش ایندیله
* ابو عبید حضرت تستری قدس سره *

قدمای مشایخ کرامنددر ابوتراب بخشی حضرت تارینک صحبتونه
ایردیلر ابوجسلا حضرت تازی قدس سره التیوز مشایخ کرامک
صحبتلرینه ایردم ابو عبدالله تستری و ذوالنون مصری و ابوتراب بخشی
و جنید بغدادی مانندی مشایخ کورمدم بیورلردی رحمه الله
* ابوالفوارس حضرت شاه بن شجاع کرماتی قدس سره *

اولاد ملوکنددر ابوتراب بخشی و ابو عبید تستری حضرت تارینک
صحبتلرینه ایرشدیلر پرهیز کاراق و مصوفیق نشانی کنی خوف اوزرینه
اولمقدر و خوفک نشانی کنی شهادندن بری اولمقدر بیورلردی (وینته
کذب و غیبتدن اعراض ایلین غیریه هر نه گاه اشارسه ایددر که مغفور
اوله بیورلردی هجرتک اوچیزنجی یلنده نیساپورده وفات ایندیله رح
* ابو یعقوب حضرت یوسف بن حسین قدس سره *

عالم و مؤدب زبده مشایخ ایدی ذوالنون مصری و ابوتراب بخشی
و ابوسعید خراز حضرت تارینک صحبتلرینه ایرشمشله ایدی هجرتک
در تیوز دردنجی تاریخنده وفات ایندیله رحمه الله

* ابو عبدالله حضرت محمد بن علی ترمذی قدس سره *
رسول اللهی علیه السلام طقسان طقوز دفعه واقعه زنده کوردیلر
تصوفه دار چوق کتب تألیف بیوردیلر (ابوتراب بخشی و احمد بن
خضرویه و ابن جلا حضرت تارینک صحبت شریفلرینه ایرشدیلر
بلند و متوطن ایدیلر رحمه الله علیه

* ابو بکر حضرت محمد بن عمر الوراق بخشی قدس سره *
احمد بن خضرویه و غیرینک صحبتلرینه ایرشدیلر علم ریاضاتده
تألیفات کثیره سی واردر هر کیم اعضا سندن برادنی عضوی شهوات
نفسانیه نه قیل ایندیله اولکیمته کندی کوکنه پشیمانلق اناجی ذکر

بیورلردی و کندی اصحابی سفره کتکیدن منع ایدوب منبر ایدک
بیورلردی رحمه الله

* ابوالفیث حضرت حسین بن منصور حلاج قدس سره *
بدری اعمیله شهرت بولمدر اصلی فارسده بیضا نام شهر دن نشو
و غسانی واسط و عراقده در (جنید بغدادی و غیر یلر ایلله صحبت اینمدر
وجه تسمیه حلاج بودر که بر کون جناب حسین منصور بر حلاجی
بر مصطلحه کوندر وب کندیسی حلاجک دکاتیده اوتوردیلر و اشارت
ایدوب بنیه لک جله سی آتیدی حلاج کلدکده بنه سن مخلوج بولمغه
اورادن شیخ حسین منصوره حلاج دیدیلر بوختسه اصلده حلاج
دکل ایدی (مقتدر بالله خلیفه زماننده هجرتک اوچیز طقوزنجی
سنه سی ذی القعدة سنده سه شنبه کونی بغداد ده طاق قیوسنده بر دار
ایتدیلر) دلیل السیل مرشد الیکل حضرت شیخ اکبر قدس سره الاظهر
بیورر که قریله شهرنده مقیم ایکن حق تعالی بکا نعم و انبیا بی کوستروب
ارالندن حضرت هود سبب جمعندن خبر و یردیکه یو جله سی فخر
عالمدن علیه السلام حلاج منصوره شفاعت اینمکیچون کلملر در زبرا
حلاج حیات دنیویه ده اسامت ادب ایدوب رسول اللهک همی منصبتدن
ادنادر دیدی نیچون دینلدکده حق تعالی اکا (واسوف یعطیک ربک
فترضی) بیوردی پس مقتضای همت علیا بوایدیکه هر مؤمن و کافر
حقنیده شفاعتک مقبولین دلیلی اول ایه تخصیص ایدوب
(شفاعتی لاهل الکبار من امتی) دیدی پس بومقاله حلاجدن صادر
اولدقده (فخر عالم علیه السلام اکا عالم مشالده مثل ایدوب یا منصور
شفاعت خصوصنده عالمی انکاره می دوشدک دید کلرنده اولدخی
یا رسول الله بویه انکار حاصل اولدی دیوجک فخر عالم بیوردیکه
یاسن اشتدکی آنی که حدیث قدسیده حکایه ایلدم (اذا حیث عبدا
کنت له سمعا و بصرا و لسانا ویدا) اولدخی بلی یا رسول الله اشتدم دیدی
فخر عالم بیوردیکه یاسن بنم حبیب الله اولدغی بلدکی اولدخی بیلدم
یا رسول الله دیدی فخر عالم بیوردیکه (پس بن حبیب الله اولیحق حق
بنم سویلر لسانم و شافع و شفوع الیه اولوب بن انک وجودی یائنده
عدم اولورم پس یا منصور بو عتاک معناسی ندر منصور دیدیکه

یا رسول الله بواسطتہ بن ثابت و مستغفر اولدم بوجہ کفارت
ندر دید کده (فخر عالم بیوردیکه نفسی فی سبیل الله قربان ایله منصور
دخی کیفیتندن سوال ایدیجک فخر عالم بیوردیکه نفسی شریفتم سببی
ایله قتل ایله پس بردار اولق منصورک یا شعله بوسیدن کلدی
بویاند نصکره حضرت هود بیوردیکه علاج دنیا دن مفارقت ایدنی
فخر عالم دن محجوبدن و بوجہ میت کبری اکاشفاعت ایچوندن انتہی
بوندن منقہم اولور که روح علاج اوچیز سینته دن مجاوز برم فخر
عالم دن دور و مهاجور اوله پس انک شائده برکده اساءت ادب ایدنک
تزللی بواولجق نیچه کره اساءت ایدنک حالی نیچه اولق کر کرد
* حضرت احمد بن حبشی الخراز بغدادی قدس سره *

برسوز که ذوالنون مصری و ابو عبد الله تستری و سری سقطی
و بشر حافی حضرت تریبک صحبت شریفترینه بخلاف اوله باطلدر
بیوزلردی وینه شیطانی دوشمنده کوردم ابراقدن کیدر اوکومه اوقیدم
کلندی وایتدی بنم سنکله ایشم یوق ایتدم نیچون نجواب ویردیکه
شول نسنه ایله کیم بن آدم وادم زادی اضلال ایدرم سن اونی کندکده
برق ایدوب طور رسن صوردمکه اول ندر ایتدی دنیادر هجرتک ایکبوز
یتش یدچی سالنده وفات ایتدیلر رحه الله

* ابو عبد الله حضرت محمد بن اسمعیل مغربی قدس سره *

ابراهیم شبیان حضرت تریبک استادیدر یوزیکرمی سنه معمر اولدیلر
انساک اشرف و عزیز کنندینی زمره فقراتک زبرد ستندده عد
ایدوب اتلره تعظیم و تکریم ایلیندر بیوزلردی رحه الله

* ابو القاسم حضرت احمد بن محمد مسروق طوسی قدس سره *

بغدادده ساکن او ابوب حارث محاسنی و سری سقطی حضرت تریبک
صحبتترینده ایشدیلر معرفت اغاجی فکر صوبی ایله بیوز و غفلت
اغاجی جهل صوبی ایله بیوز بیوزلردی هجرت نبویه نک ایکبوز
طقسانچی تاریخنده بغدادده وفات ایتدیلر رحه الله

* ابو محمد حضرت احمد بن حسین جری قدس سره *

شیخ جنید اصحابک اکابرندندر سهل بن عبد الله حضرت تریبک
صحبتینه اربوب آخر جنید بغدادی قدس سره سجادده ارشادترینه

اوتوردیلر اصول کورمک فروعی استعمال ایله اولور و فروعی تصحیح
ایتمک اصوله معارضه ایله اولور و علم اصول مشاهده سبک مقامی
الله تعالی فی تعظیم ایتکدن غیری وجهله مبسر اولز بیوزلردی
هجرتک اوچبوزاون برنجی سالنده وفات ایتدیلر رحه الله

* ابو العباس حضرت احمد بن محمد بن سهل بن عطاء الاذمی *

مشایخ اهل تصوفک کبراستندندر و جنید بغدادی حضرت تریبک
اصحابندندر شیخ ابو عبسی احمد خراز برعزیزه زیاده تعظیم ایدردی
و شیخ ابرهیم مارستانی حضرت تریبک صحبتینه ایشدیلر هر کیم
بونلرک صحبت شریفترینه ایره لر نصیحت ایدرلردی هر کیم نفسی
رسول الله علیه السلام سنبله ترین ایدن حق تعالی نک قلنی
نور معرفتله تنویر ایدر بیوزلردی هجرتک اوچبوز طقوسنجی سالنده
وفات ایتدیلر رحه الله

* ابو اسحق حضرت ابراهیم بن احمد الخواص قدس سره *

جنید و نوری حضرت تریبک اقراندندر توکل ور یا خنده خلی
پهرلی واریادی اسهال مرضنه اوغرا دیلر مسجده کیدرلردی
وهرایکی رکعتده غسل ایدوب بعده ایکی رکعت نماز قیلملرلردی عالم
اولدر که علمی ایله عامل اوله و رسول الله علیه السلام سوزی و اشلدیکی
آردنیجه کیده بیوزلردی هجرتک ایکبوز طقسان برنجی سالنده
وفات ایتدیلر رحه الله

* ابو محمد حضرت عبد الله بن محمد الخراز الرامی قدس سره *

مکده واروب ابو جعفر و ابو عمران کبرک صحبتترینده ایدیلر راهدک
طعامی آجلقند و عارفک طعامی ذکر در بیوزلردی هجرتک
اوچبوز اوننجی سالنده وفات ایتدیلر رحه الله علیه

* ابو الحسن حضرت دنیان بن محمد جال واسطی قدس سره *

مصرده سنیا کن اولوب زمانی مشایخک کبراستندن ایدی برکون
بر برنجی جانه ور بونلره ایشوب مبارک دست و پازین یازدی اول
جانه ور کیتد کد نصکره حکمتی صورت قلزنده اول جانه و الم و اباعم
بالارکن علماء عظام سورسبا عده اختلاف ایتیلردر عجب حق قننی
جانبده در دیو فکر ایدردم بیوزلردی هجرتک اوچبوز اوننجی تاریخنده

وفات ایتدیلر رجه الله

* حضرت ابو حزه بغدادی بزار قدس سره *

جنید بغدادی حضرت تلمینک اقراندند در سمری سقطی و حسن موثق
حضرت تلمینک صحبتلرینه ایردیلم علم قرائتده عالم و فقهده ماهر
و کامل ایدی حتی امام احمد بن حنبل حضرت تلمی بعضی مسائل
فقهیه دن بونلره مسئله عرض ایردی و شیخ صوفی نه بیوردیلر دیو
صور لر دی رسول الله علیه السلام متابعت و موافقتدن بغیری
طریق حق ره نما یوقدر بیور لر دی منبرده و عطا ایدر کن دوشوب
هجر تک ایکوز سکسانجی سالنده وفات ایتدیلر رجه الله

* ابو بکر حضرت محمد بن موسی واسطی قدس سره *

شیخ جنید و شیخ نوری حضرت تلمینک صحبتلرینه ایردیلم خوف ورجا
ایکی یولارد رینه بی ادب سز لکدن منع ایدر بیور لر دی هجر تک
اوچ یوز اونجی تاریخنده وفات ایتدیلر رجه الله

* ابو اسحق حضرت ابراهیم بن داود الای قدس سره *

شام مشایخه کاکلرنددر جنید و ابن جلا حضرت تلمینک اقراندنددر
یوز یکرمی الی سنه قید حیاتده اولدیلم حق تعالی بی دوست طومک
نشانی رسول الله علیه السلام گفتار و کرداری اوزره دائما عبادت
و طاعت ایتکدر بیور لر دی رجه الله

* حضرت عماد دینوری قدس سره *

اکابر مشایخ اهل تصوفدر جمیع اسباب دنیویه بی ترک ایتدیکه
محضور شیخه کلر دم بیور لر دی حالت نعلرنددر پردر ویش کلوب
خدایا عمشاده رحت ایل و بهشتی اکا احسان قبل دیدکده عمشاد
بیوردیکه ای غافل اوتوز سنه دنیو بهشتی بکاعر ض ایدر و بن اکا
کونه چشم همت افکنده اولدم شمدیکه در کاه قر به کیده یورم
کندیکه زجت و یروب پنجون بهشت جواولمه بیور دیلر هجر تک
ایک یوز طمسان طقوزنجی سالنده وفات ایتدیلر رجه الله

* حضرت خیر انصاج قدس سره *

ابو حزه بغدادی و سمری سقطی حضرت تلمینک صحبتلرینه ایردیلم
نوری حضرت تلمینک اقراندنددر یوز یکرمی سنه ماهر اولدیلم بعضیلر

عندیده اسم شریفی محمد بن اسمعیل ایدیکه ساحره اهلندن ایدیلر
مکه به عزیمت ایدر لایکن کوفه قیوسنده بر شخص جلا بونلری طو توب
بنم قولسن و آنک خیر در دیمکله بونلر دخی سکوت ایتدکلرندن خیلی
مدت قوللق طریقه خد متنده بعد الاستخدام انصافه کلوب یاخیر
غلط ایدوب سنی قول قیاس ایتشم بنم قولم دکلسن و نامیکدخی خیر دکلدر
دیومه دزدند صکره اصل اسمی سور یله بزد اول نامله سمری چاغره لم
دیدکلرند آدم محمد ایدی اما چونکه سمر خیر نسیمه ایتدیکن بعد ازین
خیر اولسون بیور دیلر رجه الله

* ابو حزه خراسانی نسا بوری قدس سره *

جنید و خراز حضرت تلمینک اقراندند عالم و عامل و دیندار و پرهیز کار
پزات ایدیلر بر کیمسه که (السفر قطیعة من السقرک) توشه وزادنی
جاضریله عارف و عاقلدر بیور لر دی رجه الله

* ابو بکر حضرت دلف بن محمد الشبل بغدادی قدس سره *

جنیدک وزماننده کی مشایخ کرام حضراتک صحبتلرینه ایرشدکدن
صکره دماننده کلدیلم اول شهرده اوتور دیغندن اوتوری اورانک والبسنی
کتردوب اندن حلالی استدیلم طریق تصوفده مجاهده سی حددن
بیورنددر رجه الله

* ابو علی حضرت احمد بن محمد بغدادی قدس سره *

مهرده ساکن اولدیلم جنید و نوری و ابن جلا و سائر مشایخ کرام
حضراتک صحبتلرینه ایردیلم و علم تفسیر و حدیث و ادبده ماهر ایدیلر
چاغور و سائر دائر ملاهیدن صور دکلرند بر کیمسه بدرجه به ایرشه که
اختلاف احوال اکا اثر ایتیه اکا حلالدر و الا اتفاق حرامدر بیور دیلر
هجر تک اوچ یوز یکرمی ایکنجی سالنده بغدادده وفات ایتدیلر رجه الله

* ابو علی حضرت محمد بن الوهاب ثقفی قدس سره *

عصرینک امامی ایدی ابو جفص و جدون قضا حضرت تلمینک
صحبتلرینه ایردیلم و نسا بوردی تصوفی بونلر آشکاره ایتدیلر بر زمان
اولا که مصالح امت محمد بر منافق واسطه سنسز کورلیه بیور لر دی
ودخی بر کیمسه جمیع علوم کماله تحصیل ایلسه و جمیع مشایخ صحبتلر
طواف ایلسه ریاضت ایتیمجه بودکلو معارفه اراک مقابله ایرشمز

بیوررلردی هجرتک اوچیوزیکرمی سکرنبی سالننده نيسا بورده
وفات ایتدیله رجه الله

* ابو الخیر اقطع مغربی قدس سره *

کرامت و فراست صاحبی ایدی هرکیم ادب محبوبی در اغوش ایمیه
و صحبت صلاحه کیرمه و فرائض و واجبات ادا ایمیه و دین یولنده
موافق یارانک ملازمتی ایمیه اولکیمسه اولواق مرتبه سنه ایرشمر
بیوررلردی هجرتک اوچیوز قرقنبی تار یخننده وفات ایتدیله رجه الله
* ابو بکر حضرت محمد بن علی کانی بغدادی قدس سره *

جنید و خراز و نوری حضرت تهرینک صحبتارینه ایردیله شهرت زمام
شیطانیدر هرکیم اکایشه شیطانة قول اولور بیوررلردی هجرتک
اوچیوزیکرمی ایکنجی سالننده وفات ایتدیله رجه الله علیه
* ابو یعقوب حضرت اسحق بن محمد قدس سره *

جنید و عمر و مکی و ابو یعقوب موسی حضرت تهرینک خدمتارنده
اولدیله دنیا پردریای خوردر و آخرت انک ساحلیدر و تقوی سقینه سیدر
هرکیم دنیادن آخرته آسانلغله کوچک استرسه تقوی کشتی سنه پنسون
بیوررلردی رجه الله علیه

* ابو الحسن حضرت علی بن محمد مزین بغدادی قدس سره *
سهل بن عبدالله و جنید بغدادی حضرت تهرینک کعبلارنده ایدیلر
هرکیم درگاه الوهیه اعتماد کلی ایدوب خلقه توانکر کورینه حق تعالی
جیع خلقی اکا محتاج ایدر بیوررلردی هجرت تبویه تک اوچیوزیکرمی
سکرنبی تار یخننده ارنحال دار یقا بیوررلردیله رجه الله

* حضرت ابو علی بن کاتب قدس سره *

عصرینک کبراسنددر قورقوجی کوکک نشانی اولدرکه عبث یره
سوز سوبلیه یعنی کلام شرعیدن غیر سوز سوبلیه بیوررلردی
هجرتک اوچیوز قرقنبی سالننده عازم خلد یرمن اولدیله رجه الله
* حضرت مظفر قره بستی قدس سره *

جیل مشایخنددر ابو عبدالله خراز حضرت تهرینک صحبتارنده ایردیله صوم
اویچ نوعدر یری جان اور جیدر اوزون امیدلر قصه بغیله و یری
عقل اور جیدر هوا و هوس مخالفتله و یری نفس اور جیدر شرعه

حرام اولتلردن عاری اولمقلغله اکل و شیریدن و عورتیه دوشمک کندن
بیوررلردی رجه الله علیه

* حضرت ابو عبدالله بن طاهر ابهری قدس سره *

جیل مشایخنددر ویشل حضرت تهرینک اقرانددر یوسف بن حسین
حضرت تهرینک صحبتارنده ایردیله حق تعالی حضرت تهرینی سومنک شرطی
بودرکه دنیاده مؤمنین بر برینی اکسک کوره لر بوسوز سلامت کوشه سنده
و حدندن نکایه در بیوررلردی هجرتک اوچیوز اوچنجی ییلنده
وفات ایتدیله رجه الله

* حضرت ابو الحسن بشار قدس سره *

مصر مشایخک اکا برنددر ابو سعید خراز حضرت تهرینک صحبتارنده
ایردیلر سوء خلقدن کندیگری بعد ایدک تکیم حرامدن صاقنور سکر
بیوررلردی

* ابو عمرو حضرت محمد بن ابراهیم زجاجی نيسا بوری قدس سره *
جنید و ابو عثمان و نوری و خواص حضرت تهرینک صحبتارینه ایردیله
وسنین و غیره مکده میاور اولدیله برکیمسه که ایرشمدیکی نسنه دن خبر
و یره اوکیمسه اول حاتمه ایرشمکک محال و ممنوع اولور بیوررلردی هجرتک
اوچیوز قرق سکرنبی سالننده وفات ایتدیله رجه الله علیه

* حضرت ابو العباس سیاری قدس سره *

علم و عملده فرید عصر ایدی واسطی حضرت تهرینک صحبتارنده ایردیله
عاقل اولان مشاهده ایلهر کزلذت بولمز زرا مشاهده حق فسادر
فداده ایدسه لذت اولمز بیوررلردی هجرتک اوچیوز قرق ایکنجی سالننده
وفات ایتدیله رجه الله

* حضرت ابو بکر بن محمد بن داود دینوی قدس سره *

حدت و افره شامده ساکن اولدیله و یوز سنه دن زیاده جه معمر اولدیله
معهده مجمع طعامدر اکا حلال لقمه دوشرسه اعضا قوت صالح تحصیل
ایدر اما حرام لقمه دوشرسه قوت شبهات تحصیل ایدوب طوغری
یولدن چقارر اگر حلال و حرام مختلط اولورسه بنده ایلهر خداوند میاند
بر حجاب اولور بیوررلردی هجرتک اوچیوز النجی ییلنده وفات ایتدیله رجه

* ابو محمد حضرت عبدالله بن محمد رازی قدس سره *

نیسا بوردی ساکن اولدیله ابو عثمان خیری و جنید بغدادی حضرتلرینک
صحبتلرینه ایردیله انسان ایتدیکی صحنه ناهی بیلورکن نیچون اشلکدن
بیراز اولزلر دیو صورت قلمده علمی عمل ایچون او قوملر بلکه جدل
ایچون او قوملر لاجرم انلرک کونکلی کوزی کور او اب اشلر کلرینی بلزلر
دیو بیورلردی هجرتک اوچیزاللی اوچنی تاریخنده وفات ایتدیله روح
* ابو عبدالله حضرت محمد بن حقیقت شیرازی قدس سره *

رویم و جری حضرتلرینک صحبتلرینه ایردیله بدتم ضعیف پیریدن
زار اولدی حتی نافله نمازی قیاما قیلغه بحالم یوقدر بیورلردی هجرتک
اوچیز یتش برنجی سالنده وفات ایتدیله روحه الله

* ابو الحسن بغدادی حضرت حسین شیرازی قدس سره *
اصول صوفیه یه یوندن عالم کیمسه یوقدر اهل بدعته صحبت ایتک
حقدن یوزدوند مکدر بیورلردی هجرتک اوچیزاللی اوچنی سالنده
وفات ایتدیله روحه الله

* حضرت ابو بکر طمستانی قدس سره *
عالم و عامل و کامل و فاضل بر ذات ایدی یو یول آشکاره در و کتاب
قائمدر و فضل احساب کرام معلوم و محققدر هر کیم کتاب و سنت
یو یوغنه ملازم اولوب کندینی آفریده دن بیکنه حساب ایلله لاجرم
در گاه الوهینه تقرب کسب ایدر بیورلردی هجرتک اوچیز در دنجی
تاریخنده وفات ایتدیله روحه الله علیه

* ابو العباس حضرت احمد بن محمد دینوی قدس سره *
یوسف بن حسین و جری حضرتلرینک صحبتلرینه ایرمش عالم
و فاضل بر ذات ایدی نیسا بوردی و عظم ایدرلردی بعده سمرقنده کلدیله
ادنای ذکر اولدر که ذاکر الله تعالیدن غیری بی اونوده بیورلردی
و بدنی حیف که صوفی لار کانی ضایع ایتدیله و تصوف یولنی خراب
ایتدیله و طبعک آدنی زیاده قودیلر و دلنجیلکی عمل صالح قودیلر
یوسیدن صوفیلرک همان بر قوری آدی قالدی بیورلردی هجرتک
اوچیز در دنجی سالنده وفات ایتدیله روحه الله

* ابو عثمان حضرت سعید بن سلام مغربی قدس سره *
تصوف و علمه شبلی کی ماننددی یو غیدی ابن کاتب و حبیب مغربی

و ابو عمر زجاجی و نهر جوری و سایر مشایخ کرام صحبتلرینه ایردیله
هر کیم اغشیانک صحبتی فقراتک صحبتی اوزرینه ترجیح ایلده لاجرم حق
تعالی حیاتی انک قلمدن قالدیر بیورلردی هجرتک اوچیز یتش
لوچنی تاریخنده وفات ایتدیله روحه الله

* حضرت ابو القاسم بن ابراهیم بن محمد نصر آبادی قدس سره *
اکابر مشایخ خراساندندر شیخ شبلی و ابو علی دوریاری و مرعش
حضرتلرینک صحبتلرینه ایردیله علم حدیثده طول یدلری وار ایدی
و بسیلر روایات و حکایات یلورلردی تصوفک اصلی کتاب و سنته
ملازمت ایتکدر و هوا و بدعتلری ترک ایتکدر و مشایخک حرملرینی اولو
طوبقه قدر و اواراد و ازکاره مداومت ایتکدر هجرتک اوچیزاللی
بدنی تاریخنده حکم مکرمدده عازم کاشنسر ای چنان اولدیله روحه الله

* ابو الحسن حضرت علی بن ابراهیم خفصری و بصری قدس سره *
بغداد ده ساکن اولورلردی شیخ شبلی حضرتلرینک صحبتلرینه ایردیله
هنکام جوانیده نوافلدن کندیمه وظیفه ایدتمشیدم هر چند اول وظیفه دن
یا حمد او یاسه و ایرسنه نقصان ایدیم البته حق تعالیدن غضب و خشمه
مظهر اولوردم بیورلردی یونلرک بحایب و غریب احوالری بی شماردر
رحمه الله علیه رحمه واسعه پس اخوان صفا و خلان و فاشوشکسته
و بسته عاجزانه ترتیب اولشان (کاشن معارف) نام اثر یمزده یروجه بالا
مناقب جلایله ای کتب و املا قیلنلن عزیزان و پیران حضرتلرینک ارواح
طیبه لرندن پروانه لر ضیاء شمعدن نور اقیانوس ایتدکری کی هنکام شدت
ورا حنده استمداد ایتدکرنده یواضعف عباد الله (فرانی زاده السید
محمد سعید البروسوی بی دخی برای خدادعوات خیریه ایلله یاد و احیا یوره لر
(چونکه یو کتاب پر انتخابت اولنده نیم نبره اعتقادات بسط و بیان
اولندقد نصکره بعض انبیاء عظام علیهم السلام و کبرای احباب کرام
رضوان الله علیهم اجمعین و اولیاء فتحام قدس الله اسرارهم حضرتلرینک
مناقب جلایله و آثار جلایله ای دخی بر سبیل اجمال چکیده خاتمه انجمال
قیلنمغه بعد اتمل ملک متقدمین و سلاطین متأخرینک احوالری قله المنق
اقتضای حکله تغریفا لیه ابو مینانه ده روز قیامنده و قوعیافته اوله حق موقوف
خجسینک کیفیتی عقینده عنایات الهی و عطایای ناهنای با کمالک ادب

تبرکا و تمنا تحریر و کتب اولندی و بالله التوفیق و بیده ازمه التحقیق
* در بیان موافق حسین در روز قیامت *

جناب اجل املاجل عن الشیبه والریا حضرتلرینک فی کل یوم کان
مقداره نحسین الف سنه آیت کریمه سی مفادی اوزره حضرت علیدن
رضی الله عنه مرویدر که خواجه عالم صلی الله تعالی علیه وسلم حضرتلری
سعادتله پیوردیلر که یوم قیامت الی موقفدر و هر موقف بیک سنه در
(موقف اول نوع بنی آدم قیامدن میدان عرصاته خروجلرنده قبرلرینک
قبولنده یالن ایاق و باشلری آچق و آج و صومسوز اولدقلری حالده بیک
سنه ایاق اوزره طورلر شول کسه که حق تعالی به و پیغمبرلرینه وجته
وناره و بعثه و قیامت و قضا و قدره و خیر و شر حق تعالیدن اولدیغنه
ورسول اللهک علیه السلام حق تعالی حضرتلرینک قبلندن کتوردیکی
قرآن کریمه مؤمن و مصدق اولدیغی حالده قبرندن چیقنه اولکیمسه
نجات و فوز و غنیمت و سعادت بولور و الا بولرک برنده شک ایتدیسنه جوع
و عطش و غم و همه قضاء الهینک ختامنه قدر موقف اولده بیک سنه
قیاما طورلر (موقف ثانی ناس قبرلندن عرصه محشره سوق اولورلر
شویله که یمن و یسار و پیش و پس آتش اولوب شمس باشلری اوزرینده
اوله رق آتش پرده لنده بیک سنه قیاما طورلر زرا محشرده غرش
کولکه سندن غیر سیاه یوقدر شول کسه که حق تعالی به اخلاصه
شهسادت و نبوت پیغمبری بی مقر و معترف و شریک و سحرردن محتجب
و دم مسلمینی بغیر حق آقندن بری و حق تعالی و رسول الله ایچون ناصح
و حق تعالی و رسولنه مطیع اولنلره محب و عصیان ایدنلره مبغض اولدیغی
حالده حق تعالی بی ملاقی اوله اولکیمسه سایه عرش الرحمن تحتده
کولکه انوب غمومدن نجات بولور و الا کلمه واحد ایله یا خود تغیر قبله
بوزنوبدن بری کنندنه وقوع بولدیسنه یا خود دیندن برشیئده شک
ایتدیسنه اولکیمسه قضاء الهینک ختامنه قدر هر غم ایله بیک سنه
حرایتده معذب اولورلر (موقف ثالث ناس نور و ظلمه سوق اولنوب
بیک سنه ظلمنده قائم اولورلر شول کیمسه که حق تعالی به شرکدن عری
و قلبی نفاقدن خالی و امر دیندن برشیئده شک و شبهه دن بری و کندی
نفسندن حق ادایه مقدم و منصف و حق کو و سر و علانیه ده

حق تعالی

حق تعالی به مطیع اولوب قضاسنه راضی و ویردیکنه قناعت ایدر
اولدیغی حالده حق تعالی به ملاقی اوله اولکیمسه یوزی بیاض اوله رق
طرفه العینده ظلمندن نوره حیقوب غمومک کلپسندن نجات بولور
والا غم و غمایدنه بیک سنه قالد قدر نصکره یوزی سیاه اوله رق اول ظلمندن
بیرون اولغله مشیه اللهه اولور (موقف رابع ناس حساب پرده لریته
سوق اولنورلر که اون بر پرده در و هر بر پرده ده بیک سنه طور بولور
(پرده اولده محارمندن سؤال اولنورلر اگر محارمندن برشیی واقع اولدیسنه
پرده ثانی به عبور ایدر (پرده ثانیده هواندن سؤال اولنورلر اگر هوانسندن
نجات بولدیسنه پرده ثالثه عبور ایدر (پرده ثالثه والدینه عصیانندن
سؤال اولنورلر اگر والدینه عصیان ایتدیسنه پرده رابعه عبور ایدر
(پرده رابعه کندی و به تفویض اولنلر امورک حقوقندن و تعلیم
قرآن کریم ایتدیرلمکدن و امر دین و نادیلرندن سؤال اولنور
اگر بولرکی احسن و جهله ادا ایتدیسنه پرده خامسه عبور ایدر
(پرده خامسده ملک یمن ایله مالک اولدقلرندن سؤال اولنورلر اگر
آنلره محسن اولدیسنه (پرده سادسه عبور ایدر (پرده سادسه حق
قرابتدن سؤال اولنورلر اگر آنلرک حقوقی ادا ایتدیسنه (پرده سابعه
عبور ایدر (پرده سابعه ضلعه زحمتدن سؤال اولنورلر اگر ضلعه زحمت
ایتدیسنه (پرده نامته عبور ایدر (پرده نامته خستندن سؤال اولنورلر اگر
خستندن بری اولدیسنه (پرده ناسعه عبور ایدر (پرده ناسعه مکر
و حبسه دن سؤال اولنورلر برکیمسه به مکر و حيله ایتدیسنه پرده عاشره
عبور ایدر (پرده عاشره خدعه دن سؤال اولنورلر اگر پرا حده خدعه
ایتدیسنه نجات بولوب چشمی برآق و قلبی فرحتک و ضحک ایدر
اولدیغی حالده سایه عرش الله تبارک اولور و الا آج و صومسوز و کریه
نال و جزین و غموم و غموم اوله رق هر موقفده بیک سنه توقف ایدر
و بر شافهک شفاعة کافانده و یرمز (بعد ذل) ناس یمن و یسار دن
اخذ کتب اعمال ایله حشر اولنورلر و بواحد کتبه اون بش (موقف
اولوب ناس هر برنده بیک سنه حبوس اولورلر (موقف اولده صدقات
و فرض اولان زکوتدن سؤال اولنورلر اگر کامله ادا ایتدیسنه موقف ثانی به
بکر (موقف ثانیده قول حقندن و ناسندن عفو دن سؤال اولنورلر اگر قول

حق سو بلوب ناسدن عفو ایتدیسسه موقف ثالثه بکر (موقف ثانیسه)
امر بالمعروف و نهي عن المنکر سوال اولنور اکر معروف ایله امر ایتدیسسه (موقف
رابعه بکر) (موقف رابعه نهی عن المنکر سوال اولنور اکر منکر کردن
نهی ایتدیسسه) (موقف خامسه بکر) (موقف خامسه حسن خلقیدن
سوال اولنور اکر حسن خلق صحیح ایتدیسسه) (موقف سادسه بکر
(موقف سادسه حب فی الله و بعض فی المهدن سوال اولنور اکر
محبت فی الله و بعض فی الله ایتدیسسه) (موقف سابعه بکر) (موقف سابعه
مال حرامدن سوال اولنور اکر مال حرام المذیسسه) (موقف ثامنیه بکر
(موقف ثامنیه شرب خردن سوال اولنور اکر شرب خمر ایتدیسسه
(موقف ناسعه بکر) (موقف ناسعه فروج حرامدن سوال اولنور
اکر فروج حرام ایتدیسسه) (موقف عاشره بکر) (موقف عاشره کذبیدن
سوال اولنور اکر قول زور سو یلمدیسسه) (موقف حادی عشره بکر
(موقف حادی عشره ایمان کاذبه دن سوال اولنور اکر خلاف
عین ایتدیسسه) (موقف ثانی عشره بکر) (موقف ثانی عشره اکل
ریادن سوال اولنور اکر با کل ایتدیسسه) (موقف ثالث عشره بکر
(موقف ثالث عشره قذف محصنه دن سوال اولنور اکر محصنه
خانولره قذف یا خود بر اجده افتر ایتدیسسه) (موقف رابع عشره بکر
(موقف رابع عشره شهادت زور دن سوال اولنور اکر خلاف واقع
شهادت ایتدیسسه) (موقف خامس عشره بکر) (موقف خامس عشره
یهتاندن سوال اولنور اکر بر مسلم بهتان ایتدیسسه) (موقف ششمه بکر
ایدوب کابی صاغ طرفندن و بر لکله کابک غم و همدن نجات یواوب
حساب یسیر ایله محاسبه اولنور و الاسالف البیان خصوصک برینی
مرتکب او اوب دیادن بلا توبه حقیقیسه حق تعالی دیلدیکی شیئی
اول کیمسه نك حقیده قضا ایدنجیه قدر کال هم و غم و هول و حزن
و جوع و عطش ایله مارالبیان اون بش موقفک هر برنده بک سنه
محبوس اولور (بعد ذ ناس بک سنه کابلرینی قرائت ایدرل شول
کیمسه که سختی اولوب مالنی یوم فقر یچون و حاجت وفاقتی یچون
و بره کابی قرائت ایدر و ثاب جنات ایله کسوه لنوب افسر بهشت ایله
تاجلنور و امین و مطمئن اولدیغی حالده ظل جرش الرحمن تحتند

مستخرج اولور و الا یخبل اولوب مالنی یوم فقر وفاقتی یچون و برمدیسسه
حق تعالی انک حقیده دیلدیکی شیئی قضا ایدنجیه قدر جوع و عطش
و هم و حزن و غم و یلق و رسوایلق ایله بک سنه قائم اولوب کابی طرف
شمالندن و یریلور (بعد ذ ناس میرانه سوق اولوب میران عندند
بک سنه قائم اولور و حسنیاتی کران اولان طرفه العینده فوز و نجات
بولور اما حسنیاتی خفیف اولوب سیئاتی ثقیل اولان کیمسه نك حقیده
حق تعالی دیلدیکی قضا ایدنجیه قدر غم و هم و حزن و عذاب و جوع
و عطشله میران عندند بک سنه محبوس اولور (بعد ذ ناس حق
تعالی نك مراد علیه سنی اولان برده اون ایکی موقفه دخی اوغرایوب
هر برنده بک سنه توقف ایدر (موقف اولده عتیق رقبه دن سوال
اولنور اکر رقبه عتیق ایتدیسسه حق تعالی رقبه سنی ناردن عتیق ایتمکله
موقف ثانی به مرور ایدر) (موقف ثانیسه قرائندن و حق قرائندن
و قرائتندن سوال اولنور اکر یونلری کامله ادا ایتدیسسه موقف ثالثه
مرور ایدر) (موقف ثالثه جهاددن سوال اولنور اکر فی سبیل الله
جهاد ایتدیسسه موقف رابعه مرور ایدر) (موقف رابعه غیبتدن
سوال اولنور اکر غیبت ایتدیسسه موقف خامسه مرور ایدر) (موقف
خامسه غیبتدن سوال اولنور اکر تمام اولدیسسه موقف سادسه
مرور ایدر) (موقف سادسه کذبیدن سوال اولنور اکر یلان سو یلمدیسسه
موقف سابعه مرور ایدر) (موقف سابعه طلب علمدن سوال اولنور
اکر علم طلب ایدوب مقتضاسیله عامل اولدیسسه موقف ثامنیه مرور ایدر
(موقف ثامنیه عجبیدن سوال اولنور اکر دین و دنیا سنده یا خود تحملندن
برشیده بنفسه عجب ایتدیسسه موقف ناسعه مرور ایدر) (موقف ناسعه
کبردن سوال اولنور اکر بر اجده کبر ایتدیسسه موقف عاشره مرور ایدر
(موقف عاشره الله تعالی نك رخشدن مأیوس اولمقدن سوال اولنور
اکر حق تعالی نك رخشدن مأیوس اولدیسسه موقف حادی عشره
مرور ایدر) (موقف حادی عشره جناب خدا نك مکرندن امین اولمقدن
سوال اولنور اکر حق تعالی نك مکرندن امین اولدیسسه موقف ثانی
عشره مرور ایدر) (موقف ثانی عشره حق جواردن سوال اولنور
اکر حق جوار ادا ایتدیسسه مطمئن القاب و سفید در و ضحاک و منفرج

و مبشر اولوب كسوه نور اولديغي حالده باري تعالي حضرت تبارك
مراد اينديكي مكانده قائم اولغله حق تعالي اول كيمسه بهر حيا بيوروب
رضاي عليه سيله تبشرايتد كده اولوقنده اول كيمسه نك نه دره جهلده
منفرح اولديغنه براحد واقف اولوب همان جناب حق جل وعلا بيلور
اكر اول كيمسه مارالذكر خصوصاً نك برني كامله ادا اينديسه و بلا
توبه فوت اولديسه حق تعالي انك حقنده مراد عليه سني انفاذ
اينجه قدر سالف الذكر موافقك هر پنده بيك سنه محبوس اولور
(بعدذا) ناس صراطه امر اولغله صراطه منتهي اولور و صراط
قيلدين اينجه و قيلدين كسكين اولوب جهنم اوزرينه وضع اولمشدر
و صراط جهنمده قرق بيك سنه مقيداري غائب اولمشدر و لهب
دوزخ صراطك هر جانيندن لمعان ايدر و دوزخك اوزرينده كريدان
وقايجهل واردر و صراط يدي عدد چسردر كه مجموع عبادانك
اوزرينه حشر اولتور و هر چسرده بر عقبه اولوب بيك سنه لكي
يوقوش و بيك سنه لكي دوز و بيك سنه لكي اينشدر (پس چسرد
اولده ناسه حق تعالي به ايماندين سوال اولتور اكر شك و زيغ
اولمهرق حق تعالي به خالصا و مخلصا مؤمن و موحد اولديسه چسرد
ثاني به بكر (چسرد نايده صلاتدن سوال اولتور اكر صلاتي تمام
و كاملا ادا اينديسه چسرد ثالثه به بكر (چسرد ثالثه ز كاتدن سوال
اولتور اكر ز كوتي تمام و كاملا و برديسه چسرد رابعه به بكر (چسرد
رابعه صيامدين سوال اولتور اكر صيامي تامه ادا اينديسه چسرد
خامسه به بكر (چسرد خامسه حج شريفدن سوال اولتور اكر حجي
ادا اينديسه چسرد سادسه به بكر (چسرد سادسه طهارتدن سوال
اولتور اكر طهارت كامله اوزرينه اولديسه چسرد سابعه به بكر (چسرد
سابعه مظالمدين سوال اولتور اكر فرد واحد ظلم اينديسه اخص آمال
اولان جنات عالياه داخل اولور و الاذ كر اولنان خصوصاً نك پنده
نكاسل اينديسه جناب مولاي متعال اول كيمسه حقنده ديلديكي
شيئي قضا اينجه قدر مارالبان چسور سابعه به بيك سنه چسرد اولتور
ديور رسول اكرم صلي الله عليه وسلم حضرت تباري بيوردقده عبدالله
ابن مسعود رضي الله عنه روايي اوزره برجل يارسول الله روز قيايمده

بزذات كرمكزي بو موافقك جهل سنه كوررمز يا خود اهل جنت
جنته و اهل نار ناره كيد اينجه قدر سز زدن و بزذخي سزدن غائب
اولور مير ديو سوال ايند كده رسول الله عليه السلام اولكونده حال
وشان ديديكزدن اعظم و جناب مولايه احتياج سويلد بيكزدن
برتر امدى ني بو حالانك بعضي سنده كور مديكزدن و قنده معلومكز
اولسونكه بن جناب متعالك مراد اينديكي مكانده سزك ايجون درگاه
الوهيتدن شفاعت طلب ايدرم يا خود ابواب جنانه اولوب ابواب
بهشتك فتح اولسني طلب ايدرم (پس چشك قبولي بم ايجون
ايجلوب ايجروك برديكمده سزلي كايورل ديو خدام و علمان
و زوجهل يكره تبشرد نصكره سزك ايجون حاضر المنهني امر ايدرم
انلردني اللرنده بخوردنلق ايله هر كوشه دن ظاهر اولور و رجال
و نساء فرقه فرقه جنته سوق اولدقندن حق تعالي آنلر ضحك يورلر
شول اللهم قسم ايدر مكه نفس محمد قدير سنده در انلردن برجل
بررجلي جنته دخول حينده استقبال ايدر و غلام و جوازي و ملائكه
دخي تحفه و طرفه هدايا ايله انلري استقبال ايدر و اول ملكك هر بريك
يائنده (لواؤ و مرجان) كبي او چر بيكدن زياده خدمه بيجلري اولور
و جنته داخل اولنرك هر برني بيش بيك ملك استقبال ايدر و هر بريك
ايله باقوت ايجرو باقوت اصغر و مرجاندن مخلوق اسب و شتران واردر
و اول اسلر كسترل و شتران سسلنور و اول اسبان و شتران درملزل و تبول
و نفوط ايجزل و احتيار اولرل و انلرك جناحلري اولوب طيور دن
زياده سريع السير اولغله اهل جنت استديكي زمانده آنلره شوب
ميانه جنانه طيران ايدرلر (ودخي جنته لحوي ناما كول برنوع مرغان
واردر كه باشلري طناغيز كيدر و توي و صوت جهنندن مخلوقانك
زياده اجشنيدر و هر بريك بيش قنادي واردر شويله كه آنلردن بر مرغ
قناديني آچسه دنياي سرتاسر كوليكه لنديرر و اول طيور حق تعالي به
تسبيح و تحميد و تهليل ايدرك قيساما و صفوفا طور لر و انلرك
اصواتي كبي صوتي كيمسه استماع ايتامشدر امدى ولي الله برطرز شوقه
كلورلر كه مدت العمر كلام الوهيتدن غيري هيچ برشي ايله انك كبي
شوقه كلامش اولورل و حق تعالي آنلره خطايا (سلام عليكم عبادي

وَمِنْ حَبَابِكُمْ حَبَابُ اللَّهِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ طَبْعٌ
فَادْخُلُوهَا خَائِدِينَ دِيُونَكُمْ يَبُورُ وَبِكَ لَامَنِي أَشَدُّ بَرِّ (امدی سز زل
نفسکری خلود دائم ایلک و سز زل مؤمنلر و امینلر سکز) و بن عظیم
الشان مؤمن و همچون سز زل ایچون خوف یوقدر سز زل اولمک
سز زل بنم ولی قوللرم و جیرانم و اصفیانم و اهل محبت و وفادار مسکز
سلامت سز زل اوزر یکره اولسون سز زل مسلمانلر سکز سره کلام
شریفی اشدردیکم کی قریبا جمال با کمالی دخی سره کوستریزم
بس سز زل ایچون تجلی ایتدیکمه و جهنم دن پرده لری رفع ایدرم
قوللرم بکا حدایدک و بی پرده سلامتله بدن امین اولدیفکر خالده
دارم کبرک و اطرافه نشین اولک و بکا نظرایدک و یقیندن بی ر ویت
ایدک سره تحفم ایله تحفه لندیریم و جوارم ایله جوار لندیریم و نوریم
تخصیص ایدیم و جمال ایله عشی ایدیم و سره ملکمدن هبسه ایدیم
ویمش لندیریم و ضحکم دوستم ایله سرری اغراق ایدیم (بن
عظیم الشان سز زل ربکرم بنی کور مکسر بن بکا عبادت ایتدیکز
عز و جلال و کبریا و بهاء و شنام حقیچون سز زل راضی اولدم و سره
محبت ایتدم و سره محبت ایده نه ده محبت ایتدم سز زل ایچون عند
الوهمده نفسکریک اشتهایندیکی و دیده لریکریک تلذذ ایتدیکری شیلر
وارد و سز زل دیلد یکر اشیانک جله سنی دله دم بوتقد برجه بدن
طلب ایدک حیا و خشیت ایتیک زیرا بن عظیم الشان رحمن و رحیم
و بودار جنت بنم دارم در سرری بوند اسکان ایتدم و جنتی سره مباح
قیدم و جمال با کمالی سره کوستردم و نعمتی سز زل قبض ایتدم و عظمت
شنام ایله سره نظراید و بن بعترمی سز زل دوندرم بوصورنده
استدیکری و اشتهایندیکری بدن طلب ایدک تحقیق بن عظیم الشان
ذامی سره انس ایتدم و سز زل ایچون انس و جلیسم (بعد از سز زل ایچون
حاجت و فاقه و یأس و مسکنت و ضعف و هرم و سختی و خرج
و تحویل اید او سرمد ایوقدر و سز زل نعمتکن زعم الابددر و سز زل سادات
اشرف سکز زیرا بکا اطاعت ایدوب محارم دن اجتناب ایتدیکز
حوایجکری قالدیرک آتی سز زل ایچون فضلا و کرامه و نعمه قضا ایدیم
دیو حق تعالی حضرتلریک انواع لطف و احسان فی رسول الله

علیه السلام حضرتلری سعادته مارالد کر رحله حکایه و زریلر
(حضرت علی بن رضی الله عنه مرویدر که اولوقنده اهل جنت
خداوند ایزم آمال و امنیه من بود کلدیر بلکه وجهه کریمکه ایدا و دائما
نظر ایتدیکر و ذات کریمک بزدن راضی اولقدردید کارنده حق آنلره
خطاب ایدوب (هذا وجهی) سز زل ایچون ایدا و سرمد ایتدیر
نظر ایدک و مرده لک تحقیق بن سز زل راضیم امدی فائده لیسک
و ازواجکزه قائم اولک و معانقه ایدک و تنکچ ایدک و عسلک و غیره لریکزه
کبرک و دوشکر یکره طیانک و استانلریکری سیر ایدک و دوا بکره
سوار اولک و جنانده جوارى و سرار یکر ایله انسیت ایدک و بن عظیم
الشان دن هدایا کری قبول ایدک و کسوه لریکری نلیس ایدک
و مجلسکزه تکلم ایدک و بوند نصکره برقیلوله ایدک که آنده نوم و غائله
یوقدر بعده نهر کوثر و کافور و ماء طهور و تسنیم و سلسبیل و زنجبیل
کیدوب آنده غسل و تنعم ایدک طوبی و حسن مآب سز زل ایچوندر
و بعده رفرفله طیانک و درلر دیو جناب شفیع ام صلی الله تعالی علیه
وسلم مرده عقیدنده (ان اصحاب الجنة اليوم فی شغل فاکهون هم
و ازواجهم فی ظلال علی الاراک متکون لهم فیها فاکهه و لهم ما بدعون
سلام قولان رب الرحیم) آیت کریمه سنی قرأشد نصکره (اصحاب الجنة
یومئذ خیر مبتهقرا و احسن مفیلا) آیت جلایله سنی دخی قرائت یوردیلر
دیو حضرت علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و رضی الله عنه

روایت یوردیلر انتهی

* در بیان ملوک پیشدادیان *

معلوم اوله که اشبو ملوک پیشدادیانک اولی کیومرث و آخری کیف
این داندرو بونلراون ایکی تن ملوک اولوب جله مدت سلطنتلری بشیور
طقیسان سنه در که کیفیت احوالری بوجه اتی ذکر اولور و الله الموفق
* بادشاه کیومرث بن آدم علیه السلام *

اسم کیومرثک آخری عند العرب ایکی نقطه لی تادر و عند العجم اوج نقطه لی
تادر دیرلر که کیومرث حضرت آدم صنی کی بی پدر و مادر تریدن مخلوقدر
بعضیلراوت کی بدن بندی و بعضیلراوش بن شیت بن آدم علیهما السلام
اوغلدر و بعضیلر مهلائیل بن قینان بن شیت بن آدم علیهما السلام

اولادندند عند الجم کبومرت اولاد شیت علیه السلامدن اولوب
 حضرت آدمک قری اوغلیدر و بعض علماء اسلام کبومرت جان بن جان
 اولادندن اولوب زمان شیت علیه السلام ابرشدی دیرل اما اتفاق علماء
 مورخین اوزره کبومرت حضرت آدم صلی اللهک اوز اوغلیدر
 و کبومرت لغت پهلوی اوزره شی و کوریا معنایه در خون حضرت
 شیت علیه السلام عازم خاد برین اولدیلر برادرزاده لری میانشده اختلافات
 و نزاع اولمغین کبومرت کندی اولادیلر دماوند طاعنه چیقیدیلر و آنده
 قراء و بلدان بناء ایدوب قرار ایدیلر مکر دیولر اول طاعنه ساکن
 اولورلردی و کبومرتک اسباب سلاحدن بردسته چوپی و برصیانی
 و ارایدی و اول صیانک اوزرنده اعظم اسماء الهیدن براسم شریف
 یازمایدی اول اسم شریفک بمن و برکتیله بجله دیولری اورادن طرد
 ایدوب یزلنده اسکان ایدیلر و اول دیولرک اوج تقرینی طوتوب بند
 ایتمکله آخر امرینه رام اولدیلر (اول اوج نفر دیو عظیم اولحوالبده
 کبومرتک امریله بلخ شهرینی بناء ایدیلر وجه تسمیه بلخ بودر که
 کبومرتک غائب اولمش بر برادری و ارایدی بلخک بناسی تمام اولدیغی
 اوآنده ظهور ایتمکله کبومرت انی کور یچک اسان غریبه مشایه اولان
 اسان سریانی اوزره (هنا بل اخی دیملکه شهر مذکورک نامنه بلخ
 دیدیلر) بنابرین بلخ ابتدا بنا اولشان شهر در و بلخ دماوند سرنیدی
 و دلی و اصفطخ و مصر قدیم و کرز و قندهار شهرلانی دخی کبومرت
 بنا ایلدی (پس کبومرت و افرا اولدینی بلخده جمع ایدوب برای تناسل
 و تولد بر برینه نکاح ایلدی حتی کندی دختری ماریه پی کندی
 فرزند ماریه به نکاحله و بردی اولز مانده بر عورت پادشاه ایدیکه
 هر شب بر محبوب ایله مصاحبت ایدوب ابرته سی صباح خبر شایع اولمشون
 دیو اول محبوبی قتل ایدردی کبومرت بووقعه دن خبردار اولوب
 اول عورته بد دعا ایتمکین حتی تعالی اول عورتی طاش ایلدی حالا بلخده
 جریان ایدن ارماغ اول طاشک اغرنندن کپروب دیرندن چیقشار و اول
 ارماغ باز کونلرنده کسمکله هر کس اول عورتک شکلی اولان طاشی
 کوررلر چون دیولر وطنلرنندن جدا اولدیلر آخر کبومرت ایله جنکه
 آغاز ایدکلرنده جبهه سعادت حضرت آدمدن سلسله ایله نقل ایدن

نور حضرت محمد المصطفی علیه از کی الحیا یا خرمشده کبومرت دیولره
 غایت اولوب جله شتی قهر و تدمیر ایلدی (وفا که کبومرت حضرت نریک
 عمر شریفی نور اوزر شیتیه ابرشدی قومنی جمع ایدوب قیسان بن
 اوش بن شیت علیه السلام خطاب ایلدی بکه یاقینسان سن شیت
 حضرت نریک خلافتی سن یتمه خلیفه اولوب بی پادشاهلعه مقرر ایله
 ایتمکله قیسان حضرت نری دخی کبومرتی پادشاه نصب ایتمکین اورتور
 سنه دخی کبومرت بر خیات اولوب بلخ کلدکلرنده اتفاق اولسون
 ماریه ک ماریدن براوغلی اولمغین حضور ینسه کتردوب نامنی سیامک
 تسمیه ایدکله نصیره یو و ولد اجداد پادشاهان اولسه کر کدر بوکه
 تعظیم ایدوب یلدیغی خانه ده برآق خروس و پرتاق ایستیک تا که دیو
 و بری شردن مصون اوله یوردی (چون دیولر یلدیله که سیامک اجداد
 نامشاهان اوله جقدر همان عظیم ساه حیده پی سیامکک یلدیغی خانه یا
 بر اقدیلر مذکور خروس اول سیاه ییلانی کور یچک اوتمکین همان سیامکک
 باننده اولنلر پیدا اولوب چراغی یاقیدیلر و اول حیده پی دیلر چور
 کبومرت وقعه پی کوش اشدی من بعد بوخانه دن چراغی شویندرمیک
 دیو امر اشدی اولوقله دیو و پادشاهانک بیعت ایدکلری خانه لرد
 چراغ یاقی قانون اولدی و هم علماء مشایخ بر طافلکیم شب دیجوره ده
 پیومس اوله اکثر ایله و پی فهم و ادراک اولور دندیلر انقصه سیامک
 مرتبه بلوغیه ابرشد که بر دختری نکاح ایتمکله هوشک نامنده
 براوغلی اولدی برکون سیامکک هوشکک بانندن کلورکن دیولر جله
 ایدوب سیامکی بحر و خ ایدیلر و سیامک دخی اوغلی هوشکی کبومرت
 وصیت ایدوب قوت و لدیلر پس کبومرت اوغلنک اوغلی سیامکک ناپوتی
 جبل بلخ کتردوب دفن ایدکله نصیره هوشکک ترینه سیده اولدی
 چون هوشکک مرتبه رجوانیه و اروپ ایدری سیامکک دیه لندیکمه
 واقف اولدی دیولر ایله جنک ایدوب بعضی سن هلاله و بعضی سن
 اسیر ایتمکله تمور قفسلر ایچنه حبس ایلدی (پس کبومرت هوشکک
 بهادرلکنی کور یچک تحسین و آفرین ایدوب جمیع اولادینک اوزر ینسه
 ترجیح و ملکی یدیه تسلیم ایدوب بعد وفاتی بریمه سن خلیفه اول دیو
 وصیت ایتمکین سائر اولاد دخی بو حکمه ازل و جان زانی اولدیلر

(مخکبدر که هوشنک بدی یاشنده ایکن برکون اجازت من طاعه چیغه
 برارسلان هجوم ایدیچک هوشنک اول شیری ایکی قولقلرندن ضبط
 و یاشنی طاشه اورمغه شیرک دیشلرینی واغزینی ویننی خرد و خاش
 ایدوب هلاک ایتشیدی برکون کیومرث یا هوشنک باباکک دوشمنلرندن
 قورقدن طاع و طاشده نیچون کشت و کذار ایدرسن برکون سنی خالی
 بولوب هلاک ایدرلر دیوجک برکمنسه که آتاسی دعاسی همراه اوله
 اولکمنسه کمنسه دن خوف ایتزدیوب شیر حکایه سنی نقل ایلدی و شیر
 مرده بی کیومرثه کوستردی ما حاصل روی زمینده اولاد آدمدن ایتسدا
 نخسته پکوب پادشاه اولان کیومرثدر حتی تختی کندی ایله دوزمشدر
 کوزل یوزلی و بالاقدر و عاقل و دانا و نیک خلق و جوانمرد بر ذات اولوب
 درزیلکی حضرت ادریسدن علیه السلام اوکریدیلر و یوک اکر مک
 انک اختراعیدر بشیوز آتیش سنه عالمده پادشاهلق ایدوب عمر عزیزی
 بد پیوز سنه به وارد قده جام اجلی نوش ایتدیلر و جرعه سلطنتی
 هوشنک اوزرینه صاچدیلر

* پادشاه هوشنک بن سیامک بن کیومرث *
 هوشنک حضرت ادریس علیه السلام زمانده تختشین اولمغه
 حضرت ادریسک دینی اوزرینه ایدی ایتسدا عمارتله و خانله و باغله
 و باغچهله عمارت ایتک و سیم وزر و آهن معادن پیدایمک و سمور
 و سنجاب و فاقم و ووشق کبی کورکاری پیدایمک و نازیلره شکار آلدن
 و پادشاهانه مخصوص اولان زینب و آرایش و امینه اکر اورده و شترانه
 یوک بوکلمک و فارسی نامه یازمق بونلرک اختراعیدر (دیوار اهورازده
 سوس اقصی شهرینی با ایتدیلر و ابرمق صوبینی بونلر آفتدیلر و دنیایی
 عدل و داد ایله آبادان ایتدیلر و ایلنس علیه الامنه هوشنکک فرمانبری
 ایدی و شیاطین و دیولر عسکرین آبادانلقدن چقاروب چبال و حجراله
 سوردی آخر قرق سنه پادشاهلق ایدوب عمر عزیزی دخی بشیوز
 سنه به وارد قده فوت اولغین اوغلی نوجهاک اوغلی طهمورث
 سر برد و لته کجی

* پادشاه طهمورث بن نوجهان بن هوشنک *
 طهمورث زمان سعادت حضرت ادریسده علیه السلام پادشاه

اولد قده دیولر ایله جنکه آغاز ایدیچک طهمورثک مهابت و شجاعت
 و صلابتدن دیولر کر بزان و اهرمان دخی اطراف و اسکنافه
 پایشان اولوب کمال خوفلرندن هر بری بر محله نهان و پنهان اولدیلر
 فارسی کتب یازمق و ایلک اکر مک و یوکدن صوف نسج ایتک
 و لغوغان ایله طیور شکار ایتک بونلرک اختراعیدر طبرستان و بابل
 و هندستانده بر شهر بنیاد ایتدیلر و توز یا خود قرق سنه عالمده پادشاهلق
 ایدوب فوت اولد قده برادری جشید سر بر دواته جلوس ایلدی
 * پادشاه جشید بن نوجهان *

جشید زمان حضرت نوحده علیه السلام پادشاه اولوب عدل
 و داد ایله جهانی مالا مال ایلدی و حضرت ادریسک علیه السلام
 علمانی جمع ایدوب بکار نسته تعلیم ایتک تا که پادشاهلقم خلایق بر
 اولیه دید که سلطنت و دولتک بقا سنه عدل و داددن غیری چار
 یوقدر دیدیلر وینه علمیه کاه و کاه بنم ایله مضاجعت ایتک طلب ظ
 ایله صفحه کاشانی شبت دیجور کی تاریک ایدرسن بی آگاه ایتک تا که
 عدالت و نصفت اوزرینه اوله بم دیوتنبیه ایلدی الفصه جشید
 صحت و جود ایله بد پیوز سنه سلطنت ایدوب جن و انسدن نیجه زمره
 ابو هی امرینه رام ایتدردی بنده و ایشیم اکر مک و آلات جهنم
 و زکاتک جامه ها نسج ایتک و علم طب و طبیب پیدایمک و دریا
 مراکب و سفاین بونلرک جشیدک اختراعیدر برکون خلوتنده نظام
 ممالک فکر و تدبیرنه ایکن ایلنس لعین بجزیه سنه کربوب جشیدک
 حضور یسه کلچک جشید سن کمن دن دید که ایتدی فرشته
 کوکاردن کلام یاسن کمن دید که جشید ایتدی ابن آدم ایلنس
 ایتدی خیر سن ابن آدم دکلس بلکه خداوند زمین و آسمانسن
 سماواتک ایشی بزوب روی زمین ایتدی که روی ارضکدخی ایشی
 تمام ایدرسن انجیق کندی حال و شانکی اوتدک سمواتده کی فرشته
 طرفلرندن سکا احوالکی یسلدر مک ایچون کلام دید که جشید
 ایتدی نه دلیل ایله سو یلر سنکه بن خدایم ایلنس ایتدی که سنین
 مطاوله دنبرو روی ارضده سن قطعا بیمار اولدک و هیچ برکون به باشک
 ونه دیشک آغریدی اکر آدمی زاد اولدک نیجه کره بیمار اووردک

اشته احوال کدن سنی آگاه ایدم خداوند اولدیف که بر دلبل دخی
بود که ابن آدم فرشته لری کور من سن ایسه اشته بنی آشکاره کوردک
نوتقدیرجه زیز دستیکده کی خلق جمع ایدوب ککندیکه بر سسش
ایندیره سن اگر مخالفت ایدر ایسه قتل ایدنه سن دیوب چشم جشیدن
غائب اولدقدنه جشیدن بن خدایم جمع قوم یکا جشیده اینسونلرنا که
آنلره انعام واجسان ایدیم والامظهر قهر وهلاکم اولورلر دیومالکنه
آدملر کوند ر مکین اکثر ناس جشید بلیده سجده ایندیلر (دیرلر که
جشید لعین زماننده کی نوع آدمی درت گروه ایدوب اولکی گروهه
اسب واسلمه و یروپ سناهیلاک تعلیم ایندردی و بر جانیه اینر وسفر
ایندیکده روز و شب رکابده اواسونلر دیو فرمان ایلدی (ایکجی
کروهی قر او ضیاع و جبال و صحرا رده اسکان ایندیروب زراعت و حراست
ایندردی) اوخجی گروهی بلاد و امصارده اسکان ایندیروب صنایع
تعلیم ایندردی (در دخی گروهی روز و شب طاعتده قائم اولوب دوام
عمر و دولتی ادعیه خیره سنده اسفرار ایملکه هر کس تعین اولدینگی
امورده ثابت قدم اولدیلر چون عمر جشید بیک سنه به قریب اولدی
بار صگاه الوهیتده زیاده عصیان اینکله قبل حقندن دعوت ایچون
اوندر یلان حضرت نوحک دعوتندن دخی ابا ایدوب کافه عالمسان
کفر و ضلالت لوزره اولدقلمی ایلدن با امر جناب کردکاری طوفان
نوح طاهر اوله حق زمان قریب اولدی (بر کون طوائف جیناندن
بر جماعت حضور جشیده کلوب با امر خدای محبت قریب مالک جهان
سرایا طوفاندن خراب و نوع انسان دخی حله هلاک اواسه لکر کدر
نذات شاهانه کزی دیار عزمه کتوره لم و بعد الطوفان ینه دیار یکره کتیه نام
دیدکلرند جشید مقرر بان و خواص ایله دیار جنستانه انتقال مراد ایندیجک
جنیان بعض اجزاء ایله عقل جشیدی زائل ایدوب طرفه العینده
و لایات جنستانه نقل ایندرد کندن صکره اجزاء دیگر ایله عانی ینه کتر دیرلر
پس جشید دیار جنستانده بر سنه دن زیاده ذوق و صفاده اولوب بعد
الطوفان فرقه جنیان جشیدی بلاد فارسده تختگاهنه کتر دکلرند جشید
صورت طاهرده حضرت نوحه علیه السلام ایمان کتورمش ایسه ده
آخره نقص ایمان و کسر عهد ایمان ایدوب ینه مرند اولیحق حضرت

نوح علیه السلام خداوند جشیده بر قهار الیمی حواله ایدوب بنم حیف
وداد می آل دیو بد دعا اینکله جناب عز بر ذواتقام دخی جشیده صخاکی
حواله و تسلط ایلدی اول عصرده عمر جشید بیک سنه دن زیاده اولوب
بنی ریش هنوز تازه رو جوان امر دگی ایدی و جشیده دیو و اهرمنان
مسخر اولغله همیشه دیوره سوار اولوب دشت و کھساری دور ایدردی
بر کون ینه اهرمن سوار اولوب صید و شکارده ایکن بر کوه سر بلند دامنده
در درخته انکور اصمسی صبارش خوشه انکوری کور ییچک وزیر نکتیه
داننه خوشه لیک کیفیندن صور دقدنه زهر قاتل و سم هلاهلدر دیو
بحواب ویر دکلر ینه سبب جشید وافر خوشه انکور جمع ایدوب ایکی
نفر بحرینه اکل ایندردی پس تناول انکور دن ضرر مشاهده اولیحق
روز بر مزبور انکور دن شراب یا بلخی جشیده تعلیم ایندکده انکورک
شرابی با یوب ینه ایکی نفر بحرینه نوش ایندیر ییچک بحرمان بیوش
اولدیلر عقاری کلنجه بکرار ایچروب آب انکور دن ضرر و خلل کلمدیکنی
جشید عینا و عیسایا مشاهده اینکین آخر جشید دخی نوش ایدوب
صفا کیمب اینکله دلتاش اب نوش ایدوب عسکر ینه جور و ظلم باشلدقدنه
دخا او بر ایامالک من پادشاهی شدادین عا و بارگاهنه جشیدن شکایت
ایندکلرند شام و حجاز امیری اولان صخاکی لشکر فراوان ایله جشید
اوزر ینه کوندر مکین جشید دخی لشکر جمع ایندیشده صخا که مقابل
اوله مبه جغنی یلوب امر اسندن محاکم سبستان اولان اشرط نام کشنه
یابنده پنهان اولدی یوز سنه صکره اشرط دختربن جشیده ویرمکله
شاهر م نام اوغلی وجوده کادی چون صخاک جشیدک فراز و اختفاسنی
و عمالک جشیدی قبضه تسخیر ینه الدیفنی شدادین غاده عرض ایلدی
شیدادن ممالک جشیدی صخا که و یروپ جشیدی حیا و میاله کتور دیو
صخا که فرمان ایندکده صخاک دیار عجمه استقلال پادشاه اولوب جشید بیک
سبستانده اشرط یابنده اختفایندیکنی اشرطک فرزندن اوغلی اولدینگی
خبر آلفله همان جشید و اشرطی بارگاهنه کتر ذوب ایکستی دخی
اوزر ایله دونیم قیلدی پس جشیدک امدت خیری بیک ینه یوز سنه در
و بعد الطوفان دیار جنستانه وارد بقدنه بیک یابنده ایدی و الله اعلم
* پادشاه اسرار است امر یف بضحاک مادی *

ضحاک بنی جبر قبیله سندن و ناز نسندن ایدی رحم مادرده اوچ سنه
قالوب وجوده کلمه یکنده دشلی بتش و دو کفی خون ایله طو لمشیدی
دو کفنه باقوب آرجل زده کی قانی کورد کده قهقهه ایله خنده ابتدیکندن
نامنه ضحاک دیدیلر و ضحاک باغ ارمی بنیاد ایدن شداد بن عادک عمراده سیدر
بنام علی هذا ضحاک دیار شام و مضافاته پادشاه اولغله متابعی
شاده ایدی بعد زمان بوجه بالا جشیدی دو پاره ایدوب بمالک عجمه دخی
پادشاه اولدی چونکه شداد بن عادو اقارب و تعلقاته حضرت هود
علیه السلام بعث اولندی و دین هدایتقرینه دعوت اید کده شداد
و توابی دعوت حضرت هوددن ابایلدیله و باغ ارمک بنیادینی اتمام
ایدوب درونی خور و علمانه مشایه پری بکر و ملک منظر دختران ایله
ترتیب اید کده صکره درون باغ ارمه دخول قصد اید بچک غضب
الهی ایله ریح عظیم ایشوب شدادی قومیله هلاک اید کده لاشو
ضحاک بنی ک زمان حضرت نوحده علیه السلام بمندن ظهور ایدوب
جهانه مستقل پادشاه اولد قده مانند جشیده هفت اقلیمی ز بر فرمانه
المشیدی (و حضرت آدمندن علیه السلام زمان ضحاکه کلجه خلق
عالم برافت اوزده تکلم ایدر لردی بیک زماننده انواع لغات و عبارات
پیدا اولدی) و ضحاک کت تحق با بنده ایدی مدوزر و سیم سکه بونک
اختر ایدر جان و اوق علمی کا ایله بیملکه تسخیر اقالیم سیمه ایچون آهنکران
سکوزوکی کنی یندی عدد دمکشیده کورک احداث ایدوب بر اقلیمده
مصیحت ظهور اید بچک اول اقلیمه مخصوص اولان کورکی تحریک
ایدردی قوت سحر ایله کورکدن ظهور ایدن دمک اوازده شی اول
اقلیمه ایشکین مقتضاستجه عمل ایدر زردی محکیدر که ضحاک سقیم
الادر اکک ظم و تعدیسنسندن خلق عالم اطراف و اقطاره پراکنده
و پریشان اولد قده شیطان علیه الاله صورت انسانیده مطبخ ضحاکده
آشپزی او اوب هر کون کونا کون اطعمه عزیمه ایله ضحاک فریفته
ایدردی بوجهه الی سند مطبخده پیانی خدمتد نصره بر کون نادیده
بر طعام عرض ایتکین ضحاک قلیبان شیطانی چاغردوب طعامکدن
زیاده خور یلندم مطلوبی البته بندن استه دیوارام اید بچک لعین
دخی ذات ماو کانه کورک ایکی دوشنی بوس ایدوب چشم و روی

سور مکدن غیری امل یوقدر دید کده ضحاک ایکی اوموزل بن ابلیسه
اوپردی همان ابلیس پرتلیس صورت طیبه کروب ایله سالت
فریفته اوله جخی اجزاء ایله چار شوده بر محله اوتوردی (پس ضحاکک
بوس اولان اوموزل رندن ایکی مار زهر ناک بدیدار اولوب آجلقندن ضحاکه
هجوم اید کدرنده ضحاک ناله کان اولوب بکا بونی آشی ایدی کترک
دیمکه رجیم لیمی مطبخده بوله مدقلمی ضحاکه عرض اید کدرنده
طیب طلب ایتکین شیطانی شکل طیبده بواوب کتوردیلر و اول
درک علاجی استدر کدرنده روزمره ایکی نفر انسانک مغزی و بر مکدن
غیری چاره یوقدر دیمکه ضحاک هر روز ایکی نفر بحر می مجسندن
چیقاروب بعد القتل مغز بن اول مارانه بدر مکله راحت بواوردی
آخر زندانده کی بحرین تمام اولدی بعد از بن اعیان ولایت و سارینه قرعه
آلتی فرمان اولغمین هر روز عایدن ایکی نفر بشری قتل ایتکده
باشلیدیلر بیابان البرز نام محسندن ایکی نفر جوان خیر اندیش کلوب
ضحاک افه یلرینه خدمت ایتلر یله یکنه قتل اولسان آدمک بری
قتل و بری پنهان و برینه مغز کیش بدل ایدوب مارانه تناول ایدر لردی
بوموال اوزده بیچده سال اول ایکی جوان خدمت ایدوب پنهان
ایتد کری آدمکری بیابان البرز کوندروب حفظ ایدر مکله بونلردن
چند بسیار و لشکر بیستمار جمع اولدی عمر ضحاک دخی طغوز یوز
الی سنه به وارمشیدی مدینه اصفهان کاهوه آهنکرانم دلاورک قاربن
وقباد نام اوغلارینه قرعه اصابت ایتکله اول وادان دولتمندانی بارگاه
ضحاکه کتر دکرنده کاهوه نامدار دیوان ضحاکه کلوب ناله و فریاد ایلدی
مکر ضحاک اول کونلرده عدل امامه میل ایدوب ظلمدن فارغ اولدم
دیوعد التامه تحریرینه آغاز ایتشیدی (پس ضحاک کاهویه اوغلار یکی
قتل ایدرم دیمکه حجاب ایدوب ضروری ولدانی کاهویه تسلیم ایدوب
شهادتی بخضر دیوانه قید ایدر تا که صیت عدالتهم آفاقه نشر
اولسون دیو امر ایدی چون کاهوه آهنکر اوغلاری ایله دیوانه کلوب
شهادتی قید ایدر مکه نیت ایدی و کاپک قید ایتد کری محضرک
برینی اولندن آخرینه قدره مطالعه ایلدی و مضمون محضرک سر ایا
ترسات و هزبان ایدیکنه واقف اولدی همان اول محضری رتوب

بن شاهانمی بود حضرت قید ایشان بر رسم نامزد اولم دیون ضحاک کن
 بیرون اولوب تیمور جیانت او کنته طوقد قلمی مشین یازده سنی بر نیزه می
 طاقوب بیزاق و علم ایلدی و شهر و بازار ده ندا ایشان مکه اولم کن
 او جیگدن زیاده تیمور جی لشکری حاضر اولدیار و یونلردن ماعده اولاد
 و انسانی قتل اولانلردن یکر می بیک لشکر دخی یونلره تابع اولدیار
 و بولشکر عدوستان بریزه جمع اولوب بریزه سردار سرا فرزند ارمدار
 دیوب گاه ویه سردار اول دید کلریده کاوه پادشاهزده حسب و نسب
 لازمدر بنم ایسه آباواجداد همکر در دیوب سردار لقتدن آبا ایدیمک
 درون لشکر دن بر جوان ای جهانت بیابان البرزده یکر می باشند
 بر جوان واردز که بیابانی ایشان حضرت نوح ایلله کشی سوار اولدی
 و ضحاک مقدمه وزیر ای دی بعد زمان ضحاک بعضی استناد
 باطله ایلله ابنتی قتل ایدوب مغربی ماران زهر قشانه غذا ایلدی اول
 جوانک نام همای فریدون بن ایلندر که نسبی جیشیدن نو جهانت
 بن هوشکه چقار و فریدونی مادری ضحاک کن قاروب کوه بیابان
 البرزده کشوردی از هر جهت سزاوار دولت و سلطنت در دیوب جک
 اول کوه بر شکوه دیار البرزده کتیدیلر و فریدون تو جوانی کتیدیلر
 پادشاه ایتدیار (بش شاه فریدون لشکر بشمار ایلله بیابان البرزده
 قانقوب ضحاک شاکن اولدیخی در خواست نام شهر اوزر ایست
 سفر ایلدی و نهر قزاق عبور ایلیمون ضحاک خر اچک تازی
 اولان فرودین کفساندن سفاین طلب ایتد کده فرود کلام فریدونی
 اضعا ایتیمک فریدون تو کلام علی الله لشکر ایلله نهر قزاقه اور و
 ضاع و سلامت قزاق کدر ایلیمه همان قلعه در خواسته هجوم
 و غنایت یاری ایلله ضحاک اسیر و گرفتار ایتد کده نصکره قتل ایتد کده
 ایتد کده ای فریدون ضحاک زنه لار قتل ایتد کده زیا عمرندن الی سینه
 دخی و از در همان کوه دغاوند کتور و ب فلان مغاره ده حبس ایلله
 دیوها قتلند ندا اولمغین فریدون دخی ضحاک قتل ایتد کده قراعت
 ایدوب کوه مذکورده کی غاره حبس ایلدی (بعضی خلاصه ضحاک
 اول غارده طلسم ایلله محبوسدر روز جزایه قدر اول غارده رنده
 قانور دیر (ضحاک بیکر باشند ایکی نفر خاتونی و ارادی فریدون

اول خاتونلری کند ویه تزویج ایتدی و در خواهند کی خزانة ضحاک
 بعد الاخذ دارا لامارات اولان مدینه اصطخره کلوب ضحاک ک پرینه
 ممالک عجمه مستقلا پادشاه اولدی

* پادشاه فریدون *

فریدون حضرت نوحه علیه السلام ایمان کتورمش مؤمن و موحد
 شهریار عادل ایدی اما زمان حضرت هود ده علیه السلام ظهور
 ایدوب عالمه پادشاه اولدی و فریدون خوب صورت و بالا قد و فراخ
 سینه ایدی حتی یدی کندر بوی مقداری قدی و برکندر بوی
 مقداری سینه سی و اریدی عباد لازم الاحترامه مناصب و مراتب
 و یرمک فریدونک اختراعیدر و قبلی ابتدا این آدمه رام ایدن بونلردر
 حتی صید و شکاره سوار اولد قلرنده بیک رأس فیلی جبه و جوشن ایلله
 رکا بنده چکردی و جاری فرسه چکمکی فریدون ایجاد ایتدی
 (بنابرین بونلر زمانه قدر عالمده استر بوغیدی و حیه و عقارب
 صوقش کیمسینه لایچون تریاک اکبری بونلر ترکیب ایتدیار چونکه
 فریدون از شرق تا غرب جهانی قبضه تسخیرینه الیدی باعث دولت
 و سلطنتی اولان کاوه آهنکره اصفهانی و او غللی قارنه شیروانی
 و قباده کاشانی تفویض ایلدی و حین ظهور لرنده نیر اوزره علم اولان
 آهنکر پوستنی زر و جوهر ایلله مرصع ایدوب درفش کاویانی نامیله بنام
 ایتد کده نصکره سردار نام میره تسلیم ایدوب حفظ اولمغنی فرمان
 ایلدی شهر یاران ایران مذکور درفش کاویانی میانه رنده تین عد
 ایتکله سفر لرنده توغ و علملریله یوریدر لدی (زمان خلافت حضرت
 فاروقیده سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه آخر ملوک عجم اولان
 یزد جردی بالبحار به کسر و بر باد ایتد کده درفش کاویانی یزد جردک
 خربنده سنده بولوب حضرت عمره رضی الله عنه کتور د کده انلردخی
 زر و جواهرن الوب پوستنی بیانه ایتدیار پس فریدون صلب جشیددن
 اولان کرشاسب بن کرشانی آهندستی سرور ایدوب لشکر ایلله خطا
 و ختن فتحه کوندر مکن کرشاسب دخی اول دیاری قبضه تصرفنه الیدی
 و او توزسته اوراده پادشاه اولوب بالجمله هند و سند و چین و بدخشان دخی
 فتح ایلدی و فریدونک ازواج ضحاک کن اوچ نفر شهزاده سی وجوده

که لدکده فریدون کمال سرورندن نامترین براسمه تسمیه ایتدی
 شهزاده کان جوان اولوب سزاوار تاج و تخت اولدقلرنده وزرا سینه
 شاهان جهانی دورایدک اگر پنجلین کمال سرورندن دخترلینه نام
 تسمیه ایتامش پادشاه بواورسه کز قزلینی اولاد پاکتر ادمه آلبورک
 دیو فرمان ایتکین وزرا دخی جهانی سرتاسر کشت و کذار ایدوب
 یمن پادشاهی ماهاورانک قزلینی بی نام بولمغله امر فریدون ایل
 اول قزلی شهزاده له آلبو بر دیلر اما مالک یمن دختراتی شهزاده له
 و بر دیکنه نادم و پشیمان اولمغله داماد لریله دخترلینی مانند روضه
 رضوان رباع عالی بهشت نشانه قوند یروب اولکیجه عالی ضیافتلر
 ایتدی نصف الیلده داماد لک هلاکی ایچون سحر و افسون ایل
 اوزرلینه برف و باران یاغدردی مکر فریدون قوت علم نجوم ایل
 بو کفیتک وقوعه جفنی یلوب اوغلارینه افاده ایتدک نصره
 ابطال سحر و افسون ایچون اسم اعظمی اوغلارینه تعلیم ایتشیدی
 شهزاده ل اولکیجه اسم اعظمی اوقیوب اول سحر و افسونی ابطال
 ایتدیلر و همان ماهاورانک قزلین آلوب ایران زمینه روان اولدیلر
 اصم طغر نام شهره یقین اولدقلرنده فریدون قوت اسم اعظم ایل شکل
 ارثدره کبروب شهزاده لک ره راسته طور دی شهزاده کان وزرا
 و دختران ماهاوران ایل روپراه اولوب کلور لریکن شهزاده ل شکل
 ارثدره بابا لری کورد کلرنده بیوک شهزاده حرکتیه قادر اوله میوب
 بیجان کی خالدی واور تانجه شهزاده ایلر و کلوب ارثدره برقاج تیر پرتاو
 ایدوب یتیمه لایته فرار ایلدی و کوچک شهزاده ادب وارکان ایل ارثدره
 قریب اولوب بزرگ شاه عرب و عجم اوغلاری یز بابا مر امر شرع اوزره
 بزرگی تاهل ایتدردی شمدی بابا مر یانته کیده یوز لطف ایدوب بزرگی
 اینجه ده دیو نیاز ایتدیکی آنده ارثدر غائب و نابید اولمغین شهزاده ل
 درگاه فریدونه وارد قارنده فریدون بیوک اوغلنه سن بی جرأت
 و بی غیرت سن نامک تور اوله واور تانجه اوغلنه سن ابتدا کرچه بر مقدار
 جرأت و جسارت انظار ایتدک فاما سلامتی آرزو ایدوب کبر و فرار ایتدک
 نامک سام اوله و کوچک اوغلنه سن بونلردن عقل و دللو و غیر تکش سن
 نام همماک ایرج اوله دیو بیوردی (بعددا فریدون ممالکینی اوج بخش

ایلدی و خطا و ختن حاکی کرشاسب آهندستی درگاهنه کزدوب
 اول دیاری بیوک اوغلی توره و پردی وحد فراتدن حد جیحونه وارنجه
 دیار فارس و خراسان و خواقین و ارمنیه و کوهستانی کوچک اوغلی
 ایرجه و پردی و صفلاب و روس و بلغاروروم و اندلسی اور تانجه اوغلی
 سامه و برمکله هر بری ممالکینه عزیمت ایتدیلر انجیق تختگاه عجم
 و ایرانک ایرجه و بر دیکنه قرنداش لری تور و سام راضیلر اولمغله تور
 برادری سامه مکتوب یازوب بابا مرک برفیلی واریدی بر قولاغنی بکا
 و بر قولاغنی سکا و جله کوده سنی ایرجه و پردی و سنی ازدر روان
 اغزینه و بی دیو واهر من یرینه قیوب ایرجه پاسبان و تکهبان
 ایلدی دیدکده سام دخی جواب یازوب برای تدبیر و تدارک توری
 رومه دعوت ایتدیجک تور دخی خفته برادری سامه و اروپ بابا لری
 فریدوندن ایرجی طلب ایل قتل ایتکله قول و قرار ایتدیلر و فریدونه
 مکتوب یازوب ایرجی بو طرفه کوند ریکزدیو زیاده تضرع و نیاز
 ایتدیلر ایسه ده فریدون عاقبت امری مطالعه ایل ایتد ایرجی کوند ریمک
 استدی فاما ایرج تقدیر الهی هر نه ایسه اولوردیوب فریدونن بالا اجازه
 قرنداش لری سمته روان و ملاقی اولدقارنده ایرجی بر کرسی به نشین
 ایتدیروب اوج برادر بر یرینه مقابل مکالمه و آخر عاقبت مجادله ایدوب
 همان تور پره اوغلان بزنسک پاسبان کیمز که سن میانه ده شاه غالیجناب
 اولوب بزیکی برادر سنک حارسک اوله لم بظور رکن سکا ایران زمینه
 شهریار اولق نه لایق دیردیو ایرجه هجوم و ایرجک التنده کی کرسی بی
 چکوب ایرجک باشنه اورمغله ایرج دخی زمینه یقلدقده تور صحرایوب
 ایرجی آشفه الدی و بر زرین طشت ایچمنده ایرج درمندی بوغازایوب
 باشنی بابا لری فریدونه کوندردی و نامه سنده بزردن مقبولتر ایدوب
 ایران زمینه شهریار کزین ایتدیجک فرزند نازنینک ایرج بهادرک
 باشیدر دیو تحریر ایتدیلر (پس ایرجک باشی بارگاه فریدونه واصل
 اولدقده امر حقه راضی اولوب تخت دولته یتیمه فریدون جلوس ایلدی
 و ایرجک دخترینی مشخون نام سروره و یرمکله منو جهر نام واد
 وجوده کلدی چون منو جهر یکر می باشنه کیردی شاه فریدون
 منو جهری کندی یرینه ولی عهد ایدندی و ایرانه پادشاه ایدوب

تور وسامدن ایرجك قاتلی آلمیچون منوجهری چند فراوان ایله تور
وسامه کوتدردی و منوجهر دخی جنك ایله ابتدا تورانده توری قتل
ایلدی واندن رومه کیدب سامی دخی قتل ایدوب تور وسامك باشلری
ایله بازگاه فرید و نه کلدکده فریدون انواع زیب و زینت ایله
منوجهری استقبال ایدوب ایرجك سراینه قوندردی و دیوان عالی
ایدوب ارکان دولت معرفتیه منوجهری تختنه جلوس ایتدردی
و اول اوچ نفر اوغلار بنگ راسلری برصد و غه وضع ایدوب یاننده
حفظ ایلدی (بعددا فریدون الی اخر العبر کنج وحدتده اوتوز سنه
عبادت ایلدی یکریمی یاشنده ایکن پادشاه اولمشیدی بشپوز سنه
برجیات اولوب آخر وفات ایلدی والله اعلم

* پادشاه منوجهر *

زبان فرس قدیمده منو آفتاب و جهر روی معناسنه اولغله منوجهر
کونش یوزلی دیمك اولور فی الواقع منوجهر زیاده صاحب حسن
و جمال ایدی چونکده فریدون امارتدن فراغت ایدوب برینه
منوجهری پادشاه ایلدی کنج وحدتده هر کون اوغلار بنگ
سرمق طوعی اولان صندیغی کشاد و نظرا ایدوب کندی نفسنه خطابا
سرمایه عمر ناز بنگ بومیدر که اوچ نفر اولاد بنگ سر بی دوانلری
بریده اولمش او کوکه کله دیوآه و زار ایدردی بو حالله فریدون کج
فراغته اوتوز سنه نشین اولوب فوت اولدقده منوجهر عادت قدیمه لری
اوزره قرق کون یاس و مانم طوتدی قرق برنجی کون ارکان دولت
منوجهری لباس مانم دن جقاروب شرائط تعزیه بی بعدالادا تختنه
جلوس ایتدیروب یکیدن پادشاه ایتدکلرنده منوجهر دن ارکان دولتک
هر بری مظهر عنایت اولدیله و کرساسب آهن دست اوغلی تریمانک
اوغلی سامسوار ی و افراش کرایله شام و حلب و مغرب و بربرزمینی فتح
ایچون جقارمعین اول ممالک قبضه تصرفنه کیردکده هر مملکته
برسرور تعین ایلدی و رومدن نهر فراتی سواد عراقه آفتدی و جبالدن
انواع ازهار و ریاحین کتردوب بوستان عالمی تزیین ایلدی بووجهله
منوجهر التمش سنه سلطنته نصکره ولایت توراندن فریدونک اوغلی
تورک اوغلی بنگک اوغلی افراسیاب والی توران اولغله چند فراوان

ایله منوجهر اوزرینه ایرانه هجوم ایلدی منوجهر دخی افراسیاب ایله
مقاومت ایده میه جکفی یقینا بلسکین مازندران و طبرستان سمتنه روان
اولدی و نیچه زمان آنده اقامت ایتدکد نصکره با وساطت مصلحین
مار و انهر چیخون افراسیابنده و جانب ایران منوجهرده قالمق اوزره
طرفینه صلحنامه ویرلدی اولزمان حضرت شعیب علیه السلام
مدینه و دیار مصرده حضرت موسی و هرون علیهما السلام فرعون
و هامان و بنی اسرائیلی دعوت دینه بعث اولندیله پس منوجهر
یوز یکریمی سنه پادشاهلقد نصکره بالین اجله سرنه ساد اولیچق
فرزند بزکتری نوزری سربردواته ولی عهد ایتدی و سام بن تریمانک
رأی و تریبری ایله عمل ایله دیو وصیت ایدوب فوت اولدقده نوزروالیدی
منوجهر برینه ایران زمینه پادشاه اولدی

* پادشاه نوزر *

نوزر ابتداء حکومتده جلّه انامه عدل و داد ایلدی بعد زمان بناء
ظلم و تعدی به بنیا داوروب امری اورعایی تضییق ایتکله ارکان دولت
نوزردن روگردان اولوب سام بن تریمانه شکایتنامه کوندردیلر اولزمان
سام زمین مغربده فاتح دار و دیار ایدی کیفیت احوال دن خبردار اولیچق
دران ساعت کیجه بی کوندوزه قاتوب دیار فارسه کلدی و تختگاه
شاهان عجم اولان اصطخر شهرینه نزول ایدوب ارکان دولت ایله
مجالسه ایتدکده وزرا و امرانوزردن شکوایه باشلد قلرنده سام احسن
کلام ایله یونلره تسلیمت ایدوب هر برین دلخوش ایتدکد نصکره نوزره
کیدوب مراسم آداب پادشاهی بی بعدالادا کونا کون پشد و نصح
ایتکله نوزر دخی سامانک تصایح حکم آمیزینی بعدالقبول امر اووزرا سنه
خلع فاخره کیدیروب هر برینه اقالیم بخش ایلدی بعد ذاسام درگاه
نوزردن اجازت ایله دیار زابلستانه روان اولدی و اوغلی زال ایله تورونی
ورستم داستانی صله ایلدی آخر سام ایرانده جام مرکی نوش ایتکله
ایران خالی قالمغین نوزر یکیدن رعایایه ظلمه آغاز ایلدی (پس افراسیاب
تورک منوجهرک فوتی و سامک مرکی اشیدوب توراندن لشکر فراوان
ایله نوزر اوزرینه هجوم و اثناء محاربهده نوزری قتل ایدوب ایران زمینه
استقلال پادشاه اولدی نوزرک مدت حکومتی بدی سنه در والله اعلم

* پادشاه افراسیاب تورک *

افراسیاب نسل فریدون اولوب زمان حضرت موساده علیه السلام ترک ولایتده وجوده کشیدی درتوزسنه مهر اولوب اون ایکی سنه پادشاهلق ایتد کده اولاد منوچهر دن زدنم بر شخص شهر بابلدن بروز ایدوب افراسیاب ایله محاربه و مقاتله ایلدی و آخر افراسیابی طوتوب دیلد کد نصکره تاج و تختی ضبط ایلدی

* پادشاه زدن طهماسب *

زد زمان حضرت موساده علیه السلام ظهور ایدوب پادشاه روی زمین اولمقله افراسیابک ظلم و تعدیسندن خراب و ویران اولان بمالکی تعمیر ایلدی و اوج سنه عالمده پادشاهلق ایدوب فوت اولدیلمحکیدر که منوچهر شهر یارجم ایکن اوغلی طهماسب کندی اوزقر بنی عورت ایدمکله قر باباسی طهماسبدن حامل اولوب وضع حلی تقرب ایتد کده منوچهر وقعه دن آگاه اولوب طهماسبی اولدر مکه قصد ایدیچک من بعد ممالک منوچهرده ساکن اولمق اوزره ارکان دولت طهماسبی پنجه منوچهر دن قورتاروب اول قزی سرایه آلدیلرماحصل اول قزدن زدنماننده ولد وجوده کلدکده منجمین ولد مذکورک طالعه سنه باقوب سنک ملککده بو واد پادشاه اولوردبو منوچهره خبر ویردیلمر چون طهماسب اتاسی منوچهر قاتنده ترکستانه کشیدی هزار حیل و خدع ایله قزینی اوغلی ایله برتقریب اوغریلتدیروب کنندی یانه کترندی منوچهر وقعه دن خبردار اولیچق طهماسبی بنه کنندی یانه کترندی اوج سنه صکره طهماسب فوت اولدقدنصکره منوچهر دخی فوت اولدی اولوقنده زدنطقل او اوب پادشاهلقه مقتدر اولمقله مارالبیان افراسیاب تورک کلوب ممالک بحجمه پادشاه اولمشیدی و افراسیابک ظلم و تعدیسندن ممالک بحجم خراب و ویران اولدیغندماعدا بش سنه پیای فقط و غلا واقع اولدی القصه افراسیاب تورک اون ایکی سنه پادشاه اولدی چون زدنطقل ایتدنرجولیه قدم باصوب دولت و سلطنته لایق اولدی جمیع ایرانیان زده بیعت ایتدیلمر و افراسیاب تورکی پادشاهلقدن طرد ایتدیلمر و اول روز قیر و زمیانه اهل بحجمده مانند نوروز و زعید عداولندی و افراسیاب تورک بنه ترکستانه روان اولمقله

زد پرنه پادشاه اولوب عدل و داد ایلدی حتی رعایان یدی سنه باج و خراج المامقله ممالک ایران عمارت و قوت بولدی و زمان زده چشمه لر و ایرمقلر روان اولدی بغداد مقدما مختصرجه شهر اولمقله نامنه مدینه العتیق دیرلیدی بونلر شط طرفنده کوشکلر و خانه لر بنا ایتدر مکله نامنه بغداد دیرلیر و بغداد طرفنده ازان الاعلی و ازان الوسعی و ازان الصغری نام اوج قطعه شهر بنا ایتدر کد نصکره طاغرلردن رایحه دار گیاه و شکوفه ها کزدوب بوستانلری تزیین ایتدردی و اطعمه تفایس اختراع ایلدی و هر سنه غزایه کیدوب مغنم کلوردی و مال غنایمی باجه هم عساکرینه تقسیم ایتدیکنندن اشکری آ نافانا قوت بولمقله دشمنه غالب اولوردی آخر زدا و توزسنه سلطنت ایدوب مرد اولدقدده پرنه برادر زاده سی کرشاسب بن ایناس پادشاه اولدی بعضی بار منوچهر دن نصکره اوغلی نوزر ظلم و تعدیسنه سبب یدی ماه اون کون پادشاه اولدی بده افراسیاب زور ایله جبراً نوزرک ملکنی الندن آلدی و افراسیاب دنده زد آلدی و زد دنده کرشاسب آلدی در لر

* پادشاه کرشاسب *

کرشاسبک والده سی طرفی حضرت یعقوبه علیه السلام متوا صلدر زدک فوت اولدیغی زمانده کرشاسب باباده ایدی زدک فوت اولدیغنی کرشاسب ایتمکله همان اصطخره کلوب تخته جلوس ایلدی و ایران زمیننه پادشاه اولدی آخر کرشاسب بکرمی سنه یا خود بکرمی اوج سنه عالمده پادشاهلق ایدوب فوت اولدقدده پرنه دودمان پیشداد یاندن کین بن دان اورک سلطنته جلوس ایلدی

* پادشاه کین بن دان بن یورکان *

کین بن دان زمان یسعه علیه السلام بلندن ظهور ایدوب کرشاسبک تختنه نشین اولیچق علماء فارسی جمع ایلدی و آنلرک اقوالی پیشوا ایدینوب اهالی ترکستان ایله حرب و جنگ ایلدی و ارا ضیدن عشر آلتق بونک زمانده وقوعبولدی و خراب و ویران اولان برلری ازهر جهت معمر و آبا دان ایتمکله جهان کین بن دان زمانده محضاً تازه جان بولدی آخر کین بن دان بکرمی سنه پادشاهلق ایدوب فوت اولدقدده ملوک پیشدادیان غایت و پایان و انقراض بولوب

بعد از حکم کیف بن دان ایران زمینه ملوک کیان مستولی اولدی
* در بیان ملوک کیان *

معلوم اوله که ملوک کیانک اولی کبیاد و آخری اسکندر ذر و بونلر
طبقه نوری رجالدن و برنوری نسادن اوله زق اون نفره ملوک اولوب
جمله مدت سلطنتلری یدییوز اوتوز سکر سنه در که حال و شانلری
بر وجه آتی ذکر و بیان اولنور

* پادشاه کبیاد بن زدن طهماسب *

کبیاد زمان حضرت ذوالکفله علیه السلام ایران زمینه پادشاه اولوب
عدل و داد و فراست و تدبیر و رأی ایله جهانی آبادان ایلدی و رعیتدن
مال آلوب عساکره علوفه تعیین ایتمکی بونلر اختراع ایلدی مملکتدارلقله
و لشکر کشلکده و دشمن شکنلکده و سیاستده کبیاد کی پادشاه جهان
کلمشدر شاه ترکک دخترین تزویج ایتمکله اندن کیکاوس وکی ارش
و کیخسرو وکی لهراسب وکی کشناسب نام بش نقر و غلاری
وجوده کلدی و زمان کبیاد ده انبیا کزیندن خرقیل و البسج و اشمویل
و ذوالکفل علیه السلام حضراتی قبائل بنی اسرائیله بعث اواندیلر
آخر کبیاد یوزیکرمی سنه پادشاهلری ایدوب قوت اولدقلرنده
یرینه ولد برز کتری کیکاوس پادشاه اولدی

* پادشاه کیکاوس بن کبیاد *

کیکاوس زمان حضرت داود و سلیمانده علیه السلام ممالک عجمی
مشرق حدینه قدر ضبط ایتمشیدی انجیق ترکستان و حجاز و یمن
و جزیره العربیه حضرت سلیمان علیه السلام حکم ایدردی کیکاوس
کندی ممالکنده بعض شهرلر بنا ایتدر مکچون حضرت سلیمان
علیه السلام برقاج دیو و اهرمن استدکده حضرت سلیمان دخی وارک
کیکاوسک ارا دتنده اولک دیو دیورا هرمنه فرمان یورمقله دیورله
البرزطرفنده طاشدن یومنه قصر و ایوان و عالی سرای و اصطبللر بنا
ایتدردی و کیکاوس حکم تورات ایله عمل ایدوب حضرت سلیمان
علیه السلام ایمان کتوردی و حد ترکستانده کنار نهر چیچونده واقع
بلخ شهرینی دارالسلطنه ایدینوب دائما مغول و تارک ایله محاربه ایدردی
و کیکاوس اوغلی سیاوشی تربیه ایچون رستم دستانه و یرمشیدی سیاوش

یکرمی یاشنه کیردکده رستم پهلوان تربیه سنده اولان سیاوشی بابایی
کیکاوس فاته کتوردی کیکاوس اوغلی سیاوشی هر فنده ماهر کور یچک
فوق الغایه محسن ایدوب رستم دستانه فایزه الباس ایلدی اولزمان
شاه توران اولان افراسیابک دختر کیکاوسک خاتونی ایدی اول خاتون
سیاوشی کوزوب کوکل و یرمکله بستر و صله دعوت ایلدکده سیاوشی
اتامه خیانت ایتم دیو و صلته دن ابا ایدیمک خاتون کیکاوسدن خوف
ایدوب سیاوشی کیکاوسه عزایتمکین کیکاوس سیاوشی قتل ایتمک استدی
مکر افراسیاب سال یسال کیکاوسه مال صک و ندر دی و یکی سنه
اولمشدیکه کوندر یرمشیدی کیکاوس بو بهانه ایله سیاوشی لشکر یرشماره
باشوغ تعیین و رستمی سپه سالار ایدوب افراسیاب اوزرینه کوندر دی
و البته افراسیاب ایله جنک ایلک دیو فرمان ایلدی ناکه سیاوش حیر
محاربه ده دپه لنه چون افراسیاب وقعه دن خبردار اولدی برای صلح
بونلره آدم کوندر مکله سیاوش دخی افراسیاب ایله مصالحه اولدقلده
سیاوشک صلح قبول ایلدی کیکنه کیکاوس خشم ایدوب البته جنک
ایتمسون دیو آدم کوندر کیده سیاوش بابایی کیکاوسدن خوف ایدوب
لشکری کیکاوسه کوندر دی و کندی دخی افراسیابک یاشنه کیکدوب
خدمتده اولمقله افراسیاب فیروز نام قزینی سیاوشه و پردکده افراسیابک
سرهنگلری حسد ایدوب خلاف واقع مغریات عزویه مجلس
افراسیابده سیاوشی لسانه الدقلرنه سبب افراسیاب دخی سیاوشی
قتل ایلدی و فیروزی سرهنگلردن یرینه وروب شویله عهد ایتدی که
اگر فیروز سیاوشدن حامل اولوب برولد مذکر وجوده کلورسه انی خنی
قتل ایلده مکر فیروز سیاوشدن حامل ایتمش آخر برولد مذکر طهروره
کلدکده فیروز اول ولدک نامی کیخسرو و قیوب خقیجه تربیه ایدردی
شویله که کیخسرو مرتبه بلوغیه رسیده اولدی بر احدک بوسر مکتومدن
خبری اولدی چون کیکاوس اوغلی سیاوشک قتل اواند یغنی و کیخسرو
نلنده اوغلی اولدی یغنی ایشیدی کیخسری مایزی فیروز ایله دیار توراندن
برقرار یب کندی یاشنه کتورد کدنصکره رستمی لشکر یرشماره افراسیاب
اوزرینه ترکستانه کوندر مکله رستم دخی افراسیابه غالب اولوب
کیکاوسه خلی اسرا کوندر دی بعددا کیکاوس دخی جانب ترکستانه

عزیمت ایلدی او اوقته بمن پادشاهی خیر قطان مغلوب ایلدی
 دیکنا و سگ خبرین ایشیدیک در حال لاسکر فراوان ایله گیدوب
 کیکاوس ایله جنگ ایلدی و کیکاوسی اله کتورب حبس ایلدی بو خبر
 رسیده ایرایشیک بمن جانینه عزیمت ایدوب خیر قطان ایله محاربه
 واسکر بمن تالان و پریشان و نیجه سنی ابر و گرفتار ایچکله آخر خبر
 فتح طساک صلحه طالب او اوب یمندن استیلا اولان لشکری آلوب
 کیکاوسلی رسیده و یردی اندنصره هر بری یته کندی ملکنده
 پادشاه اولدی پس کیکاوس الی یاخود آلتش یاخود بوز الی سته
 ممر اولوب فوت اولدقده یرینه اوغلانک اوغلی کیمسرو پادشاه اولدی
 * پادشاه کیمسرو بن سیاوش بن کیکاوس *

کیمسرو جیدی کیکاوس برشته تختشین ایران زمین اولدقده باباسنگ
 دمنی افراسیابدن آلق ایچون کیکاوش سره تکراندن طوس بن فوزری
 اوچون بیک دلاور ایله افراسیاب اوزرینه ترکستانه کوندر مکاه عظیم
 محاربه او اوب لشکر افراسیابدن الی الی بیک کیمسه بی دبه لیدیلر
 و اوز بیک کیمسه بی دمنی اسیر ایدیلر مکر افراسیابک جاذو اقی غلمنده
 ماهر سیده نام رغلی و رایمش افراسیاب ارغلی شیده بی سه سالار ایدوب
 لشکر بیستمار ایله کیمسرو جانینه کوندردی بو خبر کیمسروه ایرایشیک
 سه سالارلر بن جمع ایدوب بودفعه شیده جانینه لشکر کوندردی
 چون ایکی لشکر بر برینه تقابل اولدیلر سیده بک جاذو اقی تأثیر ایدوب
 افراسیابک لشکر ندن بوز بیک تولاقلی ایدیلر و افراسیابی دمنی اول رزمده
 طوقوب کیمسروه کتور دکلر نده کیمسرو باباسلی سیاوش برشته افراسیابی
 قصاص ایدوب ترکستانه کندی نامه خطبه ایه اوقوتدی اورادن
 کیمسرو کسیر و دونوب کندی تیفکا هی اولان شهر الحقه کلا بد کده
 رزرا و وکلان جمع ایدوب بمن سلطنتدن مقصودم باباسک کمنی و دمنی
 آلق ایلدی چونکه جناب عزیز ذوالنقام مرادمنی حاصل ایلدی
 امداز بن پادشاه بقدر فراغت ایدوب آخرت سلطنت لغنه عزیمت
 ایتدم دیدکده سلطنتدن فراغت ایتمه دیوار کان دولتی بوقدر نیاز
 ایدیلار ایسه ده سرکار کر اولمغله ناچار اولاد کیقباد دن کی لهراسی
 پادشاه ایدیلر نده کیمسرو غائب ایلدی و کیمسروک مدت سلطنتی

آلتش سنده در بعضی لردیر که کیمسرو بر نیجه سواری ایله سیرانه
 جقمشیدی ایراقدن اون ایکی نفر سواری کور مکین یانده کی خیدم
 و خیمه سیر بونده طورک بمن شوکلن اتلور ایله جقمشیدم وار دیوب
 انلرک یانته واردی و انلره سلام و یروب ایچارینه قارشیمغله اون اوج
 نفر سواری اولوب نه طرفه عازم اولدقلمری معلوم اولمیدی
 * پادشاهی لهراس از اولاد کیقباد *

لهراسی تخت نشین اولدقده بلخ و ترکستانی اختیار ایدوب کوندر و کور
 نسلدن یخت انصری شام و عرف و بمن و مغرب راهوز و الی نصب
 ایدیلر کدنصره سردار ایدوب لشکر ایله زمین عرقه کوندردی
 یخت انصر دخی اول ولایتک کمنی صلح ایله کمنی جنگ ایله قبضه انصر
 آردی و بیت المغه سی خراب و سکانی اهلاک و بی اسرائیلک اولاد
 عیالی اسیر و اموالی نهب و غارت ایلدی چونکه جناب ولای متعال
 بی اسرائیل دعوت ایچون ارمیا علیه السلام پیغمبر کوندر میشیدی
 بی اسرائیل دعوتنی قبول ایدوب حبس ایدیلر ایلدی یخت انصر
 جناب ارمیا بی حبسندن اچقاروب زیاده اجترام ایدیکده بن پیغمبر
 حق تعالی بی اسرائیل بی کوندردی دعوتنی قبول ایدیلر کوندرن باشقدی
 حبس ایدیلر یینه سبب بو بلایه دوچار اولدیلر دیوب یخت انصره سیو یلدی
 القصه یخت انصرک تیغ خورنقشانندن خلاص اولان بی اسرائیل
 حضرت ارمیا قاتنه جمع او اوب ایدیلر کای کاه و عصیانیه بود الاستغفار
 حضرت ارمیا ایمان کوزدیلر نده جناب ارمیا علیه السلام قبل حقندن
 فرمان واجب الاذعان ایرشدیکه بی اسرائیل ایله کبر و بیت المقدسه
 کیدوب مسجد اقصاه عبادت ایدیلر بوامر شریفی بی اسرائیل
 افاده ایدیلر بیت المقدس خرابیلر مصره کیده لم دیوب بی اسرائیل
 حضرت ارمیا ایله مصره کیدیلر و ووقعه بی ملک مصره سو یلدکلر نده
 ملک مصره بونلره زیاده اجترام ایلدی و قیاص یخت انصر بونلره
 مصره کیدیلر بی اسرائیل اسیرلر مدر آنلری طرفه کوندر
 و الا لشکر پیغمبر ادا ایله اوزر بیکه سیر ایدرم دیو ملک مصره خیمه
 کوندر دکره ملک مصره عقیاد ایدوب بی اسرائیل یخت انصر
 کوندر یخت انصر مصره واروب آن خبر متعسده کیمسرو قتل

ومصری تاراج وغارت و بنی اسرائیلدن بولدیغنی بنه اسیر ایلدی
وماعداشنی فرار ایدوب حجازه کلدیلر و بونلرایله فرار ایدن طائفه
یهود مدینه منوره خوارنده خیبر و قریضه و وادی القری کبی شهر لر
بنا ایدوب آنده قرار ایشدیلر بعد بخت النصر مغرب و بزرجانبه
کیدوب اول ولایتلری تاراج وتالان ایتد کد نصر کره و افراسرای بنی
اسرائیل ایله عراقه ایرشدی حتی دانیال علیه السلام بواسیر لرایله
بیله ایدی بخت النصر حضرت ارمیا بنی علیه السلام بیت المقدسه
گوندردی چون جناب ارمیا کب سوار اولوب بیت المقدسه واردی
اول ولایتلری خراب کورمکله تعجب ایدوب (انی یحیی هذله الله بعد
موتها) بیوردی یعنی حق تعالی بو خراب شده قرانی نیجه احیا
ایزدیو خرابلغی موت برینه حساب ایلدی قوشلق و قتی ایدی
وشمس دخی زیاده اسی ایدی جناب ارمیا علیه السلام بر درخت
دینه او توردی و صومسراخی غالب اولمغله بر مقدار انکور دوشیروب
تناول ایلدی و بر مقدار بی دخی چنانچه صیغوب صوبی ایچدی
و بر مقدار بی چنانچه ترک ایتد کد نصر کره یا امر خدا خواهه واریجق
عزرائیل علیه السلام جناب ارمیا ک روح شریفی قبض ایتمکله جائی
بدن سعادت لریدن یوز سنه جدا اولوب معلق طور دقد نصر کره (فاماته الله
مائة عام ثم بعثه) مدلولایله حق تعالی جناب ارمیا بنه جان ویزمکله
جناب ارمیا بنه طعامی و روزانه و جاری زنده و بیت المقدس ایله
شام شریفی آبادان کور یجک سجده شکر یزدان ایلشدی القضا
اخراسب یوز یگرغی سنه پادشاهلقد نصر کره سلطنتدن کف ایدوب برینه
اوعلی کشتاسبی تخت نشین ایلوب کندی دخی کج عرالت و فراغنده
مقتضای آیدلری اوزره طاعته مشغول اولدی

* پادشاه کی کشتاسب *

کی کشتاسب زور و قوتده رستم و سام و ژریمان گنی پهلوان ایدی بخت
النصر ک شام و مصر و بیت المقدس و فلسطینی خراب ایتدیکن
ایبیدیجک بخت النصری عراق و بابلدن غزل ایدوب اولزمانک
سرهکی کورش نام میره و بری وهرقاند بنی اسرائیلدن اسیر و ارایسه
آزاد اولوب کیره بیت المقدسه و فلسطینه کیلسونلردیو ولایتلرده

مناذیلر ند ایتدردی و بیت المقدس و فلسطینه آل حضرت داوددن
علیه السلام بر پادشاه نصب ایتدی و حضرت دانیال علیه السلام بنی
اسرائیلک اولوسی و عزیزی ایتمکله بنی اسرائیل بنه و طلرینه کلوب
اول خراب اولمش بلاد و قرانی آبادان ایتدیلر اما بخت النصر توراتی
اخراف ایتمکله دانیال و بنی اسرائیل غایت تمکین ایدیلر حضرت
عزیر علیه السلام بنی اسرائیلک کلجک سن کیمسک دیدکارنده بن عزیر
بنی حق تعالی بنی اسرائیلک پیغمبر کوندردی بنم دعوتی قبول ایتموب
خبرس ایتدیلر بخت النصر کلوب بنی حبسدن چقاردی دیدی و حار
و طعام و شراب و قایعنی سر ایا نقل ایدیجک سنک عزیر اولدی بکله دلیل
و برهان لازمدر دیدکارنده عزیر علیه السلام تورات شریف من اوله
الی آخره از برنده در دیدکده بنی اسرائیل غایده سوندیلر ز پرا حضرت
موسی ایله قرنداشی هر وندن غیری علیهما السلام فی الصبح و المساء
توراتی فرد آفریده از برلمش ایدی اگر چه حضرت عزیر توراتی
از برندن نما و اوقیوب بنی اسرائیل یازدیلر قانما صحبته شک ایتد کلر بنی
حضرت عزیر تفرس ایتمکین سلیمان علیه السلام زمانته شعبا
عملیه السلام توراتی یازوب بیت المقدس در کارندن برستون تخت
وضع ایتدی بیورد قلزده بنی اسرائیل اگر چه بزده اشدلر قانما قنی
ستونک تختده در دیدیلر حضرت عزیر حق تعالی اول نبوتی بکلیه ایدر
دیوب تعیین بیوردیجی ستونک تختی قازد قلزده صندق در و ننده
محفوظ اولهرق بولدق لری توارت ایله حضرت عزیردن یازد قلمی
توارتی مقابله ایتدیلر بلا زیاده و لاقصان درست دکلر کله بنی
اسرائیلک بعضیجی حضرت عزیر آدم دکلر بلکه (وقالت اليهود
عزیر ابن الله) مفتا ذبحه حاشا حق تعالی ک او غلبدر دیدیلر
نعوذ بالله تعالی (بوکدن معلوم اولدیکه حضرت ارمیا حضرت عزیر
علیه السلام اولوب زمان بخت النصر و کشتاسیده عالم شهودی
تشریف ایتمدر) مرویدر کشتاسب زمانده زردشت بن یونان نام کافر
آتش پرستلک ایله دعوی نبوت ایدوب آتش پرستکی کشتاسبه تعلیم
ایلدی و کفر یاندن عبارت جمع ایلدیکی زند و استاد نام کاینده خواهر
ومادی تر و یحیی علیه السلام و بنی اسرائیلک و بنی یهود و بنی نصرانی

روا آوردی مگر زردشت بعین حضرت عزیر که علیه السلام شاکردی
 اولوب شرعه مخالف کند و دن قتل و قوغبولغله حضرت عزیر علیه
 السلام یوکلید دعا ایتمکین زردشت ولایت مشرقه کیدوب کشتاسبک
 خد متیده ایدی و حضرت عزیر دن تحصیل ایندیکی علوی کند و به
 اسناد ایلده رک هر جلدی صغر در یسنددن اولق اوزره اون ایکی جلد
 زرد و استناد نام کتابی تألیف ایدوب حضرت داوود علیه السلام
 کلمات طیبانی اول کتابده اولغله کشتاسب مطالعه ایدوب حضرت
 داوود کتابی تحسین ایلدی و اول کتاب ایلده عمل ایدوب زردشت دینده
 او اولدی و جمع کتابی آده لر کوندرمکین قوم مجوسک آشیرسلکارینه
 اول کتاب رضایات بادی اولوب حکمی زمان اسکندره قدر جاری
 اولدی (چون حضرت اسکندر بماء ولایت و صلاحیت دن مانسد
 خورشید طلوع ایندی اول کتاب رضایات الحراق بالنار ایلدی
) محکیم در که کشتاسب عامه ناسی دین زردشت اجبار ایندیکی او انده
 کشتاسب مدینه ایلده حضرت کلوب باباسی لهراسب بیرناتوان ایلده
 قالمشیدی حاکم توران اولان ارجاسب توره لشکر ایلده کلوب
 لهراسبی قتل و تلخ و خراسانی خراب و کشتاسبک اوچ نفر قزلار بی اسیر
 ایلیمک کشتاسب و قعه دن خبردار اولوب فرزند بزرگتری اسفندیاری
 لشکر کشیر ایلده ارجاسب اوزرینه کوندرمکین اسفندیار حین محاربه ده
 ارجاسبی قتل و دخترانی خلاص و دیار ترکی افراسیابک قرینداشی
 اغر یورث اولادینه تقسیم ایلدی بعضی لر اغر یوروثی انیدان ایدوب
 طاعنه ترکدن اغر یوروثدن غیری پیغمبر کلام سدر در بر چون اسفندیار
 بیادر لکه مغرورا والدی کشتاسبیدن امارت و تخت طلب ایلدی
 کشتاسب دخی حاکم سیستان اولان رستم داسنک باشی کسه بیلورسن
 ایزانی سکانه و یض ایدرم دیکله همان اسفندیار سیستانه و اوزوب رستم
 ایلده جنگ ایلدکده رستم دخی اسفندیاری طوقوب قتل ایدرکن
 اسفندیار واد بزرگتری بهمین ایچون سزوار امارات اولد قده ایران
 زمینه پادشاه ایلده دیو و صیبت ایتمکله رستم دخی بهمنی اوتوز سنه تربیه
 ایلدکده نصیره کشتاسب در کاهنه کتوزدوب باحسن رضا بهمینی ایران
 زمینه پادشاه ایلدی اوچگون مرور ایلدیک کشتاسب مرد اولغله

بهمین سرورد و متیده استقلال یولدی و کشتاسبک مدت سلطنتی
 بیوز سنه یاخود یوز یکریمی سنه در والله اعلم
 * پادشاه اردشیر بن اسفندیار بن کشتاسب *

اردشیر بهمین دیکدور چون بهمین ایران زمین پادشاه اولدی اظم از
 عداوت ایدوب لشکر فراوان ایلده حاکم سیستان فرامر زین رستم داسنک
 اوزرینه و اوزوب فرامر زین ایلده رستمک دادرین بعد القتل زابلستان
 و سیستان ولایتارین نهب و غارت و خراب ایدوب سیستانده رسمی
 واقفال و توابعی یاد ایلده جنگ کهنه برافندی و اندن کیر و تختگاه عجم
 اولان اصلطغر شهر بنده کلوب بخت النصرک اوغلی بخت النصری
 یابلدن عزل ایدوب بابلی سبطه جاماسب بن لهراسبه و یردی و اندن
 سورگون اولان بنی اسرائیلی از ایدوب کیر و بیت المقدسه کوندردی
 و کندی طرفدن دیار شامک امیر الامر الغنی حضرت ذاباله علیه
 السلام نفویض ایلدی (محکم در که بهمین پادشاه ایران اولد قده
 بنی اسرائیلک قدرینه دعایت ایلدی) و حضرت عزیر علیه السلام
 عازم تلخه بر بن اولغله توراث ایلدی بنی اسرائیلده قالمشیدی الحی
 کوندرمه بت توراثی بنی اسرائیلدن استدکده بنی اسرائیل مکی توراثی
 و برمیوب الحی بنی دهر ایلدی (پس یو خبر بهمین واریجی بابل و شام
 و عراق سبطه دن بخت النصره و یروپ بیت المقدسی خراب ایلده دایر
 اسر ایلدی) بخت النصر دخی بهمیندن یانکر ییک نفر عسکر آتوب
 ایچارندن ارنوش و کیرش و اخشونوش نام اوچ نفر عالی وزیر ایلندی
 و اندن بابلده کیدوب لشکر جمع ایلدکده سکره و اوزوب بیت المقدسی
 و شام حواله ایلدی خراب و ویران و سکاکی قتل ایلدی (شویله که پیغمبر
 زاده اردشیر یوزیک مرد کز بنی اسیر ایلدب حضورده قیام ایتدردی
 حتی دایمال علیه السلام مرد جوان ایلدی آتیدخی قول ایلدوب
 سرهنکرندن حضرت ذاباله الی ییک قول پیش ایلدی) بخت النصر
 اول ولایتده قرق سنه والی اولوب هلاک اولد قده بهمین عراق و بابلی
 اخشونوشه و شام و مصری دارنوشه و یرمکله دارنوش اول ولایتی
 آبادان ایلدی و هند و سند خلقی بهمین غاسی اولغله بهمین اورانک
 خلافتی اخشونوشه و یرمکین اخشونوش دخی هند و سندی بعد الفتح

بنه عراقه کلوب برقاج سنه ایچینده عراقی معمر و آبادان ایلدی و بنی
اسرائیلدن زمین عراقده قلان اسرای آزاد ایلدی و اخشونوش
عورتندن بر فعل قیج و قوع و لمغله عورتی قتل ایدوب بنی اسرائیلدن
بسم نام حمله بی المغه اندن کیش نام اوعلی وجوده کلدی
(القصه اخشونوش اون دیت سنه بر حیات اولوب مرد اولد قده
بهمین اول ولاجرا وعلی کر شه و یردی اول زمانده حضرت دانیال
علیه السلام معمر اولمیشدی کیش دخی حضرت دانیالک دعوتی
قبول ایدوب اون اوج سنه بهمیندن کز اوجه مسلمان اولدی چون بهمین
مرد اولدی کیش دخی آشکار ایدوب آنسکده لری خراب ایلدی
و بنی اسرائیلی کبر و قدس شریفه کوندریب و لایقیری آبادان ایلدی
و بهمین یوز اون ایکی سنه پادشاهلیق ایدوب مرد اولد قد نصکره
کیش دخی یکریمی ایکی سنه بر حیات اولوب فوت اولیحق حضرت
دانیال علیه السلام بیت المقدسی تشریف یوردیلر (بعضی توار یخده
مستوردر که بهمینک مادری اولاد ملک طالوتدن صاحبه فراسبت
بر خاتوند و زوجه سی دخی زادر (جعیم بن حضرت سلیمان علیه
السلامدر بیت المقدسک ایکنی خرابمقد نصکره بهمین اول خانونی
مورنلکه آلمشیدی اول عورت بیت المقدسی تکرار آبادان ایدوب دیار
شامده مهبیناء اردمیر و میان نام ایکی شهر بناء ایلدی بس بهمینک اول
خاتوندن ساسان و داراب نام او غلاریله خجانی و فرتک و بهمین دخت
نام فرلری وجوده کادی و یوساسان ملوک ساسانیانک مبدئدر
و موت بهمین باع و یادی اولدر که ماوراءالنهر دن بارگاه بهمین
برقیله کلوب برار در هفت سرفسادندن شکوا ایلد کلریده بهمین دخی
رستم داستانیدن او کندیکی فتوه مغرور بالذات اردر چکنه عزیمت
ایلدی و حین عزیمت لرنده اردر چکنندن کلید چک او اوز سم او غل
دارا شایسته عمارت او لجه دخت خجانی ایران زمین پادشاه اولسون
دیو امرا و وزراسته و حیات ایشیدی بهمین اردر چکننده هلاک اولوب
او غلاری ساسان و داراب طفل اولمغه ضروری خجانی باباسی
بهمین برینه پادشاه اولدی بقراط و سقراط بس نام حکمران بهمین ایله
هم عصر ایدیلر

* پادشاه خجانی بنت بهمین *

بعض توار یخده اسم خجانی حرف هاء ایله همائی نحر بر اولمشدر خجانی
برادری ساساندن بزرگتر اولمغه بهمین برینه پادشاه اولدی و اونوز سنه
بی زوج قالب احکام سیاستی اجرا ایشدی ابتدا لشکر ایله رومه و اروپ
اول دیاری فتحند نصکره داراب دخی بایله و اروپ شط کیری قازدرتدی
و مداینده دجله اوزرینه جسر بنا ایشدردی و فراتدن مداین عقیقه
طرفنه بر قول صوروان ایشدردی و شهر مرویه بارونسا ایشدیروب
متوفیه اولد قده برادری دارابده پادشاهلیق مقرر اولدی (دیرلر که بهمین
اوز قزی همائی آیین زردی اوزره عورتلکه طوطغ بین همائی بهمیندن
حامل اولمشیدی بهمین بیمار اولیحق مملکتی قزی هماده مقرر ایدلر
وا کرهمادن ولد مذکر طوغارسه پادشاهلیق اکا و یردل دیو وصیت
ایدوب فوت اولد قد نصکره همادن داراب نام ولد مذکر وجوده
کلد کده و والده سی همائی دارابی وافر آتون ایله برتابوته قیوب هر کیم
بوتابوتی بواورسه بولدی تربینه ایتسون دیو یازدخی کاغدی اول
تابوته یا پیشدیروب نهر دجله به براغله تابوتی بر دکر منجی صودن
چقاروب یکریمی سنه دارابی تربیه ایلدی و دارابک صوده بولندیغنه
سبب نامنه داراب دیندیلر (بعد ذاهمائی رومه غزا ایچون عزیمت
ایتد کده داراب اول دکر منجیدن آت و طون و خرچلیق آلوب و همینک
عسکرینه یازیلوب روم سفریننه روان اولدی برکون رومده شدت
باران اولمغه عسا کر اول شهرک باغلی طامنه آنلریله کیرمشلر ایدی
و داراب دخی آتیه برطام آلتنده طورردی هوا کشاد اولیحق همینک
وزیری اسب سوار اولوب عسکری طولاشوب کیدر کن دارابک
اولدیغی طامدن ای طام زنهان یقلمه و خاکله یکسان اولمه که شاه
جهان و شهریار ایران سنک زیریکه پناه اولمشدر دیو بو آوازی بیانی
اوج دفعه اشیدیک وزیرنکته شناس دارابی کتردوب کیفیتندن
سؤال ایدر کن اول طام منهدم اولمغه وزیر روشن ضمیر دارابک
احواله واقف اولوب دارابی بارگاه همایه کتوردی ووقعه بی همایه
افاده و بیان ایتد کده همادخی دارابی کتوردب کور یچک جیکری
قینا یوب احوالی صور دقده داراب دخی تابوت و کاغدوز و جواهر

قصه سنی همایه تقریر ایندیکنده همایه قیروپ دارابی بغربینه باصدی
ولشکر و اهل دیوانه قضیه بی تقریر ایدوب بعد ازین پادشاه کز بودر
دیوب دارابی ایران زمین پادشاه ایلدی و کندنی دخی کجی غزلنه
نشین اولوب الی آخر العمر طاعتده اولدی

* پادشاه داراب *

داراب باباسی بمن برینه پادشاه ایران اولدقده خود شهرندن رشتین
نام صاحب تدبیری وزیر ایلندی و همادخی اوغلی دارابدن اجازت ایل
پارس اقلیمه کیدوب اوتوز سنه اوراده اقلیمه نصکره متوفیه اولدیغی
خبری دارابه ابریشمک داراب پارس اقلیمه عزیمت ایلدکده حد عرافدن
بلغ شهرینه وارنجه عجم بکری باجه هم دارابه بیعت ایدوب سال بسال
باج و خراج و یردیلر اولمائه ولایت رومه یونان دیرلردی داراب روم بکی
فیلقوسدن خراج طلب ایلدکله فیلقوس بهر سنه دارابه بشیور بیک بیضه
زر خراج و یرردی و افلاطون الهی ایلد داراب همه صرایدی ایلد و فلوری به
ابتداسکه اورمق دارابک اختر اعدندن پس داراب یوز اوتوز سکر سنه
پادشاهلق ایدوب فوت اولدقده برینه اوغلی دارا پادشاه اولدی

* پادشاه درا *

درا پادشاه اولدقده دیار بکر علیاده جزیره نام بر شهر بنا ایدوب شهر یار
یونان اولان فیلقوسه تفویض ایلدی و زیاده نوازش و ستایش ایتکله
فیلقوس دخی اسلوب سابق اورزه دارابه هر عمو رطه سی دوه قوشی
بیضه سی قدر بهری بیک مثقال اوله رق سنده بشیور بیک التون
بیضه خراج و یرردی وقتا که فیلقوس وفات ایدوب فرزند بهتری اولان
سلطان الثقلین صاحب الخروج مصدوقه (قلنا یاذا القرنین ان
یا جوج و ما جوج) صاحبقران جهان اغنی حضرت اسکندر هنگام
بلوغیدن پایه رجولیته قدم باصوب والدی برینه ممالک یونانه
پادشاه اولدیلر بعد ذابیضه خراج کلیا تاراج اولدی

* پادشاه اسکندر بن فیلقوس بن بطرطرس *

حضرت اسکندر اولاد افث بن نوحندر علیه السلام بهضیلر اولاد
حضرت ابراهیم خلیل اللهندر دیدیلر اما مورخین پارس اسکندر
بهمنک اوغلی دارابک اوغلیدر دیرلر و یونانیان اسکندر فیلقوسک

هتا سهو
فلیتأمل

اوغلیدر دیرلر اسکندر ایکیدر بری اسکندر ذوالقرنین کبیر در که
حضرت ابراهیم علیه السلام زمانده پادشاه اولوب خضر و الیاس
علیهما السلام بوکا همراه اولمائه شرق و غربه سیر و سفر ایدردی
اولمائه حضرت ابراهیم علیه السلام مکه مکرمه بی بنیاد ایدرلردی
چون حضرت اسکندر مشرقدن مغربه عزیمت ایتدیلر ره راستلرنده مکه
مکرمه به اوچکون یقین اولدقلرنده جمله لشکر یله آتلرندن نزول و ماشیا
مکه به کلوب حضرت ابراهیم ایلد مصافحه و مکه بی طواف و زیارت
ایتد کارنده حضرت ابراهیم حضرت اسکندر علیهما السلام اوچکون
ضیافت ایتدیلر و بری دخی اسکندر بن فیلقوسدر که حضرت عبسی دن
علیه السلام اوچوز اون طقوز سنه مقدم ظهور ایتدیلر و حضرت
ابراهیم ایلد حضرت عبسی علیه السلام میانی تقریباً درتیک یوز یکرمی
ایکی سنه در بوتقدیرجه اسکندر ذوالقرنین ایلد اسکندر بن فیلقوسک
مایینی اوچیک سکر یوز اوتوز سنه اولور غالباً اسکندر ذوالقرنینک
تاریخی اسکندر فیلقوسه عز و ایلد غلط اولمش و هم اسکندر ذوالقرنینک
غمری بیک سنه در و اسکندر بن فیلقوسک اوتوزالتی سنه دن زیاده اولیوب
همان اون درت سنه پادشاهلق ایتدیلر و اسکندر ذوالقرنین سمرقند
و مرو و اسکندریه و مداین نام درت شهر بنا ایتدیلر (بهضیلر دیرلر که
فیلقوس عالم و کامل و حکیم و اهل سیاست اولمائه روم پادشاهنک وزیر
ایدی پادشاه روم بلا ولد فوت اولوب ممالکی خالی قالمغین سپاه و رعیت
کندو دن خشنود اولدقلرندن فیلقوسی بیک نصب ایتدیلر مدت قلیله
پادشاهلق ایدوب فوت اولدقده اوغلی حضرت اسکندر باباسی برینه
پادشاه اولدی ارستطالپس جناب اسکندرک استادی اولمائه علم و حکمت
ورای و تدبیری اندن تهلم ایتدیلر (القصه سلطنت حضرت اسکندر دن
ایکی سال کذر ایلدی شاه عجم بهر سنه ارسال اولنان بشیور بیک عذر
بیضه شتر مرغی وار التونک ار سالنده اغماض ایلیمک دارا الحی
کوندروب خراجی استدکده حضرت اسکندر اول مرغ کیم التون
عمورطه عمورطلردی فیلقوس وفاتنده انی اکل ایدوب آخرته کتوردی
دیوب الحی بی بی اعتبار عودت ایتدیلر دکده دارا غضب ایدوب
برچوکان و برظوب و بریمانه صوصام یاخود طاری ایلد تکرار اسکندره

الحی کوندردی و نامه سنده سن هنوز طفل سن و احوال سلطنتیدن
 بخبر سن آمدی بوجوگان و طوب ایل به بازی به مشغول اولوب خراجی
 همان طرفه کوندروالابوطاری عددنجه لشکر ایل اوزریکه واروب
 واسع جهانی باشکه تنک ایدرم دیدی (پس حضرت اسکندر نامه پی
 کوریچک ای دارا مالکی ارادتکله بکا و یردک زیر کوندردیکک طوب
 مملکت کیدر و جوجان بنم هر زمانه جوجان طوبی کندویه چکر
 لاجرم جوجان قوتله سنک طوب کبی دکر می مملکتی کندیمه چکوب
 سلطنت و پادشاهلخی الکن الورد و اول صوصامک روغن و قوغندن
 خواص و عوام منتفع اولور آمدی اول صوصام مقدار کتوره چکک
 لشکرک اسباب و آلات و اسلحه سندن بن و عسکریم بهره مند اولور
 دیو یازدیغی نامه ایل به پیمان به سپید کوندروب شونی اینهم پیوردیلر که
 اش و آجی سپید کبی لشکر بحساب چکریم و هم لشکرمدن سنک لشکر یکده
 قطعه بار فائده اولمز دیدی (و فتاکه حضرت اسکندرک نامه سی دارا به
 واردی همان دارا سکر یوزیک ار ایل اسکندر جاننه و حضرت
 اسکندر دخی التیوزیک لشکر یونانی ایل دارا جاننه پیوردیلر اول وقتده
 دارا اون دیرت سنه پادشاهلخی ایتشیدی وزمان اسکندر دخی اوچ سنه به
 یاقه شمش ایدی بمالک عراقده موصل و شام میانده جزیره نام شهری دارا
 بنا ایدوب فیلقه و سه و بر مشیدی اول شهرک حواله سنده طرفین برماه
 بلا نزاع اوتوردیلر آخر لشکر دارا به فتور کلمه کله خیلی لشکر بارگاه
 حضرت اسکندر کلوب بیعت ایتدیلر (الحرب خدعه) مدلوله
 حضرت اسکندر دارانک مقر بلربی صور ییچق ماهار و ماهیار نام
 ایکی نفر مقر بی و حاجی وارد دید کلارنده (حضرت اسکندر برای
 تنظیم امور اول مقر بلره خنجه آدم کوندروب مال و جاه و عد پیوریچق
 مقر بلرولی نعمت لریشه روگردان اولمشلر ایدی همان جانب جناب
 اسکندر فرار ایتدیلر و اول صباح جنگ و حربه باشلیدیلر بومیانه ده
 لشکر داران بر کیمسه جناب اسکندر به ضرب آوردی و حضرت
 اسکندرک فرمانیه طبل اسایش اوریلوب ایکی لشکر بر بندن آیرلیدیلر
 و اول ایکی نفر مقر بان اولکون دارانک خلوتنه کیروب مشورتلرند دارا
 حضرت اسکندر ایل صلح اولقی استدیسه ده مقر بان کندیلر و عد

اولتان جاه و مال طماع دارایی حربه سوق ایتلر ایل ایکی لشکر بر بینه
 مقابل اولدقلرند مقربانک بزی دازایی قفا سندن اوروب آتندن بیقیدیلر
 وفی الحال کلوب حضرت اسکندر خبر و ییچک اسکندر دارانک بارگاهنه
 واروب کوردیکیم دارا خون آلود یاتور و عمرندن شی قلیل قالش همان
 آتندن اینوب دارانک باشی دزی اوسته قویدی و زیاده اعتذار ایدوب
 سنک جانکه قصدا ایتدم اما چه سود تقدیر خدا بویه ایمش و بویکیفیت
 ینه سنک حاجیلر کدن اولدی آمدی سندن مطلوبک هر نه ایسه مقبولدر
 سویه پیوریچق بنم قائمی قومه و قزم روشنی خانولغه قبول ایل و عجم
 بکلر ینه حرمت ایل دیوب تسلیم جان ایتدی (حضرت اسکندر اولزمان
 دارانک تخت نشین اووب و صایاسنی تنفیذ ایلدی و اول ایکی نفر خائنه
 عهد و وعده اوزره ابتدا مال و بردی بعده بردار ایلدی و دارانک
 دختری روشنی تزویج ایلدی و علما و حکمای کتوردوب ملوک فرسنگ
 عامل اولدقلری کابلری السنه یونان اوزره ترجمه پیوروب ارستطالسه
 کوندردی و زردشتک کانی احراق بالنار ایدوب حکم تورانه عمل
 ایلدی و تحت النصردن زباده پارس و بابل و عراقی خراب و احراق
 ایتدکد نصکره شهر بلخ طرفنه کیدوب ترکستانده سمرقندی و خراسانده
 مروهراتی و اصفهانده شهر ربی و یونانده اسکندر یه پی و عراقده
 مدائن بنایلیدی و هرا و غرادیغی ولایتک پادشاهنی دپه ایوب برینه
 کندی طرفندن پادشاه نصب ایدردی و انلرک نامنی ملوک طوائف ایل
 بنام ایلدی و اندن بت و چینه واردی و اندن ینه عراقه عودت ایلدی
 و حلوان برابنده زور نامنده بر شهر بنایدوب انده ارتحال دار بقای پیوردیلر
 مدت سلطنتی اون دیرت سنه در (بعضیلر اوتوزالتی سنه پادشاه
 اولوب دومه الجندل نام محله فوت اولدی دیرلر) (بعضیلر اوتوزالتی
 یاشنده و بعضیلر یوزیکرمی بش یاشنده فوت اولوب یوز سنه
 پادشاهلخی ایتدی دیرلر لکن اصح اولان اون دیرت سنه پادشاهلخی
 ایتشدر و نصب و تعیین پیوردقلری ملوک طوائف کاکان یرلنده
 قالوب ساحل دجله ده اولان صفهان و عراق و عجم و فرستان و ری
 و کرمان و خراسان و لایترینه تالب جیحونه و انجه حکم ایدرلردی
 شویه که هر شهرده بریک و هر قریه ده بر پیر اولغله نه کیمسه کیمسه به

خراج و پردی و نه آخرك تحت فرمانده اولورلردی هریری بالاستقلال
پادشاه ایدیلر وینه دجله کنارنده واقع عراق و عرب و موصل و جزیره
و کوفه و بادیه و شام و حجاز و یمن و لایترلی نامغرب حدنه قدر قبضه
تصرف یونانیانده ایدی (چون حضرت اسکندر سلطنت صورتیدن
ال چکوب مازم خلد برین اولدیلر اوغلی اسکندری باباسی حضرت
اسکندر تختنه دعوت ایتد کلرنده بن بابامدن زیاده اولم پادشاهلق
انده ختم اولدی و هم برخانه دن برکشی پادشاه اولق کافیه در دیوب
سلطنتی ترک ایلدی و عبادات و طاعانه مشغول اولدی (حقا برملکه
سلطان اولدیکیم زوالی یوق و بردوات تختنه کچدیکیم برحالدن برحاله
انتقالی یوق چون سپاه و رعیت پادشاه سر قالدیلر) ینه حضرت
اسکندر اهلندن یوعوش نام شخصی پادشاه نصب ایدوب ممالک یونانی
انک بدنده مقرر قلدیلر و یونانیان دخی یوعوشی بطلمیوس سلفله قبول
ایلدیلر حتی مصر و شام و یمن ملکنه دخی حاکم او اوب بنی اسرائیل
بک نصب ایلدی و شریعت تورانی اجرا ایتدردی السنه یونانیده
بطلمیوس اولی بک دیمکدر انکچون بکلرینه کسری دیرل و روم بکنه
قیصر و فارس بکنه خاقان و چین بکنه فغفور دینلور (پس یوعوش
اوتوز سکر سنه بطلمیوسلق ایدوب فوت اولدقده برینه دقیانوس نام
شخص بطلمیوس اولدی و بودقیانوس دعوی الوهیت ایتد کدنصره
ظلمه آغاز ایتد کده و زراسی اولان احساب کهف (و اسوا فی کهفهم
ثلثمائة سنین و ازداد و تسعا) آیت کریمه سی مدلولیه کر بران
اولوب اوچبوز طقوز سنه برغارده قالمشردر ممالک یونان حضرت
اسکندر دینصره ایکبوز قرق سنه ایادی یونانیانده قالوب بعده حضرت
ابراهیم خلیل الله نسلندن روم بن عیص بن اسحق بن ابراهیم
علیهما السلام مستولی اولدی و رومیلردن ابتدا اراسطوس نام کیسنه
تخت یونانیانه کچوب الی الی سنه پادشاهلق ایلدی و اوارا سطوسک
پادشاهلقی الی الی یکی سنه به واریجق حضرت عیسی بن مریم علیه
السلام وجوده کلدیلر و بعد از حکم اسکندر ذوالقرنین ممالک جهانه
طوائف ملوک ایله اشکانیان مستولی اولدیلر والله اعلم

* در بیان ملوک طوائف و اشکانیان *

چون اسکندر بن فیلقوس حضرت تتری ارتحال دار بقا یوز دیلر
امیر نصب ایتد کلری اون سکر نفر بیکلر متصرف اولدقلری ممالکده
ایکبوز یکرمی یاخود ایکبوز الی یاخود درتوز اوتوز یاخود بشبوز
سکسان بندی سنه استقلال پادشاهلق ایدوب خارجدن بر احبک
حکمی بونلرک اوزرینه جاری اولمیه رقی حد عن اقدن اب جیحونه قدر
ممالک عجمه حکم و حکومت ایتدیلر اولر مانده رومیانندن ابطنجش
یونان بکی اولمغله دجله دن کچوب اهواز و فارس وری ولایته قدر
حکم ایتدیه ده ملوک طوائف ابطنجش مطیع اولیوب رومیانندن
دارا اوغلی اشکی بک ایدینوب سلطنته لایق اولدیفندن جله سی
اکا یعت ایتدیلر (بعده حضرت اسکندر دارایی دبه لکده دارانک
اوغلی اشک طفل ایدی ابطنجش زماننده یو یوب سلطنته لایق
اولدقده ملوک طوائف اشکی پادشاه ایتدیلر و افراسیاب ایله اشکک
بانته جمع اولوب ابطنجش ایله جنگ ایتدیلر آخر لشکر روم منهزم
اولمغله ابطنجشی قتل ایدوب ولایت عجمی ضبط ایلدی بنا برین
اشک بن دارا ملوک طوائف مدبارا ایله پادشاهلق ایدردی بر قاج
سنه دینصره روم و یونان مبارزلردن قسطنطنیه و افراسیاب
اشک بن دارا جاننده روان اولدی خبر اشکه واریجق ملوک طوائفی
جمع ایدوب درتوز بیک ار ایله قسطنطنیه ایله محاربه ایلدی
وقسطنطنیه منهزم اولمغله رومیه الکبری شهرینه فرار ایتد کده
اشک بن دارا ملوک طوائف ایله اول شهری محاصره و فتح و خراب
ایتد کدنصره کیر و ایران زمینه کلدیلر و دجله کنارندن تازی
شهرینه دک اولان ممالکی کندی آلوب ماعداسی ملوک طوائف بک
حکمنده قالدی و مدینه رومیه الکبری خراب اولجق رومیان جمع
البحرینده لب دریا ده واقع قسطنطنیه نام شهری بنا ایدوب
تختگاه ایتدیلر و اول شهر قسطنطنیه که حالا اسلامبول دینمکله
شهر شمسار حسرت ملوک دوراندر سلطان الغزات و الجاهدین
کهف الاسلام و المسلمین اعنی سلطان محمد بن مرادخان من آل عثمان
طاب ثراه و جعل الجنة مشواه حضرت تتری سبع و خمسین و ثمانمائه
تاریخنده اول شهر کزینی تیغ قهر یله فتح ایدوب ضبط ایتدکله

الحالة هذه سلاله طاهره لرندن ناصب اعلام الاسلام بالانصارم
الصمصام ومالك رقاب الانام بتأييد الله الملك العلام قهرمان دوران
وروح روان جهان سلطان محمود بن عبد الحميد خان سلمه الله تعالى
الى غاية الا زمان حضر الترينك تختگاه شوكتنا هلايدرز (وملوك
طوائفه اشكانيان ديرل زيرا اشكان نوح عليه السلامك اوغلي
يافشك اوغليدر واندن اشك بن دارا ايران زميندن خروج ايدوب
ايرانه پادشاه اولدى وامر اى حضرت اسكندر بن اصبطن روانى
قتل ايدوب ممالكنه والى اولدى وملوك طوائف ايله معاصراولان
انبياء عظامدن جزيره فراييده حضرت جرجيس وديار شامده
حضرت زكريا ويحيى عليهم السلام دعوت انامه بعث اولمشلردر
ووقعه اصحاب كهف بونك زمان دوانده ايدى (چون اشك بن دارا
اون سنه امارت ايدوب مرد اولدى پرينه اولادندن اشكان تخت
كچوب اون سنه ياخود يكرمى سنه پادشاه اولدى بعد وفاته اوغلي
شاپور پادشاه اولوب بيت المقدس خراب ايلدى وبونك زمانده
طوائف يهود حضرت يحيى بن زكريا عليهم السلام بغير حق شهيد
ايتديلر وديار شامده حضرت عيسى بن مريم عليه السلام بن اسرائيله
بعث اولندى وشاپور طوائف يهودك حضرت يحيى شهيد ايتدكلى
اشتكده بيت المقدسه لشكر كوندن زوب بخت النصر دن زياده
قدس شريف خراب ايلدى ماخصل شاپور يكرمى سنه پادشاه
اولوب بعد وفاته اوغلي اخرام اون بش سنه پادشاهلى ايلدى
بعد وفاته اوغلي بلاش اون بش سنه پادشاهلى ايلدى بعد وفاته
اوغلي هرمز فرق سنه پادشاهلى ايلدى بعد وفاته اوغلي فيروز
اون يدى سنه پادشاهلى ايلدى بعد وفاته برادري بلاش بن هرمز
اون ايكي سنه پادشاهلى ايلدى بعد وفاته فيروزك عمي خسرو بن
بلاش فرق سنه پادشاهلى وبكلك ايلدى بعد وفاته بلاش بن بلاش
يكرمى درت سنه حكومت ايلدى بعد وفاته اوغلي اردوان اكبر
اون التى سنه حكومت ايلدى بعد وفاته اردوان ثاني ابن اشكان يكرمى
درت سنه حكومت ايلدى بعد وفاته خسرو بن اشكان اوتوز سنه حكومت
ايلدى برادري بلاش بن اشكان اون ايكي سنه بكلك ايلدى بعد وفاته

ديكر برادري كودرز اوتوز سنه امارت ايلدى بعد وفاته اوغلي پيرى
يكرمى سنه امارت ايلدى بعد وفاته اوغلي كودرز اون برسنه امارت ايلدى
بعد وفاته آخر پادشاه اشكانيان اولان اردوان اصغر اوتوز سنه حكومت
ايلدى پس چرخ كردون بشيوز سكسان يدى سنه اشبو ملوك اشكانيانك
مرا دنجه دور ايتد كند نسكره آخر شيشه ناموشى صيوب قاره طراغه
چالقد نسكره دوات بن بقا بولردن آل چكوب ساسانيانه يوز طوتدى
* دريسان ملوك آل ساسان *

معلوم اوله كه ملوك آل ساسانك اول اردشير بابكان واخرى يزدجرد بن شهر
ياردرو بونلر اوتوز نقر پادشاهان ايران زمين اولوب جمله مدت سلطنتلى
درتوز اوتوز برسنه در كه كيفيت حال وشانلى پروجه آتى ذكر اولتور
* پادشاه اردشير بهمن *

ابن ساسان بن بهمن ابن اسفنديار در راويان اخبار شوكونا نقل ايدرلر كه
ورطه دارا واسكندره بهمنك ساسان نام اوغلي فرار ايدوب هندستانده
برقر يده مدت واقره چو يانلق ايدر كن مرد اولدقده ساسان نام اوغلي
قالوب اولدخى كاه خريندن وكاه چو يانلق ايلدنه رك مرد اولدقده
بونك دى ساسان نام اوغلي قالدى بونوال اوزره اسم ساسان ايله
بنام قرنا بعد قرن بش نقر شهزاده كان صورت كداده خدمت ادانى به
تزل اتمكى حسب القدر اختيار ايتديلر آخر ساسان پنجم نورسيته
جوان اولوب شايسته دولت و امارت اولدقده ابناء ملوك مجمن اولدقنى
ابا واجدادندن اشتمكله هندستاندن فك رابطه اقامت وممالك ايراندن
فارسه كلوب بابل حاكى آخو رنده نيجه مدت سايبلك ايلدى اول زمان
بابل حاكى اشكانيان اردوان اصغر وفارس حاكى بابك ابن ساسان ايدى
اما بابك شاه اردوان اصغر ك فرمانبرى ايدى پس شهزاده ساسان
اصطبل اردوانده مرد اولدقده اردشير نام اوغلي خدمت بابكده اولدى
چون اردشيرك نزديا بكده قدرى بالاتر اولوب كار كذارخى اردوانك
معلومى اولدى شاه اردوان اصغر شهزاده اردشيري بابككن الو ب
استخدام ايلدى اردشير دى اصطبل اردوانده مير اخوزاق پايه سنه
وارمغه اردوانه تقرب كسب ايدوب اردوانك خاص او طه لى جاريه سيله
هر كچه خفيجه بستر و صلبه روق و صفا ايدر دى بركون شاه اردوان

برخصوص اینچون جناب اردشیر زیاده خاطر مانده اولوب جائه قصد
ایده حکمی بدیدار اولدوقده برکجه اردشیر جاریه نازینه ایله بابل حاکمی
ایلک سمته فرار و دیار فارسیه بر جای دیکساده قرار ایدوب اول حواله ایدوب
اصحاب واجبانی و بایکی دخی یانته جلب ایدوب لشکر یدشمار ایله
آماده اولدیلر پس بوکیفتدن شاه اردوان خیزدار اولمچق چند فراوان
ایله بایک اوزرینه واروب حین محاربه ده اردوان قتل اولمغه اردشیر
بابکان تخت دوات ایرایسانه نشین اولوب ملوک افاقی علی الاطلاق
اجز بنه رام ایتدردی و اردشیر آتش پرست ایدی وقتا که ایتکندره ایله
دارا وقعده سن اشدی اسکندره کین ایدوب آکر اول وقعده زمانمده
وقوعه اولیدی جدمک فانی بهر حال اسکندردن استردم اما اسکندر
فوت اولدی بعد ازین فائزی ایتکندره منسوب اولناردن استرم دیوب
اکا برواعیا ایله مشورت ایتدکه ملوک طوائفدن یا انتقام و یا خراج الهم
زیرا مقدم روم بکلی عجم بکنه خراج و برلردی بدیلر پس اردشیر
بو وجهه ملوک طوائف خبر کوندردیکنده بعضیلری خراجی قبول
ایتمکده بایککننده قرار ایتدیلر اما بعضیلری آتش کی شیر کشک ایتمکده
اردشیر لشکر کثیر کوندروب انلرک ولایتلرینی خراب و لهالستدن چوق
کسندلری قتل ایتدردی حتی فارسده ملوک طوائفدن عیش کشنک
یاشندن قبه ناموس نام برقبه بنا ایلدی و اردوان اصغری قلعه ده محاصره
ایلدی و اردوان اصغرک دخترینک وصفی ایتکده اول دختره برنامه
یازوب نامه بی اوق ایله دخترک یانته دوشوردی دختر دخی نامه بی اوقیوب
قلعه قیوسی اجفین اردشیر لشکر یله درون قلعه به کیروب اردوانی
اول زمان قتل ایدی دیرلر پس مملک فارس بجماله اتوابع واللواحق
اردشیرک قبضه تصرفه کیرد کد نصرکه اول دختری تروج ایلدی
و بر قاج مدت مصاحبت ایدوب آخر اول دختری اولدیروب خراسانه
کیتدی خراسانی دخی زیر تسخیرنه الوب رومه توجه ایتدکه
شاه روم ضهریری اردشیر اطاعت ایدوب خراج قائل اولدیاز بعده
رومدن یمنه عزیم ایدی اول وقت یمن وعدن ملکی معدی کرب
بن تبع و قرینداشی حسان بن تبع ایدی اردشیرک خبرین ایتدیلر
متفرق اولوب نری بمسافه و نری دخی بحرینه وارهت شاه ابدیلر

اردشیر یمامه و بحرین دیارلرینی جذیمه بن ابرشه و برمکله نوشروان
زمانه دک اول دیارلر جذیمه اولادینک النده اولدی چون نوشروان
یادشاه اولدی زبانت عمر و بن معدی کرب عملاق نام خاتون
نوشروانک حضورینه ککوب بحرین و یمامه معدی کربک
ملیکدرو بن معدی کربک قزینک قری بم اردشیر معدی کربک ظلم
بما لکن الوب جذیمه به ویردی دیوجک نوشروان بحرین و یمامه بی
اول خاتونه ویردی وقتا که اردشیر ممالک یمنی زبردسته الدی بصره
طرقندن مدینه اردشیر آباد نام بر شهر و دجله ایله اهواز سوق میاننده
خوزستان و میان نام ایکی شهر و دجله کنارنده نهره شیر نام بر شهر
و بحرینده مدینه الخط و سوق الاخواز نام اتی عدد شهر بنا ایلدی
و بلده شهر شیر نهره شیر و زو منات و باسوما و نهر برقیط و نهر جویم
نام بش عدد بارماغی جزیان ایتدردی القصه اردشیر اوتوز سنه یا خود
اوتوز ایکی سنه یا خود اوان دزت سنه یا خود قرق ایکی سنه و ایکی ماه
یادشاهلق ایدوب آخر فوت اولدوقده برینه اوغلی شاپور یادشاه اولدی
شاپور بغایت عادل و قنون شناده کامل ایدی شاپور زمان اسکندردی
ویران اولمشیدی شاپور احیا ایلدی ابتداد اور ایران زمین اولدقلرنده
کندی آیینلری اوزره علامته اگرام و لشکرینه انعام و احسانلر ایلدی
و رعایایه اسماءت و ربوب ممالک معمر ایتد کد نصرکه نبت روم ایدوب
جند فراوان ایله بلده نصیبده ایشدی مکر فیصرک آلات سیاه
و خرنه سی نصیبنده محفوظ ایش حصار ایدوب محکم جنک ایتدی
و دینجه آندایچدی کم نصیبی فتح ایدوب ایچنه کیر متجه اورادن محل
آخره نقل ایتد بر قاج کون نصرکه بحکمه سچانه اتفاق زلزله اولوب
نصیبک ایکی عالی نورجی منهدم اولدوقده شاپور نصیبی الوب اندن
رومه قصد ایلدی خبر فیصره وار یحقی فیصره صلحه طالب اولوب
خروجه راضی اولمغه شاپور رومدن یمنه مقامنه کاوب عجمده عراق
و فارسده شاپور و اهوازده نازتسترو خراسانده نپساور نام دزت شهر
بنا ایلدی و نپساورده ابتدا جسر وفیل پیدا ایدن شاپور در ما حصل
شاپور اوتوز ایکی سنه یا خود اوتوز سنه یا خود یکر می اوچ سنه یادشاه

اولوب فوت اولدقده برینه اوغلی هرمن پادشاه جهان اولدی
* پادشاه هرمن *

هرمنك برالی اولدیغندن نامنه هرمن يك دست دیرلدی اما مرد عاقل
و کامل و رعایا پرور و غایت حلیم نفس ابدی حیل او کرمسون دیو
کشش هرمنك پادشاه وار مقدر خلقی منع ایدرلدی و وزرا و امرایی
دائم هرمنی آتش پرستك مذهبه سوق ایلرله اولدخی آبا و اجدادی
دیننده ثابت قدم اولوب برسته یا خود ایکی سنه سلطنت نصیره آتش
پرست اولدیغی حالده مرد اولدقده تخت سلطنت اوغلی بهرام بجدی
* پادشاه بهرام *

بهرام غایبده عادل و طریقتده کامل ایدی زمان دولتنده ولایت چیندن
نقاش مانی نام کشته پید اولوب دعوی نبوت ایلدی و قبضه تصرفده
اولان انامه تصویری معجزه مثابه سنده کوشتر کده ابتدا بهرام مذهب
مانی به متابعت ایلدی بعد زمان قصه دن آگاه اولوب مانی زندیقی
و اکامتابت ایلنری قتل ایلدی و مانینك در پستی یوزوب ایچنه صمان
طولدر دقد نصیره صلب ایلدی و کندیسی آیین زردشت اوزره دین
مچوسده قالدی اخر طقوز سنه و طقوز ماه پادشاهلق ایدوب مرد
اولدقده برینه اوغلی بهرام پادشاه ایران زمین اولدی

* پادشاه بهرام ابن بهرام *

بهرام باباسی بهرام زماننده حاکم سیستان اولوب مدار ایلله زندگانی
ایلدی کندن خلق باجه هم بهرامدن راضی و منشکر لایلی اول زمان
بهرامك نامی شهشاه ایدی بس پادشاهان ایچون زبور عدل و داد ایلله
چال سلطنتی ترین و رعایا و برایی حفظ و حایه ایلله کید مظلومین
ایمك دوام سلطنت سنه به بادی ایدیکی بورادن معلوم اولدی (القصه
بهرام اون اوج سنه یا خود قرق برسته ایلده پادشاهلق ایدوب عدل
و داد ایلله ممالککی سر ایا ایدان ایلد کد نصیره فوت اولدقده برینه
اوغلی طوس پادشاه اولدی

* پادشاه طوس *

طوس باباسی بهرامك تختنه نشین اولوب سرور ملک عجم اولدقده
عدل و داد ایلله یدنی سنه یا خود طقوز سنه پادشاهلق ایلدی روز کار

زور کارك بوکادخی و فاوم ساعده سی اولماغله فوت اولوب برینه اوغلی
هرمن پادشاه ایران اولدی
* پادشاه هرمن *

هرمن شهزاده لکنده یغایت بد خو و بد اندیش و مردم آزار ایدی
پادشاه اولدیغی باده سوء اخلاقی حسن اخلاقه تحویل ایدوب امرای
و رعایا به مدار ایلدی شویله که رعایا و سپاه بونک زمان دولتنده از هر
جهت اسایش و راحت ایلله امرار اوقات ایلدیلر و عدل و داد ایلله
بشم ایکی سنه یا خود طقوز سنه یا خود یدنی سنه و التي ماه یا خود اون سنه
پادشاهلق ایلدی (وقتا که بیمار اولدیلر و اولادندن کیمسه سی بوغیدی
اما عورتی حامل ایدی بعد وفاتی زوجه می پادشاه ایدک و زوجه مدن
ولد مذکر وجوده کورایسه نامی شاپور قبول پادشاه ایدک دیو وصیت
ایدوب فوت اولدقده ابتدا زوجه سنی تختنه کوز دیلر بعده شاپور
وجوده کد کده مادرینی عزل ایدوب شاپوری باباسی برینه پادشاه ایلدیلر
* پادشاه شاپور ذوالکفاف *

شاپور پادشاه اولد قلزنده امور معظیات سلطنتیه دن بیخبر کودك
ایدی لکن تاج سلطنت سر کوهاره به وضع اولماغله وزیر مشیری هم
ترینه شاپور ایدردی و هم ملک شاپوره حکم ایدردی چون شاپورك
افسر سلطنتی مهدی اوزرینه قوبلوب وزیر و شهنشیرینك تدبیر
و حکم ایلدیکی اطراف آفاقه کنش کی شایع اولدی شاپور نو جوانك
ممالککی آلق قصه ایلله ملوک نواحی اشکر چکیدیلر و عرب بیکری دخی
عجم ملکینه قصه ایدوب اولاد عجم القیس سفاین ایلله فارس ولایتنه
ایریشوب اول ممالککی تالان و غارت ایلدیلر (وقتا که شاپور بش یاشنه
کید تختشین اولدیغی بلدهك و سطنندن جریان ایدن نهر دجله نك
اوزرنده کی جسر عظیم بدن هر کس حرور و عبور ایدرلدی شاپور
بر کیچه خرابدن بیدار اولوب بر طاق آواره اشیدیک صیاح وزیرینه
صوردقده و پرودن کچلرک آواز ایدردی جواب ایلدی بودرجه
مراجه دن خلق بیخضور اولسونلر دوشاپور بر جسر وسیع المقدارک
دخی بناسنه فرمان ایلد کده بش یاشنه ده کی شاپورك بود کلو عاقلا نه
تدبیر و تصرفی قومی اشیدوب شاد اولدیلر و امر و فرمان مقتضا اسنجه

برجسردخی بنا اولند قد نکره وزیر مشیر شاپور ایلده مشورت ایتمکسزین
برایشه ال اورمدی برکون وزیر صاحب تمکین اعدانک هر طرفدن
هجوملرینی شاپوره افاده و تفریر ایتدکده من بعد غم چکمه و اطرافه
نامه لر کوندر و استمالتلر ایلده تا که لشکرمدن اطراف آفاقه کیمش آدملر
بارگاه شاهانه مه جمع اوله لر دیوامر ایلدی اولوقده ایسه مهاجته
اعدادن شیه ورعیت پریشان اولمشلرایدی نامه شاپور یاز بلوب
اطرافه منشس اولدقدده اشدنلر شادان اولوب ینه وطنلرینه کلدیلر
چون شاپور اون آلتی باشنه کوروب آتیه نمکی وسلاح وآلات قولانغی
کایله تعلیم ایلدی جمیع لشکری جمع ایدوب هر برینه علی مراتبهم
احساند نصکره لشکره خطاب ایدوب بن آبا و اجدادم دیننده هم استر مکه
دشمنلرمدن کیمش آلام و بکادر تیوزینسک ارکافیدر باقبضی را خنلرند
اولسونلر دیوجک جمله مهتران و سه سالاران خا کوس ایدوب مراسم
سمع و طاعتی بعد الا دیا شاپور پارس سمته لشکر چکدی زیراعبد القیسک
لشکری بحرین و پارسنی آلمشلرایدی بش لشکر شاپور لشکر عربی صدیلر
ولشکر عربدن قرار ایدنلر بادیه ده دوشمکله آجلق و ضوسر ایلدن
هلاک اولدیلر بعد شاپور عرب ولایت کیدوب اول ممالکی قهرایله
آلدی ما حاصل شاپور اوغرا دیخی ولایت و شهری خراب و اهالینسی
قتل ایلدیلر عرافه کلوب توزخ نام بر شهر بنا ایلدی و اندن اهواز
کلوب شاهپور و سنوس نام ایکی شهر بنا ایلدی و اندن شامه کلوب
چوق آدملر قتل ایلدی و اندن تکرار دیار پارسه کلوب شامه توزخ نام
شهری بنا ایلدی و اندن عراق و عراقدن رومه کلدکده قسطنطین
اولادندن دین نصاری اوزره اولان الیانوس نام ملک شاپور ایلده بحار به
و مقاومت قادر اولماقله شاپور نیجه مملکتلری خراب ایدوب کیرودوندکده
الیانوس غیرت ایدوب عز به منکوب کوندرمکله شاپور نیجه سندن
قوز تلمش یوز تلمش ینسک سوارنی عرب الیانوسه کلدیلر الیانوس دخی
عربدن اوریانوس نام براری ستر لشکر عرب ایدوب کیمش دیخی روم
لشکری ایلده یوز یوز ستر حد عراقه ایزشدی خبر شاپوره واریجق
جاسوس کوندردی خبر جمیع کتور لیمجه شاپور یوزینسک ارایله
کیدوب وقعه تک غور ینه واصل اولدقد نصکره همان چنکه آغاز

ایلدی لشکر عرب میدان اوقیوب ایلر یوز یندی و الیانوس دخی بونلرک
آردندن لشکر روم ایلده یوز یوز آخر لشکر عرب لشکر شاپوری قاجر دیلر
الیانوس آردنه دوشوب مداینه ولدی و طبع سفینه او توزوب شاپورک
خبر ینه لرین فتح و لشکر ینه انعام و احسانلر ایلدی بر قاج مدید نصکره
شاپور ینه عراق و خراسان و پارسه خبر کوندروب وافر لشکر ایلده
الیانوس اوزر ینه یوز یندی بو دفعه شاپور غالب اولوب الیانوسک
الیندن مداین و طبع سفینی الیق الیانوس اورادن دونوب دجسه
کلرند خیمه نشین اولدی شاپور دخی بونک مقابله سنده خیمه نشین
اولدی و ایکی لشکر بر برینه قارشو برماه او توز دیلر برکون الیانوس
بر قاج حصکیر ایلده اسب سوار اولوب کندی ستر ایزده سی قیو سنده
طور کن لشکر شاپوردن بر کیمسه الیانوسی سینه سندن تیرایله اورمغله
همان جانی سیمینه روان اولدی (لشکر روم الیانوسک اقر باندن
یوسانوس نام دلیری الیانوس برینه پادشاه ایدوب شاپور ایلده حربه
آغاز ایتدی شاپور مصلمی اشته کله یوسانوس طرفدن مکالمه و تنظیم
امور ایچون عاقل و مدبر بر کیمسه طلب ایلچیک یوسانوس یمش نفر
مقر بان ایلده بالذات شاپورک درگاهنه ایزشدی شاپور شاد اولوب الی
نفر سواری ایلده یوسانوسی استقبال ایلدی چون بر برینی کوروب
آتلرندن ایندیلر و بر برینه عزت و حرمتد نصکره مطبخ شاپوردن کلن
طعامی اکل ایتدیرو اولکون تابشام مصاحبت ایتدیلر چون صبح
اولدی شاپور ایتدیکه ستر بذاته بورایه کلدیکر بوتقدیزجه بن ستر کله
صلح اولق استرم من بعد میانه دن مقابله بر طرف اولسون مقابله
رویلر مدینه نصیبینی اهواز بکندن جبر ایشلرایدی ینه ویرک و عرب
لشکری ینسکندیکر دن آیروب ممالک رومه یول ویرمک دیندکده
یوسانوس قبول ایدوب بو وجهله عقد مصالحه د نصکره کیرودوندیلر
(پس یوسانوس بو قول اوزره ممالک رومه بش ستر پادشاهلق ایدوب
هر داوادی (و شاپور عهدلی اوزره بولدیخی عربی البته قتل ایزردی
یا خود ایکی اوموزلرین خقاروب صالیو بر ایدی آخر عرب بیم شمیر
شاپوردن رومه جمع اولوب بارگاه قیصر دن استمداد ایتدی شاپور رومه
عربه یول ویرمه والاشرط مرعیه لغو اولمغله سنک ایلده چنک ایدرم

دیو بوسانوس برین روم یکی اولان آهنگه خبر کوندرد که آهنگ قبول
ایتمیوب جنکه مهیا اولمغین شاپور تحصیل و قوف ایچون تبدیل جامه ایدوب
تک و تنه ایدانه روم ملکی حضورینه کلدی ایچق عسکرینه بربک نصب
ایتمیشیدی عرب و روم و عجم شاپورینه محمله اولد یغنه واقف اولدیلر خون
شاپور شراروم بککک حضورینه واردی مکر روم سیرهنکلزیدن بری
مقدما شاپورک شخصی پیلور ایدی ملک روم شاپورزی کو ستر بیک
در حال ملک روم شاپوری طوتوب برتازه صفر درینسی ایچنه وضع و محکم
بندایتد کد نصکره لشکر رومی آلوب پارسه روان اولدی هر چند که
صفر درینسی حرارت آفتایدن قزیدی شاپورزی صقوب بریره کتورزدی
القضه ملک روم لشکر یله پارسه واروب خراب ایلدی و عجم آغیلرینی
قطع ایتد کد نصکره تستر واهوازه واروب ایتدیخی خراب ایدوب چند
قلعه سی خوالیشنده خیمه نشین اولدی (وشاپورزی درون پوستده
مبئننده نالان ایتدیرزدی و عجمدن اسیر اولنلری واهوازه و پارس و شیرازک
اشراف واکازی طوتوب شاپورک محافظه سنه طرفندن بامور
اولان موکلره ویردی مکر اول اشراف واکارک بر طولم شیر و غنی
وار ایدی برکیچه پاسبان مستلکدن لایه قل ایکن خوابه وارد قلنده
شاپور اول شیر و غنی اوزرنده کی پوسته اسیرله دوکدر مکه پوست
زم اولوب آچلیق شاپور خلاص اولوب مار الیان قلعه چنده
واردی و ایچرو و کیروب عسکری قاتنه جمع و مشاوره د نصکره
قلعه دن بیرون اولوب لشکر رومی شپخون ایله صدیلر و قیصر رومی
طوتوب شاپورک امر یله بریمور قفص ایچنه قویدیلر و پارس واهوازه
و چنده خراب ایتدکاری محالری تمامه قیصره پادردیلر و قطع
اولنان زیتون اشجارینک برینه بونلره یینه تروتازه آغیلر دیکدر تبدیل
حتی عراقده زیتون آغاجی اولق اولماندن قالمشدر دیرل چون
اول دیارل بووجهله اولکی مرکزینه واروب معور و آبادان اولدی
بعدد اشاپور روم ملکینی قفصدن آزاد ایلدی و هر سنه بیک کره
یوز بیک دینار خراج باغلیدی و هر ایکی اوچه سندن سکر کسوب
برجاره بندیردی و بو حال اوزره روم کوندردی (بس طوائف عرب
بوکیفیتی کورمکین ضروری خراجی قبول ایتدیلر و عمرو بن عدی بی

قبائل عرب به یک نصب ایلدی بعضیلر دیرل که غابورک برکاردان و عاقل
وزیری اول چند قلعه سنده اولوردی اولوقتکیم لیکر روم چنده
ایرغیلر اول وزیر بر حلو ایشردوب ایچنه داروقاندردی و موکلره
کوندردی موکلره خی اول حلوایی ییوب بیروش اولد قلنده غابورک
امر یله اول یاغی صفر درینسی اوزرینه دوکدیلر دزی یوم شاپوب
غابور خلاص اولدی عرب امیرلرینک ایکی اووزینی چقاروب
مسالی ویردیکندن غابوره ذی الکاف دیدیلر یاخود اکثر او قاتده
غابوری اوموزه بندروب کتور دیکرندن ذی الکاف دیدیلر
پس شاپورک مدت امارتی بخش ایکی سنه یه واروب مرد اولد قده
شاپور و بهرام نام اوغلاری نخنه لایق اولمغله دیکر اوغلی اردغیر
بابایی برینه پادشاه اولدی

* پادشاه اردغیر *

اردغیر والدی غابور کی ظالم اولمغله لشکر عرب اردغیردن زنجید
اولد یغندن میانه محمد منم اراپی قرق سنه پادشاه لقی ایتمشیدی
برکون خیمه نشین ایکن عسکر هجوم ایدوب خیمه دنی اردغیرک باشنده
یقیدیلر و برستون اردغیرک باشنده کلکله آندن ناشی مرد اولد قده
قزیداشی بهرام سریر دولته جلوس ایلدی

* پادشاه بهرام *

بهرام بابایی شاپور زمانده کرمانه والی اولمغله کرمانشاه ایله بنام ایدی
حسن خلق و رای و تدبیر ایل شهرت شعار اولان ملوکنددر برکون
اسب سوار اولوب لشکر یله شتایان ایتک اوزره ایکن میانه لشکر دن
برقیر جان ستان بهرامک سینه سنه اصابت ایتکله در حال فوت
اولیچق برینه اوغلی یزد جرد پادشاه اولدی بهرامک مدت سلطنتی
قرق درت سنه یاخود طقوز سنه یاخود اونیش سنه در والله اعلم
* پادشاه یزد جرد *

یزد جرد پادشاه ایران اولوب بطام و تعدی جائشه غارم اولمغله رعایا و برایا
کنشدن بغایت انجندیلر مدائن و عراق و بحر جرجانه واروب اندن
خراسانه عزیمت ایلدی و اوغرا دیغی ممالکی خراب واهالینی تعدیات
ایل بی تاب و پراضطراب ایتدیکندن پای وکدا بلجهم کند و نه

بد دعا ایدر لردی بر کون مرایی نک قپوسنده بر عریان اسب کورد کلرند
 یزد جرده خبر و یردیلا اکر اورلسون سوار اوله یم دیو امر ایتمکله آت
 بد خو اولوب اوزرینه اکر اوردر میجه حالی یزد جرده ضروری اعلام
 ایتدیلا (پس یزد جرد بالذات انک پانته کله دی واکری اوزرینه
 قویوب قوسقوتنی کچورمک ایچون انک وراسته وار یچق ات یزد جرده
 رد یمه اورمغله دزان ساعت یزد جرد هلاک اولدی واسب مذکور
 دخی زین وچسامنی براغوب نابید اولدی واول اسب ملک ایدی
 مظلوملری ظلم یزد جردن خلاص ایلدی دیرلر (پس یزد جرد
 یکریمی برسنه یاخود یمش ایکی سنه پادشاهلق ایدوب هلاک
 اولد قده اوغلی بهرام باباسی برینه پادشاه اولدی

* پادشاه بهرام کور *

چونکه یزد جردک اولادی معمر اولمزدی آخر بهرام وجوده کلیچک
 عرب یکی نعمان بن امری لقبسی کتزدوب بهرامی بردایه ایله بدینه تسلیم
 و آب و هوای لطیف اولان دیاریمه کوندردی و نعمان دخی ایکی
 رأس دایه تعیین ایلوب تربیه خصوصتده بهرامک اتا یکی اولدی
 (وقتیکه بهرام جوان اولدیلا نعمان دخی سمار نام مهندسه بهرام ایچون
 بش سنه ده حیرت افزا مصنع برکوشک پادرتدی حتی اول کوشک
 کراچی سودایله تخمیر ایتدیلا و بهرامی اول کوشده عز و ناله بسلدیلر
 برکون نعمان اول کوشده ایدی کوشک محاشنه دار کلات جرایند کده
 سمار اوراده حاضر اولمغله اکر یلیدیم برکوشک پایاردمکه افتاب سرخ
 اولد قده اولد دخی سرخ اولیدی و زرد اولد قده اولد دخی زرد اولیدی
 یوچک نعمان نرم دل اولوب سماری اول قصر رفیع القدر دن
 سرنگون ایتدره کله سمار پاره پاره اولدی (والحاصل بهرام اول کوشکده
 ون یاشنه کیرد کده معمر کتزدوب اوقوتدی و سلا حشور لغی و آتہ بنه کی
 و اوق آتمی تعلیم ایتدیلا برکون نعمان بهرام ایله شکاره کمتلر
 ایدی صحرا ده بر قیلان ظمهور ایتمکله بهرام ابریشوب قیلانی تیریه
 علاک ایلدی ایلر و کیدوب کوردیلر برارسلان برکوری یعنی جاری
 طوتوب کتورر بهرام ابریشوب براوق اوردیکیم اول اوق ازلان
 ه کده اصوات اتمکین ککیم دخی هلاک اولد لر نعمان قصر مذ کوره

اشبو صیدک صورتی تصویر ایتدیلا (بنابرین بهرامک نامنه بهرام کور
 دینلدی بو وقعه د نصکره نعمان بهرامی آلوب مداینده باباسی یزد جردک
 پانته کلوب پرسندانه طوردیلر اما بهرام باباسی یزد جردک فقر و سپاه
 ورعیه ایتدیکی تعذباتی خوش کورما مکه یته نعمانک پانته کیشیدی
 بالاده بیان اولد دخی اوزره یزد جردی آت هلاک ایتمکله زبردستیه
 اولان بمالکک اهل بسی خوش دل اولدیلا زرا یزد جردک تهمدسی
 حددن افزون ایدی بالاتفاق یزد جردک اوغلی بهرامی پادشاهلغی
 قبول ایتیه لم دیوب اردشیر بن بابک بن ساسان اولاددن خسرو کسری
 نام شهزاده بی کتزدوب ایرانه پادشاه ایتدیلا (پس بهرام باباسی
 یزد جردک فوتی و برینه خسروک پادشاه اولد دخی ککوش ایلدی
 پادشاهلق اباعن جد بکاموروث ایکن نیچون بابامک برینه اجنبی بی
 پادشاه ایتدیلا دیو مداین و پاس اعلنه نامه کوندرد کده باباک یزد جرد
 بغاغت ظالم ایدی سندخی اوله ظالم اولورسن دیو خو فزدن ایتدک
 دیدیلر (بهرام جواب یازدی که واقعا بابام ظالم ایدی ولکن یم ظالم
 اوله جغنی ندن یلیدیلا دیوچک اهل عجم مبهوت اولوب یوسوزدن
 خوش دل اولدیلا بر قاج کون صکره عرب ملک نعمان اون بیک نفر
 نامدار سواری ایله بهرامی کوندردی واول ولایت قریب بر محله توقف
 ایدک اکر انلر سزک ایله جتکه باشلر ایسه جتک ایدوب لشکری
 اسیر ایدک دیو تنیسه ایلدی چون لشکر جرب ککلوب مداین
 و طبقسون حوالسنه قوندیلر عجم طرفدن الحی کلوب لشکر عربک
 نه ایچون کلد کلرینی صورت قلدند بهرام ایچون کلدک دیدیلر الحی
 بوخبرایله اکابر عجمه وار یچق ملک عربیه تکرار برالحی دخی کوندرد کلرند
 ملک عرب اول الحی بی بهرامه کوندردی (پس الحی بهرام کوری
 و رأی و تدبیرنی و عدل و دادنی کوروب طرفه میل کلي ایتکین بهرام
 الحی یاننده عجم بکلرینک تدبیر و تصرفدن خارج خصوصانه مداخله
 ایتیه چکنه عهد میثاق ایتمکله الحی عودت ایدوب ماجرای امرای
 عجمه تقریر ایدیمک ملک و سپاه عجم ناهموار جرکتلرینه تادم اولوب
 بهرامی ازل و جان پادشاهلغی استد کلرند بهرام دخی اون بش بیک
 لشکر عرب ایله شهر دروازه کیشیدی امرای عجم اتون تحت قوردیلر

و بهرامی استقبال ایدوب خسرو ایله بهرامی اول تخت اوتوردیلر
چون بهرام ظلم و تعدیدن پرهیز کار و امرانک را ایندن خارج اموره مداخله
ایتمه چکنه متههد اولوب اشبو همنشین اولان خسروه بنم تاج و تختی
و یروب یزیمه نیچون پادشاه ایتدیگز شمعی خسرو ایله شجاعته امتحان
اولم تاج و تخت هر کیمه لایق ایه پادشاه اولسون دیوب ایکی رأس کرسته
ارسلان کتردوب تاج اکامره بی اول ایکی ارسلانک آره سنه قودوزدی
و خسروه پادشاهلق سکالازم ایه یوری تاجی آل دیوجک خسرو
ایتدیکه بودعوانی سن ایتدک وارسن آل دیدکده بهرام ذاتنده مرگوز اولان
شجاعت و جلالت مقتضای طرف تاجه واریجق ارسلانک بری
حمله ایتدی بهرام تیز اندام و پیرایوب ارسلانک آرقه سنه بندی
ودودستیه قولاقلردن طوتوب ضبط ایتدکده نصره اول برارسلان دخی
حمله ایتدیچک بر ایله آیتدی قولاقلردن طوتوب ایکی ارسلانی بریره
کتوردی و او یلوغنی زیاده صدقیدندن سوار اولدیغی ارسلانی هلاک
ایلدی و اول برارسلانک دخی باشی بونک باشنه اوروب دران ساعت
آیتدی هلاک ایتدکده نصره تاج دولتی میاندن الوب بالاستحقاق
اشنه کیدی و تخت ایزانه اوتوروب پدانه پادشاه اولدقه جیج اهل عجم
بهرامه بیعت ایتدیلر بهرام دخی سپاه و رعایا به پیاییدی کون انعام
و احسانلر ایدوب استمات و یردی سکرچی کون اتابی اولان نعمانی
اعتبار تام و رغبت مالا کلام ایله دیارینه کوندردی اولوقده بهرام
یکرمی اوج یا تند ایدی بدی سنه فرورنده ترک پادشاهی خاقان ایکوز
اللی بیک یا خود درتوز بیک ارایله بهرام اوزرینه یوریوب خیلی بلدان
و عراقی خراب ایلدی بهرام بو کیفیتی اشدوب انعام عین ایلدی
ز کون بهرام شکاره کیده لم دیوب اوتوز بیک ارایله طشره چیقدی
ره طرفه عزیمت ایتدیکی معلوم اولماهله بهرام غیرتسزیمش دشمنانه
مقابل اوله میوب مملکتی ترک ایتدی دیدیلر و مؤیدلر بهرامک خزینه سنی
آچوب نفایس اموالی خاقانه کوندروب خراج و برمه قائل اولدیلر
و ایتدیلر که بهرام سنک خوف کدن ممالکتی براغوب فرار ایتدی بعد ازین
بزرگله سنک چاکر فرما تبریکر دیدیلر خاقان دخی بو خبردن مغرور
امام عدودن امین اولدی و کلان اموالی خزینه سنه قویوب مستریج

البال اولدی چون بهرام خاقانک مسیت می غفلت اولدیغنی جاسوس ایله
تجسس ایلدی اوتوز بیک ارایله خاقان اوزرینه واروب خاقانی طوتدی
و پدانه دیلدی و عساکرین قروب تار مار ایلدی و خزینه سنی قبضه
نصرفتد بکردکده نصره پنجه سندن قوریلان عساکر فرار ایتدی
بهرام دخی بر سره مکی توانا عساکر ایله فرار بیک وراسندن کوندروب
چنک ایتدیردی بو خبر ماوراءالنهر واریجق خاقان برینه طورانه ملک
اولان بزرگله سنک قولک اولوب مطیع امر و فرمانکر دیوبهرامه خبر
کوندردی و ترک لشکری بهرامک اذن سنر عجم طرفه کچمه دیورک ایله عجم
میاننه بر سرحد بنیادی التماس ایتدیلر بهرام دخی بروفق ملتس سرحد
نامیه اورایه برمناره بایردی بعدا بهرام آزر یا بجانده اوتوروب ترکدن
آیتدیغی مال و خزائن و جواهری اوراده اولان آتش کده به کوندردی
و خاقانک عورتی دخی اول انشکده به خدمتکاراغه و یردی و قدما کندی
خزینه سنی آچوب بو نجه اموال و جواهری خاقانه و یرلری کتردوب
تویج ایتدکده نصره اطرافه اوامر کوندروب خاقان ایله اولان وقایع
اهلان و اشاعه ایتدردی و دفتر دیوانه اولان یمش کره بیک بیک
ایقه سنک جله سنی رعیتنه بخش ایلدی و فقر اومسا کینه تصدق و اغنیه
علی مراتبهم انعام و احسان ایلدی و بهمن نسلندن اولوب چوق قوللری
اولد یغندن هزار بنده دیگله مشهور اولان توسی نام کچینه بی وز یرایدوب
مملکت و پادشاهی بدینه تقویض ایلدی و کندیسینی بر قاج کیمسه ایله
هندستانه کیدوب تنه اجه شکاره مشغول اولوردی (الفصل بهرام
پرسنه بواسلوب اوزره هندستانده اولوب تیراندازلی ایله مشهور آفاق
اولدی اول زمانده هندستانده تیرانداز یوغیدی و آت بیک و آت اوزرنده
چنک ایتدی بیلر لردی و اول عصرده هندستانده برقیل یول پاشنه
کلوب پولدیغی انسان و حیوانی هلاک ایتدکله هند پادشاهی دفعاتله
اعدامه لشکر کوندروب شرقی بله دفع ایده مامشیدی بهرام شکاره
اول فینه راست کملکله اوق ایله قبل اهلک و لاشه سنی بر سر راهه
براغوب کیدی ملک هند و قعه بی اشدوب بهرامی قاتنه کتردی
و کیمش ونه طرفدن کلدک دیو صورتی عجم اکابرک اولاندنم هند
بکا خوش کلدیکندن به دیار ده کشت و کذار ایدم دخی ملک هند

بهرامك سوزلر بنی پسندایدوب بهرامی خاص الخاص ندما سندن ایلدی
برکون چین پادشاهی فغفور اشکر چکوب هندستان سرحدنه کلدکده
ملک هنده اسماع اولنجق ملک هندخوفه تابع اولدقده بهرام استقامت
ویروب شاهامصلحتی بو بوند که اصغرله و سن دولت وشوکتله مرفه البال
تختنشین اول دیدی (القصه ایکی اشکر محاربه ایدیچک بهرام لشکر
چینی صیوب تارمار ایلدی ملک هند وقعده بی اشیدوب شاد اولدی
و کوکلنده مقرر ایدیکه سلطنت هنددی و نادر الوجود اولان حسنی
قرنی بهرامه ویره بهرام ملک هندک بو کونامرامنی نفرس ایدیچک کندینی
اشکار ایدوب بنم انجیق مقصودم دیدار شریفکری کورمک ایدی
بعد ازین اجازتکرایله مملکتیه کیده بم لکن ولایت قریب اولان بلدانی
بن قولکه احسان ایله دیدکده پادشاه هنددخی بهرامک درخواستی
مع زیاده بعد القبول دختر یا کیزه سنی دخی خانولغه ویروب معرزا
و مکر ما بهرامی ولایت تحفه کوندردی (وقتا که بهرام ازربایجان و اروپ
تختنشین اولدی ملک هندک کندویه و یردیک و لایتری ینه ملک هنده
و یردی و ایکی سنه صکره وزیر تو سوزی عسکرایله رومه کوندرمکین
ملک روم ضروری بهرام فرما نبر اولوب خراج کوندردی و بهرامک
دولتی آتافانا تزیید ایچکله ترک و فارس و عراق و روم و هندستان زیر حکمنده
اولدی و توسی پیرنا وان اولغله بالاجازه اردشیر خوار شهرنده متقاعد
اولوب انواع ميوه ایله مالامال ایدوب بتشدردینی اوج قطعه باغی
اوج نفر آتشکدهیه وقف ایدوب کندیشی دخی دیتجه عبادته مشغول
اولدی برکون بهرام کورشکارده برکیک کورب اردنه دوشدی رهراستنده
واقع بتر عمیق اسب ایله دوشیچک اول چاه بیکرانک یاننه واروب بهرامک
اسبی قوییدن چقاردیلر لکن بهرام نابدید اولغله اوغلی یزدجردی یرینه
پادشاه ایتدیلر بهرامک مدت امارتی بکرمی اوج سنه یا خود الشمس اوج سنه در
* پادشاه یزدجرد *

یزدجرد پادشاه ایران اولدقده عدل و داد ایله ممالکنی آبادان و سپاه
وزعیلی انواع احسان ایله بشادان ایلدی و باباسی بهرام کوره خراج
و یرن بکلر بوکادخی خراج و یردیلر فقط قیصر روم خراجدن امتناع
ایدیچک یزدجرد دخی باباسنک قدیم وزیر اولان توسی بی کتر دوب

وزیر ایدی ملک روم نویسنک وزیر اولدیغنی اشیدیچک ضروری
یزدجرده خراج و یردی وزیر نویسنک رأی صائبی یلیدیکنندن بغایت
خوف ایدردی پس پادشاهان ایچون عاقل و کامل و متدین و صاحب
رأی و تدبیر اولان کسسته بی وزیر ایدیکه باعث اسایش و بادی
قوام دولت ایدیچی یزاددن ظاهر و عیان اولدی القصه یزدجردک
ایکی نفر اوغلی اولوب یروز نام اوغلنه سحستانی ویروب اورا به
کوندرمشیدی و هر مرز نام اوغلی کندی یاننده اله قومیشدی اخر
یزدجرد اون ایکی سنه و درت ماه و سکر کون یا خود یتش سنه یا خود اون سکر
سنه پادشاهلیق ایدوب فوت اولدقده کوچک اوغلی هر مرز پادشاه اولدی
* پادشاه هر مرز *

هر مرز پادشاه ایران اولدقده قرنداشی فیروز توبت سلطنت یتدردی و
دلاورلک ایله مشهور اولان هبطله ملکی خسرو نام پادشاهک درگاهنه
واروب اندن استعانه ایچکله خسرواردخی پیروزه طلغان ولایتی احسان
ایچکله برفاج سنه پیروز اول ولایتده قانندی وقتا که هر مرک ظلم و تعدیسی
عالمه شایع اولغله سپاه و رعیت کندودن رنجیده خاطر اولوب پیروزه
خبر کوندردیلر خسرواردخی پیروزی تیجهیر ایدوب مکمل عسکر ایله
ارسال ایدیچک پیروز کلوب قرنداشی هر مرزی قتل ایلدی و باباسی
یزدجردک تختنه نشین اولدی هر مرک مدت امارتی طقوز ماه در
* پادشاه پیروز *

پیروز پادشاه ایران اولوب زیور عدل و داد ایله تاج سلطنتی آراسته و تخت
شکوه و حکومتی برآسته ایلدی پیروزک ممالککنده اوج سنه دانی نقطه و غلا
واقع اولغله فکر و تدبیر ایدوب ممالککنده اولان ارکان و اعیانه اطراف
و کمتافده کی فقر و امساکنی کوروب کوزه دک دیو فرمان ایچکله اول سنه که
یدنی سنه ایدی انقطاع باراندن دجله و فرات و جیحون و سیحون کی
ایر مقبر قور میشیدی و نوع ذی روح عطش و جو عدن هلاک اولمشلرایدی
سماء عنایتدن یاران رحمت نازل اولغله اوجوزلق و غنیمت فیسر اولدی
پیروز دخی شکر اله جرحانده روشن پیروز و حدردی ده دام پیروز و حد آر
بایچانده کذلک دام پیروز نامنده اوج قطعه شهر بنا ایتدیروب تمام ایتدکده
هبطله ملکی خسروارک ظلم و تعدی سندن بخله هبطله اله اهل بسندن کتاید

ظهور ایتمش ایسه ده پیروز اغماض عین ایلدی چند روز فرورنده بر قاج
شکایتی کلوب ملک هباطن مالکنده واقع جوتله عمل قوم لوطی ایشلر دیو
شکایت ایتدیلر پیروز ملک هباطله میتلا اولدیغک فعل شیع عبدالله
وال رسول والناس مذمومدر اگر چه سنک اتلفک حق بنم اوزرمده
چوقدر ولکن حق تعالی ک حق سنک حقکدن مقدمدر بوفعل قبیحدن
فارغ اول والا کیشمار ایل اوزر یکه وار یرم دیو خبر کوندردی چون
اوخبر ملک هباطله یه ایشدی همان دیوان ایدوب بزم عجم عسکری ایل
بقاومتیه قدر عز یوقدر دیو جک ارکان دیواندن بر پیر سر هتک پرانک
اگر بنم رآیم ایل حرکت ایدر سکر عجمه غالب اوار سکر دیدی ملک هباطل
تدبیر ایل ایشیده لم دیو جک سر هتک ایشد انهم اولادیم عزیز و محترم
طریق سن دیدی ملک قبول ایتد کذصکره ایتدیکه دشمن سره یقین
کاد که بنم دودست زایمی شکست ایدوب قیروزک لشکرینک یولنه
براغک حیل و خدعه ایله عظیم امور ایدرم دیدی واقعا ایل ایتدیلر چون
فره زایکوز الی یک لشکر عجم ایل اولمجه کلوب پیرم کوری انده بوالدی که
دست و پادن اراده فریاد وزاری ایدر ملک عجم اول پیری حضورینده
کتر دوب کیفیت احوال بدن صورت قدیم بن بوقومه عمل قوم لوطی
ایتمک دیو نصیحت ایتدیکم ایچون بنی السز و ایاق سز قودیلر دیدی
یوندن لشکر هباطلی صورت قلرنده خلاف یه هباطلک عسکری
لایعد در و شخوندن فیری چاره بوقدر و بومحل ایل انک لشکرینک
مایینی بکرمی کونلاک مسافه در اغماض کونده واریلور بر یول وارد راکن
بریه در مکر زخا و صو کتوره سکر دیو جک پیروز بش کونلاک صو آلوب
اول ایل بسک اغوا سیله اول دوغز بوله اول پیر سریری دخی آلوب کیتدیلر
وقتا که بش کون اول ره ناصبویه کیتدیلر آبادانلغه ایشلمدیکندن
ماعد ا عسکرک ما کولات و مشر و باقی تمام اولوب ایکیوز الی یک
عسکر دن یاکن یک نفر زنده بولنیچق پیروز اول پیر یعنی کتر دوب
دوچار اولدیغی بلاك صورت حسنه ایله تدبیر بن صورت قدیم بوظا ق
جواب لاط ایلد نصکره مالک هباطل دل برقریه یه ایشوب بر مقدر
ذخیره الدیلر و اول پرتلیسک رآی ایل ملک هباطله خبر کوندروب
اعتداز ایتدیلر کونده هباطلک اهر یله مالک هباطل ایل شرح عجم

میانته توجدن بر مناره بنیاد اولندی و پیروز لشکر یله اول مناره نک
یانه کلوب من بعد عسکرینک اول مناره بی تجاوز ایتیه چکنه تعهد
ایدوب ملک هباطل ایله یکیدن عقد مولات ایتد کلرنده خسوار
قولاغوز کوندروب و افرانعام واحسان ایله پیروزی مالکنه کوندردی
درت سنه مرور ایتد کذصکره پیروز لشکر کیشرایله از سرتو
خسوار اوزرینه یوردی و سجستان ولایتی تصرفی سرفزای نام
کیمسنه مرد کار دیده اولمغه میانته عجمه مقبول خاص وعام ایدی
پیروزی کتوردوب کندی ولایت بک نصب ایلدی و قباد و پلاش نام
ایکی نفر اوغلار بنی دخی سرفزایک یانه براقدی ویکو نام دختر بنی یانه
آلوب یوزیک ار و بشیوزر اس قیل ایله بالاده ذکر ی مرور ایدن مناره نک
یانه واروب مناره بی بعد الهدم عربیه ل اوزرینه قیوب قیلاره
تحمیل ایله مالک خسواره ایشدیلر پس خسوار وقعه دن خبردار اواب
لشکر بشمار ایله صحرا یه چیقدی و لشکر عجم یولنه عرضی اون ذراع
و عقی بکرمی ذراع خند قلر جفر ایتدروب اوزر بنی ضعیف کراسته ایل
اوزتدرد کذصکره طوبراق ایل اوزر بنی اورتدردی (چون پیروز اول
صحرا یه کلوب خیمه ل قوردردی و لشکرینه استمانلر و یردی) وقتا که
خسوار لشکرندن آریلوب پیروزی یانه دعوت ایلدی پیروز دخی
خسوارک یانه واروب همنشین اولد قلرنده خسوار پیروزه ای اوغل
مقدما سکا بوقدر اتالیق ایتد بونجه حق حقوق وار ضایع یتک لابق
دکل کل بوسودادن فارغ اول سنک ایله صلح اولم و عسکری انجیمه لم
دیدکجه پیروز محاب اولیوب البته سنکله جک ایدرم یخت اوله یاخت
اوله دیو جک خسوار اول خند قلرک میسانده واقع اینجه جک یولدن
عسکرینک یانه کلدی ارنه سی کون همان چکنه باشلد قلرنده پیروز
خسوارک ملائمتیه باقوب خندق اولان محله وارد قلرنده عسکر یله
اول خند قه دوشیچک خسوار کلوب اسکر فیروزک بعضیستی قتل
و بعضی بنی اسیر ایلدی و سر خند قه پیروزک میته سنی اولمغه
بعد الد فن پیروزک دختری نیکورانی اسیر ایلدی و پیروزک یانه ده
موجود اولان جواهر وزر و سیم و ساراشناسی و یاز و سننده اولان
تعود بنی خزینه سنه الدی (چون پیروزک خبر موتی مالکنده بک نصب

ایتدییکی سرفزایه ایرشدی بیروزك اوغلاری پلاش و قبادی الوب
لشکر سعادایله هیاطله وارد قده خشواردخی سرفزایه بوخصوصده
نقصه سیرات نجات بیروز کورز برابن صلح اولتی استدم قبول انعامکله
یونی نتیجه ویردی دیوب آلدیغی زر و سیم و جواهر و تهر وین و اشیاایله
دختری نیکو رویی سرفزایه تسلیم ایتدکده اولدخی لشکر عجم ایله کیرو
عودت ایتدیلر (پس کبرای عجم بالاتفاق پادشاهلخی سرفزایه عرض
ایتدکده لرنده قبول ایتدیوب بیروزك اوغلی پلاشی پادشاه ایتدیلر
فیروزك مدت امارتی اون ایکی سنده در

* پادشاه پلاش *

پلاش پادشاه ایران اولد قده قرنداشی قباد بش نفر خواص ایله خاقان
رك جاننده روان اولدی و اول بش نفر خواصدن زرمهتر نام کیستنه
قبادك رازداری ایدی پرقاج کون کیدوب برقریه ده بردهقانی به مهمان
اولدیلر چون قباد اول دهقانیك دختر جیله سنی کوروب عاشق
افکنده سی اولغله اول قریه ده برماه قالدیلر آخر قباد دوچار اولدیغی
کیفایتی زرمهتر اولدهقانی افاده ایدوب پادشاهلقدن و سلطنتدن فراغت
ایتدم دیوجك زرمهتر اولدهقانی به قبادی تعریف ایدوب اول دختری
ابویندن استکله دختر مذکورینی قباد تزویج ایتدیلر چون قبادك
مقصودی حاصل اولوب سفره نیت ایتدی وانکشتندکی کرانها
یاقوت خانمی خاتونه هبه و تسلیم ایدوب سفره کندی (پس
دخترك ابوینی اول خانمی کوروب شادان اولدیلر قباد خاقانك
یانه ایرشدیکی اوانده دختر مذکور ده دن برولد مذکور وجوده
کلمکین نامنی نوشنروان نسبه ایتدیلر و پلاش کال عدل و داد ایله ایرانده
پادشاهلخی ایلدی شویله که ممالککنده برقریه بی و بلکه بر خانه بی خراب
کوره ایدی نیچون بونك خراب اولدیغی بکا عرض ایتدیکز دیو
امزاسته خشم ایدردی القصه پلاش بواسلوب اوزره درت سنده
پادشاهلخی ایدوب قوت اولد قده قرنداشی قباد نخت عالی به نشین اولدی
* پادشاه قباد *

اولوقه کیم قباد نزد خاقانده درت سنده طور قد نصکره خاقانك معینه
تعیین ایلدیکی لشکر ایله متأهل اولدیغی قریه به ایریشوب قرنداشی

پلاشك قوتی کوش ایدیچك خاتونی و اوغلی نوشروانی آلوب و کلوب
قرانداشی برینه پادشاه اولد قده لشکر خاقانی مکرما و معززاینه خاقانه
کوندردی و سرفزایی خلیفه ایتدکله جیع امورینی اگا حاله ایلدی
و قباد پارس حدنده اوجان و اهواز و کازرون و حلوان نام درت قطعه
شهر بنا ایلدی و آمدی فتح ایدوب اغالبتی بنیاد ایتدیکی درت قطعه
بلدان مذکورده اسکان ایتدردی و بش سنده بومنوال اوزره پادشاهلخی
ایتمش ایستده سپاه سرفزایک حکمیه عمل ایدوب قباد هرگز اعتبار
ایتدیلر ایدی بر قباد مهران نام سپیده سرفزایک ضبط و ربط ممالکندن
شکایت ایتدکده رخصت شاهانه کریمور یاور ایست ممالکی سرفزایک
یدندن قورنارهلم دیوجك قباد شاد اولدی برکون مهران مجلس
قبادده سرفزای ایله پیوخه مجادله و سرفزایی اعدام ایتدکین قباد
بلاشریک بذاته پادشاهلخی ایلدی و عسکر چکوب خرزان ملکک
ممالکنی فتح ایلدی اون سنده مرورنده خراساندن مزدك نام ملعون
دعوی نبوت ایله ظهور ایدوب جهانده حرام یوقدر و زنا کاد کلدلر
دیمکله بوسوزار باب هوایه خوش کلدیکندن باشسته جمع اولدیلر
و قباد دختری مزدكک مسلکین طومغله ممالککنده بابا اوغل بلوا اولدی
آخر اهل غیرت تجمع ایدوب قبادی حبس ایتدیلر و جاماسب نام
قرنداشی برینه پادشاه ایتدیلر جاماسب اگرچه الی سنده پادشاهلخی
ایتدی فاما قوجوان اولغله قباد سیاست ایدمهدی آخر قباد خواهری
سبیله زنداندن خلاص اولدی و اوغلی نوشروانی آلوب خاقان طرفه
کیتدی و اوراده بش سنده طور قد نصکره خاقانك معینه تعیین ایلدیکی
اونوز بك لشکر ایله کلوبینه ملککنه متصرف اولدی و مردکی مذهبی
کوکلنده طوتوب آشکاره ایتدی و عدل و داد ایله قرق اوج سنده پادشاهلخی
ایلدی آخر طریق زهد سالک اولغله پادشاهانه مخصوص اولان خلج
هبت و عظمت جسم قباددن منسلخ اولیجی اطرافده بکار قبادك
ممالککنه تعرض ایتدیلر حتی غرب یادیه سنده نعمان بن منذری بك نصب
ایتدیدی شامدن حارث بن عمرو با یه یه کلوب نعمانی قتل ایلدی
قباد ایشیدیک حارثی کتوردوب عرب سرحدی یادیه دن کوفه و فرات
کنارینه دکندر و بو طرف عراقدر هر کس خدینی تجاوز ایتسون دیدکده

حارث ظاهرا قبول ایلدی فاما عراقه حزامی کوندرده قباد اشیدوب
حارثه خبر کوندر یجک زردوسیدن آزاده برطاقم حرامیدر المدن نه کلور
دیو جواب ویرد کده قباد اول حزامیلر ایچون حارثه التي عدد قریه
ویردی حارث دخی اول قریه لری خرامیه لره و یروب اسکات ایلدی
فاما عرب یکی تبعه عجم ملکی زبوندا کر ممالک استرایسک وقتیدرد یو خبر
کوندر مکه تبع دخی خواهر زاده سی شیر نام کیمنه بی اوچیز یکر می یک
ارایله قباد اوزرینه کوندردی قباد اشیدوب فرار ایتمکله آردینه دوشوب اخر
قبادی دپهلدی بعدا قباد لیرینه اوغلی نوشروان پادشاه ایران اولدی
* پادشاه نوشروان *

نوشروان عادل پادشاه کامل اولوب حکم وعدالتله ویرانه جهانی معمور
وابادان ایلدی ومداییده ایوان کسری دینلن ایوان سفیده زنجیر
عدل پیدا ایتدی که مظلومین اول زنجیره ال اورمغه لره زنجیرده تعلیق
اولنان جر سارک صداسنی استماع ایدیجک اول مظلومی احضار ایدوب
وحیف ومظالمین کورردی زمان دولته اهل فسادی باجمهم
صلاحه مبدل ایلدی وهمه زندیق دپهلدی وکله له ودمینه نام کابی
و شطرنجی هند ستاندن کتورتدی وانطایقه بی فتح ایدوب قومنی
مداینه کتورد ~~د~~ نصکره اسکندر به بی دخی فتح ایلدی و خلیج
اسکندری سنک ایل طوادردی واسکندر به لیما نیله مملو اولان
افواجق بونجه سفاینی غرق ایتدردی و روم جانبینه عازم اولمغه له
ملک روم اولان قسطنطین اشیدوب نوشروانه وافر هدایا ارسال
وحزاجی قبول ایدیجک آندن یمن دریاسی جانبینه روان اولدقده یمن
یکی دخی خواجه قائل اولمغه ینه مداینه کلدی بعده بلخ ولایتی آرزوسنی
ایتدی وهیاطیل ملکندن جدی پیروزک قانی طلب ایتدی وخاقانه
خبر ~~ک~~ وندروب دختر جبهله سنی عورتلکه استمکله خاقان دخی
نوشروانه قزنبی ویردی وخاقاندن لشکر کتزدوب هیاطله اوزرینه
بوریدی وهیاطیل ملکی دپهلوب ولایتی زبردسته الدقد نصکره
طخارستان و بلخ و بابل وماوراء النهر و جرجان و چیلان و طبرستان
و خراسانی فتح ایلدی وبونکرک بکرین دپهلوب طرفندن یک نصب
ایتدی وینه مداینه کلوب خاقانه اوچیک نفر قول اهدا ایلدی ودختر

خاقاندن هرمن نام اوغلی اولدی برمدت مداییده اوتور دقد نصکره
هندستانه کندی هندستان کدخی بکری خواجه قائل اولمغه آندن
واروب خور زمین وارمن ولایتلری فتح ایتدی و خور در یاسی نگارنده
باب الابواب نام شهری بنا ایلدی (وقتا که نوشروانک پادشاه غلغی
یکرمی اوج سنه به ایرشدی حضرت محمد المصطفی علیه افضل
الصلوات واتم التحایا افندیمرک والد ماجد لری حضرت عبدالله بن
عبدالمطلب وجوده کلدیلر ونوشروانک سلطنتندن قرق ایکی سنه
مرورنده ابرهه حبشی علیه مایستحق مکه مکرمه بی خراب ایتک نیتله
یمش پیکرأس قیل ایله پروز ایدوب مکه شریفه حولوسنه قونمشیدی
قهر الهی یتشوب طیرا بایل ایله جله سی هلاک اولدیلر القصة ترکستان
وماوراء النهر و خراسان و پارس و کرمان و اصفهان و کوهستان
و عراقین و جزیره عمان و شام و مصر و هند و سند و یادیه عرب
و بحرین و تهامه و مکه و یمن نایمغرب نوشروانک زیر حکمنده اولدی
اولا عدل رجایا ایله بعده عدل نسیاه ایله مشغول اولوب قرق سکر سنه
پادشاهلق ایلدی (وحضرت رسالتناه صلی علیه الاله بونک زمان
سلطنتنده تشریف عالم شهود بیور دیلر انکچون نوشروان حقنده
(ولدت فی زمن الملك العادل انوشروان) پیوردیلر (پس نوشروان
خراسان و آذربایجان نواحیسنده اوج عدد شهر بنا ایدوب عمری
دخی خنامه قریب اولدقده پادشاه غلغی دختر خاقاندن اولان اوغلی
هرمزه وضیت ایدوب قوت اولدیلر (ونوشروانک عدالتنه دایر
ریش در کف حیرت اولور مناقب غریبه سی بسیار اولمغه له بونخلده
برقاج حکایه سی تبرکا و تمنا ایراد اولنور (حکایه اولی) امیر المؤمنین
حضرت عمره رضی الله عنه بعض کبار اصحاب رضی الله عنه سوال
ایدوب یا امیر المؤمنین عدالتی کیچدن تحصیل بیور دیکر دیدکلرنده
عدالت وانصافده استادم نوشرواندر بیور یجق نوجهله استادک
اولور دیدکلرنده جناب فاروق بیوردیلر که عالم جهالتمده برای تجارت
مقرامارت اکاسره اولان مداینه واروب یزنده کی امتعه بی بیع و ثمنی
اخذ ایدوب همان مقریان شاه کسرادن برمبر مشهوردن ثمن امتعه بی
بردری آله مدیغم اچلدن ناچار دیوان کسرایه شکایت ایچون وارد یغمده

زمتمند حقم اولان میرزد شهریاریده اولمغین بنم شکایت ایدیه جگینی
 فهم ایلوب ییچنساب ایلدی کسری بنی کوروب بو عربک غرامتی
 حاصل ایدک دیو فرمان ایدیحسک میرمذکور بنم حقمده شاها عرب
 مقوله سی اکثریا جرار اولورل خاکای ملوکانه کردن احسان امیدیه
 کلمشدر دیدیکی آنده نوشروان بکا برقبضه دینار احسان ایتکله
 شرمندهلک غلبه سندن افاده حاله فرصتیاب اوله منجه کبرو غودت
 ایدوب روزدوم یسه دیوان کسرایه واروب یسه میرمزبور اوراده
 حاضر اولمغله کالاول حرکت اولوب یسه افاده حال اولنه مامغله
 روز سوم یسه دیوان کسرایه واردم نوشروان بنی کوریمجک بو عرب
 اوج کوندر کاور البسه بوکا برمجلدن ظلم وغدر اولمشدر دیو بنی
 حضور یسه کتوردوب احوال مافی البالمه علی التفصیل واقف اولیحق
 اول میره خشم ایدوب حقمی یقصور تمامالو بردکد نصکره انواع
 رعایات ایله بکا عذر خواه اولوب مشکور البسال بنی و طمه کوندردی
 پیوردیلر (حکایه دوم زمان دولت نوشروانده برکیمسه برکیمسه ددن
 برقطعه اراضی اشترای ایدوب اول اراضی بی قازار ایکن برکوشه ده
 وافر فلوری ظهور ایتکله همان اول مشتری پایعه واروب بکا
 صاندیغک قطعه زمینده خلیجه فلوری بولدم بنم سندن اشترای
 ایتدیکیم ارض خالیه در فلوری دکدر ظهور ایدن فلوریلریکی آل
 دیدکده بایع جوابنده بنسکا اول ارضی ایچنده کی شی ایله صادم فلوری
 سنکدر دیو جک میانه ده منازعه واقع اولمغین کیفیت خصوص
 نوشروانه افاده اولمشد فده نوشروان بو خصوصک ظهور بنی ثمره
 عدالتدن ییلوب دیتجه سجده شکر یزدان ایلدکد نصکره بایع
 و مشتری به اولادیکز وارمیدر دیو صورده برینک فرزندی و برینک
 دختری اولدیغی ظهراولمغله دختری فرزنده تزویج ایتدیروب بولسان
 فلوریلری مازنه لریته صرف و ماعداسنی والدینسه احسان ایلدی
 (حکایه سوم نوشروان پادشاه اولوب عدل و عدالتی باعث عمارت
 دنیا و صلابت و سیاستی بای استراحت رعایا و رایا اولدی و ویران
 اولان قرا و بلاد سزایا معبور و ظلم و تعدیدن بی انسان قلان بلدان
 رعایا ایله مستور اولدی برکون نوشروانک ضمیرنده هویدا اولدیکه عجا

زیر حکومتمده اولان قرا و بلدانین هیچ ویران محل قالدی می دیودرونه
 ظن و شکمان دخوله ساخته اظهار تعارض ایدوب حکما سندن
 دردینه دوا استمداده بومرضه ایسه عتیقه لازمدر دیدکلرینه بنشاء
 اطراف واکافه آدملا کوندر ییلوب هر نه جانب وارلدیسه ایسه عتیقه
 بولنه میوب ممالکی سرتاسر ایسه جدیده ایله معمور و آبادان اولدیغنی
 عینا و عیانامشاعده قیلد قلی بنی بارگاه کسرایه عرض ایتدکلرنده
 نوشروان کندی آیینی اوزره سجده شکر جناب خدای تعالی قبلدی
 (حکایه چهارم برکون مأمون خلیفه نک مجلسنده (وکل ملاک عادل
 طری فی قبره الی یوم یبعثون و اوکان کافرا) حدیث شریفی استدلایله
 شاه عادل ایسه قبرنده تازه اولور دیو کلمات کذرا ایتدکده جناب مأمون
 بوسوزی اگر چه تصدیق ایلدی فاما بهر حال بود عوی یسه به محتاجدر
 دیو جک عصر سعادتدن مقدم بو عالمه کلوب ملت مجوسیدن عدالت
 ایله معروف اولان نوشروانک بن موزونی فلان کوهک فلان
 مفارده سنده مدفوندر اول طرفه عزیمت پیوز یلورایسه بونجه زمانده پرو
 کفتیش اولان نوشروانک جسدی قبرنده آفاندن مصون اولور فی
 مشاهده اولتیق مقرر در دیدکلرنده جناب مأمون وزیر ایله نوشروانک
 مدفون اولدیغی غاره واروب قبر نوشروانی کشف ایدیمجک
 نوشروان بر سر بر سر مع اوزرینه قونمش و پاشنده تاجی وانکشنده
 خانم کوهر نکینی کویا هنوز قبرینه ازال و نه سده اولمش کفن اطلسی
 اگر چه چوریمکه یوز و طومش فاما بدنی ترو تاز اولوب ریش و عطشی
 کالیه طراوت اوزره بولندی و وفاتی تاریخنه نظر اولمشد فده
 حین فوتدن اولکونه کلنجسه یوزیمش برسنه کذر ایلدیکی ظاهر
 اولیحق جناب مأمون ملزم اولوب نوشروانک قبرینی کما فی السابق
 اورتدردی پس بنوشروانک مجوسیتی محقق ایتکن ثمره عدل
 ایله وجودی ترو تاز اولیحق سعادت دین و اسلام ایله آراسته
 اولان پادشاهان عدالتن و ان فی برلنده ترو تاز اوله جی

مستغن عن البرهاندر

* پادشاه هرمن *

هرمن بابای نوشروانک برینه اگر چه پادشاه ایران اولدی فاما هرمن

فرط غایت ده خود بین و متکبر و متعظم و کج رأی اولغله یازوقش
مداینده قرار و امور سلطنته تهاون و تکاسل کوستروب رعایا سته
شفقت سزاک ایلیه رک اخلاق مذمومه ایله اون برسنه پادشاهلقد نصکره
ترکستان پادشاهی خاقان لشکر چکوب ممالک عجمدن خیلی ولایتلری
خراب ایتدکده هرمن دخی جنبد فراوان ایله مقابله و مقاتله ایلدی
و مقدما خاقانک کریمه سنی نوشروانه کتورن مهرانستاد نام که نسیالی
مخفه ایله حضورینه کتورتدی و تعظیما له قیام ایدوب یانته اوتورتدی
و لشکر ترکستان ایله محاربه نک اصول و فروغنی صوریحی مهرانستاد
ایتدی که شاهانک والدک والدک کی کتور مکچون بنی خاقانه کوندر دیک
حینده خاقان منجمینه والدکک سرانجامندن صورتدده ممالک عجم
از سرتابه پا نوشروانک بود ختردن ظهور ایده جک والد مذکرک زیر
نکیننده او اورلکن ترکستاندن براغرجه لشکر کلوب عجم ولایتنه مستولی
اولمق استر بالاقد و صاروشین و قوی البنیه و پیوسته ابر و بهرام بن
بهرام نام دلاوری سپهسالار ایدوب لشکر ترکستان اوزرینه کوندره
بهرام منصور و مظفر اولوردی و منجمینک استخراجی مهرانستاد علی
وقوعه هرمنه نقل ایدوب همان فوت اولد قده هرمنه بوقیفت
وحی کی برشی دیوب بر مقدار تفکر د نصکره اولزمان بهرام ارمنیه ده
ساکن اولوردی خبر کوندر ووب بهرامی کتورتدی و سرعشکر ایدوب
لشکر ترکستان اوزرینه کوندر دیکنده بهرام لشکر ترکستانی صدی
و بعد زمان بهرام هرمنه عاصی اولوب اون ایکی یسک ار ایله کلوب
هرمنی طوتدی و دو چشمه میل چکدی و اوچکون مرورنده
بوغازینه بای کریشنی طاقوب بردار ایلدی و هرمنک نخشنه نسین
اولدی (القصه هرمنه اون ایکی سنه یا خود اون اوج سنه یا خود بکرمی
برسنه پادشاهلق ایدوب بو عقاب الیم ایله فوت اولد قده خسرو
پرویز نام اوغلی اولوقسنده آزر با یچانده ایدی کلوب بهرامک لندن
پادشاهلغی آلدی و باباسی هرمنک نخشنه مالک اولدی

* پادشاه پرویز *

طائفه عجم پرویزه خسرو دخی دبرل پرویز شهریار ابران اولیجی همان
بهرام ایله جنکه آغاز ایلدی آخر بهرام غلبه ایدوب پرویزنی زومه

قاچرمغله ملک روم اولان قیصر پرویزه قزینی و یردی و نوشروانک
قهر اوصلار رومدن الدیغی ممالکی پرویزینه قیصره و پروب من بعد
قیصر دن خراج المامق شرطیله پرویزنی ینه نخشنه اجلاس ایتدیمکه
قیصر تعهد ایدوب پرویزنی سکسان یسک ار ایله ارمنه و آذربایجان
کوندر مکه پرویز و اروب بهرامی حزب ایله صیوب ممالک فارسینی لندن
الدقد نصکره خاقان طرفنه کیتدی و خاقان دخی پرویزه عسکر و پروب
اول عسکر ایله پرویز مداینه کلدی و بهرامک و راستندن لشکر کوندر ووب
بهرامی دپه لندی ناکاه رومدن پرویزه خبر کلدیکه قیصر عسکر ی
دپه لوب جمع خزینه سنی الدیلر و سفینه یه قیوب دریاه روان اولدیله
بحکمته سچانه روزگار نامساعد اولوب سفینه یه ممالک پرویزه کیناره
چشمه غله اول جوالیده کی قوم سفینه یه تحمیل اولسان بونجه مار
و جواهری آلوب پرویزه کتور دکلرند پرویز دخی اول مالک بعضیستی
عسکره و یردی و بعضیستی خزینه سته قیوب قاین یردی قیصرک یرینه
بر قیصر دخی نصیب ایلدی و روم سیر خنده ده بر شهریار نصیب
اول شهریار برندن انطا قیقه ده اوتور ووب قیصر دن خراج آوردی
پس امر اء فارس اولد شهریاره جسد ایدوب کوش پرویزنی کونا کور
مفتزیات ایله مالا مالک ایتدکلرند پرویز دخی شهریارنی دپه ملک عراد
ایدنجه شهریار وقعه دن خبردار اولوب قیصره قاچدی آخر پرویز
شهریار قیصر دن کتور ووب ینه انطا قیقه نک زمام نظام و انتظامی
الن و یردی و رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت لری زمان پرویزه
نبوت ایله بعث اولوب سکسان نفر پادشاه صبا جتاخ و کلاعه نامه
از سال بیور مغلیه دین هدا یتقرینه دعوت بیور دیلر دعوت همایونه
اجابت ایدوب دین اسلام ایله مشرق اولنلرک بری شاه حبش نجاشی
وبری سلطان مصر فوقس و بری شهریار هندرای اعتقد
و برروایتده انطا قیقه ده قیصر روم اولان هرقل دخی ایمانه کیشدر
از زمانده کسرای عجم اولان پرویزنی دخی ایمانه دعوت ایله نامه کیشدر
پرویز پرویزه کوندر دیلر صورت نامه رسول الله علیه السلام
بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله الی پرویز بن هرمنه ما بعد خانی
احمر البک الله لاله الا هو الحی القیوم ارسالی بالحق دشرا و نذرا الی قوه

عليهم الشقاوة وسلب عقولهم ومن يهدي الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له ان الله بصير بالعباد ليس كمثل شيء وهو السميع البصير فاسلم تسلم وانذر بحرب من الله ورسوله ولم تعجزها (پس پرویز شقی اشبونا) رسول الهی علیه السلام اوقیوب مضموم منبغی فهم ابتدا که بود محمد کیم در که نامی بنم آدمدن مقدم یازمش دیو صور یحیی وزراسی دخی حالا یثرب و حجاز ده تاج نبوتله دعوت انام ایچون بعث اونان هاشمی قرشی مکی ابیطحی محمد عربی صلوات الله علیه وسلامه حضرتلر بدر دید کلرنده پرویز نامه سعادت ایله کلن صحابه کزینی ضرب ابتدا ردی و نامه رسول محتاجی برتوب یاره یاره ابتدا ردی بوخبر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضرتلرینک سمع همایونلرینه واصل اولیحق (اللهم مرق کل عرق) پیور دیلر بعدزا پرویز اودعوی نبوت ایدن محمدی بکا کتورک دیومدینه به ایکی نفر عجم کوندردی اگر کلکدن امتناع ایدرسه شاه حبش نجاشی به مکتوبنده اشکرایله واروب محمدی طرفه سن کتوره سن دیونخر بر ایلدی واول ایکی نفر عجم مدینه به کلاوب پرویزک مرا منی حاکمای نومه افاده ابتدا کلرنده رسول الله علیه السلام لا ونعم جواب پیور میوب عجملری سلمان فارسی رضی الله عنه مهمان ابتدا دیلر عجملر بو وجهله الی ماه یثربه قالد کلرنده برکون درگاه رسالت شاهه واروب بی ادبانه کتاند نصکره احسان ایله کل کیده لم والا پرویزک شاه حبشه اولان مکتوبی ویرر ایسک سزه دشوار اولور دید ککلرنده جبریل علیه السلام وحی بر ذاتی ایله نازل اولوب پرویزک اوغلی شیرویه خنجر ایله پرویزک شکمی چاک چاک ایتدی وکندبسی یا یاسی برینه پادشاه ایران اولدی دیو خبر ویریمشک سرور کائنات علیه افضل الصلوات حضرتلری جبریل ایله نازل اولان وحی ربانی بی اول ایکی نفر عجمه حکایه پیور لر ایکن شیرویه دن عجملره و نجاشی به مکتوبلر و ازدا ولدیکه حجاز ده رسالتله شهر تیاب اولان محمد علیه السلامه کل کیده لم دیو زنه از او جفا ایتیب همان بو طرفه کله سزدیو مکتوبنده نصریع ایتکین همان عجملر مدینه متوجه اولدیلر (پس پرویز او نوز سکرسته پادشاهلق ایدوب بعد هسلا که دوزخ رهین اولدقده اوغلی شیرویه برینه پادشاه ایران اولدی

* پادشاه شیرویه *

شیرویه نک براسمی قیاد در و مادر دی دختر قیصر رو مدر ماوک طوائف شیرویه نک ممالکله طمع ایدوب هجوم ایتدیلر و اهل اسلام دخی رونق و ترقی بولوب ظهور ایتدی و عراق و مداینده طاعون اکبر بروز ایتکله نیجه کیمسه هسلاک اولدی و پرویزک نامه سعادت فخر عالمی چاک چاک ایتدیکنک شوملغی سبیلله شول رتبه طاعون اولدیکه عراقده آل ساساندن کیمسه قالمادی و شیرویه بی دخی اوغلی اردشیر قتل ایدوب برینه پادشاه ایران اولدی

* پادشاه اردشیر *

اردشیر پدی باشنده ایکن پادشاه اولوب برسته پادشاهلق ابتدا کده عجم بکلرینک اهل بیتدن شهری زادنام کیمسه ظهور ایدوب اردشیرا تختنه نشین اولدی بمضیلر شهری زاد عجم نسلدن دکلدر دیلر ما حصل قرق کون پادشاهلق ابتدا کد نصکره اهل عجم اتفاق ایدوب شهری زادی دیلر و آباغنه ایب طاقوب چارسوی واسوا فی دور ایتدر دیلر ملوک اهل بیتدن اولیوب پادشاهلق اده ایلدنک عالمی بودر دیوندا ایتدر دیلر (تخکیر که شهری زاد پادشاه اولدقده پرویزک فری توران دخی ده خاتونلغه استدی توران دخت ایا ایدوب اکر سن کندی قزبکی قولیکه ویرسک بنده سکا واریرم دیو جواب ویردی بونک اوزرینه قرق کون کجه چک توران دخت شهری زاده اسب سوار اولوب سیره کیده لم دیو خبر کوندز مکلده شهری زاد دخی توران دخت ایله اسب سوار اولوب جسر باشنده ایرشد کلرنده بر قاج غلام توران دختک امری ایله شهری زادی یاره یاره ایدوب لاشه سنی نهر دجله به آندیلر (پس پادشاهلر اهل بیتدن مذکر کیمسه قالماقله شهری زادک برینه توران دخت بنت پرویز پادشاه ایران اولیدی

* پادشاه توران دخت *

اولاد پادشاهلرین مذکرک فقدانی درکار اولمخین اتفاق آرا ایله توران دخت بنت پرویز پادشاه اولوب عامه رعایایه عدل و داد ایلدی و پیروز زماندن رعایا ذمتنده باقی قلان خراجی کلیار عایایه بخش ایلدی و زمانده همه رعایا مظلومین امین و سالم اولد کلرندن فرد آفریده

جلای وطن ایتدی و بونک زمانده یحسب رسالتینه صلی علیه الاله
افندی عازم خلد برین اولدیله امیرالمؤمنین حضرت ابوبکر الصدیق
رضی الله عنه خلیفه اولدیله اصل توران دخت برسنه دوت ماه
پادشاهلق ایتد کد نصرکه یزدجردک افراسیبدن برکیمسه بی تخنه
پادشاه ایتدیله اولدخی برماه پادشاهلق ایدوب خراسانه عزیمت
ایتمکله خراسان اهلندن برکیمسه بونی پیوجه قتل ایدوب پرویز قزلرندن
آزرمی دخت نام دختری برینه پادشاه ایران ایتدیله

* پادشاه آرمیدخت *

آرمیدخت دخی پادشاه اولیحق عامه رعایاه عدل و داد ایلدی
ووزیره عظمی اختیارچدن امور سلطنت و عبادی بنفسه ابرویت ایلدی
و ملوک عجم نسلندن آرمیدختدن زیاده جنبه زن جهانیه کلامشیدی
بعدرمان خراساندن فرخ بن هرمز نام کیمسه بی کتور دوب وزیر ایتدی
برکون وز برمد کوز آرمیدخت ختی خاتونلغه استبد کیده سکا وارمق
چوقیمبرو خاطر فاشام فاما پادشاه اولدیغم ایلدن سکا وارمغه هر کسدن
عار ایدرم لیکن بویکیجه تخفیفه خاتون سزایمه کل سنکله همبرم اولوب
سرام و مقصودیکی حاصل ایدیم دیدیکینه پناه و زیری تدبیردخی
اغیاردن خانی اولاب وقتده سرایه کادی آرمیدخته وزیرک ورودی
خبر و یردکارنده باشنی کسک دیو فرمان ایتمکله در حال فرخ بن هرمزی
قتل ایتدیله و آرمیدختک امریله وزیرک باش و کوده سنی پیشگاه
درگاه منربه بر اقدیلر ابرته سنی کون و کلا و امرا وزیرک حال و شای
کوروت مخیر اولدیله بویخبر فرخ بن هر مزک او غلک او غلی رسنه
ایریشیک اول زمان رستم آرمیدخت طرفدن خراسانده خلیفه
بیدی در حال لشکر بکوت مدایت کلندی و آرمیدخت ایلده بخیار به
یلدی و آرمیدختی طوقوب دو چشم بایدا ایتد کد نصرکه دهلدی
پس آرمیدخت الی ماه پادشاهلق ایدوب بویوجه هلاک اولدقد
امراء عجم بنه عجم بکری نسلندن کسری ابن مهرار نام کیمسه بی
پادشاه ایران ایتدیله

* پادشاه کسری *
ایم مهرار زاده بودخی ملک عجمه یال کن بر قاج کون اگر چه پادشاه

اولدی ایحق فقطهر توفیق الهی و نائل الطاف نامتاهی اولدیغندن
قانون وقاعد مشاهانه دایر مصالحی کما هو حق اداره ورؤیته قادر
اولما غله دیه لوب برینه فرخ زاد پادشاه ایران اولدی

* پادشاه فرخ زاد *

ابن خسرو از فرزندان پرویز ابن نوشروان بودخی عمالک عجمه پادشاه
اولدقد ایحباب اغراض بونک جیع معاملاته بیهوده اعتراض
ایتدیله و آخر اشوب فرخ زاد پرویز اولدند بر پرویز ایسه مقدما عهدنه
و فایتموب طریق حیلایه سلوک ایتشیدی دیو بهانه ایدوب فرخ زادی
پادشاهلقدن عزل ایتدیله و برینه اولاد نوشرواندن فیروزی پادشاه ایتدیله
* پادشاه فیروز *

ابن مهران از فرزندان نوشروان و فیروزک مادری نوشروانک قزندی
قری دختدر فیروز پادشاه اولوب تاج دواتی باشنه کیدکده بوناج
بنیم سردواتمه طارکلدی دیدی بوسوز اهل دیوانه ناخوش کاکین سن
پادشاهلقه لایق و سزاد کاسین دیو فیروزی پادشاهلقدن عزل
و شهر دن شور دیلر و برینه یزدجرد بن شهر یاری پادشاه ایتدیله
* پادشاه یزدجرد *

ابن شهر یار بن یزدرد که آخر ملوک عجمدر محکیمدر بر کون پرویز
خون اوغلی شهر یاره خشم ایدوب زندانه حبس ایلدی عجمه پر غورت
شهر یارک زندنده یاتنه وار مشیدی شهر یار زن جامه یه یقین اولما
اول زندن یزدجرد و خوده کلکین پرویزک عورتی شیرین بو سیر
مکتومدن اکاه اولیحق یزدجردی پرویزدن سراری طرفنه کوندز مکله
یزدجرد او زاده اون بش یاشنه کیزمشیدی اولاد پادشاهان منقرض
اولدیغنه بناء ضروری یزدجردی زی شهرندن کتر دوت پادشاه
ایتدیله بکری سنه یا خود او توراتی سنه پادشاهلق ایتد کد نصرکه
اهل اسلام اعزهم الله فی الصبح و الشمام ظهور ایتمکله زونق
ملوک عجم تمام و حکم و حکومتاری انجم بولوب دین اسلام تقویت
تام بولما امیرالمؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه زمان خلافتده
ابوعبیده ابن الجراح و عبد الله بن مسعود رضی الله عنهما حضراتی
سر لشکر اولوب جانب محمد روان اولدقد بردان نام شخص سر لشکر

عجم اولغله بونلره مقابل اولیحق یا توفیق حضرت کرد کاری
اشکر عجم منهزم اولوب تالان و پریشان اولدیلر (اما ابو عبیده
حضرت تلری بومع کت هائله ده شهد شهادت ایله جانب خلده
خرامان اولدیلر) بعدذا فاروق اکرم رضی الله عنه جریر بن عبد الله
وسعد بن ابی وقاص رضی الله عنهما عراقیه کوندر مکه رستم
قرنداشی مرزبان بن مهربان لشکر اسلام اوکته چاقوب محاربه به
اغاز ایدیچک لشکر اسلام مرزبان دیه لیوب منصور و غفر اولدیلر
وغنائم و غیره آلدیلر بعد رستم یوز یگرمی یسک ار و اتوز یسک رأس
فیل ایله بالذات کلوب محاربه به باشلد قده اشکر عجم منهزم اولدی
ورستمی دخی دیه لدیلر (پس لشکر عجم مداین دن قاجوب زیاده خود لریدن
نهر دجله بی سفینه سر یکدیبلر و حضرت سعد بن ابی وقاص رضی الله
عنه دخی مداین فتح ایدوب اصحاب کرام ایله مفتیم اولدیلر یزد جرد
مداینک فتح اولدیغنی اشبدیچک تک و تنها مرویه و اندن ترخان و اندن
ترکستانه ایر شملکه عجمک شوکت و جهمی کلپامض محل اولدی آخر
یزد جرد مرویه کلوب برکورد کر خان سنه یا خود بر آسپان خان سنه مهمان
اولدی و یاننده موجود اولان بونجه جواهری اول خانده پنهان
ایدوب خوانه واریحق صاحب خان فرستدر دیو یزد جری هلاک
ایدوب اولقیدر جواهری آلدی (بعد زمان صاحب خان ایله عورنی
بوز شمله عورت دخی زوجتک یزد جردی دیه لیوب بونجه جواهری
اخفا ایتدیکنی زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه خلعه
خبرم یریمک اولکیمسه تک اخفا ایتدیکی جواهریت الماله ضبط
اولوب اول کیمسه دخی اشکنجه ایله قتل اواندی (پس آل ساسان
یزد جردده انجام و پایان بولغله نسل ملوک عجم بالکلیه منقطع و منقرض
اولوب اهل اسلام رونق تام بولغین دولت دخی خلفایه انتقال ایلدی
الخلافة بعدی ثلثون عامام تگون ملکا) اوقال ملوکا حدیث شریفی
مفتی بونجه خلافت دخی وفات حضرت پیغمبر ید نصرکه تمام اونوز سنه
اولور ما حصل جناب سعد رضی الله عنه یزد جردک اشکر بن ثار و مار
ایتد کد نصرکه عراقه واروب خراسان و ماوراء النهری فتح ایلدی
و اندن واروب کرمان و سیستان و هند و سندی دخی قبضه نصرفله

یکوردی و اندن سواحل هنددن مقایله عذنه و اندن بحر عمانی یکوب
عذنه کلدی و عدن و یمندن و طائف و حجازون مکه به و اندن مدینه
منوره به کک اوب تقیل دست شریف حضرت فاروق ایله مشرف
اولدیلر (اصح اقوال اوزره حضرت سعد رضی الله عنه آخر ملوک
عجم اولان یزد جرد ایله ایلدکاری محاربه تک بر نبره سی بودر که پهلوانان
یزد جرددن رستم بن مهربان نیجه روز کار مهر که میدانگیرا اوب
اصحاب کز بن رضی الله عنه بهادر لرندن و رسول الله ایله غز و جهاد
ایدن قاری قرآن کریم اولان دلاور اندن نیجه به سادراتی ضرب
کورز ایله شهید ایلدی شویله که برکونده اصحاب دن قرق نفر حافظ قرآن
کریمه جام شهادتی نوش ایتدردی (حتی حضرت سعد رضی الله عنه
پارگاه فاروق اکرمه حفا ظک فقداقی عرض ایلد کلرنده حضرت
عمر رضی الله عنه دخی قرآن عظیمک جمع و تدویننه امر و فرمان
ایتدیلر آخر رستمک هلاکی اصحاب دن و قبائل اعراب دن بر مرد صاحب
رزمک النده واقع اولدیکه بین الاصحاب شرب خیر ایله معروف
و مشر علی لقبیله موصوف ایدی اول مرد غازی شرب خیر ایتدیکی چون
اول کونلره خیمه حضرت سعدده محبوس ایدی و رستم النده کی
زرین کورزی اهل ایمانه بر دفعه اورمغله شهید ایتدیکنی محبوسدن
کوردیکه اول بی دینه دیش یلردی (و حضرت سعدک مقعدنده
بر جمع پیدا اولغله اولکون زیر علمه تخت روان ایله کیدوب اسب
و آلات حربی جاریه سی یاننده قالمیشدی اول مرد غازی جاریه به
نیاز ایدوب محبوسدن قورتلدی و حضرت سعدک اسب و آلات حربی
دخی جاریه دن رجا ایله آلوب همان رستمک میدانته عزم
ایتدی و ایتدایکی هجومنده مردانه نعره ایله رستمی لرزان ایلدی
و کوز آچدر دیوب حمله اولاده رستمی اتندن یقوب باغنی کوده سندن
ایر دقد نصرکه اسب سوار اولدی و عهد و پیمانی اوزره طوغریجه
خیمه حضرت سعدده واروب محبوسه کوردی و جاریه به کالاول زنجیری
بویینه طاقدردی (پس جناب سعد بن ابی وقاص اول مرد غازی بی
یلدی و سوار اولدیغنی اسب ایله ینده کی آلات حربی دخی کندیشک
مالی اولدیغنی یلد کد نصرکه تفکر ایده رک خیمه سنه کلوب وقعه بی

جاریه زن علی التفصیل استماع ایتدکده خصوص مذکور
علی وقوعه جناب فاروق اکرمه عرض ایتدکین اولدخی مردغانیک
کنانه عفو و بعد ازین وقوعه کان خطیثاته اغماض عین اولمق
اوزره جناب سعه نامه ارسال پیوردیلر مکرمر دغانی تعزیرایله حبس
اولدیه تعذبا فسقنده اصرازایدرمش جناب فاروقک معامله عفوئی
کوش ایتدکین همان شرب خردن قائب و مستغفر اولدی انتهى (مخفی)
و پوشیده اولیه که بوجه بالا حال و شانلری کتب و املاقیلن ان ملوک پیشین
عصر سعادت حضرت مفخر موجودات علیه افضل الصلواتدن مقدم
اولوب غب ذاکشیده بر اعه بیان قیلنه جق خلفا و ملوک عصر سعادتدن
مؤخر اولغله کیفیت حالری بر سیل اجمال قلمه آنور و ذکر اولنه جق
خلفاک ایتداسنی اون درت تن خلفا آل امیه در که بوجه آتی ذکر و بیان اولنور
* در بیان آل امیه *

معلوم اوله که خلفاء راشدین در نصیره رضی الله عنهم امر خلافت
آل امویه انتقال ایلدی و آل امویه تک ایتداسنی (معاویه دو بعده
اوغلی) یزید یلید علیه السلام در که کیفیاتری حسنین رضی الله عنهما
حضرت تکرینک احوال جکر سوزلری مچشده کذرایلدی (بعد ذاک
یزید لعین خلقتی مقتضاسی حیاته زمام اراده سنی خازن نار جحیمه
نسلیم ایتشدی بعدهلا که اوغلی جناب معاویه برینه خلیفه اولدی
* خلافت معاویه بن یزید *

جناب معاویه هجرت نبویه تک التمس در دنجی سالی شهر ربیع الاولده
خلیفه اولوب قرق کون یاخود اوج ماه و یکرمی کون یاخود یکرمی
اوج کون حکومت ایلدی و ابتداء تقلدنده بالای منبره نشین اولوب
بعد الحمد و الثناء بوندن اقدام خدم معاویه حضرت علی رضی الله عنه
خلافته احق ایکن بغیر حق منازعه ایدوب بوقدر ناسزا ایشد نصیره
عاقبت قبرنده زنی من مروهون اولدی و پدریم یزید دخی خلافته امام حسین
رضی الله عنه مستحق ایکن بوجه مجاهدله ایلله اول عرق طاهر
نیشتر عبدوان الله قلع ایلدی و استیلال خرو تخریب کعبه قلوب
پیوندن فضا ایتد نصیره قبرنده کشته رهین اولدی و بونک امشالی
کایتد نصیره منبردن نزول و خلافتدن بطوعه کف ید ولی الوفا

طسره جقمیوب آخر یکرمی اوج یا شنده وداع عالم فانی ایلدی
(فسبحان من یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی) و معاویه بن
یزید کینه سی ابو عبد الرحمن و نقش نکینی (انما الدنیا غرور) در و معاویه
وفات ایتدکارنده مروان بن حکم نام بی دین صدر خلافته جلوس ایلدی
* خلافت مروان *

این حکم بن ابی العاص بن امیه بن عبد شمس معلوم اوله که اصحاب کزین
رضی الله عنهم حضرت تکرینک عالم دنیا به ولدلری کلدکده مجلس سعادت
کتوروب دعاء ایتدیرمکی عادت ایتدیر ایلدی مروان وجوده کلدکده
باباسی حکم مروان لعین قوندیق ایچنده حضور سعادت کتوروب دعا
نیاز ایدیک عبد الرحمن بن عوفدن رضی الله عنهم مرویدر که رسول الله
علیه السلام مروانی کوردیکی کبی (الوزع ابن الوزع الملعون بن الملعون
لعنه الله علیه و علی من یحکمه الا الانقیاء) دیو پیور مشلردر و مروانک درر
نفر اولادی کندی نصیره خلیفه اولوب غایب جوار و ستمکار اولدقلند
مروانه ابو الا کباش دیرلری و مروانک باباسی حکم رسول للهک علیه
السلام رازداری ایلدی خیانت ایدوب سر اتر فخر کاشانی منافقینه اسلام
ایتمکله سید کاشانت علیه افضل الصلوات حضرت تکرینک حکمی خدمت
دولتدن طرد و ابغاد پیوردیلر امیر المؤمنین حضرت عثمان رضی الله
عنه زمان خلافتنه دیک اصحاب کرام رضی الله عنهم حضرت ایلله
اختلاط ایده مدی چون حضرت عثمان رضی الله عنه خلیفه اولدیلر
دختر عمر لیله دختر خالته لری اولان ایکی نفر خاتون حکیمک تحت
نکاحنده اولغله حضرت عثمان رضی الله عنه اذن و اجازت لریله
اصحاب کرامه قاریشوب اهل بیت ایلله مختلط اولدیلر آخر حکم خلقتی
مقتضاسی حضرت عثمان رضی الله عنه شهادتیه باعث و بادی
اولدی و مروانک اناسی امنه بنت علفیه بن صفوان صکنانی که
اجساد رسول الله در هجرت نک التمس در دنجی سالده جامع
دمشقده مروانک خلافتنه ضلصا بیعت اولندی و اندین مصره
واروب اهل مصر دخی بیعت ایتدیلر و یزید بن معاویه تک ام خالد نام
زوجه سنی مروان خان و نفعه ایتشدی اولکی کیمه مروان ام خالددن
متولد اولان خنده که یزید لعینک اوغلی در بابن الوطیه دیو دشنام

ایتد کده ام خالد اش-یدوب همان اولکیچده که هجرتک التمش بشنچی
سینه سی رمضانه هروان جامه خوابده ایکن ام خالد جابه ره
مزوانک اباقلین طوتوردی و کندی سینه سینه چوکوب قتل
ایتد کده مروانک اوغلی عبدالملک نمازین قیلوب بعدالدفن برینه
خلیفه اولدی مروانک مدت خلافتی اون ماه و عمری التمش سنده در
* خلافت عبدالملک بن مروان *

عبدالملک کنیه سی ابو الولید در و خست و دناخی لای نصرف منزله سینه
متزل اولدیغنه سبب نامنه ابو الذباب دخی دبرلردی و مادر ی عایشه
بنت معاویه بن غیره بن ابی العاصدر و بوندن اول اهل اسلامدن
فرد آفریده عبدالملک نامیه تسمیه اولماشدر و عبدالملک بغایت
خود بین اولغله بر احدک تدبیری پستدایمزدی هجرتک بکرمی دردی
سینه سی محرمنده وجوده کلمشدر حتی اولکونده امیر المؤمنین حضرت
عثمانک رضی الله عنه خلافتنه بیعت اولمشیدی و عبدالملک دخی
هجرتک التمش بشنچی سینه سی رمضانه بیعت ایتدیلر و عبدالملک
فرق بریاشنده ایکن باباسی مروانک برینه خلیفه اولدق نصرکه عراقه
کیدوب عبدالله بن زبیرک رضی الله عنه برادری مصعب بن زبیری
قتل ایلدی و آندن شامه کلوب حاجی مکه به کوندردی و عرفین
بالتی حرمینه الحاق ایدوب آل تقفدن حاج بن یوسف نام ظالمه
تقویض ایلدی و خطبه بی عبدالملک نامنه اوقوتد یروب حاج ظالمی
چند فرزان ايله خلیفه حجاز و یمن اولان عبدالله بن زبیر رضی الله
عنه اوزرینه ارسال ایلدی

* خلافت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه *

روح مردار یزید پلید درکته دوزخی ماوی و قرارگاه ایتد کده عبدالله
بن زبیر رضی الله عنه دیار حجازه مستقل خلیفه اولوب هجرتک التمش
دردی سینه سی رجب القدر تک بکرمی رنجی کونی مکه مکرمه ره
خلافتنه بیعت ایتدیلر و عبدالله بن زبیرک کنیه سی ابو حبیب و نام
مادر ی اسماء بنت ابوبکر الصدیقه بعددا عبدالله بن زبیره اهل عراق
دخی بیعت ایتدکلرنده فرنداشی مصعب بن زبیری بصره به و عبدالله
بن مطعی کوفه به والی تعیین یوردیلر عبدالله بن مطیع کوفه به

وارمزدن مقدم خشا بن عبدالله کوفه به واروب والی اولدی و ابن
سبط نام خارجی دخی بصره به کیدرکن مصعب بن زبیره راست کلکله
مصعب سبطی دپه لبوب بصره بی ضبط ایلدی بعده عبدالله بن زبیره
رضی الله عنه مختار محمد بن حنیفه بن علی بن ابی طالب بیعت ایدوب
حضرت حسینک رضی الله عنه دخی اثناء یزید دن آلتی تد بیر ایتدکله
اهل عراق ايله بوخصوصده اتفاق ایتدکلرنده نصرکه مصعب بن زبیر
بصره دن کوفه به کلدی و مختار مصعب ايله منازعه و محاربه ایتدکله
آخر مختار دپه ایتدک نصرکه عبدالله بن زبیر رضی الله عنه مکه
مکرمه بی ازسرنو بناء و تجدید ایدوب ایکی عید باب سعادت کسان
ایتدکین حاج ذوی الابتهاج بندن کوروب و بندن چبقرلردی و مقدمه
مکه تک پوشیده سی یوغیدی بونلر پوشیده ايله لباس ایتدیلر و برادری
عبیده ابن زبیری مدینه به والی نصب ایدوب آرزو ایدن کسان مدینه دن
کلوب مکه بی زیارت ایتسونلردیو یوردی زراون پرسته فتنه و فترتد
مکه مکرمه تک یوللاری منسد اولمشیدی (بنابرین هجرتک التمش ایتدکین
هالنده راه فوضده مکه مکرمه فتح اولدی (پس عبدالملک بن مروان
سیر بر خلافته جلاوس ایتدکین شام حاجی راه کجه دن منع ایلدی زیر
عبدالملک یوم عرفه ده شام حاجنه بکا بیعت ایتدک دیوامر ایدردی
انلردخی قبول ایتدکله خیالی فساد وقوعه کوردی (المقصه عبدالله بن
زبیر حضرتلری اون سینه و اون ایکی کون مصر و حجاز و عراق و یمنده
حاکم اولدق نصرکه عبید الملک شامده قوت یواوب مکه مکرمه بی
عبدالله بن زبیر دن المی ایچون مارالذکر حاج ظالمی اشکر کثیر ايله
حجازه کوندردی حاج ظالم دخی کلوب مکه بی محاصره و جبل قبیسدن
منجیقلا ايله بیت اللهی خراب و یسای ایتدک نصرکه هجرتک التمش
اوچنجی سینه سی جمادی الاول تک اون اوچنجی کونی جبرامکه مکرمه بی
ضبط ایلدی و التمش ایکی باشنده اولان عبدالله بن زبیری بین الصفا
والمروه صلب ایلدی و عبدالله بن زبیرک وفاتندن بش کون نصرکه
یوز یاشنده اولان والده سی دخی متوفیه اولدی و قبه منجره خراب اولغله
عبدالملک بنا و ایتدردی و حاج ظالم مکه شریفه بی بنامه هدم
ایدوب اسلوب سابقه سی اوزره ازسرنو بناء ایتدردی و عبدالله بن زبیرک

یابدردیغی دیواری خارجده بر اقدی الیوم مکه شریفه نك بنانی حج
ظالمك بنیادی اورزه درو عبدالله بن زبیرك رضی الله عنه عبدالله
وحزه وحیب وثابت وعباد وقبس وعامر وموسی نام سكر نفراوغلی
وارایدی وسالم نام کیمسه کنندینك آزادی قوی اولغله قاضی وحاجی
ایدی وامیر مصر عبدالرحمن بن عتبه ایدی اولزمانه کلیمه دنانیرك
نقشی زبان فارسی اورزه ایدی عبدالملك انسان عربی اورزه کنندی
نامنه نقش وضرب ایتدردی وسوره اخلاصی دخی دنانیر اورزینسه
ضرب ایتدردی اما سكه لری کعبه ارایدی آخره زون الرشید ومأمون
ووائق زماننده تام العیار اولدی وهجرتك سگسان بزنجی تار یخنده
عبدالملك امریله حاج ظالم لب بهر دجله به رسم منهد سین ایله مثلی
نایاب بر شهر ایتدیروب میانه بنیاد ایتدردیکی جامع شریف دروینه حفاظ
وقراء ایچون لطیف مقاملر اختراع ایلدی وشهر مذکورك اطرافنه
چا کدردیکی ایکی عدد بار ومیانه تلما وصلحا ایچون مسافر خانه بنا
ایتدردی وبوجه ایله ایکی سنهده تکمیل اولدی اولسنه عبدالملك
حج شریفه کیدوب ینهمه مشقه کشیدی هجرتك سگسان التیمی سنه سی
نصف شوالنده فوت اولدقه اوغلی ولید برینه خلیفه اولدی
عبدالملك مدت خلافتی یکرمی برسنه واون اوج کوندر انجق یدی
سنه سی عبدالله بن زبیر رضی الله عنه محاربه سنهده کچوردی مرویدر که
عبدالملك رؤیاسنده درت کره محاربه قبول ایتمکین بیدار او اوب سعید
بن مسیه رؤیایی تغییر ایتدرده اونه سكر نفرا اولادیک درت نفری
حاکم دیوان او اولردیوریدی واقعا عبدالملك نصکره اولادندن
ولید وسلیمان وهشام وزید خلیفه اولدیلر وعبدالملك قاضیسی
ابوشیر خولانی وعبدالله بن قیس ایدی وکاتبی روح بن ذنباع وقبصه
بن دویدر وحاجی یوسف نام آزادی غلامی ایدی وامیر مصر
قرنداشی عبدالعزیز بن مروان ایدی

* خلافت ولید بن عبدالملك *

ولیدك کنیه سی ابوالعباس در وفادری ولاده بنت عباس بن حسین بن
عبسادر هجرتك سگسان التیمی سنه سی نصف شوالنده ولید باباسی
عبدالملك برینه خلیفه اولدقه دمشقده جامع امیه بنی بنی ایلدی وول جامع

شریف

شریف حولیسنده واقع کلیسای هدم ایلدی وشامده ایتدایمازستان
ومهما نخانه بنی بونلرینا ایتدیلر وبرادر زاده سنی عمر بن عبدالعزیز
حضرت لرینی مدینه منوره به حاکم ایتمکله اولدخی امر ولید ایله مسجد
رسول اللهی توسیع و دیواری بنی صیوایوب بنیاد ایلدی وصلحا وزهاد
ایچون حجرات دخی بنی ایلدی ومکه ومدینهده چار طاقلر وویه بوللرند
یتلارینا ایلدی زیراسی وضوغق و یغور ویا شده خیتامدن غیر
صفه حق محل یوغیدی وهم یتلر لر ایدی وخالد بن عبدالله قشیری
ایله مکه به اوتوز ییک مئقال زر کوندروب کعبه نك ابواب ومیر ابی
التوین یابدردی وزمان خلافت ولیدده برادری سنه بن عبدالملك
ارطوان وانلاس وظلیطه وار دیل وطحارستان وخوارزم وسمرقند
وهندستان وانطاقیه ولایتلرینی فتح ایلدی (حتی حضرت سلیمانك
علیه السلام طعام تناول بیورد قلی آلون سنی بی برکله ساده اله کتوروب
ولید کتوردی وزمان خلافت ولیدده حفظنا الله بصره ده طاعون اکبر
اولوب اوج کونده فرضا اوچیوز بیک انسان فوت اولدقه نصکره قرق
کون پای بصره ده زلزله واقع اولدی وهجرتك طقسان یسنجی تار یخنده
حجاج بن یوسف ثقفی الی اوج یاشنده واسطده فوت اولدقه ارو عورت
مخلط اوله رق محبس واحده اوتوز بیک زن والی بیک ار محبوس
ایدی وحجاج ظالم یکرمی سنه عراقده والی اولوب زمان خلافتده
زندن ماعدایکناه یوز یکرمی بیک کیمسه بی قتل ایلدی (وولید
اوج سنه پلای حج ایلدی وطقوز سنهده وسکرماه خلافت ایدوب عمری
دخی قرق سکر سنهده راره شیدی هجرتك طقسان التیمی سنه سی
اواسط شوالده فوت اولدقه دمشق کورستانده دفن ایتدیلر نقش خاتم
یا ولیدانک میت ومحاسب ایدی حین فوتنده قزلندن ماعدایکناه فوت
نفراوغلری وارایدی وقاضیسی عبدالله بن قیس ایدی

* خلافت سلیمان بن عبدالملك *

ولید فوت اولیجق برادری سلیمان بن عبدالملك قرق یاشنده ایدی
هجرتك طقسان التیمی سنه سی نصف جادی الاولنده خلیفه اولدقه
ایتدا جامع امیه نك ناتمام بر لرینی یابدروب درو دیوارینسه اون ایکی
بیک سنك رخام اضافه ایتمکله هر صنفدیغی یکرمی سکرز فلوریدن

اوله رقی در تپوز صدق آتون خرج ایلدی و قنسا دیلنه آتونندن
آلتوز سلاسل یایا رتدی عمر بن عبد العزیز خلیفه اولی حق انهر افدر
دیو اول قنسا دیلارک سلاسله زنی بیت الماله ضبط ایدوب برینه زنجیر
آهنین یادر تندی و سلیمانک کنیه سی ابو ایوبدرا کرچه فصیح اللسان
ایدیلر فاما کبر و خود بین اولدقلرندن لایم دکسانی قتل ایلدیلر و زیاده
آکل و جسام ایدی شویله که بهر یوم یوز بطن طعام اکل ایدردی
و برادری مسلمة بن عبد الملکی چند بسپار ایلله قسطنطین غزاستنه
کوندرده مسلمة دخی قسطنطین حواله یسندده قشلا یوب تخم اگدی
وغله ایرشیدردی ما حصل هجرتک طوقسان سکرچی تاریمنده بلده
معظمه قسطنطینیه بی بعد الفتح کبره دونوب صفایه وارمید وارزنجان
و عراقین و جرجان و لایترنی دخی فتح ایلدی و هم اثناء راهده غزه
مضاغاندن رهله نام شهری بنیاد ایلدی و ستمیان خود اونلی ایوی ولی
عهد ایشیدی ایوب باباسنک حیاتده فوت اولغین برادر زاده سی عمر بن
عبد العزیز حضرت تریخی ولی عهد ایدوب حج شریفه کیندیلر و بعد
الحج بنه کلا دیلر آخر سلیمان هجرتک طوقسان طوقوزنجی سنه سی صفرنده
ذات الحجب عیادتدن یاخود امتلادن فوت اولدقده وصیتی اوزره برینه
عمر بن عبد العزیز خلیفه اولدی و سلیمانک نقش نکبئی (فنی الشباب
یا عمریز) در واون درت نفر اوغلاری وارد و قاضی سی محمد بن حرمدر
* خلافت عمر بن عبد العزیز *

عمر بن عبد العزیز حضرت تری سنه مذکوره صفرنک اونجی یوم جمعه ده
حلب قریبده مقام داود علیه السلام نام محلده خلیفه اسلام اولدیلر
و مادره کربلای لیلی بنت عاصم بن عمر بن الخطمیدر و عمر بن عبد العزیز
رحمایدن فلانت ظلمی دفع ایدوب جهانی عدل و داد ایلله روشن ایلدی
وزمین خذلک نام محل قدیمدن اولاد فاطمه الزهرایه وقف اولغله
اول زمانده برجهات اولان زین العابدین حضرت تری سنه تسلیم ایلدی و عمر
ابن عبد العزیز خلافتلرندن مقدم کمران بها جامه لر و فاخر لباسلر
کیردی خلیفه اولی حق شهرت و زینتی زک ایدوب شرع و سننه موافق
خفا لایس یوردیلر و اولاد اهل بیت رسول الهی زیاده حرمه لو
و عزتلو طوقدیلم و مدت خلافتلرنده محمد بن عبد الله بن عباس

حضرت تری بنی حارثدن برخاتون المغله عبید الله بن سفاع نام ولد
وجوده کلدی و عمر بن عبد العزیز حضرت تری پیک اجلک و رودندن
مقدحجه محمد بن علی بن مسمر نام ازادلی غلامنی برای دعوت عزافه
کوندردی و عمر شریف تری دخی یکریمی اوج یاخود قریق سنه یه ایرشیمکین
هجرتک یوز برنجی تاریخی رجب الفردنک یکریمی دردنجی کونی خلافت
دنیا دن کفید و آخرت سلطانه غیله ارتحال دار بقا یوردقلرنده جسم
شریفلرین حصده سمعان نام محله دفن ایتدیلر ایوم زیارتگاهدر
حین دفنلرنده بحکمته سبحانه بادشمال احسن خطایله نوشته بر صحیفه بی
درون قبره برافین نظر اولندقده اول صحیفه ده (بسم الله الرحمن الرحیم
براه من الله العزیز الجبار لعمر بن عبد العزیز من النار) دیو محراب اولمش
اولغله اول صحیفه درون کفنه وضع اولنوب بالمعیه دفن اولدی پس
عمر بن عبد العزیز حضرت تری مناقب جلیله سی بی شمار در حتی امام
شافعی رحمه الله تحریراتنده الخلفاء الراشدون خیمه ابو بکر و عمر
و عثمان و علی و عمر بن عبد العزیز رضوان الله تعالی علیهم اجمعین
دیو یوردرل انکیچون خلفاء راشدین ذکره عمر بن عبد العزیز کی
افضل و اعلم و متدین و منشرع خلیفه جهانه کلمشدر خلافتنه
کلجه منابره یریدیلر حضرت علی رضی الله عنه یه سب ایدرلر ایدی
عمر بن عبد العزیز رحمه الله خلیفه اولدقده ناسی سب حضرت
علیدن منع ایدوب خطبه ده موقع سبه کلدیکنده قرله تعالی * ان الله
یا امر بالعدل و الاحسان آیت کریمه منی الی اخره قراءت ایتسونار
دیو وجهه خنثیا به امرایتمکله نظم جلیل مذکور الی الان منابره قراءت
اونور الحاصل عمر بن عبد العزیز حضرت تری ایکی سنه ویش
ناه خلافت ایتدیلر و اون درت نفر اوغلاری ویش نفر دخترلری وارد
و نقش نکبئی لری (عمر بن عبد العزیز یؤمن بالله) ایدی و قاضی سی عبد الله
ابن سعید ایدی و عمر بن عبد العزیز برینه زید بن عبد الملك خلیفه اولدی
* خلافت یزید بن عبد الملك *

یزیدک کنیه سی ابو خالددر و مادری عاتکه بنت یزید بن معاویه در سنه
مرفومه رجبنک یکریمی بشنجی روز جمعه ده خلیفه اولدیلر و یزید
زیاده صاحب جلال ایدی فاما ثمرات نقسانیه سی غالب بر متکر ایدی

حتی مراجعت موافق سلامه و جلیله نام ایکی نفر از یمنی و ارایدی
سلامه فوت اولدوقده دفن ایتدرمدی بعدها جلیله دخی فوت اولغین
ایکسینه دخی لباس فاخره لباس و جواهر ایله تزین ایدوب ایکسینی
قبر و اخده دفن ایتدردی کاهنه یونلری قبردن چیقاروب حضورینه
کتوزدردی و یوزلریه باقوب بکا ایتدکد نصرکه یتنه قبره کوندردی
و بونک زماننده یزید بن مهلب ابن ابی صفرة پیداولغله یزید برادری
مسلمه بن عبدالمملک الوب بونک ایله خوراند موته نام محمده جنک ایلدی
آخر یزید بن عبدالمملک هجرتک یوز بشجی سنه سی شهبانک یکریمی
بشجی کونی قتل اولندی یس یزیدک مدت خلافتی درت سنه
و برما مدر و مهری (فی الشباب یا عزیز) در و سکر نفر اولادی واردر
مقدمه قاضی بنی عبد الرحمن خشدخاش ایدی فوت اولغین سعد بن ابی
وقاصی قاضی ایلدی و یزیدک فوتند نصرکه برادری هشام خلیفه اولدی
* خلافت هشام بن عبدالمملک *

هشامک کنیه سی ابوالولید در و مادر ی فاطمه بنت هشام بن مغیره
نخ و میدر سنه مذ کویه و یوم مرقومده هشامک خلافتنه بیعت ایتدیلر
هشام صاحب سیاست و غایت محکم و بخیل و خود بین اولدیغیندن
کنسه نک تدبیرنی بکمیوب کندور ایله عمل ایدردی و برادری مسلمی لشکر
ایله ترکستانه خاقان اوزریند کوندروب محاربه ده خاقانی قتل ایتدیروب
یزید خلیفه اولدی و زید بن علی بن حسین ظهور ایدوب هشامک
خلافتنه تعرض ایتدکه یوسف بن عمری کوندروب محاربه ایتدردی
آخر هجرتک یوز یکریمی برنجی سائده زیدی قتل ایتدردی و هشامه
منطب دیو لقب قومشرا ایدی زیرا قدس شریفده اولان اهل بیتک
ایکسینه جائداتی و یرمیوب عضیات ایلدی و قرنداشی سعید بن عبد
المملک قبه صخره الله ایله بیت المقدسی زمان هشامده تعمیر و مرمت
ایلدی و هشام موسم حجه حجج ایله حج ایدرکن حین طوافده
برکیمسه ید راست کادیکه هرکس اولکیمسه ید فوق القایه تعظیم
واعتبار ایدرلر بو کیمدر دیور صور دقده امیر المؤمنین حضرت علی
رضی الله عنه اولادندن محمد باقر حضرت زیدر دیدلر هشام دخی
محمد باقر حضرت زیدنه اعتبار و التفات ایتدیلر (یس هشامک الی

اوج سنه ید وارد دقده یدی سنه و اون بش کون خلافت ایتدشیدی
هجرتک یوز یکریمی بشجی سنه سی ربیع الاخرینک یکریمی بشنده
فوت اولدوقده امسالک ایله رک جم ایلدیکی مالک جعنه خلفادن
برکیمسه قادر اوله مشدر برینه خلیفه اولان ولید بن یزید الزندیق
اول مالی ضیط ایتکله عاقبت الامر هشام مدیونا دفن اولیدی
و هشامک رسم مهری الحکم العلیم الخلیم ایدی و اون نفر اوغلارندن
معاویه نام ولدک کنیه سی ابو عبد الرحمن ایدی و اندلسه بک نصیب
ایتدی و سلیمان دخی بونک اولادندن آخر سلیمانی سفاح قتل ایلدی
* خلافت ولید بن یزید *

ولیدک کنیه سی ابوالعباس و مادر ی حجاج بن یوسف ثقفینک دختریدر
سنه ۷۰۹ پوره جمادی الاخرنده خلیفه اولدوقده قرق یاشندن زیاده
ایدی اما مرد ذواق و سبک دین اولغله سرمایه اوقاتی شرب خمر
و ملاحی و مناهیه صرف ایتدیگیندن بشقه اکثر اوقانده جنب
و همل و ملوث البسه ایله نمازه شروع ایتدیکنی جار به سی خلیفه
افشا ایلدی برکون ولید مصحف شریفدن تقال ایتدکه (واستقبحوا
و خاب کل جار عنید) آیت کریمه سی ظاهر اولیق ولید یلبد تمور
ایدوب حاشا ثم حاشا مصحف شریفی یرتوب خلاف شرع شریف
خلطیات ایلدی اکا یردیوان ولیدک خیانتنه تحمل ایده محبوب سن یزید
بن عبد المملک قتل ایدک دیو بهانه ایله هجرتک یوز یکریمی النجی
سنه سی جمادی الاخرینک یکریمی سکرنجی پنچشنبه کیمه سی آل امیه دن
عید العزیز بن حجاج بن عبدالمملک معرفتیه و ایدی قتل ایدوب دمشقده
باب القرادنی دروازه سنه دفن ایتدیلر و ولیدک عمری اوتوز سکر سنه
و مدت خلافتی دخی برسنه و ایکی ماه و یکریمی ایکی کوندر و نقش نکینی
یا ولید احذر الموت در و اون اوج نفر اوغلی و برقری واردر و قاضی بنی
محمد بن عفاندر ولیدک فوتند نصرکه برینه اوغلی یزید خلیفه اولدی
* خلافت یزید بن ولید *

یزیدک کنیه سی ابوالخالد و مادر ی شاه فریدون بنت فیروز بن بردجرد
ابن شهر یاردر سنه ۷۲۰ پورده و یوم مذکورده خلیفه اولدیلر یزید
اگرچه زیاده فصیح اللسان و بلیغ البیان ایدی فاما زیاده متکبر و ظالم

بیداد اولمغه التي ماء و برقاج كون خليفه اولوب عيضا ضحاده طاعوندن فوت اولدى بريدك نقش نكيني بايزيدارقم الحق در وقاضيه سي عثمان بن عمر بن معمر ايتدر و بريدك فوتند نصكره يرينه ابراهيم بن وليد خليفه اولدى

* خلافت ابراهيم بن وليد ابن عبد الملك *

ابراهيمك كنيه سي ابو اسحق و مادري مصعب بن زبيرك ~~كبيرك~~ بريسيدرمكر مروانك مذهب باطله زنده جاريه اوغلي خليفه اولماز ايمش مروان عراقدن ابراهيمه سني خليفه نصب ايدردك اما والدك جاريه در ديو خير كوندردكه پيغمبرلكك قدر وشاني خلافتدن افزونتردد (حتي حضرت اسمعيلك عليه السلام مادر مكرملري جاريه ايكن حضرت اسمعيل پيغمبر ذيشان اولديلر ديو جواب باصواب ايليجك هجرتك يوز بكرمي التتبي سنه سي ذي الحجه سنه ضروري ابراهيمه بيعت ايتديلر اخر ابراهيم هجرتك يوز اوئوز ايكنجي سالنده خلافتي مروانيله تسليم ايلدى ابراهيمك نقش نكيني توكلت علي الحى الذي لا يموت در وقاضيه سي عثمان بن عمر نيمدر

* خلافت مروان بن مروان بن حاكم *

ابراهيم بن وليد خلافتي مروانيله تسليم ايلدكه يرينه مروان خليفه اولدى مرويدركه وليد بن يزيد اشبومروان خري ولايت ارمنه والي نصب ايتمشيدى وليد مقتول اوليجق مروان خروايدك يرينه كلوب وليدك مني طلب ايتكه كيدر كن وليدك اوغلي بريد فوت اولدى اما بريد برادري ابراهيم بن وليد ولي عهد ايتشيدى مروان خمر حصه كلكه هجرتك يوز بكرمي طقوزنجي سنه سي صفرنده مروان خره بيعت ايتديلر بو كيفيتي ابراهيم بن وليد اشيدوب سليمان بن هاشمي لشكر ايله مروان خراوزرينه كوندردى اخر مروان خر سليمانك لشكر بن صيوب و نجه سني اسير ايديجك سليمان شامه ككلى مروان خردخي سليمانك اردنجه كلكه ابراهيم بن وليد وقعه دن خبردار اولوب ضروري خلافتي مروان خره تسليم ايلدى و اهل شام دخي مروان خره بيعت ايتديلر اما بنى اميه نك دوات و خلافتي انقلابه رسيده اولمغه ابو مسلم خراساني ظهور ايدوب آل عباسك دولتي مروان خردن طلب ايلدى و بكاييت ايدك ديو مروان خره خبر كوندرمكين مروان خر

دخي فصحاى عربدن عبد الحميد بن يحيى بن كتوردوب فصاحت و بلاغت و تحريف و تهديد دن عبارت نامه يازد يروب دوه به تحميل ايله ابو مسلمه كوندردى مال نامه بودركه اكر حق تعالىنك مورنا توانه شفقتي اوليدى اكا پرو جناح و يروب قنسادلند رمزدى بونامه بي بالذات سن اوقورسك خوار و ذلتكي ييلورسن و اكر غيره اوقيدرسك مضمونه واقف اولمغه لشكرك اشيدوب كايا تفرقه اولورلر چون نامه ابو مسلمه ايرشدى) بعد القرائة و الاحراق (صد هزاران بار اشتر كر بلاغت باشدى كه شدي چون ضرب تبغى بر سر مروان خر) بيتنى يازوب مروان خره كوندردى بيتنى اكر يوز بريك دوه يوكن بلاغت ايشه يارايه ايدى اما ايشه يارامز امدى بودكلو بلاغت مروان خرك باشنه بر قلع ضرر بي قدر اولميه بلكه بر قلع ضرر بي بودكلو دوه يوكن بلاغتدن يكد ر پادشاهلغه بلاغت يرامز بلكه قلع بازار ديمكدرد (چون مروان خرك كوندردىكى الحى كلى ابراهيم بن وليد دن لشكر كتوردوب ابو مسلم ايله جنگ ايتكه فرمان ايلدى اما مروان خر بيلز كه دولت و خلافت و سلطنت كند بدن رو كردن اولدى لشكرك كثر و ووفرقي قائده و برمرزا و اوانده عباسياندن ابو العباس سفاح عبدالله بن محمد بن علي بن عباس بن عبد المطلب عبدالله بن رضى الله عنهم حضرت نلري اهل بيت و قريش اشرافه كوفه به كلكه هجرتك يوز اوئوز ايكنجي سالي ربيع الاولنده اهل كوفه بو كه بيعت ايتديلر بس ابو العباس جنابلري عبدالله بن علي بن عبد الله هبى لشكر عراق ايله مروان خراوزرينه كوند رمشيدى مروان خردخي مسلم اوئوزرينه كيدردى حوالى موصلايه مزاب نام محله رو برو راست كليچك ايكني لشكر بر يرينه كيزوب اولرتبه جنگ ايتديلر كه مروانبايك ~~ك~~ و زرينه عرصه جهان نك اولمغه حجاز و خراسان طرفندن فراه آهنگ ايتديلر ايسه ده عبدالله غالب و مروان خرمغلوب اولوب مروان خري فلسطينه قدر قو و ديلر چون مروان خرك آفتاب دواتي افق زواله ايريشوب مغرب طرفنده مصر نو اچسني كوتدى و بو صير نام قريه به ايريشوب اولاد و انسايي جمع ايلدى و ايتديكه بواشكر البته ورامزدن كلوب بزه ايريشوز بنم ايسه بونلرايله محاربه به قدرت و طاقت بوقدر هر بركنر بروفق مرام خزينه مدن

مال اکوب بعد ازین بدن بعد اولک زیزا بکا اوله جق اولدی دیوجک مروان خرنک اولان وانسابی کریمه وزاری به باشمشلرایدی لشکر عبدالله طهمورایمکین مروان خرنک و تنها فرارایدوب برخانه به کیردی و برای اختفادزون تنوره کیزوب اوستنی اورتدر کدنه کمره عسکر اول خانه به کیرد کلزنده برخانون مروان خرنک درون تنورده اولدیغنی اششارت نظر یفانه ایله خبر ویرمکین مروان خرنی تنوردن خبقه ساروب هجرتک یوز اوتوزالتنجی سینه سی ذی الحجه سنک اون یدنجی کونی باشنی کسوب سردارلی اولان عامر بن اسمعیل اوکنه کتوردیلر (پس لشکر عامر مروان خرنک خزینه و اموالی تاراج ایتدیلر و اولاد و عیال واقربا سنی دخی برکلبسا دروننده بو اوب انلری دخی حضور عامره کتوردکلزنده عامر دخی مروان خرنک سر بی سعادتی دیزینه قیوب مروان خرنک دخترینه حضرت حسینک رضی الله عنه سر سعادتی یزید پلید یوتله ایتمشیدی بو کون اول روز آنشفر و زک عوضیدر دیوجک دختر مروان خرنک کریمه وزاری ایله هرزه کویلق ایتدکده کیفیت احوال جناب ابوالعباس سفاحه انما اولنجی سفاح آدم کوندروب مروان خرنک باشنی و اهل بیتنی استندکده مقدما یزیدک علیه السلام آل و اولاد حضرت رسوله علیه السلام ایتدیکی حقارت چکر سوز کی عامرک امریله مروان خرنک اولاد و عیالی یالن ایاق و باشی اچق هود جسز دوه زه بندروب ابوالعباس سفاحه کوندردیلر چون ابوالعباس حضورینه مروان خرنک کله سبیل اهل و اولادی واردی مروان خرنک هورت و دخترنی عامر اوکنده ایتدکلری شیدار بانلغه باشلیجق جناب ابوالعباس سفاح شوکونا جواب یوردیلر که مروان محیده ابراهیمی بیکناه قتل ایتدی و یزید بن معاویه حضرت حسین بن علی ایله اولاد کرام حضرت غلبدن یمش نفر سادات کباری قتل ایدوب مسرات عظیمه ایتدیلر و مخدرات سرارده رسول اللهی انواع اهاات ایله یوزلری اچق هود جسز دوه زه بندروب میانه ناسده کزدردی (و حضرت حسینک سر سعادتی شهداء سائر باشلریله کوندلر اوجنه طاقوب کزدردی و عید بن زیاد نام خارجی یزیدک امریله مسلم بن عقیل بن ابوطالبی شهید ایلدی و هشام بن عبدالملک خراسانده یزید بن علی بن حسین

ابن علی بن بیکناه بردار ایلدی اولاد و زوجات طاهرات رسول اللهیه بود کلو خلاف رضای بازی انواع حقارتی مقدما سزایتدیگر شمعی بر سره ایتدیگر دن زیاده ایتک کر کدر تا که اولوالابصاره نتیجه عبرت اوله دیو خطاب یوردیلر (مرویدر که صالح بن علی مروان خرنک سریدولتی عبدالله بن علی و عامر طرفندن ابوالعباس سفاح حضورینه کتوردکده سر مروان خرنک برطشت درونته قونیلوب سفاح دخی طعام تناولنه مشغول اولمشلرایدی بحکمته سبحانه بر کریمه موزی کلوب مروان خرنک زبانی حقاروب اکل ایتکه باشلیجق کوندلر عبرت الوب انکشت بردهان خیرت اولدیلر (بعد از جناب ابوالعباس مروانک باشنی خراسانده ابو مسلم کوندردی اول دخی سمرقند و ماوراء النهر کوندردی ما حوصل هر نه طرفه کوندلر دیلرایسه سنبلر بر مقصدار اطفال آتش عداوت ایدوب انواع ایتهاج ایله شادمان اولدیلر (پس مروان خرنک عمری الی طقوز سنه در و بیعت سفاحه دکن مدت خلافتی بش سنه و بر ماهدر و بیعت سفاحدن قتل اولنجیه دکن ینه بش سنه و اون ماهدر بو تقدیرجه جمله خلافتی اون سنه و اون بر ماه اولور و نقش نکینی اذ کر الموت یا غافل ایدی و یزید بن معاویه دن مروان خرنکانه کلنجه مارالبیان اون درت نفر خلفاء بنی امیه نک مدت خلافتلری طقسان طقوز سنه و طقوز ماه و برقاج کوندلر * در میان خلفاء عباسیان *

آل عباسدن ایتدا خلیفه اولان جناب ابوالعباس سفاح هجرتک یوز اوتوز ایکنجی سنه سی ربیع الاولک اوچنجی جمعه کونی نخت عالجنت خلافته جلوس اولدیلر و بونلرک زماندن ابو عبید الله مستعصم بالله زمانته دکن یدی نفر خلافت بربری اردنجه خلیفه اولدیلر و بونلر اوتوز یدی نفر خلافت اولوب جمله مدت خلافتلری بشیوز میکر می درت سنه در اگر چه بومیانه ده علویلردن و سلجوقیلردن برقاج کیمسنه امیرلک ایتدیلر هر تقدیر خلافت ایله شهرتساب اولدیلر ایتسه ده آل عباسک توارنجی میباندن کبقیا تلی بروجه آتی بر سبیل اجمال ذکر و بیان اولنور

* خلافت ابوالعباس سفاح *

یعنی عبدالله بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب در
هجرتك يوز در دنجی سالنده شام ناختید سندن خمیه ده والده می
ربطه بنت عبدالمطلب وجوده کلدیلر جناب ابوالعباس سفاح
خوب صورت و نیکو سیرت و جوانمرد و کویک تدبیر و صاحب حسن
خلق و کرم ایدیلر (حتی اولاد حضرت علی بن عبدالله بن حسن
ابن علی بن ابوطالبه ایکوز بیک درهم عطا پیوردیلر) و ابوالعباس
سفاحك ایام خلافتنده عبدالله بن علی بن ابوطالب دمشق کلوب
خلفاء بنی امیه بی مقابرتدن اخراج و احراق ایلدی و بوجمله دن
هشام بن عبدالمطلب دخی قبرتدن اخراج و ویلرندن بردار و میتة سنه یوز
اغاج آورد قد نصکره احراق ایلدی (و عتقای حضرت بلال حبشیدن
سدیف نام کپسنه کبرای بنی امیه دن در یوز نفر کسانى ابوالعباس
کوندروب حبسنده دپه لندی و ابوالعباس سفاحك اطف و کرمی
بررتبه مبذول ایدیکه صحبت خاصندن فرد واحد محروم و ناامید
اواز دی و دائماً علما و مشایخین و فقرا و سپاهه احسان فراوان ایدردی
هجرتك يوز او توز النجی سنه سی ذی الحجه سنك اون طقوزنجی کونی
چمك علتندن او توز اوچ باشنده ارتحال دار بقا ایدیلر مدت
خلافتلری درت سنه و طقوز ماهدر و نقش نکیلری عبد الله در
و محمد نام اوغللری معصوم ایکن اولدی و ربط نام قزینی منصور
دوانقینك اوغلی مهدی به تزویج ایلدی و وزیرى ابومسلم و قاضی
ابن ابی لیلای انصار بدر و جناب ابوالعباس سفاحك فوتند نصکره
قرنداشی ابو جعفر محمد سر بر خلافتنه جلوس ایلدی

* خلافت منصور دوانقی *

اصل نام شریفاری ابو جعفر محمد بن محمد بن علی بن عبدالله بن
عباس بن عبدالمطلب و منصور دوانقی عنوانی کنیه لیدر و بولر
ابوالعباس سفاحك اون بش یاش یولک برادریدر و منصور دوانقی
هجرتك طقسان بشنجی سالی ذی الحجه سنه عالم وجوده کلدیلر
احادیث شریفه و اخبار صحیحه و قصائد و اشعاردن خیلی مستحضر تی
اولمغله زیاده نازک طبع نادر الوجود ایدیلر و مادر محسنه لری سلامه
بنت بشیر بر بریده در سفاح فوت اولد قلنده منصور دوانقی خراسانده

ابومسلم ایله مکرانده ایدی و اول سنه ابومسلم خراسانی بی امیر حج
ایدوب بالمعیه حجه کتیلر ایدی حج شریفدن عودتلرنده سفاحك
خبر فرتی شایع اولیقق ابومسلم ایله منصور دوانقی میانده منافسه
کیددی منصور دوانقینك خلیفه اوله جنی ابومسلم معلومی اولیقق
ابومسلم اولمغله منصور دوانقیدن ایریلوب عراق زمینه کتیدی
منصور دوانقی صدر خلافتنه جلوس ایدیچك مسجد بیت الحرامی
باب مروه طرفندن توسیع ایلدی (و هجرتك يوز او توز طقوزنجی
سالنده مسجد خنی بنایلدی و زمان خلافتنده شهر بلتان و دیار
قندهارقح اولمغله بوا یکی شهرک میانده اولان قصبات و قراویتخانه لری
هدم ایتدردی و یکیدن بنایدوب اهل ایمان ایله طوادر در قد نصکره
هجرتك يوز قرقچی سالنده حج شریفه کیدوب اولا تر به عالی تراد
رسول الاهی بعده بیت المقدسه واقع مزارات فائض البرکات انبیا و رسل
علیهم السلامی زیارت ایدوب عراق زمینه عزیمت ایدیلر (و بغدادك
جانب غربیسنده اولان جامع منصوری بنایلدی و اول زمانده نهر شط
طغیان ایدوب بغدادك مساجد و مدارس و ابنیه عالیلرینی هدم ایتکله
اهالی بغداد مرفع محله ده خصیر و کلیملردن بناگاه ایدینوب ساکن
اولورلردی نهر مذکورک طغیانلخی ساکن اولد قدنده منصور دوانقی
سرانك بتاسنه باشلیق وزیرا و امرا و علما و خدام و سپاه سرای عالی
حواسنده کندی نفسلر یچون منازل بنایت ایدیلر اول شهرکزینك
نام همای بغداد رکن آباد نامیله بنام اولد قد نصکره منصور دوانقی
ینه مکة مکرمیه واروب هر بر خانه به بیکر اچا احسان ایلدی
و بدرقه نام کسنده بیکر اچا و یروب بدرقه ایله مکة ده واقع خانه
عائکه رضی الله عنهابی زیارت ایتکله بدرقه به عطای یدشمار احسان
ایلدی و منصور دوانقینك زمان خلافتنده محمد بن عبدالله هجرتك
یوز قرقچی سالنده مدینه به کلوب عبسی بن موسی ابن عباس ایله محاربه
ایتدیسده محمد بن عبدالله حین محاربه ده قتل اولندی (بعده بصره دن
محمد بن ابراهیم بن عبدالله قرنداشی محمد بن عبدالله ک فانی طلبنه
لشکر چکوب عبسی اوزرینه وارد قدنده اولدخی مظهر قهر شمشیر
عبسی اولمغله منصور دوانقی عباسدن وهم ایدوب تدبیر هلاکته اهتمام

اینگه باشدی و آخر رأی و تدبیر ایله بوستانه خاکستر دن برخانه
 بنا ایتدیروب درونده بیدل قالچهلر بسط ایلدی و فغفور ی کاسدر ایله
 بعد التزین عبسی بن موسای انواع عذر خواهی ایله اول خانه به دعوت
 ایدوب کتوردی و بر کجه اوراده مهمان ایدوب کندی سرایه کندی
 و یاغانه امر ایدوب صوصالیو برنگله آب خانه خاکستره ایشمکین
 خاکستر هدم اولغله عبسی مرد اولدی (بعضیلر دیرلر که سفاح فوت
 اولردن مقدم عبسی بن موسای ولی عهد ایشیدی منصور دوانقی
 چکه محبوب ایل و نهار عیسایک حیل اعدا می تفکر ایدردی و کتند نصکره
 او علی محمد مهدینک خلیفه اولمسی تمی ایدردی برکون عمی عبدالله
 بن علی بن عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب بن هاشمی بی برهانه ایله
 حبس ایدک دیوب کندیسی حج شریفه عزیمت ایلدی و حین عزیمتده
 عبسی بن موسایه بن کعبه ده ایکن عم عبداللهی قتل ایله دیو سرا
 شو ایلدی مقصودی عیسای بعد زمان عبدالله برینه قصاصا قتل
 ایتک ایدی عبسی دخی عبداللهی قتل ایتدم دیو میدانه افواهی برسوز
 چقاردی (و قنا که منصور دوانقی حج شریفدن کلدیلر عبداللهک
 احباسی عبداللهک حبسدن اطلاق منصور دوانقیدن رجا ایتدکارنده
 عبداللهی زنداندن چقاردیو عبسی بن موسایه امر ایتدیجک بن عبداللهی
 امر یکز اوزره قتل ایتدم دیو منصور دوانقی به سرا افا ده ایلدکده
 منصور دوانقی تهوره کلوب حاضر اولان اهل دیوانه ای اهل ایمان
 اشو عبسی عم عبداللهی قتل ایش شمدی سنک امرک ایله قتل ایتدم
 دیو بکا افترا ایدر دیو چک اهل دیوان عبداللهک مقتول اولدیفنی
 استماع ایتلریله عیسایک قتل اولمسنده اقدام تام ایتدیلر (یسر عبسی
 قتل اولنه جفنی یقینا بلکه عبداللهی اختفا ایتدیکی محلدن کتور دیوب
 اهل دیوانه کوستر یجک جمله شرمند اولغله بو تدبیر حکما نه ایله
 عبداللهی منصور دوانقینک شمشیر عد و انندن خلاص ایلدی
 (محکیدر که برکون منصور دوانقی امر اسندن سلیمان بن راشدک معینه
 بیک نفر لشکر عجم تعیین ایدوب برای غزا چاناب رومه کتوردی
 واطیفه ایدوب یاسلیمان معینکه یسک نفر شیطان تعیین ایتدم دیدیلر
 سلیمان دخی اول لشکر ایله موصله وارد قده لشکر عجم رعایا به ظلم ایتدین

موصلاک کبرانی لشکرک تعذیبسندن منصور دوانقی به شکایتلرندمه منصور
 دخی سلیمان نامه یازوب ایتد کتورت النعمه یاسلیمان دیو نامه شنده درج
 ایلدی سلیمان دخی جوابنده (وما کفر سلیمان و لکن الشیاطین کفروا)
 دیو نظم جلدن اقتباس ایتدین منصور دوانقی سلیمانک معذرتی قبول
 ایلدی (و حضرت امام اعظم نعمان بن ثابت رضی الله عنه اشبو
 منصور دوانقینک حبس شده ارتحال دار بقایور دیلر آخر منصور دوانقی
 هجرتک یوزاللی سکرچی سنه سی ذی الحجه سنده حرم محترمه فوت اولدیلر
 عمر عزیزی التمش اوج سنه و مدت خلافتاری یکرمی یکی سنه
 و مهری الحمد لله در و منصور دوانقی فوت اولدقده اون برنقر اولدند
 فرزند بر کتری محمد المهدی تخت مالینخت منصوره خلافتله فیلین اولدنی
 * خلافت ابو عبدالله محمد المهدی *

محمد مهدینک مادری ام موسی بنت منصور بن عبدالله بن سلام بن زید
 الحمیر بدر سر بر خلافته جلوس ایتدیکی آنده والدی منصور دوانقینک
 ظلم و بدعتلری رفع و زنداندن موجود اولان محبوسلری آزاد و مسیح
 بیت الله الحرامی توسیع و حجاج ذوی الاقباح ایچون بین الصفاة و المرءه
 ایکی عدد میل بنیاد ایلدی و صفینک بهلوسنیده بر خراب مسجید وار ایلدی
 نعمیرو آبادان ایلدی (محکیدر که محمد مهدی مکرمه مکرمه حرم شریفک
 اطرافنی رخامدن ستون ایله احاطه ایشردی و سطح کعبه بی اطلس ایله
 اوزتوب قنادیل حرمه زرین سلاسل ایلدردی و حرم شریفه یکر می اوج عدد
 باب ایتدردی و بیت مکرمه بی چاق وسط حرم محترمه ایلدی و هجرتک
 یوز التمش سی سنه سی ذی الحجه سنده خلیفه اولغله ارکان دولتمدن
 منصور نام یکی الوب حج شریفه عزیمت ایتدیلر ارکان حجی بعد الادا
 یانصور مرادات دیوبیک هر نه ایش سو یله ویره بم دیدکارنده بیت اللهده
 محبوسقدن مر دار مال رجا ایتدکه حق تعالیدن حین ایدرم دیو جواب
 ویر یجک محمد مهدی کریمه وزاری ایلدی (و منصوره بیک مقال التون
 احسان ایلدی و محمد مهدی فرزند بر کتری هزار و ایشیدی برای غزا
 لشکر ایله رومه کوندرمکین اولدخی قسطنطنیه به واریجق قبضه
 رومدن صلح اخراج و مال فراوان الوب ینه عراقه رجوع ایلدی و محمد
 مهدینک شکل و شمائلی امویه دن قطب الاقطاب عمر بن عبدالعزیز

حضرت تریته مشایبه ایدی آخر محمد مهدینک وجودنه مرض مسکنه
عارض اولغله هجرتک یوز التمش طقورنجی سنه سی محرم سنه دا آخرته
رحلت ایتدیلر عمر عزیزی قرق اوج سنه ومدت خلافتی اون سنه
ویرماه واون بش کوندن ومهری حسبی الله در اون برنقر اولادندن
موسی الهادی سیر بر خلافته جلوس ایلدی

* خلافت موسی الهادی *

هادینک مادر محصنه بی خیروان خیو شدن وهادی هرون الرشیدک
لاب برادریدر محمد المهدینک وفاتنده هادی طبرستانده بولغله هرون
برادری هادینک بالوکاله بیعتی ایتدردی وریع نام صاحب دیوانه مکتوب
کوندروب اهل بغداددن برادری هادی ایچون بیعت طلب ایتدکده
سپاه واریاب مناصب ریعه هجروم و مال و منالی غارت ایتدیلر بو خبر
هرونه وار یحیی همان برامکه دن یحیی بن خالدی الوب بغداده کلدیلر
وریعک احوالی و سپاهک ریعدن ایجه طلب ایتدکلر یی کور یحیی
یحیی بن خالد طرفینک میانه لری بی تألیف ایدوب درت ایلای علوفه
و طونلقارینی و یرمک اوزره رباطه ویردی ابواننده هادی بغداده
کلوب سیر بر خلافته جلوس ایتدکده کافه اهل دیوان واکار هادی به
بیعت ایتدیلر اول زمانده دیار افریقیه ومغرب و بربرزمینی هرون الرشیدک
تضرر فتنده ایدی هادی وافر مالک دخی علاوه والحق ایدوب انواع
رعایات ایله هرونی ممنونانه ممالکینه کوندردی بعد زمان هادی علی بن
موسی بن همامانی صاحب دیوان ایدوب طبرستان حوالیسنده اولان
امیر ایله هادینک میانه لری صلح ایلدی هادی دخی ممالکینه رونق
و طراوت و پروب تحویل نام ایله مشغول اولدی انکیچون هادین اوز که
فضیلت و دیانت و علم و معرفت ایله معروف خلیفه جهانه کلامشدر
دیو مشهوردر آخر هجرتک یوز شصتی سالتده موصل طرفنه سفر
ایدوب حوالی موصلده شهر حدیقه مضیافتندن عبسی آباد نام
قریه ده وفات ایتدکده برینه برادری هرون الرشید سیر بر خلافته
جلوس ایلدی موسی الهادینک عمر کرانماه لری التمش اوج سنه
ومدت خلافتی دخی برسنه اوج ماهدر

* خلافت هرون الرشید *

هرون الرشید خلیفه اولدیغی سکون اوغلی مأمون وجوده کلدی
آل عباسدن هرون کی صاحب عز و اقبال و مالک شرف اخلال
خلیفه کلمه شدن بر اجمع ملوک و سلاطین و امرا درگاه فلک شاه
هرونه کلوب خلافته بیعت ایتدیلر وروم و ترک و مصر و شام و صفالیه
ومغرب وهند و سندیون هرون الرشید خراج ویردیلر و هرون الرشید
بغداددن حج بیتله مدینه به ورود و مدینه دن مکه مکرمه به ماشیا
کلدیلر (مرویدر که هرون الرشید حیاتنده جعفر بن هادی بی ولی
عهد ایتدیدی حین وفات هرونده جعفر حاضر اولغله خالد بن
برمکی در حال جعفر بیعت ایتدیلر و اهل دیوان خلیفه خالد تابع
اولاد قد نصیره قلع چکوب جعفر بن هادی به هجروملرنده جزیه بن
حازم ایلرویه واروب با جعفر اگر خلافتدن فراغت ایتزایسک بالله سی
قتل ایدرم دیمکله جعفر خلافتدن خواه ناخواه ضروری فارغ اولدی
وخالد برمکی ابنه ملوک ساسانیان دن اولغله هرون الرشید خالده کال
توقیزندن پایه وزارت احسان ایلدی (تحکیدر که هرون الرشید بر کیمه
عالم بعثاده رسول الله علیه السلامی کوروب یا هرون حق تعالی سکا
مرتبه خلافتی بمنزله ایتدی امدی حج ایله وغزا ایله و اهل حرم
بیت الهی انعام واحسان ایله غنی ایله دیوار پیورد قلیتیه مینی هرون
الرشید اولسنه شعبانده حج شریفه کیدوب مکه ده مجاور اولدیلر
واهل مکه به انعام بیغایه و صدقات مالانهایه عطا یوردیلر و سنه آتیه ده
حج شریفدن روم طرفنه برای غزا عزیمت ایتدیلر و بوز و یاد نصیره
بروقق مأموزیت برسنه حج و برسنه غزا ایدر لردی (تحکیدر که
هرون الرشید جلالی جعفر بن هادی بن برمکی بی بدرجه تلطیف
ایدردیکه حرم خاصنده یله جعفر موجود اولدیغی حالده خواتین
واجواری ایله شراب نوش ایدر لردی اما جعفر برمکی عاقبت اندیش
مرد دانا اولغله اهل حرم محرم خلیفه در حال مستیده بنسدن نامرا
برکیغیت وقوعه کله چک اولور ایسه هرون بکا مغیر خاطر اولور لردیو
ملاحظه ایدوب دامن صحبتی مجلس عشرت هرندن دوشیروب برقاج
کون صحبت خاصنه وار میحیی هرون الرشید جعفر برمکی بی کتوردوب
عندم میحییکن شرفی صورت قدده جعفر برمکی خباکای هرونه عذرینی

ضروری بیان ایلدی مکرهرونك عباسه نام برخواهری واریدیکه
 نهله حسن وجمالی جهانگیر ایدی و نزد همایونلرنده قدری سائر
 همیشه لرتدن افزون اولغله همیشه انکله عیش و عشرت ایدردی
 جعفر برمکیك معذرتی برطرف اولغیچون هرون الرشید عباسه بی
 میانه ده ازواج معامله سنی اولمق شرطیله جعفر برمکی به تزویج انکله
 جعفر برمکی کا کان مجلس عیش و عشرته دخول ایدردی یوم من الایام
 فرصت اولغله جعفر برمکی ایله عباسه محاممت ایدوب پرواد مذكر
 وجوده کلچك عباسه ولدی بر جاریه ایله خفیجه مکه به کوندردی
 بعد زمان عباسه اول جاریه به برخصوص ایچون خشم ایدوب بالله
 الکریم سنی اعدام ایدرم دیمکله جاریه مکه دن فرار و سیرای همایونه
 دوشوب وقعه بی تفصیلا هرون الرشیده خبر ویریمک هرون الرشید
 غایبده رنجیده خاطر اولدیغده جعفر برمکیك اعداسی فرستیاپ
 ولوب مجلس هر ونده برمکیك خیانت و خیانتی یاد اتمکله باشلدیلر
 (پس جعفر برمکی کشتیدن هرونك ملالتی تفرس ایدوب نیم جان ایله
 خراسانه کتشدی هرون الرشیدك خدمتده اووب جعفر برمکی ایله
 میانه ده خفیجه عداوتی اولان مسرور و سیاق نام شخص مجلس هرون
 الرشیده کوروب جعفر برمکی به خراسانی ویرمش سکر مقصودی حرم
 همایونکرده ایتدیکی خیانت مقتضایی خا کاپکرذن دور اولمقدور زیر
 حلیله محترسه کرزیه خانم حضرتلردن ماعداسیله یینلری او یغوند
 دیوانان غلبه ایلدی شمدی اجتماعد که خراسانه وارد قده سزه
 عاصی اوله یوچك هرون الرشیدك آتش غضبی یوره کندن باش چکوب
 غیبه سیاست قوردرتدی و چند نفر بهادرانی درون خیمه به پنهان
 یتد کندنسکره مسرور و سیاقه و از جه قری سرانیدن کتوروب دیله
 دیوان ایلدی یتدل یکمیشیدیکیم بچاره جعفر غضب پادشاهیدن
 بیخبر جاره لایله ذوق و صحبت ایدردی مسرور و سیاق اجازت ایله
 جعفر برمکیك یانه دخول ایدوب بعد السلام سزای خلیفه دعوت
 ایدردیو خیمه به کتوریمک جعفر برمکی مصیحت واقف اولوب امان
 طلب اتمکله رخصت ایله ایکی رکه ستمزی بعد الاداء والاستغفار
 مسرور و سیاق جعفر برمکی فی قتل ایدوب باشی هرون الرشید عرض

ایتد کده هرون الرشید همیشه خا نك باشی بویله اولسون دیدیلر چون
 صباح ولدی هرون الرشید مسرور و سیاقی کوندروب جعفرك باباسنی
 و فرنداشنی جیس ایتدوروب جمیع اهالی مساعدنه ایلدی (مرویدر که
 هرون الرشید ایکی بقالو برجامه فاخره دکدرمشیدی و اول جامه بی
 جعفر برمکی ایله کتوب هرون او جامه نك بریفاسندن و جعفر دخی
 بریفاسندن باش کوسرتمکله یک وجوده مایه سنده اوله رق عیش و عشرت
 ایتلریله هرون الرشید امور خلافتی بالکلیه برمکیله تفویض ایتشدی
 انلردخی بونعم حلیله نك شکرینی بعد لادام صالح خلافت واهور سباه
 ورعی تنظیمه معی بلع ایتدکرندن جوانمردلک و حسن رأی و تدبیر
 و کرم و سخا ایله مشهور افاق اولمشرایسده چرخ غدار ودهر بیقرار
 یونلردن روگردان اولغله کویا جهانه کلامش کی اولدیلر و یوسر گذشت
 آل برمک هجرتک یوزسکسان یدیحی سالدیه واقع اولدی و مدت دولتاری
 اون اتی سنه و اون برماهدر (پس جعفر برمکیک نصکره صدر وزارت
 فضل بن ریمده قرار ایلدی بفضیلعلی بن یقطیده قرار ایتدی دیرلر
 و مدینه هر قل زمان خلافت هرون الرشیده فتح اولدی و شهر طرطوسی
 و باروسنی و رقه بی هرون الرشید بنیاد ایلدی و مشرق و مغرب و مایندما
 هرون الرشیده باج و خراج و براردی بعد ذاب و فادیا هرون الرشیده
 دخی و فایقوب هجرتک یوزطقسان اوچخی تاریمخنده طوسده وفات
 ایتدیلر عمر عزیزی قرق بش سنه و مدت خلافتلری یکرمی ایکی سنه
 و نقش نکی العظمه لله والقدرة لله ایدی و محمد امین و عبدالله و مأمون
 و محمد معتصم و صالح و ابو عبسی و قاسم و اسحق و ابو العباس و ایوب
 و ابو احمد نام اون برنفر اولادی و نوح بن دراج و عون بن عبدالله
 مسعودی و صفص بن قبات نام قاضیلری واریدی و هرون الرشید
 مدت خلافتده سکر دفعه حج شریف و سکر کره عز ایدوب بعد
 وفاته فرزند بزرگزی محمد امین سر بر خلافتده جلوس ایلدی

* خلافت ابو عبدالله محمد امین بن هرون الرشید *

مادر محصنه سنی بی هاشمدن ست زینده اولغله جناب امین طرف
 اویندن ساداتندر خلفاء عباسیه دن سه ح و محمد امین کی ایکی طرفدن
 آل هاشمدن خلیفه جهانه کلامشدر و محمد امین سنه مزبوره ده خلیفه

اولد قده جمله خلافت بهت ایتدیلر کرجه محمد امینک کرم و سخامی
میدول ایدی فاما بد اخلاق و بی رأی اولغله آرجق و قنده امر خلافتی
طفیل و صفیر اوعلی موسایه تفویض ایدوب ولی عهد ایلدی و ناطق
بالصواب ایله ملقب ایدوب موسایه بهت ایدک دیواکار و اشرفانه فرمان
ایلدی اول زمانده قزنداشی مأمون دیار خراسانده والی ایدی برادرزاده سی
موسایک امر خلافتده ولی عهد اولدیفنی و امینکدخی چند بسیار ایله
خراسان سمته عازم اولدیفنی اشد یحک و هم ایدوب عساکر و فیره ایله
حاضر و آماده اولدی و برادری امینه نامه یازوب بوندن اقدم بدرم
هرون الرشید خلافتی اولاسکا بعده یکا وصیت ایتشدی شمعی مخالف
وصیت سزاوغلکز موسای ولی عهد ایتشکزدی و نامه سنده درج ایلدی
چون مأمونک نامه سی محمد امینه واصل اولدی وزیر فضل بن ربیع
مواجهه سنده مأمونک رسولنه خشم ایدوب نامه بی پاره پاره
ایتدکد نصره مأمونه مجلا بفساده کلوب بکاملاقی اول دیونامه
کوندر مکله مأمون خوفندن کیتوب برطاق اعذار سردیله امینه
نامه کک و ندرمکین امین دخی مأمونک عذرینی عدم اصفا برله البته
کله سن دیو تکرار نامه کوندر یحک مأمون امینک بو وجهله جد
و جهدینی عرضه حل ایدوب واریم دیولج و عناد ایلدی آخر الامرا مین
خلیفه فضل بن ربیعک نحر یکله امر اسندن علی بن عبسی بن همامی
چند و سپاه ایله برای محاربه مأمون اوزرینه دیار خراسانه کوندردی
مأمون دخی بو کیفیاندن آگاه اولوب امر اسندن ظاهر بن حسینی مستوفی
لشکر ایله امینک لشکرینه مقابل کوندردی وقتا که طرفین مقابله ایتدیلر
علی بن عبسی بن همام قتل اولمغین لشکری پریشان اولغله بعضیلری
ظاهر بن حسینه کک کلوب مأمونک خلافت بهت ایتدکرنده ظاهر
بن حسین و قعه بی سرالبحر روعلی بن عباسک سرعقوط علیه خانمی
مأمونه کوندردکد نصره چند فراوان ایله بفساد طرقته عزیمت
و نه روان اوزرینه واروب خیمه و خراکاهی قوردی بهر یوم لشکر امیندن
فوج فوج کلوب ظاهر بن حسینه متابعت ایدرلر دی ما حصل
ظاهر بن حسین درت ماه حصار بفساددی لشکر ایله محاصره ایتکله
چند امین درون حصارده و هم واضطراره دوشدیکند عاقد لشکری

دخی مضایقه به دوچار اولد قده مادر مکرملری زبیده خانمی ظاهر
ابن حسینه برای شفاعت کوندرمکین زبیده خانم دخی ظاهر بن حسینک
اوتاغنه کلوب اوعلی محمد امینی کرجه و زاری ایله رجا ایتدیک ظاهر
زبیده خانمک رجاستی قبول ایتوب زار و گریان کیر و کوندردی چون
محمد امین حیاتندن ناامید اولوب نهر دجله بی عبور و ماوراسنه واردی
امراء ظاهر بن هریمه بن اعین سفاین ایله و راستدن بشوب محمد امینی
نهر شط اورتیه سنده طوفندی و بند و اسیر ایدوب ظاهر ابن حسینه کتوردکده
ظاهر دخی محمد امینک اموال و جواهر و خزانه سی مأمون ایتچون
قبض ایلدی و امینک صاحب دیوانی اولان محمد بن سلام اون یک شفق
ایتوب اولکون محمد امینی قتل ایتدیلر و محمد بن سلام اون یک شفق
التوبه کندی ایترا ایدوب آزاد اولدی (وقتا که ظاهر بن حسین
محمد امینک سرعقوط عنی کوردی بسم الله الرحمن الرحیم و الصلاة
علی رسول الهادی الی ضراط مستقیم قل اللهم مالک الملك توفی الملك
من تشاء آیت شریفه سی آخرینه دک اوقوب محمد امین بیچاره نک
باشیله جواهر و خزانه سی مأمونه کوندردی) پس مأمون برادری امینک
باشی کوز یحک بغان ایدوب کریمانی بچاک چاک ایلدی ملوک اسلامده
برای سلطنت ابتدا برادری قتل ایدن مأموندر بووقعه هجر نک
یوز طعسان سکرتچی منه سی محرمک یکرمی بشخی یکشنبه کوندده
بفسادیده واقع اولغله محمد امینک برینه برادری عبدالله المأمون
خلیفه اولدی و محمد امینک عمری یکرمی سکرتسنه والی ماه و مدت
خلافتی درت سنه و سکرت ماهر و محمد امینک زمان خلافتده دیار اهرواز
فتح اولدی و موسی و عبدالملک و ابراهیم نام اوج نفر اوغللری
واسمعیل بن جاد ابن ابو حنیفه و وهب بن یحزری نام قاضیلری و ارایدی
* خلافت ابو العباس عبدالله المأمون بن هرون *

هرون الرشیدک حرمده مأمونک مادری مراجل بر برینه دن ایتکرتک یوقدر
(محکمیدر که برکون هرون الرشید خلیله سی سب زبیده ایله شطربج
اوینارلر دی و غالب اولان مغلوب اولانه دیلدیکنی اشلستون دیو قول
و قرار ایتسلاز ایدی اتفاق هرون زبیده خانم غالب اولغله زبیده بی
بی پیرهن عریان ایدوب سرای عامره سنده کی ماء ایله مخلو حوضی اوج

دفعه متوالیا دورایتدردی دفعه ثانیه ده زیده خاتم هرونه غالب اولغه
همان هرونك النذن طوتوب مطبخه كتوردی و مطبخ جاریه لیتك
زیاده زشت روومسكنی اولان اشبو مراجل بر بزه ایله مجامعت ایله
دیوچك هرون زیده اخامه روم و مغرب و شبام و مصر نما لکنك
خراجلری و یروب عفوینی رجا ایتدیسه ده کار کر اولیوب خواه
وناخواه اول جاریه ایله مجامعت ایتکله مأمون اول جاریه دن وجوده
کادی بعد زمان مأمون زیده خاتمك اوغلی محمد امینك قتلکده
باعث اولدی (بقل الله ما شاء و بحکم ما یرید) و مأمون خوب صورت
و نیکو سیرت علماء عاملین و خلفاء کما ملیندن معدن سخا
و کرم سرور عالی زاد ایدی حتی علم احادیث شریفه بی محدثیندن
تخصیص ل ایدوب علوم متعینه ده مرد فائق ایدی هجرتك
یوز شمسی سنه سی ربیع الاولنده عالم وجوده کلدکلرند هرون الرشید
سعید جوهری نام کیمسه نك خانوته امرزدی و مأمون مرتبه تر بیه
ایرشیک فضیلت و معرفت تخصیص و ورش ایدوب علوم ظاهره دن
علماء ایله مباحثه و مناظره ایدردی هجرتك یوز طقسان سکرچی ناربخنده
خليفة اولد قری هنکایده آل عباس سپاه پوش ایدیلر سبز پوش
اولمیری امر ایدیک آل عباس مأمونی خلافتدن مهور و برینه هرون
ابن مهدی بی خلیفه ایتک استدلرند مأمون اول زمان مروده اولغه
یزنده وکیل ایتدی حسن بن سہلی لشکرایله کوندرمکین بو خصوصده
مأمونه محالفت ایدلر ایله چنکه آهنگ ایلدی و هرون الرشیدك عی
ابرهیم بن مهدیکه خاندان آل عباسیندر اول معرکه ده قتل اولندی
وسهل بن سلام نام کیمسه امر معروف و نهی منکر دعواسیله ظهور
ایتمکین خلق باشنه جمع اولملر ایدی همان مأمون لشکرایله هجرتك
یکوز اوچمی سنه سی ربیع الاولنده بغداده عزیمت ایت ایلدی
واول اثاده شاه خراسان علی بن موسی الرضا خراسانده فوت اولمغین
طوسده هرون الرشیدك یانسه دفن ایتیلر و هجرتك ایکوز دردمچی
سنه سی صغرنده مأمون اعلام خضر ایله بغداده داخل اولدقده
رکابده اولان ملوک و امر ایله سیرین دیوار کیوب شوکت و شهرتله
سرایه زول ایتیلر مأمونك سبز پوش اولدقندن او توری آل عباس

دیوان مأمونده خیلی کلمات سو بللریله مأمون مراملرینی قبول ایدوب
وزیری اولان ظاهر بن حسینه و سایر امراسنه قاعده آل عباس اوزره
سیاه خلعتلر لباس ایتدرمکین اهل بغداد مأمونه متابعت ایتدیلر
و هجرتك ایکوز اوچمی سالنده مأمون جانب مصره کیدوب
ممالککنده کی خار جیلرک قتل اولمغینی امر ایتدی و مصرده فرعون
طاغری دنیلن قبه هرامینی آچدیروب بر تابوت دروننده ملوک سلفك
استخوانلریله قوم عادن عادی شدادتک تابوتنی آچدیروب انجمنده کی
عظمی مشاهد ایتکله وافر عبرت کدی بعد ماول کککری بجمله
احراق بالنار ایلدی و مصردن ین بغداده کلوب ماقدمدن اولاد
کرام حضرت قاطمه الزهرایه واقف اولان خذک نام اراضی بی ینده
اولاد عالی نژاد حضرت مشار الیهایه احسان ایلدی و آندن مأمون
برای غزا دیار رومد عزیمت ورومندن نهر بر پیام نهر عظیم اوزرینده
لشکرایله ایتوب اوزادن غزا وجهاد ایچون اطراف واکانه عسکر
کوندردی آخر هجرتك ایکوز اون سکرچی سالنده مأمون اولمخنده
فوت اولمغین یاننده موجود اولان برادری محمد معقضم مأمونك نمازینی
قیلوب طرسوسده دارخاقان نام محله دفن اولدی مأمونك عمری قریق
سکرینه و مدت خلافتی بکرمی سنه و بش ماه و بکرمی کوندر و مأمونك
محمد و عبدالله و عباس و سلیمان و اسحق و احمد و عبسی و موسی و ابراهیم
و جعفر و یعقوب نام اون برقر اوغلاری و برقاچ نفر کریمداری و ارایدی
و محمد بن عمر الرقیدی و عبدالرحمن محزون قاضیلری ایدی و مهری
صلی الله علیه و آله ایدی تحکیمدر که مأمون زرسرخدر کلوله لریلر وروب
اوزرینه املا کنتک اسامیستی و خزیننه سننده کی نقود و دراهم عدد
روزن و حسابی و بند کات و جوارری و خدم و خشمک عددینی تحریر
ایتمشیدی بر کیمسه به احسان ایتک مراد ایتدیم کده کلوله لریلری
اول کیمسه طرفند کایله آتمغین اولدخی کلوله بی آتوب اوزرینده نقش
اولان شیئی مأمونك خزانه سنند آلوردی زیر مأمونك دفتر خزیننه سننده
خراج و محصولی آتوریدی بیک مقدار شهر معظم بحر ایدی
ممالک عالمده مداین مهور بکرمی بیک التیوز اون بش عدد شهر معظم
موجود ایدی رصده بطلمیوسده بحر در رصده بطلمیوس ایله رصده

مأمون مایینی آلتیوز اون طغوز سالدر وزمان خلافت مأمونده بعض معتزله حاشا ثم حاشا قرآن عظیم الشان مخلوق قدر دیو دعوا ایتمکله آفاقده اختلال کلی واقع اولمشیدی حق و باطل تمیز اولمچون مأمون التماس اهل سنت ایله حضرت امام احمد بن حنبلک احضارینه آدم کوندر مشیدی حضرت امامک ورودندن مقدم مأمون قوت اولدیله مأمونک محسناتنددر که عفو مجرمه بغایت مائل ایدی اگر خلق عالم عفو ده اولان انق بلیدی هرکس بنم حضوریمه جرم وعصیان ایله کلمکی تمنی ایدرلردی دیو سویلر ایدی ومأمونک نصکره برادری المعتصم بالله برینه خلیفه اولدی

* خلافت ابواسحق المعتصم بالله بن هرون *

معتصم بالله مادری ماریه نام ام ولد جاریه در المعتصم بالله هجرتک ایکیوز اون سکرنجی سندسی شهر رجبک اون التبی يوم ثلث ده اورنک خلافتنه جلوس ایدیچک اکابر دیوان مأمونک وفات ابتدیکی بریدون نام محله یمعت ایتدکلرند معتصم لشکر اسلامی آلوب سنه مزبوره مضانک اون سکرنجی کونی بغداده داخل اولدیله معتصم خوب صورت و نیک سیرت شجاعت وجلالت ایله آراسته و کرم وسخاوت ایله پیراسته جوان ایدی و بین مثن نامیله ملقب ایدی زبرا سکر نفر فرزندی وسکر نفر دختری و ارایدی وسکرنجی خلیفه ایدی وایام خلافتنه سکر عدد شهر عظیم فتح ایلدی ومدت خلافتی سکر سنه وسکر ماه وسکر کوندر زمان خلافتلرند تحصیل ایدوب حین وفاتلرند در دست اولان خزانه سی سکر یوز یک کره یوز یک دینار وسکر یوز یک کره یوز یک دراهم ایدی وسکرسان یک غلامی ترک ایتدیله اگرچه خلفاء عباسیه دن معتصم مانندی قوت وصلابت صاحبی خلیفه جهان کلمشدر (فاما غایده جور وظلمه مائل اولوب قرآن عظیم الشان مخلوق قدر دیر ایدی حتی عبدالرحمن بن اسحق وقاضیسی احمد نام ملحدان ایله بیچ اهل اعتزالی دیوانه کتوردوب قرآن کریم مخلوق قدر دیو حضرت امام احمد بن حنبل ایله بحث ایتدرکده حضرت امام قرآن عظیم الشان مخلوق دکلدردیو معتزله ایله مباحثه وجله سنه غالب اولیچق معتصم خشم ایدوب تازیانه ایله حضرت امامی ضرب ایتدیکندن ماعدا معتزله نک

ایرامیله سکر ماه محبوس ایلدی ومعتصم ایام خلافتنه بابل و بروسه ومصر و ریه و آذر بایجان وارمنیه مملکتلرنی فتح ایلدی (مرویدر که بر کیمسه بغدادده معتصم بعض قوللرندن شکوا ایتدکده ابرته سی کون معتصم لشکر ایله بغداد دن روم سمتنه متوجه اولدی ونیت غزاد یو سرمن رأی ارث نام جنت آسا شهری قبضه نصر فتنه آلوب اوراده سامره نام شهری بناء و درون شهر مذ کوره ده لشکر ایچون منازل دخی بنا ایلدی ومیان شهر مذ کورده مثلی نادیده بر عالی جامع شریف بنا ایدوب مناره سنک زرباتی بیرونندن برتبه واسع پایدر دیکه ایکی نفر سواری بر برینه یتاشوب مناره نک ذروه سنه قدر چیمق ممکن ایدی وزمان خلافتنه دیار خراسانده بابک نام حرامی ظهور ایتمکله معتصم لشکر کوندر وب بابک یعنی اله کتورد مکله چار میخ ایتدر دگد نصکره لاشه سنی برقیله ریطله شهری بعد الدور میدانده دست و پالرنی قیر دیروب لاشه سنی بردار ایتدردی آخر معتصم بر مرضه مبتلا اولغله کشتی سوار اولوب روز شب ندیمان وغدای روح اولور سازنده لایله در یاده اوقاتکذار ایکن هجرتک ایکیوز یکریمی بدیجی سنه سی ربیع الاولنک اون ایکیجی یوم خپسده دیون سفینه ده فوت اولغله سامره به دفن اولنوب برینه اوغلی الوثق بالله خلیفه اولدی ومعتصمک مهری اعتصم بالله ایدی

* خلافت الواثق بالله ابو جعفر هرون بن محمد المعتصم *

الواثق بالله مادری ام ولد قراطیس نام جاریه دن مکده وجوده کلوب سنه مذکوره دن یوم مزبوره ده اورنک خلافتنه جلوس ایتدکلرند قائده مرعیه مأمون اوزره آل رسوله زیاده اعزاز واکرام ایلدی و دائماً تلاوت قرآن کریم ومطالعه کتب فقهیه ایله مشغول اولدی (محکیدر که الواثق باللهک زمان خلافتنه دخی معتزله نک قرآن عظیم مخلوق قدر دیو دعوالری میدانه حقیقه غله واثق بالله حضرت احمد بن حنبل زنداندن چقاروب قرآنه مخلوق قدر دیرنک ایچون فوق الغایه اعزاز واحترام ایتدیسده (حضرت امام قوت علم شریف ایله ینه معتزله به غلبه ایدوب کفری قبول ایتیم یور ییچق واثق بالله حضرت امامی طرد بلاد ایدوب علوم دینی دن کیمسه درس ویرمکه تنبیه ایتمکله واثق بالله بر حیات ایکن حضرت امام کوشه پنهانده خرقه پوش اولدیله

(مرویدر که واثق بالله مرض استسقایه منلی اوله حکما برزهرناک
افعی بی بعض اجزاء ایله معالجه ایتدیلر و واثق بالله بی برقر غون تنور
اوزینه اوتورتدیلر روزاول واثق راحت ایلدی روز نایده تنور بغایت
کرم اوواب بر مقصدارده زیاده چه اوتورمه غله تنور دن قالدرد قلدی
کونکه هجرتک ایکوز اوتوز ایکنجی سنه سی ذی الحجه سنک بکرمی دردی
چهارشنبه در همان تسلیم جان ایلدی واثق بالله ک مدت عمری اوتوز
اللی سنه واللی ماه و مدت خلافتی اشن سنه و طقوز ماهدر واثق بالله ک
خدمتده اولان بر جاریه دن منقولدر که واثق فوت اوواب کوزلر بی
یومش ایلدی زنده میدرمده میدر دیوانته واردیمده دیده سنک
برخی آجوب بکاهیمده نظر ایدیمک خو فدن بیرون اولدقدنصره
ینه یانه واردیمکه بکاخیمده نظر ایتدیکی کوز چیمشیدی دیر (روایت
اخراده واثق بالله حالت نزعه ایکن تن و قالبی عربان ایتدردی و خاک
مذلتیه یاتوب یوز بی طیراغه سوردی و آه وزار ایله رک یامن لایزال
ملکه ارحم من زال ملکه دیوفغان ایلدی یعنی ای پادشاه بیروال جل
جلاله که انک پادشاهلغی قبول زوال دکلدر پادشاهلغی زوالپذیر اولان
واثق قولو که شفقت و مرجعت ایله دیمکدر واثق ک محمد المهدی و عبدالله
واحید و ابراهیم و عبدالله الاصغر و محمد نام الی نفر او غلبه عایشه نام
دختری و ارایدی و قاضیسی احد بن ابووراد ایلدی و نقش نکینی ولله ثقه
الواثق ایلدی واثق بالله فوت اولیحق برادری المتوکل برینه خلیفه اولدی
* خلافت ابو الفضل جعفر المتوکل علی الله بن المعتصم *

متوکل مادر ی شجاع نام ک نیرک ترکیدر المتوکل سنه مزبوره دن
یوم مزبوره ده اگر چه خلیفه اولدیلر فاما سپاه و رعیت و اطرافنده کی
ملوک و سلاطین ایله حسن امتزاج ایده ممکه برقاج دفعه قتلته و خلافتدن
عزلته قصد ایتدیلر و اولاد رسوله با خصوص حضرت علی به رضی الله
عنه عداوت ایدوب امام حسینک رضی الله عنه قبر پرانور لر بی زیارتدن
خانی منع ایلدی اوغلی محمد منتصر بو افعال ناشایسته دن برقاج کره
کندوبی منع ایلدی ایسه ده قبول ایتموب خانه دان رسول الله
بغض و عداوتی مشتد اولیحق ارکان دواتی متوکلدن نفرت ایدوب
اوغلی محمد المنتصره بیعت ایتدیلر چون متوکل خلافتدن مأیوس

اولدیلر هجرتک ایکوز قرق یدجی سنه سی شوالک اوچنجی کونی
سپاه و رعیت تیغ خونشان ایله هجوم ایدوب متوکل کی ووزری فتح
این خاقانی کوفته منالی قتل ایتدیلر و ایکسینک لخمی بر برینه آیمه
اوله فتح بن خاقانک حشمه سی متوکلک قتلدن بر مقصدار سنید اولدیمدن
فرق اولور ایلدی و مینه متوکل کی سامریه ده بنی ایتدیکی قصره دفن
ایتدیلر کیمه متوکل اوغلی محمد المنتصرک رؤیاسنه کیروب ویل
سکا ای محمد که بی یکنه قتل ایتدر که سبب اولدک و حقوق پدری به
رعایت ایتوب بکا زیاده ظلم ایتدک حق تعالیدن امیدم بودر که دنیاده
بر خوردار اولیدسین و روز محشرده سپاه رو اوله رق طوغریجه نار
جیمه واروب دوزخی مأوی ایده سین دیدی بنیاء علی ذلک منتصره
همان الی ماه خلافت ایتک مبر اولدی خلفاء عباسیه دن بر آی
خلافت ابتدا والدته قصد ایدن محمد منتصر در آل امویه دن بزید
این واید واکسره دن شیرویه بن پرویز دخی بابا زندنصره انجق
التبشر ماه خلافت ایتدیلر و متوکلک عمری قرق بر سنه و مدت خلافتی
اون درت سنه و طقوز ماه طقوز کوندرو مهری علی الله اتکالی در ابتدا
قاضیسی یحیی بن اکثم ایلدی صکره جعفر بن سلیمان عباسی قاضی ایلدی
بعد یحییانک بطریق الارشاد یوزیک دینار بی آلوب امر قضاده ایقا ایلدی
* خلافت ابو جعفر محمد المنتصر بن متوکل *

محمد المنتصر خلفاء عباسیه دن خایله فصیح اللسان و بلیغ البیان کرم
و سخا ایله معروف اولان خلفا سننددر سنه مذکوره دن یوم مزبوره
باباسی متوکلک برینه خلیفه اولدیغی کون وزرا و امرا و برادر لر ی
اسمعیل و ابراهیم و موسی و زبیری دیوانده چاغروب مادامکه قیید
حیاتدهیم خلافته طالب اولوب بی ازده ایتیمک دیوجک برادر لر ی
بونک کلماتی قبول ایتلریاه مجتهد ربط ایتدیلر و ابشامیسی
نحر بر ایتدردی و یووقعه دن برقاج کون مرور ایدیمک منتصرک
خصیه لر ی ششمکه فصادک اوردیغی زهرناک نیشتر دن برقاج کون
مرورنده وفات ایلدی (به ضیاء دیرلر که محمد منتصر خلافتدن چند روز
صکره بالاده کدر ایتدیکی اوزره رؤیاسنده باباسندن کوردی بی
عتابدن عارض اولان وهم مقتضای صاحب فراش اولوب اخر فوت

اولدی (بعضیاردی) که محمد متصرف سر بر خلافتده نشین ایکن عتبه
سیر بر کردون نظیرده خط پهلوی ایله نوشته بر ورق بولوب اسان
عربییه ترجمه دنگره نظر ایدوب او قودیکه بوتخت فریدون رخت
ملوک پیشیندن شیرویه بن پرویزک ایدی بنکه شیرویه بن پرویزم
بوفانی جهانک سلطنتی ایچون بابام پرویزی قتل ایتدم والی ماهدن
زیاده امارت و دولت ایله بهره مند اولدم دیو یازاشیدی متصرف اسبو
خطک مضبوطی ملاحظه ایتمکله خوف مستولی اولدیغندن بیمار اولوب
اخر هجرتک ایکیوز النبی سنه سی ربيع الاولنده فوت اولغین برینه
عمزاده لرندن المستعین بالله سرردولته جلوس ایلدی مهری تونی الحزن
من مامنه ایدی و ذرت نفر اولادی و ارایدی وقاضیسی جعفر العباس ایدی
* خلافت ابو العباس احمد المستعین بالله بن المعتصم *

مستعین باللهک مادرزی محارق نام کنیرک ترکیه در سنه مزبوره ربيع
الاولک روز دوشنبه سنده خلیفه اولدیلم مستعین غایتله سلیم النفس
و حلیم الذات و فنون تشاده کامل العیار اولدیغندن ماعداد معدن
کرم و سخاوت ایدی و دائمی خدمته و سپاه و رعیتله خاطر تواضع
ایندردی و همیشه مکر اعدادن خوفناک و وهمناک اولغله حرب و قتال
ایچون اماده ایدی و صدر خلافت جلوسارنده یکریمی درت یاشنده
ایدی ایکی سنه و طقوزماه خلافتدنگره اتفاق امرا ایله خلافتدن
عزل اولوب برینه دودمان عباسیه دن المعتز بالله خلیفه اولدی بر وایتده
حبس ایچون سامره شهرینه کوندر بولوب قنطره قاطولنه زولارنده نمازه
مشغول اولمشلر ایدی سجده ده ایکن موکلان بوفیتی اوزوب سامرده
متصرف بالله یانته دفن ایلدیلم بر وایتده دخی بغدادده سرمنی رای
نام قعصر دلکساده حبس اولمشیدی فرصت بولوب فرار ایلدی و سفینه یه
بنوب والی خراسان اولان محمد بن عبدالله بن ظاهرک یانته واروب بغداده
استحکام ایچون بار و چکدرمکه و منجیقار قورمغه امر ایتدی پس
المعتز بالله مستعین باللههی طلب ایچون محمد بن عبدالله بالله نامه
کوندرمش ایسه ده محمد بن عبدالله مستعینی ورمیچک المعتز بالله
بغدادده کلدی و برسنه محاصره ایدوب فتح ایده منجه المعتز بالله سال
بسال مستعینه الی بیک دینار ویرمکه متعهد اولغله المستعین بالله

دخی بغدادی المعتز باللهه تسلیم ایدوب سکندریسی واسطه روان
اولیچق اهل بغداد المعتز باللهک خلافتنه بیعت ایتدیلم آخر المستعین
بالله خلافتنه طالب اولماق ایچون المعتز بالله مستقل خلیفه اولماق اوزره
المستعین باللهک اقرار و اعترافی تسجیل اولغله حضور شرعیته
دعوت اولندی المستعین بالله دخی بوحیله یه لدانوب حضور قاضی یه
وار میچق همان گرفتار ایتدیلم و هجرتک ایکیوز الی اوچنجی سنه سی
محرمتک و اواخرنده امرادن احمد بن طولون نام کیمسنه یه باشی
کسدر دکلرنده المعتز بالله استقلالا خلیفه اولدی و المستعین باللهک
عمری اون سکر سنه و مدت خلافتی اوج سنه و طقوزماه در و مهری
الاعتبار یعنی عن الاختبار در وقاضیسی احمد بن السورارد
* خلافت ابو عبدالله المعتز بالله محمد بن المتوکل *

المعتز باللهک بر وایتده نام همای زبیردر و والده محصنه سی نهجده نام
جاریه در سنه مزبوره محرمک یکر میچی کونی بغدادده خلافتنه بیعت
اولندی المعتز بالله خوب صورت و نیک سیرت و ملک منظر و سعید سعد
اختر خلقدان ایسه ده لذائذ نفسانیه ایله هوادار اولغله امور مملکت و تدبیر
سلطنت والده سی معرفتیه کور یلور ایدی و برادری موثق بن جعفر
المتوکل جوسقه کوندروب حبس ایتدرده که موثق اول حالت اوزره فوت
اولدی (محمد بن اسحق و فضل بن عباس بن مأمونندن مرویدر که
برکون المعتز بالله ایله شکاره چیققدق بونس بن بغام عیتمزده ایدی جمله مز
حسن و جال صاحبی امرد و ساده زو اولوب خلیفه یانجه کیدرکن
مقابله مزده واقع دیر عظیمدن سپاه پوش بر رهبان ظاهر اولوب بونلر
کیملدر و زره دن کلوب نه ستمه کیدر لر دیو بزدن صورده بونلر
تراکدن ایکی نفر ساده رو غلاملر در دیو جوابدنگره رهبانندن طعام
استدیکمرده ما حضرن کنوروب اکل ایدراکن خلیفه بکاه ایتدیکه
راهبدن حضور بوا یکی غلامک قنغیسی ایله بو کیجه تابصباح هم بزم اوللم
بندخی راهبدن بروفق مأموریت صورده یغمده راهب ایکیسی دخی
جامک جانیدر دیو جواب ویر میچک خلیفه خنده ایتدیلم بواشاده سپاه
ورعیت ظهور ایتمکین راهب خلیفه بی یلوب و همندن لونی متغیر
اولدی خلیفه راهبک و همنی دفع ایچون بن بونلرک خداوندیم دیوب

راهبه بشبك التون احسان ايديجك بوكجه بكامهمان اولمجه التوني
قبول ايتيم ديمكسه اول شب جلاه مز راهبه مهمان اولدق خليفه تكرار
بشبك التون دخی احسان ايلدی پس المعتر باللهك بويله حسن خلقی
وكرم و سخاى و ارايكن زمان قليده تبديل اخلاق ايدوب بد خو
وبى شفقت و بخيل اولديغندما عدا سياه ورعيتي رنجيده ايمكسه تقى
آرايله المعتر لك اوزرينده هجوم و تازيانه ايله باشنه اوزد رقى تحندن
ايندروب تموزاسيلرنده اياق اوزرينده طور دقلرينه سبب صورت و جمالى
حرارت آفتابدن ياندی (و بعضيلرى طبايعه ايله روى نازينته و بعضيلرى
خشك ايله باشندا اوروب خلافتي ترك ايله والاسنى قتل ايدده زديدكارنده
المعتر دخی ناچار من بعد دعواى خلافت ايتيم ديوش حضور قاضيه
اقرار ايتيكن اقرارى سنده ربط اولوب بقاراده الوفاق عبد الله اوغلى
محمد كوند رديلر و خلافته طلب ايتديلر (القصة چند وسياه واثق
اوغلنه ييغت ايدوب مهتدى ايله ملقب ايتدكلرند نصكره ارکان دولت
مهتدى بي المعتر لك حضورينه كتوب خلافتي اختيار كامي ترك ايتك
ديدكارنده زوز ايله ترك ايتدم ديوشك سياهيدن برى المعترى به چار بيله
سراسمه اولوب ضرورى خلافتي سكاورد ديدكسه محمد مهتدى
سر بر خلافته جلوس ايدوب انواع جفا ايله المعتر لك جميع اموالى
ضبط كنصكره اسنى جام ايجنه قويديلر حرارت و تشنه كيدن يكرى
بانجق جامدن چقاروب باشنه و بدنه صوق صودو كر ايدى آخر
المعتر بوكونا عقوبات ايلان هجرت ايتكونا يي شمشى سنده عيانت
يكر مجبى روز شنبه تسليم جان ايلدى عمرى يكرى اوج سنده و ددت
خلافتي اوج سنده و التى ماه و يكرى بدى كوند و مهترى الحمد لله رب
كل شى و خاقه در وقاضيسى حسن بن ابى ثوابندر

* خلافت ابو عبد الله المهتدى بالله محمد بن اوثق *

مادر مهتدى قرب نام كيرك روميه در مهتدى ماه مز بورك يكرى
يدنجى روز ارباده خليفه اولد قلرنده اوتوزش باشنده اولوب
زهد و صلاح و تقوا ايله آراسته اولديغند نامنه زاهد اكعباس
ديديلر (محكيدر كه اول زمانده صاحب ذبح نام زنديق نصره دن
ظهوايدوب بن اولاد حضرت حسين بن عليدم ديوش دعواى دروغ

پيغروغ ايلدى و طائفه زنكيان بونك امر يشه رام اولمغه جنك
و حرب ايليه رك نصره بي اسديلا و نهب و غارت ايتديكى اموالى
زنكيانه تقسيم ايمكسه فرقه باغيان كال اوزره تقويت بولدى (منقولدر كه
زمان خلافت محمد مهتدى ده رمله ده بر علمدار و ارايدى رعيتيه
ظلم ايمكسه رعيا علمداردن ديوان مهتدى به شكوا ايتدكلرنده مهتدى
علمدارى ديوانه كتور دوب ظلم الدين اموالى بالتمام رعيايه تسليم
ايتدردكده نصكره علمداره بوزد كنك اوروب تهر و تهديد ايلدى
ورعايك ولايتلرندن قاقوب كندى حضورينه كلنه فدرا و لنان مصارف
دخی علمداره مانند رعيايه تسليم ايتدردى (محكيدر كه امراء قديمدر
برى بر كسه دن بر ملك قريه دعوى ايمكسه محمد مهتدى حضور قاضيه
فصل دعوى ايتدردكده قاضى ملك ذى البكر مدعى به شاهد لازمدر
ديوشك محمد مهتدى مدعيك ابوبى بو ولايتدن دكل و سندی ديار
آخردنسن بو صورتده قريه نه جهتدين سنك ملكك اولور ديوشمدعى به
معارض اوليجق مدعى دعوايه قادر اولمجه مدعيك احباسى قريه
مزبور بي اولكسه دن اشترا ايدوب مدعى به هبه ايلديلر تيارى امراء
قديم بكدل اولوب محمد مهتدى بزم اوزر غزه يكانه بي حواله ايدوب
ملك قريه مزى اكا و بردى ديوش محمد مهتدى ايله جنك وجدال ايلدكلرنده
امراء قديم منهنم اوليجق تكرارينه جنك ايلديلر بو دفعه مهتدى
منهنم اولمغين لشكرندن آيريلوب برخانه ده اخفا ايتش ايسده آخر
مهتدى اله كتوريلوب هجرت ايتكوز طغيان التيجي سنده سى واسط
رجينده قتل ايتدكلرنده قاضيسى جعفر بن عبد الله هاسمى نماز بي قيلول
سرمن راء دفن ايلدى عمر عمرى اوتوز بدى سنده مدت خلافتي
اون بر ماه و مهترى من بعد الحق ضاق مذهب ايدى و اون بش نفر اوغلى
وارايدى وقاضيسى حسن بن شوراب و امير مصر احمد بن طولون ايدى
و مهتدين صكره عى المعتمد على الله احمد سر بر خلافته جلوس ايلدى
* خلافت ابو العباس المعتمد على الله احمد بن طولون *

مادر احمد المعتمد قينا زيام ام ولد جاريه تركيد در احمد معتمد شهر مز كورك
يكرى التيجي كوني اگر چه خليفه اولديلمر فاما امور خلافتي رقيت
ايدده مديكندن باشقم لذات نفسانيه به مائل اولمغه برادري موفقي

خلافت ولی عهد ایدوب امور سلطنتی رؤیت توکیل ایدیک بای و کذا
بطوعمهم موفق حکمت رام اولدیله موفقک زمان و کالنده بالاده
قصه سی گذرایدن صاحب ذبح نام فرقه باغیان زمیره زنکیان ابله
ظهیر ایدوب بصره و واسطی ضبط و اهل اسلام مال و منال
و اشیا سنی نهب و غارت و اولاد و عیاله فساد اتمکله موفق لشکر
بیشمار ابله بصره و واسط اوزرینه یوریدی و صاحب ذبح دخی پنهانیه
عسکر ابله بغداد اوزرینه واروب بغدادی زبردستله آلدی و دود ساس
نام محله خیام و خرکاهی قوروب اهالی بغداده فساده باشلدی
موفق دخی چند پیشمار ابله بغدادک جانب شمالنده دجله کنارنده
واقع حدیره نام قریهک اوست طرفه خیام و خرکاهی قوروب ایکی
جیش کران بر برینه مقابل اوور دیکر ایکن موفق صاحب الذبحه
مقابل اوله میه حقی اذعان اتمکین طریق حبله به سلوک ایدوب بشیور
رأس غنم ابله ییک رأس دوه بوی خرکتوریدی و اهم و الزم اولان
ما کولاتی زیاده سیله مهیا قیلدقد بصره کار گذار کتانی صاحب
دیحک لشکرینه کوندروب پدشوی زنکیان اولان خائن نام کیمسه بی
انواع تملق و حبله و مکردن عبارت مکتوب ابله دعوت اتمکین
خائن قلیان شاد اوایوب امر اسنی یکان یکان ضیا فته کوندر مکه
عیش و عشرت مصرح اولمشیدی و بویوزدن میانه دن عداوت
بله سی دخی بر طرف اولمش کی ایدی خائن و لشکری غافل اوایوب
کیمی مست لایعقل و کیمی خواب آلود لیکن موفق لشکر پیشمار ابله
ایلا الغار ایدوب لشکر خائنی شهنش اولدی و اکثرین طمعه شمشیر اتمکله
بقیه لشکر تالان و پریشان اولدی و خائن مذکور ی طوتوب هجرتک
ایکوز بمشجی سنه سی صفرنده بصره به بغداده کوندر مکن
چار میخ ایدوب یلایب سیاستله بغدادی دوز ایدردی و خائنک بویجه
خرزیه سی موفق ضبط ایددی و بوجنک عظیمده لشکر خائنک ییک کره
یک ویشیور کشته سی تعداد اولندی (محکدر که اولماده احمد بن
طولون امیر مصر ایدی معتمدک موفق ولی عهد ایدیکنی طویوب
معتمدی مصره دعوت اتمکله معتمد دخی مصره عزیمت اوزره ایکن
موفق طویوب معتمدی منع ایددی و اسحق ذی التغمین نام کیمسه بی

مصره والی نصب ایددی چون احمد بن طولون وقعه بی کوش ایددی
معتمدک علما و حکامی جمع ایدوب معتمد بر حیات ایکن موفق خلافتی
جائزی و حکمی نافذی و عزل و نصبی معتمدی دکلمی دیواستقا ایدکده
قاضی مصر جاردردی و حاکم قاضی بن عزل ایدوب محمد بن شادان نام
عالمی قاضی نصب ایددی اول ائنده احمد بن طولون وفات ایددی اون ایکی
کون صکره طولونک اوعلی عباس دخی وفات ایددی آخر الامر معتمد
هجرتک ایکیوز بمشجی سنه سی شعبانی اولنده فوت اولغین اوعلی
معتمد بالله سر بر خلافته جلوس ایددی معتمدک عمری الی سنه دن زیاده
و مدت خلافتی یکرمی اوج سنه در و مهری اضطراب بریل الاخبار در
* خلافت ابوالعباس المعتمد بالله احمد بن طلحه موفق *

مادر معتمد ختیفه نام ام ولد جاربیه رومیه در معتمد بالله سنه
مزبوره رجبنده خلفه اولغین اکبر و اعلی خلافته بیعت ایدیلر
معتمد تبر دل و یک سیرت و ملک خصلت و اهل سیاست اولغلا
قدیم الایام تبر و حرمین الشریفیندن آلتان باجی رفع ایددی و من بعد
بو بدعت آئینه دیوا امر ایددی و بوند نما عدا خصوصاتی وضع
قدیمی اوزره اجراه مقدم اولدیغین نامه سفاح ثانی دیدیلر و باباسی
ابو منصور ابله مکننا و ابوب خارجی و اهل بدعتی طردورد ایددی
بو جهندن زماننده عالم ملکی معمر و آبادان اولدی و مدینه ده مسجد
رسول اللهی توسیع ایدردی و اکثر رعایان خراجی رفع ایددر مکه
رعایانک کوکلی و کوزی طوق اولدی و اوان خلافتنده وصیف
خادم نام کیمسه عصیان اتمکله لشکر ابله اوزرینه واروب وصیفک
لشکرینی منهرزم ایددی و وصیفی طوتوب بغداده کنور مکن چار میخ
ایدیروب بیدی کون پسای دوه اوزرنده کزدرندی روز هشتم دوه دن
ایدیروب باره پاره ایددی (محکدر که معتمد ابتدا خلافتنده سامر
حدیه رحلت ایدوب بغدادی مقر خلافت ایدندی بنی عباسده
عبدل ودا دایله آراسته و ثواب و حج و عزایله پیراسته اولان خلفه
لازم الاحیاء من دیندیر دائما علما و مفسرین ابله هم مجلس اولوردی
وزمان خلافتنده خسارت اتر کدن خراب اولان برری اعمار ایددی
و ابتدا خلافتنده خزینه عامیه بیت المنالده بالکزان بیدی درهم

وارایدی حین وفات کرده ایکیوز کره یوزیک دیت از مو جود بولندی
وزمان خلافتشده پیشوای قرامطه اولان ذکر ویه بن مهر ویه نام
جلالی دیار خراسان والسی اولان رافع بن خزیمه بی قتل ایلدی
بعد از مقتضای الله بر مرضه مبتلا اولوب بیمار لقی دراز اولیجی
هجرتک ایکیوز سکسان سکرنجی سنه سی ربیع الاخرینک بکر منجی
روز شنبه امر خلافتی اوعلی مکتبی به تقویض ایدوب روز دوشنبه فوت
اولمین بغدادده عبدالله بن طاهر دلرینه دفن اولندی عمر شریفی
قرق الی سنه ومدت خلافتی طقوز سنه وطقوز ماه ودرت کوتدر
ومهری السعید من وعظ معین در ونام فرزندانی علی المکتبی وجعفر
ومقتدر وابو منصور القاهر وهر وندر وقاصیلری اسمعیل بن اسحق
ابن حماد و ابو العباس احمد بن محمد و ابو الحارم وعلی بن شور ایدر
* خلافت ابو محمد المکتبی بالله علی بن احمد المقتصد *

مادر مکتبی انجرتام کنیرک ترکیه در مکتبی بالله شهر مذکورک بکر منجی
کونی خلیفه اولمین اکابر و اشرف خلافتی بیت ایتدیلدیرلر که خلفاء
عباسیه ده علی ایله بنام و ابو محمد ایله مکتنا خلیفه مکتبی بالله هندن غیری
کلمه شد مکتبی خوب صورت و نیک تدبیر اهل فراست و مالدار
خلقا دندر والدی المعتضدک مسلکته کیدوب عدالت و سخاوتله بنام
اولدیلر زمان خلافتشده پیشوای قرامطه ذکر ویه نام جلالی خروج
ایدوب کوفه بی نهب و غارت و آن هاشمدن برجاعتی قتل ایدوب اشکر
باغبان ایله عزم حجاز ایتدی مکتبی دخی اهالی کوفه نک عرضلری
موجبجه و زراعتدن بری عسکر ایله عراقه قرامطه اوزرینه
کوندردکده وزیر الصغیر جنک ایدیکرک زکریا ویره علیه
وعسکر بنی صیحه مکتبی امر استادن محمد بن دودی بشیبه ک نفزه
بشور بیک فلوزی مواجبات و یروب نکزار جنکه کرندر مکه هجرتک
ایکیوز طقسان در دخی سنه سی ربیع الاخرینک ایکی لشکر جنک ایتکین
زکریا ایکی نفر اوعلی ایله استراولدی انجیق زکریا زباده بخروج
اولمغه کوفه به قریب اولیحق مرد اولمین لاشه سنی دویه باغلیوب
بغدادک جوانب از بهه سنی دور ایتدر دکد نصکره لاشه سنی وایکی
نفر اوعلی و بنام یوزنفر قرامطه بی دجاه کارینه صلب ایلدی و مکتفک

علی بن ابی طالب رضی الله عنه حضرت زبینه زیاده محبتی اولمغه
هر بار زیان جواهر فسانی اول شیرزدانک مدحتی بوسناشدن بلبل
کویا وعتدلیب ابوالبدی برکون بر شاعر کتفایه بر قصیده عرض ایلدی
و شاعر مذکور اول قصیده آل عباسی آل علی رضی الله عنه اوزرینه
ترجیع ایتدی مکتبی غصه کلوب قصیده بی زهد قدما عدا شاهره
جاده نایله بر حبه دخی ویرمدی وزمان خلافتشده اذنا قیده قلعه سنی
فتح اوایوب ممالکته منظم اولدی آخر هجرتک ایکیوز طقسان بمشجی
سنه سی ذی القعدة سنه فوت اولدوده بشور بیک سکر یوز شغال
التون ایله کامل العینار الی بیک مسکوک دراهم خزینه بیت المسالده
بولندی عمر عزیزی اوتوز برسنه ومدت خلافتی برسنه والی ماه
ویکرمی کوندرو مهری بالله یثی علی بن احمد و قاصیلری ابو حارم
وابو یوسف و ابو عمرو بن علی بن ابی شور ایدر و مکتفکان هکره
برینه برادرلندن مقتدر بالله خلیفه اولدی

* خلافت ابو الفضل المقتدر بالله جعفر بن المعتضد *

مادر مقتدر سبع نام ام ولد جاریه در مقتدر اوزنک خلافتشده جلوس
ایتدی سکه اون اوج یاشنده دون البلوغ جوان اولمغه بر زمان
دولت و سلطنت مادری النده اولدی (وقتا که مقتدر قتی ورتقی
وخل و عقد مقتدر اولدی بیک المال خالصدن اون بشیک کره یوز
بیک خالص اعیار دینار و بیت المال عامه دن دخی الیوز بیک دینار ایله
سکسان بیک دینار قیمتو جواهر و آلات و بشیک رأس اسب و بی حساب
اشتر و استرو کوسفندی موجود بولمغه مشایخ و علمای بیت المال دن
قطع اولنان و نایفلری ویردیکندن بشقی هاشمک نفقه و کسولایه
بهر سال الی بیک دینار قعین ایلدی و وزاستدن عباس بن حنفی
قضاء قتل ایتکین اکابر دیوان مقتدری خلافتدن دووایدوب هجرتک
ایکیوز طقسان بدخی سنه سی ربیع الاولک بکر منجی کونی عبدالله
بن المعزی مرتضی نایله مکتبی ایدوب مقتدرک برینه خلفه ایلدکلر زده
بعض قوم عبد اللهی شاعر دو دیو خلافتشده رضا ویردیله عبدالله
قضیه بی کوش ایدیکر نهان و پنهان اولمشدی الله اعلم بالاهلی
بولوب بلا سبقت ایتدیله و ماه عزیزک بکر منجی کونی نکزار

مقدري خليفه اينديلر بودفهمده مقتدرك خلافتي هجرتك اوجوز
يكر منجي سنه سي او اخر شعبانته وارد قده طوائف اكراد مقتدرك برادري
قاهري اضلال ايدوب چند فراوان ايله بغداده عزيمت اينديلر مقتدر
بو كيفيتي اشيدوب اشكر ايله مقابله و دروازه شماسيه نام محله مقابله
اينديلر مقتدر منهرم اولمخين اكراددن بري مقتري مجروح و عربان
اتكله مقتدر اول حالت ايله فوت اولدقده دفن اولندي عمر عز بزرگي
او توز سكر سال وايكي دفعه ده مدت خلافتري يكرمي بش سنه در
(مقتدر كده زمان خلافت مقتدره ابوطاهر قرامطلي پيدا اولوب
اول سنه نك حاجتي كياقتل و ميتلرين بتر زمزم شريفه براقدي و حرم
محترمي نهپ و غارت ايدوب مكه مكرمه اينديكري انواع فسادات نما عدا
حجر الاسودي برندن قوباروب كوفه مسجد شه كتور مكه حجر الاسود
يكرمي ايكي سنه مسجد كوفه ده قالدی بعد زمان المطيع الله نام خليفه
حجر الاسودي مكه به كوندروب يته محله وضع ايندردی و بوميانه ده
بیم جاندن كيمسه حج ايله مدي و يته زمان مقتدره خلفاء مهديه نك
اولي اولان عبيدالله المهدي بن مهدي يم ديوم غربدن خروج ايدوب
ديار افر بقيه ده مهديه نام بر شهر بنا ايندي و يته زمان مقتدره منصور
بن حسين حلاجك بغداد ده دعواي ربوبيت اينديكي ثابت اولمغه
ظاهر شرع شريف اوزره اولار بردار بعده احراق بالنار اينديلر مقتدر
وفات اينديكده بشوز كره يوز بيك دينار طقوز يوز بشيك دراهم
مشايخ و علمايه انعامي دفاترينده ظاهر اولدي و مهري ماشاء الله كان ایدی
ونام فرزندان رضی و متقی و مطيع و اسحق و عبيدالله و عباس و هرون
و علي و اسمعيل و موسی ایدی و قاضيلري يوسف بن يعقوب و محمد
بن يوسف و ابو عمرو و عبيدالله بن ابوشوراب ایدی و مقتدر دنصكره
برينه برادري قاهر خليفه اولديلر

* خلافت ابو منصور القاهر بالله محمد بن احمد المعتضد *

مادر قاهر قبول نام جاريه در چون قاهر بالله شهر مذكورك يكرمي
سكزي كوني برادري مقتدر برينه خليفه اولديلر امحق قاهر طبعكار
و خوزيز اولمغه دائما بهرم و كاه مظلوميني سياست ايندردی حتى
مقتدرك توابعي و مري نام برادر نك والده سني اياغندن اصوب مال

خيقار ديو اشكجه ايلدي حكم كتاب الله ايله بن سنيك مادر يكم
ديو فر ياد و قعاني باعث شفقت اولوب جبرا و ظلما اللي بيك ديناريني
الله قد نصكره انواع عقوبات اليم ايله بيجاره خاتوني قتل ايندي
و مقتدرك جمع قرياسي بغداد قتل كند و به القاهر بالله و مشتقم من
اعداء الله ديولقب قويدی و مقتدرك اوغلي محمدی حبس اينديكده
اكار و اشتراف بالانفاق قاهر ك اوزر يته هجوم ايدوب محمدی حبسندن
لخراج و رضی بالله نام ايله ملقب اينديكده نصكره نخسته كجروب خلافتنه
بيعت اينديلر و رضی بالله حضورنده قاهر ك ديدنه جهانديده سنه
ميل حكوت ناينا اينديلر اسلامده براي خلافت اينديانينا اولان قاهر ك
(مجتهد كده قاهر يريوم جمعه بغداد ده جامع منصور قوسنده در يوزه نك
اشناسنده ياربي عموما قوللريكي بو ذلندن صقله بر كيمسه پادشاه جهان
ايكن كندى فمليه بويه ابتداله دوشمك مشكل دكيدر الهی بو يابده
عسايت و احسان سندن در ماعداسي افسانه در ديوانان اينديك
بني هاشمندن موسی هاشمي نام كيمسه قاهره بيك دينار صدقه اعطا
و قاهري خانه سنه كنوروب الى الوفاات اسكان ايندردی آخر قاهر هجرتك
اوجوز يكرمي ايكني سنه سني جمادی الاولنك يكر منجي كوني زمان
خلافت المطيع بالله ده فوت اولمدين ساكن اولديغي خانه به دفن
اينديلر عمری اللي ايكي سنه و مدت خلافتي ايكي سنه و التي ماهدر
ومهری محمد رسول الله در و اولادی ابو الفضل عبد الصمد و ابو القاسم
عبد العزيز در و قاضيهی يوسف بن عمر در

* خلافت ابو العباس الرضی بالله محمد بن المعتضد *

مادر رضی ظلوم نام جاريه در هجرتك اوجوز يكرمي ايكني سنه سني جمادی
الاولنده روز چهارشنبه ده رضينك خلافتنه بيعت اولندي اگرچه رضی
خاينده فاضل و مؤدب و شعر شناس ایدی فاما خلافتي غلامان و حصه كيان
تفويض اينديكده امر خلافت اختلاله واردی زمان خلافت رضیده علی
ابن محمد شمعانی نام زندیق دعواي ربوبيت اينديكده اله كتوروب
برحيات ايكن وجوديني بنديند ياروب كسد كده نصكره احراق بالنار
ايندي و يته زمان خلافتنده وزيري اولوب خط كوفي بي اليوم متداول
اولان خط نسخ و ثلثه تبديل ايند ابو علي بن مقله اول زمانده كي اهل

قرآنند شیخ احمد قرآن کریم تلاوت آخر ایله قرات ایله دیوتکلیف
ایلد کده اولدخی قبول ایچیک مقله جناب شیخ احمد یدی دکنک
اورمغین شیخ احمد دخی الهی ابن مقله نک دستی قطع اولسون دیو بدعا
ایتمیدی اوج سنه صکره عصبانه سبب مقله نک برنج شرعی صاع الی
قطع اولندی بعد زمان بنه تقصیراته سبب بر موج فتوی شرعی
حکم الرضی بالله ایله مقله نک زیانی دخی قطع اولوب آخر زندانده
فوت اولدی (محکمدر که رضایت خلافتدن بر مدت کدر ایچیک
خلفه عباسیه حکمیده اولان ممالکدن هر بر مملکتک والیهی استقلال
بو اوب رضایت حکمیده راضی اولزادی مثلا بصره و واسط و اهوازی
عبدالله البریدی وفارسی آل بو یمن بن عماد الدوله و دیار بکری ربع
جدان و مصر و شامی کافور الاخشند و مغرب و افریقیه بن عبدالمهدی
و اندلسی بخامیه و اقلیم خراسانی نصر بن احمد سفامان و عجمیه
ابو طاهر طرمطی و طبرستان و جرجان دیله زبردستیده اولوب
هر براری ذکر اولان بلاد و ممالک مستقلا والی اولغسله الرضی بالله
النده محمد بغداد و توابعی قالیدغندن امر خلافت خلیفه اولمشیدی
و شام و شامانده سواخلی محزده واقع بلاد و قلاع دخی افرنج طائفه سی
مستولی اولمشیدی آخر هجرتک اوجیوز بکری طغوزنجی سنه سی
ربع الاولک اون التیمی کونی الرضی بالله مرض استیقادن فوت
اولغین بغداد و دفن ایتدی لر رضیتک عمری او توز ایکی سنه و مدت
خلافتی التی سنه و یدی ماه و اون کوندر و مهزی رضیتک بالله ربادر
واوغلاری ابو جعفر احمد و ابو الفضل عبد الله و قاضی بوسی
بن عمر در رضیتک صکره برادری المتقی اورنک خلافته جلوس ایتدی لر
* خلافت ابو اسحق المتقی بامر الله بن المقتدر *

مادر متقی حلوب نام کنیرک ترکیه در متقی روز مذ کورده سر بردولته
نشین اولیحق قرنداشی رضی بالله ممبر ممالکی اولان محکم البری
نا کیمیه بی بنه ممبر ممالک نصب ایتمشیدی نا هموار حرکاتی ظهور
ایتمکین محکم قتل ایدوب کوز تکین نام اهل تدبیره تفویض امور
ایلدی بعد زمان متقی تدبیر ممالک ایچون مصر و الهی محمد بن رابع
نام کیمیه بغداد دعوت ایچیک کورنکین خوف نابع اولوب فرار

ایتد کده

ایتد کد نصکره محمد بن دابق مصر دن کلدیکندن امر متقی ایله میر
دیوان اولندی و زمان خلافت متقیده غلات زیاده بهایه چیقوب
حنطه نک هر جلی الی دیناره چیقیدی و بلاد عجمدن والی خراسان
اولان سلطان ابو الحسین عرافه قصد ایدوب بغداده و ککیل
کوندر مملکه متقی محمد بن دابق ایله صورت فرارده موصله واریحق
والی موصل اولان حسن بن جدان نام کیمیه محمد بن دابقدن متقی
جانبه خیانت ظن ایتمکله محمد بن دابق بعد القتل سکا سوء قصدی
وارایدی دیو متقیدن عذر خواه اولدی و برادری حسین بن جدانی
مدبر ممالک ایدوب ناصر الدوله دیو ملقب ایتد کد نصکره متقی
ناصر الدوله ایله بغداده عازم اولوب هجوم ایلد کارنده سلطان ابو
الحسینک بغدادده و کیلی مقابل اوله منیجه کیر و بلاد عجمه فرار ایلدی
(پس متقی ناصر الدوله ایله بغداده کلیجک ناصر الدوله اون اوج ماه
تدبیر ممالک ایتد کد نصکره متقی ناصر الدوله بی عزن ایدوب تورون
نام کیمیه مدبر ممالک ایتدیجک متقینک بو احوالی ناصر الدوله نک
برادری سیف الدوله یه ناخوش کلدیکندن تورونه عداوت ایدوب
جنگ ایتد کده متقی خوفنک اولوب کیر و موصله عزیمت ایلدی
بو کیفیت والی مصر کافور الاخشند بنک معلومی اولیحق متقی بی
مصره دعوت ایتش ایتده متقی مصره و ارمغه جسارت ایده مدی
بو جانیدن تورون خیانت ایدوب متقی بی بغداده خیس ایتد کد نصکره
مکتفینک اوغلارندن عبدالله مستکفی بی سر بردولته بکیروب متقینک
بو چشمه میل چکد کده وفات ایلدی متقینک عمری التمش سنه
و مدت خلافتی اون یدی سنه و مهزی المتقی بامر الله در و متقینک

اوغلده ابو منصور در بر

* خلافت ابو القاسم المستکفی بالله عبدالله بن المکتفی *

مادر مستکفی شعله نام جباریه در مستکفی هجرتک اوجیوز او توز اوجنجی
سنه منی صفرتینک بکرنجی کونی خایفه اولیحق آل بو یمن سلطان
معز الدوله بی مدبر ممالک ایلدی امام معز الدوله رخص و الحاد ایله مشهور
ملحد اولغله خطبه و سکه بی کندی نامنه ایتدردی مستکفی واقف
اولیحق معز الدوله بی قتل ایتک صدردنده ایکن معز الدوله مستکفینک

بغته سراخی نهب و غارت و مستکفایی طو توب کوزلینه میل نکدی
و برینه اولاد مقتدر دن المطیع الاهی خلیفه ایلدی مستکفیک
عمری قرق درت سنه و مدت خلافتی بر سنه و درت ماهدر

* خلافت ابو الفضل المطیع الله بن المقتدر *

مادر مطیع مشعل له نام کنیز کدر المطیع الله بفسایت حلیم الذات
و کثیر الصدقات و چند ورعایاسنه و افره الرعایات ایدی زمان خلافتنده
مدبر مملکت اولان معزالدوله فوت اولغین اوغلی عزالدوله بی باباسی
برینه مدبر مملکت ایلدی و ایام دو اتده و الی مصر اولان کافور
الاخشنیدی وفات ایتکله مغرب و افریقیه سمته خلیفه اولان خلفاء
مهدییندن المزلدین الله جوهر القابله نام قولنی مصره کوندردی
بالاده بسط اولندیغی اوزره ابو طاهر قرامطی بحر الاسودی برندن
قو پاروب کوفه مسجدنه وضع ایتشیدی هجرتک اوچوز الی التجی
سالنده المطیع الله بحر الاسوی مکه مکرمه یه کوندروب محلیه وضع
ایتدردی دولت آل سبکتکین زمان خلافت مطیعده اطراف و کافه
غلبه ایله تقویت بولشیدی هجرتک اوچوز التمش در دنجی سالنده
المطیع الله خلافتی اوغلی طایعه تفویض ایدوب ایکی ماه صکره
بغدادده دار بقایه رحلت ایلدی عمر عزیزی التمش سکر سنه و مدت
خلافتی یکرمی طقوز سنه و درت ماهدر زمان خلافت مطیعده
خلافت آل عباس پست اولوب دولت و سلطنت نام علویان ایله بنام
اولان آل قذاحه انتقا ایلد دولت دنیاتک برمدته انلره یوز کوستر دیک
بعض کتب توار یخده مسطور و مقیددر

* خلافت ابو بکر الطایع بالله *

بعض توار یخده الطایع باللهک تخته جلوسنده خلافت آل عباس
منقطع اولغله کذب و دروغ ایله آل حضرت فاطمه دن اسناد اولنان
آل قذاح خلافتی سلسله ایله علی التوالی اجمال اولنور اما بعض محله
شو کونا ابراد اولنور که الطایع بالله خلیفه اولدقد مدبر ممالکی اولان
عضد الدوله بی عزل ایدوب خارجه اولان امور یسنه و الی وکیل
نصب ایلدی و عضد الدوله فضیلت و سخاوت و شجاعت و جلال
ایله مشهور ایدی حتی اسد الله الغالب علی بن ابی طالبک رضی الله عنه

تربه منوره سنی ابتدا عضد الدوله بنی ایتشدر عضد الدوله وفات
ایدیک اوغلی بهاء الدوله والدی برینه و الی مصالح اولمشیدی
الطایع بالله بهاء الدوله بی دخی عزل ایدوب برینه طوائف عجمدن
ابوالحسن اصفهانی و عبسی بن مروان نام رافضی ملحدی امور
خلافتنه وزیر ایتشیدی شرع و سنه مخالف حرکاتلری ظاهر اولدقد
طایع یونلرک دفعنک چاره سنه بافتجه اول مله و نلر طایعک قولفلرینی
قطع و خلافتدن عزل ایتدیلر بالاده ذکر اولندیغی اوزره آخر طایع
دخی فقر و ذلته مبتلا اولدی و هجرتک اوچوز سکسان برنجی سالنده
طایعک دارالخلافت سنی غارت اولندی (مرویدر که آل قذاحک
خلافتی منقطع اولدقد نصکره خلافت یسنه آل عباس توجیه ایلدی
و طایعک ایام خلافتنده طوائف افرنج سواحل شام و شامانه غلبه
و محروسه حلبه مستولی اولوب اهل اسلامه انواع فسادات و اهانت
ایتدکار دنماعد اقبصر روی قتل و منکوحه سنی کندوره عورت و ایکی
نفر نوجوان اوغللرینی اسیر ایلدی و اول ایکی نفر جوانه افرنج بیدین
قصص ایتدکده و الدهلری افرنج ایینی حبسه ایله قتل ایدوب اولادینی
خلاص ایلدی و طایع معزول اولدقد نصکره اون ایکی سنه دخی
معمر اولدی طایعک عمری التمش سکر سنه و مدت خلافتی اون بدی سنه
و ایکی ماهدر و طایعک ابو المکارم محمد و ابو الیث علی نام اوغللری واردر
* خلافت ابو العباس القادر بالله احد این ستمق *

مادر القادر غنی نام جاریده رومیه در چون القادر بالله خلیفه اولدی
اکابر و اشراف خلافتنه بیعت ایتدیلر قادر بالله عابد و زاهد و جوهر
ورعایا پرور ایدی زمان خلافتنده مدبر ممالکی اولان بهاء الدوله
فوت اولغین اوغلی ابو شجاع ایله سلقب اولان سلطان الدوله بی
والدی برینه مدبر مملکت ایلدی ابو شجاع دخی فوت اولیغی برنجی
اوغلی جلال الدوله یه تفویض ایلدی و مملکت افطاره دخی اطرافده کی
آل بویه دن امراء ذوی الاحترام ایله سلطان الدولهک اولاد طالی زاده
تفویض اولندی و ایام خلافت قادرده دیلمهک قدر و اقبالی عالی
اولدی و قادر بر حیات اولدیغی ملوک آل بویهک هر برنجی انواع هدایا
ایله بارکاه قادره خدمت عبودیت ایدرلر دی قادر وفات ایدیک

هر بری زیر دست ده کی عمار که بالاصاله پادشاه اولدیلر وقادر بالله
کندی زماننده ظاهر ورایدن زناقه اوزرینه کزیده آل سبکتکین اولان
یمین الدوله سلطان محمود بن سبکتکینی لشکر ایلر کوندر مکین سلطان
محمود دخی زنادق منهرزم ایدوب بمالکنه بالذات مستولی اولدی وملوک
سامانیه دن غنیمت الملك سامان ایلر دخی جنک ایتدکده سلطان محمود داندکی
بمالکنی زیرنکینته آلدیغندما عدا زمان مقتدرده قوت و قدرتی کمالیه
مزدا دا اولمغه خراسان وسندو کرمانی بعد الفتح هند سستانه عزیمت
واقصای هندده صنم سومنات نام براهمه شهرینک قلمه سنی فتح ایدوب
صنم سومناتی کسر ایلدی و بلاد هندک اکثر محلی فتح ایدوب قبضه
تسخیرینه کچیردی آخر قادر بالله هجرتک درتیوز بکرمی ایکنجی سالنده
بغدادده وفات ایلدی عمر عزیزی سکسان اوج سنه ومدت خلافتلری
قرق برسنه و اوج ماه ومهری حسب الله ونعم الوصل کبیل ایدی
وقادر بالله وفاتند نصکره اوغلی عبدالله سر بر دواته جلوس ایلدی
* خلافت ابو جعفر القائم بامر الله عبدالله بن احمد القادر *

مادر قائم بامر الله بدر الدجا نام کنیزک ترکیه در هجرتک درتیوز بکرمی
ایکنجی سنه سی ذی الحجه سنک اون ایکنجی کونی خایغه اولیحق خلافتنه
بیعت ایتدیلر تدبیر مملکت والدی قادر بالله زماننده آل پویه تصرفنده
ایندی اواخر خلافتنده دولت وسلطنت آل پویه دن یوز دوندروب
آل سلجوقه انتقال ایتکله قادر بالله اوغلی اشبو قائم بامر الله زمانلرنده
اوتوزیدی سنه مقداری تدبیر ملک آل سلجوقه قالدی وآل سلجوق
یورتیب اوزره اون برنفر شخص صدر که اسمیسی ذکر و بیان اولنور ابوعلی
وابوالحسن وابومنصور وابوشجاع وابوطالب وابوطاهر وابومحمد
وابوشجاع وابومنصور وابوالمظفر وابومحمد النجاء درو بو خاندان آل
سلجوقک دولتلری اوج عالی به پیوسته اولمغه اقالیم سبعة دن اقلیم
پنجیم و چهارم وسوم قبضه تصرف سلجوقبانه اولوب رأی وتدبیر لیه
جهان آبادان اولدی انشاء الله تعالی آل سلجوقک کیفیاتی محسنده ایراد
اولنور خلفاء مهدیندن المنتصر برسنه بغدادده کندی نامنه خطبه
اوقوتدی و اذان محمدیده حی علی خیر العمل زیاده اولنوب اوقوتوردی
بشاشری نام خارجی بغدادی نهب وغارت ایتدکده امر قائم بامر الله

ایله ملوک سلجوقیده دن طغرل بک بن میکائیل ابن سلجوق هجوم ایدوب
بشاشری قتل و صلب ایتدکده نصکره خطبه بی بغدادده ینه قائم بامر الله
نامنه اوقوتدی (بنابرین القائم بامر الله طغرل بکه کال توقیر ایدوب
کریمه سنی دخی طغرل بکه تنکیج ایلدی) بعد ذل طغرل بک رومه سفر ایدوب
قیصر رومی جنک ایلر کرتار و بیک کره یوز بیک فلور یسنی الدقد نصکره
قیصری خراجیه کسوب آزاد ایلدی (چون القائم بامر الله چند و سپاه
ایله بغدادده دخول ایلدیلر طغرل بک آتدن اینوب القائم بکه رکابنده پیاده
یوریدکده القائم خلیفه ارکب یارکن الدین دیو طغرل بکه خطاب
ایلدی و یوعنوان اولزماند نبرو میانه پادشاهانده ملتزم اولمغه الحاله
هذه غیاث الاسلام والمسلمین معین الدوله والدين دینلکه بادی اولدی
(پس قائم بامر الله هجرتک درتیوز طقسان یدنجی سنه سی شعبانک
اون ایکنجی کونی فوت اولدی مدت خلافتلری قرق درت سنه وسکن
ماعدر) بعد اذان خلافت آل عباس تزلزل ایدوب دولت وسعادت
آل سلجوقه یوز طوتدی قائمک نقش نکینی بالشکر تدوم النعم ایدی
وقاضیسی محمد بن علی ایدی القائم نصکره مقتدی خلیفه اولدی

* خلافت مقتدی بامر الله عبدالله محمد بن القائم *

مادر مقتدی جوان نام جاریه در مقتدی غایبه صالح ومتدین ومتعبد
زمان خلافتنده آل سلجوقدن اقطار و اطرافدن هر بری زیر دستنده کی
ولایتی بالاصاله ضبطله مستقلا والی اولوب مقتدی به رغبت ایتمز لردی
ومتقتدی نوجوان پادشاه اولوب اکثر اوقاتده مست باده اولمغه احوال
بمالکی مختل ومشوش اولشیدی آخر هجرتک درتیوز سکسان یدنجی
سنه سی محرمک اون بشیجی کونی کیجه سننده فجأة فوت اولدی عمری
اوتوز سکر سنه ومدت خلافتی اون طقوز سنه وسکر ماه ومهری علی الله
اعتمادی و اولاد عالیترادی احمد المستظهر وموسی ومحمد وزبیر
وابوطلمح وقاضیسی علی بن الد مغانی ایدی ومتقیدین صکره اوغلی
مستظهر سر بر خلافتنه جلوس ایلدی

* خلافت ابو العباس المستظهر بالله احمد بن مقتدی *

مادر مستظهر جبله نام کنیز کدر مستظهر شهره ذکورک اون النجی
روزدوشنبه ده خلیفه اولمغه اکابر دیوان خلافتنه بیعت ایتدیلر مستظهر

خوب صورت و نیک سیرت حمیده خضال و محمدت فعال محب علما معین
فقرا خیر و حسنه راغب جوان ایدی زمان خلافتده شهریار خراسان
سلطان ملک شاه سلجوقی وفات اتمکین برینده اوغلی شاه سنجر نشین
سریر سلطنت اولدی و طوائف افرنج شقاوت سنج انطاکیه و سمیاط
ورها و نیت المقدس قلعه لر نی جبراً و قهر اضبط ایلدی و امیر عسقلان
اولان ملک افضل هجوم افرنج دن منهزم اولوب جزیره عمریه ده
آل سلجوقدن سلطان برکیارق نامند خطبه اوقوندی آخر مستظهر
هجرتک بشیوزاون ایکنجی سنه سی ربع الاولنده فوت اولغین اولادین
فضل المسترشد والدی برینه خلیفه اولدی مستظهرک عمر کرنامه سی
قرق بر یچی سنه و مدت خلافتی یکرمی بش سنه و اوج ماه و مهری
تقی بالله و اولادی فضل المسترشد و اسمعیل و عباس و علی
و قاضیسی ابو بکر محمد و علی الد مغانیدر

* خلافت المسترشد بالله فضل بن المقتدی *

مادر المسترشد ارسلان نام جاریتم ترکیه در والدی مستظهرک وفات
ایتدیکی کون خلافتده بیعت اولدی مسترشد غیاثده صلح و معین فقرا
ایدی احادیث شریفه بی شیخ الشیوخ ابو البرکات احمد بن عبدالوهاب
و ابو القاسم علی بن احمد دن اوقومش لر ایدی و مسترشدک زمانده دکن خلیفه
منبره حقیقوب خطبه بی بدشاته اوقورلردی صکره و کالعه اوقمند رخصت
اولدی و زمان خلافت مسترشد ده شهر یازان خراسان اولان
آل سلجوقک ممتاز و سرافرازی ذو القرنین ایله ملقب سنجر بن ملک شاه
سلجوقیدن جناب مسترشد بالله ایله فدای لر کاردی ایلدی بارگاه
مسترشد ملاقی اولدیغی کون فدای لر جناب مسترشدی شیخ خوسفشان
ایلده هجرتک بشیوز یکرمی طقوزنشی سنه سی شهید ایتدی لر (بعضه لر دیرلر که
مسترشد مراغه ده سلطان مسعود سبکدکن ایله درون غنجه ده نشین ایلرکن
بعضه زنادقده بی طوطوب یوایکی پادشاه جعفرورلرینه کتور دکارنده
زمانده دن بر فدا بی مشرشدی اوزوب شهید ایلدی و سلطان مسعود
دخی بو خباشه جسارت ایدن زنادقه نک جله سنی قتل ولا شلر نی
احراق بالنار ایلدی مسترشدک عمری قرق بش سنه و مدت خلافتی
اون یدی سنه و یکر ماه و مهری من توکل علی الله کفاه و قاضیسی

ابو الحسن علی الد مغانیدر بش نفر اولادین راشدر برینه خلیفه اولدی
* خلافت ابو جعفر راشد بن مسترشد بالله *
مادر راشد زیمانه نام جاریه در سنه مذکوره ده اکا بز دیوان راشدک
خلافتده بیعت ایتدی لر مسترشد فوت اولدقده سلطان مسعود کندی
نامنه خطبه اوقمقی ایچون بغداد ده خبر کوندر مشیدی اهل بغداد ایا
ایتدی کلرنده سلطان مسعود بالذات بغداد ده واروب دار الخلافه یه نزول
ایلدی بو کیفیتی راشد طویجی فرار ایدوب موصله واردی پس سلطان
مسعود بغداد ده اهل دیوانی چاغردوب راشدک خلافتدن مخرجور
اولسنی تنبیه ایتدیچک راشد اشو تنبیهی دخی دویمغین موصولدن
اصفهان واصل و وافر لشکر جمع ایدوب بغداد ده کلورکن یولده وفات
ایلدی (بعضه لر دیرلر که راشدن نامشروع احراق ذمیه صادر اولغله
اول زمانده مذهب مالکیه قاضیسی اولان کرخی زاده راشدک خلافتدن
عزلنه فتوی ویرمشیدی راشدیواحوال منقلبک سکونته چاره یوله میوب
اتابک مظفرالدین زنکی ایله موصله و موصولدن اصفهان کیدرکن
سلطان مسعود بونلرک آردنجه اصفهان و رود و راشد ایله اتابک زنکی بی
محاصره ایلدی راشد تمارض اظهار ایتکله اصفهانده قالمشیدی سلطان
مسعود زنکیانی جمع و خوارزم شاه ایله راشدی اصفهانده له کتوروب قتل
ایلدی راشدک عمری یکرمی برسنه و مدت خلافتی اوج سنه و مهری من ایفن
بالانتقال عمل ایوم المالدر و قاضیسی ابو القاسم علی بن حسین زینیدر
راشد دن صکره اولاد مستظهردن مقتی تخت نشین خلافت اولدی
* خلافت ابو عبدالله المقتی لامر الله محمد بن المستظهر *

مادر مقتی قره العین نام کنیر کدر هجرتک بشیوز اوتوز ایکنجی سنه سی
ذی القعدة سنه خلیفه اولدی لر مقتی زیاده بها در و فاضل و عالم
و کامل و احوال رعایده مهیب الشکل و فصیح اللسان بر جوان جلیل
العنوان ایدی علم فقه و حدیث شیخ الشیوخ ابو البرکات احمد بن مشیدن
کور مکه محبت علما و خیر اندیش غر بایدی زمان خلافتده ملوک
سلجوقیه دن سلطان ملک شاه بن محمد بن میکا ثیل بن السلجوق
جند فراوان ایله کلوب بغدادی محاصره ایتدیچک مقتی نصف الیده
دور کمت نمازی بعد الادا روی ابتدالی زمینه وضع ایدوب جناب قادر

بروردن کاردن تضرع و کرب و زاری قیامی و نیازنده الهی و ولای
و سندی و اتکالی کافی مخلوقاتی خزانه غیب لاریدن مرزوق ایدن
سنس درگاه الوهیت کدن غیری امید کاهم یوقدر بوظالمک شرفی
اوزریمزدن دفع ایدوب اهل ایمانی کید و مضررتدن حفظ ایلدوب کرب
ایتمشیدی تیردعا هدف اجابت رسیده اولمغله صباح نور مصباح ظاهر
اولیحق سلطان ملکشاه بغداد اوزرندن کوچمش اولمغله شهر و مملکت
کید و مظلومین آزاده اولدی (وینده زمان خلافتده سلطان مسعود
و اتابک مظفرالدین زنکی ابن اقصو قتل اولمغله مقتی استقلال خلیفه
اولدی و آل ایوبدن نورالدین الشهید ایلدوب اولان علی بن زنکی به مقتی
زیاده توقیر و احترام ایدوب ایالت دیار بکرایله سودمند و بهره مند ایلدی
آخر هجرتک بشیوز الی بشیخی سنه سی و بیع الاخرینک بکرمی سکرینجی
کونی قوت اولمغین برینه اوغلی یوسف المستجد خلیفه اولدی و مقتینک
عمری التمش سکر سنه و مدت خلافتی بکرمی درت سنه و اوج ماه و اون رکون
و مهربی کن من الله علی حذر تسل و اولادی احمد و ابوجعفر عبدالله
و ابوالمظفر المستجد و قاضیسی ابوالقاسم علی بن حسین ایدی
* خلافت ابوالمظفر المستجد بالله یوسف بن المقتی *

مادر مستجد طاوس نام جاریه رودیه در خلفاء عباسیه ده یزیدن اوز که
یوسف ناعیه خلیفه کلمه شد سنه من بوره ربع الاخرینک بکرمی طقونجی
کونی خلافته بیعت ایدیلر (محکیم در که مستجدده رؤیاسنده سمان
بر ملک نازل اولوب مستجدک کفنه درت عدد حرف خاتمه برایتد کدن
صکره غائب اولدی علی الصباح مستجد رؤیای تعیر ایتد در کده
هجرتک خمس و خمسمائة سنه صدر خلافت سکا بهسر
اولور دیو تعیر ایتدیلر فی الحقیقه مستجد سنه مذکورده خلیفه اولدیلر
مستجد غایتده صالح و متدین و زهد و تقوی ایلد و پراسته عابد و عالم ایدی
زمان خستلافتده قطب الدین و ملک سیف الدین و خلفاء مهدیین
العاصم و وفات ایلر ایلد مستجدک خلافتی قوت و رونق بولدی و دوات آل
سلجوقیه دخی ضعف و انکسار بولمغله مستجد یوز دندخی قوت
بو اوب آخر هجرتک بشیوز التمش التیمی سنه سی و بیع الاخرینک
طقونجی روز شنبه ده وفات ایلدی عمر عزیزی قرق سکر سنه و مدت

خلافتی اون بر سنه و مهربی من احب نفسه هانها و اولاد شرفی ایدی
ابو محمد المستضی و ابوالمعالم و قاضیسی ابوالحسن الدغیا یزیدن
و مستجد نصکره اوغلی ابو محمد المستضی سن خلافتده جالوس ایلدی
* خلافت ابو محمد المستضی بنور الله حسن بن المستجد *
مستضی ماه من بوزک بکرمی برنجی کونی خلافتده اولدیلر خلفاء عباسیه ده
یوزدن ماعداد حسن اسمیله خلیفه کلمه شد مستضی کرمی الذات
و جلیل الصفات و کثیر الخیرات و الحسانات خلیفه بیای درجات ایدی
انعام و عطا یاسی تهر بر اولنسه مستقلا برکاب عظیم او او ایام خلافتده
والی مغرب و بر زمین و شام و شامات و مصرده اولان خلفاء مهدیین
منقرض اولمغله مصرده خطبه و سکه کیر و آل عباس نامنه واقع اولدی
و جمله مظلومین دخی عدالتیه قرین اولدی و بغدادده جیسر عتیق
نام محله بر جسر کک هکسان بنا ایدوب نامی جسر عتیق نسیمه
ایلدی آخر مستضی هجرتک بشیوز التمش بشیخی سالنده وفات ایدیلر
عمر عزیزی اوتوز طقوز سنه مدت خلافتی اون طقوز سنه و مهربی
من فکر فی المال عمل فی الاثقال ایدی بر سنه اوغلی احمد خلیفه اولدی
* خلافت ابو العباس الناصر لدین الله احمد بن المستضی *

مادر ناصر زمره نام جاریه در سنه من بوره نک غره ذی القعدة سنه
خلیفه اولدیلر ناصر زیاده عادل و علوم ظاهرده عالم و کامل و رعایت
رعایاه مقدم جوان ایدی و حدیث شریفدن روح المعارفین نام برکاب
تصنیف ایدیلر و ملوک سلجوقیه دن امر و خلافتده منقاد اولمغین
سلاطینی و لایزلرندن طرد ایلدی و عزرا فده اولان طغرول بکی طوتوب
بر موجب فتوای شریف دیواننده قتل ایلدی و اشکر کک و ندر و ب
خراسانی و تکریت قلعه سنی بعد الفتح اغالینسی ظلمت ظلمین نوره چقاردی
و بغدادده مهمانخانه و مشدد عمارتله و مدارس و بقاع و کتابخانه بنا ایلدی
و خلفاء سالقین زماننده طایفه افرنج بیت المقدس سنی ایشیدی والی
حلب الشهاب صلاح الدین ابن ایوبی لشکر ایلد کوندروب هجرتک بشیوز
سکسان التیمی سنه سنه اراضی شریفی مشرکیندن بعد التطهیر
کافه عالمیه نظام و بر کد نصکره آخر هجرتک التیوز بکرمی ایلکیمی
سنه سی و ضانده قوت اولمغین شیح محی الدین بر خوری نماز فی قلوب

بغداد دفن ایندیلر عمر عزیزی الشمس طغوز سنه ومدت خلافتی
 فرق السنه واون برماه ومهری رجائی من الله عفوہ وقاضیلری
 ابوالحسن دمغانی وابطالب علی ابن بخاردز واورغی اوغلی ابونصر
 ظاهر و ابوالحسن و ملک المظفر بن ابوالحسن بابائی ناصر زمانده وفات
 ایلدی و ناصر د نضکره اوغلی ابونصر ظاهر سر پر خلافته جلس اولدی
 * خلافت ابونصر الظاهر بالله محمد بن الناصر *

مادر ظاهر اخشونام کثیر کدر ظاهرک شکل و شمائلی آل امویه دن
 عمر بن عبدالعزیز حضرت نرینه مشایخ ایدی و ظاهر محب علما خوب
 صورت و نیک سیرت صافدل و فاضل و عادل جوان ایدی اورنک خلافته
 جلوس ایلد کمرده سیاه و غرائک علوفلری زیاده لندردی اما عمر نازنینی
 نامساعد اولمسه هجرتک التیوز بکرمی النجی سنه سی رجبتک
 اون اوچنجی کونی فوت اولدی لر عمر عزیزی الی سنه ومدت
 خلافتی درت سنه به قریب در بش نفر اولاددن عباس
 و شلمان و یحیی و یوسف بغداد وقعه سنه فوت اولمسه برینه اوغلی
 مستنصر شیرر خلافته جلوس ایلدی قاضی بنی عبدالله بن فضلدر
 * خلافت ابوجعفر المستنصر بالله ابن الظاهر *

مادر مستنصر شیرین نام جاریه در مستنصرک خلافتنه شهر مذکورده
 یعت اولدی مستنصر غایتده عالم و عادل و کریم و حلیم ایدی قبل الخلافه
 نامنه قاضی دیر لردی شب و روز کتب شریفه نیک مطالعه سنه بذل
 اوقات ایدوب صحبت علمیه الله همیشه مشغول ایدی بنابرین خزانه سنه
 کتبدن غیرتی سنه بولمزد خلیفه اولد قارنده بغداد ده مستنصر به
 نامنده بر عالی مدرسه بنا ایدوب طلبه نیک مالز مه لری به عدالت عین
 چار مذهب اوزره درس اوقتمق ایچون تعیین ایلدیکی مدرسه
 فرمان ایلدی و مدرسه مذکوره نیک جانب شمالده مکتب بنا ایدوب
 اطفال یکسانه مدرسه مذکوره وقفندن نفقه و کسوه
 تعیین ایتمکله اول دبستانده اطفاله قرآن کریم تلاوت ایتدی رددی
 و اوقات خشنه معلوم اولمچون قریب مدرسه مذکوره ده
 بر سنه بنا و ایجاد ایتمکله ساعات و دقائق و درجات اندن پیلوردی
 هجرتک التیوز اوتوز برنجی سنه شی رجبتک آخرنده مستنصر بالذات

مدرسه مذکوره به واروب مذاهب اربعه دن درت عدد مدرس
 و بر حافظ مسیح خوان و معلم صبیان نصب ایلدی و مهر عیسی قرینده
 بر عالی ریاضت بنا ایدوب نهر دجله دن اول ریاضه صوابدی و لب
 دجله ده قریبه نام بر مسجد بنا ایدوب اوتوز نفر موظف مسیح خوان
 بخود حافظ تعیین ایلدی و مسجد مذکورده جمعه نمازی قیلمشینی
 امر ایلدی (مرویدر که مسجد مذکورده ابتدا کی جمعه اداوانه جعی
 کون مستنصر و ذلک صداسنی کوش ایتدیکی آندہ تعظیما پیاده مسجد
 مذکوره عزیمت و جمعه بی بعد الادا هجرتک التیوز قریب سی سنه سی
 جادی الاخرینک ابتدا کی کونیکه صلات جمعه بی ادا ایتدکاری کوندر
 مستنصر دار آخرته رحلت یورد قارنده اولکون جنازه سی بنه ان ایتدیلر
 اینه سی کون جامع شریف مذکوره دفن ایتدیلر مستنصر و عبدالعزیز
 نام ایکی نفر اوغلردن مستنصر والدی برینه خلیفه اولدی مستنصرک
 عمر عزیزی الی ایکی یحیی سنه ومدت خلافتی اون پدی سنه واون
 کون وقاضیلری ابوصالح بن عبدالرزاق و محمود بن احمد شافعیدر
 * خلافت احمد المستنصر بالله عبدالله بن المستنصر *

والده مستنصر هاجر نام عابده و زاهده جاریه در اوغلی مستنصرک
 زمان خلافتده حج ایدوب متوفیه اولدی لر یوم مذکورده مستنصرک
 خلافتنه یعت اولیحق رعایا اوزرندن ظلم و تعدیات دفع و رفع ایلدی
 مستنصر اهل حیا و صلاح و خیر مائل خوب صورت و نیک سیرت ایدی
 ابواجدادن بدیعی بطنده امر وراثتله خلافته جلوس ایلدی شیخ
 معروف کرخی قدس سره نیک قریب لری برارنده بر مدرسه بنا ایدوب
 هجرتک التیوز الی اوچنجی سنه سی جادی الاولنک ایکنجی کونی مدرسه
 مذکوره به مذاهب اربعه دن مدرس تعیین و فقها و طلبه سنک و طائفتی
 بنیم ایلدی و هجرتک التیوز الی النجی سنه سی عمر منده ملک ترکستان
 اولان جنکیر خان اوغلی هلا کوخان لشکر تاتار ایل در بند حاوانه کلوب
 مملکتی نهب و غارت ایتمکله بو کیفیتی امر اه حدود مستنصره و کاتب ایل
 اخبار ایتدکارنده مستنصرک اون نیک نفر به بالشکری اولوب بوقدر
 لشکر ایل لشکر تاتار مقابله امر محال اولد یغندن مستنصر ایچرودن
 دروازه لری بندا ایدوب قلعه جنکنه حاضر ایکن ماه محرمک طغوز جی کونی

هلا کو خان تاتار و مغول لشکر یله کلوب بغدادی محاصره ایلدی
اولکیجه نك صبح صادقده لشکر تاتارک نهر دجله بی عبور ایلدی کلری
لشکر اسلام عینا و عیان کوروب لشکر تاتار یله مقابله ایچون کوندر دکلرند
لشکر تاتار و مغول صورت حیلده ده کر یزان اولغله عسکر اسلام اشوب
حیله یه الدانوب تاتار عقبیجه هجوم ایدیچک لشکر تاتار دونوب عسکر
اسلامی منهرزم و اکثرین شهید و بعضیلرین اسیر ایتدین عسکر اسلامدن
لشکر قلیله جان قورتاروب رها بولدی بعد هلا کو خان بغدادک
برابرینه خیمام و خرگاهن قوروب منجیق لرایله حصار چنکده آهنگ
ایندی و سفاین و جسوری گرفت ایدوب بغداددن واسط طرفنه
عزیمته یول براقدی مستعصمک آئی نك نام دواتداری واسطه کیمک
آرزوسيله ماملکی سفینه تحمیل و کندی دخی سفینه یه تیوب کیدر کن
لشکر تاتار دواتداری طونوب هلا کو خانه کتورد کلرند هلا کو خان
دخی دواتداری قتل و مینه سی نهر دجله یه آتوب اهل و عیالی اسیر
وفال و منالی نهب و غارت ایتدردی (پس اهل بغداد از هرجت ضعف
کلی مستولی اولغین مستعصمک وزیر کج تدبیری اولان محمد علقمی
نام خان کندی نفس و عیال و اولادیچون امان طلب ایتمش ایستده
هلا کو خان امانه مساعده ایتوب همان بغدادده برج عجم نام قلعه
متبک جداسته خیامنی قوردی و منجیق ایله بغدادک قلعه سنی دوکوب
برج مذکور ی خاکله یکسان ایلدیکنده مستعصم بواحوالی کوروب
هلا کو خاندن امان طلب ایدیچک ایتد ایتد مستعصم امان و بریدلر و آدم
کوندروب مستعصمی میان تاتاردن اخراج و یاتنه کتوردوب برجیه یه
اوتوردی و اوزرینه موکل تعیین ایدوب غروب آفتابه قدر اول خیمه ده
اسکان ایتدردی اما بعد الغروب مستعصمک دست و پائی بند و برحواله
قویوب نهر دجله یه عرق ایلدی مستعصم جام شهادتی نوش ایتدیرنج
بوکونا اذا و جفا ایلدی (بعد ذاهلا کو خان بغدادی منبذ و ربط
ایتد کد نصکره و زراسندن سیف نام کیمسه یه تفویض ایدوب فرق
کون حکومت ایتدرد کد نصکره ناصرالدین طوسی یه تفویض ایلدی
مستعصمک مهری اعصمت بالله ایدی ایکی نفر اوغلارندن ابوالعباس
احمد و قعه بغدادده شهید اولدی و مسارک نام اوغلی دخی باباسیله

اسیر اولوب اولخاند و فات ایتدکله آل عباسک دولت و خلافتی مستعصم
باللهده خیمام و غایت بولوب سلسله لری منقرض اولغله بمالك
خلفاء عباسیه اوج سنه متوالیه علی حاله بلا خلیفه قالدی
* خلافت المستعصر بالله احمد بن الظاهر *

هجر نك آلتوز الی بطور نبی سالنده مستعصمک عمی اشوب مستعصر
بالله احمد بن الظاهر بن الناصر الدین بالله مصرده اثبات نسب ایتدکله
اهل مصر خلافتیه بیعت ایتدیلر مادر مکرملری جاریه حبشه اولوب
ذات شریفلری شجاعت و جلالت و زکات ایله مشهور ایدیلر
اولز مانده شهریار مصر و شام اولان ملک ظاهر دخی امر سلطنتی
مستعصر احمد تفویض ایدوب ایکسی بکدل اوله رقی لشکر بغداد ایله
شامه ورود ایتد کد نصکره مستعصر شامده ملک ظاهر دن آیریلوب
لشکر بی شماریله بغداد طرفنه عزیمت و چند تاتار ایله محاربه ده مستعصر
ناید و ناپیدا اولوب مستعصمک خلافتی بومبانه ده ایکی سنه یه قریبدر
* خلافت حاکم بامر الله ابو العباس احمد *

این علی بن ابو بکر بن المسترشد بن المستظهر بالله عسکر مستعصرده
موجود بولمغله هجر نك آلتوز التمش برنجی تار یخنده شامده اثبات نسب
ایتد کده ملک ظاهر ایله کافه امر ابونک خلافتیه بیعت ایتدین مصرده
نامه خطبه اوقوتدی و شام و مصرده فرق سنه دن زیاده خلافتدن
صکره هجر نك ید یوز برنجی سنه سنی جمادی الاولنده مصرده فوت
اولغین سیده النفیسه یاتنه دفن ایتدیلر (پس بوایکی نفر خلیفه ایله
جمله خلفاء عباسیه اوتوز طقوز نفر اوور بعد ذان لشکر تاتارک کمال
تعد یاتندن ملوک سلجوقیه بمالك اسلامدن فرار و متفرق اولدیلر
وسلیمان شاه اولادندن ابوالسعد سلطان مسعود بن سلطان محمد ایله
ابوالمظفر کعباد بن ابوشجاع کبکسر و ابن الب ارسلان بن طغرل نك
ابن محمد بن میکایل ابن سلجوق دیار رومه عزیمت ایدوب حوالی
اماسیه ده متوطن اولدی و ملوک سلجوقیه دن سلطان علاء الدین
زماننده اوقاتی غزا و جهاده صرف ایلدی کیفیت و احوال لری دامن
کتابده ایراد اولتور بعد ذان ملوک صفاریان قلعه آلتور
* در بیان ملوک صفاریان *

ملوك صفاريان ناميله مشهور عالمان اولان خاندان سعادت بنياد هجرتك
ايكوزاللي بشنجه سنه سنده ممالك عجمده اورنگ دولته جلوس ايدوب
ميرمهتر وسرور صفدر اولمريله حال وشانلري بروجده آتي ذكر و بيان اولتور
* امارت يعقوب بن الليث الصفاري *

تاريخ منذ كورده خروج ايدوب ممالك اسلاميه دن ابتدا سيستان ومالك
كرميان وديار خراسانه والي اولدي بعد زمان ممالك مزبور به شهر يار عالي
وفار اولوب بعد وفاته يرينه برادري عمرو بن الليث سر بردولته جلوس ايلدي
* امارت عمرو بن الليث *

امرو وراثتله برادري يرينه پادشاه اولوب خيلي ممالكي دخی فتح و تسخير
ايتد كد نصيره بغدادده خليفه ايله خطبه ده مشرتك اولدي وناهني
خليفه ايله خطبه ده بالعهيه ذكر ايتدردي و بونلرك زمانه كلنجيه دك
نام سلاطين منبرده خليفه عثمانيله ذكر اولمزدی وعرو بن ليث هكلام
سفرده مطبخ عامر لري آلات وادواتي اوچيوز دوه چيكردي
وشيرازده جامع عتيق ناميله برجامع شريف بناسنه موفق اولديلر
خلفاء عباسيه دن المعتضد بالله زماننده كه هجرتك ايكوز سكرسان
يدنجي سنه سيدر ملوك سامانيه دن ملك اسمعيل ساماني خروج ايدوب
عمرو بن الليث بلخده محاصره واسير ايتد كد نصيره معتضده كوندركين
اولدخي عمرو بن الليث زندان بند ايتكله جوع وعطشندن زندانده
فوت اولديلر مدت عمارتي اوتوز اوج سنه در بعد وفاته اوغلك اوغلي
ظاهر بن محمد سر بردولته جلوس ايلدي

* امارت ظاهر بن محمد بن الليث *

عمرو بن الليث ملك اسمعيل ساماني النبه اسير و كرفتار اوليحق عمروك
اوغلي محمد اولادندن ظاهر لشكر هند سيستان ايله جانب سيستانه فران
وانده لشكر جمع ايدوب ايكوز فارسه كلكده معتضد خبردار اوليحق
اولزمانده ظاهر ك والدي محمد بن عمرو شيرازده حاكم ايدى اوزرينه
چند وسياه كوندركين محمد بن عمرو دخی شيرازدن قاچوب اوغلي
ظاهر يانته سيستانه پوزانتر و روان اولدي ونيجه مدت اوغلي ايله
اولحوالته قالدیلر آخر ظاهر اوراده فوت اولدي مدت عمارتي بش
سنه در (پس سلسله دودمان صفاريان ظاهر بن محمدده غایت و پایان

بولغين بعد ازین آل سامانيانیه شرح اولتور

* در بيان ملوك سامانيان *

مرويدركه ملوك سامانيانك ابتدائي اسمعيل بن احمد بن اسيد بن همامان
ابن سباوخش بن سامان بن بهرام جوينيه در كه نوشروانك اوغلي
هرمزك اوغلي خسرو بن هرمزك لشكر كش امر استند و بوخاندان
راسخ الاركان اون نفر پادشاه كزين وشهر يار تختشين اولوب جله
امارت وسلطنتلري پوزاللي سنه در كه بروجده آتي ذكر و بيان اولتور
* امارت اسمعيل بن احمد بن اسيد *

حكيدركه احمد بن اسيدك درت نفر اولادندن اشبو اسمعيل كردان
واهل تدبير اولغله ايكي نفر اولاديله عراقدن ارض خراسانه عزيمت
ايدوب اولزمانده بغدادده خلفاء عباسيه دن معتد باللهك آستانه
سعادتته مراجعت ايتد كلرنده معتد بالله دخی امير اسمعيل بن احمد
خراسان وهراتي و برادري نوح بن احمدده ماوراء النهری تفويض
ايدوب هجرتك ايكوز سكرسانجي تاريخنده كوندركين بعد زمان
امير اسمعيل معتضد بالله زماننده لشكر بيشمار ايله اوزوب بخارا يي ضبط
وكندويه دارالسلطنه ايتكين حدود تركدن ممالك هندستانه وارنجه
ميانه ده اولان ممالك قبضه تصرفنه كچدی امير اسمعيلك مدت امارتي
اون سكر سنه در بعد وفاته اوغلي احمد سر بردولته كچدی
* امارت ابو نصر امير احمد بن اسمعيل *

امير احمد رافت وعدالله مشار بالبيان پادشاهاندر روز كارده نيجه
دشمنك دفتر عمريني دور مش ايسه آخر كندی دخی نيجه شهباز تير
چنگال اجلدن رها اولغله چاره بوله ميوب جام مرکی نوش ايتكله يرينه
اوغلي ابو الحسن نصر پادشاه اولدي امير احمدك مدت امارتي التي سنه در
* امارت ابو الحسن امير نصر بن احمد *

امير نصر دخی والدي امير احمد دن زياده كشور كير اولغله نيجه بلاد
وقلاع وقرا وضياع قبضه تصرفنه المش ايسه ده والموت باب
كل الناس داخلها فواستجبه قبضه اجلدن خلاص اوله ميوب آخر
نخت امارتي تخت تايوته مبدل ايلد كلرنده يرينه اوغلي امير نوح سر بر
دولته جلوس اولدي امير نصر ك مدت امارتي اوتوز سالدر

* امارت امیرنوح بن ابونصر امیر احمد *

امیرنوح شجاعت و جلالت و معروف پادشاهانند در زمان دولتشده
قهرمان جهانند و عد اولیان نیجه سرکشان دوران آستانه سعادت
ارادت پذیر او ابوب بنده حلقه بکوشی و غاشبه بردوشی اولمخی اخبار
ایندیلر اون ایکی سنه امارت نصکره فوت اولیجی برینه اوغلی عبدالملک
سر بر دولت و سلطنته جلوس ایلدی

* امارت امیر عبدالملک بن امیرنوح *

عبدالملک دخی تخت زینده نیجه شاهان کرین ایله آت و قبل سورمش
و شهر یاران صاحب نمکیندن نیجه سنه فرزند ایدوب نوح و بره کله
شاهلرین مات قلمش قوت و جلالت ایله معروف سلاطیندن اول
عصرده والی دیار خراسان اولان سلطان محمود بن سبکتکینک
اوزرینه لشکر چکوب خراسانی المیچون جنک ایتمش ایسه ده عبدالملک
منهزم و سلطان محمود مظفر اولمغه طرف خلیفه شدن عین الدوله
عنوانیه ملقب اولدیلر (پس عبدالملک بو هنر یتمه نصکره بخارایه
وار یجی ترکستان خانی اولان ایلاک خان عبدالملکه هجوم ایتمکله
عبدالملک اورادنده فرار ایتمکین ایلاک خان عبدالملک اول حوالیه
اولان ممالکنی ضبط ایلدی آخر عبدالملک یدی سنه امارت نصکره
غوم و هجوم فوت اولدقده برینه برادری امیر منصور پادشاه اولدی
* امارت امیر منصور بن امیرنوح *

امیر منصور دودمان سعادت ینیاک کریده و اخلاق حیدیه مالک
پسندیده سرور زیندر سرکشان جهانن نیجه لرینک آرقدلرینی قوت
پهلوانی ایله زمینه کتوروب آخر اون بش سال و طقوز ماه امارتدن
صکره دست اجل کنیدی دخی خاکه دوشورد کده برینه صلی اوغلی
امیرنوح سر بر دولته نشین اولدی

* امارت امیرنوح بن امیر منصور *

امیرنوح خلیفه عبدالله پیراسته و زیور دیانتله آراسته پادشاهانند
او ابوب نیجه شهر و اعوام شکوه و سلطنت و حکم ایله بکام اولمغه
عاقبت الامر یکریمی سنه ویدی ماه امارت نصکره جام مرکدن مست
ولایمقل اولدقده برینه اوغلی ابوالخارث منصور پادشاه اولدی

* امارت ابوالخارث منصور بن امیرنوح *

بو نادر دخی مزبله دنیاک دولت و عزتیه فریتیه اولوب دولت و سلطنته
لایق اولین اعمال ایله مشغول اولیجی آخر برسته و طقوز ماه امارتدن
صکره کردش دوران نافر جام تغلبیه دنیای دوندن ناکام دار آخرته
قیام کوسترد کده برینه برادری امیر عبدالملک پادشاه اولدی

* امارت امیر عبدالملک بن امیرنوح *

امیر عبدالملک دخی لذت دهر دیدن یمذاق و هجوم موت ایله
دولت و سلطنتدن افتراق ایدوب کشتی حیات مستغاری دریای
مرکده اغراق ایلد کده برینه برادری اسمعیل مستنصر پادشاه اولدی

* امارت امیر اسمعیل مستنصر بن امیرنوح *

بو خاندان سعادت ینیاک امارت و حکومتی امیر اسمعیل مستنصر ابن نوحده
غایت و انجامة رسیده اولوب سلاطین منقرض اولدی امیر اسمعیلک مدت
امارتی ایکی سنه در فیا بعد گروه پرشکوه آل سبکتکینک مقالاته شروع اولدور
* در بیان ملوک آل سبکتکین *

بو خاندان آل سبکتکیندن اون ایکی نفر سرور کرین سر بر سلطنته
جلوس ایدوب جهانده پادشاه اولدیلر و بودولنده ابتدا پادشاه اولان
یمین الدوله سلطان محمود غزنوی ابن سبکتکیندن مرویدر که فی الاصل
بابام سبکتکین نیجه و خرگاه و بارو پنکاه صاحبی دولت و ایدی اول زمانده
تخصیصدن بکملک و امارت ایدن ملوک و سلاطین غزنیان ایله صلح و عهد
ایتملر ایدی برکون تخمینان نقض عهد ایدوب علی الغفله غزنیانی
نهب و غارت ایتمکین بابام سبکتکین اول غارتده اسیر او اب سائر اسیر ایله
ماوراء النهر کتورمشیدی ساسانیان ایله اختلاط ایدن خالی نام
بازرکان بعض اسیر ایله بابام سبکتکینی اشترا وفائده امیدیه بخارایه
کتوروب ملک بخارا اولان عبدالملک سامانیک مقربان خواصندن
الب تکین نام بکه فروخت ایلد کده الب تکینک اولادی اولدیغندن
بابامی اولاد ایدند کده نصکره بابامه کیش و کمر واسب و تاج و یروب
زیر حکمنده اولان دیار همدانک چری باشیغنه تعین و مستوفی آدم ایله
بابامی همدانه کوندردی الحق الب تکین غایله کهنه سال فرقت اولمغه
بعد زمان فوت اولیجی عبدالملک سامانی اشوب الب تکینک برینی

ودختر بنی بابامه و بر مکه اولد ختر یا کیره دن بنکه سلطان محمود
غزنوی این سبکتکین عالم وجوده کلدیم یور دیلبر پس سلطان محمود
غزنوی سلاطین اسلامیه بنک ~~کیریده~~ سی اولوب جهاند عبدال
وداد ایلله حکم ایتد کد نصکره حسیه لله و رضاء رسول الله کفار غزا
وجهاد ایلدی و امم افضلدن اولدیغنه نیجه احادیث شریفه دلائل ایدر
* امارت یمین الدوله سلطان محمود بن سبکتکین غزنوی *

جناب سلطان محمود غزنوی اهل سبف و صاحب رای دوات و سلطنته
سزاوار اولمشیدی خاندان آل سامان سلطنتلرینک زواله رسیده
اولدیغی هنگامده خلفاء آل عباس درگاهنه عاصی اولد قلیزینه بنیاء
سلطان محمود غزنوی بونلرک اوزر لرینه هجوم ایدوب ولایتلرینی
قصیه نصرفنه کچور مکه هجرتک او چیوز سکسان بدینی سالنده
سریر دولته جلوس ایلدی و بو آل سبکتکینک مدت سلطنتلری
یوز سکسان برسنه در سبکتکینک حین وفاتنده امور سلطنت ال ساماندن
نوح ابن منصور سامانی انده ایدی بالاده کذرا بدینی اوزره سلطان محمود
غزنوی جنگ و حرب ایلله خراسان و سیستان و لایتلرینه مستقلا پادشاه
اولد قده افتاب دولت و اجلالی ضیاعا و صبت و صدای عدالتی سمع
جهانیانه مسرت کویا اولمغله خلفاء عباسیدن القائم بامر الله
جنابندن سلطان محمود ده نامه و خلعت فاخره کلوب ایلدیکی غزا
وجهادک همیشه سیچون طرف القائم بدن یمین الدوله عنوانله ملقب
اولدی پس سلطان محمود غزنوی تیغ قهریله عراق و عجم و جرجان
و ممالک سند و هنددن نیجه قلاع فتح ایلدی (محکیدر که اقصای
هندستانده واقع سومات نام شهر دیار معموره دن قرق کونلک ایچرو
اولمغله اهل اسلامدن بر پادشاه اول شهرکزینه وارمشد سلطان
محمود غزنوی جنابلری قرق کونلک آب وزادی دوه ره تحمیل ایدوب
اوتوز بیک لشکر ایلله الفار ایلدی و بلده سوماتک قصبات و قرا سنی
نهب و غارت ایدوب دور حضرت آدم دنیرو شهر مذکورده معبد اتخاذ
اولان دیر مبنی هدم و دیرونده اولان صنم باطلی کسر ایتد کد نصکره
و افراسرا و غنا یم ایلله کیرو ممالک محروسه سنی تشریف یور دیلبر
(دیرلر که صنم مذکور دیار هندده زعم فاسد لری اوزره اهل هندک

اهل نقواسی مثابه سنده اولان براهیمه نك معبد باطلی ایدی و دیار هندده
واقع ممالک کفاردن اول صنمک اون بیک قریبه دن زیاده اوقافی وار ایدی
و این باطله لری اوزره صنم مذکور دیر بنک کلید دار و فراش و بواب
و چار و یکس اوله زق بیک بشیوز نفر دن مجاوز اهل مر ترقه سی و اریدی
و صنم مذکور یولاد و آهندن مصنوع او او ب دیر مظلیمک مظلم
قبه سنده اوج هواده معلق ایدی شویله که نه بر طرفدن اتکا اولته جق
یری وار و نه خود بالادن اول دیرک قبه سنده اتصالی وار ایدی بنه علی
هذا کورنلر انکشت برده ان حیرت اولور لر دی مکر کفار بد کردار حبله
ایله درون دیرده بنایجا مقناطیس وضع ایتلرله اول صنم آهنبی
هر طرفدن جذب ایتد کربنه سبب صنم مذکور معلق طور ردی
و بوقو حات جلبله دغا عدا سلطان محمود غزنوی دیار هندده نیجه دیر
و اصنام و آتشکده مجوسانی خالکله یکسان ایلوب بر لرینه مساجد
اهل ایمان بنایت دزدی و اعدای دولتدن ملوک سلجوقیه دن اسرائیل
ابن سلیمان ابن سلجوقی بی اله کتوزوب دیار هندده کالنجار قلاعه سنده
حبس ایلدی آخرا اسرائیل محبسنه وفات ایلدی (جناب محمود غزنوی
دخی اوتوز اوج سنده سلطنتد نصکره هجرتک در تیوز بیکر مچی سالنده
ارتحال دار بقا ایتد کسین برینه اوغلی سلطان مسعود پادشاه اولدی
* امارت سلطان مسعود بن سلطان محمود غزنوی *

سلطان مسعود اورنک دولته جلوس اید بچک خلافتنه بیعت ایتدیلر
انجق محمود غزنوی عراق و خراسانی اوغلی اشبو مسعوده و غزنه
و هندستانی دیگر اوغلی محمد و صبت ایتشیدی سلطان مسعود برادری
سلطان محمد دن خطبه ده شریک اولمغی رجایتد کده سلطان محمد
قبول ایتدی و سلطان مسعود برادری سلطان محمد دن آزرده دل
اولیجق جنسد و سپاه ایلله سلطان محمد اوزرینه هجوم ایلدی سلطان
مسعودک و مصلو بدن عمی یوسف بن سبکتکین سلطان محمدی طوتوب
قلاعه بنه دایتشیدی سلطان مسعود لشکر یله غزنه یه کلچک عیسنی
طوتدی و برادری سلطان محمد یانسه حبس ایدوب والدنک نماز کینه
بالطول و العرض بلا تراغ استقلال پادشاه اولدی ایم دولتده آل سلجوقی
نهر جیحونی کرارا و ترارا عبور ایدوب نیجه دفعه حرب و قتال ایلدی

و نیکه زمان دخی حرب و قتال بر طرف اولوب صلح ایله میسانه ده اولان
عداوت محبت و مودته تبدیل اولدی آخر سلطان مسعود هجرتک
درتیز او تو زایکچی سالنده محاربه ده منهرم اولوب لشکر یله غزنه
جانبه کر یزان اولیچق برادری سلطان محمد قید بنددن خلاص اولوب
لشکر فراوان ایله غزنه به واصل و برادری سلطان مسعودی گرفتار
و قلعه ده حبس ایند کد نصکره سلطان محمد صلی اوغلی احمدی
قلعه به کوندروب سلطان مسعودی قتل ایند در مکه سلطان محمد استقلال
پادشاه عالیجاه اولدی سلطان مسعودک مدت امارتی اون اوج سنه در
* امارت سلطان محمد ابن سلطان محمود غزنوی *

چون سلطان محمد هجرتک درتیز او تو زایکچی تار یخنده سر بر کردون
نظیره جلوس ایلدی بعد زمان قرن دانی سلطان مسعودک اوغلی
مودود باباسنک قاتی آلفیچون لشکر ایله غزنه اوزرینه واردی و غنی
سلطان محمدی طوتوب باباسنک قاته بدل اولاد و عیالیه به بعد القتل
یرینه پادشاه اولدی سلطان محمدک مدت عمارتی اون سنه روایت
آخرد او تو زایک سنه در

* امارت سلطان مودود ابن سلطان مسعود *

سلطان مودود غنی سلطان محمدی قتل ایدوب ابا واجد اندن موروث
اولان ممالکه مستقلا پادشاه اولیچق قتل و قصاصدن فراغت ایدوب
یدی سنه مقداری سر بر دولته شاه کامران اولد قد نصکره هجرتک
درتیز قرق بدیجی تار یخنده وفات ایند کده یرینه اوغلی سلطان مسعود
ثانی جلوس ایلدی

* امارت سلطان مسعود ابن سلطان مودود *

سلطان مسعود اگرچه والدی سلطان مودود یرینه پادشاه اولدی
فاما عمر کرانیه نامساعد اولمغه زمان قلیل سلطنت ایدوب فوت
اولد قد یرینه اوغلی علی سر بر دولته جلوس ایلدی
* امارت سلطان علی ابن سلطان مسعود *

سلطان علی رأفت و عدالت و حرکتده جدی سلطان محمود
سبکتکینه مشایه ایدیه ده عمر نازینی نامساعد اولمغه همان التي ماه
امارت و سلطنت ایدوب جام موقی دست هاذم الذاندن ایچد کده

یرینه سلطان عبدالرشید ابن سلطان محمود پادشاه اولدی
* امارت سلطان عبدالرشید بن سلطان محمود غزنوی *
کردش دوار و سیر چرخ ستمکار سیار ایله امر سلطنت و صدر امارت
و حکومت سلسله متواتره ایله سلطان عبدالرشید ایشمش ایدیه ده
ایکی سنه بش ماه امارت نصکره بالین موده سر نهاده اولد قد یرینه
ذودمان غزنویدن ابراهیم بن مسعود جلوس ایلدی
* امارت ابوالمظفر سلطان ابراهیم بن سلطان مسعود ثانی *

سلطان ابراهیم زهد و تقوی ایله آراسته و دیانت و امانتله پیراسته صاحب
صلاح و فلاح عالم و عامل و پادشاه کامل و فاضل و عادل ایدی حتی
اکثر اوقاتی مسجد شریفده بکوب کیچد لده بیله مسجد شریفده یا توب
قالقردی و وقوع بولان دعاوی بی دخی مسجد شریفده شرعه رؤیت
ایدردی بواسطه مرغوبه اوزره قرق ایکی سنه پادشاه حق اولوب دار
آخرته رحلت یورد قلرنده یرینه اوغلی مسعود سر بر دولته جلوس ایلدی
* امارت سلطان مسعود ابن سلطان ابراهیم *

سلطان مسعود دولت و اقبال و انواع عزت و اجلال ایله سر بر
دولته ده اون التي سنه امنیت و استراحت اوزره سلطنت نصکره فوت
اولد قد یرینه امر سلطنت امر وراثتله اوغلی ارسلان شاهه توجه ایلدی
* امارت سلطان ارسلان شاه بن سلطان مسعود *

ارسلان شاهک تختشین اولد یغنی برادری بهرام شاه کوش ایدیچک دیار
خراسانه کر یزان اولدی و اولن مانده شهر یار خراسان اولان ذی القرنین
ملک سنجر بن ملک شاه سلجوقی درگاهنه واروب استمانه ایلدی
شاه سنجر ملوک سلجوقیه نک شجاعته معروف اولان شاهان علی
الاطلاقندن عداوتنور پادشاهلرندن ایدی و اسکندر ذوالقرنیندن
صکره ذی القرنین ایله ملقب اولق شاه سنجر دن غیری بر پادشاه
صاحبقرانه مبسر اولمشدر شاه سنجر بهرام شاهه موافقت کوستروب
جند فرادان ایله غزنه به شتاب وارسلان شاهه غالب اولمقین بهرام
شاهی والدی یرینه پادشاه ایلدی ارسلان شاهک مدت امارتی
همان التي ماهدر

* امارت سلطان بهرام شاه بن سلطان مسعود *

بهرام شاه پادشاه اولیجی ملک سنجر ذوالقرنین غزنه دن خراسانه
روان اولدی (بعد ذابهرام شاهک امارت وحکومتنه طوائف زنان
مداخله ایتدیکندن امر سلطنت مختل ومشوش اولدقه ارسلان شاه
تکرار چندسپاه ایله بهرام شاهه هجوم ایدیچک بهرام شاه مقاومت
ایده میوبینه شاه سنجر در کاهنه کر یزان واستمداد ایتدکده سنجر دن
تکرار لشکر بیستمار الوب غزنه به روان وارسلان شاهی بخار به ده
طوتوب قتل ایلدی (پس بهرام شاه قرق ایکی سنه امارتد نصکره
فوت اولدقه برینه اوغلی خسرو سریر دولته نشین اولدی

* امارت سلطان خسرو بن بهرام شاه *

اشبو خسرو شاه آخر سلاطین غزنویه در بونلردخی زنجم موته مرهم
بوله میوب هجرتک بشیوزالی بشیجی سالده دهر دیندن ناکام دار
آخرته قیام رکوستزدکارنده آل سبکتکین بونده ختامه رسیدوانقراض
نام ایله شکوه وسلطنتلری ازهر جهت نابید اولدی بعد از بن ملوک
دیلمه نک تحریر وانشاسته شتروع اولنور

* در بیان سلاطین آل پویه ویقالهم ملوک دیلمیان *

بوخاندان معالی عنوان ممالک خراساندن ولایت کیلانده واقع ملک
پویه اولاندند (بعضیلر بوخاندانک ایتداسی ملک پویه نک ولد
خوشمندی اولان ابو خسرو شجاع ایله مقلب ارلان عماء الدوله در
ووالی اولدقلری ممالک دیار فرسدر دیرل (بعضیلر امرای سالفیندن
اسباب بن شیرویه نام پادشاهک دیلمی نام کیمسه وزیری ختابه سنه
ایدی ومرداویج بن زیاد نام کیمسه ابناء ملوک کیلاندن ایدی وکیلان
ملوک پیشیندن کیمسرو این سیاوش زماننده اعنودخان تسلندندر که
اعنودخان رستم ذالک یولداشی ایدی (پس اسباب بن شیرویه مرداویج
النده قتل اولمغه مرداویج ری شهرینه وتوابعنه مستولی اولوب
برادری شمسه کیری کیلانندن بانه کتر مشیدی شهر یارجرجان اولان
قابوس نام ملک مرداویجه کین ایدوب رغان شهر بار همدانی بعدالقتلری
شهرینه واروب مرداویج ایله جنک ایتدکله قابوس اول جنکده قتل
اولندی وقابو سک علی وحسین نام اوغلاری عسکرده بله اولمغه
مرداویجه کلوب متابعت ایتدکلرنده مرداویج رعایه علی به کرخ

شهر بنی احسان ایلدی ملوک دیلمه که آل پویه ایله مشهوردر اشبو
علیک تسلندندر دیرل (وبعضیلر خلفاء عباسیه دن مقتدر بالله
خلافنده ناصر الحق حسن بن علی الحسینی دعوائی خلافتله دیار
دیلمه دن خروج ایتدیکنده عماد الدوله اولزمان بانه مقبول ولایم
الاحترام امراسندن ایدی ناصر الحق حین بخار به ده شهید اولیجی
عماد الدوله اورادن شاه خراساندر کاهنه واروب آنده طوررکن عماد
الدوله نک بانه یچد لشکر دیلمه جمع اولدقه شاه خراسان خوف
ایدوب عماد الدوله بی حبس ایتک مراد ایدیچک عماد الدوله خراساندن
اصفهان سمتیه فرار ایدر کن اصفهان والیسی مظفر بن یاقوت
لشکر ایله کلوب عماد الدوله به هیچ بر طرفه روان اولمغه بول ویرمدکده
عماد الدوله متوکلا علی الله مظفر بن یاقوت ایله جنک ایلدی ومظفری
اسیر وکرفتار ایتدکله هجرتک اوچبوز یکر می اوچبمی سنه سنه مدینه
اصفهان یجملة التوابع والواحق عماد الدوله نک قبضه تصرفه
کیردی دیرل (الحاصل بوخاندان معالی عنوان اون بش نفر پادشاه
ذیشان اولمغه جمله مدت سلطنتلری یوزسکسان سنه یاخود یوز یکر می
التي سنه یاخود ایکوز اوتوزیدی سنه در که بوجه آتی ذکر اولنور
* امارت ابو حسن عماد الدوله بن ملک پویه *

چون عماد الدوله مظفر بن یاقوت برینه اصفهان والی اولدی مظفرک
والدی یاقوت اولزمان حاکم شیراز ایدی اوغلی مظفرک حبس اولدیفنی
اشبدوپ لشکر ایله عماد الدوله به هجوم ایتدکده یاقوت دخی شهرم
اولوب کر یزان اولیجی عماد الدوله لشکر فراوان ایله یاقوت آردندن
سورمکله اول هجومده شیراز وحوزستانی واولطرفده کی ولایتلری
توابع ولواحقله فتح ونسخیر ایتدکده نصکره اوغللردن معز الدوله بی
بغدادده خلیفه بانه قیوب خلیفه ایله خطبه ده کندی شریک اولدی
ورکن الدوله نام اوغلی دخی ری واصفهان دیارلرینه والی ایدوب
کندی بالذات شیرازده قالدی وایر شیرازده وفات ایتدکین برینه
اوغلی رکن الدوله سریر دولته جلوس ایلدی عماد الدوله نک مدت
امارتی اون التي سنه یاخود قرق بش سنه در (بعضیلر ملوک دیلمه نک
اصلی ملوک ساسانیاندن بهرام کور بن یزدجرد الاثیم تسلندندر دیرل

* امارت رکن الدوله بن الامیر عماد الدوله *

رکن الدوله سلاطین دیلمه نیک عدل و داد و کرم و سخاوت و شهرواران ملوک و سلاطینند و بکرمی سکن سنه امارت و سلطنت و نصیره فوت اولدقده برینه برادری مغر الدوله سر بردولته جلوس ایلدی

* امارت معز الدوله احمد بن عماد الدوله *

معز الدوله پادشاه اولیجی کابرو اصغر امارته بیعت ایتدی بکرمی ایکی سنه امارت نصیره نشین قانیدن کلشن باقی سمته رحلت ایتدکده برینه برادری عضد الدوله سر بر کردن نظیره جلوس ایلدی

* امارت ابوشجاع امیر عضد الدوله خسرو بن رکن الدوله *

عضد الدوله نیک موفق اولدقلمی نوادر الوقوع قون غریبه و علوم عجیبه اسلام و کفار دن بر پادشاهه مبر او لمشدن از جمله بغدادده بیمارستان بنا ایتدی و نجفده شاه مردان شیر یزدان حضرت علی بن ابی طالب رضی الله عنه اوزرینه قبه عالیه بنا ایتدی و دیار فارسده جریان ایدن رود بکرم نام نهر عظیمک سد و بندیکه حوصله عقلمدن بیرونر بونلر موفق اولدی و شیراز بهشت نوازک جانب قبله سنده واقع سوق الامیر نام بلده معظمه بی بونلر بنا ایتدی و رود دمان دیلمه دن عز الدوله اختیار ابن معز الدوله قتل اولدقده عضد الدوله بغدادده واروب عز الدوله نیک اوغلار بی اسیر و حبس ایلدی اما عمده لدوله ابواسحق ایله امیر نظام اول اوئده شام و مصر جانب لرنده بولمغله هر بری اول جانبک سرور و مهتری اولدی و آخر عضد الدوله کزدش دور زمان امان و یرمیوب درت سنه یاخود اوندیش سنه امارت نصیره دار بقایه رحلت ایتدکده کوفیه دفن ایتدی و فضلا ی روز کاردن قاضی ابو بکر باقلانی و مولانا شیخ عبدالله الحغیف و قاضی ابو بکر البیضاری و مولانا ابوعلی النشوی عضد الدوله ایله هم عصر ایدیلر بعد وفاته برینه ابومنصور مؤید الدوله پادشاه اولدی

* امارت ابومنصور مؤید الدوله پویه بن حسن *

مؤید الدوله یدی سنه والی ماه صدر سلطنتده ارباب حاجاته موی اووب کرم و سخاوت عالم قانیده نیک نام و احسن کلام کسب ایتدکدن صکره دهر بی اماندن کاسه جان ستان نوش ایدوب دار اخرته قیام

کوستر کده برینه برادری فخر الدوله پادشاه اولدی

* امارت فخر الدوله علی بن حسن *

فخر الدوله آل پویه نیک عدالت و سخاوت و شهرواران امراسندندر بونکده خی عمر کریمایه بی غایته ابریشوب بکرمی اوج سنه سلطنتدن صکره فوت اولدقده برینه اوغلی مجد الدوله پادشاه اولدی

* امارت مجد الدوله رستم بن فخر الدوله *

مجد الدوله ا کرچه پادشاه اولدی و فارما اول عصرده اولان سلطان محمود ابن سبکتکین غلبه ایدوب مجد الدوله نیک ممالکین ضبط ایتدکده مجد الدوله ناکام فوت اولدقده برینه شرف الدوله پادشاه اولدی

* امارت ابوالفوارس شرف الدوله شریذیل *

عضد الدوله نیک وفاتیده اشوب شرف الدوله شریذیل دیار کرمانده والی ایدی اجدادینک ممالکی سلطان محمودک زبرد سنه کیردیکن شیدیک لشکر کرمان ایله شیرازه واندن بغدادده واروب خلفاء عباسیه دن الطایع بالله درگاهندن امداد امیدیه نیجه مدت الطایعک رکابنده خدمت ایتدکده آخر طرف الطایع دن معاونت و مظاهرت اولنوب باباسنک ممالکته ا کرچه مستولی اولدی فاما عمری پایانه ایشمکین بش سنه یاخود النی ماه سلطنتدن صکره فوت اولدقده برینه اوغلی مصمم الدوله پادشاه اولدی

* امارت مصمم الدوله مرزبان بن شرف الدوله *

مصمم الدوله اون ایکی سنه درت ماه سلطنتد نصیره فوت اولدقده برینه آل پویه دن ابونصر بهاء الدوله پادشاه اولدی

* امارت ابونصر بهاء الدوله خسرو فیروز *

بهاء الدوله بی شرف الدوله ولی عهد ایتدکده امیر عضد الدوله پادشاه ایکن بهاء الدوله بغداد دن دیار فارسه کلوب خلفاء عباسیه دن القادر باللهک خدمتیده اولور دی مصمم الدوله فوت اولدقده بهاء الدوله خلیفه روی زمینک رکاب ملوکانه سنه روی مال اولیجی جناب خلیفه دخی بهاء الدوله بی بنه یاه توقیر و احترام ایله بابا و اجدادی ممالکند پادشاه ایلدی (پس بهاء الدوله بکرمی سنه پادشاهلقدن صکره فوت اولدقده برینه اوغلی سلطان الدوله پادشاه اولدی

* امارت ابوشجاع سلطان الدوله بن بهاء الدوله *

سلطان الدوله دخی عضد الدوله کی خیرات و حسناته مایل و راغب و کرم و سخایه طالب پادشاه اولوب اون ایکی سنه سلطنته نصیره فوت اولدقده برینه برادری ابوعلی شرف الدوله تخت نشین اولدی

* امارت ابوعلی حسین بن بهاء الدوله *

بوشهر یار عالی و قار کدخی سرمایه عمری اقل قلیل اولدیغدن زمان قلیله ده شهباز اجل پنجه سنه گرفتار اولوب دار آخرتی اختیار ایتدکده برینه دودمان دیلمه دن عماد الدوله سر بردولته نشین اولدی

* امارت عماد الدوله ابن عزالدوله *

عماد الدوله دخی پادشاه کامیاب و شه نشاه اولی الالباب اولدیله ایسه ده مدت قلیله ده طومار سلطنتی دور بلوب دار آخرته سیر و سفر ایتدکلرنده برینه ابونصر پادشاه اولدی

* امارت ابونصر خسرو *

ابونصر پادشاه عالیجاه اولدقلرنده والدی عزالمک بغداد ده خلیفه یاننده امارت و نیابت خدمتده ایدی ابونصر خسروک امارت و سلطنته ابتدا موافقت و متابعت ایدن آل سلجوقدن ابوطالب طغرل بک ایدی آخر حیلله ایله ابونصری قتل ایتدکده برینه برادری ابومنصور فولادستون سر بردولته جلوس ایلدی

* امارت ابومنصور المک فولادستون *

ابومنصور پادشاه عالم اولدیله ایسه ده روز کار بدکار یونکدخی خرمن عمرینی زمان قلیله نارمار ایتکین برینه دیگر برادری کیخسرو پادشاه اولدی

* امارت کیخسرو دیگر *

کیخسرو بر مقدار پادشاهلقد نصیره ختام عمر نازنین ایتدکده ملوک دیلمه و سلطنت آل پویه تمام و عنوان انقراض ایله انجرام بولغین فیما بعد ملوک آل سلجوقه شروع اولتور

* در بیان ملوک سلجوقیان *

مرویدر که خلفاء عباسیه دن القادر بالله و القائم بالله زمانلرنده دولت و سلطنت ملوک آل پویه دن روگردان اولوب آل سلجوقه انتقال

ایتدکده خاندان آل سلجوقدن ملوک و شاهان اورنک سعادتله جلوس ایدوب اقلیم پنجم و کشور چهارمی زیرنکیلرینه الدقلرینه بناء رأی و تدبیرلرله مالک جهانای بالطول و العرض معمر و آبادان ایتشلردر و بو آل سلجوق حقیقده اختلافات کثیره واقع اولمشدر بعضیلر شاهان پیشیندن شاه کشتاسب بن مهراسب ابن کیقبادک برادری و امر سلطنتده وزیر اولان جاماسب حکیم علم و حکمت و رصد و نجوم قوتله کندی زمانتدن بو عالم فانیته غایتله قدر و زود ایده جک انبیا و مرسلین و ملوک و سلاطین یکان یکان اجمالاً خبر و برمشدر حتی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام ایله رسول خدا حضرت محمد المصطفی علیه افضل التحایا افندیمن تاج رسالت و خلعت نبوت ایله جهانه حکم ایدوب کفر و شرکی هدم ایتکله از شرق تا بغرب امت محمدک جهانه حکم ایده جکلرینی تألیفاتنده یازمشدر (و بعضیلر جاماسب حکیمدن شویله روایت ایدرلر که ابوالمسلم خروچند نصیره ترکستاندن سلجوق ام شخص خروج ایدوب شامدن پادشاه ابواللیث و صدر خلافتده نمکین شاه مهر و زماه و والی خراسان اسمعیل شاه مارالذکر سلجوقک امر و فرمانته منعقاد اولوب یکریمی برنفر شاه کزین سیاهی بردیاره پادشاه اولوب حکم ایلده لر و هر برینک مقامی آیر و اولوب باشقه مسکن اتخاذ ایلده لر دیو جاماسب حکیم تألیفاتنده یازمشدر (و بعضیلر سلجوق بنت ارسلان بن سلطان الدوله نام خانوان اولوب نسلندن ابوطالب طغرل بک بن محمد بن میکائیل بن سلجوق و امیر ارسلان بن داود و سلطان ملکشاه بن ارکان و رکن الدین برکیارق بن ملکشاه و مغیث الدین عمرو بن ملکشاه و غیاث الدین محمد بن ملک طغرول بن محمد و سلطان ملکشاه بن محمد بن محمود و سلطان سلیمان شاه بن محمد بن مسعود و سلطان ارسلان بن طغرول و طغرول بن ارسلان بن طغرول بن محمد میکائیل بن سلجوق نام اون بش نفس جهانه پادشاه اولدقد نصیره خاتمه سنده علاء الدین کیقباد بن کیخسرو پادشاه عالم اولمشدر و بونلره سلاطین اطلاق اولتور دیونچر برایتشلردر (و بعضیلر دخی سلجوق دیار شریفده اتراکدن قوم بسیاردر حتی آل سبکتکیندن سلطان محمود غزنوی حضرت بلرینک خدمتتی برینه کتوردیلر و سلجوق وفات ایدجک

اوغلی میکائیل والدنک پرینه پادشاه اولوب باباسنک وقوم قبيله سینه
حکم ایدردی اما سلطان محمود غزنویک رکاب همایوننده لشکرکش
اولوب همیشه فرمانده مطیع و منقاد ایدی از قضا میکائیلدن بر عصیان
صادر اولغین سلطان محمود میکائیلی هند ستانده یدی سنه حبس
ایتمکله میکائیل سرماییه حیانتدن مایوس اولدقده سلطان محمود فوت
اولغین میکائیل بن سلجوق بر تقریب حبسدن خلاص و قبائل
وعشاری جمع ایدوب سلطان محمود غزنویک پادشاه اولان اولدیه
برقاج دفعه محاربه دنصکره بلده طوس یاننده واقع مصافده اولاد
غزنوی به انهرزام واقع اولغله اولاد سلطان محمود غزنه به قیام
کوستردکده سلطان مسعودک قرینداشی محمد ظهور ایدوب
میکائیلی قتل و دیار خراسانی آل سلجوقدن دست تصرفنه بکوردی
بعد زمان آل سلجوق ند ریجله اقالیمه مستولی اولدی دیرل (پس
بو قول جاماسب بن لهراسب حکیمک کفتارینه مطابق اولغله غالب
بوکلمات جله اقوالدن سرآمد ایدیکی فهم اولتور) الحاصل بوتقریر
اوزره ملوک سلجوقیه ایکی فرقه اولوب بفرقه سی دیار عجم که ایران
زمین وما وراء النهر ممالکنه حاکم اولدیلر و فرقه دیگر دیخی دیار رومه
وارمنه حکم ایدوب قونیه شهرینک یازوسنه بنیاد اوران سلطان
علاءالدین ابن کیقباد بن کینسرو اشبوفرقه ثابته دن نشوونما بولمشر
وملوک سلجوقیانک دیخی اخی و خانمسی واقع اولمشر بقیه حکایاتی
انشاء الله محلنده اراد اولتور (بغضبلر آل سلجوقدن ابتدا عالمده
پادشاه اولان سلجوق بن لقماندر دیرل و بونسل نسبلدن پادشاه اولنلرک
جمله مدت سلطنتلری یوز سکر سالدر دیرل) و بعضیلر بکروه پرشکوه
اون بش نفر پادشاهان اولوب ایران زمین و خطا و ختن و دیار سمرقند
حکم ایدرلر مدت سلطنتلری یوز التمش سالدر و فیصلری حضرت
خلیل الله ابراهیم علیه السلامه چبقار حتی سلجوق بن لقمان نبیره حضرت
ابراهیم بر علیه السلام و سلجوق بن لقمان ساکن اولدیغی دیارده مال
و تعلقاتی حددن افزون بردولتو ایدی اولزمانده سمرقند پادشاهی
اولان بارخان ایله اخروی قرینداش اولغله بارخان دیخی سلجوقک
دیت نفر اوغلنه قزویر مشیدی بارخان فوت اولیغی دیار سمرقند

و بملاک خطا و ختن سلجوق بن لقمانه و اولادعالی نژادینه قالدی بعدذا
طغرول بیک بن محمدال سبکتکیندن سلطان مسعودی قتل ایتدیکندن
اصفهان و نیشابور و اوخوالیده اولان مالکی ضبط ایتمکله آل سلجوق
بردن فوت بولدی و اسرائیل بن سلجوق دیخی سلطان محمود سبکتکین
ایله مصافات اوزره ایکن سلطان محمود دسبسه ایله اسرائیلی قتل
ایلدکده سلجوق بن لقمان اوغلی اسرائیلک قتل اولندیغنی خلفاء
عباسیه دن القائم بامر الله عرض ایلدکده القائم بامر الله کوکلندن
سلطان محموده انجنوب رعماله ابوطالب طغرول بک ابن محمد بن میکائیل
ابن سلجوقه مکر قوشادوب امارت و سلطنته بعدالاجازه خیردعا ایلدی
و بودعوات خیریه سببیه آل سلجوقک دولت و سلطنتی تمتد اولدی
اول عصرده القائم بامر اللهک مقبول امر اسندن بشاش نام قلنیان
القائم بامر الله عسبان ایدوب القائم باللهی بعدالحبس تخته اوتوروب
اهل بغداده حکم ایتدیکنده طغرول بیک بووقعه دن خبردار اولیجی
چندبسیار ایله الغار ایدوب بغداده عزیمت اوزره ایکن واسطده بشاش
نابکاری جنک ایله طونوب قتل ایتدکده نصره سر مردارینی برنیزه جانستانه
دیکوب ولایت بولایت و مملکت کزدیره رک نشهر ایتدردی و القائم
بامر اللهی حبسدن اخر اجهله تکرار خلافته بکوردی و القائمک حضورنده
آل قار شیروب طوردقده القائم بامر الله دیخی طغرول بیکه باریک الله
یارکن الدین خطا بیکله خبردعا ایتدیکندن طغرول بک رکن الدین
ایله ملقب اولدی

* امارت ابوطالب رکن الدوله طغرول بک بن محمد بن میکائیل بن سلجوق
طغرول بک القائم بامر الله اذنبه پادشاه اولیجی چند و سپاه ایله واروب
ممالک شامی فتح ایتدکده نصره دونوب تختگاهی اولان ری شهرینه
کلدکده انده و عات ایلدی ابتدا ظهور و خروجی هجرتک درتیوز الی
بشیمی سنه سنده اولوب دیار هند ستانده همدانی مقر سلطنت ایتشیدی
آخر بکرمی التي سنه سلطنتدن صکره فوت اولیجی پرینه دودمان
سلجوقیه دن الب ارسلان خلیفه اولدی

* امارت ابوشجاع عزالدین الب ارسلان بن محمد بن جعفر بک بن میکائیل
الب ارسلان مهابت و صلابت و شجاعت و جلادتله مشهور

سلاطیندند از شرق تا بغرب جهان به مینه و مینسره پادشاه اولدقلری
انده چند و سپاه ایله دیار فارسه واروب اول برلری مضافتیه دست تصرفه
الدقند نصکره روم وارمن جانبیه کیدوب قیصر روم وارمن اولان
ملک ازمانیوس ایله جنگ ایدوب آخر ازمانیوسی گرفتار ایلدی (محمدرکه
حین محاربه ده ازمانیوسی گرفتار ایدن سلطان اب ارسلانک ادنی
و حقیر قولی ایدی بو خدمت جلیله سیدیه اب ارسلان درگاهنده
غلام مذکورک قدر و اقبالی و دوات واجلالی عالی اولوب رعایات کامله
و عنایات شاهانه مظهر اولدی اب ارسلان قیصر رومی بهر روم بیکر
فلوری خراجیه کسد کد نصکره ازاد ایلدی و اب ارسلان بر خیانت
اولد قیحه سنه بسنه اول اتونی قیصر رومدن الوردی (بعد از اب
ارسلان ماوراء النهرده واقع نوم نام قلعه بی محاصره ایشیدی اوراده
مرینه شهادت نازل اولد قلعه برینه اوغلی ملکشاه سر برکردون بغیره نشین
اولدیلر اب ارسلانک مدت امارتی اون ایکی سنه یا خود یکر می برسنه در
* امارت ابوالفتح سلطان معزالدین ملکشاه بن اب ارسلان *

ملکشاه کشور لکه معروف ملوکدن اولوب روزکاری مساعده و دولت
واجب لاله لایق اولد یغندن باشقه سلاطین سلجوقیه نیک سازندن
زیاده ممالکه مالک اولدیلر حتی سمرقند و بخارا خانی اوز بکی جنگ ایله
اسیر ایلدی و نظام الملك دیمکله شهر نشینار اولان مولانا خواجه حسن
طوسی رح ملکشاهک وزیر نیکته دانی ایدی و ملکشاه ایله قضا لای
دهردن ابوالعالی مولانا عبد الملك الجونی معاصر ایدی آخر
ملکشاه اون ایکی سنه یا خود یکر می درت سنه پادشاهلق ایدوب
فوت اولد قده برینه اولادندن برکیارق سریر دواته جلوس ایلدی
* امارت ابوالقوارس سلطان برکیارق بن ملکشاه *

جناب برکیارق میانه ملوکده کرم و سخا ایله مشهور سلاطین عظامدند
حتی برادنی بنده سنه دیار خراسانی مالکانه تفویض ایدوب خراسانه
پادشاه ایلدی بکی بین الملوک و سلاطین ضرب مثل اولوب سو پلنوردی
بونکدخی عمر نازینی اندک اولوب اون ایکی سنه امارت نصکره فوت
اولغین برینه برادری سلطان محمد پادشاه اولدی

* امارت ابوشجاع غیاث الدین سلطان محمد بن ملکشاه *

سلطان محمد پادشاه اولدیغی آنده چند و سپاه ایله بغداد غنیمت
ایدوب والدی ملکشاه قوللرندن ایکن فرار ایدن ایا و صدقه نام بکی
محاربه ایله طوئوب قتل ایلدی آخر کندی دخی اون اوچ ساله
قریب پادشاهلقدن صکره اصفهانده عبد الملك الندن جام شهادتی
نوش ایتد کده برینه دیگر برادری شاه سنجر سریر دواته جلوس ایلدی
* امارت معزالدین سلطان سنجر بن ملکشاه *

سلطان محمد پادشاه ایکن شاه سنجر شهر یار خراسان اولوب یکر می
سنه خراسانده پادشاهلق ایتد کد نصکره برادری سلطان محمد برینه
ممالک آل سلجوقده یکر می برسنه مستقلا پادشاه اولدیلر اسکندر
ذوالقرنین نصکره لقب ذوالقرنین ایله ملقب اولق سنجر دن غیری
بر پادشاهه مینسرا و لمشدر رعیت پرور و عدالت کسرت بنده نواز
و چاکر فراز پادشاهاندن اولوب آخر خراسانده فوت اولد قده برینه
برادر زاده سی سلطان محمود پادشاه اولدی

* امارت معزالدین سلطان محمود بن محمد *

سلطان محمود پادشاه کشور کیر و شهر یار حرب کیر عالم مصیر اولوب
اون سنه پادشاهلق نصکره روز کار بد کارک فورتنه سبله فوت اولد قده
برینه اوغلی سلطان محمد پادشاه اولدی

* امارت ابوشجاع غیاث الدین محمد بن محمود *

سلطان محمد ملوک سلجوقیه دن عدل و داد ایله معروف و کرم و سخا ایله
موصوف ملوک عظامدند اون اوج سنه یا خود یدینه پادشاهلقدن
صکره فوت اولغین برینه اوغلی سلیمان شاه پادشاه اولدی

* امارت معزالدین سلیمان شاه بن محمد *

سلطان محمد پادشاه ایکن اشبو سلیمان شاه دخی موصلده حاکم ایدی
باباسی سلطان محمد فوت اولیجی امر او کبرا و قضاة و علما اتفاق و اتحاد
اوزره سلیمان شاه ی موصلدن کتوردوب والدی برینه پادشاه ایتدیلر
(پس سلیمان شاه اون بش سنه امارت نصکره فوت اولیجی برینه
دودمان سلجوقیه دن رکن الدین ارسلان پادشاه اولدی

* امارت رکن الدین ارسلان بن طغرول بن محمد بن محمود *

رکن الدین دولت و سعادت مساعده سبله اگر خد شهر یار نخت

فریدون اولدیله امانور سیده جوان اولوب امور سلطنتی رؤیتہ عدم قدرتی اولمغله اتابکی اولان محمد بن ایلد کین امور سلطنتی رؤیت ایلدی محمد بن ایلد کین وفات ایدیچک اساس سلطنت ترک و تاتارک هجومیندن عجم ملکنه کلنجیه قدر منهدم اولوب شیرازه مملکت بوزلدقده بالاضطرار وزرا و امرا اتفاق ایدوب آل سلجوقی اول دیاردن قالدرمغله والی ممالک اول سمندن مرفوع القلم اولغین اول عصرده قونیہ دن غیری یلده ده آل سلجوقدن پادشاه قالدماغله فیما بعد روم وارمنه دیارلرینسه حکم ایدن یدی نفر ملوک و سلاطینک تحریرینسه شروع اولور

(یا لاده ذکر و بیان اولتدیغی اوزره خلفاء عباسیه دن المستعصم بالله نام خلیفه هلاکوخان الله شهید اولیچق اهل اسلامه ظلم و بدعت مستول اولوب شرقدن غربه دک جهان آشوب و فتنه ایله مالا مال اولمشیدی و ملوک سلجوقیه دخی ممالکینی ترک ایدوب اقطار و اطرافه متفرق اولمشیدی آل سلجوقدن سلیمان شاه دار آخرته رحلت ایتکله امر سلطنت سلطان ارسلان بن طغروله توجه ایدیچک سلیمان شاه اوغلی سلطان محمد فرزندی سلطان مسعود جنابلی والیدی سلطان محمد سلطنت توجه ایتدیکنندن رنجیده دل اولوب بابا سیه له ترک مال و مسکن ایتدیله و باشلرنده کی عشار و قبائل ایله دیار رومه واروب مدینه اماسیه حواله سینده اقامت و اول دیاره مستولی اولمزلله حال و شانلری بوجه آتی ذکر اولور

* امارت ابو مسعود سلطان محمد بن سلیمان شاه *

روم وارمنه ابتدا سلطان محمد بن سلیمان شاه جنابلی والی اولوب فرزند خوشمندی سلطان مسعودک رای و تدبیر یله اماسیه حواله سینتی ضبط ایدوب اوراده بنا ایلدیکی شمیره نام شهر کزینی تختگاه ایدندی و اول شهرده مدارس و مساجد و خانقاهلر بنا ایدوب شهر مذکورده ساکن اوله رق اون ایکی سنه پادشاهلقد نصکره دار آخرته رحلت ایتدکده برینه اوغلی موی الیه ابو سعید محمد مسعود سر بر دولته جلوس ایلدی

* امارت ابو سعید سلطان محمد مسعود بن محمد *

جناب مسعود از هر جهت مدبر و فنون نادره ده مبصر کاردان

و مصلحت

و مصلحتکار بر ذات ممدوح الصفات پادشاه اولمغله احسن وجهله اوقاتکار اولوب هجرتک التیوز التمش التنجی سالنده عازم دار بقا اولغین برینه اوغلی قلیج ارسلان سر بر سلطنته نشین اولدی

* امارت سلطان الدوله قلیج ارسلان بن مسعود *

قلج ارسلان زمان سلطنتلرنده ملاطیه و انقره و قیصریه و سبوتوب و لایلرینی قلعه لر یله فتح و قبضه تصرفلرینه آکوب بو وجهله طقوز سنه سلطنته نصکره هجرتک التیوز التمش التنجی سالنده دار آخرته رحلت ایتدکدرینه برینه دودمان سلجوقیه دن طغرول ثانی پادشاه اولدی

* امارت رکن الدین سلطان طغرول ثانی *

سلطان طغرول سر بر دولته جلوس ایدوب پادشاه خاص و عام اولیچق کافه انام امارتنه بیعت ایتدیله آخر بش سنه سلطنته نصکره فوت اولدقده برینه مسعود ثانی تخت نشین اولدی

* امارت غیاث الدین سلطان مسعود ثانی *

سلطان مسعود پادشاه اولیچق دفعه ثانی ده سینوب قلعه سنی فتح ایدوب اوج سنه سلطنته نصکره فوت اولدقده برینه دودمان سلجوقیه دن کیکاوس سر بر دولت و سلطنته جلوس اولدی

* امارت معز الدین السلطان کیکاوس بن کیکسرو *

سلطان کیکاوس اورنک سلطنته جلوس ایدیچک کافه انام امارتنه بیعت ایتدیله اتی سنه والی ماه سلطنت ایدوب هجرتک التیوز طقسا نجی تاریخده فوت اولدقدرینه برینه برادری و ملوک سلجوقیه نک خاتمه سی سلطان علاء الدین کیقباد پادشاه اولدی

* امارت علاء الدین کیقباد بن کیکسرو بن قلیج ارسلان بن طغرول ثانی *

سلطان علاء الدین زهد و تقوی و ورع سمته رغبت پیوردقدرندن ایام سلطنته امن و امان و رفاهیت و استراحت بی پایان اولمغله صیبت و صدای دولت و عدالتی عالمه منتشر اولدی پادشاه اولدقدری آنده ابتدا مدینه قونیہ به بار و چکدی ایکی سنه صکره سیواس بار و سنی بنیاد ایدوب ارزنجان و چشکوزک و کاخته و کاخ قلعه لرینی فتح ایتدی و ارزنجانه ایکی عدد بار و چکدی و ملاطیه نک بار و سنی تجدید ایدوب زیر حکمنده کی قلاعی تعمیر ایلدی و اول مانده تاتار جنکیر یاندن جهان

فترات اوزره اولوب عالم نظام بولمیشیدی سلطان علاء الدین
حضرتلری کرارا و مرارا تاتاریله جنک ایدوب دائمی لشکر تاتاری
تارمار ایتمکله ناچار تاتار سلطان علاء الدین حضرتلرینک دردولته
اظهار عیو دیت ایدوب بهر سینه اسب و استر و غنم و یرمک اوزره امان
دلیوب صلح اولدی و مقتضای سجه دردولتن صلح نامه یازیلوب تاتار
طرفنه و یرمکله تاتار بد کردار دخی مقتضای عهدری اوزره اسب و استر
و غنمی بهر سینه بلاتراع دردولته تسلیم ایدردی روز کار ایکی سال
مقداری بوجال اوزره برقرار اولد قد نصکره سلطان علاء الدینک
خانه دلنده هوس غزا هویدا اولوب لشکر بیستمار ایله سلطان اوکی نام
محله واروب غزا و جهاده آماده اولدیلر اوت جانیدن جنکیز خان دخی
هیچرک تیوز اون یدنجی سالنده تاتاریله ترکستاندن ظاهر اولد قده
عالم فترته وارد یغندن اولخ ایلده اولان ملوک جله ممالککندن قاقوب
هربری بر جانیه روان اولمشیدی سلاطین آل عثمان ایدهم الله الملك المنان
حضرتلرک اجداد عالی تر ادرندن سلیمان شاه اوغلی ارطغرول اولاد
و عبایلله حرکت ایدوب سلطان علاء الدین حضرتلری سلطان
اوکنده غزا و جهاد اوزره ایکن سلطان علاء الدین اظهاری عبودیت
و قبائل و عشائر و اولادیه مظاهرت و معاونت ایدوب اولاقزله حصار
قلعه سنی محاصره ایدیلر سلطان علاء الدین بوجا محاصره ایله مشغول
ایکن تاتار بد کردار عصیان ایدوب نهب و غارت ایچون ممالککه هجوم
ایندکده سلطان علاء الدین در حال ارطغروله خلعت کیدروب کندی
یرینه قلعه مذکوره محاصره سنه تعیین ایتد کد نصکره لشکرایله تاتار
اوزرینه هجوم و الغار و جنک ایدوب تاتار شقاوت دثاری تالان
و پریشان ایلدی اول اثاده ارطغرول وفات ایتشلر ایدی سلطان
علاء الدین سالما و غانما عودت ایدوب قلعه محاصره سنه عزیمت اوزره
ایکن ارطغرولک خبر وفاتی مسموع اولیچق سلطان علاء الدین دخی
ارطغرولک اوغلی عثمان غازی به نامه یازوب توغ و تقاره و تیغ و خلعت
کوندردی و غزا و جهاد ایچون اول اقطاره تعیین ایدوب اول اطراف
عثمان غازی به سپارش ایتد کد نصکره سلطان علاء الدین حضرتلری
مدینه قویه ده دار بقایه رحلت و عزیمت پیورد قلنده سلطنته لایق

وسزا اوغلاری اولماغله غزاة و مجاهدین باجمهم عثمان غازی
حضرتلرینک بارگاه شوق کتیناهیلرینه جمع اولدیلر انشاء الله تعالی
عثمان غازی حضرتلرینک بقیه روایاتی مقاله سلاطین آل عثمانده
ایراد اولنور (بعد ازین ملوک کوهستان احوالنه بدأ اولنور
* در پستان ملوک ملاحده کوهستان *

بوجانه دان هجرتک درتوز سکسان اوچنجی سالنده خروج ایدوب
کوهستانده واقع الامون قلعه سنده سلطنت ایتدیلر بونلرک امارت
و حکومتلری یوزیمش ایکی سال اولوب ابتدا بونلردن پادشاه اولان
حسن صباح الحمیری بدرجه زاهد و اهل تقوی ایدیکه اوغلنی شرب خمر
ایتدیکچون (قتل ایلدی) بعضیلر درلر که اشبو حسن بکرمی بش سنه برخانه
درونده ساکن اولوب بوقدر مدته بالکر بردفعه خانه دن بیرون اولوب
اوج قدم طشره به مشی ایلدیلر و ماعد اعرنی اول خانه ده کچوردی و بوملوک
ملاحده کوهستان سکر نقر پادشاه اندر که مقاله لری روجه آتی ایراد اولنور
* امارت حسن بن محمد الصباح الحمیری *

اشبو حسنک زمان امارتنده امر یله سلاطین اسلامدن نیجه پادشاه
کزینک وجودینه عدم ایرشمشدر کندی دیارینک خلقنی عبادت و طاعته
دعوت ایتدکده امرینه رام و حکمنه قیام کوستر دیلر و اول مانده
دیار کوهستانک صاحب دعوتی اولان اسمعیل بن جعفر صادق انتساب تام
کوستروب لشکر کشی اولدی و بونلرک ظاهر اشرف شریفه متابعتلری
اکلا شیلور ایدی بلاد کوهستاندن خیلمی برلی فتح ایدوب اوتوز بش
سنه امارت نصکره فجأة فوت اولد قده اوغلی اولماغله زماننده لشکر
کشی اولوب وصیتده ولی عهد ایلدیکی بزرک امید پادشاه اولدی
* امارت بزرک امید *

بزرک امید مر قوم حسنک امر یله مسیر قلعه سننده اولوب ولی عهد
اولد یغندن سر بردولته جلوس ایتدکده فداییلر پیدا ایدوب هجرتک
بشیوز اوتوزالتنجی سالنده خلفاء عباسیدن المرشد بالله پی فدا ییلر قتل
ایتدردی مراسم شرع و سننده زیاده مقدم اولوب اهل سنت و جماعته
رعایت ایدردلور اندن اولماغله خیلمی ولایتی فتح ایدوب قرق سنه
امارت نصکره فوت اولد قده یرینه اغلی محمد پادشاه اولدی

* امارت محمد بن بزرگ امید *

بونلرا کرچه عالم وفنون شتاده کامل ایدیلر فاما طریق الحادده نیچه کتب
تألیف ایدوب هجرتک بشیوز التمش برنجی سالنده فوت اولدیلر بعضیلر
دین ومذهبنده والدی بزرگ امید موافقی اولدیغیدن شرع وسندن
خارج نسنه ایتمزدی اما بدمذهب وید اعتقاد حسن نام اوغلی
باباسندن کزلو مناهی به مشغول ایدی ویاننده اولنلری دخی
رفض والحاده دوشورمکله قرآن عظیمه تأویلات باطله ایله نعوذ بالله
تعالی معنی ویرز لردی ودعوائی اما مت دخی ایدر لردی آخر بونک
بطلانته باباسی محمد واقف اولدقده اوغلنه متابعت ایدن اهل ضلالی
چاغردوب ای قوم حسن بنم اوغلدر ووزم نسلمزدیالده دندر بزم جنسمز
حاشا امام اولمز اوغلیک دعوائی باطلنه اعتقاد وکذب ودروغنه
اعتماد ایدن کافر در دیوب اهل ضلالی اوغلیک یانندن دفع ایلدی
بو تقدیر چه محمدک اهل سنت و اوغلی حسنک بدمذهب ایدیکی
ظاهر اولور آخر محمد ابن بزرگ امید بکرمی بش سنه امارتد نصکره
بشیوز التمش برتاریخنده فوت اولغین برینه اوغلی حسن پادشاه اولدی
* امارت حسن بن محمد *

حسن پادشاه اولیجی دروننده پنهان اولان کفر والحادی عیان
ایدوب زیر حکمنده کی اشخاص ایله رمضان شریفک بکرمی یدیسندن
جامعته صلوة عیدی ادا ایدوب خطبه اوقیددی ویانندن برنامه
چقاروب ای ناس یونامدی بکا خفیجه امام کوندردی دیوب خواص
وعوامدن تکلیفی قالدردی آخر قرق طقوز سنه پادشاهلقد نصکره
التیوزیدی سالنده مرد اولیجی برینه اوغلی محمد پادشاه اولدی
* امارت محمد بن حسن *

محمد دخی باباسی حسندن بریدنهاده وکتر ترا دسراو حه رفض والحاد
ایدی پادشاه اولیجی باباسندن زیاده کفر وعناد ایلوب بو وجهله
اون بش سنه سلطنتد نصکره مرد اولیجی برینه اوغلی حسن پادشاه اولدی
* امارت جلال الدین حسن بن محمد *

جلال الدین سر بر دولته جلوس ایدیجیک آبا واجدادنک سوء اعمال
واعتقادی ترک ایتکله نامنه حسن نومسلمان دیدیلر از هر جهت

اهل سنت وجاعتدن اولوب جاده شریعت محمدیدن تجاوز ایتدیکنه
کافه علما افق ایتشدر در و سلطان جلال الدین سلجوقی ایله همیشه
کورجستان کافر لرینه غزا وجهاد ایدر لردی آخر جلال الدین التیوز
اون سکر سالنده فوت اولغین برینه اوغلی علاء الدین محمد پادشاه اولدی
* امارت علاء الدین محمد بن جلال الدین *

علاء الدین پادشاه اولیجی جدنک بدعت والحاد وکفر وعنادی اظهار
واوتوز سنه پای پی بوم قوله رفض والحاد ایله سلطنتد نصکره التیوز الی اوج
تاریخنده بر مرددی ایله قتل اولیجی برینه اوغلی طور شاه پادشاه اولدی
* امارت طور شاه بن علاء الدین *

طور شاه پادشاه اولیجی هلا کوخان لشکر تانار ایله ترکستاندن خروج
ایتد کده طور شاه ممالکنک مفتاح وکلید لر نی هلا کوخانه تسلیم ایتکله
ممالکی هلا کوخانک قبضه تصرفد کردی (بعد ازان هلا کوخان
طور شاه سی سر لشکر ایدوب ماوراء النهر خانی منکو خان جنکسنه
کوندر مشیدی طور شاه نهر جیمونی عبور ایدیجک مرد اولغین
ملوک ملاحده کوهستانک امارت و سلطنتلری طور شاهده پایان
بولماله بعد ازیں ملوک سنقریان تحریر یسه شروع اولور
* در بیان ملوک سنقریان *

محکیمد رکه آل سنقر یانندن اون نفر مرد کزین و برنفر زن سر بر دواته
جلوس ایدوب ممالک جهانده یوز طقسان سنه امارت و سلطنت ایتدیلر
وبوخاندان کزیندن ابتدا پادشاه اولان سنقر بن مودود ایدی (شیخ
سعدی حضرت تلمینک کاستان نام کابنده مدح ایتدیکی سعد بن زنگی
بوکرو هندنر (پس سعد بن زنگی پادشاه اولدقده ملوک سلجوقی دن
ملیکشاه مسعودی منهزم ایدوب بابل وفارسه پادشاه اولدی و کرمان
واصفهان فنج ایدوب اکبر واعیاتی شیرازه کتوردی و سلطان محمد
تکش لیسکرایله عراقده هجوم ایتد کده سعد بن زنگی دخی جند و سپاه ایله
قاریشوب جنک ایتدیلر و حین محاربه ده سعد بن زنگینک آتی تکر لمکله
سعد بن زنگی اسیر اولدی سعد بن زنگینک دلاور لکی و شرف حسن
ومصاحبت وآداب قتلدن رها اولسنه باعث اولغین سلطان محمد
تکش ایله صلح اولدی و دختر پاکیزه سنی سلطان محمدک اوغلنه

نامزد ایندکده سلطان محمد دخی سعد بن زنگی بی عز و شوکت
ممالک کوندردی مکر سعد بن زنگی اسیر اولد قده امرای شیراز
سعدك اوغلی ابو بکری پادشاه ایتشله ایدی سعدك خلاص اولوب
شیراز عزیتم ایده چکنی اشد کفرده ابو بکر باباسی سعدایله چنکه
آماده اولدی (سعد شیراز قریب اولد قده اهل ولایت ابو بکری حبس
ایدوب سعد بن زنگی بی تخت کچورد یلر بعد زمان سعد بن زنگی
فوت اولیحق برینه اوغلی ابو بکر شهریار شیراز اولدی
* امارت مظفر الدین اتابك سنقر بن مودود *

بود و دمان سامی ممالك مملکتی فارس و خراسان و کرمان و مقر
سلطنتی مدینه شیراز اولوب زیر تصرفلنده اولان ممالك ملوک
دیلمه دن التمش ساله قریب سلاطین سلجوقیه تصرفنده ایدی اندن آل
سنقر دن اتابك سنقر بن مودود خروج ایدوب واردیغی ستمده فتح و نصرت
موفق اولغین سریر دولته یکر می پرسته یا خود یکر می اوج ستمه سلطنت
ایدوب فوت اولد قده برینه برادر زنگی ابن مودود پادشاه اولدی
* امارت مظفر الدین اتابك زنگی بن مودود *

اتابك زمان دولته ملوک سلجوقیه دن اله ارسالان اوز برینه
یورید کده اول دخی لشکر جمع ایدوب اتابك زنگی ایله چنك ایلدی
آخر الب ارسالان منهزم اولغله امارت و حکومتی اتابك اوزرنده مقرر
اولدی آخر زنگی بن مودود یکر می درت ستمه یا خود اون درت ستمه
پادشاهلقد نصکره فوت اولغین برینه اوغلی تکله به پادشاه اولدی
* امارت مظفر الدین اتابك تکله به بن زنگی *

چونکه اتابك زنگی حیاتده سریر دولته اوغلی تکله به بی ولی عهد
ایتشیدی بعد وفاته تکله به پادشاه اولدی یلر تکله به خوب صورت
ونیک سیرت محبوب القلوب عادل و کامل جوان و کرم و نعم و هم ایله
مشهور جهان ایدی زمان دولته امین الدین کازرونی وزیر مشیری
ایدی یکر می ستمه یا خود یکر می اوج ستمه پادشاهلقد نصکره فوت اولدی یلر
* امارت مظفر الدین اتابك طغرول سنقر تکله *

هنوز پادشاه انام ایکن اشبو طغرول اوج دفعه لشکر ایله تکله به هجوم
والغایدوب امارت و سلطنته قصد ایتشیدی و هر هجومنده ایکبشیر

اوچر ماه امارت و سلطنت ایدوب بنه فرار ایدردی رأی و تدبیره موفق
اولدیغندن اکابر دیوان رد ایدوب امارت و سلطنتی قبول ایتزلدی
آخر چنکه اسیر اولغله برینه اتابك زنگی اولاندن سعد بن زنگی
سریر دولته جلوس ایلدی

* امارت مظفر الدین اتابك ابو شجاع سعد بن زنگی *
سعد ملوک سنقر یانك عدالت و سخاوت ایله بنام ملوک عظامندندر
مولانا شیخ سعدینك گلستان و بوستان نام کابلرده ستایشندن بحث
ایتدیکی اتابك سعد بن زنگی بونلردر زمان امارتده کرمان و اصفهان
و عراق و عجم اکثر محانی فتح ایتدی یلر و ممالك بعینه دن صنادید
اقطاری انواع رعایته کتور دوب شرف و جلالته مشرف اولدی یلر
همیشه علماء دین و فضلاء اهل یقین ایله صحبت ایدرلردی بعد وفاته
برینه اوغلی ابو بکر عبدالله پادشاه اولدی

* امارت مظفر الدین اتابك ابو بکر عبداللہ بن سعد *
ابو بکر زبور عدل و داد ایله محلی و حایه کرم و سخاوت محلی بر پادشاه
عالی وقار اولوب دین و دیانت و بلاغت و فضیلتلریله مشارق و مغارب
مالا مال اولدی و جلالت و صلاحی السنه انامده مذکور اولوب ملوک دیلمه
و ملوک سلجوقیه زمانلرنده ایکوز سنه دنبرو خراب قلان برلری سعی
واقدامله علی وفق المراد آباد ایلدی قرضا معدلت اجلاندن عرصه
جهان مانند عروس نوجوان تازه اولوب حیات تازه منزله سنده اولدی
آخر چرخ غدار و دور ناپایداری سرور کز برینه غدر ایدوب اوتوز سنه
پادشاهلقد نصکره فوت اولد قده برینه اوغلی سعد جلوس ایلدی
* امارت مظفر الدین اتابك سعد بن ابو بکر *

سعدك امارت و سلطنته بیعت اولدیسه ده روز کار غدار ناپایدار
اولغله همان اون کون پادشاهلقد نصکره مبتلا اولدیغی مرضدن
وفات ایتکله برینه اوغلی محمد جلوس ایلدی
* امارت مظفر الدین اتابك محمد بن سعد *

محمد حال صغرنده پادشاه انام اولغله والده محسنه سی نیایه سلطنت
ایدردی اخرا یکی سنه ویدی ماه سلطنتد نصکره کابک عمری هنوز
ناشکفته ایکن فوت اولغین برینه دودمان سنقریه دن محمد پادشاه اولدی

* امارت مظفرالدین اتابک محمد شاه بن سنقر بن محمد *

محمد بن سعدك وقاتی خبری محمد شاهه واصل اولیحق همان چند و سپاهیه هجوم و الفارایدوب محمد برینه تختنشین اولدقده مادر محمد بعض اترك ايله منفق اولمغه محمد شاهى حبله ايله دعوت ایدوب على الفور حبس ایلدی اول زمان محمد شاهك برادری سلجوق شاه اصطخر قلعه سنده محبوس ایلدی برتقریب قورتیلوب لشکر فزاون ايله شیرازه کلوب برادری برینه سر بر دولته جلوس ایلدی محمد شاهك مدت امارتی سکن ماه در

* امارت مظفرالدین اتابک محمد شاه بن سنقر شاه *

سلجوق شاهك شیرازه پادشاه اولدیغنی ملوک اقطاعراشیدیمك هر بری لشکر ايله شیرازه هجوم و الفارایتد کلمزنده سلجوق شاه دخی خوفندن فرار ایتمکین عساکر اردنه دوشوب کازرونده طوئیلر و سابقا قتل اولنان کرمان خانه بدل قتل و بردار ایتدیلر مدت عمارتی همان بش ماهدر اولاد ذکور دن سلطنته لایق کیمسنه اولمغه سعاد بن ابوبکرک ابشر نام دختری تخت نشین اولدی

* امارت مظفرالدین اتابک ابشر بنت ابوبکر بن سعد *

ابشر عاده و بالغه و مافله خاتون اولمغه التیوز التمش ایکی تاریخنده امر او قضاة سلطنتنه بیعت ایتدیلر آخر یکریمی بش سنه امارتد نصکره ازربایمچانده فوت اولوب سلسله لری دخی انقراض و ختامه رسیده اولمغین فیما بعد ملوک خوارزمیان تحریرینه مباحثرت اولنور

* در بیان ملوک خوارزمیان *

می ویدر که ملوک سلجوقیه دن سلطان سنجر و سلطان برکیارق برادر لری ایدی اتفاق سلطان برکیارق ایران زمینده پادشاه ایکن اقر باسندن بیابکک بنده لزندن جنش بن التیق شاق نام قولانی برادری سلطان سنجره رغما دیار خراسانه پادشاه و صاحب تخت و کلاه ایشیدی بعد زمان توبت سلطنت سلطان سنجر ملکشاهه کلیچک قوللرندن محمد بن انوشکینی خوارزم شاه نامیله بنام ایدوب خوارزم ملکته پادشاه ایتدکده در تیوز طغسان تاریخنده محمد بن انوشکین لشکر ايله دیار خوارزمه کبدوب تخت دولته جلوس ایتدیلر و بونلر

یدی نفر پادشاهاندر که کیفیاتری بروجه آتی بیان اولنور

* امارت خوارزمشاه سلطان محمد بن انوشکین *

سلطان محمد عدل رعایایه اقدام و رعایت بریاده زیاده اهتمام ایدوب دایما علما و صلحا و دینیه ايله مصاحبت ایدردی زماننده جهان عدل و داد ايله آبادان اولدیغیندن دائم الاوقات اهل مملکت از دیار ایام عمر و شوکتیه خیرد عایه مداومت اوزره ایدیلر آخر اوتوز برسنه پادشاهلقده منکره فوت اولمغین برینه اوغلی اتسز پادشاه اولدی

* امارت خوارزمشاه سلطان اتسز بن محمد *

بونلردخی سر بر دولته برینشین و والدك ذاهب اولدیغنی طریق مستقیمه رهین اولوب نیکناملق ايله یکریمی طقوز سنه پادشاهلقده نصکره بشیوز الی برساننده فوت اولمغین برینه اوغلی سلطان البارسلان پادشاه اولدی

* امارت سلطان البارسلان بن اتسز *

البارسلان پادشاه اولدقده دیار خراسان و بلاد ماوراء النهر دن خیلی بلاد و قلاعی ضرب دستیه ضبط ایلدی و زمان دولتمده ملوک سلجوقیه نك ضعف و انکساری مزدا اولمغه خوارزمیلرک قوت و شوکتی تضاعف ایلدی آخر اوج سنه سلطنت ایدوب بشیوز الی سکن تاریخنده فوت اولدقده برینه اوغلی سلطان شاه پادشاه اولدی

* امارت سلطان شاه بن البارسلان *

سلطان شاه هنگام طفلیته پادشاه اولیحق برادر بزرگتری علاءالدین نکش چند و سپاه ايله هجوم ایتدکده سلطان شاه عدم طاقتدن غزنه سمت فرار و والی دیار غزنه اولان عیاش الدین ابوالفتح غوری بی پناه ایدمکین غیاش الدیندن مظهر الثقات اولدقده نصکره غزنه دن خطا و حتن سمت کچوب وافر لشکر ايله قصد خوارزم قیلدی شهر حرز زقرینه کله کبه علاءالدین نهر جیحون بندنی اچغین لشکر سلطان شاه غرق اولدیلر پس سلطان شاه غرقدن رها بولان لشکر ايله مزوه بفرقه روان واندن تکرار خوارزم دیارینه هجوم ایدیمک علام الدین فرار ایتمکله سلطنت دیار خوارزم سلطان شاهده مقرر اولدی آخر سلطان شاه یکریمی برسنه سلطنت ایدوب بشیوز سکنیان بش سالنده فوت اولدقده برینه برادری علاءالدین تخت دولته نشین اولدی

* امارت سلطان علاء الدین تکش بن الب ارسلان *

علاء الدینک زمان دولتمده سلجوقیه تک دولت واقبال پایان وانجام بولوب علاء الدینک مرتبه قدر واجلالی یوما فیوما متراید اولمغله زورقوت ایله دیارخراسانی فتح ایدوب قبضه تصرفه کچوردی آخر اون ایکی سنه سلطنتد نصکره فوت اولدوقده برینه اوغلی سلطان محمد پادشاه اولدی

* امارت سلطان محمد بن علاء الدین تکش *

سلطان محمد زمان سلطنتده ماوراء النهری شرقا وغربا فتح ایدوب قبضه تصرفه کچوردی و لشکر بیضا را به عراق و عجم و ارز بایجان سمتیه روان اولمغله اول جوالیده کی ملوک و سلاطین عموما سلطان محمد ایله صلح اولدوقد نصکره کبر و خوارزم طرفنه متوجه اولدیلر اول اوانده جنکیرخان لشکر تاتار ایله شرق طرفندن خروج وابتدا دیار خوارزم اوزرینه هجوم ایتدکده سلطان محمد دخی جنکیرخان ایله کرار اوغرا اچنک ایلدیسده آخر سلطان محمد منهزم اولمغله دیار خوارزم دن ارز بایجان سمتیه کیدوب اولحوالیده فوت اولمغله برینه اوغلی جلال الدین پادشاه اولدی مدت سلطنتی درت سنه در

* امارت سلطان جلال الدین بن محمد علاء الدین *

جلال الدین پادشاه کشور خوارزم و شهریار عراق و عجم اولدوقده هندستان طرفندن ظهور ایدن لشکر تاتار مضایقه واضطرابدن عجز واضطرازه دو شملکه هر بری دیار برینه عزیمت ایتدیلر ایسه ده جلال الدین هنده قارایمیشیدی و جلال الدینک نه مکانه اولدیغدن خبری یوغیندی (پس جلال الدین لشکر تاتارک رجعتلرینی اشدیجک هنددن شیرازه کلوب اتابک سعد بن زکی ایله بغداده عزیمت وقاضی بها الدین کازرونی وقاضی عماد الدین نام عالمی اچلک ایله بغداده کوندروب خلیفدن صلح و امان الدقد نصکره واروب اخلاط قلعه سنی محاصره و جبر اوغرا بعد الفتح انده بولان انامی باجه هم قتل ایتدکد نصکره ارز بایجان و ارغین شهریار ارز بایجان اولان اتابک اوزبک ابن ایلو کر فرار ایلدی جلال الدین اورادن تبریزه واروب تبریزی دارالسلطنه ایلدی واندن کورجستانه کیدوب تهابی

فتح ایلدی بعده موغان سمتیه کیدوب اوراده ایکن تاتار جلال الدینیه هجوم وانغار و شیخون ایدوب لشکر جلال الدینی تفرقه ایلدکدرنده جلال الدین تک و تنه افرار ایتدکد نابید اولدی (بعث یلدر که جلال الدین لباس شاهانه ایله ولغله موصل طرفنده کی اکراد یزیدی بونک اباسنه طمع ایدوب اول مبعثه قتل اولندی دیرل چون جلال الدین نابید اولدی صاحبه حسن و جمال اولان رومیه خاتونی وطن اصلیه سی اولان رومه عزیمت ایتدکده اتابک سعد بن ابو بکر آدم کوندروب اول خاتونی رومدن دوندرمشکن اوغلی غیاث الدین بخیردار اولوب افار ایلدی و اتابک سعد بن ابو بکرک دار و دیارنی غارت و مال و متبانی یغما و خیسارت ایدوب والده سنی خلاص ایتدکد نصکره کرمانه کتوردی جلال الدین بکر می سکر سنه امارت ایدوب فوت اولدوقده برینه اوغلی غیاث الدین پادشاه اولدی

* امارت غیاث الدین بن علاء الدین *

غیاث الدین ایکی سنه حکومتد نصکره تیوز اون سکر سنه سنه دیار کرمان و زابل و سیستان سمتیه کیدوب اورابه پادشاه اولدیلر آخر ملوک خوارزمیه غیاث الدینده منقرض اولمغله فیما بعد خلفاء عبیدین تخرینه شروع اولور

* در بیان خلفاء عبیدین *

محمدر که خلفاء عبیدینک نسلی یهود اصلنه راجع اولور و بونلرک نسبته آل قداح دخی دیرل زبرا خلفاء علویان دن مغرب و افریقیه و البسی حسین بن محمد بن عبدالله القداح نام کیمنه مجلسنده نساء یهودیه دن بر نازینه تک حسن و جلاله داتر کلمات کذر ایلدی و اول نازینه تک زوجی آهنکر یهودیدن بر فرزند و جوده کلمشیدی اتفاق حداد یهودی مرد اولمغله یزن نازینه تک بیکس و یهودی بجه تک یتیم قالدیغنی حسین بن محمد بن عبدالله کوش ایتدکد اول عورتی شرعا زوج و یهودی بجه بی مسلمان ایدوب نامی عبدالله نسبه ایتدکدن صکره کندی اولادی اوزرینه ترجیح و محبه و رعایه تربیه ایله علوم دینییه تعلیم ایتدردی بنابرین خلق عالم یهودی بجه بی حسین بن محمدک اوغلی ظن ایدرلردی الحق حسین شیعی مذعب اولمغله عبدالله

اول مذهبی اختیار ایدوب حسینک فوتند نصکره خلافتند دعوی
امامت ایلدی و کندی به مهدی لقب قویوب حسین برینه ایکوز
طغسانیدی تار یخنده جلوس ایلدی و بو خاندان اون درت نفر پادشاه
اولمغه حال و شانلری بوجه آتی ذکر اولنور

* امارت عبدالله القداح المهدی *

عبدالله مهدی مغرب زمینه و افریقیه خلیفه اولیجی خلفاء عباسیه
اوزرینه افتخار ایدوب جدر بر کوارم علی بن ابی طالب و والده عزیم
حضرت فاطمه الزهراء اولمغه حسب و نسب خلفاء عباسیه دن عالیدر
دیود دعوی کذب و دروغ ایتد کد نصکره دعوی امامیت ایله مالکته ادملر
کوندروب خلق جهانی مذهب شیعه به دعوت ایلدی اول زمان خلفاء
عباسیه دن المکتفی بالله بغدادده خلیفه اسلام ایدی عبدالله مهدی
دعوی امامتی اشیدیمک لشکر کوندروب عبدالله مهدی ازاله سنه
قصد ایلدی عبدالله مهدی دخی اوغلی تزار القائم ایله دیار افریقیه به
فرار ایلدی و مملکتدن آلدیغی اموال پنهانیه ایله بلاد مغربدن وقاده
نام حصن حصینه داخل اولدی و لقبی امیر المؤمنین مهدی تسمیه
ایدوب روز جمعه ده جبرائیل علیه خطبه او قوندی و اول یرک خلقدن
مذهبه متابعت ایدنلره اعزاز و اکرام ایلدی و ابا ایدنلری انواع ستم
و آلام ایله بد نام ایلدی آخر عبدالله مهدی مغربده هلاک اولد قدده
برینه اوغلی تزار تختنه جلوس ایلدی

* امارت ابوالقاسم تزار القائم بامر الله بن عبدالله المهدی *
تزار یکریمی برینه سلطنتد نصکره فوت اولد قدده برینه اوغلی منصور
اسمعیل خلیفه اولدی

* امارت منصور اسماعیل بن القاسم بامر الله *

منصور یکریمی بش سنه سلطنتد نصکره فوت اولد قدده برینه اوغلی
المعز لدین الله سریر دولته جلوس ایلدی مارال بیان اوج نفر خلیفه نک
امارت و حکومتلری مجرد مغرب و بربره و افریقیه ممالکده واقع اولدی
* امارت المعز لدین الله بن منصور اسماعیل *

المعز اوچیز الی اوج سالده خلیفه اولد قدده اهل مغرب و افریقیه
و بربر امرینه رام اولدیلر و بو اون درت نفر خلافتدن اون برنفر

خلافتنه

خلافتنه دیار مصر دخی منظم اولمغه مصره دخی حکم ایتدیلر (اصح
اقوال اوزره المعز لدین الله والدی منصور اسمعیل حیاتنده سریر دولته
جلوس ایدوب اکابر دولت امارتنه بیعت ایتدیلر ایدی منصور اسمعیل
فوتند نصکره یعنی تجدد ایچون خواسن و عوام دیوانسه کیروب
تهنیه سلطنت ایتدیلر (بعد از ان المعز لدین الله بلاد افریقیه به واروب
اولحوالیده کی ارباب بغی و عنادی امرینه رام ایتد کد نصکره
عیبدا نیدن جوهر القاید نام کیمسنه بی سر لشکر ایدوب دیار مغربه قدر
میان ده کی اهل بغی و فساد امرینه رام ایتد مکچون چیقاردی
جوهر القاید دخی بروفق مأموریت ایتد فارسده بعده سجده اسسه
واروب اهل بسنی امرینه منقاد ایتدردی و حاکم لری طوتوب قفس
آهنین ایچنده المعز لدین الله کوندردی (بعده سواحل بحر محیطه
لشکر چکوب بحر محیطدن سمک صید ایلدی و اول سمکدن المعز
بارگاهنه کوندردی بعده جوهر القاید دیار افریقیه دن ساحل بحر
اعظمه و ارنجه میانه ده کی اهل فساد قبضه تسخیر الوب همان
مدینه سنه قالدی اول زمان حاکم مصر اولان کافور الاخشندیک وفاتی
خبری کلمکین المعز دخی آبا و اجدادی خزینه سندن بشیوز جل دینار
و دراهمی بعد الاخراج نواحی مغرب و بربره کی قبائل عرب ایله
جوهر القایدی مصر و اسکندریه فتحچون کوندردی اول زمان مصرده
زیاده حفظ و غلا و طاعون و وبا اولمغه مصر و نواحی سنه و با
وجوعدن آلتوز یکدن زیاده انسان فوت اولمشیدی پس جوهر القاید
اوچیز الی سکر سالده المعز لدین ایچون حسن تدبیر ایله مصری
فتح و تسخیر ایدوب المعز لدینه تبشیر نامه تحریر و مصره دعوت ایلدی
چون خبر مسرت المعز واصل اولدی شام و حجاز و یتربکدخی
زیرتکیننه داخل اوله جغنی بیلوب مسرور اولد قد نصکره افریقیه
و مغرب و بربریه به طرفدن نائب کوندروب کندی بالذات چند
و سپاه و اهل و عیال و خزانه سیله مصره عزیمتیه قیام ایلدی
و اسکندریه به نزول ایتد کده اعیان مملکت ایله مصر قاضی ابوطاهر
اسکندریه به استقباله کلمشیر ایدی المعز رکابی تقبیل و خاصه پائینه
دعا و ثنا عرض ایتد کاردنه رخصت شاهانه مقتضای دیوان هم ایونده

دیر چکوب او توردیلر بعدد المعز لدین الله یونلره خطاب ایدوب ای
اعیان مصر بودیار جلیل الاعتباره دخولم اکثر مال و مثال و ازدیاد
جاه و جلال ایچون دکادر بلکه مرادم یواراضی مطهره ده اقامت
و حاج ذوی الایته حاجه خدمتله نائل درجه مغفرت اولمقدردیو یونلره
نوازش ایتدیکده اهل مصر دخی المعز کلامی بعد القبول مصره
دعوت و اورادن قالد یروب مصره یقین خیره به نزولارنده جوهر
القاب کابو زمین یوس ایتدیکده نصکره رکاب همایوننده پیاده یوروب
خدمت واجب العز تنده دست بسته طلوردی المعز او چکون اول
جیره ده اقامتد نصکره نیل مبارکی چکوب مصره قریب قصر عالی به
نزولنده تأدیه شکر ایچون دورکت نماز قیلدیلر جوهر القاب اول زمان
مصرخی المعز ایچون محمددا بنایدوب المعزیه ایله بنام ایتشیدی زیرا
اصلده اول ممالکک شرقا و غربا بعدا و قریبا اطلاق مملکتیه مصر
دیرلردی (القصة المعز لدین الله مصره داخل اولیحق جوهر القابدی
عزل ایدوب جمیع ممالکک بذاته متصرف اولدیلر) پس المعز او چیوز
اون تاریخنده تولد ایتشیدی یکریمی درت سنه خلافتد نصکره عمر
عزیزلی الی بش ساله وارمغین او چیوز التمش بش سنه سنده فوت
اولد قده برینه اوغلی العزیز سر بر خلافتیه جلوس ایلدی
* امارت العزیز بن المعز لدین الله *

العزیز بغایت شجاع و بهادر وزکی و امور معظمه بی رؤیته مقتدر
جوان پادشاه ایدی زمان خلافتنده شام و حلب و حجاز و یمن
ودیار بکردن خلفاء آل عباس نامنه اوقونان خطیه بی رفع ایدوب
کندی نامنه اوقوتدی آخر یکریمی سنه امارتد نصکره او چیوز سکسان
الی تاریخنده فوت اولمغله برینه ارغلی ابوالعباس الحاکم سر بر
دواتیه جلوس ایلدی

* امارت ابوالعباس الحاکم بامر الله منصور احمد بن العزیز *
ابوالعباس سر بر خلافتیه جلوس ایدیچک اهل ایمانی مغایر شرع شریف
احکام ایله رنجیده ایلدی (اصح اقوال اوزره الحاکم پادشاه اولیحق
مانشد فرعون دعوائی ربوریت ایدوب اهل طغیانی باشنه جمعه
حاشا ثم حاشا یا احد یا واحد یا ممیت یا محیی دیو اهل طغیانی او کجیه

یونیدوب ندایتدیرردی و خطیه ده نامنی ذکر ایتد کلرنده رعایا و برایا
صافلر باغلیوب نامنه تعظیما منبره قارشو قیام ایدرلردی و حاکم اولدیغی
دیارده خصوصاً حرمین شریفینده نیجه زمان یو بدعت شیعیه بی
اجرا ایتدرد کد نصکره فساق اهل مصری کندویه منجده ایتدردی
اول یتدینه زوقاقده راست کلنر خوفلرندن منجده ایدرلردی بوکونا
کفر یاتد نماعدا مغیباته ده حکم ایدوب قلان کیستنه خانه سنده بویه
دید و شریله ایشلیدی دیو خلقه دغدغه و پردی بو وجهله کفر یاتی
روز بروز مزدا اولد قده امراسی تحمل ایده میوب جور و ظلمک راضی
اولدی فاما کفر و حاکمک و مغیباته حکم ایتدیککه اصلاً رضامن
یوقدر دیو عرضحال ایتد کلرنده مغیباتدن اگرچه فراغت ایتدیلر
ولکن دعوائی شرف و سیادتله بابام علی المرتضی و والده مفاطمة الزهرا
حضر تکریدردیو نصکره ییچ ایدوب خطبایه منبرده اوقوتدی بو وجهله
خلفاء عباسیه اوزرینه افتخار ایله کندی نسبت بهتان و دودمان علویانه
افزا ایدردی و یونلردن باشقه هر زمان علما و صلحک انتقاما قتلنه
میل ایتدیکه باشلیدی ویدی سنه صوف کیوب بلاشع کنج ظلمانده
او تورد قدد نصکره بیرون اولوب قتل علماء عظام و سب اصحاب کرام ایله
امرا ایتدی و علم تجرم تجصیل ایچون رسیده کیرلکی امر ایتدی وقاهرة
المعزیه ده واقع راشد وقاهرة نام جامعاری هدم ایتدردی و یکریمی
درت سنه صلوة تراویحی منع ایدوب بعده مباح ایتدی و ایلاده کی قامد
کلباسانی هدم ایتد یروب برینه مسجد بنایتدزمشیکن تکرار اولمسجیدی
یقوب یتد کلباسان ایتدردی وقاهرة المعزیه ده مدارس بنایتد یروب
درونده اسکان ایتدردیکی علما و مشایخه موجب تعیین ایتشکن اول
مدرسه لری هدم و ایچنده اسکان ایتدردیکی مشایخ و علمایی قتل ایلدی
وقاهرة المعزیه ده یدی سنه کوند وزین بازاری قباتد یروب کیچه
آچدردی و برخصوص ایچون تعیین ایتدیککی مباشرک یتدیه و یریلان
فرمانده کندی نام شقاوت ایتامنی الحاکم الرحمن الرحیم دیو یازدردی
و یونج کفر یاتی جهال زمانه یه نعوذ بالله تعالی ذکر الله ایله ذکر
ایتدردی و نصاراک کردندش بظمن آغری صلیب و طوائف
یهود کردانده دخی صلیب آغرنجه خشب طاقد یروب انکله حجامه

کبرمکه امرایندی و یهود و نصاری و جبرامسلان ایدوب بعده بنه کافر
ایدردی و جهلادن برزند بقی غیر صدیق کندی نامه بر کتاب
خباثت خطاب تألیف ایدوب دروینده روح آدم صبی الله حاشا حضرت
علی بن ابی طالبه و روح علی بن ابی طالب الحاکم بامر الله نقل ایتدی
دیو یازمشیدی حاکم بامر الله کتاب مذکور جاع قاهره ده او قود یحیی
علما و مشایخ جمع اولوب اول کتاب مصنفی قتل ایتکه هجوم ایتد کلرند
حاکم و مصنف اعنهم الله مرکب سوار اولوب جبل شام و شامانه فران
ایتدیلر و اهلای جبالی کندی مذهب لرینه دوند پروب اضلال ایتدیلر
و خوزناتک ایاختی و حتی ذی رحم محرم اولانی والدی قرنداشته البوریمک
جائز ایدیک اول کتاب ضلالت نشانده مسطور ایددی و ظالم مزبور
خواهری سیده بی بعضی قهمت عزو یله قتل ایتکه نیت ایتد کده سیده
خبردار اولیحق برادرینک امر اسندن سیف الدین بن دواسک مترنسه
واروب وقعه بی افاده و ظلم و تعدیات یاده کتورد کدنصکره الحاقه هذه
سنک و بنم قلمزه سعی ایدردی و حاکم سیف الدین بو بایده رأی و تدبیر
ندر دید کده سیده جوانده قرنداشتم بهر یوم تک و تنها حلوانه کیدراون
نفر مسلمین یواده کین اولوب قتل ایتسونلر دید کده سیف الدین دخی
اون نفر مسلمین کوندروب بروجه تعلیم حاکم بامر اللهی در تیوزاون بر
تار یخنده قتل ایتدر مکه جهاتی کفر و مظلومندن قور تاروب جاتی قهر
دوزخه اولشدر دیلر الحاصل الحاکم بکرمی بش سنه بروجه بالا کفریات
و تعدیات ابله خلافت ایدوب بعید هلا که برینه او غلی الظاهر
جلوس ایلدی

* امارت ابوالحسن الظاهر بالله بن الحاکم *

ظاهر دخی والدی الحاکم دن اشنع ایترواجهل و لمجد و زندیق ایدی زمان
خلافتنده اهلای شام و شامات کند و به عصیان ایدوب امر ندان تجاوز
ایتدیلر آخر اون النی سنه امارتد نصکره در تیوز بکرمی یدی سنه سنه
مرد اولغین برینه او غلی المنتصر تختنه جلوس ایلدی

* امارت المنتصر بالله بن الظاهر *

منتصر پادشاه اولدقد حرمین شریفین حکمندن چیقدی و مصرده
یدی سنه خط و غلا واقع اولغله رعایا و براباز یاده زجت چکدیلر

بعضی یازدیر که بو خط و غلا حضرت یوسف صدیق زماننده کی قحط
و غلادن زیاده ایدی آخر الشمس سنه سلطنتد نصکره در تیوز سکسان
یدی تار یخنده فوت اولدقد برینه او غلی احمد المستعلی پادشاه اولدی
* امارت المستعلی احمد بن المنتصر *

المستعلی اگر چه پادشاه اولدی فاما شارب الخمر و آکل الحرام و انواع
لعب و لهوه مائل فاسق و فاجر ایدی بونک زماننده دولت عیب بدین
مخل اولوب حاکم اولدق لری ممالک اکثری حکمندن بیرون اولغله
امارت و سلطنت لری یوما فیوما تنزل ایلدی آخر المستعان بکرمی درت
سنه یا خود بکرمی یدی سنه امارتد نصکره بشیوز یدی تار یخنده مرد
اولدقد برینه او غلی الامر یا حکام الله تخت نشین اولدی

* امارت الامر یا حکام الله بن المستعلی *

الامر یا حکام الله اگر چه پادشاه اولدی و لکن غایتده ناقص العقل و بی
فهم و تدبیر اولدیفند ناعدا دائما لعب و لهوه و طرب و لغوه مائل ایدی
زمان سلطنتنده طوائف افرنج بیت المقدس و سواحل عکه و طرابلس
و ایلد و ضیاده و بروت و بالجه سواحل بحر شامده اولان قلاع و ضیاعه
مستولی اولوب ضبط ایلدی حتی نیوک که عاصی خرما دینلن محکوم
لشکر کفار اورایه قدر واروب اول اطراف خراب و احراق بالشار ایتدیلر
واندن مصره عزیمت اوزره ایکن عریشه وارمدن مرد اولدی آخر
الامر یا حکام الله اون یدی سنه سلطنتد نصکره بشیوز بکرمی درت
سالنده مرد اولغین برینه او غلی الحافظ پادشاه اولدی

* امارت الحافظ بن الامر یا حکام الله *

الحافظک زمان امارتده اکر د و آل ابوبدن سید نور الدین الشهید
علیه رجه المجید شام و حلب و جزیره دیار بکره مستولی اولدیلر آخر
الحافظ اون طقوز سنه خلافت ایدوب بشیوز قرق درت تار یخنده مرد
اولغین برینه دودمان عبیدیندن الغافر بالله پادشاه اولدی

* امارت الغافر بالله *

الغافر پادشاه اولیحق کافه عالماتک منقوری اولان اهل بغی و عناد
و صاحب رفض و الحاد ایله اختلاط و اتحاد ایتکله زمان سلطنتده
جمله عالم اختلافه دوشدیلر آخر بش یحیی سنه امارتد نصکره امر

و کبرا اتفاقیه بشیوز الی طقوز تار یخنده قتل او انوب پرینه اوغلی
الفائز پادشاه اولدی

* امارت الفائز بن العاضد بالله *

الفائز پادشاه اولدقده سکر یاشینده جوان ایدیلر قاهره معزیه ده واقع
جامع صالحیه و امام حسینک رضی الله عنه سر سعادتلری مزارینی
بنا ایدیلر همیشه محب آل مرثضی و مائل خیرات جوان ایدیلر آخر الی
بحق سنه سلطنت ایدوب بشیوز الی بش تار یخنده ارتحال دار بقا
ایتد کلرنده پرینه دودمان عییدیندن العاضد سر پر دولته جلوس ایلدی
* امارت العاضد بالله بن یوسف الفائز *

العاضد شعبی مذهب و غایتده فاجر و ظالم پادشاه ابدی لسان عربده
عاضد قاطع دیمکدر انکچون دولت آن مهد بین عاضدده منقطع
و منقرض اولدی ابتداء امارتنده فرنکستاندن افرانسد یوز بیک کافرایله
قاهره المعزیه بی محاصره ایتد کده عاضد عاجز اولوب آل ابوبدن شام
و شامات شهر یاری نورالدین الشهیده نامه کوندروب استمداد ایتد کده
نورالدین دخی امر اسندن اسدین شیر کون نام بکی سردار و برادر
زاده سی صلاح الدین یوسف ابن ابوبی معینته تعیین ایدوب اون بیک
سواری والی بیک پیاده لشکرایله عاضد سمته کوندردی (پس کفار بونلر
ایله محاربه و مقاتله ایتد کده اسد الدین شهید اولیحق العاضد سر
هسکرلکی مارال بیان صلاح الدینه و بروب جنک ایچون کفاره کوندردی
آخر العاضد اون ایکی سنه سلطنتدن نصره بشیوز التمش بدی تار یخنده
مرد اولیحق صلاح الدین میدانی خالی بولوب مصرده سر بر سلطنته
جلوس ایلدی ابتداء قاهره المعزیه و الی اولدقلری تار یخندن عاضدک
وفاتنه کلنجه بوفر قه نك مدت سلطنتلری ایکیوزیتمش سکر سنه اولوب
ایکیوز سکر سنه سی دیار مصرده و ماعداسی مغربده کذار ایلدی
خلفاء عییدیندن نصره شام و مصره آل ابوب مستولی اولغله بهدازین
آل ابوبک نحر پرینه مباشرت اولنور

* در بیان ملوک آل ابوب *

اصح اقوال اوزره بالاده ذکر ی کذرایدن خلفاء عییدیننکه مهدین
ایله دخی معروفدر نسلاری منقرض اولغله نورالدین الشهیدک برادر

زاده سی صلاح الدین یوسف بن ابوب بشیوز التمش بدی سالتده
العاضد عبدالله پرینه مصرده سر بر سلطنته جلوس ایتد کده آل ابوبدن
اون نفر پادشاهانک حال و شانلری بروجه اتی ذکر و بیان اولنور
* امارت الملك العادل نورالدین الشهید *

جناب صلاح الدین مصر قاهره به مستقلا پادشاه اولیحق همان افرنج
شقاوت رنجه غزا و جهاد ایدوب سواحل بحر شامدن خبی قلاعی فتح
ایلدی محکبدر که سلطان انبیاعلیه افضل التحایا حضرتلری نورالدین
الشهیده عالم رؤیاده بیور دیلر که انورالدین بنم مزار فائض الانوار به
ایکی نفر کافر لغم قاز یوزلر اون کونه قدر بنشوب بی خلاص ایتد کده
اول ملعونلری قبرمدن اوغورلارلر دیوب زاهد و عابدش کلنده اول ایکی نفر
کافری نورالدینه کوسرتدیلر چون نورالدین بیدار اولدیلر همان اون
نفر کسان ایله مصردن هجده بنوب الغارایله اون بی کون مدینه منوره نك
خارجنه نزول و مدینه نك صفار و بکارینه انعامات و صدقائم واردر
دیواها الی بی با جمعهم دعوت و جله سنی بکار بکارت رؤیت و هر پرینه
کندی ایله احسان ایلوب رسول اللهک اراده بیور دقلری اول ایکی
نفر بی دینی کور میحک ای اهل مدینه رسول اللهک علیه السلام کلام
هجر نظاملری صدق اوزره ایدیکی معلومکن بکار و پیامده اراده
بیور دقلری ایکی نفر شخص بی دین آره گزده یوق بهر حال درون
شهرده آدم وار تجسسن ایدک دید کده اهل مدینه بزجمله حضور بکره
کدک امامدت و افره دنبر و فلان محله عمر لنتش بین ایکی نفر کشته
وارد دید کلرنده همان جناب نورالدین آدم کوندروب اول ایکی نفر
کشته لری حضورینه کتورتدی و دقتله باقدیکه رسول اللهک
علیه السلام عالم منامده کوسرتد کلری ملعونلر در در آن ساعت برندن
قالقوب بونلر بر سر سله اوردقدن نصره مدینه به نجون کلدیکر دیو
عنف ایله معامله بیور میحق الخائن خائف مذ اوایله رسول اللهه
قصد ایچون فرنکستاندن دعوا ایله کلد کلرینی و روضه مطهره به
وار میچون زیر زمیندن اغم قاز دقلری و قاز دقلری خاک عطر ناک
مدینه نك بستانلرینه صاحب دقلری برر بر اقرار ایتد کلرنده جناب
نورالدین الشهید لغم قازیلن محله واروب بذاته مشاهده ایتدیلر که

واقعا اول ایکی یدین ساکن اولدقلری صومعه دن اغ اوروب قبر سعادته وارنجه براوزون دهلیز قاز مشرور و ضه مطهره آچیلوب میانه ده حائل قالمش انجق مله و نلرمهابت نبوت و صلابت مجزة رسالتدن جسد سعادته ال اوره مدقلرندن همان قبر سعادتك بر طرفی کشاده قالمش جناب نورالدین کمال ادا ابله اول اجیلن بدن شمع غسل ابله دخول وزد سعادته وصوللرنده کور دیلرکه سرور کائنات علیه افضل التحیات حضرت لری کفن سعادتلریله افسه دن بر نسته اوزرنده مبارک ارققلری اوزرینه متوجه اعلی القبله یا توری جناب نورالدین پی اختیار قدم سعادته یوزم سور دیکمده مبارک قدملری هنوز اسی ایدی دیو جناب نورالدین مر ویدر (پس جناب نورالدین روضه مطهره بی ازهر طرف فخر زمیندن دخی توجدن شبیکه ابله احاطه ایتدردی شویله که روضه مطهره توجدن قفس ایچنده اولمش کی اولدی حتی فخر زمیندن بالای قبه سعادته وارنجه توجک سکسان قولاج طولی وار در دیرلر و شامده ابتدا مساجد و مدارس و بیمارستان بنا ایدن نورالدین الشهدیدر و موصله دخی جامع نور نامیله بر جامع شریف بنا ایتلردر که جهاندن نظیری نایدر القصة جناب نورالدین الشهدید ابو الخیرات و صاحب فتوحات عادل و غازی سلاطیندنر بشیوز اوت بر تاریخنده تولد ایدوب بشیوز طقوز زسالنده وفات ایتدیلر مدت امارت لری اوتوز سنه دن زیاده جه در مقدما نام هماملری محمود ایدی صکره نورالدین الشهدید ابله ملقب و مسمی اولدیلر سبب تسمیه بودر که جناب نورالدین آخر عمر لنده طاعت و عبادت و تلاوت قرآن عظیم الشان ابله مشغول اولوب هر کون جامع امویه به دخول ایتدکلرند مؤذن اذان ظهیری اوقوردی بر کون صلوٰه ظهیره قریب جامع شریف مزبوره توجده و اثناء طریقده تلاوت قرآن کریم ایده رک کیدر کن حضرت حضرت علیه السلام سلام و کلام ابله نورالدین مشغول ایتدکده نورالدین نهوره کلوب خضره یا عبدالله بنی شغلدن البقویوب کلام دنیا ابله مشغول ایتدک دیو جک خضر دخی یا نورالدین بیچان آدمک مصاحبندن چار مسین دیدکده نورالدین دخی طوته لکه سن خضر اوله سن بنی کلام دنیا ابله کسب آخرتدن تعطیل ایتدک بو تقدیر

بکا خضر لازم اولمز دیدیکی آنده خضر غائب اولمغین جناب نورالدین اولزمان اولکمه نك خضر اولدیغنی ییلدی پس جناب نورالدین صلوٰه ظهیری جامع امویه ده بعد الادا سراینده کلدکلرند آیدست و سجاده سننه مأمور اولان صغیرینده سی وقت عصرده بر معتاد نورالدین آیدست الدیر رکن نورالدین غلام مذکورک حسن و جمالنه دقتله نظر ایتکین میانه ده علاقه پیدا اولوب غلام مذکورک عشق و شوق نورالدینی طاعت و عبادت و تلاوتدن منع ایدوب امور سلطنت دخی معطل قالیجق همان نورالدین الشهدید درگاه اجا پیناهه ال قالدیروب الهی و سندی و مولای عاشق و معشوق سنسن مجاز ابله حقیقتک فرقی اولمز درگاه الوهیتکدن غیری ملجا و پشاهم و یارگاه ربویتکدن اوز که امیدگاهم یوقدر پابند طاعت اولان غلامک یا خود یوعبد نافر جامک روحی قبض ابله دیو دغا ایتدکده اولکیجه جناب نورالدین ارتحال داریقا ایتکین بین العیلا شهید عشق اولدیغندن نام همای نورالدین الشهدید تسمیه اولندی ما حصل نورالدین الشهدیدک وفاتند نصکره برادر زاده سی اولان ملک الناصر صلاح الدین یوسف این ایوب شام و شاماته دخی مستولی اولوب بشیوز الفش طقوز سالنده تخت نشین اولدیلر

* امارت الملك الناصر صلاح الدین یوسف بن ایوب *

جناب صلاح الدین بالاده ذکر اولندیغنی اوزره ملوک عیید ییندن عاضدیرینه مصره سلطان اولمشلرایدی نورالدین الشهدید وفات ایتدیجک دیار شامه دخی مستولی اولوب شام و مصر و یمن و جزیره ابله شرفدن یرمقدار پری جهاد و غزایله زیر نکیته بکوردی و قراقه مصرده مدرسه مجاوره و اصحاب مالکی به مخصوص ایکی باب عالی مدرسه و قدس شریفه خانقه سعید السنداسی و دمشق خضراده دارالشفای و مدرسه سیدینه و مدرسه صلاحیه بی بنا و احیا ایلدیلر و بونلر دغا عدا نیجه محلسده اثر لری واردر آخر یکرخی پرشه امارت و سلطنتد نصکره بشیوز سکسان طقوز تاریخنده فوت اولدقده یرینه اولادندن

العزيز عثمان سریردوانه نشین اولدی

* امارت ملك العزيز عماد الدین عثمان بن صلاح الدین *

العزیز عثمان والذي صلاح الدينك حين وفاته ولي عهده اولمغله
مصر وشام وجزاير وبعين ممالكه بادشاه اولدقده ممالك محروسه سنه
خطبه وسكه في خلفاء عباسيه تامندن كندی ثامنہ دوندردي
جناب صلاح الدينك فرزند برزكترى الملك الافضل على ديار شام
ومضافاته وفرزند ديكرى الملك الغازي ابالت حلب وتوا بعند
ودودمان ابوييه دن الملك الامجد بن فرحشاه نواحى بعلبك واول حدده
اولان بلاد وضياعه ومالك مظفر بن الدين عمرو حواسميد ولايتلرينه
واسدالدين شيركوه حصص وتد ميروديار رحبة الشامه ومضافاته
والملك الناصر بن شاه الدين حفيروانده بصريه والى وحاكم اولوب
هر برى الى الوفاة تعيين اولدقلى ممالكه متصرف اولديلا الحاصل
العزیز عثمان بش سنه امارت وسلطنت ايدوب بشيوز طقسان بش
سالنده فوت اولمغين برينه اوغلى سلطان محمد سريردواته جلوس ايلدى
* امارت الملك المنصور سلطان محمد بن عثمان *

سلطان محمد بادشاه مصر وشام اولدقده على العموم امارتته بيعت ابتدايلر
نجق سلطان محمد بن عمرى ناسا اعد اولمغله رسنه دن زاده چا امارت ايدوب
فوت اولدقده برينه صلاح الدين يوسفك برادرى ابو بكر بادشاه اولدى
* امارت الملك العادل ابو بكر بن ايوب *

ابو بكر بشيوز طقسان التي تاريخده دودمان ابوييه دن ممالكه استقلاله
بادشاه اولوب خابور ونصيبين وسنجار ولايتلرينى دخى ضبط ايلدى
آخر يكرى سنه امارتده نصره آتيلر اولان التي سالنده فوت اولدقده
شرف الدين بن عيسى نام كيمنه ابو بكرك جميع تركه سنى ضبط ايلدى
وجنازه سنى دخى دمشق ككتوروب مدرسه عاليه نام خيراتنه
دفن ايتدكده برينه اولاددن ملك الكامل محمد سريردواته نشين اولدى
* امارت الملك الكامل محمد بن ابو بكر *

ملك الكامل امر وراثته سلطان مصر وشام اولدقده امد وكيفى
وخربوط ورهاني فتح ايدوب ضبط ايلدى وزمان امارتده قدس
وسواحل شامه افرنج مستولى اولدقده درحال اشكرايله الغارايدوب
قدسى ممالك ساربه بنى كقار دن قورتاروب تكرار ممالك اسلاميه
الحق ايلدى اخراون سنه امارتده نصره فوت اولدقده برينه اوغلى

سلطان ابو بكر التيوز يكرى بش تاريخده تحت خلافته جلوس ايلدى
* امارت الملك العادل سلطان ابو بكر بن الملك الكامل *

سلطان ابو بكر اگر چه بادشاه مصر وشام اولديلا فاما مسرف واهو
وطرب وعبش وابعه مائل وعسكر ومملكت احوالندن بختير اولمغله
اهل سخريه وي نواحى رتبه اعلايه ايروب پايله اعالي به لايق اولان
زاويه مذلتله منزوى اولديغند فاما رامين عراقه دخى غيريلر
مستولى اولديلا اخراون ايكي سنه امارتده نصره التيوز اوتوزيدى
تاريخده برادرى نجم الدين ماراليان سلطان ابو بكرى حبس
ايدوب برينه تحت جلوس ايلدى

* امارت الصالح نجم الدين بن الملك الكامل *

نجم الدين بادشاه اوليحق برادرى ابو بكرى قتل ايدوب مستقلا
بادشاه اولدقده خزانه ده همان برعدد مسكوك التون بولمغين
خزينه دارندن خزينه احوالى سوردقده برادر يكرى ابو بكر مفتحك
وناسرا كيمنه صرف ايتدى ديوجواب و برمليله نجم الدين دخى
بر بادشاه بيت المالى غير مستحقينه صرف ايلسه برينه بادشاه اولان
اول كيمنه لردن اموال بيت المالى شرعا كبرو المغه قادر اولور ديو فتوى
المغله يكرورده غير مستحقين طقوز يوزيسك ديتار رد ايلدى
وبرادرينك قتلنه باعث اولان امراني برطر يقله قتل ايلدى وبيت المالدن
بيك نفر قول اشترا ايلدى واول قوللرك ثامنہ سخريه اطلاق ايدوب
اسب ووطن وسازايه بونلرى سپاهدن ايتديكه سلاطين ابوييه منقرض
اوليحق زبرده ملوك اترك دنيلن بونلردر و بونلرك اصلى روى اولمغله
ملوك چرا كسه دن تفريق ايچون بونلره سلاطين تركيه اطلاق اولندي
وبونلرك امارت وسلطنتلرى سلاطين چرا كسه دن مقدمدر پس
نجم الدين غايت غضبك وخونريز اولمغله امرا وغيريدن فرد واحد
كندودن برنسنه رجا ايتكه قادر اولمديغندن ناشى دودمان
ابوييه زياده ضعيف اولمغين افرانسه خروج ايدوب مضافات
مصر دن دمباطى ضبط ايلدى اخر نجم الدين اون سنه سلطنتده نصره
التيوز قرقيدى سالنده فوت اولدقده برينه اوغلى تورانشاه بادشاه اولدى

* امارت الملك العظيم تورانشاه بن الملك الصالح *

توران شاه سر بر دولته جلوس ایندی کی بوزیک لشکر اسلام ایله
الغار ایدوب دمیاطده کی افراسیدی شیخون و پریشان ایلدی قاما کنندیک
واجب الرعایه اولان امراسنی مصاحبه دن دورا تمکله امرایا اتفاق اوزینه
هجوم ایدیجک توران شاه هر قدر فرار ایندیه ده آردندن یتشوب
التیوز قرق سکن سالتده دریا بوزنده احراق و غریقی ایلدی لر یس
توران شاه یتش برکون سلطنتد نصکره بوجهله قوت اولدقده سلسله
ذکور انجام ونه ایت بولغین برینه اناشدن شجرة الذر تخته جلوس ایلدی
* امارت الملكة الصالحة زوجة الملك الصالح *

شجرة الذر دودمان ابویه دن اولوب ملک الصالح نجم الدینک
زوجه سنی اولغله اعالی وادانی تخته جلوس ایتدر دیلر اوج ماه
مارتد نصکره زوجی ملک الصالح نجم الدینک قولمردن امیر عزالدین
ایک نام صاحب رأی و تدبیر امر سلطنتی بعد التفویض تحت
نکاحنه داخل اولدی پس سلطنت آک ایوب اشبو شجرة الذرده
مقرض اولغله فیما بعد سلاطین ترکیه تحریر برینه شروع اولور
* در بیان سلاطین ترکیه *

نالاده ذکر کی گذرایدن شجرة الذر با حسن رضای خود امارت
وسلطنتی التیوز قرق سکن تاریخته امیر عزالدین ایکه تفویض
ایتد کده امیر عزالدین دخی ملک المعز اسمیه ملقب پادشاه اولدی
و یونان یکر می دیت نفر پادشا هاند که بوجه آتی ذکر اولور
* امارت الملك المعز ایک *

قول جتسندن ایتدا پادشاه اولان اشبو ملک المعز در و بونلره ملک ترکیه
دنلدیکنک سبی مقال له سلطان نجم الدینده گذر ایتشدر پس ملک
المعز پادشاه اولیجی موصل حاکی بدرالدینک دختری اولویانوی
کندویه تزویج یلیدی زبرا اولویانونک امراء اگراددن اولان زوجی
اقطانی اشبو ملک المعز قتل ایتشیدی بوقعه بی ملک المعزک امارتنه
باعث اولان شجرة الذر اشدیحک رنجیده خاطر او اوب کند وایله
اجتماعدن منع ایتد کده ملک المعز دخی شجرة الذر طلاق و بر مک
ایست یجک شجرة الذر ضروری ملک المعز ملایمت و مدارا و حسن
زندگانی ایلدی برکون شجرة الذر جامده فرصت بولوب

جمال الدین نام طواشی ایله ملک المعزی اعدام ایتدی لر ملک المعزک
مدت امارتی التی سنه و طقیوز ماه اولوب التیوز الی بش تاریخته
بوجهله قوت اولدقده برینه اوغلی نورالدین علی تختشین اولدی
* امارت الملك المنصور نورالدین سلطان علی بن ملک المعز *

نورالدین والدی برینه سلطان مصر و شام اولمش ایسه ده غایت
احق و پیغم اولوب امور سلطنتدن بخیر اولغله اوج سنه
امارتد نصکره التیوز الی یدی تاریخته اتفاق آرا ایله تختدن
ایتد بریلوب برینه مدبر مملکت اولان ملک المظفر قطن پادشاه اولدی
* امارت الملك المظفر قطن *

ملک المظفرک زمان امارتنده سردار مغول جنکیر خان اوغلی هلاکوخان
خلع عیسییه دن المعتصم بالله بی بغدادده شهید ایدوب عراق و عرب
و عجم دیار لیه مستولی اولدقده ملک مصر اولان نورالدین طفول اولغله
امراء مصر نورالدینی عزل ایدوب برینه اشبو ملک المظفری پادشاه
ایتد کارنده لشکر عدو شکار ایله مغول و تاتار اوسته الغار ایدوب سردار
مغول اولان کبغا نام بی دینی قتل ایلدی امراء تحریریه دن پیس نام
میر ایله ملک المظفر میا تنده منافسه واری ایدی آخر پیس التیوز
الی سکن تاریخته دیر عاقول قرینده عین جالوت نام مجاهده ملک
المظفری طو توب قتل ایتد کده نصکره جنازه سنی اورایه دفن ایدوب
برینه پادشاه اولدی ملک المظفرک مدت امارتی برسنه دن زیاده در
* امارت ملک الظاهر سلطان پیس *

بنا ایتدیلر آخر سلطان بیبرس اون اتی سنه سلطنت ایدوب التیوز یتیمش
الئی تاریخنده فوت اولدوقده برینه اوغلی سلطان محمد نخنده جلوس ایلدی
* امارت الملك السعيد سلطان محمد بن ملك الظاهر *

سلطان محمد اگرچه پادشاه اولدیلر فاماتازه جوان ومصلح عبادده نادان
اولغله ارکان دولتی رعایتدن دور ایدوب رعایت ادانی به مجبور اولدیفندن
باشقه امرانک قتلنه تصدیق سبب دولنده اختلال ظهور
ایتمیشدی ایکی سنه برماه امارت ایدیحق اتفاق آرا یله التیوز یتیمش سکر
تاریخنده نخندن ایتدیر یلوب برینه برادری سلامشی پادشاه ایتدیلر
* امارت الملك العادل سلامش بن ملك الظاهر *

سلامش یدی یاشنده پادشاه اولدوقده ملك الصالحك اشترای ایدیکی
ملوك تحریردن ابوالمعانی سیف الدین قلاون وزیر اولوب سلامش
دون بلوغ اولغله قلاون سلامش ایله خطبه وسکده شریک اولدی
وقلاون اصک بر دیوانه فوق الغایه رعایت وحرمت ایتدیکنه سبب
سلامش مدت امارتی برسنه دن نقصان اولیحق اکابر دیوان سلامشی
نخندن ایتدیر یوب برینه قلاونی سریر دولته اجلاس ایتدیر دیلر
* مقاله الملك المنصور ابوالمعالی سیف الدین سلطان قلاون *

سلطان قلاون پادشاه اولیحق رعایا اوزرنده کی بدعتی رفع واعیان
ولایت زباده عدل و داد ایلدی وقاهرة المعزیه ده بین القصرین
مدرسه و بیمارستان بنا ایلدی وهلاکو خانک اوغلی ایقاخان
طرفدن شام ومصر قصدینه سردار اولوب کوندریلان منکو غزایله
محاربه و لشکرتا تاری تار مار ایلدی آخر اون برسنه و اوج ماه
سلطنتد نصکره التیوز سکیان طقوز تاریخنده فوت اولدوقده
برینه اوغلی خلیل پادشاه اولدی

* امارت الملك الاشرف صلاح الدین سلطان خلیل بن قلاون *
سلطان خلیل اگرچه پادشاه اولدیلر انیحق باباسی پادشاه هلاکده
یتیم المالدن اون یسک نفر قول اشترایتمکله اوغلی سلطان خلیلک
زماننده خزینیه نقصان طاری اولدی وبونک زماننده یهنسی وروم
قلعه لری فتح اولدی انیحق عدم رعایتدن مراتب عیدتیزل ایدوب
سلطان خلیلدن زنجیده اولدیلر آخر اوج سنه وایکی ماه سلطنتد نصکره

عید التیوز طقسان اوج سالنده سلطان خلیل شکارده شکار
ایدوب قتل ایتدیکده برینه برادری محمد پادشاه اولدی
* امارت الملك الظاهر سلطان محمد بن قلاون *

سلطان محمد پادشاه اولیحق مهابت وصلاتی قلوب انامه تاثیر و نام
هماننه میناه ملوک آفاقده توقیر اولندی حتی زمین عراقده هلاکو خان
اولادی لشکر ایله شام ومصر جانب لریته عزیمت حاضر و آماده ایکن
سلطان محمد دن خوف وخشیت اوزره اولدی وسلطان محمد دیار
عربده نیجه مساجد ومدارس بنا ایلدی اوج دفعه پادشاه اولمش لرایدی
دفعه اولاده برادری قتل ایتدیلر بر طریقله طوتوب قصاصا
قتل ایتدیکده ملانقه عیبیه وهمه دوشوب التیوز طقسان درت سالندن
سلطنتدن بنه دوروم مجبور و ملک صالح قوللرندن کتفاقی پادشاه ایتدیلر
* امارت ملك العادل کتفاء المنصوری *

کتفاء شام ومصر و حرمین شریفینه پادشاه اولدیلر زمان دولته
دیار مصرده زیاده خط و غلا اولغله خطه نیک اردی بیك انقیه
چیمه قین کتفاء دخی قتلنه سبب مصر دن شامه کیدوب نیجه مدت
انده حکومت ایلدی اخر اون ایکی سنه و برماه امارتد نصکره التیوز طقسان
الئی تاریخنده فوت اولغین برینه حسام الدین لاجین پادشاه اولدی
* امارت المنصور حسام الدین سلطان لاجین المنصوری *

حسام الدین شجاعنده عظیم العدیل و کرم وسخا ره واجب التیجیل
پادشاه ایدی ایکی سنه امارتد نصکره سراینده صلوة عشایر قبلاکن
بدیخت قوللری شهید ایتدیکلر نده اتفاق امر ایله بوندن اقدام سلطنتدن
عزل اولوب کورکده اولان سلطان محمد بن قلاونی کتوروب بنه پادشاه
ایتدیلر اول زمان سلطان محمد اون درت یاشنده ایدی هلاکو خان
اولادندن غازان بن منکو غزایله اگرچه جنسک ایتدیلر ولکن ضروری
منهزم اولغله سلطان محمد فرار و حجاجی استقبال ایدوب تکرار
کورکه کیرمکله انده اقامت ایتدیلر (دفعه ثانیه ده سلطنتی اون
سنه او او بیدیوز سکر تاریخنده بلوغه سلطنتدن فارغ
اولیحق برینه قلاون قوللرندن بیبرس چاشنکیر برینه پادشاه اولدی
* امارت سلطان الملك المظفر بیبرس چاشنکیر *

پیرس پادشاه اولد قلرندن برسنه صکره مصره واروب تخت نشین اولدی
استد کده سلطان محمد کورکن نجیقوب اشکزیله ابتدا دمشق خطیرایه
ور یحیی امرای شام سلطنتنه بیعت ایتدیلر بعده مصره وار یحیی اکابر
مصر دخی بیعت ایتدیلر اول زمان مصرک بکی ملک المعظم ایدیکه
اوقاف و املا کنندن یومیه بیک فلوری ایرادی و ایرادی سلطان محمد
اولک سیه بی حبس ایدوب آچلقدن هلاک ایلدی پس سلطان مصر
پیرس مومی الیه سلطان محمدک تکرار مصر و شامه پادشاه اولوب امرانک
بیعت ایتدکلرینی اشیدیچک خزینه ده کی نقودی الوب اسوان طرفنه
فرار ایتدکلرین سلطان محمد اشکرک و ندر و بیری کتورتد کده صکره
شام توابعندن دیار صهبونی توابعیله بوجه تقاعد بیرسه تملیک ایلدی
سلطان محمد اشبو دفعه ثالثه ده کی زمان امارتده اباس قلعه سننی
فتح ایلدی و دیار بکرده خراب اولان یزلی آبادان ایلدی اوچ دفعه ده
قرق درت یحیی سنه خلافتد نصکره یدییوز قرق برتار یخنده فوت
اولغین اون ایکی نفر اوغلاری محمد و ابراهیم و دیگر محمد و ابو بکر
و کوچک و اسمعیل و یوسف و شعبان و رمضان و صالح و حاجی حسن
و حسیندن ابو بکر نام اوغلی تحت خلافتنه جلوس ایلدی
* امارت سلطان ملک المنصور سلطان ابو بکر بن محمد *

سلطان ابو بکر پادشاه مصر و شام اولد یسه ده وزرا و امرا و فضا ایل
بینلری و حشمت و دهشت اوزره اولغین یا لکری ایکی ماه سلطنتد نصکره
یدییوز قرق ایکی سالته امارتدن عزل اولوب برینه برادری کوچک
پادشاه اولدی

* امارت الملك الاشرف السلطان کوچک بن محمد *

سلطان کوچک اگرچه حال صغیرده پادشاه اولدیلر فاما رای و تدبیرده
شایور ثانی اولد یقندن باشقه غایت عاقل و قنون متعده ده کامل
و فاضل ایسه ده صغیر اولد یقنه بناء الی ماه سلطنتد نصکره یدییوز
قرق ایکی سالته فوت اولیچ برینه برادری سلطان احمد پادشاه اولدی
* امارت الملك الناصر شهاب الدین سلطان احمد بن محمد *

سلطان احمد مصر و شامه پادشاه اولیچ بعض امرای قتل ایتدکلر
جله امرای کتدیدن روگردان اولغین ایکی ماه سلطنتد نصکره

فرار ایتد کده اتفاق امرایله طوتوب تاریخ مزبورده قتل ایتدکلرنده
برینه برادری اسمعیل پادشاه اولدی

* امارت الملك ابو الفداء عماد الدین سلطان اسمعیل بن محمد *

سلطان اسمعیل یدییوز قرق اوچ تار یخنده پادشاه مصر و شام اولدیلر
کرم و سخا ایلله خاتم ثانی اولد یقچون ابو الفداء ایله مکنی اولدیلر آخر
اوچ سنه و برماه سلطنتد نصکره یدییوز قرق الی تار یخنده فوت اولغین
برینه برادری شعبان پادشاه اولدی

* امارت سلطان الملك الكامل سلطان شعبان بن محمد *

سلطان شعبانک زمان دولته ده ذوالقدر اوغلی عصیان ایتدکلر اسیر
اولوب مصره کوندرلدی کافرین اسب سوار اولیه لر و زنان مسلمات
زنان کافرا تندن تفریق اولد یقچون موزه سفید و سیاه ایله معلم اوله لر دیو
محکم یساق ایدوب بوه جهله ایکی سنه سلطنتد نصکره یدییوز قرق
سکر سالته حبس اولوب برینه برادری حاجی تخت نشین اولدی
* امارت ملک المظفر حاجی بن محمد *

سلطان حاجی اگرچه پادشاه اولدیلر فاما الهو و لعب و طریقه مائل
وامور سلطنتدن بیخبر اولد یقندن باشقه کبوتر باز اولدله امرایا اتفاق
کبوترلری ذبح ایتد کارینه سبب امرانک بعضیلرینی قتل ایتد یحیی
اوزرینه هجوم ایدوب جنک و حرب ایله یدییوز قرق سکر سالته قتل
ایتد کلرنده برینه برادری سلطان حسن پادشاه اولدی
* امارت الملك الناصر سلطان حسن بن محمد *

سلطان حسن حسن الذات سعید الحركات كثير الحسنات پادشاه سامی
درجات اولوب عدل و انصافده باباسی شهید سعید سلطان محمد مائل
ایندی مبالغه دن کایه در فرضا زمان عدالتده کرک ایله کوسفند قان
یلا شوب فرنداش ایدیلر زمان عدالتده دیار مصرده طاعون اولوب
قاهرة المعزیه ده و اطرافنده یهر بوم اوتوز بیک کیسه فوت اولوردی
حتی خلیق ساکن اولد یغی محله نک اسمیله کندی و باباسی اسمنی و کیمسه
منسوب ایدیکنی کاغره یازوب باشنده کتورور ایدیکه اکا باقیلوب قوم
و تملقاتنه خبر ویریلوردی بوه قوله طاعون زمان اسلامیه ده الی دفعه
واقع اولدی درلر سلطان حسن کج ای اولوب برسنه سلطنتد نصکره

یدیوز قرق طغوز سالنده عزل اولدقده کور که و ندر یلوب

برینه برادری صالح پادشاه اولدی

* امارت الملك الصالح بن محمد *

سلطان صالحك حكومتته پيغت اولندي سنده برادری سلطان حسن کور کدن چاقوب بنه پادشاه اولدی اما سلطان حسن معند و متکبر اولغله فرد واحد پایه سر برینه عرض حال ایده مردی (بنابرین کندیدن جله رنجیده خاطر اولغله بودقه دخی حکومتن عزل اولوب یدیوز التمش ایکی سالنده قتل اولغنین برینه برادرزاده سی محمدی پادشاه ایدیلر * امارت ملك المنصور سلطان محمد بن حاجی *

سلطان محمد پادشاه اولیچق امرای نادره داتک بعضیلرینی قتل ایتکله ایکی سنه اوج ماه سلطنته نصکره اوزرینه هجوم اولوب یدیوز التمش درت سالنده قتل اولغنین برینه عزاده سی شعبان پادشاه اولدی

* امارت الملك الاشرف سلطان علی بن شعبان *

سلطان شعبانك زمان دولته قلعه حلب الشهباء ذوالقدر لردن و قلعه اسکندریه طائفة افرنجدن التمدی سلطان شعبان غایت حلیم الذات و مائل حسنات محیی علما جوان ایدده زیاده مملکت ایدی آخر اون درت سنه و ایکی ماه سلطنته نصکره یدیوز التمش سکر سالنده قتل اولدقده برینه اوغلی علی سر بر دواته جلوس ایلدی

* امارت الملك الاشرف سلطان علی بن شعبان *

سلطان علی ملوک ترکیه نك خانم سیدر پادشاه اولدق لرنده سکر یاشینده دون البلوغ جوان ایدیلر بش سنه سلطنته نصکره یدیوز سکسان اوج تار یچینده فوت اولغله برینه اقرب اقربا سندن حاجی بن شعبان پادشاه اولدی

* امارت الملك الصالح حاجی بن شعبان *

سلطنت ترکیه اشو حاجی بن شعبان بن حسینده منقرض اولوب سلسله لری بونده غایت بولدی زمان دولته امراء دیوان ترکیه زیاده مضطرب الحال اولوب امارتندن بر یچق سنه کذرا یدیچک یدیوز سکسان درت سالنده عزل اولدقده نصکره دولت و سلطنت ملوک چرا کسیده انتقال ایتکین فیما بعد ملوک چرا کسه نك تحریر برینه مباشرت اولنور

* در بیان ملوک چرا کسه *

اصح روایت اوزره سلطنت مصر و شام آل ابوبدنصکره فرقه عیدیندن تحریریه کروهنه انتقال ایتدیکه انلر روم قول اولوب آل ابوبدن سلطان نجم الدین انلری اشترایتمکله آل ابوبدنصکره ملوک ترکیه ایله مشهور اولان سلاطین بوفرقه دندر و بونلر دنصکره یکرمی درت نفر ملوک چرا کسه یدیوز سکسان درت سنه سی رمضانک اون یدیچی کونی سر بر دواته جلوس ایتلریله بروجه آتی ذکر اولنور

* امارت الملك الظاهر سلطان برقوق *

سلطان برقوق شرع شریفی راعی عادل و کریم و منحنی و حلیم اولدیندن باشقه بر منطوق حدیث شریف صاحب مائه اولان سلاطیندن زریا ثمانیه باشند سر بر دواته ایدی زمان سلطنتده تیمورخان کرکاتی خراسانن خروج ایدوب ابتدا والی اقلیم عراق اولان احمد بن ادريسك ممانکده مستولی اولدی و ملاطیه و حلب بکری سلطان برقوق ایله جنک و سلطان برقوقی منهرم ایتلریله سلطان برقوق دخی یدیوز طقسان بتار یچنده امارتدن غائب اولوب کور کده اقامت ایلدی و ملوک ترکیه دن اولوب سلطان برقوقدن مقدم سلطنتدن معزول اولان حاجی بن شعبان خروج و تکرار پادشاه اولوب اون ماه سلطنته نصکره امرادن انتقام المی قصدنده اولغنین یدیوز طقسان ایکی سالنده سلطان برقوق ظهور ایدوب تکرار مصره پادشاه اولیچق سلطان حاجی بن شعبانك حبس ایلدیکي امرای کلیا ازاد ایلدی فقط ملاطیه بکنه امان و برمیوب قتل ایلدی و زمان دولته تیمورخان عراقدن دشت قبیجاغه واروب یدیوز طقسان یدی سالنده طغتمش نام خانی قاچردی و سنه مز بوره ده سلطان برقوق ناچی آزر پایچنده جنک ایله تیمور خانك اوغلی منهرم ایتدی سلطان برقوق دفعه ثانیه ده امارتی طغوز یچق سنه و دفعه اولاده یدی سالک مجموع مدت امارتی اون التی یچق سنه اولوب آخر سکر بوز بر تار یچنده فوت اولغنین برینه اوغلی قرخ پادشاه اولدی

* امارت الملك الناصر سلطان فرخ بن برقوق *

سلطان فرخك زمان دولته شهر یار روم و یونان اولان آل عثماندن

مرحوم و مغر نشان سلطان غازي يلدريم ياريدخان سكر بوز ايكي
 تاريخنده لشكر ايله كلوب ملك عربدن ملاطيه والبستان قتح ايلدي
 وسنه من بوره ده حرم شريفده احراق اولغين اهل مكه به خيلي
 خسارات و ضرر اولدي و سكر بوز اوج تاريخنده تيمورخان محروسه
 سيواسي ضرب دسئله قتح ايدوب خراب و ويران ايتدك نصكره كلوب
 حلب الشهباني نجي جيراوقهر افق ايلدي بعد ذلك سلطان فرخ رعايا
 و براياني بلا سبب تعريم اتمكين امر ايلانده قته ظاهر اولوب سلطان
 فرخه قصدرلي مقرر اولدي او ائاده يلدريم خاك تيمور ايله محاربه لريك
 خبري كلچيك سلطان فرخ اتق بهانه ايدوب اتق سنه و اون ماه
 سلطنته نصكره بحضور ايندن تختين ايتوب سكر بوز سكر
 تاريخنده نهان و پنهان اولدقده برينه برادري عبدالعزير پادشاه اولدي

*** امارت الملك المنصور سلطان عبدالعزير بن برقوق ***

سلطان عبدالعزير پادشاه اولدقارنده دون البوغ جوان اولغله
 برادري سلطان فرخدين زياده ارکان دولته وناسه اضطرار و يزدی
 برمدت نصكره سلطان فرخ ظهور ايدوب برادري عبدالعزير
 اسكندريه ده جسد نصكره برينه سر بر دولته جلوس ايلدي واندين
 نائب شام اولان نوروز حافظي قتل همچون ديار شامه عزيمت ورزم
 و جنگد نصكره سكر بوز اون بش سالنده محاربه ده قتل اولدقده
 برينه امرادن ابوالفضل عباس تختشين اولدي سلطان عبدالعزيرك
 ايكي دفعه ده مدت امارتي اون اوج ماهدز

*** امارت ابوالفضل سلطان عباس ***

سلطان عباس پادشاه مصر اولديسه ده برماه امارت نصكره اتفق
 امراء ايله تختين ايتدوب يلوب برينه سلطان برقوق قوللرندن ملك مؤيد
 پادشاه اولدي

*** امارت الملك المؤيد الظاهري ***

ملك مؤيد ميانه امراء چرا كسه ده كرم و سخا و فنون سلحشور يده
 عديم المثال بر جوان كريم الخصال ايدى قاهره المعز يده كي يوبد نام
 جامع شريف بونلرك اثيردراخر يدي مسنه ويدي ماه امارت ايدوب
 سكر بوز يكرمي درت تاريخنده فوت اولغين برينه مدير مملكت طاهر

تختشين اولدي

*** امارت الملك الظاهر ابو القحح سلطان ططر ***

سلطان ططر سلطان برقوق قوللرندن اولوب استحقاقى ذاتيه سئله پادشاه
 مصر و شام اولديسه ده من القديم مبتلا اولديغي مرضي مشته اولمه همان
 اوج ماه سلطنت ايدوب فوت اولدقده برينه او علي محمد پادشاه اولدي

*** امارت الملك الصالح سلطان محمد بن ططر ***

سلطان محمد دون البوغ جوان ائكن پادشاه اولدقده امرادن جاني
 يك ضوئي نام كيمسه في تدبير مما كنه تعيين ايتدولر اما امير بار سنساي
 ايله جاني بلكه ميسانه لري اويغونستر اولغله اكتر مرا امير بار سنساي
 سمته مائل ايتدولر آخر جاني بن گرفتار اولوب اسكندريه قلعه سنده
 حبس اولدقده تدبير ملك امير بار سنساي سدرش اولدقده بعد ما
 معاونت اركان دولت ايله بار سنساي پادشاه اولدي سلطان محمدك
 مدت امارتي جزيت درت

*** امارت الملك العزيز سلطان بار سنساي ***

سلطان بار سنساي ملوك چرا كنه لك مال و مال ايله مهور و منقهر لوندن
 قاهره المعز يه ده كي مدرسه اشرفيه بونلركدر جزيره قرائنه ده
 دره امد ايله جزيره قبريسي بونلر قتح ايتدولر آخر اون اتق سنه امارتدن
 نصكره سكر بوز قرق بونلر تختينه فوت اولدقده برينه او علي سلطان
 بونلر تختين اولدي

*** امارت الملك العزيز بن الدين سلطان يوسف بن سنساي ***

سلطان يوسف پادشاه مصر و شام و حجاز و حرمين اولديسه ده درت
 ماه امارت ايدوب سكر بوز قرق ايكي سالده عز اولمين برينه امير
 جقمق پادشاه اولدي

*** امارت الملك الظاهر سلطان جقمق ***

سلطان جقمق پادشاه مصر و شام اولدقده اكار ديوتنه استحقاق
 ذاتيه سئله كوزه نصبت و برديلر سلطان مشار اليه فصيح السار
 و بلغ امير اولوب عمرو اوقاي خبرته صرفه اون بش سنه پادشاهلقد
 صكره سكر بوز الى الى سالده فوت اولدي برينه او علي سلطان
 محمد پادشاه اولدي

* امارت الملك المنصور سلطان عثمان بن جقمق *

سلطان عثمان تدبیر ممالکی امرای نادره داندن ابتال الظاهری به
اجاله ایتدیسه ده بین الامراء فتنه و فساد هویدا اولغله ایکی ماه سلطنتدن
صکریه عزل اولوب اسکندریه قلعه سنده حبس اولمغین برینه
ماراند کرا ابتال الظاهری پادشاه اولدی

* امارت الملك الاشرف سلطان ابتال الظاهری *

سلطان ابتال الظاهری پادشاه اولدقلری اوانده سلاطین آل عثماندن
سلطان محمد بن سلطان مراد خان حضرت نوری دیار و مدین مجمع
البحرینده واقع بلده مبارکه قسطنطنیه بی حیرا و قهرافصح ایدوب
قبضه تصرفلریسه الدیلر سلطان ابتال سلطان برقوق قوللردن
اولوب غایتده ظالم و جوار اولدیغند نماعدا محبت دنیویه مقتضاسی
انواع بدایع اختراعیله سکر سنه و ایکی ماه سلطنت ایدیچک اتفاق
آرا ایله عزل اولوب برینه اوغلی سلطان احمد پادشاه اولدی

* امارت الملك المؤید ابو العزیز سلطان احمد بن ابتای *

سلطان احمد پادشاه اولدیغی کون والدی سلطان ابتال وفات ایتدیله
زمان دولتده سلطان برقوق قوللردن خوشقدم الظاهری مدبر
ممالک ایتدیسه میناه امراده وقوع عیاقده اولان فتنه و فساد رفعه چاره
بولامیچق اول سنه عزل اولوب برینه مارالینان خوشقدم پادشاه اولدی
* امارت الملك الظاهر سلطان خوشقدم *

سلطان خوشقدم غایت عاقل و دانا و اناام جهان ایله معاشرت
وزند کانه سی بیثل و بیهمتا امارت و دولته لایق و سزا پادشاه ایدی
اللی یحقی سنه بلاتزاع سلطنت ایدوب سکر یوز یمش برساننده فوت
اولدقده برینه مدبر ممالکی سلطان بلای پادشاه مصر و شام اولدی
* امارت الملك الظاهر سلطان بلای *

سلطان بلای پادشاه اولیچق شیرازه نظام و انتظامی یوزه غین ایکی ماه
سلطنته نصکریه اسکندریه ده حبس اولوب برینه امرادن تیمور
بوغا پادشاه اولدی

* امارت الملك الظاهر سلطان تیمور بوغا *

سلطان تیمور بوغا امارت و سلطنته قطعاً لیاقتی یوغیغدی مری پر

دولته الی بش کون بکام اولدقده نصکریه عزل اولوب اسکندریه ده
حبس اولمغین برینه امرادن حیره بک تخت نشین اولدی

* امارت الملك سلطان حیره بک *

سلطان حیره بک سرور دنیا کا حلام التتم مدلولیجه برکون و برکیجه
امارتد نصکریه اتفاق آرا ایله اسکندریه ده حبس اولوب برینه امرادن
قایمبای پادشاه اولدی

* امارت الملك الاشرف سلطان قایتبای *

سلطان قایتبای سلطان جقمق قوللردن اولوب چرا کسه ده عدل
اوزده حکومت بونده ختم اولندی شویله که رأی و تدبیرده غایتده عاقل
و دانا شهریار کامل ایدی زمان سلطنتده حج ایدوب شام و مصرده
خیزات کیشریه موفق اولدیله زمان دولتده آل عثماندن سلطان محمد خان
حضرت نوری صحرای تربانده اوزون حسن نام پادشاه ایله محاربه ایتدیکن
آخرا اوزون حسن مہرم اولدی پس سلطان قایتبای طقوز سنه سلطنت
ایدوب طقوز یوز ایکی سالنده فوت اولمغین برینه اوغلی محمد پادشاه اولدی

* امارت الملك الناصر سلطان محمد بن قایتبای *

سلطان محمد پادشاه مصر و شام و حجاز و حرمین اولدقلرنده تاره جوان
اولغله امراسنه اضطراب دوشوب مایینلری هرج و مرج اولمغین
آخیر بر سنه و طقوز ماه سلطنتدن صکریه امر اتفاقیه عزل اولوب
برینه سلطان قانصو پادشاه اولدی

* امارت الملك الظاهر سلطان قانصو *

سلطان قانصو پادشاه مصر و شام اولدیسه ده ایکی سنه سلطنتد نصکریه
طقوز یوز بش تاریخده عزل اولمغین برینه جانبولاد سیریر دولته
نشین اولدی

* امارت سلطان جانبولاد *

سلطان جانبولاد طقوز یوز الی سالنده پادشاه اولدقده امور امارت مختل
ایدی همان درت ماه امارتد نصکریه عزل اولمغله برینه امرادن طومانبای
پادشاه اولدی

* امارت سلطان طومانبای *

سلطان طومانبای ظلم و بدعته آغرا ایتکله امراروش و اطوارنه طاقت

کتوره مد کلرندن قتل ایدوب برینه قانصو الغوری بی پادشاه ایدیلر
* امارت سلطان قانصو الغوری *

ملوک چرا کسه نك سلطان ایشو سلطان قانصو غوری ده انجام بولوب
منقرس اولدی سلطان قانصو زباده ظالم و متکبر و خود بین اولدی یقندن
مصرده بناییدیکي جامع نامی بایلو رکن طایفه ایله مسیحی قیلن بیدی
طقوز یوز اتی سالنده پادشاه اولمشلر ایدی بخار طایفه سنک مال و مثاله
طمع ایدوب ال اوزانغیه پای و کدا کند و به بدعا ایدر زدی آخر کزیده
آل عثمان صناخقران عصر و او ان جنمکان سعید شهید سلطان مسلم
خان بن یازید خان طقوز یوز یکریمی ایکی تار یخنده داود پیغمبر
علیه السلام صحرایند بخاریه ایدوب قانصو غوری اولخاریه دم قتل
اولندی درت کوند نصیره لاشه سی آرامگاهده بولوب بامر پادشاهی
محروسه حلبده آق بولده واقع قاپره دفن اولندی مدت امارتی
اون بش سنه و طقوز ماهدر دولت ترکیه نك مدت سلطنتلری یوز
او تون سنکز سنه اولدیغی کی ملوک چرا کسه دولت کدخی مدت امارتلی
یوز او تون درت سنه در (دولت ال ابویه نکدخی مدت امارتلی بتمش
طقوز سال ایدی) بو تقدیرجه بواج کرو و او حیزو اللی برسنه سلطنت
ایتمش اولور (پس طقوز یوز یکریمی سالندنبرو دولت مصر و شام
و خد مت حرمین شریفین سلاطین آل عثمان ایدهم الله الملک المنان
حضر انک نصیر فلرینه داخل اولد بلر فیما بعد ملوک جنکیر یانک
نحر برینه مباشرت اولور

* در بیان ملوک جنکیر یان *

اصح اقوال اوزره ملوک جنکیر یانک اولی اولان جنکیر خان ترکستاندن
خروج ایدوب اولادینک انقراضلری تار یخنده کلنجه اقلیم خراسان
واقلیم عراقین و اقلیم آذربایجان و اقلیم خوارزمستان و اقلیم فارس
واقلیم دیاربکر و اقلیم روم و یونانی قبضه نصیر فلرینه بکوردیلر (پس
جنکیر خان ابتدا ممالک خوارزمه هجوم ایدوب قتل عام ایلدی شوبله که
طعمه شیخ عدوانی اولان انسانک بدلی طلب اولنسه بیک سنه توالد
و تناسل واقع اولوب اول مدته وجوده کلان انسانک ذکور و انثندن
را حده آفت و موت ایرشمسه قتل عامده تلف اولان انسانک عشر

عاشری اولان امر بخیدر اول دیار جنت آسائه و ایکن اولدی جانیه
قطر اوز یخشمندن بری قالموب خراب و وران ارشدیر حتی اولد مانده
بغدادده قراب و دجله دن بیک نهر جریان ایدردی الخباله هذه
نهر دجله در آریش اون نهر حای اولوب طنوز یوز طقسان نهر
نام و نشانی یوقدر محکیمد که جنکیر خان بشوز طقوز تار یخنده
دیاز ترکستانده طوغوب اوج یاشننه وار ییحق والدی بدو خط بهادر
مردا وادی برادرلندن تیمور چینه به اعتبار ایتمه کلرندن پریشندن
وسر کردن اولمشیدی یکریمی بش یاشننه وارد قیده تیمور چینه به عنایت
باری باری اولوب بشوز طقه مان طقوز سالنده دیار ترکستانده والدی
جنکیر خان برینه پادشاه اولدی جنکیر خان لغت ایفولده اولور
پادشاهلر یان بایه ییکندر

* امارت جنکیر خان بن پیسوکاه خان بها در *

جنکیر خان پادشاه اولیحق ایتمه واروب خطا و ختنی خیرا و فخر اضبط
ایلدی بعده التیوز اون درت تار یخنده بخارایه الغار ایدیک بخاراخانی
هیئت جنکیر یانک فرایتمکین جنکیر خان شهر بخارایه احرار ایدوب
توابع و لواحقیه ضبط ایلدی بعده سمرقند و دیار خوارزمه هجوم
ایدیک سمرقند و خوارزم پادشاهلری دخی فرازا ایدیلر خوارزم
پادشاهنک یکریمی بش نفر نامدار امراسنی اسیر و بعضیسنی قتل ایلدی
آخر یکریمی بش سنه امارت نصیره التیوز اون بدی سالنده مردا و یغین
برینه اوغلی و ولی عهدی اوکای خان پادشاه اولدی

* امارت اوکای خان بن جنکیر خان *

اوکای خان پادشاه اولیحق ماوراءالنهر و سمرقند و بخارا و اول
اطرافده اولان ممالکی اوغلی خطای خانه و دست قیچاق و قیر و لایله
دیگر اوغلی جوجی خانه بغویض ایلدی جوجی خان فوت اولد قده
اوغلی مانجوی خان ممالکته مستولی اولدی بعض تواریخنده
مسطوردر که جنکیر خان التیوز اون بدی سالنده ظهور ایدوب ابتدا
الغارایله واروب ممالک ترکستانی نهب و غارت ایلدی و اندن الغارایله
واروب سمرقند و بخارایه بعد الا حراق ضبط ایلدی و اندن نهر
جیحوی کجوب مدینه الطائف و دیار سند و کرمان و خراسان و مرو

و نیشابور و هرات و طوس و جاجرم و جوین و بیهق و خراسان و سرخس
و زاده و دست قیاق و روس و بلغار و مغرب و بربریه و لایتنی باطول
و الارض شرقا و غربا زیر کینه الدی و اندن دیار شرقه کبدوب شمال
و شرق جانلرند کی ممالکی ضبط ایتد کد نصره بش سنه قید حیاته
اولدی آخر عقوبت هوادن بیمار اولیجی یدی نفر اوغلر بی چاغردوب
جمله شک بزرگتری اوکنای ولی عهد ایلدی و اون بیک مقداری اولاد
و عیال و خواتین و قبائل و عشاری اوکنایه احمد ریوب امرندن نچسوز
ایتمه لر دیو امر ایتدی بعده ارکان دولت و سپاه و رعیت اوکنای خان
امرینه رام و جنکیز خانک وضع ایتدی کی رسم و آیین اجرا سیمون
اوکنایه ویزیلان منشورک مضمونه قیام کوستر دیلرومن بعد ترک ایتمه کی
عهد ایتدی لر (بنابرین طائفه مغول اولدقاری ولایتلرده جنکیز خانک
قاعده سنه کماکان رعایت ایدر لر پس اوکنای اوتوز درت سنه پادشاهلیق
ایدوب فوت اولدقده برینه هلا کوخان پادشاه اولدی

* امارت هلا کوخان بن قوی خان بن جنکیز خان *

هلا کوخان پادشاه اولدقده فتوح دیار ایدر رک التیوز لای الی سالنده
بغداد کلوب بالاده ذکر اواندی بی اوزره خلفه عباسیه ذلت المصلح
بالله عبد الله خلیفه نک اوغانی شهید ایلدی مقداری شهرتده قتل
عام ایتدی کی بغدادده دخی قون قتل عام ایدوب اصح روایت
اوزره ری و بغدادده تخمینا بشوز یکدن زیاده اهل ایمانی شهید ایلدی
(بنابرین آل سلجوق و طغرلر بن ترک ایدوب کیمی رومه و کیمی اقطار
و کافه تفرقه اولدی لر هلا کوخان بونجه اهل ایمانی شهید ایدوب بعد
از حکم خلیفه مستعصم عراق زمینه مستولی اولوب شام و مصره عزیمته
حاضر ایکن التیوز التمش اوج سالنده مرد اولیجی برینه فرزند بزرگتری
ایقاخان پادشاه اولدی هلا کوخانک مدت سلطنتی نکر می بر سنه در

* امارت ایقاخان بن هلا کوخان *

ایقاخان پادشاه اولیجی باباشی هلا کوخان و صبی اوزره شام و مصره
عزیمته حاضر لور سکن التیوز سکسان سالنده برادری منکو خانی
جوند قراوان یله دیار شام و حلبه کوندوب ظاهر شهر حصده اسکر
اسلام ایله جنک ایتدی سده لسكرتار منهرم و منکو خان مجروح اولدی

آخر ایقاخان و نیدی سنه امارت ایدوب مرد اولیجی برینه برادری
احمد خان پادشاه اولدی

* امارت احمد خان بن هلا کوخان *

احمد بن هلا کوخانک عالم جاهلیته نامی نکندار ایدی پادشاه اولوب
دین هدایت قرینه کلد کده سلطان مصر و شام اولان قلا رونه نامه
کوندردی و مغول و تاتار لشکرینه دخی البته اسلامی قبول ایدک یوازام
ایتد کده لشکر ملا عین اسلامی قیل ایتوب احمد خانی شهید ایتلر یله برینه
قرنداشی ارغونه پادشاه اولدی احمد خانک مدت امارتی بر سنه په فرییدر
* امارت ارغون خان بن ایقاخان *

سلطان ارغون التیوز سکسان یکیده پادشاه اولیجی موصله سوق
صبغان دلای سعد الدوله نام یهودی بی بغداد کتوروب وزیر ایلدی
و حوزة نصر فنده کی مغول و تاتار علی وفقی ارام اجرای احکام ایدوب
اوغلری غازان و ضراینده په خراسان و پارسنی تفویض ایلدی آخر
سکر سنه امارت ایدوب التیوز طقسان سنه سنه میردا و لغین برینه
برادری کیتخو خان نخته نشین اولدی

* امارت کیتخو خان بن ایقاخان *

کیتخو خان پادشاه اولیجی در حال مغول و تاتار لشکر بی نهب و غارت
ایچون اطراف واقطباره کوندردی و بو طریق ایله درت سنه امارت
ایدوب التیوز طقسان درت تار یخنده فوت اولدقده برینه همزاده سی
بید و خان پادشاه اولدی

* امارت بید و خان بن ترغال بن هلا کوخان *

بید و خان التی ماه امارت نصره سنه مزبوره مغول و تاتار لشکر
النس قتل اولوب برینه غازان ارغون پادشاه اولدی

* امارت غازان خان بن ارغون بن ایقاخان *

غازان خان ملوک ترکیه دن ملک التی صر سلطان محمد بن قلاون ایله
معاصر اولوب میانه لری ناحوش اولغله اولالتیوز طقسان طقوز سالنده
مجار به ایتدی لر بعده بیدیوز ایکی تار یخنده په مجار به ایتدی لر آخر
غازانک مبتلا اولدی بی مرضی کالنده مشند اولوب بیدی سنه امارتدن
صکره مرد اولغین برینه اوغلی محمد خدابنده پادشاه اولدی

* امارت محمد خدا بنده ابن ارغون *

سلطان محمد شرف اسلام ایله مشرف اولوب سرحد و ته چارس ایندکده سلطان قلاون قوللارندن قره صفور تانک قلاونه عصبان ایدوب بغداده هلاکوخانه وارمشیدی برکون قره صفور جناب سلطان محمد شام و شامانی وصف ایندکده سلطان محمد دخی لشکر ایله یدینوز اون ایکیده شام و شاماته کیدرکن رجه الشامی نام قلعه بی محاصره ایتمشیدی اوراده قوت اولغین یزینده اوغلی ابوسعید پاشاه اولدی *

* امارت ابوسعید بن محمد خدا بنده *
ابوسعید یکر می سنه امارتد فصره یدینوز اوئوز انکی سالنده وفات ایتمکده امارت ملوک جنکیزیه ابوسعیدده منقرض اولمین فیما بعد ملوک تیموریانه شروع اولور

* در بیان ملوک تیموریان *

اصح اقواله اوزده ملوک تیموریان کرکاتی یله مشهوردر و فرقه کرکاتانک اولی تیمورلک بن محمد خان بن طور نمای ابن ایلامکین بن اسحاق خان بن قره خان بن - و غاقل بن بلاش شیر بن قولای خان بن اوشه بن قیسی و خان بن دوم ابک بن اوقاخان بن باقر خان بن چاتون خان که ملوک ترکاندن آق قویونلک جدیدر ابن جاوید و خان بن سلطوز خان بن قوجان خان سلسله یله کورک خان بن اغوز خان چقار و اغوز خان جدا اعلانی سلاطین آل عثمان ایدهم الله الملك الماندر بوقتدیر جدا اغوز خان بجایه ملوک تاتار و اترک جدا اعلانی اولور و اغوز خان دور فریدونده عالم وجوده کلوب اول عصرده تاتارک پادشاهی اولغله فریدون الله اخروی برادر ایدیلر و اغوز خان اون یکی نفر اوغاری و اریدی فریدون شاه اغوز خانده رعایه اون یکی نفر اوغاسک هر برینی بر دیاره مهتر ایلدی و اغوز خان نسبی حضرت نوحه جقه سار و آق قیونلی و قره قیونلی پادشاهلرینک سلسله سی دخی اغوز خانده چقار انشاء الله تمه حکایات زبده ایراد اولور (پس ملوک تیموریان یدنی نفر پادشاهاندر که بوجه آتی ذکر اولور

* امارت امیر تیمور خان کرکاتی بن طورغال *

تیمور خان ایله هم عصر اولان مولانا نجیب الدیندن مرویدن که تیمور خان

نیم رچیل و اعرج ایدی فاما روز کاری مساعد اولغله جله ملوک و سلاطینه تفوق ایتمشیدی سلاطین چرا کسه دن ملک الظاهر سلطان برقوق زماننده نهر فرات وراسنیده واقع قلعه جمعبر اوکنیده فرات صوبی اوزرینه خیمه و خرگاهنی قوروب لشکر جمعبرده ایکن برقوق وفاتی ویرینه اوغلی فرخک پادشاه اولدیغنی تیمور ایشیدیمک سکر یوز اوچده فرات اوزرندن حرکت و دیار شام و شاماته توجه و سنه مزبوره ربیع الاولنده محروسه حلبی محاصره و محاصره ایلدی اول زمان جلیله ملک الناصر سلطان فرخ بن برقوق طرفندن دمشق خضر او طرابلس و حما و صیدا نابلری تاتار لشکر یله جنگه آماده اولمشلر ایدی تیمور لشکر مغول و تاتار ایله حلبه هجوم ایشیدکده درون حصارده می مؤمنین اعلای اسوار و بالای ابراجدن تیروکان و سنک کران ایله مردانه جنگ ایدوب حلبک قاپورلنده کثرت واردحام اولغله طرفیندن وافر نفوس قید حیاتدن مایوس اولدیلر آخر تیمور جبر او قهررا حلب قلعه سنی فتح ایتمکین مغول و تاتار درون شهره طولدیلر (پس تیمور شهر حلبه کوروب ابتدا اهل قلعه یه ایمان و یردیلر صکره نقض عهد ایدوب اهل قلعه نک مال و منالار بن تاتار ایله نهب و غارت و بوجیه اهل ایمانی زار و گریان ایلدی و نواحی حلبه ضبط و ربط ایچون طرفندن نواب و حکام کوندرد کد نصکره علما و قضاتک احضارلینه امر ایتمکله بندخی جله فقها ایله حضور تیموره وارد یغزیده مستغرق بحر افکار اولدقلرندن حضورنده بر مقدار قیام اولندی بعدذا باشی قالدیروب بزی اوتورید قند نصکره مجلسنده قاضیه سگری اولان علماء متبحریندن عبدالجباره خطاب ایدوب باعبد الجبار بو حلب موالیسی فضیله مشهوردر سابقا سمرقند و بخارا علما ایله شمسیر طفر تأثیر ایله فیضه تسخیر کلن بممالکم فضلا سیندن صور دیغم مسئله پی بونلردن صور دیوچک مولانا عبدالجبار بزره متوجه اولوب پادشاهلرک سزیدن سؤالی بودر که چند روز مقدم مدینه حلب قیولنده طرفیندن قتل اولنلرک قنغیسی شهیددر دیو صور یچق معتمدکی علما و فقها باجمعه سکوت ایدوب بکاتوجه اولدقلرند باامداد الهی عبدالجباره شوکونا جواب و یردمکه برکون براعرابی حضور سعادته کلوب یارسول الله

* امارت محمد خدابنده ابن ارغون *

سلطان محمد شرف اسلام ایله مشرف اولوب سرردوانه جلاوس ایتدکده سلطان قلاون قوللارندن قره مغور نام بک قلاونه غصبان ایدوب بغداده هلاکوخانه وارمیشیدی برکون قره مغور بحساب سلطان محمد شام و شامانی وصف ایتدکده سلطان محمد دخی لشکر ایله یدبور اون ایکیده شام و شامانه کیدرکن رحبه الشامی نام قلعه بی محاصره ایتسیدی اوراده قوت اولغین یزیده اوغلی ابوسعید پاشاه اولدی

* امارت ابوسعید بن محمد خدابنده *

ابوسعید بکرمی سنه امارت نصیره یدیز اوونونکی سالیده وفات ایتدکده امارت ملوک جنکیریه ابوسعیده منقرض اولغین فیما بعد ملوک تیموریانه شروع اولتور

* دریان ملوک تیموریان *

اصح اقواله اوزره ملوک تیموریان کرکاتی یله مشهوردر و فرقه کرکاتیانک اولی تیمور بنک بن محمد خان بن طورغای بن ایلا سکی بن اسحاق خان بن قره خان بن - و غاخان بن بلاش شیر بن قولای خان بن اوشه بن قییدو خان بن دوم ابک بن لوقا خان بن باقر خان من چاتون خان بک ملوک ترکاندن آق قویونلیک جدیدر ابن جاویدو خان بن ستور خان بن قوچان خان سلسله یله کورک خان بن اغوز خان چقار و اغوز خان جداغلی سلاطین آل عثمان ایدهم الله الملك الماندر بوتقدیر جداغوز خان بجایه ملوک تاتار و تراکک جداغلی اولور و اغوز خان دور فریدونده عالم وجوده کلوب اول عصرده تاتارک پادشاهی اولغله فریدون الله خروی برادر ایدیلر و اغوز خانک اون ایکی نفر اوغلاری واریدی فریدون شاه اغوز خانده رعایه اون ایکی نفر اوغلانک هر یی بر دیاره مهتر ایلدی و اغوز خانک نسبی حضرت نوحه چقار و آق قیونلی و قره قیونلی پادشاهلرک سلسله سی دخی اغوز خان چقار انشاء الله عمه حکایات یزیده ایراد اولتور (پس ملوک تیموریان یدیز نفر پادشاهاندر که بوجه آق ذکرا اولتور

* امارت امیر تیمور خان کرکاتی بن طورغال *

تیمور خان ایله هم عصر اولان مولانا نجیب الدیندن مرویدن که تیمور خان

نیم رچیل و اعرج ایدی فاما روز کاری مساعد اولغله جله ملوک و سلاطینه تفوق ایتسیدی سلاطین چرا کسه دن ملک الظاهر سلطان برقوق زمانیده نهر فرات وراسنیده واقع قلعه جعبه اوکنده فرات صوبی اوزرینه حیمه و خرگاهنی قوروب اشکر جعبه ایتکن برقوق وفاتی ویرینه اوغلی فرخک پادشاه اولدیغنی تیمور اشدیچک سکر یوز اوچده فرات اوزندن حرکت و دیار شام و شامانه توجه و سنه مزبوره ربیع الاولنده محروسه حلبی محاصره و محاصره ایلدی اولزمان حلبیه ملک الناصر سلطان فرخ بن برقوق طرفندن دمشق خضر او طرابلس و حاصو صیدا نابلی تاتار اشکر یله جنه که آماده اولمشلر ایدی تیمور اشکر مغول و تاتار ایله حلبیه هجوم ایتدکده درون حصارده می مؤمنین اهلائی اسوار و بالای ابراجدن تیرو کان و سنک کران ایله مردانه جنک ایدوب حلبک قاپولنده کثرت واردحام اولغله طرفیندن وافر نفوس قید حیاتدن مایوس اولدیلر آخر تیمور جعبه او قهررا حلب قلعه سنی فتح ایتکین مغول و تاتار درون شهره طولدیلر (پس تیمور شهر حلبیه کوروب ابتدا اهل قلعه یه امان و یردیلر صکره نقض عهد ایدوب اهل قلعه نک مال و منالار بن تاتار ایله نهب و غارت و بویجه اهل ایمانی زار و گریان ایلدی و نواحی حلبیه ضبط و ربط ایچون طرفندن نواب و حکام کوندرد که نصیره علما و قضاتک احضارلینه امر ایتکله بندخی جله فقها ایله حضور تیموره وارد یغزیده مستغرق بحر افکار اولدیلرندن حضوریده بر مقدار قیام اولدی بعددا باشی قالدیروب بزی اوتوریدقد نصیره مجلسنده قاضیه سگری اولان علماء متبحریندن عبدالجباره خطاب ایدوب یا عید الجبار بو حلب موالبسی فضیله مشهوردر سابقا سمرقند و بخارا علما سیله شمشیر ظفر تأثیر ایله قبضه تسخیره کلن بمالکم فضلا سیندن صور دیغم مسئله بی بونلردن صورتیوچک مولانا عبدالجبار بزره متوجه اولوب پادشاهیزک سزیدن سوالی بودر که چند روز مقدم مدینه حلب قبولنده طرفیندن قتل اولنلرک قنغیسی شهیددر دیو صورتیوچک معتمدکی علما وفقه ایاجهم سکوت ایدوب بکانه توجه اولدیلرند با امداد الهی عبدالجباره شاکوئا جواب ویردیمکه برکون براعربی حضور سعادته کلوب پارسول الله

بر سر دشمنان اهل و عیال و مال و منالی اوستند اعداسیله جنك ایدوب
قتل اولسه و بریدخی ولی النعمی پادشاه اوغورینه جلادت و شجاعته
مفرور اولوب محاربه ده قتل اولسه بونلر شهید اولور لمی دید کده
رسول الله علیه السلام دخی فی سبیل الله قتال ایتش اولور و انلرک
ایکسیده شهید در دیوینور مشر (بو تقدیرجه کرک سزدن و کرک
اهل قلعه دن قتل اولنلرک شهادتده ریب و کان یوقدر دیو جواب
و یردیکمه تیمور زیاده نمون اولدی (اما عبد الجبار جوابی تسلیم
ایتماشیدی آخر جواب معقول ایله قاندرلدی (بعده تیمور بزه خطاب
ایدوب بن برنیم رجل ایکن بونجه بلاد و امصار و اقالم و دیاری فتح
ایتم و مالک بحمدن عراق و تاتار و هند و قندهار دن ابتدا ایدوب فتح
ایتمدی ممالکی تعداده باشلیق تیمور خانه دیدمکه جناب و اهب الامال
سعادتلو پادشاه عالمناه حضرتلرینه بوقدر ممالکک فتحی مبسر ایتش
بواحسن الهی به بدل حلبده کی زمره مؤمنین بوقدوات عظمی
شکرانه سنه خاکای پادشاهیدن عفو و مرخصه و قتلدن نجاته احسان
اومارل دیدیکمه تیمور خان دخی و الله العظیم کیسه بی عدا قتل ایتم
و بوباید کیسه به ظلم و فساد و رخصت و بر مردم سز کندی کندیکری
شهرک قبولنده قتل ایتدیکنر فیما بعد کندیکزه و مال و منالکزه امین
اولک دیدیلر اندنصره حضرت علی ایله معاویه و یرید حقه نه
دیر سکر دیو صور یحیی پادشاه دن علم الدین مالکی نام شخص انلرک
هر بری مجتهد لر در دیورد جواب ایتد کده تیمور حد تلنوب یرنده
اوتوره مز و طوره مز اولدی و کمال غضبه حق راست حضرت علیک
یدنده ایدیکنه شک و کان بوقدر و معاویه تا المدر شیر مجاهدینه صراحه
ظلم و حیف ایتدی و یرید فاسق و فاجر در دولت اسلامیه ده ابتدا علی
ملاء الناس شرب خرایدن یرید پلید و اول مرتد عنید ایکن نه دلالتله
مجتهدیندن اولور اما عجب دکلدر که سز حلب لرسکر و دمشق و یرید یانه
همجوار سکر امیر المؤمنین امام حسینی رضی الله عنه شهید ایدن
یریدیلر ایله اهل دمشق متفقد لر در دیوز یاده غضبتک اولدقده فقیر
جسارت ایدوب پادشاهها بودعا جیکر کچ فهم و بی ادراک اولغاله
بوقدر حق جوابه قادر اولدی بونا توانک سهو و نسیانی جریده سنه

قلم عفو کسیده تیمور لمق خاکای خسروانه دن مرچودر دیو انواع
تضرع و زاری ایلدیرک تیمور تیمور خانی تسکین ایتم (بعده خصوص
مزبوری پندن صور یحیی اسد الله الغالب علی بن ابی طالب رضی الله عنه
حضرتلرک حق یدنده ایدیکنه شهید بوقدر و معاویه خلعتا سلکینده
دکلدر (الخلافه بعدی ثلثون سنه) حدیث شریفی اوزره سنه ثلثین
تمامه حضرت امام حسن رضاده غایت و یابان بولدی ولات و حکامک
چورندن تقلید قضا جازدر خصوص صاحب صریح حضرت علی بن
ابی طالبه راجع ایکن اصحاب و تابعیندن نیجه اهل یقین معاویه دن
تقلید قضا ایلدر در دیو جواب صحیح ایله تیموری مسلمی قیلدبعده تیمور
جوابی یسند ایدیک مولانا عبد الجبار جناب تیمور بچون هذا رجل
عالم دیو و بولداشم قاضی شرف الدین ایچون دخی هذا رجل صحیح دیوب
ایکیزی دخی تیمور خانه مدح ایلدی اندنصره صلوته مغربی تیمور ایله
اد ایدوب خانه مره کشیدک تیمور اهل قلعه به امان و یرمشکن ایرته سی
کون نقض امان ایدوب اموال و اشیا لرینی جبرا و قهرا غارت و اهل
قلعه بی در زنجیر ایتد کده نصره او کیجه ملوک چغتای و تاتار ایله مجلس
خرقوروب امر او ملوک ساقیلر ایله شراب دورایتدردی ایرته سی کون
تکرار برزی بارگاهنه چاغردوب برزی تاتاردن کمنه به رنجیده و رمیده
ایتدرمه لر دیو امر اسنه اکید و شدید تنبیه ایلدی و دمشق خضرابه
واروب کلنجیه قدر بزه مدرسه سلطانیده برکوستروپ کندیمی چند
فر اولله دمشق عریمت ایلدی و اول سمتده محاربه و جندیان مصره غالب
اولدیغی اشیدلدی و قبور یرید و مروانی احراق بالنار ایلدی و اندن
کیور رجوع و جنول اوزرندن عزیمت ایتکین لشکر کوندروب حلب
قلعه سنک اطرافنده کی مساجد و مدارس هدم ایتدردی و اندن مقرر
سلطنتنه متوجه اولوب اول زمستانی قره باغده چیقاردی و سکر یوز
درت تار یخنده شاه روم سلطان یلدرم یار یرید خان ایله انقره و لابنده
واقع جیوق صحرا سنده محاربه و یلدرم خانی اله کتوردی آخر یلدرم خان
تیمورالنده ایکن رحمت رحانه رسیده اولدیغی ترجمه یلدرم خاندان ایراد
اولنور القصه شهر یار ایران و توران اولان تیمور خان ممالکینه شتابان
اولوب اول زمستانده مملکتده فوت اولیجی یرینه اوغلی میرزا مران شاه

والی اولدی مرویدر که تیمور و قه پلدرم خاند نصکره ممالک محروسه سنه
و اروب اول بهارده سفر چین ایچون ممالکدن یک منزل گذرو بر صحرا ده
قرار و امراء تاتار و اعیان چغتای ایله مجلس نجر ترتیب ایدوب عیش
و عشرته آغاز ایلدی مکر تیمور پرشرو شور عراقی زیاده ایچمکله لایعقل
اونوب سرنکون اولیچق اهل مجلس معالجه تدارکنده اولدیلر ایدیه ده
کار کر اولیوب بر ساعت یکمدین تیمور لیک مثل نهک چتلا یوب
مرد اولدقه اعیان و ارکان و بالجه لشکر عدوستان کیرو منز لر ریته
رجوع ایتدیلر

* امارت میرزا مرانشاه ابن تیمور لیک *

میرزا مرانشاه سرور ایران اولیچق باباسی تیمورک ظلم و عدوان ایله خراب
و ویران ایدیکي ممالکی احیا و آبادان و اهل بستانه دخی انواع لطف
و احسان ایلدوب فوت اولدقه برینه اوغلی سلطان محمد پادشاه اولدی
* امارت سلطان محمد بن میرزا مرانشاه *

سلطان محمد دخی طوائف تاتار و ترک و عجمه پادشاه اولدقه جذینک
و ویران ایتدیکي ممالکی احیا و عمارته بنذل مقدرت و صرف تقدیم غیرت
ایدوب بعد وفاته برینه اوغلی ابوسعید پادشاه عجم اولدی

* امارت سلطان ابوسعید بن محمد خان *

سلطان ابوسعید آل تیمورک کزیده جود و کرم و عدالتله مشهور و شهنیده
ملوکنددر خراسانده شهر هراتی تحت ایدینوب تیمور خان ظلمدن ویران
اولان یرلر اکثری علی وجه الامکان معمر و آبادان ایدوب بعد وفاته
برینه اوغلی میرزا سلطان پادشاه اولدی

* امارت میرزا سلطان بن ابوسعید *

میرزا سلطان پادشاه انام اولدقه خواص و عوام امرینه رام اولدیلر
بودخی باباسنک رنده جلیحه ممالکی آبادان ایتد کد نصکره فوت و لیچق
برینه اوغلی سلطان احمد پادشاه اولدی

* امارت سلطان احمد بن میرزا سلطان *

سلطان احمد پادشاه اولیچق خواص و عوام امرینه رام اولدیلر زما
دولتده سپاه و رعیت استراحت ایدوب ممالک دخی معمر و آبادان
اولدی بعد وفاته برینه اوغلی میرزا پادشاه اولدی

* امارت میرزا شاهروح بن سلطان احمد *

شاهروحک زمان دولتنده رعایا و پرایا رنجیده حال و مضطرب البسال
اولوب زمان خلیل سلطنتده نصکره فوت اولیچق برینه اوغلی سلطان
محمد پادشاه اولدی

* امارت سلطان محمد بن میرزا شاهروح *

سلطان محمد ملوک تیمور یانک آخری اولوب دولت و سلطنت بونده
منقرض اولدی اما دولت تیمور یانک ایتدا ظهور لر و مدت امارت لر
و وفات لرینک تاریخی نامعلوم اولغله بو مختصرده یازیله مدی فیه بعد
سلاطین ترکان تحریرینه مباشرت اولور

* در بیان سلاطین ترکان *

راویان اخبار بو وجهله اشعار ایدر لر که سلاطین ترکان آق قوئلار
من القدی ديار عجمه و شرقده کی ممالکه والی و حاکم اولوب نسب لر
ملوک سلفدن اوغوز خان نسلنه اولاشور و بونلر یکر می سکر نفر
پادشاهاندر که بروجه آتی ذکر اولور

* امارت ادریس یک بن اعطوفان بن ایدکان بن منکونخان *

بود و دمان عالیله دخی سلاطین آل عثمان ایدهم الله المملک المنان حضرت اقی
صکی ایران زمین و بعض ممالک اسلامیه به شاهان اولدیلر مجرد
پادشاهان آل عثمانک غزوات و جهاد لرینه شرح و بیان ایله شان
و بر مکیچون بونلر قلمه اندی (پس ادریس یکد نصکره امر وراثتله
اوغلی (ذیحی یک) نیچه زمان پادشاه عجم اولوب بعد وفاته اوغلی
(اقبای یک) سرور دار و دیار اولدی بعد وفاته اوغلی (طاغلو چار یک)
پادشاه عالم اولدی بعد وفاته اوغلی (اوقیای خان) تحت فریدون
رخنه جلوس ایلدی بعد وفاته اوغلی (قو خاق خان) سریر سعاده
یکدی بعد وفاته اوغلی (سلیمور شاه) پادشاه اولدی بعد وفاته دودمان
ترکانه دن چار و تلوار اوغلی (سلیمور خان) تحت جشید رخنه جلوس
ایلدی بعد وفاته اولاددن (قابندوخان) تحت دولت بکوب بعد وفاته
اوغلی (اورخان) پادشاه اولوب بعد وفاته اولاددن (قره چیک خان)
اورنک سعاده نین اولوب بعد وفاته اوغلی (دخانی یک خان) شهریار
اولوب بعد وفاته اوغلی (بافسل یک خان) پادشاه اولوب بعد وفاته

اوغلی (بصر بك خان) پادشاه اولوب بعد وفاته اوغلی (رداس بك) تخت فریدونه جلوس ایدوب بعد وفاته اوغلی (بهلوان بك) سرور ایران و خراسان اولوب بعد وفاته اوغلی (طورغان بك) سریر عالم مصره نشین اولوب بعد وفاته اوغلی (قره بك) داور کزین اولوب بعد وفاته اوغلی (اجه خان بك) پادشاه جمجاه اولوب بعد وفاته اوغلی (تیمور خان) شهریار اولوب بعد وفاته اولاد ملك محمد بن (ایلدر محمد بك) تخت جلوس ایدوب بعد وفاته اوغلی (عثمان بك) تخت نشین اولوب بعد وفاته اوغلی (یازید) پادشاه اولوب بعد وفاته اوغلی (مراد بك) پادشاه اولدی بعد وفاته اوغلی (خان اجه بك) شهریار اولدی بعد وفاته اوغلی (علی بك) سریر دولته بکوب ملك محمد اولدی و بوعلی بك سلطان محمد خان ایله صحرای تریجانه محاربه ایدن اوزون حسن بك نام پادشاهك باباسیدر علی بكك حکمند نصرکه امر سلطنت سلسله متوالیه ایله سکزیوز طوقسان اوج سالنده ینه علی بك اولادندن (اوزون حسن علی بکه) انتقیال ایلدی و سلطان ابوسعید دیار خراسانده تیمور ایله محاربه ایدوب منهزم اولدقده امر استدن حسن علی بك دیار همدانده قتل اولندی و اوزون حسن سکزیوز یمش طغوزده سلاطین آل عثمان المؤید بتأیید الله الملك المنان سلطان محمد بن سلطان مراد خان غازی حضرتلریله دیارارمنیه مضافتندن ترجان صحرا سنده محاربه ایدوب اخر اوزون حسن مقهور و منکسر اولدی و اول غم اندوه ایله تیریزه وار ییحق فوت اولغین برینه اوغلی (یعقوب بك) سکزیوز سکسیان ایکی تاریخنده بمالک محمد و دیارارمنیه و عراقینه پادشاه اولدقلرنده اون درت یاشنده بری مثال صاحب حسن و جمال بر جوان کریم الحصال ایدی انجق ارکان دولت و اعیان سلطنتی اکثر یا شعرا اولغله امارت و سلطنتك انقراضنه سبب مستقل اولدی پس یعقوب شاهك حکمند نصرکه فرقه سرخ کلاهانك اول پیشواسی اولان شاه اسمعیل اردبیلی خروج ایدوب دیار عجمه مستولی اولدی تتمه حکایاتی زیر کتایده ایراد اولتور قیامده سلاطین آل عثمان حضرت اشك منافق جلیلہ سی تحریر ینه مباشرت اولتور

* ابتداء ظهور کوکبه آل عثمان ادام الله دولتهم الی اخر الزمان *

مخفی و پوشیده اولیه که آل عثمانك جد اعلای قایی خان اسمیه مشهور اولغله قبیله سینه دخی قایی خان قبیله سی دینلور بعد وفاته اولادی قبیله سنك سرداری اولوب آل سلجوق ایله ماوراء النهر دن ابرانه کلد کلدلرنده ماهان نام شهرده متوطن اولور لر دی چنکیر خان ابرانه مستولی اولدقده بونلر اورادن دیار ارمنیه و اخلاطه کتدیلر ایستاده ظلم تاتاردن طوره میوب دیار روم دن ارزنجانه کلدیلر اول زمان قبیله مذ کوره نك سرداری سلیمان شاه ابن قایی خانکه آل عثمانك جد اعظمی عثمان غازی نك بیوک پدریدر بر قاج سینه ارزنجان حدودنده ساکن اولوب ینه دیار ینه کیدر کن حلب طرفنده جعفر قلعه سی یاننده نهر فراته غرق اولغله قلعه مذ کوره التند دفن اولندی (پس سلیمان شاهك درت نفر اولادندن ارطغرل غازی پدر ینه ک دیار ینه کتوب برای غزا پاسبان اواسنده قرار ایتد یسه ده عدم راحتندن اوغلی ساوچی بکی محل اقامت رجاسیه آل سلجوقدن (روم پادشاهی علاء الدین کیقباده کوندرد کده انقره قرینده قره جده داغ کوسر ملکین اورا ینه عزیمت اولندی او اوانده سلطان علاء الدین لشکر تاتار ایله چنک ایتکله غایب دن مایوس اولمشیدی ارطغرل غازی حصار تلمری سلطان علاء الدینك نفس اخیره ایمان کی امداد ینه یتشوب چنک و محاربه ایله لشکر تاتاری تارمار ایتد کلدنده انقره نواحیسی کوسر ملکین ارطغرل غازی بقیده عمر بنی غزایه صرفله طوقسان سنده دن زیاده معمر اولوب فوت اولدقده سکوت قصیده سینه دفن اولندی ارطغرل غازی نك اوج نفر اولادی عثمان بك و کوندز بك و ساوچی بکدن عثمان بك غازی شجاعتی مقتضای پدیری مسند ینه اوتوروب غزا و جهاد و عدل و داد ایله اورای آباد و شیخ اده بالی حضرتلرندن استمداد ایدردی بر کیجه عالم معناسنده سینه شیخ مشار الیه دن بر ماه چیقوب کندی کو بکلر ینه زول ایتد کده کو بکلر نیدن بردرخت عظیم ظهور ایدوب نهمالری جهانی طوبندی و ساینه درخت مر بورد و بر نیجه جبال حاصل اولدی که نیجه منتها اغاچلر و صور ظهور ایتد کین هر کس اول صودن نوش و چشمه بنا و بستانلری صوار دیلر پس عثمان غازی بیدار اولوب رؤیاك تعیری شیخ مشار الیه دن صور دقه

ای جان من و آن صید مرده باد که سن بکا داماد اوله جقسن و اولادک ایله
پادشاه و مالک تخت و تاج و کلاه اوله جقسن دیوب دختر پاکیزه لر بی
نکاح ایتدیلر و اندن اورخان غازی وجوده کلدی (بعد از آن) سلطان
علاءالدینک پدری کیخسرو اوزرینه فرقیکه قریب لشکره اول هجوم
ایدوب دیار رومک اکثر محلی ضبط سله سلجوقیه النده آذر قالمیشیدی
کیخسروک وفاتند نسکره سلطنت اوغلی سلطان علاءالدین کیقباده
انتقال ایتکله اولدخی خواه و ناخواه امرار وقت ایدوب التیوز اوتوز
القی تاریخنده وفات ایتدکده عثمان غازی حضر تری علاءالدینک
امر اسندن اولمغه سار امرات اعقلی درگاه عثمان غازی بی پناه ایتدیلر
ایدی اولدخی غزا وجهاده نیت ایدوب التیوز سکسان یدی سالنده
ایلاینه کول اوزرینه الغار و قوچله نام قلعهده هجوم و کفارینی هلاک
رقعه بی یغما ایتدکده نصرکه آتش اوردقده اینه کول و قرجه
حصار تکورلی برلشوب طومانج بلنده غزاه مسلمینی بکایدیلر عثمان
غازی دخی اولمغه واروب یونلرایله جنک ایلدی عثمان غازی کوجک
راندی ساوجی بک اولمغاره ده شهید اولمغه له سکوت قصیه سنده
پدری یانته دفن اولندی اخر عثمان غازی لشکر کفاری قیروپ قرجه
حصار تکورینک قنداشی قلاتور نام سر عسکری اله کتور مکله سار
کفار فرار ایتدیلر مسفور قلاتور حضور همایونه کتورلدکده انواع
عقوبات ایله قتل ایتدیلر ایدی اول صحرا ایتاشنی دیو مشهور اولدی
وساوجی بکک مشهده واقعه جام اغاجنه بر قاج دفعه نور ایتکله
اول جام اغاجی دخی قندللو جام نامیله مشهور اولدی پس عثمان غازی
قره ایدن کفاری تعقیبه اینه ککول قر بنده واقع قرجه حصاره
واردقده ضرب دستیه حصارینی التیوز سکسان بش تاریخنده
ضبط ایدوب اوراده برجامه شریف بنا ایتدکده نصرکه نام همایونه
خطبه اوقوتدیلر و بر درجه عدالت ایتدیلر که ازد جام ناسدن مضایقه
حاصل اولوب دشمن دینک خواب و راحت کیتدی سلطان علاءالدین
ثانی مغول ایله جنک ایدرکن عثمان غازی ک موفق اولدق لری فتوحاتندن
سلطان علاءالدین و طائفه مغول خبردار اولجی بویه دلاور ایله جنک
آور عسکر ایله سلطان علاءالدین امدادینه کلورسه حال مشکل

اولور دیو مغول طائفه سی پریشان اولمغین سلطان علاءالدین طائفه
مغوله ظفر یو اوب مرده لرینک خصیه لرندن سایان یادر مغله اولمغلت
اسمی قلان یازوسی دیو مشهور اولدی (پس عثمان غازی ک نصری
سلطان علاءالدین ثانی به باعث فتوح اولمغه التیوز سکسان سکر
تاریخنده عثمان غازی به بعد الدغاء سنجاق و کوس و غیر و خنجر و اسب
کوندروب اسکی شهری و این اوکئی توجیه ایلدیلر (بعد از آن) عثمان
غازینک بله جنک تکوریه دوستقلری اولدیفندن بهرسته بیلاغه
کیدرکن لزوم سزاشیاء ایله عمل مانده خواتینی بیلافسدن هودت
ایدنجیه قدر امانه بله جنک تکورینه برادر دی او ائشاده خرمن قیه
حاکمی کوسه میخالتک دوکونی اولمغه اطراف تکورلریله عثمان غازی
حضر تری دعوت ایتکین جمله واریلوب عثمان غازی اوراده بله جنک
تکورینه سارلردن زیاده التفات یوردیلر به دذک قرجه شهرینک
قتلی وقوعه کله کله عثمان غازی ک شجاعتی سار تکورلر کور دکلرند
تلف و اعدام ایتک داعیه سنه ذو شدیلر و لکن مقابله ایده میه
جکلرینی بیابو بردو کون ترتیب ایدلم و جمله تکورلرایله عثمان غازی بی
دعوت ایدلم دوکونه کلدیکی کئی قیدی کوره لم دیو اتفاق ایتدیلر و همان
یار حصار تکورینک قزینی بله جنک تکورینه عقد ایتدیلر و دوکونه
باشلیوب اطراف تکورلری دعوت ایتدیلر و عثمان غازی بی دخی دعوت
مارالذکر کوسه میخالتک کلوب عثمان غازی بی دعوت
ایتدکده کوسه میخالتک کلان مندن مشایه دسبدا کلا شمله حقیقت
مصلحتی بیان ایله یور ییحق کوسه میخالتک عاقبت اندیش اولدیفندن
عثمان غازی ک نه دولته واصل اولمغینی یلوردی بعد الاستغفار دامن
بوس ایدوب پادشاه حقیقت مصلحت شویله دراکر بو بنده لر دن
حقیقت مصلحتی صور میوب عزیمت یوریه جغنی بلیدم اوبدیخلرک
حیله لرندن سزای کاه ایدوب ایتدندن منع ایده جنک ایدم دیو جنک
عثمان غازی خوشدل اولدقده نصرکه کوسه میخاله یوردیلر که بله جنک
تکورینه بزدن عرض خطومس ایلدیمون اولدم جمیلری بزدن دعوت
ایتدیلر دخی کیده رز و هم بیلاغه کیدلرک و قیدلر سنین سابقه ده
اولدغی کئی اشیا و غنل مانده خاتونلری یته بله جنکه کوندره لم و کئندیمز

دخی دعوتلرینه واروب دوکوند نصکره اورادن طوغر بجه بیلاغه
 کیده لم سائر نکورلری جله دعوت ایتسونلر فامایله چکه صف شلر بجه بی
 واسجه چنزارده ایتسونلر تا که هر کس چادر نده استراحت ایلید
 دیو کوسه منجالی کوندردی اول دخی واروب بله جک تکورینه
 وسارینه عثمان غازینک کلایلیق نقر بر ایتد کده جله سی خصمه
 ظفر بولوق دیو بله جک قرینده چاقری بیکاری نام چنزاره چادرلر
 قوروب عثمان غازینک تشریفلرینه منتظر اولدیلر عثمان غازی ایسه
 قرق نفر فدایی دلاورلری قوجه قاری شکله قویوب لزوم سنر اشیاء
 ایله بله جکه کوندردی و بونلر تنبیه ایدوب بله جکه کپر دیکر آنده
 صویوب کشره بی تمامه قیردقد نصکره قلعه بی ضبط ایدوب چاقری
 بیکارینه کفار حوادی کلمکسین بریکر کلوب بکا خبر ویرک پیوردیلر
 و کندیلری دخی امراسیله چاقری بیکارینه عزیمت پیوردیلر و شویله
 تخمین ایله حرکت پیوردیلر که چاقری بیکارینه وارادقد اول قرق
 نفر دخی بله جکه وارملر (پس عثمان غازی مکمل عسکر بله چاقری
 بیکارینه وار بچق تکورلر استقبال ایتدیلر و لکن مکمل عسکر ایله
 تشریفلرندن حفظلیموب نیت فاسده لردن مایوس اولدیلر بواشاده
 کوندریلان قرق نفر غازیان بله جکه کی کفاری قیروب التیوز سکسان
 طقوز تار بچنده قلعه سنی فتح ایتدیلر بک خبری عثمان غازی به واصل
 اولغین فی الحال عسکرینی ایکی فرقه ایدوب بفرقه سی کندی ایله
 واروب بر محله اختفا ایدلر و بفرقه سی دخی کفار ایله جنک ایدوب
 قاجه مق صورته کفاری محل اختفایه کتورمک اوزره قول و قرار
 ایتدیلر چون عثمان غازی معینده کی فرقه ایله بر محله اختفایوردیلر
 او ائشاده قلعه نک خبری تکورلر کلد کده کوردیلر که عسکر اسلامک
 بر مقداری فرار ایدوب بر مقداری اوراده کزیر بونلر هجوم ایتدیلر
 آنلر دخی بوجه تعلیم محاربه ایدلر رک قرار صورته کفاری محل
 اختفایه کتوردلری آنده عثمان غازی کینکا هندن چاقری بونلری
 هلاک و نار مار ایتد کد نصکره الفار ایله واروب التیوز سکسان طقوزده
 بار حصاری بعد الفتح طور غود بکی سر عسکرلک ایله اینه کولی
 محاصره کوندردی و بار حصار دن بله جک تکورینه کیدجک کلای

آلوب مقابله ایدن کفاری قردقد نصکره بله جک و بار حصار قلعه لر بک
 امر محافظه لر بی بعد التکمیل اینه کوله الفار ایله وار دقلرنده همان
 اینه کولی بغما ایدوب سنه مز بورده قضا سیله ضبط ایتد کدن نصکره
 بار حصارده آلدقاری کلینک اسمنی نیلوفر قویوب شهزاده لری اورخان
 غازی به عقد ایتدیلر غازی خداوند کار و سلیمان پاشا نیلوفر خاتون دن
 وجوده کلدیلر بروسه حصنی داخلنده ضرر بچانه محله سنده کی مسجدی
 و بروسه صحراسنده جریان ایدن دره اوزرنده کی جسر می موی الیها
 نیلوفر خاتون بنا ایتدیلر و اول صونک اسمی نیلوفر قالدیغنه سبب
 بودر و نیلوفر خاتون بروسه ده سلطان اورخان تربیه سنده مدفوندر
 (اوشاده) آل سلجوقدن سلطان علاء الدین ثانی پادشاه ایدی امراسی
 ترویج امورلر بچون علاء الدین حضر تلر بی عبش و عشرته سوقله
 اضلال ایتدیلر نغدا کلمات نامه عقولاله رعایا و پرایا و ایتامه کایله ظلم
 و تعدی ایتدر دکلرینه سبب آل سلجوق قیده نک بالکلیه انقراضلرینه
 اراده الهیه تعلق ایتدکه التیوز طغسان بش نار بچنده غازیان لشکری
 مسئول اولوب سلطان علاء الدین ثانی بی طوقلریله سلطنت روم
 مقول بکلری تصرفند کیر ییتک سلطان علاء الدینک بعض امراسی
 مقول عسکری آنده کرتار اولدیلر و بعضیسی دخی عثمان غازینک
 ذرگاهنه کلوب پناه ایتد کلدن عثمان غازی دخی بونلر رعایت و فقرا
 و رعایا به کایله شفقت وز یردستنده کی ممالکک عمارته غیرت پیوردیلر
 (پس عثمان غازی بر مقتضای وسعت بلاد اسلامیه قره حصار
 سنجاغیکه سلطان اوکی دنیاور شهزاده لری اورخان غازی به واسکی
 شهری کوندز بکه و این اوکی او یغود بکه و بار حصاری حسن بک
 و اینه کولی طور غود بکه توجیه و پیله جکی قائم پدیری شیخ اده بالی
 تکیه سنه تعیین پیوردیلر و محمد دوم مکرملری علاء الدین پاشا ایله
 مادرینه بک شهرت توجیه ایدوب بله جکه شیخ موی الیه یانه کوندیلر
 و کندیلری دخی اول قضا ده بک شهر نامه به مشهور اولان قصه بی بنا
 ایدوب یانلرنده کی امرالچون خانه لرو مسجدلر و حماملر بنا ایتدیلر
 اورابی پای تخت ایتدیلر (بمدان) عثمان غازی واروب کبری حصار
 قلعه سنی برفاج کون محاصره د نصکره التیوز سکسان سکرده ضرر

دستبلاه فتح ایدوب مال و املا کلرینی غزاة موحدینه بعدالتقسیم
مرمره ولایتنه توجه پیوردقلرنده مرمره حاکی کلوب رکاب مستطابه
یوزسورمکین عثمان غازی برای تشویق خلعت کیدیروب مرمره
ینه اول حاکی یدییوزیدی سالنده بعدالتوجه مقرسلطنتلری اولان
یکبشهره رجعت پیوردیلر بعده واروب ازین قلعہ سنی محاصره ایتدیلر
فاما قلعہ مزبورہ غایتله متین اولغله فتی وقتہ محتاج اولدیغندن
همان اطرافنی ضبط ایتدیلر و قلعہ مزکورہ نک یکبشهردن طرفه اولان
طاغک دینه برقلعه بنا ایدوب دروننه طارغان نام دلاوری عسکرایله
راقدیلر اولدخی بروفق مأموریت کیچہ لده قلعہ ده اولوب کوندوزلده
ازینق قلعہ سنه کیدن زخایره تعرض ایدرلردی ازینق کفاری
برقاج دفعه بنو نلرایله محاربه ایتدیلر ایسه ده ینه کندیلری منہزم اولدیلر
(بعدازان) بروسه تکوری کته و کستل و اطره نوس تکورلریله بالاتفاق
عثمان غازی بی باصمق ایچون مقرسلطنتلری اولان یکبشهره عزیمت
ایتدیلر کندن عثمان غازی ایسه مقاتله به بهانه آرلردی تکورلرک غرضلرینی
اشتمکله غزاة مسلمین ایله قیون حصار جوارنده قارشوایوب کفاره هجوم
ایدیمیک کفار پایدار اوله میوب جنک ایدرک دمبوزه عودت ایتدیلر
وطاغه آرقه و یروب جنکده قرار ایتدیلر ایسه ده عنایت باری یاری
اولوب عسکر اسلام کفاره نسبت اقل قلیل ایکن دمدمه تهلیل
وتکیرایله نصرت مہسر اولغله لشکر کفار تارمار اولدیلر و اولمحاربه ده
کستل تکوری قتل اولغله یدییوزیدی تاربخنده کستل فتح اولوب
بروسه و اطرنوس تکورلری فرار ایتدیلر و کته تکوری دخی اولوباط
تکوری یانته فرار ایتدیلر عثمان غازی اشدوب کته تکورینی اولوباط
تکورندن استدیلر و یرمز ایسه جبراقه را آنه جغی افاده اولندقدہ
فیما بعد عثمان غازی اولادندن فردواحد اولوباط کپر یسندن کچمک
نیاز یله کته تکورینی در معدن کوندریمیک عثمان غازی دخی تکور
مسفوری کته حصاری قارشو سنده عبره لاسارین پاره لدوب
کته حصاری قضا سبله تاربخ مزبورده فتح ایتدیلر بووقده دنصکره
اولاد عثمان غازی اولوباط کپر یسندن کچمک حسب الاقتضا قایقلرایله
صودن عبور ایدرلردی (بعدازان) عثمان غازی بروسه تکورینی دخی

قتل و بروسه بی فتح ایتک ایچون یدییوز اولیدی تاربخنده کلوب
بروسه حصاری ایگرجه محاصره پیوردیلر فاما بروسه حصاری زیاده
مستحکم اولوب زمان قلیلده فتی ممکن اولدیغندن فراغت ایتدیلر
ولکن بروسه به امداد و ذخیره کاه جک بوللری قطع و کفاری تضییق
ایچون قبلوجه طرفنه برقلعه بنا ایدوب اوزرینه برادرزاده لری
آق تیمور یکی تعین پیوردیلر الان اولمحصله تیمور قاپودیرلر و بیکارباشی
طرفنه دخی ایکی قلعہ بنا ایدوب بلبلانجی نام بنده لری عسکرایله تعین
پیوردیلر و بروسه اطرافنده کی قرایی ضبط و سپاهه تیار ایتد کدنصکره
یکبشهره عودت پیوردیلر پس اهلای قراء بروسه عثمان غازی نیک
عدالت و رعایت و صیانتی کوردکارنده به کی قبول ایدوب اولوقته قدر
درد و تلرینه التجا ایتدکارینه پشیمان اولدیلر (بعدازان) عثمان غازی
حضر تلری مقدا صداقت و اعانه سی سبقت ایدن کوسه یخالی نامه ایله
جلب ایدوب مجلس تنهاده بر صداقتکار آدم اولدیغندن حق یلورکه
سکامیل و محبت برکالدر سعادت دوجه سانه نائل اولمای تمی ایدرم
پیوردقلرنده همان کوسه یخالی خالک بوس ایدوب تلقین ایمان پیورملرینی
نیاز ایلدی عثمان غازی دخی بذاته تلقین ایمان پیورملریله عسکر اسلام
بوخصوصده برقلعه فتحندن زیاده مسرور اولدیلر (پس عثمان غازی
امر غزایی بعد المشاوره شهرزاده لری اورخان غازی یانته کوسه یخالی
ایله صانتق یکی براغوب بمالک اسلامیه نک محافظه سیچون قره جه
حصاره تعین پیوردقلرنده نصکره یدییوز اون ایکی تاربخنده بلبلوجی
حصارینه وارلفین تکوری کلوب رکاب همایونه یوزسوردکده ولایتی
ینه کندویه توجه پیوردیلر و لفکه و چادر او تکورلری دخی بالاطوع
والرضاء اطاعت ایتلریله انلره دخی ولایتلرینی توجه پیوردیلر و اندن
یکجه یه وارلدقدہ انک تکوری دخی اطاعت ایتکله ولایتی کندویه
توجه اولندی و اندن افحصاره وارلدقدہ تکوری حصاردن چیقوب
محاربه داعیه سنده اولغین یک حله ده اشکری تارمار و کندی دخی
فرار ایتکله دار و دیاری و قلعہ و حصاری غازیانه یغما ایتدیلر و اندن
کوه حصارینه وارلدقدہ کفاری قوری دره نام محله اختفایتمشرایدی
عثمان غازی اشتمکین انغارایله اولحله واروب تکوری و ککر

کفاری قتل و ماعداسنی تار مار ایلدیلر (واندن واروب نکور
بیکارینی دخی فتح ایلدیلر مارالیان و لایترک رعایا سنه عدالت
ورعایت د نصکره محصورلارینی ارباب تیماره عنایت پیوردیلر
(پس) عثمان غازی حضرت تلیزینک مخصمه چاوش ناسنده
براسکی امکدارلری وارایدیکه ارطغرل غازی زماننده اینه کول
کفارتدن راحت ایده مدیکشدن اولاد و عیالیه مدورنی به واروب
عثمان غازی نیک ظهورینه دک مدورنی نکورینه مدارا ایله آنده ساکن
اولوردی عثمان غازی نیک لیلوجی و افکه و جادر او و لایترلرینی فتح
ایتدیکنی اشیدیچک کلوب رکاب همایونه شوکونا عر ضحال ایتدیکه
بو قوللری بدرجنت مقرری ارطغرل غازی حضرت تلیزینک بنده لرندن
اواوب اولز ماندنبرو بودینه و خاندانکره خدمتله افتای عمر ایدوب
بو وجهله مستحق رحمتی اولدیغیدن ماعدابو اوج قلعه فتح اوانوب
ینه کاریدنده براغلاش مغایرت دینیه البت عداوتی منجدر الحاله هذه
عدم قدرتلرندن اطاعت ایدرلر فرصت بولدقلرنده اظهار عداوت
ایتملری مقرر در بو هنکام پیریده بو ولایتلری بو قولیکه عنایت پیور
بندخی ضبط در بط و محافظه سنه اقدام ایدیم دیدکده عثمان غازی
دخی کرجه بویله اوج قلعه دکل بلکه نیجه قلاع سنک کی اوغوردینده
افتای عمر ایتش پیرانه عنایت اولمق امتیانی موجب کرم دکلدر و نکر
قلاع نلته نیک ضابطلری بلا نزاع اطاعتله قلعه لرینی بزه تسلیم ایتدیلر
بونلرک قلموبنده اهانت جایکیرایسده اطاعتدن مقصودلری جانلرینی
خلاص و اولاد و عیال و ماللرینی یغمان و قایه ایچوندن بوقدر کرجه
سایه سلطنتره التجا ایدنلری حیات واجبه ذمدر شمعی بو قلاع
مله بی سکا توجیه ایدوب باحسن رضا اطاعتله کیرن ایچاره لری
دیارلرندن دور ایتسک فیما بعد برقلعه بلا نزاع تحت تصرفه کیرمن
وسایه مری بر احد مامن ییلوب التجا ایتدیو جواب پیور دقلرنده
مخصمه چاوش دخی عثمان غازی حضرت تلیزینک ملهم من عند الله
اولدیغنی یقینا ییلوب تقییل دامتد نصکره رجاسندن اعتذار واستغفار
ایتدکده عثمان غازی دخی افکه یاننده یکبشهر صوبی کارنده قیلا و ستده
واقع حصاری مخصمه چاوشه توجیه پیوردیلر (بعد از ان) چاودار

تاتاری دینلر قوم حبش عثمان غازی نیک سفره کیتد کلرینی اشد کلرنده
برکون الفار ایله قره جه شهرینه واروب بازارینی یغماند نصکره فرار
ایتدیلر بو کیفیتی عثمان غازی اسکیشهرده اشدیدیچک همان تغزیله
ویناش حصارده یقشمکین سردار لر ایله بر مقصدارینی اسیر و اکثرینی
طعمه شمشر ایتدکده نصکره الد قلری اشیایی مع زیاده لرندن الوب
صاحبلرینه تسلیم پیوردیلر (بعد زمان سفردن عودت پیور دقلرنده
مارالیان اسیرانک تضرع و نیاز ایله استغفار لرینی کور مکین مرجه
آزاد پیوردیلر) بعد از ان عثمان غازی شهراده لری اورخان غازی بی
وافر عسکره سردار و غازی عبدالرحمن و ایجه قوجه رفو کور بک
و میخالی یاننه قوشوب قوجه ایللی و آق یازو و لایترلرینی فتح و تسخیر
کوندر دیلر اولدخی صقریه صوبی کارنده کی قره جیش قلعه سنه
قریب اولدقده عسکری اوج قول ایدوب بر قولی قلعه نیک آردینه
صاقلدیلر و بر قولی دخی اورالر بر مناسب محله صاقلدیلر و بر قولیه
کشدیلر آچقدن قلعه نیک اوکته قونوب چند روز محاربه دن صکره
صورتا بوز غولتی کو ستروب کویا فرار ایتد کلرنده کفاردخی قلعه دن
حبیبوب آردلر نیجه هجوم ایدیچک کینکاهده کی ایکی قول عساکر لشکر
کفارک آردلرینی الدقده اورخان غازی دونوب کفاره هجوم ایتسکله کفار
قلعه به جان ایتدیلر ایسده عقبارنده کی عسکر اسلامی کورد کلرنده
منهزم اولملر ایله نکورلری اسیر و ماعداسی قهر و تدبیر و حصار دخی
فتح و تسخیر اولوب قو کور بکه توجیه پیورلدی و حصاره دن کور
جوارنده الیا صوبی کارنده واقع دیگر حصار اهلایی قره جیش
نکورینک حالی کور ملریله قلعه بی ویزه ایله اورخان غازی به تسلیم
ایتد کلرنده قره جیش حاکمه ضمیمه تیمار اولندی و اتدن اورخان غازی
ایجه قوجه بی عیان صوبینک بحر اسنده بش کیزیده کی برغوسه براغوب
اول اطرافه الفار ایله کفاری اهلک و ماللرینی غارت ایتسکله مأمور ایلدیلر
و کشدیلر واروب قره نکین حصارینی محاصره و صلحا استد کلرنده
نکورلری اورخان غازی بی اغضاب ایتسکله پیوریش اولوب وهله اولاده
قلعه بی فتح و نکوری قتل و نکورک قزینی اموال کثیره ایله پدیرلری عثمان
غازی به ارسال و مخصمه چاوشی قلعه نیک امر محافظه سنه تعییند نصکره

هدایای وفیره ایله پدرلری بانه کلوب قلاع مذکوره به سپاهیلر
کوندردیلر (پس قره جیش محافظلی قو کور بک برو فوق مأموریت
کراتله آق یاز و دیارینه آقین ایدوب صکره طوز پازاری فتح ایلدی
واوزونجه ییلده کفارله ایکی کون وایکی کیجه تحاربه و آخره لیت ایله
طوز بازاره عودت ایلدی و برغوسه تعیین اولنان اچقه قوجه دخی
از نکمید اطرافنده نیجه کفاری قلچدن کوردی حالا قوجه ایلی دنیان
ولایت اچقه قوجه نك سعبیلده فتح اولندی و قره تکین محافظی مصلحت
چاوش دخی از نیقه سمت اولغله حوالی از نیقه آقین ایدوب از نیق
کفار بی تضییق ایستد کده از نیق تکوری دخی استانیول تکورندن
استمدادله کتورتدیکی کفار سفاین ایله یلاق آباده حیثیت لرایدی
غازی عبدالرحمن اول طرفه بولمغین الفار ایله کلوب علی الغفله
امدادله کلن کفارک یلاق آباده اسککثر بی اهلاک ایتمکله ماعداسی
فرار ایلرکن غرق اولدیلر (بعد ازان) عثمان غازی نامراج اولغله
اورخان غازی بی سردار و معتلرینه کوسه میخالی تعیین ایدوب
یدبوز یکر می بش سنه سی او اخر نده بروسه واطره نوس قیخته
کوندرد کلزنده ایستد اطره نوس اوزرینه وار یلورکن اطره نوس
تکوری اشدوب برضرب طاع باشنه فرار ایتشدی اورخان غازی
یدبوز یکر می التي تریشنده واردیلر که قلعه خالیدر ضابط ایتدیلر
ورعایا سنه استمالث ویرد کد نصکره تکورک فرار ایتدیکی محله آت
اشلایکندن عسکر به ماشا حیثیتغه باتلد قازنده تکورده قهوه اورخان
غازی بی کلورکن کوز یچک جات هولبله فرار ایلرکن برقیانک اوزرندن
دوشوب مرد اولد قنده اورخان غازی عودت ایدوب اطره نوس حصار بی
بعد الهم بروسه نك فتحیچون کلوب بروسه حصار نك طاع جانبد
بیکار باشی نام محله یقین و حصاره ناظر برمناسب محله قرار ایتدیلر
مقدم عثمان غازی نك بنا یورد قلی ایکی عدد قلعه ده سردار اولان
آق تیمور و بلبلانچق سکر سنه دنیرو قلعه ده کی کفار کوز آچدر میوب
بدر بی اضرا ایتد کلرندن کفار خاکسار تسلیم قلعه ایله عرض و جالری بی
تخلیه چوقدن راضی اولمش لرایدی بود قعه اورخان غازی بی
کورد کلزنده اگرچه کارلری الامان ایددی ولکن رخازی قبول اولماق

خوفیه بر نافذ الکلم کیم سنه نك توسطنه وسیله آررلردی اذ اراد الله شیئا
هیا اسبابه مدلولیله مکر میخال غازی نك مقدما بروسه تکور به حق و قلی
وار ایش اورخان غازی میخال غازی بی الحیاک صورتله بروسه تکورینه
کوندردیلر اولدخی قلعه به واروب تکور ایله مصاحبت و عاقلانه ترغیب
و ترهیب ایله اطاعت و تسلیم حصاره رغبت و حصار بی تسلیم صکره
کندی آما و سلاطینکله وصلت ایتدیرمکه اگرچه متعهد اولدیلر ولکن
حصار دن ماعداد حایه نامیله بر مقدار مبلغ دخی و برک لارمدر دیو
اوتوز نك التونه بعد الفطع حصار دن کلوب اورخان غازی به خصوص
مذکور ایفاد مایتد کده مساعدت ملو کانه ارزانی یوردیغی خبری تکور
کوندردیچک تکور دخی اوتوز نك التونی نیجه تحف هدایا صعبله در دولت
کوندردمکین اورخان غازی دخی آتدیرمکین بروسه دخی تکوری
اخراج و مکدک اسکله سنه بعد الار سال بائین والاقبال یدبوز یکر می التي
سنه سی او ایلنده درون حصار بروسه بی تشریف سیاز اجلال یوردیلر
(بعد ازان) عثمان غازی حضر تیر نك آنا فانا خسته لکری مشید اولغله
اورخان غازی باغون جناب مستعان بروسه حصار بی فتح ایتد کد نصکره
مقر سلطنت اولان یکشهره عزمت و پدر لری عثمان غازی نك مجلس
دولتیرینه واصل اولد قازنده انواع توقیر و احترام و نصا بحد نصکره
او غل سکایدی نصیحتیم واردر (اولا جیح مصلحتکدن مقدم لمر دینکده
اهتمام و دقت ایله زیر ایاغت قوام دین دولتدر) ثانیاً امر دیننده اهتمامی
اولین با خود مذهب الحاد و اعتزاله مائل و کبار دن محتجب اولین
اشخاصی استخدام ایتد زرا خالقدن خوف اتین مخلوقدن خوف ایتد
و مرتکب کبار اولانک صداقتی اولسنه امتی اولدیغی پیغمبره صداقت
ایدوب شریعتدن خارج حرکت ایتد (ثالثاً امور کده عدالت ایله تا که
سایه کده کی رعایا به سار ملوکک رعایا سی حسد ایدوب سنک سایه که
التجایه چاره آره به لر زیر پادشاهلی رعایا و مملکت ایله اولور رعایا
و مملکت اینه عدالت اولسه مضمحل اولور (رابعاً ظلمدن و بوجه
بدعتدن نجاتی ایله وسنی ظلم و بدعت به ترغیب ایدیلر دولتمکدن تبعید ایله
زیرا معنا سنی زوال دولته ترغیب ایش اولور (خامساً اتمام ایدایله
توسیع بلاد ایله زراعت مدید سفر اولسنه عسکرک شجاعت و رؤساک

تدبیرینه فتور کور و هم امور سفر به دن اشنا اولنگر وفات ایتد کده برینه
کلان مبتدیلر تدبیرده نقصان ایتلریله هر بخته بادی اولور (ساد سا
صداقتله تحصیل رضا کده افنای عمر ایدن رجالکه رعایت ایله وبعد
وفاته اولاد و عیالنه حیات ایدوب اموالنه تعرض ایتد با خصوص عسکری
طائفه سته اتمه امله جلب قلوبه سعی ایله (سابعاً علما و فضلاء زیاده
اکرام ایله و برد یارده که برضا حب تالی اشدنک بر تقریب کتور دوت
احسان ایله تا که مدت سلطنتکده علما چو غالب امر شریعت نظام بوله
زنهار عسکره و ماله مغرور اوله و شرع شریف اهلنی دور ایتد و بدن
عبرت الکه بود یاره بر مور ضعیف کی کلوب من غیر استحقاق بونجه
عنایت مظهر اولدم بوقدر چده بنم مسکنه کبدوب بودینه و اصحابه
حرمت ایله دیو حکم امیر و ضایاد نصکره کلمه توحیده مشغول اولوب
کمال تیقظ و انتباه اوزده یدییوز بکرمی التی تاریختده عازم خلد برین
اولد قلزنده بعد التجهیز و التکفین محروسه بروسده مناسرت نام قبه هم
درونده دفن اولندی چونکه التیوز سکسان یدی تاریختده قره جه
شهرینی فتح ایتد کلزنده نام همامنه خطبه او قوتده ایلر ایدی اوتار یخندن
تاریخ وفاتلرینه کلنجه مدت سلطنتلری اوتوز طقوز سته اولور

* مقاله سلطنت سلطان اورخان بن عثمان غازی *

سلطان غازی اورخان علیه الرحه والغفران حضرتلری یدییوز بکرمی
التی تاریختده پدر جنت مقرری عثمان غازی برینه تخت فریدون رخت
جلوس پیورد قلزنده ارکان دولت و اعیان سلطنت باجه مهم خلافتیه
یعت ایتدیلر سته مزبوره ده اورخان غازی حضرتلرینک مراد نام
شهراده سی تولد ایتد کله بعد زمان غازی خداوند کار دیمکله اشتهار بوالدی
زمان عثمان غازیده قره جیش محافظی قو کور بک آق یازو و مدورنی
ولا بیلرینی فتح ایتدیدی و برغوس محافظی افجه قوجه دخی ارمنی
بازارینی و عیان کولی حواله سی فتح ایتدیدی بوا یکی دلاور قوجه ایل
ولا بیلنک و سطنده کی صمندر قلمه سنک فتحه حاضر انورل ایکن
سلطان اورخان حضرتلری تخت هم ایونه جلوس پیورمه مومی البهرابی
صمندر قلمه سنک فتحه مأمور پیورملریله آنلردخی مترصد فرصت
ایدیلر او اثناده صمندر تکورینک اوغلی هلاک اولمغه تکور لاشه فی

خارج قلمه ده دفنه مشغول ایکن قو کور بک واجه قوجه الغیار ایله
کلوب قلمه ایله مدفن یتنه دخول و کفارک اکثرینی هلاک و تکورری
طوتوب بلا مشقه حصاری ضبط ایلدیلر تکور مسفور بر معتبر یتدین
ایدی سردار نامداره بنی مزاد ایدک اطراف تکورری بمچون جوق مال
و برلر دیدکده باذن اورخان غازی استانبول و ایدوس تکورلرینه
دلال کوندرلر ایکن آنلردخی جبرالقی زعمیله عسکر کوندروب قو کور بک
واجه قوجه ایله جنک ایتدیلر ایتدیه مهرم اولملریله آخر از نکمید
تکورری مال عظیم ایله تکور مسفور ایتدیلدی به بد زمان اورخان
غازی اول مالی از نکمید حصار بک فتحه صرف ایلدیلر بس صمندر
ولایتی اطراف ایله اجه قوجه به توجه اولوب استانبول اطرافنی مهر
وغارت مأمور اولدی (بعد ازان) ایدوس حصاری تکور بک مارالیا
کراهلخی مقتضای نادیب و قلمه سنی تسخیر مقتضی اولمغه اورخان
غازی حضرتلری قو کور بک ایلد غازی عبدالرحمن ایدوس حصاری
فتحه تعیین پیورد قلزنده آنلردخی ایدوس حصاری محاصره و مقابله به
اقدام ایتدیلر فاما ایدوس حصاری بغایت متین اولمغه فتحی
خصوصنده منجیر اولدیلر مکر ایدوس تکور بک صاحبه حسن و جمال
قری رؤیاسنده بر بزرعیتقه دوشوب هر چنده دجه قجه سعی ایتدیه ده
کسده دن امداد اولد یفتدن زینه هلاک و ارمین بر نورانی نوجوان
اول قری چاهندن اخراج و اوززنده کی ملوث لباسی حقاروب تمیر البسه
کبدر دکنه نصکره قری بیدار اولیحق نوجوانک خیالی خاطرنده
قالد یفتدن عشقه نالان ایکن برای دفع غم قلمه نک کینارینه جبه قوب
حصاری محاصره ایدن اهل اسلامه باقد قده عبدالرحمن غازی بی
کوردیکه کندینی رؤیاسنده چاهندن جبقارن نوجواندر همان فرنگجه
نامه بازوب صورت رؤیایی بسطد نصکره صورتنا بر مانع ظهور ایتد کی
قلمه بی برا غوب قرار صورتی کوسترک ویدی کیجه نک نصفتدن
دلداده سی اولدیم نوجوان ایله عسکر کوندرک قلمه نک فتحی مبر
اولور دیوحریر و اول نوجوانک شکل و شمائلنی تریر و نامه بی برطاشه
ر بطله عسکر اسلامه آند قده اتفاق طاش عبدالرحمن غازی آنک اوکنه
دوشمکین اولدخی نامه بی اوقیدوب دروننده کی نوجوان عبدالرحمن

غازی ایدیکی معلوم اولیحق اطراف قلعه بی بعد الاخرای فرار صورتیله
 براغوب کیمزیه کفار محاصره دن کویاقور تلدیلر (پس عبدالرحمن لیل
 معینه ک نصفتند سکسان نفر دلاور ایله قلعه یانه کلدند
 قز عبدالرحمن غازی ایله بر قاج دلاوری کشد ایله بالایی حصاره
 آلدقد نصکره در بانلری قتل و باب قلعه بی کشاد و سار و حد بی
 ایچرویه آلدقد تگوری حیا اخذ و کفار بی هلاک و قلعه بی بدیور
 یکر می سکرتار بخیم فتح ایتد کزنده عبدالرحمن غازی تگوری و قزی
 نفایس اموال ایله سلطان اورخان غازی به ارسال و خصوص مذکوری
 علی وقوعه بحر ایتد کزنده اول قزی غازی عبدالرحمانه نکاح ایتدیلر
 اول دختر حیل دن عبدالرحمان قز عبدالرحمن نام اوغلی وجوده
 کلمکین قز عبدالرحمان صیت شجاعی جهانی مالا مال ایلدی
 (بعد ازان) از نکمید شهری اسکندر رومینک پدری فیلقوسک تختگاهی
 اولغله اسکندر رومی اوراده تولد ایلدی اول زمان از نکمید اسمی
 ماکدون ایدی انکیچون اسکندر رومی به اسکندر ماکدونی دیرلر
 تختگاه اولدیغینک سبی بودر که شهر مذکورک درت فرسخ مسافه سنده
 یکر می درت ساعت چکر صحرایاننده بر عظیم کول وارد و ذیل تعیر
 اولتان خلیج از نکمیده متصلدر اولاد قیاسره دن یلاقویه نام عورت
 نصرفنده ایدی اقبه قوجه اول اطرافی فتح ایتد کده استانبول تگوری
 امداد ایله از نکمید حصار بنده استحکام و بر مشلرایدی و لب دریا و اوب
 فرار ایتمک بستر اولدیغندن اطرافدن مالدار کفار از نکمید اطرافنه
 جمع اولمشلرایدی و هم یلاقوام محله کی ایلیجه نک صوبی او یوز و خذام
 و سار اراض بلغیمیه نافع اولدیغندن مجمع ناس اولمشیدی (ماحصل)
 سلطان اورخان غازی بدیور یکر می سکرتده از نکمید جاننه قوجه
 و صفریه کیر یستی بنا و اول کیری خراب اولد قجه تعیر ایتمکچون
 اوراده یوز خانه دن زیاده آدمی تکالیفدن معاف اوله رق اسکان
 ایتدرد کد نصکره کیر بدن یکوب غازی عبدالرحمن قولاغور ایلیله
 از نکمید اطرافنه نزول یسوزلدی فاما از نکمید تگوری اولان عورتک
 قلا یون نام ارقرنداشی قیون حصار قلعه سنده او اوب اولحوالیده که
 اهل اسلامی دانا اضرار ایتدیکندن اولاقره علی او ایغود بک لشکر

ایله قیون حصار فتحنه کوندرد کده انلردخی واروب قیون حصار
 محاصره ایتدیلر اثناء محاربه ده عسکر اسلام طرفندن قلا یون ملهونه
 اوق اصابت ایتمکله قلا یون حصار دن اشاغی دوشمکین بلا توقف قتل
 اولدخی اهل قلعه امان ایله قلعه بی تسلیم ایتد کزنده غازیان مر یورانه
 قلعه نک امر محافظه سنی بعد انکمید قلا یونک کله سیله در معیننه
 کلدیلر اورخان غازی دخی قلا یونک کله سنی از نکمید قلعه منک
 قارشوسنه همشیره سی یلا تعوینه نظر کاهنه اصمغله بر وفق مستول
 یلانقرینه از نکمید حصار بی بعد التسلیم بحرا استانبوله کوندرد کدن
 صکره فر بنده که ایدوس قلعه سی هیدم اولنوب شحافظلری از نکمید
 قلعه سننه تعیین یوز دیلر و کانس کفار جامع و مدرسه اولغله مهماتنه
 اولحوالیده کی بر قاج قریه وقف اولندی او ائشاده قوجه ایلی متصرفی
 اقبه قوجه فوت اولغله منصبی شهرزاده سلیمان پاشایه توجیه اولندی
 و قو کوریک دخی وفات ایتمکین منصبی شهرزاده سلطان مراده
 توجیه اولندی (بعد ازان) از نکمید توابعدن استانبول یولی اوزرنده کی
 هر که نام قلعه نک فتحنه تیمور طاش بکک پدری علی بک لشکر ایله
 کوندرد کده اولدخی واروب محاصره ائشاسنده بر کوزینه طرف
 کزردن اوق اصابتیله علبل اولمش ایشده تیرک زنجندن کوزی
 بیوموب اوزاقین دور بینایه رک قرصد کوزه درکن اناظر مشاهده سیله
 هجوم ایتد کیه طرفه العینده وره ایله قلعه بی فتح ایتدیلر اگرچه
 علی بک قلعه فتحی ایچون بر کوزدن چیقصدی و لکن بو خدعتی سیبله
 نور باصره سلاطین اولان اورخان حضرتلری بک برقات دخی کوزینه
 کیر مکله فیا بعد منظور نکاه عنایتلری اولدقدده همچشماری علی بکک
 منصبنه کوز دیکوب پادشاه حضرتلری بک کوزندن دوشور مکه
 سعی ایتدیلر ایشده شهریار عالم کیر علی بکی عسکر اسلام کورز
 کوزی و طوئالی مثابه سنده فرض ایتمکله نظرندن ساقط ایتمکی
 روا کورمزدی علی بک ایشده اکنه دلو کندن هندستانی سیرایدوب
 دلاورلک ایله جهانی کوزدن یکر مشیدی (بعد ازان) اورخان غازی
 حضرتلری از نکمید فتحندن صکره کلوب روسه بی تختگاه و مقر سلطنت
 یوز دیلر واقع استانبولدن صکره روسه نک بلدان سار و اوزرنده

رجحانیده دروینده غنوده پسر رخت اولان التي نر پادشاه کزین
و بونجه اولیاء الله و مصنفین دلیل قویدر (پس سلطان اورخان غازی
بروسه بی بالین و الاقبال تشریف سازاجلال بیورد قلزنده برادر سعادت
برورلی علاء الدین پاشایله چکده شیخ اده بالی خانقاهنده عزت نشین
ایدیلر برادرلی سلطان اورخانک تشریف از نکمید ایله نائل فتح جدید
اولد قلربی اشیدیکچسک برای تبریک بروسه به کلوب برادر مکرملریله
ملافات ایتدکده الحمد لله تعالی قوت و قدزتکر برکالدر بعض اطوار
و قوانین اختیار بیورلمق مناسبدر اولایادی ناسده متداول اولان اجه
خلا سلجوقیه لراسمیله مسکو کدر کر چه پدریم عثمان غازی بقیه
سلجوقیانه رعایه بوداعیه ده اولدی و سلجوقیانک انقراضند نصکرده
مجاربه دن الی ارمیدی الحاله هذه دیار اسلامیه ده رایج اولان سیم وزر
اسم شریف کزایله مسکوک اوله (ثانیاً) عادت ملوک اوزره عسکری
طائفه سنک لباسی لباس رعایان تمیز اولنه (ثالثاً) توسیع بلاد عسکری
طائفه سنک بر قاج نوعه منقسم اولسنی اقتضا ایدر ملاقعه جنکده
آبلودن پیاده عسکر تکثیر اولنه دیدکارنده سلطان اورخان دخی
بعد التصدیق رجا و ابرام ایله علاء الدین پاشای یسیوز یکر می طقوزده
وزیر اعظم ایدوب کته نواح بستدن فودره قریه سنی تملیک بیوردیلر
سنه مزبورده سیم وزره اسم اورخان اوزره سکده اورلدی و عسکره
بیاض کلاه کیدیلدی و پیاده عسکر یکه اوجاغ ملغی رجالدیر کفارک
چوان اولادندن ترتیب و اسلامه کنور یلوب هر برینه علوفه تعیین
اولندی و سوار ی عسکر که سپاه دیدکلری کر و هدر اولاد اتر کن
ترتیب اولوب بونله اراضی و مزارع تعیین اولندی و سفردن غودتارنده
زراعت ایدوب رسوم دیوانیه و تکالیف عرفیه دن معاف قیلندی
و بونله ملوک باشیلری و سنجاق بکلری نصب و تعیین اولندی و بوکر و هه
مسم تسمیه اولندی (بعد از ان) ازینق حوالیستنده طارخان و قره تکین
قلعه لنده کی عسکر ظفر مأثر ازینقه کی کفاری زیاده تضییق
و بیزار ایتد کلرندن کفار باغ و بستانلرینه دخی چیه مزلدی
بنابرین مزاحجه اجسام و تعفاندن میانه کفارده قتل و طاعون
وامراض ظهور ایتدکده استانبول تگورندن استمداد ایتد کلرنده اولدخی

کرک مزخه و کرک مقر حکومتی اولان استانبولی ضیائه امداده تمهید
ایتدیکی مسجود پادشاهی اولیحق شهراده سلیمان پاشا عسکر ایله
مأمور و اوزوب ازینق یاتده استانبولدن کلن کفار لیل هجوم و اکثری
قلجذن کچروب بقیه النیوقی اسیر ایلدی (بعد از ان) سلطان اورخان
غازی بروسه دن واروب ازینق قلعه سنی محاصره ایتدکده تگوری
مجان مر دارینک آزادی رجا ایتدکده مساعدده اولوب استانبول
تگورینه سکید یحک قلعه ده کی کفار رعیتی قبول ایتد کلرنده
شهر یارکزین دخی یدییوز اوتوز برتار یخنده درون ازینق تشریف
بیوردیلر (پس ازینق سام بن نوحک علیه السلام بنیاسیدر دیرل
پاران ایتدکده حصارینه متصل اولان نهر عظیم چکیلوب آجلدیده
وسط نهر دن غریب بنار ظاهر اولور طوفاندن مقدم اول بتالی سام بنا
ایدوب اول کول طوفانده حادث اولغله صکره شمیدی موجود اولان
ازینق بنایتمش اوله ما حصل ازینق اقدام بلاد رومیه دندر و بروسه ده
جوامع و سلاطین تربیلنده کی کاشیلرانده اشلشدر و سلطان اورخان
ازینقده کی کنشیاک برنی مدرسه و ما عدا سنی جامع ایدوب مدرسه به
ظاهر و باطنی معنور اولان داود قیصری حضرت تری مدرس ایتدیلر
و عمارت دخی بنایدوب یوم اولده طبع اولان طعامی تبرکا کندی اللریله
تقسیم ایتدیلر و مسجدده کی قنادیل دخی ابتدا کی کچده تبرکا کندی
المریله یا قیدیلر انحق ازینقک هواسی بغایت و خیمدر (بعد از ان) وزیر
اعظم علاء الدین پاشا زاهد مشرب و عتبات طلب اولغله وزارت برای
خاطر قبول ایتشدی وزارتدن استعفا ایتدکده بیغاسنجانغه کوندیلدی
و بعد وفاته جنازه سنی بروسه به کنور یلوب برادرلی تر به سنه دفن
ایتدیلدی (پس علاء الدین پاشا نصکره صدر اعظمق یدییوز
اوتوز برتار یخنده شهراده سلیمان پاشایه توجیه بیوردی (بعد از ان)
شهراده سلیمان پاشا از نکمید متصرفی اولوب رعایا و برابیه فوق الغایه
داد بخشا اولدیفندن اولطرفده کی کفار تگورلندن یوز چوروب
سلیمان پاشانک زبر حایه سنه کیره که سبب جزق ارلردی بو کیفیت
سلیمان پاشانک معلومی اولیحق اولاطراقلی یکجه سی اوزرینه وارد قده
تگوری عدم مقاومتدن باشقه ولایتی خاقانک پادشاه اسلامه میل

و اطاعتی فهم ایتمکله ضروری استقبال و مملکتی تسلیم ایتد کده
رعایانک امر را اختیارینی بعد التتظیم کویته بعده مدورنی فتحه عزیمت
بیور ییچق بویکی قضایانک تکزوری دخی کدک مملکتلرین تسلیم ایتدیلر
(پس بوقضاء ثلاثه یادیوزاوتوزا یکیده بلا نزاع فتح اولندی (بعد از آن)
سلطان اورخان غازی نیک کدیک قلعه سنک فنی مراد همایونلری اولغله
مقدمای عثمان غازی زمانده قلعه مزبوره نیک فتحه کوندریلان قریه تیمور
طاش بکی کتوردوب اصولی صورتده اولدخی عسکر کوندربلوب
طرافده کی محصور لانی اندقد نصکره ایچروبه عسکر و زخیره کیرمکدن
اهالی قلعه منع اولته ابرته بی سنه مکمل عسکر ایله وارلد قده فتح اولتور
دیوچک همان تیمور طاش پاشا بیک بشیوز نفر عسکر ایله مامور واروب
اول قش اهل حصارک باشه دنیایی نیک ایلدی اول بهارده شام کامکار
عسکر بشمار ایله واروب کلبیکی تخاصره و اوتور کون محاربه ایتد کده
ناچار کفار و عیق قبول ایتمکله پادشاه حضرتلری دخی بد بیور اوتور
درت تار یخنده درون قلعه به کیروب رعایاسنی برلنده ابقا ایتدیلر
(بعد از آن) سلطان اورخان حضرتلری بد بیور اوتور الی تار یخنده
وسط شهر بروسه ده برجامع رعایا و عمارت زیبا و درون قلعه ده مناشره
متصل بر مدرسه بنا و مدرس و اهل مرتقه به وظائف و غلات تمینیه
طریق آخرتی احیا بیوردیلر آل عثمانده ابتدا جامع و مدرسه بنا ایدوب
اوقاف تعیین ایدن اول شهر یار کزیندر (بعد از آن) قریه سی سنجیغی
پادشاهان سلجوقیه تصرفنده ایدی بعد الانقراض سلجوقیه امراسنی
نسلده بن عجلان بک نام بیک تصرفنده قالندی ولکن عجلان بک کرک
عثمان غازی به و کرک سلطان اورخان دایما صداقت اوزره ایدی حتی
طور سیمون بک نام اوغلی سلطان اورخان در کاشنده طور سون و تر به
اکور سون دیو کوندرمشیددی بواشاده عجلان بک فوت اولغله ولایتی
طور سون بکک یوک برادری اولوب پدیری عجلان بکک یاننده بولان
یوک اوغله انتقال ایلدی انجیق میرمز بیر فساق و غدار اولدیغندن
اعیان دولتی کندیدن نفرت ایدوب عجلان بکک وزیر اعظمی اولان
حاجی ایلکی به کلرب بالاستشاره میرمز بوزدن اورخان غازی به اشتکا
و طور سون بکی رجایضی غرضحال یازوب خفیجه بر قاج کسان ایله

سلطان اورخان غازی حضرتلری نه کوندردکارنده پادشاه کامبخشا
دخی طور سون بکی حضورینه جاغروب بک قراسی فقراسی و پدر بکک
وزیر اعظمی حاجی ایلکی حضور هما یومعه غرضحال کوندروب
برادر بکک ظلمدن اشتکاسنی بزدن التماس و رجایضلر کیدره پس
بیور دقلنده طور سون بک خاکبوس ایدوب پادشاهارکاب همایونکرده
خدمت باعث سلامت دنیا و آخرتدر لکن مراد همایونکر غزا و جهاد
و فتح بلاد اولغله انشاء الله بویابده بوقوللرندن خدمات لایقه ظهور
ایله قصبه ابدیحق و منیاس و بالیکسری و برغره و ادرمید خا کبای
همایونکره هدیه قوللری اولسون و بکار حصار و قرن لایقه طور له
و ایاز منشد و سایر ولایت موروثه دخی بوجراغ خاصلری نه صدقه
بیوراسون دید کده اوارم سفریه تنظیم اولندقد نصکره پادشاه انام
عسکر اسلام ایله کرمانسی جانبده کیدر کن اولوباد یواندمکی قوبلیوس
و ایلوس نام قلعه در که غالباً شمعی کوبلید و ایله یونند نام قریه لر در
کفار الذین ادنی توجهله الذوب کرمانسی قصید سنه وارلد قده
حاکم سنی اولان کرمانستوریه نام غورت که بقایای قیاضره دندر هدایا
ایله استقبال ایدوب اطاعت و جزیه بی قبول ایلدی و کرمانستوریه نیک
برادری میخاچله له دخی میخاچج حاکمی ایدی اولدخی همشیره سنی
کی هدایا ایله ککوب اطاعت و قبول نقد ذمت ایلدی (پس)
کرمانستوریه و میخاچجه نیک ادبیانه حرکتی و مظهر اولد قری
عسایاتی اولوباد تکزوری و اولخوالیده کی تکزور کوزد کلنده جمله
اطاعت ایتملریله پادشاه کرمانته دخی بولره التفات و مراعات
و هر برلرینی برلنده ابقا ایدوب بدیوز اوتوزیدی تار یخنده بونجه
ولایت تحت تصرفه بکد کد نصکره قراسی ولایتنه استحال و مقر
حکومت عجلان لولان بالیکسمر جانبده عزیمت بیوردقلنده عجلان
بکک اوغلی اشتمکین بر کبجه بالیکسمر دن برغره حصارینه فرار ایلدی
شهر یار کزین بالیکسمر حوالیسنه کلد کلنده عجلان بکک وزیری
حاجی ایسکی ارکاب دوله استقبال ایتدیر و اندن پادشاه عالیجاه
واروب برغره قلعه سنی محاصره ایتد کلنده طور سون بکی و حاجی
یلکی بی وارکان دواتی چلغردوب بوسمتلره توجهدن سر ایدیز

فقرای مظلومین صیانت و حاکم عادل نصیب به عباد الهی چراستند
 بوملکتک ارکانی سنی استرلر برادر کدن نفرت ایتش لر لایق اولان
 بواعیان دولته حصارک الله واروب برادر یکی دعوت و بوملکی
 انصاف اضبط ایتکری مشورت ایتکدر بیورد قلرند طورسون بک
 حصارک الله واریجق اول ظالم برادری طورسون بک مظلومی
 اوق ایله شهید دایلدی بو کیفیت پادشاه پرم حجت حضرت تلیزینک مسموعی
 اولد قده کمال تأسفدن بکا ایدوب ممالک عجلان کلیا فتح اولغی
 مظلومدر اکا تابع اولنر کینسون بزی استنلر بونده قالسون دیوندا
 ایتدیروب یوریش فرمان ایلد کده میر شهیدک محبتی حرارتینله اهل
 غیرتک مر دانه حرکتی کورد کلرند حاکم برغمه برغمه اوغرا دیکه تعمیر
 اولغی بو خبر قرامی ممالکته وارد قده هر قضایک اها لیبی فوج فوج
 رکاب مستطابه کلوب اطاعت ایتدیلبو خصوص دخی اهای برغمه بک
 معلومی اولیجق بالاتفاق عجلان بکک اوغلنک یانته واروب بر سلطان
 اورخان حضرت تلیزینه اطاعت ایده جکر سنی کتوروب رجا ایده لم
 مخالفت ایدرسک سنی باغلیوب یدیمزله تسلیم ایده رز صکره سنی
 قتل ایدر دید کلرند میر مزبور ناچار اهای ایله قلعه دن چیقوب حضور
 همایونه کیردیلبو اهای عفوی نیازی ایتلر یله قتل وقصاصدن قور تیابوب
 بعدالت عزیز و سه به نفی اولغله ایکی سندن صکره طاعوندن وفات
 ایلدی (پس شهر یارکریز یدییوزاوتوز یدی تار یخنده قره سی سنجاغنی
 تماما فتحه نصکره اها لیبی برلنده ابقا وایالتی شهرزاده سلیمان پاشایه
 توجیه و تدبیر امور مملکته حاجی ایلکی وغازی فاضل واجه بک
 واورنوس بکی بعدالتین بروسه به عودت بیوردیلر اثناء طریقه
 اولوباد تکورینک خیاتی ظهور ایتکلک کندی قتل و دیارینی فتح
 ایتدیلبو (بعدازان) امر ودلی وانا خور قلعه لرند کی کنارا و لحوالیده کی
 اهل اسلامی دایما اضرا ایتد کلرینه بناء سلطان اورخان یدییوزاوتوز
 سکر سینه سی اولهارنده انا خور حصارینه واریجق انا خور تکوری
 صدمه اولاده حصار ی تسلیم ایلدی واندن واروب امر ودلی
 حصارینی محاصره ایتد کلرند انکدخی تکوری حصار ی بعد التسیم
 قبول عقد ذمت ایلدیلبو واندن قلاع ساره به وارلقسزین ضابطلری

کلوب قلعه رک مغایبخی تسلیم ایتد کلرند شهر یارکریز دخی انتفاعه
 صالح اولان قلاعی ضبط و ما عدا سنی تخریب ایدوب بروسه به عودت
 بیوردیلر (بعدازان) اورخان غازی حضرت تلیزینک روم ابلی جانبته
 سفر همایونلری اولق جایکدر و نلری اولوب بوا مردشواری ملاحظه
 بیورر ایکن شهرزاده سلیمان پاشا متصرف اولدیغی قراسی سنجاغندن
 بروسه به پدر مکرملرینی زیارته کیشلر ایدی برکون پادشاه عالمناه مخبه
 مجلس بیوروب روم ابلی فتحنده ارزولرینی سلیمان پاشایه افشا و بویله
 دیار دلارا مقرر اهل اسلام اولغله سیرا ایکن کفار الله قالمق نار وادر
 انشاء الله المتعال وقت مرهونده فتحیه نائل آمال اولورز بیورد قلرند
 سلیمان پاشا اول دیار بونده صداقتکارک منصبه سمتدر عنایت جناب
 کرد کار و دعای خریدر کر ایتد ایلر امیددار مکه فتحی داخل تحت
 اقتدار اوله دید کده نصکره پدرلرینک دست شریفی تقبیل و بعدالوداع
 منصبلرینه وارد قلرند سیر و شکار طریقه روم ایله قریب اولان محلی
 کشت و گذار و روم ایله عبوره مناسب محل فکر یله اول سمتره دقت
 بیوردیلر و بوسری جمله دن اختفا بیوردیلر برکون ایدنجق قصبه سینه
 واروب تماشا لقی نام کوشکده اعیان مملکت خصوصاً اجه بک وغازی
 بک واورنوس بک ایله مصاحبت ایتدیلبو فاما روم ابلی فتحک کیفیت
 عقد خاطر اولدیغندن غمکین ایدیلر حضار مجلسدن اجه بک سلطنت
 بشیره سعادت کزده آثار ملال مشاهددر ضمیر منیر کزهرنه ایسه فرمان
 ایدک دید کده شهرزاده حضرت تلیزینک آه جانکاه ایله بود یاردن کچوب روم
 ایله نظرفر توجیهله مبرسرا اور واورادن بر دل کیم کتوره بیلور بیور یجق
 غازی فاضل واجه بک ایلر کلوب برز الله یولنده شهرزاده مز اوغورینه
 جانمزی فدا ایده رز دیوب همار شهرزاده بک دست شریفی تقبیل
 و جانلرینی رضاء الله بهر التسلیم چنی قلعه سنک مقابله سنده
 دریانک انی از اوله اورادن بر کوچک صاله یوب زمان قایلده روم ایله
 جبهقدیلر و بر کافر طوبینده صال ایله برو طرفه جبهقدیلر و کافری
 شهرزاده حضور یند کتورد کلرند کافر اطماع اولوب چنی قلعه سینه
 دلالت و فتحه کفالت ایدیجک همان شهرزاده لب دریاه واروب
 بعضی صغری هلاک ودریلرندن قایش چقاروب تدارک اولنار

انجا جاري بر برينه اول قايش ايله بندايده رك ياند قلري ايكي عظيم صاله آلات
 حربى بعد الوضوع برينه شهراده ايله آق سنقراغا وقره اوغلان اوغلى
 وقره تيمور طاش وقره حسن اوغلى واقچه قوجه اوغلى وبلبلانجى
 اوغلى جما قرق نفر دلاور و برينه دخی حاجى ايللى و اجه بك وغازى
 فاضل واورنوس بك كه كذلك قرق نفر دلاور بنوب بتوفيقه سچخانه
 اشبوسكان نفر اهل ايمان بر ليله مظلمه ده بتوب روم ايلنه كچك كرنده
 اسير مذكور دلاليله چنى قلعه سنك برجه اصالنده كى سو پرند يلكدن
 چيقوب قلعه دى بيوقت غفلة باصمغله اها لېسنى جله اسير ايتديلر
 و حسن تدبير ايله اها لى قلعه دى انعام واحسان ايله تطيب و اهل اسلام
 خدمته ترغيب ايتديلر و نيجه احسانلر ايله سغاي جلب اولور معتمد
 دلاورلر ايله اناطولى باقه سنه ارسال و اوچكونه دك اوچيك غازى دى
 روم ايلنه كچور ديلر بوشاده بولايرواچه لمانده كافرسفائى اولديغنى
 شهراده اشديچك قلعه ده كى كفارك آلترينه بنوب اول سفينه لرى
 طاغنه بچون اجد بكي كوندرديلر و قلعه مذكوره اها لېسنى دلاليله
 اولمحه قريب اياشاونيه قلعه سى دخی بر كچه ده فتح اولمغه اول ايكي
 قلعه هك عسكرى طائفه سنى قراسى ديارينه كچوروب رعاياسنى برلنده
 ابقا ايتدك د نصكره قلعه لك امرى محافظه لرىنى تكميل بيورديلر
 (بعد ازان) كليولى حصار ينك قالو پولى نام تكورى شهراده
 حضر تلىنك اول اطرافى حسن تدبيره تسخير اينديكى اشديچك
 عسكر ايله شهراده اوزرينه عزيمتى مسموع اولمغن شهراده سليمان پاشا
 دخی واروب كليولى قربنده محاربه و كفارى تارمار ايتككه كفار كليولى
 قلعه سنه فرار ايتدك كرنده شهراده دخی اجه بك ايله غازى فاضلى قلعه
 محاصره سنه بعد التبعين كنديلرى كلوب بولايده مكين اولديلر پس
 اول ايكي ازى هم قلعه دى محاصره وهم اطرافنده كى فصبات وقرانى
 فتح و تسخير و رعاياسنى برلنده تقرر ايتديلرى (بوشاده) فركور حصار
 تكورى قلاقونيه كلوب كليولى دى محاصره ايدن غزاه مسلمانى شېخون
 اينديكى مسموع اوليچى شهراده حضر تلى قلاقونيه نك شېخون
 ارزو سياله ينه حصار دن چيقديغنى استخيار اچون برقاج جاسوس
 كوندردك د نصكره كنديلرى دخی عساكر ايله كمتسلرايدى انقا اول

ملعونك حصار دن چيقوب محاربه به باشلدقده ملعونك عسكرى قلمچدن
 كچير يلوب كندى دخی اسير اوليچى اهل حصار امان ايله قلعه دى تسليم
 ايتدك كرنده شهراده حضر تلى دخی قلاقونيه دى بردار ايتديلر مقدمه
 شهراده حضر تلى روم ايلنه كچر كن برمولوى فقراسى تيركا شهراده به
 برمولوى سكه سى و بره شيدى شهراده دخی اول غزاده كى مال غنائى
 تيركا اول سكه ايله بذاته غزاه تقسيم بينورديلر و اول سكه دى آتون ايله
 بعد التزيين باشلرينه كيوب عساكره دخی كلاه كيدر ديلر و ايدن بالذات
 كليولى فتحه عودت و محاصره به تقويت و بر دك كرنده كليولى تكورى
 قالو پولى اقدججه مظهر قهر اولان قلاقونيه وقعه سنن آگاه اولمغن
 ناچار امان ايله يديوز التمش نارينجده كليولى قلعه سنى بعد التسلیم
 سفينه ايله استانبوله كينده امرى محافظه سنى كور يلوب اجه بك ايله
 غازى فاضله توجه بيوردى و اول اطرافك قمنى دخی فرمان اولمغه
 ازل غازيلر اول حوالى دى تسخير ايتديلر حالا اجه اوه سى دنيلن ولايتى
 اجه بك فتح ايتككه اكامنسويدر و اول ايكي غازيلر كليولى ساكن
 اولمغه آنده وفات ايتديلر (بعد ازان) حاجى ايلكى مأمور او اوروب ملغره
 شهرى فتح ايتككه ايا لى كندويه توجه اولندى بعده ابصه شهرى
 ادنى هم تله فتح اولدق د نصكره تكور طاغنده بعض قلاع دخی فتح اولندى
 و برقاج دفعه چورلى و خيره بولى اوزرينه اقين اولمغه اموال غنائم
 و اسير نصيب اهل اسلام اولدى (بعد ازان) فرنج و روس و افلاق
 و بلغار و انكروس ملوكى و لاش ولايتك حكامى و استانبول تكورى
 بالانفاق مشورتلر نده عمالك موروثه من بونجه زماندر كيد د شندن مصون
 ايكن آل عثمان اناطولى دى ايناي جنشمى برلندن دور ايتدك د نصكره
 شمعى روم ايلنه كچوب نيجه قلعه لى بىرى آلديلر و حالا انك بريسى
 اون نفر خرسىانه معادلدر قوت بواورلر ايسه انلره مقابله نيجه قابلد
 بوتقـ ديرجه بالانفاق عسكر ايله اوزرلرينه وارلىق مصلحتندردنو
 قول و قرار د نصكره التمش پاره سفينه ديه اوتوز بيك مسلح عسكر قوبوب
 اوتوز پاره سفان ايله اوز بىش بيكى طوزله اوزرندن سيدى قواغنه دو ككه
 و اوتوز پاره سفان ايله اون بشيكنى كليولى مهربنى سد اچون بوغازه
 كوندرككه عهد و ميثاق ايتديلر (بوشاده) بر كچه شهراده سليمان

پاشایه رو یاسنده کندیك وفات ایدہ جیگری وعسکر اسلامه بر مقدر
 پریشانلق کله جکی اشارت اولمغین بیدار اولیحق امرای کتوردوب
 دنیار ویا کبی بی بقا ونعمینك آخری فنادر موفق اولدیغم فتوحات محضا
 عنایت خدا ومجزة رسول کبر یادرباك اعتقاد اولنرا عدا دیندن
 قاجمزل وعار وناموسی اولنر کفاردن فرار ایتزلر یوک و نلرده کفار
 اوزریمزه نفر عام ایتشلر لباس حیاته افکار اولمز وعار و دیانت بر کره
 ضایع اولسه بردخی بولمز هر شخصك نفسی ممدود و دنیاك فانی
 اولدیغی مشهود در جنك ایلہ اجلی کلین اولمز جنك ایتیلر
 دخی دنیا ده باقی قالمز اگر عمرم تمام اولوب یوم محاربه به یتمشمز
 ایسم رسول الله و آل و انجاء حرمتہ جناب رب العالمینده اعتماد
 ایدوب مقابله کفاردہ ثابت قدم اولک و جهم و فاقم موجب
 انکسار اولمز زیرا حقیقتده سردار یکن حضرت سید الابرار در کفار
 سمری تضییق ایتدکده صاحبکن جناب رب العالمین ومعینکن روحانیت
 سید المرسلین اولدیغنی یللوب جهادی فرض عین وفراری کجاردن
 عدا ایدوب اهل اسلامه محض شهن بلا سزدیو وصیت و نصیحت
 یوردقلرنده جلاله امرای حزین و ملول مسکنلرینه کیتدکده نصر کره
 شهزاده حضرتلری برای دفع غم اسب سوار اولوب سیر و شکاره
 عزیمت یوردیلر و صید کاهده بر آوه لارنده کی شاهنی سالوب آردیجه
 سوار اولدقلری اسبی سرعت اوزره سورر کن اسبک ایاغی ردلکه
 یکمکین اول شاهین اوج اقبال اوزرندن دوشدیککی آن غرف جنانه
 طیران یوردیلر بو خبره وحش امراء دولتری سمعند وارد قلعه کلوب
 کوردیلر که شهزاده حضرتلری افتاده خاک سیاه اولمش بر طرفدن
 حسرت ولی النعمت و بر طرفدن خشیت دشمن دین و دولت باعث
 حیرت اولوب بر زمان یا الله دیمکدن غیری نطقه یوللری قالمدی آخر
 انواع فغان ایلہ شهزاده بی بولایره کتوروب بنا یوردقلری مسجد
 اتصالتده دفن ایتدیلر یوسه حصارنده ولد حلاوتی محله سنده کی
 مسجد بولر ککدر ولایتلری التیوز اون الی تریخنده اولوب سن
 شریفلری قرق اش سنده در افس عسا کراسلام شهزاده حضرتلرینک
 وفاتله پر آلام ایکن الشمس پاره کفار کبکی کلوب اوتوزی بوغازی سد

ویند ایچون کلیبولی اوستنه کیتدیلر و اوتوزی دخی طوزله اوزرینه
 اون بشیک عسکر دوکوب سبیدی قواغنه چیقیدیلر وعسکر اسلام
 اوزرینه توجه ایتدیلر بو خبری عسکر اسلام طویحق میدان جنکه
 عزیمت ایتدیلر کرچه لشکر کفار غایت چوق و جنود موحدینک
 سردارلری اولدیغند قاعد ایک بشیوزی کلیبولی و سار فتح اولان
 ولایتلرده قالمغه بولر بولایرده بیک بشیوز مقدار ی قالوب مقابله به
 بردولی قدرتلری یوغیدی لکن جناب خیر الناصرینه توکل و مجزة
 رسول الله توسل ایدوب نعره الله الله ایلہ جنکه کیردیلر و مر دانه
 محاربه ایتدیلر اما چه سود بر مسلمة اون نفر کافر هجوم ایدر بالاخره
 عودت و شهزاده نک قیر شریفنه کلوب اغلیه رق روح لطیفندن
 استمداد و درگاه حق و روحانیت رسول الله دشمن دیندن فریاد ایتدیلر
 ناگاه بر خبر ایشدیکه بر عسکر مسلط اولوب اکثر کفاری رزم کاهده
 مر د ایدوب نیچه سنی دخی قاجر دیلر جنود موحدین بو کیفیتنی امداد
 حق بملکه قلیلرینی چکوب محل جنکه واردیلر که لاشه کفار خون
 آلودیا تورلر و کیمی فرار ایدرلر اولمده بولدقلری کفاری دپه ایتدیلر
 و فراری دخی تعقیبیه جلاله قیردیلر و تعریفدن بیرون مال غنایمه
 منظر اولدیلر و در دست اولان اسراک برینه بونجه عسکر یکن
 وارایکن هر یتمکزه سبب ندر دید کارنده یاسن بزه ایتدیکن د سبسه بی
 یلمز مکنز ایتدایزی لب دریادن آردیچون قاجمق کوسزدیکن بعده
 بوموده کی نیچه بیک سواری عسکرک اوکنده کی طال قلیج نوجوان ایلہ
 بزی خراب ایتدیکن دیوچک نوجوانک شکل و شمائلنی صور دقلرنده
 تعریفلری اوزره شهزاده سلیمان پاشا ایدیکی ظاهر اولیحق عسا کر
 مذکور مک من عند الله جنود غیبده ایدیکی اذعان اولنوب ملائکه
 عظامک صورت بشریه ورئیس ملائکه نک هیکل شهزاده به تمثیل
 ایتدیککی باهر اولدی چونکه کلیبولی محافظلری اجه بک وغازی فاضل
 شهزاده نک فوتندن یخبر ایدیلر اوتوز پاره کی ایلہ اوزرینه اون بشیک
 کفار کلدیکندن بمخله شهزاده به فریاد ناله لری آدلر یله کلد کده
 رؤسای عسکر دن اورنوس بک وقعه بی تفصیلا تحریر و برفاج اسرا ایلہ
 آدمارینی اجه بک ایلہ غازی فاضله کوند ریلر (پس کیفیت موی

الیهمانك مه لوملری اولیحق کان اسرانی محاصریه مشغول اولان
 كفاره کوندر دکلرنده انلردخی بولایره کی کفارک حاللری بونلردن
 اشیدینک همان خوف طاری اولوب ولایتلرینه فرار ایندیله (پس
 عسکر اسلام روم ایلنده کی وقایع سلطنت اورخان حضرت تلیینه سم
 وزیرا کدن مرکب عرضحال ایله اعلام و برسر دار تعیننی رجایه کلمنده
 شهریار کدین روم ایلی فتوحاتندن اگرچه مینهج اولدیله (ولکن
 شهزاده نیک فوتدن تمکین اولوب اولزمان سن شریقلری سکسانی
 متجاوز ایدی تابش صردای انالله ونداء بالالله ایله ظلام ایلی بیاض
 صبحه تحویل وانین وآه و فریاد بجا کاه ایله بیاض نهاری سیاهه تبدیل
 ایدرلردی آخر بو حزن و ملال سیبیلله وجود هما یونلرینه علت
 طاری اولوب اسیر فراش اولمقلرنده سلطنت دنیانک آخری فتاو عمر
 انسان و اقبال جهان بی بقا اولوب خصوصاً سکسانی تجاوز ایدن آدم
 کندینی ملک الموت ایله همدم بملک کرک اگرچه مراد عمر ترفیه عباد
 و توسیع بلاد و لکن اولوقمده کجی دیو ترک سلطنت ایتکه نیت
 ایندیله قافا امور سلطنت شهزاده مهسکرملری سلطان مراد غازی
 حضرت تلیینه منحصر اولوب روم ایلنده کی اعلی ایمان بی سر و سامان
 قالمق ناروا اولغله سلطان مرادی روم ایله سردار تعین و کندیلر
 دخی روم ایلی خصوصی برطرف اولوب سلطان مرادک زوم ایلندن
 عودتیه قدر تخت سلطنتده مکین اولق ملا حظیه سیله شهزاده بی
 مصیبتدن دعوت و بو خصوصاتی تفهیم ایچون برقاج کون یانلرنده
 اقامت ایتدر دیار و شهزاده سلیمان پاشانک المیله کندیلرده علامت
 موت مشاهده ایتکین سلطان مرادی حضور شریقلرینه چاغردوب
 امور سلطنته و دنیا و آخرته متعلق حکم آمیز و صایان و نصایحی تمام
 و کلمه طیبیه منجید میرکه (لا اله الا الله محمد رسول الله) ایله آخر کلاملری
 مسکی الحتام و کشتن جنازه خرام ایله کلرنده شهزاده حضرت تلی
 ملول و حزین وارکان دولت برآه وانین وجود پر نور حضرت سلطان
 اورخان غازی بی غسل و تکفین و شهزاده سلیمان پاشانک و فاتندن
 ایکی ماه صکره یدییوز التمش برتار یخنده بروسه حصنی داخلنده مناسرت
 نام و به معلا آسته دفن ایتیلر اورخان غازی نیک تاریخ ولادتلی انیور

سکسان ایندیکه ارطغرل غازی اول سنه وفات ایتشیدی و تار یخ جلوسلری
 یدییوز یکریمی التییر که بروسه اولسنه فتح اولمشیدی بو تقدیرجه سن
 شریقلری سکسان برومدت سلطنتلری اوتوز بش سنه اولور
 مقاله سلطنت سلطان مراد خان الشهبز بغازی خداوند کار

سلطان مراد اورخان طاب راه حضرت تلی یدییوز التمش تار یخنده
 تخت عالیخت هما یونه جلوس پیوردقلرنده ارکان دولت کلوب اجرای
 مراسم عت و دامشوس ایندیله شهریار عالیوار غازی خداوند کارک
 ضیعت مهابت و صعدای شجاعت و بیاضلری دیار کفاره و بلکه
 مجمع صفار و کاره ولوله انداز اولمشیدی مصلحت عباددن کلال کلامه
 ساریادش هانک بغمه و ساز و طرب و مضحک و لهو و لعب ایله تشییط
 خاطر ایندیله کلرینه بدل بونلر علما و مشایخ سالقه نیک نصایحلری نیکیرایله
 کسب نشاط ایدوب مالایه کلماتدن غایت محبت ایدرلردی جلوس
 هما یونلری اواننده یازید نام شهزاده لری وجوده کلکین بعد زمان
 معرکه و عاده شمرعت حرکتلرین کلاه نام هماینه بلندرم یازید خان
 دیشلیدی (بعد از ان) غازی خداوند کار تنظیم مصلحت و تدبیر
 امور سلطنت پیوردقلرنده نصکره روم ایلنده کی لشکر ایزاری سر
 و سردار اولیله خطراتک خلاه آه و زاری نیک سزاوار اولمقلله هم
 اولحوالیده فتوحاتله اشتغال و هم اول عسکرک تقویت و امدادلری
 اکیال نیشله زوم ایله غریمت پیوردیلر مقدم آل سلجوقیه مشغول
 اولغله دوات سلجوقیه طوائف ملوک لنده اولوب آل عثمانک فروشوکتی
 گورد مکجه خند ایدرلردی مقابله عدم قدر تیرندن فرصت
 گوزادرلردی غازی خداوند کارک روم ایله کجی کلری مسموعلری
 اولیحق فرمان اوغلی طوائف ملوک تحریک و ستملرنده کی کفار
 نکورلری جلب و بالاقاق ملک آل عثمان حدودیه هجوم ایندیله
 و شوبله قول و قرار ایندیله که خداوند کار کلجه به قدر جمیع بلدان
 آل عثمانی نهب و غارتله خراب ایله که بدخی قابل غارت اولمسه
 بو خبر روم ایلنده مسموع همایون ولیحق درحال ارکان دولتی
 کوزردوب جناب عز و ذواتقام نظم جملنده (جاهد الکفار و المنافقین)
 یوردیلر بو تقدیرجه بواکی فرق به سال سیف انک مشر و غدر (لشکر

نظم جلیله کفار مقدم ذکر اولمغله کفاری تقدیمه بوسمه او ازم
جذبی ترتیب ایشیدم انبیق ملوک قرامان نیچه کروغله اتفاق وعهد
ومیناق ایدوب ملک مجروسه مزمارتنه عزیمت و اهل اسلامی اضرا
نیت و مسنوردی قریه خسارته جسارت ایشیدم بلاد معظمه مزه
اهانت ایشیدم اناطولی جانیده کیده لم می یوخسه بو طرفده کی کفار ایله
محاربه ایده لم می یورد قیلنده جله سی ابتدا اول فتنه بی دفع اهدر
دیوجک بر موجب فتوای شریف برق خاطف کی اناطولی جانیده
کچوب عسا کر قرامانیاں اوزرینه الفار و جله سنی تارمار ایتد کد نصر کره
انقره حصارینی محاصره ایتد کارنده حصار مذکور انکوریه اخیلر نام
کیمسار تصرفنده ایدی امان ایله قلعده بی بعد التسلیم کر انبها هدایایله
کار برکاب همایونی تقبیل و تلیم ایدوب بنده اولملریله مدینه انقره تک
یدیوز التمش ایکی تار یخنده امر محافظه سی کورلد کد نصر کره غازی
خداوند کار بروسه یه عودت یورد دیلر (چونکه غازی خداوند کار
زمانده کلنجه اورخان غازی سلیمان پاشا دن غیری یه بککریک بکک
منصبی و برلمشیدی خداوند کار غازی پشاده سی صبی اولمغله
لالا ساهین بکک بککریک بکک احسان ایدوب روم ایله عسکر
کچور مکچون اول کارلرده سفاین بنا سنه تعیین یورد دیلر و هم اولوقته
قدر سفرلرده مستقل قاضی اولوب سفر وقوعنده پای تخت قاضیسی
یرینه نائب براغوب کندیلری کیدر لردی بودفعه بروسه قاضیسی
جانداری قره خلیل افندی قاضی عسکر نصب اولوب بالذات روم ایله
کچیلر (چون غازی خداوند کار یدیوز التمش اوچده روم ایله کچیلر
برادری سلیمان پاشا تک مرقد شریفی بعد از یاره واروب بنطور نام
حصاری محاصره ایتد کده ضروری تکوری امان ایله حصاری تسلیم
ایلدی و اندن واروب چورلی قلعده سنی دخی محاصره و بوجه اطیفه تکورینه
قبول جزیه و اطاعت تکلیف اولند قده تکور مسفور بی ادبانه حرکت
ایتمکین امر محاصره صقیجه طوبیلوب بر غازی اوق ایله تکورلر کوز بی
چقاردی بو خبر اوردی همایونه کلچک بافرمال شهر یار سپاه عنکوت وار
باروی حصاره جیفوب جمع مال و منالی بغداد نصر کره تکور کوری حضور
همایونه کتورد کلرنده قتل و انوب سر مغطوعی عبرت ایچون کفار هدیه

کوند رادی و چورلی حصاری هدم ایتد براد کد نصر کره مسلکی قلعده سنه
توجه یورد یلیجی تکوری اطاعت و قبول عقد ذمت ایتمکله مظهر عفو
اولند قده نصر کره بورغاز حصارینه وار یلوب کافری فرار ایتمکله حصار
کلیا هدم اولندی (چونکه) مرحوم سلیمان پاشا ملغره جانبدن طاغ
ایتکنده اولان قلا عک ضابطی و اولجوالیده کی کفارک فتحی حاجی ایلبکی
غازی یه واصله جانبدن دریا کارنده کی قلا عک محافظه سنی و اول
سمتده کی قلا عک فتحی اورنوس بکک احاله یورد مشیدی بونلرک صدای
شجاعت و اقتدار لری میناه کفارده سویلنوردی سلیمان پاشا وفاتندن
ایکی ماه صکره اورخان غازی دخی وفات ایدوب غازی خداوند کار
اناطولی بده دفع فتنه ایله مشغول اولدیغندن عسکر اسلام روم ایله
سردار و حاکم بر سنه دن تجاوز قناره کی غنم کی پریشان ایکن اعداء
دین بویه وقت و فرصته عسکر اسلامه حصاره جسارت ایده مز لردی
ویند اول ایکی دلا رسیدر پی دیار کفاری خراب ایدر لردی حتی حاجی
ایلبکی یدیوز التمش یکیده مریج کک کارنده کی بو غار نام قلعده بی
فتح ایدوب انده نمون واکر و فائده اطراف آقین ایدردی بوشاده
پادشاه انام چورلی و مسلکی قلعده لریک فتنه مشغول ایکن حاجی
ایلبکی بنده آقین بچون پر کینه بوغاز قلعده سندن چیقمشیدی مکر
اولکجه دیمتوقه تکوری دخی حاجی ایلبکی بی بوغاز قلعده سنده شبخون
ایتمکله جیفوش حاجی ایلبکی نصف لایله عسکر کفارده راست کلوب
تهلیل و تکبیر ایله محاربه ایتمکله بعونه شجاعت اکر کفاری قهر و تهمیر
و تکوری اسیر و فرار ایدن کفاری دخی تعقیله واروب دیمتوقه قلعده سنی
محاصره ایتد کده تکور مسفورک اوغلی قلعده دن باباسنی اهل اسلام انده
محروس و خلاصدن مأیوس کور یچک دیمتوقه قلعده سنی دروننده کی
امول ایله وروب باباسنی خلاص و قلمه مذکور بی یدیوز التمش اوچده
تسلیم ایتد کده حاجی ایلبکی دخی وفات جلیله بی خاک پای همایونه
محر بر ایلدی مکر واکو ندرده اورنوس ک دخی کسان قلعده سنی فتح
ایدوب رکاب همایونه کدی بویو خبر دخی اوردی همایونه واره غین
جمله عبد ربلائی عیله ایتدیار (بیر حاجی ایلبکی قلعده مذکورده تک امر
مخ فظه سنی کوروب کر انبها هدایایله رکاب همایونه وارد قده مظهر

النفات حضرت شهر یاری اولدی (بعد از آن) روم ایلی بکلی بیکی لالا
شاهین پاشا موراد درنه فتحه کیدرکن ره راسته ساری دره نام محله
کله کده مکرادرنه نک اندرنه نام نکوری لالا شاهین پاشا نک کندی
اوزرینه کله حکمی ملو یوب اشکر کفار ایله ساری دره به یقین محله کلسیدی
همان اندرنه اشکر اسلامه هجوم ایدوب نیجه مسلمینی اگر چه شهید
ایلدی (ولیکن پاشای مشارالیه غیرت و منانت ایتمکله آخر کفار منهزما
فرار ایتد کلرند پاشای مشارالیه دخی کفاری ادرنه حصارینه کیر نیجه دک
فیروب حصار مذکور محاصره ایلدی و منانت حصار کوریوب
قیمی خصوصی شهر یار کزینک محبته محتاج اولدیفندن بو کیفیتنی عتبه
همایونه تحریر ایتدیلر پادشاه اسلام ایسه بابا اسکینک فتحه عریمت
پیور مشلر ایلدی لالا شاهین پاشا نک عرض حالنی کور یچک الفار ایله کلوب
ادرنه بی محاصره پیور دقلرند درون حصارده کفار قرار ایدوب
برکیجه نکور مسفور اندرنه اهل و عیال و مال و منالنی الوب سفینه ایله
مریچدن ایتر قلعه سنه فرار ایلدی اینه سی کون قلعه ده کی کفار امان ایله
یدیوز التمش اوج تاریخنده قلعه بی تسلیم ایتد کلرند امر محافظه سنه
لالا شاهین پاشای تعیین پیور ووب ذات همایونلری پای تخت تعیین
پیور دقلری دیمتوقه به عریمت پیور دیلر ادرنه نک نامی نکور مسفور
ادرنه نامندن تحریف اولمشدر (چونکه) غازی خداوند کار حضرتلری
اورنوس بیکی جانب جنوبه ساحل دریاده کی دیارک فتحه تعیین
پیور مشلر ایلدی اولدخی دیار کفاری نهیب و غارت ایدوب رک واروب
یدیوز التمش اوچده که لجنه و دردار قلعه لرینی بعد الفتح در ونه آینه
ورونده ایچون عمارت و مهمانخانه بنا ایلدی (بعد از آن) شهر یار کزین
حضرتلری لالا شاهین پاشای زغرہ فتحه تعیین پیور دقلرند اولدخی
واروب سنه مزبوره ده زغرہ و اطرفنی بعد الفتح مال غنایم ایله عونت
ایتد کده قره سی سنجانی علما سندن قره رستم افندی زیارت پادشاهانام
ایچون او اوانده روم ایلنه کلسیدی ظهور ایدن اموال غنایمندن خمس
شرعی آلمدیغنی کورمکین قاضی مسکر خلیل افندی به واروب (واعلموا
انما غنمتم من شیء فان الله خمسہ) آیت کریمه سنیتد کیر حضور همایونده
مضمون آیتی تفسیر ایتمکله اول امر شرعی سنه مزبوره ده مرعی قلندی

(بعد از آن) شهر یار عالی وقار امر اکر امک هر برینی بر محلاک فتحه
تعیین پیور دیلر خصوصاً لالا شاهین پاشای قلبه نک فتحه بعد تعیین
یدیوز التمش درت تاریخنده برومیه عودت پیور دیلر (چون) لالا
شاهین پاشا ادرنه دن قلبه قرینه واردیلر مکر قلبه نکوری قلبه بولی
وقعه دن خبردار امش اشکر ایله کلوب جنکه باشلد یسه ده عدم
مقاومتدن قلبه حصارینه فرا ایتد کلرند پاشای مشارالیه دخی قلبه
حصارینی محاصره اید یچک ضروری حصارنی تسلیم ایدوب نکوری
سرف حاکی طرفه کیند کده امر محافظه سی کوراء کده نصکره
لالا شاهین ادرنه به عودت و خبر فنی برومیه به رکاب همایونه عرض
ایلدی شهر یا عالیوقار لالا شاهینی اول شهرک تعمیرینه تعیین پیور دقله
اولدخی شهر مذکور بعد تعمیر درون شهر دن جریان ایدن مریج
صوبی اوزرینه طوی ایکی اوق آتمی قدر برواسع جسر بنا ایدوب
تعمیر یچون وقف ایتدیکی عقاراته مستقلاً ناظر تعیین ایتدیلر (وقتا که)
قلبه نکوری فلسولی اولاد و عیالیه سرف حاکی دستبونه ملاقی
اولدی عسکر اسلامدن داد و فریاد ولالا شاهین پاشا دن انتقامنی
الیورمکه استعداد ایتد کده دستبوت دخی بوسنه و انکروس و افلاق
قرالرینه نامه یازوب عساکر اسلامی کلیا آره لقندن قالدردق نیته
بالاتفاق یوز یکدن زیاده عسکر ایله ادرنه اوزرینه حرکت ایتد کلری
پاشای مشارالیهک مسموعی اولیچق فتح اولان قلاعتک محافظه سنه
و امور اولان عسکر دئماعداد معتلرند بولنه پیور عسکر اون بیکه
وارد و ارمز اولدیفندن امرانی دعوت و بعد الاستساره بوامر دشواری
رکاب همایونه عرض حاله بحاله امداده نشر یقلرینی نیاز ایتد کلرند
غازی خداوند کار دخی عسکر اسلامه امداد واجبه ذمت اولدی دیو
یدیوز التمش التبتده بالذات روم ایلنه عزیمت ایدرکن بغا حصارنی
کنارینه وارد قده وقت محاربه به قرق الی کور وارد دبو عسکرک
برازینی اید نیچق و کلیولی ستملرند کی سفاینی احضار ایچون تعیین
وبقیه سبله بیغا حصارینی محاصره و بعد الفتح روم ایلنه اگر چه عبور
ایتدیلر فاما شهر یار کزین وقت محاربه به قرق الی کون وارد دیو
تخمین پیور مشیدی کفار ایسه تخمین پیور یلان و فندن قرق الی کون

مقدم الغار ابله ادرنه به ایکی قوناق قاله مزین کزار بند کادیلر بو خصوص
 لالاشاهین پاشاک معلومی اولیحق امرای دعوت و بعد لالاشاه
 عسکر اسلامی تخمین ایتدیله که اون بیکه قریبدر لشکر کفار ایسه
 یوز بیکدن زیاده در کمال یا سله اغلیه رق جناب چاره سازه تضرع
 و نیازه باشلدیلر (پس حاجی اورتوس ک حاجی ایلیکی کی نامدار لایلر
 واروب لالاشاهین پاشایه و سائر غار پلر شویله خطاب ایتدیله که
 بچون حیرت واضطراب سزی اسلیه بایدر بوامرک اولسه اولسه
 غنی مهادتدر اوسعادت ایسه بزم جائزه مندر قانلیکه کدر بزم شویله
 بردیار نصیب اهل اسلام اولمشکن بته کفار ایسه کیرمه فکریدر
 بودخی بزم المزدن کلمه اراده الهیه بودیاری بد کفاردن ضیانت ایسه
 اسبابی خلق اتمکله جمیع ملوک کفار اتفاق ایتسه هر ظفر بوله منزل
 بو خصوص صاحبیه حواله ایدوب آمین واورز کفارک کترتی تقریری
 فرض ایده لم که جمله مر شهید اولورز اندن دون نامرد اولسون
 وسعادت آخرتی دنیا عمرینه فدایدن یارین دیوان حقه جراسنی
 بواسون اون بیک قدر آدمز جنک ایدرز و غایه ده بودیاری وشوکتلو
 حکارمزی جناب حقه اصمربوب جنت اعلایه کیده رز دیدکارنده
 جمله شرح الصدرا و لغله بونیت الفاتحه کلماتیله مجلس مشورت
 تمام اولدو نسرکه غازی حاجی ایلیکی عسکر کفاردن لالاشاهین پاشایه
 خبر کتورمکه ایاتی عسکر یله تعیین اولمغه برکون وقت احسانده
 واروب عسکر کفاره یقین بر بایرک اوزرنده بر مقصدار تفسد نکره
 بر ماسب محله جیقوب عسکر کفاری کوردنیکه بر دریای فی پایاندز
 درگاه الوهیه تضرع الایمان ایدرکن خاطرینه کلمه بیکه اگر چه
 عسکر کفار قاتی خوف و بزم اندریله جنکه کترتلی تقریری قدرتمز یوق
 (الجرت خدیعه) حدیث شریفی اوزره یاننده کی عسکر اسلامی درت
 باوک ایدوب ساعت فلانیده کفاره هجوم اتمک اوزره اول شب تارده کفارک
 اطراف اربعه بتی احاطه ایدوب ساعت مذکوره تک وردینه منتظر
 اولدیلر کفارک ایسه کیمی کباب و شرابه و کیمی عورت ابله خامه خواگه
 نصف لیلده مست لایعقل خوابه وارد قلعه ده اطراف اربعه دن
 بر غافل تلیل و تکبر قوی یحق بزم عثمانلی باصدی صداسیله اوردوزم

بر پشته کربوب بر قیامتدر قوی دی کفار عسکر گرنه ورنه تک مقیدار بی
 بیلزل و اولمخلده شخون ایدو جکر بته احتمال و بزم لر دی بو پریشالمق
 ایلد بر پشته قلیج حکوب صباحه قدر شویله قیردیله که کندوردن
 زیاده عسکر ابله مدابله رینه واراسه بو طرزه مطلوب اوزره انتقام
 الحق خاطره کلزدی و کفسارک برازی دخی عسکر اسلام قیروب
 ماعداسی فرار ایتدیله صباح اولوب کفارک حالاری آشکار اولیحق
 حاجی ایلیکی سجده شکر ایتد کدر نسرکه اوراده قلان کفاری دخی
 قتل و ماعداسنی اسیر ایتدیله و بحساب مال غنائم ابله مغتم اولدیله
 بو خبر فتح و نصرت ادرنه ده لالاشاهین پاشایه واریحق جمله امت محمد
 ابله عید ایتدیله (فاما لالاشاهین پاشا بوقت قریب حاجی ایلیکی به
 نصیب اولدی قی چکه میوب آخر اویله غازی بد نظیر و پیر صاحب
 تدبیری زهر اوشربت ابله شهید ایتدردی طیب الله راه و جعل الجنة شواه
 (پس لالاشاهین پاشا بو خبر فتح و ظفری رکاب همایونه یازوب روم ایلنه
 عبور اولمق اتمامنده بشدرمکله پادشاه کامکار دخی روم ایلنده کی امرایه
 و پاشایه عالی خلعتلر کوندروب بروسه به عودت بیوردیلر (بعد از ان غازی
 خداوند کار بروسه ده سرای عالیلی قارشو سنده حصار جامعی نام حاجی
 بدیوز التمش الی ویدی تاریخلرنده بنایوردیلر بعده بروسه به بر ساعت
 بعدی اولان چکر که نام مجلده دخی بر جامع رعنا و اوزرینه مدرسه
 و اتصالد بر عمارت انشایوردیلر و اولمخلدن جریان ایدن صیق صو
 اوزرینه اسکی قیولجه دینلن جامی بنا ایتدیله که صوینک امرایض
 جلدیه و عروق واعصابه متعلقه علت نفی بحر باندندر بوناره نیت
 پیوروب بر استاد ماهرک تدارکی ملاحظه سنده ایکن استانبول تکوری
 یلاق آبادی تخریب لچون بر قاج کی عسکر کوندر مشیدی اول
 سواخلده کی عسکر اسلام کلن کفاری بوزوب و افراسیر کوندردیلر
 اول اسیرلردن برهنر او معمار ظهور اتمکله مارالبان ابله تک معرفتیه
 حصوله کلدی و بته بروسه ده کوکدره مقسمنده کی جامع شریف دخی
 غازی خداوند کار کدر و یله جکده دخی بر جامع شریف ابله یکشهرده
 پوستین پوش نام ذاته بر خانقاه بنایوردیلر و بته یکشهرده بر جامع
 شریف و محتاج و مانیاس و کونان قصه لرنده بر جامع و بر حمام

بنا ایدوب خاملرک ایرادنی جامعلره تعیین بیوردیلر و شهزاده لر
بایزید خان و یغوقوب چلبی و ساوجبی بک ایچون جمعیت ختان ترتیب
بیورمغله اسواق محروسه بروسه ترین اولندی (بعد از آن) غازی
خداوند کار برای غزاروم ایلنه عزیمت و تختگاهلری اولان دیمتوقده
اقامت بیور و بادرنه قریبده کی چرمین نام حصارک فتحه هسکر
کوندر دکلرنده بدیوز التمش سکرده نکوری امان ایلنه قلعه بی تسلیم
ایلدی (بو اثناده) پادشاه عالمناه روایسته بر پیرنورانی ایلنه بر فضای
فرحفراده کشت و کذار و اول صحرا به بر سرای عالی بناسنی اشارت
بیور لر پیدار اولیچق اول صحرائی بولمغیچون کرر لایکن ادرنه ده
شمعی سرای همایون اولان محله کلا کلا کلا روایده کورد کلری فضا
اوراسی اولدیغنی بلوب اول محله سرای عالی بناسنه فرمان بیوردیلر
ارکان دولت دخی اطراف و اکشافنه نیجه اینه بنیاد ایدوب زمان پسیده
جمع کثیر توطن و نیجه بساتین و باغات و معابد و مدارس و خانقاه
و مسافرن ایچون آرامگاه و معلمخانه و کاشانه و چار شول و بازار
و خانلر و کیریلر بنا اولمغله بر سواد اعظم اولمغین سلطان فلک کنوان
اول محلی تختگاه تخت بیوردیلر (پس) سلطان جهان مارالیا
ایتیه ایلنه مشغول ایکن تیمور طش بکی قزل اغاج بکیجه سنی و یاتولی
فتح و لاشاهین پاشایی احتمان و صماقو بی یغما به کوندر دکلرنده
تیمور طاش بک ایتیه واروب قزل اغاج بکیجه سنی محاصره ایلیچک
ایچنده کی کفار امان ایلنه قبول چریه ایتیه فتح اولوب اندن یاتولی
قلعه سنی مدت و فتره محاصره و اقدام ایتیه کی کفار ضروری
قامه بی تسلیم ایتیه ایلنه اموال غنیمت و خبر فتح و نصرتله ادرنه به
عودت ایتیه لر مکر لاشاهین دخی احتمان و صماقو طرافنی نهب و غارتله
عودت ایتیه سیدی بویکی سردار شجاعت آتارید بیوز التمش سکرده
مظهر التفات شاهانه اولدیله (پس) ادرنه سرای بدیوز التمش طقوزده
تمام اولمغله شهر یار کامکار اول قبش دیمتوقده قشلا یوب اول بهارده
واروب ایدوس حصار بی محاصره بیور دکلرنده بلا چنک ایدوس
نکوری تسلیم حصار ایتیه اندن ارغمال و قارنی اواسی فتحه اشغال
بیور بللیچق اول دیاردخی داخل نصرف اهل اسلام اولدقده امر

محافظه سنی کوز بلوب اندن سوزه بولی حصار بک فتحه باشلا ندقده
نکوری ضروری تسلیم حصار و حمله سنی خراج کذار اولدیله
و خبر بولی دخی فتح اولمغله پادشاه اسلام ادرنه به عودت بیور و بدیوز
تمش شتاهین سرای چنک آساده کچوردیلر (چونکه) شهراده سلیمان
باشانک و فانتدیر و وزیر اعظم نصیب و تعیین اولمغشیدی شهر یار
کامکار حضرتلری اول آیین دیرینی اجرا ایچون یاتلرنده قاضی عسکر
بولان چانداری قره خلیل افندی بی بدیوز تمشیده وزیر اعظم
ایدوب خیرالدین پاشا اسمیله بنام بیور دقده نصکره سنه مزبوره اول
بهارنده جیوش دریا خر و شله قرق کنیسا فتحه عزیمت و زمان قلیلده
فتح ایدوب اندن بیکار حصار محاصره و یغما اذینله فتح اولدقده
عمله برار اهل البسی در زنجیر و معاندلری طعمه شمشیر اولندی بوندن اقدام
پادشاه اکرم حضرتلری قرق کنیسا فتحه کیدرکن و بزه حصار بی
محاصره و کفار بی نصیب ایچون میخال او غانی کوندر مشلر ایدی
قرق کنیسا و بیکار حصار فتحه نصکره و بزه حصار بینه وار بلوب
برماه مقداری محاصره دقده نصکره کفار امانله قلعه بی تسلیم ایتیه
انچق قلعه مذکوره استانبوله ایکی قوناق قریب اولدیغندن استانبول
نکور بک تفرجگاهی اولمغین اناک نمرضندن امین اولمغیچون پادشاه
عالمناه شیر مرد نام بندل بی امر محافظه سنه نامزد بیوردیلر (بعد از آن)
پادشاه اسلام بش سنه مقداری روم ایلنده آرامد نصکره لاشاهین
پاشایه قلبه بی توجیه و احتمان و صماقو و لایتلر بی فتحه سردار تعیین
ایدوب بروسه به عودت بیوردیلر (پس) لاشاهین پاشا دخی صماقو
و احتمان و لایتلر بینه کیدرکن قاپولی در بند نام محلی کفار سد و بند
ایتیه ناچارانده مکث ایلنه دیوار بی یقده بروب در بند جبارک کینی قتل
و کینی اسیر ایتیه کد نصکره واروب احتمان و لایتلر فتح و رعایا سنی
خراج کذار ایلدی و اندن صماقو و لایتله کیدرکن چورلی صحرا سی
لاس کافر یله مال مال کورلد کده عسکر اسلام عدد اقل ایسه ده
متو کلا علی الله مقاتله عظیمه دقده نصکره کفار مقهور اولدقده
صماقو جزئی محاصره ایلنه فتح اولمغین اندن قلبه به عودت ایتیه
ارته سنی سنه اولهارنده صارویار دیار بینه الغار اولمغله اولحوالده کی

ممالك اهل بسى خراجكزار اولديلر واندن واروب صوفيه ديارينك
حوالبسى شخسونه نمب و غارت وينه قلبه به عودت ايتديلر پس
لالا شاهين پاشا يديوز يتش ايكي ويتش اوج سنه لنده بونجه خدمت لنده
بولنوب خبر نصرت ايله ركاب همايونه عالى هدايا تقديم ايلدى
(بعد از ان) التون و كوش مقديله اشهار بولان ديار بلغار قسطنطين
نام كافر تصرفنده اولمغه قوت و اقتدار يته مغرور ملوك نصارا نك
برينه سرفرو ايتزدى يديوز يتش اوج تاريخنده روم ايلنده كي
امرا ديار بلغارى فتح ايجون شريف پادشاه عالمناهى رجا ايتلر يله
پادشاه حضرت لرى دخی روم ايلنه كچوب كستنديله طوغرى عزيمت
بيورد فلرند قسطنطين اشيد يچك كرايهها هدايا ايله ركاب مستطابه
كلوب ولايتى تسليم ايتد كده ولايتى اهل بسنه جزيه تعيين اولنوب
ككندى دخی ولايتنه والى نصب اولند قد نصكره پادشاه انام بروسه به
عودت بيورديلر (چونكه) مقدما ويزه حصارينك محافظه سنه
شيره مرد نام دلاور تعيين اولمشيدى بو ائاده استانبول تكورى عسكر
كوندروب ويزه نك اطرافى غارت و ويزه بي آلمغه نيت ايلدى ديو
شير مرد طرفندن ركاب همايونه عرض حال كلكده اناطولى امراسى
سفرده بولمغه روم ايلي امراسنه ملغره ده اور دوى همايونه ملحق
اوللر چون فرمان اوليحق موكب همايون ملغريه وارد قده لالا شاهين
پاشا و سائر روم ايلي امراسى اناطولى عسكرينه ملحق اوليحق حضرت
خداوند كار دولت عليه نك مرید شوكت و قسدرتتى مشاهده برله
حق تعالى به حمد و ثنا ايدوب استانبول تكورينك حقندن كلمكه
بوقدر عسكر نه لازم ديو لالا شاهين پاشايى وافر عسكره سردار ايدوب
قره چك شهرينى فتحه كوندرديلر و كنديلرى واروب استانبوله بر قوناق
قاله انجوكز قلعه سنى محاصره و ايكي اوج كرنده فتح ايدوب ايشه
برا بانلرينى اسير ايتد كد نصكره جبال بورغاز جاتنه كيتد كارنده
حاکم بورغاز كلوب ركاب مستطابه عرض اطاعت ايلدى بو ائاده
لالا شاهين پاشانك قره چك قلعه سنى فتح ايتديكى خبرى ظهور و عقبنده
لالا شاهين دخی ورود ايلدى واندن واروب بولونيه حصار يكه بر كوچك
قلعه در اون بش كون محاصره و محارب ايلد كده فتحى تصعب ايتديچك

شهر يار هالقدار غصه كلوب بويقه لاجك ايله بونجه وقت كچورمك
سارفتنى مهمان و انلرك تأخير نه سبب اوله يوز مكر بونى تكورى ييقه
بيوروب محاصره سنه عسكر تعيين و كنديلرى قره دكز كنارنده
براغاجك سايه سنه انوب جزئى استراحت بيور مشلر ايدى او ائاده
بولونيه قلعه سنك پرديوارى ييقلدى ديومرده اولد قده پادشاه انام
مسرور اولوب لالا پاشايى كوندرديلر و بومرده اول درخت آلتنده ايكن
ظهور ايتكله اول درخته دوللو قواق ديتندى پس لالا شاهين واروب
بولونيه قلعه سنى فتح و اهل بسنى ابقا و بونجه مال غنائم ايله ركاب همايونه
عودت ايلدى واندن پادشاه اسلام قشلاق ايجون ادرنه به عودت
بيورديلر (بعد از ان) پادشاه جمجاه وزير اعظم خير الدين پاشايى
يديوز يتش بش تاريخنده روم ايلنك جانب غربيستنه ساحل درياه
قريب يورلى واسكنه و مارولىه قلعه درينك فتحه كوندرديلر و اورنوس
يكي دخی معينه قوشديلر خير الدين پاشا كلكجه ده اقامت ايتكله
اورنوس بك سار امر ايله واروب يورلى واسكنه قلعه درينى بعدالفتح
اهل بسنى يرلنده ابقا و امر محافظه سنى ككورد كد نصكره واروب
مارولىه بي محاصره ايتديلر اول قلعه مارولىه نام عورت تصرفنده
اولوب قرابت مناسبتيله سيروز حاكمندن استمداد ايتديسه ده وقت
اوزاد يفتدن آخر مارولىه مال فراوان عرض ايدوب امانله قلعه بي
تسليم ايلدى حالا اول حصاره عورت حصارى ديرلر (بعد از ان)
پادشاه عالمناه خير الدين پاشايى يورلى سمنه كوندرد كده سيروز فتحه
دخی دلى بليان نام بندلرينى كوندرمىشيدى حتى مارولىه سيروز حاكمندن
استمداد ايتد كده دلى بليان سيروز قلعه سنى محاصره ايتشيدى بود قعه
خير الدين پاشا ركاب همايونه فتوحاتله كلكده لالا شاهين پاشايى
سيروز فتحه كوندرديلر اولد دخی ره راستنده قواله قلعه سنى ادنى توجهله
فتح ايدوب اهل بسنى يرند بعدالابقا واروب دراهم و زخنه قلعه لرينى
دخی ادنى همتله فتح ايدوب رعاياسنه برزبه عدالت ايتديلر كه ساكفاز
يك جانله بنده آل عثمان اولمغه جان آتديلر حتى سيروز حاكمى سايه
آل عثمانده بو كونه راحتى كورمك ين عرض اطاعت ايلدى بو ائاده
قره فريه اهل بسنى دخی عهد و امانله اطاعت ايدوب قلاع مذكوره

کفاری بجهل جزیه بی قبول ابتدا کردند امر محافظه لری کورولد کد نصکره
 پاشای مشارالیه بدیوز یتش التیده مال غنایم ایله رکاب همایونه عودت
 ابتدا کردند شهر یار شهر اقتدار دخی بروسه به عودت پیوردیلر (بعد از آن)
 سرف کفار یتک اهل اسلامه بدور و ازاسی مسموع همایون اولیحق بدیوز
 یتش یدی سته سی اوله اهرانده روم ایله کذار و سرف حاکمک ممالکنه
 الغارایه دکرانده سرف قرالی ممالکنده مال و اشیا و تقودینی قلعه لرینه
 وضع و ترلارده کی مخصوص لاتی احراق و زخیره نامیه برجه براقیوب بجهل
 صرب طاغله فرار ابتدا دیلر پادشاه دخی سرف ولایت کدیلر که کفاردن
 اثر قالمش درت ماه کشت و کذار ایله کفار سرفدن اثر بولامدیلر آخر
 خط و غلایه ده دوچار اولجه صفر الید عودتی روا کور مملکه سمندره
 قربنده یتش قلعه سنی فتحه عزیمت پیوردیلر مکر قرال نفایس اموالی اول
 قلعه به وضع یتش پادشاه منصور بدیده اولحصاری محاصره و محاربه
 پیوردیلر بالاخره بقما ایله جبر و قهر افخ ابتدا کردند بونجه اموال نفیسه دن
 باشقه موجود اولان خطه و شهر عسکر اسلامه وافی اولدی بویکیفتی
 سرف حاکمی طویلیحق یتشین اوج سته لک خراج کوندروب غب ذ
 پهر سته الی وقیه کومش کوندرمکه تعهد ابتدا کده جرعی عفو اولوب
 یتش قلعه سنک امر بخا فظه سی کورلد کد نصکره بروسه به عودت
 پیوردیلر (بعد از آن) غازی خداوند کار حضرت لری بدیوز یتش سکرده
 روم ایله کچوب صاصمنوس نام کافر تصرفنده اولان سلسره ویکه بولی
 ولایتلر یتک فتحه عزیمت پیوردیلرند صاصمنوس کرانبها هدایا ایله
 رکاب همایونه کلوب رومال ایدیلرک هر سفرده امر همایون صدور
 ابتدا کجه عسکر یله کلوب خدمتده بولمقی شرطیه ولایت کندی
 والی تعیین پیوردیلر (چونکه) لالاشاهین پاشا کرچه شجاع و جسور
 و مدبرایندی ولکن خدکار اولمغله منخوم حاجی ایلکی به ابتدکی
 غدیری که وگا بعضی امرالساندن مسموع همایون اولمغین بدیوز
 یتش سکرده روم ایلی بکار بکیلکندن عزال اولوب منصبی تیمور طاش
 غازی به توجیه پیوردی واقعا تیمور طاش غازی یتک آثار خیریه سی
 بدشمار در (پس) شهر یار و قور حضرت لرندن بونجه فتوحات پیایی
 صدور ابتدا کجه مینی اطرافنده کی ملوک تجدد صداقت و تآکید مودت

ایچون تهیه نامه لر ارسا لیله عرض خلوص ایلدیلر از بجهل کوتا هیه
 پادشاهی کر میان اولی رکون اوغلی یعقوب چلبی به اوغلم بوال عثمان
 مظهر عنایت رحماندر بو خاندان الی اخرالدوران برقرار او اولر
 بو خاندانه انتسابه قرابت ایدلم همیشره کی مخدوم مکرملری بایریدخان
 ایچون قبول و سنی خدمت علیه لنده تربیه پیورمغیچون تضرع و نیاز
 ایدلم حکم دید کده یعقوب چلبی دخی پدر یتک رأینی استعسان و خدمت
 علیه لرینی باعث سلامت دو جهان بملکه یونیزی متضمن عرضحال
 تحریر و جهاز نامیه کوتا هیه و صما واکری کوز و طوشانلو قلعه لری
 ویرلک اوزره ادرته ده رکاب همایونه تسیر قیلند قنده رجاری قبول
 پیوریلوب دو کون ایچون بروسه بی تشریف پیوردیلر و امر اوسار ملوک
 اسلامیه دعوتچیلر کوندروب بدیوز سکسان اوج اوله اهرانده بروسه ده
 بر محمل فرخ قزاده علما و صلحا و رجال و امر او مشایخ و فقرایه ضیافت
 اولندی و ملوک اطرافدن کران بها کونا کون هدایا ایله کلن ایلر مظهر
 افتات اولد قند نصکره کلن آلق و عقد نکاح لوازمی رؤیت ایچون
 بروسه قاضی قوجا افندی حرمیه له و امیر علم اولان آق سونقور
 اغا دخی حرمیه و چاوش باشی سوله اوغلی تیمور خان چاوش و شهزاده
 حضرت لر یتک دایه سیک بیک قدر رجال و نسا رسال پیوردی کوتا هیه به
 قریب وارلد قنده کر میان اوغلی ارکان دولر یله بونلری استقبال
 و کال توقیر یله بر محله ازال و انواع ضیافت نصکره بجهل سته شاهانه
 خلعتلر کدردی و بعد العقد دختر مکر مینی بروسه افندیسی حضورنده
 کلن خوانینه و عد اولان قیلاک مفتا حایر یله تسلیم ایلدی
 و چاشنکیر باشی پاشا جق اغایی یانلرینه قوشوب خاتونی دخی یتک
 ایلدی پس آق سونقور اغا و بریان قلاغک امر اوزمنی بعد الاکمال
 بروسه به راهی اولد قیلنده امرای دولت آل عثمان بونلری استقبال
 و عروسی حرم همایونه ادخال و اولکجه زفاف اولندی (بعد از آن)
 بدیوز سکسان اوج سته سیکه یلدرم بایزید خانک هنگام تزویدر
 غازی خداوند کار حضرت لری دختر پاکیزه سنی قره مان اوغلی علی بکه
 تزویج پیوردیلر نظر سلطانی اکنتساب و خاندان آل عثمانه انتساب
 ایتدم دیو اصلاح نفیس ایتک لازم ایکن ذاتنده مر کوز اولان خیاشندن

خالی اوامه به بعد زمان بلاستی بولشدر (چونکه) حید ایل مالکی
 حسین بک الجبسی شاه سوره ساز الجبلایله برای وداع حضور همایونه
 کرد کده پادشاه عالم شاه حضرتلری برادرم حسین بکه بزدن سلام ایله
 بتمزده اولان انس الفت مقتضای کنیله بزدن بر رجا مزار در قره مان
 اوغلی علی بک بکاکره اکثریا تمهیدانی وار قره مان دیارینه قریب
 حیدایلندن بزه بر قاج قلمه فروخت اینسونلر بیوردیلر ایدی حسین بک
 دخی قره مان اوغلندن بزار اولمغه بو خصوصه راضی اولدیلر ایدی
 او ائاده غازی خداوند کار کونا هییه سیرینه عزیمت بیورمشلر ایدی
 حسین بک پادشاه حضرتلرینک قلاع مذکوره ایچون حید دیارینه
 سفر ایتدیلر طنبله آدم کوندروب بک شهری و سیدی شهری و یلواج
 و قره اغاج و اسبازنه و لایتلرینی تمیلک ایتدکده انلزدخی مبالغ کیره
 کوندروب بوش بلده باجحت شرعیله اشترا اولاندقدنصکره شهریار
 کاسکار بروسه به عودت بیوردیلر (بعد از ان) پادشاه علاءتمو فور تیمور
 طاش بکی پرله و مناسیر و لایتلرینک فتحه تعیین بیوردقلرنده اولدخی
 ابتدا پرله خصارینی امانله بعد الفتح واروب مناسیر قلمه سنی محاصره
 او محاربه د نصکره ضرب دستیه اولحصاری دخی فتح ایدوب مظهر غنایم
 اولدیلر و اندن قارلی الی واشیت طرفنه الفار و اودیاری دخی ضمیمه ممالک
 شهرار قیلدی و اندن واروب سلانیک خصارینی محاصره و مقاتله ایتدیلر
 ایسه ده قتی صعب اولمغه وقت آخره توقیف و قراوقصباتندن اطاعت
 ایدیلری تطیب ایتیلری تحریب ایدوب بدیوز سکسان دزیده رکاب
 قرتابه کلوب یوزشوردی (بعد از ان) پادشاه اسلام برای غزاروم ایلنه
 کجوب ادرنه سراینده قرار بیوردیلر و عسکر اسلامه مال غنایم ایله
 قوت حاصل و دماغلرینه لذت جهاد واصل اولسون دیو بدیوز
 سکسان بشده تیمور طاش بکی ممالک کفازی یغمایه تعیین بیوردقلرنده
 اولدخی واروب ابتدا ارنابود دیارینک بعض کوچک قلاعی فتح
 و نسوان و غلامانی اسیر و وافر مال ایله رکاب همایونه کلدیلر بعد بدیوز
 سکسان التیده واروب بوسسته و هر سک و لایتلرینی یغما و اول دیارک
 هر طرفنه وقوف تحصیل ایتدکد نصکره رکاب مستطابه کلد کارنده
 عقب رنجه هر سک و بوسسته خاکسری کلوب هر سسته جزیه و یرمکی

تعمیر ایتدیلر (چونکه) مقدما پادشاه عالم شاه بدیوز سکسان بشده
 روم ایله کیدرکن اناطولی بی ظلم دشمندن وقایه ایچون بیولک اوغلی
 یازیدخانه کوتاهیله اطرافنده کی مالکی و اورتابه اوغلی یعقوب چلبی به
 قراسی سنجاغی و کوچک اوغلی ساوچی بکه بروسایی احاله بیورمشلر
 ایدی انجق ساوچی بک احداثت سنی تقریری سوء قرائنه مقارنتله
 بیت المال کنیدی هوادارلرینه تقسیم و پدیری تختیه کجوب نامنه خطیه
 او قوتدی بو کیفیت مسموع همایون اولیجق اناطولی به کجوب یغما
 حصارینی تشریف لرنده تجاهلانه شهراده به بو طرفه کل بش اون کون
 کشت و گذار ایدلم دیو فرمان کوتدن د کده شهراده اظهار عصبان
 ایدوب عسکر جغتیه مباشرت و پدیریه محاربه به عزیمت ایتدیکی
 تکرار مسموع همایون اولیجق دریای غضب موج ایدوب بو اوشاق
 طرز دیگر تأدیه محتاج اولدی دیو عسکر یله شهراده اوزرینه عزیمت
 بیوردقلرنده شهراده دخی کته او اسنده مقابله لرنه واروب محاربه به
 باشلیجق در جنگ اول شهراده نک یاننده کی اشقیاتار مارا و اکثری طعمه
 تیغ آتشبار او اوب شهراده حضور همایونه کتوز یلیجک کاهنندن
 استغفار ایتسون و من بعد بو مثال و حرکت ایتسون دیو ترینه کونه معامله
 بیوردقلرنده شهراده بیرون ادب جوابه باشلیدی حتی حضور همایونده
 بولنان خدام پادشاه سپهر احداثت آمدن حیا ایدوب طشره چیتدیلر
 غازی خداوند کار دخی به یغما بوملکه سلطان اولسه وقتیده بولنان
 عباد اللهک خالی یماند دیو شهراده نک کوزلرینه میل چکدیروب ناینا
 ایلدی (چونکه) صوفیه شهرینک مقدما اطراف لالا شاهین پاشا
 معرفتیه غارت و اکثر محلی فتح اولمغه همان صوفیه قالمشیدی بر جوان
 صاحب ایمان متوکلا علی الله صوفیه ضابطنه واروب امرای اهل
 اسلامدن شکالنه انتساب و خدمت شده او اوردی و جوان مزبور
 آوجی اولمغه هر کون ضابط مسفور ایله صید و شکاره کیدردی بر کون
 صید کاهده بر ککک قالمغین بولنلر دخی طوغانی حواله و آردندن
 راکباشتاب و عسکر دن ایزیلوب بر قاج طاع اشدقلرنده جوان مزبور
 صوفیه حاکمی قید و بند و اول ائاده فلیه ضابطی اولان بلدان بکه
 کتور یجک غازی بلدان بک دخی صوفیه حاکمی ایله واروب صوفیه فی

محاصره ایندکده مسوقه ده کی کفار ضابطه برنی گرفتار کور بچک
 قلمه بی تسلیم ایند کاردنه امر محافظه سنی کورلد کد نصکره رکاب
 مستطابه مرده نامه تحریر ایلدی (بعد ازان) غازی خداوند کار
 بدیوز سکسان سکرده برای غزاروم ایلند کذار وادرنده قرار ایدوب
 وزیر اعظم خیرالدین پاشای اورنوس بیک ابله جتروز و جای حصار
 ویکشهرک فتحه کوندز مکه عساکر اسلام یکججه به وارد قلرنده
 خیرالدین پاشا خلویل اجل موعود بله وفات اتمکین عسکر اسلام
 یکججه دن فرار ایندکده اورنوس بیک بو خبری عرض ایلدی پادشاه
 عالیه تأصف ایدوب خیرالدین پاشاک اوغلی علی افندی اوئاده
 قاضی عسکر ایلدی پدر لری مقامه وزیر اعظم ایدوب یکججه به کوندز مکه
 اول دخی واروب تنظیم امور سقره بذلقدور ایلدی خیرالدین پاشاک
 مدت وزارتی اون سکر سنده در (بعد ازان) قره مان اوغلی علی بک
 هر قدر داماد شهر یازی ایسته ده بودقه در و تنیده نهفته اولان
 عداوتی بنه اظهار له خید ایلدی سرحدنده کی ولایت لری غارت و مباحه
 طریق له التان قلاعی ضبط اتمک داعیه سنده اولدخی رکاب مستطابه
 آنها اولمقله پادشاه حضرت لری غرضه کلوب علی بکی تأدیب
 وولایت لری اندن المی قصد بله عسکر ججه مباشرت بیورد قلرنده
 بو کیفیتی علی بک اشید بچک طور غوری و صغاری و بایوردلی و تاتار
 و رکمن و ورساق طوائفه بالاتفاق جنکه حاضر اولدی حید ایلدی
 سرحدنده کی دخی علی بک بو کیفیتی رکاب همایونه آنها ایند کارنده
 تیمور طاش بکی روم ایلدی عسکر بله ولاس کفار ندن ابکی بک مسلح
 کفار ابله کوندروب ذات همایون لری دخی قره مان جانبده عزیمت
 بیوردیلر (پس تیمور طاش بک روم ایلدی عسکر بله کلوب کوتاهیه
 صحر اسنده اوردوی همایونه ملحق اولمغین اناطولی و روم ایلدی
 عسکرینک برلشد بکینی قره مان اوغلی اشید بچک امر اسبیله مشاوره
 ایدوب پادشاه عالیه ابله مقابله ممکن دکل بر کره عفویمزی
 رجا ایدم لم قبول اولتور سه نعم المطلوب و الادردیمزک چاره سینه
 بقه لم دیوب نیساز و قضر عی حاوی نامه یازوب کوندرد کلرنده
 عر منحال لری منظور همایون اولیحق تاملری مکر و حیلله

اولد یغندن مشورت بیورد قارنده وزیر اعظم علی پاشا بو خانه داندن
 بخصه من شوکتلو افندی بر دن دور تیه عنایت کور مشکن بو کو ناخباتی
 ظاهر اولان کیمینه بی عفو نامتاسیدر دید کیمه سارل دخی بورانی
 مستحسن کورملر بله الحی حضور همایونه کتوب یلوب علی بک عررض
 و نامه سنی صیانتده قصور عی یو عیکن عزیمت تو جه مزی فرصت یلوب
 مملکتیزه تعرض اتمک انسان کار عیدر انک کی بد خالت عینیه نه اعتبار
 حاضر اولسون وار بورم دیو الحی بی رد بیورد قد نصکره لشکر بشمار
 ابله قویه او ایسته الغار بیوردیلر قره مان اوغلی دخی طوائف مذکوره ابله
 قویه حصار ی او کیده جمعیت و مقابله به عزیمت ایلدی طرف
 پادشاه ییدن ترتیب عسکر ایلوب شهرزاده یعقوب چلی ابله صار و جا
 پاشا و بلان بک و الیاس بک و مستجاب بک و اناطولی عسکری صباغ
 قواده و شهرزاده یازید خان ابله فیروز بک و خواجه بک و سار دلاور
 و لاس عسکری صول قواده و شهاب عالم وزیر اعظم ابله قلب عسکرده
 و پیاده و عرب و قاپو خلقی بشکاه عسکرده و روم ایلدی بکلر بکینی
 تیمور طاش بک روم ایلدی امر اسبیله اقتضاییدن طرفه امداد بچون و رای
 عسکرده اوله رق جنکه بیوردیلر سلطان بلدرم مقابله سننده کی تاتار
 و ورساق عسکرینه هجوم ابله تار مارا ایندکده اطرافده کی دلاوران
 شهرزاده نک حیدرانه محاربه سنی کورملر بله مر دانه حرکت وصف
 اعدای پریشان اشدیلر اتفاق تیمور طاش بک قره مان اوغلی علی بکه
 تصادف ایدوب تیمور طاش بک بزه خانه دان آل عثمان دشمنانی قره مان
 نه طور رسن دیو قره مان اوغلی علی بک اوزرینه اسبنی سور بچک کوردیکه
 تیمور طاش بک کوزلنی کندویه دیکش بنه آتش کی کلور عقلی
 باشندن کیمکله همان دونوب قویه حصارینه فرار ایلدی تیمور طاش
 بک بره نره به کیدر سن هی بی ناموس و عار آدم اولان فرار ایدرمی دیو
 نعره اوردی سه ده علی بک خوفندن جنکه طورمه دکل مدت و افره
 تیمور طاش بکی اول اندام ابله رویاده کور مکه کوزینه او بچو حرام
 او اوردی ما حصل تیمور طاش بک علی بک فرارینی کور بچک آتک
 او کنده دیکان سنجاغنی قاید قدده لشکر قره مان تالان و پریشان و نیجه
 معتبر بکلری اسیر اولدی پادشاه حضرت لری دخی بونلرک نجح مال لری

عسکره تقسیم و اکثری فتحه سبب اولان بیدرم بازید خانه و علی بک
 جمیع مالی تیمور طاش بکه احسان ابتدا یلر و اولوالید کی رعیت کال
 عدالتله رعایت اولندی حتی لاس کفره سندن بش اون نفر کافر رعایا
 آمدی ایتمکله کتوردوب سیاست ابتدا یلر بر قاج کون قویه قلعه سی
 محاصره اولند قدده ناچار علی بک زوجه محترمه لری سلطان علیه الشان
 کوندروب شفیع انخا ایدیمک پادشاه مالچاه دخی کریمه سنک رجا
 و بکاسنه حرمت ایدوب علی بک جرمی عفو و غصب ابتدا یکی فلاخی
 السدن آلوب مهماتی تنظیم اولندی (پس علی بک کال عجزله کلوب
 عتبه شهر باره یوز سوره رک جرمندن استغفار ایدیمک پادشاه عالیشان
 دخی کبر و بروسه به عودت پیوردیلر (بعد ازان) پادشاه عالیشان قره مان
 اوغلی محاربه سنده امر انک جانغدا القربینه دقت و تیمور طاش بک
 حیدرانه جنگی رویت پیوردقلزنده بعد المصلحه حضور همایونلرینه
 چاغردوب روم ایلی بکله بکیلکنه رتبه عظمای وزارت منضم
 و بو خدمت و جلالتی مقابله سنده اول سزاوار لطف و عنایتی مقیم
 پیوردیلر (چونکه) پادشاه انام قره مان اوغلی سفرنده لاس حاکی
 رعایا سندن بر قاج نفر کافری اسائی مقتضائی سیاست ابتدا یلر ایدی
 باذن همایون ولایتلرینه واروب قرالترینه پادشاه اسلامدن شکایت
 ایتمکله قرال مسفور اطاعتدن چاقوب بهمن دیار اسلامیه بی غارت
 ابتدا یکی رکاب همایونه عرض اولند قدده لالا شاهین پاشا یکر می بک
 عسکر ایله لاس دیارینی بغمایه تعیین اولتمین واروب لاس دیارینک
 اکثر محلی یغما ایدیمک لاس حاکی عدم اقتداردن بوسنه قرال سندن
 استمداد ابتدا کده اولدخی اطرافنده کی ملوک کفاری اضلال ایدوب
 قالدردی حتی نیکبول و او اطرفده کی ضابطاندن صومما نوس دخی
 بونله الدامش ایسه ده بدن به اهانتی اظهار ایددی (چون) ملوک
 کفار خنی و جلی اتفاق ابتدا یلر اچلرندن ارنابود اسکندریه سی حاکی
 بونلر ایله کز لوجه اتفاق ایدوب صورت صدا قدده رکاب همایونه
 عرض حالله شوبله نیاز ابتدا یکه بوا یکی بدخواهک نتیجه کار لری
 خسارتدر بوسنه دیاری بو قوللرینه سمت اولدیغندن هر طرفی معلوم
 بو قوللری قولاغوزاق خدمتده استخدام پیور لسه مأمولدر که مطلوب

بالسهوله نظام بوله دیو افاده ابتدا کده اول حبله کار قولاغوز تعیین
 اولتمین لالا شاهین پاشا دخی بونک قولاغوز ایله بوسنه دیارینه دخول
 و محل بغمایه وصول بولد قدده عسکر اسلام اطرافه آقین ایتمکله پاشای
 عالیشان بک قدر عسکر ایله قانجه قولاغوز کافر بوسنه قرالینه
 خفیجه خبر کوندرمکین اولدخی اوتوز بک قدر کافر کوندروب پاشای
 دیشانی محاصره ابتدا کلزنده انلردخی جنگ ایدیه رک بیک آدم ایله
 برتزیب سلامته حیدیلر قاما یکر می بک آمدن اون بشیکی شهید
 اولمکله بو کیفیت رکاب همایونه عرض ابتدا یلر (بعد ازان) شهر یار
 کامکار استانبول اطرافنی ضرب دستیه فتح ایتمکله استانبول تکوری
 کال خوف سندن در دولته انتساب جائه منت ایدی و تکور مسفورک
 حد بلوغه و ارهش اوج نفر حسنا قز لری و ارایدی بر کون حضور
 همایونده قزلرک حسن و اطافتری ذکر اولند قدده طرف شهر یاریدن
 نوامیل حس اولندی تکور مسفورک مجموعی اولیحق طرفیندن
 بوا بیک حصوله پاشا اولدی و اول بنات ثلثه بک بری نفس همایون
 و بری شهرزاده یازیدخان و بری دخی شهرزاده یعقوب چلی ایچون
 مطلب اولند قدده سمعا و طاعه مراسمی اجرا اولیحق شهر یار کامکار
 لالا شاهین پاشای روم ایله کوندروب بدیوز سکسان طقوزده اول اوج
 بری بیکری بروسه صحرا سینه احضارله جمیعت زفاف اولندی و بیدرم
 یازیدک اوج نفر شهرزاده سی اول جمعینه منت اولندی (پس بو وجهله
 ذوق و صفا اولتورکن لالا شاهین پاشا شاک عرخیالی کلوب بوجه
 بالایکر می بک اهل ایمانک اون بشیکدن زیاده سی شهید و ماعداسی
 منهزم اولدیغی معلوم اولیحق بو تأدیب آلهی پادشاه عالمک باعث
 انبیا هی اولوب کال عجز و افتقارله استغفار و اغلیه رق مبارک یوزنی
 فرسوده درگاه پروردگار ابتدا کد نصکره جمله امراد غمعه مودت
 و خلوص اوزره اولان ملوک اسلام و کفره بی دخی سفره دعوت و بیدرم
 خان و یعقوب چلبیده مأمور قیلندی حتی صومما نوس دخی مأمور
 اولدینه ده لالا شاهین پاشا منهزم اولد قدده اظهار عصیان ایدی
 بو کیفیت معلوم پادشاهی اولیحق صومما نوسی تأدیب ایچون وزیر
 اعظم علی پاشای اوتوز بک سواری ایله کوندروب دیلر اولدخی وارد قدده

تیمور طاش پاشا زاده بخشی بك بشبك آدم ايله پراودی حصار بني محاصره
 ایچون کوندر دیلر بخشی بك دخی حصار مذ کوری محاصره اناسنده
 حسین بك نام سباهی کند ايله بالای حصاره عزوج و برفاج دلاوردی
 چکوب حصارى فتح ایتد کړنده علی پاشا کلوب حصارك لوازمی
 بعد التکمیل واروب طرنوی بی زمان بسیرده فتح ایتد کد نصکره سونی
 قلعه سنه عزیمت ایتد کړنده ضابطی امانله قلعه بی تسلیم ایلدی بواکی
 قلعه نك امر محافظه سی کور بلور کن پادشاه انا مک بر کونور مر عسکر ايله
 روم ایلنه بکد کړی علی پاشا به خبر ورلد کده واروب ادرنه ده تقیل
 دامن همایون ایتد کد نصکره مجدداً بیکولی و طاوسلو فتحه مامور
 اولغله واروب اول ولايتلرک کړمخانی غارت ایلدی (پس صوصمانوس
 عسکر اسلامک استیلا سی کور د کده بیکولی قلعه سنه فرار ایلدی
 بو خبر وزیر اعظم حضرت نلریه واصل اولیحق واروب قلعه مذ کوره بی
 محاصره ایلدی الحق قلعه مذ کوره متین اولدی بعد دن فتحی زمان
 کثیره محتاج اید بکنی رکاب همایونه عرض ایتد کد پادشاه حضرت نلری
 بالذات کلوب محاصره بیور یحق صوصمانوس ناچار بر کیمه جیغوب
 اغله هرق وزیر اعظمک دامنه صار اید قد اولدی صوصمانوس
 حضور همایونه کتوروب بحر منی عفو ایتد کد نصکره سلسره
 حصار بی ویرمک اوزره سار ولايتلرک ابالتی ینه کد ویه احسان
 ایتد دی (پس صوصمانوس بوججهله تخلص جان و مظهر احسان
 اولمشکن ولایتنه وار یحق سلسره بی ویرمکدن نکول و عسکر وجبه خانه
 ايله استحکام ویرمکه مشغول اولدی بی وزیر اعظمک مسموعی اولد قد
 خفیه آدم کوندروب ندمت ایتد کد کار کړ اولیحق ناچار
 صوصمانوسک کبغی رکاب همایونه عرض ایتد بک شهر یار کزین
 حضرت نلری دخی صوصمانوسک جیغ ممانکنی فتحه وزیر اعظمی تعیین
 بیور مین اولدی در فخته قلعه سنه توجه ایتد کده اهل قلعه استقبال
 ایدوب قلعه بی تسلیم ایتد پادشاه نامدار کوس اړه کورینه اطاعت
 ایتد بچون خبر کوندر مشیدی عصیان ایتد بکی خبره بر مکله اړه او طوغان
 بکی عسکر ايله کوس اړه اوزرینه کوندر کده اولدی واروب نیجه
 کسای طعمه شمشیر و نیجه سنی دخی اسیر ایتد بکنی کوس اړه ضابطی

کور بچک ناچار چتر هزار قلعه سیله النان اسرای استبدال ایلدی
 (پس وزیر اعظم قلعه بی الدقد نصکره چهره بی چو پروب خرد و تبه
 قلعه سنی دخی فتح ایدوب قلاع نك ایتد کد امر محافظه سنی بعد التکمیل
 طونه جاننده عزیمت و صوصمانوسک آنده اولان قلعه لری بی ضبط
 ایلدی و ایدن کلوب بیکولی قلعه سنی دخی محاصره ایتد کده
 صوصمانوس خلاص احتمالندن مایوس اولغین ناچار اولاد
 و عیال و اشیاء و اموال ايله قلعه دن جیغوب پاشای مشار الیهک ایاغنه
 دوشدی و اولاد و عیال ايله فریاد و فغان ایتد کړنده جیغ دیار بی ضبط
 و اهل بستی بر لرنده ابقاد نصکره صوصمانوس بی طاوسا و ذره نام مجله
 رکاب همایونه کتوروب تکرار رجایله یالکر مال و عرضیه نفس خبیثی
 آزاد اولوب جیغ ممانکنی ضبط اولندی (چونکه روم ایلینک کزیده
 محارری با عون الهی فتح اولندی جوارده کی ملوک کفار سر جدارده کی
 اهل اسلامی محاصره به پاشا د کلرنده پادشاه عالمنه بید یوز طقسان برده
 قلبه ده قشلا دیلر شهر یار کزینک لاس و بوسنه وارنابود دیالری مقر اهل
 ایمان ایتک مراد همایونلری اید بکنی لاس حاکنی اشید بچک اطرافده کی
 ملوک کفار پادشاه آل عثمان دیار یمن فتحه عزیمت و دواتمزی کلیا ارادن
 قالد رمغه نیت ایتد بزد نصکره نوبت سر کدر فرصت الله ایکن
 بر بریمه امدادله بونلری ارالقین قالد بره لم دیو اوله اهرده اجتماع ایتک
 اوزره بوسنه و فرنگ و انکروس و افلاق وارنابود و بغداد وله وجه
 قرالاری لاس ايله اتفاق و ایکوز بک جنک آور عسکر ترتیب ایتد کړنده
 لاس امین رکاب همایونه الحی کوندروب بو وقتنه قدر ابناء جنسمه
 ایتد بکن اذیت و مملکه لریمه سیزدن ظهور ایدن مضرت بو طرفده کی
 ملوکک اغضابنه بادی اولغله دولنک کز غای و عزت کز نهایی بوسنه ایتد
 امدی برار بکلی بکزی و اوغلر بکزی کتورده سیز تاسرک ایتد کز
 بید کد نصکره بر رفات دخی آنلری ارامقده زحمت چکیمه لم سکر عدد
 قرال ايله روم ایل دیارنده ترک آدنی باز مغه اتفاق وجهه کزی قیلدن
 کچورمکه عهد میثاق ایلدک مقابله ده قصور و مقابله ده قنور اولمیه
 دیو نامه سنده یازدی شهر یار عالیوقاردی الحی بی جاغر دوب انشاء الله
 تعالی اوله سارده اولاد و امجا و امرا و اجناد مزایه کوس اواده قرالک

اوله حق لاس ملعونی هلاک اینسک کرک و آبروی شریعت محمدی ایلله
آتش فتنه کفاری بودیارلردن نابود و تیغ آتشسار اهل اسلامه اول
فرقه اضلالک قاره کوکله رینی پردود اینسک کرک مرد ایسه طور سون
وقوت نه ایدیکنی کورسون دیو لاس الجیستی کوندر دكد نصکره
اناطولیده کی ملوک اسلامه بوسنه عمیمه النصر والمیمه ده ملوک کفارک
اوزریمزه تفسیر عالمی واردد عسکر اسلامه اعانتی فرض عین یللوب
اظهاردیانت ایلله سز دیو فرمان کوندر دکلرنده شهرزاده لری یلدرم
بازیدخت و یعقوب چلبی و سارامراه قسطنطونی حاکی اسفندیار بک
و کریمان حاکی یعقوب بک و صارخان و متشایلی و ایدین ایللی و حید
ایللی حاکم زدن کلان عساکر ایلله اوردوی همایونه واردقلرنده پادشاه
اسلام بونجه عساکر ایلله اولخلدن حرکت بیوردیلر انجق مریم صوبی اول
کونلرده کچیدو برمکله برفاج کون قله ده طور یللوب تیمور طاش پاشا زاده
بخشی یکی بشیک عساکر ایلله سرحد کفار اولان شهر کو بی اطرافنی
غارت کوندر دیلر اولدخی واروب بچحد مال اخذ و اکثرینی اسیرایتدکن
صکره کلوب رکاب همایونه یوز سوردی (بس نهر مریم کچیدو بریمک
پادشاه غبور عسکره منصور ایلله مریم کچوب اختیام صحرانسته توجه
بیورمشلر ایدی کستدیل حاکی قسطنطین خراجکنار پادشاه اولغله
استقبال ایدیچک انک ولایتنه توجه بیور دیلر قسطنطین خدمت
عمدیده قضور ایتوب خیل و خشمبله عسکر اسلامه ملحق اولدی
اونه طرفدن سکر عدد ملوک کفار بونجه عسکر جمع ایتشلا یکن خوفدن
پرلنده توقف ایدوب نجون اوزریمزه کلزدیو پادشاه اسلامه الحی
کوندر دکلرنده پادشاه حضرتلری دخی متوکلا علی الله کوس اوه
صحرانسته عزیمت بیوردیلر محل مزبور یقین اولندقدن غازی اورتوس
سن بو کفارک بمالکنی و حالنی یلورسن توجهله حرکت ایدلم بیوردقلرنده
اولدخی جوابنده اولار زمکا ه کفار دن مقدم واروب محل مناسبی
ضبط ایدلم تانیاجنک وقتنده بردن عجله ایتیملم بعض مخور و فروری
صفدن چیعوب بزه اظهار جلالت ایدرل انلرک قتلبله اکثفا اولتوب
عسکر کفاره تغیرکده هجوم ایدلم دیدکده جله سی مقبول همایون
اولدی (پسر ره راسته واقع در بندر کجی کافر اولدیغی عجر

ویرا کله شهر یار کزین اورتوس یکی پاشایت دیو ملقب ایتشلا ایدی
اول در بندی آچمه و دل آلمه کوندر دکلده اولدخی در بندمد کوره
وار یحق اوتوز نفر در بندی کافری چیتدی اورتوس غازی اوق ایلله
برینی هلاک ایتدی بری دخی چیتقدن آیدخی هلاک ایتدکده نصکره
هجوم ایدوب سکرینی قتل و برزینی اسیر ایلدی و اسیرلری حضور
همایونه کوندر بچک مال خیردر دیو مسرور اولدیله بعددر بنددن مرور
وموراهه صوبیدن دخی عبور ایدوب بر صحرای واسعه نزول ایتدیله
ملوک کفار عسکر اسلامک کندی عسکرلرینه نسبتله آز اولدیغی
کور دکلرنده لاس ملعونک خواهر زاده سی اوه ویلق اوغلی نام ملعون
کچمه دن امداد لازم دکل عثمانلی به بالکزین جواب ویررم دیدی
ولاس دخی مبان قوالده هرکیم غازی خداوند کاری ملوتوب کتورسه
آنی داماد ایدوب اون عسدد معور قلعه می توابعیله ویررم دیدی
و بوسنه قرالی دخی بش عدد قلعه می ویررم دیدی و سارقرالری دخی
احسان ایتدکده تعهد ایتدیله پادشاه جهان شهرزاده سی یلدرم خان ایلله
بر محل مرتعدن کفاری کوردیلر که عسکر اسلام لشکر کفارک عشری
مثابه سنده در امرایی چاغردوب مشاوره بیوردیلر آخر وزیر اعظم علی
پاشا مصحف شریفدن تغال ایتدم (یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین)
آیت کریمه سی ظاهر اولدی انشاء الله شبهه سرت نصرت اووردیدی
واندن یلدرم بازیده اوغلم سن نه درس دیو جنک اولدخی حق تعالی
بوخانه دانی صیانت ایدر متوکلا علی الله آچقدن آچقدن بخار به ایدلم
دیدکده تیمور طاش پاشا دخی یورایی پسند ایلدی انجق روز کار دشمن
طرفدن عسکر اسلام اوزریمزه اسمکله اول صحرانک طوز و طیراغی عسکر
اسلامک کوزریمزه کیرمکین پادشاه انام عاقبت امری ملاحظه ایلله بکاه
بیوردیلر و او لکچمه نک نصفندن نضرع و نیاز ایدرکن بلوت ظاهر اولوب
باران شدید ظهور یله صحرانک طوزی باصلدی (چون صباح اولدی
شهرزاده کان و سارر رؤسای عسکر بر سلاح اوتاغ همایونه واروب استیلال
و وداع ایتدکلرنده پادشاه حضرتلری زاری زاری بکا ایدله رله الهی
بوقر بانلق قوچلری قصاب قضا الندن سکا اصمرا دم دیو دعا بیوردیلر
و شهرزاده لری ایچون دخی الامان یارب العالمین بو جکر گوشه لر بوانده

مردی فدا ایدوب تک بومرادی حفظ ایله دیو کثرت یکادن برزبان
دستمالرینی مبارک یوزلرندن قالدیره مدیله و امر ادخی برزبانله و نایع
و استلال ایندیار کفار ایسه او لکجه عسکر اسلامک بو نجه کزیده
استملر ایله اینچیزنده یورکی نام کافر عسکر اسلامک بو نجه کزیده
یکازی و شهرزاده لر برزبه کلمشکن لیللا ووزلرینه وارلسه پرازی فرار
ایتمله برجهینه دخی محتاج اولور زاما کوندوزنه طرفه کیتدکری
معلوم اولغله اوزرینه واریلوب بهر حال نیم ساعتده بونلرک ایشی
بتریلور دیو شجونه قائل اولدی (پس صباح اولدقده لشکر کفاردن
ارغون اوغل لاس اوغلله عسکرک اورتاسنده طوروب لاسک همشیره
زاده می دینق اوغل صاغ قولده و بوسینه قرانک و اوند اوغل صول
قولده و انکروس و افلاق و بلغار و انابود وجه اوله عسکری صاغ
و صول قول امداد لرینه تعیین او اندیلر پادشاه حضرتلری دخی
عسکر اسلامک اورتاسنده طور دیلر شهرزاده یلدرم بایزید صا و جه پاشا ایله
صاغ قولده و شهرزاده یعقوب چایی بلانک ایله صول قولده و اورنوس
غازی صاغ قول امدادینه و ایندیک صوباشی صول قول امدادینه
ووزیر اعظم علی پاشا صاغ طرفده و روم ایلی بکر بکی تیمور طباش
پاشا صول طرفده و سائر ملوک که پادشاه ایله متفق لیدی جواب
پادشاهی بی احاطه ایندیله و پیاده عساکر پادشاه او کتده صف
باغلیوب طور دیلر و اورنوس بیک تدبیری اوزره ایکی بیک نفر کاتکش
بهموانک بیکی صاغ قول اوکته و بیکی صول قول اوکته وضع اولندی
عسکر اسلام طرفندن صدای تهلل و تکبیر فلک اعظمه تأثیر و کفار
طرفندن جفجه و فریاد آفاقه حقیقه شیدی ابتدا اول ایکی نفر کاتکش
صف کفاره اوق اغدر مغله صف کفارک انتظامنه خلل کلچیک پادشاه
اسلام یوزیش فرمان اینکین عسکر اسلام غلغله الله الله ایله سیف
آبدارلرین عربان ایدوب طرفین بربرینه ملاقی اولدقده صدای
تیر و نعره دلاوران کوکله و لوله و پرله زلزله و یردی اسکر چه یلدرم
بایزیدخان صاغ قولدن اقدامه کفاری کبر و سرپوب صف دشمنه
کیردی ولیکن شهرزاده یعقوب چایی قولی کفار کبر و سرپوبکله آن
قالبیکه صول قولده ظفر بوله یلدرم خان بو کیفیت کور یجسک صاغ

قولی

قولی معینده کی امرایه اصمربوب کفارک آره سندن طال قلی یلدرم کی
طرفه العینده صول قوله برادری امدادینه یتشد کده لا شاهین
پاشا و اورنوس یک و شیر مردیک و مستجاب صوباشی علی العموم
واروب کفارک سنجاقلری نرس چویرملرله کفاری پریشان ایندیله
حتی عسکر اسلامدن بدلاور لاس قرانک یانته واروب قتل ایندیکنندن
کفاره زیاده پریشانلق کلکله عموما منهرم اولوب فرار ایتد کلرند
یلدرم خان و یعقوب چایی و سائر امر اووزر فرار یلری تعقیب ایندی کلرندن
پادشاه اسلام دائره همایونلری خلقله رزمکاهده مکث یور دیله
عسکر اسلامدن نیجه دلاوران شهید اولدیله رایسه ده لشکر کفار یجده
و بی شمار طعمه شمشیر آیدار قیلندی (چونکه غازی خداوند کار عساکر
اسلامه دعا ایندی کیری کیده کندیله ایچون دخی شهادتی نیاز
ایتملریدی یا کز رکاب غازیله محل چنکده کفار لاشه لرینی تمشا ایلمله رک
بر محله واردیلر که میلوش نیقوله نام ملعون میانه لاشه کفاره مجروحا
یاتور مسفور ملوش نیقوله اولمخلدن سورینه رک کلوب بن اسلامی
قبول ایندم رکاب همایونه یوز سوروب افاده ایده حکم واردیو پراه
و این کلدکده رکاب غازی منع ایندیله رایسه ده رخصت شاهانه
یورلدیغندن اول پسین حضور همایونه واصل او ایچق بلنده کی
زهرناک خنجر ایله شهر بارعا ایقدرک مبارک کو بکلرندن اورمغله در حال
لباس همایونی آل قانه بویادقده شهر یار کزین حد ایندیله همان
سلطان بایزید خانه احسار ایچون خبر کوندلر کین اولدخی الغار ایله
کلوب کوردیکه پیدلری خون آلود مختضر در آه و زاری قبله رق یا قله پنه
یوز سور دکنه غازی خداوند کار حضرتلری بعض نصایح و وصایادن
صکره دار آخرته رحلت یور یچق کرک یلدرم بایزیدخان و کرک سائر
ازکان دولت آه و این ایله اوردوی همایونی بر طنین ایندیله و افعا غازی
خداوند کار حضرتلرندن ظهور ایدن خارق عاده حالات ولایت دلالت
ایدر از جمله برکون پرو سهدن قایلجه جامع شریفه کیدرکن اللریه کی
طوغان پرو ایدوب بر محله قوندی چاغردقده اطاعت ایچیک قوری بی
قال دیونطق یور دقلرند طوغان طردیخی محله قوروی قالمغله
الان تربه شریفه لنده طورر (بعد اذان) تخت همایون سلطان

بایزید خانه انتقال ایتمکله ارکان دولت مشورت ایدوب سلطان
بایزید خان ایله شهرزاده یعقوب چلبی ایکی برادر اولمغله میانه لرنده
سلطنت نزاعی درکار اولدیغندن هنوز یعقوب چلبی پدری شهادتندن
ویرادی سلطنتندن بختبر ایکن آیدنخی پدرینه رفیق ایدلم دیو قرار
ویردیله شهرزاده مظلوم ایسه هنوز کفاری تعقیله مشغول اولوب
وقعه دن خیر دکل ایکن واروب اول بیکناهی شهید ایتدیله و یوایکی
جسد لطیفی بروسه خار جنده سلطان عالی شانک بنا پیوردقلری غازی
خداوند کار تر به سی دینلن بقعه به کوندروب بدیوز طقسان برتار یخنده
دفن ایتدر دیلر سلطان مراد خان حضرت تلیک نارنج ولاد تلی بدیوز
یکرمی التی و نارنج جلوسلری بدیوز التمش برنجی سنه در بو تقدیرجه
مدت عمر عزیزی التمش بش سنه و او توز بش یاشنده فخته جلوس ایتمشله
ایدی مدت سلطنتلری او توز برسنه اولور

مقاله سلطنت سلطان یلدرم بایزید خان ابن سلطان مراد خان
سلطان یلدرم بایزید خان علیه الرحه و الغفران حضرت تلی بدیوز
طقسان ایکی سنه سی رمضانک در دنجی کوفی پادشاه عالمپناه اولدقلرنده
مار البیان سفر همایونده بولتان امرا و وزیرایه خدمتلرینه کوره التفات
پیوردقدن صکره اولمخلدن ادرنه به عودت و اول قبش ادرنه ده اقامت
واسباب سفریه تدار کینه غیرت پیوروب سنه مزبوره اول بهارنده
تیمور طاش پاشایی لاس دیارینی فتح و غارت و اسکوب شهرینی پاشا
یکیده بعد التوجیه و اطرافلری آقین ایله خسارته و فیروز بکه و دین
ایالتی و بروب انکروس و لایتنی غارته راورنوس بکی سیروزه کوندروب
دونه و جزوز حصارلری فتح و اطرافنی غارنه بعد التعیین قره مان
اوغلی علی پک ایدین و صاروخان و منشای ملوکله بالاتفاق یته
بمالکمه سوء قصد ایتمشله نادیلری مراد مزدر مأمور اولدیغکر
خدمتی بعد الادا بروسه ده عسکر همایونمه ملحق اوله سز دیوتنبیه
پیوردقدن صکره ذات هما یونلری بروسه به کلرب امرا سسغردن
کلنجیه قدر بلده مذ کوره ده برجامع شریف و برمدرسه و برعمارت
و برتیارخانه بنا پیوردیلر و جبل کشیدندن اچمسلان نام آب لذیذی
عمارتلری قرینه عظیم کار کیر کرلر اوززدن ایدوب اکثر یونه اجرا

پیوردیلر

پیوردیلر بواشاده تیمور طاش لاس دیارینک برازینی فتح و اکثرینی
غارت ایتمکله رکاب همایونه کلدی و پاشا یکیت دخی بوسنه دیارینی
غارت ایتمکله بی حساب غنایم و اسیرایله کلوب دردولته یوزسوردی
و فیروز پک دخی افلاق دیارندن مفتحا کلدکه مال غنایم مار الذکر
بنالره صرف و بعض قریه لری وقف همایونه الحاق اولندی والا
شهری دخی وقف ایچون فتح یتبله سنه مزبوره ده واروب قلعه سنی
محاصره ایتدکه تکوری عنساد ایتمکله بغما امر اولیجی تکور ناچار
امانله تسلیم حصار ایدیکل الاشهری دخی وقف همایونه بعد
الالحاق دروننه جامع و مدرسه و حمام احداث ایدوب محصول
شهردن مرتزقلرینک وظیفه لری بعد الادا بقیه سنی بروسنه ده کی
اوقافنه شرط ایلدی و اندن ایدین ایلنه توجه پیوردقلرنده
ایدین اوغلی امانله کلوب رکاب همایونه یوزسورمکین جمیع ولایتلری
ضبط اولتوب بالکیز از میر کندویه احسان اولندی و ایدین ایلنده کی
اوقاف و املاک یته ایدین اوغلی و کلاسی بدنده ابقا پیورلدی و اندن
صاروخان ایلنه توجه پیورلدقده اوراسی دخی مسلحا تسخیر و رعایاسی
برلرنده ابقا پیوریلوب صاروخان دیاری قره سی سنجاغنه الحاقله
شهرزاده میر سلیمان تیار تعین اولندی و ایدین دخی شهرزاده ارطغروله
توجه ایلدی و اندن منشای ولایتنه توجه پیورلدقده منشای اوغلی
فرار ایدوب قسطنطنی حاکمی کوزم بایزیده التجا ایلدی پس دیار منشای
بلا تعجب فتح اولمغله ار باب تیمار قسمت اولندقدن صکره پادشاه
عالمپناه بروسه به کلوب فتح اولان بلدانه ضابطان تعین ایلدیله
وزمان قیلندن صکره ایدین اوغلی و صاروخان اوغلی فوت اولمغله
اولاد و اتباعلری کوزم بایزید یاشنده بکنورلر ایدی (بعد از ان) قره مان
اوغلی علی پک عصیان ایدوب حمید ابلی سرحدینی و بران ایتدیکی
رکاب همایونه عرض اولندقدن علی پک اوزرینه عزیمت همایون اولوب
ایتدکه ایلنک فتحی تصمیم پیورلمغله کریمان یولندن کیدرکن قایتلری
کریمان اوغلی یعقوب پک استقباله کلدکه بعد یعقوب بکدن مقدما
علامت تفاسق کورلمشیدی وزیر ی حصار بکی سارنوا بعیله حبس
ایتدیله و اندن واروب تکه ایلنی سهولی بعد الفتح ضبط و ربطی

فیروز بکه امر ایدوب اندن دیار قره‌مانه عزیمت پیورد قلزنده علی بك
صارب طاغله فرار ایتمکله پادشاه حضر تلری قونیه حصار بی
محاصره واهالی قلعه به عدالت واحسان ایدیچک اهل قلعه دشمنه
بویله احسان ایدن پادشاه بنده بنی شکل حیایت ایدردیو قلعه بی
رضایله تسلیم ایتد کارنده پادشاه عالم دخی بدیوز طسان اوچده
قونیه حصارینه داخل اولدیلو و بوعدالت و مرحتلری سببیه
اقشهر واقسرای وینکده و سار دیار قره‌مان تصرف همایونه کیرمکله
ایالتی تیمورطاش پادشایه و پرلدی و قره‌مان اوغلی بوحوالی کوریمچک
ولایتندن بر مقصدار به قناعت و عمری اولدخه رضای همایوندن
چیمامغه تمهد ایتمکله مظهر عفو اولوب لارنده و طاش ایلی قره‌مان
اوغلنده ایقا و چهارشنبه مسوی سنور تعین پیورد قدن صکره
بروسه به عزیمت پیوردیلر (بعدازان) منشایا ویدن و صاروخان حاکمیری
کوژم یازیده النجا و ولایتلری بیلدرم یازید خاندن آلیو برکی رجا ایتمکله
اولدخی منافقانه حرکتله افلاق بکنی تحریک ایتمکین افلاق بکنی دخی
جوارلنده کی مملک اسلامیه بی اضرار ایتدیکی معلوم شاهانه اولیچق
یدیوز طفسان اوچده واروب اردنه ده اناطولی و روم ایلی عسکر بی جمع
وطونه دن کچوب اول دیارلری غارت و نیجه اسیر و مال غنیمت الدیلر
(پس افلاق حاکمک عسکر ایله برطاغده ارقه و یردیکی معلوم شاهانه
اولیچق برق خاطف کی واروب يك حله ده افلاق عسکر بی تارمار
ایتدکده افلاق حاکمی دخی کندی غافل ایدن قسطنطنی حاکمی
کوژم یازید اید بکنی افاده برله اعتسذار و اولکیدن برقاچ قات زیاده
خراجه تمهد و بعدازین خدمتده اولق اوزره استدعای مرحت
ایتمکله مظهر عفو اولوب پادشاه عالم دخی بروسه به عزیمت پیوردیلر
(پس بیلدرم خان بود فعه روم ایلمده ایکن قره‌مان اوغلی علی بك
فرستدر دیو قونیه بی باصوب اکثر اهل اسلامی قتل و تیمورطاش
پاشایی حبس ایلدیکی روم ایلمده مسموع همایون اولغین بروسه به
کلوب و اندن قره‌مان دیاری سفرینه عزیمت پیورد قلزنده قره‌مان
اوغلی جرمک عفو نیازیله تیمورطاش پاشایی حبسدن چقاروب
الحی ایله بروسه به کوندردیسه ده شاه عالم الحی بی مأیوسا عودت

ایتد یروب عقبینجه ذات همایونلری دخی کلوب ولایت کرمانده آق چای
نام محرابه نزول ایتدیلر بو کیفیت قره‌مان اوغلیک مسموعی اولیچق
تاچار صحرای مذکوره کلوب بر مقصدار محرابه دذصکره آخر کندی
واوغلی محمد بك طوتیلوب حضور همایونه کتوردلکده پادشاه عالم
محمد بکنی بروسه زندانه ارسال و علی بکنی دخی تیمورطاش پادشایه تسلیم
و دیار قره‌مان بالسهولی فتح اولسون دیو برابر کوندرد کارنده تیمورطاش
پاشا دخی فرستدر دیو بلا امر عالی علی بکنی قتل ایلدی بو خبر مسموع
همایون اولیچق تیمورطاش پاشایی کتوردوب عتاب پیورد قلزنده
اعتذارینه مبنی شد عفو ایدوب قره‌مان شهرینه عزیمت و قونیه ده
اقامت ایدوب سار دیار قره‌مانی بعدالت بخیر بروسه به عودت پیوردیلر
(بعدازان) آل جنکیردن برقیله قیصریه ایله سیواس میباندن نیجه ایام
آرام ایدرلر دی و قیبله مزبوره دن قاضی برهان الدین نام فاضل
وحوالیده کی قبائلی تحریک و کند ویه شریک ایدوب سیواس
اوقیصریه بی ضبط و صاحب خروج دیو یکریمی اوتوز بیک سواری
بییدا و سلطان مصره استاده سلطنت ادعا و اولطر فده کی ممالک
عثمانیه بی اضرار دن خالی اولدیغی مسموع شاهانه اولیچق بدیوز
طفسان درنده سلطان بیلدرم حضر تلریک کندی اوزرینه مسارعت
پیورد قلزنی اشدیچک خوفندن خر بو طایانده کی بو کسک طاغله فرار
ایلدی مکر دیار بکر وارمنیه حاکمی فره عثمان بك مر قوم سلطان
برهان الدیندن بیزار ایش فرستدر دیو الغارله واروب شمار به
و برهان الدینی قتل و جعیننی بریشان ایتمکله خاکپای همایونه اظهار
عبودیت ایلدی (پس برهان الدینک متعلقاتی ایکی فرقه اولوب
برفرقه سی برهان الدینک اوغلی اگرچد پدری یرینه کچورمک استدیله
فاما عقلاسی بزم سلطان بیلدرم کی قهار پادشاه یله مقابله به قدرتمز
یوقدر حله پای مال اولوزز دیو برهان الدینک اوغلی زین العابدینی
انشته سی ذوالقدر اوغلی نصیر الدینک یانسه کوندرد کد نصکره بارگاه
شهر یاره کلوب اطاعت بتمکله پادشاه کامیاب دخی سیواس و توقات
وقیصریه و اطرافنه مالک اولغین اندن بروسه به عزیمت پیوردیلر
(چونکه) قسطنطنی حاکمی مقدما افلاق بکنی تحریکله بو نیجه خسارته

بادی اولدیغندن تأدیه مستحق اولمشیدی یدیوز طغسان بش تاربخنده
 یلدرم یازید خاڭ کندی اوزرینه عزیمت پیوره جقلرینی کوترم یازید
 اشیدیچک کمال خوفندن علت قدیمه سی مشد اولوب فوت اولدقد
 ممالکی اولان قسطنیونی و عثمانیجی و صامصون و جانیک ولایتلری
 ممالک عثمانیه به منضم اولدی و کوترم یازیدک اوغلی اسفندیار بک
 مینوب قلعه سنه فرار ایتشیدی اندن رکاب همایونه عرضحال ایتدکه
 مینوب قلعه سی کند و به احسان اولندی بعد زمان اسفندیار بک آیدین
 اوغلی و منش اوغلی تحریریکله تیمورلنکه فرار وانک یاننده قرار ایلدی
 (چونکه) تیمور طاش پاشا لاس ولایتک اکثرینی ضبط ایتشیدی
 بوجهندن لاس قرالی و یلق اوغلی کمال حبله سندن پادشاه عالمپناه
 حضرتلرینه دایم امداد ایلدوب ذی قیم هدایا ایلله قلب همایونی کندی
 طرفته میل ایتد رملکه واریخی صرف ایدردی مکر و یلق اوغلتک
 نادرالوجود حسنا همشیره سی واریدی درگاه شوکتیناهه خدمتکار
 ایتکی عرضحالیه نیاز ایتدکه بر مقتضای وقت شباب بوامرک سرریعا
 حصوله شتاب و آدم کوندروب اول نازنینه بی و یلق اوغلتدن
 کتوردیچک بدرجه دلدادده اولدیکه بر آن کورمه جانی قرار ایتدردی
 (پس اول نازنینه دخی قرنداشی و یلق اوغلتک تعلیمی اوزره شهر یاز
 کزین حضرتلرینی شرب خمره دلالت ایتدکه اولدخی کافر پیچه نک
 محبتی بلا سیله روز و شب زنان ایلله ساز و سوز و چنک و چغنه برله عیش
 و عشرته مائل اولدی و اول مکاره نک کلانی کوش و اجداد کرامتک
 ایتد کلری ام الحباثی نوش ایتدیلر وزیر اعظمی علی پاشا دخی فسق
 و فجوره و لذات شهواته مائل اولغله کندی اجرایی من فیچون بر طرفدن
 پادشاهی جانب فسقه ترغیب ایدردی ما حصل بو کیفیات ایلله اموردوات
 و سلطنت معطل و احوال رعایا مختل اولوب ظلم رایکان ورشوت
 هر طرفدن نمایان اولغله ملک آل عثمان ویران و احوال عالم یمان اولغله
 یوز طوتدقد سپاه و رعایا ظلم و تعدیدن رکاب مستظایه شکایت
 ایتلریله سلطان یلدرم خواب غفلتدن اویا نوب احوال عالمه واقف
 اولیچق اجدادی مسلکته کیروب سکسان نفر ظالم قاضیلری در زنجیر
 و حقوق عبادی رد ایدوب صاحب لرینه بعد التسلیم جله سنی حبس

واخراق

واخراق داعیه سنده اولدیسه ده جرایملری شفا غلله عفو
 اولدقد نصکره امر معاشلر یچون بجهت یکریمی بش ایقه و سبله قیده
 یدی ایقه و نکاحه اون ایکی ایقه و یسک ایقه دن یکریمی بش ایقه
 رسم قسمت تعیین یورلدی (بعد از آن) و ندیک و فرنجیه و جنوبی و پولیه
 و اسپانیه قرا لاری طرفلرندن روم ایلانی غارته لشکر کلیدیکی مسموع
 همایون اولیچق برقات دخی متنبه اولوب یدیوز طغسان الی جنادی
 الاخرینک اون طقوزنجی کونی کلیو لیدن عبورله واروب سلا نیک
 شهرینه یوریش و اطراف سیله بعد الفتح یکبشهری و توابه منی و فرنگ
 خروجه سمت اولان قلاعی دخی فتح ایتد کد نصکره بنه پروسه به عزیمت
 یوردیلر (بعد از آن) سلطان یلدرم خاڭ استانبولی فتح ایتک مراد
 هما یونلری ایسه ده تگورندن جنجه صادر اولدیغندن اوزرینه
 وارمیبوب اطرافنی فتحله اکتفا ایتشلر ایدی بواثانده انکروس
 حدودنده کی بلاد اسلامیه به انکروس کفره سنک استیلاسی اخبار
 اولغله پادشاه عالیجاه روم ایلنه کجوب ادر نه ده تنظیم عسکراوزره
 ایکن استانبول تگورینک جاسوسی طوتیلوب تضییق اولدقد
 عساکر اسلامک کیفیتی استانبول قرالی انکروس قرالنه خبر و برمش
 و اندن دخی اوچ نفر جاسوس کلیدیکی اخذ اولان جاسوس خبر
 و بر مکین پادشاه اسلام کلوب استانبولی محاصره ایتد کلرنده استانبول
 تگوری سیزه دو ستملق ایدرکن بوبلایه او غرادم دیو انکروس
 تگورندن استمداد ایدیچک اول دخی یوز اوتوز بیک کفار ایلله طونه بی
 کجوب نیکبولی قلعه سنی محاصره ایتدیکلی اخبار اولیچق پادشاه انام
 محاصره بی براغوب اول طرفه عزیمت یوردیلر و اورنوس بکی دل المغه
 بومکن اولورسه قلعه به کیرمکه مقدجه تعیین یور مشلر ایدی کثرت
 کفار دن ظفر یوله مدیغنی رکاب همایونه عرض ایدیچک اولکجه
 شهر یارکنین براحدک خبری اولمقسرین دشمن دین ایچندن الفار ایلله
 منفرد اقلعه دینده بر یوکسک محله جیقوب قلعه محافظی طوغان بکه
 چاغردقد اول دخی لبیک دیوب ذخایر و عسکردن مضایقه سنی خبر
 و بر یچک پادشاه عالم اورادن اوردوی همایونه عودت واپرته سی کون
 کفارله بذاته محاربه ایتدیلر اثناء جنکده بر کافر بلبله رک سرس هادن

شهریاری به پردبوس اور مغین پادشاه عالم آتشدن زمینه دوشدیلر
منقولدر که بعض ملائکه صورت انسانیده امداد ایچون حاضر ایدیلر
پادشاه اتدن دوشیچک شر دشمندن وقایه ایتدیلر امر ابو کفیتی
کورد کلرنده شمشیر آبدار ایله کفاری ازالیوب پادشاه کامکاری یته
برآه بندر دیلر القصه امداد الهی ایله کفاره تفرق حاصل اولوب
اکثری طونه به دوکله عسکر اسلام مغنم اولدیلر (بعد از ان) پادشاه
اسلام کندیلر ینک و بر عسکره رئیس اولنلرک کفار ایله بذاته جنگ
ایتمسندده مخاطره عظیمه اولدیغنی عینا و عیاناً یلدیلر و یو انکروس
سفرند نصکره بروسه عودت بیوروب بروسه وسطمنده جامع کیر نام
معبد منبری بنایه یندیوز طقسان سکرده ایتدا بیور دیلر حتی برکون
حضرت امیر قدس سره الخطیر ایله جامع شریف مذکور زیارت
کیشلر ایدی اثناء صحبتده یوشاء دلاراموافق طبع شریفکزدیدر دیو
حضرت امیر صورت قلرنده اول امیر مسند کرامت دخی اگر چه یومعبد
اطاعتده یمثال و حسن و ملاحتده برکالدر لکن بر قصوری وارد
بیور ییحق سلطان کامکار اول قصورنه ایسه افاده یورک دید کده
حضرت امیر دخی بوجامعک درت کوشه سنه پادشاهه عشرت ایچون
میخانه بنا اولنسه کاه و کاه تشریفلرینه بهانه اولوردی دیو جنگ شاه
جهاندن صورت انفعال مشاهده اولندقدده حضرت امیر جناب خدای
متعال نوع انسانی اقامت نماز و کشف راز ایچون کندی دست قدرتیه
خلق ایدوب قلب المؤمن عرش الله کلامنه ماصدق ایتدی بوتقدیرجد
اول خلوتخانه حق و بیت الله حکیم مطلق چرکاب شرابی ایله میخانه
ایتمک و بلکه خیال ساقی دلبر ایله یخانه ایتمک مناسب کورلد کده بر قاج
عمله مقوله سنک سنک و خاک ایله بنا ایتد کلری خانه نک چاررکتی میخانه
اولسه عجبیدر و بو وضع اول عملدن اغر بمیدر بیور دقلرنده بوکلات
حکم امیر قلب شاهد تأثیر ایتمکد نیت خالصه ایله توبه واستغفار
وانیبوا الی الله فرمائنه اجابتله حضرت امیردن انابت نیاز ایدوب
در و نلرین مرداری شرابدن تطهیر و همت حضرت پیر ایله ابنیه دنیا
و آخرتی تعمیر بیور دیلر و شیخ رمضان نام فاضل بنظیری قاضی عسکر
ایدوب غنیش فضایه مأمور قیلدیلر کبار اولیاء اللهدن شیخ سید

علی همدانی حضر تیلر بکه مدت عمرلرین سیاحتیه صرفله ییک در قیوز
ولی کامل صحبته ایریشوب اون طقوز مرشد کاهله خدمت بیور مشلر ایدی
بواننده حضرت امیر زیارتی تشریف بیوروب جامع کیر بنا اولورکن
بروسه ده بولمقوله اوچکون عمله ایله خدمت واخذ اجرت بیور دیلر
ماحصل پادشاه اسلامک یوتوبه واستغفار د نصکره وجود شریفلری
محض نور و ظاهر و باطنلری معور اولوب آبا و اجدادی کی کمال عدالت
ومزید دیانتله مشهور اولدیلر (چونکه) پادشاه جمجاه اقد مجه استانبول
حصار بی الی ماه مقداری محاصره اشناسندده انکروس کفره سی ظهور
ایتمکله برافتمشیدی بودفعه پادشاه اسلام یته استانبولک فتحنه عزیمت
اوزره ایکن تیمور طاش پاشا معرفتله شله حصار ینک فتح اولدیغنی مسعود
همایون اولیحق همان بروسه دن حرکت وقوجه ایلی بولندن اسکندر
بوغازینه واروب بوغاز کسک اوست یاننده کوزلجه حصار نام قلعه بی
بنا واسباب سفریه بی کتورتد کد نصکره استانبول نکورینه قلعه بی
تسلیم ایتسون ونه طرفه کیدرسه کیشون والاچله سنی طعمه شمشیر
ایده رم دیو خبر کوندرد کده اولدخی ضروری ولایتی التیوب جزیه ایله
اکتفا اولمق رجاسیله اون ینک فلوری کوندردی و جمله امرایه خفیه
عرضحاللر یازوب شفاعتلاستدی حتی وزیر اعظم علی پاشایه آچقدن
کوندردیکی هدایادن باشقه اون عدد عظیم بالفک ایچنی التون و سم
ایله طولدروب کر اوجه ارسال و جزیه ایله قناعت اولمق استحصالی
رجا ایتد کده اولدخی عقیله ملازم بهانه لایله پادشاهی جزیه ایله اکتفا
ترغیب ایتدینه ده حیله سی کارکر اولیحق استانبول نکوری اجرای
شرع نیوی ایچون قاضی نصب اولمسنه و مطالب بیوریلان عملدرده اسلام
مخله سی وضع اولنوب مساجد و منابر بنا و خطبه و سکه نام هماکره
اولمسنه و مناصب طرف شهر یاریدن توجیه اولمسنه راضیدر
دیو طراغی بکیجه سندن و کونکدن خانه ل کوچوروب استانبول
در و ننده بر محله عظیمه پیدا ایتدردیلر و مسجد بنا ایدوب قاضی و امام
و خطیب تعیینله اولمسنه نک جزیه سی قبول ایتدیلر سلطان ذیشان
حیاتده اولدیقه بواسطوب اجرا اولندی تیمور ظهور ایدیلرک استانبول
نکوری فسح اطاعت ایدوب خراجی و یرمدی و مساجد و جوامعی

یغوب مسلمانی اخراج ایلدی حالا اول مسلمین کونیکلو نام محوله ممتکندر
(پس بدیوز سکزدن سکر یوز تار یخنه دک ذکر آئی فتوحات و خیرات
بعضا شاه انامدن و بعضا امرادن صدورله وقوعه کلدن از جمله
پادشاه حضرت نری موره جزیره سی فتح چون روم ایلده عزیمت
وقره حریده اقامت و انده بر عمارت بنا و بعض قلاع فتحند نصکره
کلوب ادرنه ده بر جامع و عمارت بنایور دیلر و ادرنه دن عسکر کوندر و ب
ترخاله حصار بی توابعیله فتح ایتدیلر و انکروس قرانک و اروپ و لایتنی
تخریب و اول بی دینی تأدیب بیوردیلر و تیمور طاش پاشای کوندر و ب
کانقری و اتنه بی توابعیله فتح ایتدیلر و ترکمان لندن بهمنی و ملاطیه بی
و کوردالنیدن دیورکی بی فتح ایتدیلر و دارنده و کاخ قلعه لایله نیجه
قلاع دخی ضمیمه ممالک عثمانیان قیلندی (بعد از ان) بغداد و عراق
و تبریز مالکی سلطان احمد جلایری ایلده آذربایجان مالکی قره قیونلی
محمد بک اوغلی یوسف تیمور خوفندن مصر ملکی سلطان برقوق یاننه
فرار ایتدی تیمور ایلدی کوندر و ب بونلری سلطان مصر دن
ایستد یسه ده سلطان مصر بونلری و برمیوب تیمورک الجبسی قتل
ایلدی انجی مزبوران سلطان احمد ایلده قره یوسفک سلطان مصر
باننده مکشتری اوزاد یغندن اعتبارلری قالمغله برتر قریب و لایتنرینه
کیمش لایدی سکر یوزایکی تاریخنه تیمور سیواس قلعه سنی هدم
ایچون دیار رومه کلدن بلکه تیمور سیواسی بعد الهدم بزه هجوم
ایدن بوسلطان احمد بغدادی بنده سی فرجه احواله ایدوب قره یوسف
ایلده سلطان بلدرم خان عریمت ایدر لایکن مصر سلطان طرفندن
حلبده والی اولان تیمور طاش نام کیمش بونلرک ضرورینه مانع
اولد یسه ده بونلر جنک ایلده تیمور طاشی بوزوب آستانه بلدرم خانه
کلدیلر مکر سلطان احمد پندری سلطان او یس ایلده بلدرم خانک
بدری غازی خداوند کارک حقوقی و ارایمش بلدرم خان بونلره زیاده
توقیر ایلدی و سلطان احمد قزبی شهرزاده لری سلطان مصطفایه
الدیلر بونلر دخی تیمورک دیار رومه عزیمت و اول دیاری ضبط نیتی
اولدیغنی بلدرم خانه افاده ایتدیلر (پس تیمورک سیوانی تخریبینه سبب
بودر که مقدما بلدرم خان سیواس و ملاطیه بی فتح ایتدیکنده تیمور

توابعندن ارزنجان و البسی طهرتی اطاعته دعوت و الا قیل اولنه جغنی
بیان بیورمش بلرایدی طهرتن خوف ایدوب تیمور دن استمداد ایتدیجک
تیمور دخی بلدرم خانه بیرون ادب ناسزا القاب ایلده مکتوب یازوب
الجبسی ایلده کوندرمشیذی اتفاق سلطان احمد و قره یوسفک کلدیکی
اوانده تیمورک الجبسی کلوب مکتوبی و یردکنه بعد القرائه اگر الجبسی
مقوله سنی قتل ایتک سلاطین عظامه مناسب اولیدی بومقوله مزخرف
کاغدی کتورمکه جسارت کدن اوتوری عبره لیسارین سنی قتل ایدردن
و از اول حسب و نسب دن عاقل مغرور باطله سویله ظلمی ممالک اسلامیه دن
دفع واجبه ذمت پادشاهانه مدر اول بد بخت و بد اصل برایکی کوز
استدراجی مقتضای ایتدیکی ظلمک جر استی کورسون ازایسه عساکر
عثمانیه مقابله سنده ثابت قدم او اوب طورسون انک وجود بی بو عالم دن
قالدرمق مصمدر اگر ظلام ظلمی غایت بولمق قلمجریله مقبر ایتسه
فیها و اگر اراده ازلیه عالمک خرابنه متعلق ایتسه الحکم لله الواحد القم از
انده دخی او مقهورک مدخلی یوقدر اراده جناب حق کدر اگر اوایلرو
کلکه خوف ایدر سه مواکب عالی مز اتمر تبریز و سلطانیته به وارمق
مصمدر تیمور مقهوره لسه انا بویله سویله مکتوبی ملوک بازارز او یله
خارجی بداصله نامه همایون تحریر ینه نزل ایتیر دیو عنفله تیمور الجبسی
حضور همایونلرین طرد ایتدکنده الجبسی دخی مهابت حضور همایون دن
کوجبله جیغوب تیمور خان سمتنه روان اولدی (چون) الجبسی حضور
تیموره واردی بلدرم خانک جوابی مع زیاده تیموره سو بلیجک همان تیمور
سیواس اوزرینه عسکر کوندردی و ککندی دخی کلوب یوریش ایلده
قلعه بی خاکله یکسان ایلدی و ایچننده کی نفوسی هلاک ایتدیکندن
باشقه درتیک نفر دلاوری دیری طیرانغه بعد الدفن ملاطیه
قلعه سنی محاصره به عزیمت ایلدی ملاطیه ده بلدرم خان طرفندن
سیواس محافظی مصطفی بکک اوغلی محافظ ایدی و تیمور سیوانی
الدقده مصطفی بکی طوتمشیدی بودفعه تیمور ملاطیه محافظی مصطفی
بک زاده به یازدیکه سیواس تخریبینه عزیمت همایونمز ایتاسنده خدام
کرامت باباک مصطفی بکی طوتمش حال زنجیر مرده در عتقک باشکه
بارایسه قلعه بی بعد التسلیم کلوب رکاب همایونمز یوز سورنا که سنی

اتباع منسلک ایدم بمکتوب مصطفیٰ بک زاده به واریج
بن آل عثمان پادشاهنک زکانه یوز سوردم تیمور کی خارجینک رگانه
یوز سوردم وقلعه نیک برطاشنی بله ویرم بیلدیکندن کیر و قالمسون دیو
جواب و پردی تیمور بوجوانی اشید یجک بره بو عثمانلونه شدید آمدلردن
دیو ملاطیه بی دخی خراب ایتمکه کلورکن مصطفیٰ بک زاده کوردیکه
حال دشوار در همان قلعه بی بوشالدوب بیلدرم خان حضرت نرینه
فرار ایلدی و مصطفیٰ بک ایله سیوانده کی امت محمدک احوالی رکاب
همایونه تقریر ایلدی چون تیمور ملاطیه بی خالی بولدی ترکان قره
عثمانه احسان ایدوب کندیسی حلب اوزرینه کیندی (پس) تیمورک
عربستان خراب ایتمسه اوج ماده سپدر اولکبسی سلطان اخد
قره یوسف مقدما تیموردن سلطان مصر برقوقه فرار ایتد کلرنده
تیمور الحی کوندروب بونلری استمشیدی برقوق بونلری و برمبوب تیمورک
الجبسی قتل ایتدیکند نماعدا تیمور طرفندن اوینک قلعه سنک محافظی
اولمش قوجین نام کیمسه بی قره یوسف طوتوب برقوقه کوندر مشیدی
تیمور دخی اولمش برقوقدن استد کده ویرمدیکندن تیمور برقوقه زیاده
کوجمشیدی او اثناده برقوق فوت اولوب اوغلی فرج مصره پادشاه
اولمغین تیمور بود فقه اولمش طلب ایچون مصر سلطانی فرجه الحی
کوندریچک فرج دخی تیمورک الجبسی جنس ایلدی او اوانده تیمور
سیوانی خراب ایتمکه چالشورکن فرج احتیاطا عسکر جمع ایدردی
بو خصوص تیمور اشیدوب کال خصوصتندن مصر سلطانی تصرفند کی
شام و حلب و سایر دیار عربی تخریبه نیتله حلب اوزرینه عزیمت
ایتمشیدی (ایکجهسی تیمور سلطان بیلدرمدن خوف ایتمکه مصر سلطانی
کی خصم قوی بی ترکه رومه کچوب بیلدرم ایله محاربه به وسوسه سندن
ابتدا دیار عربی تخریب ایده لم دیدی (اوچنجیسی آبا بیلدرم خان
سیوان و ملاطیه خصوصتده قدرت و شوکتی اشیدوب مصالحه به
میل ایدرمی زعمیه و عربستان بهانه سیله وسوسه سندن وقت کچرک
قصد ایتمشیدی) ما حصل تیمور ملاطیه بی بعدا ضبط حلب اوزرینه
کیندی او اثناده مصر سلطانی طرفندن حلبده تیمور طاش و شامده شدون
نام کیمسه لوالی ایدیلر شدون عسکر ایله تیمور طاشک امدادینه کلوب

حلبده تیمور ایچون مهیا اولدیلر تیمور دخی سکر یوز اوج تاریخی ربیع
الاولنک طقوزنجی کونی حلب صحرا سنه کلوب اوچکوند نصکره طرفین
چنکه باشلدیلر آخر لشکر عرب پریشان اولوب منقوصه قابوسته
دوکلر کندن تیمور طاش و شدون حلب حصارینه فرار ایتدیلر ایسه ده
تیمور ضرب دیسلیله حلبی ضبط و تیمور طاش ایله شدون اسیر ایتد کندن نصکره
مصر سلطانی فرجه طرفکزدن حلب و شام محافظلری تیمور طاش
و شدون زنجیر مرده در اتباع مردن سرده اسیر اولان اولمش کوندر ربه کز
بنده تیمور طاش و شدون آزاد ایده رم والادولتکزی خراب ایدرم دیو
الحی ایله نامه کوندریچک سلطان مصر فرج دخی مکمل عسکر ایله
مصردن تیمور اوزرینه عزیمت ایلدی (پس تیمور حلبده اون بش کون
آرام واندن احوالی شامه کیندوب یکریمی کون صکره خصه وارد فقه
اهالبسی انقیاد ایتلریله علی اکبر نام معتمدی خصه تهیین ایلدی واندن
واروب حضرت سلیمانک علیه السلام بنا یوردقلری بعلیک قلعه سنی
ضبط ایلدی فاما وقت شتا اولمغه سنه مزبوره جادی الاولنک اوچنجی
کونی دیار کور کده حضرت نوح علیه السلام تر به سی دینلان مرار
شریفی بعدالزیاره شام طرفنه عزیمت ایلدی بو اثناده صیده و بیروت
جانبه مقدما کوندردیکی عسکر مال غنیمتله کلکین جمله شام طرفنه
کیندیلر بو کونلرده مصر سلطانی فرج دخی عسکر ایله شامه کلدیلر تیمور
دخی نواحی شامه کلکه فرج شامدن حقیقوب بر صحرای واسعه برپا ر
چنک قورلدیکه دلالی اجل جانندن غیری برشی صخره اخر سلطان مصر
فرج منهرم اولوب مصر طرفنه فرار ایدیک تیمور دخی بلا غائله شام
حصارینی محاصره و سنه مزبوره غره شعبانده ضبط ایلدی بومیانه ده
شامده من عند الله احراق عظیم ظهور ایتمکین عسکر تیمور جامع
امویه بی قور تار مغه سعی ایتدیلر ایسه ده کار کر اولوب جانب
شرق بستمده کی مر مردن مصنوع مناره دخی یا نوب همان حضرت
عیساک نزول ایده چکی مناره قور تولدی به ضیلر تیمور شامه دخول
ایتد کده شام یزیدیلر بی بولمغین یزیدیلر جامع امویه به کیرسون
واکرام پادشاهانه مه ارسون دیو دلالر چاغر غمغه یزیدیلر دخی جامع
امویه به کیر یچک جمله سنی باقد فقه اول آتشدن شام بالتمام تخرق

اولدی دیرل (پس تیمورشاهی بوکوناخراپ و حلب و جاه شهرلری
دخی و بران و حصارلری هدم ایتد کدند کده تبریزه کیدر کن اثناء
طریقده مار دین و انجق قلعهلری ضبط ایدوب بغداد طرفنه عزیمت
ایدنجه سلطان احمد جلایری طرفدن بغداد محافظی فرج نام کشته به
بر طرفدن امداد اولند ماموله ناچار سلطان احمد جلایری بکا بالذات
تیمور کلکجه بغدادی ویزه دیو تنبیه ایلدی اکثر تیمور کلورسه بغدادی
تسلیم ایدرم دیو فرج عسکر تیموره خبر کوئندرد کده عسکر دخی فرجک
جوابی تیموره کوئندرد لریله تیمور الفار ایله کلوب اشته بن کلدم فیلده بی
تسلیم ایله دیو فرج خبر کوئندرد یحک لیت و لعل اولمغین تیمور یقینه
عسکر بی دخی کتودوب ضریب دسلیله بغدادک بزرخی هدم ایتد کده
بیچاره فرج سفینه به بنوب فراز ایدر کن تیمور عسکرلر دن اوق اصابت
ایتمکله فوت اولدی (پس تیمور بغدادی ضبط ایتد کدند نصکره
قتل عام ایدوب نهر دجله بی قزل ایرماغه دوئوردی فاما تیمور
بغداد صحرایسندگی شهداء بیکنه جسدلرینک تعفندن بغدادده
طوره بنوب قلعه بغدادی بعد الهدم تبریز جانده کتیدی (چونکه
تیمور طرفندن ارزنجان و البشی طهرتی یلدرم خان ایله تیمور مباحثه نفاق
براغوب سیواس و ملاطیبه نک تخربینه بادی اولدی بنابرین یلدرم
خاک طهرتی تأدیب اتمک جایکیر در و نلری ایدی سلطان احمد ایله
قره یوسف دخی بر طرفدن تحریک ایدرل دی اول زمانکه تیمور شام
اوزرینه کلشیدی سلطان یلدرم دخی واروب ارزنجانی و هله
اولیده جبراقق و طهرتی اشیر وارزنجانی قره یوسفه توجه ایتد کده
قره یوسف استغفا ایتمکین سلطان احمد رجاسیله طهرتک جرمنی
عفو ایدوب ینه ارزنجانی اکا احسان ایلدی ولکن طهرتک نفاقنه
سبب اولاد و عیالی و برمیوب بروسه به کتوردیار (چونکه) یلدرم خان
ارزنجان فتحند نصکره قیصریه حوا ایتد کده سلطان احمد
جلایری بالاسنبدان مقر سلطنتی اولان بغداده عزیمت وطی مراحل ایله
واروب بغدادی تسخیره باشلیق تیمور الفار ایله عسکر کوئندروب
علی الغفله بغداد اوزرینه دوکلد کلرند سلطان احمد فرار له شطدن
کجوب نهر اورتا سنده اوغلی طاهره بولشغله حله به واردیلر (چونکه

یلدرم

یلدرم خان ارزنجانی طهرتنه احسان ایدوب عیال و اولادینی بروسه به
کتورمشلراییدی (پس طهرتن تیموره یلدرم خاندن شکایت و اولاد
و عیالی البورمکی رجایتد کده تیمور دخی یلدرم خانه الحی کوئندروب
مکتوبنده بواشاده خدام کرا بمزدن طهرتن تصرفنده کی ارزنجان
قلعه سنده استیلا و اولاد و عیالی بروسه به کتورمشلر بو کستانخانه
اوضاعک غریبدر امدی نامه همایونم و صوانده دولتک بک بکاسی
مراد ایتد (اولا طهرتنک اولاد و عیالی ارزنجانه کوئندرد) ثانیایانکرده کی
قره یوسف خبیثی یا طرف همایونم باغایوب کوئندرد سز یا قتل
ایده سز و بو کستانخانه حرکتلریکر مقابله سنده کاخ قلعه سنی دخی
تسلیم ایدم سز و اولادیار روم آشیانه بوم اولوب دولتک بک بکاسی
سلطنتکری بی بنیاد اوله جفتی مقرر بله سز (پس) یلدرم خان نامه تیموری
اوقیوب شویله جواب تحریر یوردیلر که طهرتن کی منافق قهر و غضب
همایونمزدن قورتلوق محال ایکن ینه ارزنجانه والی ایتدیکر سنک
اتباعکدن اولدیغیچون دکلدر بلکه سلطان احمدک رجاسیله در
قالدیکه قره یوسف خصوصی بویله خانه دانک سایه جایته التجا ایدن
مسافرینه طرف همایونمزدن جایه دن غیری نسته ظهور ایتمز لکن
سنک چشم طمک دیار روم غارتنده در و دیده حرصک ممالک اسلامیه
خسارتنده در انشاء الله تعالی ظلمکی روی ارضندن قالدیریم ارایسک
حاضر اول قدم شومک دیار روم باصمدن مقابله به وارمق مراد
همایونمدر ایکی بی پایان عسکر ملاقی اولورل نصرت و غایت جناب
مستعاندندر (چونکه) تیمور یلدرم خاندن بوکونا معامله بی امید ایتمیوب
خوف ایدر ظن ایدردی مکتوبلری مقابله سنده یلدرم خاتک جواب
دیارانه سنی کور دکه بود قعه ای خانه دان آل عثمانک سلطان ذیاتی
بو عاقلانه رجایی کوش ایله که مقصودم دیار رومی قبضه تصرفه
المق دکلدر مرادم مجرد شکا مسافر اولوب مجلس سعادتنکدن
انس و الفقه لذتباب اولمقدر و الفتن دخی مرادم سنک کی پادشاه
عالیجاه ایله قرنداش اولوب نه وقتکه طرفه برایش سپارش اولنسه
خرینه و عسکر ایله سکا مدد کار اولمقدر بوخسه ممالک روم کی
دارالسلام بنم و عسکریمک هجومیله خراب اولدیغنی استم

واعدها دینگری مسرور ایتم بولشکر ایستمار ایله دیار رومه کدر
ایتم او دیارک خراب و ویران و اها لیبسی استبر اولق مقرر در
عناد ایدوب بوقدر امت محمدک و بایانی بونیو کزه المیک اطفایوروب
جهان واسع باشکزه تنک او ایدن کاخ قلعه سنک مفتاحی خدام کرامزه
تسلیمه عار ایتمک و قره یوسف کی حاج مسلمیک یوانی قطع عادتی اولان
جراحی به صاحب اولوب قتل ایدک تا که روم جنت رسوم نصر فکزه
قالسون و سر د نصکره اولاد کرامکز دخی سلطنت ایسون دیومکتوب
یازوب الحی ایله یلدرم خانه کوندر دی (پس) یلدرم بومکتوبی
کورد کده الحیسی چاغزدوب آستانه مزی مامن یلروب التجا ایدلره
امان و برمیوب نه بهانه ایله قتل ایده لم و بیروتلریوانه شکل کیده لم
تیور خاتک بو خصوصده اقدامی و مرید ارامی محضابق ظفین ایچوندر
ایران و توران قدم شومیه ویران اولوب ارزنجان و بغداد ایله نیجه بلاد
اسلامیه بی دخی ظلمیه بریاد ایدی شمعی پادشاه دیار روم اولق استر
امیدم بودر که بو خصوصده محروم اوله بوند نصکره کاخه کیرمه دیو
بره نصیحت ایدر انک مقصودی معلوم و مراحمی مفهومی و دیار رومه
عزیمت ایدی لکن اهالی روم دخی انک جراسنی تربیده نیت ایتدی
و ارسویه آدم ایسه جنک مقامنده طورسون و عنایت حق ایله جراسنی
کورسون دیو جواب و برو ب تیمور الحیسی یا ننه برالحی دخی قوشوب
تیموره کوندر کد نصکره عسکر و مهمات سفریه تدارکنه باشلد قلرند
ارکان دولتی یلدرم خاتک بو کو ناخرکتی ناصواب کوروب بالانفاق
مصلحه طرفته ترغیبیه اطفاء فتنه به سعی ایدیلر ایسه ده کار کرا اولدی
آخر (تیمور سکر یوزدرت سنه سی اول بهارنده یلدرم خان اوزرینه
عزیمتی درکار ایدیمک انک دخی ارکان دولتی تیموری مصلحه طرفته
سوق ایدک کلرند تیموره ده سوز کار ایتدی او ائشاده عبدالله اسان نام
منجم آل عثمانک الحیاطنی خسرو بر مکه تیمور خلیفانندن آزاده دیار
روم دین ارزنجانیه کلوب ماوراءالنهر حاکی سلطان محمد میرزانه نیره سنی
کاخ قلعه سنک فتحه کوندر مکه اول دخی واروب وهله اولاده قلعه
مذکوره بی فتح ایدیمک تیمور دخی ارزنجانندن کلوب کاخ قلعه سنی
تماشا ایدر کن تیمورک الحیسی یلدرم خان الحیسی ایله کاخ قلعه سنه

کلیدیلر تیمور یلدرم خاتک غضب امیر کاغدی کوریمچک خاطری مشوش
ولسانی پراش اولوب یلدرم خان الحیسی به الا حضار یلدرم خان
بویه امور جزیه ده بزه مساعده ایچوب خشم انکیز خبر کوندر ماملی
ایدی بر ملایمت ایتدیکه اول خشونت ایدوب سرمایه صبریمری المزدن
الیدی غرور اوزره مرور عاقبت اندیشدن صدور ایچ یلدرم خان
دائما عدها دین ایله مقابله ایدوب دشمن دینه مهیب کوریمش
بر پادشاه در دشمن دینه قار شو قدرینی پست ایتیه لم دیو اکا قلیچ
چکمکی روا کوریمش سیدک کندیلردن نیاز ایتدیکمز اوج ماده نک بری
کاخ قلعه سنی ایدی اشته وجوده کلیدی ایکسی دخی رد ایتدیکرینه دکر
اگر اولاد کرامندن بری برای اعتدال طرفه کوندره ایدی و قوعبوله جی
فتنه نک دفعه سبب او اوردی و عداوت محبته منقلب اولوردی خوش
ایندی بوند ده حکمت وارد دیو الحی بی کوندروب عقبتد بر کونورمز
عسکر ایله انقره جانبده عزیمت ایلدی ارکان دولتیله مشورت ایتد کلرند
انلردخی اولاعسکری فرط غایبده تکثیر لازمدر زبراعسکر روم آتش
کیدر و انلریله مقابله محالدر بر مقدار بوشنده عسکریمر قالسونکه
برطرف بوزلدقده برینه اندن عسکریشد بریله (تاپسا هر متر لده
عسکرک اطرافنه خندق چوریمیلدر زبر یلدرم خاتک العارینه عقل
یشمر اون بش بکری بیک عسکر ایله بویه دریای بی پایانی شبنون
ایتمی استبعاد اولمز (ثالثا مقابله ایام حازه به تصادف ایتدیراسون
وانلرک طرفته کیدن صولر ایچلسر درجه بولاندیرلسون تا که آتش
حرارت انلری بی تاب ایده دید کارنده مقتضایه حرکت اولندی
(پس یلدرم خان دخی عقلای دولتیله مشورت ایتد کلرند انلردخی
روبرو جنکی تجویز ایتوب بوللری باغملله و ذخایر لرینی اور مغله
و کا هیجه شجور نلر ایله لشکر تیموری بی تاب ایتکی زائی ایتدیلر او ائشاده
اول طرفده کی امراء یلدرم خان شیراز و کیلان و دیان بکر و کردستان
و سبستان و بدخشان و ترکستان پادشاهلردن بکرمی نفر نامدار بود دفعه
تیمور ایله برابر در و بولردن ماعدا اولاد اولاندن هر بری بر اقلیه
پادشاه اولمغله بر کونورمز عسکر ایله سواس صحرا سنه کلیدیلر و توفات
بولندن کیده جگر دیورکاب همایونه انها ایتلریله یلدرم خان دخی

توقاته واروب در بند لری سد ایدیمک تیمور توقات یوانی براغوب
قبضه یواندن کلوب انقره بی بعد المحاصره محافظه سنه مأمور اولان
بعقوب بکه حصاری بلا جنک وجدال تسلیم ایله دیو خبر کو ندر یچک
بعقوب بک بماعت اتمکین زور ایله فتحه جالش ورکن یلدرم خان
توقاتدن کلوب انقره صحراننده تیمور مقابله سنه واصل اولد قده
اولا سلطان یلدرم خان قلب عسکرده طوروب اطرافنی بساده
عسکری احاطه ایلدی و اوکارنده دخی عرب و ساریاده عسکر
طور دیلر وارد لرنده شهزاده لری مصطفی جلای و موسی جلای بدر لرنده
امداد ایچون طور دیلر و صاغ قوله اناطولی عسکری تعیین اولنوب
امدادلرینه پادشاهک قانی اولان لاس حاکمی و بلق اوغلی تعیین اولندی
وصول قوله روم ایلی عسکری تعیین اولنوب امدادلرینه ایدین و صاروخان
وقره سی سنجاقلری متصرفی شهزاده امیر سلیمان تعیین اولندی و جلای
سلطان محمد چرخه جی تعیین یور یلوب معینه وزیر اعظم علی پاشا
و تیمور طاش پاشا و قافوچ بک و اورنوس بک و عبدی بک و فیروز بک
و عبسی بک و یعقوب بک و بلبان بک و شاهین بک و حسن پاشا و خلیل پاشا
بود اودبال و الاکوز بک و احمدی و بشار بک و طاهر بک و محمدی و مغل
بک و پاشا جق کی نامدارل تعیین اولندی و یچمه بک کاکش دلاوران
عسکر اسلام اوکنه صاف باغلدیلر و بوجه طغسان بک دلاور ایدیک
کتب توار یخده مقیددر (تیمور) دخی قلب لشکرده طوروب صاغ قوله
خراسان و البسی امیرزاده شاه رخ و امیرزاده سلطان خلیل و امیرزاده
سلیمان شاه تعیین اولندی امدادلرینه سلطان حسین نام اوغلی تعیین
ایلدی وصول قوله یولکا و علی میرانشاه و ترکستان پادشاهی سلطان
محمد ایله یچمه معتبر کسان تعیین اولنوب عمر شیخ نام اوغلنک اوغللری
اولان شیراز و البسی میرزا میر احمد ایله اصفهان و البسی میرزا اسکندری
و میرزا ابو بکر کی میرازی مناسب اولان محله لره وضع ایلدی و شیروان
حاکمی شیخ ابو بکر و ارزنجان حاکمی طهرن و دیار بکر و البسی قره عثمان
کی صاحب اقتدار لری وصول قول امدادینه تعیین اتمکله اول فضای
واحد عسکر ایله مالامال نمونه عرصه قیامت اولدی (پس) سکر یوز
درت سنه سی ذی الحجه سنک اون طقوزنجی جمعه کونی طرفین جنکه

شروع

شروع و بر محاربه عظیمه وقوع بولدی که لسان تعبیرنده لال و قلم
تصویرنده بیخمال اولوب ندای دلال آجال آسمانه غافله وزمین زلزله
براقطه قلیچلر عواص کبی زرد ریاسنه طالب کوه رحباتی چقاردی
و بیغیر غلبه دم ایله کویا که قان قوصاردی سلطان یلدرم ایسه کوه کبی
مقاملرنده ثابت قدم اولوب امر اسنده امداد ایدردی تقدیر خدا قوت
بازو ایله دوغمنه چاره اراده الهیه عسکر آل عثمانک بریشانلقنه تعلق
ایتمش ناکاه برصدا ظهور ایشیدیکه کر میان و ایدین و متشا و صاروخان
عساکر بک بکری یلدرم خاندن تیمور یاننه فرار ایدوب آل آن محاربه اوغله
معیلرنده کی عساکر دخی بکری یاننه فرار ایله عساکر تیموره ملحق اولدی
و لشکر تار دخی سابقا سردار لری ارطنه بک برادرزاده سی اولوب
حالا تیمور عسکر به اولان طهرنک یاننه کتیدی ما حاصل اناطولی
عسکری بو کوتا نامر دلاک اتمکله یله همان صاغ قوله لاس عسکری
ثابت قدم اولدیلر ایسه ده صاغ قول مقابله سنه تیمور عسکرندن ترکستان
پادشاهی سلطان محمد میرزا لاس عسکر بکده هجوم ایدیمک لاس کافری
دخی هجوم ایدن عسکره دست شی قلیل اولدیمدن جنکدن
ال حکم کلرنده جلای سلطان محمد و معینده کی امر اکرام مقابله ده کی
سلطان حسین و میرزا جهانشاه و قره عثمان جلای سلطان محمدک
جمله دایرانه سنه طاقت کتوره میوب گروید و کلدیلر شهزاده جلای
سلطانک مهات و سنجاقلر رسمانه جمله سی تیمور کوریمک تحسین
ایدوب کوزینی درت آجدی و سیم وزری عسکرینه یغور کی صاچدی
شهزاده حضرتلر بک ایسه عسکر تیمور نظرنده سورد کلو دکل ایدی
منقوادر که شهزاده جلای سلطان محمدک اقدامی و معینده کی امرانک
هممانی تیمور کورد کده عسکر بک جمله سی شهزاده اوزرینه کوندردی
یلدرم خل طرفندن ایسه عسکرک نصفتدن زیاده سی فرار اتمکله
شهزاده قوله صغف قلب حاصل اراوب راوغوردن لشکر روم یوز
چورد کلرند و زرا و امر ازاری زاری اعلیه رفق مساوره ایتدیلر که
بر مقتضای مشیت الهی غلبه ممکن دکلدر بونقدر یچمه شهزاده کان ایله
پادشاه عالمشاهی سلامنه چقارلم دیوب وزیر اعظم علی پاشا و مراد پاشا
و ایند بک صوباشی و حسن آغا شهزاده امیر سلیمان فی الوب روم ایلید

کنندیلرو وافرار ادخی رجا و یار له چلی سلطان محمدی جنکدن
منع ایدوب مقر حکومتلری اولان اما سیه محنته بالعیه کیندیلر (پس)
لشکر تیمور بالا اتفاق یلدرم خان اوزرینه هجوم ایتد کزیده منت بک نام
صادق دلاور یلدرم خان حضرت تکرینک حضورینه کلوب پادشاهها
امدادینه اعتماد ایتدیکر کزیده عسکر جمله فرار ایتدیلر بوضو رنده
احتمال ظفر قالمدی بقیه عسکر ایله بویله صومهر محله قرار منج
هلاکدر و ذات همایونه دخی مصکدر دشمن تعالی بمحمدادر حرارت هوا
جمله مزی بی تاب ایتدیکله بقیه عسکر بمر دشمن ایله مقابله دین قالمشدر
واطر افزی دخی لشکر تیمور المشددر بو تقدیرجه پادشاهر سمیت سلامنه
کیدوب بوقوللری یرنده طوریم افندی عز جانب سلامت واصل اولنه قدر
دشمن دفعنده اهتمام ایدیم دیسه ده مزید عبرت پادشاه عالیناهی
فراردن منع ایدوب اطرافنه باقد قدده کور دیکه یولنده جان و یاش
فدا ایدن اترک فرار ایتدیلر بینه دشمن کلوب وجود هما بونلری
احاطه ایتدیلر شهزاده لر ایله بقیه عسکرک کیفیتی کور مکیمون
بر باره جیقوب اطرافه باقد قدده اقبال لرینک غایه ابر دیکنی بیلمکله
مردانه لک یولنده سرد و لترین فدا ایتدیکه عزیمت پیوردیلر جان و یاشنی
پادشاه یولنده فدا ایدن دلاور لک ایسه کیمی مجروح و کیمی مقتول
یا تور حتی بو محاربه ده تیمور طاش پاشا زاده بخشی بک تلف اولدی
ماحصل پادشاه حضرت تکرلی رزمگاهده اخشامه قدر محاربه ایدوب
اخشام اولنجه کیندیلرین دشمن عسکرینه اوروب ضرب شمشیرله
صف اعدایی باره رق سلامت چقد یسه ده تیمور مقهور آل جنکیزدن
محمود خان نام خونریزی نیجه عفریت ایله پادشاهی تعقیبه کوندردی
اگر چه پادشاهی یاننده کی عسکر محافظه ده اقدام ایتدیلر ولیکن
تیمور طاش پاشا و فیروز بک و منت بک و مصطفی بک و تیمور طاش پاشا زاده
علی بک اسیر اولدیلر و نیجه سی دخی مقتول اولدیلر پادشاه عالم ایسه
جنک ایدرکن امرادن آبر لشر ایدی سوار اولدیلر آت بیلمن
ضروری آتدن انوب اول لیلله مظلمه ده پیاده قالد قدده (چونکه
جمع زمانده دولت اسلامیه به خطر آک جنکیز یوزندن اولور محمود
خان یلدرم خانی پیاده کوریمچک کال تکریم ایله تیموره کوندردی (پس)

اصحاب سعاده استیلاء اصحاب شقاوتدن نقصان حاصل اولمز (زیرا
حضرت علی رضی الله عنه خلیفه رسول الله ایکن حسام بن مجسم
شهید ایلدی) و حضرت حمزه رضی الله عنه عم پاک رسول خدا ایکن
وحشی شهید ایلدی بو خصوصه انلرک علو جنبه ذره نقصان
ترتیب ایتدیکنی کی یلدرم خانکدخی بو کیفیتردن شرف ذاتیه سنه
نقصان کلز (الفصله تیمور تاتار عسکرینک اولکیجه یلدرم خانی اخذ
ایتد کلرینی طو نیجه تیر سلطان عالیشان کنیدی او تاغنه دعوت
ایلدی و قارشودن ظهور ایتد کلرنده علی الحجه له یزندن قالقوب
چادردن طشره استقبال و کال تعظیم و تحویل ایله چادرده صدره
اوتوردوب لطیفه آمیز و تسامیت انکیز کلام ناز گانه میساشرتله یلدرم
خان کی غضوب و غیور پادشاهک حرتی فراموش ایتدیروب بر بر لیه
لطیفه یه یاشلدیلر تیمور شو طرزه تسلیه یه یاشلدیکه قضای الهی بی
یز پادشاه دفع ایده مز عاجز انسانه نمالیتده شرف و مغلو بیتده انحطاط
ترتیب ایتد عنایت حقکدر نه جانبیه مقدر ایسه تدبیر ایله جانب اخره
کیمز بو خصوصه نه بوجانبیه شرف و نه طرف شریفکزه انحطاط
مائد اولور بزم نه مد خلز وار اراده حق بهر حال یرینی بولور لکن
شوقته فی الحقیقه طرف شریفکزدن صدور ایتدی بو وقعه حدوتنه
سخطاتم سید درز پرا هر چند که انس و الفت جانبیه میل اولندی
طرفکزدن خشونت ظهور ایتدی و نه زمانکه حسن معامله رجا اولندی
طرفکزدن برودت ظهور ایتدی مکر قضاء الهی یوقته بی اقتضا
ایتد ملاقات مقدر و انس و الفت مقدره مقر ایمش لکن دیار روم جناب
شریفلری کی غازی پاشا هدن محروم اولق روا دکلدر همان بر قاج
کون عزیز و محترم مسافر مز سکر دید که سلطان یلدرم خان دخی
صورت اعتذار ده تقدیر خدای مدهال بر اقلیمک خرابیه تعلق ایتسه
حال بو منوال اوزره اولور نه دیلم فرمان حقکدر پیوردیلر (پس یلدرم
خانک غنچه خاطر لری کتاده اولیحق آبا او غلام نه حالده در دیوچک
همان تیمور شهزاده لک بولم لری چون اطرافه آدم کوندردی مصطفی
چلینک رزمگاهده ضایع اولدیفنی و عبسی چلینک بهض توابعیه له
سمت سلامت چقد یغنی و امیر سلیمانک بروسه به و چلی سلطانک

امامیه کینه یکی خبر و بر دین حق موسی چلی یکی کون مسکه
 بولمغله معززا و مکرما پدری یانه کتورلد کده تیموردی موسی
 چلی به اولادی کی رعایت ایدوب پدری اوتاغشک یانه موسی چلی
 ایچون بر عالی جادر قور دوردی و خدمتارینه معتبر امراسنی تعیین
 ایلدی (ماحصل تیمور رسم تعظیمه دقیقه فوت ایتیه رک بر قاج کونده
 بر مجلس خاص ترتیب و یلدرم خان ابه یان یانه اوتوروب ملاطقه
 ایدرلدی حتی کوتاهیده بر عظیم مجلس ترتیب ایدوب انواع تعظیمه
 یلدرم خانی دعوت و بالمعه تخت اوتوروب مضاحبت ایتدیلر و نیجه
 لطیفه آمیز و تسلیم انکیز کلد نصکره تخت قدیمارینه اجلاس
 اولمیرینی وعد ایلدی بعده سلطان یلدرم خاگ کریمه محرمه لرینی
 کندی شهرزاده سی میرزا میرانشاهک اوغلی میرزا ابوبکر ایچون
 انواع توقیر و تعظیمه استدی و قرابت اساسنه بناد اوردی و تیموردن
 یلدرم خانه اگر آمدن غیري نسته ظهور و شان سلطنته مخالف بر حرکت
 صدور ایجابشکن بعض توار یخده سرد اولان قفص آهنین خلاف
 محضدر یلدرم خاگ بوللرده آنه یتیموب کندی اختیار یله تهر واته
 یلزدی بو کیفی اذعان ایتیلر قفس آهنینه حمل ایتدیلر (چونکه)
 تیمور بغایت خور و زاولمغله تخریب بلاد و تعذیب عباد مائل ظالم و حیار
 ایدی آخر دیار رومه طمع ایدوب غلب و غارت تصدی و تهر یقین بیرون
 وجهه تعدی ایدوب اناطولیونک هر جانبه اقبیحی صالیدی و بولدیغی
 مالی الدی حتی تیمور حقیقیدی میرزا محمد سلطانک یانه ارزنجان حاکمی
 میرزا میران شاه قاتوب بروسه فی غارته و خزینه همایونی ضبطه
 کوندردی شهرزاده امیر سلیمان بونلرک کله جکی ایتدیجک خزینه همایوندن
 نفایس اموالی الوب ادرنه به کیند کد نصکره میرزا محمد سلطان اوتوز یک
 سواری ایلکلوب بروسه فی بغما و اهل اسلامک مال و دمنی هدر و احوالاری
 مکدر ایتد کدن باشقه جامع کیره ایتوب درون و بیرونه ایتلر باغلدیلر
 و اول مقام مبارکه ده نمود بالله تعالی نیجه صلحا نک عرضنی پامان
 ایتدیلر تیمور امر استندن امیر شیخ نورالدین نام ییسیدن مال قبضه
 مأمور اولمغله از یقین طراچی بیلیجه سنه و ارنجه غارت ایتد کد نصکره
 نینجایچ و قراسنی بغما ایدوب بروسه به کلد کلر زنده میرزا محمد سلطانک

خاطرینه کلیان تعبداتی اجرا و مال احتمالی اولان بیچاره لری اشکنجه به
 مبتلا ایلدی و اعیان بلده بی حبس ایدوب عنقه انواع تکلیف ایلدی
 حتی عسکری طائفه سی قطب دازه چهلان امیر سلطان قدس سره
 المستعان حضرت تری و مولانا سمس الدین قناری بی و شیخ محمد
 جزری بی قید و بند ایلر نورالدین میرزا نک یانه کتورلد کلر زنده اول
 کلین دخی بود فعه راست کوروب اول ذوات عالیشان زنجیردن
 بعد الاخراج تیمور کوندر کده تیموردی بونلرک نه سعادت مند اید کلرینی
 ادراک ایدوب بعد التطیب علی حاله ترک ایتکین امیر سلطان ایلر
 ملا قناری حضرت تری دولت ال عثمانک اید پیوند اولدیغنی کشف
 ایدوب بروسه ده اقامتی اختیار ایتدیلر و دولت تیموری قریب بر کشته
 و مصمحل اوله جغنی کترب ظلمدن استدلال ایدوب ماذوناروسه جانینه
 کیند یلر و تیمورک سلطان حسین نام اوغلی قره مان و تکه و جید
 دیارلینه کیدوب عمارت قبول ایتد درجه خراب ایلدی و خوارزم
 ملکی امیر شاه واروب آیدین و منشایانی خراب ایلدی (و تیمور هواسی
 معتدل ردیو کوتاهیه ده آرام ایتکله کوتاهیه قلعه سنه تیمور طاش
 پاشانک خزینه سنی بواب اتباعنه تقسیم ایلدی نفود مذکور کوتاهیه
 مدینه یکریمی مدایدی جواهر و نفایس دخی بو کافیس اولنه حتی تیمور
 تیمور طاش پاشایی چاغردوب بوقدر مال و جواهری جمع ایتکدن
 عسکر جمع ایدوب بومالی ولی نعمتک بولنه خرج ایتسک اولمیزی ایدی
 سیزک کی وزیرانک حرکتلری احوال دولته اختلال و تدبیرلری اقبال
 سلطنته روال و یرردیوار ایدجک تیمور طاش پاشا دخی بزم پادشاهیزک
 خدمتکاری مالنه احتیاجی بوقدر نو دوانلور کی کوزی آچ اولسه
 مال دکل جائیزی دخی بولسه فدا ایدردک لکن شان سلطنته نسبت
 اتباع مالی کورمک قانی فساد ردیو جواب و یرد کده تیموردی سنی
 و اولادک ازاد ایتک مرادم ایدی بو تهر بضک مقتضایی سنه محبوس
 اول دیو تکرار حبس ایلدی (بعد ازان) تیمور مالک عثماندن آیدینی
 ایدین اوغلنه و صارو خانی صارو خان اوغلنه و منشایی منشای اوغلنه
 و قسطنیونی بی کوزم یازیدک اوغلی اسقندیا بکه و کریمانی یعقوب
 بکه و قره مان محمد بکه و یروب کالاول برلنده اسکان ایتدردی و شهرزاده

چلبی سلطان محمد تیمور جنگندن بولی به ورود و بر قاج گوندن صکره
 بروسه به کلوب متبصرانه اول اطراف محافظه ایدردی (پس) شهراده
 چلبی سلطان محمد اما سیه جانبند ایکن قسطنطونی پادشاهی اسقند یار
 یک مقصد ما بلدرم خاندن تیموره قرار ایتشدی بوانشاده تیمورینه
 قسطنطونی شجاعنه پادشاه ایتکله چلبی سلطان محمدک خدات سننه
 و یاننده کی عسکرک قلننه باقوب فرصتدر دیوهمشیره زاده سی قره
 یحیایی یک نفر سواری ایله چلبی سلطان محمدک بولنی قطع و کندی
 تلف ایتکله کوندرد کده شهراده دخی وقعه دن خیردار اولغین عسکر
 ایله مقابله سنه چیقوب وهله اولاده قره یحیایک عسکرینی بریشتان
 ایتکله قره یحیی جمیع مال و اشیا سنی براغوب کوجیله طوسیه حصارینه
 دوشدی و اندن شهراده بولی جانبی بعده اما سیه جانبی تشریف
 پیوردیلر (بوانشاده) ترکان طائفه سندن قره دولتشاه خانه دان آل عثمانک
 دشمنی اولتله تیمور طرفدن مأمورا آل عثمان تصرفده کی ممالکی غارت
 ایدرک ظهور ایتدیکنی شهراده چلبی سلطان محمد اشیدیلر امراسنی
 چاغردوب بوقره دولتشاهک بزه و ممالکمره سوء قصدی بری زیاده
 مغموم ایتدی اگر بوزک حالی اوزره ترک اولورسنه صکره دفعی
 کو چلشور پیوردقارنده جله امراجان و باشمز افندیز بولنه قدا
 اولسون دیلریله قره دولتشاهک جله عسکری یغما یه کیدوب یاننده
 بیکه قریب عسکری اولدیغنی چاوسوس خبر ویرمکین چلبی سلطان
 محمد انقار ایله واروب جنکه مباشرت ایلدی اثناء محاربه ده قره دولتشاه
 شهراده حضر تیرینه راست کلوب بی ادبانه چو چوق مقوله لرینک
 امور دیده اختیاراد ملر ایله جنک ایتک عمرینی الدن و یرمک و کندی
 ایاغیله مهلکه یه کیرمکدر پدرینک کیفیت معلومک دکلیدر اگر حیث
 استرسک جنکدن ال چک دیوجک شهراده حضر تیری دخی اول پیر
 نابالغه ای ترکان بی ادراک وای پیر ناپاک قدر اکیهی به برشی حائل اولمز
 و کیسه امر حقک خلافتسه چاره بولمز شجاعت و اقبال سن و سنه
 کلز دیوب جنکه باشک قلرنده قره دولتشاهک کوزینه اوق اصابت
 ایتکله نان کوراکک جراسنی کوروب آتندن سرنگون و ایچق عسکر
 قلع اوشوردوب سکر یوز بش تار بخنده قتل ایتد کلرنده یاننده کی عسکرک

اکثریسی تیمور خوفندن تابع اولمشلر ایدی شهراده حضر تیرینه تابع
 اولدیلر بقیه سی دخی سیاست اولتله اندن مغموم اما سیه یه عودت پیوردیلر
 (پس) چلبی سلطان محمدک آثار نجات و شجاعتی تیمورک مسموعی
 ارا فجه ظاهر ایتا ایدردی ولکن دائما وجود همسایونلری تلف ایتک
 استردی (بوانشاده) تیمور جایکده ساکن قباد اوغلنی جلب و کز اوجه
 امدادله تقویت و یروب رومیه صغری و اما سیه فتنه نامزد ایلدی اول
 ترک دخی واروب نکسار قلعه سنی محاصره ایتد کده شهراده حضر تیری
 ایشتمکین انقار ایله اول گروه غافل اوزرینه واردیلر و بحال و یرمک
 کیمی قتل و کیمی اسیر ایتد کلرنده قوباد اوغلی کوجیله طاشان اوغلی
 قلعه سنه فرار ایلدی شهراده دخی واروب قباد اوغلی تصرفده کی
 فلنیل قلعه سنی محاصره و بعد الفتح اهالبسنتک امانتی قبول و امر
 محافظه سنی کوروب مقر دولترینه عزیمت پیوردیلر (بعد از ان) چای
 سلطان محمد توقاتده مقیم ایکن انیل اوغلی نام بی امانک یکر می بیک
 ترکان ایله قاز آباده کلوب هر کون بر طرفی غارت ایلدیکی مسموع همایون
 اولیحق بالاسلشاره الحی ایله رعایا امانه اللهدر و انلری حایه لازمه
 ذمت پادشهر شویله ایشتمک توابه کز ظلمدن ممالک محروسه من
 خلقی مکدر اولمشلر لایق دولت اولدر که طرفزه متعلق اولان ولایتک
 پایمال اولسنه رضا کز اولیه اگر بو مملکتی صاحب سن ظنیله کلدیکر ایسه
 صاحبی معلوم کز اولدقده دونوب کیده سن والامقاتله ایله معامله
 اولنور دیوانیل اوغلنه مکتوب کوندردیلر انیل اوغلی دخی مکتوبی
 تخفیف ایتدیکندن باشقه الحی به شمدی محمد نه محمله درونه عملده در
 دیوجک الحی دخی سلطان عالی شسان عز و اقبال و جاه و اجلاله مقر
 سعادتلرنده در دیوجواب و یردی نامه همایونه باقوب الحی بی قتل
 ایتک استد یسه ده امور دیده لری منع ایتمکین مراد من سنکله مقبالتله
 دکلدر بلکه تصرف کده کی ولایتلری المقدر دوستانه نصیحتن بودر که
 مقابلده مرده طور مبوب سمیت سلامته فرار ایده سن دیو نامه بازوب
 مزبور الحی ایله رکاب همسایونه کوندردی بوسک کیفیت شهراده
 حضر تیرینک معلومی اولیحق بیک نفر سواری ایله انقار و وقت سحرده
 قاز آباده انیل اوغلی باصوب اولکون اخشامه دک جنک ایلدی انیل

او غلنگ اون پيك قدر عسكرى اطرافه ذخيره جفته كتمكه ياتده
اون پيك زره پوش تركن عسكرى قالمش يدي شهراده نك پيك نفر
مقدارى عسكرى نه انيل او غلنگ اون پيك عسكرى پايدار اوله ميوب
نارمار اولديلر حتى اول جنكده انيل اوغلي عسكرى نك لاشه سايه
قاز آباد صحراسي طو لمشكن شهراده طرفندن بر شهيد بولماقده نه
غنا و سالما تماما توفاته عودت بيورديلر ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء
وينه شهراده حضرتلري توفاتده ايكن كوزلي اوغلي نام تركن
عسكرايله واروب قره حصارى ضبط و حصار پني فتحه چالشد يغي
اشيد بيلجك شهراده حضرتلري مستعينا بالله الغار ايله بروقت سحرده
برق خاطف كي كلد كده كوزلي اوغلي بوكلن عسكردن سلامتله
فرار محالدر و چنگدن غيري چاره بو قدر ديو چنگه مبادرت اينديسه ده
آخر جميع مالني اولمده براغوب عازم دار آخرت كي يك باشنه فرار
ايند كده شهراده حضرتلري مغنما توفات طرفنه عزيمت بيورديلر
وينه شهراده حضرتلري توفاتده ايكن تيمور امرا سي نحر بكيله
كوپك اوغلي نام تركن قاز آباده كلوب اطراف غارنه ال اوزانديغي
اشيد بيلجك شهراده مظفر الغار ايله بروقت سحر وارديلر كه اول گروه
كوپك كي صباحه قدر بيدار اولوب سحر وقتنده هر برى بر كوشده ده
قبور لمش يانور لر شهراده و قور اول كلب عقور اوزرينه هجوم ايند كده
جمله سي متحير و مد هوش و غلبه خيترنده بيهوش اولملايله كيمي مقتول
و كيمي اسير اولوب كوپك اوغلي دخی بعض رفقا سايه سك بصحرا
مضموني اجرا ايتمكه شهراده حضرتلري سكر يوز بش سته سي
اواخرنده سالما و غنا مقرر سعادتلرينه رجعت بيورديلر (اوشاده
مزید نام حرامی سيواس خراب اولمغه سيواسده تحصن ايدوب اول
طرفه كي ايناء مبدلي نهب و غارت اينديكي ركاب همايونه اسماع
اولند قده شهراده حضرتلري بايزيد پاشاي الغار ايله كوندر ديلر
مكر اول نابكار بيهوش وار اول شهرده واقع سلطان جامعني كندويه
حصار ايتش بايزيد پاشا اول جامع محاصره و استمالدر و يروب اطاعتني
حاوي نيچه عنايتلر وعد اينديسه ده كار كر اولمچق چنگه باشلاندي
فاما مزید طر جامع ديوار بني هدمه محتاج اولمچين بايزيد پاشا اجامك

ديوار بني

ديوار بني يفتحه مزید ناچار مناره به فرار ايلدي بايزيد پاشا مناره دننه
آتش يا قدر دقده مزید آتشك حرارت و دو توتنه تحمل ايدمه ميوب
مناره دن نزول و بايزيد پاشاك اياغنه صاريلوب شفاعت رجا ايدمچك
بايزيد پاشا دخی مزیدی توابييله شهراده حضورينه كوندردي
اركان دولت مزیدك قتلني التماس اينديلر ايسه ده شهراده مزیددن
شجاعت مأمول ايتمكه حضورينه چاغردوب مزید اگر چه اركان
دولتمز سنك قتلكي رجا اينديلر بو فعلدن توبه ايدوب عريكي غرايه
صريف ايتكي تعهد ايدرسك سني عنايتله مسرور ايدرم بيوردقلمده
مزید دخی بنم كي عاصبتك نيچه عقوبات ايله قتل اولمسته يري
وار ايكن عفو اولنه بو عنايت شكرانه سته عمر يمي خدمت موجب
السادتكه صرف اينزده دخی نه ايدرم ديوجك شهراده حضرتلري
مزید نا ايلدي عفو و خلاصت ككيد يروب سيواس تعميرينه
كوندر مكين مزید دخی مزید اقدامله سيواسي كالاول معمر
ايلدي (چونكه) تيمور چلي سلطان محمدك كال شجاعتني كوروب
مالك تاج و تخت اوله جفته شبهه سي قالمدي برتقريب شهراده بي تلف
ايتك فكريله بركون يلدرم خاني دعوت و اثناء مصاحبتده چلي سلطان
محمد كريمة سني ويرمك آرزو سنده اولديغي بيان و بويابده سوه
غرضي اولمديغنه غليظ عيبن ايتمكه خواه و ناخواه يلدرم خاندن
شهراده به دعوت مکتوبي الدي و كندی دخی كال تعظيمه
مکتوب يازوب خواجه محمد نام الحبي بي كندی طرفندن و يلدرم خان
طرفندن دخی آدم ايله مکتوبلري كوندردي مکتوبلر شهراده به كليچك
نوجوانلق تقريبي جمله لينه الدانوب ايله دشمن قوي دامنه اياغله
طولمغه عزيمت اينديلر هر قدر اركان دولت ممانعت اينديلر ايسه ده
اصفا اولمدي و توفانندن قالمقوب اما سيه به وارد قده بهض خير خواهان
كيتامكي ينه رجا اينديلر مفيد اولماقده اما سيه دن دخی عثمانچق نام محله
كلدكلرنده اسفنديار بك همشيره زاده سي قره يختاني نيچه سواري ايله
شهراده ايجون بوصويه صافلمش ايتش شهراده حضرتلري اولمچدن
غافلانه چكر كن شهراده به هجوم ايندكلرنده شهراده دخی انلرايله
مردانه چنگ ايتمكه قره يحيي فرار ايلدي و اندن شهراده مرتاض نام

محلّه کلد کده تاتار سردار لر دین ساوجی اوغلی علی بکک یولی قطع
ایتدیکی اشیدلدی اوئانده ساوجی اوغلندن اخی مصطفی نام الحی
صورتانامه ایله وحقه قنده شهزاده نک وعسکرینک کبیساتی ساوجی
اوغلنه خبر ویرمکیچون کلد کده شهزاده الحینک مرانی فهمد نصکره
عودت ایتدیروب عقبجه کندیلری دخی الغاز ایله کلوب ساوجی
اوغلنی علی الفغله باصدقده ساوجی اوغلی کندی ایده جکی حبله به
اوغرایوب بیک بلایله سلاسل قلعه سنه فرار ایتدین شهزاده
مصلحتدن آگاه اولوب عزیمتی ترک ایتدیرو تیمورک الحیسی چاغزدوب
کتوردیکک ایکی قطعه مکتوب شریفک مضمون اطاعتقر و نلرینه
کمال انقیاد مژدن حضور عالیترینه وارلق مصمم ایدی لکن هنوز
بمالکمر حدودنی چیمقسنین اعدامرک هجومنی کوردیکز بوش
براغله یونجه عبادالله پائمال اولورلر بزم رأیلرینه امتالنه اعدامرک
هجومی مانع اولدیغنی اول ایسکی پادشاه حضرت تلیینه افاده ایله
بو خصوصده بزمه ذور زعفرولی رجاییده رز نکاسل طرفردن اولدیغنی
سویله تیمورخانه اشتیاقن خصوصاً والد ماجدمر افندیمر حضرت تلینک
افتراقتدن احتراق نهاته ایرمشدر (لکن تقدیر الهی تدبیر مزه مخالف
دوشدی کوردیکز کی عذر مرئی حضور تیمورده افاده ایدک تا که
خاطرلری مغیر اولیه و بو مضمونلری حاوی پدرلرینه عرضحال و تیموره
مکتوب یازدیله و تیمورک الحیسی یانه خواجه لری صوفی یازیدنام فاضلی
قوشوب تیموره کوندردیلر و کندیلری دخی صوفی یازیدک عودته قدر
یول اطرافنده اقامت یوردیلر (بعد ازان) یلدرم خان حضرتلری
تیمور الزده اولاد و دیارندن دور اولدیغندن ماعدا دیار روم خراب
اولوب عباد اللهک پائمال اولد قلیتی اشتهد بکه کدر و آلام وجود
همایونلرینه تأثیر ایتکله ضیق النفسه مبتلی و خفقان علی دخی
منضم اولمغه بغایت مضطرب اولدیله اگر چه تیمور دائماً فرخنده ایتلرده
برابرجه انس و الفت و علی الدوام تسلیمت اوزره ایدی قانما تیمور
مساعده سیله تخت سلطنته جلوس ایتک مطاوبلری اولمغه له دنیا
سلطنتندن عار و موتی اختیار ایتشلر ایدی آخر سکر یوزیش تاریخی
اواسط رجینده صاحبفراش اولد قلزنده تیمور کندی نفسلرینه خاص

اولان جلال الدین عربی و عمر الدین مسعود شیرازی نام طیب
حاذق لری تعین و افاقت بولسنی عن صمیم القلب مراد ایدوب یلدرم
خانی استراحت ایچون اتباع کرامیله و طیبیلر ایله اقشهره کوندروپ
کندی حیدر و لایتنه کندی آخر سلطان عالیشان حضرت تلینک
مزاج همایونلری قابل علاج اولمغه سنه مز بوره شعباننک اون
دردنجی پنجشنبه کونی ارتحال دار بقا یور دیله (بوئانده) تیمور از میری
فرنگدن آکوب حیدر ایلنده اکر درز قلعه سنی محاصره ایتکله
اهمالیسی نیس اطه سنه فرار ایتد کلزنده اکر دری بلاتعب الدقیدن
صکره واروب نیس قلعه سنی دخی محاصره ایتد کده شیخ بابا که حالاً بابا
صوره لی دیوکر امتله مشهور در قلعه دن کلوب تیمور دن اهل قلعه بی
رجا و ضابطی دخی قلعه بی تسلیم ایتکله تیمور اندن قاقوب اقشهره
یرقوناق قریب اولدقده یلدرم خانک وفاتی اشیدیمک بکاه ایدوب
آه و انین ایله اقشهره وارد قده موسی چلینک دخی پدری حزینله آه
و فغاتی کورمکله زیاده المانک اولوب موسی چلینک خاطرینی تسلینه
ایچون پادشاهی برقاج کون اقشهرده شیخ محمود حیران مزارنده
امانت طریقیله صیانت ایتدردی موسی چلی به مجوهر قلیچلر
و مرصع حلقه لر و یوزرأس طونامش بی نظیر اسلر اهدا ایتد کدن صکره
بروسه حکومتی دخی توجیه ایلدی بو ارالغده چلی سلطنتان محمدک
الحیسی صوفی یازیدایله تیمورک الحیسی ورود ایتکله تیمور صوفی یازیده
بعد الاکرام هدیة شاهانه و تعزیننامه حاضر نتجه آرام ایتدیروب
انواع توقیر و احترام ایله صوفی یازیدایله بر میر عالیقام قوشوب چای
سلطان محمد کوندردی و ادرنه ده کی امیر سلیمان طرفته دخی الحی ایله
هدایا و تعزیننامه کوندردی (پس یلدرم خانک ولادتلری بدیوز
التمش برده و جلوسلری بدیوز طقشان ایکیده و وفاتلری سکر یوز
بشده اولمغه اوتوز بریاشنده تخته جلوس یور مشر ایدی مدت عمر
عزیزلری قرق درت سنه و مدت سلطنتلری ایام مافات ایله اون اوج
سنه اولور (پس یلدرم خان حضرت تلینک اکبر اولادی امیر سلیمان
سکر سنه و ایکی ماه و اون کوز روم ایلنده پادشاهلق ایتد کدن صکره موسی
چلی ادرنه ده قتل ایتکله بروسه ده غازی خداوند کار جوارینه دفن

اولندی (و چلی سلطان محمد پدرند نصکره تختہ جلوس ابتدا کردہ
عبسی چلی برادری چلی سلطان محمد دن فرار ایتکله اسبک شہر دہ
بولنوب تلف اولندی و موسی چلی دخی ایکی سنہ ویدی ماہ ویکرمی کون
روم ایلندہ پادشاہلق ابتدا کرد نصکرہ چلی سلطان محمد ادرنہ دہ
تلف ایدوب بروسہ یہ کوندر مکلاہ غازی خداوند کار تربہ سنہ دفن اولندی
(وارطغرل پدری یلدرم خان جیساتندہ وفات ایلدی و مصطفی چلی
دخی تیمور جنکسندہ ضایع اولدی (بعد ازان) تیمور جنکستان یلدرم
بازید خاٹک وفاتندن عثمانک اولوب آل عثمانک کفار خاکسارلہ ابتد کلمی
غز اوچھا دی کورہ لیدن برو دولترینہ ایتدی بیکم خسار تہ نادم اولدم
جلہ دیارلرینی کمال تعظیماہ کبرو یلدرم خانہ بعد التسلیم الی آخر الامر
بو خانہ دانہ اکرام و مال و عسکر ایلہ امدادہ اہتمام ایتک مرادم ایدی
دیو تأسف و بکا ایدر کن بروسہ وقرہ سی سنجاغنی غارنہ تعیین ایتدی بکی
حفیدی میرزا محمد شاہک وفاتی استماع اولنجی اشک ندامت دو کہ رک
دیارینہ عزیمت ایدوب ارزنجانہ واندن ارض رومہ واندن کورجستان
فخنہ کیتدی لر (پس) تیمورک الجبسی میرمعتبر ایلہ صوفی بازید چلی
سلطان محمد حضورینہ واصل اولدی لر صوفی بازید تقریرندن و تیمور
مکتوبندن پدری یلدرم خانک وفاتنہ مطلع اولنجی قیصر کدردن
تدبیر امور ملکبہ دن فراغت ایتدی کدہ وکلای دولت حکیمانہ تسلیم
ایتملر ایلہ یلدرم خانک روح شریف لر بچون ختمات و صدقات ایلہ فقرا
و مساکیندن جلب دعوات ایلدی لر (بواشادہ تیمورک اولخو ایلدن دیارینہ
مروزیلہ چکی اشید ملکلاہ بلا اوکندن صاوشمقی سلامتہ قاوشمقدار
چلی سلطان حضورتلی بولی طاغیرینہ حقیق دیلر (وفاتک فتنہ تیمور
ممالک رومدن کلیا زائل اولدی (چلی سلطان طاغدن اینوب مدرنی
طرفنہ وارد قدہ فیروز پاشا زادہ یعقوب بک کلوب رکاب ہمایونہ
یوز سور مکلاہ قولاغوز تعیین اولنوب بروسہ جاننہ توجہ یی وردیلر
ارمنی دربندینہ کلدکرنندہ شہزادہ عبسی چلی دربندی قطع ایتشد
دیو خبر کلیمک طومانچ بولندن عزیمتہ فرمان یوردیلر آندہ دخی
عبسی چلی بیک عسکری خبرور بلیچک چلی سلطان یوریش فرمان ایتکله
وعلہ اولیدہ عبسی چلی بیک عسکرینی تارمار ایدوب بروسہ جاننہ

بول بولدی لر یعقوب بکی بالیکسری شجنونہ تعیین یی وردیلر بالیکسر
ضیابطی ایتدی بک صوباشی ایسہ یعقوب بکک خالی ایدی یعقوب بک
ایتدی بک صوباشی یہ بولاشوب چلی سلطان محمدک قدومنی خبر ویرد کدہ
بعد الامتقبال چلی سلطان محمدہ اطاعت و اوکلرینہ دوشوب
بالیکسرہ دلالت ایلدی چون بالیکسر والبسنک چلی سلطان محمدہ
تابع اولدی فنی عبسی چلی اشدی همان عسکر ایلہ جنکہ عزیمت ایلدی
چلی سلطان محمد دخی جنکہ حاضر لشم ایکن ایتدی بک صوباشی سلطنت
دنیا بچون حقوق آخرتی ہبا ایدوب جنک ایتک ناروادر اناطولی ولایتی
پینکرزہ تقسیم اولنہ مبتلای وزرو وبال اولمز سکر دیوچک چلی
سلطان دخی اول بیر خبر خواہک نصیحتنی بعد القبول برادری عبسی
چلی یہ مکتوب بازوب درونندہ برادر جان برابر متاع دنیای فانی بچون
امت محمدی بربرینہ قدر دمی مغایر رضای باریدر و سلطنت جہان
بیقا و دنیسانک آخری فنا ایکن بو وزری ارتکاب ایتک زیادہ حیا قدر
برادرانہ الفت و بربریمزہ معاونت قابل ایکن دشمن دینی سوندر مک
لایق دکلدر لایق دولت اولدر کہ اناطولی ولایتی بالمناصفہ تصرف ایدہ لم
بروسہ دن جانب شرقی و شمال بسندہ کی سیواس و توقات سرحدینہ دک
طرفزہ ابقا اولنہ و طرف غربی و جنوب بسندہ کی ایدین و صارو خان
و کرمان وقرہ سی وقرہ مان ولایتلری تصرف کردہ قالسون دیونحر بر
ایلدی (پس عبسی چلی مکتوبی اوقویچق پر آتش اولوب بوچو چوق
کچک ولایتی کیمہ تقسیم ایدر) سن و سالم مقتضای پادشاہلغہ بذاتہ
استخفاف مقرر ایکن مقرر سلطنت اولان بروسایی نیچون ویرہ لم
انک نہ حدی وار کہ بومزلدہ بنم ایلہ نزاع ایدوب ولایت تقسیم ایدہ
وقتہ حاضر اولسون سلطنت کیمہ مستحق دراکا کوستریم دیو چلی
سلطان محمد الحسنی قود قدہ الحی دخی کلوب وقعہ بی چلی سلطان
محمدہ افادہ ایدیچک چلی سلطان دخی پانخت پانخت دیو اولوباد
صحرانندہ عبسی چلی ایلہ بخار یہ و عبسی چلی بیک عسکرینی تارمار ایتکله
عبسی چلی دخی یلاق آباد جاننندن استانبولہ فرار ایلدی فامارزم کاہدہ
عبسی چلی ایتدی بک صوباشی یہ راست کلہ اول پیرہ بار کی شہید
و تیمور طاش پاشا دخی تیمور حسنندن قور (تیاوب بر تقریب عبسی

چلیپنك يانته كلكه مدبراموری اوادیغندین عبسی چلیپنك دوام
دوانته علت مستقله اولمشیدی (بودغه تیمورطاش پاشا یلاق آباد
جانبته فرارایدركن ركابداری آتندن دوشوب پیاده قالیچق مرجه
ركابداری آتنگ آردینه آلمشیدی مكرركابداریك سوء قصدی وارامش
خجیرایله ظهیرندن اوزمقله اول غازی بی استندن دوشور دكده
تیمورطاش پاشا سكریوز شده چلی سلطان محمد حضوریتنه
كادیکی آنده نسیم جان ایدیچك چلی سلطان محمد دخی باشی
كسوب ادرنه ده برادری امیرسایمانه ارسال وایصال ایتدكده نصره
جسدیتی دخی بروسه ده بالق بازاری قرینه بناییدیکی مسجد قرینه
دفن ایتدردی

* مقالة سلطنت چلی سلطان محمد بن سلطان یلدرم یازید *

چلی سلطان محمد خان علیه الرحمة والغفران برادری عبسی چلی
عسکرینی پریشان ایتدكده نصره بروسه ده عزیمت بیوردقلریده جله
اعیان واهالی استقبال ایدوب کمال اجلاله پدزی تختنه اجلاس
ایتدردكده نصره کره باجه هم بیعت ایتدیلر پادشاه عالم دخی بروسه دن
ازبقیه عزیمت بیوردقلریده اهالی ازبیک قدوم همایونی سرمایه
سعادت یللوب اطاعت ایتدیلر واندن یکشه شهره کلوب برزیه عدالت
واحسان ایتدیکه سایه دولته برکته التجا ایدن دامننی برزخی الدن
برافزایدی (بنابرین صاروخان وقراسی و سار دیار اهابسی درگاه
شوقه پناهته انقیاد ایتلریله کمال قدرت حاصل اولوب پادشاهلیق
امری نظامنی بولدی (بعدازان) چلی سلطان محمد خان کریمیان
اوغلی یعقوب بکدن جنمکان پدزلی یلدرم خانك جسدش ریقلرینی
و برادری موسی چلی بی استند کلریده یعقوب بك دخی اقشهرده
شیخ محمود خیران مزاندن یلدرم خانی چیقاروب موسی چلی ایله
چلی سلطان محمد کوندردیلر پادشاه نوجاه دخی ارکان دولتیله
استقبال ایدوب اول جسد لطیفی بروسه ده واقع تریه لرینه بعدالدفن
ضبط نمالك ایچون اما نسیم و توقات جانبلرینه عزیمت بیوردیلر
(چونکه) چلی سلطان محمد برادری عبسی چلی بی بوزدیغی برادر
برکزی امیرسایمانه تیمورطاش پاشانك دخی شاهد حال اولوق اوزره

کله سی کوند زمشیدی امیرسلیمان مکتوب ایله تیمورطاش پاشانك
سرمق طوعنی کوریمچك غضبه کلوب چلی سلطان محمد هجوم
واناطولی بی خراب ایتك استدکده امراسی بوحرکت متبحر ندامتدر
ز برا برادر یكرك تیمورکبی غضب الله مقابله سنده نوجهله کوكس
کروب طوردیغی معلوم بوتقدیرجه بالذات اوزرینه وارلیوب یئنه
عبسی چلی بی عسکرایله مسلط ایدلم اگرچلی سلطان غالب اولورسه
برقابه ایتماش اولورز واکر عبسی چلی غالب اولورسه بزم چراغز اولور
انك تدارکنی کورمك آساندر دیملریله همان عبسی چلی بی اسلامولدن
کتوردوب عسکرایله اناطولی په کوندردی عبسی چلی دخی قره سی
ولایتی بعد الفتح بروسه په کلوب حصاری استدکده اهالی برادر یكز ایله
یئنه کر فیصل بولسون نه طرف غالب اولورسه حصار انکدر دیدیلر
(پس عبسی چلی هر نه ولایت واروب قلعه سنی استدیسه بروسه ده
ویریلان جوانی ویردیلر بیکاراری سمته کلدکه اناطولیدن کند ویه
نصیب اولدیغنی یللوب محبت صورتده چلی سلطان محمد درگاهنه
شو کونا مکتوب یازدیکه ای برادر کرام الله تعالی هزار شکر
اولسون جنابه کزی جاس تحت سلطنت کوردم مقدماتی بیزده
وقوعه ولان وقایع تسویلات شیطانیه په حل برله بو محاصری عفو
بیورلق مامولدر بو طرفه کلکدن مراد مر سوء قصد دکلدر بلکه
بو قبش مسافرك طریقله جنابك سایه سمنه اتجار لایق دولت
اولدر که بو قبش اعوانمره کافی برقت لاق تعیین بیورمقله برادرلك
حقنی ادا بیوزده سز (پس چلی سلطان محمد دخی عبسی چلی په
بیکاراری الحرفی قسلاقی تعیین بیوروب اگر امده اهتمام بیوریلر
عبسی چلی دخی اوله ادرده چلی سلطان محمد اذنیاه قره مان دیارینه
مستولی اولوب بعض قلاعی ضبطله خلی اشخاص جمع ایدیچك
اناطرینك وسطند اوغردیغی ولایتدرده بر برادرمله مصالحه ولدم
دیوظم و تعدی ایدمك او بلك آدم ایله بروسه په کلوب قلعه په کیردکلریده
غضب کلوب بروسه بی یغما ایلدی بو کیمیت امامیه ده پادشاه
عالمشاعت منموغی اولیچق او جییک نفر سوازی ایله او جکوند
امامیه دن بروسه په کلوب صباحدن اخشامه قدر جك ایلدی اخر

عيسى جلبيك عسکري تارمار اولمغه کندی دخی بدنوس بولندن
کورله به فرار ایلدی واندن قسطنونی به واردوده قسطنونی حاکمی
اسند یاربک عیسی جلبي ايله واروب سلاسل قلعه سنی محاصره
ایتدیلر انقره به سوء قصدلی مسموع همایون اولیجی اوجیک نقر
دلاور ايله الغار واون کونده واروب اسفندیار عسکری تارمار ایتدکده
اسفندیار بک و عیسی جلبي قسطنونی به فرار ایتلر ايله سلطان عالیشان
بروسه به عودت یوردیلر (بواشاده) ملوک اطرافدن تهیه نامه
کندی خصوصاً قرقمان اوغلی محمد بک قاضی عسکری کوندروب
عرض عبودیت ایلدی و ذوالقدر اوغلند دخی تهیه نامه کلوب
کریمه سنی سلطان عالیشان خدمتله قبول یورمغی نیاز ایلدی
(چونکه) عیسی جلبي اسفندیار اوغلندن دردینه چاره بوله مدی
برقاج اصحاب اباری مدار انتظام کاری یلوب قسطنوبدن کلوب
بروسه اطرافنی غارتد نصکره واروب میخ ایچده اقامت ایلدی بو کیفیت
مسموع همایون اولیجی توقات نواچستندن الغار ايله بروسه بی تشریف
یوردیلر بو خبر عیسی جلبي به واردوده ایدین ایل سوا حلتک حاکمی
ازمیراوندنه فرار وکال تلال اظهار ایتدکده ازمیراوغلی دخی ایدین
وصاروخان و منشا حکایله براسوب یکر می یک سواری جمع ایتدیلر
بو کیفیت مسموع شهر یاری اولیجی اون یک سواری ايله الغار ووهله
اولمده اول گروهی تارمار ایتدیک عیسی جلبي محل معرکه دن فرار
ودیار قره مانده قرار ایتدیمده قره مان اوغلی طرف همایونه رعایه
عیسی جلبي به اکر آمده اهمال ایتکین عیسی جلبي دیار قره ماندن غائب
اولوب اسکی شهر سمندده اختفا ایلدی (بعد زمان عیسی جلبيک
اسکی شهرده اولدیغی اشیدیلجک سلطان عالیشان ایکوز نفر آدم
کوندرمکله عیسی جلبي جامده بوانوب داراخرته کوندردی (پس)
عیسی جلبي یوز یلوب قره مان دیارنه فرار ایلدی ازمیراوغلی رکاب همایونه
یوز سوروب جرمندن استغفار ایتدکده کزیده ولایتلری التوب بقیه سنی
کند ویه احسان اولند قد نصکره پادشاه عالیشان صاروخان ولایتنه
عزیمت یوردیلر صاروخان اوغلی خضر شاه جامده عیش و عشرت
ایتدیکی حالده قید و بند اولنوب حضور همایونه کتورلدکده شرعا

وفا و ناکلنه فرمان اولیجی الامان پادشاهم ایکی نیازم واردیو فریاد
ایلدی ندر دیو سورلدقده اول جسدی مغنیساده اجدادم مدفنه
دفن ايله نابا اجدادمک اوفاتی وقفه سنی موجب ابقایله خضر
شاهک بوایکی مرادی بعد القبول قتل اولنوب جیع ولایتی ضبط
وابالی بر بنده صداقتکاره احسان یوردی واندن شهر یار عالیوقار
کریمان ولایتنه عزیمت یوردیلر کرمیان اوغلی یعقوب بک کلوب
بلا حلتک وجدال ولایتی تسلیم ایتدیک پادشاه خضر تلی دخی یعقوب
بکه حرمت و ولایتی بنه کند ویه عنایت ایدوب بروسه به عودت
یوردیلر (چونکه) امیر سلیمان برادری جلبي سلطان خضر تلیک
سکوه و سلطنته حسد ایدوب روم ایل کی اناطولی بی دخی حراب
ایکچون اناطولی طرفنه عزیمت ایلدی بو کیفیت مسموع همایون
اولیجی بالاسناره انقره به کیدوب عسکر جمعه ایکن امیر سلیمانک
عسکری پامان ايله بروسه دن انقره اوزرینه عزیمتی بلندکده چای
سلطان برادری امیر سلیمان ايله روبرو مقاله مرادری اولدیغی اشعار
یورلیجی یازید پادشاه ايله مقبل صوباشی پادشاهها و سمره کلان وارث
تخدر و روم ایل امراسی یاشنده فرمانبری اولمغه انکه مقابله مسکدر
انقره و سلاسل قلعه لرینک محافظه سنی امرایه تفویض اولنوب
سرخدر لریمزه کیده لم دید کلرند شهر یار خضر تلی دخی انقره
و سلاسل قلعه لری محافظه سنی فیروز پادشاهه یعقوب بکه سبارش
ایدوب کندیلری سرحد مملکته عزیمت یوردیلر (بواشاده) امیر سلیمان
انقره به کلوب یعقوب بک سلاسل قلعه سینده اولمغه انقره بی بعد الضبط
واروب سلاسل قلعه سنی محاصره و محاربه دتصکره یوریش فرمان
ایتدیک یعقوب بک درگاه جلبي سلطانه عرضحال یازوب امیر سلیمان
عسکر ايله مقابله تحت مکاده اولدیغی اشعار واینه بک و بلغارانا
لیله کوندردکده پادشاه عالیشان دخی مقام استقامتده وارقونی بازویه
کتوروب مردانه لک ایلده سن ایکچنی کون موکب قبایلر امداد محافظه
وصول بولور و قدر اولان اول زمان حصاره کلور دیو یادیغی امری
اول ایکی ذات ايله یعقوب بک طرفنه کوندردیکنی امیر سلیمانک وزیر
اعظمی علی پاشا استمکین برقریب الجیری طوتوب بدلرند کی امری

شویله نحویل ابتدا بیکه آستانه مره کمال صداقت و مزید استقامت
معلوم در برخوردار اوله سن و صداقت مقابله سنده دنیا و آخرت
نیمه اجر بر بولاه سن لکن بز او طرفه و ارمه قدر تمیز بر قدر شمد بلك
قلعه بی با صلح تسلیم ایلله بعد زمان قبی آساند ریوساخته امری
کندی بداند کی امر اولق اوزره موی الیهماک لاریه و یروب
بولاری بوش بر اقلین انلردخی فرارله به قوب بکه واروب پادشاه
مکتوبی ظنله ساخته امری و بدیلر یعقوب بک دخی معضاضحه
قلعه بی تسلیم ایدوب نیمه ایام امیر سلیمان بانده فاندی پادشاه دخی
امر همایونده اشارت یورد قری اوزره انفره جانده عزیمت یوروب
یعقوب بک اطاعت و وزیر علی باشانک حله سنی استمکن کبر و
عودت و اول یار توقات و اما سیه طاعنلر ده اقامتله مترصد فرصت
اولدیلر امیر سلیمان دخی پادشاه حضرتلر بک عودتی ضعفه حل ایلله
انفره دن قاقوب تصرف پادشاهیه کی بمالکدن هر برینه که واردی
فخی نصیب اولدیلر بک باشقه سلطان محمد طرفه دن اراق اراق
شخونه نیمه عسکره مقول و نیمه عسکر دخی اسیر اولدیلر امیر سلیمانه
باس کلچک بروسه به واروب حاملده شرب خیره باشلدی بو کیفیت
مسموع شهشاهی اولیحق امیر شمدی بروسه حاملرنده دلبر ساقیلر ایلله
عبس و نوش و کندیدن کجوب دنیایی فراموش ایتشد و عسکری
دخی یغیا ایچون بریشان اولدیلر اطراف انلرک ظلمله و برادر دیوب
سکر بک سواری ایلله سقریه بهرینه کلد کلرنده صونک طغیانلغندن
محل عبور آررکن مکر امیر سلیمانک صوباشی سلیمان نام آدمی او طرفه
ایمش اب بهر کلوب سزر کلر سزر دید کده سلطان عسکرندن
بعض دلاوران بونک جوانی سزه قلیج اساتبله سوبلدیلم دیو صویه
آت سور بچک سلیمان صوباشی مصلحتی کلوب بروسه به فرار ایلدی
اولکون ایسه امیر سلیمان بروسه ده تخیل یازاری جامنده عبس و نوش
ایدردی سلیمان صوباشی امیر سلیمانک بانده واروب کیفیتی تقریر
ایتد کده میر امراسنی چاغردوب کندینک مرای فرار و روم ایلنه گذار
ایدیکنی اشعار اید بچک وزیر اعظم علی پاشا هنوزنه حاده ظهور
ایتدی که فرار ایلله لم بک شهر طرفه واروب چاقریکارنده یوللری

قطعه آرام ایلله لم و اطراف ده کی عسکر عزیزی جمع ایلله لم بیکله همایان
محل مزبوره ورود و غازی اورنوس بکی قراغول تعیین ایلدی پادشاه
طرفندن دخی صلی اوغلی محمد بک و خروس اوغلی احمد بک قراغول
تعیین یوردیلر ایلدی بر برینه راست کلوب جنگ ایتدیلر آخر اورنوس
بک منور ما امیر سلیمان عسکرینه بک فرار ایتد کده آرد لریجه چلی
سلطان کلوب امیر سلیمان عسکری مقابله سته نزول یوردیلر لکن
اولحل سنکستان و بک اولدیلر صبا حدن اخشامه قدر قلعه جنگی کی
مقاله اولدیدی یو ائشاده امیر سلیمان طرفندن وزیر اعظمی علی پاشا
رکاب همایونه شوکول عرجه حال یازوب کوندر دیکه یو عبد عبد افکار
وینده بمقدار لری اگر چه بالاقتضا رکاب مستطیلرندن و خدمت
همایونلرندن دور اولدیلر بک مستحق اوم و عتاب اولمشدر لکن
مقام عبودیتده قائم و صداقت و استقامت مسلکته عازم ازدیاد دوات
واقباللری نهایت مراد مدبر اسکر چه یو ائشاده یو جرگتم برادر لری
امیر سلیمانک مسموعی اولسه یو قوللرینه نیمه بخاطره بی مستلزمدر
لکن افندم اوغریته جائی میملکده القایتدیکم معلوم همایونلری
یوردلقدده وزیر اوامر لری بالمله یو طرف ایلله شوکول اتفاق ایتشدر که
یو کون علی الفعله افندیمره اهانت و یو طرفه کلوب امیر سلیمانه متابعت
ایده چکر سلطان عالیشان لازم اولان بودر که هنوز انلرین براهانت
ظهور ایتدین یو محلدن حرکت و یو جنگدن فراغت یوروب نصرت
و غالبیتی وقت آخره تاخیرله یو باید احتیاط یسوره ل یو مکتوب کلوب
منظر همایون اولدقدده مکر و تزویر اولدیلر بک نجات یورموب برهفته
دخی جنگه امیر سلیمان عسکرندن نیمه لری نیلغ ایتدیلر او ائشاده
کثرت باراندن عسکر سلطان چامور ایچنده قالدقدده پادشاه انا بک
خواص خدمتندن شرایدار الیاس نام خبیث امیر سلیمان طرفله فرار
ایدیچک سلطان عالیشان یازید پاشایی چاغردوب علی باشانک
مکتوبی تقریر و شرایدار الباسک فراری علی باشانک مکتوبی تصدیق
ایتدیکندن تأسف یوردلرنده یازید پاشا دخی افندم رحایا و سپاه حمله
پادشاه عالیشان اوغریته جان و یاشلرین فدایدر لری علی باشانک تزویرات
و نفاق معلوم همایونلر بدر یو حصه صده مبارک خاطر همایونه زره قدر

اغبرار کلبه لکن تقدیر تدبیر مژک خلا فی ابدیکی آشکار در زیر باران
ممتد اولدی و خصمن بوما فیوما قوت بوالدی بوقصد بر خه بته اما سیه
و توقات جانب لری نه التفات اولتوب وقت فرسته رقب اولته دید کده
شهر یار کزین دخی توقات و اما سیه طرف لری نه عتودت و آند منتظر
وقت فرصد اولدیلر امیر سلیمان دخی بروسه ده ارام ایدوب سلطان جهان
تصرفنده کی ولایت لره آقین ایچون آدم لر کوندر مکله سایه پادشاهیده
مهور اولان بونجه بلادی خراب و ویران ایلدی (بواشاده سفری
حصار محافظ لردن خبر کدینکه اگر بوجانی تشریف بیوریلور ایسه
قلعه بی تسلیم و اطاعت ایدر ز امیر سلیمان دخی یاننده کی عسکر یله
سفری حصاره وارد قده حر یقلری قلعه بی و بر یوب چکنه باشلیق
امیر سلیمان غضبه کلوب نیجه ایام قلعه بی محاصره ایلدی او اشداده
قره مان اوغلی امیر سلیمان شیخونه نمکن اولر ایسه یغما یه تار کده
اولدیغنی امیر سلیمان اشیدیک اورنوس بکی عسکر یله قره مان اوغلی
اوزرینه کوندر کده قره مان اوغلی دخی افسرای جانکده قرار ایلندی
پس اورنوس یک و راستی تعقیبه افسرای اطراف نه واریجیق
قره مان اوغلی بالا اجازه خاله قلعه سنده چلی سلطان محمد درگاهنه
واروب و تقیتل دامنه نصکره ولایتک نصفی پادشاه حضرت لری نه
وزدی اورنوس یک بوقبیتی اشیدیک امیر سلیمان طرفنه عودت
و قره مان اوغلیک سلطان محمد خان ایله اتفاقی بعد الیان شمدت کده
انقره جانبنه واروب سلاسل قلعه سی اوکند قره مان اوغلی اگر اوستمه
کلور رایسه قلعه ده آرقه وروب و جنگ ایدلم دید کده امیر سلیمان
دخی انقره جانبنه کیدوب عسکر یک اجتماعه منتظر اولدی (چونکه)
امیر سلیمان دیاردن یخبر مست مدام اولمغه جمیع امور بی وزیر اعظمی
علی پاشایه تفویض ایتشیدی علی پاشا دخی شکر یوزاون اوچده
قوت اولمغین بروسه ده بنایتیکی اجتماع شریف خواسته رفت اولندی
(پس) شهرزاده موثلی چلی احضور هما یونه واروب برادرین امیر سلیمان
سلطان عالیشان حضرت لری نه مخالفتله بونجه ناسر حرکت ایلدی
بوقوللری نه اذن هم ایون بیوریلور ایسه روم ایله کچوب امیر سلیمان
تصرفنده کی ممالکی ضبطله عمر اولدجه اقدیمزک اطاعت لرنده برقرار

وسکه و خلیفه قدیم نام هما یونته اولونته و قکه امر خالیلری ستوخ ایله
روم ایلی امراسیه خدمت دولتلرنده باش و جانی فسد ایدیم دید کده
همان موسی چلیبک مهمانی تنظیم ارنمغه موسی چلی دخی سینو یلن
مرو رفکر یله اسفندیار دیارینه عزیمت واندن قره مان دیارینه عزیمت
ایلدی بواشاده موسی چلیبک روم ایله مرو ایدم چکنی افیلاق
حاکمی اشیدوب اسفندیار بکه یازمکه سلطنتان موسایی بر آن اقدم
روم ایله کوندره و موسی چلی به دخی برنامه یازوب امیر سلیمان
امر اسندن شکایت و روم ایلی تشریف لری رجا و جمیع ولایتی تملیک
ایدوب قزینی ویرمکه نه هدایتش افلاق حاکم مکتوبی اسفندیار بکه
واصل اولیجق موسی چلی به دعوت نامه کوندر مکله اولدخی اسفندیار
دیارینه اجابت ایله عزیمت ایدر کن قره مان اوغلی ارکان دولتیله
اسفندیار دیارینه بدک تشیع ایدر دی اسفندیار بک دخی موسی چلی بی
استقبال ایدوب افلاق دیارینه کوندر دی حاکم افلاق دخی انجاز و عد
ایتد کده روم ایلی امراسی کلوب موسی چلی به دعوت ایتدیلر (پس
موسی چلیبک روم ایله کچوب اول دیاری فتح و تسخیر تدار کسده
اولدیغنی امیر سلیمان اشیدیک درونی آتش و احوالی مشوش اولوب
انا طولیدن کندویه فائده اولیه جغنی ادراک ایله پریشان ایکن وزیری
علی پاشاک وفاتی دخی شیرازه احوالی بوزدی و کندی ایسه دمبدم
عیش و نوشله تدبیر ملک و سلطنت دن غافل اولمغه کمال حیرتدن انقره
حفاظه سنی به یعقوب بکه تفویض و اناطولی بکار بکسی ایدوب
روم ایله کیدی و موسی چلی ایله مقابله یه وارد قده روم ایلی امراسی
موسی چلی بی براغوب امیر سلیمان تابع اولمغه موسی چلی عرصه
چکنه تک و تنه اقا ایچق صرب طاغیره فرار ایلدی امیر سلیمان موسی
چلیبک آردینه دوشمبوب ادرنه یه ورود و کاکان جاملرده و طربخانه لره
عیش و نوشله دنیای فراموش ایلدی اول زمانکه امیر سلیمان موسی چلی
ایچون روم ایله کیشیدی فیروز پاشا زاده یعقوب بک چلی سلطان
محمد درگاهنه عرض حال ایدوب علی پاشا مکرینه اوغراد بغنی یسان ایله
تصرفنه کیرن قلاع بته تصرف هما یونده اولمق اوزره تشریف لری
رجا ایتمکین پادشاه حضرت لری دخی انقره یه وارد قده یعقوب بک

وامیر سلیمان طرقتن قلعه محافظتاری کلوت اطاعت ابتدیلر ویدیق
ومتشیا وصبار و خان و کرمان داخل حوزه شهر یاری اولیحق بروسه بی
تشریف پیوردیلر (چون امیر سلیمانك ادرنه حاکم ملزده عیش
وعشرتله غفلتی موسی چلبینك مسموعی اولدی همان خواص خدامله
ادرنه اوزرینه انقار ایلدی اوانشاده ایسه امیر سلیمان حاکمده ذوقنه
مشغول ایدی میخال اوعلی ایله قیون موسی ساسنی موسی چلبی عسکری
اوکنده کورن آدم کلوت امیر سلیمان خیز و پردکته اکر آمد بدل اول
آدمی تکدیرد نصکره یته نوش یاده ایله عقلنی یاده وپردی (وقتا که
موسی چلبی ادرنه باغلرینه کزدیلر و برازی دخی قلعه قرینه واردیلر
همان حالجی اورنوس بك حمامه کروب غضب ایله ای شهراده نیجه
براسیر یاده اولوب تاج و تختکی یاده و پرورش دولتکک نصفی دوشمه
کروب نصفی سکافالیدی نه فراغت دمی ونه عشرت غالمی دید کده
امیر سلیمانك مستلکدن قولاغنه سرز کیره بوب ای حاجی لالام ندر
بو کلام پزی ذوقزین جدا لایقیدر موسی کیدر که نیم اوستمه عسکر
چکوب کله و برفاج حرامی یله سلطنت دعواسنده اوله بو خسه معنوه
اولوب دعاكك مختل و مزاجك معنی اولدی اورنوس بك جامدن
مایوش چیتوب او جاع ملعی اغاسی حسن اغای کوزدر دکه اولدخی
حمامه کروب آجی سوزلر ایله اغصاب ایدیچك امیر سلیمان دخی حسن
اغاك صفائی دلاک اوسره سیله تراش ایلدی حسن اغا حاکم دت
خروج و چار شولرده یولداشچقلم امیر سلیمان بی بو هیئت قویدی
بن موسی چلبی به کیدرم و قیابده اکا خدمت ایدرم دیوجك عاقل
اولئر حسن اغایله واروب موسی چلبی بی ادرنه به کتوردیلر امیر سلیمان
امراسندن قره جه بك و قره مقبل و اورج بکده غامعاسی موسی چلبی به
تابع اولدیلر (پس امیر سلیمان جامدن مست چیتوب استایول جاننده
فرار ایلدی و دو کچی نام قریه به وارد قده قولاغوز اولان زیمان اهالی
قریه به بو امیر سلیمان اندر بونی طوبیر سکز موسی چلبیدن پردر
اوغراوسک کیدر کده انلردخی فراتی جقدن استلزدی همان امیر سلیمانی
احالنه ابتدیلر و بوجنکده قره جه بك و قره مقبل هلاک اولمقله شهره
دیدلک حیرت کشیدی براوق ایله شهراده امیر سلیمانك اتی دخی

اور یلوب یسان قالد قده امیر سلیمانی اخذ ابتدیلر قتل و یا حبس
داعیه سنده ایکن موسی چلبینك عسکری کلوت امیر سلیمانی آبادی
اترا کدن آلدیلر و وقعه بی موسی چلبی به اخبار ایتد کارنده موسی چلبی
دخی قیون موسی ساسنی کوندر مکه اولدخی کلوت سکز یوز اون درت
تار یخنده امیر سلیمانی شهید ایتکین جسد شیرینی بروسه به کوندر یلوب
غازی خداوند کار تر به سنده دفن ایتدیلر (چون) موسی چلبی روم
ایلی فتحه باشلادی روم ایلی امراسی اطاعت ایچون رکاب همایونه
کادکرنده اکر سرزده آمدیت اولیدی برآمدن یوز چوروب بکا
اطاعتله خیانت ایتد اید بکر دیومالری بی اللرنین آلب اکثرینی
تلف ایلدی و طلی بدرجه به کتوردیکه دیواننده برمالدار و زر
ویا امیر کورسه آتی هلاک ایدردی حتی غازی قوجه حاجی اورنوس
دعوت ایتد کده اولدخی موسی چلبینك کیفیتی بیلد یکندن شویله
عرضحال ایتدیکه بن پیرنا توان قولاری اعی و نیجه امراضه مبتلا
اولدم بو عبدنا توانلری بی برکوشده دعای دولتله مشغول بنده لرندن
تعداد و عفو جبار یله دلشاد بیوره لر بو عرضحال موسی چلبی به
واریحق البتله کله سن دیو فرمان کوندر مکی اورنوس بك ناچار
موسی چلبی حضورینه واروب اعی حرکتی کی حرکتله دست بوس
ایلدی (لکن موسی چلبی بو وضعه انا تیوب اورنوس بکی دعوت
ایلدی و بر صحنه بش اون عدد قور بغا بشردوب طه نام ایه سنده
سینی اوزرینه وضع ایتدردی غازی اورنوس طه ناملردن بیوب
قور بغادن ابا ایدیچك موسی چلبی قور بغاك برنی بیورک دیو و یروب
اکل ایتدر مکه غازی اورنوس موسی چلبیدن خلاص و بالاسنبدان
حکومتگاهلرینه فرار و یوز بنه رده آصوب چلبی سلطان حضرت تلیزینك
تشریفلرینه منتظر اولدی (پس) موسی چلبی اطرافنده کی ملوک
کفاری قضیه به باشلادی از جهله صدر سابق علی پاشا زاده ابراهیم
پاشایی مال طلیچون استایول نکور بنه کوندر دکه ابراهیم پاشا
نکور ایله مشورت ایدوب چلبی سلطان درگاهنه عزیمت ایدم چکی
اشراب ایدیچك نکوردخی ابراهیم پاشا يك واره جفی حاوی عرضحال
یازدیروب رکاب همایونه کوندریدی پادشاه حضرت تلیز دخی کلورایسه

حفظ ایدرم بیور ملریله ابراهیم پاشا استانبولدن رکاب مستطابه
 واریجی صدر اعظم ایلدی (پس وزیر مشاeralیه تدبیریه ککوزه
 قاضی فضل الله استانبول تکورینه واروب پادشاه طرفته مائل
 ایتدر دکه نصکره سفاین کوندردیجک پادشاه عالیه دخی اون بشبک
 سواری ایله روم ایلنه کچدیله یو کیفیت موسی چلیپنک مسعودی اولیجی
 کلوب استانبول قرینده اینجو کز نام محله ایکی برادر جنک ایتدیله
 و میخال اوغلی محمد موسی چلی امراسیله چلی سلطان طرفته فرار
 ایتکی مقدمه مشاوره ایتدیله ایدری جله شهریار کامکار طرفته تابع
 اولدقلرنده موسی چلیپنک سوار بسی دخی بو حال کوزوب کبر و فرار
 ایتکین عساکر سلطان و رالی الغارله تعقیب ایدوب نیجه سنی قتل
 ایتدیله موسی چلی دخی فرار ایتک اوزره ایکن پیاده عسکری سن فرار
 ایدیجک بر جله هلاک اولور ز دیوفریاده موسی چلی بی البقوملریله
 موسی چلی بدی بیک قدر پیاده و سواری ایله قالمشیدی و سلطان
 حضر تلیزیک بونجه عساکری فرار یلر آرد نیجه کیدوب یانلرنده
 ایکوز مقداری آدم قالمشکن مر دلك ایدوب بالذات برادری اوزرینه
 هجوم و محاربه ایتدیسده وجودهما یونلری مجروح و اکثر عسکری
 دخی هلاک اولغین سفن تکورله بروسه جانینه عودت پیوردیلر (وقتاکه
 موسی چلیپنک فرار ایدن عسکری تعقیب ایدن سلطان محمد خان
 عسکری کبر و دونوب موسی چلی عسکری کور دیلر ضروری موسی
 چلی به اطاعت و جرملرینک عفوینی نیاز ایتد کلرنده بعد العفو بزی
 استین قالسون و برادریمی استین کینسون دیمکله امر ادخی مقتضاسیجه
 عامل اولدیله (چونکه) از میر اوغلی چندیک مقدما پادشاه
 حضر تلیزیک مظهر احسانی اولمشکن بود دفعه روم ایلنده پادشاهک
 عزیمتی غنیمت ییلوب ایدین ولایتی غارت ایده رک کلوب ایاسلوق
 شهرینی محاصره ایتدیکی مسعودی همایون اولدی همان امرانک
 احضارینه فرمان پیوردیلر انقره ضابطی فیروز پاشا زاده
 یعقوب بک سرحدده بولمقله قره مان اوغلی مکرندن امین اولد بفتندن
 اعتذار ایتد کده عدم اطاعت جله پادشاه حضر تلی کوجندیله
 ما حصل پادشاه اتام از میر اوغلی اوزرینه عزیمت پیوردقلرنده

از میر اوغلی بالاسنیدان کلوب رکاب همایونه رومال ایدیجک پادشاه
 عالیجناب جرمنی عفو و ایدین ولایتیه تقویت و برد کد نصکره یعقوب
 بک اوزرینه عزیمت پیوردقلرنده یعقوب بک بلا آرام رکاب همایونه
 کلدی لکن پادشاه غیور زیاده رنجور اولمقله قتلنی اراده پیور مشکن
 ارکان دولت نیاز ایتدیله یعقوب بک قتلنی تأخیر ایدوب بروسه به
 کلد کلرنده یعقوب بکی قید و بندله بالطه اوغلنه تسلیم توفانده
 بدوی چارطاغنده حبس ایتدردی (بعد از ان) چلی سلطان محمد خان
 ذوالقدر اوغلی عثمان بکه روم ایلنه سفر لری اولدیغنی اعلان
 و معینده اولمربی فرمان پیوردیلر و سکر یوز اون درت سنه سی اول
 بهارنده انقره صحراسنده جله امرای جمع اولوب حرکت اولغی اوزره
 ایکن عثمان بک کله چکی خبر و برلمکین امرایه استقبال ایتدیروپ
 عظیم ضیافتلر ایتدیله و اول ضیافتده التون و کش آلاتنه داتر هرنه
 واریسه عثمان بکه عنایت ایتد کلرندن ماعدا کندی لباسلرندن البسه
 و مرصع سیف و اسب زرین زرین احسانیه قرین مفاخرت پیوردقلرندن
 صکره بالاتفاق بروسه به عزیمت و تنظیم مهمات نصکره بند
 استانبول تکورندن سفاین کتوردوب روم ایلی طرفته کچد کلرنده
 تکور مسفور کلوب رکاب همایونه یوز سوردی و عسکری ایله امداد
 ایتکی رجا ایتدیسده ده پادشاه حضر تلی تکورک امدادینی قبول
 پیور مبوب ویزه نام محله واردیلر بواشاده قوجه اورنوس بکدن
 بر عرضحال کلدیکه سلطان عالیشان حضر تلی موسی چلی ایل
 مقابلهده محله پیور مبوب استدالاس سرحدینه عزیمت پیور یله زبرا
 سرحد امراسندن پراق بک و پاشا بکت و ترخاله والبسی سنان بک
 و لاس حاکی جله افندی می تخت همایونه اجلاس ایتدر بکه متفقلردر
 بو عبد صدا فنکار لری ایسه اوغور همایونلرینه جان و باشمی فدا
 ایده حکم آشکاردر! پس اورنوس کلرمنده صداقت محسوس اولغین
 ویزه دن ادرنه به عزیمت پیوردیلر میخال اوغلی قولاعوز تهمین
 پیور لمشیدی بولده موسی چلیپنک سرداری قره خلیله راست کلتمکین
 چنکه باشلانوب آخر قره خلیل منهزما موسی چلی یاننه فرار ایدوب
 وقعه فی خبر ویرد کده موسی چلی در حال ادرنه دن حرکت ایتکله پادشاه

عالمشاه دخی کلوب ادرنه حصار بی محاصره ایلدی اهالی حصار پادشاه
عالمشاهه بزرایکی پادشاه پیشده قوللر زافندیمز سلطنتده استقلال بولدقده
قلعه بی تسلیم ایدرز دیو اعتذار ایتلریله پادشاه حضرت تلی ادرنه دن
زغره نه غریمت پیور دیلر موسی چلبی پادشاه حضرت تلی نه ظفر
بوله میه جغنی ادراکله اول طرفده کی بلقانلغه کیرمشیدی سلطان وقور
موسی چلبی عسکر بی حجر و شجره معادل فرض ایدوب بی باک قله
شهرینه وصول و دکرمن دره سنه نزول و اندن صریح صوبی کارندن
بلقان طاغنه واردیلر موسی چلبی دخی از میر اوغلی حسن بک و پاشا بیکدی
ایکبیک نفر عسکر ایلده در بنده لره الغار ایتدر دی شهر یار شهر اقتدار
دخی یازید پاشای طلیعه به سردار و میخال اوغلی بخشی بکی مدار
ایچون تعیین پیور مشیدی اتفاق میخال اوغلی ایلده از میر اوغلی
و پاشا بیکت جنک ایتلریله میخال اوغلی غالب اولمغین عسکر سلطان
کوه بلغار در بندلندن سهولایچه صوفیه صحرا سنه واروب نزول
ایتدکاری موسی چلبی نیک مسووعی اولدقده زیاده المناک اولدی عسکر
شهر یار برکیچه صوفیه صحرا سنندن الغار و شهر کوی در بندلندن دخی
کندر ایتدیلر (پس سلطان عالمشاه شهر کوی صحرا سنه نصب خیام
پیور دقلری کون سنان بک و پاشا بیکت و براق بک طرفلرندن اطاعت
نامه کلوب دروننده قدوم همایونلرینه انتظارلرین اشعار ایتدیلر و اندن
نیش صحرا سنه وارلدقده موسی چلبی تبدیل کلوب سلطان عالمشان
عسکری ایچنه کیردی و جغیت و اتفاق کوروب مایوسا عودت ایلدی
و اندن چلبی سلطان بی پروا لاس ولایتندن ورثه رود خانه سی کارینه
واردقلرنده غازی اورنوس و پاشا بیکت و سنان بک و براق بک و لاس
خاکی و کور تکور اوغلی یکان یکان کلوب مظهر نوازش شهر یازی
اولدیلر و اندن و یلق اوغلی دیارینه وارلدقده و یلق اوغلی هدایای
وافره ایلده کلوب رکاب همایونه یوز سوردی و اندن مشهد غازی
خداوند کار اولان کوس اوایه و اندن کور تکورک ولایتنه حرکت
پیور دقلرنده از میر اوغلی حزه بک بشیوز نفر سواری ایلده کلوب عرض
اطاعت ایلدی و موسی چلبی یاتنده میخال اوغلی محمد بک و تیمور طاش
پاشا زاده امور بکدن عیری نامه دار بک قلوب یدی بیک نفر پیاده عسکر

قالدیغنی افاده ایدیچک چلبی سلطان حضرت تلی دخی موسی چلبی
اوز رینه غریمت و قره صویولندن علی اوغلی اواسنه نزول پیور دیلر
پیور دیلده دخی موسی چلبی نیک اکثر خدای رکاب همایونه عرض عبودیت
ایتدیلر و اندن چامورلی صحرا سنه وارلدقده موسی چلبی دخی احتمانه
کلوب بقیه اتباعندن تماچی اوغلی فرار ایدر دیو باغلیجی قی امراء
سارنه نیک اکثریسی بوضعه مغیر اولمیریله سلطان عالمشان درگاهنه
فرار ایتدیلر آخر موسی چلبی کوز قرار دوب عسکر یله چامورلی صحرا سنه
الغار ایلده کلوب عظیم جنک ایلدیه سه ده عسکری تار مار اولمغین بالذات
قلج چکوب عسکر سلطانی به حله و نیچه غازیلری دیار عده کورنده رک
عسکری یاتنه کلدیکه کیمی مجروح و کیمی مقتول یاتور ناچار فرار
ایدیچک یازید پاشا و میخال اوغلی و براق بک و بعض دلاوران الغار ایلده
تعقیب ایتدیلر موسی چلبی آتیه برجاهوره دوشد کده تعقیب ایتدیلر
اول سر و خرامانی طوتوب سلطان باهر الاقبال درگاهنه کتور دکارنده
اندر دخی تعدد ورثه سلطنت انتظام ملکه محض مضرت اولمغین
صیانه لاعباد اولسر و آزادی سکزیوز اون التیه آخیره کوندروب
جسدی بروسه ده غازی خداوند کار تر به سنه دفن ایتدیلدی (پس
سلطان بلند مکان اول طرفک امور بی رؤیت و سرحدله تقویت
ویرد کد نصکره کلوب ادرنه ده تخت همایونه جلوسله اناطولی و روم
ایلنده استقلال بولدیلر (چونکه) قره مان اوغلی محمد بک سلطان
ذیشان موسی چلبی منهرزم ایدر ظنیله دفعه اولی کی بروسه فتحنه
الغار ایلدی بروسه محافظی غازی حاجی عوض پاشا اولد یغندن
قره مان اوغلی محاصره ایلده قلعه به ظفر یاب اولیه جغنی اذعان ایدیچک
قلعه نیک صوبی کسمنک ایچون بکار باشی صوبی نیک مجراسنی یاروب
چلموز دره سنه آفتخه چاشورکن مشارالیه عوض پاشا قلعه دن جیقوب
بونلرک اکثرینی اسیر و برازنی قتل ایلده تدبیرلری ابطال ایتدکده
قره مان اوغلی حبله دیگره سلوک ایلده لایلا نیچه مشه ناریله عسکری
قبلوجه بولندن سید ناصر طاغنه جیقوب ای اهل حصار بونیچه
امدادیمز کلدی یارین یوریش ایده جکزدیوندا ایتد کارنده غازی
عوض پاشا اهل حصاره قره مان آورد و سنه جتکه برار کیمسه

قالديغنى خبرالدم ديو جنك آوردلورلى اوردووي يغمسايه كوندردى
هنوز قره مان اوغلى عسكرى يوريش طريقيه برقا بويه كلد بن يغمسايه
كيدنلر اوردووي طولواورمش ترلايه دونر وب مغمسا عودت
ايتدكارنده پاشاي مشاراليه دخی اول مال غنيمي اول دلاورله
تمليك ايلدى و پاشاي مشاراليه بعضا قلعه دن جيقوب جنك ايله
الديغنى اسرايى ايرته سى **ك**كون قلعه بد ننه صلب ايدردى حتى
حاجى عوض پاشا بر قاج برندن ياره لمتشكن اظهار ايتيوب دائما
روم ايلنده غلبه سلطان زيشانه دارا خيسار ساره ايله عسكركه تقويت
ويردى اوتوزيش كون يوكش مكش اوزره ايكن موسى چليپنك نابوقى
ظه ورايتد كده ابن قره مان حيله به حل ايدوب بالذات دفته حاضر
وشهرزاده نك **ك**كفتنى آچوب جسده ناظر اوليحق شهره آتش يرافدى
وكلايى در بندر باغلو اولغله كرماسى بولندن زياده شتاب ايله ديارينه
فرار ايدركن عظيم الجشه خرمن طانه سنى نام نديمى يور يابوب جانندن
بیرار اولد قده قره مان اوغله سلطانم بو عثمان اوغلك اولوسندن
بويله فرار ايلدك ديريى كيش اولشه نه چار ايدردك چونكه اول كادى
بويله قاچار زظاهر اول برى كلسه قنات باغليوب او چارز ديد كده قره مان
اوغلى غضبه كلوب خرمن طانه سنى بدرخته صلب ايد كدن صكره
ولاينه دك فرار ايلدى (چونكه) امير سليمان حياتنده براوغلى استانبول
تكورينه كوندرمشيدى روم ايلي تصرف پادشاهى به كيرد كدن صكره
شهرزاده دخی افلاق ديارينه كيتك فكريله استانبولدن چيقسوب
قرن واسنه كلكه قنجيلرك بيمچاره يى سلطنت فكرينه دوشورر كلردن
پادشاه اكاه اوليحق او اطرفه عزيمت ويانيولى اطرافنه وار دقه
آقنجيلر تارمار اوليحق شهرزاده يى لالاسى درزى باشى زغنوس حضور
پادشاهى به كتور مكين شهرزاده نك كوزلرينه ميل چكيلوب بروسه به
كوندرلدى پادشاه هر چند كه بروسه به كله شهرزاده به وهمشيره سنه زياده
حرمت ايدردى حتى كيوه قربنده انقصار نام قريه يى شهرزاده به تمليك
وهمشيره سنى بر معتبر بكه نكاح ايتكله الى آخر العمر بروسه ده دعاده
اولد بلر (بعد از ان) قره مان اوغلك بروسه به ايتديكى خسارت مقتضايى
تأديجى مراد همايون اولغله اسفنديار بك زاده قاسم بك عسكركه ايله

ابتدا كوندريلوبت بعده شهر يار كا مكار دخی سكز يوز اون يديده
بروسه دن قوتيه جاننده عزيمت وسيد غازی بولنده آقشهره وارلديغنى كون
فتحي ميسر اولغله اندن واروب سيدى شهرينى وبك شهرينى واقلق
خضارينى وسعيد ايلنى بعد القح قوتيه به وارلد قده قره مان اوغلى
جرمندن استغفار و مر حمت رجا ايتكين عفو اولندى و اندن پادشاه
حضر تبرى واروب شهوليله جانك ولايتنى فتح ايلدى (پس) سلطان
عاليشان جانك طرفته عزيمت ايتديك قره مان اوغلك بنه عصباني
ظهور ايتكله پادشاه جمجاه تکرار قره مان ديارى اوزرينه عزيمت
وانقره به كادكارنده مراج هما يونده انحراف ظهور ايتد كده كرميان
اوغلك سنان نام طيبي كتور ديابوب علت شهنشاهى صورلد قده بو علت
خفقاندر مرده وقح وظفر خبرلندن غیری چاره سى بوقدر ديو جواب
ويردى (پس) بويانده مشورت اولوب بايزيد پاشا قره مان اوغلى
اوزرينه تعيين اولندى مكر بايزيد پاشا نك قره مان اوغله حقوقى
وار ايمش شويله برمصنع مکتوب يازديكه سلطانم ايله ميانده اولان
محبت وعلاقه قدیمدر حالا پادشاه عالمپناه زياده خسته اولديغندن
طبيبلر تدميره عاجز اولديلر بو وقت فرصت دمی وغنيمت عالميدر
مصلحت اولدر كه قاپو **ك**كز جلقيله عجالة مصالحه طليليله بو طرافه
خبر كوندر ضرورى مصالحه به ميل اولغله ارادن برودت كيدرا كروقت
تمام ايسه يقين بولنور سز عسكركه كبراسيله بنده كرم سلطانم
اطاعت ايدرم ملك عثمانه مالك اولور سز واکر صحت بولور سز مصالحه
ايمش اولور سز قره مان اوغلى بوسوزه ناتوب سبكار يقين كلد كده بايزيد
پاشا بر ليله مظلمه ده قره مان اوغلى باصوب كندينى و اوغلى مصطفى بكي
طوتمغله دست بسته خصور همايونه كتور ييچك شهر يار وقور بونشاط
وسرور ايله صحت بولوب اثر علت قالميحق قره مان اوغلى حضورينه
چاغردوب بونه حالتدر كه دائما سزك طائفه كزدن ظهور ايدره نوزلسانكز
عذر خواه ايكن بنه عصبان ايدرسكز و مؤاخذه دن فورتمشكن اوساعت
طفیان واديسنه كيدرسكز بلان سو بلكده نادر الاقرانسكز شمدن صكره
سز نه كونا معامله ايديم ونوجهله مر حمت ايديم بزاميد وفاق ايتد كجه
سز اظهار اتفاق ايتديكن بر آرزوي اتفاق ايتد كجه سز سمت شفا قه

کیندیکن (بعد ازین سزی آزاد ایتک اختلالی باعث در دیو پیورد قلنده
 قره مان اوغلی مهابت مجلسدن مدهوش و آزار سلطانندن بی عقل
 وهوش اولوب براز وقتد نصکره عقلی باشنه کلدکده ای پادشاه مظفر
 کلمات همایونک صحیحدر انکیچون برنم ایشمر دائما نحوستدن خالی اولمز
 اجداد جنت معادیکر ازاده سی سز و بوخانه ده انک قدیمی بنده سی
 سز بودقمه ده براوج قائمزه کیرمه وحاصل عمریمری بادفنایه ویرمه
 مادمکه بوجان بنده در پردخی اطاعتدن خروج ایدرسم فلیچکه
 کردنم غلاف اولسون بو پیر قولیکی ازادایت واجداد کرامک مسلکته
 کیت دیو نیساز ایتدکده پادشاه کامبخشا دخی قره مان اوغلی اطلاق
 وولایتی کندویه احسان ایلدی (لکن قره مان اوغلی اوردوی
 همایوندن حیفه دینی کی قویبندن برکوت چقاروب صالیوردی کویا
 بوجان بنده در دیمکدن مرادی اول قوش ایش وینه کالاول عصیان
 ایتدیکی معروض سلطانی اولیحق اکا خصوصته حاجت یوقدر
 وانک ایتدیکی عین کندویه چوقدر پیوردیلر واقعا قره مان اوغلی انطالیه
 حصارینی محاصره ایتدکده باشنه برطوب کله سی کلوب سرب دیوانی
 پاره پاره ایلدی (پس یازید پاشانک بوکونا خدمتی مقابله سنده
 روم ایلی بکر بکلیکی ضمیمه وزارتله سکر یوز اون سکرده کندویه
 احسان اولدی واندن پادشاه انام بروسه عودت پیوردیلر (بوشاده)
 حاکم افلاق جزیه ویرمبوب عصیان ایتدیکی مسموع همایون اولیحق
 سکر یوز اون طغوزده روم ایله عزیمت وابتدا ادرنه بعبده طونه
 ساحلنه واریلوب برکوی قلعه سنک بناسنی تمام وایساجی ویک ساله
 قلعه لرینک تعمیریشه اهتمام پیوردیلر افلاق دیارینه آفچیلر
 کوندلشیدی مقتما عودت ایتدیلر و افلاق حاکی دخی اوج سنه لک
 جزیه بی ادا وهر سنه تمام ویرمک شرطیه طالب امان اولغله عفو
 اولدقد نصکره انکر وس ولایتیه عزیمت و آنده سوران قلعه سنی
 فتح ایتدیلر انکر وس مقابله دن مایوس اولوب اوج نفر بکرادمسی
 ارسله عقد مصالحه ایتدیجک پادشاه حضرتلری ادرنه به کلوب
 اقامت پیوردیلر (چونکه) چلی سلطان محمد سکر یوز بکر می برده
 شهزاده لری سلطان مراد ثانی به بحر اوغلی حزه کی لالاته عین

ایدوب ضبط ورمط بمالك ايچون اما سیه سنجاغنه کوندلشایدی
 ارمیه کیری ولایتلردن بر نیجه قزاق ظهور ایلدی و ارمیه صفری
 سرحد او لمغله سلطان مراد عسکرند ازکنده کرچه تکامل ایتدی
 ولکن اما سیه دن بردشمن اوزرینه کیتدی ظهور ایدن قزاق بری
 بودر که تیمور قشقه سنه یادی اولان قره قویلی قره یوسف تیمور قشقه
 سند نصکره ازربایجان و عراق ستملرند استقلال بولوب دیار بکر
 حاکی قره عثمان ایله ارزنجان و یایر دایالتلر یچون دائما چنک ایدرلردی
 عاقبت قره یوسف ارزنجانی فتح ایدوب بیر عمره ویردی پیر عردخی قره
 یوسفه مغور اقر محاصره ایتدکده قره حصار صاحبی ملک احمد
 اوغلی حسن بکک شهراده سلطان مراده تعلق و ارایدی شهراده نک
 عسکر جمعنده مراد لری هم متصرف اولدیقی ارمیه صفری
 ولایتلری محافظه وهم حسن بکک الله اد اولغله بو کیفیت پدربنه
 یازوب اذنه منتظر ایلدی اولکونلرده الب ارسلان اوغلی حسن بک
 جنبه بی اولدورلردی واسفند یاریک دخی سامسون و باورونه آلوب
 اوغلی خضر بکک ویردی بو خبر روم ایله مسموع همایون اولیحق
 سکر یوز بکر می ایکیده اناطولی به کلوب رومیه صفری طرفنه عزیمت
 پیورد قلنده بونجه خصما نابود وایدا اولدیلر شاه عالم اما سیه جانبیه
 وضع قدیم ایدیکک کافر سامسونده کی کفار خوفلرند حصار
 یاقوب سفان بحر سیاه ایله فوار ایتد کاری رکاب همایونه عرض
 اولدقد بحر اوغلی حزه کی کوندلر اولدخی حصارند کوری
 ضبط ایتدکد نصکره مسلمان سامسونی دخی اتی توجهله ضبط
 ممکندر دیورکاب مستطایه عرض ایتدکده شاه عالم فتح نیلله اولصویه
 عزیمت پیوردی سامسون ضابطی اسفند یاز بکراده خضر بکک
 مسموعی اولدقد طوعا حضاری تسلیم ورکاب همایونه یوز سوردی
 بوشاده مینه بایک قشقرق سلطانیه کیردیکک مرده سی کلدی
 سلطان عالیشان اسفند یازاده خضر بکک آستانه مرده قالوبه مستخدم
 اول و قزنداشک کی مکرمل اول پیورد قلنده حضرتلری دخی پادشاه
 برادر م قاسم بک ایله کوزجک کتیرو پیمر شکر ایدر ایکی بربرده اولسق
 فساد ایدر ز غضب سلطانن قور قازم دیوجک اعتداری قبول

اولمغین مکرما بدرینه کوندردی (پس پادشاه انام اولمغین نظام
ویرد کد نصکره بروسدیه کلورکن اسکایب ولایتیه کلد کده برصحراده
برقاج یک خانه کوردیلر بونلر نیشکل قبیله درد یو صورت قلزنده منت نام
ناتار بکینک توابعیدر کندی صغیر اوعلنک دوکونه کیمکله رکاب
همایونه یوز سوره مدی دیو خبر ویر یلیچک یازیمور دینصرکه بودیار
قدم شوم ناتاردن امین درد یو خبر ویر ایدیکز بونه در دیو وزیرایه خطاب
وعتاب پیوردیلر زسفرده اوغراشه ام بوبله قوم بیستمار خد متده
اولمغوب دوکونلرده صفاده اولسونلر بونه ملعت درد یو جله سنی روم ایلنه
کوندروب قلیه حوالیسنده اسکان ایندر دیلر (بعد از ان) پادشاه
خیراندیش سکر یوز بکرمی ایکیده بروسده یشل نام محله برجامع
دلار اومدرسه و عمارت و جامع شریفک جانب قلیسنده الیوم دفین
اولدقلری تریه وسیعه بی بنایوردیلر بوخسیراته اوقاف تعیینی مراد
پیوردقلزنده اورخان غازی استانبول اطرافنده بعض قرا وقصبات
فتح ایتمیشدی صکره تیمور فترتیده بنه استانبول تکوری ضبط ایلدی
الرفیع اولتوب ضمیمه اوقاف قیلمق مناسبدر دیوسریر شوکت صبره
عرض اولنده فده شاه انام دخی تیمور طاش پاشا زاده امور بکی
عسکرایله تعیین پیوردیلر اولدخی هر که قلعه سنه واردیکه کفاری
استانبوله فرار ایتمکین قلعه بی خالی بولوب ضبط ایلدی واندن اسکی
ککبوزه به واروب ککافری مقابله ایتمکین بعمسا ایله فتح ایلدی
وظار وجه قلعه سی کفاری کلوب رعیتی قبول ایتمایله جله منی
اوقاف سلطانه الحاق اولندی واندن امور بک قرتال و پندیک
واول طرفده کی قرابی فتح ایدوب بروسه به عودت ایلدی (بعد از ان)
موسی چلبی روم ایلنده پادشاه ایکن شیخ بدرالدین نام فاضل
فاضل عسکری ایدی سلطان عالیشان حضرت تلی شیخ مذکوری
ازینقه کوندروب آیده یک عدد عثمانی تعیین پیور مشیدی شیخ مذکورک
ظاهر و باطنی معمور اولمغله شا کرد و صوفیلری چوغالدی مقدا
قاضیه عسکر لکنده بور کلوجه مصطفی نام کنخدا سنی خلیفه ایدوب
ایدین ایلنه کوندردی اول دخی حیلله و مکر ایله ایدین ازاکنی اغفال
و بنیکه قریب مرید پیدا ایدوب فساده باشل دیغی مسموع همایون

اولمغین دفع قسادلر یچون شهراده سلطان مرادک معینده عسکرایله
بازید پاشایی قوشش دیلر بو کیفیتلری شیخ مزبور ازینقه اشد یلیچک
اشقند یار دیارینه واندن افلاق دیارینه فرار ایلدی شهراده دخی
واروب بالمحاربه بور کلوجه مصطفی بی قتل و صوفیلری پریشان
ایلدی و شیخ مزبورک دیگر خلیفه سی طورلق هودین کالک دخی یاننه
اوج بیکه قریب صوفی جمع اولمشیدی اولدخی بالمحاربه قتل اولندی
پس شیخ مزبور بدرالدین افلاق دیارینه وارد قده قاضیه عسکرایکن
کرمیده سی اولنلردن و مریدلردن جمع کثیر تدارک ایدوب سلسله
واندن دلی اورمانه واروب اطراف واکتافه نامه کوندرو مکه بجه
شاده دلاری یاننه جلب ایلدی بواشاده پادشاه حضرت تلی سلانک
فتحنه عربیت پیور مشلر ایدی شیخک بوحرکتی اشد یلیچک سلانک
اطرافنی غارله اکتافو سیرورده اقامت و شیخک فتنه سی دفته عسکر
کوندردیلر کیدن عسکر بالمحاربه شیخی یوزدقلزنده شیخ دخی دلی
اورمانه فرار ایلدی بوارالده اناطولیده بور کلوجه مصطفی ایله
هودین کالک بقول اولدقلری شیخک مزیدلری اشد یلیچک اکبری
فرار ایلمیلر و باقبی دخی صو جدن قورلمیچون شیخی طورلوب
حضور همایونه کتوز دیلر آخر سعد الدین قنارانی شا کردلردن
حیدر هروی قوا سله شیخ مزبور بدرالدین سیرور بازار بند صلب
اولندی (بعد از ان) چلبی سلطان حضرت تلیک ادرنه ده مزاج
همایونلرینه انحراف عارض اولوب کون بکون مشید اولمغین شهراده
سلطان مراده دعوت نامه یازوب چاشت کیر پاشی علوان یک ایله
کوندرد کد نصکره اعیان سلطنتی احضار ولسانا و صیقله سلطان
مرادی ولی عهد ایلدیلر و امیرینه اطاعتی فرمان ایتمیلر و وفاتی
سلطان مراد کله قدر پنهان ایدک پیور دیلر و سار حکم امیر و صایان
بعد التیم اجیبوا داعی الله نداسنی کوش وفاتی جهانی فراموش
پیور دقلزنده ارکان دولت مشورت ایتمیلر که بو خبر موخش اظهار
اولمغله فتنه ملحوظ و سلطان مراد کلدین اعدانک هجومی محسوس
اولمغله پادشاهک وفاتی صاقلوب عسکری پریشان ایتمک مناسب
رکوز لما مکی برکون وزرا پادشاهک اولدیغی قصر دن حیلوب دیوان

ایندیلر و عسکرلر کزیده سنی چاغردوب شوکتلواندیمزك از میراوغلی
 اوزرینه سفری وارسه یاه و سار عسکر اناطولی به کجوب بیغاده اناطولی
 بکدر بکسینه ملحق اولسونلردیو فرمان بوردیلر دیهرك عسکرلر
 کزیده سنی صاودیلر و اناطولی بکدر بکسینه دخی فرمان کوندردیلر که
 بیغایه واروب و رود فرمانه منظر اوله چون عساکر برینجه کوز
 بادشاهی کوره مدیلر برکون طائفه سلجسوران دیهانه کلوب دیدار
 همایونی کورمکی ابتدا نیاز بعد ابرام ایستد کارنده دوقل چاره سی
 اولماغین ضروری کوسه ترمکی وعدله دفع مجلس ایندیلر بوباید
 وزرا متحیرلریکن کوزد اوزان نام طیب حضور وزیریه کروب جسد
 مبارک بادشاهی بی لایسینه مستدینه اووردی و آردلرینه برآدم
 وضع ایدلر که گاه الارینی و گاه جسدی تحریک ایلده و هوا کیمسون
 دیو قاپو و پنجره لری سیدله اوطدی منظمه ایدلر دیوتد بیرایلدی
 ناچار بوتد بیر اختیار اولندی قاما اطباتک اذنی یوقدر دیهرك همان
 رؤسادن اوج بش آرمی حضور همایونه صورقلرته طیب مذکور
 فریاد و فغانله حضور همایونه کروب وزیراعظمه خطابا * سنک باشا
 الکن داد و فریاد * بچون سلطانی ایتدک بوبله بیداد * مقام راحتدن
 اتی ابرقی * همان قصدینه ایتمک تحقیق * زاننده کجه علاحه سعی و اقدام
 سزایلر سز علاح آثارین اعدام * بوقوله شمانت ایلهر یقلری اشغال
 ودقت ایتمکدن اغفال ایدوب بادشاهک حرکت قسریه سنی اراده
 ظن ایتلرله هربری دعاء ایده رک سلاملوب جیقدیلر بواشاده سلطان
 مرادک بروسه بی تشریقلرینک خبری کلکله کز لوجه جسد سلطانی
 تحتروان ایلهر بروسه به کوندردیلر وینه برقاعده دیوان سوردریلوب
 سلطان مراد خان کلنجه یوسری کتم و رغایابی تدبیر ایلهر صیانت
 ایندیلر (پس سلطان مرادخان یرقوناق قاهره قی بدری جسدی
 استقبال ویروسده یتایور دقلری بشلریه سینه سکر یوز یگرمی
 درت تاریمده و خاتلرینک قرق ایتمی کونیدر دقن ایندیلر
 بادشاه جنت آشیان مجدد دولت آل عثماندر و محاسن اخلاق
 و مکارم اشفاق ایلهر مشهور در حتی جلای اسمیه مشهورلردر عادت
 شریقلری هرجه فقرای اطعام و اهل احتیاجه انعام ایدرلردی

وحرین محترمین اهلانده زباده مال کوندردیلر و لادیلری بدیوز
 سیکسان رده و بدیلری مفاقی سکر یوز بشده و اناطولی و روم ایلنه بادشاه
 اولدقلری سکر یوزاون اتی و وفاتلری سکر یوز یگرمی درت سینه سی
 اولجق عمر کرانه لری قرق اوج سینه و بدیلری وفاتده یگرمی درت
 باشند بولوب اون برینه وقلری فترت ایلهر کجی و استقلال اوزره
 تخت جلوسلرته او تونیش باشند بولوب سکر سینه دن بش کون
 اکسک مدت سلطنتلری اولور

* مقاله سلطان مراد خان ابن جلای سلطان محمد خان *

سلطان مراد خان نارالله برهانه حضرتلری سیر بدولته جلوس
 کافه انامد برتبه یدل رأفت ایندیلر که سایه همایونه ملوکانه سنده
 عالم و عالمان استراحت ایندیلر ممالیکه مراد خان ایلهر تحریزه سنده
 بلدرم خانک اوعلی مصطفی جلای جنکدن فراغت و روم ایللی جاننده
 عزیمت ایتدیکدن نام ونشانی بلور سنی اولمشیدی سلطان مراد
 بادشاه اولجق روم ایلنده سلاتک جانندن (دوزمه مصطفی) نام کاذب
 بن بلدرم خانک اوعلیم والیوم سز اوار سلطنت دیو ظهور ایدوب
 اورنوس بک اولادندن و غیرینک ککمره لغارته بیعت ایتلرله
 سیروزک شهر و قلمه شنی جبراضبط ایتدک کد بکمره ادرنه به کلوب تخت
 جلوس ایلدی و روم ایللی اولافیلرله احکامو کد تفرقه ایدوب روم ایللی
 لشکرینی ادرنه به کتوریدی و آدم کوندروب کلپولر اسکله سنده کی
 سفاین و مراکی ضبط ایلدی و پرودن کارویه واکارودن پرویه آدم
 کچمکی محکم بساق ایلدی (پس سلطان مراد خان یو کیفیتی ایشیدیمک
 روم ایللی بکدر بکسی بایزید پاشایی روم ایللی لشکرله دوزمه مصطفی
 لوزرینه تعیین یوردقلرته بایزید پاشا دخی کلپولر سدن روم ایلنه
 بکوب روم ایلینک عومایه کاردی و عساکری دوزمه مصطفایه تابع
 اولدقلرینی و اناطولی طرفنه عزیمت ایتلرینی ادرنه ده بر خبرالیدی
 مکر بایزید پاشاک سلطان مراد حضرتلری سینه نهفته عداوتی
 و ارامش همان دوزمه مصطفایه تبعیت ایتدیمک دوزمه کاذب دخی
 بایزید پاشایی مرخص وزیر ایدینوب کافه امورینی بدینه تفویض
 ایلدی بعد اناطولیدن از میراوغلی دخی دوزمه مصطفایه تبعیت

ایتمکین ایندخی پایه وزارتله رعایتند نصکره لشکر جرار ایله سلطان
مراد خان اوزرینه عریضت ایندیلر شهردن ایکی منزل ابریلیمق دوزمه
مصطفی یازید پاشانک کند و به تبعیضی حبسه به حل ایدوب الخائن
خائف خواسته یازید پاشای قتل ایلدی و سرب سعادته لاشه سنی
طعمه زاغ و زغن ایلدی و اندن دوزمه کاذب کلیبولی به کلوب
سفاین ایله لشکر بی اناطولی یقاسنه بکوریجه سلطان مراد دخی مقدا
والدی سلطان محمدك توفات قلعه سنه حبس ایلدیکی میخال اوغلی
بخشی بکی حبسدن اطلاقله بارگاه دولته کلک ایچون ادم کوندروب
ذات همایونلری لشکر عد و شان ایله اوو باط جسرینه واردیلر
دوزمه لشکری دخی اوو باطک مارا سنه ایندیلر اوردی اوو باط
اوغلی کلوب پادشاه حضرتلرینک دست شریفی تقییل ایلدی
ایزیه سی کون میخال اوغلی اوو باط نهرینک کنارینه کلوب روم ایلینک
بکری ایله اوزنوسن بک اولادینک هر برینه نام و لقبه بالذات جاغروب
ای کریده دلاوران و مبارزان وای پسندیده عزه نادره دان بوا آه قدر
سلاطین آل عثمانه امانت و استقامتله خدمت و اوغور همایونلرینه
بذل روح روان ایدرکن بویله ایز و نادانک دروغنه الذانوب نام همایون
استقامتله یاد و انورکن خباتله ذکر ایتدیمک نشانه مرومیدر و سلطان
مراد کی شهر یارمر جمعداری قیوب بویله کاذب کذبسه امانتی شانکره
دوشمیری دیوبلند اواز ایله ندا ایتدکه اوزنوسن بک اولادی بجه
بخشی بکی صنداسدن بیملکه بجه سی اب جو به کلوب میخال اوغلی ایله
مکالمه و قول و عهدی محکم ایلدیله دوزمه مصطفی بوقول و عهد کن
خبردار اولدینسه ده ناچار سکوت ایلدی صفدر میدان کارازما روم
ایلی بکری بکی عوض پاشا شب تیره ده دوزمه نک لشکر بی شیخون
ایدیجک دوزمه مصطفی براسه سوار اولوب شب تیره ده ازمیر اوغلی ایله
قوسقونه قوت قاصد برکت دیو لشکر بی باغروب فرار ایلدیلر و الفار ایله
وقت سحرده کلیبولی به واروب بومقدار آرام ایندیلر صبح صادق ظاهر
اولیمق عوض پاشا روم ایلی لشکرینه واروب هر برینه استمانلر
ویردک نصکره جرم و عصیانلری پادشاه عالیه اعدن عقوباتدردی
وسکر یوز بکری بشده هر برینه علی مراتبهم رعایتلر ایتدردی (چون

دوزمه مصطفی بش اون فرادم ایله کلیبولیدن روم ایلند بکندی
و کلیبولینک سف اینی لپانه چکوب من بعد یلکان اچتی و دریا ده
سفینه یور بکی محکم یضاق ایلدی (پس سلطان مراد عسکر ایله
کلیبولی به کلوب روم ایلند عبور ممکن اولماغله عوض پاشا کلیبولیدن
کند و به متعلق برکجه بی جلب ایلدی و اولکجه معرفتله
اوتوز بشیک التون نولون ایله اون بش قطعه قرنک کیلری طویلوب
زمان قلیله ده عساکر ظفر ماثر روم ایلند بکوردی دوزمه مصطفی
وقعه دن خبردار اولیمق کلیبولیدن بولایره و اندن تکور طاغنه و اندن
ادر نه به و اندن قرنل اغاج بکیجه سنه واروب آنده کر قنار اولماغله
درگاه سلطان مراده کتور یلوب ادرنه قلعه سنک برجه بلا امان
صلب اولندی (بعده سلطان مراد ادرنه ده سریر دولته جلوس
ایدوب عدل سپاه و رعایا به اقدام ایلدی (پوئاده) سلطان مرادک
برادر لیدن شهراده سلطان مصطفی لشکر ایله حید ایلندن خروج
فرمان و کر میان عسکر یله بروسه به قصد ایدیجک اهالی بروسه
اطفاء آتش فتنه ایچون شهراده نک لالاسی الباس پاشایه واروب
پیشکش و هدایای بی ویرد کلرنده الباس پاشا دخی بوقول ملتس
شهراده بی بروسه طرفندن قالدیروب ازینقه کتور مکه شهراده
ازینقه دیوان ایدوب ارکان دولته مراتب و مناصب توجیهنه باشلدی
سلطان مراد بوقیفی اشدیجک همان عسکر عدوستان ایله ادرنه دن
قالقوب شهراده اوزرینه کلدی ووزرا ایله بالمشاوره شهراده نک
لالاسی الباس پاشایه اناطولی بکری بکینکی بعد التفویض برات همایون
وتد کره شریفه یازوب ایلا و نهانا الباس پاشایه کوندردکه اولدخی
درون تذکره ده کی سراره واقف اوو بکند کره نک جواب خفا یاسی
مراد اوزره سلطان مراده انها اتمکین همان سلطان مراد لشکر دریا
مثال ایله ازینقه هجوم و حصار بی محاصره و ازینقک بالی قیوسنی
محافظه به میخال اوغلی بخشی بکی تعیین ایتدک نصکره هر طرفدن
حصار چکنکه آهنگ اولندقد میخال اوغله کوندرد طوقمغه منزلته
کتوردی (پس روز مضافه شهراده لشکر یله عساکر ظفر مأرک
مقابل اولدقیری کون الباس پاشا ظرافتله شهراده بی حیوانندن

تفریق و سلطان مراد را کابنه بی محابا کتور و ب تسلیم ابدیجک
اولیجیجه شهرزاده تک قیدی کوریلوب جناسه سی بروسه ده اجدادی
یانه دفن اولندی (بوانشاده) اسقندیار اوغلی نام قبا حشعار لشکر
بسیار ایله قسطنطنیه هجوم ایدوب ممالک پادشاهیدن طرافلی و بورلی
ولایتلرینک قراسنی احراق بللار و اموالی لشکرینته غارت و رعایاسنی
تارمار ایلدی (سلطان مراد بروسه دن بویکیفته واقف اولدقده
جندعد و شکارله اسقندیار اوغلنک اوزرینته عزیمت بیوردیلر اولزمان
اسقندیار اوغلنک قاسم یک نام اوغلی مملکت امیدیه سلطان مرادک
رکاب همایوننده خدمتده ایدی (سلطان مراد حضرتلری قاسم یک
یاشنده اولدیغی حالده ممالک محروسه دن بورلی قرینده جند اسقندیار
قار و شوب محساریه ایتمکله ابن اسقندیار منهرم اولغین سییوب قلعه سنه
فرار ایتمکله قاعه مذکوره محاصره اولندی چون اسقندیار اوغلی
هر کون لشکرک قلعهیه هجومندن بیر از اولدی ناچار دختر نازیننه سنی
سلطان مراده ویرمکی اختیار وایکی نفر اوغلی باب خداوند کاریده
خدمتکار و بوطر یفسله ولایتده آسوده حال اولسنی مراد ایتدی
و مقضاضا سجه مجلات خطی شده قلم غفور چکلیسنی حاوی عرض حالنی در
مرحمتدازه تقدیم ایلدی (سلطان مراد دخی اسقندیار اوغلنک جرمنی
عفو و دخترنی نکاحله خانو نلغه قبول ایلدی حتی فاتح استانبول
سلطان محمد خان اول دختر دن وجوده کلمه در وانت سلطان مراد
عسکرینته اجازت و کلوب بروسه ده قشلا دیلر (بعد ازان) روم ایلمده
افلاق مالکی دیرا قوله نام پیدینک خیاتی ظاهر اولمغه سلطان مراد
سفر اسقندیار کیمدین غارت افلاق ایچون و دین یکی فیروز یک
تعیین اولمشیدی فیروز یک دخی و اروپ افلاقی احراق و ماللرین
غارت و رعایاسنی تارمار ایتمکله دیرا قوله خوف پادشاهیدن پیدشک
بیشمارله ایکی نفر اوغلی استناد ایچون در شهر یاره کوندروب کلاغنه
استغفار و خزینه عادره برسنه لک خراج کوندروب غیب زایهر سنه
خر اخلرینی کوندرمکه متعهد اولدقده (سلطان مراد دخی دیرا قوله تک
عذر و استغفارینی بعد قبول شروط مشدده اوزره صلحنامه یاز یلوب
دیرا قولهیه ویرلندی (بوانشاده) سلطان مراد حضرتلری غازی اورنوس یک

اوغلنه آفتخلیق سردار لغی و یروب ارنابود ولایتده اقیه کوندروب مکله
مالکنی نوب و غارت و غلام و دخترلرین استیر ایتدردی (چونکه)
مضافات آیدیندن ایاشلوغ و تیره ولایتک برمقداری سلطان مراد
طرفنده و برمقداری ایدین اوغلی اولادیه از میر اوغلی حکمده
اولمغه میانه دع نزاع اکسک دکل ایدی سلطان مراد حضرتلری
صار و خان سنجاعنی میخال عبدالله اوغلی بخشی بکه احسان بیوروت
از میر اوغلنک جنک ایله حقندن کلک ایچون صار و خانه کوندرمکله
محاربه اولدیسده میخال اوغلی منهرم و قرینداشی قتل اولیجی
از میر اوغلی جنکمه انا طولی بکر بکسی کوندروب جنک
ایتدیرلمکین بودفعه از میر اوغلنک اوغلی حسن استیر اولمغه از میر
اوغلی فرار و سلب قلعه سنه اگر چه داخل اولدی قاما قلعه تک
دخیره سی قلیل اولمغه اهالی قلعه اطهار عجز ایدوب ضروری
از میر اوغلی دیوان همایونه تسلیم ایتدیلر و رای ویرلدیکندن
بکر یکی اوتاغنه کلوب احوال مسلح و امان مشاوره اولنورکن بخشی تک
برندن قاتوب از میر اوغلی محکم بنده اشد کد نصکره کتیدی خیمه سنه
کتور و ب ابتدا امیر اولان اوغلی حسن بیایمی از میر اوغلی قارشو سنده
بعده از میر اوغلی قتل ایدوب سکر یوز بکری سکر ده بونلرک
فساد اتندن مملکتی قورناری (تاریخ مذکوره دیار منشاده منشاه
اولادندن میر یعقوب فوت اولیجی برادری محمود والی مملکت اولدی
محمود دخی فوت اولیجی اوغلی الیاس یک والدی برینته میرمهتر اولدی
الیاس دخی فوت اولیجی اولزمان الیاس بکک ایکی نفر اوغلاری در
معد لنده مملکت امیدیه خدمتده ایدیلر در و عملریشک و فائزینی
اشیدیجک آبا واجدادی ملکده سرور اولق آرزوسیه فرار ایتدکلرندن
سلطان مراد خبردار اولیجی آرلرندن آدم کوندروب طودر مغله
خباتلری مقتضاسی توقات قلعه سنه حبس ایتدیروب آخر حقیرنده
حکم قضایی اجرا ایتدردی (بوانشاده) سلطان مراد حضرتلری
بالان یاشایی لشکر ایله کوندروب منشادیارینی فتح ایتدردی (بعد ازان)
پادشاه حضرتلری بروسه دن روم ایلمته کیدوب شهر اوزره ایکن
قره مان اوغلی محمد یک فر صندر دیو کلوب انطالیه قلعه سنی محاصره

و جنگ اثنا سده محمد بك طوب ايله اور بلوب فوت اولد قده لشكر
قره مانيان مينه سني قوينه به كتوروب اجدادی يانسه دفن اينديلر
محمد بك فوتند نصكره ابراهيم وعيسى و علي نام اوج نفر اولادندن علي
والدي يرينه قره مانه بك اولد قده ابراهيم وعيسى باباري ملكينه شهر يار
اولمچون كلوب درگاه سلطان مرادی پناه اينديلر علي بك ممالكينه
ظلمه باشليحق اهالی علي بك تك بعد ياتندن سلطان مراده شكایت
ايتد كلرنده سلطان مراد دخی ایالت قره مانی برادری ابراهيم بکه
احسان ايدوب لشكر ايله تختگاهنه كوندريچك ابراهيم بك دخی والدي
زمانده حميد ايلندن فضولى النان يرلى سلطان مراده تسليم ايتكله
مقتضاسيجه ابراهيم بکه عهدنامه همایون ويرلدی چون ابراهيم بك
قره مانه والی اولدی علی بك باب شوكتيه كلوب در و عيال ايتكین
سلطان مراد دخی ر. حاله علی بکه حميد ايلي سنجساغنی احسان
ايلدی اما قره مانیك عهدری بی ثبات اولمغله ابراهيم بك بونجه
احسانه بدل درگاه سلطان مراده عصیان ايدوب قزنداشی علی بكی
حميد ايلندن اخراج وكندی ضبط ايلدی (چونكه) توفات واماسه
ولايتلرنده دوت نفر اولمغله قزل قوجه نام حرامی بشپوزخانه مقداری
ترکین طائفه سيله هر زمان سپاه شكلنده كلوب ديار رومی خراميلق ايله
خسارت ايدر زدی امراء سلاطین عثمان يندن يور کوچ باشاجان
شهر يار يدين مير ميرانلق ايله ديار روم جزیه سنك تحصيله مأمور
اولمغله رومه واروب قزل قوجه اولادينك و تركينك شقت اوتنه واقف
اولمچق بو بایده حيله جا نذر در ديو طرف پادشاهيدن وكندی
طرفندن قزل قوجه ايله اولادينه ايکی قطعه ساخته مکتوب
يازدردی و سلطان مراد طرفندن اولان مکتوبده شويله يازديكه
سرور امرای نادره دان روم وارمن يور کوچ پاشا دامله العز والبقاء
لالام سيزك شجاعت و جلادتكزی سیدیه سعاده عرض ايتكله قبائل
وعشار يکز ايله سزاوار قبائل خسروانی و مستحق رعایت خاقانی
اولديغكزی علم محیط اولمدر حالا سابق الذکر يور کوچ پاشا لالام
دام علويه جانك ولايتك فتحه عزيمت اولمسي فرمام اولمدر
بو بایده سيزك وفور جلادتكزه اعتماد امشار ايله لالام ايله متفق اووب

باب معاوضنده دقیقه فوت ايتيه سر بعد الفتح نواحی ارتوق آباد سره
واولاد كره تيار اولمغه امر شر يغم اولمغین ناحیه مذ كوره به واروب
قبائل وتوابعكز ايله اسكان ايلينه سزدیو اينا ايلدی (ويور کوچ)
پاشا كندی طرفندن اولان مکتوبده عتبه خداوند كاری به سرك
واولاد ولو احقكرك يرار اقلری عرض اولمغله سره وتوابعكزه
رعایت ارتوق آباد ناحیه سندن تيار و عالی زعامت توجیه اولمديغی
حاوی دردولندن فرمان عالی وارد اولمدر ديو بعد البحر يرمکتوب يرلى
قزل قوجه ديلان خرابيغه كوندريچك قزل قوجه مکتوب يرلى
صدقه حمل ايدوب قبائل وعشار يله يور کوچ پاشا طر قده عزيمت
ايلدی چون يور کوچ پاشا بونلرك قروملرين اشدي ساخته خسته
اولوب فراشه يالدى و اوغلی كوندروب بونلری استقبالی ايتدر دی
و هر يری بارعایت كامله توفانده بر منزله اينديلر وب هر يره اطعمه
وباده لركوندر مكله آلردخی مسكنلرنده مست لایمقل اولمدرنده
يور کوچ پاشا او كيجه بونلرك جله سنی اولمدری رده قتل ايتدكدن
صكره ايله سار ايدوب بونلرك بار و نكاه و خچمه و حرگاه و طوار لری
اولان یری باصوب نهب و غارت و اوراده بونلر لری جله قلیچدن
كچوردی (بعد از ان) يور کوچ پاشا اوغلك دو كونه واندن جانك ولايتك
تدبيره باشلقدقه جانك والبسی الب ارسلان اوغلی دو كونه دعوت
ايتديلر الب ارسلان اوغلی بود عوفی حيله حيله حمل ايدوب يور کوچ
پاشايه آدم كوندرديكه بود دعوتك اصلي معلومر فامار پادشاه حاله پاشاك
ادنی بنده سیر مملكت دكل جان و پاشمر اوغور لینه فدا اولسون
ديوخبر كوندردك نصكره انواع هدايا ايله بنفسه يور کوچ پاشا
خدمتته كليچك يور کوچ پاشا دخی الب ارسلان اوغلی درگاه
شهر يازی به كوندردی و تصرفنده کی جانك مملكتی رضا سيله
پادشاه جهاننه تقویض ايدوب كندی دخی آستانه سعادتك ادنی
بنده سی اولمغی قبول ايلديكنی بلذردی الب ارسلان اوغلی درمعدله
رويمان ايدیچك پادشاه خضر نلری الب ارسلان اوغلی بروسه به
كوندروب قلعه به حبس ايلدی بعد زمان الب ارسلان اوغلی قلعه دن
ايب ايله صارقوب فرار ايلدی و ايکی سنه صكره درمعدله كلوب

عبودیت استبداده پادشاه حضرت تری محرز کوندروب جانیک ولایتی
 محرز استبدادی (بعد از آن) پادشاه عالم سکر یوزاوتوز برده اوچوز
 الشمس کوزلی ارکانه کوپر یسی بدی سینه ده بنایدوب ایکی پاشنه بر
 قصه وجام و بازار و عمارت و جامع بنایلدی (چونکه) پشاه کرمان
 یعقوب بیک اولادی اولمغه سکر یوزاوتوز ایکنده سلطان مراد
 حضرت تری بیک در معدله بنده اولوب دیار و مملکتی سلطان مراد
 وصیت ایلدی (بعد زمان با اجازه شاهانه بیه مملکت و اروپا بر سینه
 صکره وفات ایتمکده دیار کرمان طرف شاهانه دن ضبط اولندی
 (بعد از آن) سلطان مراد حضرت تری لازستان حاکی وای اوغلی بیک
 دختر بی نکاحه المغه وای اوغلی دخی دختر بیک چهارنه بدل الاجه
 حصاری نواحیه سلطان مراد حضرت تری برده ویدی اول زمان
 لازستانه آقچی تعیین اولمشیدی بوسنه یالتنه تحویل اولندی (وینه)
 سکر یوزاوتوز اوچده اورنوس بیک زاده علی بیک پادشاهانه سلانیک
 قلعه سنی بالسهول فتح ایدوب سلطان مراد نامه خطبه اوقوندی
 (وینه) سکر یوزاوتوز درنده ابراهیم بن قره مان درگاه شهر پاری به
 تکرار عصیان ایدوب حیدر ایلی غارت و سنجاق بکی حبس استبداده
 سلطان مراد حضرت تری قره مانه سفر امر ایتمکدن روم ایکنده قرال
 بد فمالک کوکر جنلک قلعه سنی محاصره ایتمکدن اشید بیک قرال
 اوزرینه روم ایلی بیکار بکسی سنان پاشا تعیین یوزاوتوز اولدی
 الغار ایله علی المغه قرالک اوردوسنی باعقله قرالک لشکر بی تارمار
 و اموالی مجاهدینه غارت ایتمدی (پس) قره مان اوغلی بووقعه بی
 اشید بیک قرال ووالی اوغله مکتوب کوندروب آل عثمانی میانه دن
 کاپا قالدیرمغه خبر اشدیلر بو کیفیت مسموع شاهانه اولیحق در حال
 چند فراوانه زبردیه دینلان اقشهره وارد قلنده قره مان اوغلی فرار
 ایتمکدن موالیدن قره بالی نام فاضل میانه بی صلح ایدوب قره مان
 اوغلی در دوانده کوندز مکه یکدن محکم عقد مصالحه ایدوب حیدر
 ایلی بیه سلطان مراد حضرت تری تسلیم ایلدی (بعد از آن) دودمان
 اورنوس بیه دن علی بیک دیار انکروسه و عیسی بیک ارنابود ولایتنه
 مأمور آقین اشدیلر و اورنوس اوغلی دلا شاه سلطان مراد الذ

انکروس ولایتک ایچروسنه الی برکون یوزاوتوز غزات و مجاهدینه
 سر پا غارت اشدیلر کد نصکره ادرنه به کلوب قشلا دیلر اما ارنابود
 دیار لینه اورنوس اوغلی غزایه کیدن غزات و آقچیلان نیجه بلام
 دلاوران شهید اولدیلر اول زمان ارنابود بکی اسکندر نام پلید سلطان
 مراد حضرت تری بیه عصیان ایتمکده ولایتک اکثر محلی غزات خراب
 و ویران اشدیلر (وینه) سکر یوز قرق برده سرحد ممالک انکروس
 و آلامانک کلیدی اولان باغرادک فتحه فرمان اولمغین تکرار ولایت
 انکروس آقچیلان غارت اشدیلر اولی اولی ایدو وای دیار اخلاقیه اولان
 دیراقوله نام قلیان ولای حاکی وای اوغلی ایدو در معدله دعوت
 اولی قلنده وای اوغلی خوف ایدوب ایکی نفر اوغلی خدمت
 و عبودیتنه کوندزدی و دیراقوله بالذات کلکله دیراقوله وای اوغلی
 اوغلار یله توقات قلعه سینه کوندز یلوب حبس ایتمدی (وینه)
 سکر یوز قرق ایکنده سمندره قلعه سی فتح اولمغه دیراعظم جامع
 شریف ایتمدی یلوب سلطان مراد نامه خطبه اوقوندی (بعد از آن)
 وای اوغلی پادشاه حضرت تری بیه عصیان ایدو وید انکروس قرالنه
 فرار اید بیک لاس ولایتنه آقین امر اولوب اول دیارک محصور لاق
 خزینه عامره به ضبط اولندی و فتح اولان محلاتینه امر اوقضا و زعمای
 و یواب کوندز اید نصکره شهر یاز عالیو قار کلوب خزان و زمستانی
 ادرنه ده ایلدی واول بهارده توزخان بیک دلالیه موزه دیارینه
 کیدیلوب قلاع و بقاعدن نیجه سی فتح و ماهداسی فرقه آقچیلان
 غارت ایتمدی (وینه) سکر یوز قرق اوچده کرینه حصاری الذوب
 اشدیلر هدم اولندی اولی پادشاه حضرت تری ادرنه ده قشلا دیلر
 (پس) وای اوغلی قره مان اوغلی بالیسی ایله قرالی پناه اشد کلنده
 قرال و زراعتدن یانقو نام کاغری ستر اشکر ایدوب ممالک اسلامی به
 کوندز دیکنده ایزلاری در بندنده خلیجه مسلمینی شهید اشد کلندن
 باشقه بورلی بکی خلیل پاشا بی برادر یله اسیر ایلدی آخر یانقو منهر ما
 قرالنه فرار ایلدی اولی پادشاه حضرت تری توزخان بیکه
 کونجوب توقات قلعه سینه کوندزدی و اولی وای اوغلی
 در معدله کلوب حیدرانه نائب اولمغین لاز ولایتک بعض براری

کبر و کندوبه احسان اولندی (وینه) سلطان مراد حضرتلری
سکر یوز قرق درنده سیر مرد ولی رضاسیله اوغلارندن ابوالفتح
والغازی سلطان محمد خان غازیه به عذالتی وین ذات همنا یونلری
مغنیسیایه کیدوب کج عرانی اختیار بیوردقلرنده و لقا اوغلی نام خان
سلطان مراد دیوانه اولمسیله اعتراده شیر مادر قورقار دون البلوغ
اوغلنه سلطنتی تفویض ایدوب کندی عرانشین اولمش (بعدازان
میدان برمدزدیو قراله اغوا و برمه کله قرال دخی یا نقودیدکاری
بیینی عیالت اسلامییه ضرورینه کوندردیکی پادشاه عالمپناه مغنیسیایه
اشیدیحک همان اشکرایله استانیول قرینه قلعه مدیده دن الغارایله
کچوب ادرنده اشکر مشرکینه ملاقی اولدقلده عماریه عظیمه واقع
اولغله یا نقویسیدین اناطولی قوانه هجوم ایدوب اناطولی بکر بکسی
و فتحه امرانی شهید ایلدی بعده روم ایلی قولنی دخی پریشان ایدیحک
قرال یدفعال بالذات سلطان مراده هجوم ایتدکده عزات موخیدین
قوجه حضرت نام سرور قرالک اشینی سکرلربوب قرالی قتل باعکله
پادشاه حضرتلری قوجه خضره سبجاق ایله رعایت ایدوب عزات
اسلامه فتح و ظفر میسر اولدی (بعدازان) سلطان مراد اوغلی
سلطان محمدی مغنیسیایه ارسال و کندیلری سکر یوز قرق یدیده ینه
تخته جلوس ایدوب اولسنه ادرنده قشلا دیلر (وینه) سکر یوز الی
برده ارنابود و لایشدن انچه حصاری فتح ایلدی پس ادرنه عز استدن
صکره یاغوب ایلدیکر اراکر و سه واروب اجندوله وانکروس ولوک
وسکوات والامان قرالی و بانلریله سکر یوز الی ایکده روم ایلنده
قوسوه صحرا سنده سلطان مراد حضرتلریله محاربه ایتدکده لوک
وسکوات بانلریک پاشایلری کسلدی واجدوله بانلری گرفتار اولدی
والامان بانی دخی گرفتار ایکن کندی بیلدر منوب ساراسنرا ایله
صابلدیقی مشهوردر و بوتلرک اموال و خزانی خزینه عامره به ضبط
اولندی پس پادشاه ذیشان بوفتو حاند نصکره شهراده سلطان محمد
خانه مرعش حاکی ذوالقدر اوغلی سلیمان بکک دختر پاکیره سنی
ایوروب تاریخ مزبوره ادرنده عالی دوکون ایلدی حتی سلطان
بایزید اول نازینه دن وجوده کادی (مرویدمکه سلطان مراد

حضرتلری برکون ادرنده کشت و کذار ایچون جیقوب میخال اوغلی
عمار تنده واقع مریج جسرندن کچرکن دولت دنبایه یترمغور اولدک
شمه کبر و تدارک سفر آخرت لازمدر دیور مرد فقیرندا ایدیحک پادشاه
حضرتلرینه دهشت الویروب ندا ایده فی صور دقلده سلطان امیر
شمس الدین بخاریشک فقر استندن بر مجذوب پالک دامن درویش
ایدیکی خبر و برلدی (پس سلطان مراد حضرتلری برای همایونلرینه
کادیکی کبی صاحبفراش اولیحق اوغلی سلطان محمدی ولی عهد ایدوب
شکر یوز الی بشده دار آخرت رحلت پیورملریله جسد شریفی سلطان
محمدک مغنیسیادن ورودینه قدس ستر اولندی چون سلطان محمد کلوب
تخت فریدون رخته بالشوکه والاحلال جلوس ایدیلر جنازه همایونی
بروسیده کوندوب دفن ایدردی ختمکان حضرتلریک عمر عزیزی
قرق سنه ومدت خلافتلری اوتوز برسنه در

* مقاله سلطنت ابوالفتح سلطان محمد خان ابن سلطان مراد خان *
ختمکان سلطان محمد خان حضرتلری خیرات و حسناته مائل و غزا
و جهاده ذاهب وسائل اولوب موالی و علمایه و عباد واجب الاعزاز
ایندامناصب عالیه احسان ایتدیکندن بین الملوک والسلاطین
ابوالخیرات ایله ملقب اولدیلر تخت شاهانه به نشین اولدقلرنده
قهرمانان جهان و تختشعبان ایران و توران و افرنجدن افراسیه
واسطیایه ملکاری و تخت بدون و یج والامان و نمچه وانکروس
ورومیة الکبری قرالری و سرور آذربایجان و ملک خراسان اولادی
آق قبولی اوزون حسن تختگاهلرنده سطوت صدمه خسروانیدن
خوفله مثال برک لرزان اولدیلر قره مان اوغلی ابراهیم بک خلعتی مقتضاسی
ینه وادی عصیان کیدوب ممالک عثمانیه غارتچون براوغلی کرمان
اوغلله کوتاهیله قلعه سنی محاصره به و دیگر اوغلله ایدین اوغلی
دیار ایدینه و براوغلی دخی دیار منشأ غارتنه کوندردکده سلطان محمد
حضرتلری اسحق پاشایه اناطولی بککریکیکنی توجیه ایدوب اناطولی
لشکر یله قره مان اوغلی اوزینه کوندردی ذات همایونلریک دخی
چند قراوانله ادرنه دن کلیولی به واندن اناطولی به کچوب اوتاغ
همایونه نشین اولدقلری قره مان اوغلی اشیدیحک همان دیار

قره مانه فرار ایلادی (ساختن محمدخان دخی لشکر یله آقشهری بعده
 کرسی آل قره مان اولان قونیه بی تشریف بیور بیجی این قره مان
 کمال خوفندن دختر تارتینه سنی سلطان محمد و یروب سفر کرده معیت
 همایونده بولتیق اوزره بالواسطه رجایتیندر مکین پادشاه دخی
 قره مان اوغلنک چرمی عفو و دیار قره مانی کیر و کند و به احسان
 ایلدی صاحبقرانان جهان و قوانین پادشاهان اسکندر نشانک
 زیونی اولدرمک و قاجانی قومق و امان دینلره امان و یرمک
 دیر نه حسنه لی اولمغله اگر دو ستغنه و اگر سه ستغنه در مرجه لری
 همیشه مفتوحه را در معدنله کلوی عنایت و احسان نیاز یله امان
 دینلره اصلایع و لایق قدر و اندن سلطان دیشان قوجه ایلایلا یندن
 یکیم قلعه سی مقابله سنده روم ایلای طبر اخندن بحر سیاه کنارینده
 استانبوله قریب نه کحصار قلعه سی بنا ایندر کن استانبول اطرافنده
 عزانه و محمد بن غارتدن محالی اولمقد قلرندن استانبول تکرورینک حالی
 دیگر کون ایلدی اول عصرده اجتاب شهر یارک خلیل پاشا ناموز یر یله تکرور
 مسفورک آشنا لقی اولمغله خلیل پاشا به راز نهاتی آجوب پادشاه
 جفر تکرورینک شمشیر خونه شاندن بوزمستان امان و یرمک کیمون
 زبودنار له مملو بوزمستان ماهی کوندر مکه خلیل پاشا دخی پادشاه
 بوزمستان دشوار سیر اندر و مبارزانه زیاده اصعبدر تکرور دینلر ایتره
 بوزمستان مهمل و یرمک که غازی یلر عن آشوده حال اولمقد و هم اولمقد
 قلعه ک فتنی اسهلدر دیوچک پادشاه دخی ماهی وقعه سندن خیر ایکن
 باقی قلعنک بوغانه طوره چسق زمانی واردر دیو لغاض عین ایدوب
 اول زمستان چنک سندن فراغته ادرنه ده قشلدیلر (وقتا که اولمقد اولدی
 سلطان محمد لشکر دریا منالله استانبولک جوانب ار به سنی احاطه ایدوب
 حصار چنکینه پاشا دیلر سفن دونیا ایلله استانبوله زنجیر کوشه کیردن
 دخول محال اولمغله شهر یار جهان غلطه آردندن بر استانبولک بوزمستی
 و اوقی مثلک قورقوا یلر یایاوب ایچندن مشیله سفینلک بحره قونیه سی
 امن ایچک کباب دریاده واقع بشکطاشدن غلطه آردندن قاسم پاشا عمارتی
 اولان یر و از نجه زمینه چوب و خشب یایلوب مثال میراب ایکی جانبی
 قسور قولق ایلله ترتیب اولندی و سفاین و مراکه تکرار طاقیلوب

و یلکنلر

و یلکنلر آچیلوب بشکطاشدن قاسم پاشا جانبیه ترتیب اولنان میرابدن
 سفاین یوزیده رک بحره بر اقد قلرند نصکره عزانه و مجامعین بحرو بردن
 قلعه به یوزیش ایدوب الی کون طرفیندن شب و روز محاربه اولندی
 و مراکت اوزرندن استانبوله جسر ترتیب اولمغله عساکر موحدین اول
 جسر اوزرندن صدای الله الله ایلله وقت سحرده براو غوردرن حصاره
 هجوم ایدوب الی بزنجی کونکه هجرتک سکر یوزالی بدیجی سنه سیدر
 اول سواد کزین دارالموحدین اولمغله ایا صوفیه ده پادشاه حضرت تکرورینک
 نام هماینه خطبه او قشیدی آق شمش الدین قدس سره بوفتو حاتمه
 بولمغله استانبولک قلعنه بلده طبعه عباره سنی تاریخ دوشوردیلر (پس
 استانبول سلطان محمد حضرت تکرورینک قبضه تصرفه کیر یچک دروننده کی
 خزین خزانیه همه مجهدینه تقسیم بیوردیلر و تکروریندن اول رزمده
 قتل اولندی واقعا استانبول روی ارضده کی بلدانک کرینده سی اولوب
 حوزه تصرف شاهانه به کبر دکه شهر یار کزین دخی زبودنار له
 مملو ماهیله طمع ایدن خلیل پاشایی ایدایدی قلعیه حبس ایلدی آخر
 قلعیق بوغانه طوره غله اقلیم عدمه کوندرلدی (بعدزا) سلطان محمد
 حضرت تکرورینک مدینه جایله قسطنطنیه بی ذات شوکما بلرینه و فیما بعد
 آل عثمانه دارالسلطنه اولسون بیورمغله کافذ امر او قضا ادرنه دن
 استانبوله کاد کارنده غازی سلطان محمد دخی مدینه مذکوره ده مساجد
 و سکر باب مدارس و تمه و عمارت بنا ایلدی و مسجد شریف مذکور اطرافنده
 قره مانلر ایلله افسرای شهرینک خلقی اسکان ایتدر مکه الان جامع
 مذکور جوارینده بازار قره مان و بازار آفسرای مشهوردر (بعدازان)
 ادرنه سمنده ایلادی کفارده قلان اینوز و طاش اوز قلعه لرینی سکر یوز
 الی طقه وزده میرمیراندن بوفس یک بروفق مأموریت فتح ایلدی
 و روم ایلنده لازولایق مضافاتین توه برده و قریحه قلعه لری دخی
 اسکوب یکی امحق پاشا زاده عیسی یک بدیه فتح اولندی (پس) سلطان
 محمد حضرت تکرورینک سکر یوز التمشده لشکر عدوستان ایلله کاید سرحد
 انکروس اولان بلغرا ده عریمت بیورمغله ایلده ده قلعنک قشعی مبسر
 اولمغله سکر یوز التمش برده کلوب ادرنه ده قشلدیلر و تاریخ مذکوره
 اولمغله شهر ادرلی سلطان یازید ایلله برادر لری سلطان معطقی

ختان ایتدر دیلر (وینه) سکر یوز التمش ایکیده موره نك بعض قلاعی
ولاز ولایتك باقی قلان حصار ی فتح اولندی (وینه) سکر یوز التمش
اوجده موره مضافتدن مسوری ولوندار و بلندز قلعه لایله قارلی ایلی
مملکتی سر ایا فتح اولندی (وینه) تار یخ مذکورده مر حوم سلطان مراد
حضرتلر نك امر یله اساسندن هدم اولان کیرمه حصار نك تکرار
بناسنه کفار باشلد قلزنده سلطان محمد حضرتلری لشکر کوندر مکین کفار
خاکسار هجوم غر اتدن قلعه بی بنا ایدمه مدیلر (وینه) سکر یوز التمش شده
شهر یار کزین سمندره قلعه سنك فتحی امر ایتمکله قرال انکروس وقعه بی
اشیدیچك سمندره قلعه سنك مفتاحیله نیچه غلام و جوار ی بی دردوانه
تقدیم ایلدی (وینه) سکر یوز التمش الییده اب بحر سیاهده فرنگستاندن
مصری قلعه سنك و سکر یوز التمش یدیده طره بوزان قلعه سنك فتحی
ایچون عزیمت شاهانه بیور یلجق آل اسفندیاردن اسمعیل بکر اده
حسن یك اول سفرده انقره قلعه سنه حبس اولندی و سفر دن عودت
همایون اولیجق حبسندن حصار یلوب بولی سنجاغی احسان اولندقد
اسمعیل یك اوغلی حسن یكك مظهر عنایت شاهانه اولدیغنی اشیدیچك
کال خوفندن سینوب قلعه سبله بمالك اسفندیاردن بعض یرلک مفتاحی
دیوان پادشاهی به کوندر ووب کندی دخی تصرفده کی قلاعدن
دور کانی قلعه سنه عزالت ایتدکده دیار اسفندیار آل اسفندیاردن
قرل احمد احسان اولندی و نامنه برات همایون یاز یلوب
قسطه و نیده اقامتنه فرمان اولندی (وینه) سکر یوز التمش سکرده
سلطان محمد حضرتلری دیار ارمن سرحدنده قبولی حصار قلعه سنه
کیدوب بعد الفتح طره بوزان اوزرینه عزیمت ایتاسنده والی بمالك
عجم اوزون حسن نام پادشاهك مادری ساره خاتون انواع هدایا ایل
در مر حمتداره رومال ایلدی (پس) شهر یار کزین طره بوزان قلعه سن
محاصره ایتدکده دریاندخی سفن دوئما ایشمکین فتح اولنوب جامه منده
شهر یار عالیوقار نامه خطبه او قندی (و تگوری) با امر شاهانه استانبوله
کوندرلدی و آندن پادشاه جهان قسطنیونی به وارمیوب ولایت
اسفندیاری بر بنده سنه تفویض ایتدکده قرل احمد ابتدا قره مان اوغله
فرار ایتدی قره مان اوغلی مهابت پادشاهیدن قرل احمدی قبول

ایتمک اوزون حسن طرفه کیدی بوسیدن پادشاه حضرتلری
آل اسفندیاره غضب ایدوب اسفندیار اوغلی اسمعیل یكی توابع
ولواحقیه روم ایلنده قلبه یه نکی ایتمکله اسمعیل یك الی الوقات آنده قالدی
(وینه) سکر یوز التمش طغوزده حاکم افلاقدن خیانت ظن اولمغنین
دردولته کتر یلوب برینه و دین یکی حزه یك کوندرلد کده معزول اولان
حاکم قلمیان حزه یکی قتل ایدوب انکروس قرالنه فرار ایتدی کی سمع همایونه
ایریشجه دیار افلاق خائن مزبورک در سعادته ملازمت ایدن برادر بنه
تفویض اولندی او اوانده پادشاه حضرتلری جزایر فرنگستاندن مدلولو
جزیره سنك فتحی ایچون کلیمو ایدن عبور و سائر عسکری سفاین ایل
استانبولدن کوندر ووب جزیره مذکورده بی بالمحاربه ضبط ایتمکله مبروقضات
تعین بیوردیلر (وینه) سکر یوز التمش دیار بوسنه یه سفر همایون اولوب
جزایر بوسنه ایل قوجه ایلی ولایتلری بانلری قتل اولنوب بوسنه نك
امر محافظه سی کوراد کد نصکره شهر یار کزین کلوب ادرنه ده قشلدیلر
(پوئشاده) قره مان اوغلی ابراهیم یك فوت اولغله اوغلی پیر احمد باب عالیده
و دیگر اوغلی اسحق شهر یار عجم اوزون حسن خدمتده ایدی
پادشاه حضرتلری بروفق مالمس پیر احمد یکی قیصریه و انطاکیه
سنجاقلری معاونتیه مملکتنه کوندردی اسحق یك دخی اوزون حسن
معاونتیه ولایت قره مانه کلورکن طرفین محاربه ایدوب آخر اسحق یك
منهر ما اوزون حسن جانبیه فرار و انده وفات ایلدی (وینه) سکر یوز
التمش برده ارنابود ولایتنه سفر همایون اولغله اول سنك اکثر معاندی
در سعادته کلوب پهرسنه جزیره و یرمکی تعهد ایتدیلر اولزمان شهر یار
کرین ایلحصان قلعه سنی بنیاد ایدوب ارنابودک سرکشانیله جنسك
ایتمکچون ایچنه مستوفی لشکر بر اقدی و اول زمستانی دارالسلطنه ده
چقاردی (پس) قره مان اوغلی پیر احمد معا وئت پادشاهی ایل
والدی برینه والی او ایجق بازگاه شهر یاری به عصیان ایتمکین محمود پاشا
لشکر یله کوندر یلوب جنسك ایتدیلر کده اله کیچن بنام قره مانیلر
در شاهانه به کوندر ایچك دیوان همایونه قتل اولندیلر و پیر احمد فرار
ایتمکله قونیه ولارنده شهرلری قبضه تصرف شاهانه به کیددی
(بعد ازان) محمود پاشا قره ماندن طور غود اوغلی اوزرینه تعین اولمغله

طور غود اوغلی خوف ایدوب کوه بلغاردن سرخند هر بستانه فرار
ایلد کده محمود پاشا اهل قره ماندن وافر کسائی نئی ایلدی اول زمان
استانبوله وزیر اعظم اولان روم محمد پاشا ک محمد و د پاشا ایلده عداوت
سابقه سی اولغله پایه سریره غمزه محمد پاشائی عزلی و پرینه تعیین
ایتد رده کی محمد پاشا قره ماندن خانه یازوب استانبوله سور کون ایتد کده مولانا
جلال الدین محمد بلخی رومی قدس سره تک فرزند خوشمندی بله سوروب
یونجه طلبد نص کره در دولت کلوب میانه علمایه نفاق و فتنه بر اقدی و قاضی
وضاء اولان کابلی زاده بی غمزه عزلی ایتد بر بر بی ولدان افندی به
تغویض ایتد ردی (پس شهر یار کزین دیار قره مانک مالز به سنی کوروب
استانبوله کلد کزنده مشار الیه محمود پاشا به کلیبولی سنجاعنی تغویض ایلدی
(وینه) سکر یوز یتش در تده جزیره اخر بیوز سفر همایون اولغله جزیره
مر بوره قلاع و نواحی سبله فتح اولندی بو ائنده قره مان اوغلی پیر احمد بک
تکرار ظهور ایتد کله روم محمد پاشا ایلده اسحق پاشا تعیین اولغله پیر احمد بک
ینه اوزون حسن قپوسنی پناه ایلدی (بو اوانده اسحق پاشا افسرای
دیارینی مأمورا بحر بر ایدوب اهل حریفی استانبوله سور دی (وینه)
سکر یوز یتش بشده کدک احمد پاشا مأمورا واروب علائیه قلعه سنی
دو کدکده علائیه حاکی قزل ارسلان بک قلعه بی تسلیم ایتد کین
کدک احمد پاشا دخی علائیه طرفندن آدم براغوب قزل ارسلان بک ایلده
درگاه پادشاه کلد کزنده سلطان ذیشان دخی قزل ارسلان بکه
کولجده بی تغویض ایلدی (اوزون حسن یانده قره مان اوغلارندن
فوت اولان اسحاق بکک براوغلی سلفکله قلعه سنک حاکی ایدی سلفکله
قلعه سنی پادشاه حضرتلرینه ویره ک مراد ایتد کله سکر یوز یتش التیده
قلعه مذکور کوری کدک احمد پاشا به تسلیم ایلدی احمد پاشا دخی
اولحو الیده کی قلاع سار به بی جمله فتح و تسخیر ایلدی (وینه) سکر یوز
یتش بدیده اوزون حسن طرفندن ذوالقدر اوغلنی مملکته کنوروب
بکلمکه یوسف میرزا نام بکراده کوند رلمشیدی (یوسف میرزا سیواس
مملکته کلچک زکن لشکر به ایغا ر ایدوب اوقات شهرینی ترکنه غارت
ایتد در کده محمود پاشا با امر شهر یاری لشکر ایلده ایغا ر ایدوب
یوسف میرزا لشکرینی منهرنم و یوسف میرزا بی گرفتار ایدوب

درگاه پادشاه کوند ردی (بو ائنده این قره مان سلفکله قلعه سنی
بر تقرب ضبط ایتد کله کدک احمد پاشا لشکر ایلده واروب سلفکله
قلعه سنی بعد الفتح ایتد بکی قتل ایدوب لاشه سنی کلابه اکل
ایتد ردی (وینه) سکر یوز یتش سکر تده سلطان محمد حضرتلری
سرافراز بجم اوزون حسن اوزینه توجه ایدوب محمود پاشا ایلده میخال
اوغلی علی بکی آقچی طایفه سینه سردار ایدوب مقدم جیش ایتد رده
کاخ وازر باجیان طرفنده کی نواحی بی عسکرینه غارت ایتد ردی
ورما یاسندن فرقه ارمینیانی جمله مجاهدینه اسیر ایتد در کده نص کره
شهرزاده لری سلطان یازید و سلطان مصطفی ایلده سیواس اوزرندن
ازر باجیانه واندن کوره ترجانه واروب محمود پاشا ایلده روم ایلی بکک
بکبسی مراد پاشائی لشکر ایلده اهدا اوزرینه کوند ردی طرف اعدا دن
بعضی واری ظاهر اولیچق مراد پاشا هجوم ایلدی مکر اوزون حسن
اوراده کین ایتش چاقوب محاربه ایتد کله مراد پاشا اوراده نابود اولدی
بو خبر سلطان محمد کلچک قانون آل عثمان اوزره قلب و جناح ترتیب
ایدوب فرزند بزرگتری سلطان یازید ایلده اناطولی بکک بکبسی اناطولی
لشکر ایلده بمبته (ودیکر فرزند کی سلطان مصطفی ایلده روم ایلی بکک
بکبسی روم ایلی عسکر ایلده یسارینه الدیلر و سار لشکری طوب ایلده
اوکنه قاتوب ذات همایونلری قلب عسکرده قرار ایلدیلر ویدی کون
بو ترتیب اوزره آلائی ایدوب یوریدی اوزون حسن دخی اوغلارینی یمن
ویسارینه آلوب کندی قلبد طوردی یدی کون بو حاله طور دیلر
میخال اوغلی علی بک مقدم جیش اولوب چرخه جی ایدی سکر نجی
کون ترجانه صحرا سنده طرفین محاربه به باشلد قلبد اوزون حسن بک
زینل نام اوغلی شهرزاده سلطان مصطفی قولنه اوغرا غله ایکی لشکر
بر برینه مقابل اولدیلر آخر زینل خان سلطان مصطفی بکک شمشیرندن
قورتلوب جان تسلیم ایدیمک اوزون حسن ناله کنان و زار و گریان
کندی قلب صاحبقرانه اوروب جنگ ایتد بده سطوت شاهانه دن
لزان اولوب قره مان اوغلیله تبریز وازر باجیان جانبلرینه فرار ایتد کین
اولرز مگاهده بر اقدیغی یونجه اموال غزاة موحدینه غارت ایتد ردی
(پس اوزون حسن دارالسلطنه سی اولان تبریزه وارنجبه صاحبفراش

اولوب اول غم اندوه ایله فوت اولدی واندن سلطان محمد حضرتلری دارالسلطنه په کیدرکن قره حصار شرفی قلعه سنی فتح ایدوب استانبوله کلدیلر (بغدادزان) کدک احمد پاشا جنویرن توابعندن اب بحر سیاهده واقع قلاعدن قیرم قرینده کی کفه قلعه سنی و توانعندن افکرمان وازاق و سائر قلاعی مأموراً فتح ایدوب امر محافظه لرینی کورد کد نصکره کاپسارینی جامع ایدوب پادشاه جهان نامه خطبه اوقوتندی (وینه) سکر یوز سگسان برده بغداده سفر همایون اولوب بعد الحاربه بغدادان لشکر منهزم و یکی طوبیلوب بارگاه خد اوئند کاری به کتور لمکین جله سنی مظهر شمسیر قضا اولدیلر و بوتلرک خبام و خرگاه و طوب و خر بوزلری جانب پادشاهیدن ضبط اولتوب ماعدا اموالی چند و سپاهه تقسیم اولند قد نصکره شهر بار کزین دارالسلطنه په عزیمت بیوردیلر (بواشاده انکروس قرالی بودندن کلوب طونه نک روم ایلی یغاسنده کی ممالک اسلامه قرین ایکی حصن حسین انشا و در وینه لشکر و ذخایر برافه شهر بار حضرتلری اوتاغ همایونی اول طرفه دوندریوب هنگام شتاده بالحاربه اول قلعه ل هدم و دروننده کی جله کفار قتل اولند قد نصکره پادشاه حضرتلری دارالسلطنه په عزیمت بیوردیلر (وینه) سکر یوز سگسان ایکیده ارا بود اسکندریه سنی نام قلعه په سفر همایون اولوب طوب ایله قلعه مذکوره نک درو دیواری رخنه رخنه اولدیده فتنی ممکن اولمجه قلعه مذکوره مقابله سنه حواله بناسند فرمان ایدوب ذات همایونلری مقر خلافتلرینه عزیمت بیوردیلر (پس قلعه مذکوره جنکته مأمور اولان لشکر موحدین قلعه نک ذخایرینی منع ایتملر یله اهل حصار مضایقه دن ضروری قلعه بی تسلیم ایتد کلرنده ذیر اعظمی جامع اولتوب اول هفته پادشاه انا همامنه خطبه اوقندی (وینه) سکر یوز سگسان اوجده سلطان مصر ملک خوشقدم لشکر فدایی په ذوالقدر اوغلی ملک ارسلانی شهید ایتدیروب برینه میرد اناق نام کسنه بی طرفندن والی ایتد کده سلطان محمد حضرتلری در معدلتده کی ذوالقدر اوغلی شهسوارلی ولایت نک ایدوب لشکر ایله کوندر یچک شهسوار دخی میر بداغی قاچروب برینه نک اولدی بعد زمان شهسوار نک

طرفینه عصیان ایدوب صماتو قلعه سنی ایتشیدی آخر قلعه دن ایتوب سلطان مصر یاتنه وار یچق سلطان مصر شهسوارلی قتل ایدوب ولایت ذوالقدری ینه میر بداقه و پردکده سلطان محمد حضرتلری باب معدلتده خدمتده اولان ال ذوالقدر دن میر بداقک برادری علاء الدوله بکه لشکر قوشوب میر بداق برینه نک نصب اید یچک میر بداق مصره فرار ایتکین علاء الدوله والدی ملکته والی اولدی علاء الدوله نک امارتی سلطان سلیم بن بایزید زمانه نک تمتد اولوب سلطان سلیم خان زمانه شهسوارک اوغلی علی بکه انتقال ایلدی (پس سلطان محمد خان حضرتلری اوتوز سنه پادشاه قد نصکره قرق طقوز یاشنده باغ جنان طرفه خرامان اولد قلرنده اوغلی سلطان بایزید خان حضرتلری سر بردوات و سلطنته نشین اولدیلر

* مقاله سلطنت سلطان بایزید خان ابن سلطان محمد خان *

سلطان بایزید خان طاب راه حضرتلری اورنک دولته جلوس همایون بیورد قلرنده برادر لری سلطان جم قونیه ده میر و مهتر ایدی والدی سلطان محمد وفاتی و برینه برادری سلطان بایزید خانک پادشاه اولدیغنی اشد یچک لشکر قره مانان ایله بروسه طرفه عازم اولدیلر سلطان بایزید دخی بروسه محافظه سنه ایکیدیک عسکر کوندر مشیدی طرفین یوم واحدده بروسه په دخوله قریب اولد قلرنده اعیان بروسه جم سلطانانی استقبال ایدوب بروسه سراینه قوندر دینلر استانبولدن محافظه ایچون کلن ایکیدیک عسکر دخی جم سلطانانه تابع اولدیلر واندن جم سلطان برادری سلطان بایزید خانه اچلی ایله نامه کوندردی و نامه شویله در که برادر اکبرم و انا برینه سر برداده میر مهمترم شهر بار عالم بایزید خان سرورم جنابنه انهار اولنور که قدیمدن پایتخت شاهان قیاصره اولان سواد استانبول ایله روم ایلی ممالکی جناب شهر بار برینه و تخت بروسه ایله انا طولیده کی بلاد و امصار بوکینه قوللرینه تقویض و تقلید بیور لمله سدر مقی معاشه باعث اولوب سایه سعادت لرنده اهل و عیالم ایله نظام و انتظام قدر و سلطنتلری دعواتیله عذب البیان و اوقات مکتوبه ده انتفاع عمر سعادتلری شایه رطب اللسان اولمازه باعث اوله باقی امر و فرمان رأی عالم ارا لرنده منوطدر (پس سلطان بایزید

حضرت تری جم سلطانك نامه سنی اصفای تیموت سکز یوزسکسان التیده
جم سلطان اوزریش کلوب ازین یاتیده کی یکشهر صحراننده عظیم
مخاربه ایتدیله آخر جم سلطان بوزیلوب قوتیه سمته فرارایتد کده
سلطان یازید تعقیله قره مان حدودینه واریجی جم سلطان اندن
مصره فرارایتدینه ده سلطان مصر جم سلطان رغبت ایتدی
جم سلطان مصر دن واروب بعد ازین حرم محترمه مجاور اولی استد کده
امیر حج مجاورتدن منع ایتدین جم سلطان حج شریفدن شامد بعد
طرسوسه کلد کده قره مان اوغلی قاسمك استقبال ایدوب رعایت ایلدی
(واندن جم سلطان کلوب انقره جانبازیده کشت و کذار ایدرکن سلطان
بازیدخان لشکر ایل جم سلطان اوزریش کلیجک جم سلطان انقره دن
ایح ایل ولایتد بعد طرسوسه بعد فرنگستانه فرارایدوب مدت وافر
بی نام و نشان آنده قالدی (سلطان یازید دخی سکز یوزیش سکرده
کلی و آفرمان قلعه لری اوزریش وازوب بعد الفتح دیرکلیارنده
نام هبانه خطبه او قندقد نصکره امر محافظه لری بعد التظیم
دار السلطنه بی تشریف یوردیلر (چونکه) ذوالقدر اوغلی علاء الدوله
مقدم امر حرم سلطان محمد خان معاویله بابائی ملکینه والی اولمایدی
طریق حبله به کیدوب سلطان مصر دن خوف ایدیه یورم دیو سلطان
بازید خان آستانه سنه استاد و معاونت ایچون لشکر طلب ایتدین
پادشاه حضرت تری دخی علاء الدوله معینه قیصریه سنجاعی بکنی
تعیین یوردیلر بکون قیصریه بکی و علاء الدوله صحیدن طهره قدر
مصر لشکر یله جیک ایتلر یله حلب بکی قتل اولندی و عتاب و روضه بکار یله
امراء مصر دن نیجه نامدار اسیر اولغین سلطان یازیده کوندلادی
و مصر دن علاء الدوله جنکه کان عسکر دن سلطان مصرك قوللری
جنکدن ال حکم شلیدی لشکر مصر منزم اولیجی سلطان مصرك
قوللری ملاطیبه جانبدن جباله روان اولد فلند علاء الدوله اول
کوهستانده سلطان مصرك قوللری تحریک و قیصریه بکله جنک ایتلر یله
قیصریه بکنی مجروح و عسکر بی منزم ایتدیله (ترکن طائفه سیکه
دعوت حضرت رسالتنا هذن علیه السلام ابا ایدوب نجبا و اسمی
وار ماسمی و محمد دیکلری کشتی به تابع اولسمی اولسمی اید کلرندن

الحالة هذه تركي دنیلن طائفه که ترك ایتادن غلطدر علاء الدوله اشبوه
طائفه تركن ایله ایلغار ایدوب قیصریه بکنی اوردوسنی غارت ایتد کلرند
قیصریه بکی مجروح و ولایتد کیدوب وقعه بی درمعدته عرض ایدیلر
سلطان یازید اتی شرمین احسنت الیه مقالی کوزیا واروب علاء الدوله به
زیاده کوجندیلر و همان قره مان بکلر یکبسی قره کوز پاشای لشکر ایل
جندود عرستان فتحیله کوندیلر قره کوز پاشا دخی کوه بلغاردن و کولک
بلندن حقور آید کلوب جندود عریدن اطنه و طرسوس و وسیس
قلعه لری فتح ایتدیلر سکز یوزسکسان طقوزده سلطان یازید نامه
خطبه اوقتدی (پس شهر یار مصر و شام و خرمن قلاع مد کوره بک
آل عثمان ضبطنه بکدی بکنی اشیدیلر قلاع مذکوره کندی طرفندن
ضبط اولغیچون حلبه لشکر کوندیلر مکله قره کوز پاشا واقع حالی سلطان
بازیده عرض ایتد کده پادشاه دخی اوج عبد سنجاق بکنی سپاهیلر یله
قره کوز پاشا معینه تعیین یوردیلر بعد الحاربه وازسقی لشکر منظم
اولوب امرای وارسقندن کوندوز اوغلی قتل اولندی و رمضات اوغلی
طوبیلوب کوندوز اوغلی کلک ملبله درمعدته کوندیلر کدن صکره
بالاتفاق محافظه ولایتد لشکر کوندوب کندیلری لشکر سیجونده مکر
اعدادن آزاده درون خیامده روضه بادیه مشغول اولدیلر پس سلطان
مصرك حلبه کی لشکرینک بکی یوانه داعی طوبیلوب سلطان مصره تحریر
ولشکرینک قلعنی اشعار ایتد کلرند سلطان مصر مستوفی لشکر
جندیانی حلبه کوندردی برو جانبک بکاری اطنده محافظه ده ایکن
حلبه کی لشکر مصر معا و تنه یکیدن مصر دن لشکر کلدی بکنی
اشید کلرند ماوقعه بی درگاه معلایه عرض اولشکر رجایتدیلر
سلطان یازید دخی قره مان بکلر یکبسی لشکر قره مان ایله نونله
معاونه کوندیلر مکله مخاربه ایچون آماده اولندی لشکر مصر یان حلبدن
سلطان یازیده نهائی جاسوس کوندوب بونلر شب و روز ذوق
وصفا و مداومت میل خورده اولد قلعنی کشدی سردار لرینه خبر
ویرلر یله همان لشکر مصر یان ایلغار ایدوب اطنه ماده اولان
عسکرک غفله اوردوسنی باصوب جنکه باشلیدیلر و الحاربه ده امرادن
موسی بک و مضطی بک قتل اولدیلر و فرهاد بک بخادرند و منیت

بولمغله آدماری اسبده بندیر دیلر ایسه ده مستلکدن طوزه میوب زمینه
دوشردی اولدخی قتل اولندی (بو وقته حیرت افزایی در معدله
نحر بره امزادن کیمسه قالمغین نابجار اطنه در داری واقع حالی سمریز
معدله صیره عرض ایستد کده هر شک زاده احمد پاشا با امر شاهانه
اطنه به کلوب لشکر مصر بایک طوب ابله اطنه قلعه سنی دو کیم کلرینی
کورد کده مصریان طریق حبله به کیدوب عثمانیه کر یزان صورتی
کوستریچک اطنه قلعه سنده کی عسکر چقبوب مصر بایک طوب بلرینه
میخ چاققدن صکره هر شک زاده به متابعت ابتدیلر اما هر شک زاده
دولت واجلاله مفرور اولوب لشکر مصریان بایستده بحر و شجر کی
اولمغله اورایه اینوب خیمه و خر کاهنی قور مغنه باشلدن قدده اجیش
مصریان لشکر عثمانیه حبله ایلرله قره مان وانقره و طره یوزن
بکتری منهزما فرار ابتدیلر هر شک زاده احمد پاشا ایسه چادرندن آه
سوار اولنه قدر امرا و عسکرک اکثری نهر چقبوبه دو کیلوب بولمغله
(پس هر سکرزاده موجود اولان عسکری آلوب اگر چه جنک ایلدی
ولکن نیجه امرانک وجودینه عدم ایشمکین کندی دخی بحر و جا
کرفتار اولیچق اطنه قلعه سنی امان ابله مصر بانه کندی) غب دایمردار
مصریان هر سکرزاده بی مصره کتوروب پایزید خانک دامادی
اولدیغنی و ساراحوالی سلطان مصر ملک الاشرف قایتبا به سوبلد کده
اولدخی هر سکرزاده به زیاده رعایتد نصکره سلطان پایزید ابله مصاحفه
رغبت ایدوب هر سکرزاده ابله سارامزایی سلطان پایزیده کوندردی
اما پایزید خان اطنه ده عسکرک انهرامنی و هر سکرزاده نک گرفتار
مصره کیمدیکنی ایشمکین دیار و ارسق فتحنه وزیر اعظم داود پاشایی
تعیین یورمغله اولدخی روم ایللی والبسی علی پاشا ابله اناطولی والبسی
سنان پاشایه فرمان کوندروب کندی دخی لشکر ابله مقدمه وارسته
وارمغین علی پاشا طرسوس طرفندن و سنان پاشا کوه یلغارندن
کلوب احاطه ایتد کارنده امرای و ارسق کمال خوفلرندن داود پاشایه
آدم کوندروب سلطان پایزید جضرتلرینه بنده اولورز دیواظهار
عجز دند صکره بارگاه داود پاشایه کلوب استغفار ایتد کارنده
ادود پاشا دخی بونلرک خیرامنی عفو ایدوب ایچلارنده کی امرای

وارسعدن بوغا اوغلننه و اقباش اوغلنه و اورن اوغلننه و سوری
اوغلنه خلعتلر کیدر یچک انلردخی سکر یوز طقسان برده مملکتلرین
پادشاه عالمپناه وکیلنه تسلیم ایدوب آستانه سعادتده بنده اولدقلرنده
حاکم ذوالقدر به اولان علاء الدوله طریق حبله به کیدوب
سلطان پایزید ابله اولدیغنی عهد و امان اوزره سلطان مصر
قایتبا ابله دخی صلح اولسنی مراد ایدوب حبله مرامنی سلطان مصره
عرض ایتد کده التماسی قبول اولمغین علاء الدوله شکر یوز طقسان برده
بر اوغلنی سلطان مصره خدمته و دخترینی امیر کبیر اوزبک اوغلنه
ترویجه کوندردی (سلطان پایزید علاء الدوله نک بو کونا تفاقنه واقف
اولیچق استبانه سعادتده خدمتده اولان ذوالقدر اولادندن
میربداق نام بک زاده به میخال اوغلی اسکندر بکی قوشوب ذوالقدر
ولایتنه بکلکه کوندردی ره راستده علاء الدوله اولادندن بری اله
کیرمکله کوزلرینه میل چکدیلر و طرف اعدادن آمانا عبش و عشرته
مشغول اولدقلرنده علاء الدوله بونلرک حالنه مطلع اولیچق برکیچه
لشکر ترکن ابله ایلغار و یونلری باصوب جنک ایتد کده میخال اوغلی
لشکر ترکمندن نیجه نامداری اقلیم عدمه کوندرمش ایستده آخر
میخال اوغلی میربداق لشکرله منهزم اولمغین میربداق مصره
قاچدی و میخال اوغلی طوتولیچق علاء الدوله دیلن نابکار میخال
اوغلی اسکندر بکی سلطان مصره ککوندزمکین اول دخی
اسکندر بکی قاهره المعزیه ده و بداق بکی صعیده کوندروب حبس
ایتدردی (بو خبر سلطان پایزیده واردیغنی اولنده شهزاد کریم
شهرزاده لری ختمانه و سلطانلری کلن ایشمکه مشغول ایدی سکر یوز
طقسان بنده شهرزاده لری ایشمکی سنت و سلطانلرک برینی اوغلی بک
اوغلنه و برینی داود پاشا زاده به و برینی نضوح نام میره و پردی
تاریخ مر بورده سلطان مصر قایتبا سلطان پایزیده نصر عثمانیه
کوندروب انواع عذر خواهید نصکره سابقا چقور آباد نواچسندن
آل عثمان حکمه کیرن اوج قسطه قلاغ حرمینه و ققدر بونقده برجه
سلاطین اسلام طرفندن دخل اولتی موجب و بال عظیم در خصوص
آل عثماندن پایزید بن محمد خان کبی زهد و تقوی و ورع صاحبی

پادشاهك حرمين شريفين حاصلاته نقصان ترتب اينست بكنه
رضاي شريفعلزي اولدي بغي معلومنز اولمغله واقع خال جانب
شهر ياري يازيشه اشعار اولندي چون مضمون نامه دن بايزيد خان
سمع هما يوشته وقف حرمين آوازه سي طوقسلدي الحمد لله شام
شرف دين واسلام هدايت قرين ايله مشرف اولوب نام هما
دفتر ازل و آزالده زمزمه اهل ايمان ايله صلاح و امان اوزره موقبله
ايكن آتش فتنه نك فروزان اولمسته بچون رمضان اوله ديوب
اول اوج پاره قلاعت حاصلې كاكان حرمين شريفينه وقف اوله ديوب
هداياه سلطان قايتبايه نامه كوندركمكه ميسانه لري اصلاح اولدي
(بعد ازان) يعقوب پاشا ابتدا بوسنه ته ميرلوا وليحق اول كك نازلده
فرقه كفاردن درخيلبان نام قلبان قرال ممالكشدين خرواب ولايتيه
بالي اولمغله يعقوب پاشا دن مقدم بوسنه والي ليله دائما محاربه ايدردى
يعقوب پاشا سرحد بوسنه ده كي غزات ايله بالمشاوره درخيلبان مقر
منحوسه سنده غافل ايكن لشكر ايله الغار ورزم و جنگله درخيلباني
و نچه بنام بانولري اسير و لشكري طعمه شمشير ايتد كد نصكره درخيلبان
و بانولري علم ليله صورنا و نقرار بن چالدره رق در سعادته كوندرد كده
يعقوب پاشايه روم ايلي بكار بكاكي توجيه اولندي (بعد ازان) سلطان
بايزيد حضرتلري درگاهنده مستخدم سلاطين محمدن بايندر خان
نسلندن احمد ميرزاي داماد ايد نمشيدى و ازربايجان اعياياندن ايكي
كيسه نك احمد ميرزا ايله زياده القلري اولديغندن سلطان بايزيد
خان احمد ميرزا خاطر بچون باب سعادنده انله دني درلك و يرمشيدى
اول ايكي يديكان هر زمان غلظه ده احمد ميرزا ايله عيش و عشرت
واحد ميرزاي اضلال و والدي برينه ازربايجانه والي اولق آرزوليله
اغسال ايتلريله بركون احمد ميرزا ايله اول ايكي شخص تكت و تنه
اسكيداردن چيقوب روز و شب قرار ايدنه رك تبريزه يقين وارد قلرند
احسان تبريز احمد ميرزاي بعد الاستقبال دزون شهره قوندرديلر
اول زمان همزاده سي ازربايجانده حاكم ايدى آنى مجايدوب طقوز يوز
ايكيده احمد ميرزاي ازربايجانده تخت او تورند قلرند استاواده
صوفي زينده نقطه بچي زاده نام مراني بي سرا مکتوب ايله تبريزه

جلب ايدوب مدير ممالك ايلدي امانقطه بچي زاده خيشاي امتدادن
اولمغله احمد ميرزا نك دولتشه بادي اولان جمله امراي برر طريقه
قتل ايتدرد كده احمد ميرزا نك شيرازيه نظامي بوزلغين امرا احمد
ميرزادن نفرت و نقطه بچي زاده بي قتل ايتديلر (وينه) تاريخ مزبورده
مالقوج اوغلي بالي بك بافر مان آقچي طائفه سسته سردار اولمغله
له ولايتي سرنامر خراب و ويران ايتد كد نصكره اهااليسي اسير و مالرين
غاز يانه نهب و غارت ايتدردى و اول غنايندن سلطان بايزيد ايجون
علمان و خوارى آيروب بالي كتخدا ايله در دولته كوندردى (وينه)
سلطان مصر و شام اولان ملك الاشرف قايتباي طرفندن در دولته
يوزاللي نفر جندى ايله الحى كلوب نوادر الاجناس هدايا كك توردى
(وينه) تكروس و بيج و اغريج قراللى عتبه عليايه الحيلر كوندروب
صلح و امان استلريله هر برينه عهد نامه همايون و يرلدى (وينه)
ترسانه طامره رئيسلرندن كمال رئيس ممالك عثمانيه دن حاصل اولان
اموال اوقاف حرمين ايله اسكندريه مصر جانبده كوندرلمشيدى
رئيس مذكور اموال مرقومه بي اسكندريه نايسته بعد التسليم عودنده
فورصان كيلريله جلك ايدوب و افرسقى كفارى در معدله كتورمكن
مظهر احسان شيريارى اولدى (وينه) طقوز يوز بيشده موره جاننده
سفر اولمغله هر سكرزاده احمد پاشا دوغما ايله واروب اينه بختي قلعه سنى
فتح ايلدى و جانب بردن عسكر ايله بالذات سلطان بايزيد و دريادن
دوغما ايله داود پاشا واروب موره مضافاتندن قرون و متون قلعه لرني
فتح ايتديلر و جزيره مزبوره مضافاتندن اناوار بن قلعه سنى دني
روم ايلي بكار بكبسي سندن پاشا فتح ايتكك قلاع مذكوره نك امر
محافظة سي كك و ريلوب پادشاه نامه هر برنده خطبه او قوندى
بوقو حاند نصكره پادشاه حضرتلري خسته اولوب ركوب و تزوله
مقتدر اولمايچيه ولات و حكام اول ممالكك رعاياسنه ظلم و تعدى به
باشلدقلى معلوم شاهانه وليحق و زراسيله استشاره ايدوب اماسيه
جاكي شهرزاده سلطان احمد نام فرزند دولتمنده اورنك خلافت باحسن
رضا تفويض اولمغله قرار و يرلدى اولكو نلرده زلزله دن سور
قسطنطينيه سراپا هدم اولمغله از سرنوينا وانه قدر ادرنه به راجعت

اینگ لازم کلاکین سلطان بایزید نفس همایونلر بچون دیمتوقه به سرای
عالمه بناسنی امرایدوب سیرایک بناسی تکمیل اولنه قدر ادرنه به عزیمت
پیوردیلر اما وزرا پادشاهک شهرزاده لرندن سلطنتان احد و سلطان
قورقوده تختی لایق کورمیزوب شهرزاده سلطان سلیم هر زمان کورجستان
سرحدنده رزم جنگ ایتمکله ازهرجهت پادشاهلغه لایقدر دیو پایده
سر بر اعلایه عرض اولمقی اثنا شده تکه ایلی جانبدارده اولان شیطان
قولی نام حراخی برالای دزدان ایله کلوب کوتاهیله ولایتی غارت وانا طولی
بکلر بکیمی قره کورن پاشایی بالمحاربه شهید و لشکری منهنم
ایتد کدنصره قره کورن پاشاک طوغ و علمنی کشاد و طبل و نقاره سن
دو کبیره رک اعیان مملکته هجوم و کوتاهیله حواله بکنده واقع فرا
و قصباتی سیرایا خراب ایتد کدنصره دیار ازربا بچانده دعوی
امامت و شیعیت ایله والی ایران اولان شاه اسمعیل بن شیخ حیدر اردیلی
جانبدار روان اولدی و ره راستده ممالک شهریاریدن قره سی و متشا
وصاروخان وایدین بکلرینک هسکرلرین باصوب اموالی یاننده کی
دزدانه غارت ایتد ردی حتی شهرزاده سلطان قورقود نصاروخان
حاکمی ایدی شیطان قولینک لشکریله مقاومت قادر اوله مدیقتدن
فرار ایلدی واندن شیطان قولی کذرایدیجک اما سیه ده اولان شهرزاده
سلطان احد و معینده کی میر میراندن علی پاشا اللی بیک قدر عسکر ایله
شیطان قولنک بولنه طور و الی بیک مقداری دزدانه مقابل اوله نتیجه
دزدولتده کی اهل دیوان سلطان احد دن نفرت ایتد یار واندن
شیطان قولی یاننده کی رهزنان ایله راه قره مانده بی محاسبه ممالک
عثمانیه بی غارت ایده رک واروب ازربا بچانده شاه اسماعیله متابعت
ایتد بکنه سلطان سلیم طرابورانده واقف اولیجق لشکریله کفه
و قیرم باقه سنه بکوب کشت و کذار دنصره بچراینه طربوزانه واروب
طربوزانی پر بنده سنه بعد التفویض خرائن و اموالیه بچرا کفه به
عودت و نتیجه مدت انده اقامت اوزره ایکن دشت قریم و قیجاق خانی
دولت کرای خان سلطان سلیم خانه رعایت ایدوب اوغلارینک برنی
در سعادتنرینه ملازمته کوندردی واندن سلطان سلیم دلالت تاتارخان
ایله جانب شمالدن افان نهر دن و اوزی و طوری نهر لرندن سفاین ایله

اقبکرمانه وازدی واندن نکلی به واندن روم ایله کچدی اول زمان
سلطان بایزید سور استانبول تکمیل اولنسون ایچون ادرنه ده ایدی
اوغلی سلطان سلیمک بو حرکتی اشدوب بحضور اولیجق مولانا
صاری کوزاقتدی بی کتوردوب سلیم خانک بو طرفه کلکدن مرادینی
اکله دیو کوندر مسکین اولدخی واروب سلطان سلیمک مرادینی
اکله دیو نصره کلوب سلطان بایزیده افاده ایلدی چون صاری کوز
اقتدی سلطان سلیمدن ایرلدی همان سلطان سلیم اورادن قالقوب
لشکر ایله ادرنه به قریب محله اینجک سلطان بایزید و هم ایدوب
فراغول چقاردی (پس صاری کوزاقتدی سلطان بایزید حضورینه
کلوب سلطان سلیمک اول مرادی پادشاه جهانک دست شریفی
تقیل ایدوب مظهر خیر دعا و لمقدر ثانیسمندره سنجاعیلده پیره مند
اولوب سیرمایه عمرینی جهاده صرف ایتد کدر دیو جک بایزید خان
همان سمندره سنجاعنی تفویض و براتی کوندرد کده سلطان سلیم منونا
سمندره سنجاعنه عزیمتی مقرر ایلدی (پواتناده بر منافق سلطان سلیم
سیرامکتوب کوندروب پادشاه حضر نلری ذات دولتکزه پادشاهلخی
تفویض ایده جکدر شهره قریب محله نزول پیورک تا که پایه سیر
اعلایه عرض اوانوب ذات دولتکزی تخته اجلاس ایتدیره لم دیو کزدی
تحریر ایتد بکندن سلطان سلیم اتانوب اوردوسه یله ادرنه باغلی
اراستنه کلد کده مذکور منافق سلطان بایزیده واروب پادشاهها
سلیم خان سلطنت قصدیه کلوب باغ و بوستانلر اراسته قوندی دیو جک
بایزید خان حرب و قتال ایچون سلطان سلیم اوزرینه عسکر کوندردی
مکر اول منافق سلطان احدی پادشاه ایتمکچون سلطان سلیم طرفه
دائمابویه نفاق ایدرمش (القصة سلطان سلیم کوردیکه مصلحت
برعکس در ناچار سوار اولوب حاضر لندیسه ده جنگ ایتمکی روا
کورد بکندن طونده ده البقودینی سفاین ایله کیر و کفه جاننده
عزیمت ایلدی (بعد ازان) سلطان بایزید حضر نلرینی و زراسی
ادرنه دن استانبوله کتورد کارنده فرزند بزرگتری سلطان احدی
برینه سیر در دولت اجلاس مراد اید بچک لشکر ظفر مأثر علی الاتفاق
دیوان همایونه کلوب سلطنته سلطان سلیم لایقدر دیو چاغر شد قلرند

سلطان یار یزد دخی بوقولی اختیار ایدوب سلطان سلیمه آذم کوندردیلر
 اول ایله ادرنه دن کفه به واندن سمندره سنجاعده کیمک ارزو سیه
 سلسله سنجاعده وارنه قصه سنجاعده کیشیدی سلطان یار یزد طرفدن
 کوندردیلر آذم راوراده سلطان سلیمه رکاب همایونی تقیل ووقه بی
 بهدا التهمیم اوکمه دوشوب معرزا و معرما استانبول دریا ووقه بکی
 باغچه به قوندردیلر مکر اول کون آید سلطان ایله سلطان احمد
 اسکاره و سلطان قورقود استانبول درونه کیره شایر ایدی سلطان
 سلیم یکی باغچه به اید که سلطان یار یزد بیک اوغلی سلطان احمد
 آدم کوندردوب یونجه جند و سیه سلطان سلیم پادشاه ایله
 است کلریدن امر لاطنت انده مقرر اولدی سن سنجاعده کیت دیو
 امر ایله سلطان احمد دخی واروب قونیه بی محاصره و جهان شاه اوغلی
 محمد بکدن قونیه بی جبراً الوب دارالسلطنه ایدیدی سلطان یار یزد
 دیگر اوغلی قورقود خانی خلوتنه چاغردوب تخت دولت سلطان سلیمه
 مقدر ایلمش دیو نصایح و نصایح کور قورقود خانی سنجاعده مدالو
 سنجاعده ضم ایلمش دیو نصایح کورقود دخی و سلطان سلیم استانبول
 کلدی کون قورقود خان ارکان دولتله سلطان سلیم استقبال ایدوب
 بیرون سورده سلطان سلیم ایله مصافحه ایددی (القصة سلطان یار یزد
 او توشنه پادشاه قد نصیره اوغلی سلطان سلیم حضر تری خلوتنه
 اخضار و یننه نصحیت اید ک نصیره طغوز یوزاون سکرده امارت
 و خلطتی بهدا التهمیم اموال و خزان و غلمان و جواریلر بهدا التهمیم
 فریمت اید کلرند سلطان سلیم از کان دولتله ایکی منزل سلطان
 یار یزد نصیره نصیره کلوب سر بر دولتله جلوس ایددی سلطان
 یار یزد دیمتوقه به ایکی منزل قریب اولیجق ار تال سمیت بقا پیور مغله
 جنداره سی استانبول کتور یلوب عمارت عماره لرینه دفن ایددی رح
 * مقاله سلطنت یاوز سلطان سلیم خان ابن سلطان یار یزد خان *
 یاوز سلطان سلیم خان طاب راه حضر تری پادشاه عالیجناب اولیجق
 عدل سیه ورعیه مشغول اولدیلر سلاطین ال عثماندن سلطان
 سلیم خان صاحب قراندز زرا ملوک پیشین و خواقین ایران زمین
 عندلنده صاحبقران اوج وجهه دروجه اول سلسله غیر منقرضه ایله

اون بطنه وارنجه پادشاه اولمقدور (وجه ثانی نام یله جهانه پادشاه اولمقدور
 جیشید و فریدون و ذوالقرنین کی باخود زور قوت ایله کسور کیر
 اولوب جهانگیر و یولوانلق یله جهانه مشهور بالینسان اولمقدور
 سام بن یرمان ورسم بن داستان کی (وجه ثالث المؤید من عند الله
 اولمقدور) عمرده مغلوب اولوب کسر و انهرادن بری همیشه اعدا سیه
 غالب اولمقدور (پس سلطان سلیم فرقه ثالثه دندر والدی سلطان
 یار یزد ایله ادرنه کی وقعه سی لمصلحه اولمقدور جای اعتراض دکلدر
 (بعد از ان) سلطان سلیم پادشاه اولیجق برادر بزرگتری سلطان احمد
 و جهان شاه اوغلی محمد شاه سر بر دولتله سلطان سلیم جلوس
 اید کلدی طوید قلدی آند قره ماندن اسکر ایله حد کر میاند
 حقور چارینه وار دیلر و سلطان احمد اوغلی سلطان علاء الدینی بیک
 نفر عسکر ایله بروسه اوزرینه کوندردی سلطان علاء الدینی دخی
 کلوب اعیان بروسه دن وافر مال الدقد نصیره لشکر کوندردوب
 یک شهر غارت ایددی بیک ایددی بیک سلطان سلیم عسکر ایله
 اسکاردن در بانی کلوب سلطان احمد اوزرینه هجوم اید کده
 سلطان احمد ملاطیمه واندن عربستانه فرار اید کدن سلطان سلیم
 دخی انقریه واروب مالقوج اوغلی عسکر ایله سلطان احمد آردنجه
 کوندروب ذات همایون لری انقره حواله سنده برقرار اولدیلر اما سلطان
 سلیم استانبولدن سلطان احمد اوزرینه کلد کده سلطان احمد
 طرفداری مصطفی پاشا نهانی سلطان احمد مکتوب یازوب
 برانقره دن بروسه به وارد یغمزده سر دخی سنجاعده واروب بو طرفه
 ناظر اوله سر زرا جمله لشکر سزک نخته قدومکره متر قیلر در هله
 سعادتلو افندمر حضر تری پادشاه اولیجق حق تعالی جائمی آلمه اغور
 هما یونکه جانم قربان اولیجیه دک بوامرک حصواته حالشیر دیو
 یازمش از قصصا حامل مکتوب طوید بک مکتوب سلطان سلیم
 بدینه کجه سلطان سلیم اعراض عین ایدوب مصطفی پاشای کا کان
 امور سلطنته قوللندی برکون مصطفی پاشا از اکتله سلطان سلیم
 اعدا فرار ایددی شمد نکیر و کیمسه دن یا کز بو قدر دیوب سلطان
 سلیم بروسه به کتور بیک سلطان احمد دخی مصطفی پاشا تد بیر یله

ملاطیه دن کلوب اما سپه قلعه سنی ماوی ایلندی بو وقعه بی سلطان
سلیم اشیدد یحک مصطفی پاشا تک تدبیر فاسده سی ظهوره کله جکفی
یلوب ابتدا مصطفی پاشای قتل ایلدی بعده بروسه بی تشریف بفریده
سلطان احمدک اوغلاری رکاب پادشاهیده ایدیلر انلر کدخی قیدلرین
کوروب میتلر بی بروسه ده اجدادی یانه دفن ایتدردی (بعدازان)
سلطان سلیم کندی لشکری سرور لری آغزندن برادری سلطان
قورقوده سراساخته مکتوب یازوب عساکر طفرما ترسلطان سلیمدن
بیرار اولوب اوصاندیلر سرپردوانه سزک قدومکزی آرزو ایدلر دیو
تحریر و بر مردخی ایله سلطان قورقوده کوندردی اولدخی مال مکتوبی
اکلیوب حق تعالی سر برسلطنتی بوکینه به نصیب ایدر سه لشکر عدوستانه
ایله جکیم رعایت کتب توارینجه یازمغه میانه ملوک و سلاطینده یاز
اوانور دیو جواب یازوب اول مردخی ایله کوندر مکین سلطان سلیم
مال مکتوبی اکلیوب همان لشکر ایله سلطان قورقود اوزرینه ایلغار
ایلدی بوکیفینی سلطان قورقود طوطو یحقی فرار ایدوب تکیه ایلی
ولایتده جیلده واقع مغاره ایچنده بر قاج نفر ایله پنهان اولدی (پس سلطان
سلیم سحر وقتنده سلطان قورقودک سرایی باصوب بوله میبجه اله
کتور لسیچون فرمان پیورمغین تکیه ایلی والبسی قاسمیک اول غاردن
سلطان قورقودی کتور یحک قیدی کتور یلوب جنازه سی بروسه ده
سلطان اورخان تربه سنه دفن ایتدیرادی (بووقعه دنصکره سلطان
سلیم اولسنه زمستانی بروسه ده ایلدی (بعدازان) اولهارده سلطان
احمد اوتوزیک لشکر ایله قره ماندن سلطان سلیم اوزرینه کلدکده
سلطان سلیم دخی بروسه دن کلوب یکبشهر اواستده جنک ایتدیلر
سلطان احمدیری طرفدن اناطولی قولتی صیوب روم ایلی قولنه
هجوم ایتدکده روم ایلی قولی لشکر قره مانلی و سلطان احمدک سائر
لشکر بی پریشان ایتلر بله سلطان احمد طو تلغین همان قیدی کورادی
سلطان سلیم طرفندن خصوص مزبور به تعیین اولان احمد پاشا
سلطان احمد حضورینه وارد قده سلطان احمد انکشتندی روم
وانکر وس خراجنه معادل اولور اعلین خانمی احمد پاشایه تسلیم ایدوب
بویله برده سلطان سلیمه لایق بوندن اوز که نسنهم یوقدر بوکینه دن

بوخانمی قبول ایدوب معذور پیورسونلردیدی (احمد پاشا دخی خانمی
تسلیم ایچون حضور همایونه کیردکده سلطان سلیم دستمالی بوزینه
طوتوب آغلیه رق بو بدعتی نسلز دن ابتدا ایجاد ایدن رحمت حقندن
بعید اولسون پیور دیلر ایدن سلطان احمدک جنازه سی بروسه به
کوندر یلوب اجدادی یانه دفن اولندی (بعدذک سلطان سلیم
بروسه دن کلیولی به واندن استانبوله واندن واروب اول خزان و زمستانی
ادرنه ده ایلدی (بواشاده) ممالک عجمده پدشوی ملحدان اولان
شیخ حیدر اردیلی اوغلی شاه اسمعیل تام پیدین برقاج نفر صوفی ایله
کیلانندن خروج و برکروه طائفه سرخ کلاهانه مقتدی او اوب
دعوی صاحبقرانی ایله اولا آق قیونلی اوزرینه هجوم ایلدی و آق
قیونلینک لشکرین صیوب ممالک ازربایجان و خراسانه واندن دیار
فارس ایله کاشانه مستولی اولدی و مذاهب اربعه بی ممالکنده تعطیل
ایدوب حضرت علیدن غیری رضی الله عنه اصحاب کریم حضرت ائمه
سب ایتدردی (و ممالک عجمده کی مساجد و مدارس بی قدر دی و اوقات
مکتوبه بی جامعته قیلدر میوب سنیلری رقص و الحاد سمعته دوندردی
و بو بایده مخالفت ایدن اهل سنتی انواع اهانتله قتل ایلدی (الحاصل
شاه اسمعیلک دعوی امامت ایله صدای صاحبقرانیسی عالمه منتشر
اولوب سلطان سلیم حضرت تلیکک جلوسلری اوانته کلنجیه قدر
عموما ایران و جزیره فراتیسه و عراق و عرب و ملک ریبه و طبرستان
و جرجان و کیلان و عموما کردستان وارمن و کورجستان و دربند
و پایتخت پیشین شیراز و تستر و دیار اهواز و بصره و ممالک کرمان
و سیستان و شیروان و نقشوان و لایلری شاه اسمعیلک زبردسته کیردی
و خدود عجمدن چین و ارنجه شرقا و غربا بعد اوقربا تخت نشین اولان
پادشاهان خوارزم و ترک و چیندن صاحب خطبه و تکیه اونیدی نفر
پادشاهی قتل و لشکر بی مهرم و اموال و خزانلرین ملاحده و زنداقیه
غارت ایتدردی (و ملوک تاتاردن شیه نام پادشاهک قفساسنی زر
و کوهر ایله بزه یوب مجلس یاده ده اول قفا ایله امراسنه شراب ایچوردی
پس شاه اسمعیلک یوما قیوما رقص و الحادک تر ایلدی سلطان سلیم
حضرت تلیکک سمع همایونلرینه واصل اولیحق عساکر طفرما تری جمع

ایدوب ابتدا شاه اسمعیل بن دو نسی حاوی نامه کوند و رب در و تنده دعوی
شاهی و آرازه صاحب قرانی الله طهر و رایدن شاه محمد ولی بی مذهب حتی به
دعوت و حضرت جعفر صادق علیه السلام را بدین مذهب جعفر بن ابی
وفرت اولمسی سی پوردی (شاه اسمعیل نامه همایونی او قود پسته ده
درونده کی نصایح ایله عامل اولدی بی سلطان سلیمک معلومی اولی حق
شاه اسمعیل اورزینه وارلق مقرر اولوب اولان خافیه ملک عمایه
ایچون شهر ده لری سلطان سلیمانی ادرنه تختیه کوندردی سلطان
سلیمان دخی ادرنه به کلد کده صلابت و مهابتی قیجاق و ورسیه به واوله
وسطوت و جلادتی افلاق وانکر و سه غلغله و زلزله بر اعویب سرکشان
جهان مانند خزان لرزان اولدی لر بعد ذلک سلطان سلیم بنه یاه
عسکر ایله استانبولدن شاه اسمعیل اورزینه روان اولوب ازربایجانیه
وصول و اوتاغ همایونی چالدران صحرا سته قوردردی و بر قانون
روم ایلی بکر بیکسی لشکر ایله بمسره به وانا طولی بکر بیکسی لشکر ایله
میمه به تمین ایدوب جنکه حاضر اندی شاه اسمعیل دخی اوستجه او علی
محمد خانی میمه به که رومیانک یساری روم ایلی قولنه کلور و امر اسندن
یرینی بمسره به قویوب کشدی قلیده طوردی و ظرفیک لشکری اول
صحرای بیکرانده مثال دریا جوشان اولدی و آهسته آهسته یور یور
مینان قضای چالدرانده ظاهر اولدی لر (بس سلطان سلیم امرادن
مانقوج اوغلاری طور علی بک و یالی بکی شاه اسمعیل لشکرینک یولنه
کینکاهه کوندردی و ابراقدن صواش ایله گروه سرخکلاهی
رزمگاهه کتوره لر دیو پوردی انلردخی موقع کینکاهه و اروب عساکر
ملاحده نک مرورینه صبر و تحمل اولنه مدیقندن معتلر تده کی عساکر
جنود سرخکلاهانه نسبت یحریکرانندن قطره مشابهه سینه ایسته ده
مردانه جنکله عدوتک باشنه جهانی تنک ایدوب نیجه سنی طبعه شمشیر
ایتدی لر فاما لشکر مخوسه چوقلق اولغله اول ایکی مرد کزنی شهید
ایتد کاردنه لر رینه تعیین اولان میخال او علی محمد بک قرانیاشک اوکلر بنه
دوشوب جنک ایده رک و قیجاق کوستره رک رزمگاهه کتوردی (بس
طرفین جنکه پاشلیوب مانند دریای عمان خروشان اولد قلرنده طرق
دشمن ضعیف و انکساره قرین اولی حق شاه ضلالتناه میمه و بمسره سنی

برایدوب روم ایلی لشکر بنه هجوم و خواه ناخواه روم ایلی قولنی برندن
قویاروب کیرود و ندر مکه روم ایلی بکرانندن اونیدی نفر صاحب
طبل و علم ایله روم ایلی بکر بیکسینه شهادت میسر اولوب روم ایلی
قولنه اذهرام واقع اولدی (و جنق پاشا بحر و الحاکموت زکاب پادشاهی
بعد التقیل حق تعالی به جبار اولونکه بوزره وار قولرینه اوغور
خداوند کاریده روح روانی قدا ایتک میسر اولدی یو عید ادفی
وجودینه عدم ایشد یسده پادشاه جهان مشد سلطنتده عر و دولته
پردوام اولسون حال روم ایلی قولنه ضعیف کلدی دیو جنک سلطان
سلیم روم و انا طولی قولرین برایدوب هجوم ایتد کاردنه میمه به کی
اوستجه او علی محمد خانی منهریم ایتدی لر و قلب شهر یاریدن آتش فشان
وار در نشان لشکر عد و ستانک ایله و هجوم متدین طرف دشمنان
نیجه بیک مرید مبارزان یکدن جان و یروب زمره بر سر خستانه کسیرا
و نقصان کایچک شاه اسمعیل بیم جانله قوسقونه قوت و قیجیه برکت
دیو این المفری یولنی طوغین بر اقد قلی ایموالین سلطان سلیم ایچون
لازم اولان آدوب ماعداسی غزاته تقسیم اولندی (واندن سلطان سلیم
تبریزه واروب جهان شاه جامه منده نام همانده خطبه او قندقد نصیره
تبریزک اعلا و اوسط و ادنی اعتبار ایله یازر کانلرینی تخریر ایدوب
استانبوله سوردی (محکیمدر که سلطان سلیم والی طرابوزان ایکن
عباس پاشا تبریزه واروب شاه اسمعیل ایله شطرنج اوینادی و شاه
چهار خانه ده مات ایدوب شاه مات دیدیکچون شاه اسمعیل سلطان
سلیمک سینه سینه ال آرقه سیله اوروب بره ایشق هیچ شاه مات اولور می
دیمشدر ایته سنی سلطان سلیم بیک التون ویرمکه اوانخی التونی
سرای قیوسی او گنده ینک طاشی آلتیه کرم دیلر (وقا که سلطان سلیم
تبریزه کیروب سرای قیوسی او گنده واردیلر کال اغانام شخصه شونسک
کران آلتیه قوبدیغم بیک التون سکا احسان ایتدم یور غله اولدخی
التونی اورادن الدی (واندن) سلطان سلیم اما سینه به کلدیلر و اول
زمستانی انده قشلا یوب حواله یسندن صید و شکار اوزره ایکن سرحد
کورجستانده واقع بایبورد مفتاحی رکاب همایونه کلکله ایچنده کی
ملاحده سب اصحاب کزین ایتد کاردن عموما قتل اولندیلر (بس)

اول بهارده سلطان سليم ديارازمنده کاخ قلعه سنی محاصره ایدوب آتندن
اینگسزین یوریش ایله آن واحدده فتح اولمغین امر محافظه سی کوردی
(خونکه) ذوالقدری ولایتک حاکمی ذوالقدر اوغلی جغتکان سلطان
مراد و سلطان محمد زمانلرنده استانبولدن چیقوب والی مملکت
اولوزلردی و مصر یزدولتری مپسر اولنه قدوروم ایلنده چرم سنجاغی
وزیریلورکن هر زمان کسر عهد و پیمان ایدرلردی علاءالدوله دن
مقدم بابائی شهسوار بک سلطان محمد آستانه سندن چیقوب والی
ممالک ذوالقدر اولمشیکن بعد زمان عصیان ایدوب فضلوا سلطان
مصره وار یحیی شهسوار بکک خیاتی معلوملری اولمغله سلطان مصر
شهسوار تابکاری مصرده صلب ایدیچک ولایت ذوالقدر سلطان محمد
آستانه سندن شهسوار بکک اوغلی علاءالدوله بکک تقلید اولمشیدی
اول قلیبان در سعادتدن کوردیکی احسانه بدل هر زمان خیانت اوزره
اولوب سلطان بایزید زماننده لشکر اهل ایمانه ایدیکی عدوان خود
معلوم عالمیاندور (وقتا که سلطان سلیم خضر تلی شاه اسمعیل اوزرینه
توجه ییوردیلر علاءالدوله بکک لشکر یلارکاب همایونده بولمغنی فرمان
ییوردیلر ایسه ده علاءالدوله ابا و مخالفت ایلدی اولزملکه سلطان سلیم
کاخ قلعه سنی ضبط ایدیلر ذوالقدر اوغلرندن شهسوارزاده علی بک
در سعادتده ایدی سلطان سلیم علی بکی مقدم جیش ایدوب اناطولی
والیسی سستان پاشا ایله علاءالدوله اوزرینه کوندردی اول اوان فصل
تابستان اولمغله علاءالدوله و عسکر ترک کوهستانه یابلاغه
چقد قلزندن اله کتور ملک دشوار اولمغین سلطان سلیم دخی لشکر ایله
کلوب اول کوهک در بندینه ایدیلر ماحصل علی بک یا الحاربه
علاءالدوله بی اولاد و تعلقایله قتل ایدکده (سلطان سلیم ولایت
ذوالقدری اکلور کدند صکره استانبوله رجعت واندن واروب اول
زمستان ادرنده خجقار دیلر (بعد از ان) اول بهارده عجم سفرینه نیت
اولمغله سلطان سلیم ادرنده دن استانبوله کلوب روم ایلی والیسی سستان
پاشای مقدم جیش ایچکله اولدخی روم ایلی لشکر ایله استانبولدن
دریانی عبور وازر بایجان تیتله ملاطیبه اوزرینه عزیمت ایدوب نهر
قراتدن لشکر ایله عبورینه سلطان مصر ملک الاشرف طرفندن قیل

وقال اولمغله خصوص مذکور کاب مستطایه عرض اولدقدیه اوتاغ
همایونک اغزی شرقه ایکن قبله طرفنه عربستان اوزرینه دوندیر یلوب
محمد پاشا سر لشکر تعین اولندی (وعلی پاشانک ذوالقدریه ولایتندن
البستان اوزرندن عزیمته امر اولندی (وسلطان سلیم لشکر ایله محمد
پاشانک این سوروب اوتاغ همایون ملاطیبه کورینان محله قور یلوب
اولکیجه اوتاغنده قرار ایلدکده نائب ملاطیبه عربستان طرفنه
فرار ایلدی اینه سی ملاطیبه بی ضبط ایدوب تنظیم امور ائسانده
سلطان مصر قانصو غوری جاندندن سلطان سلیم نامه وهدایا
کلوب اوغلم جوانخت و جهانگیر و شهریار جهان ارای عالم مصر
جانبه پوشیده اولیه که اکرماد پادشاهی بوجانب ایله صلح وصلاح
ایسه مرعش ایله البستان ایالت عربستانه منعم اولق رجا اولنور
والا وقتکه حاضر اولوب انشاء الله روزمه که عنایت حضرت باری
هر کیمه باری اولور سه وجه آمال اولزمان مرآت حصولده چهره نما اولور
دیو یازدی (پس سلطان سلیم نامه بی اوقیجه اوتاغ همایونی ملاطیبه دن
قبله جانبیه دوندروب حلب طرفنه یوریدی منزل مذکورده چندیان
مصر دن درت نفر جوان سلطان سلیم درگاهنه قول اولق استدکرنده
با امر شاهانه یوقلانلوب قانصو غوری طرفندن کوندر لمش فداییلر
ایدیکی ظاهر اولیحق جزای ترتیب اولدقدن صکره قانصو غوری یه
نامه یاز یلوب نامه ده سریر سعادتده کشور کیر منزله سسند اولان
سلاطینه حبله ایله فدایی کوندروب قصد ضرر ایدن سلاطین نامنده
اولان نامر دلرد و رآد مدبر و اولان تهمشیدن ناشی عجز و زبونی
مثابه سسند ایکن بو کونا منهی طریقه عزیمتکز عار و ناموس دکلیدر
خصوصا بریاد شاهه که حق تعالی معین اوله فدایی و سائرندن
نه پرواسی اولور دعوای جهانگیر یه ثابت اولان پادشاهانه بومقوله
حرکات عیدر اکرار اولوب صحن ریاستده ثابت ایسک مبارزان روم
ویونان اوزر بکه هجوم ایتمک اوزره در وقتکه حاضر اول صکره احواله
واقف اولدم دیوماند بوم کنج ویرانه نهان اولیه سن دیو ابراد
ایدوب زیرک زاده افندی وقره جد پاشا ایله سلطان مصره
کوندرد کد نصکره کوچ ایدوب لشکر ایله عتسابه وارد قده سلطان

مصرک عتاید اولان نائی سلطان سلیمی استقبال و عتاب قلعه سنی
 تسلیم و در سعادت نده بنده اولدی چون قره جه پاشا ایله زیرک زاده
 نامه همایونی خلیفه قنصوغوری به و بر دیلر دیوانده اوقتوب
 مراد خد اولدکاری معلوم اولد قد نصکره فاذ و نار جغت ایتدیله
 سلطان غوری بونلرک اعدا همچون آرد لر دن آدم کوند ردیسه ده
 قره جه پاشا ایله زیرک زاده سالما کلوب حضور همایونده قنصوغوری
 ایله کدر ایدن مقلاتی تقریر ایتد کارنده همان سلطان سلیم اشکر ایله
 قنصوغوری نیتنه حلب اوزرینه عزیمتی امر ایلدی (قنصوغوری
 دخی ملامطه و عتایک روم ممالکنه منظم اولدیغنی اشید بچک الای
 یتک قدر خندی ایله سلطان سلیم اوزرینه یوریمکه امر ایلدی سلطان
 سلیم مینه و مبسره ترتیبی اوزره عتایدن عساکر در یا مثال ایله مرج داق
 صحراسنه واروب اولکیجه طرفیندن چتال قراغول مأمورا بر بر ایله
 عظیم محاربه ایتلر ایله فرقه چند یانک نیجه سی قتل و نیجه سی اسیر اولغین
 انرا جانب شهر یازیدن مسئول اولد قلنده راست سویلین قتلدن
 خلاص و خلاص سویلین قتل اولندی بر مرد راستکو چندی ایلرو
 کلوب یوکیجه بهر حال قنصوغوری چند صاحبقرانه افتران ایتک
 مقرر در دیوچک بالمر شاهانه اولکیجه منادیلر وقت محره دك سپاهی به
 زعامت وزعماه سنجاق و میره میر میرانی و دیرا کندن بی بهره له عالی
 فامرلک ایله زعامت امر پاشا هیدر دیو طرف طرف ندا اولمقله غزه
 دخی حاضر ایتدیله ایتسی صحرای مرج دابقده جیش عریستان ایله
 شهر یاز مضرو و شام نمایان اولدی (پس سلطان سلیم قلب و جناحین
 ترتیبی اوزره رزمگاه یوریدی و قنصوغوری دخی شام بکی سیبای
 مینه به و حلب بکی خربکی مبسره به الوب کند ی قلب لشکرده
 طو زدی شام بکی میر سیبای یکر می یتک عسکر ایله روم ایللی قوتلده
 و حلب بکی خربک اناطولی قوتلده هجومه جنک ایتدیله اولکون
 روم ایللی بکلر بکی امیر سیبای قتل ایتد کارنده چند خراکسه متهم اولمقله
 زمره بخندیان دخی فراره باشلد یلر قنصوغوری مبسره سنده کی خربک
 انهزام چند یاندن تک و تنه اقا ایچق ایتدن ایتوب وزیر اعظم منزله سنده
 اولان یونس پاشا تک رکابی بعد التعلیل پادشاه عالمپناه اظهار عبودیت

ایتمکله الی الوفات مظهر عنایت پادشاهی اولدی (القصد سلطان سلیم
 منصور و قانصوغوری اولیحق قانصوغوری ابن المفسرین فر اوزره
 ایکن آتی تکرلنوب سر نکون اولغین مینه سی درت کونصکره رزمگاهده
 بولمقله بالمر شاهانه خلیفه آق یول جانبده بابا یرام مقبره سینه دفن
 ایتدیله ایدن سلطان سلیم چند عدوستان ایله خلیفه وارد قده اعیان
 حلب قلعه نیک مقناحی دیوان همایونه بعد التسلیم قیل رکاب شهر یاری
 ایله بکام اولدیله سلطان (سلیم دخی حلبی قره جه پاشا به بعد التویض
 شام و شامانه عزیمت یوریمق حوا حص و بعلیک و حصن الاکراد
 و دمشق قلعه لر یتک مقناحی رکاب همایونه کلمکله امر نیجا فطهری
 کورلدی و دمشق خضر ایدن جانب مصر و فسطاطه عزیمت ایتد همایون
 اولمقله روم ایللی والیسی سنان پاشا مقدم جیش تعیین اولنوب ایلرو
 غزه به کوندلیدی (پس سنان پاشا غزه به واروب لشکر ایله سنده آراه
 اوزره ایکن قانصوغوری صکره مصره سلطان اولان طومانبای
 قلیان امر ایله جانیرد غزالی بشیک حرب لشکر ایله مصر دن واروب
 غزلیک برطره فته ایتد کده همان سنان پاشا جانیرده هجوم و علی السحر
 جنک ایتدیله آخر جانیردی مهر ما جانب مصره فرار ایلدی (پس
 سلطان سلیم دمشق دن سنان پاشا پان سوروب لشکر ایله رهله چواریند
 کلد کده سنان پاشا دن خبر بشارت کلمکین ایدن ایلما به واروب مسجد
 اقصاده نماز قلدیلر و محزه اللهده قربانلر ایتدیله و ایدن خلیل ال رحانه
 کیدوب انبیاء عظامک علیهم السلام مزارات فائض البرکاشده نماز قیلوب
 دعا و نیان د نصکره آنده دخی قربانلر کسیدی و ایدن غزه و غز دن قانقوب
 طقوزنجی کون مصره مضافاتدن صالحیه نیه نزول یور دقلنده
 طومانبای قلیانی سلطان سلیمک صالحیه به نزول لرینی ایتدیله بچک
 مصر اوکمه بر عظیم و عمیق خندق قازدیروب و راسته ایکوزدن زیاده
 طو یلر قوییدی و خندق اوکنده چند یانی حاضر لیدی سلطان سلیم دخی
 سنان پاشا و یونس پاشا و موسی بک و چند قره مان و حمید و منشا و لیدین
 و آق سرا ی و اسفندیار و صار و خانی جناحینه بعد التعیین ذات همایونلری
 قلیده آماده اولدیله فر دایسی طرفیندن محاربه اولمق اشناسنه فرقه
 مصر باندن ایکی نفر فراری سواری جوان جانب شهر یاری به کلمر ایله

سلطان سلیم انزل دلالتیله دشمنه بولشوب سحر دن عصرة قدر رزم و جنگ
اولند قدسه سمعت دشمن کویا قزل قانه بویاتوب مصرک فقی اگر چه
میسر اولدی ولیکن سلطان سلیمک شهراده لکلزنده لالاری اولان
سنان پاشا زخدار اولوب اوغور پادشا هیده فدای جان ایتدکده
سلطان سلیم کرچه یوسف اله کیردی اما حیف و دریغا که تخت یوسف
و کتخان بدلی یوسفی الدیروب قربان ویرلدی بیوردیلر (پس سلطان
طومانباي بهض چراکسه ایله نواحی سمتیه فرار ایتشدی محاربه نک
بشجی کونی بر مقصدار لشکرایله درون شهره کوروب زقاقلرده خندق
قاز در مغله بقیه السیوف لشکر چراکسه به تبعیتله تکرار جنگه
حاضر لند قارنده سلطان سلیم لشکرایله بونلری احاطه و قازقلری
خندقلری فی الحال خالک ایلدملو ایتدرد کد نصرکه اوچکون جنگ ایدوب
بتوفیقه سیجانه ینه غالب اولغله سلطان طومانباي اوچیک قدر
جندیان ایله ینه نواحی به فرار ایتدکلرنده سلطان سلیم دخی روم ایلی
والسی مصطفی پاشا ایله روم ایلی دلاورلرین وراستدن کوندرد مکله
یلدن یکمکسزین یتشوب جنگ ایتدیلر آخر اورادندخی رشید واسکندریه
سمتله ینه فرار ایتدکده مصطفی پاشا اردین سوروب آخر رشید جا بنده
سلطان طومانباي توابع و او احقبله گرفتار و درگاه شهر باری به کوندردکده
سلطان سلیم مصری ینه طومانباي احسان ایتکه نیت ایتشکن بعض
محدوراته مینی طومانباي مصرده باب النصره بردار ایلدی (پس
سلطان سلیم مصرده حضرت یوسف الصدیق تخته کچوب نیچه مدت
مصرده عدل انا مد نصرکه استانبوله عزیمت بیوردیلر (ماحصل
سلطان سلیم لشکرایله استانبولدن چیقوب سرحد رومده ملاطبه دن
ابتدایمده قلعه روم و حلب مع الحقاته و عتاب و حا و حص و حصن
الاکراد و دمشق الحضر او بعلبک و طرابلس و لاذقیه و انطاکیه و صیده
و بروت و غزه و رمله و نابلس و ایلیا و خلیل الرحمن و کرک و شویک
واطنه و طرسوس و صالب و عجلون و صقد و دیار مصریه دن دار السلطنه
مدینه قاهره المعزیه و دیار صید و دیار زنکباردن ولایت نوبه و سرحد
مفریده اسکندریه و رشید و مباط و تنه و تونس و اسکله مدینه یترب یتبوع
و دیار یترب و حرم مکه و دیار حجاز و حجاز و یمامیه متعلق اولان قلاع دن

سولیس و طور قلزم و توابنده نهایت بولور سالف الذکر قلاع و بلادی
طغوز بوز یکریمی ایتکده قوت قاهره ایله فتح و قبضه تصرفیه المغله
امر محافظه لرین بعد الرؤیه مصر دن استانبوله واندن واروب ادرنه ده
قتلادیلر و ایلهارده استانبوله کلوب دو نهای همایون تدارک ایلدیلر و اندن
ینه ادرنه ینتیه استانبولدن ایکی منزل بعد اولیجوق راه ادرنه ده صاحبفراش
اولوب دارا آخرته رحلت یورد قلدند شهراده جوان بختلری سلطان سلیمار
مغنیساده ایدیلر آدم کوندربلوب ایلغار ایله استانبوله کلکین طغوز بوز یکریمی
النی سالتده تخت جلوس ایتدیلر سلطان سلیمک مدت لاطنی طغوز سینه در
* مقاله سلطنت سلطان سلیمان بن سلطان سلیم خان *

سلطان سلیمان نورالله مرقدہ حضرت تریبک اورنگ دولت واجتلا
جلوس بیوردقلری سمع جهانباي منتشر اولیجوق سلطان سلیم زمانده
ایالت شام ایله بکام اولان جانبر دغزالی نام یعقل چرکس سلطان سلیمان
عاق اولوب شاه اسماعیل نامہ کوندردیکه سلطان سلیم روضه رضوانه
روان اولدی الحاله هنده دولت و سلطنته ذات دولتکر لایقیدر
شام و مصر و یترب و حجاز دن مراد اولان محله کیدک کافه ملک و ملک
قد و مکره مترقیدر شاه اسماعیل دخی جانبر دغزالی به جوابنده پولاد بازو
ایله پنجه طو تیر کندی مساعدینه شکجه و یروب زور رنجه مبتلا
اولدقلری شمسین روشندرال عثمانه ابتداء ضرر قصد ایدن اوزور
حسن پادشاه ایدی سلطان محمد اوزر ینه واروب اوزون حسنک
اوغلی زینک وجود ینه عدم ایشدکدن ماعداء عسکری منهرم اولغله
اوزون حسنک خانماتی خراب اولدیفی معلومدر (ثانیاً) بر دخی شکوه
و سلطنته مفرور سلطان سلیم ایله مقابله ایلدک آخر احوال ملک ینه
منجر اولدیفی معلوم دکلیدر لشکر ایران و چند ازربایجان و خراسانک
هربری مهابت صدمه پادشاهیدن برر جائسه کریران اولدقلری
یلز مسن سلطان سلیم قوت او اوب اوغلی سلطان سلیمان شیر پنجه کیر
شیر او اورال عثمانه عامی اولنلر ضرر کورر لرا کر عقل و هوشک باشکده
ایسه زبردستکده کی دوانه قناعت ایدوب طبع خامه دوشمه و ولی نعمت
و باعث دولتک اوغلنه عصیان سلامت بر خور داری دکلدر دیو
نصایحنامه کوندردیسه ده جانبر دغزالی قبول ایتوب دمشق

خضر ادين لشكر ايله بمالك مخر و سه قصدينه يور يدي و حيا و حص
شهر زرين ضبط ايند كد نصكره واروب سور حلي احاطه و شب و روز
چنكه آهنگ ايندي كني سلطان سليمان اشيد بچك فرهاد پاشا ايله جاكم
ذوالقدر علي بكي جانيرد غزالي اوزر يته نمين ايماريله فرهاد
پاشا آستانه دن لشكر ايله قره مانه واروب علي بك ايله جانيرد
اوزر يته يور يديلر جانيرد دخی حلي محاصره ايدوب حصار چنكنده
ايدوب فرهاد پاشا و علي بيك و رودني طوييچق مقاصد و منه عدم قدرتي
بيلوب لشكر ايله دمشق خضر اوزر يته فرار ايندي سه ده فرهاد پاشا
و علي بك تعقيبيله شامده يثوب جانيرد قتل و سر بي دواني در دولته
كوندر دكلرنده شام بيككي طرايس بكي اياس بكة تفويض اولمغله
علي بك بمالكته و فرهاد پاشا استانبوله كلديلر فرهاد پاشا علي بكدن
بعض خيانت اكليوب حال و شاتي پايه سر بر مضربه عرض ايند كده
اولكونلرده سلطان سليمان بلغراد سفر يته حاضر لمشيدى اغراض
عين ايلدى (پس) سلطان سليمان وزير اعظم پير محمد پاشاي مقدم
جاش ايندوب ايلر و كوندر مشيدى اول دخی و ارديغني آنده بلگرادي
محاصره و طويي ايله دو ككه باشليچق سلطان سليمان لشكر ايله قلعه به
قريب خنكارد به سه ده اورد و سيله ايند كد نصكره قلعه چنكه
قبل المباشره بلغراد قريب بكوردن قلعه سنك فتحه اخذ پاشاي
كوندر مكن قلعه مذ كوره اسكله سيله فتح اولد قد نصكره سلطان
سليمان چند سپاه ايله بكوردن اوزر يته كلوب لشكري سيرم ياقه سه
كچورتدي و اندن لشكر ايله ساوه نهر ينك ماوراسنده و بلغرادك
مقاله سنده سيرم حصار استه ايندوب اورادن بلغراد قلعه سني ساوه آشوري
دو ككه باشلدى آخر سيرم جزيره سي ملولا و عرضا تاراج ايند ير ملكه
لشكر و مجاهد ين معتم اولديلر و اندن بلغراد قريب رامون و اسلا بقم
و مارچه و قو اوليك قلعه لري دخی سهول فتح اولغين با امر شاهانه
اساسندن هدم و ينك و خاكي طونه به دو كدر لد كد نصكره اها ليسي
روم ايلنده خراب اولان محله ده اسكان ايند ير لدى (بعد ذلك پير
محمد پاشا و احمد پاشا و محمد طئي پاشا طويي ايله بلغراد قلعه سني
دو ككه قلعه لك مجاهد بچلري يي قلمشيدى يور ينش اولوب نهر

قلعه ده كي وارش فتح اولد قد و ار شده كي كفار نبوي سه نام قلعه متينه
كيرملر يله با امر شاهانه نبوي سه قلعه سنك جوانب اربعه سني خندق
قازديريلوب دروني باروت ايله طولديرلد قد نصكره آتش اورلغين
قلعه مزبوره بي نام و نشان ايند ير لدى (پس قلعه بلغراد طقوز يوز
يكرمي يديده فتح اوليچق در لري مسجد اولوب سلطان سليمان نامه
خطبه اوقندى و قلعه بلغراد سمندره سنجاغنه الحاق اولمغله اول زمان
اواء سمندره يحيي پاشا زاده قوجه يالي بكدن بولمغين امر محافظه سني
اكا سپارش اولد قد نصكره استانبوله رجعت همايون اولد ي
بعد از ان اول نهارده قلعه ردوس اوزر يته سفر همايون واروب
سلطان سليمان لشكر ايله برا و مصلحتي پاشا و نجا ايله بچرا و ارلد يني آنده
قلعه مذ كوره محاصره و مژ سلا قازيريلوب جوانب اربعه دن قلعه
چنكنه باشلاندى (چونكه) ذوالقدر او علي علي بكدن خيانت
نفرس اولوب اغماض عين اولمشيدى سلطان سليمان ردوس سفر يته
عزيمت يور يچق فرهاد پاشا و سكر ايله ارتوق آباده درنك و جيهيت
ايك بهانه سيله كوندر لد كده علي بكة دخی نامه يازلديكه و زيرم فرهاد
پاشايه ارتوق آباده اجيمت اوزره اولمشي اعزام اولمشيدى سمندره
امر يته رام اولوب امرندن تجاوز ايمه سن (فرهاد پاشا دخی روم دن
ارتوق آباده واروب عسكر جمعچون درنك ليدركن علي بك لشكر ايله
سيوانه كلد كده فرهاد پاشا ارتوق آباده ساخنه خسته اولدى
بو كيفيت سيوانده علي بكة * استدير يليچك همان علي بك لشكر ايله
ارتوق آباده اوردويه قريب اولد قد فرهاد پاشا لشكر ينك امراسني
علي بكي استقبال ايدوب معرزا اوردويه ايند ير لير ارسني علي النجف
علي بك اوج نر او غليله فرهاد پاشا ينك يانه كلوب مضاجد اشا سنده
علي بكك و او غلير ينك با امر شاهانه قيد لري كوزلد كده علي بيك
لشكري فرار ايند ير (پس فرهاد پاشا ذوالقدر مملكتك امر
محافظه سني بعد التميم سلطان سليمان ردوس محاصره سنده ايكن
كلوب ركاب همايوني ثقييل ايند كده الي بيك مقداري سپاه ايله
ردوس قلعه سنك اطرافني قازوب قلعه دن آتلان طويي لرك ضرر في
دفع همچون طبر ايله سد ايتكه مشغول اولديلر واقعا قلعه دن آتلان

طوبارک قله سی ضرر ایتوب طبراعه صابنوردی واول طبراعک
 اوجندن درون قله کورینوردی با امر شهر یاری لغم قازیلوب درونی
 یاروت ایله طوبارک دندن مسکره آتش اورنماین کرچه قله ملک
 اطراف ییقلوب رخنه آجلدی فاما عسکر ظفر مائر و امرادن نیجه کسان
 شهید اولدیلر اولکون ایکی دفعه یوریش اولدیسه ده قله بک فتحه
 چاره اولیجی ایچ حصاره دخی لغم اوریلوب یته یوریش ایله رخنه لردن
 قله یه کر بلنجه قلعه بکی اولان بلید ایچ قلعه ده قالوب بالاسیمیان
 قلعه بی بعد السلام اموال واهل وعیالیه فرنگستانه کیند کدنصرکه
 دیرلی جامع اولوب طقوز یوز یکر می بدیده سلطان سلیمان نامه
 خطیه اوقندی (واندن قلعه بک تعمیر و محافظه سی بشد کدنصرکه
 استانبوله عزیمت همایون یورلدی (بعد از ان) سلطان سلیمان خاص
 او طه باشلی ابراهیم اغایه پایه وزارت احسان اینسد کده احمد پاشا
 و فرهاد پاشا دیوان عالیده ابراهیم پاشا ایله غوغا ایتلریله پادشاه
 غضبیلوب وزیر اعظم پیر محمد پاشای متقاعد ایدوب ابراهیم پاشای
 صدراعظم و احمد پاشایه مصری و فرهاد پاشایه لواء سمندری احسان
 ایتشدی احمد پاشا مصره واز یجق جانب شهر یاری به عصبان ایدوب
 کندی ایله در دولتدن مصره کل لشکر ایله اوچ یوز نفر مصر عسکرینی
 سزنی پادشاه استر دیوم مصر دن چقاروب بونلرک ریسنی قتل ایتد کده
 عساکر مذکور امره مصر دن یازید بکه واروب مصلحتی افاده ایتدیلر
 اول دخی احمد پاشا عاصی در شمد بک شهر ده کز انک دیملکه عسکر دخی
 پنهان اولدیلر برکیجه یازید بک اموال وعلتایله غزه جانیله فرار
 ایدرکن آردندن احمد پاشا آدم کوندر دیسه ده راست کانه مدی بعده
 احمد پاشا مصرک دزداری قتل ایدوب درون سورده کی اوچ یوز
 نفرک استانبوله کیتسه امر ایتشدی مع هذا سلطان سلیمان مصری
 احمد پاشایه توجیه ایدرکن کندودن خیانت الکفایله مهول یجه احمد
 پاشای مصر دن چقارمی استردی احمد پاشایه دیار بکری و مصر ده
 متقاعد موسی بکه مصری توجیه ایلدی (اماموسی بک امرنده دقیقه
 فوت اولمیه رقی احمد پاشای قتل ایدوب باشی در دولت کوندره سن
 دیوزارش احمد پاشا جاسوس ایله وقعه بی طویجه مومنی مکر قتل

واموالی غارتدن ضکره قلعه مستحق ظرایله سائر لشکری چاغز ادوب
 علی املاء النیاس سزنی سلطان سلیمان در لکندن عزل ایتدم (غیب ذا
 طر قدن سلطان احمد در لکی ایده حکم نه در سکر دید کده مستحق ظرای
 صورت قبول ایتدیلر ضکره بز پادشاه مرزه عصبان ایتیر دیوا احمد پاشا ایله
 جنگه اتفاق ایتدیلر ابرنسی احمد پاشا وقعه بی طویوب قلعه بی
 بالمحاربه الدقدنصرکه مستحق ظرایله سپاهینک قتلنه امر اید یجک
 متقاعدان مصر دن محمد بک شفاعتیه قور تولدیلر بعده کندی نامه
 سلطان احمد عنواتی و یروب خطیه وسکه ایتدرد کدنصرکه اوج نفر
 وزیر ایله اغاردن غیری یکر می درت میر تعیین ایدوب هر برینه منصب
 و یردی و مصرک مالدارلینه بیکر آتون صالفون صالوب و بر مینلری
 قتل ایدرم دیدی (وامر اسندن بس نفر بکی بشوز آدم ایله غزه
 جانیله کی ممالک ضبطنه کوندر دی واوناغنی طشره قور دور دی
 و شاه اسمعیل شام و شاماتی الدی مرادم اکاتبه در دیوا افواهی سوز
 چقاروب تاج الحادی کچکله کفرینی اظهار ایلدی مکر مرادی محمد بک
 دیدکری پاک اعتقادی بووسه ایله مصر دن چقاروب امر سلطنته
 رواج و یرمک ایش فاما محمد بک بو بایده تمارض ایدوب خائن مذکورک
 دیوانه دخی وارمزدی برکون خائن مذکور خنامه کیتشدی محمد بک
 حامی باصوب خائن مذکورک جامده کی عسکرینی قتل ایتدیه ده
 خائن مذکور برتقریب مسکنه فرار اید یجک لشکرینه اسلحه و یروب
 رومیلری قتل ایدک دیو چقاردی امار و میلر بونلر کوز آچدر میوب
 قلعه بی ضبط و انچنده کی خائلی قیر دیلر (پوئشاده محمد بک خائلیک
 باشی بنم مالی سزک دیو میانه لشکر ده ندا ایتدر مکین بک نفر دن زیاده
 دلاور هجوم ایدوب ایچ قلعه بی دخی ضبط و دروننده کی خائلی قتل
 و ماللرین یغمال ایتدردی و خائن مذکورک حین محاربه ده درت نفر بکی
 طویلوب ماعداسی خائن مذکور ایله رشید سمخته فرار ایتدیلر آخر
 محمد بک عرب بکری بی خائن مذکورک آردندن کوندر مکه رشیده
 ینشیلوب بعد المحاربه درت نفر بک ایله خائن مذکور طونماین مصره
 کتورلد کده عساکر قلعه قلیج او شوز وب طقوز یوز او توزده پاره پاره
 ایتدیلر کله سی در دولت کوندر یلیجک سلطان سلیمان وزیر اعظم ابراهیم

پاشای طقوز یوزاوتوز برده مصره کوندرب مصره نظام و انتظامی
 نظام ایندردی (بعد از آن) سلطان سلیمان طقوز یوزاوتوز ایکیده
 انکروش قرالی اوزرینه عزیمت ایدوب انکروس ولایتی مضافاتندن
 برجایی هر طونه وجانب ثلثه سی لال و جبال ایله محبض مهاج صحراسنه
 نزول بئور دیلر طرفیندن چنکه باطلاند قیده قرال بالذات سلطان
 سلیمان و برونه نام وزیر ی روم ایلی قولند هجوم ایدیلک روم ایلی قولند
 لشکریه لك ایشمک اوزره ایکن مستدره و بلغراد سنجاقلری بکی
 قوچیه بالی بك قرالک پیاده لشکر یک وراسیدن هجوم ایتکله اوتوز
 بیکدن زیاده کفاری قیرمقین بقیه السیوف مانندال فرعون وهامان
 هر طونه به غرق اولدیله قرال بدفعال برهفته صکره مقطوع الرأس
 بولمغه لشکر کفارک کله لاندن صحرای مهاجده نیجه بروج بایدیلدقندن
 صکره استانبوله عودت همایون یورلیدی (بعد از آن) سلطان
 سلیمان طقوز یوزاوتوز آلتیده واروب یح قلعه سنی محاصره وطوب
 ایله دوگدی واسه بایته قرالیله دخی اوراقدن اوزاغه چنک ایلدی
 اوانلده عساکر اسلام اوزرینه قار یاغماله پادشاه حضر تازی
 یح قلعه سنی علی حاله ترک ایتد کد صکره استانبوله کلوب طقوز
 یوزاوتوز پیدیه قائم و یوده نام سروری اون ایکیبک عسکرایله آلمان
 ولایتیه آقین ایچون کوندردی اول دخی ولایت آلامه کیردیه ده آلمان
 کوهستانیه تاید اولوب غزاه و جاهدیندن فردوا حدجان قور تاره مدی
 (بعد از آن) سلطان سلیمان طقوز یوز قرق برده شاه اسمعیل اوغلی
 شاه طهماسب ایچون ازرباچانه وارد قده طهماسبدن فرارله در سعادته
 عبودیت ایدن اولامه بکه و برادری ولی بکه و کیخان بکد و ایود سنجی بکه
 مناصب عالییه و یرد کد صکره عراق و عجمه واروب واندن کوهستان
 ایچنده کرد دنام جبل عظیم در بنددن پانکان و بهر وان اوستندن شهر
 زوله تابع ظالم قلعه سنی در بنددن شهر زول صحراسنه خیام و سرادقانی
 قوروب ایندیله اول جبالده پادشاه جالچاهک خر یوزان عربیه لری
 قریلوب نیجه برده طوب و خر یوزان زیرزمینه نهان اولندی و صحرای
 زوله دن سرحد عراق عرب اولان قصر شیرین نام منزل دلکشایه نزول
 یوردیلر که ملوک فرسندن خسره پرویزه عشوقه سنی شیرین نکار ایچون

بنایتمشدر و اول قصر شیرین مدینه حلموانه قریب برآب روار کنسارنده
 اولوب گویا که ایچندن اسناد و معمار همان چیمش کیدر واندن طوغری
 جبل خربدن آشوب درگزینه و شهر بان قصبه لری اوزرندن نهر
 طقوز اولوم عبور گاهی بهروز نام قریه دن کلوب بغداد عزیمت نیت
 ایتدیلر لکن نهر مذکورک طغیانلغنه تصادف اولندیغندن عسا کردن
 خیلی نفوسد و نیجه عسکرک دوانیه وطوب عربیه سنی بارکیر لینه آفت
 غرق طوفاندن ضرر ایرشدی (پس سلطان سلیمان مارالذکر طقوز اولوم
 معبرینه کلد کده طهماسب طرفندن بغداد خانی اولان شرف الدین
 تکیه لی اوغلی محمدخان مشهد علی رضی الله عنه جانندن عجمه فرار
 ایتشیدی سلطان سلیمان اورادن بغداد کلوب بغدادک بکلکنی سلیمان
 پاشایه تفویض و نواچسنه امرأ نعین ایتدیلر و بغداد ده آسوده
 امام اعظم رحمه الله و شیخ عبدالقادر کیلاتی قدس سره حضرتانک
 مزار فائض الانوار لری اوزرینه قیدلر و عمارت و مسجد بنایتدیلر و اندن
 دشت کر بلا و دیار نیف و کوفه بی سیر وارض نجفده حسین بن علی
 المرتضی رضی الله عنهما بی زیارتد صکره ینه بغداد کلوب بغدادک
 نظام و انتظامی بعد التکمیل طقوز یوز قرق ایکیده استانبوله کلد کلرند
 وزیر اعظم ابراهیم پاشای قتل ایدوب ایاس پاشایی وزیر اعظم ایتدیلر
 (بعد از آن) پادشاه انام طقوز یوز قرق درتده کورقوس و بولیه سفرینه
 کید کده سرحد انکروسده قرال طرفندن قوج قبان نام وزیر التمش بیک
 کفار ایله اوسک و دلقوار قلعه لری اوزرینه کلمکین سرحد بکی یحی
 پاشازاده محمد بک سردار اولوب بوسنه بکی خسرو بک و ایزور نیق بکی
 جعفر بک و الاچه حصار بکی یحی پاشازاده احمد بک اون بیک عسکر
 اسلام ایله قوج قبان اوزرینه یور ییوب لسكر کفاری منهرم ایتدیلر
 (وینه) طقوز یوز قرق بشده بغداد سفری اولمغه ناتارخان بالذات
 لشکر یله اول عزاده موجود اوار یغندن بغداد بکی مقاومت عدم قدرتی
 یلوب له واردل طرفنه فرار ایتد کده له کتور مکچون بدون قرالی یانوشه
 با امر عالی کوندر لکله سلطان سلیمان ادرینه کلوب آرام ایتدیلر
 (وینه) طقوز یوز قرق سکرده بدون قرالی یانوش هالک اولوب عورق
 قرایسه بدون قلعه سنده قیامتشیدی لشکر اسلام کلوب بونکله جنک

ایتدیلر اولزمان یحیی پاشا زاده لاری محمد بک و برادری احمد بک و ارسلان
بک و سائر بک بک بدون قلعه سی اوزرینه کوندربلوب و رازندن سلطان
سلیمان دخی عزیمت ایدوب قولدخی کلدکارنده کفارک منهرم اولدیغی
خبری کلکین سلطان سلیمان بدونه ایشوب قوندی بو محاربه ده
نیچه کفارایله نوب و نیچه سی دخی همجوآل فرعون نهر طونه به غرق اولغله
سیرم جاننده کی تبر و ازادین قلعه لاری التندن نیچه کون نهر طونه
لاشه کفارایله آقدی (وینه) طقوز یوز قرق طقوزده سردار مشرکیتدن
هرسک اوغلی یوز سکسان بیک لشکرایله کلوب بدون مقایله سنده
لب طونه ده پشته قلعه سی محاصره و طوب ایله دوککه باشلادی
و ایتدای کون اوچبیک التیوز طوب آتوب قلعه نیک طولی یوز زراع
مقداری دیوارینی یققدده درون قلعه ده کی یحیی پاشا زاده یالی بک
سردار اولغله جاننده سمندره بکی محمد بک و یحیی پاشا زاده ارسلان بک
و حضربک و الاجه حصار بکی مراد بک و بی دخان محمد بک ایله
یدی بیک مقداری غازی و ارایدی هر کون قلعه یوریشلری اولوب
قرق کون علی الدوام کفارایله جنسک اولندی برکون هر سیک اوغلی
قلعه قصدینه چا درنده قلیج قوشانورکن قلعه دن برطوب قله سی
کلوب ملهونی میانندن دوپاره قیلدقدده لشکر کفارایله فرار ایتلریله
آردلندن و ایلوب یئتشدی بکی یرده طعمه شمشر ایتدیلر بو فتوحات
درمه دانه عرس اولندقدده اول غزاده کی امر اوغرا و مبارزانه قبل
پادشاهیدن خلع احسان اولندی (بعدازان) انکروس ولایتنه سفر
همایون اولغله اولونیه بکی مسیح بک و اینه یحیی سنجاغی بکی احمد بک
سنجاغی لشکرایله سلطان سلیمانندن مقدم واروب یوزغه حدودنده
الیوه قلعه سی محاصره و طوب ایله دوککه باشلقدلرند روم ایلی و البسی
دخی لشکرایله کلوب اوتنه جانبندن دوککه باشلادی درون قلعه ده
مرتداولش برزکی عرب و ارایدی هر نه طرفدن قلعه به هجوم اولنسه
اولمعاون اوراده حاضر اولوب نیچه سرورک شهادتیه سبب اولمشیدی
اخر قلعه فتح اولندقدده مبارزان اسلام زکی پیدینه قلیج اوشوردیلر
(پس پاشاه کزین) کلوب قلعه نیک امر محافظه سنی بعدالتنظیم
شقلوش قلعه سی اوزرینه واروب اون بش کون محاربه ایله فتح

ایتدیلر (واندن) مهاج قریبده تجری قلعه سی اوزرنده وار دقدده
عسا کرک و رودندن مقدم قلعه ده کی کفار فرار ایتلریله شهر یار عالیوقار
قلعه نیک محافظه سنی بعدالتنظیم مهاج بکی قاسم بکک سنجاغنه
الحاق ایتدیلر (واندن) لب طونه ده دیار انکروسدن اوسترغوس
قلعه سی اوزرینه واروب طوبلرایله قرق محلدن اون بش کون دوککه
فتح ایدوب لوازمی کورد کد نصره بدون ایالتنه الحاق ایتدیلر (واندن)
اول سمتده لب طونه ده واقع تاتار قلعه سی بعدالفتح اساسندن هدم
ایتدیلر (واندن) معبد مشرکین و مدفن انکروس اولان اوستولنی
بلغراد قلعه سی اوزرینه واروب بعدالمحاصره یکر می ایکی کون طوب ایله
دوککه یکر می اوچنجی کون وقت سحرده یوریش اولغین قلعه نیک
طشره سندن وارش فتح اولوب ایچ حصاره دخی طوبلر قورلدی
آتلیق اوزره ایکن کفار استپان ایتلریله مساعدده اولندی مکر درون
اقلعه ده مدفن ملوک انکروس و الامان اولان معبدلر زیارتگاهلری
بش اوریاه طوب آتلیق روا کور مدکلرندن قلعه بی تسلیم ایتدیلرند
تداری کوریلوب اینه یحیی سنجاغی و البسی احمد بکک تقویض اولندی
واندن سلطان سلیمان دار السلطنه به عزیمت یوز دیلر (وینه)
طقوز یوزالی برده بدون و البسی محمد پاشا دشقرا د قلعه سی و برادری
حمد بک دخی خوقه و اندریک قلعه دلی و بغداد طرفنده میرمیران
اعراق و بغداد اولان ایاس پاشا دخی بصره قلعه سی فتح ایتدیلر
(بعدازان) سلطان سلیمانک جلوس همایونلرندن التی سند نصره
ملک عجم شاه اسمعیل اردبیلی مرد اولوب درت نفر اولادندن طهماسب
یرینه پادشاه ایران اولدی (بالاده بیان اولدیغی اوزره شهر یار کزین
حصرتلرینیک طقوز یوز قرق برده عراقه سفری اولیجق مملک
طهماسبدن عراق غرب مضافایله ممالک عثمانیه منضم اولندی
شهر یار عالیوقار استانبولده ایکن طهماسب برادرلندن انقاص
میرزا در ذواته کلوب اظهار عبودیت ایتدکده التماسیله دیار عجمه سفر
همایون اولغله طقوز یوزالی بشده سلطان سلیمان چند فراوان ایله
ازر بایحجان و تبریز واروب ارمن ایله ازربایجان میاننده واقع و آن
قلعه سی محاصره و اون ایکی کون طوب ایله دوکوب یوریشد قابل

رخنه آچلیق شاه طرفندن قلعه ده کی علی خان استیمان ایله قلعه کی
تسلیم ایتد کده تدارکی کوریلوب چرکس اسکندر بکه تفویض
اولدقدن صکره پادشاه حضرتلری واروب حلبده قشلا دیلر (واندن
اولهارده بینه عجم سفری آرزو سبله حلبدن دیار بکر ایالتنه تابع
منازلدن المالی و قزل دبه و آمد التنده چولاق نام برده اوچ ماه درنک
ایدوب القاص میرزایی در معداته دعوت ایتد کده خوف ایدوب فرار
ایلدی و کوهستانه واروب دیار شهر زولدن کسک چنار نام محله جادن
یهوش ایکن بکه بکک سرخاب نام برادری باصوب لشکر بی منظم
و کندی کرختار و آخر بجه زردینار ایله طهماسبه صاند قد طهماسب
دخی برادری القاص میرزایی قهقهه قلعه سنه حبس ایتکله آند هلاک
اولدی بو کیفیتی سلطان سلیمان اشیدیک قشلاق بهانه سیله حلب
سمتدن استانبوله عازم اولدی (پس قیودان سنان پاشا طقوز یوز
الی آلتیده دوغماله واروب طرابلس عربی فتح ایلدی (وینه)
طقوز یوزالی طقوزده وزیر تانی احمد پاشا ایله روم ایلی و البسی محمد پاشا
روم ایله جهاده مأمور اولغله طمشوار و بچکوک و الویه قلعه لری
نواحیر ایله فتح اولندی (بو ائنده اسکندر پاشا ایله شاه عجم طهماسب
میانده عداوت ظاهر اولغله سرحد بکری لشکر ایله کلوب طهماسب
لشکر ایله جنک اوزره ایدیلر سنه مزبورده طهماسب وقت شاده
ارجس و اخلاط قلعه لر بی محاصره ایله ضبط ایتد کده نصکره اوغلی
اسمعیل میرزایی اسکندر پاشا اوزرینه کوندروب ارض روم التنده
جنک ایتد کدرنده اسکندر پاشا مغلوب اولوب امرادن طهر یوزون
بکی مصطفی بک و ملاطیه بکی خیرالدین بک و بوزاق بکی عبسی بک
و قره حصار بکی محمود بک و ارض روم بک بنام اغاری حیا اسیر اولدقلری
سمع همایونه و اصل اولیچق همان استانبولدن حلبه واروب اولهارده
دفعه ثانیه عجم سفرینه عزیمت پیوردیلر و طی منازل ایله تختگاه
شاه ایران اولان نجوانه وارد قدده اول اراضینک خلقنه دهشت ال
و بر دیکندن هر بری بر طرفه نهان و پنهان اولدیرو شاه مخدولک
نجوانده کی سرایی و اولحوالیده کی قر او ضیاع غارت عساکر ظفر
مأردن خراب و ویران اولدی (طهماسب دخی بیم جانله پنهان

اولیچق سلطان سلیمان حدود دار مننده ارض روم آباده کلوب اوان
زمستانه دله آنده استراحت اوزره ایکن دیار کردستاندن شهر زول
و مالک کوهستان و بغداد ایله ظالم و شمیرات و شبله و هووان و سوزچک
قلعه لرینک مفتاحلری دیوان خسروانه به تسلیم اولندی (پادشاه
حضرتلری هنگام شتا اولدیغندن ارض رومدن اماسیه به کلوب اول
زمستانی سنه آتیه اولان طقوز یوز التمش ایکی سالنک اولهارینه قدر
آنده اولدیلا نچق طهماسب ضعف حالی ملاحظه ایله مصالحه به
رغبت و امر اسندن شاه قولی نام بکی هدایا ایله اماسیه به کوندرد کده
وزیر اعظم احمد پاشا ندیر ایله آمال طهماسب پایه سریره عرض
اولوب مساعده علیه پیور لغین عهد نامه همایون یازیلوب
طهماسب الجیسی شاه قولی بکه تسلیم اولندی (بعد ازان) سلطان
سلیمان فصل خریفده اماسیه دن استانبوله عزیمت اوزره ایکن روم
ایلدی چو بوجه ولایتده سلطان مصطفی نام جلالینک ظهور بی
اشیدیک شهزاده لرندن ادرنه محافظی سلطان یایزید خانه فرمان
کوندروب جلالینک بای وجه کان اله کتور لمسی امر ایتد کده جلالی
مذکورک وزیر و قعه بی طوبوب غایت ملاحظه سیله جلالی
مذکوری قید و بند و ادرنه به سلطان یایزیده کوندردی اولدخی
سلطان سلیمان استانبوله کلیچک جلالی مذکور در معداته
کوندرمکین بی زبانله قتل ایتدیروب وزیرینه اطنه بی زعامتله احسان
ایلدی (بعد ازان) سلطان سلیمان طقوز یوز التمش بشده بیچ و الامان
سفرینه عزیمت نیت ایدوب اول سلطان سلیم قونیه بی و سلطان
یایزیده اماسیه بی احسان پیوردیلر و سلطان سلیمک سفر همایونده
بولمسی امر ایتد کده سلطان یایزید البتله رکاب همایونده سفرده
بولمق بکا کرک ایدی دیو والد و برادرینه عاصی اولوب قرنداشی
سلطان سلیم قصدینه اماسیه دن پنهانیه عسکرایله پیوردی
و طقوز یوز التمش التیده قونیه صحراینده جنکه آهک ایتد کده
سلطان سلیم دخی اناطولی و البسی میمنه به و قره مان و ذوالقدر
و روم ایلی و رمضان اوغلی عسکرایله بهسره به الوب کندیلری
قلب لشکرده پیوردیلر و اولکون مر دانه بچک ایتدیلا یرتیبی بنه

جنگ ایتد کلرنده سلطان بايزيد لشكر بيه هزيمت واقع اولغين
سلطان بايزيد يوم يفر المرأمن أخيه حالاتي مشاهده ايدوب بمقدار
رهزنان ايله كندی برطرفدن وبعض دزدان ايله اوغلی اورخان
برطرفدن كریزان اولوب راه اختفادن طوغری اما سیه به وزود
وحيله ايله قلعه بی ضبط ایتد کلرنده سلطان سلیم لشكر كثیره ايله
مأمورا سلطان بايزيد اوزرينه كيدر كن سلطان بايزيد وقعه بی اشیدوب
سكز يک لشكر ايله اما سیه دن سرعته آزر بايجانه فرار ايدردی
ديار بكر والیسی اسکندر پاشا اردلندن الغار ايله يتشوب سعد چقورنده
مخاربه ايله وافز لشكر بی اعدام ایلدی بقیة السیوف سلطان بايزيد ايله
آزر بايجانه وارد قلرنده سلطان سلیم دخی لشكر ايله كلوب صحرای
ارضرومه اينديلر لکن شتا تقرب ایتكله سلطان سلیم ارضروم دن
حلبه ككيدوب قشلاديلر (چون سلطان بايزيد تبریزه واندن
سلطانیته به واندن طهماسبك مقر امارتی اولان غزوین سمته پویان
اولوب طقوز یوز التمش بدی سینه سی صفرینك یكرمی اوچننده
قرزوينه واردیلر بايزيد خانك شاه طهماسبه بولاشد یخی کون
رسول اللهك علیه السلام مدینه یتريدن احد غزاسنه چققد قلمی
کون ایدیکی بعض مجتهدین مرویدر قزوین خارجنده شاه طرفندن
اوتاق قوریلوب اول کون ایکبسی دخی هم مجلس اولدیلر ابتدا طهماسب
سلطان بايزيد رعایت ایلدی (فاما سلطان سلیمانك رضای شریفلمی
ملتزم اولغله بايزيد خانی اولاديله حبس ایلدی بو وقعه بی پادشاه
عالمپناه اشیديچك طهماسب الدن بايزيد خانی زنده اوله رق قورتارمق
استدیسده ممکن اوله مینجه مینه سینه راضی اولوب خسرو يك وآن
بکلكی احسانيله طقوز یوز یتشده در معدلتن کوند رلد کده سلطان
بايزيدك تابوتيله اولادی خسرو پاشايه تسليما رجعت ایتد یلدی
سیواسه کلند کده یا امر شاهانه تابوت سیواسه دفن ایتد یلدی
(بعد ازان) سلطان سلیمان طقوز یوز یتش اوچده ییج سفرینه
حاضرانوب تاسع شوالده لشكر ايله استانبولدن طی منازل ايله بلقراده
وارد قده بکوردلته جسر قورد یروب لشكر ايله عبور ایتدیلر وجزیره
سیرم صحراسنده برمه دار آرامد نصکره اوسك قلعه سندن اكارو

دمیراق نهرینك وراسنده آب وگلستان اوسنده بونوار قلعه سی
مقابله سنه وارنجه طولی اون يک ذراع برجسر قوردر یلوب غزاة
ومجاهدين ايله کچدیلر اولکون کثرت باراندن بوللر آب وگل
اولدیفندن اوتاغ همایون دوه لری بول الله مقله پادشاه حضرت تلمی
محمد پاشا اوتغنه اينديلر واندن اوسك سمته رجعت ایتد کلرنده
اطراف واقطاره غلغله و بالجه دیار کفاره ولوله دونشوب فرضا زمین
وزمان لرزان وره راستده کی کفره کریزان اولدیلر (پس شهر یار کزین
پرتو پاشای لشكر ايله کوله قلعه سنك فتحه کوندروب ذات همایونلری
واروب سکتوار قلعه سی محاصره وطو یلر ايله هر طرفدن دوککه
باشلدی قرال طرفندن مرد دعوی ايله کلان خروات بانی ایزدنیق بك
اوغلی یانوش درون قلعه ده ایدی غزتك هجومندن مشرکین خوفه
باشلديلر قلعه مذکوره محاصره سنده سلطان سلیمان حضرت تلمی
مزاج همایونلری ناخوش اولیچق قلعه تك فتحی تاخیر اولمشیددی
ياتد قلمی بردن زازی ایده رك بواوجاغه یانه جق آلمدی نیورد قلرنده
ایرتسی قلعه مذکوره تك باروت خانه سنده آتش دوشمکله قلعه تك
برطرفی برهوا اولغین قلعه فتح وایچننده کی خروات بانی ایزدنیق
حضور شاهانه به کتورلد کده مجاهدین قلع اوشوروب پاره پاره
ایتدیلر (ماحصل قلعه مذکوره طقوز یوز یتش درنده فتح اولغین
درونده شهر یار کزین نامه اگرچه خطبه اوقنوب مالزیه سی کورلدی
(فاما پادشاه حضرت تلمی عمر کرانمایه لری انجامه رسیده اولغله ارتحال
دار بقا پیورد قلرنده خواص و مقربین بو کیفیتی پنهان ایتدیلر
مقریندن بری پاشای عالمپناه کیدوب وقعه بی تفهیم ایتد کده اولدخی
احسن تدبیر ايله سر اشهر یار جدید سلطان سلیم درگاهنه وقعه بی
وعسا کر ظفر مأ ترک دارالحرب اغرنده اولدیفنی وروجه تعجیل جنود
ظفر قرینه ملاقی اوللمی انها ایتدیلر (پس مکتوب آصفی عبیه
علیه سلطان سلیم خانه وارد قده همان استانبوله عزیمته شتابان اولدیلر
پروچانیدن دستور فراسلین سلطان دین مینك مینه سنی ستر ایدوب
وزرای سارّه ايله کاکان دیوان و مصالح لازمه بی تنظیم ایده رك
قرق کون مقداری امر سلطنت مشیر مشورت پذیرا و زرنده قالدی

واندن پاشای عالیشان چند و سپاه ایله عودت ایدوب خزانه واحالی
سفاین ایله طونه دن بلغراد کوندر و ب کندیلری لشکر ایله سلطان
سلیمانی زنده مقامنده عد ایده رک غریبه سنی میان عسکرده یورتدیلر
وعادت قدیمه اوزره هر کون غریبه لری یانسه کلوب علی ملاء لناس
پادشاه مرحومه قضایا عرض ایدر کی قوینندن عرضلر چقار و ب
حضورده اوقور کی شیلر ایده رک بلغراد موصلتده یا لکر خواص
وقعه دن خبر دار اولدیلر (پس سلطان سلیمان حضرت تلیزینک عمر
عزیز لری یتیمش درت سنه و مدت خلافتلری فرق سکر سنه در
* مقاله سلطنت سلطان سلیم بن سلطان سلیمان خان *

سلطان سلیم خان نور الله مرقده حضرت تلیز طقوز یوز یتیمش درت
ربیع الاولک طقوزنده استانبوله اورنک دولته جلوس یوردقلرنده
شیخ الاسلام ابوالسعود افندی وارکان دولت خلافتیه بیعت ایتدیلر اول
هفته صلاه جمعه دینی ابی ایوب انصاری رضی الله عنه جامع شریفنده ادا
واجداد عظاملری قبورلری زیارت ایدوب در دخی کون ایلغار ایله
بلغراد اوردوی همایونه کیدوب عساکر ظفر ما ترک قدومه مترقب
ایکن سلطان سلیمان حضرت تلیزینک جنازه سیاه ارکان دوات وروم
واناطولی عسکری ظهور اید نجه سلطان سلیم خان جنازه غریبه سنی
کورد کده آتندن اینوب استقبال ایدیچک سلطان سلیمانک وفاقی جملیه
بلنمکین عسکر دریا مثال بر اوغوردن غریبو و فریاد ایتدیلر آندن
منادیلر ای اهل ایمان پادشاهکر سلطان سلیمان دار فنادن روضه
رضوا سمته روان اولدی حق تعالی شهزاده لرینه چوق ییل عمرل
ویرسون شمدنکیر و پادشاهکر سلطان سلیم خان بن سلطان سلیماندر
دیوندا ایتدیلر کد نصکره بلغرادده جنازه لری نمازی بعدالادا ارکان
دوات سلطان سلیم خانه بیعت ایتدیلر (سلطان سلیم دخی جنازه
پادشاهی سابقامصر والبسنی علی پاشا ایله استانبوله کوندر و ب عمارت
عائره لرندن تعیین اولنان محله دفن ایتدردی و ذات همایونلری دخی
ارکان دولته منزل بمنزل استانبوله واردقلرنده لازم التوقیر اولان امرای
مناصب عالیه ایله بکام ایتدیلر (بعدازان) سلطان سلیم طقوز یوز
یتیمش بش تاریخی وقت خزانه ادرنه به کیدوب اول زمستنی انده

قشلا دیلر بکون یمن و عدن والبسنی مراد پاشا ایله مصر والبسنی سنان
پاشاک عزضلری کلوب دیار یمنده واقع سید امام اوغلی اسید مطهر نام
بداخترک سلطان سلیم جانبنده اطاعتدن ایه و یمک اکثر محلی جبراضبط
ایتدیکی آنها اولندقدیه سلطان سلیم دخی شهرانه لکرنده قونیه ده
لالاری خسرو پاشا برادری میر میراندن شام والبسنی لالا مصطفی پاشای
ورارت ایله دیار یمن و عدن فتنه سردار تعیین ایتدیکین اول دخی
لشکر ایله شامدن مصره واروب مازمه سفریه بی تدارک ایتاسنده
مصر والبسنی سنان پاشا ایله مازمه سفریه ایچون میانه ده لچ و عناد واقع
اولغله واقع حال درسه باده عرض اولنجی لالا مصطفی پاشا عزل
اولتوب مامور استانبوله ورود و بر مدت عتیه شهرناری به ملازمتدن
صکره سلطان سلیم ادرنه ده کی عمارت غامره لرینک اساسی وضع ایچون
ادرنه به عزیمت یوردقلرنده لالا مصطفی پاشا امر و ز راتله بهره مند
اولدی (بواشاده تهنیه سلطنت ایچون اطراف و محال کدن ایلار
کلوب پایه سر بر اعلایه رو مال ایتدیلر لاسیما والی بمالک عجم شاه
طهماسب طرفتدن ارز بایجان خانی شاه قولی سلطان انواع هدایا
ایله کلوب ادرنه ده درگاه فلک ایوانه رو مال قیلدی اولهارده سلطان
سلیم ادرنه دن استانبوله کلدیلر (چونکه) جزیره قبریس اولاحضرت
عثمان رضی الله عنه خلافتنده بعده سلاطین مصر دن ملک الماهر
زماننده فتح اوامشکن بعد زمان ونیدک کفره سنی حکمه کیر مشیدی
وطوائف ونیدک ایله سلاطین آل عثمان میسانده صلح و وفاق واقع
اولمش ایسه ده استانبولدن بحرا حج شریفه کیدن حجاجک طوائف
ونیدک اوکلرینه چیقوب نهب و غارت و قتل نفس ایتدیلر کیری معلوم
اولغله تأمینا لامیاد جزیره مذکوره کا کان اهل ایمان ایله عملو اولدی
نیت خالصه سیله پادشاه حضرت تلیز سابق الذکر لالا مصطفی پاشای
سردار ایدوب لشکر ظفر ما تر ایله جزیره مذکوره نک فتح و تسخیرینه
کوندر دیلر اولدخی طقوز یوز یتیمش بدیده د و نغای همایون ایله
استانبولدن طی منازل ایله جزیره مذکوره مضاف ایتدیلر طوزله
جزیره سنه جیققلرنده جزیره مذکوره ده کی کفره بیم جان ایله قرار
ایتدیلر و اطرافدن معیت سردار مأموره اولان میر میران و امرال لشکر ایله

اورایه کلدیلر واندن کفار خا کسارک تختگاهلری اولان لفقوشه قلعه سنی
هر طرفدن طوپلرایله قرق ایکی کون دو کدیلر قرق اوچنی کونکه
سنه مزبوره ربیع الاخرینک سکرینجی یوم سبتدر مستعین بالله یوریش
ایله عظیم محاربه اولغین کفار دوزخ قرارک هریری (یالیتی کنت ترابا)
استدعاسیله این المفر مقالنی کویا اولدقلرنده غازیان عقببرنجه روان
اولیجق (قویل للکافرین من عذاب شدید) حبسیله کفار عذاب
الجهه دوچار اولدیلر (پس مله ونلرک دیرلری مسجد اولوب نام شهر یاری به
خطبه اوقندقد نصکره زبان اهل ایمانده لاله الله محمد رسول الله
کوللری آجلدی بعد ذلک وزیر پرتدیر جزیره مزبوره مضافاندن
ناحیه باف ایله کرینیه اهلایلیرینه وعد و وعیدایله دعوتنامه کوندردکده
انلردخی عواقب امر ملا حظه سیله قلعه لریک مقتضایری وزیر کار دانه
تسلیم ایتد کلرنده امر محافظه لری کورلدی (بعد از ان) وزیر پرتدیر
عسکر ایله سنه مزبوره ربیع الاخرینک یکرمی ایکنجی روز یکشنبه ده
اب دریاده واقع ماغوسه قلعه سنه مأمورا واروب اگرچه طوپلر
قوریلوب مترسلر قازلدی فاما قیودان پاشا ایله سردار اکریم میانه
تفاقی کیرمکله قلعه جتکندن فراغت اولوب عساکر منصوره اول
زمستانی قلعه آلتنده قشلا دیلر درون قلعه ده کی کفار لایق و سردار لری
عبیه خداوند کاری به اطاعت ایتموب امداد امیدیه دیده خوبارلرینه
قاره صوایندی (وقتا که اولهار افق فجلیدن بیدار اولدی سردار
عالب و قار امریله در حال طوب و خربوزان ایله قلعه مذکوره یتش
ایکی کون دو کلد کد نصکره اقم قازدیریلوب آتش اولدقدقه قلعه ده
آتش اصابت ایتد یکندن ماعدا عسکر دن و بتخصیص امرادن
ملاطیه بکی فرهادیک و عنتاب بکی سلیمان بک قضا زده اولدیلر آخر
قلعه ده کی کفره خط و غلادن و لوازمات سفر به نک فقد اندن
عاجز اولوب جان و ماللرینه استیجان ایتد کلرندن رخصت اولغین
طقوز یوز یتش طقوزده قلعه مذکوره نک مقتضایری بارگاه سرداره
اگرچه تسلیم ایتدیلر فاما قلعه ده کی محبوس اهل ایمانه مفایر عهد و امان
حرکت ایتلریله مقتدای مشرکین قتل اولندقد نصکره درون قلعه ده
نام همام شهر یاری به خطبه اوقنوب امر محافظه سی بعد التیم

وزیر و ششصد اشکره اجازت و ربوب ادرنه به عزیمت و تقبیل دامن
خسروانه ایله بریجهت اولدی (پس پادشاه جهان ادرنه به کلد کلرنده
دوئغای همایون ایله دریا سفرینه کک و ندریلان لشکر سرداری
پرتو پاشا ایله دوئغاده کی اشکره کسر وانهزام واقع اولغله قیودان
پاشا ایله نیجه امر اشنید و بر مقدارینک اسیر اولدیغی خبری کلکین
سلطان سلیم ادرنه دن استانبوله کلوب زمان قلیکده سفین و موا کب
تدارک و طقوز یوز سکسانده پیاله پاشای دوئغایله دریادن و روم ایلی
والهسی عسکر یله سواحل بحر رومده اولان قلاع اوزرینه کوندردکده
صلابوت وانا وازین جدید و عتیق نام قلعه فتح اولندی (وینه)
فاتح بمن و عین اولان حسام الدین سنان پاشا طر فندن ولایت
مذکوره نک فتح اولندیقنی ناطق طقوز یوز یتش طقوزده رکاب
همایونه عرضلر کلدکه سنان پاشا به باب عالی و زاتی احسان اولندی
(بعد از ان) مأمورای زمین مغربده اسبابیه حکمینده اولان قلاع دن
لب دریای مغربده خلیق الوداد قلعه سنده کی کفار بحر زخار ایله
سفر بخارته کیدنلرک کرارا و مرار املالری غارت ایتد کلرنده عابد ابوندن
اقدام فتح اولان طونس قلعه سی دخی اسبابیه ایله عرب اله کیرمکله قلعه
مذکوره تأمینا له عبادیکدن آلتوب هدم اولغی اقم اولغین طقوز یوز
سکسان ایکده دوئغای همایون ایله سنان پاشا مأمورا واروب اوتوز
اوج کون قلعه مذکوره بی طوب ایله دو کدی آخر یوزیش ایله سهولی
فتح اولغین اوتوز درت برندن لغم قازیلوب باروت ایله برهوا ایتدیرلد کدن
صکره سنک و خاکی دریاه آلتوب قلعه دن از قالمدی (واندن طونس
و کافر بنسا ایتدیکی دستون اوزرینه واریلوب طوپلرایله نیجه کون
دو کلدکلکه انلردخی بالسهولی فتح اولندقد نصکره قبضه تصرفه
کیرن بلاد و قلاصک مالزمه سی بعد التیم وزیر دلیر سنه مزبوره اوئل
رجبنده دوئغای همایون ایله اورادن سالما و غایما استانبوله کلد کلرنده
شهر یار کزین نامزاج اولوب صاحب قراش ایدیلر حتی ماه مزبوره
روایده سزور کائنات غایبه افضل الصلوات حضرتلرینک حضور
سعادتلرینه واروب شهر یار کزینه منتهیات و محرماتدن توبه و ترمشیدی
جزئی یکمدین جوار رحمت رحمانه روان اولدیلر و نامزاج اوللر سنه

بادی بود که مزاج همایونتری در ست ایکن روم ایلی باقه سنده
واقع اسکندر جلینک بغجه سنده مالزمه کوندربلوب برای تفرج
بحر زخاردن قایق ایله بغجه به وارد قلزنده اوراده یسار او اوب برمدت
اول بغجه ده یاتدیله و لندن قایق ایله استانیوله کلجه خسته لکری
مشتد اولوب تقربا ایکی ماه مقداری دیوانه حقیقه مدیله حتی دیوان
کولزنده وزرا علی ملا الناس صورتا حضور همایونه کیروب بر مقدار
توقفه نصکره پادشاهه یولشدق ملاحظه سیله کیر و چقا رلردی
آخر سلطان سلیم خان سلج شعیانده روضه رضوان سمته روان
اولد قلزنده شهرزاده لری سلطان مراد بغجه داده اولمغه سر بر دولته
دعوت ایچون وزیر اعظم محمد پاشا اغارندن قیوجی باشی اسکندر
اغایله درگاه چاوشلرندن حسن چاوش کوندردی مزبوران مدینه
مغنیسایه وارد قلزندن شهرزاده عالیجه صید و شکاره چیقه شلرایدی
خصوص مذکور رکات همایونه افاده اولیحق همان یزق خاطفا
وارشایان اولوب ماه مذکورک سکرنجی کونی و کیجه سیکه شب
چهارشنبه در وقت تمجیدنه دارالسلطنه به دخول و سیرای عامریه
وصول یولد قلزنده تخت عالیجه جلوس همایون اولوب مراسم بیعت
و عبودیت بر قانون تمام اولد قد نصکره سلطان سلیم خاگ جنازه سنک
حقارلمسته فرمان عالی صادر اولمغن کافه اعیان مملکت صاحبقرانی
وارکان سنده سعادت جهانیشانی ایله وقت ظهرده یاب همایونده
نمازلی قیلتوب حیاتلرند ذاب همایونلرینه مدفن و صیبت ایتدکاری
جامع اباصوفیه کیری قریبه دقن اولندی (پس سلطان سلیم
خان مرحومک عمر کرامتایه لری الی اوج سال و مدت سلطنتلری
سکرنسال و بش ماه و یکر می ایکی کوندردن)

* مقاله سلطنت سلطان مرادخان بن سلطان سلیم خان *

سلطان مرادخان حضرتلری پادشاه عالیجه اولد قلزنده اکبر و اشرف
رکاب همایونه واروب مظهر التفات مآجداری اولدیله و حوزة نصرف
شهر یاریده اولان ممالکدن اظهار عبودیت اوزره اولان امرادن خان
دشت قریم و قهرمان اقطاعدن رکن شمال بکلرندن بغداد و افلاق
بکلری واقصای شمالده کی قرال و بالری و دیار اردل و یح و آلمان

و بنادقه و ملک افرنج و ونندیک بکلری و بالری تهتیت سلطنت ایچون
نوادرا الوقوع هدایایله در معدله الحیلر کوندردیلر (خصوصا ممالک
محروسه ده کی امرا طر فلرندن سیمیر و ملک منظر کنیزک و غلامان
واسیلر کلکله مقبول شاهانه اولد قد نصکره هریری مظهر نگاه و التفات
و نائل رتبه و درجات اولدیله حتی شاه طهماس بن شاه اسمعیل طر فندن
ازربایجان خانی اولان محمد سلطان درتوز نفر آدم ایله در دولته کلوب
تهتیت سلطنت ایلدی و در دولته کک تور دیکی هدایاسی اون جلد
مصحف شریف و الشمس جلد دواوین و اوتوز ایکی خزینه او اوراق
وزیر اعظم قاجار لریله خراسان کیچم لریدر الحی مسفور مظهر احسان
یاد شاهی اولد قد نصکره مأمورا ولایتیه کوندردی (بعد ازان)
ارضرو مده کی اوجاغ ملغار جانک تعدیلرندن اهالی شکایت ایتمه لریله
وزیر اعظم فرهاد پاشا حتی استانیوله کلک سکر دیو فرمان کوندردن
انلردخی استانیوله کلک اوزره ایکن اهالی فرستدردیو بونلرک بر قاجانی
اولدیروب باقبسنی ارضرو مده خیمه ساردیلر بونلر دخی کیفیاتلری
استانیوله کی ضابطلرینه یازماریله بیک سنه سی جمادی الاولک
یکرمیستنده یزی قیرمغه ارضرو مده امر کوندردن سن دیو دیوانده
فرهاد پاشایه هجوم ایتدکلرند کوجبله دفع فتنه اولندی (ولیکن دیوان
طامی یتیموب طاعنه قاری مسووع پادشاهی اولیحق فرهاد پاشادین
سببی صورتیلر اولدخی واقع حالی یازموب اغارندن شکواری واریدی
دفع اولدی دیو تلخیص ایدیمک در حال اغاری معزول بویرینه سلحدار
شهر یازی خلیل اغا حقیقه صکره مصلحت معلوم پادشاهی اولد قد
فرهاد پاشای عزل و سیاوش پاشای صدر اعظم ایتدیله (چونکه)
تبریز قوللری اطاعتدن چیقوب ایقظ فتنه به پاشا دیلر تبریز و ازربایجان
مخافظی طواشی جمعه پاشا بعض قلاع یوقلاق نامه تبریزدن عساکر
اکرادایله چیقوب بیک بشیوز قدر اشقیایی قلمچدن بکلردی (بعد ازان)
بوسنه والیسی تللی حسن پاشا کفاره آقندن خالی اولمغه نجه چاساری
در دولته الحی کوندروب حسن پاشای قالدیرک والا صلح بر طرف اولور
دیمشیدی حسن پاشاک وزیر اعظم و مصلحت شهر یازی در ویش
اغاه اندسانی اولمغه بوسنه عسکر یله واروب به که قلعه سنی بعد الحاصریه

سکزی که زن دو کوب طغوزنجی کون فتح ایتد کده امر محافظه سی
 کورلد کد نصکره اولد اولیده کی یکی حصاری بنا و سنجاغنی زستم بکه
 بعد التوجیه بجادی الاولیده بوسنه عسکر یله جانب کفاردی یکی حصار
 قرینه نهر قویه اوزدینه برجسری بنا و خروات دیارینه کجوب بالجار به
 کفاری پریشان و اموان ضبط ایتد کد نصکره خروات ممالکته آقین
 صالوب بحداسرا و اموال المغله ایکیک کله و ایکوز زنده و طوپلری
 دردوانه کوندردی بوند نصکره کفاریک اوزریمزه کلمسی مقرر ددیو
 افاده ایتدیه ده اصفا اولندی (بعد از آن) بیک برسنه سی ربیع الاخرنده
 اوجاع ملغار جاتک علوفه لرینه اچقه یقشمیوب ایچ خزینه دن امداد
 اولنما مغله تدریجاً تادیه اولنقی تکلیف اولند قدده نقصان المازد بود یوانه
 هجوم و مقبول شاهانه اولان باش دفتر دار امین پاشاک باشنی استیوب
 اغارینی طاشلد فلرنده ایچ خزینه دن بی توقف یوز یوک اچقه
 ویرلشیکن آلیوب عناد لرینه مصر اولدی لر علما و مشایخ بالذفعات
 کوند ریلوب نصیح و پند ایتدیرل دیسه ده سوز کار ایتوب کلنلری
 طاشلدیلر و برقاج نفر سیدی مجروح ایتدیلر آخر دفتر دار باشنه یشل
 دستار صاروب قضایه رضادیو اوکلرینه وارمق استیوجک اهل دیوان
 راضی اولیوب چور دیلر عصره دک نزاع اولوب اخر طرف نهر یاریدن
 اورک دیو فرمان اولنمقین اوجیوز اللهی بدی نفر ادم فوت اولوب باقیلری
 کوچیه له تخلیص جان ایتلر یله فتنه دفع اولندی بو کیفیت پادشاه
 جهان ممنون اولوب وزیر اعظم سیاوش پاشایه خلعت احسان ایتدیلر
 و سپاه علوفه لری کافی الاول توزیع اولندی و دفتر دار عزل اولندی
 فرداسی سیاوش پاشا دن مهر همایون النوب مقدا ملغره یه نفی اولان
 وزیر سابق مشهور قوجه سنن پاشایه کوند رملکله اولدخی غره
 جادی الاولیده کلوب دفعه ثانیسه ده صدرالوزیر اولدی (چونکه)
 بوسنه والبسی حسن پاشا بریکی دفعه کفاری بوزب یوز آقانی ایتشیدی
 دردوانه آدم کوند زوب بوند نصکره کفار جمعیت عظیمه اوزریمزه
 کلک مقرر ددیو بالکن بوسنه عسکر یله بنز عمو ماروم ایلی عسکری مأمور
 اولق لازم ددیو استمداد ایتکله وزیر اعظم اسبق سیاوش پاشا
 سکندی منسوب ایتدن کبرلی حسن پاشا ده ام ایلی اذالتیه روت

امداد کوند مشیندی اولدخی روم ایلی عسکر یله سرم سنجاغنه
 وارد قدده سنن پاشا وزیر اعظم اولدی مکر سنن پاشا ایله بوسنه
 والبسی حسن پاشاک پینلری او یغونسز ایمش او اخر روضانه کبرلی
 حسن پاشانی طه شواره نقل و کندی اوغلی محمد پاشانی روم ایلی
 امیرالامراسی هایدوب کوندردی حسن پاشا ایسه کله جک امداده مقرر
 ایکی سنده دنبر و صلح مفاوید یار کفاره آقنلرایدوب سببغه حصارینی
 محاصره ایتشیدی کفاردخی حسن پاشا صلحی بوزدی دیو جمعیت
 وقتیره حاکمی زرین اوغلی نام کافر لشکر کفاریله بوسنه سرحدینه
 یوزیدی حسن پاشا دخی امداد دن مایوس اولوب سک فاریکلر
 ملاحظه سیله نهر قویه دن خروات جاتنه کچمشیدی کفاریک هجومی
 اشدوب یاتنده کی اون بیک قدر بوسنه عسکری ایله بی باک چنکه
 حاضرلندی و کفاره دخی نمچه دن امداد کلمکله قرقیک قدر درتی
 کفار حاضرلندیلر (حسن پاشا وغازی قوجه ممی بک و مصطفی پاشا
 عسکر ایله صنوبی جسر دن کجوب چنکه باشلدیلر) پس کفار غالب
 اولغله مصطفی پاشا شهید اولدی عسکر اسلام کوپری به طیانند قدده
 ممی بک دخی شهید اولدی و کبری دخی کسلکین حسن پاشا ایله
 سکزی بیک قدر موحدین غرق اولد فلرنده کفار غالباً دوندی بو کیفیت
 دردوانه اخبار اولتیجی دریای غیرت پادشاهی تلاطمه باعث
 و مجار سفرینه سبب حادث اولدی (چونکه) بیج قرانی برقاج سنده دنبر و
 خراج ویرمدی صدر اعظم سنن پاشا بوسنه وقعه سی سبب نقص
 عهد در دیوانکروس سفر یچون اون بش کونده تنظیم امور و بیک بر
 سنده سی اوائل ذی القعدة سنده ادرنه یه واندن اوزونجه اووایه وارد قدده
 اونوز بیک غروشه ایکی عدد چفته خان و جامع و عمارت و قلیعه
 و صوفیه دن عبور و یاغودینه قضا سنده باطجین در بندینه پلنقه
 و خان بنا ایتدردی سابع ذی الحجه ده باغرا ده واروب مهماتی بدونه
 ارسال و اون بد یسندده سرم صحر اسنه و اخرنده اوسک صحر اسنه
 قونوب بسیرم و پولاته قلعه لری فتحه کیندیلر و بیک ایکی محرمنده
 اوسک کبر یسندن بکد کلرنده بد وندن دلار کلوب نمچه امپراطوری
 و سار کفار بکرمی بیک قدر اکر الله بانه قلعه سی ایتنده حاضر در دیو

خبر و بردگاری و وقت تنگ اولدیغندن سکتور سمنده واقع مزبوران
بسیرم و بولانه فتحیچون نصف محرمده دال دره سمنده جمع اولتوب
اوستونی بلغراد وارلدی (بوسنه والیسی چرخه جی و اناتولی
عسکری کبر و قالوب عیشین محرمده بسیرم صحراراسنه وار یلیجی
بدون محافظی حسن پاشا قلعه بی محاصره و محاصره و اوچجی کون
ویره ایله الوب قبودانی ولایتده کوندردی و جمعه نمازی قبلتوب
درت کون صکره بولانه محاصره و وار یلوب ایکی کون دو کلمکین
اولدخی ویره ایله التدی (بواشاده کلان دلار کفار یانقده اولوب
اوستونی بلغراد کلمک مرادری اولدیغنی خبر و بردی کفارک
برطابوری ناتار صحراراسنه ایمشیدی روز قاسم تقرب ایتدیکندن
اوزرلینه وارلدی (بواشاده سپاه اغانی حرم اغا جمع کثیرایله یافو
طاغنه کیمشیدی کافر طابوری اوردوبه ایکی میل قریب اولغله فرداسی
صبح نمازی وقتده کافر دو کیلوب مزبور اغانی سجناده اوزرتده
شهید ایتدی یلو (پس سردار اکرم نصف صفر که روز قاسم ایدی
عسکرایله بدون صحراراسنه کلدیلر ایتدی ده شبتا تقریبی دونوب ریح
الاخرک اون یدیسمنده بلغراد کلدیلر و فتحنامه ایله رضوان اغانی
آستانه یه کوندردیلر بواشاده سر عسکر کفار اولان چاسار قرتداسی
هرسک ماتاش بلغراد یور یوب محاصره ایتدیسنه ده نیجه ییک کفار
قریلوب طوبی التدی کفار بر مقدار دفع اولدقده حسن پاشا
عساکر و فیره ایله کفاره قریب واروب بره غازیلر غیرت و قتیبد
دیه کوردی آخر غازیلر بودینه فرار ایتلر یله پیاده عسکرک اکثری
شهید و ماعداسی پریشان اولغله حسن پاشا مجروح و بدونه کلوب واقع
خالی بلغراد سرداره اعلام و استمداد ایلدی (پس کفار بو محاصره دن
صکره واروب فیلک قلعه سنی محاصره ایتدیده سردار طرفندن
کوندریلان سنان پاشا زاده محمد پاشا و ساری برقونانی شایده رک
کندرکن محصور اولان مسلمان ناچار قلعه بی ویره ایله ویروب
چیتدیلر کفار بونلرک اموالی الیدی و اوچبوز قدر کیمسه مرند
اولوب قالدیلر و یحکیمه سجنانه اولسنه قاسم نصکره ایکی ماه کوچک
یاز اولدیغندن کنار نیجه قلاع و حصونه مستولی اولدیلر فیلکدن

چیمان مؤمنین سجان حصارینه کیرمشلر ایدی خوفلرندن فرار ایتلر یله
کافر اورانی دخی ضبط ایلدی مراوه ناحیه سمنده صوتنه قلعه سنی
عسکری دخی که ساره قاچوب بش اون نفر ایله دزدان قالمشیدی کفاره
طوبلر ایتلر یله بو قلعه ده آدم وارد بو تعرض ایتد کلرندن همان بو قلعه
قورتلیدی و صوتنه ده اتلان طوب صداسنی واج قرینده کی امر اشد کلرند
فرار ایدرلر ایکن نیجه ییک ناتار عسکری امداده کلکله کفار چکیلوب
صوتنه عسکری ینه قلعه لینه کیردیلر (پس کفار کچن طقوز پاره
قلاعک اهل فساد و اجده بریکوب فساد باشد کلرند پاشا کتخداسنی
کوندروب جمیتلرین طاغندی اطرافه طاغیلانلری دخی کفار اعدام
ایتد کد نصکره نوغراد حصارینه واروب عظیم جنک ایلدی (بواشاده
واجد کی عساکرک بهضیسی فرار ایتلر یله بر بلوک کفار کلوب طشره سنی
یاقدیلر جادی الاخرک اون بلقه وزنده نوغراد دن طوب صداسی کلدکده
واجد کی بکلر اول طرفه کیدوب کوردیلر که کفار قلعه بی ویره ایله
الوب ایچنده کی مؤمنینی غریبان صالیویرمشلر بونلر کفارک کله چکنی خبر
ویردکلرند بکلر واجده طور محبوب بدونه کیتدیلر واجده همان دزدان
ایله درت بش نفر قالدی (صوتنه قلعه سنی دخی حسن پاشا امر یله آتشد
اورلدی بو طرفدن نوغرادلی و سجنالی عسکری کلوب واج قلعه سنی
خالی بوللر یله غارت ایتدیلر (بواشاده کفار اتلوسی کلوب واجی محاصره
ایتدیسنه ده ایچروده کی عسکری طوب و تفنگ ایله مجروح ایتد کد نصکره
طوره محبوب نوغراد طوغری کیتدیلر بواشاده صو پوسقه پانقه سمنده
بر مقدار سواری غزاة قالمشیدی کفار کلوب محاصره ایتد کده پانقه ده کی
عورات و صبیانی لار یله قتل عام اشد کد نصکره کفاری یاروب بالبحار به
قورتلیدیلر (چون) کفار نوغرادلی آلدی ایچنده کی رمضان زاده
کتخداسنی اسیر بعد اطلاق ایتکله ماهر جیده بدونه کلوب امیرا طور
ایکیوز ییک کفار ایله بدونی محاصره یه کلک تدار کتده اولدیغنی
خبر ویرمکین بدون قلعه سمنه سناک اوازی کوردی اولهارده عسکر اسلام
حرکت ایتدین کفار ایکی طابور عسکر ترتیب ایدوب برین استرغونه
و برین خطوانه کوندردی خطوانه کیدنلر نوغرادلی آوب جادی
الاخرده خطوانی محاصره ایتدکلرند خطوان یکی ارسلان پاشا نیجه

کفاری قیرد قد نصکره بودیدن استمداد ایتکین ثامن شوالده سنان
 پاشا زاده محمد پاشا و بودین والبسی حسن پاشا عسکر ایله کتدیله
 اوستورغون دخی محصور ایدی کفار خطوان یانده کی صوکتارینده
 طابورلرین قوروب طوررکن عسکراسلام صوبی کچوب بر میل قدر
 یوقاری کتدیله کفار عثمانیانی فرار ایدر ظنیه له صوبی کچنجه محاربه
 عظیمه اولوب کفار منهرم اولدی (پس) اوستورغون محاصره سنه
 کیدن کفار دخی نصف شعبانده اوستورغونی دوکجه باشلدن قلرند
 رعایا دخی یونلره تابع اولوب شعبان آخرنده برقه دار کفار واج اوزرینه
 دوشوب نیچه مؤمنینی شهید ایتدیله حتی کفار بهر یوم اوستورغونه
 یک سکر یوز طوب تاردی بری طرفدن امداد ایچون دریادن کوندربیلان
 ردوس یکی قلعیه کبروب کفارک قدر غله لخی اوستورغونه اوغرا تمه فله
 کفار نیچه ایام قلعیه بی دوکد کد نصکره یوریش ایتدیه ده منهرم اولدی
 قامایه فارغ اولوب اراقیدن مجار عسکری دوککله قلعه دیوارینک
 اکثر تخلی هدم ایتدیله و قلعیه بی ویرک دیوخی کوندردن کارنده بزوم ایلی
 غزاتی وایح ایل بهادرلریوز ویره یلیر دیوچنکه باشلدیلر دفعه ثالثه ده
 کفار یوریش ایتدیله و ضابطلری اولان ملاعون حائل واری التون
 زنجیر طاقوب آردلر نیچه کلوردی اوستورغون بکی احسان وعدا ایتکین
 بدوندن کلان عثمان نام بهادر اول کافری قورشون ایله اوزوب سوریه رک
 کتور دیک کی کفار منهرم فرار ایتدیلر کتدیه تعقیب له نیچه کفار
 قلیچدن کچدی (پس) منهرم اولان کفار امداد له ینه قوت بولوب
 حصاری خراب ایتدیله نصف رمضانده سردار طرفندن طمشوار والبسی
 امداده کلدیلر کفار طابوری پراغوب اردلر ینه دوشد کده
 اوستورغوندن غزات چیقوب طابورده ییکدن زیاده کفاری هلاک
 و نیچه سنی اسیر و مفتاح حصاره کیردیله (پس) اولهارده استانه دن
 بلغراده عسکر کوندردی ویش پاره قدر غله ایله قیودان جغالی زاده
 نصف شعبانده بحر سفیده کیتشیدی قریم خانی غازی کرای خان
 سردار معینه تعیین اولمشیدی وزیر اعظم سنان پاشا بلغراد دن
 نصف شعبانده سرم صحرانده کچد کده سبراس والبسی محمد پاشا
 و مرعش والبسی محمد پاشا ورقه والبسی علی پاشا و بودین سرداری

احمد پاشا و بوسنه والبسی میخالیچی احمد پاشا کلوب ابتدا تاتار حضار ینه
 بعده یانق قلعیه سنه وارلق نصیم اولمغه له وزیر زاده محمد پاشا طوپلره
 و بدون والبسی حسن پاشا چرخه جی و بوسنه والبسی قراغولجی و اناطولی
 والبسی ساطورجی محمد پاشا ضاغ قوله و سار بکر بکیری صول قوله
 و مرعش والبسی امداده تعیین و ترتیب صفوف اولنوب رابع شوالده
 تاتار حضار ینه واردیلر کفار دخی طونه نک اونه جانبنده آلاینی دوزوب
 تاتار حضار ینه و رانجه هم عنان کیدلیدی (پس) تاتار قلعیه سی محاصره
 و اوچنجه کون ویره ایله آلتوب ایچنجه ده کی کفار قرانه کتدیله و ائشاده
 تاتار خان کلوب وزیر اعظم معرفتیه له پادشاه عالمیناه طرفندن مظهر
 عنایت اولدی منزل مز بورده صهارین قلعه سنی کفار پراغله ضبط
 اولندی (چونکه) یانق حصار ینه یک برجانی نهر ربانک طونه به
 دوکد یکی محصل و برجانی صوایله مملوعظیم خندق ایدی کو بری ایله
 کچیلوب عسکراسلام طشره ده کی کفار دن خیلی دل الدیلر و مترسلر
 التوب ذی القعدة نک اون سکرندیه بعد المحاصره ایکی یرندن طپراق
 سوریه رک یکرمی کون طوب ایله دوکدیله و جاسار قنداشی هر سیک
 مائیش یوزیک کفار ایله قومران جانبنده قوندی و قرالک دامادی غروف
 درون قلعده حاکم ایدی ماه مز بور اوائلده علی الغفله اون یک قدر
 کفار چیقوب اوچبیک قدر اهل اسلام شهید ایتد کد نصکره
 ینه قلعیه کیردیله و هر سیک مائیش طابورنده اوتوب قلعیه امداد
 ایدردی قارشو کچیلوب طابور مذکور یوزلدنجه قلعیه طفر ممکن
 اولمغه ین جاموس دریلرندن و طونبازلردن اوج عدد کبری قورلیدی
 و اوکچیه کچیلوب طابورده وارلیدیگی کفار او یوار یقاسنده کی کیریدن
 بر برینی باصهرق کچدیلر کتدیه پراغوب قلی اموال کثیره و مهمات میری به
 ضبط اولندی و هر سیک مائیش مجروح و فرانجه سرداری دوقه
 قنداشی مقتول اولدیلر دغیر اونی یک قدر ملاعین مقتول و اسیر
 اولمغه (فهرز موهوم باذن الله) ایت کریمه سنی تاریخ دوشدی ۱۰۰۲
 (بعد از ان) یک اوج محرمنده یانق قلعیه سی محاصره و طوبلر لغملر ایله
 درون و بیرونی خراب ورخته دار اولمغه طپراق سوریلوب ماه مز بورک
 اون یدیسنده یارین یوزیشدر دیوندا اولیچق کفار خوفلرندن لیچروده

چقوزله کوروب جنگدن ال چکمه سیرایدی اولکجه اینی بیک کافر حضور
سیرداره کلوب استپان ایتدکلرنده فرداسی باشلری غروف ملهون اون بیک
قدر کافرایله چیقوب بو نمجه عیسکرینه یوف که قور قوب زیرزمینه
و بوجاقله کیردیله یو خسته بو نمجه بیک تفنگ انداز ستری قلمه یه
یا قدر مژدی دیو اغلیه رق ولایتنه کتمکین قلمه نیک امر محافظه سی
کورلدی (بو ائاده) ازدل و افلاق و بغدادان کفاری بالاتفاق عصیان
ایدوب سواحل طونه ده کی اما کنه تجاوزه باشلدقلرنده مرعشدن
معزول مصطفی پاشا عساکرایله مأمور اولوب طونه منجمد اولمش
بولمغله روسجق صحرا سنه قونوب طوپلری برکوک یاقه سنه کچورمک
اوزره ایکن علی الغفله کفار کلوب مصطفی پاشایی ونیمه مؤمنی شهید
ونیمه سنی دخی اسیرایدی (بعد از ان) سلطان مراد ثالث حضرت تلی بیک
مزاج همه ایونلری منحرف و خسته لکری مشند اولمغله بیک اوج
محرمک خامسی ایله ائینده تخت جهانی ترکله تخته تشویده قرار
و محمل تابوت ایله عالم لاهوته کذار پیوردقلرنده باب السعاده اغایی
مفتیساده میزالوا اولان اسکبر شهرزاده کان سلطان محمد خان
حضرت تلی بیکه سر بر خلافت دعوت ایچون بوستانچی باشی فرهاد اغایی
شدت شناده کوندر مکله پادشاه نوجاه حضرت تلی دخی ماه مزبورک
اون انیسنده وقت صلاده کلوب سنان پاشا قصر پنه نزول بعده حرم
همایونه دخول ایتدیلر اولکون جمعه اولمغین جامعه حقیقه حتی زمانه دیک
امز بیعت تمام اولدقدنضکره جنازه مغفور بعد الجهریر ایا صوفیه
جوارنده احضار ایتدکاری مزاره دفن اولندی اولکون پادشاه
جهانک اون طقوز نفر برادرلری شهرزاده کان شهیدار زمره سنه الحاقله
فرداسی پدر جنت مکانلری ایاغی اوجنه دفن اولندیلر پس سلطان مراد
حضرت تلی بیک سن سز یقلری الی سنه و مدت سلطنتی بکرمی شنددر
* مقاله سلطنت سلطان محمد بن سلطان مراد خان ثالث *

سلطان محمد خان حضرت تلی طقوز یوز یمش درت سنه سی
ذی القعدة سنک سکزی یوم جمعه ایدی صباحه ایکی ساعت قاله
متولد اولدیلر و سن سه ایتلری بکرمی طقوز سنه یه قریب اولیجق
تخت فریدون رخته جلوس پیوردقلرنده وزیر ثانی و قائم مقام اولان

فرهاد پاشا و وزیر ثالث ابراهیم پاشا و وزیر رابع جراح محمد پاشا و وزیر
خامس خلیل پاشا و قبودان دریا جغالی زاده سنان پاشا و شیخ الاسلام
بستان زاده مولانا محمد افندی و سایر علما و وکلا ملتیم پایه سیرایله
مشرقی اولدیلر اوجخی کون کافیه علمایه انعام و احسان ایتدیلر بجق
حوادث لشکره الی کره یوز بیک الشمس بیک التون اعطای پیوردیلر
و وراثت سلطنت مرده سیه مقیمه ایله وازان سیر بستان فرهاد اغایه
نقود و اشیا دن بکرمی بیک فلور بیک اشیا احسان ایتدیکندن ماعدن
بوستانچی باشیلخی تأیید توجیه پیوردیلر (بعد از ان) در سه ایتدن
منصوب افلاق حاکی میخال کافر عصیان ایدوب واردل وانکروش
اکفاریله طونه سواجلنده کی بعض بلاد اسلامییه غارت و شاعت
ایتدیکی معروض عتید علیه اولیجق فرهاد پاشا سر عسکر لک ایله
در سه ایتدن افلاق جانیته کوندر لدیسه ده مأمور اولان عساکر
کلمیچک فرهاد پاشا خصمی سنان پاشا طرفندن فرهاد پاشا افلاقه
وارمغی و دشمنه مقابل اولمغی مراد ایدمزدیو طرف سلطنته غم
اولمغله باشلدی فرهاد پاشا ایسه روسجق سرحدینه واروب طونه
اوزرینه جسر بناسیه مشغول ایدی آخر فرهاد پاشا عزل اولنوب
مهرهایون سنان پاشایه احسان اولمغله ملهرون استانبوله کلوب
اون کون مسکره تاسع ذی القعدة ده افلاق اوزرینه عازم اولدی فاما
سنان پاشانک فرهاد پاشایه سوه قصدی درکار اولمغین فرهاد پاشا
اوردودن در سه ایتد ایلغار ایله کلور بکن یولده سنان پاشا طرفندن
امواتک غارت اولدیغی کونردی واستانبول جوارنده کی چفتلکنه
کلوب ایتد معیم اولدی (ولکن اهل اغراض همیشه اعتراض ایتلریله
ایکی ماه مسکره فرهاد پاشا چفتلکندن کتور یلوبیدی قله ده بو غلبدی
چون سنان پاشا روسجقه واردی ثالث عید اضحاده روم ایل و البسی
غازی حسن پاشا عسکر یله فرهاد پاشا جسر نندن عبور و چلی سلطان
محمدک آ ناردن برکوک قلمه سی دادنه ایندی فرداسی سنان پاشا
دخی جسر مذکور دن کچوب بر محل مرتفعه قوریلان اوطاغنه ایندی
ماه ذی الحجه نیک اون سکزی یوم اربعاده قالو کران کیرسی قرینده
بر بناقلی و اورمانلی محله کلنوب قونلق اوزره ایکن برکروه کفتار

زیر خفادن جیقوب هجوم واول محل ضیقده عسکر اسلامی نصیب
و بریشان ابتدیلر حتی افلاق بکر یکی محمد پاشا ایله حیدر پاشا و حسین
پاشا و صدر اعظم برادرزاده سی مصطفی پاشا و شام عسکری ضحوة
کبرادین بین الصلایینه دك اعداء دین ایله اگرچه محاربه ایدوب ایکی
قطعه طوبلر بی دخی الدیلر فاما محمد پاشا مجروح اولدی و حیدر
پاشا و مصطفی پاشا و حسین پاشا و نیجه موحدین احراز رتبه شهادت
ابتدیلر اوراده ایکی کون اقامتد نصکره ماه مزبور ک بکر میسند
بوکرشه وارلدیسه ده بوکرش احراق بالنار اولمش بولمغله ماه
مزبور ک بکر می دردنی یوم خپسده بوکرشدن الکسندره و یوده سنک
مناسرتینه واریلوب سعی واقدا مله اون بش کونده بر قلعده بنا
و نازمه سی بهدالتکمیل بیک دزت محرمک بکرنده بر غوشه
طرفنه یوز بیک قدر موحدین کچوب کروه کروه آقنلر ایله یوز بیکه
قریب اسیرلر اخراج ابتدیلر اشکر اسلامدن ذخیره جهته کیدنلردن
چوق کسه تلف اولدیسه ده نیجه بیک کفار فلیجیدن کجودی ماه مزبور ک
اون اوچنده اگرچه بر غوشه قرینه وارلدی و لکن بودخی بوکرش کی
خالی بولمغین همان بر محکم قلعده بناسنه مباشرت واول اطرافه اقلر
ابتدیلدی (الحاصل بر غوشه قلعده سی اوتوز کونده تمام او اوب
امر محافظه سی چورم سبجانی یکی حیدر پاشا زاده علی بکه احاله
اولمغله اما سیه سبجانی یکی قوجی بک ایله آنده قالدیلر ماه اصفر ک
اون ایکبسنده اولکی منزله عودت اولند قلعده مکر میخال اولحو الیده
پنهان ایش همان اشکر کفار ایله بر غوشه قلعده سنی محاصره اوچکونده
جبراضبط و محافظلری اولان علی بکی و قوجی بکی و سائر امرایی سبخلره
صاحبوب آتشد چورد کد نصکره سائر عسکری اسیر و قلعده بی احراق
ایلدی سنان پاشا الحق قلعده مذکور ک محاصره اولدیغنی اشیدوب
تکرار عودت ایتک اوزره ایکن وقعه دن خبردار اولمغین خوف و خشیت
استیلا سیله بنایتد کلری بوکرش قلعده سنی احراق و فی الحال روسحق
جانبه عزیمت و ثامن صفرده برکوک قلعده سی قرینه کلدیلر ایلدی
بدون سرحدی سرداری محمد پاشا دن مکتوب کلوب اوسترغون
قلعه سنک آلمه سی و عثمان پاشا ک شهید دوشمه سی یازمغله سنان پاشا

بغایت المنالک اولدیلر (تفصیلی بودر که میخال امینک طغیانلغنه سبب
اوزدینه سفر اوتوب اولکونلرده صدر اعظم اولان قهاد پاشا افلاق
جانبه کتدیلر و سنان پاشا زاده محمد پاشا بدون طرفنده اولمغله اولحو الینک
امر محافظه سیچون معیند اوتوز بیک برار عسکر کوندرلدی (وقتا که
بیک دت سنه سی بدخول ایلدی طائفه انکرو سدن الی بیک قدر کفار
اوسترغون قلعده سنی و قرینه کی جکردن قلعده سنی محاصره ایتد کلرنده
بدون ایالتده کی محمد پاشا بلا توقف اناطولی و البسی طویل محمد پاشا
و بدون و البسی صوفی سنان پاشا و طمشوار و البسی احمد پاشا و یانق
و البسی ارنا بود عثمان پاشا عسکر لیه بدوندن قزلحصاره کلدیلر
یانق و البسی عثمان پاشا چرخه بی اولمغله ایلر و کیدوب اوسترغون
قرینه کفاره یقین محله پوصیده طوردی و طشره جیقان کفاردن
وافر دل آوب سرداره کوندر دیلر اول دللردن صورلد قده طقوز عدد
قرالک لشکری الیوم بونده در قلعده الفتح کیمزلر دیو جواب ایتلر لیه
ایرتسی علی السحر متوکلا علی الله قاعه مذنوره اوزرینه کلدیلر که
کروه بخره بالکیز برکونده بیک سکز یوز طوب آتمغله قلعده ذیواری
غرباله دونوب طشره سنی المشرهمان ایچ قلعده قاش و بوند غمعدا
اوسترغون قلعده سی قارشوشنده بش عدد قلعده یانوب ایچنه طویلر
و ادملر قوملر عسکر اسلام حرب و قتاله تصدی ایتمامکله بر قاج یوز
تیرانداز تانار کفارک طابوری قرینه واروب بولد قلمری ائلردن
و ادملردن الوب عودت ابتدیلر اخراون بیک قدر کفار جیقوب جمع
قلیل اولان تانار لشکر لیه محاربه ایدمک اوردی کنارینه کلد کلرنده
سردار اسلام محمد پاشا لشکر کثیر ایله هجوم ایتدیسه ده کفار پنهانیه
اولمغین ککرو توسکورلدی عقبه یانق و البسی عثمان پاشا دخی
درتیک لشکر ایله سازلق طرفندن کلوب اخشامه قدر جنک و حرب
ایلدی آخر کفارک یوزی دوغکین زمره مجاهدین کفاری طابورلرینه دك
قودیلر بوکوندن صکره اشکر اسلام اوچکون میدانه جیقیدیلر کفار
ظاهرا ولما مقین ککرو عودت اولندی دوردنی کون سردار محمد پاشا
اوسترغون قلعده سنده محاصره اولان موحدینک مصایفه لینی دفع
ایچون صاغ وصول ترتیبه کفارک مترسلری اوزرینه یوردی یانق و البسی

عثمان پاشا سعی و اقدام له چالش دیکسه ده یاننده کی و زرادن امداد
اولمغین بیچاره عثمان پاشا معینده کی اوچیک عسکر دن ایکی پیک
عسکر ایله بالحراریه شهید اولد قده اناطولی و البسی طویل محمد پاشا
و معزولردن محمود پاشا لشکر کفاری یاروب اوسترغون قلعه سنه کیردیلر
شول شرطله که سردار محمد پاشا طشره دن و بونلر ایچرودن کفار ایله
خنک ایدله رفا کفار عثمان پاشا شک شهادتی و محمد پاشا ایله محمود پاشا شک
قلعه به دخول لرینی اشمکین همان سردار محمد پاشا به هجوم و نیجه
غزنی شهید ایلدی بقیه عسکر ایله سردار محمد پاشا بدونه فرار ایتد کده
کفار اوتوز کون دخی قلعه اوسترغونی محاصره و وصول لرینی کسمکله
ایچند کی زخم خورده مسلمان ضروری قلعه بی کافره و یروب بدونه کلدیلر
کفار دخی قلعه بی تعمیر و مازده سنی کوردی (بروجانیده و زبر اعظم
سنان پاشا یرکوی قلعه سی قرینه کلدیکی ایامده اوغلی محمد پاشا
اوسترغون قلعه سنک کافره کدی یکی خبر ایله کانیجه ندیاه جفنی یلیوب
مخیر ایکن جاسوسلر کلوب انکروس مغیله میخال ملعون یرکوی
قلعه سنی المغیچون بو طرفه کله جک دید کده سنان پاشا ماه صفرک
یکرمی ایکسینده بحاله تنه اجه خسردن روسیحق طرفه کچدی فرداسی
عسکر مسلمان دخی قاقوب اوچکون بیای پرویا قه به کج دیلر
بقیه سی دخی کچمک اوزده ایکن دردنجی کون کفارک قراغولی کلوب
بقیه اسلامی شهید ایتدیلر او اوانده روم ایلی و البسی حسن پاشا خسردن
عسکر اسلامی کچورمه که مشغول ایکن علی الغنله میخال کلوب
حسن پاشا شک او طاعنی ضبط و یریلوک سوار ی کوندروب کیری
باشنده حسن پاشا ایله جنک ایتدردی ما حصل حسن پاشا اون بش
نفر قاتله قدر بحار به دن یوز چور یویوب آخر یاننده کی اغار زور ایله
بری یاقه به کچور دیلر (پس میخال ایله ارذل بانک قرنداشتی اولان
کافراونه یاقه ده قالان اغراخی ضبط و عسکری قتل و اسیر ایتد کده نصکره
بش بردن مترس قوروب سرداره قارشو طوب ایله دو کهرک اوچنجی کونکه
صفرک یکرمی التیدر یرکوی قلعه سنی ضبط و ایچنده کی مسلمان
شهید و بعد التخلیه قلعه بی هدم ایلدی و ماه مزبورک یکرمی طغوزنده
قلعه دن الدقلری قرق پاره طوبلری اته رق چکیلوب کیتدیلر (پس

سنان پاشا مظهر عنایت اوله جفنی بیله رک امورینی حسن پاشا به
اصمربوب استانبوله کلور کن ربیع الاولک اون التنجی یوم احدده
یدندن مهر همایون النوب ملغره به نفی اولندی و مهر همایون لالا محمد
پاشا به ویرلدیسه ده زمان قلیله شیر نیجه دن فوت اولمغین سنان
پاشا شک طرفه کیرلری سوقیله انفصاله دن یکرمی ایکی کون صکره
مهر همایون ینه سنان پاشا به ویرلکین ملغره دن استانبوله کتورادی
بش ایدن زیاده جبه وزارت ایدوب خامس شعبانده فوت اولد قده
مهر همایون وز برثانی و داماد سلطانی اولان ابراهیم پاشا به احسار
اولندی (بعد ازان) پادشاه جم جاه و خلافت دستگاه صکفار
خذلانقریندن بالذات انتقام المغیچون پیک درت شوالشک یکرمی
دردنده استانبولدن چیقوب خامس ذی الحجه ده نیش قصبه سی
قرینه وارد قده بوسنه محافظی حافظ احد پاشا طرفه دن ایکی پیک
کله و اوچبوز زنده کافر و ایکی بکزاده و اوتوز دن زیاده لواء مخصوصه
طبلاری چانه رق اوردوی همایونه کلدی شهر مزبورک اوندی یانغودینه
قصبه سی قرینه وارد قده سنان پاشا زاده محمد پاشا لشکر ایله کلدیلر
شهر مزبورک نصفه ده بلغراد محاصره واریلوب اوچکون صکره
محمد پاشا بلغراد محافظه سنه تعیین اولندی و اندن اردل اوغلی اوزرینه
باخود قرال اوزرینه عزیمت اولتیق اوزره ایکن ایالت هرون توابعندن
خطوان قلعه سنی قرالک التمش پیک لاسکری محاصره ایتدیکی رکاب
هماچونه عرض اولندی قده شهر مذکورک یکرمی یدیدنده نهر صباوه
اوزرینه قوریلان کپریدن سیرم محراسنه عبور و اندن پیک بشنچی غره
محرمنده واردین قلعه سی قرینه قویلوب اوچکونده طولی التیوز
ذراع جسر عظیم قورلمغین شهر یارکزین لشکر ایله کچدیلر بشنچی
مزازده خطواتدن فریادی کلکله جفالی زاده سنان پاشا اون پیک
عسکر ایله کوندردی و طمشوار محافظی جعفر پاشا و قره مان
و البسی خضر پاشا دخی مأمورا جیمغله صونتیق قلم سی قرینه ده
معیت ایتدیلر لکن کفارک عشر محرمد خطوان قلعه سنی ضبط
و درونده کی اهل اسلامی شهید و اسیر قلمه بی بعد الهدم پراکنده
اولدقلری جعفر پاشا به و خضر پاشا به واصل اولمغین اورادن اوردوی

همایونه کلیدیلر بوانشاده تانارخان برادری فتح کرای سلطان یدشمار
 تانارایله وودین محافظه سنده اولوب روم ایلی والیسی اولان حسن پاشا ابن
 محمد پاشا لشکر و عظیم طو بلرایله آوردویه و بلغراد دندی طو بلر کلکه
 عساکره تقسیم اولندی ایکی کون صکره محل مزبور دن اکری قلعه سی
 اوزرینه توجه همایون اولغله جعفر پاشا و خضر پاشا عسکرلر یله
 برکون مقدم مأمور اولوب اکری قلعه سنی محاصره ایتدیلر فردا سیکه
 ماه مزبورک یکریمی سکریدر پادشاه غیور عسکره موحدین ایله کلوب ایکی
 کون تنفسدن صکره غره صفر ده بروفق ترتیب صدر اعظم ابراهیم پاشا
 و جراح محمد پاشا و جعفر پاشا و حسین پاشا و سائر عساکر موحدین
 هر طرف دن قلعه مذ کوره بی محاصره ایتدیلر فردا سیکه صفرک
 ایکی سیدر بدون محافظه سنده کی اناتولی والیسی محمد پاشا و حلب
 والیسی محمود پاشا لشکرلر یله کلیمکین محمد پاشایه طو بار و بریلوب
 سرای طرف دن قلعه محاصره سنه کوندرلدی اولکونک نصف الیلکده
 لشکر کفار قلعه واریشنی احراق بالتارایدوب سوار یسی فرار
 و پیاده سی اکری قلعه سنده قرار ایتدیلر محاصره دن درت کون صکره
 حسن پاشا طپراق سورمه که و محمود پاشا مترس قازمغه تعیین اولندیلر
 التنجی کون طو بلرایله قلعه نک درون و بیرونی دو کلوب خیلی محلی
 هدم اولندی بدینجی کون محمد پاشا قولنده لغم آتلوب قلعه دن کدک آچلدی
 سکرینجی کون خندق طولدر لغم چون عسکره بچوال کتور ملک امر اولدی
 اون برنجی کون سحر ی یوریش امر اولغله لغم اصابت ایدوب خیلی
 کیم سنه شهید و مجروح اولدی سائر لغملر اتلسون دیو طور یلورکن
 کفار قلعه ده کی محبوس مسلمینی باروت ایله احراق ایتدیکین عساکر
 موحدین سائر لغملر دخی اتلندی ظنیه یوزیش ایدوب اولکون بفضله
 سجانه قلعه به کیرلکه کفار محاربه به مقتدر اوله میوب ایچ قلعه به کیردیلر
 اون ایکنجی کون ایچ قلعه دخی دو کلیمکه باشلندی اول کون آقین
 اولوب نیجه دل وکله کلندی اون اوچنجی کون اردل اوغلی ایله قرال
 قرنداشی منسلان نام کافر خبراشوب قلعه به دینج عسکر کوندره جکار
 دیو دلار خبر و برملریله هر جانیبه قراغول کوندرلدی ماه صفرک اون
 طقوزنده غزاة قلعه به هجوملرنده کفار استیمان ایتلریله مال و جانلرینه

امان ویرلکین فرداسی دیارلرینه کیتلریله قلعه مذ کوره ایکوزدن
 زیاده طوب و مکمل جبه خانه سیله ضبط اولندی التنجی مشرکین
 قلعه دن چیقارکن اطفال و اموالی غارتکر اهل اسلام اولدی قلعه دن
 آیریلوب چادرلر اسندن چیمه قسزین خطوان قلعه سنده ایتدکلی
 غدره مقابل بعض سرحد لشکری و تاتار جله سنی طعمه شمشیر
 ایتدیلر و اندن پادشاه کزین ماه مزبورک یکریمی ایله سنده اطراف
 قلعه و مترساری سیر و طوب شنلکاری ایدوب قلعه قریبده کی
 اوطاغ همایونه ایتدیلر ماه مزبورک یکریمی بشنجی یوم جمعه ده
 کلیمسالرنده صلاة جمعه قیلندی (بوانشاده جاسوسلر و بعض دلار
 کلوب سواری و پیاده اوچیز بیک قدر کفار توفای نام حمله
 قریبده کی حاج او و اسنده طابورلرین قوروب اهل اسلام ایله
 محاربه ایده جکار دیو خبر و برملریله ماه مزبورک یکریمی یدیسند
 جعفر پاشا و ولی پاشا قرق بیکه قریب لشکرایله مأمور کفار طرفنه
 کیتدیلر لکن جمعیت کفار کیجه لده نیجه سنک باعث غودتی اولغله
 مشارالیهما بیش بیک قدر اهل ایمانله عزیمت ایتدیلر و اوچکون صکره
 بر صحراده بر قاج دل اله کتوروب صحیح خبر ایتدیلر که اوچیز بیک مشرکین
 سردار لری قرال قرنداشی منسلان ایله اول صحرایه کلد کدنصکره اکری
 قلعه سی تسخیرینه کوشش اولان اهل اسلامه هر چه باد آباد خلیفه
 اسلامه قارشو محاربه ایده جکار در اول کون وقت عصرده لشکر کفار
 اول صحرایه کلوب غروبه قدر بونلرایله جنک ایتدیلر اخشام اولنجه
 مشارالیهما عسکر اسلامه عودت و صباحه قریب آوردوی همایونه
 کلوب وقعه بی حضور همایونده تقریر ایتدیلر فردا سیکه غره شهر
 ربیع الاولدر صوفی سنان پاشا عسکر و مهمانله اکری قلعه سی
 محافظه سینه کوندر یلوب قلعه مذ کوره محافظی اناتولی والیسی محمد
 پاشا آوردوی همایونه کتورلدی و پادشاه انام عساکر موحدین ایله
 طلوع شمس زماننده عدوی دین قصدینه عزیمت ایتدیلر (انقصه
 مجمع کفار اولان حاج اوه سنه وار یلوب بالمحاربه خیلی کفار قتل و اسیر
 ایتدیلر اخشام اولوب بارانده بر طرف دن یاغمله هر کس اولدیغی محله
 آج و صومرز صبا جلدیلر اترتسی پادشاه حضر تلی علی السحر

اوطاغ همایونه چیقوب جنگه توجه و بر محل واسعه قرار ایدوب امر
و فرمانبری اوزره صدر اعظم ابراهیم پاشا و جراح محمد پاشا و جغالی
زاده سنان پاشا و جعفر پاشا و حسن پاشا و طویل محمد پاشا و فتح
کرای خان معتبرنده کی عساکر موحدین ایله میانده کی بتاغی کچوب
اولکونکه رابع شهر ربيع الاولدر کفارک و ست طابورلری مقابله سنده
اوردوی همایونک صول جانینده کی صحراده واقع کلبسای عتیق قرینده
اصدر اعظم ابراهیم پاشا قلب عسکرده جناحین ترتیب ایدوب جنگه
حاضرلند قدده اون بیک قدر تفنک انداز کفار چیقجه بش بیک قدر
اهل ایمان قارشولدیله و یونلرک و راستدن مراد پاشا و بستانچی باشی
مأمور امعاوتنه کیندوب بر مقدار جنگله کفاری طابورلرندن اخراج
و فرار صورتی کوستر مکله کفار بر وفق مراد میدان چیقجه علی الغور
دونوب اون بیک قدر کفاری بعد الهلاك ماعداسنی قوه قوه الایلرینه
قریب وارد قلدنده سراپا آهنه غرق اولمش بر قاج بیک کافر مقابله به
باشلیجی غزاة موحدین بر مقدار قاجه مقی ایله کفاری میدان چقاروب
قلیچدن کچوردیلر (پس مبان کفارده غلغله او اوب جمعیتله عساکر
اسلام اوزرینه یوریدلر کینده بر بلوک تاتار مال غنیمت خلیاسیله کفارک
اکسه طرفنه کچمشلر ایدی کفار اقلره هجوم ایدیچک فرار ایتدیلر
و سر عتله صاغ قولده کی انا طولی و قره مان صفاری اوزرینه
اوغره یوب کچد کلرندن لشکر مشرکین انا طولی قولنده یوز غونلق
اکلوب اورایه هجوم ایتدیلر (پس تاتار سبیلله انا طولی قولی یوز ونجه
وزارنده کی عساکر یوز لدق دیو اوردوی همایون طرفنه کیتدیلر
و عساکر ساره دخی ضروری میانده کی بتاغی کچوب اوردوی همایون
طرفنه کیتد کلرنده کفار دخی یوز بیک قدر تفنک انداز پیاده
و یوز الی بیکه قریب سواری اولغله طویلرله عموما بتاغی کچوب
اوردوی همایون اوزرینه کلدیله شهر یارکین ایسه اوردوی همایونده
حیدرانه ثابت قدم اولوب مبارک ارقه لرنده خرقة متبرکه جیب کرد کار
و نظر کاهلرنده علم شریف احمد مختار و یونلرنده مصحف شریف
عجز شعار و میانلرنده سیوف نبویه دن قضیت نام شمشیر آبدار اولغله
خداوند اچاره سازامت محمدی مغلوب کفار خاکسار ایتد دیو اغلهره

نیار ایدر لدی کفاری پروادز گاه ظفر دستکاهه یقین کلد کلرنده
جناب پادشاه مؤید من عندالله اولغله ایج اوغلا نلرینه و سائر خدام
حرم محترمه کفار ایله مقاتله امر ایتمکله اون بیک قدر جوان جنگه
باشلد کلرنده بعونه سبجانه رجال الغیب و جنود لاریب امداد ایله آن
واحدده میدانی لاشه کفار له طولدر دیلر و اوردوی اسلام طرفنده کی
سواری و پیاده یوز بیک قدر پراکنده کفاره دخی قول قول مسلمین هجوم
ایدنجه اکثری مقتول اولوب فرار ایدنلرده طابورلرینه ورنجه به قدر
قلبدن کچر لمکله وقت عصرله اخشام ارا سنده یوز بیکدن زیاده
کافر در که تحیمه ککوندردی و طابورلرینه کیدن ملاعین دخی
طوره میوب بشیوزه قریب عظیم طوب و جبه خانه و مازندلر بن ترکله
لیلا فرار ایتدیلر اولکون مهر همایون ابراهیم پاشا دن التوب دلاورلکی
مقتضاسنی جغالی زاده سنان پاشایه احسان اولندی و اول معرکه کاهدن
تکرار کری صحراسنه کلوب ایام شتا تقریبی اوچکون صکره نقلی ممکن
اولین عظیم طویلرک بعضی سنی اگری قلعه سینه وضع و لوازم قلعه
کوریلوب بلغراد تزل همایون واقع اولیجی حسن پاشایه بلغراد
توجه و روم ایلی و البسی ولی پاشایه بدون محافظه سی فرمان اولدی
واندن بیک بش جاسی الاولینک التیس سنده استانبول جوارنده
داود پاشا صحراسنه ورود و فرداسی دولت و اقبالله سرای همایونی
تشریف سا زاجلال بیور دیلر (چون) قلاع انکرو سینه دن اگری
واندن مقدم یانق قلعه لرینک فتح و تسخیری و حاج او واسنده
بوزجه کفارک هلاک اولمش کفارک باعث غم و غصه لری اولمش ایدی
شهر یارکین استانبوله عزیمتلرین اشد یچک تکرار جمع اولوب
یانق قلعه سنی محاصره ایتد کلمری معروض عتبه همایون
اولیجی او اوانده و ذین و طرنه یالیرلی محافظه سندن کلوب در سعادنده
وزیر خامس مقامنده اولان ساطوری محمد پاشا سردار نصب اولوب
سنه مزبوره شوالنک یکرمی اوچنجه استانبولدن نهضت و سلخ
ذی الحجه ده بلغراد صحراسنه واروب تنظیم امور ایدرکن بیک الی
محرمنک سکزندده انا طولی و البسی طویل محمد پاشا دخی امور احمال
مزبوره کلوب بالعه ماه مسفرک یکرمی ایکسندده بدنه قریب کول

باشند قوند قلزده روم ایلی والیسی ولی پاشا دخی بدوندن لشکر یله کلوت
معه کر همایونه ملحق اولدی اول محله یانقدن ادم کلوت سردار ظفر بار
عسکر بیستار ایله کول باشنده ایندی لری یانق قلعه سنی محاصره ایدن کفار
قوماران اطه سنه فرار ایتد کلزده یانق غازی لری چیقوب اوج درتیک
کفاری هلاک وایکی پیک مقدار یی اسیر و سالما و غنما داخل حصار
اولدی لری دیو خبر ویدی ماه ربیع اولک ایکی سنه تانار قلعه سی قریبه
قوند قلده طو بلر قور بلوب و متر سار یسانوب دو کله باشلندی و غم
دخی اور بلوب قلعه دن کدک آجلدی و لغمدن و طوب سر پند یسندن
خیلی کفار هلاک اولد قلده اول کیجه باقی قلان کفار قلعه دن صار قوب
قرینه کی ساز قلده قرار ایتد کلری نصف اللیده بلنکله قلعه مذ کوره
منبسط اولندی (پس سکر کون اوراده اقامت اولنوب یانق قلعه سنه
یکرمی پیک کیل خنطه ذخیره کوند بلوب قلعه نیک خراب لرلی اباد
وما از مه سی کوراند کد نص کره اجی کول باشی نام محله وارلد قلده قره مان
والیسی نوح پاشا اوراده ملاقی اولدی ماه مز بورک اوننده اسکی بدونه
وارلد قلده استرغون قلعه سنی محاصره و فتح اولنق مناسب کولمکین بدون
قلعه سندن طو بلر چقارلدی ماه مز بورک اون ایکی سنه بوسنه والیسی
حسن پاشا اوراده عسکر اسلامه ملحق اولدی اول محله اردل اوغلی نیک
طمشوار قلعه سنی محاصره ایتدی کی معلوم اولغین روم ایلی والیسی
محمود پاشا ورقه والیسی علی پاشا و اطنه والیسی رمضان محمد پاشا
عسکر لر یله طمشوار استخلاصنه تعیین اولندی لری و اول محله کفارک
طابوری اوسترغونه کلدیکی اشید لکین اوزرینه وارلغی چون اناطولی
و بوسنه و بدون و قره مان و دیار بکر والی لری عسکر لر یله بشته
صحرا سنه کجسکه باشلندی ماه مز بورک نصفته سردار اکرم دخی
عسکر یله بشته صحرا سنه کجندی کثرت برفدن کفار طرفنه وارلغی ممکن
اولمغیله بدوندن سفینه ایله کله جک طو بلرک و رودینه مترقب ایکن
طوائف تانار کفار دن یکرمی نفر دل کتور مکه اردل کدخی طابوری
کافرک طابورینه معاونه کلدی کاری خبر آندی ماه مز بورک یکرمی
رنده اوردوی همایون طوب ایشمز محله قور بلوب محاربه به باشلندی
اول کونک کیجه سنه اطراف قاعیده مترس قه لغه باشلنجه کفار

خوفلرندن چیقوب قلعه نیک به من برلر یی بعد الاحراق ینه طابور لر ینه
فرلر ایندی لری فرداسی علی السحر طابور اوزرینه وار بلوب اخشامه دیک
محاربه اولندی ابرتسی کونکه ماه مز بورک یکرمی اوچیدر سردار ظفر
شعار نصوح پاشا و مراد پاشایی چرخدجی تعیین ایدوب انا طولی
وقره مان و بوسنه و سیواس بکلر یی مینه به و بدون عسکر یی بوسره به
آلوب یوریدی لری لشکر کفار میدانه چیقوب طابوری باشنده کی اورمانلغه
وافرتنک انداز کفار اختفا و همان برقاج یوز کفار اخراج و قاجه مق
صورتیله عسکر اسلامی اورمانلق اغزینه کتور رب جنکه باشدی لری
ایسه ده جنود موحد بن ملاعینی اورماندن چیقو ساروب طاغه قدر
سوریدی لری فرداسی ماه مز بورک یکرمی دردی روز قاسمدر سحری کفار
اوزرینه یوریدی لری اووانده اسپانیه دن پیاده کفار سردار اووان قپودان
به دایته سبخانه مسلمان اولوب طاغ باشنده جنک ایدن پیاده کفاری
یوزد قلده کره عدویه هجوم اولنسه نصرت مقر زرد دیو خبر و پرمکله
درتوز قدر عسکر کوند بلوب بدون عسکر یی دخی و زلرندن تعیین
اولندی اول کیجه ملاعین طاغ باشنده خندقلر و متر سار قازوب آماده
ایدی لری همان جنکه باشلند قلزده روم ایلی والیسی کفاری طاغدن جنکله
صحرا به دوشروب لایه کفاری اگر چه فلجدن کجوردی لکن ملاعینک
طابورلرندن امداد لر ینه لشکر کثیر چیقوب اناطولی و قره مان و بدون
وروم ایلی عسکر یی اوزرینه واریدی لری و طاغ طرفنده کی کفار دخی طوب
و تفنگله هجوم ایدوب عسکر اسلامه خیلی مضایقه و یردی لری بعه ده
قرالک قرنداشی مسلمان نیجه کفار ایله طابور دن چیقوب حمله ایتدکن
جنود ابرار میدان کار زارده متانت ایدوب زواله قدر جنک ایتدی لری
اخشام اولنجه طبل آرام چالنوب طرفین محاربه کتدی لری و دخی طاغ
اوزرینه کیدن عسکر اسلامه نصوح پاشا سردار تعیین اولمشیدی
آندن نزول ایله اوکلر ینه دوشوب ملاعین ایله جنک ایلدی (لکن
کفار اورمان ایچنده عظیم خندقلر قازوب و زلرنده نیجه پیک تفنگ انداز
کافر مهیا ایتد لرات او بنامدیغندن همان پیاده عسکر اسلام برقاج
ساعت جنکله لایمده کفار قیروب اوردو جائنه عودت و قرال
جنکله یسوب دلاور لک ایندی لری ماه مز بورک یکرمی ایتدنده روم ایلی

و بدون عسکری آوردی همایون او کنه بکوب طابور مقهور
مقابله سینه قونديل و فوج فوج واروب اول کون اخشامه دك اعداء
دين ايله عظيم جنگ ايتديلر فاما شتا تقرب ايتکله ماه مزبورک بکرمی
سکرزنده مهمات ايلرو کونديلوب سردار اکرم بقران اطه سی ياننده
دکر منار مقابله سنده قرار ايتديلر (اولمزنده طه شواری اردل اوغلی
نیجه مدت نبرو محاصره ايدوب مسلمین مضایقه ده در دبو فریاد جیلر
کلکله سیواس والیسی محمود پاشا بوسنه عسکری و بعض روم
ایلی امر اسبله مأمور اولوب ربيع الآخرک ايتکلسنده آوردون
آبرديلر و اوچکونده طونه اوزرینه کپری قوریلوب اولکی کون
عسکر فردای سردار کچوب کز والیسی تپه سنک قرینه ايتديلر
اولمجلده کفارک مملکتلرینه رجعت ايتدکری استخبار اولمغین سردار
حضرتلری لشکره بعد الاجازه کلوب بلغرادده قشلاديلر (چون
اوبهار ايرشدی سردار ذوالوقار پیک التي شوانک طقوزنده اوطاقلرین
بلغراد صحرا سینه قور دوردی اول روم ایلی والیسی عسکر یله ماه
مزبورک بکرمی اوچنده آوردی همایونه کلدی و سردار اکرم دخی
اواسط ذی القعدة ده اوطاقلرینه کلديلر (پس اردل و پرچل ولایته
سفر مقرر اولمغله ماه ذی الحجه نک بکرمی طقوزنده بلغراددن آشفه
لاش برون نام مجملده اون کونده تکمیل اولان پیک سکر یوزللی ذراع
جسردن عسکر اسلام اردل مکتبه کچر کن غازی کرای خالک لشکر
تاتار مور شماره روسجغه کلدیکی استخبار اولندی پیک یدی بحر منک
سکرزنده دیار بکر والیسی قوجه مراد پاشا عسکر یله آوردی همایونه
کلدی اولکون بدوندن فریاد جیلر کلوب بابا قلعه سینه کفارک
استیلا سنی خبر و ردیلر و اوستولنی بلغراددن دخی فریاد جیلر کلوب
بدون سرحدنده کفارک پولاته قلعه سنی محاصره ايتدکرین خبر
و ردیلر او ثناده روم ایلی والیسی ولی پاشا فوت اولمغین منصبی ناطونی
والیسی طوبیل محمد پاشایه توجیه اولندی ماه مزبورک اون ایتبسند
سمندره عسکری آوردون مأمور بدون محافظه سینه کوندرادی
بکرمی ایتبسند قریم خانی ایکی یوز پیک تاتار له آوردی همایونه
کلکله طرف شاهانه دن ککندر یلان خلم فاخه و سف ازین

و مکمل رختلی اسب کندویه تسلیم اولندی بکرمی یدیسند سردار
اکرم جمله امر ايله خان حضرتلرینک اوطاغنه کیدوب احکام
شریفه بی قیاما قرائت و اولمجلده قرار ویرلیدی اوزره اردل ارزل
طرفنه و رادیولندن لشکر و تاتار کپریدن کچوب طمشو ایتیقند
ايتدکلرنده نجه و بحار کفره سنک بدون سرحدنده قومران اطه سنده
عظیم طا بوزی اولدیغی یکندی (و سردار حضرتلری کپری بی
کچمزدن مقدم استونی بلغراد طرفندن فریاد جیلر کلکله مرعش
والیسی سنان پاشا و بوسنه والیسی ترباکی حسن پاشا امر اسبله
و سمندره والیسی محمد پاشا سپاهیلر یله بدون جانبیه کوندرادی (پس
خان و سردار سادس صفرده جناد قرینه ايتدکلرنده اردل اوغلنک
خان حضرتلری بری سعادتلو پادشاه ايله بارشدر سون دیو الحئی ايله
مکتوبی کلدی اولکیجه جناد قلعه سینه کی کفار قلعه بی براغوب
فرار ايتکله غازیلر تعقیب ايدوب کیمنی قتل و کیمنی اسیر ايتدکلرنده
اسرا قتل و قلعه ضبط اولندی ماه مزبورک اون پرنده عساکر اسلام
ترمورش صویشدن کچوب بکرمی دردنده رراد صحرا سینه قوندقه
وان والیسی یوسف پاشا لشکر اسلامه ملاقی اولدی (پس جناد
صحرا سندن حدود کفار و اریلیجی خان حضرتلری ممالک اعدایی
یاقه نیقه طریق اخردن و سردار اکرم طریق راستدن ماه مزبورک
بکرمی طقوزنده نجه ضبطنده اولان و رادک قلعه سی اوکنده کی
صحرا یه ايتديلر غزاة موحدينک وصولندن مقدم تاتار لشکری کلوب
پرکون و برکیجه محاربه و قلعه نک و اروشنی اجراق ايتلر یله
بعض کفار اولاد و عیاللریله فرار ايتدکلرنده لشکر تاتار تعقیبه یتشوب
رجالی قتل و نسا و اطفال و ابوالی یغما ايتدکلریدی (چون سردار
و خان قلعه مزبوره انشه قونديلر غره ربيع الاولده مترسلر قازیلوب
طوب ايله قلعه مزبوره دوکله بشلانندی یدی کون صکره فریاد جی
کلوب کفارک بدون قلعه سنی محاصره ايتدیکنی خبر و یدی (حکمتی
بودر که قرال قرنداشی مغسلان غزاتک اردل ولایته عزیمتلرین
اشد یچیک اردل اوغلنک امدادینه و ارمق استدیسه ده اندر اول
جنود مجاهدین کلوب قلعه بی محاصره و لشکر تاتار اردل ولایتک

خرا و قصبه اتنی تار مار ایتمکله اردل اوغلنک فرار و طاعنلرده تحصن
ایتدیکی مسموعی اولیحق واروب بدون قلعه سنی محاصره ایدلم بلکه
بدونک واروشنه استیلادن صکره قلعه سینه دخی ظفر بواورز فکر
فاسدیه سواری و پیاده سکسان بیک کفار و فرق پاره عظیم طوپلرایله
طونه دن کلوب بدونک واریشنی محاصره و محاربه ایله بعضی لرینی
هدم و ایام محاصره نک بدیچی کونی سحرین غروب به دك مقاتله ایتمکله
قلعه مذکوره محافظه سیچون کلن سنان پاشا ایله استیلا صنه کلن
سمندر پاشا شهید و بوسنه والیسی حسن پاشا و سمندر سنجاغی بکی
محمد بک مجروح و خیلی اهل ایمان شهید و مجروح اولدقلرنده بقیه
اهل ایمان کفارک کثرتنه باقوب اولکیجه وارشدن بدون قلعه سینه
کیردیلر ایرتسی کفار واریشه ککیروب طوب ایله بدون قلعه سنی
برقاج محلدن دوککه پاشا دقلرنده قلعه ده کی اهل ایمان کیفیاتلرینی
سردار و خان طر فنه یاز ملریله اولا خان حضرتلری شهباز میرزا نام
دلآوری یدی بیک تاتار ایله وینه اکری والیسی بکاش پاشایی ایکی بیک
عسکرایله بعده ایکی نفر سلطانی یکریمی بیک تاتار ایله تکرار کوندردی
وینه فریادچی کلکله خان حضرتلری برادر برز کتری قاغلق سلامت
کرای خانی یکریمی بیک تاتار ایله کوندردی اولکونلرده و راد قلعه سی
پسدرپی دوکبلوردی ماه ربيع الاولک اون برنده یوریش اولوب
ایکی محلدن لغ اتشلندیسده قلعه دن کدک آچیله مدی صکره
بر لغ دخی اتشلوب کدک اچلمله عظیم محاربه اولدی اولکون
دبوسلیمان پاشا عسکرایله بدون جانتنه کوندردی ماه مزبورک
اون طقوزنده بر لغ دخی اتشلوب اگرچه یوریش اولدی لکن کفار
جدار قلعه نک ایچ طرفه چندن دیوار چکمکله قلعه به کیر یله ممشیدی
فرداسی سردار و خان یور بشه اقدام ایتدیلر ایسه ده کثرت یاراندن
ینه کیر یله مدی ماه مزبورک یکریمبسنده اسمعیل پاشا طمشوار عسکرایله
یولده کی کیر یلرک تعمیر بنه کوندردی سلخ ماه مزبور ده بکاش
پاشانک پشته به کیر دیکنک خبری کلدی آخر اوتوز کون قدر جنکله
قلعه مزبوره هر طرفدن طوب ایله تخریب والی بردن لغ ایله نیجه
کد کلر اچلمغین ضبط و فتح اولغی اوزره ایکن تکرار بدوندن

فریادجیلر کلوب خان حضرتلرینک استیلا بی نیاز اولغله ایام شتا
بقلندیکدن سردار و خان حضرتلری و رادک قلعه سنک محاربه سنی
رک و ماه ربيع الاخرک اوجنی کیجه سی طوبلری ارسال و فرداسی
قلعه بدون استیلا سی نیتیه قالدیلوب یکریمبجی کونی صولنی
مقابله سنده نهر تبه کارینه قوندلده اکری والیسی بکاش پاشا
بدوندن کلوب کفار دوزخقرار سردار و خان حضرتلرینک
توجهلرینی اشمکله بدون قلعه سی محاصره سندن فراغت ایدوب
نمانکنه فرار ایلدی دیو خبر و بر مکله اکری و بدون و سائر قلاع
سرحدک مالملری کورلد کدن صکره خان حضرتلری لشکرایله طونه
ساحلنده صو نیور قشلا سینه مأمورا عزیمت یوردیلر سردار اکرم
ساطوری محمد پاشا دخی عسکره اجازت و یروب ماه مزبورک طقوزنده
بلغراده کلوب قشلا دیلر و وقایعی تفصیلا در دواته عرض ایتدیلر
(پس اولهارده سردار اکرم محمد پاشا و راد سفر بنه توجهی مقرر
ایدوب طونه یالیلری محافظه سیچون و دین سرحدنه کیتمشیدی
میخالدن ایکی دفعه الچی کلوب بن سعادتلو پادشاه اسلامک خراجکار
بنده سیم حالا سده سعادت کوند ریلان خراجک تدار کنده یم دیو
کاغدی کلکله اول طرفدن امنیت کلوب قیودن آزاده تفتیش ممالک
ایده رک نیکولی به قریب سنادین صحرا سینه کلنجک بر کیجه میخالک
یکرمی بیک کفارله طونه دن بری یاقه به کچدیکی ایشیدلد کده سردار
اکرمک یاتنده انجق درت بیک آدم وارا یدی همان خزینه و اموالی
نیکولی قلعه سینه ارسال و برایکی ساعت جنک ایدنجه کفارک کثرتدن
یاتنده کی عسکر فرار ایتدیلر برایکی ساعت دخی جنک ایتمکله
ماعداسی دخی شهید اولوب کندیلری نک و تنها فالیحق ضروری
طرنوی جانبلرینه کیتمکین میخال کلوب سردارک اوطاغ و سائر
ایشیاسی ضبط ایتد کدن صکره نیکولی قلعه سنی محاصره و یکریمی کون
طوب ایله دوکر کن سردار اکرم طرنوی طرفندن عسکر کوندرمکله
اطرافه چبقان کفاری منهرم ایتدیلر پس میخال عسکر اسلامک
جهتینی ایشیدیلرک طونه دن اوتنه یاقه به کچوب مقرر نحو ستلری اولان
بوکرشه کیتد کدن صکره سردار اکرم واروب نیکولی قلعه سنی تعمیر

وظونه بالمرینک محافظه سنی محمود پاشایه احواله و بیک بدی جادی
 الاخرنک نصفند استانبوله کلدکده مهرهمایون جراح محمد پاشادن
 النوب اوائل رجبه دماماد شهر یاری صدر اسبق ابراهیم پاشایه
 ویرلدی ابراهیم پاشادخی مهمات سفریه بی بعد التکمیل سنه مزبوره
 نصف شوالنده استانبولدن خروج و بلغزاده دخول و بیک سکر
 غره بحرمنده جنود موحدین ایله نهر صوه اوزرینه قوریلن جسردن
 کجوب یانبوی صحراننده اوتاغنه نزول و ماه مزبورک یکریمی دردنده
 اوسک جسردن دخی کجوب اوچنچی کون مهاج صحراننده ایندکده
 روم ایلی والیسی طویل محمد پاشا ورقه والیسی علی پاشا اوردوی
 همایونه کلدیلر فاما سردار سابق ساطوری محمد پاشا تسبی مقتضاسی
 اقدامه قتل اولمغله صوبور قشلاسنده کی غازی کرای خان ایشیدوب
 اغبرار خاطر دن بشقه بلکه بزده قصد اولنه دیو سفره کلبوب
 بلا اجازت قومی طرفنه عزیمت خانغره سنده اولدیغی معلوم اولنج
 میخالیچی احمد پاشا و سیواس والیسی چرکس محمود پاشا و سلحدار اغا
 کوندر یلرب یارعايت کامله سفر همایونه دعوت اولندی سابع صفرده
 یاوسک منزلته قونلدقده بالقجی زاده مصطفی چاوش طرف اردلن
 میخال الحیسی ایله کلدی اون یدیسنده ساحل طونه ده کول پاشنه
 قونلدقده تاتار خاٹ مکتوب و آدمی کلوب بیج جانلیردن صلح رجاسیله
 کندویه خبر و آدم کلدیکنی اعلام ایلمش یکریمی برنده جان فورزان
 صحراننده قونلدقده تاتار خاٹ قار شو یاقه یه کلدیکی ایشیدمکله
 سردار اکرم قایق ایله خان حضرتلرینک اوطاغنه یکریمی
 یدیسنده یدون قرینه کرز الیاس صحراننده قونلدقده عسکر تازردخی
 اوت یاقه ده پشته صحراننده قرار ایلدی و درت کونده طونه اوزرینه
 کبری قوریلوب سردار حضرتلری جنود موحدین ایله پشته صحراننده
 کجیکده در دولتدن کوندر یلان مکمل اسب و رخت و خلعت و مرصع
 شمشیر خان حضرتلرینه کوندرلدی و اوله کون جان بولاد زاده
 حسین پاشا لشکر به کلدی عاشر ربیع الازاده ارمو ابق نام محله
 وارمغله قرینه واقع واج قلعنه سنده کی کفره اولکجه قلعنه بی
 راغوب فرار ایلدی یکریمی برنده واج قلعنه سی قرینه قونلدقده کافر

اوسترغون مقابله سنه کی اوست طایورندن صلح ایچون کوند ردیکی آدمی
 اولاخان حضرتلرینه بعد سردار اکرمه کلدی ایکی کون صکره
 نقض عهد اتمکین اوزرینه واریلوب سواحل طونه ده واقع ویرکل
 قلعنه سی قرینه کی بکی پلنقه پراقدیریلوب دروشنده کی طویلر
 اوردوی همایونه نقل اولندی فرداسی ویرکل قلعنه سی دخی
 پراقدیریلوب اتشه اوردی یکریمی ایکیسنده سردار اکرم و خان
 حضرتلری کفارک اوسترغون قلعنه سی مقابله سنده خندقلر
 و طایور ایله محاربه به آماده ایلدیکی طایورینه قریب وارلدقده
 اولکجه کفار طایورلرین ترکه طونه دن اوسترغون جاننده فرار
 ایلدی غزه موحدین دخی تعقیبیه طریق دیگر دن اوسترغون
 مقابله سنده کی صحرایه واروب علی الشکر کفارک پراقدیغی طایور
 یانه قونلدقلرنده کفار دخی اوردن قرماران جانلیرینه فرار ایلدی
 (پس سردار حضرتلری اوطوالیده قرار ایدوب ممالک کفار بيشمار
 عسکر کوندر مکین گروه گروه حوالی حصاری و بلکه پای تخت
 انکروس اولان بیج حصاری و سایر بلادینی تخریب و غارت ایدردی
 فاما سنا یا فلشغله یکریمی سکرنده کبرویه رجعت واسکی منزله قریب
 جکردن صحراننده وارلدقده کفارک تکرار هجومی ایشیدمکین سردار
 اکرم لشکر اسلامه سادس ربیع ثانیده پشته صحراننده ورود و یرف
 و یارانه یاقیوب یدون اطرافنه خندقلر قازدردی و خان حضرتلری
 اوردن مأذونداشت قیخافه متوجه اولدی یکریمی طقوزنده یخال ضالدين
 آدم کلوب ولایت اردلی ضبط ایلدیکن و کندسی اطاعت پادشاهیده
 ثابت قدم اوله جفن مکشورنده یازمش سابع جمادی الاولده یافراد
 صحراننده کلندکده سردار اکرم عسکره بعد الاجازه واروب
 بلغزاده قشلدیلر (پس اول بهار اولیچق سردار اکرم ابراهیم پاشا
 صلاة عید انجلی بی بعد الادا بلغزاده صحراننده قوریلن اوطاغنه
 کلوب قرق کونده عساکر جمع اولمغله بیک طقوز صفرینک اوچنده
 نهر صوه اوزرینه بفلان جسردن عبور و زمون صحراننده اینوب قنیر
 کفاری اوزرینه وارلق اهم اولمغله اوطافره عسکر کوندردی
 اننه راهده چند روز اوسک قرینه اقامت اولورکن میخالک الحیسی

کلیله رئیس الکتاب جزه افندی ایله دردولته کوندرلد کد نضکره بکرمی
 بشنده بو بوجیه صحراسنه قونبلوب قلعه محاصره اولندقدنه اولکیجه
 امان ایله قلعه ضبط اولدی غره ماه ربیع الاولده قنیره حصارنک
 قریبه اینلد کده اوچنجی کون قلعه طوبلر ایله دوکلیکه باشلندی فاما
 بولک نهری قلعه نیک ایکی طرفدن کلوبینه قاوشدیغندن بشقه
 اطرافنده برمیل قدر محل سازلق و بتاقلق و قلعه قریب اولان یرلری
 کچید و برمیکله قلعه مذکوره دوکلیک صعب و یوریش اصعب ایکن
 سردار حضرتلری محاصره ایلدی (و حصیر شکندنه چندن شیلر
 اوردروب بتاق اوزرینه وضعله اوزرندن واریلوب قلعه دوکلیوردی
 محاصره نیک اوزریشی کونی قلعه ایچنده کی باروت خانه یه آتش اصابت
 ایتمکین قلعه نیک اکثر محلی برهوا و نیجه کفاردخی دوزخی مأوی ایدوب
 قرالردن استمداد ایتدکلرند قرال طرفدن التمش بیک قدر کفار ماه
 مزبورک بکرمی طقوزنده امداده کلوب اوردوی همایونه قریب رده
 برکیجه ده خند قلم قازوب اسطبور بقلیدلر فرداسی بر بلوک اهل اسلام
 اهل قلعه ایله و بر بلوک دخی امداده کلن ملاعین ایله عظیم محاربه ایتدیلر
 اخشام اولیجی طبل آرام چالندی فرداسی ینه جنک ارلوب اخشام
 وقتی کفار منهرزم اولغله ظاهرا جزئی کفره قالدی شهر ربیع الاخرک
 بشنجی کیجه سی کلانک محمدی جکیلوب و نیجه شمه لریاتوب طوب و تفنگلر
 اولغله کفاره خوف و خشیت عارض اولوب اولکیجه نیک نصفنده فرار
 ایتدکلرند تعقیله غنیمت واقع اولدی اون برنده قلعه مذکوره اوزرینه
 وارلدقدنه کفاره وهم کلدیکندن بشقه برطرفدن امداد دخی اولیه جفتی
 بللریله قلعه بی ویره ایله تسلیم ایدوب بلاد تحوسه لرینه کیتدیلر پس
 اشبو قلعه قنیره قرق اوج کونده فتح اولغین مالزمه سی کوریلوب ایالتی
 کوسندیل بکی حسن بکه و سکتوار ایالتی مصطفی پاشایه توجیه اولندی
 ماه مزبورک بکرمی التیمی روز قاسم اولغله سردار اکرم اورادن
 بلغرا ده قشلاغه کلیدیلر (پس اولهارده سردار اکرم ابراهیم پاشا
 اوطاغنه جیفیق اوزره ایکن خسته لوب بیک اون محرمک طقوزنده
 فوت اولدقدنه مهر همایون و سردار ارق وز برثانی و قائمقام اولان میوه
 حسن پاشایه توجیه بیورلدی حسن پاشا دخی استانبولدن اوآخر ربیع

الاولده بلغراد محاصره اوردوی همایونه واروب اون بش کون صکره
 کفارک استولنی بلغراد محاصره ایتدیکنی اشیدیچک اولطرفه عزیمت
 ایتدیلر کفار قلعه بی ضبط ورجانی شهید و نسا و صبیانی اسیر ایدوب
 دروننه ذخیره و برقاچ بیک کفار قی پدیغنی بولده اشیدیچک روز قاسم
 اشاسنده حصارک قریبه واروب اوچکون محاصره د نضکره شتا تقریبی
 ینه بلغراد طرفه دوندیلر فاما کفار ایکی بلوک اولوب بر بلوک استولنی
 بلغراد محاصره و بر بلوک دخی التمش پاره طوب ایله قنیره قلعه سنی
 محاصره ایتدیدی قنیره قلعه سندن فریا دخی کلیله هر نقدر ایکی
 قارش قار وار ایسه ده ضروری قنیره نیک استیلا صنه کیتدیلر چون
 سکتوار قلعه سینه وارلدی قنیره اوزرنده کی کفارک مالزمه سی بتوب
 شدت شتادن شاشر مشلر ایدی سردار اکرمک سکتواره کلدیکنی
 اشترکلرند جمیع مهمات و اشیایی مترسده براغوب فرار ایتلریله اهل
 اسلام قلعه دن چیقوب متروکاتی ضبطله مفتن اولدق لری سکتوار
 قرینده سردار اکرم اشیدیچک اندن بلغرا ده کلوب قشلا دیلر چون
 بیک اون برسته سی دخول ایلدی سردار اعظم میوه حسن پاشا واروب
 استولنی بلغرادک قریبه نزول و همسان محاصره و محاربه و ماه صفوک
 اون برنده بعد الفتح مالزمه سی کورید کد نضکره یدونه واروب اردل
 ولایتی غارت ایچون بشته یقاسنه کچد کده اول سرحدلرک اهل و قوفی
 کافرک طابوری قومر ان اطه سنده حاضر در بورادن کیتدی کزکی
 کلوب بدون و بشته قلعه لری محاصره ایدر ایام شتایه قدر بوحوالیده
 اولوب قلعه لک محافظه سنه اقدام ایتکیز لازمدر دیهر نقدر سو بلدیلر
 ایسه ده سردار اکرم دکلیوب اوج قوناق کیتدیکی کی کفار کلوب
 بشته قلعه سنک طونه طرفی من القیم بار و سزمکشوف اولغله اورادن
 علی الغله دخول و ایچنده کی رجالی قتل و نسا و صبیانی اسیر ایلدی
 و بر بلوک کفار دخی کلوب بدون قلعه سنی محاصره و طوبلر ایله دوکلیکه
 باشلدیلر سردار اکرم وقعه دن خبردار اولیجی عودت ایتدیه ده
 قلعه لک سمته وارلق ممکن اولغله روم ایلی و البسی محمد پاشایی
 بر مقدار عسکر ایله بدون قلعه سنه کوندروب کندوری انواع مشغله
 بلغرا ده کلیدیلر (چون سپاه طایفه سی سفردن استانبوله کلیدیلر

او جاغ ملغا رجاليه امور سلطنته قار يشوب شهر جبك يكرمي برنده
 قائم مقام ساعتی حسن پاشاي عرل و محمود پاشاي نصب ايندر ديلر و يكرمي
 اوچنده حضور پادشاهيده بونجه فساداتد نصكره مشار اليه حسن
 پاشاي شهيد ايتديلر بو كيفيتي سردار اكرم ميوه حسن پاشا بلغرادده
 طوييچي ماه شعبانك بشي كيجه سي ايلغار ايله استانبولده نادره
 اولدقلى عايشه سلطان حضرت تارينك آت ميدانده كي سر اينه نزول
 و باعث فتنه اوللري تاديب و قائم مقام محمود پاشانك قتلنه فرمان ايمكك
 اولكيجه محمود پاشا فرار ايلدي ايرنسي طاقه سپاه آت ميدانده بريكوب
 ميوه حسن پاشانك سر مقطوعني استر ز سوء تدبير ايله پشتيني كافر
 آلدردى و برقاج بيك موحدينك اجلندن هلاكنه سبب اولدى
 ديدكلرنده سردار اكرم اولكيجه مشورت ايدوب سهولى دفع قتل
 ايتدكده نصكره درونجي كون رؤساء فتنه اولان قر جان عثمان و اوكون
 محمدى قتل ايلدى و ماه رمضانك اون اوچنچي كيجه سي عايشه سلطان
 ايله كردك ايدوب داماد شهر ياري اولدى بوندن اقدم كفار بدون
 قلعه سنى محاصره ايتدكده سردار اكرم دخي طويل محمد پاشاي پشته
 يقاسندن بحرا بدون محافظه سنه كوندروب كنديلري بلغرادده كليچك
 كفار بر ماه مقداري بدون قلعه سنى محاصره و اكثر جداريني طوب يله
 هدم ايدوب يوريش ايتدكده بدون والبسي ديوسليمان پاشا اختراع
 ايتديكي واروللري كفارك اوزر ينسه يواز ايدوب هر برى چاتلدقده
 ايجلرندن باروت ضربيله چقان نيجه بيك خرده و چتال تيمور باره لري
 اون بيكدن زياده كفاري هلاك ايتديسه ده كفار محاصره دن واز كلبوب
 بركون قلعه نك طوب ايله بر طرفنى بيقيب هجوم ايتاسنده اولكيجه
 طويل محمد پاشا اهالى قلعه ايله على الغفله كفارك مترساريني باصوب
 كفارك اسطبورلري مسافه بيمده ده اولمغه خبر واروب امدادلر ينه
 عسكر كانه قدر ايكي ساعتده يكرمي بيك كفار قلعدن كچورلدى
 و بونجه طوب وجبه خانه و ذخاير لري الثوب ماعداسي احراق
 ايتدرا كدن صكره ينه بدون قلعه سنه كير ديلر فرداسي كنار كلوب
 كيفياتي كوريجك مملكتلريند فرار ايتدكلرينك خبري و بوعنيت عظيمه
 دزدوانه عرض اولنجوق شهر يار كزين طرفندن طويل محمد پاشايه

خلعت فاخره و سيف زر ين واسب كلوب عسكر اسلامه سردار تعيين
 اولندي لاس سردار اكرم طويل محمد پاشا او اخرايام شتاده بدوندن
 بلغرادده كلوب مالز مة سفريه بي بعدالتظيم بدون چابنده كيدر كن
 بوشه والبسي جلالي حسن پاشا مهاج صحر استاده اوزدوي همايون
 ملاقي اولدى نهر طونه مياننده جبل اطه نام جزيره ده واقع نيجه بيك
 كفار اهل اسلامك ذخيره كيلريني بدون طرفنه كچوز مملكه جزيره
 مزبوره يه جسر بناسنه پاشلندي و كفارك جسر بناسنه عدم
 ممانعتلر بچون جزيره مذكوره يه بر مقدار عسكر كو ندر ايمكك در حال
 مترسار قوزديلر و درویش پاشا ستر عسكر لكيله جلالي و ساردين سوارى
 و پياده التي بيك قيدر دلاوردخي قايقار ايله اولجانيه كيجنجه مترسارلى
 براغوب مسافه بيمده ده پشته چابنده احداث اولنان كبرى قرينده كي
 مرتب اشكر كفار ايله وقت منجاذن عصره دك اكر چه جنك ايتديلر
 فاما جسر تمام اولموب اونه ياقه يه كچيله مديكندن التي بيك اهل
 اسلامدن برقاج يوز كمنه قور تيلوب ماعداسنى درویش پاشا ايله
 جهل شهيد اولديلر كفار جسر ك طوبازلريني طاعتدقده نصكره برى
 ياقه يه عسكر كچر و ب كيجه ده مترسار ياديلر و اشكر كچر مكچيون
 جسر دخی قوزديلر سردار اكرم بو حر كانه اوچكون سكوت ايتكين
 كفار اهل اسلامي خوف ايتديلر طن ايدوب برى ياقه يه بيدري عسكر
 كچورردى درونجي كون جلالي حسن پاشا عسكر يله مأمورا اونه ياقه يه
 كچوب كفاري هلاك ايلدى و برى ياقه يه كچين سكر بيك كفار دخی
 قلعدن كچورلدى بو فتو حاتد نصكره سردار اكرم و عسكر اسلام
 بدون طرفنه توجه ايتديلر ايندى كفار يور تبه هزيمتي كور مشكن اونه
 ياقه دن بحرا پشته قرينده كچوب اهل اسلامه عظيم جنك ايتديلر
 ايتنه ده بدوندن برقاج بيك موحدين جيقوب كفاره هجوم ايتدكلرنده
 كفاردن اقل قليل قورتلدى و اندين كفار بدون قرينده كي اسكي بدونه
 واروب هجوم ايتككده عسكر كو ندر يلوب محاصره عظيمه اولمدين
 كفار ينه پشته چابنده كچدى و لكن شتاتقرب ايمكك سردار حضرتلري
 بدون واسطه تولى بلغراد مالز مة لر ين بعد التكميل بلغرادده كلوب
 قشلاديلر (بعدازان) ايكي سنه دنبر و كوتاهينه محافظي اولان وزير

ثالث حافظ احمد پاشايك اون ايكي صفري نيك يكرمي در دنده استايوله
 كتورلد كده وزير اعظم ميوه حسن پاشا جكه ميوه مقبدا حافظ
 احمد پاشا حقه خيلاف واقع خصو صباقي ركاب هما يونه عرش
 ايتشيدى يدي قله يه كوندروب محبوس و اموالي مصادره و اون سكر
 كوندنصر كره اطلاق ايدوب ميخاليجده واقع جفتلكينه كوندردى
 آخر ميوه حسن پاشا غدار و خونخوار لغه سبب شهر ربيع الاخره
 يكرمي سكرنده صدارتدن عزل و عاشر جادى الاوليه سودليجه ده
 واقع باعجه سنده قتل اولندى (بعد از ان) تبريز واليسى احمد پاشا
 تبريزده فوت اولغه سنه مزبوره او اخر صفرنده ايلت تبريز مير
 اخور بدن معزول على اغايه وزارت ايله توجه اولمغين على پاشا
 دخي تبريزه واروب امورنده مقيد ايكن تبريزده كي اوجاغ ملغار جالى
 رعايايه ظلم و زهد يدين باشقه من القديم در دولته متفاد اكراد دن
 سلاسل حاكي غازي بكه دخي تعدى ايتاريله اول دخي ضرورى شاه
 عباسدن استمداد ايتكين شاه دخي جشيد نام ملحد ايله غازي بكه
 تاج و تنگ و كمر ارسال و عسكر دخي كوندره جكني اشعار ايتكين
 غازي بك تاج الحادى برسر و كسوه زندقه و فسادى بردوش قيلججه
 اهالى تبريز نجحواندن عسكر كوردوب والى مملكت على پاشا ايله
 سنه مزبوره ربيع الاولنده غازي بك اوزر بنه كيتديلر غازي بك وقعه يي
 طوبوب ايلتنده كي قارنى يارق قلعه سنه كيرد كده قلعه مذكوره محاصره
 اولوب جنكه باشليق غازي بك اولاد و اموالى ترك و قلعه دن پرتاو
 و شاه طرفنه فرار ايتكله قلعه مزبوره ويره ايله الهندى چون غازي بك
 شاه ملا حده يه واردى اهالى ديار ازربايجان ظلم و تعديدن آزرده اولوب
 قد و مكره متقبلدر ديد كده شاه دين تياه او چييك قدر لشكر ايله
 اصفهان دن اون سكونده ايلغار ايله شهر ربيع الاخره يكرميسنده
 صحراي تبريزه وصول و انده معيت ايدن اردبيل حاكي ذوالفقار خان
 ايله اون بشيك مقدارى لشكر ايله تبريز مقابله سنده صوفيان قريه
 باننده حرب و قتاله آماده اولديلر برى جانبدندن على پاشايك بشبور
 قدر عسكر ايله شهر مذكور يكرمي ايكپسند كلوب شاه ايله محاربه
 اينديسه ده عسكرى شى قليل اولغه چلدر واليسى خليل پاشا

ونجوان

ونجوان واليسى محمود پاشا ونجه رؤسا شهد اولد قلرندن انهرام كلى
 واقع اولدى والى تبريز على پاشا دخي مجروح اولمغين شاه كراه قلعه
 تبريزي محاصره و اواسط جادى الاخره اهل و عيال و اموالرينه
 تعدى اولماق شرطيله قلمه يي ويره ايله الدقدنصر كره تقض عهد
 ايدوب بونجه اهل ايماني اسير و عيال و اولاد و اموالى طائفه روافضه
 غارت ايتدردى و اندن تسخير نيته نجحوان و روان جانلرينه روانه
 اوليحق روان واليسى شريف محمد پاشا وقعه دن خبردار اولد قده
 نجحوان قلعه سنى پو شال دوب بمحمله التوانع والواحق بر كچه ده روان
 قلمه سنه كيرد يلر بعده شاه كراه لشكر روافضه كلوب نجحوانه
 كيرد كدنصر كره روانك قبله طرفنده كي محنت ديه مى نام پشته يه
 واروب محاربه يه اقدام ايلدى (پس) وزير اعظم ميوه حسن پاشا
 اساتى مقتضاسي قتل اولد قده مصر واليسى على پاشايه صدارت
 عظمى ارزان بيوريلوب مجلا خزائن مصر ايله در عايه يه مجيئه
 قدر وزير ثاني جراح محمد پاشا قائم مقام نصب اولنديسه ده مريض
 و خسته اولديغندن ثامن جادى الاخره عزل اولوب قاسم پاشا
 قائم مقام تعيين اولندى اوتوز الي كون صكره شهر يار كزين بغنه
 خسته لنوب اوچ كون صاحب فراس اولد قده نصر كره بيك اون ايكي
 رجبك اون سكرنده ارتحال دار بقا بيورديلر (پس سلطان محمد
 حضرتلرينك عمر كرامتايه لري اوتوز يدي سنه و سكر ماه و اون بركون
 و مدت سلطنتلري طقوز سنه و ايكي ماهدر

* مقاله سلطان احمد خان بن سلطان محمد خان *

سلطان احمد خان عليه الرحمة والفران حضرتلري بوم مزبوره
 ستر سلطنته جلوس همايون بيورد قلرنده على الصباح اركان دولت
 مراسم يعنى ادادنصر كره پادشاه مقفوري تجهيز و اياصوفيه حرمنده
 سلطان سليم تره سى ياننده واقع مزار پراوارلرينه دفن ايتديلر اولكون
 قيودان در يا جفائي زاده سنان پاشا دو تاي همايون ايله آق دكزدن
 ووزير اعظم ياوز على باشا شهر رجبك يكرمي پشند مصر دن كلوب
 مراسم دامبوسى ادا ايتديلر اولكون ايچ خزينه دن يدي كره
 يوز بيك التون اسنان عسكره توزيع اولغه وسعت خزائن سلطاني

معلوم عالمیان اولدی (بعد از آن) انکروس جانبندده امپراطور ايله
 محاربه هنوز فيصل بولمايشکن شاه عباس دخی ممالک محروسه به
 هجوم ايتکين وزير اعظم علی پاشا بخارا اوزرينه و اوچ کون صکره
 قيودان دريا جغالی زاده سنان پاشا قزلباش اوزرينه تعيين اولمريله
 سنان پاشا نصف ذی الحجه ده عسکريله اسکداره بکدی و علی پاشا
 دخی سنه آتیه اوائلده حاضر ایدی (پس) شاه عباس روان قلعه سنی
 محاصره و باند ذمات محاربه دنصکره ایچرویه کوندردی یکی اچینک
 قتل اولمديغنه غضبندیدین وار قوتی یازویه و یروپیدی ماه قلمه بی
 محاصره و ماه ذی الحجه ده قلعه بی ضبط و سنیرک نیجه سنی شهید
 و نیجه سنی اسیر ایلدی و عثمانيک سزیر قزلباش قتلیمش نفر کافر
 قتلنه معادلردیو قوی و یردیکزدیو خصیه لرین یاروب اشد عذابه
 قتل ایلدی (بعد از آن) حاکم شروان خادم حسن پاشا دنصکره کابچی
 عمر پاشا ایدی بعد ده جغالی پشازاده سنان پاشا زاده محمود پاشا ایدی
 الاچه اتلو حسن پاشایه ارضروم ایالتی و یرلدکده پیری چارش اوغلی
 مصطفی چاوشی مسلم کوندر دیسه ده اهالی مصطفی چاوشی طاشلیوب
 ماملکنی بغاوشهر دن چیقارد قیلرند حسن پاشا واریجق اهالی آیدتی
 قبول ایتیمجه حسن پاشا احوالی در دولته یازیمق کند ویه شروان
 ایالتی توجیه اولمغین حسن پاشا شروانه واروب یرماه صکره قوت اولمغله
 ینه شروان محمود پاشایه توجیه اولندی اوائلده عسکر قزلباش شماخی
 محاصره و بعد الاسیلا شروانه دخی مسئول اولدی حتی شیخاو
 قریه سیه سائر قراخلتی سنی اولد قلمچون شاه عباس قتل عام ایلدی
 شویله که اطفال مؤمنین اوزرینه خرمن آلتیدن دوکن سوریدوب
 اول شکجه ایلله هلاک ایلدی (بعد از آن) شاه عباس مقدما وان قلعه سنی
 محاصره ایتدیکی اوائلده لشکر قزلباشله امیر کونه خان مأمور واروب
 اچیه قلعه بی محاصره و اسیلا وارمنی رعایاسنی جمله اصفهانه
 کوندردی اوائلده اول اولکه نک الای یکی کنعان یک قرص حاکی
 عثمان اغا طرفندن مأمور ایل آله حقیقه شیدی امیر کونه کرتار ایدوب
 شاهه کوندر مکه شاه دخی کنعان یکی طوبه قیوب روانه قارشواندی
 (پس) شاه عباس سورروانی هدم وایالتی امیر کونه و یردکدنصکره

واروب قارصی محاصره و بعد الاسیلا اچینکده قصدینه کوندردی یکی
 اوچیزیم اچینکده یه واروب ارمنی رعایاسنک عورتلریله فسقه
 باشلیجق ازمنیه ارزن الزوم امیرالامراسی سفر پاشایه خبر کوندرم لریله
 اول دخی کلوب بجماری هلاک و باسلیری آستانه به کوندردی
 (بعد از آن) وزیر اعظم علی پاشا صوفی سنان پاشای قانعقام ایدوب
 یک اون اوچ محرمنده استانبول دن داود پاشا صحراسنه نزول
 وایم خزینه دن سفر خرچلی نامیله طلب ایتدی یکی فلورینک
 و رودینه مترقب ایکن باشک سکا کریمسه البته یارین قاقوب
 کیده سن دیو خط ممایون کلچک فرداسی کوچ مقرر اولدی بو اراق
 بر خبر کلدی که بوستانچی باشی حافظ احمد پاشا استانبوله کلوب قانعقام
 اولمش واقعا حافظ احمد پاشا وزیر اعظم علی پاشانک خصما سندن ایدی
 خواجه شهر یاری و ساطتیه قانعقام اولمغین اولکوز سوروب چتالده ده
 علی پاشایه بولاشد قدیم بکره ایتسی سحری دیوان همایونه ابرشدی
 (پس) سردار علی پاشا غموم و همومله بلغزاده واروب ماه صفرک
 یکریمی سکزند فو اولدیله (چونکه) قيودان سنان پاشایه سفر شرق
 سردار اخی توجیه اولمغله محرمک اون یدیسنده اسکدار دن شرقی
 جانبده توجیه ایتشیدی راست کلدیکی اشقیانک حقندن کادرک ارضروم
 سرحدینه قریب اولدقده قره قاش احمد نام شقی توابعیله کلوب
 جرمنه نائب اولمغله چلدیر بکر بکلیکی توجیه و چرخه بی تعیین
 اولمغین نیجه اشقیاکلوب اوغور پادشاهیده بدل جان ایتکی متعهد
 اولدیله وارغروم والیسی کوسه سفر پاشا اوچ درتیک عسکر ایلله
 ووان والیسی احمد پاشا اوچ درتیک عسکر ایلله اور دویه ملحق
 اولد قیلرند نصکره نصف جهادی الاخرده حوالی قرصه کلندکده
 چرخه بی قره قاش احمد پاشا و رودیچون اون کون آنده مکث اولندی
 بو ائاده شاه عباسک روان واجه قلعه حوالیلرند و همه تابع اولدیقی
 اشیدلمکه سفر پاشا حضور سرداره کلوب شاهکراه جزئی روافض
 ایلدر بر مقدار عسکر ایلله ایلغار و شاهی طوئوب حضور بکره کتوره بم
 دیو ابرام ایدیسده اصنا اولموب قره قاش کلیمجه حرکت ایتدی
 چون قره قاش کلدی قاما قره قاش کیرمکه شاه کراه تبریزی آرامگاه

ایلمدی (پس سردار حضرتلری حفظ و غلادن اوغلی شروان والیسی محمود پاشا طرفه کیمتک استدکده اعیان عسکر حضورینه کپروب دریاه سفرایتسک والده کی کورمه کیدرسن قاره به سفرایتسک اوغلو که کیدرسن روز قاسم یاقلمشدی من بعد تبریزی محاصره فائده ویره زدیو قشلاق ایچون جانب رومه عودتی الحاح ایتدیلر هر چند که سردار یوقیش شاه کراهه کتوز یلور رومه کیتوب کجه وقره باغده قشلیهیم دیدیسه ده امری اصفا اولمیبوب او طاعنی ییقد قلمشده سردار دخی ضره ری ارس نهر نی بکوب تبریز اوزرینه برقاج منزل کیتدیله شاه دخی برقاج قوناق اوکجه کیدردی بواشاده سفر پاشا و سبواس والیسی احمد پاشا والایه اتلی حسن پاشا هر بار سردار دن شاه اوزرینه ایلمغاره استیذان ایتد کلرنده رضا و یرمیوب وان قلمه سنه وار یلیجی عسکر دن هر طائفه به رسمتی مشتتا تعیین و کندی و آند قلوب و آن ایالتی احمد پاشایه و یردی احمد پاشا قوت اولمجه علی پاشایه و یردی کردستان بکلر نی وانه کتوز دوب جمعیت ایلمدی بوقضیه بی شاه روافض اشیدیمچک الله و یردی نام خانی چند شیاطینله پیشرو ایدوب کندی دخی جانب روانه ایلمغار و غلام ایلمده علی الغفله صحرا ده طوب ایرشمن محله ایتدی علی الصباح سردار حضرتلری راضیه زاده مصطفی باشو غلغیله عسکر اکرادی و یاننده کی طائفه قلیله بی حقاروب اگرچه جنک ایتدردی ولکن روافض بولرک اضعا فی اولمغله بالمار که ینه قلمه به کیزدیله اول محاربه ده خندان اغا ایکی نفر اوغلا ریله قزلباشه اسیر اولدیله (پس) سردار اکرم سنان پاشا و آند قالدیغنه نادم اولمغله شمس پاشایی پایده وزارتله و آند ابقا و کندی عادیلواز قلمه سنه بعده حسن قلمه سنه بعده ارض رومه قریب وارد قده ارض روم والیسی کوسه سفر پاشا استقبال ایلدی شاه بو کیفیتدن اکاه اولمجه قرق کون صکره تبریز و نخجوان جانب لرینه کیتدی (چون) وزیر اعظم علی پاشا بلغرادده وفات ایلدی قائم مقام حافظ احمد پاشا مهر همایونی قبول ایتیمجه تاسع ربیع الاولده لالا محمد پاشایه کوندر یلوب تسخیر بلاد انکرو سه مأمور اولمغین و ادخی تنظیم امور د نصکره بدونه توجه ایلدی و اوسترغون تسخیری مضمری اولمغله اوسک حوالیسنده بکتاش پاشایه

بودین ایالتی بهدالتو حیه اوجبیک قدر عسکر ایله مقدمه الجیش قیلوب بودین جانبده کوندردی (پس) لالا محمد پاشایک جلادت و لوله انداز اولمغله منبوه حسن پاشا تفصیر یله پشته قلمه سنی الان کفار قلمه بی مارمه سیله براغوب فرار ایتد کلر نی اشیدیمچک سفاین ایله طونه بی بکوب قلمه بی ضبط ایلدی (بعد ازان) سردار کامکار کفارک خراب ایتدیکی جان قور تران قلمه سنی تعمیر و اوازمی تکمیل و اوائل جمادی الاولیده عسکر ایله بدونه وصول و مقدمه پشته بهمدود اولان جسرک قور لمشده امر ایلدی بنابرین خطوان قلمه سنه مستولی اولان کفار فرار ایتلریله محافظه سنه عسکر کوندر دیله (و آندن) ایکی سنه دینرو کفار تصرفنده کی واج قلمه سی قحی ایچون مقابله سنده کی اسکی بودینه واروب طونه دن سفاین ایله عسکر ارسال و هر جانبدن محاصره ایتدرد کده ایچنده کی کفار مقابله ده واقع جزیره ده کی تاپیه و بلنقه بی اخراق و نصف الیلده سفاین ایله اوسترغون طرفه بکد کلری اشیدیمکین عسکر اسلام واروب واج قلمه سنی ضبط ایتدیله (و آندن) سردار اکرم جمادی الاولک یکر می درنده واروب اوسترغون قلمه سنی محاصره و محاربه به پاشلیدی لکن هنگام شتا اولوب کفارده نهر طونه و راسته طا بور قوزمش و اولجا نیدن اوسترغونه متصل جسر چکوب طو بلر ایله محافظه ایدرو بعضا علی الغفله مترس باصوب نیچه غزاتی شهید ایتکله سردار حضرتلری توخمش کرابی لشکر تاتارله و روم ایلی والیسی حسن پاشایی عسکر یله اوخوالیده کی دیار کفاری تخریب و غارت ایچون ابقا و اوتوز برکون محاصره د نصکره او دوی همایونله بودینه کلوب مارمه محافظه فلاحی بعد التیم ثالت رجیده بلغراد کلدیلر (بعد ازان) نیچه کفره سی قوت بولوب اردل و محار فلاحی کلیا ضبط و اها لیسندن مقتدر اولنلری عسکر و سپاهی وضع فاسنی رعایا و اهل و عیال و مال لرینه تعرض ایتکله بولردخی نیچه طائفه سنه ضروری سرفرو ایدر لری اما میانه رنده عداوت قدیم اولمغله محار اهراسی نیچه ادانیسی یاننده رعایان احقر ایدی زیر سابقا محار برقاج دفعه نیچه ولایتلری آلوب عسکر نی قیرمشر ایدی ما حصل محار بکراده لرندن بو حقیقی نام بها در کافر کندی جنسک ایش ار لرینه بزونیجه

طابقه سنك اذالرينه نچيه دك تحمّل ايدم لم الحمد لله پادشاه آل عثمان
از قدیم اولیای نعمت در حدی یانوش قرال سلطان سلیمان استانه سنه النجا
ایتمکله ملکی الی الانقراض اولاد واحفادی الذمه قالدی بز دخی سلفه مزه
اقتدا و درمرجه النجا ایدوب اعدامزه غالب اوله لم دید کده جله سی
بمرأی بکنوب بالاتفاق مسفوری قرال لغه قبول و کندوله سردار
ایتمک اوزره سردار اکرم حضرت تله رینه بزم پادشاهک قوللغنی قبول
وزیر جناح خایه لرینه دخوله قدیمی اعدامر اولوب ضروری تحت
حکومتنده اولدیغیر نچیه کفار یله محاربه یه اقدام و پادشاه اسلامه
جان و باشه خدمتی تمهید ایتدی کمری در دولته عرض ایتمک زجا
اولور دیو مکتوب کوندر ملریله نیاز لری در دولته عرض اولند قدیه
مناسبی وجهله معاهده ایدم سن دیو فرمان کلکین سردار اکرم
دخی مقتضای نچیه خبر کوندر مکه مجاز طابقه سی نچیه لویه اظم ار
عسداوتله سنه مز بوره جادی الاولنک یکر می بدیسنده مقسالة
ایتد کارنده بو چقای غالب اولوب اونیکدن زیاده نچیه لودن کله
و نچیه دلار و بر قاج بیراقلری اوردوی همایونه کوندر مکین سردار
حضرت لری دخی فلیج و خفتان کوندر مکه بو چقای یه قوت کلوب
سابقا اردل قلاعندن ایکن نچیه تغلبا ضبط و سا طور ی محمد پاشاک
محاصره ایتدی کی وراد قلعه سنی بالمحاصره آلوب ایچنده کی نچیه لری
بعد القتل توقای وقاشه قلعه لر یله نچیه نچیه مملکتلرین آلدیقن و محارک
اکثری کندویه لاحق اولوب امداد اولور سنه نچیه مملکتلرین دخی
المق مقرر ایتدی کی و بر مقدار امداد رجاسنی مشتمل مکتوب لر ایل نچیه
اسیر بکر ادهل اهدا ایتمکین سردار اکرم دخی بو چقای یه استانه
طرفندن غلبه اولنان اردل قرالغنی منشورینی و خلعت واسکوف
و علم ی بودین والبسی بکناش پاشا ایل کوندر دی (چونکه) سنه مز بوره
ربیع الاخرنک یکر می ایکیسنده قاسم پاشایه بغداد ویرمکله وزیر
علی پاشا ابراهیمه اسکنداره چقار لمشیدی اسکنداردن ظلم و تعدی
ایدهرک بزوسنه حواله سنه کادیکی مسموع جهانداری اولیجق
ازاله سیچون بوستانچی باشی کک ایدوب ظفر بوله نچیه وزیر اعظم
بوستانچیلر کخنداسی درویش اغای سر بوستانی ایلدی (پس قاسم

پاشا بالاقتضا کوتاهییه محافظی اولوب آنده دخی ظلم ایتد یکنندن
ازاله سیچون قائمقا ملق عنوانیه استانبوله کتور یلوب فرداشی
حضور همایونه کیرد کده پادشاه جمعا ایکی دفعه در امرمه نچون
مخالفت ایتدک یور یجق قاسم پاشا مبهوت اولغین قتل اولنوب میته سی
پامر پادشاهی برز بل کش باو کز اوزرینه عرضا تحمیل و ادره قیوسی
خند قنه طرح اولتد قدر نصکره پادشاه اناص صارجی مصطفی پاشایی
قائمقام ایدوب اکر فسادک ظاهر ایدر سه سنی بویتان کی طعمه شمشیر
ایدرم پیور دیلر آخر اولدخی سوه تدبیر و اعتقاد مقتضای شهبانک
یکرمیسنده قتل اولمغه قائمقا ملق صوفی ستان پاشایه و راسدی ماه
رمضانک یکرمیسنده سردار اکرم لالا شجر پاشا دغوتله بلغراددن
درستقانه کتور لدی (بو ائشاده) قلندر او علی و قره سعید و طویل
حطیل نام جلاله لر آیدین و صبار و خان سئلرینی خراب ایتلریله صغیر
و بر و علی و عمل مانده زما و سبغک تیمار لری بدللریله داود پاشا
کوندر ملت اوزره ایکن انطولی والبسی کزده سان علی پاشا انصوح
پاشا یله واروب بولاو دین سحر استنده طویل جلای یه مقابل اولدیلر
(بعد ازان) وزیر اعظم لالا شجر پاشا اوستر غون فتحنه مأمور اولمغه
ذی الحجه یکرمی بدیسنده استانه دن داود پاشایه نزول و بیک اولدورت
ثابت محرم سنه بلغراد و واروب ربیع الاولده زبون سحر اسندن
اوستر غون جائیه تورچه و بوسنه والبسی ایلر و بو دینه کوندر یلوب
نصف ربیع الاخرده اوستر غون حواله سنه وارلغینن همان محاصره
و محاربه به باشلندی و اوستر غون فر بنده دپه دان قلعه سنی محاصره یه
بودین والبسی بو شقاق مصطفی پاشا کوندر مکتوب طرفندن
دو کله باشلندی و جکر دان طرفنه عسکر و طوب بکور یلوب
اورادندخی ایچ قلعه دوشکده باشلندی (بو ائشاده) اوستر غون
مضافاتندن طونه ساحلنده اوستر غون ایله واح یسنده کی دیشغراد
قلعه سنی محاصره اوزره اولان بوسنه والبسی خادم خسرو پاشا ویره ایله
لدقد نصکره دپه دان قلعه سنی محاصره اوزره اولان بودین والبسه
الحاق اولمغه سادس جادی الاولده یوریش ایله فتح ایتدیلر اولکون
دپه دان ایله اوستر غون میا سنده خی قلاعه و ائشاده ل فتح اولوب نصف

ساعتده اوسترغونه معادل بر قلعه دخی مع قوا بها فتح اولغین ایچنده
درتیک قدر کفار قلمدن بکوردادی بری جانیده عسکر اسلام اوسترغون
واروشنه قریب واروب دبه دلی طرفدن وضع اولان طوبلار ایل
دوکیلور کن سردارا کرم واروش بلیقه سنی عسکر الاحراق جادی
الاولنک اون التیسنده واروشی ضبط وایچنده کی یکیک قدر کفاری
دوزخه کوندردی ماه مزبورک بکر مېسند اوسترغون قلعه سی ویره ایل
آلنوب ایچنده کی بشیک درتوز کافر کتوره بلی کلری قدر اموال
وارزاق آلوب بحر اولاتلرینه کیندکلرینده اوسترغون و دبه دلی قلعه لری
نعمرو امر محافظ لری تکمیل اولدقد نصکره سردار حضرتلری
ودین و بلغراد طرفلرینه متوجه اولدی (چون) بوجقای عسکر
اسلامه توجه ایتدیکی محاربه مظفر اولدی بک اون درت ریسع
الاحرینک اواسطنده سردار اعظم اوسترغون محاصره سی اوزره ایل کن
بوجقای دخی او یوار قلعه سنی امداد اهل اسلام ایل محاصره ایتدکه
ایچنده کی بجه قلعه بی محار طرفنه و یرمک اوزره امان ایل تسلیم ایتکین
بوجقای او یوار قلعه سی ضبطنده اولغی رجا ایلکله روم ایلی
والیسی تریکی حسن پاشا موراواروب قلعه بی بوجقای به بعد التسلیم
واروب بولانه قلعه سنی امانه ضبط ایتدک نصکره بودین حوالیسند
اوردویه ملحق اولدی (چونکه) صدر اعظم لالا محمد پاشا اوز بجه
استانه به وارد قد بوجقای ایل اولان معاهده بی حضور همایونده
بعد البیان اوجیک التویدن مصنوع مجوهر تاج بادیروب کتورمشیدی
پشته بقاسنه ایتدکه بوجقای اوندیسک قدر محار لسكریله مدعوا
سردار کامکاره کلوب تاج ریزی باشنه وضع وسف مرصعی قوشادوب محار
قرالغی و پردی و جانب شهر باریدن علم اولتان علم و ستیجانی وردکلرینده
بوجقای دخی ال او یوب بزبادشاهه قول اولدی دیدی اولخلده هر
احوال سوریلوب عهد میساق محکم قیلندقد نصکره دین اسلامه
عظیم خدمت لر ایتدی آخر بجه کفاری عاجز قالمیرله بوجقای مسوما
اعدام ایتدیر بو کیفیت در دولتیه عرض اولندقد بیه اردل بکاری
نسلندن یاتوری غابور اسکف و علم ایل اردله قرال نصب اولندی
لکن مزبورک ظهوری فوری بیه بادی ایلوب ضروری صلحه بیون

آندی سردارک بووقعه دن مزاجی ناخوش اولغله روم ایلی والیسی
حسن پاشای بودیه محافظ ایدوب کیندیلری قتلاق ایچون بلغراد
کیندیلر (چونکه) بوجقای بجه ایصال خسارت ایلدی او اوانده
بجه امیر اطوری جاسارک قرنداشی هونفار یادوقه سی اولغله بجه
اوتورردی اهل اسلامه محاربه ایدن هر سک ماتپاش عسکر اسلامک
قوتی بوجقای بک مخالفنی کوزمکله سردار کرم طرفنه آدم کوندروب
قرع باب صلح ایتدیکدن ما عداجه مملکتینده برغاشهرینده کی قرنداشنه
اکر او کوندرد اهل اسلامه صلح اولمیر ایتسه مملکتی صلیط ایدرلر
دیویاز مغین اولدخی بو کیفیت ریم بابا نام باشدن مزاجت ایدیچک ریم
بابا راضی اولوب قرنداش کلک صلیطی بور راضی اولمیر ایتسه قتل ایل
دینچه ریم بابا بوجقای قرنداشنه باز دیتسه ده مر قوم ماتپاش بن صلیطی
بوزیم دیو محار ایل بالانفاق برانما طرفنه توجه ایتسانده جاسار مرد
اولوب ماتپاش امیر اطور ایتسه مستعد ایتکین صلحه رضا ویرمکله ریم
بابا وک کوچک قرنداشی معسلیانی امیر اطور ایدوب اکر ویتسه
کوندردی ماتپاش دخی لشکر ایل معسلیان اوزرینه یورید کده
معسلیان ان مقام اولغله ماتپاش جاسارقی سریریتسه بکوب صلح
اسلامیه قرار و پردی معسلیان نو باید معارضه بیه باشلیقی
معسلیانی بیج ولایت کوندروب کندی برانما شهرتده جاسارقی مقامنده
قرار ایلدی (پس معسلیان بجه ماتپاشک رأی اوزره ستمه صلحه
ایکوز بیک غروش و یروب بیکرمی ستمه بیه دیک شهر ستمه بعض هدایا ایل
عرض القیاد ایل اوزره صلح رجا ایلکله او ایتاده شرق طرفدن
قراباس وانا طولیده جلای طغیان ایدوب سردار اکرمت استانه به
کیتسی لازم کلدیکنه بناء جاسارک التماسی قرین قبول اولدی (چونکه)
شرق سرداری سنان پاشا و آن غائله سنی بر طرف ایدوب بود دفعه حسن
قلعه سند ایتکین اوغلی محمود پاشای شرواندن قالدروب دیار بکری
و پردی و حسین پاشا زاده احمد پاشایینه وائی و پردی قراباشک حوالی
تبریزده جعفری اشید بلیچک ز بیع الاخرک بکرمی بزنده خوالی سمانده
کلندی شاه دخی خویده ایدی قریقینک چرخه جیلری بر بیلد بکنک
ایتمکله اشکر قراباش منهرم اولدی بکرمی دردنده حمله نام محله واراندقد

آندة حله ابدن ملا حیده ده منیرمادوندیلر (وقتی که شبستری کجوب
تیر بزکولی کارینه قونلیدی ابرتسی شاه عسکرخی اوج یولوب کندیدی
راه بجای آندة برشته اوزرنده طور برکن ارضیوم والیسی کوسه سفر
باشایی تدبیری محیا با الله ویردی خان ایله ظهر دین عصره دیک
جید رانه جیک اتمکله سرخ سیران بجای ایله دیوب ذوالفقار خان ایله
راشدیلر ایسه ده سفر باشا ایلری دخی بر رنده قاتوب اخشامه قدر جنک
ایتمکله قزلباش شاهلری الینه قاچد قازنده سفر باشا سردار ووردوی
براغوب طاعلر آشوری تعقیله قزلباشی بریشاز ایلدی وشاه اناعیله
خو رفتن رطاغه واندن نصف منزل مسافه برده برشته اوزرنده
ایتمیدی (بواننده لشکر قزلباش شاه الیله راشوب ووردوبه هجوم
ایدیجک سردار حضرت تیری غریبه قدر محاربه و قزلباشی صیوب
دوینر مکله معاودت ابدن بوشجه دخی قزلباش سفر باشایه راست کلوب
جنک اتملریله بر باوک مؤمنین شبستری طوغری فرار ایتدیلر و تکدی
پاشا و جلالی فره قاش پاشا و قاجار محمد پاشا قزلباشی سوروب عسکر یله
اردوبه کابل یلر و سارلری بالمحاربه شهید اولدیلر حتی کوسه سفر پاشا
جریح طوبیلوب ساهه کتورلدی که بکا اطاعت ایدوب مذهبی
فیون ایدرسک سکار عایت ایدرم دینچه سکا و مذهبه کده اولان مله
هزار بار لعنت دیوب یاره مننه میهم اور عسکر ایلدی حقه برقدن
صکره بکاسه نکیر و نهادت کرک دیوشاهه ستم ایتمکین عهد ایتدیلر
چون اخشام ایلوب فریقین ایلمله قزلباشلر شاهلری ارامغه کیتدیلر
کیجه کوردستان بکری وار کاب دولت برای مشورت کلوب سردار بلای
اوله منجه سردار فر راتمش طنبه اوردوی ر غوب وان حاکمه کیتدیلر
حتی حلب و ایسی جان و لاد زاده حسین یال نصف مر حله اردوبه یقین
کله کی واه کیتدی (یس سردار حضرت تیری پاشه کی عسکر ایله
اردو کله ارجمه جمیوب وقت ظهر ده جیرتند ایکن و آب والیسی
قاجار پاشا دخی فرار اتمکله سردار اعظم اردوی بر غوب اکیسک قدر
اهل عرضله و آب طرفه کیتدیلر ایکی کون صکره شاه و قعی طوبیوب
اردوبه کلبه سی (چون سردار واه و اردی جان و لاد زاده کلوب
عذر خواه اولدیه ده سردارک نارغضی اشک زانده سوخورد

جان و لاد زاده بی قنیل ایتد کد نصکره رجیک بکری برنده دیار بکره
کلوب غم و همدن وفات ایلدی (چون) بوجقانی عسکر اسلانه
اعانه بی التزام ایتشیدی صدر اعظم محمد پاشا اوستر غون فتحه نصکره
قنیره والیسی سرخوش اراهم پاشایی خامس جهادی الاخره بکری
بیک عسکر اسلانه و رعایا ایله محریب لاذ کفار ایچون حقار مشیدی
یح طرفه کیدوب خروات سرحدده کی نمجه کفسار بی قیر قد نصکره
اولو ایلده پایا تصیر فنده صونور هل و قیر مند قلعه لر بی فتح و ایچنده کی
نمجه کفار بی قتل ایدوب اون بیک قدر لشکری یح والامان طرفلرینه
ارسالله ایصال خسارت نصکره سالما و غنما عودت ایتدیلر (بعد ازان)
پادشاه عالمناه سنه من بوره جهادی الاولنده صید و شکار ایلده زک
جتا لجه راندن اوچکونده ادرنه به وار ب سکر کون صکره اناطولیده
جلالینک طغیان خیری کلکله ایلغار ایله التي کونده استانبوله کلدیلر
جلالی اوزرنده نصوح پاشا سردار اولمله یکده هان علی پاشایه لفاطولی
ایالتی و بر یلوب عسکر یله نصوح پاشایه حقوق و اشقیای قعندن صکره
سردار جغالی زاده یه حقوق فرمان و لشمیدی اولدخی اناطولی عسکر یله
واروب اوائل ر جیده یولا وادین کتر یسنده طویل جلالی ایله محاربه
ایتد یسنده نصوح پاشا اوز یلوب است فراری سیدی شهرنده واقع
بیکار باشند چکدی طویل جلالی دخی یولا وادین قصبه سنی احراق
واهد ایسی قتل ایلدی برقاچکون صکره نصوح پاشا کوتاه بیده واروب
کندی فرار بی یکده هان علی پاشایه عز و لاجه هانی یکناه قتل اولندی
(بعد ازان) شهر یارکزی حضرت تیری هان لرینک وفاتندن بدی کون
صکره رجیک ایکستیده آستانه دن مدانیه یه جیقوب تنظیم الیلر ایله
بروسه ده سرای همایونه نزول و قرداسی برای مشورت دیوان اولوب
داود پاشا و نصوح پاشا اناطولی جدودنده زر موضعی محاکمه یه
کوندیلدی او یس پاشا زاده محمد پاشا برو سیه حرکت اولمندن معل
سلطانه مکتوت کوندروب بکری بیک عسکر واربکا وزارت احسان
اولنور سه عسکر و مهمات استم واروب جلالی دخی دفع ایدرم دیو
یازمغه اقباب وزارتله سر عسکر لک امری کوندلشمیدی پادشاه
حضرت تیری بروسه بی تشریف و بر قومی برای مشورت دعوت

سوزد قلعه نه امر همایونه و اب جو بردی و نه کلدی و نه جلای اوزرینه
 کیندی همان مسکنی اولان کوزلخسارده غیش و نوشه مشغول اولدی
 (پس پادشاه عالمینه اون طغوز کون بروسه ده اجداد عظام و مراقد
 اولیای کرامی بعد از یاره مدایه دن در اسلطنه به عزیمت یوز دیلر
 (پوشاده) جغالی زاده نک شرق طرفنده کی فضا حتی و دیار بکرده
 فوق مسموع شاهانه اولی حق سردار اعظم محمد پاشا نک بلغراد دن
 ورودینه امر اولغین اولدخی تریاکی حسن پاشای بلغرا ده براغوب
 سابع ذی القعدة ده استانبوله کلدیلر (پوشانده) حل و حرمته نیجه
 قیل وقال انسان دخت فرنگستاندن بروز دیار اسلاطه اشغال
 نازه شوزایلدی (چون) وزیر اعظم لالا محمد پاشا در دولت کلدی
 انکروس احوالی هنوز بر طرف اولدیه ده اناطولینک اصلاح احوالی
 واجباتدن اولغله اکراد طایفه سنک قلوبی تالیف ایدردیو نصوح
 پاشایه عجم سردار لغله بغداد و بریلوب روم ایلی والبسی مراد
 پاشا دخی انکروس سفرینه مأمور اولدی و قائم مقام خضر پاشا دخی
 طونه بالیلری محافظه سنه کوندراده ی (پس قیودان در یادرویش
 پاشا صدر اعظم حقه ناسزا کلماتی کوش شهر یاری به القاب دیوب
 صدر اعظمک شرقه کیمسنه خط همایون اصدار ایدردی و بر غیور
 انکروس سفرینه کیدوب خدمت صلی تکمیل ایدیم دیو نیاز ایتدیه ده
 کلد کر اولی حق نزول اصابیله مسموما فوت اولدقه مهر همایون
 درویش پاشایه و بر ملک فرنگ جعفر پاشای برینه قیودان پاشا ایدردی
 مرحوم لالا محمد پاشا نک تقودی آتوب سائر مختلف ایتامنه احسان
 اولمشکن درویش پاشا مهمات سفرا چون لازمدر دیو نیجه لره شی
 قلیل و بردی و ابتدای دیوانده ناسزا سوزلر د نصکره بکر بکیکنندن
 متقاعد بر پیرک اوغلی قتل و مالی مصادره ایلدی (ماحصل درویش
 پاشا من حوم لالا محمد پاشا نک سردار لای ایله شرقه کیمسنه مقدم ایکن
 کندی وزیر اولدقه ده سفره کیمکندن ابا ایتکله دلی فرهاد پاشا
 نام بی تدبیر نک اون بش سنه سی سفرینک در دنده اسکدره بکوروب
 قره مان و سواس ایلالتلریله مأمور اولدی اکن فرهاد پاشا بدزبان اولغله
 دائما عسکر یله غوغا ایدردی حتی بروسه به وارد قده اوندا ت غوزت

چکوب مر قومه شکایت اولد قده یابندی چکسونلر دیو اشغ تعبیر له
 شکایله جواب و بردی قوبه به وار یحق عزل و فوت اولدی (چون)
 درویش پاشا نک فساداتی از هر جهت معلوم شاهانه اولدی بر کون
 سیرای همایونده بوغدر و ب برز مانند نصکره ایاغنی تحریک ایدقه
 پادشاه حضرت لری خیر یله باشی کسد کده (قیدی درویشنه شاه) بار یخ
 دشدی (بعد از ان) مهر همایون بلغرا ده مراد پاشایه احسان اولتوب
 شوکونا خط همایون کوندرلدیکه وزیر مراد پاشا سن حالا کیمسنه نک
 القاسیله و بر فردک رجاسیله اولغسینین خاصه قریحه همایونندن
 وزارت عظمای سکا و بردم و خاتم همایونعی کوندردم امید در که
 جناب عزت هرايشکده معین و دستگیر اوله کوره بم سنی هرا موزده
 سعی ایده سن و بر کون مقدم عتیه علیه مه کله سنی انتهی مراد پاشا ایلده
 صلح و صلاح امری تکمیل وانکرو سدن قطع علاقه ایله بلغرا ده کلشیدی
 دوات صدارت کندیو به مبسر اولدی (چون) نصوح پاشا نهر فراته
 واروب طویل اجد اوغلی محمد نام شقیقک ساخته فرما یله بغداده
 استیلا سنی اشدی سر عتله نصیبینه واروب جزیره حاکی و رقه والبسی
 میر شرف اکراده اعانه بی التزام ایتلریله نصوح پاشا دخی اکراد
 بکلرندن سید خان بکه و سهران بکلرینه و امیر عربان اولان ابوریش
 اوغلی احمد خلعتلر کیدردیسه ده هر بری طریق سقیمه کیملریله
 نصوح پاشا قریق کون موصلده طرردی (پوشانده سید خانک بغداده
 کوندردیکی مکتوب طو تلدی مضموننده طویل اوغلی بر نصوح
 پاشای بونجه زمان تعویق و اکرادی منع ایتدک سندنخی ارلک ایدوب
 بغدادی الدن چقار میده سن دیمش نصوح پاشا ناچار ولی پاشا و پشاله
 پاشا و میر شرف پاشا ایله بیک اون بش خامس شعبا ننده فناء بغداده
 واردی ابوریش اوغلی دخی کلدیه ده طویل اوغله تبعیتله بغداد
 قلعه سنه کوروب نصوح پاشا سکنا نلرینه نهانی اوتوز بیک التون
 کوند رمه کله بعد الجلب بغداد دن حقیقوب مخموره صغرادن بین
 الصلا تینه دک جنک ایلدی آخر ولی پاشا شهید و نصوح پاشا زخمتک
 اولغله میر شرف ایله بقیه مسکینی سلامتیه چقار دیلر و قشلاق ایچون
 میر شرفک او جاقلقی اولان جزیره به کلوب احوالی در علیه به یاز دیلر

چوق كيتندي طويل اوغلي بغدادده خنجر بلا ايله قتل اولندي
 بعد ازان اردن ولايتنده قاشه باباسي بئروس وقرال صاحبي ارومندی
 آستانه يه مکتوب کوندروب بوجقاني قزال سته من بور مضانك بشنده
 دنيان کيتدي هميشه سي دامادي ووزيري و امراء بحارک دليري
 همونك قزال اولسي مقدم ويزيلن عهد نامده مسطور اولمده
 قزال نصب اولتوب بحار بکريته و قپودانلرينه خطايا حکم همايون ايله
 خلعت و طبوز و خنجر کوندردی بو کیفیت الی الان جاريدر (چون
 مراد پاشا بعد اتمام المعمله بلغراد کلوب حامل مهر اولديار محمد دن
 کلن بدل صلحي الوکيلک اون الی و اخر محرم منده استانبوله و رود
 و اناطولیده کي اشقيا و قزلباش اوزر لرينه سردار اوک شابع ربيع
 الاولده جانب حليه متوجه اولدی قونية به وارد قده قلندر اوغلي نام
 شقي به ولايتي اولان انقره سنجاقنك مشورتي کوندريلوب سردار کرم
 مراد پاشايه الحوق فرمان اولمده قلندر اوغلي انقره حلقه ندر نيجه
 اذيت کور مشیدی انتقام نيتله صار و خاندن اول طرفه کيتدی
 مراد پاشا قونية به کلد کده اشقيا و زور به اردن نفوس کثيره بي قتل
 و قونية چايرنده اشقياميه لردن جاهلر طولدر ديفه سبب نامه قويعي
 مراد پاشا ديديلر (چون) قلندر اوغلي ياقه رقي ييقه رقي انقره طرفه
 کيتدی صورت اخر عالی اوزره مسلم کوندريکي بد بخت دوترون
 جلالي ايله شهره قريب کلد کده قاضي بلده ولدان زده احمد افندی
 مزبور متسلمي الحرو الماغله مسلم دخی قلندر اوغله کيدوب خبر
 و بر يک قلندر اوغلي کلوب کار شهره قوندي وقاضي افندی بوز سولار
 بری ييار سه اول يارسون و ييقار سه اول ييقسون ديو خنجر کوندريکي
 قاضي دخی بر قاج آدم ايله وارد قده قلندر اوغلي بوملاکي پادشاه يک
 و اطرافنده کي سنجاقلري آدم لرينه و بردي بي شهره کير مکدن بچون
 منع ايدز سکر ديو جک قاضي دخی کرچه سنجاق سکا توجه اولدی
 فاما جلالي صورتده کلوب مزارع مسلميه قوندیکر و غضب ايتديکي
 حبوانا اکی کله صالو برديکي حو فلرندن بويله ايتديلر الحاقه هذه
 سردار اعظمه الحرقه مأمور سکر اوازم سفر به بی معتمد آدمکر ايله
 باکتر بزم يانمده براغوب شهر دن بر منزل اوداق الحلقه اوتورک ييتکري

تأليف

تأليف ايدوب سري شهره کتوره يم ديد کده اول دخی اوتوز قدر
 اشقيا ايله اشيا بي قاضي به تسليم و محل معينه قرار ايلدی (پس) اشقيا
 وقاضي شهره کلوب بهض امر دره دراز ده تلت ايديجک بجه سي
 اعدام اولند قد نصکره قاضي بو کيفيتي سردار اعظمه اعلام ايتد کده
 اوزرينه لشکر تعين اولتوب بر قاج کون دخی اغفال اولته ديو جواب
 کلد يسه ده قلندر اوغلي مصلحتي طوبوب انقره بي محاصره ايلدی
 کاهيجه قاضي عسکر ايله جيقوب قلندر اوغله بحار به ايدر کن جات
 سردار دن عسکر ايله قسطنطيني والبسي تکه لي محمد پاشا تکه لي يقين
 کلد يکي اشيد يليجک قلندر اوغلي قالفوب بر منزل پر کيتدی تکه لي پاشا
 عسکر و قرق عدد طوب ايله کلوب بهد الحار به باش ايدمه ميجه انقره به
 کيردی (چون) سردار اکرم قونية دن قالفوب جان بولاد اوغلي
 دفعه چيون حليه متوجه اوکوب لازنده به واردی و مصلحي جوش نام
 شفقينک جمعيتي طاغندي (اندن) ارکلي به وارد قده جوشيد نام
 شفقينک دخی جمعيتي طاغندي (واندن) حلب قرينده بقراض در بندينه
 قريب اولد قده جان بولاد اوغلي يکرمي يک پاده و يکرمي يک سواری
 ايله بقراض در بندينه خندقلر و متر سلقاز و ب سدر راه ايتديکي
 اشيد يليجک سردار دخی ارسلان بلي جاننه کيدوب يک اون الی
 جادی الاخرينک يکرمي طفوزنده در بند مذکور يکوب کو کر جلت
 صحر اسنه ايتد کده مر عيش والبسي دلی ذوالفقار پاشا عسا کر
 ذوالقدر به ايله اوردويه اير شدی اوچکون صکره قني نهری قرينده کي
 درم صحر اسنه بعه اوروچ صحر اسنه قوند قده جان بولاد اوغلي
 طرفندن کلن سواری طعمه شمشير قيلندی فردامي سردار اعظم
 ترتيب صفوف ايتد کين جان بولاد اوغلي دخی کخدا سني ميمنه
 سردار يده اناطولي عسکر بته و شب کبا لرين ۰۰ سره ده روم ايلي قولنه
 مقابل ايدوب بحار به به ياشلجق ذوالفقار پاشا ميجه کشته تکه کله سني
 خا که غلطان ايلدي جان بولاد اوغلي يشارده کي روم ايلي عسکر بته
 حله ايديجک روم ايلي والبسي حسن پاشا رستمانه عزوبه دله
 جنک ايدوب يکرمي الی يک رؤس اعدايي خا که دوشوردي بالاخره
 جان بولاد اوغلي منهر ما ولايتي کلپسه فرار واندن واروب حلي

غار تدفین کرده بانقو قبو شدند کعبه در کن نسا و صبیان طاملردن
باشند قاز و رات و چرکاب دو کدیلر و حلبده بیکدن زیاده سی
طوتیلوب حضور سردارده قتل اولمغله بیک اون التیده قزلدی سکیان
مصرعی لفظا و معنی تاریخ دوشدی (پس سردار اکرم اولسنه حلبده
قشلا یوب سار عسکری بر ریحله قشلاتدی او او انده بغدادده مستولی
اولان طویل احمد اوغلی محمد ک هلاکی و پرینه قزداشی مصطفی
کجوب طغیان اوزره اولدیغی اشیدلمکین سردار اعظم دخی جغالی
زاده سنان پاشا اوغلی محمد پاشایه بغداددی و یروب مکمل عسکر ایله
کوندردی محمد پاشا دخی واروب بغداددی محاصره ایتد کده مزبور
مصطفی بغداددی بعد الدسلیم امانله شط اوزریدن کعبه در کن سفینه
دور یلوب کندی بش اون آدم ایله قورتلدی (پس) سردار حلبده
ایکدن قلندر اوغلی فرستدر دیوانقره دن بروسه حواله سنه کلوب قتالی
اوغلی نام شتی ایله بالعهیه فسادده باشلیدیلر جانبولاد اوغلی علی پاشا
دخی کفن پوش وافر اوندات ایله استانبوله کیمک ایچون اسکی شهر
قرینه کلکین عی حیدر بک نام پیری برای اجازت ضراعتنامه ایله
استانبوله کوندروب کندی بروسه به کلد کده قلندر اوغلی
جانبولاد زاده بی کتوردوب پاشنده آتقودی بر کیمجه جانبولاد اوغلی
نعلقاتیله استانبوله شتاب ایلدی قتالی اوغلی دخی جانبولاد اوغلی
لوندات ایله کلوب بروسه بی احراق و یغما ایتد کده استانبولدن نقاش حسن
پاشا بحرا و یوسف پاشا برا بروسه طرفنه کوندرب ایچون شتی مزبور
بروسه دن واروب میخالیجی ضبط ایلدی عقبنجه نقاش پاشا دخی
بروسه دن واروب اولو آباد جوارنده جنک ایلدی بواشاده سلسره
متصرفی طالعج احمد پاشا عسکر یله نقاش پاشا معینه مأمور اولمغله
کلیبولدن کجوب کونانه کلد کده قلندر اوغلی کلوب بالمحار به طالعج
احمد پاشایی بوزد قد نصکره میخالیجده طور میوب آیدین و صاروخان
وحید ایللی طرفلرندن قره مان حدودینه چیدقدده پیری نام بد بخت
بیک قدر اشقیایله انطالیبه طرفندن کلوب تابع اولمغین خبث قوتلندی
(چون) جانبولاد اوغلنک عی حیدر بک و کخنداسی حسین شهر
رمضانک بکرمی برنده در علیه به واردی و حضور همایونده عصانه

اعتراف و ثائب اولوب کلدک فرمان پادشاه مرکدر دیملریله جرملری
عفو اولتوب خط امانله کخنداسی مر قوم حسین کوندربلمکین جانبولاد
زاده او اخر رمضانده در عدله کتور یلوب طمشوار والیکیه سرحدده
کوندربلدیسه ده برسنه صکره رعایایه ظلمه باشلغله بلغرادده قتل اولندی
(چون) سردار اکرم مراد پاشا بیک اون التی اول بهارنده اوطاغی
حلبدن اخراج و بانقوسه قاپوسیه قزل قبویینه قوروب عسکرک
ورودینه قدر توقف ایلدی اناطولی و قره مان دیارنده جلالیلمک
ورعایایی غارت ایدر لردی بونلری برترترب الیه کتوروب همان قلندر
اوغلی محمد پاشا واکتابقره سعید نیجه جلالی ایله بروسه و معینه
طرفلرندن قالدی (بواشاده قلندر اوغلنک اوتوز بیکدن زیاده جلالی
ایله ایتمکچی زاده ایچون پوصیده اولدیغی سردار اشتمکین حلبدن
مرعش سمته کلد کلرنده قانصوبک مصر عسکر یله آوردویه ملحق
اولدی و اندن کوکسون یا بلاغنه قوندقدده امیر حسین شام لشکر یله
طرابلس طرفندن آوردویه کلدی (پس) قلندر اوغلی ایتمکچی زاده دن
مأیوس اولمغله سردار حضرتلریله جنکی اختیار وایح ایلده کی مصلی
چاوش ایله بالمکاتبه برلشند کلرینی سردار اکرم اشندی مصلی چاوشه
ایح ایللی توجیه و برقاچ کون صکره قره مان ایالتی و برمی و عدایمکاته
مصلی چاوش برنده قالدی قلندر اوغلی دخی سواری و پیاده بکرمی
بیک حرامزاده لایله قره مائندن تخریب بلاد ایدره رنه کوکسون یا بلاغنه
یا قلاشچنه سردار اکرم عسکر کوندروب کوکسون در بیدینی ضبط
ایتد بروب صحرای مذکورده ترتیب صفوف ایلد کده قره سعید
و اغاجدن پیری معینه به و قلندر اوغلی مبسره به ایتد بلسه ده عسکر
معینه قره سعیدک بوزین چوردیلر و عساکر مبسره نکدخی قلندر
اوغلبله محاربه سنی مرج فلک تحسین ایتمکین ملاعین منهزما فرار
ایتد کلرنده ایکی کون صکره معینه کوندربیلان عساکر و فیره بولدقلری
اشقیایی قیره رقی بایبورد حواله سننده برتنک عقبه ده ایشند کلرنده
ینه منهزم اولمغریله نیجه سی قیر یلوب ماعداسی ارضروم بولنددن
ازدره هانه و اندن روانده امیر کونه خانه واروب شاه قزلباشه التجا ایتلریله
پادشاهکزه نیچون عقوق ایتد بکر سزک بوملکته مقدم شویمکن

بوجانبه سبب حرکت عسکر روم او آوردید کده بونلردخی خباثترین
اعتراف اینک بلیه فتنه قزلباش اولی شرطیله التجارین قبول واول
ایکیمیک قدر نوین عجمی ممالک مخصوصه سنه طاعتی سردار
حضر تلی دخی کمر اعداد نصکره قیصریه و سیواس طرفلردن
حبوق او واسنه کلد کده بغداددن آدم کلوب جفالی زاده محمد پاشا
مصطفی بن طوبلاک غائله فتنه سنی دفع ایتدیکنی حاری مکتوبلر
کتوردی (بعد ازان) بغداده مسئول اولان طویل محمدک قرنداشی
میمون و کتخداسی حسین التی بیک اشقبالیله قیر شهری و سایر بلدانی
غارت ایدرک توقات حواله سنه ورود و قلندر اوغلی عقیجه عجمه
کیمیک اوزره ایکن سردار ظفر شمار جادی الاولک اون بدیچی
کیجه سنه سبکبار چقبوب التی کون بدی کیجه ایلغار ایله قره حصار
شرقی به وارد قده اولکیجه ملاعینک اورادن فالقوب قره حسن کدیکی
در بندینک ایچ یوزینه قوند قلی تحفیک اولمغین چرکس پیاله پاشا
ایکیمیک عسکر ایله کرندلر کد نصکره سزدار دخی الفارله اورایه
واروب پیاده لریک اکثری قتل و سوار یلری فرار ایتلریله عسکر اسلام
مال غنایمه ال اوروب رزمکاه خالی فالغین اشقبافر دستدر دیو کرچه
هجوم ایتدیله و اکن بنه منر مادر بنددن چبقار یلوب کلورات صحرانسه
ایریشد کده تکرار جنگه دوندیلر ایسه ده بنه پریشان اولوب بقایای
سیوف قلندر اوغلی دیو کیتدیله (پس) آوردو سیواسدن بایبورد
بر منزل قریب صد قلو منزلته کتور یلوب اوخچی کون سنور
او واسنه وارلد قده تعقیبه کیدن امری مقتضای دویه کلدیلر بعد المصلحه
نصف جمادی الاخره دیار بکر والبسی نصوح پاشا و روم ایلی
والبسی انکیچی زاده احمد پاشا آوردویه کلدیلر ولکن انکیچی زاده
خوفندن کندی ایستایوله دعوت ایتدر مکه روم ایلی مراد پاشایه
ویروب دفتر دارم انکیچی زاده بی در سعادت کوندن و سن ارضرومده
قشلابوب اول بهارده عجمه کیده سن دیو سابع رجیده خط همایون
کلید کده مراد پاشا جوابیده بوقولکر ایچون ارضرومده قشلابه سن
بیورلش اناطولی جلالیندن مصوغی اولدیکه بن قزلباش اوزرینه
کیده بم جلالی بقایای بنه جهت ایدر لر سنه آستانه ده کی وزیرا دفعنه

قادر زید در روز قاسم یاقلشیدی و بوطرف ققطر دیو عرض
ایتد کد نصکره ارضرومده کیمیک اوزره ایکن یاکنده کی عسکر بزیکی
سنه در سفر ایدر رز بونجه فتوحات اولدی غیری آستانه به کیده لم دیو
اوردو قاضیسنه ذخائر بهارینی سبیل ایتدیروب صورتی و ذکر اولسان
مضمونی مشتمل تلخیصی در مر حمتداره کوندردیلر ایرتسی سردار
حضر تلی یاکنده کی وزیرای منصیلرینه و انکیچی زاده بی آستانه به
کوندروب اواسط رجیده توقاده کلد کده خط شریفم واردیچی برده
قشلابه سن دیو خط شریف کلدی و قیو کتخداسندن خفیه مکتوب
کلیدیکه قبودان حافظ احمد پاشا و قائم مقام مصطفی پاشا و مفتی محمد
افندی سزک آستانه به کلدیکزدن محفوظ دکالردن حتی دارالسعاده
انگاسنی کندیله اویدریوب پادشاهم اناطولیده جلالی قالدی سردار
یورایه نیه کلد جک واروب شاه عجم ایله جنک اینسون دیمشیر بوقیفت
سردارک معلومی اولیچق ارضرومده قشلابوب شاه اوزرینه کیده سن
بیورلش امر پادشاهیکدر بوقولکر طقسان یاکنده بر بیر قانی بم
امیدم بودر که راه غزاده شهید اولام بن قورلک شاه اوزرینه کیتد کده
اناطولیده کی نهفته جلالیلر فرصت پندروایچ ایلده کی مصلی چاوش
وایدن و ساروخانده اولان یوسف پاشا و غیر یلر ممالک محروسه به
ان اوزاد لر سه آستانه دن بنه سرداری چبقار سزری حالزه
قویک و خوش آمد کویلرک سوزینه اویمایک اولا دیار مزده کی دشمنی
دفع ایدوب بعد دیار عجمه کیده لم دیو جواب کوندرد کد نصکره
ناسع رمضانده اسکداره کلوب ایرته سی عظیم الای ایله جلالیندن
النسان در تیوز عدد بیراقلر که هر برینک اوزرنده آدری یازلشیدی
باش اشاغی قصر سلطانی التمدن کچوزلد کده ایکی قات خلعت
و سورعوج ایله التفات پادشاهی اولدیلر (پس) حسودان صدر اعظمه
اولان التفاتی چکه میوب جانبولاد زاده نک خزائن و دقایینی حلیده
قبض ایتدی دیو دیک فتنه بی قایماتد قارنده بوقیفت جانبولاد اوغانک
سزاید کی اوغلارندن صورلد قده انلرایسه مراد پاشانک عدوسی
ایدیلر دفتر دار باقی پاشا بابامزک التی ماه مخالفاقی صاندی دیو بالغه ایله
جواب ویرملریله مراد پاشانک خبری بوغیکن دفتر دار باقی پاشا

یدی قله به حبس ایندیرلدی یوم ثلاثه وزرا عرضه ککیرد کلرنده
پادشاه حصر تیری باقی پاشایی یدی قله به کوندردم احمد پاشا ینه
دفتر دار اولوب باقی پاشایی تفتیش اینسون جانپولاد اوغلنک مالنی
نیلدی کوره لم پیورد کلرنده مراد پاشا دخی سمادتلو پادشاهمه لایق
اولان مجوهراتی باعیانها کنوروب تسلیم ایندم ما عداستک جوابی
کندی ویرسون دیدی احمد پاشا باقی پاشایی زیاده تفحص ایندیسه ده
باقی پاشایی پروا مهمات سفره خرج ایندم دیو حسابی ویروب قرق بر
کوندن صکره اطلاق اولندی (چونکه) والی مصر اولانلر ابتدا
قدوملرنده بعض کاشفدن اون بیک و به مضندن بکرمی بیک و قرق بیک
التونه قدر الوب کاشفلی ابقا اتملرله کاشفردخی امناک التزامنی
تضعیف وانلردخی اول مالی رعایا فقراسنه تحمیل ایدوب پاشایه
ویریلان مالک اضما فنی فقرای رعیتدن الوردی سلمدار محمد پاشا
بیک اون التینه مصره والی اولوب بوکونا ظلمه واقف اولد قده اول
ولایه مصرک کشفیه نامیه آلدقاری یوز بیکدن زیاده التونی آلبوب
مظالمی کلایا قالد ریجی کشاف وامنار رعایا و فقرای بورای مستحسنه به
راضی اولدیلر و پاشای مشارالیه اونه دنبرو سرکشاک ایدن عربان
قبیله لینه خط امان کوندروب اله آلدی و عسکری طائفه سنی دخی
بالسهولی تسخیر ایلدی و پردیوان ایدوب پادشاهک بمناک محروسه ده
ظلمه قطعا رضاسی اولدیغندن مصری بکا ویردکده دفع مظالمی
شفاهها امرایتدیلر ولایه وامنار وعمالدن صادر اولان تکلیفی قالدردم سزل
دخی مقتضا سنجه عامل اولک پیورد کلرنده اهل دیوان سماء و طاعنه دیدیلر
انجیق برکروه اشقبا اگر چه بوقوله جعلی راضی اولدیلر لیکن افشاء
فساده جسارت ایده مدیلر (پس غریبه کاشفی اولوب ظلمی سببیه
قتل اولان پرویز کاشف بریده وزیر مشارالیه توجیهیه کاشف اولان
حلواجی کاشفی برقاچکون صکره کروه اشقبا قتل ایدوب اونه دنبرو
ویریلان عاذا تمیزی اصحابندن استرز دید کربنی وزیر اشید بچک
کاری چاغردوب بوکروه باغیه بغیر حق قتل نفس ایدوب خلاف
رضای پادشاهی ظلمه اتفاق ایشلر بوسک کیفیت فیصل بولمچون
جمله سی قره میدانه حاضر اولسونلر دیوند ابتر مکه اولکون کروه

عسکر جمله اول میدانه کلد کلرنده پاشا پیورد بیکه چاوش و متفرقه
وعرب زمیره لری اطاعتده در قلعه جانپنده صف یاغیوب عصاة
عسکر مقابله سینده طوره لر (بعده ایند بیکه اصناف لشکردن مطیع
فرمان عالی اولنلر قلعه سمتیه بکوب چاوش و متفرقه به ملحق اوللر
بو محله زمیره معهوده بز پادشاهه عاصی دکلر لیکن علو فلرمز
بزه کافی دکلدر دیدیلر ایسه ده اخشام اولغله مصلحه قرار
ویرله مدی پاشا حضرتلری امریمه مطیع اولنلر منزللرینه کیمیوب
تابصاح بونده طوره لر دیو امرایکله جمله اوراده صبا حلدیلر پاشا
دخی قلعه دن اوطائفه مقابله سنه طو پلر قوردیروب علی الصباح بونلر
خطابا سرک مشر و ع اولان رجاریکز مسمر عدر فاما غطاسله دار
ملتساندن قطع امید ایدک والا جمله کز طوب و تنگنه نشانه او اور
اگر فرمانبرایسه کز ارا کرده کی اشقیایی خصوصاً اول قاتلاری بزه
تسایم ایدک دیجه اول نادانلر قاز شولرنده کی طو پلری کورد کلرنده
ناچار ازلرنده کی اشقیایی ویروب طاغلدیلر (پس سردار اکرم مراد
پاشایک اون یدی تار بختده جلالی اوزرنده ایکن مصر دن عسکر
استمکه محمد پاشا دخی طوائف مذکور شقیلر نی قانصوبک ایله
کوندرمشیدی قلندر اوغلی محاربه سینده مردانه جنک ایند کلرندن
صکره دیوان سرداره کلوب دیوان مصرک مناصب و خدماتی عامه
کندیلر ویرلمکی الحاح ایند کلرنده سردار دخی مصلحه خدمات
دیوان مصر قدیمدن اوله کلدیکی اوزره کندیلر ویرلمک باینده لارینه
احکام ویرمکه انلردخی مصره کلوب فرمانی جقارد کلرنده محمد پاشا
حالکزه مناسب خدمات ویریلور فاما ظلمه بافرمان مرفوعدر دیو بچک
دعوائی مذکور ایله مصر دن ایکی منزل بعید خاتمه نام موضعده
جهت ایند کاری اشیدلر کین عسکر کوندریلوب بالمحاربه حقارندن
کلندی حتی طائفه مذکور دن برکروه یمند وارد کلرنده بمن و البسی
جعفر پاشایه غصیان اوزره اولان عربان طائفه سبیکه امام نامه
اولان بد مذهبی مقام امارته نصب داعیه سبیکه اکثر لایق میخیل
ایتملر ایدی کروه اشقیایی جانب سلطنتدن کندیلرک استیصالنه
کلدیلر ظلمه پراکنده اولد کلرنده جعفر پاشا قوت بولوب اماملری

اولان زیدی قتل و عربانی منهزم ایلدی (چونکه) سردار اعظم
مراد پاشا بیگ اون سکر اول بهارنده شرقی سفر یچون اسکداره
چیقدیلر ایچ ایل والیسی مصلی چاوشه اول بهارده عجم سفرینه
حاضر اولوب قره مان والیسی ذوالفقار پاشا ایله اوردویه کلدسن دیو
فرمان کوندر د کد نصره ذوالفقار پاشایه ده مصلی چاوشه مدار ایچون
مقدما ایچ ایل ویریلوب بود فیه عجم سفرینه کله سن دیو قره مان
والیسی وعد اولندی سنکله اوردوی همایونه کله جکدر جالبه سعی
و برتقریب باشی کسوب آستانه به کوندره سن مقبایله سنده سکا ناطولی
ایالتی و اوغلاک محج بکه ایچ ایل ویریلور دیو خفجه مکتوب
کوندر دی (بعده ایدین و صار و خان و منشا و لایترنده اویس پاشا
کنخدا سی یوسف پاشا نام زور باجلالی به دخی بنم اوغلم سنک بعض
اوصافکی اشیدوب تحسین ایتدم بر خوردار اوله سن بونجه جهیتک
واریکن اصلا ظلمک اشید لمدی بر تاز یکنسن سکا آجرم بودوات
عثمانیه بردولت خداداد در بونلره طاغی و باغی اولنلر خیر ایتدی جان
بولاد اوغلی و قلندر اوغلی و قره سعید بجه اولدی سوزم دیگله دنیا
و آخرت اوغلم اول سکا انادر معیچون عین ایدر مکه پادشاهدن سکا
ضرر اولیه اول بهارده قزلباش اوزرینه کیده جکم سکا غله سفره
کیت دیم بلکه اول دیار لده محصل اولوب مغنسا ار په اق قاپوک
مکمل بر کده طور وب پادشاهه قول و قنات اول تاکه بر طرفدن
جلالی ظهور ایدر سه ازاله سی خدمته بولنه سن بونصحتی
طوتمز ایسک عجم سفرینی قویوب اوزر یکه وار یرم بر قاچکوندر نصره
اسکداره کچیلور سبکبار کلوب اوردویه ملاقی اول سقر او اولدیغک
ایچون قاپوک یزنده طور سون بر قاچکون نصره سعادتلو پادشاه
حضر تلیرتک دامن پوس ایدوب سالم و غایم کیده سن عناد ایدر سک
کفر که وقتیکه فتوی ویریلوب اوزر یکه وار یلور عقب لایله مشورت
ایدوب سکا نافع اولاقی سن یلور سن دیو مکتوب کوندر دیلر یوسف
پاشا دخی بلوک پاشا بیرینه مکتوبی کویستروب بعد المشاوره جوابنده
بود فیه بزی دعوت بیورمش سزامر یکره مخالفت اولنلر یمنکره اعتماد
ایتدک اسکداره بکدی بککرده خاگ عز ته یوز سنور ملک مقرر در دیو

یازدی (پس سردار خضر تلی اسکداره بکوب بر قاچکون نصره
شمه نکیر و قزلباش اوزرینه کیتک کر کسن همان کوچوب کیده سن
دیو خط همایون کلکین سردار حضور همایونه واروب بعد الخلو
پادشاهم بوسفرک آدنی قزلباشه تعیین ایلدک اما عجمدن قوی دشمن
وارد را و لایچ ایل کبی سنکستانده مصلی چاوش نام شقینک اتی یدی پاره
قلعه سی وارا اوزرینه وارلسه جنک ایتد لازم دکل طاش یوار لمغله
عسکر یزی تلف ایدر بود فیه کونا کون ایمانله ایچ ایل سکا ویردم
و حال قره مان والیسی ذوالفقار پاشا ایله اسکداره اوردویه ملحق
اوله سن دیو یازدم ذوالفقار پاشایه ده حقندن کلمکیچون خفجه یازدم
وایدین و صار و خان و لایترنده کی یوسف پاشایه ده اتواغ و وعد
کونله مکتوب یازوب بو طرفه کلسنی تدبیر ایتدم اولدخی کلمکه
وعد ایلدی بوا یکبسنک دفعه اناطولی تمام فتح اولمش اولور یوسری
کچمه به فاش ایتد دیو پادشاهه عین ویردی بر ماه نصره یوسف پاشا
توابعیله اسکداره کلچک سردار اعظم دنیا و آخرت اوغلم اول دیو
ایکی قات خلعت کیدر وب بر قاچکون نصره رکاب همایونه کتوروب
خلعت کیدر تدی و بر ماه نصره محصلق ایله مغنسا ار په اتی برات
ویردی (پادشاهه خصما سردار حقنده ناسزا مقالاتی سمع همایونه
القایا تلیله لالا اختیار سن قزلباش سفرینه کیده مپور سک اختیار کله
کیمی سردار ایدر لم جواب کوندره سن دیو خط همایون کوندر مکله
پاشا تنهاجه حضور همایونه واروب بن قولک تفصیل حالی مقدما
سویلمش بدم دیو جک بوق لا لا خاطر مده در کچمه به سویلمش
وایشی سکا اصمرا دم کندک یلور سک لایق نه ایتد اولیه ایله دیوب
کوندر دی و بر ماه نصره مصلی چاوش ذوالفقار پاشای ایچ ایله
دعوت ایتدکله ذوالفقار پاشا قونیددن لازنده به ورود و مصلی
چاوش ایله یتد قونیه به کلد کلرند ذوالفقار پاشا مصلی چاوشی
قتل و پاننده کی مالی میری به بعد الضبط یچ ایلده کی مانده قره مان
دفتر دار یله کتیدیلر سر مقطوعی خفیه اسکداره کلد کده سردار
خنکاره واروب بر قوی دشمنک باشی کلانی (بعد ازین) بونده کینک
ایشی بر یلور دیو جک پادشاه صفا سندن لا لایموب بنم

بابا جغتو سنك بكا ايتديكك خدمتك حق توالي مكافاتي ايدنه نيجه
معقول ايسه اويله ايله ديوب خيز دعايله كوندردى ايرتسى سردار
غاليقار يوسف پاشاي بعد القتل واروب مصلحتي افاده وسنه آتيدده
ديار عجمه سفر مناسبت ديدى (چونكه) مراد پاشا ايله ايتكجي زاده
احد پاشا مياننده قديمي منافسه وارايدى مراد پاشا صدر اعظم اولدقده
احد پاشايه بودفعه البته بتمله قزلباش سفرينه كيدر سن ديدى
و پادشاه حصر تلى دخی كينسون بيور مشكن احد پاشا خوفندن
كيتمانك استدكده مراد پاشا پادشاهم احد پاشانك ازاله سي لازمدر
اوقاف و بيت المال خراب ايتدى ديمكده پادشاه دخی وارقتل ايدوب
مالي ميرى به ضبط ايله ديوب بيور دقدنصكره سردار ك الندن سنى
قورتاره مدم حذرايت ديوب احد پاشايه خبر كوندردكده احد پاشا دخی
مدد پادشاهم احد قولكي قورتار باقى پاشا يرعه سفره كينسون ديوب
نياز ايتدى چند روز صكره مراد پاشا حضور همايون و اريجي قى بنم بابا
لا لاجغتو سن پير فائيسن اباغ اوزره طور ميوب اونور ديججه پادشاهم
قول اولان حديني بملودر ديدكده بر خوردار اول اما سندن بر نيازم وار
پاشا راو يوب پادشاهلر قولدن رجائتمك اولور مى فرمان سز كدر
بيورك ديوجك احد پاشاي بكا باغش ديوب قتلندن فراغت ايله ديدكده
مراد پاشا ناچار امر پادشاهم كدر ديدى يارين سكاوار سون اما زنهار
خطا اير كرر ميه سن استانه مده دفتر دار اولوب انك خچه سييله برينه
باقى پاشا كينسون ديوب مراد پاشايه فاخر لباس كيد يروب كوندردى
فرداسى احد پاشا مراد پاشايه وار دقدن نوازش ايدوب شمدنكيرو
بزمه خوش اول ديوب احد پاشاي تلطيف ايتديلر (پس) مراد پاشا
بش ماه اسكدارده اونور دقدنصكره روز قاسمه يدى كونا قاله استانبوله
كچوب اولبهاره قدر قزلباش سفر ينك تدار كنه باشلدى بيك اون سكر
نامن شوالنده آت ميداننده واقع جامع شريفك اساسى وضع اولندى
(بعد از ان) تجديد استار داخله كعبه مكرمه و روضه مطهره قوانين
عثمانيه دن اولمسه له دائما مصرده اشلنوب كوندريلوردى لكن تدقيق
صناعت اولمديغندن سلطان احمد حضرتلى دار السلطنه ده
نقوش ببدل ايله مثلى ناياب اشلنديلر (پس كعبه معظمه نك استار

داخله سى بيك التمش زراع اولوب قرق سكر بيك درهم حرير بافته دن
اشلنوب سنه مزبوره جاذى الاولنده كوندردى كذلك روضه مطهره
كسوه سييله حضرت فاطمه الزهري رضى الله عنها مرقد منوره رينك
كسوه و نطاقلرى سنه آتيدده تكميل و ايبصال قلندى (چون) سردار
اعظم مراد پاشا اسكداره كچوب بيك اون طقوز غره ربيع الاولنده
سرحد عجمه واردي شياه حوالى تبريزده اولوب شتا دخی ياقلشمش
ايدى سردار حضرتلى سرعتلله تبريزه وارديلر كه اهاليسى شهرى
تخليه ايتلر عسكر اسلام شهر ك نيجه عمارتى ياقوب بيقديلر شاه ايسه
تبريز جوارنده واقع كوه سرخاب قلعه سنده اولوب ميدانه چقما مغله
قبش دخی كلوب محاربه سنه آتيدده قالمغين سردار حضرتلى
تخريب دار و ديار دنصكره ديار بكره كلديلر و شاهه نامه كوندريشيدى
شومقهومده جواب كلديكه مقصد ما شاه اسماعيل ثاني زمانده كى
اقوالدن نقض عهد ايتدى ديوا اعلام اولمش اول چوق زمان ساططنده
اولمديكه نقض عهد ايله سزك سرحدلر دى حكام كنز بازرگانلر يمز
اموالنه طمع ايدوب نيجه سن قتل ايتلر يله بالدفعات سعادتلو پادشاه
طرفند عرض اولنوب اصلات قيد اولميجق ناموس سلطنت اكاتحمل
ايتام كله جانب حقندن توفيق رفيق اولوب ملك دور و غمز اولان مملكت
قبضه تصرفه كيردى و تاتار عسكر يله مباحات اولمش مقصد ما اسلام
كراى و غازى كراى شروانده قزلباشله محاربه لنده بوزيلوب خاللى
اسير اولمشيدى ينه كلورل ايسه جزا رين بولورل آل عثمانك قوت مال
و وفرت عسكرى معلوم عسكر يكر كرتندن انديشده اولمير مرحوم
سلطان سليمان حضرتلر ينك ددهم شاه طهماسبه و برديكي عهد نامه
موجبجه قطع سنور جائز ايسه بن سعادتلو پادشاهك بر قوليم بر كيمه
دشمنلكنده قوى اولمسه دوستلغند اعتماد اولمير بزم دخی دوستلغين
مشاهده اولنور شويله كه رضا كز يوغه سبه و راه پرده تقديرده اولان
ظهوره كلور و السلام (پس) مراد پاشا دخی تاتار عسكر يله مباحات
اولنور ديتش تاتار پادشاهك سار قوللرى كيدر خاللى اسير اولديسه
اونه دنبر و بردقه مغلوب اولان بردقه ذه غالب اولور اكر سز دن
اسير اولنور بعدد اولنسه تطويله مؤدى اولديغند نماعدا باعث خياليت

او اور سعادلو پادشاهك خطبه سى او قند بغي مملكتلردن قصريد
 اولنورسه پادشاهك بر عمل مانده قوليم وسوزم پكر اميدنده يم ينگرى
 اصلاح ايدوب كافى الاول قطع سنوردنصكره دولوب ككده يم
 والاپادشاهك دنيا سر اينده عباس نامنده حاكم اولديغنه رضاسى بوقدر
 مقدر اولان ظهوره كلور بعنايته سيجانه انتقام آلتقى محققدر ديو
 جواب كوندردى و بر سنده قريپ اكلوب جواب ككده مكله سلطان
 مراد زمانده قبضه تصرفه كيرن ممالك استخلاصيحون جادى الاخره
 يكرمى بدستنده ارضيرومه وارد قده شاه بدن نامه كلوب سرحد
 حكامك مال رعيت وتجاره تجاوزلى سبب تقضى عهد ذكر اولوب
 ظرفيندن كلام تساسله وار مشيدى امور صلح تمسينه نيت وار ايسه
 مضى ما مضى سلاطين ما ضيه زمانلرند اولديغى اوزره صلح
 اوانه ديويار مش سردار اكر مدخى سلطان مراد زمانده فتح اولان
 بمالك سزده ايكن مضى ما مضى مضمونى كاره كين صلح مراد ايسه
 پادشاه خطبه سى او قناتن بمالك تسليم اوانه ديويار ديلر (پس) شاهك
 ايلچيسى كلوب سايقنا اتان بمالك محصور لندن سته ده ايكوز بوك
 حرير كوندرمى تههد و اول مملكتلرده طرف پادشاه بدن پر به كلر يكي
 اولمق اوزره صلح رجا ايمكين ضراعتامه سباله ايلچيسى سردار
 حضر تلى استانه كوندردنصكره ينه تيريز جانينه كيديلر (چون
 شاه اوزرينه سفر زمانى كلوب سردار مراد پاشا ديار بكر خار جنبه
 نصب خيام ايلدى شاه عباس ينه ضراعتامه كوندروب قول ساق
 اوزره صلح رجا ايتدكده سردار ليت و اعل ايله جواب و يروب ترتيب
 مقدمات حرب اوزره ايكن بك يكرمى جادى الاولنك يكرمى بشنده
 بامر تعالى وفات ايديجك استانه دن سردار تعيين اولنده قور اتفاق
 آرا ايله مصالح سردارى نصوح پاشاه كوندورلد يكي در دولته عرض
 اولنده قده جادى الاخره اون ايكبسنده مهر هم يون وسردارلق
 نصوح پاشاه احسان اولمقله شاهك شرط ساق ايله صلحه مطالب
 اولديغى لمصلحه قبوله قرين اولدى و او اخردى لحه ده دختر شهر يارى
 نصوح پاشاه عقد اولندي (پس) نصوح پاشا قزلباش طرفند
 كلن ايكبوز بوك حرير ايله ايلچى آلوب غره شعبانده استانبوله

ككده ككزنده شاه اول ايلچى اهل علم و صاحب كمالدر مجلس پادشاهيده
 معقولات سويلوب سئوال و جوابه قادر اوله لرديو بالا انتخاب
 كوندرمشيدى اعلى ارلان قاضىخان حضوره مايونده دهشتن خبط
 اولوب پادشاهيم شاه عباس سبك قولكدر ديكده تفسيرى بر حرف
 سويليه مدى ما حصل ارضيروم و بغداد جانلرند سلطان سليمان
 شاه طيماسب ايله صلحه عقد و اولان حدود اوزره سنوردن كسيلوب
 مهورود حرير هر سنده كوندريك اوزره صلحه قرار و يرلدى (اوشاده
 وزير اعظم نصوح پاشاه و يريلن عايشه سلطان ايجون وليه عظيمه
 ترتيب اولندي (بعد از ان) سلطان احمد حضر تلى تامين ذى القعدة ده
 اركان دوليله براى تفرج ادرنه عريمت و لندن صقرك يكرمى در دنده
 كليولى به ورود وسير و شكار دنصكره يك يكرمى يكي غره ريم الاخرنده
 اسكدارى تشريف يورديلر (وينه) شهر مند كورده ممالك اسلاميه دن
 خجری كليسا قالدرديلر و لكن طبع بشره غسادتعال اولمقله چوق
 ككميوب ينه رخصت اولدى (چونكه) عمر پاشا ماوراء الفلاق و بدلانه
 واروب در دواندن منصوب و بوده لى ايجلاسله نظام و يردي بود قده
 پادشاه حضر تلى ادرنه يه وارد قده اردل قور قوب ايوه و يانوه
 قلع لرى تخليه ايتكله امر اسرحد واروب ضبط ايتديلر (وينه) ده
 كفارى بدلانه هجوم ايتكله ساستره واليسى دلى ابراهيم پاشا كوندربلوب
 له طيور بى يوزدى (وينه) يمن طرفندن فته ظهور ايتكله مصر دن
 كوندربلان عسكر واصل اولدى (وينه) پادشاه انام سنده مريوره
 شوالنده خواص و مقربين ايله ادرنه كيدوب آنده قتلاديلر (چونكه)
 وزير اعظم نصوح پاشا ادرنه مناسبتيله ركاب همايونه قريبت كسيپ
 ايدوب ايتكچى زاده مك وزارت و دفتر دار لفى چكه مكله خفا ياسنه
 وقوف ايجون مرقومك نصب عيني قزلباش حسنى چرمين واليسى
 ايتشيدى ايتكچى زاده مرقوم قزلباش حسنى تميم ايتكچى نصوح
 پاشا ادرنه يولنده ايتكچى زاده ايجون شاكير پيدا ايدوب ركاب
 همايونه برقاج كره عر ختمال و ير در مكله دفتر داراقدن عزل و حاجى
 توجه ايلدى (بو اوشاده شاه عجمه صلحه مامه يازيلوب كوندربلدى
 (پس) پادشاه جمعا يك يكرمى اوج اوائل محرمنده ادرنه دن دالالطوبى

تشریف پیوردیلر (بعد از آن) قیودان خلیل پاشا ستم مزبور جادی
 الاخرنده طرابلس غرب لیانه کبرد کده اول دیارده تغلبا حکم ایدن
 سفردانی نام شقی دوتنه ای ایمانه قویماقی استدبسه ده قیودان پاشا
 مرقومی دعوتله کتوردوب پیوره اورنجده عونه سی قلعه به قیونوب قتال
 مراد ایتدکلرنده بعض مشایخ توسط طبله قلعه ضبط اولدقدنصکره
 شقی مذکورک سفن و اموالی میری به ضبط اوانوب بر موجب فتوی
 قلعه قیوسی اوکنه صلب اولندی و اندن اناوارینه کلند کده اون ایکی بیک
 کبل خطه ایله مملو برحربی قلیونی آکندی و اندن یاسو به کلند کده
 مرادیک اوج قطعه طونس کیلریله ملاقی اولدی موره مایه طانی
 خلقی عصیان ایتلریله ترخاله متصرفی ارسلان پاشا برا و قیودان پاشا
 بحرا واروب اکثرینی قتل و ماعداسنی من بعد عصیان ایتماک اوزره
 آزاد ایتدیلر (پوشاده قیودان پاشایه خامت و شمشیر کلکله شوالک
 بکرمی بشنده استانبوله کلدیلر) (بعد از آن) قزاق شیفته لری بلاد
 اسلامدن فرار ایدن مرتد کوله دلالتیله ماهر جیده سینوب قلعه ستم
 استیلا و ایچنده کی مسلمینی شهید و مال و عیالارین غارت و شهری احراق
 و بحرا فرار ایتدکلری قهره کرسوا حلتی التمش پاره شیفته ایله محافظه به
 مأموز اولان شقشقی ابراهیم پاشا طویجیقی تعقیبه اله کتوردیکنی قتل
 و بکرمی نفر قزاقی دست بسته اوائل ره ضانده استانبوله کوندردی
 (بعد از آن) ساحل شامده شرف ناحیه سندن صفده حدودینه وارنجده
 میرلواندن معنی اوغلی فخرالدین ضبطنده او اوب هر ستم اورانک اموال
 مقطوعه سنی استانبوله کوندردکن وزیر اعظم نصوح پاشا ک عداوتی
 اولمغه ازاله سیچون شام والیسی حافظ پاشایی اوزرینه کوندردی
 الحق معنی اوغلنک شقف و پانیاس و دیر القمر و سار قلاعی رؤس
 جبالده و آلات حربی کالده و عسکری دورزی طائفه سندن ایسه ده
 حافظ پاشانک اقدامندن ممالک فرنگه کیدوب فرانجه عسکرینک
 قدس حوالیسی استیلا ستمه معارفت شرطیله التجا و متعلقانسه
 کوندردیکی مکتوبده اشکر کفازایله وارلق اوزره درسزدخی قلعه لری
 حراست ایده سز دیویازدی (پس حافظ پاشا قلعه لری بعضی چنگله
 و بعضی امانله ضبط ایتکله ایکی بیک قدر دورزی کندویه مطیع

اولدیلر فاما ذروه جبالده کی قلاع متیننک فتحی قابل اولمغه به معنی
 اوغلی رفعتندن صفده سنجاقی ویریلن حسن پاشا قلاع مذکورده ده
 اولنله استمالی متضمن خبر کوندربچک برآی محاصره ایدن عسکری
 دفع ایدوب استانه دن حکم امان کتوردیسه کز قلاعی تسلیم ایدرز
 دیملریله عرض اولنوب رخصت امانی حاوی امر کیشیدی او ائشاده بش
 پاره قلیون ایله قلاع مذکوریه وضع ایچون طوبلر و حربی کفار معنی
 اوغلی کتخداسیله کلدیکنی حافظ پاشا اشیدبچک حسن پاشایی
 کوندروب تالان ایتدردی و اندن دورزیلرک مجعی اولان عین رطه
 نام محله واریلوب بالمحاربه مسکنلری احراق اولندی و دیر القمر عسکر
 کوندربلوب رئیس لری ناصرالدین قلعه دن چیقوب استغفار ایتدکن
 امان ویرلدی ما حصل معنی اوغلی فخرالدین روان سفری ستم سی
 اله کچوب استانبوله قتل اولندی (چونکه) صدر اعظم نصوح
 پاشا وجیه و جری و پرکوا اولمغه التفات شاهانه ایله صدارتده استقلال
 بولدی ولکن مغرور و تکبر و خود بین اولمغه و زراک کینی تقاعد و کینی
 پادشاهه غمره عزل ویرلینه کندی نواب سندن قلیل الدیانه کسانکی
 نصبه تفید ایتدیکندن باشقه علمایه خصوصاً مفتی محمد افندی به
 عداوت ایلدی و هر طرفه ظلم و تعدیسی عینا و عینا معلوم شهر یاری
 اولیجی بوستانچی باشی حسین اغا کوندربلوب بعدالاعدام مهربایون
 وزیر ثانی و داماد سلطانی محمد پاشایه ویرلمکه عالم حیات تازه بولدی
 یوغرایبندرکه نصوح پاشانوع بشره ایتدیکنی ظلم و تعدیدن باشقه
 استانبوله کی کلایی قایق قایق اسکداره و سار محله نی ایلدی و ذلک
 امر لم یسمع (چونکه) شاه عجم دردولته هر ستم بوزیوک حریر و یوزیوک
 امتعه کوندرمکی تعهد ایتشیدی خراجده کی کسلمشم دیوایکی ستم
 کوندرمیوب نقض عهد ایتکله عجم سزینه حاضر اول دیو وزیر اعظم
 محمد پاشایه خط همایون کلکین اولدخی بیک بکرمی درت ربیع الاولنک
 بکرمی اوچنده اسکداره کچوب و شعبانده حلبه وارد بیده اوان شتا
 اولمغه اولبهارده عجم سفرینه قرار ویرلشیدی مقدما عجمه کوندربیلان
 اینجیلی مصطفی چاوشک او ائشاده آدمی کلوب شاهک هر ستم
 کوندردیکی حریر ایله قاسم بک نام الحیسنک سرحدر وانه کلدیکن

بلدر مشیدی واقع او اثناده اچلی استانبوله وارد قدده برسته قدرنه
نامه سنه یاقلدی و نه هدا یاسی مقبوله کجندی (چون صدر اعظم
محمد پاشایک یکریمی بش اولهارنده حلیدن قاقوب کوکسون یايله سندن
اقتشار صحرا سنه واردی روم ایلی والبسی داود پاشا عسکر یله کلوب
آستانه دن خزینه کتوردی او ائل جیادی الاولده ارضرومه ورود
قلعه دن یدی طوب الثوب ماه مزبور او اخرنده فارصه وارد قدده
مقدمه فارص قلعه شاهی شاه کرام خراب ایتمیدی بعدالنه میر مخافه سی
کورلد کدن صکره واسط جادی الاخرده روان صحر استه واردی
و کجه مترس قازیلوب محاصره اولندی امیر کوته خان قلعه ده و شاه
تحتوانده ایلی اطرافدن طوپلر ایله یکریمی کون دو کیلوب مقید اولمیش
طیراق سورمکه باشلندی کوندوز سوریلان ترابی قزلباشلر کجه
قلعه یه چکرلدی آخر اقدامله قلعه دن کدکار آچیلوب هر طرفدن
قلعه یه یوریدیلر قزلباشلر تنک اندازلر یدنلر یفیلوب جنک اتملر یله
چوق کیمشه شهید اولمقله کیر و چکیلندی قامارج و یدن یقبیلوب
حصار دیواری زخمه دار اولدیغندن یک جمله ده التقی ممکن ایکن
قلعه دن شاهمره طانشوب قلعه یی و برهلم دیودرت کون مهل آللریله
فرصت دزدیوز خنده لری یابدروب آلازع طوپلرین آتیلر ما حصل
قرق درت کون جنک و محاصره د نصکره قله و باروت قاقوب روز
قاسم دخی حلول اتمکله ضروری صلحه رغبت اولوب نصوح یايله
مستقیم اولان صلحه و یر یله چک حر بر و هدییه تک نصفی و یرلک
اوزره تجدید صلح اولندی (پس بونجه تلفاتند نصکره رمضانده
دوتیلوب شدت شتاده صوغانلی یايله سی کچلور کن بیحد نفوس
طوکوب تلف اوله رق ارضرومه کلند کده سردار محمد پاشاک بونجه
خریشته و عسکر ایله روان کچی بر طیراق قلعه یی آلقه قادر اوله مدیخی
معلوم سلطانی اولمیش صدارت و سردارلقدن عزل ایدوب قپودان
خلیل پاشایه احسان ایتمکین اولدخی لوازم سقریه یی تدارک و قریم خانی
جانیک کرای خاک عسکر تاتار ایله سفره کلسنی فرمان ایتدندی چون
اولهار کادی سردار اکرم خلیل پاشا اسکنداره کچوب بجمه متوجه
اولدیلر (بواثناده) قره دکره قزاق اشقیاسی چیمقله دریادن دونغا

وقره دن روم ایلی ایالتی یايله سبله بوسنه والبسی اسکندر پاشا سردار
اولوب نوروز نصکره کوندردی (وینه) بیک یکریمی التیده سلطان
احمد حضرتلریک آت میداننده یدی سنه دنبرو بناسنه اقدام اولنان
جامع شریفلری ختام بولدی (چونکه) صدر اعظم خلیل پاشا
عجم سفر یچون ثامن جادی الاخرده اسکنداره کچوب شعبانده دیار بکره
واردیلر تاتارخان دخی قرقیبیک تاتار ایله کفه دن چقبوب مأمورا
ولایت عجمدن کجه و تحجوان و جلها سمنلرین غارت و تخریب د نصکره
دونوب دیار بکرده سردار اعظمه ملاقی اولد قدده طرف همایوندن
کوندریلان بش بیک التون ویرلدی (پس قزلباشک کورجستانی قبضه
نصرفه کجورمک فکری ایدیکی معلوم اولمغین باتون والبسی عمر پاشا
عسکر یله و جلدر بکی مرتضی بک و سفر پاشا و سار عساکر امر محافظه سندن
کوندردی (بعد ازان) بیک یکریمی التی سنه سی او ائل دی القعه سندن
سلطان احمد حضرتلریک سوء معده دن مزاج شریفلری متغیر اولوب
معالجه اطبا کار کر اولمیش ماه مزبور بیک یکریمی او چخی لیله ار بعاده
عالم بقایه رحلت پیورد قلدننده شهراده لری سلطان عثمان صغیر
اولمقله اصحاب حل و عقد برادر لری سلطان مصطفایک جانشین
اولمسی معقول کوروب قائمقام محمد پاشا و مقی اسعد افندی وارکان
دولت صباح نمازندن مقدم دیوان همایونه کلوب سلطان مصطفی
خانی تخت اجلسه بیعت ایتدیلر (پس سلطان احمد حضرتلری
اون درد یی پادشاه اولوب اون درت یاشنده پادشاه اولدیلر
واون درت سنه پادشاهلی ایتدیلر

* امارت سلطنت سلطان مصطفی بن سلطان محمد خان *

سلطان مصطفی خان حضرتلری بوم مزبوره برادر لری جنتکان
سلطان احمد خان مقامنه پادشاه اولدیسه ده عقلمنده بر مقدار خفت
مشاهده اولد قدده مدت وافر دنبرو حبس اولندیغندن کیده رک
کامل ورتبه تصرفه نائل اولور دینلدی سلطان احمدک بجه بر
ونکفنی کوریلوب تربیه منوره لریسه دفن اولند قدن صکره سلطان
مصطفی بر قانون قدیم ابی ایوب انصاری رضی عنه الباری حضرتلریک
تربه سنه فلیج قوشانوب ارکان دولته اجداد کراملری تربه لری

زیارت و صدقات و قرائین اولش در دکن صکره برای تبشیر جلوس
 همایون اطراف عالمه اوامر علیه و کندی دارالسعاده اغاسی
 مصطفی اغا که دور سلطان احمد خاند کمال استقلال الله معتبر اولوب
 اعیان دولت و ارکان سلطنت کندویه رام ایدیلر سلطان مصطفی
 لاقد درویش مشرب اولمغه مصطفی اغا امتزاج ایده دیوب التفاتدن
 دور و تعین و تصرفدن مہجور اولدیغدن ناشی شهریار حضرت تریک
 قلت عقلم و عدم تصرفن اعلاان و ستری لازم اولان حرکات
 و سکنتانی هر کسد افشا و بیان ایدوب اگر بر زمان پادشاهلقد فالورسه
 بونجه دنایر مسکو که بی دریایه و بیابانه آتوب ناخجل برزه صرفه خزانه
 عامر بی نابود ایده جکند شہه یوقدر دیو کلمات ایدز اولدی
 برکون مفتی و سائر علما و اعیانہ پادشاه جله شہزادری قتله مرصدد
 آل عثمانک انقراضنه سبب اوله جحق یو خصوصه مانع اوله جفکری
 اذعان ایتکله منصبلر یکرزی ادانی به توجیه ایده یور دیو خبر کوندریچک
 جان باشلرینه صیجرا یوب سلطان مصطفانک خلعه اتفاق ایتدیلر
 و بیک یکر مییدی غره ربیع الاخرنده قیوقولی توزیع مواجب بهانه سیله
 آماده قیلنرب سلطان مصطفانک ساکن اولدقلری اوطه قیوسنی
 دارالسعاده اغاسی مصطفی اغا باند وسد ایتد کدنصکره سلطان احمد
 مر حومک اکبر شہزاده سی سلطان عثمانی باب آخردن اخراج و تخت
 فریدون رخته اجلاس ایتدیلر و اقعاسلطان مصطفی اجدادی تریلرین
 کزوب دریاده بالقره التون آتمق و عبث یرہ یوللرده التون و درم صاچق کبی
 ناممقول حاللرینی خالق عالم رأی العین مشاہدہ ایدوب عدم رشدینی
 بیلدیلر (پس سلطان مصطفی اوج ماه و اون کون سلطنت ایتد کدنصکره
 اریکة سلطنت و دولتدن خلع اولنوب ینہ مسکن قدیملرینہ کیردیلر
 * امارت سلطنت کچ سلطان عثمان بن سلطان احمد خان *

سلطان عثمان علیه الرحمة والفقران حضرتلری یوم مزبورده سر بر
 سلطنته جلوس ایدوب امر بیعت تمام اولدقدنصکره بر قانون الای الہ
 واروب تریہ معطرہ حضرت ابی ایوب الانصاریدہ رضی اللہ عنہ
 قلیج قوشاندیلر و اندن واروب الای الہ اجداد کرا لری مر اقدن
 بعدالز یارہ انعامات جلوس و ترقیات توزیع اولمغه خزینہ به بر مقدار

خفت کلیدی ز را هر جلوس انعامی اوچریک یوک اچہ الہ انجحق
 قیونوردی و سفردہ کی عسکرک ایکی قات جلوس انعامی جانب سردارہ
 کوندردی (بعدازان) سردار اکرم خلیل پاشا جادی الاولده
 دیار بکردن چقبوب چولک صحر اسندہ درنک و اندن تفلپس و وآن
 اوزرندن تبریزه توجه ایلدی (شاه عباس دخی اردیبلده ایدی
 وآن صحر اسندہ تاتار خان اردویہ ایریشوب اردیبل اوزرینہ وارلمق
 تصیم اولندی بوندن اقدام قارجغای خان رعایا الہ اردیبل سمتہ کیمشیدی
 (پس) عسکر منصور تبریزه کلچہ طرفیندن صلحہ رغبت اولندیسده
 تبریز حاکمی قارجغای خانک عسکر قرزلباشلہ اردیبل قربندہ اولدیغی
 معلوم اولمغین تاتار خان و دیار بکر والبسی مصطفی پاشا و وآن والبسی
 الماجی پاشا و سبواس والبسی عثمان پاشا و روم ایلی والبسی ابارہ محمد پاشایہ
 ارضروم والبسی حسن پاشا سردار اکرم طرفندن سردار اولوب
 طمع خامله بی تدبیر اردیبل جانبہ ایلغار و سکر قوناق اولان سرا و صحر اسندہ
 ایکی یچق کوندہ واروب یورغون کیدیلورکن مکر قارجغای خان
 مقدما خبر آلوب عسکرینی بوصویہ قویمغله اوراقدن کورنمشیدی
 علی الصباح غفلتہ جنکک باشلندقدہ اشکر قرزلباش یوصیدن چقبوب
 ایکی ساعت جنک اولمغه سردار حسن پاشا و ارسلان پاشا و مصطفی
 پاشا شہید دوشدیلر و الماجی محمد پاشا و رشوانلی مصطفی پاشا اسیر اولوب
 لایعده سنیان شہید اولدقلرندہ خان حضرتلری جنکده ثبات ایتدیسده
 ناجار سلامتہ چقارلندی و قارجغای یک بشیوز قدر گرفتار سنیلری
 شہید ایدوب سرمق طوعلرین اردیبلده شاه عباسہ کوندرد کده شاه دخی
 بوجنکده دیزچوکن اغاسی نفراتیلہ وضاری و قرمز ی بیراق اغاریلہ
 واری ایدی دیو صورتی یوغیدی دنلیچک کلنلری آزار ایوب تاتار
 عثمانلی دکلدر برقاج بکلر بکی و بر مقدار عسکر بوزلمغله نہ حاصلدر
 دیوب ینہ صلحہ طالب اولدی چون خبر انہزام بر کیچہ سردار اکرمہ
 واصل اولدی صباحه قریب تبریزدن ایلر و کوچلوب عسکرہ قوت
 قلب کلده کده شاه اتباعنه کوردیکز می رومیان بوزلمدی دیوب پیدر پی
 الحیلر ارسال و بر صلح اولدم دیدکچہ سز جنکک کاور سیر بوانہزامکرده
 طمع خامکر الہ عجلہ کر سیدر دیو یازوب ینہ صلحہ رغبت کوستردی

ما حصل اردبيله بره ساقه يقين وارلدقده اچيلر تعاقب ايدوب بالاخره
نصوح پاشا زمانده ي صلح اوزره سنده ايكوز يوك جزير و يوز يوك
بعض تفار يق كو ندر ملك شرطيله طرفيندن صلح نامه ليا زلدي
واولترلده تا كيد صلح اچون سنيانه سكر يوز قطاردوه ذخاير و رؤسا به
هدايا كوندركين وزير اعظم دخی ملوكي هدايا ايله صلح نامه ي
كوندر مكله اسيرل قور تيلوب اردويه كلكده اوائل ذي القعدة ده
سرا و صحرا سندن ارضرومه عودت و عسكركه اجازت و يرلدي
(پس) خليل پاشا بودفقه سوه تدبيردن ناشي منهرم اولدي ديو
اغدامي ركاب همايونه بكملريله بيك يكرمي سكر غره صفرنده عزل
اولوب مهر همايون داماد شهياري او كوز محمد پاشايه و يرلدي
واندن خليل پاشا اسكداره كلكده شام اياتي و يرلدي سده ايكی نفر
خود متكارله اسكداري محمود افندي دركاهنده بر جره به كيروب
عزير مشاليه فخر اسندن بر پيرم منصب استم ديو استعفا ايلدي
(وقعه غريبه) واسطه شعبانده نمجه ديارندن موره اولكه سنده وقت
عصرده برسيه مدور بلوت چيقوب قان يا غدي و بر صاعقه عظيمه
قويغله بولندن شكل صليبه بر آتش كورند كنصكره مجمع او اوب
عظيم دخان چيقوب يابلدي و در عقب بر شدي صاعقه چاتله
اشيدنلر سراسمه اولديلر و طشروه بولنان حيوانات ديزلي اوزره
چكوب باشلرين سمايه قالدرد كنصكره قاچوب طاغديلر بعد سمان
بر بري آردنجه اوج دفعه صيحه عظيمه اولدي و سحاب مذكور دن
سياه و مدور كله لراينوب دوشديكي بره بر يقي ذراع صابلدي
بعضبسي چقاريلوب وزن اولدقده اوچر قطار كلدي ديو بودين
مخافظي قاره قاش پاشادن دردولته عرض كلدي (بعد ازان) قيودان
پاشا اولان استانكويلي كوزلجه علي پاشا مفتما استانبوله كلكده
وزير اعظم محمد پاشا حسد بلا سيله النان غنايم قديمين معاهده و مصالحه
اوزره اولان وندكلي و قراچه اموالدر ديو باليوسلري دعواچي ايلدي
والنان مالك يوزده بري خزينه به كيرمدي ديمكله علي پاشادخي
وزير اعظم بش كبسه اخه و برقاج اسير حق سكوت و ير دكنصكره
پادشاه حضرت تيرينه وجوه عديده دن بيت المال عائد منافع ارأه و تنظيمه

منتهى اولمغله مهر همايون محمد پاشا دن آلتوب بيك يكرمي طقوز
محرملك اون التيسنده كندويه و ير ملكين فرداسي سلفنه حلبي توجيه
ونخوبف و تهديله ماملكن آلتوب حليه كوندردى بچاره او كوز محمد پاشا
عربان و نالان حليه وار يقي قهرندن فوت اولدي (پس) علي پاشا
منعين و مالدارك بر رتقريب مالارين اخذ و مواجبي بعد الادا اينقطع
خزينه عامره به ديتار بيشمار كوندرمكله بر درجه استقلال بولديكه
دارالساده اغاسي مصطفى اغا نظر كرده پادشاهي ايكين انكدخي مالني
آلتوب مصره سوردى و معلم سلطان عمر خواجه دخی مرغى ايكين من بعد
امور جمهوره و سلسله علميه قارشيموب مكله به كيد ديو فرمان ايتدردي
و باقي پاشاي دخی بعد المصادره يدى قله به حبس دكنصكره جزا يره
نقى ايلدي (بعد ازان) طاغته افرنجدن غشير نام كافر كارزار در ديو
اوزى والبسي اسكندر پاشا ايله ايكى كره نمجه به اچيلك ايله كوندركلله
مقابله سنده نفشه جزيره سى دوقه لغى الزام اولندي بعده اسكندر پاشا
ككالتيله ايكى سنده بغداد و يوزسى اولدي صكره و يوداق آخره
و ير يلچك مسفور غشير عصيان ايدوب لهدن امدادله الى اوچيك
لشكر جمع و بغداد دارالملكي اولان ياش بازاري مقابلنده چوچوره
نام محله قوندي چون اسكندر پاشا رمضانده غشيرك عصيان اشتدي
اون بيك قدر عسكر ايله واروب غشير ايله اتوز كوندن زياده متواليا
محاربه ايتد كده كفار منهرما فراره يوز طونديلر و اطرافه اوچر ضعف
عربه يي مترس ايدوب يكرمي بيك قدر پياده و اتوز بيك قيدر سواري
كفار اطرافه تفك آتق كيدر كن لشكر ناتار بونلري تارمار و يوز يكرمي
پاره طوب و يوقدر بيك يوكلي عربه اموال و ذخاير لرين يغما ايتديلر
بو محاربه ده لهك يوزدن زياده بكلري وارايدى كيمي قتل و كيمي
اسير اولدي و ياش سرداري زيلقوسقى مقتول و ايكينى سرداري
قونسواسق اسير اولمغله در زنجير ركاب همايونه كوندردى (بعد ازان)
مقدمه بغداد و بوده سى قسطنطين نام غلام اعرج اباسي دومنه
اغواسيله عصيان ايدوب بالجمله اموال تجاري غضب وله قرائدن
كتوردى بيك سكران بيك اشكر ايله صفاليه به واروب صفاليه قرالى قانشير
او غلى ايله روم ايلنه بوريدكلرنده سلسره والبسي اسكندر پاشا

عسا کر کثیره ایله اوزییه واندن آفکرمانه واندن منزل ثالثه دشمن
اوزینه واروب کوردیکه کفار قوجیلرین طابور کی دیزوب حاضر نمش
همان چنکه یاشلدقده کفار منهرم اولوب قانسیر اوغلی قتل و ملعونه
دوغنه و اوغلی اصرح قسطنطین اسیر اولوب الی میگردن زیاده کفار
قلیمدن کچی (وینه) قبودان خلیل پاشا قرق پاره قدرغه ایله
آق دکرده دراج و فرقه لماندن واروب مغرودنیا حصارینک خلق
غافل ایکن صبحا و قی هجوم و اولکون بیرون قلمه بی و اوچنی کون
یج قلمه بی ضبط و غارتد نصیره احرار و بر مقدار اسیر ایله غایب و جثیه
کادیلر (وینه) بودین محافظی قره قاش محمد پاشا طونه کارنده واقع
واج قلمه سیکه باج و خراجی سنده یوز یولک اچیه قریب درم قنار تدیر
دلپذیر ایله فتح ایلدی (وقعه عجیه) یک اوتوز سنی غره ریم اولندن
اون التیسه قدر استانبولده عظیم قاریاغوب شدت سرمدان دریا
سراسر منجمد اولمغه همان آقندی اور تاسنده برنهر صغیر قدر محل
حق قادی اون بدیجی کونکه خوسینک اون بری ایدی سرای بورتی ایله
اسکدار آره سی یکپاره بوز طوکوب غلطه دن استانبوله و خاص بجه دن
کرج قپوسنه پیاده آدیلر یکدی بیابن مراکب بحریه منقطع اولوب ذخایر
کلمه کله یتش درم نان بر اچیه و لحک قیه سی اون بش اچیه چقدقده
(بول اولدی اسکداره یک اوتوزده اق دکر طوکدی) دیوهاشمی افندی
تاریخ سبویلیدیلر (بعد ازان) وزیر اعظم علی پاشا له کفاری قزاق
مذقه سن قره دکره کوندر و ب سوا حله کی بلادی غارت ایتدیر
دیو عتبه علیه به عرض اتمکله پادشاه حضرت تری دخی اول بهارده
بالذات له اوزرینه سفر تدارکنده ایکن علی پاشا نصف ریم الاخرده
راه آخرته سفر اتمکین مهر همایون بوستانجی باشلقدن مخرج حسین
پاشایه ویرادی چون پادشاه اناام سفره عزیمتین مقرر ایتدیلر دفع
دغدغه فتنه ایچون روم ایلی قاضیه سکر کی کمال الدین افندی اتواسیله
برادری شهزاده محمد خانک قتلهم هجوم واندقده عثمان الاهدن قورق
حق تعالیدن رجا ایدرمکه عمر و دولتک بر باد اولوب بی عمرمدن نیجه
مجمروم ایتدکسه سندی بهر مند اولیه سن دیو ختم کلام ایلدی
شهراده مذکور پدرلی سلطان احمدک ایاغی اوچنده مد فوندر

واندن سلطان عثمان حضرت تری جادی الاخرک اون التیسه سنده
داود پاشاده او طایع همایونه واروب پیر محمد پاشای دار السلطنه
محافظه سنده مأمور ایتدیلر یکرمی طقوزنده صلوة کسوف و صلوة جمعه
قیلمغین عقلا بوسه فر او یغو نسرجه اولور دیدیلر اول کون داود
پاشادن کوچیلوب عاشر رجبه ادرنه به وارلدی خامس شه باند
بالقان آشیلوب شاه محمدن کلن درت رأس فیله کوسلر تحمیل
اولمشیدی سیل ظهور اتمکله او تاغ همایون تحمیل اولندی سلاک
والیسی عبدالله پاشا که حاجی کی دیمکله معر و قدر مقدما له طرفه
کوندر لکله الدیفی دلری اوزدوی همایونه کوندردی پادشاه
حضرت تری ثامن شه باند له ولایت آقین ایچون مشنار البهه امر
کوندردی یکرمی برنده قاتر طرفدن اوج دل کازوب کفارک اوج برده
طابورینی خبر و یردی یکرمی ایکی سنده محل جسر اولان اساجی به
واریلوب طونه کارینه ایتدکده اوزی والیسی حسین پاشادن آدم
کلوب قزاق کفره سی اون سکر پاره شقیه ایله اوزی اطرافنی غارت
کلملر ایدی اوزی عسکری شقیه لایله واروب کفارک شقیه لایک
برینی غرق و سارینی آلدیلر دیو خبر و یردی و کوندر دیکی اون نفر
کافر لایع عقوبتله حضور همایونده قتل اولدیلر غره رمضانده بر دل
کلوب قرال اوغلی قرق یک لشکر ایله شعبانک یکرمی سکر نده
طوزله دن یکوب بغداد ستورینه قوندی و کندی عسکری ایله نختنده
طابور قوردی دیو خبر و یردی اوچنی کون وزرا و عسا کر فار شویه
یکوب بغداد صحرا سنده قوندیلر خامس رمضانده قبودان پاشادونغا ایله
کلوب قره دکرده قزاق شقیه لایه ملاقی اولمغه بش پاره سنی غرق
واون سکر پاره سنی الوب ایکیوز قدر زنده کافر اسراسیله حضور
همایونه کلدکده ایکی قات خلعت کیدیلدی و قزاقلرک بر قاجنی
کندولر اوق ایله اور دیلر و بری مرتد اولمغه قدرغه به پاره لندیلر
و بر قاجنی دخی قبله چکنند و ب هلاک ایتدیر دیلر و ماعداسی اشد
عذابله قتل اولدیلر ماه مرتب ک سکر نده اساجی ده بر حصن حصین
بنیاسنه باشلندی اوننده اساجیدن طونه یکیلوب یکی کوی قرینه
قونلیدی اون اوچنده کفه والیسی قزاق کفارندن اوچیزا سیر ایله

کلیکین کی قتل وکی غرق اولندی اوتار خاندن آدم کلوب اون یک
قدر تاتار ايله اوزی صوبی کلوب امر جلیل القدره تاتار اولدیغنی
بیلدرمش بکر مینده تاتاران منزله اینلد کده دیار بکر والبسی دلاور
پاشا و عتیقه افلاق یکی الی یک کافر ايله کادیلر یکر می درنده برایکی
دل کلوب منور لدقده کفار خوتین نام قلعه اوکنده طایفه و متر سار
قوروب الشمس بیک تفک انداز طولدردی و قرال اوغلی دخی کلک
اوزره در و بر مقدار قزاق اوزی اوزرینه کوندرلدی دیمکله حاجی که
پاشا و لجانبه کوندرلدی یوانشاده اردل حاکم پتلن غابوردن مکتوب
کلوب طاعار خفیه له قرالنه امداد ایمکله اردل بدن ایریشوب جله سنی
قیردم دیویازمش مزبور پتلن بوسالده عظیم عسکر ايله و عساکر
سرحد اهل اسلام ايله واروب بوزونی محاصره و اطرافه آقین
ایندردی و اوزرینه عتیقه طابوری کلکله امداد الحار به پتلن غالب اولدی
و بکان اوغلی و اول طرفده محار جله کندویه دونوب حروان و عتیقه
قریه لرینی غارت ایلدیلر و یح مقابله سنه کلوب اطرافن اوردیلر کرم
قری نام محله عیبد شریف اولوب فرداسی آقین ایچون تاتار خانه
اجازت نامه کوندرلدی و بغداد یکی خبایثی مقتضاسی حبس اولوب
بری استغافه ویرلدی (ثامن شوالده قونچان نام منزله تاتار خاندن آدم
کلوب قزاق طورلی صوبیدن یکی قوناق بری کلد کلرنده تاتار عسکری
شبحون ایدوب برازی قتل و غریبه لرین غارت ایلدیلر ماعداسی
برهامونده طابورچو و بکلو سنی میدانه چیتقدقه بالمحار به یک قدر
قزاق قتل اولدیغنی اخبار و برقاج طوب استمکله شام عسکر یله توغای
پاشا و ایلصانلی حسن پاشا و ایدین یکی یکر می بش پاره طوب ايله
کوندرلدی یوکیغنی قزاق کفار ی طوب یحجه بولک طابور لرینده قاجدیلر
یوندن اقدام بش یک کفار بغداد غارته کیتدیکن و بوده اعلام ایتمکین
برقاج سنجاق بکری و چرکس حسین پاشا و افلاق و بوده سی مامورا
واروب بالمحار به کفاری بوز دیلر ماه مزبورک اون برنده اول جنک
اولان وادی به اینلد کده یول اوزرنده واقع کهره اریچنده کی مفاره ده
مطمان قدر کافر اولفله باروت و آتش ايله جله سنی قتل اولندی
و منزل مزبورده ایکوز قدر قزاق نهر بروندن اوتنه کنارده واقع

میش لکده تحصن ایمکله بالمحار به قتل اولدقلرند نصکره
فرداسی کوچلدی (اون ایکبسنده خان طرفندن ایکیوز زنده کافر
و ایکیوز باش کلدی) و حسین پاشادن دخی اوتوز زنده قزاق
و وافر کله کلدی (اون ییشنده خوتین قرینده کی کوهستانه اینلد کده
قلعه دینده جسر و قار شوسنده بر پلنقه و ارایندی و قلعه دینده
له طابوری و آلت یا تشده نهر طورلی اوزرنده قزاق طابوری
قورلشیدی اما قزاق طابوری کوهستانده بولمغین اول کون عظیم
جسک اولوب باش و دلر کتوردیلر اولمزلده جانبیک کرای خان کلوب
دامن بوس شهر یارید نصکره بر مرصع تبرکش و سیف و سمور کوزک
و مرصع اگر لواسب احسان اولوب اوردوسند کوندرلدی (اون التبسنده
طابورمه قریب اینلد کده طونه کارینه دیار بکر والبسی دخی بوقاری
اتاطولی والبسی بعده قره مان و سیواس بعده پیاده عسکر و قه ارنده
سیاه و قلب عسکر انلردن بوقار و شام و حلب عساکری و کتاب
وانلردن اوتنه افلاق یکی واندن اوتنه اوزمان کلرنده تاتار خان صف
اندر صف دیزیلوب اوزمالقده جنکه باشلدیلر اولکون کفار چیقیروب
ایچرودن طوب و توفک ايله خیلی آدم ايله یوسنه والبسی شهید ایلدیلر
اون طقوزنده طورلی اوزرینه کیری قوریلوب فردا سچون یوریش
نما اولندی یکر می برنده عساکر اسلام طابوره هجوم ایدوب غروبه
قدر محاربه و اخشامه قریب روم ایلی قولشدن یوز ایمکله تمچیدن
امداد کلان کفار مقابله ده ایدی طابورک برقات طایفه سن مضطله
یک قدر کافر قیدیلر و اون یکی پاره سفلوز و اتوز بیراق و ایکی سنجاق
و عتیقه ولهدن و افراسر کتوردیلر لکن غارتیلر غایمه دوشمکله کفار
یوز یوب کیر و توست کرتیدیلر ایرتسی باش کوستره یوب طوب ايله طابوری
دو کلکله ناچار اکامصل بر طابور دخی یا یوب تحصن ایلدیلر تاتار
میر زارندن قائم برقاج بیک تاتار ايله ککاره یاره مشیدی خان
حضرتلرینک کندویه بر خصوص ایچون خاطر مانده اولدیغنی پادشاه
حضرتلری اشید بیک حضور همایونده کتوردوب اوزی عیالینی
احسان ایند کده فرداسی طورلی صوبی کلوب کفاردن و افراسیر
و مواسی سوروب ذخیره بوللرینی کسیدی یکر می ایکبسنده یاره یوریش

ند اولمغه بعد العصر هجوم اولمغه ديشه ده برايش كوزيله مديكندن
 كيرودونلدي يكرمي ديدنده يوقاري قولدن طابوره يوريش امر
 اولمغه وقت ظهرده چنك اولتوركن دلاور پاشا يور يوب عظيم
 محاربه ايلدي ووقت عصرده سياه و سلحدار يور يوب خيلي چنك
 اينديلر صويك اونه طرفندن طوغاچي علي پاشا بحساب طوبلر
 انديشه ده اخشام اولمغه حادده عودت اولمدي خان طرفندن بربرزا
 واروب كفارك پوزه قريب ذخيره عربيه سني وافر استيراييله كئوردى
 (پس كفاره خط ممتولى اولمغه آچلقدن فراره باشا ديلر يكرمي
 يديشنده بودين والسي قره قاش محمد پاشا ازدرينق يكي ايله كلوب طابوره
 مقابل قوندى ايره سني طابور فتحه فرمان اولمغه قره قاش محمد پاشا
 روم ايلي قولمدين يور يوب چنك و فتحه صد دنده ايكن شهيد اولمغه
 كوجيله جسدن چيقارديلر سائر عسكر دونوب كفاره هي هي
 چاغرد قلزنده پادشاه حضرتلري حزن و ملاله اونا غنه دوندى ماه من بور
 سلجنده كفارك ذخيره سي يغما اولمغه فرار ايدن كفاري قيرديلر و طابور
 امدادينه بيك قدر كفار يوز عدد عربيه ايله كلوركن قاچار تانار عسكريله
 باصوب بر مقدارين قيرديلر ماعداسي بر پلانقه به كيرمكله فتحه همچون
 بالالتماس يدي ياره طوب ايله حسين پاشا و شام عسكري و حاجي كي
 پاشا كوند رلدي مرحوم قره قاش محمد پاشانك شجاعت و دايوانه لگني
 وزير اعظم حسين پاشا چكه ميوب اعدام قصديله كوندردى و امداد
 ايتيوب شهادت يادي اولمچي حسين پاشا عزل و دلاور پاشا صدر اعظم
 و باقي پاشا دفتدار و يوسف پاشا ارضروم و سليمان پاشا ديار بكر
 اولدى باقي پاشا حضوره وارد قده پادشاه حضرتلري اون برماهدر
 مكامت نظر زيورديلر ثات ذى القعدة ده حسين پاشا طورلى صويك
 اونه طرفنده كي عسكركه سردار تعيين اولمدي (بو ائنده بشپوز قدر
 كافر چيغما غله ايگوز قدريني تانار قيرديلر و برمرتد كوله دالائيله
 درنيك قدر كفار اوردونك بر طرفنه هجوم ايتد كلزنده قيصريه يكي
 قراغولنده غافل بولوب شهيد اولدى و قره مان واليسنك اوتاغني
 غارت اينديلر بشنچي كون حسين پاشا كيريدن اونه طرفه كجوب
 كئورد يكي اوتوز ياره ملوب ايله طابورك ايجروسني دوكله باشلدي

التنحي كون كفار طورلى كئازنده كي طابوري براغوب يوقاري اوزمانلق
 ايجنده ياپديغي عميق خندقده تحصن ايتديلر يديجي كون وزير حسين
 پاشا و چركس حسين پاشا و طوغاچي علي پاشا طور ايلك اونه يقاسنده
 محاصره اوزره ايكن سكر يوز قدر كافر شجونه كلوب اوج ساعت چنك
 اولمغه طوغاچي علي پاشا شهيد بولدى يكي مجروح اولميشدى غازيلر
 يتشوب برقاج طبل و نقاره و برقاج كافر اديلر سكرنجي كون يند يوريش
 امر اولمغه طابوره قارشو واريلوب عصره دك طورلدي روم ايلي
 عسكري و خان طرفندن چنك طابورك ايكي قاتنك فتحه قريب
 اولوب ايجنده كي كفاري چيقارديلر ولكن اخشام اولمغه دونديلر
 اون برنده يسه طابور فتحه امر اولمغه اخشام قدر چنك اولوب
 برايش محاربه مديكندن دوندى ايرتسي پادشاه حضرتلري و زراي
 چاغردوب طابورك فتحه مراد مدر فتمه قشلاقم دختي جائزدر
 اكا كوزه تعبد ايدى سريورديلر (واوتوز كون دختي اوتوز قدر ديوندا
 ايندرديلر) نورالدين سلطان آقينه كيدوب وافر ولايت غارت و يوز
 بيك قدر اسير اخراج ايلدى (پس طابورده كي كفارك ديارى تاراج
 و كنديلر خط و غلادن آج اولمغه ماه من بورك اون اوچنده يوز قدر
 كفار صلح همچون افلاق و بوده سنه كلد يلر يكرميشنده كفارك
 برقاج معتبر ايجسي كلوب سماد تلو پادشاهك فرماننده مطيع
 جرم و خطا مزي عفو بيورسونلر ديدكلزنده حضرت شهر يار دختي
 سلطان سليمان زماننده كي شروط و عهد و اوزره صلح رضا و برديلر
 امراء بغداددن رادولكه توسطيله طرفينه دن آدلر كيدوب كلدي خوتين
 قلعه سي از قديم بغدادن حدودنده داخل ايتدى عشره عصبان ايند كده
 قرالند و برمشيدى قلعه مزبوره كير و بغداده و بريلوب قزاق اشقياسي
 بمالك محروسديه نمدى ايتامك شرطيله عقد صالحه اولمقد نصكره
 پادشاه عالمپشاه ماه من بورك يكرمي اوچنده خوتينه دن عودت
 و بيك اوتوز برز بيع الاولنك اون ايكنسده استانبوله داخل اولديلر
 عزاي مذكوره (زهى غزا) عياره سي تاريخ دوشمشدر (به سدازان)
 پادشاه عالم سلطان عثمان حضرتلري سنه مزبوره رجبه سده حج
 شريفه نيت بيورد قده اوجاغ ملام اخونه سي راضي اولوب نفس

همایونی محبوس واعیان دولتی شهید ابتدا بدینچون پادشاه حضرت تری
 حج شریفه عزیمتی مقرر قیلندیلر وزیراعظم دلاور پاشا و دفتر دار
 باقی پاشا لوازمی تدارک ایندو نلر دیو فرمان یور دیلر بوندن اقدام
 ذخیره اشتراسیچون کوندریلان تبرداراسکی یوسف مصره واردقده
 مصر و البسی مالر مدنی حاضر لدی (و حرمین سکانی پادشاهک
 توجهندن دغدغه به دوشدیلر حسین پاشا دارالسلطنه بی محافظ اولوب
 کورچی محمد پاشا ادرنده ورجب پاشا پروسمده محافظ اولدیلر
 وزیراعظم و دفتر دار و نشانی رکاب اغار یله و سائر چاووشان
 و او تونر دیوان ککابی نفر اتله کیده و دوغما ایله قیودان خلیل پاشا
 آق دکره چقه دیو ترتیب اولندیسده وزیراعظم درونی رضا ویردی
 لکن دارالسعاده اغامی سلیمان اغا و خواجه عمر افندی اغرض
 پادشاهی عجه سوق ایدر لدی (بوائنده) پادشاه حضرت تری رؤیاسنده
 تخت اوزرنده تلاوت ایدر کن فخر عالم علیه السلام کلوب لندن مصحف
 شریفی واکتندن جبه و جوشنی آلوب پرسله اورمقله پادشاه تختدن
 بیقلدیلر هر تقدیر قاقوب قدم سعادت یوز سورمه سخی ایندیسده
 مہسرا اولدی (پس پادشاه یسار اولوب رؤیای خواجه عمر افندی به
 سه یلدکده حج شریف نیتسده کی تردد ایچون صورت تو بیخدر رؤیاده
 مبارک ایاغنه یوز سورمه مہسرا اولدیسده انشاء الله مرقدہ نورلینه
 یوز سورسز دیدی بو تعبیردن پادشاهه غنا کلوب اسکندارد
 هدای محمد و افندی قدس سره به واروب سو یلدکده کلام قدیم
 حکم شرع شریفدر وجه عالم وجوددر پادشاهه لازمدر که توبه
 و انابتی کندولر همدم ایدینه یوزدقده پادشاه دخی او ائل رجسده
 ابی ایوب انصاری رضی الله عنه حضرت تری بعدالز یاره قربان ایچون
 قیون وصغر کتورک یوزمقله مقدما تدارک اولمدیغندن بستانچیلر
 شهر قبولنده وقره کرکده بولدقلری او کوزلری جبرایو غر لیوب
 صاحبیلر بندر بع بهاسنی و ردیلر وجهه به سلطان سلیم جامه نه چبقوب
 بلك پنبه مثال عظیم پنبه لوقا کینوب غریب همکده خلقه کورندی
 ماه مزبورک سکرزنده او تاقلری کچورمه قدرغه پشایوب مأمور
 اولنلردخی چادرلرین کچورمه فرمان اولمشیدی شیخ الاسلام

پادشاهه فتوی کوندروب پادشاهلره حج لازم دکلدر نرنده اوتوروب
 عدل ایتک اولیدر جائز که برفته ظهور ایدیه عزیر مشار الیه دخی
 نصیح و پند ایستیدی ماه مزبورک بدیسنده طوائف ملغا و سپاه خونه لری
 پادشاهلر حج شریفی ترک ایدیه کلسلردر بوندن فراغت اولمقی کر کدر
 دیو پس رتبه علمای ایلر راست کلسلر کربنی سوره رک آت میدانته
 تو جهلرنده منع و دفعلر یچون چاوش باشی کوندرلدیسده طاشلیوب
 در حال جم غفیر ککروه باغیه آت میدانته و اردقلرنده پادشاهی
 اضلالله یوسودایه دوشوروب عبث به بیت المالی اتلافه یادی اولنلره
 شرعا قتل لازمدر دیو مفتی وقت اسعد افندی قنوی آلوب
 مقله کللری طاشلندقد نصکره خواجه عمر افندی سیرانی
 اوکنه واروب افندی کلسون جهورک سوزنی پادشاهه سو یلسون
 دیدکارنده عمر افندی فرار ایتکله خدمتکارلری افندی سیرایه کبتدی
 دینچه قیوی یقوب افندیک ماملکن تجارت ایتدیلر و اندن بی سلاح
 پاشا قیوسنه و اردقلرنده پاشانک اتیاعی بونلرک یرقاجنی اوق ایله
 مقتول و مجروح ایتدیلر اخشام قریب اولمقله فرداسی مسلح کله لم دیو
 طاغلدیلر چون پادشاهه و قدیمی اشتیدی علمای سیرایه چاغردوب
 سبب جهمیتی صورددقه قول طائفه سی پادشاهک اناطولی به کج دیکه
 راضی دکلر و خواجه افندی ایله دارالسعاده اغامی قبی اولسونلر
 دیو خیر کوندر مشلر دید کلرنده وارک سو یلیک صکمه به کیمکدن
 وار کلدیم یوزریحق علما کلوب سو یلدیلر ایسده یارین کوره لم دیدیلر
 او آکیچه کروه باغیه او طهلرنده برخبر شایع اولدیکه پادشاهه جله
 بستانچیلر جبه خانه دن سلاح ویردی بستانچیلر او طهلرنده دخی شایع
 اولدیکه کروه باغیه دوغما کیلرنده کی طوبلری سیرای حصاریته
 حواله ایدوب باغچه طرفندن یورویه چکلردر ماه رجیک سکرچی
 یوم خیسده کروه باغیه مسلح سلطان محمد جامه نه طولوب کبرا و علمای
 دعوت ایتدیلر یکی جامه واروب منتظر اوله لر دیو کبرا و علمادن خیر
 کلمکین سلطان محمد دن آت میدانته کلدکلرنده مفتی و سائر علما کلوب
 کروه باغیه مد یرلندن سبب جهمیتی صورنجه خواجه عمر افندی
 و دارالسعاده اغامی سلیمان اغا و قائم احمد پاشا و دفتر دار باقی پاشا

روز پرا عظم دلاور پاشا و نصوح اغا نك قتلار بن التماس اينديلر بونلرك
جرمي صورلدوقده خواجه عرافندي و قزل اغاسي پادشاهي سفره
نحر نك اينديلر و دلاور پاشا اتباعي دونكي كون اوق ايله بزدن براقاج
آدم قتل اينديلر و دفتر داره واجبه زيوف اچمه ويرر و قائمقام آستانه ده
قوريجي اورتاق علوفه سي و ير مزون نصوح اغاسي فرمودنده شكبان باشي
اولمغه قائمقام ايله اتفاق ايدوب قوريجي و اوتور اقدن سليمان اغايه شكايه
ايشد كارينه سبب مزبورك بجه سي بافرمان رفع اولمشيدي رجاليه
ايكي ييكني رفته صلح اينديلر بوجواب و عرض خياللاريني سالف الذكر
عمار كات همايونته تقديم ايشد كارنده قتلي طلب اولشان آدملي و ير
انلر باشنر عسكردر تير طاعيلوزلر يور يليحق علما ملايم كلامه رجا
ايدوب قول طائفه سي جمعيت ايندكده اونه دنبرو استدكاريني آله
كلامش لردر ديدكاري انده پادشاه غضبه كلمه كين بجه سي خاموش
اولديلر (بعده حسين پاشا ايلرو ككلوب پادشاهم بوقولكي دخی
استرلسه و يريكر همان سن صاغ اول ديه كوردی و سائر لر دخی تکرار
يتكرار سويلديلر مقيد اولمجه طشمره جيقديلر سرايدن طشمره
كيتسونلر ديوا مر اولمغه مختير طورديلر (پس گروه باغيه التماسلرينك
عدم قبولي بلكله بر صلاح كاوب سراي همايونته كيرديلر طويجي
وجهه جي و عجم اوغلاني و سائر شهر اودن سلاخسز اولمده بر اودون
الوب برايكي ساعت ميدانده نعره اواره رق دلاور پاشاي و دار السعاده
اغاسي و خواجه بي استرزد ديه كورديلر جواب جيقميجده ايكني قيودن
دخی كيروب ديوان همايون اوكنده اوج ساعت قدر مزبورلي استديلر
ينه جواب كلمه جيقميجده اوجميجي قيودن دخی كيروب براز چاغرشد ياز
سلطان مصطفى بي استرزد ديوا بچلرندن بر صدا قويلحق بجه سي
استرزد ديديلر و گروه گروه كزوب سلطان مصطفى نك مكان تجسس
و حرم جاننده كي قبه اوزرينه جيقوب شمرعه سلطان مصطفى بي
استرزد ديوا چاغرشديلر اشاغيدن سلطان مصطفى بونده در ديوا
نرم اواز كليچك قبه دن اشاغی ادملر اينوب سلطان مصطفى بي
كوردكارنده پادشاه طشمره ده عسكرسزه منتظر در ديوا قيودن
پادشاهي طشمره چقاروب مقتنك آتته ايندرديلر لکن مخبشه اوچكون

قيانوب طمام وضو و برلديكندن كال صفتقندن آتته طوره ميحق
عرض اوطه سمنه ايندرديلر چون سلطان عثمان عسكرك ايج قيودن
دخولي استدي ايجر و به كيدوب وزير اعظم دلاور پاشا ايله دار السعاده
اغاسي سليمان اغايي بعد خراب البصره طشمره جيقارمغه عسكرد
پاره ايدوب ميتلرين آت ميدانده بر اقدقارنده علما كلوب يولداش لر
پادشاه استديكزي و يردی دخی كني استر سكر ديجمه بر استديكزي
بولدق ديوسلطان مصطفى بي ديوانخانه به كنور وب علميه بيعت
تكليف اينديلر شيخ الاسلام هنوز سلطان عثمان پادشاه ايكن غير
بيعت جائز دكلدر ديدی (سلطان مصطفى مسلوب العقلدر ديتلر
عسكركل سيف و هجومه بيعت ابرام ايندكارنده ايندا كنجده مصطفى
افندي بعده سائر علما كلوب بيعت ايندكارنده نصكره گروه باغيه
پادشاهي و محبوس اولان جاريه بي وايچ اوغلانلرندن سله دار
مقامنده كي درو بش اغايي عربيه به بند يروب يكي سرايدن محافظه
ايچون اسكي سرايه ككتورديلر و سراك اطرافني الوب بکلرلر ايكن
سلطان عثمان بستانجبر ايله اسكي سراي باصه جقدرد ديوا خبر شايخ
اولمغه تکرار پادشاهي عربيه ايله جمعه كيجه سي اخشام نمازنده نصكره
اورته جامعه ككتورديلر پادشاه اولكيجه انده قالدی بو كيفيت سلطان
عثمانك معلومي اوليحق حسين پاشا و بستانجي باشي محمد اغايه بروسه به
كبد له سلطان مصطفى پادشاه اولسه ده براق كونده ماهيتي بيلنور
ديديسه ده حسين پاشا سلطان عثمانی بعد العشا سرايدن اغا قبوسنه
كتوردوب اوجاغه التجا ايلدی اول زمان اغا اورته جامعه ايدی
سلطان عثمانك قبوي تشريفلرين ايشديچك كلوب دامنبوسد نصكره
بالاستشاره عساكر ملغايه اللبشر التون و سپاه اوزراجه تقي اولمحق اوزره
سلطان عثمان پادشاه لقمده قالميجون اغايي اوطه لره كوند رديلر
علي الصياح اغا بعد الدعا يولداش لر پادشاه كز مبارك اوله اما سلطان
عثمان قيو به كلوب اوجا عكره صغندي ديوب وعد اولان انعام
واجباتي سويليچك بچاره علي اغايي پاره لدیلر بوار القده سلطان
مصطفى طرفندن انشته سي داود پاشا صدر اعظم و سله دار درو بش
اغاي دخی اغا وادی (پس گروه خوته اغا قبوسنه كيدوب سلطان عثمانی

بر بیاض خنتری ایله باشی آچق بولد قلرنده برسپاهی کیر لیجه دابندینی
 کیدروب برقیصد بار کیره بند ردیلر وحسین پاشایه قلیج اوشوروب
 بستانچی باشی بی قتلدن قور تاردیلر واندن سلطان عثمانی حسین
 پاشانک مینی اوزرینه اوغراند قلرنده بومظلوم بیکنانه ایدی بی خواجه
 ایله دارالسعاده اغامی اضلال ایندیله دیو بکالیده رک کتوردیلر و بولده
 ارزل و اشراز بطن آید ستمات ایله چیکری بی یاقدیلر حتی اتونجی
 اوغلی نام بلید سلطان عثمانک حیوان اوزرنده ایکن بالدرن صیغوب
 میرون ادب سوز سو یلیجه مرخوم مظلوم آغلیوب بی ادبتر مملون
 پادشاهکر دکلیم ندر بواشدیککر سوء قصد دیوآه و فغان ایندیله
 (ماحصل سلطان عثمانی اتواع حقارتله اوزنه جامعه کتوروب
 سلطان مصطفی بی کوره لم دیو چاغر شد قلرنده اولدخی پنجره دن
 کور نمکله الفیشلدیلر اولکون بوم جمعه ایدی مؤذلرک صلا
 وزد کلر تندن عسکر سلطان عثمان قتل اواندی صانوب چاغر شدیلر
 و زتمار سلطان عثمانه سوء قصد اولموب مجسده طورسون شمدیلاک
 سلطان مصطفی پادشاهدر صکره نیجه اقتضایدرسه اویله اولسون
 دید کلرنده وزیر اعظم داود پاشا سلطان عثمانی پنجره دن عسکره
 کوسزد کدنصکره جبهه بی باشی ایله کلوب جبهه بی باشی سلطان
 عثمانه کنداند قدده حاضر اولان اغار کلوب یو کیفیت طشره به منعکس
 اولورسه عسکر جله مزی قرار دیومع ایندیله سلطان عثمان داود
 پاشایه بی ظالم ایکی دفعه قتل موجب جرمکی عقوایدوب منصب
 و یردم دیو بعدالشم اغار یو ظالم بنم طائلو جامعه قیاردیو چک یوق
 پادشاهم خاطر کزی خوش طوونک ینسه پادشاهم سکر دیو تسلی
 و یردیله ایسه ده سلطان مصطفی والدہ سنک اغواسیله تکرار داود
 پاشا جبهه بی باشی یه اشارت ایدوب ینه کنداند قدده ینه منع ایندیله صکره
 عسکر طشره دن نلیسه ایتمکله ال چکدیلر و ینه جبهه بی باشی تعلیمه
 تکرار کنداند قدده حصکی محمد اغا قورناردی و ماشیه ذلک ذکر بی
 لم و یرر چکر سوز کونا کون معامله اولدی اولکون قبل العصر
 عسکر سلطان مصطفای و والدہ سنی عربه ایله سرای عامره به
 کتوروب سلطان مصطفای تختیه اجلاس ایندیله یرمقدار

عسکر اوزنه جامعه سلطان عثمان محافظه سنده قالمغه اولکون
 اوزنه جامعه نماز قیلمیوب سائر جوامعه سلطان مصطفی نامنه
 خطبه اوقوندی (پس سلطان مصطفی سرایه کیتد کدنصکره داود
 پاشا و درویش اغا اوزنه جامعه کلوب سلطان عثمانی صوب باشی
 کتخداسی ایله بر بازار عربه سینه بند ردیلر و جمعیت عظمی ایله بدی
 قله به کتوروب عسکر طاغلد قدده داود پاشا و صوب باشی کتخداسی
 عراغا وجهه بی باشی سلطان عثمان حضر تیری شهید اشد کدنصکره
 جبهه بی باشی نشانه ایچون اول کهر پاره نک کوشنی کسوب والدہ به
 کتوردی حیف صد حیفکه آل عثمانن بر باد شاهه بویله چکر سوز
 حقارت اولماشکن بومثلا و جوانه بر طاقم گروه باغیه بویله غدر
 و اها نه جسارت ایندیله واندن سلطان عثمانک جننازه سنی سرای
 جدید کتوروب فرداسی بعد التحمیر پدر لی سلطان احمد خان
 تر به سینه دفن ایندیله (پس سلطان عثمانک سن شیر یفلی اون طقوز
 ومدت سلطنتی درت سینه و درت ماهدن

* مقاله سلطنت سلطان مصطفی ابن سلطان محمد خان *

سلطان مصطفی حضر تیری ینک اوتوز بر جبنده مکررا تخت فریدون
 رخته جلوس ایندیله ماه مز پورک اون پریده سیاه طائفه سینه جلوس
 انعامی حقیقوب خراج دفتری دخی و یرلیدی انجق اوجاع ملقاها البسی
 التون استر زخرده اچه آلمیز دیتمکله برفاج کون عوق اولندی اولکون
 سیاه گروهی سرایده داود پاشایه سلطان عثمانی نیه ینا قتل ایندیله
 بر سکامانت و پردک دید کلرنده داود پاشا بافرمان قتل ایدیم دیو چک
 سیکوت ایدوب طاغلدیلر غره شمعانده دیوان اولمه اوجاع ملقاها ریالی
 خواجه عیرافندی وقایع نام احمد پاشا و قره علی اغا و نصوح اغا
 و کتخدای سابق حسین اغا قتل اولسون دیدیلر بونلر ایسه قرار
 ایتدیلر ایدی داود پاشا تجسسه آدم کوندردی چون وزیر اعظم قره
 داود پاشا مارالبیان ملعتی مقتضای خاص و عام کید و دن نفرت
 ایتدیکندن پاشقه اوجاع ملقاها رجائسه مغلوب اولمغه نیجه مکره
 و بیعتی مظلومه متعلق اخصوصاتی خدمت نایبیه و یروب اخلقی
 صوبد رردی برکون مصر دن معزول مره حسین پاشا تبدیل مفتی به

بواسطه باعث نظام اولغه دار بعض کلمات اعکله مفتی دخی والدیه
تذکره کوند رمکین داود پاشا دن مهر همایون النوب ثالث شعبانده مره
حسین پاشایه ویرادیده ده خوفندن برایش بشاره مدی ماه مز بورک
اون دردنده سلطان مصطفی سلاطین ماضیه زینده جامعه چیقیدیلر
زیرا سلطان عثمان خفیف لیا سلسله یوب خفیف رختلر اورردی
ماه مز بورک یکرمبسته و وزیر مفتی وقاضیه سرکلر جامع چندید
اوقافک زوایدنی میری به ضبط ایندرملریله (بخریب الاوقاف) تاریخ
دوشدی (بعد از ان) وزیر اعظم مره حسین پاشا بوسنه ایالتی سرخوش
ابراهیم پاشایه و برو ب پتان غابورامدادیده کوند رمشیدی و صوفی محمد
پاشایح الحبسی ایله بودیده ایکن عسکرک جسمردن کجید یکنی الحی
کوروب صوریحقی یوقلمه به کیدرل دینلیدی (پس پتان غابورامدادیده
مأمور اولر واروب کفارک مملکتن غارند نصکره ساقولم نام محلیده
نجه نک طاوورخی بوزوب مفتیم اولدیله ماه مز بورک یکرمبسته
کروه باغیه وزیر عزل و قتل اولنده دیورکابه عرضحال و برملریله عزل
اولنوب لغه لی مصطفی پاشا وزیر اعظم اولدی و رمضانک آخر
جمعه سنده جراح شیخی ابراهیم افندی وعظایدوب امت محمد پادشاه
اوچکوند رتنها و طه به قیامش کیمسه به سویلر همدان نماز قیابوب
اغیر سلطان عثمانک مرتبه سن رؤیاده زیاده عالی کورمشار حق تعالی
رحمت ایلیه دیو خلقی آغلتدی (ماه شوالک اون برنده پادشاه حضرتلری
داود پاشایه چیقیدیلر اون بشنده سپاه طائفه سی وزیر اعظم مصطفی
پاشا مرتشیدر دیو عرضحال و عزلنی استدرکنده مهر همایون کرچی
محمد پاشایه ویرلیدی ثالث ذی الحجه ده عجم الحبسی علی رضا الای ایله
کلوب اون بدیده دیوانده دامن بوس شهر یاری ایلیدی (بواسطه)
ارضروم والیسی ابازه پاشایه سیواس و نصوح پاشایه ارضروم
ویرلیده ده ابازه پاشا ارضرومک ایچ قلعه سندن چیقیدیلر مصطفی
پاشانک متسلطنی کیزود و ندردی دولت والدیه النده و پادشاه ذوی العقولدن
دکل دیوانا طولی و سائر بلاد اشقیامی بریر حرکت کلدیلر واقعه اقول ضبط
وز بطدن قالمشیدی و مناصب و خدمت و جبا یات آنلره یکمکه اهل
عرض و امکدار و امور دیده اختیارل مغلوب و خاصر اولوب همدان

همان سوزایا غه دوشمشیدی (بعد از ان) سردار رجب پاشا برقاج
دوئتا کیلریله قره دکزده کلغرا یورنی اوکونده التیوز قزاق شبقه لریله
جنگ و اون سکرخی ضبط و ماعداسنی باترمغله بشیوزدن متجسوز
درزنجیر اسیرایله ذی القنده نک یکرمی بشنده غانما ترسانه عامره به
کلدی قزاقه بوکونا غلبه برتار یخده واقع اولما مشدر (بعد از ان)
یک اوتوزایکی محرمنده مسقو الحبسی و له الحبسی در دواتسه کلوب پاشا
قبوسنده چکشیدیلر زرا مسقوله طائفه سنی ارادن قالدرومق استردی
وقتا که طاوورفتی میسر اولوب عسکرته یی بره دوندیلر له طائفه سینه
غروور کلوب مسقوایله عظیم اجنک و عسکرینک اکثرخی قیرمغله
بقیمه السیوقی دیار لرینه فرار ایند کد نصکره مسقو کفه جا بنددن
آستانه به الحی کوندروب آل عثمان ایله یکدل اوله رق له طائفه سنی
مقهوزایمک استدی (چونکه) له بوندن اقدام افلاق و بغدادی
غارتیه یکرمی بشیک عسکر کوند رمشیدی و بوده لری سلسله
والیسی قاترمیزادن استمداد ایتمکه اول دخی تاتار عسکر یله یتوب
کماری بوز دقد نصکره له ولایته آقین ایدوب مفتی کلکین له دخی
آستانه به الحی کوندروب قاتمرک سلسله دن رفعن رجا ایتدیده ده
وزیر اعظم اصفا ایتمدی (وینه ماه صفرک اون طوقوزنده اوجاغ ملقا
انگاسی وزیر اعظم کلوب قول طائفه سی ارضروم والیسی ابازه پاشانک
عصیاننه آستانه ده کورچی محمد پاشا و قپودان خلیل پاشا سپدر دیرل
دید کد نصکره قاقوب قپویه کیدرکن خلیل پاشایه رامت کلوب ابازه
پاشا سکا استنادله بود کلو حرکت ایدر دیر ایکن کخدا یک چشته جی
علی اغا ابریشوب دفع منازعه ایلیدی ایرنسی دیوانده قول طائفه سی
غلو ایدوب البته ابازه پاشا قتل اولنسون دید کلرنده ضابطه لره بره
کیروب دفع ایتدیلر و قپویه ارضروم والیسی عزلی ایتدم خلیل پاشانک
بو خصوصیه مدخلی یوقدر انجیمه ستر دیو خط شریف کلدی
وینه) غره ربیع الاولده سپاه دیوانده بر سلطان عثمانی اورته جامعه
ایانت ویرمشیدک نچون قتل اولندی قاتلی استرزدید کلرنده خصوص
مذکور تخنص اولنده جق سلطان عثمانی بن قتل اولنسون دیدم داود
پاشا اولدر مش قاتلی کیم ایسه قتل اولنسون دیو خط شریف کلکین

تیر قاتلار بولسون دیو چاغر شدیلر اولکجه جبهه جی باشی طوئیلوب
چشمه اوکنده قتل اولندی اوچجی کون ایوب انصاری قریبده حیره
بک نام سپاهی خانه سسند و واقع صما نلقده داود پاشایی بولوب برتقی
قیامه ایله پرمرده قیافت عربیه ایله سرایه کتورد کلرنده یدی قله به
حبسته و ندرلدی وکلندر اوغلی دینلن ملعونی دخی یدی قله به
قالدر دیلر ایتسی دیوانده داود پاشایی جلادر برهینله چقاردیلر که
ارقه سنده نفی قیامه طوئیلر که چکشدومه سندن پاره لوب پنده لری
چیفمشیدی و پاشنده دستاری یوغیدی بافرمان معهود چشمه اوکنده
جلادر چوکروب اوره جق زمان داود پاشا سلطان عثمان قتلک
وجو بی ناطق قاضی عسکرلر مهر یله مختوم حجت ایله سلطان مصطفی دن
خصوص مذکور ایچون الدیغی خطی قوینندن اخراج والیه یوقار و
قالدیروب بن بوغسکلر ایله سلطان عثمانی شرعا قتل ایتدم دیو فریاد
ایدیچک آخر قول اوغلی نام شخص داود پاشایی سیاستگاهدن قالدردی
ولشکر اطرافنی الوب اورتی جامعه کتور ملریله وزرا و اهل دیوان مبهوت
اولدیلر داود پاشا بو حاله کیدرکن خاص فرون اوکنه کلدکده بر سپاه
دستارین چقاروب داود پاشایه کیدردی بری دخی جبهه سن و پردی بری
دخی آتندن اینوب داود پاشایی بندردی بو هنکامه ایله اورتی جامعه
ایلد کلرنده پاشنده مجوزه واکشنه لباس کیدر وب وزارتیه بیعت
کوسترن کلرینه بناء داود پاشا دخی توجیه مناصبه باشلدی و کتخدا
وچاوش باشی و تذر کره جیلر داود پاشا حضورنده قیام ایدوب المغه
ویرمهک باشلدی آخر وزیر اعظم کورجی محمد پاشا طر فندن قیو جیلر
کتخدا سی رحیق دامادی احمد اغا بافرمان ایکوز اسکوفلی قبوجی ایله
علی الغفله اورتی جامعه واروب انده اولان اشخاصی طاعت قد نصکره
داود پاشایی سلطان عثمانک بندیکي عربیه کبی عربیه به بندیروب یدی
قله به کتوردی و ماه مزبورک یدی سنده بوغدی وکلندر اوغلی دخی قتل
اولتوب لاشه سی دریاه آتندی و قاتلردن درویش اغا بودینده و میدان
بک کوسندیلده اولمغه قتلرینه آدم کوندرلدی (پس وزیر اعظم
کورجی محمد پاشا تدبیر یله امور دولت سمع صلاحه یوز طوئق علایمی
ظاهر اولمشیدی مره حسین پاشا کینده خبله به باشلوب سماهی

زور بارندن ارنابود سلیمان و امشالی خونه بی تحریر کله رابع ربیع
الآخرده دیوانده سپاه اختیار لری و او طه پاشیلری وزیر مشتری تدبیر
بالمواجهه سن بریم سابقا بعض اخوانمزی قتل ایتدک بر سنی استمیر
والا خجیر او شوزوب سنی پاره لر دیمه لر یله محمد پاشا دخی ناچار مهر
همایونی قیو جیلر کتخدا سنده بعد التسلیم قالقوب سراینه کیندی مهر
پادشاهه واریجی قول کپی استرسه اکا ویرسون دیمکه مره حسین
پاشایه ویرلکین کورجی محمد پاشا بروسه به و خلیل پاشا ملغره به نفی
اولتوب قیودانلق رجب پاشایه ویرلدی (چونکه) ابازه پاشانک
کیفایتی تحقیق ایچون او جا قدن چور باجی کوندر لشمیدی
جنادی الاولک اون برنده کلوب ار ضروم والبسی مصطفی پاشانک
متمسلی ابازه پاشا ار ضرومه قویمبوب سنجاق لری کندی آدم لری نه و پردی
ورعاییه خانه پاشنده یکراجه صالیدی الیوم اون بش بیک قدز عسکری
واردیو خبر و پردی او ائشاده قره حصارده مرتضی پاشا ابازه پاشایه
مخالفت ایتمکه ابازه پاشا کلوب اون کون محاصره ایتکین مرتضی پاشا
ناچار ابازه پاشایه ملحق اولدی و اندن سیواس و انقره اوزرینه یور ییوب
اطراف بکلرینک جوغی اطاعت ایتدیلر حتی مرعش والبسی قلاون
یوسف پاشا دخی ملحق اولدیسده زیله ده قلاونی قتل ایلدی و سنیواسده
طیار محمد پاشا قار شو جیقوب مدارا ایتدی قیصریه لی شیخ ابازه به سن
مؤید من عند الله سن الله تعالی سنی یو قوم ظالم اولان ارجاغ ملغارجالی
اوزرینه مسلط ایتدی قورقه فرصت سنکدر دیو اضلال ایدردی
چور و مدن کتقری به وارد قدده نونای پاشا استقبال و ضیافت ایلدی
ابازه پاشا بو وجهه له او غرادیغی قصبات وقراده بولادیغی اوجاغ
ملغارجانک مالی الوب کینی قتل و کینک طباینه نعل فاقه له سیاست
ایدردی ما حصل ابازه پاشا فرقیبک عسکر ایله انقره بی محاصره
ایتد کده انا طولی والبسی الیاس پاشا وقره مان والبسی
ایالتلری عسکر یله تعیین اولندیلر و در دولتن جغالی زاده محمود پاشا
مردار اولوب اوجاغ ملغارجا لیه ماه رجیده اسکداره بعده بروسه به
بعده بکبازارینه وارد قدده شیخون خوفندن بته بروسه به عودت ایلدی
ابازه دخی اوج ماه جنکله انقره نک واروشنی الوب قیش کلکله نیکده

سجانه قشلاغه كيتدى (بعد از آن) وزیر اعظم مره حسین پاشا تجبر
و غضبه افراط ایدوب اهل عرضك اذنی سبب ایله عرضی بقاردی
حتی میرمیراندن بر اهل ناموسی دیوانده ییغوب سربله هلاله ایلدی
وقول طائفه سنه ایچ خزینه دن بدل مال ایتمکله نیجه خزائنی تلف ایدوب
زور بالری الهالوردی برکون سپاه کروهنه نوعامسا هله اوزره معامله
ایتدکده پادشاهه روگردان اولان سپاه بوندنخی یوز چو بر دیلر
بو ائشاده سادات قضایان برینی پیوجه زیاده ضرب ایتمکله اوابخی
دورایواب علما ایدوب هر برینک عرق دیانت و جیتن تحریک ایتمکین
مره مصره النبی ایکن بهض الفضا ظ کفر سويلدی دیو مجانده کی
کسان شهادت ایتمکله علما فاطمه سلطان محمد جامعی هرمنده جمعیت
ایتدیلر و انظار ایدن متقا عدیحی افندی مره نك قتلده فتوی یازوب
وزیر ایله دعوا من شرعا کورلسون دیو مفتی به هجوم ایتدکلرند
مفتی دخی بو کیفیتنی پادشاهه سويلیمه مره عزل اولوب دعوا کر
کورلسون دیو سرای عامر به دوشیدی صورت حال مره نك معلوم
اولیحق اغاقپوشنه واروب مفتی و صدرینی که وزندی و خطاب ایدوب
سلطان محمدده کی جمعیتک طاعنه پادشاه و والده سنک مقصودیدر
دیتمکله بهض سنی تذکره ایله طاعندیلر و ماعداسیچون دخی اوجاق
اغالرندن دلی قائم اغا واردقده دلی قاسمی اورته به آلوب باشنه اورده
باشادیلر برتقریمب قورتلدقد نصکره کلوب واقع حال سويلیدی اما
جامعه سپاه سرچشمی بیچیقی اوغلی و بهض قضاة و علما و جاغ ملقا
رجالیله سويلشوب سلطان مصطفی مسلوب العقل اولدیقه دن زمام
دولت آخرالنده در جلوس ایتدیره لم نه بر سکر دیدکلرند علما قنده
ایسه بزده اوراده یزدیدیلر وقت عصرده نقیب الاشراف وزیر طرفندن
جامعه واروب یزدیدیلر جمعی طاعنه مدی عاقبت جامعهده محراب
سمتده واقع آق شمس الدین تاجنی میراق ایدوب عظیم جمعیتله طشره
چیقیدیلر و مقصوده زدیانی اوزرینه سجانه دیکوب یانته نقیب اوتوردیلر
وساداتی اول زدیانه اوزرینه چقاروب سوره فتح اوقو قنده باشلیدیلر
واطرافده کی تر به ونکه لک سجانه قلیخی کتوردوب اولمکله دیکیدیلر
فاما بونلرک جمعه سنده آت حرب اولمکله جنک ایدیه رز دیو قوری

دعوی ایله طوردیلر اخشامد نصکره وزیر طرفندن کلوب ضرب
و هجومه جمعیت علمانی طاعندیلر و نمازه کلردن نیجه لری تلف اولمکله
میته زین بطلال قوییلر و کاریرزه طولدردیلر حتی موالیدن محرم
بکرزاده دیر افندی بی شهید ایتدیلر برایی کون نصکره باعث جمعیت اولان
اون برنفر علما خروج علی السلطان سمیتله نبی اولمکله مره زیاده
تفرعن ایلدی و عوام و ارازل ناس علمانی کوردکلرند سجانه دینه دیو
استهزایه باشلیدیلر یابرین علما و اصناف دخی اوجاغ ملقا خونه سنک
طشره به خصملری اولان ابازه پاشانی تحریکه باشلیدیلر (چونکه) مره
حسین پاشا سپاه زمره سنک ملازمه لری دایما جمعیت و فساد عار مدردیو
اورتادن قالدیرمه جازم اولمشیدی عید شریف یا قشیمین بوفعل
بعد العیده قالدی عیدک ابکنجی کونی مره نك خزینه داری بردکانه
اوتوررکن بهض سپاه اولدکانه اوتورمق استدکلرند خزینه دارک
رفقاسی بونلر صدر اعظمک خدام حرمدیر سرغیری دکانه اوتورک
دید کلرند انلردخی بر سپاهیلر استدیکمز برده اوتور برز دیو جنک
خدامک بری فضیلتوب سنک تدارک کورلادی جندرو ز ظرفنده
بلاکری بولر سکر کشف راز ایلمیجه سپاهیلر تفحصه قضیه دن آگاه
اولدکلرند بالاتفاق دیوانه واروب مره به سن بری قیردرمق استرسن
بره سنک وزارتک لازم دکل بر بریغرض وزیر استرز دیدکلرند اوطه باشیلر
مره بی استصواب ایتدیلر اول زمان بیرام پاشا قول کتخدانی ایدی
قول طائفه سنه بولداسلر هر زمان مره نك امانی اوطه باشیلر اوب
سر برشی و برمز ل سپاهی بی یهوده نیچون کندیکره دشمن ایدرسن
اگرچه که استایوده سپاهه غالب سکر فاما دشت و بیابانده انلر سواوی
اولمکله سیزه غالب اولورل بوتقدیرجه اوطه باشیلر همربان اولوب
بزده بر بریغرض وزیر استرز دیدکلرند (وقتا که جمهوره واجهه سنده
سپاهیلر بر بریغرض وزیر استرز دیدکلرند قول طائفه سنی دخی اوطه باشیلرک
خلافه بز دخی مقام غرضده اولان وزیر استیر سپاه قرتداسلر یمن
قنده ایسه بزده آنده بر پادشاهه وزیر بریغرض بنده ننه و یروب
جمع طوائف مطین اولسون دیدکلرند مهرهایون ماه بشو والده
بفراددن معزول کاز کش علی پاشا به ویرا کین اولدخی شیخ الاسلام

یحیی افندی و ارکان دوله مشورت ایدوب سلطان مصطفی خان
جذبہ رحانہ مظہر و امور دیادن بخیر اولغہ طوائف عسکر ہر زمان
طفیان اوزرہ در حفظ بلاد و حل و عقد امور عباد بر خایفہ صاحب عقلہ
محتاج ایدیکی جلیہ معلوم در ایچرودہ خرینہ قالدیکہ عسکر فتنہ سنی
تسکینہ صرف ایدہم بوقدر رحمہ سلطان مصطفی خان بنہ خلع اولنوب
ارشاد و ایحد اولان اکبر شہزادہ کان سلطان مراد خان اجلاس
اولنہ دیو اتفاق ایدوب سلطان مصطفی داود پاشا دہ ایکن کوچ
ایتدیر یلوب بیک اوتوز ایکی ذی القعدہ سنک اون در دینی یوم الاحد
ضحوہ کبر اسندہ دیوان کونی اولغہ اعیان وار ککان حاضر اولدیغی
حالدہ تخت ہمایون چیقوب پادشاہ شجاع تہجد سلطان مراد
خان حضر تری جلوس ہمایون پیور دیلر قانون مراسم بیعت
تمام اولدقد نصکرہ سلطان مصطفی بنہ اسکی مکانلرینہ کیر دیلر
* مقالہ سلطنت سلطان مراد خان بن سلطان احمد خان *

سلطان مراد خان زایع طاب راہ حضر تری پادشاہ اولدقرندہ
قیوقولی ضرورت خرینہ سینیلہ ترقی و انعام المامغہ متعہد لایکن
طلب ایلر یلہ اندرون ہمایونہ کی التون اوانی سکہ لوب ویرلدی
ومنی اولان علما ووزرا کلوب مرہ حسین پاشا قتل اولندی (چونکہ)
بغداد ہمایونہ نصکرہ جنکیزیانہ بعدہ کیانیانہ بعدہ قرہ قیونلی
طائفہ سنہ بعدہ اق قیونلی کروہنہ بعدہ قرلباشہ حکمکله شاہ
اسماعیل نصکرہ امیر ذوالفقار تصرفندہ ایکن شاہ طہماسپ اتی
زہر یلوب ضبط ایشیدی سلطان سلیمان واروب قرلباشدن قورنارمقین
بغداد تصرف اہیل ستندہ ایسندہ اہالیسی روافض اولدیغندین
پاشا لری آنلرہ مدارا ایدرلدی (پس) بغدادک اون ایکی بیک بر او قولنہ
وعز یلری اوزرینہ اغا اولان بکر صوباشی بغداددہ مکلم و خدم اولغہ
بغداد والیسی یوسف پاشا بنی الخاریہ شہید ایتد کینہ مکرہ ایالت بغداد
بکا توجیہ اولدی دیو ساختمہ مشور چقاروب بکر پاشا نامنی اورتدی
ویوسف پاشا بکا قصد ایتکله بوکے منجر اولدی دیو دولتہ عرض
ایتد کدہ بغداد دیار بکردن معزول سلیمان پاشایہ ویرلکله اولدخی
اوسکدارہ چیقوب متسلم تعیین ایشدی علی اغا بغداددہ وار دقدہ

بکر صوباشی بڑہ پاشا لازم دکل دیو علی اغائی عودت ایشدردی
پاشا مار دینہ کلیچک متسلم کلوب وقعہ بی سو بلمکین خصوص مذکور
در دولتہ عرض اولدقدہ دیابکر والیسی حافظ پاشا سردار و مرعش
وسواس و موصل و کرکود و الیتری و کردستان عسکری معینہ تعیین
اولغہ بغداد صحر اسنہ وار یلوب بعد الخاریہ بغدادلی مہرم اولیچق
برآندہ در نیک قدر کله کیلوب اردولری یغما اولندی فرداسی دیواندہ
بیک دیووز نقر آلنان بغدادیان قتل اولندی ایتسی بالاسنشارہ کوچ ندا
اولمشکن بغداد والیسی سلیمان پاشا قوت اولغین در دینی کون دجلہ
بکیلوب امام موسی اوکنہ قونلقدہ حافظ پاشا بغداد التہ کلوب
بکر صوباشی پاشا اردن برنی قبول ایدوب کالا اول ریاستدہ قال دیو
خبر کوندردیسدہ کار کر اولیچق بغدادی محاصرہ و ذخا یری قطع
ایتکله بغداددہ خط و غلا واقع اولدی بکر صوباشیدہ عباس اغا نام
مقر بنی نامہ ایلہ عجم شاہنہ کوندروب اگر بومطرفہ کلوب بنی خلاص
ایدر سنک بغدادی سکا تسلیم ایدرم دیو یاز دیغندن شاہ عباس ابتدا
اوتوز بیک قرلباشہ خاں رخا قار جغای شہربان سمتہ کوندردی
و برفرقہ سرخسرایلہ دخی صنی قولی خانی بغداددہ کوندروب کندی
دخی حرکت ندار ککندہ اولدی (بواسنادہ بکر صوباشی حافظ پاشایہ
الچی و نامہ کوندروب بغدادی دشمنہ ویرمکہ سعی یتیک برالحق پایہ لو
وزیر کو تدرک قبول ایدہم دیمکله حافظ پاشا ایلہ بستان پاشا بغداددہ
طالب اولیچق الچی سنی قبول ایتد دیو بعد المنازعہ ایتسی دیواندہ
الچی من بعد وزیر استمر ممکن ایسہ بغدادی بکر صوباشی بہ ویرک
دیدی فرداسی قرلباشدن بغداددہ الچی وناج کلکله مرقوم الچی
بغداددن چیقوب شاہ طرفندن تعیین اولنان قار جغای خاں مکتون بنی
حافظ پاشایہ ویردی یاز مسکله بکر خان خاں شاہ دخلندہ در آمدنی صلحہ
مقابرو وضع اولغہ رقی بغداد اوزرندن کیدہ سن والا صلح یوزیلور
حافظ پاشا برانلرک اولکے سندہ دکلر پادشاہک برقولی عاصی اولمش
حقندن کلکله کلکله صلح نہ یوزیلور دیو جواب ویردکدہ الچی
بکر صوباشی شاہدن استمداد ایتدی بر قوش بر چالیہ صغنسہ قوریلور
سزک چالیکرہ وارر سہ حفظ ایدک دیمکله الچی ملزم اولوب واللہ سوزک

طوغریسی یا قارقار سز یا خود قارجغای خان او توز بیک قزلباش
کلور و قنکره حاضر اولک دیوب قارجغای طرفنه کتیدی و ایچرودن
جاسوس کلوب اوچیوز تاجلی قزلباش بغداده کیردیلر جمعه کونی
شاه نامه سکه اوریله جتی دیو خبر ویرمکین پاشا درجه بی کچوب
امام موسی کاظم یقاسنه ایندی لر صنی قوی خان دخی برنجه قزلباش
بغداد طشره سنه ایند کده حافظ پاشا بغدادی الدردق دیو
تأسفدن صکره ضروری طویلر قوریلوب چنکه مباشرت ائشاسنده
جلوس خبریله قبوجی باشی کلوب سرداره قلع و خفتان و سردارلق
امرینی کتوردی (بواشاده) بغداد شاهکدر و بکرخان شاه قولیدر
وسکه شاه نامه اورلدی شاه عباسه تابع اولان طورسون اولین کلسون
دیو ایچروده ندا اولغله حافظ پاشا بالاسنشاره بغدادی بکر صوباشی به
بعد التوجه قرمانی خرپوت بکی کوچک ابراهیم بک ایله ایچرویه
کوندرده بکر صوباشی مسرور اولدی امرده یازمشکه بغداد ایالتی
سکاتوجه اولمشدر بصیرت اوزره اولوب حفظ و حراستی پابنده
بذلقدور ایلیه سریش اون کونصکره صنی قوی خان وعد کر اوزره
بغدادی بکاتسلیم ایدک دیو بکر صوباشی به خبر کوندر یچک اولدخی
شاهک و خاک عمرلری مرید اولسون بزی عثمانلی غلبه سندن قورناردیلر
قو کشی به یردم لازمه مرؤت پادشا هاندر پرنشاهک ادنی بنده سیر
هدایای فقیرانه مرایله خزینه مرئی خاکبای شاهه کتور بزدن
قولاق عرض ایده سر دیو جواب کوندر یچک صنی قوی خان طاریلوب
یوقونغای کدی نه هرزه سن بیرمکر بزم شاهمر اوغلا نجفمیدر (پس)
بزی بونده مسخره لغه می دعوت اید ویدر دیو واقع حالی شاهه یازدقده
بکر صوباشی غضبلنوب بغدادده کی اوچیوز قزلباشی احضار
وشاهدن کتور دکلی تاجی دیوب پادشا حضرتلری بغدادی
بره ویردی غیریکدک و احوالی شاهکده یلیدرک بغداد اوزرینه
عسکر کوندر مسون دیو چک قزلباشلردیک کلک استکلرنده قارنلرین
یاردیروب قلعه بدنه باشی اشاغی اصدردی سائر قزلباشلر چیقوب
کیتدکد نصکره ابراهیم بک ایله سرداره لطفکره اعتماد کلک ایچسون
قانقوب دیار بکره توجه بیوره سر دیو مکتوب ککوندر مکه

اولکون

اولکون حافظ پاشا امام موسی کاظم اوست یاننه قونوب فرداسی
موسل خاننه کتیدی (پس) بکر صوباشینک بووضعی شاهه
عرض اولدقده محضره ایدک بنده واریرم دیو جواب کلچیک
بیک اونوز اوچنده قارجغای خان کلوب مقدمه شاهه ادمکر
کلوب بغدادی سزه ویرم دیدیکره پناه شاه بنی کوندردی و عثمانلی
بزم خوفزدن قاجدیلر بغدادی تسلیم ایده سیر دیو ایچرویه الحی ایله
مکتوب کوندرده بکر پاشا دخی صفا کلدی بکر بو کونلک طشرده
اوتورک یارین جواب و ارردیو جواب کوندر مکه قزلباشلر مسرور
اولوب طوب اغزینه ییلدیلر ایرتسی قارجغای خانه مکتوب بنده کرچه
مقدمه سزدن استمداد ایشدک لکن کناهمزی افندی عفو ایلدی
شرلر دخی حق چواری ادا ایتدیکر الله راضی اوله تمی کیتما کیچون
اون قطاردوه و اونیک غروش خر جراه کوندر یلو رمعذور طونوب
دیونوب کیده سیر یوخسه بغدادی سزه دکل اون شاه کلسه ویرم
دیوب انشا الله دیمه شدی خانلر بونه سوزدر قلمه دی ویرسون
والا کندی پیلور کیتیر جوابیله آدم لرنی کوندر دکرنده پاشا طونلری
آنشلوب نیجه قزلباشی هلاک ایدیچک خانلر شاهه خبر کوندر دیلر
بواشاده بکر صوباشینک موصلده حافظ پاشایه مکتوبی کلوب
قارجغای خان او توز بیک سر خسران ایله کلدی بغدادده ذخیره
کوندره سر دیو یازمقله اولدخی چو ایدن ذخیره کوندردی چون خانلرک
عرضی شاهه واردی بالذات ایلغارله اون درت کونده کلوب بغدادی سنه
سابقه شوالنده محاصر ایلدی بو کیفیت در سعادته عرض اولدقده صدر
اعظم کنکش علی پاشا مقید اولدی (بواشاده) بکر صوباشینک موصله
سرداره مکتوبی کلوب بغداد ایچون غم چکیمک همان بره بکر بکی نامه
بروزیر کوندرک کلوب ایچرو کیر مکه امداد کلدی ناهی اوله دیمکله موصل
واله بسی کورجی حسین پاشا کوندرلدی و اباز پاشانک دیار بکر اوزرینه
کله احتمالی اولدغندن حافظ پاشا دخی موصلدن ماردینه کتیدی
پس حسین پاشا بغداده کیدر کن قزلباش البده شهید اولدی بکر می
کونصکره بکر پاشان مکتوب کلدیکه استلانه دن بره امداد ایتسونلر
شاه اللهی دوت بردن لغم یورتدیسده جله سن بولدق بغداددن

الم چکیمیک دیمکله حافظ پاشا دخی آستانه به تکرار عرض ایدوب
بکر صوباشی به ده وزیر اعظم کلک اوزره در دیو یازدی (پس)
شاه قلمه به ظفر بوله میوب کیمک اوزره ایکن بکر صوباشینک اوغلی
درویش محمد نام پلید ایچ قلمه نیک ضابطی ایدی شاه بعضی روافض
نوسطیله مرتبوره بغداد حکومتی وعد ایتمکله اولدخی باباشنک خبری
یوغبکن شاهدن بغداد حکومتک منشورین کتورند که نصکره خامس
صفرد قیوی آجوب قرلباشلری ایچ قلمه به طولدر مغله بدتلر اوزره
کوسلر چالغله باشلندی اولکون بکر صوباشی طویلوب شاه او کنه
کلدکه اوغلی درویش محمدی شاه یانده اوتورر کوردی شاه
بکر صوباشی به عتاب امیر نیچون بویله یمان ایش ایتدک دیدکده
شاهم بن ایدم بولدرنا ایتدی دیوچک درویش محمد سن بغدادی
ویرمه عهد ایدوب سوز کده طورمدک بن اول عهدی برینه
کتوردم بعد ازین مال و یروب نفسکی قوتاریدی شاه دخی دردمندی
حیسه کوندروب برقاچکو نصکره بغدادده کی عساکرک سلاحلرین
اخذ واسم و محله سیله بعد الدفتر ایکی کون نصکره عوما عسکری
طائفه سنی حبس و ماللرین تحریر ایدوب ابرتمی صیاحدن یدنجی کونه دک
اشکجه ایله جله ماللرین آلدی و اکثر عسکر اشکجه اولنورکن اولوب
ماقبرینک دخی قتللی مراد اولدقه امام حسین زبه داری و بغدادک
نقیب الاشرافی اولان سید دراج نام شیعی بالاستدعا شاهدن مأذونا
سنی و شیعی نامیله ایکی دفتر دوزوب مستحق مرحت سنیلری شیعی
دفترینه بکوره مکله نیچه سنیلری قورتاردی شاه دخی بره نظوق دفتر
سنی یازیلان شیعیلری قتل و شیعی یازیلان سنیلری عقوب ایلدی
و بغداد قاضی نوری افندی و جامع ککیر خطیبی محمد افندی
سب شیخین مکرمین ایتملرله چکه لردن آصیلوب قورشونه طولدیلر
و بکر صوباشی بی تیمور قفس ایچنده یدی کون یدی کیچه عذابله
اور و میوب جله مالی آیدقد نصکره آتسه قاشو اغی قیچه یاقوب
جیع مالی سوبلندی اوغلی ایسه قارشوشنده شاه ایله شراب میچوب
باباشنک پر یان اولدیغه خنده ایدردی آخرتفت یاغی سورلمش
قایغه بندرد که نصکره آتش اوزوب شاه صالمغله احراق ایتدیلر

و درویش محمدی دخی آستانه بی ایدوب بعده قتل ایلدی و اندن
شاهمکراه امام اعظم و شیخ عبدالقادر الکیلانی و سائر ائمه تربلرین
بیقوب ایچنده کی اموالی الدی و بغداد حکومتی صاری خانه و یروب
قارچغای خانی ماردین ستملرین غارتیه کوندردی و ماه رجیده امام علی
و امام حسین رضی الله عنهما زیارتلرینه کیتدی و اندن عسکر ایله قاسم
خانی کوندروب کرکوک و موصلی ضبط ایلدی (پس قاسم خان لشکر
سرخسرا و ارمق اوزره دردی دیار بکره خبر کوندر دکه
حافظ پاشا قلمه به طویلر چقاروب اوج ماهده بر حشاریچه یاپدرتدی
(بوانساده) سپاه کروهندن ارنابور کوچک احمد آستانه دن ماردین
و یوده لغیله کلوب یازدیغی بشیوز قدر سکبانله ایله اوار و موصله قریب
واردقه قاسم خان سردار کلدی ظنیه بغداد جانینه کر بران اولغین
کوچک احمد موصل قلمه سنی ضبط ایلدی (حافظ احمد پاشا دخی
ماردیندن دیار بکره عودت ایلدی (بعد ازان) وزیر اعظم کمانکش
علی پاشا جلوسه باعث اولدم دیو مغرورانه حرکت و باب ارتشایی
کساد و خلیل پاشایله کورجی محمد پاشا ایازه پاشایی تحریک ایتدیلر دیو
قتل مراد ایتدیه سده کذبی ظاهر اولغین یادشاه انام مشاعر البه حای
آزاد ایلدک و شاه عجمک بغداده استیلا سنی صورده علی پاشا غیر
واقعدر دیدک نصکره صحنی بلنجک علی پاشایی جادی الاخرک اون
دردنده قتل ایدوب مهر همایون شامدن معزول پیر نورانی چرکس محمد
پاشایه احسان و ایازه پاشا اوزرینه سردار و بغداد فتحنه سپه سالار تعیین
ایلدی چونکه ایازه پاشا از ضره م و البسی ایکن سلطان عثمان وقعه سی
وقوعبولغله پادشاهی قتل ایتدی بکر دیو اضر و مده کی قول طائفه سنی
بعد القتل ایلنده کی اخسنه قلمه سنده کی قول طائفه سندنه یتش نفر
قتل ایتدکده سیواسده کی قول خوف اوزره ایکن ایازه پاشا کلوب جله سنی
دفتر ایلدی و فرق مصلی و حسن چایی و محمود نام کسنه لری سر
وقعه ده بواندی بکر دیو دوه ل اوزرنده جار میخند نصکره پادشاه قیان
خاتلرک جزاسی بودر دیو شهری کزدیروب هلاک ایلدی و بالجه
بولدیغی قولی بلا امان قتل و ماللرین یاننده کی سکبانلر غارت
ایتدردی فاما سپاه و سواری به رغبت ایتمکله انلر دخی انقیاد کوستر دیار

حتی مرعش والبنی قلاون یوسف پاشا اون یک عسکر ایله ابازه به
ملحق اولیجق ابازه پاشا سیواسه سیند خان نام ظالمی والی ایدوب کندی
قلاون ایله شین قره حصارینه کلدی یوسفیت استانبولده
اشید یلیجک مرتضی پاشا اون یک آدم ایله بافرمان شین قره حصارینه
کلوب ابازه ایله عظیم محاربه دنصکره بوزلغین ضروری ابازه به ملحق
اولدی ابازه دخی صاغ طرفنه قلاونی وصول طرفنه مرتضی پاشایی
اوتورتدی (بواننده) سیواس طیار محمد پاشایه توجیه اولغله ابازمدن
مخفی طیار پاشایه عساکر کلده قورقاک بزم ابازه ایله صنعم چوقدر
دیدى (پس ابازه پاشا یاننده کی سپاه زمره سنی الی بلوک ایدوب
قلاون ایله شین قره حصارندن کلوب توقاتی بعد الضبط استانبوله
توجه استاسنده طیار پاشا نک سیواسی ضبط ایتدی یکنی طوینجه
استانبولدن فارغ اولوب سیواس طرفنه کتدکه طیار محمد پاشا
بالاستقبال ابازه پاشایی خارج شهره ایندروب یک وجود اولدیله
ایسه ده طرفین وهم اوزره اولغین برکیجه ابازه اشکرینه طیار پاشا
سمری شبنون ایله جک خبری کلکله ابازه شهره هجوم قصدنده
اولیجق طیار پاشا تسکین فتنه ایچون یالکزجه ابازه پاشایه واروب
ایچون اراجیفه وجود ویرر سکزدیر ایکن بعض مفسد اغواسه به
ابازه پاشا طیار پاشایی حبس ایدوب قتل ایتک استدکه طیار پاشا
محمسدن ابازه به خبر کوندر ووب سکا سوء قصدم اولیدی تنهاجه
ایاغم ایله حضور یکره کلردم شمیدی ناحق به قتل ایدوب اوجاغمی
سویندر مک روامیدر بعد الیوم وز اوامراسنک قول وعهد که اعتد
ایمز واطاعتکده اولنلرک سرزدن امنیتی کیدر مرؤت ایدوب ارازل
سوزیله قائمه کیرمه دیو نیساز ایتکین ابازه دخی بعد التفکر طیار محمد
پاشایی معززا سیواسه کوندردی (پس یوقضیه دن مقدم طیار پاشا
قلاون یوسف پاشایی شهره دعوت ایدوب اثناء مصاحبتده ابازه کی
خونخوار دن ییجه امین اولورسن آخر سنی صاغ قومزدینجه قلاون
یلم عاقبتی نیه وارر برمشکل درده اوغرام بکا اوینو حرام اولدی
دیوجک ابازه پاشایی شبنونه قرار ویردیله برقا چکون صکره طیار
پاشا ابازه بی دعوت ایدوب قلاون سمری شبنون ایله جک دیومیان به

نفاق براغله ابازه دخی قلاون پاشایی ليله عید فطرده قتل ایتدکه
(ابازه پاشایی کسیدی قلاون پاشانک) مصرعی تاریخ دوشدی (چون
ابازنک اوتوز بیکدن زیاده اشقیا ایله نیکده وقیصریه اطرافنده شر
وشوری معلوم پادشاهی اولدی حقدن کملک ایچون وزیر اعظم محمد
پاشا اوجاغ ملغا رجا ليله غره رمضانده اسکداردن مأمورا اقشهره
واردقده اناتولی والیسی الیاس پاشا وسائر مأمورین دخی کلدیله ابازه
یوکیفتی اشید یلیجک جمع کثیر ایله سیواسدن سر داره قارشو یوردی
وچپور یکر نام آدمی مقدما نیکده بی ضبطه کوندر مشیدی واروب
قونیه ده کوچک چایده قره مان والیسی کوسه سفر پاشایی باصوب
بعد القتل نیکده ده جنکه منهی اولدی سردار اکرم قونیه صحرا سینه
کلوب ابازه بی نصایحنامه ایله اطاعته دعوت ایتدیسه ده ابازه
قیصریه لی شیخ اغواسه به جنک ایچون قیصریه اوزرینه کلدی
سردار دخی نیکده به چپور بکراوزرینه واروب واروشه آتش اوردی
و محل مرتفعدن قلعه به آندیفی طوب کار ایتینجه ایتسی دوه لی قره
حصارینه واندن اوائل ذی القعدة ده قیصریه صحرا سنک غریب سنده
قره صو کوپر یسنه واردقده ابازه دخی عسکر یله کلوب ایلروده
طرفینک چرخه جیلری عظیم محاربه ایتکلله ابازه لشکرینه انهمزام
صورتی کوردی مکر طیار محمد پاشا سیواس عسکر یله صورت اعانه ده
ابازه به ملحق اولوب میننده ومرتضی پاشا مبسره ده طور لر دی برکیجه
طیار پاشا مرتضی پاشا ایله سوز بر ایدوب عسکر لر یله اردوی همایونه
ملحق اولدیله رودونوب ابازه به هجوم ایتد کلرنده ابازه لشکر ی
در حال منهمزم اولغله ابازه پاشا یالکز خزینه سند قلعه قرار ایدیلجک
براقدیغی بونجه اموال بغما اولندی وتعقیب ایدیلرک کتورد کلری
اشقایی بلا امان سردار قتل ایلدی و ابازنک عیال وسائر اموالی نیکده
قلعه سنده اولغله سردار عسکر کوندر ووب او جپوزدن متجاوز
سر مقطوع ایله ابازنک اموال و عیال و اولادینی کتورتد کدنصکره
قیصریه صحرا سندن سیواسه واردقده طیار محمد پاشایه زیاده التفات
ایدوب ابازنک مال و عیال سیواس قلعه سینه قویدی ابازنک
ارضرومه کیتدیکی اشید یلیجک سردار اکرم جرکس محمد پاشا

اردنجه تر جان صحراسنه وار دقده باوساطت مصطفيٰ بن ارضرومي
ينه اياره پاشايه بعد التوجيه ثوقات قشلاغنه عودت و پر قاجكون
خسته لوب بيك اوتوز درت ربيع الاولك اون سكرنده وفات ايند كده
سردار فوت اولدى آستانه دن سردار چقنجه زمان پكر ديار بكر
والهسي حافظ پاشا قپوسي مكمل اسكي وزير در و بغداد احواله و فوق
وارد ديو دولته عرس اولمغله مهره ها يون سردار اق امريله حافظ
پاشايه توجه اولندي (چونكه) كور جستان بكري شاه عباسه
طاعت ايتلريله كور جستان بكليدن مغراو خان شاه ياننده ايدى
ايركون شاه اوتوز بيك قزلباشله قار جغاي خاني مزبوره مغراو خان ايله
كور جستان غارته كوندردى مغراو خان دخي كور جستان بكليدن
طهر ورت خان ايله خبر اشوب كور جستانه كيره چك يرتك بو غازه وارلدقده
مغراو خان ايتاعيله كير و قا اوب سر خسران اول بو غازه قونيچي
بروجه مخاره كور جي عسكري ظهور ايدنجه مغراو خان دخي قار جغايه
واروب ملعون قزلباش كور جي بي قير مق كورنجه او اور ديو مزاراغي
قار جغايك قولتوغى التمدن اوروب اوتة طرفدن يمان كوسترد كده
قار جغايك اوغلي بره شاه دشمني ديو مغراوه هجوم ايدنجه انك دخي
پاشيله بر قولاني قلع ايله د و شور د كند صكره كور جي بكلي او شوب
اوتوز بيك قزلباشدن همان او چيوز قزلباش قور يلوب شاه او دوسنه
واره بلديلر (پس قار جغاي و اوغلي امير كونه خان و قزغان خان
اوغلي و شروان خاني يوسف و محمد خاں سليمان خان و اون نفر سلاطينك
والتي يدي بيك قزلباشك سر عظمى و كور جي قدر دن سردار اكرم
حافظ پاشايه كوندريلوب مغراو اوغلي بعض كور جستان اعيانيله
رمضانك بكري پرته اور دوي همايونه داخل اولديلر مغراو مکتوپينده
بوجاييه توجه بيوريلور ايسه قزلباش مملكتنه قظيم رخنه ويزيلور
ديو يازديسه ده حافظ پاشا بغداده مأمور اولديغندن باتوم والهسي
عمر پاشايي سر عسكركل ايله كوندروب قيناسق حاكي اسمي خاني دخي
طاعستان عسكريله قزلباش ممالكني غارته تعين ايلدى (پواشاده)
جنت قاري اوغلي نام شقي قراسي سنجاعنده وافر عسكركجه به طغيان
ايند كده و زبراعظمه كنداسي فائلو محمد اغا يايه وزارتله سر عسكراولمغله

شليك حسين پاشا ايله واروب ربيع الاولده مغنيسا صحراسنده تقابل
صغين وقوعيله جنت اوغلي منهزما قتل اولندي (چون سردار اعظم
حافظ پاشا رجب بكري يديسنده ديار بكر دن چولك صحراسنه
واردى و بكاره كيلرايله سارما مورين دخي كاديلىر قلعهدن درت ياره
بدلوشقه طوب الوب و اخري الحجه ده موعيله واندن بيك اوتوز بش
محرمنده كر كوك صحراسنه واردقده طوغري بغداده وار يلوب محاصره
ايله جان و ياش فدا اولمغنه قرار و يرلدى فرداسي شاه طرفندن
خلو خان اوغلي احمد خاندن برقاج قزلباش مکتوب كتوردى بغداد
اولكه كزدر ابتدا ملايمتله شاهدن اسليك ديمش كلان قزلباشلردن شاه
صورلدقده بكري كونه دك بونده در ديو چك موصلي والهسي موصلا
ذخيره چعنه و بستان پاشا كر كوك محافظه سنه كوندردى عاشر
صفرده وار يلوب امام اعظم مرقد شريف اولان قلعه محليص اولندي
ايرتسي قلعه محاذيسنه وار يلو ركن بغداددن بر كروه قزلباش كلوب به
المحاربه منهزما حصاره قاجديلر اندن بغدادك جنوب سمتنه شط
اقتديسيله اشغى كناره قرا كلق قيو اوكنه وار يلو ركن قلعهدن طوب بار
آتلدجه اراذل عسكربغدادك اناخترني ديو سرداره ايشندر ديلا
مقدماسردار ديار بكرده بغدادك اناخترى جيمده ديوب طوب جبهه خانه
تدار كنده تقصيرينه طعن ايدرلدى (ما حاصل اون ايكنجي كون
صوكلارندن عجم بور جي مرور و آق قيو سمتنه طوغري د يلوب
حلب والهسي مصطفى با صوكلارنده و ز برقرا كولق قيو دن عجم رجند
وارنجه روم ايلي والهسي كور جي محمد پاشا و حاجي الباس پاشا و مرعش
والهسي نوغاي پاشا و سيواس والهسي طيار محمد پاشا و قره مان والهسي
چركس حسن پاشا سكه انلرايله مترسه كيروب اوچ ياره طوب ايله ايكي
ماه قدر قلعده بي پياي دو كديلر والي ايكي برمن لغم انديسه ده ر و افش
بولوب صوايله اسطال اينديلر (القصه بغداد كرتي كي محاصره اولمغله
قارشويقه يه كپري قور يلوب قوشلر قبه سنه راز عسكروندى
(پس محاصره نك يمش ايكنجي كوني بور يش ايچون حصاره قارشو
صغلا باغلهندي و برافم قالمشيدى آتشمغله قلعده نك بش التي ذراع
ديواري تملمدن ييقنجه عسكراو غوردن الله الله ديه رك بوريد كلرنده

قرلباشلرایج قلعه به کبره شلرایدی مترس محاصره دیوار اردنده می خند قدده
صوابا قلعه ایچ رویه کبریه میوب کبر و مترس لره کبر دیلر (چون) شاه
وقعه دن اکاه اوادی اوتوز بیک قزلباش ایله بنفسه عراق عجم دن شهر یانه
ورود و اونیك لشکرایله زینل خان دیاله نهرین بکیروب شط اوزرندن
اوردوی همایونه کلان ذخایری ضبط و ذخیره به مأمور اوچیک قدر
مؤمنینی شهر بان سمته کرفتار و قتل ایتدردی (پس وزیر اعظم
بعد الاسلشاره بغدادی دور و دراز محاصره به اتفاق ایدوب صوبیک
بری باشندن اشاغی باشه واریجه اوردونك قفاسندن خندق کسوب
برقاج بدن قیوقویدیلر و طپراق اوزره برج و بدنلر یاپوب بربر طوبلر
قویدیلر و استانبول دن طوب و مهمات استیلر و بصره دن فرق
طقوز و قیه طاش اتار بیوک طوب ایله مهمات کتر رمله ادم کوندر دیلر
و دیار بگردن اون ایکی کلک جبه خانه ویکرمی درت کلک ذخیره کلکله
جبه خانه بی امام اعظم قلعه سنه قویدیلر (چون) شاه عباس غره
رجبده کلوب دیاله صوبی اوزرینه قوندی اولکجه بغدادده کی
قزلباشلر شلک ایملر یله قزلباشلر کتری بلنجک وزیر اعظم مقدر
پویله ایش دیومر اد پاشا و الیاس پاشایی یدی پاره طوب و اونیك قدر
عسکرایله دیاله دن پروده زینل خان اوزرینه ککوندروب جنک
ایتدردیسه ده پاشا بوز یلرب اوزدویه کادیلر فرداسی آدم کوندر یلرب
اول یدی پاره طوبلر کتورلندی (جنک اول) شعبانک ایکبسنده حافظ
پاشا امام اعظمده ایکن دیاله صوبی طرفندن روافض ظهور اتمکله
عسکر منصور اتانوب و یاده لر خندق باشه دیزلشیدی بر قزلباش
شاهدن حافظ پاشایه کاغذ کتوردی پاشا اوقیوب جنک نصکره
جوابی سنکله کوندر یرم دیدی بر طرفدن جنک حر بی اوزولدی ایلر
صف صف خندقدن چیقوب طور دیلر ابدال پاشا چرخه بی تعیین
اولندی وزیر اعظمک صاغنه چرخ حسن پاشا و مراد پاشا وصوله
طیار محمد پاشا طور دی و سلحدار ایله روم ایلی و حلب عسکری وزیرک
صاغنه و سپاه و اناطولی عسکری صولنه دوشدی و حسین کنخدا برقاج
پاره طوب ایله آق قیوقار شوستده طور دی اولکون براز چرخه ده الشدیلر
ایرتسی بصره دن طوب کلوب جبه خانه اوکنه قویدیلر و دولتندن

کلان بال بمرلری دخی خندق باشلرینه قویدیلر (یواشاده) شاهدن
الچی نامه کتوردی یازمشکه بن بغدادی برجلالیدن الوب پادشاه
حضر تکرندن او غلمه رجالتسدم و یرم رایسه سره تسلیم ایده رز
شمعیلاک جنک و جدال زحمته کبر میه سر حافظ پاشا دخی بر پادشاه
عالمپناهک و کبیل مطلقیر جوابی برده اولمقله بغداددن ال حکمیر
پادشاهک فرمانی بودر که شاه امام علی زیارتنه کلش بر دخی واروب
شیخ صنی بی زیارت ایده لم پیوردی دیو یازوب کوندر دی (جنک ثانی
قوشلر قلعه سنه قزلباش ککلیکی اشیدملکله امر محافظه سی
کوندر یلور کن قزلباش آلایلی کورنمکن حافظ پاشا آلایلر ایله اوردون
طشیره چیقوب وقت ظهرده براز جنک ایلدی و کجه مصطفی پاشا
مترسینه قزلباش چیقوب محکم جنک ایتدیه ده اکثری قیرلدی
ایرتسی بیک پاشی اوغلی علی پاشا وزیر اعظم چادرندن چیقوب آنه بز کن
برطوب کلوب شهید ایلدی و بر میردلاور بکرمی اوتوز آدم ایله لایلا قلعه یا
زربان طایه یوب چقار کن قزلباشلر قورشونه طوتوب جبه سنی
شهید ایتدیلر یواشاده بر کیمسه وزیر اعظمه بر کبوتر کتوروب مترسده
سبحاق اوزرینه قوندی قنیه ایتدیه کاغذ واردیدکده کاغذی آچدیلر
شاه ایچرو میرفتاحه یازمشکه ذخیره به مضایقه کزی یازمش سکر
اوتنه یاقه دن برقاج کی ذخیره کونده یرم دیمش همان شط کنارینه
ایکی پاره بالیر طوب حاضرلندی کجه بغداده اوج درت پاره کی
ککدر کن ایکبسی طوتیلوب ایچنده کی برقاج ادم پاشایه کتور یلرب
صورلد قدده شاهک خواجده سی امام رضا شاه ککدر کن بری طوتیلر
اول قاجدی دیوچک آدم لر قتل اولندی ایکی کونصکره شاه طرفندن
بیک بشیوز نفر قزلباش تر کپارنده ذخیره و اوج پاره کی ایله اوتنه یاقه دن
بغداده ذخیره قویغنه کلشلر کرچه اوردوده خط واز فاما ایچروده
دخی زیاده خط واز ایلدی عسکر کوندر یلرب ذخیره نک بر مقصداری
بالجاری به یغما اولندی (جنک ثالث) رمضانک اون ایکبسنده بغداددن
قزلباش کلکله یعقوب پاشا دوزت بش پاره طوب ایله کوبری باشه
طوتروب حسن پاشا و کوچک احمد اوتنه یاقه به تعیین اولندی صبح
بری آغرمزدن مقدم لشکر قزلباش صو کنارنده روم ایلی قولنه

پور بمکله سکورجی محمد پاشا تابصباح خندقده جنک ایدوب
وزیر اعظمین استمداد ایند کده پیاده عسکر خندق اوزرنده قات
اندرفات دیرلشدی وزیر اعظم بنوب صولده سپاه و صاغده سلمزار
حاضر لشدیلر جر خده بر از الاشیلوب طرفین جنک اولندی
فرادسی قزلباشلردن بیک بشیوز منتخب فدایی چیقمهله بری طرفدن
اوزلرینه وارمق استد کلرنده حافظ پاشایر یکرده طورک قزلباش
آل ایله بزی صحرایه چکر اوزریمز کلور سه جنک ایده لم دیدیسه ده
بونلر وارنجه قزلباش کیرو کیدوب تمام میدانه چقلمجه عظیم محاربه
اولندی قزلباش قاجدی صیداسی چیقمهله مقدمه ده کی کوسه
مراد پاشا بر تیده دک تعقیب ایلدی حافظ پاشا منسلب الشور
اتباعنه بره حاضر لستک تیز طوپلر طولدر اسون شمدی ملاعین
دونوب بره هجوم ایدر لر دیوتنیه ایدر کن درت بشیک قدر طال
قلج فدایی قزلباشلر چیقوب ابتدا مراد پاشا عسکرینی بعده سیواس
عسکرینی بوز دیلر واندن سپاه ایله جنک ایتلر یله آخر سپاه ایله برلرینه
کیروب و قزلباشله مخلوط بوز یابوب خندقده طوغری دو کلد کلرنده
خندقده کی پیاده بونلری اوق و طاشله دوندر دیلر حافظ پاشا مقام
صبر و شانه مر دانه طوروب یانده انجق بر قاج سنجاقدار و ایچ اوغلانلری
وطوپلر ایله بره مقدار طوپلر قالمشیدی بحکمته سحانه اولکون روز کار
شدید اولوب حافظ پاشا تورا یچنده نهان اولدیفندن قزلباشلرک سرداردن
خبری اولیوب سپاهک دفته هر یمنی حیاه تصور ایتلر یله کیرو
دوند کلرنده شاه دخی عسکری منهرم اولدی قیاسیله کیرو چکلمشیدی
عسکر پریشان جمله سردار یانه جمع اولوب بر اوغوردن بور دیلر
اول طال قلج بیک بشیوز ملاعینی جمله قیر دیلر (بواننده) شاه عجم
صلح ایچون تبلیغ کلامه بر اختیار آدم استمکله وزیر اعظم حافظ پاشا
سلام اغاسی مصطفی چاوش ایله ادرنه وی ابراهیم چلبی کی کوندردی
بر قاجکونصرکه شاهک توخته خان نام الچسی کلوب وزیر نامه سته
یازمکله ایکی امت محمد تراعه در شمکه باعث ندر بن بغدادی
برجلالیدن آدم پادشاه فرند شمردن مر جودر که بغدادی اوغلم ویره
جمله احوالی توخته صحرایوب وکیل بیدر وزیر اعظم توخته

شاه سزنی وکیل ایش سوزک ندر دیوب جنک کلدیم دیدی پاشاده
بره پادشاه حضر تلری شاه امام علی زیارته گلش منده طرفدن
وکاله شیخ صفی بی زیارت ایله دیو فرمان ایتدیلر صلح اولزمان قابل
ایلور که انسان ولایتلری کیرو ویره سز دیدی فردامی وزیر دیوانده
باقه توخته خان برسوزک واریسه سویله والا پیله وده سوزایله بز بغداددن
فراغت ایتیر دیدی بر طاقم قیل و قالد نصرکه بر سز امام علی
وحله وجواز و فلوچه اسکله سنی الحاصل صوبک اوتنه باقه سنی بره ویرک
دیوب جنک وزیر دخی بو که بن راضی اولسم عسکر راضی اولمز دیوب
طاغله دیلر فرداسی وزیر شه دیوانده الچی به شمدی بر سز
امام علی بی و اوتنه باقه بی ویرسک هر کسک ملکی و چقلمکی واردلر
انلر ویرمر لر دید کده الچی امام علی وحله وجواز و فلوچه به راضی
اولوب شاهه آدم کوندردی بواننده وزیر اعظم توخته بی لیل
ضیافته دعوت ایدوب عثمانلی سره بغدادی قومز بنم و ساطمکه تنظیم
امور اولور سه سکافوق الحد رعایت ایده رم دید کده توخته عهد نامه لر
یازاسون مصطفی چاوش کلد کده بغدادی بوشال دیروم دیو چادرینه
کیتدی (پس) ایرتسی صباح قول حرکت کلوب ذخیره مز قالدیدی
نیجه بر اوتور و رزدیو اوطاغی وزیرک باشنه بیقیدیلر و سن قزلباش ایله
مفقسن دیواته بندیروب امام قلعه سته حبسه کتوررکن بنه دوندر یوب
اوطاغنه ایندر دیلر و جمله بی فریاد ایدوب اطرافدن ذخیره و امداد
کسلدی طور میر کیدر دبد کلرنده حافظ پاشا توخته خانه مصطفی
چاوشی صور ییچ نیلر سر شمدن کیرو قلیچکر واریسه بغدادی آلور سر
قائیک کیدک دیمکه باشادی آخر ثامن شوالده کوچ مقرر اولغین
کتور لید جنک اشیایی احراق و بعضی سن باره ابوب و کین دفن ایتدیلر
وطوپلری امام اعظمه کتور دیلر (چونکه) مصطفی چاوش واروب
شاهه واقع حال سویلدی ایرتسی چاغردوب مکالمه اولان صلح قبولدر
ایچرودن چقان عسکره زنه سار بر ضرر اولیه بغداددن چیقوب
کاسونلر دیو فرمان ایتدم دیدی و نامه بی الله و یروب کوندردی
چاوش دخی رو پراه اولدق نصرکه شاه چاوشی دوندر یوب لندن
نامه بی بعد الاخذ مصطفی اناسر دار خداد اوزرندن قاقوب کیتدی

کشدن عسکره قلمه و بر لب دیو تنی کوندردی و عقبه بنوب
 بغداد او کشته قرا کلک قبوسمته کادی (پس) چه ابرسی وزیر اعظم
 توخته خانه جیقوب ایکنجی قوناغه وارد قدغه توخته خانی و قزلباش
 اسیر لاری مصطفی چاوش ایله بغداده کوندردی و لکن شاه کسر عهد
 ایدوب عسکر اسلامی تعقیب ایتمکله دردنجی قوناغه محاربه اولوب
 ملاعین بوزو ایچق عسکر اسلامک بویله زبون و بی سلاح و دیگر کون
 اولدقلری حانده بومرته دلیرانه جنک وقوت کوروب دوندیلر (چونکه)
 دیار بکر و البسی مراد پاشا زیاده متهور و سرکش ایدی و قهه نک فرداسی
 قتل اولمغه دیار بکر سر بواپندن خسرو اغایه و برادی عسکر اسلامک
 بو بولده چکدیکی مشقت باعث الم اولمغه طلی اولندی نه حال ایسه
 مع الاضطراب دیار بکره کلند کده سردار حضرتلری عسکره بعد
 الاجازه واقع حال یازوب خادم علی اغایله دواته کوندردی مرقوم
 حضور همایونه واروب وقعه یی تقریر ایتد کده حافظ پاشایه خلعت
 کوندریلوب جلبده قشلاق امر اولندی (به سدازان) یک اوتوزانی
 ربیع الاولنک اون التیسنده حافظ پاشا دن مهر همایون آتوب قوجه
 خلیل پاشایه احسان اولند قدغه فرداسی دیوان همایونده سفر خلعتلری
 بنامه کیدیرلد کد نصکره ماه مز بورده خلیل پاشا شدت شتا دیموب
 اسکداره کچدی و اندن قونیه یه وارد قدغه قبوجیلر کتخداسی حافظ
 پاشا دن مهر همایونی کتوروب خلیل پاشایه تسلیم ایلدی (پس)
 حافظ پاشایله خسرو او باراده جلبدن ایلغار ایله ماهر جیده استانه یه
 کلوب حافظ پاشا داماد شهر یاری و وزیر ثانی اولدی و خسرو اغاده
 قبه وزیری اولدی چون صدر اعظم سابع رجه حلیه کوروب عشرین
 شوالده کولک بدانته و اندن ذی القعدة نک بکرمی بشنده دیار بکرده
 جیران دپه سنه ایندیلر (بواشاده) پیک قدر قزلباش اخسخته قلمه سنی
 محاصره ایتلریله دیار بکر و البسی خسرو پاشا و حلب و البسی نوغای
 پاشا و مرعش و البسی زور پاشا و بروم ایلی و البسی سلیمان پاشایه اناطولی
 و البسی و شتاک حسین پاشا بیر عسکره تبیین اولوب خامس ذی الحجه ده
 اخسخته جاننه کوندردی و عقیلرجه سردار اکرم دخی کیمکه قرار
 و برادی ارضرومده کی ابازه پاشای اخسخته امدادینده سوق ایچون

بستان پاشا کوندردی ابازه دخی اطاعتله کورجی قبوسنه اوتاغنی
 خفا و روب سردار اکرم خلیل پاشایه بن پادشاهک برکت بنده نیم
 ولایت نین کدر ایچق اولدرا و جاع ملغار جانندن قورقارل سر قیوقولی
 ایله موش جاننندن متوجه اولک بنده بوجا نیدن پاشا ال ایله کیده یم
 و هم سر عسکرلکی بکا احسان ایدک دیور جانامه کوندرد کده
 وزیر اعظم دخی قول سنک سر عسکرلکیکه راضی اولمز لهما ن
 حسب الامر بر خدمت ایدک انشاء الله جرمک عفو و اوتوب نزد پادشاهیده
 مقبول اولور سن دیومک توب کوندردی و لکن ابازه پاشا بعض اولاق
 طوتوب سردار طرفندن قنلیچون سبارشی متضمن مکتوبلر طوع و غفله
 اخسخته نامه ایله ایلیجه نام موضعه کلشکن بنده ارضرومده کیندی (چون)
 شتاک پاشا عسکر ایله ارضرومده واروب ابازه ایله اخسخته اوزرینه
 وارلمغه قرار و یردی و سکر بوز قدر او جاع ملغار ووهی دخی اخسخته
 ایچون کلوب ابازه اردوشنک کنارینه قوند قدغه ابازه بیلدیکه جرایمی
 عفو اولوب بوجهیت کندی ایچوندر برکون قبل الشحر ارضرومندن
 عسکر ایله جیقوب او جاع ملغار و هنک کیم قتل و کیمیند ایتد کدن
 صکره شتاک حسین پاشا اردوشنه ایلغار و جنکله و هله اولیده پاشا
 طرفندن جمع کثیری تلف و شتاک اوغلی مصطفی پاشای و خسرو
 پاشا اوغلانی شهید و اوردوبی یغما ده صکره ارضرومده واروب زنده
 طو تیلا ن قول طائفه سنی و خسرو پاشای اعدام ایلدی و هر طرفه
 آدم چقاروب بولتان او جاع ملغار جانی بلامان قتل ایتدردی نیابری
 اخسخته یه امداد اولمغه قزلباش یوریش ایله اخسخته قلمه سنی آلوب
 ایچنده کی اهل اسلامی قتل عام ایلدی (و اندن سردار اکرم خلیل پاشا
 ارضروم اوزرینه وارلمق مهمد ز دیو او اخر ذی الحجه ده ارضروم
 قرینده سابق الذکر ایلیجه منزلته واردی (بواشاده) شاه طرفندن
 استانه یه نامه یله الحی کلوب بغدادی اوغلنه رجایتمکله اولجا ننده کی
 مصالح وکیل مطلق سردار خلیل پاشایه سپارش اولمشدر دیو
 جواب و برادی (دز کم حاکی کورجی طهمورث خانه وزیر خلیل پاشا
 قزلباش اوزرینه کوندردی سن دخی و ارقوقی بازویه کتوروب قزلباش
 دفعنه سعی ایده سن دیو حکم همایون کوندردی (چون) خلیل پاشا

بيك اوتوریدی محرمه ایلجه دن ارضروم قلعه سی یاننده برپاره
ایندی سابقا ابازہ پاشا سردار خلیل پاشا نك سلمه داری ایسه ده
بنه ایچرودن طوب اناردی وعسکر کوندروب دو کوشوردی رابع صفده
ماعر اوخان کورجستاندن اوردوی همایونه کلکله اولکون مزيسه
کیردیلر فاما اوج باره طوب حصاره کار ایتمکدن طیراق سورمه
بشلاندی وروز قاسم کچوب وقت بشا حملول ایتمکله ضروری توقاه
کوچیلور کن شتادن پنهانیه عسکر تلف اولدی و ابازہ پاشا اغارندن
ارزنجان و بایورد محاذ ظلری پیر صولاق و عطاء الله افندی اتباعلرله
کلوب توقانده سرداره تابع اولمیرله رعایت اولندقدہ ابازہ نك یاننده کی
اشقیا فوج فوج کلیم متابعتہ باشلیدیلر (ولکن) خلیل پاشا نك برایش
کوره مدیکی سلطان مراد حصارلر نك مسموعی اولیجی غره
شعبانده مهر همایونی خسره پاشابه ویرمکله اولدخی تنظیم اموردن صکره
توقانده کیدرکن هر کس افراط قهر و سیاستندن قورقغین مزارع فقرادن
برحبیه کیمسه دست درازاق ایدہ مردی زیر اثناء سیاستده و طاعنک
اوکنی آچدیروب واسکله اوزرینه وقورانه اوتوروب اهل جرایمی
اوکنده قتل ایتمدیردی رمضانک یکریمی سکرته توقات صحرانسه
ایندکده روم ایلی والینسی الیاس پاشا و اناتولی والینسی زور پاشا و مرعش
وسواس و قره مان عسکرلری مقدمجه ارزنجان اوزرینه کوندرلمکله
واردقلرنده ارزنجانده کی ابازہ اتباعی جیقوب اطاعت ایتمدیلر بناء علی ذلک
ابازہ پاشا و همه دوشوب ارضرومی شاه عجمه ویرمک اوزره قریاشه
خبر کوندر دیکی اشیدلمکین سردار دخی عشرین ذی القعدہ ده
توقانن قاقوب فوج حصارده عیداصحابی بعدالاداقشار صحرانسه
ایندیلر مکر سابقا اولوینده سنجاغی بکی ارنایود یوسف پاشا ارضروم
قرینده واقع حسن قلعه سنه عسکر یله قیاقوب کا هجده ارضروم
اطر افنده ابازہ عسکر یله محاربه ایدر مش ابازہ بوندن عاجز اولمیرله
کلوب حسن قلعه سنی محاصره ایتمکله یوسف پاشا جوع و مضایقه دن
حالت مخمسه به کلشیدی ابازہ پاشا سردارک توقانن قاقو بدیغنی
اشیدیمک حسن قلعه سنی ترک و ارضرومی کیدوب باشی قیدنه دوشدکده
یوسف پاشا عجمه سرداره مکتوب کوندروب و ابازہ سزى یکریمی کونه

قدر انجیق کلک ییلور دیو غافلدر سرعت اولنورسه مصلحت سهولی
بتردیو یا زمعه له همان سردار عسکر یله ایلمار و درت کونلک مسافه یی
ایکی کونده قطع له ذی الحجه نك یکریمی التبتنده ارضرومه ایرشدی
واقعا ابازہ پاشا سردار اون کونه دک انجیق کاوردیو لوار منی کور میوب
عسکر و ذخیره و ذواب و مواش بسنی قلعه به المامشیدی عثمانیک قلعه یی
قوشاندیغنی کوریمک در حصار ی قیادیسده طشره ده کی مهمات
و ذخاری یغما و عسکری قتل اولندی (پس) سردار اعظم بیک اوتوز
محرم نك ایکبسنده جنکه حاضر اندقدہ ابازہ نك معتقدی قیصریه لی
شیخ قلعه دن اردوی همایونی کوریمجه بونلر قلعه یی آلور لر غیر جاره
بوقدر دیو صورت مکاشفه ده ابازہ به مشکلر حل ایلدی (پس)
سا دس محرمه کیمه مزيسه دخول و قلعه محاصره و طوپلر ایلله
کدکلر آچیلوب طیراق سورمه بشلاندقدہ ابازہ مدافعه دن عاجز
اولوب مرعوب القلب اولدی (بواسطه سردار کار گزار ابازہ اتباعی
خیمجه اله المغهله اردویه کلکله باشلدقلرنده دفعه برقاج یورینی بلوک
سیاه بسنی ایدیمجه سائرلر دخی اشیدوب طشره به جان آندیلر آخر ابازہ پاشا
محرمک اون طوقورنده شیخی قیصریه لی عبد الرحیم افندی بی الی نفر
علما و مشایخ ایلله کوندروب امان دلدکده مسئول بعد القبول یوم جمعه
حضور سرداره کلوب جرایمه استغفار ایدیمک جله رجاسنه مساعدده
واغالرینده بلوک والیتور قدر خواصنه ججه جیلاک ویرلدی (پس)
ابازہ پاشا ارضروم دن قطع علاقه ایلله لحوقه مأمور اولیجی مطین
القلب قلعه به کیدوب سرداری سرانیه دعوت ایلدی و چادرلرین
طشره چقاروب قلعه یی تسایم ایتدکده قلعه نك رخنه لری بعد التعمیر
خلیل پاشا به توجیه اولندی (چونکده) ابازہ مقدمه شاهین استمداد
ایتمشیدی برقاج بیک قزلباشه شمس خان سردار اولوب ارضروم
کلورکن سردارک ارضرومی محاصره سن اشتمکین روانه کیدرکن
قرص اطرافنی پایال و قرص فصدنده اولدیغنی قرص والینسی کوسه سفر
پاشا اشتمکین جمع کیمه ایلمار و علی انقله باصوب اکثرین قتل
و شمس خان بر بلوک اتباع عجمه طوقوب سرداره کتوردی (پس)
نصف صفده عسکره اجازت اولمیرله صدر اعظم خسرو پاشا

و ابازہ پاشا هم منان و سفر پاشانك اسير ايتديكي شمسي خان ايله شواس
و انقره اوزرندن ربيع الآخرك اون ايگيسته اسكداره كلكارنده
خمسرو پاشا و او كنده ابازہ پاشا الای ايله باغچه قيوستدن كروب
كوشك آتته واريچي خمسرو پاشا حضور همايونه كيدوب رجاسيله
ابازہ جرمي عفو اولمغين بر قاجا كونه كره بوسسته توجيه اولوب
كونده رلدي (و خمسرو پاشا به ده بو خدمت مقابلي ايكي طوبلي محوهر
سرغوج و سيف مرصع احسان اولوب مقام اصفيه قرار ايتدي رلدي
و قزلباشدن اسير اولان شمسي خان قره دكر بو غارنده بو غار كسن
قلعه سنه حبس اولندي (بعداران) وزير اعظم خمسرو پاشا
بنه بغداد سفر بنه مأمور اولغله ذي القعدةك اون سكرنده اسكداردن
بغداد و همدان ديويوله روان اولدي (پس) شاه عباس قرق اوج
سنه شاهلق ايدوب سنه مزبوره جادي الاوانده مازندرانده استسفادن
هلاك اولغله اوغلنك اوغلي صفي ميرزا يرينه كچدي وليكن مزبور صفي
جبار و سفاك دماء اولغله نيچه سنيلري شهيد ايتديكند نما عدا كمي
خطاطي سني در ديوا زاله ايلدي (چون) خمسرو پاشا بيك اوتوز
طفوزده حجاج ظالم كي اهراف دماء ايدو رك قويه چا يرنه ايندي
سلطان سليمان زماندن قالمش ارنابود امر استدن قوجه طور مش بك
نام غازينك بعض شاه كچلري كلكله اخشام وقتي قتل ايلدي
طور مش بكك بدن عرباننده غزواتده و قو عيولش التمش اوج
زخم نشانه لري كور و ليحك يادي طعن و تشنيع اولدي غره صفريده حلبه
واريلوب كوك ميدانه ايندي (چونكه) امراء كور جستادن ما عز اوبك
ارضروم فتحنده بولمغله سردايه ارستانبوله كلوب اسلامي قبول و محمد
اسماعيل مسمي اولد قند نصكره قره مان ابالي توجيه اولمشيدي بر كوروه
ازناور كورجي ايله قويه به كوندريكي مسلم اخذ اموال و قهر رجالدن
باشقه بعض دخترلر صاچن تراشله غلام امر دكي كز دبردي
مسلم قويه صحراننده ايكن قونيدلي ابراهيم چلي عسكر ايله
كورچيلري باصوب متسلي قويه قلعه سنه حبس ايتد كد نصكره
اهالي بريره كلوب ماغرا و بكك اتباع و متسلك مظالمندن خمسرو پاشا به
شكايت ايتد كلرنده اناطولي والبسي و نيكده سنجاني بكي ماغرا و اوزر بنه

كوندر ليكن اولدني بعض كسان سوقيه ملاطيه طرفنه فرار ايتمشيدي
زور پاشا بشوب امري كوندر كنده ناچار ماغرا و اطاعت ايتمكين
كنددي و اوغلي و اتباعي در زنجير صفرك اون در دنده حلبه سرداره
كتورلد كده جله سي قتل اولندي (خمسرو پاشا ربيع الآخرك اون در دنده
قوج حصاره وار دنده بعض اموره كندويه مخالفت ايدن دفتر دار
ابوبكر پاشانام متدين پيري ماردن قلعه سنه بعد الحبس قتل ايدوب
ماملكن آلدی غره جادي الاوانده موصله و اريلوب شط كنارنده
قرق كون قدر متصل باران آتته چادر لاله اوتوزوب بهار ياقلشد قده
جادي الاخرك اون اوچنده موصله دن قالمچي دلك و كر كوك
قلعه لرند كي قزلباش بغداده قاچديلرو كردستان بكار ي و اول
سهر حذرده كي سرورلر كلوب سرداره مطيع اولديلرا كراد بكارندن
عماديه حاكي سيد خان نام پير و شهنشاه اولكه سي عسكريله كلكين
مواصل محافظه سنه تعين اولندي (و سوران حاكي مير بك دنجي
اطاعت ايدوب كلدي و بغداد سمندره باذيه نشين قرق بيك قدر
باجلان كلوب اوتوز بيك بدن زياده بشكش قيون كتور ديلر چون
نهر ضرب بيك مشقته كچلدي او چقي مغزله مشورت اولوب
حالا اول ربيع اولغله انهارك طغيا لغندن بغداد صحرالزي صوايله
طويلدر ديوا ابتدا خان احمد او لكه سي اورمغه قرار و يركله سردار
اعظم شهرزول سمندره كيتد كده سوران حاكي و همنددن ولايته
قاچمغين عسكر كوندر يلوب سوران تخریب ايتدي رلدي (ثامن رجبده
التون صوبي كنار بنه اينلد كده خان احمدك عمزاده سي مراد خان التني
يدي نقر خان زاده ل ايله كلوب وافر ذخيره كتوردي و التون صوبي دنجي
بيك بلا ايله كچلدي و اتدن اردلان و سهران طبراغنه كيرلد كده اردلان
حاكي مزبور خان احمد و برادري مؤمن خان و سروج حاكي تيمور خان
كلديلر الحاصل نهر دهبدين شهرزوله و ارغجه ولايت اردلانكه اوتوز
طقوز سنجاقدر جله سي تسخير اولندي (و قارص و البسي سقر پاشا
روان حدودندن چيقوب او غور بنه كان قزلباشي هلاك و نامدارلرندن
سرداره كتوردي (بو ايشاده) شام و البسي بر مفسر مضطفي پاشا
سفر بنه عسكريله حلبه و ديار بكره بعد موصله كلوب سرداري

بغداد اوزرینه کتشدی ظنیه خولدن امام حسین رضی الله عنه
قصیه سنه وارد قده انده کی قزلباشلری بغداد الهلاك آلدیغی بونجه
اسیری شهر زوله سرداره کوندرده کیده بر مقیم پاشا اولخو البک
محافظه سنه مأمور اولدی و امراء عریدن مهنا اوغلی لشکر عرب ایله
حوالی بغداده کلوب قزلباشه دلیرانه لک کوستردی و عراق و عرب
اطرافنی فتح ایچون ابازه پاشا اتیاعندن کج عثمان نام بهادر
عسکر ایله کوندرلد کده راست کلدیکی قزلباشی قیروب امام حسین
قصیه سنی و تحفه مشهید امام علی اولان شهرنی بعد الفتح خله
ورمله قصیه لرین ضبط ایدوب امام حسین قصیه سنه اولخو البک
محافظه سنه اهتمام ایلدی (چون) سردار اکرم خان احمدک
مقر دولتی اولان حسن آباد قلعہ سی سمته کتدی بلرره راستده کی
مهریان قلعہ سنک فتحی ایچون حلب و البسی نوغای مرتضی پاشایی
سر عسکر ایدوب کوندرده کده اهل قلعہ نک عدم مقاومتدن امان ایله
قلعه بی تسلیم ایتدی کسری سرداره عرض اولند قده جوکب هما یوله
اول طرفه وارینه قدر قلعہ آتیده آرام اولته دیو یوردی و همان
کیدمک تدارکنده اولدی (یوئشاده) مهریان قلعہ سی النده کی
عسکره زینل خان قرقیه کدن زیاده قزلباشه کلور دیو خبر کلکین
اهل اسلام قزلباشک زبعی قدر ایکن متوکلا علی الله ترتیب صفوف
اولندی زینل خان قارشو یاقه یه کلوب قزلباشک جنک آوزر بته پناه
استمالته زهر مار ایچروب قوج قوج میدانه کوندرلد کده غاز یلردخی
الای الای قار شو جیقوب تیغ تیغ نیزه نیزه بر جنک ایتدی لر که
محرابه چالدران اونورلدی فانی قزلباشلر چوق اولوب اسلامیه
هجومه نوغای پاشایی تار مار و نیجه مؤمنینی شهید ایتدی لر آخر سبواس
والبسی خلیل پاشا ثابت قدم اولغله تیمور قارق اقبیه له عروق
اولوب شاتی بر کاتله اهل ایمان قزلباشک یوزخی ترسته دوندردیلر
زینل خان جر بحافیه السیوف الیه راه کریره دوشدی ابازه پاشا نک
آدمی چور بکردخی منهزما قاجاری سحر دن بعدا عصره دک
جنک اولغله اوچیک کله وایکبیک زنده سرداره کوندر ایچک
اولدخی زنده لری قتل ایلدی قبه مکامن بر او جاق او غلیم لطیفه سی

اولز ماندن قالدی پس سردار اکرم بوقتح و ظفری در سعاده بعد
البحرین مهریان قلعہ سی جانینه کیتدی زینل خان بش بزمق نام محله
شاه اردو سنه واردیغی آن سیاسته قتل اولوب خان خابلی شیر خانی
رستم خانه ویرلدی و همان شاه همدان رعایا سنی اوکته قانوب غزوینه
طوغری کیتدی (چون) سردار اکرم خسرو پاشا شهر زول قلعہ سنی الی
اوج کونده تعمیر و امر محافظه سنی کوروب ز مضالک برمی سکر تده
مهریان قلعہ سی آتیه قوندی و اندن اردلان خانی اولان علو خات
اوغلی آجیک سابق الذکر سیرانی اولان حسن آباده ایشدی حسن
ایادک طرفینی انجق یار کاغذخانه کی لطیف و وسیع او اوب وسطنده
زال مثال برنهر صغیر افر و باغ حیانی نام سیرای دلفزا کورلد کده نصره
شوالک بکرمی سکر تده همدانه واردی (همدان پرکوه عظیم ذیلند
ادرنه قدر هوا سی لطیف باغلی و بیجه لی وصولی یربلده زینادر
مقدما قزلباش شهری یوشال دوب قاجشار عسکر اسلام اول شهرده
بولد قلری بیغما و شارین هدم و باغ و بیجه لرنده کی درختی قطع
ودرون و بیرون قرا و تو اخبسیله ما وای بوم ایتدی لر واه کن قزلباشی
قیردیلر و اندن عاشر ذی القعدة ده در کزینه وار یلوب مانند همدان
خاکله یکسان قیلند قد نصره بالا ستشاره بغداده عوده قرار
و یریلوب در کزیتدن بغداد سردار قوناغیله التمش منزل تعیین
اولندی طی مراحل ایله جمخال صحرا سنه فوند قده سردار اکرم
احتیاطا روم ایلی و البسی دلی یوسف پاشایی واطنه و البسی سوخته
سوندک پاشایی عسکر لر یله وصول قوله و شام و البسی کوچک احمد پاشا ایله
اناطولی و البسی زور پاشایی صاغ قوله کوند رمکله لورستان ملکنده
قزلباشه متعلق قصبات و قرایی غارت و له کیرنلری قتل ایتدی لر کیر
لورستان اولنکه سنک حاکمی اوری حسین خانه شاه طرفندن سکر تیک
سواری و درتیک پیاده قوشلوب کوندرلشیدی قریب موضعده
درتیک سواری و درکین و درتیک سواری و پیاده ایله واروب بغنه
دلی یوسف پاشا ایله جنک ایدرکن اناطولی و البسی زور پاشا بتشجه
قزلباشه ضعف کلکین کینده کی درتیک سواری یلردخی جیقوب
بکرا چنکه پاشا قلعه قلر تده سردار اشملکله قره مان و البسی التی تیک

سواری ایله نامورا واروب حمله ایدم نجه باباخانی گرفتار اولوب اول
صحرا جته وکله قزلباشله طولدی و پاشا لک الد قنری زنده لر قیلدن
بکوردی لکن باباخان براوز که پیر اولمغه سردار خوش آمد کویا بختدن
خظلتوب قتل اتمدی و اندن بغداده اوتوز قوناق دشت ماهی به
واندن التخی منزله هر ون آباده قونلیدی (پواشاده) مکه مکرمه نیک
بعض محل وارکانی رکوعه میل اتمیشیدی شعبانک اون طغوزنده رعد
وبرق وصواعق عظیمه ایله یاغان باران حرم محترمه کیروب قفلدن
ایکی ذراع ارتفاع بولمغین روز دیگر اخر نهارده عموما جدار شریفی
ساقط اولمجه در دولتده نقیب الاشراف انقروی الشید محمدافندی
مدینه ملاسی اولوب حسب الامر بیت شریفک اطرافنی تحفه ایله
احاطه و کعبه نیک چار جدارنی هدم و اساس اصلبسی اولان سنک
صلیب اخضر کورندکده کافی الاول جدار اربعه سنی تجدید ایلدی
بیت شریفک بناسی بونکله طغوزنجی اوور (چون) خسرو پاشا
یک فرق محرمه نیک بکرمی شکر زنده هر ون آباد دن امام اعظم قزلباش
شط کک نارنده باش دولابه کلوب امام اعظم جامع مشرفه بجه بی ادا
و فرداسی بعد الغروب مترسه دخول و هر طرفدن مترسلر انبوب ری
جانبندن قوشلر قلعه سندن بغدادی دوککه باشلیدی و ایچر و دن
والی بغداد صنی قول خان ایله امیر فلاح و امیر جمال ضرب طوایدن
رخنه لرا جلد فجه خرمادن معمول طیراق مملوزنه لار ایله قیادری
ربیع الاولک اون طغوزنده قزلباش جیقوب جنک اولمیدی و خلاف
قانون اوردوی همایون مترسه قریب قوردیر یلوب هر کس چادری
اوکنه مرقد کی مترس یاغمه لک کیجه انده یازلیدی و قله دوله کجه
اول قیزمثالی حقوری المندکی کیمسه نیک اوز زینه یقوب تلف ایدردی
غره ربیع الآخرده روز قاسم کیروب بوآنه قدر یوزیدیلان اون ییدی
لغم ابطال اولندی و اوتوز بش کون و کیجه سی متوالیا طوبلر ایلدی قفلدن
فالیدری آچلیدی و حصار دیواری خندق برازی یقلیجق ماه مزبورک
اوچنده بجله عسکر مترسه طولدی و برار عسکر کیلر ایله حاضر لیدی
تمار صیحد نصکره الله الله دینه رک حصاره یوزیش اولدیسسه ده
قزلباشلر کدک باشلنده طور و ت کیزله مکه بینه مترسلره دونلیدی

وکیلر ایله یوزیان عساکر حصاره قریب وارد قلدن صبح اولمغه کیلر
قاره به اوتورمغین عسکر صویه د وکیلر اچلی کلین قورتلیدی
و جبهه جی باشی کوچک ابازه خطاء قضایه اوغزادی و کتج عثمان
دجله کک نارنده جسر اوزرندن جنک ایدرکن اورمغه صویه
دوشوب بولمادی و منرضی پاشا کتار بارویه جیقوب بیراخی دیکوب
شهید اولدی و زور پاشا ظهیرندن اور یلوب شهید اولدی و احد پاشا ایله
نجه عسکر زخمیاک اولدی لر اخر عساکر قتل و مجزون دونوب
جادر لینه کدک کدکده خسرو پاشا زیاده قهرندن مارالذکر باباخانی
قتل ایلدی و ارنابود اسکله سی مکنی قزلباشدر دیو بعد القتل ماه
مزبورک سکر زنده بوآنه قدر بذل مقدور ایدک فتح میسر اولدی دیو
طوبلر حکمادی و مترسدن جیقوب امام اعظمه کورچلیدی و دجله بی
کوب جولدن موصوله کیدلک اولد در دیکله ماه ربیع الآخرک اون
درنده جسر کبیردن کچیلد کدک نصکره جسر یوزدی لر وکیلر
یاقدی لر بکرمی ایکنجی کون آق شرعه و کیجه و امام سمره و نکریت
تکیلر سابع جهادی الاولیده موصله وارد قده خسرو پاشا عسکره
اجازت و یروب انده قشلدیلر (چون) شاه عسکر اسلامک کوجدی مکنی
اشندی مملکتی غارت اولان اردلان حاکمی خان احمد ایله ظالم علی
لشکر قزلباشله در تنکه کلد کک نارنده در تنک محافظی برقه سز
مصطفی پاشا احصاری براغوب شهر زوله کلدی خان احمد و خالیر
خانی اوتوز یک قزلباشله شهر زوله توجه ایدمچک اگراد خانلری
و مشایخ عشار جله قزلباشه متابعت ایتدی لر و خان احمد برادری
مؤمن خانی طوتوب سن عثمانلی به درونی تابع اولدک دیو جیس ایلدی
و شهر زولک محافظی ارنابود اوغلی مصطفی پاشا ایله برقه سز
مصطفی پاشا وابدال پاشا و شهبان پاشا و کور خزینه داز ابراهیم
پاشا و بکر پاشا و دیگر مصطفی پاشا خوفه تابع اولوب شهر زوادن
خروج ایدوب و جنار کدوکنده قزلباشله صباحدن عصره دک عظیم
محاربه ایتدی لر آخر ارنابود اوغلی مصطفی پاشا شهید اولیجق عسکر
اسلام طوبلری براغوب موصل طرفه فرار ایتدی لر و زیاده دن از کیمسه
قور تلدی بو خبر خسرو پاشا به کلد کده بوسه کندیلک سوء تدبیرندن

اولد یعنی ییلورکن عسکره به سانه بولوب جادی الاولک اون سکرند
 پر مقسرم مصطفی پاشا وایدال پاشا و عمر پاشایی کلد کیری کبی قتل
 ایدوب کور خزینه دار ابراهیم پاشا ایله بکر پاشایی عفو ایددی
 مصطفی پاشا (اوزادن فرار ایدیچک خسرو پاشا ورامسندن کور
 خزینه داری کوندروب قتل ایدردی و طرابلس شام ایالتن اوراده
 دلاور پاشایه توجیه ایلدی و عسکر جله کیدوب موصله خسرو
 پاشا یاننده اهل دیوان و بلوک ضابطلرندن غیری کسه قالمشیدی
 بوانتاده) شاه بغداد کلوب حله قلعه سنی محاصره وایچنده کی خلیل
 پاشا ایله اوج ماه شب وروز محاربه ایلدی آخر خلیل پاشایه امداددن
 یأس کلوب یاموت یا نجات دیو جله اتباع و لواحقیه پر کینده علی الفقه
 خیقوب سرخسیران ایله دو کوشدرک خوله دوشوب مصطفی پاشا ایله
 سمیت سلامتیه چیقیلر قزاق پاشا شهره کیروب بولاق قمری سنلری شهید
 وایسیر ایدیلر خلیل پاشا اوردویه کلن پاشا ک قتل اولندقلرین ایدوب
 تحلب طرفنه کیمیکین خسرو پاشا غازی وزیر دیر دیو خلیل پاشایه
 از ضروری توجیه ایلدی (چون) خسرو پاشا بغداد فتحه موفق
 اوله میوب همان عسکر و پاشا ک کیمی دشمنه قیردردی و کیمی دخی
 گندی قبر مغله سفک دماء ایلدی موصلدن مار دینه کبررکن
 دیار بکری طیار محمد پاشایه توجیه و موصله تعمیریه واول حدوتک
 بحافظه سنه بعد التعمین جادی الاخرک اون سکرند موصلدن سلخ
 ماه مزبوره مار دینه وارد دقه بره ایدوب موصله قلعه سنی تکسیر
 ایدردی واندن در معادته تلخیص ایدوب مهمات سفریه ایچون خزینه
 و اوتوز بیک قدر لشکر تاتار اسمکله بوقاج بیک تاتار عسکری کوند زلدی
 و شو الک بکری بزنده آستانه دن ایکوز بولاقه و جزیه دفتر لری کلوب
 مار دینه توزیع اولندی خامس دی القعه دهده خسرو پاشا مار دیندن
 خیقوب اواسط شهر مذکور ده قوجحصار صحرانسته قرتوب عسکر
 تاتاره منتظر اولدی یوسف پاشا روم ایلی عسکر یله و حلب و اناطولی
 عسکری دخی کلد کلرنده موصله کوند زلدی (پس خسرو پاشا بیک
 قرق برسنده سنه مار دیندن قوجحصار صحرانسته کلوب تاتار عسکری
 کلسون دیویش الی ماه انده طوردی عسکره خسنه لک دوشوب

قبل و قال اولغله بغداد سفرینی سنه آتیه توقیف و مهماتی موصله
 ارسال و ربع الاولک اون ایکسند قوجحصار صحرانستن قالقوب
 دیار بکر فراسندن چار قلی به کلد کده میرزا تاتار عسکر یله کلمکین
 خسرو پاشا ایله ثالث ربع الاخرده دیار بکره کلدیلر (کرچه خسرو
 پاشا سطوت و جلالت و مهابتیه نماز ایدی و لکن خود رأی و خود
 پسند و بی تدبیر اولدیفندن بونجه خزان و عسکر بیهوده تلف اولوب
 بغداد فتح اولغله ماه ربع الاولک بکرمی طقه وزنده داماد شهر
 یاری حافظ پاشایه صدر اعظم اولوب خسرو پاشایه عزالتک امری
 ویر بلنجه او جاع ملغا رجالی بر سندن غیری سردار استمیر دیو
 چاغر شدیلر ایسه ده بعد التسکین ربع الاخرک بکرمی التیسند دیار
 بکردن اما سیه به کلورکن نامزاج اولغله توقافته اقامت ایلدی و لکن
 قول و سبیه طغیان ایدوب اطراف غارت و خسرو پاشایی صدارته
 اعاده ایدیره لم دیو قرار ویر مشل ایدی ربع الاخرده قیو قولی دیار
 بکردن دعوتله استانبوله کلد کلرنده حدوث فتنه به استعداده حاصل
 اولدی (پس رجب پاشا حافظ پاشایی چکمه میوب برینه حامل مهر
 اولی امنیه سیه سنه مزبوره رجبده زور بار و سار قول رجب پاشا
 بحر بیکله ات میدانته کلوب شیخ الاسلام بحی افندی و وزیر اعظم
 حافظ پاشا و دفتر دار مصطفی پاشا و مصاحب حسن خلیفه و مصاحب
 موسی چلبی و بالجمله مقریندن اون یدی نفر کیمیه خسرو پاشا عرانه
 سپیدر بونلری و پرپاره لیه لم دیو باب همایونه وارد قلرنده یارین کلسونلر
 دیمکله سحرردن ینه باب همایونه هجوم ایدیلر او چخچی کون اورته قیویه
 ورنجه طولنجه بیرام پاشا حافظ پاشایه بو کون دیوانه کلمیک دیو خبر
 کوندردی خبر ارسلان خانه او کنده وارد دقه حافظ پاشا خنده ایدوب
 ظهور ایدیه چک قضاء میری رؤیاده کوردم او لکدن غم چکم دیوب
 سرای قیوسندن کیردیکی کبی گروه باغیه حافظ پاشایی طاشه طوقوب
 آتندن بیقدقلرنده بر تقریب سرایه کیروب مهر همایونی پادشاهه
 تسلیم و بالاسلیدان یالی کوشکندن تبدیلا اسکداره فرار ایلدی گروه
 باغیه اورته قبودن کیروب دیوان خانه همایونده پادشاهه سوز یز وار
 دیوانه چبقسون دیو چاغر شمار یله پادشاه دیوان ایدوب ندر قولارم

دیو چک تعبیر کلز خطبایند نصکره حافظ پاشا و اون پدی نزار کان
دولت خیر خواه اولسهل بر موصله دشمن اغرنده طور رکن پراکنده
ایتدیروب بونجه مهماتک تلفنه سبب اولمزلدی بونلری البته ویر
پاره لیهلم والا ایش غیری اولور دیو وجودهما یونه دست درازاق
مرتبه لری بقین کلد کلد لرنده پادشاه دخی چونکه خوابه قولا ق
طو تمر سکر نچون بنی دیوانه چاغرد بکر دیو قاقوب ایچرویه
کیتدیلاشقیادیله دیلر که حرم همایونه کیره لر عثمان حرم خاصه باب
سمادتی قیاینجه اشقیا پادشاهم بو اون پدی کسنه بی ویر مرزک
دیو خلعدن کنایه کلماته باشلد قلرنده ایچر وده رجب پاشا صورت
صلاحده نالان اولوب پادشاهم اگر بو مفسد لر بن قواکی دخی
استرل سه ویر یوخسه حال مشکل اولور دیو چک پادشاه بونلرک
یکدل اولدقلر بن تکله حافظ پاشای اسکداردن بعد الاحضار
تکرار طشره چیقوب تخنه اوتوردقلرنده عسکر کیر و چکیلوب طور دیلر
پادشاهک بر ماغبله کوستر دکلری ایکی سپاه وایکی نفر اوجاقلی
حضوره کتورلدکده بونلره نصیح و پند یوروب کار کر اولیجق همان
حافظ پاشا حضوره کلوب پادشاهما هزار حافظ کی قولولک یولکه
قدادر دیو راوپوب اوقیه رقی میدانه یوریدکده پادشاه واهل دیوان
آغلشدیلر اشقیا حافظ پاشایه هجوم ایدنجه بر قاجنی بعد الجرح
اون پدی برندن یارانبوب شهید اولدقده خدام سرای اوزرینه بریشل
حریر اورتدیلر و جنازه سنی و صیتی اوزره اسکداره دفن ایتدیلا پادشاه
دخی مهر صدارتی رجب پاشایه ویردکده نصکره اشقیاتک خسرو
پاشا ایچون ایتدیکی طغیانلغه بناء اوزی محافظی مرتضی پاشای دردولته
کتوردوب دیار بکری توجیه ونهانی خسرو پاشای قتله مأمور ایدوب
کوندر دکده رجب پاشا بو کیفیتی خفیه خسرو پاشایه یازدی
ماحصل مرتضی پاشا و قاته واروب بالمحاربه خسرو پاشای قتل
و کله سیله اموالی دردولته کوندر دکده نصکره دیار بکره واروب
محافظه سنه مشغول اولدی (چون) رجب پاشا صدر اعظم اولدی
شعباتک اون طفوزنده خسرو پاشاک پاشی کلچک خسرو پاشا کی
نادر الوجودک قتلنه سبب اولنلردن اخذ انتقام ایچون اشقیای نحر یک

ایتمکله فرداسی اشقیات میدانه جمع واندن سرایه واروب پادشاهم
خسرو پاشای نچون قتل ایتدک البته حسن خلیفه و مصاحب
موسی چلی و دفتر دار مصطفی پاشای ویر پارلیهلم و هم شهزاده لر
افتدیلر بن اوغللر یدر غیری سکا اعدامن قالمدی خسرو پاشا کی
شهزاده لر ده قیارسین البته شهزاده لری چقاروب بره کوستر دپد کلرنده
پادشاه دخی حسن خلیفه و دفتر داره فائده در یلم و موسی نک نه کنایه
وار که سزه ویریم یوم مرتبه شرم و حرمتی آرادن قالدر مقی لایق میدر
دیدسهده محاب اولوب بو دید کلر بنی ویر مرزک بره پادشاهلغه
لازم دکسن دید کلرنده سلطان یارید و سلطان سلیمان و سلطان قاسم
و سلطان ابراهیم با امر شاهانه طشره چیقوب کورلدکده سلطان
یارید و سلطان سلیمان عتبه بادن ایلر و کلوب اشقیایه خطابا
برندن نه استر سکر بر کوشه خوانده کندی حالره مشغول ایکن بری
نچون لسانه کتورر سکر یوخسه بری اضاعت ایتدر مکمی استر سکر
اللهدن قور قیوب پادشاه حضر تلرندن حیا ایتوب بویه طغیانلق
ایدر سز الله ورسوله بری حالره قویک سزک حیات و حراستک لازم دکل
دعش لر ایکن پنه محاب اولوب بر سکا یوافندیلر انا میر بونلره
ضرر ایتیه چککه بره کفیل ویرید کلرنده شیخ الاسلام اخیزاده
حسین افندی و رجب پاشا کفیل اولدیلر عاقبت اشقیا او اخر شهبانه
حسن خلیفه بی ناسزا و جهله اعدام ایتدیلا بعدد دفتر دار مصطفی
پاشای آت میدانه واندن رجب پاشایه کتوروب قتل ایتدر دیلر
و موسی چلی بی رجب پاشا سراینه کتوروب اشقیایه شهید ایتدر دی
سلطان مراد موساتک شهادتی اشیدیچک یارب بو مظلومه قیان
ظالمیرک حق کلرندن کلکه سن اقتدار ایل دیو آغلدیلا (چون)
اشقیای ایتد کلری طغیانلق مقضاسی سلطان مراد زمانده کندیلا
حیات ویر طریقله نجات اولیه جفنی بیلدیلا آخر پادشاهی خلغ
مراد ایتدیلا رسیده حصه و له کلمیچرمضان و عیدده در علیه ده
ایتد کلری ظلمات و مسخریات بر زمانده وقوعه کلمیشدر بو کیفیاتک
رجب پاشا تدبیر یله اولدیغنی پادشاه حکمشناس بلکه شوالک بکرمی
سکر نده رجب پاشای سرایه استدیلا اولدخی کلوب زمین یوس ایتدکده

کلیه و طویل زور به باشی دیو خطاب ابتدا برز پرانقریس علشدن
لنک ابدی حاشا پادشاهم والله وبالله رضای همایوندن خارج
وضع و حرکتتم یوقدر دیو ابراهیمه پاشلدیسه ده آتش خشم
سلطانی علو خیز او لغله شوخاتنک تیز باشی کسک دیدیکی آند
بو غدیله و لاشه سنی بو غا زنده اثر کنند مارسیاه کبی نمایان اوله رق
بر حصر ایله سور و بهرک باب همایوندن طشیره بر اقدر دقدنص کره
مهر همایونی مصردن معرول طبعانی بصری دیمکله معروف ارنابود
محمد پاشایه و یروب زور بارک حقندن کل دیو فرمان ایلدی (واندن)
پادشاه انام سرای عامر ده لب در یاده واقع سنان پاشا کو شکنده
ایاق دیوانی ایدوب عموما ارکان دولت و قول متعابطری و بلوک
اغاری کورجی برادری جعفر اغا واحد اغا حاضر اولدقلری حالده
آت میدانشه خبر کوندا روب اگر سیاه قوللم مطیع ایسهل اختیار
ایشکلری برقاج کسائی کوندر سونلرنا که مقصد و دلری هر نه ایسه
بیلنوب کوراسون پیوردقلرنده زور بار دخی اختیار ایتدکلری چند نفر
سیاهی بی کوندر ملریله دیوانخانه بدرجه طولدیکه فردواحدک حرکت
بحالی قالمدی و اطراف و جوانی قول احاطه ایدوب دعوی عبودیتله
کویا که اظهار صدق و واقایه ایتدیلر و اندن پادشاه حقایق شناس
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول نظم جلیان قرائت و معنای شریفن
بعد التقریر بوشفاقک فیجبه سنی دنیاده ضعف و خسران و اخرتده
باعث دخول نیران اولور پیوردقلرنده اول اغار و اوجاق اختیار لری
خیر دعا و القش ایدوب شوکتلو پادشاهم سر بزم پادشا هم سن
وظل الله سن بزم ذات همایونکره قطعاً مخالفتم یوقدر دیدیلر پادشاه
دخی بوسوز کرک صدق او اوقت محقق اولور که ارا کرده کی سعی
بالفساد و مخالف راه صلاح و سداد بدینکله که اللهم امرنه و او عبدا
حیثما حدیثی اوزره رسول اللهم علیه السلام قول شریفنه مخالفته بکا
مطیع اولیوب شو جهاننده بدنام مفسد لری جایندن قصر یدایله سر
نا که قتلله رشته فسادی قطع ایده لم و سر دخی بعد الیوم اسلافکر
روشنجه قوللقد ثابت قدم اولک بدخی هر بریکره مرا نتیجه رعایت ایدهیم
پیوردقلرنده جله سنی شوکتلو پادشاهم نه مطیع و اشقیایی حیات

ایمه یزدید کلرنده میدانه مصحف شریف چقار یلوب پادشاه و قول
طائفه سنی بوسوز اوزرینه کلام الله بمین و عهد و پیمانی غلاظ ایمانه
مشید قیلدقدنص کره بو عهد و پیمان اولمجلسده قلمه النوب تسجیل
اولندی و اندن پادشاه حضر تلی بذاته سپاهلره خطابا سر نجب
طائفه سر که فتنه و فساد کردن دوات و سملطنه ضعف کلوب
تکلیف مالا بطا فکره محمل متعذر اولدی هم قواکر ز دیر سکر و هم
جمع ایرادات دیوانیه خدمت نامیله استیلا و رعیتی پایمال ایدر سکر
حقه قائل اولینلری جایتنکزدن ایچکرده اشقیایا چو غالمغله عالمی
صویوب رعایای طاغندیکرز عایا اولینجه خزینسه نه دن بریکوب
علوفه کر ویریلور بونکله دخی قومیوب اجداد پاکم و ساز اصحاب
خیرات تو لیتلری اکل و بلع ایتدیکزدنیاه عقوق و عصیانله بدنام
اولوب آخرتده غضب الهی به مستحق اولمخی ذکر ایتدیکز پیوردقلده
انلردخی ملزم اولوب پادشاهه مطیع من عصیان قبول ایتیر دوسته
دوست دوشمننه دشمن پادشاهه منی تضییق ایدنلر بزم رضامنه
دکلدر دیند کلرنده پادشاه بونلری بعدالت صدیق بعدازین اولمقوله
مفسد لری جایه ایتیه جکلرینه کالاول مصحف شریف اوزرینه بمین
ایتمریله سپاه اختیار لرینک دخی پیمان او عانی تسجیل اولمسی (واندن)
پادشاه انام قضاة طائفه سندن دخی کلسونلریور مغاله انا طولی
وروم ایلی اقلانندن برر اختیار قاضی کتورلد کده سر دمار تایلله
اجرای احکام شرعیه بی تعصیر ایدوب رعیتی خراب ایتدیکز
پیوردقلرنده انلردخی پادشاهم بر کتاب الله احکامی اجرایه صرف
مقدور ایده رزق اما سوز بزم سمع همایونه ایشمن خدمت نامیله سپاهلر
کلوب قضا منده هر ار منکرات و تعدیات ایدرلر کیمه شکایت ایده لم
برزور به وایرظ لم و بوده و جزیه دارک ظلمه مانع و اوصق مال پادشاهی
تخصیصه مانع اولوب رشوت الدی دیو عرض ایتدیلر غزل ایتدیر لر
دیدیلر حتی روم ایلی قاضیسی پادشاهم فلان سپاهینک تعدیسنه مانع
اولمق استدیگمده رفقاسیله محکمه بی باصوب اموالی بغما ایتدیلر
دیوچک مکر اول قضیه کوشزد همایون اولمش پادشاه حضر تلی
بیلورم پیوردیلر انا طولی قاضیسی اولادعربدن ایدی پادشاهم هر کم

امریکه مخالفت ایدر سه عاصی اولور قتلی واجبدر دیدی (پس پادشاه
حضر تری انلره ده یمن و یروب مقتضای سنجه حجت یازلدی ولکن
اشقیایه طغیانلق طبیعت ثانی اولوب ینه فساد دن خالی اولمیر یله
شیخ الاسلام ووزرا وعلما وواجق اختیار لری و اغاری وزیر اعظمه
کایوب بوطاغه سمت صلاحه کیمده کلرندن ماعدا شقاوتلری اریور
اولا بر آدم واروب نصیحت ایتسون قبول اتمز لری ایسه جمله قتل اولسون
دید کلرنده واقع تلخیص اولنجق سقا محمد و کورجی رضوان و امثالی
اشقیانک باشلری باب همایونه قونیه والا باشک کیدر دیو خط همایون
کلمکین اشقیایا اخذ یچون ضابطلره تنبیه اولدوقده آنیده بر قاج متعین
زیر بار قتل اولندی سقا محمد دعوتله حضور آصفی به کیروب کستانخانه
معامله له باشلیجه یوغدیله و جن علینک لاشه سی دریاه آنلدی
وجان و عثمان چار طاق قصبه سنده خانه سنده یوغیلوب دریاه آنلدی
ویمشی مصطفی نابید اولدی و صالح افندی مصره قاچوب دور
سلطان ابراهیمده قتل اولندی و صاری مصطفی وکل عبدی و یحیای
اوغلی محمد فرار ایتدیله و قری صلب اولندی ما حصل بر موجب دفتر
اشقیایا و ازل ندر یجمله یکان یکان قتل اولوب آتش فتنه آب شمشیر
سیاستله اطفأ اولندی (بوائشاده) اشقیادن دلی الهی باشنه فرار یلر
بریکوب سیدی شهری قصبه سنده قرار ایتلر یله بنی اسرا یلک
فرعوندن چکدیکنی اول دیار خلقی اونطالمن چکدیله بر کون علوفه
المیچون استانبوله کلنجه ایلا یوغیلوب لاشه سی دریاه آنلدی و دره لی
خلیل دخی جرکس احمد پاشا ایله قتل اولدی (پس مارالذکر الیاس
پاشا و افر صار و سکیان ایله باله کسرده اوتوروب بر غمه و قره سی و قاز
طاغنک اموال و جبایات و اقلامن کندی اوابه تصرف ایتدر ردی
وزارتله شام و بریلیجک کیمتیوب مغنیه ای غارتد نصکره بر غمه قلعه سنده
نحسن و زیاده تفرعن ایلدی ککوچک احمد پاشا جرمنی عفو
ایتدر مکچون لطیف حیل ایله الیاس پاشای بیک فرق اپکیده
استانبوله کتوروب استاوروز بیجه سنده حضور همایونه کیرد کلرنده
پادشاه الیاس پاشایه بره کافر سکا شامی و یردم نچون کیمده دیوچک
پادشاهم خسته ایدم دیدکده بره ملعون مغنیه ای غارتد خسته دکل

ایلدک امرمه اطاعتده تعجب خسته اولدک کسک شوکافرنک باشی دینجه
در حال الیاس پاشا قتل اولندی بعده کوجک احمد پاشایه یا کافر سنک
تعجب شکایتچیلرک وار نیچون رعایایه تکلیفات ایله ظلم و غدر ایتدک
دیدکده اول دخی پادشاهم حق تعالی وجود همایونکری خطاسمن
ایله کرجه رعایایه تکلیفات ایتدم فاما لوند و عسکره و یردم و یرمهم
جمع اولوب بوشخص اله کیرمزدی حتی رعایادن الدیغم یتیموب التمش
بیک غروش دین ایتدم باقی فرمان شوکتلو خنکار یمکدر دیوچک
جرمی عفو اولوب شام ایالتی توجیه یورلدی (بوارالق) شاه عجم
کورجستانه عسکر کوندر مکه اطاعت اولدوقده نصکره تبریزده درنک
ایدوب و آن اوزر ینه کلمک تدار کینده اولدیغی اشیدمکین سرحد
بکلر ینه او امر کوندرلدی و مرتضی پاشا ماردین قریبنده سلطان
ایله سنه کوجوب وان جانبته ناظر اولدی (پس کوجک احمد پاشا شامه
کیدر کن ربیع الاولده قونیه نواچسندن سعید ایلمنده لادق قریه سنده
زور باردن جالق درویشی قتل و قهریه قریبه بونی اینجه لی بکی
وحاجی احمدی و اوغلی عمری حبس و حلبده جار میخله قتل ایلدی
و محمدرک فتنه روم محمدرک و قره حصاره تغلب ایدن بابا عمر و کله لرین
در دولته بعد الار سال شامه واروب بر وفق مأموریت معن او غلنک
تدارکنه مشغول اولدی (چون) خانلرخانی توخته خان لشکر قزلباشله
تبریزدن وان اوزر ینه یوریدی مرتضی پاشادخی اوائل محرمده دیار بکر
عسکر یله ماردیندن وارضروم و البسی تیمور قازق خلیل پاشا
سردار اولمده قره مان و مرعش و سیواس عسکر لر یله یوریدیلر
ربیع الاولده قزلباش و آتی محاصره و اشکله بی المشیدی خلیل پاشا
و مرتضی پاشا اوتور بیک عسکر ایله عاشر ربیع الاخرده وانه وارد قلدنده
قزلباش مترسدن چیقوب قوسقون قران سمندره بر طاغمه ارقه و یرمکله
اولکون اخشامه قدر و کیجه ده مشهله ایله جنک اولوب قزلباشک یوزلری
دو تنجه عسکر منصور خیمه لر ینه کلدیله فرداسی قزلباش چکلمکله
پاشا وان خارجه اینوب بر قاج کون صکره منصلر ینه کیتدیله مرتضی
پاشا دیار بکره کیدر کن قزلباش حسن اغا قزل کزی اوکنه استقباله
چقد قده حسن اغای بعد القتل شهره کیروب نامدار سپاهی لردن

کورجی یوسف و حاجی مصلی و شاه بندر اوغلی محمدی با فرمان قتل
ایلدی (پس) صفرك يکرمی یدیشده ضحوة يوم جمعه ده استانبولده
جبهه علی قیوسی خارجنده بر قلفا تپی فونده یاقوب قلفات ایدرکن
حریق عظیم ظهور ایتمکله یکرمی درت ساعتده سویتوب فقط ایکی
مخلده ایکی منزلتک جمیع اطراف خا کستر اولمشکن یاغدی فسبحان الذی
لا یجری فی ملکه الا ما یشاء استاد کارگاه تقدیر خلقده آشباراق ضمه من
کوسترمکله (اولدی بیک قرق اوچده احراق کبر) مصرای افغلا
ومعنی تاریخ دوشدی (چون) ماه ربیع الاولده قهوه خانه لده مالایمی
چو غادی دیو قیل وقال اولدی استانبولده قهوه خانه لک اکثری
یوقیلوب و توتون ایچنلر دخی سیاست قتل اولتور دیو یساغ سلطانی
اولدیسده کیمسه مقید اولمینگه جوق کیمسه قتل اولتوب باقی قلان
قهوه خانه لده ییقلدی (اوشاده قهوه خانه زجالی بریره کلوب امور
دولته دارا راجیف احداث ایتملریله بودخی محکم یساغ اولدی (چون)
قراباشک و آتی خاصر سی ایشیدلدی مقدماتنا طولی والبسی محمد پاشا
سر عسکر تعین اولمغله آستانه دن درت بلوک اغاری نفراتیه ربیع
الاولک اون یدیشنده کوندرلشیدی قره مان عسکری قونیه ده محمد
پاشایه ایزیشوب اغاریله آستانه وارد قلرنده قراباشک و آدن کیتدیکی
ایشیدلمکین در عقب در سعاده عرض اولتوب جوابه مترقب اولدیلر
غره ربیع الاخرده وزیر اعظم محمد پاشایه روان قلعه سنده کی مسلمینه
امداد ایچون شرق طرفنه سفر همایونه کیمده سن دیو سردار لغی
حاوی خبط همایون کلدکده ماه مزبورک اون برنده اسکداره و اون
سکرانده قواق جوارنده کی منزل اوله واریجق امراء عجمدن شروان
حاکمی داود خان شاه عجمدن رومه قاچشیدی ایکیوز سواری ایل
کلوب دسنبوس سردار ایتدکده کاتقیری بعده علائیه ویرلدی چند
روز صکره از نکمیده وارلد قده خلیل پاشا طرفندن مکتوب کلوب
قراباشک مغل و باوان اوزرندن کیتدیکی ییلندی وزیر اعظم از نکمیده
ایکن پادشاه عالمپناه از نکمیده کلوب خلاف رضا حرکت ایدنلری قتل
ووزیره بعض شیء تنبیه ایتدکده صکره سمت تختگاه ووزیر دخی
جانب شرقه متوجه اولدیلر (چونکه) معنی اوغلی امیر فخر الدین

دیدکری بد مذهب فرق سنه مقداری امارت عربی تصرف ایتمکله
ناحیه زیدانی وراسنده بعلبک طاعلرندن اقامی شاهه ورنجه تحت
تغلبنده ایدی وهر سنه مال مقطوعی ویردیکندن کتدویه تعرض
اولزدی فاما سکبانلری چو غایوب ممالک شاهه استیلا سندن قورقیلوردی
امیر علی نام اعرج اوغلی امیر نصیب ایدوب کندی تدبیر ممالک بهانه سببه
رعایایه ظلم ایدردی کوچک احمد پاشا دمشق شاهه وارد قده کتخداسی
ابراهیم اعانی عسکر ایلده معنی اوغلی اوزرینه کوندروب جنک ایتدردیسه ده
کتخداسی طوتیلوب بنه اطلاق اولندی (بعده کوچک احمد پاشا فرخ
اوغلی کوندردکده امیر علی اون ایکیبیک اشکرایله باباسی فخر الدین
زیارتیه کیدر مش بر قوملق مخلده راست کلوب بالمحاربه امیر علی بیک
کله سنی احمد پاشایه کوندردکده احمد پاشا عسکر ایلده کلوب صفه
صحرا سنده معنی اوغلی بالمحاربه بوزنجیه معنی اوغلی مقدمه ما تحصن
ایتدیکی شدف نام جبل تمتع الصعوده فرار ایتمکله احمد پاشا اول طاعه
جیقوب معنی اوغلی اولدیغی مغاره تک فتحی ناقابل اولغین هیرم
یاقوب تدخین اولند قده معنی اوغلی ناچار جیقوب احمد پاشا معنی اوغلی
فخر الدینی و اوغلاری حسین بک و مسعود بکی واهوال فراوانلری عتبه
خمسروانه په کوندردی بعد الوصول معنی اوغلی حبس و اوغلاری
غلاطه سراینه ویرلدی (پس) سردار اعظم محمد پاشا قونیه په وارد قده
بریق حسن و کورجی علی نام زور باری بعد القتل نصف جادی لاخرده
حلبه واروب یدنجی کون دیوان ایتدکده حلب والبسی نوغای پاشا
بعضی قتلی لازم زور باریک مالی الوب قتل ایتمشیدی بره منطوق همایون
نوغای پاشایی قتل وکله سنی عتبه علیه په کوندردی (بعد ازان)
سلطان مراد حضرتلری بیک قرق اوچ جادی الاخرنده از نکمیده
بعده بزوسه په عزیمت مراد اغلریله کورجی محمد پاشا مهمات کورمکیچون
ایلرو کوندریلوب ککندیلری دخی شدت شتاده استانبولدن
از نکمیده کلدکارنده چند نفر دخت نوشانی قتل و صلب ایلدی (قیودان
جعفر پاشا و کورجی محمد پاشا و میر آخور کیر حسن بن اغا و قوجیلر
کتخداسی حسین اغا معیت همایونده ایدیلر و از نکمیدک قلعه سنی زمان
قلعه تعمیر ایتدیروب قاضی کش زاده تک خدمات مشکوره سنه

سبب عزل او انسون دیو خط جکدیلر واندن الغارله ازینقه کلورکن
 شتا تقریبی یولده چامورده زحمت چکسکین ازینق قاضیسنک اهلاندن
 تطهیر اولمش دیو قاضی بی عرف و اضافه سیله قلعه قیوسنه صلب
 ایلدی واندن غره رجیده بروسه یه کلوب اجداد عظاملرین و امیر
 سلطان و سائر مراد اهل الهی زیارت و بشکون بروسه ده استراحت
 و قیولچیلری سیر و تماشا یه رغبت ایدوب یوم خپسده شکاره جیقیدیلر
 مراد همایونلری فرداسی جهه بی بروسه ده قیلوب برقاج کون دخی تفرج
 ایدی ازینق قاضیسنک صلب اولندیغندن استانبولده گفتکواولمغه شیخ
 الاسلام اخی زاده حسین افندی والد سلطانه تذکره کوندر دیلرکه
 علما و قضاة دعا جیلری حقنده پادشاه عالیشان حضرتلری بحال ایل
 معامله پیوروب اجداد کراملری ایتدیکی کاردن کندیلری دخی
 اجتناب پیورمق نامناسبدر کندیلرینی بددعا دن صاقنورزماملدرکه
 تصیحت پیوروب علمائک خیر دعا سن آله سر زبراهنوز عالمک هرج
 و مرجی اندفاعه یوز طومشکن قبل و قاله مؤدی احوال دن جناب
 خلافتناهی بی ضیانت ایدرز دیو تحریر و ارسال ایتدیلر اعداء زمانه
 دخی شیخ الاسلام جلوس داعیه سنده در دیو والد سلطانه خفیه
 خبر کوندر ملریله والد دخی پادشاه حضرتلرینه مکتوب یازوب
 بنم ارسال نم عجله کله سر جلوس تدبیر اولنیور دیو شیخ الاسلام
 تذکره سیله کوندر دیلر مکتوب شکارده ایکن کلدیکی آن بروسه یه
 دوغیوب همان بستانجی باشی دوجه قولاغوزانیه جهه ایتسی
 اخشامه قریب اسکداره ورود و خاص بقعه یه یکدکاری ساعت
 شیخ الاسلام حسین افندی بی و اوغلی استانبول قاضیسی سید محمد
 چلبی بی قبریسه نفی و یحیی افندی بی شیخ الاسلام و قره چلبی زاده
 عبدالعزیز افندی بی استانبول قاضیسی ایتدیلر (چونکه) ابازیه پاشا
 یوسنه والیسی اولوب قول طاقه سنی قتلدن پرهیز اوزره ایدی
 طاشلوجه و هر سک و پره بولی سمتلرنده برقاج قول طاقه سی طغیان
 ایدوب ابازیه شتم و برخصوصه مداخله ایتدر مزردی ولوب اوغلی
 حاجی سلیمان دخی بونلرکی تغلب داعیه سنده ایدی ابازیه پاشا بونلرک
 قصد یچون غاچقه صحرانسته ایندکده لوب اوغللرندن مصطفی بک ایل

چولاق عثمان بشه مسلح آدم لرایله کلوب بعد العصر ابازیه پاشایه هجوم
 ایتدیلر ایسه ده چولاق عثمان و برقاج آدم قتل اولتیجق مصطفی بک
 قاجقه سیله با واسطه شفاء وافر مالن اکوب عقو ایلدی و اول سمند کی
 قول طاقه سنی طوتوب بوغدی و حاجی سلیمان نوه قلعه سنه قاجشیدی
 اوغلی عمر چلبی معرفتیه جلب اولندی مکر شعبانلو قبیله سندن
 حاجی حسین نام شخصک بونلرایله دعواسی و اریمش ابازیه پاشا
 حضورنده مرافعه لرنده شعبانلو بونلرک واجب الاراله اولدقلرین
 خبر ویرملریله ابازیه پاشا دخی بیک فرق محرمنده اولا حاجی عمری ثابا
 باباسی حاجی سلیمانی قتل ایلدی امام مصطفی بک ماملکن و یروب
 قورتلیدی (بعد ازان) ابازیه پاشا کلپس سرحدنه واروب وندک جنرالک
 مقری اولان زادره قلعه سنی محاصره ایتدکده ایچنده کی کفار کیقتلرین
 استانبولده بالیوسلرینه یازملریله ابازیه بی یوسنه دن عزل ایتدردیلر
 بوخبر ابازیه کلچیک زادره دن سرای یوسنه یه کلوب و دین سنجاغیه
 طونه بالیسی محافظه سنه بعده سلاستزه واورنی محافظه سنم مأمور اولدی
 واندن عسکر بیکران ایل طونه بی یکوب بیک فرق اوج ریح الاوانک
 نصقنده خوتن قلعه سنک جانب بیمنه قیچقه قلعه سی مقابله سنده
 اسکی طابور نام موضعه ایندکده قیچقه قلعه سنده له قرانک و کیلی
 خطمانه مبنای صلح و صلاح اولمغه صلاحیتا و بعض خدمات تکلیف
 والا وقتکه حاضر اول دیو خبر کوندر دکده اولدخی ابایدیچک ابازیه پاشا
 اورایه آغر لغنی براغوب ماه مر بونلرک اون سکر نده کریده عسکر ایل
 طوزله بی عبور وایلغارله قیچقه قلعه سی الته واردی کفار ایسه طابور
 قورمشیدی پاشا ترتیب صفوف ایدوب درت بش ساعت جنکله مظفر
 اولدی واندن له مملکتیه طوره بپشنده کی جزیره ده سکر پاره قله بی
 مشتمل بر پلنقه کی جنک آور کافرا له ملو ایدی علی الغفله با صوب
 اخشامه قدر محاربه و علی السحرینه جنکه باشلیجق پلنقه کفره سی
 اولندی قوله بی براغوب سکر نیجی قله یه جمع اولدقلرنده ابازیه پاشا
 پلنقه دینه عرب له ایل دمدلر بیغوب آتش ایتدکده سکره یوریش
 ایدوب کرچه پلنقه یه کیردی ولکن چوق نفوس تلف اولدی
 کفار دن ایسه برفرد قورتلیدی فرداسی عسکر ایل بته بغداد یقه سندن

طوره بی قو و ارق دیگر پلنقه اوزر پنهانده ایلغار ایلدی فاما کفار خوف لرندن
 قاجار یله پاشا لشکر تاتاری کوندردی بونجه پلنقه و قرایی یا قدردی
 واندن یکی پلنقه و اشقوه اوزر لرینه وارمق اوزره ایکن بغداد و افلاق
 و بوده لری توسط پلنقه له قرالی اطاعت ایدوب صلح ایچون استانه به
 ایچی کوندردی که تهمید ایتمکین ایازه پاشا دخی مقرایالتنه کلوب رؤس
 مقطوعه اعدایله و ز نفر زنده کافری عتبه شهر یاری به کوندردی که
 جـ اـ سی حضور هما یونده قتل اولندی فی الحقیقه اوائل رمضان
 له قرالتک معتبر الحیسی هدایایله استانبوله کلدی که پادشاه دخی دیار بکر
 و البسی مرتضی پاشا سابقا بدون و البسی اولوب له و نجه سرحد لری
 امور نی نیلوردیو استانه به کتوردوب له اوزر پنهان سردار ایندیله
 (پس) پادشاه حضرتلری بالذات ادرنه سفرینه عزیمت و بلغراددن
 ذخیره و کورپی مهماتی روسجق اسکله سنه کلت ایچون قیوجی باشی
 کوندردیلر و تاسع شوالده الای ابله ادرنه قیوسندن چیقوب اوناغ همایونه
 ایندیله و له قرالتک نیساری اوزره صلحه مساعدده اولتوب اوزر لرینه
 سفر اولنه جغنی ایچینسنه افاده برله چقار دیلر مرتضی پاشا له طرفه
 سردار تعیین اولند قدده ایازه پاشا در دولته دعوتله کلوب شکار و تماشا لده
 هم رکاب همایون اولدی عسکر ظفر مائر و مکمل التمش باره طوب ابله
 شوالک اون التبتسنده داود پاشا دن کوچیلوب یکرمی سکر زنده ادرنه به
 وارلدی (چونکه) شاهین کرای بونجه فسادات ایتمشیدی نه عجمده
 و نه کافر ستانده و نه تاتار ایچنده رعایت بولماقله هزار عجز و اضطرار له
 سنه مزبوره ریح الاولنده استنه سعادته جبین سای اولیحق جرایم
 سابقه سی عفو اولتوب ردوس قلعه سنه کوندردی (بوئشاده) استانبوله
 ساده یاغی بولتوب استانبول قاضیسی قره چلبی زاده عبدالمزیز
 افندیته ک یساعی و نرخی سپید ردیمکله عبد العزیز افندی
 بعد الاعدام دریایه اتلمه ایچون احط لره کوندردی لشکر
 برام پاشا رجاسیله ورا ندن خط همایون یتشوب یک فرق درنده
 قبرینه تی اولندی (چونکه) بوسنوی سلحار مصطفی پاشا
 مقصد ماخطاط حسن پاشا خدمت ایدوب صکره سرای هم یونده
 عثمان خاصه دن اولنقه شهید اولان موسی چاییدن بوز مرتبه زیاده

مقریندن اولمشیدی فاما خطاط حسن پاشا کینه قدیمه سی اولمغین
 سلحدار افند قتلنه خط همایون المغه له سلیمان پاشایی بوسنه و البسی
 ایدوب ایلغار له حسن پاشایی قتلنه کوندردی شیدی حسن پاشا تک
 شعبان نام خدمتکاری استانبوله بو کیفیتی طویوب سلیمان پاشا دن
 برکون مقدم ایلغار له لیله رمضانده تراویح قلیفور کن بوسنه به و اروب
 وقعه بی اکتد قدده حسن پاشا همشیره سی منزله اختفا ایلدی
 سلیمان پاشا کلوب حسن پاشایی بوله منجه ماملکنی تمهید دصکره
 کتخداسی سقام صطفی اغایی تعین ایدوب وقت صحر خانه بخانه
 ارادر کن همشیره سی منزله اولمشیدی خبر ویرلمکین وارلدیسه ده
 حسن پاشا بالناس نسوانه کیر دیکندن یلمدی بعد قضاتدن رئیس زاده
 علی افندی منزله و ایردیقی خبر ویرلمکین کتخدا و ارد قدده قاضی
 بیورک اریمک اما بولتمزسه منزلی یاصدیله دیور کابه عرض حال ایدرم
 دیوچک کتخدا اولمز له کیرمدی (پس حسن پاشا بر قاج خواصیله
 بوسنه مظاغلرندن اریقان طاغنده برنارده ساکن اولدی برکون
 بر افلاق حسن پاشایی مقارده کوروب سلیمان پاشا به خبر ویرد کده افلاق
 یاننه آدم لمر قوشیلوب اوحوالی به یقین واردیلر حسن پاشا دور بین ابله
 یوللری کوزه دردی افلاق یاننده کی آدم لری کرو براغوب ایلر و کلد کده
 حسن پاشا اوق ابله افلاق قتل ایلدی کیروده قلان آدم لمر افلاق
 کلمه منجه عودت ایتدیله بیچاره حسن پاشا شدت شناده اوج ماه طاغلرده
 امرار وقت ایدوب قصصیل یارده تبدیلا استانبوله وارمقله آنده
 اختفا ایلدی (بوئشاده) سلیمان پاشا صکره استمکله بوسنه عسکر یله ادرنه
 صحر استنده اوردوی همایونه ملحق اولدی (پس) مرتضی پاشا
 یاصلی باجنک ایچون سردار اولوب اوائل صفرده له اوزر پنهان کیند کده
 برکون صحر استنده افلاق یکی کلوب خلعت کیدی (بعده) سلطان
 مراد حضرتلری ماه صفرده ادرنه دن استانبوله حرکت پیور دیلر
 ماه مزبورک سلخنده ایازه محمد پاشا منجه سابقه و لاحقه سی مقتضاسی
 استانبوله قتل اولندی (بوئشاده) له ایچینسی ابله طرف دواندن اهدده
 ایچی اولان شاهین اغا مرتضی پاشا به کلد کزنده شاهین اغا ایلغار ابله
 جادی الاولده رکاب همایونه کلوب صلح احوالی مقبول همایون اولمقله

مرتضی پاشا عسکره بعد الاجازه استانبوله کلد کده نصوص پاشا
سلطانی آلپ داماد پادشاهی اولدی (بعد از آن) پادشاه کشورک
فصل بهارده شرق سفرینه حاضرانوب غزه رجیده طوغلدیکدی
بیرام پاشا استانبول محافظه سننده قالوب مرتضی پاشا سفر قائمقامی
اولدی و کنعان پاشا و موسی پاشا و قنودان پاشا و شیخ الاسلام
و صدوزین بر قانون شهر یاری سفر همایونه مأمور اولدی و قرق خانی
جانبیک کرای خانه بر قانون قرقبیک فلوری جزمه بهاسکوندریلوب
سفره دعوت اولندقدده خان جزمه بهایی آلبوب استعفا ایدیچیک
بعد الملزل ردوسه کوندریلوب برینه سلامت کرای خان او غلارندن
عسایت کرای خان نصب اولمغین برادری حسام کرای سلطان
قلعه لوق منصبتده قرار ایدوب عسکر تاتارله سفر همایونه مأمور اولدی
(بواشاده) نفعی شاعر التفات شاهانه به مغرور بیرام پاشایی هجو ایتمکله
بیرام پاشادخی باذن همایون نفعی بی سرای او طولمغده بوغدیروب
میته سن در پایه آندردی (چون) پادشاه حضرتلری بیک قرق درت
رمضانیک یکریمی ایکبسنده اسکدارده اوتاغه ایندیلتاسمع شوالده
اسکداردن قویمیه واروب یانکرجه خندق اوزرنده کی اخراج کزیدن
آت ایله ایچ قلعه به توجه ایندیچیک قوجه دزدار که بیرمهر برار ناودایدی
بالایی قلعه دن بره اغایاده یوزی بو پادشاه قلعه سیدر بو کا آت ایله
چقلمزدیو آزار ایندیجه پادشاه حضرتلری بو وضعه دن خوشلندیلر
بعده دزدار پادشاه اولدیغنی بلیچیک خاکبای همایونه یوزشوردی
قلعه مذکورده سلطان غزالدین کیمکایس بن کیمسرو سلجوقی
یناسیدر و اندن حضرت مولانا قدس سره تره سنه واردقلرنده
ملازاده ابو بکر چایی ضیافت ایتمکله پادشاه دخی ابو بکر چایی به
سمور کورک الباس ایدوب آستانه مشارالیه قریبان بها نامیه قویمیه
جرییدسنی وقف و مطبخ مضر فیچون دخی ضوغلده محصوراندن سنده
بیک غروش تعیین پیوردیلر قویمیه ده الی کون آرامدنصکره اواخر
ذی الحجه ده سیواشدن ارضروم نیتله پاسین صحرارسنده واردیلر
(چون) وزیراعظم محمد پاشا حلبدن دیار بکره کلوب مهمات سفریه بی
تنظیم ایدردی روان بجانبه توجه پادشاهی بی اسیدیچیک شوالک

اون سکرزنده سیران دپه سننده اوتاغه چیقوب ذی الحجه نیک اون طوقوزنده
ایلغارله ارضرومه واردقدده ارضروم والیسی تیمور قازق خللیل پاشایی
مرتضی پاشا ایندیله باخط همایون قتل ایدوب کله سنی رکاب
همایونه کوندرد کدنصکره بیک قرق بش غره محرمنده ارضرومدن
بایبوردقربنه کلوب ایرتسی برای استقبال سنور اواسنده رکاب همایونه
بعد الوصول ثامن محرمده ینه ارضرومه کیتدی پادشاه حضرتلری
ایلیجه به کلد کده وزیراعظم ارضرومدن واروب لواء سعادت پادشاهه
بعد التسلم اوتاغه کلدی ایرتسیکه ماه من بورك اون یدیسیدر پادشاه
حضرتلری سکوه و سلطنتله ارضرومه کیر دیلر یکریمی دزدنده
پادشاه حضرتلری یکریمی بش بالینر طوبلر ایله طوغلدی ایلر و
کوندروب فرداسی ارضرومدن و آندروانه اولدیلر (غره
صفرده قرص قریبه و اوئنده وان قریبه قونیلوب مز روغاتی
حیواناته یدرمکه اذن و برادی ایرتسی کولک کیتدی واریلوب
الای ایله قلعه قریبندن خنکار دپه سی نام محله و اقع اوردوی
همایونه کچیلور کن حصاردن لایعدطوب آتله یسه ده ضرر ایتمدی
اون ایکنجی کیجه ساعت اوچده عسکر بافرمان مترسه کیروب قلعه
روانی محاصره وطوب و تفنک دانه لری قطرات باران کی یر هفته ایلا
ونهار هر طرفدن روان اوزرینه یاغمه قلعه دیوارینک بر طرفی زمینه
برابر یقلمشیدی و قزلباشلر کد کله زنبیل و چوال ایله طپراق
طولدر لر دی ولکن پایدار اوله مبه جقلمین ییلوب ویره تدارکنده
اولدیلر آخر رخنه عظیمه آچلیچق ناچار الامان دیو جاغر شدیلر
ماه من بورك یکریمی برنده طهماسب قولی خان طرفندن کوجک اخذ
پاشایه اچلی کلوب هفته یاشنده قلعه بی تسلیم ایتک اوزره خبر و یردیکی
پادشاه حضرتلرینه عرض اولندقدده شهر یار عالی و قارغضبیلوب
اچلیک قتلند فرمان ایتدیلر و بوکون بای خال یوریش ایله قلعه النسون
پیوردیلر وزیراعظم اچلی بی شفاعتله قور تاردی قاما ویره صداسی
طوب یلغین هر کس جنکدن فارغ اولدقدده قزلباش فرصتدر دیو آجیلان
رخنه لری طولدر دقدنصکره اچروذن بفته طوبلر اتوب براز کیمسه بی
شهید ایتلر ایله عسکر اسلام تکرار جنک و محاصره به اقدام ایتدیلر

ماه من بوزك يكرمي ايگيسته زوان حاكمتك كنجدا سي مراد اغا رسم
رسالتك كوچك احمد پاشايه واندن صدر اعظمه واندن حضور همايون
وارد قده پادشاه جلالته نيجون قلعہ بي تسليم ايتديكز بيور يچق
الحی جوابنده پادشاهمك آوازہ جلال و هيبتی شاه قولاغنه كبرسون
و اولوله دستبرد قهرمانیسی افاصی ايران زمينه ارسون ديو قارنجہ
مثال سزك كي سلجانه قارشو طور مغه جرأت ايتدك نه آنكه برابرلكدن
دم اوره لم و تسليم قلعہ دن عناد واستكبار ايدہ لم ديوچك پادشاه
حضر تلي خلعت امر ايتدك كند نصكره اكرامانه مطالب ايسه كز
بوكون قلعہ بي تسليم ايتدك بيورديلر فرداسی عقد مصالحه اولمغه
يكرمي اوچنچي كوني روان حاكی امير كونه اوغلي قلعہ دن جيقده
عسكر اسلام دروازه حصار دن بارگاه پادشاهه كلنجہ يدى قات
مزين و مسلح صف اندر صف طور ديلر طهاسب قولى خان مازندران
اشكرينك باشي مير فتاحله شمشير در كردن اتباع و اشباريله وزيره واندن
حضور همايون و اروب مر اسيم زمين بوسی بعدالاد در بارگاهده
دست برسینه طور د قلرنده جناب خداوند كاريدن معامله انتفات
صدور ايدوب متعلقاتي سكا باغشدم بيور يچق اول دخي بر او يوب
اظهار بنده كي واستعفا و شرمنده كي ايتدكده بر برى اوزر ينه اوچ قات
خلعت الباس و بر مرصع صورخوج و قلیج و خنجر احسان اوانوب
يوسف پاشا عنوانيله معنون قيلندى (ثناء كلامده سبب ندر كه بن درت
آيدر تعب سفر چكوب كلد م شاهكز عورت كي كزبان اولمشدر
نشكل شاهدر بيور يچق پادشاهم عمر دولتك زياده اولسون اباعن جد
قليچكز كس كين و آنكر بور كدر انك نه وجودى وارد كه سزك كي
صاحبقران عالیشان مقابله سمنه كاه بله ديدى اندن پادشاه عالیشان
بوكون البته قلعہ ضبط اولسون بيورد قده اول دخي سمنه و طاهه
ديوب قلعہ بي ياد دفتر بعد التسليم ميرفتاح اوغلي اول كون ايكييك
مازندران عسكريله شاه عجمه كيتدى قاما خلاف قاعده عساكر
مذكوره لك سلاحلى التامغه راست كلد كلرى باركبرى سوروب
قتل نفوس ايتدكلرى اشيد ياچك كوچك احمد پاشا وقره مان واليسى
محمد پاشا كوند ريلوب جنگ ايتدك ايتدك ايتدك پادشاه انام امير كونه اوغلي

يوسف پاشايه وزارتله ايلت حلي و كنجدا سي مراد اغا
طرابلس شام ايلتن و يروب منصب ينه منسلح كوند ريلكله كند يلزى
معيت همايونده اولديلر واندن پادشاه چم جله روانك تحافظه سنى
مرتضى پاشايه سپارشدن صكره آلاى ايله واروب جعه غماز ينى قلعہ
جامعهده بعدالاد امير كونه اوغلي پياده ريكاب همايونده يوز ويه زك
سرايه كك ورمكين بعدالعصر شما و باغ همايونده كلديلر (چون)
امير كونه اوغلي حلب منصبله و كنجدا سي مراد اغا طرابلس منصبله
برابرجه كيتديلر اما مراد اغا حقيقته سنى و امير كونه اوغلي بد مذهب
رافضى اولمغه ارزنيكانه بر قوناق كشتن خاني منزلته روانك و ايلسن
سبب اولدك ديومراد پاشايي شهيد ايتدك نصكره حلبه واروب
كونا كون بعد ياني كوشنر د پادشاهي اولد قده حلب ايتدك احمد پاشايه
و ريلكله احمد پاشا حلبه واروب طرفدن منسلح نصب و امير كونه
اوغليه مأمورا ازنگيده كلوب موكب همايونده و فرمان صدر و ريشه
مترقب اولديلر (واندن) پادشاه انام تيريزى غارت ايجون آرزى ايجانده
واندن اوغراد يني قلاع و بقاعى هدم و باغات اشجار يني قطع واله
كيرن قزلباشلى قتل ايدك كيدر كن رستم خاندن صلح نيانيله تركن
خضر بك نام قزلباشله مرتضى پاشايه مكشوب كنور مكله اولدخى
يله جنگ ويوده سى عثمان اغايله اجواب كوندردى (نام ربيع الاولده
خوى قصه سمنه واريلوب اوچ كوتده قلعہ واپديه و بقعه سنى تحرييت
اولد قدينصكره صوفيان و حاجى حرامى يه وارلد قده رستم خاندن
كوچك احمد پاشايه كاغذ كلوب صلح ايجون عثمان اغا كوندز يله چكدر
ديمش ماه موزك يكرمي سكرنده تيريزه واريلوب كيرى باشندم
سعد آباد صحرابنده قونلد قده كوچك احمد پاشا ايله وان واليسى
قرانقوله كوندردى اولمزليله جله قزلباش رستم خان پاشنده و شاه
بش منزل كرده ايدى بلدى فرداسى پادشاه تيريزى كلوب سرايا
هدم و اخراق ايتدك ايتدك ليكن بقعه لى بي نهايه اولمغه اوچ كوند
بونجه عسكر عشرينى ايتا ايدمديلر ايرسى رستم خانه كوند ريلان
عثمان اغايله رستم خالك كامران نام آدميسى كلوب كاغذنده مسلمنه
رغبت اولمغه اوزم جزبه تعيين اولدى رواندن تيريزه كلنجه رستم

خان عسکر اسلام او کجده فرار ایدر ایسته ده قتل شلتا یا قلمین
پادشاه عالیجاه ربیع الآخرک ایکبسته تیرزدن کوچوب اون بدبسته
وانه واندن ناسع جادی الاولده دیار بکریه ویکری اوجنده از یکبسته
کلیدیلر رجبک اون بشی کجده سی از یکبده دن قدر غه ره بتوب
استانبوله کلدکلزنده وزرا وارکان دوات حسب الامر سلحدار مصطفی
پاشای ملوکانه آت میدانی سیرایه قوندر دیلر واقعا سلحدار پاشا صاحب
حسن و جمال و پسندیده خصال بر شاپ مقبل رشید و کامل وزیر ایدی
(چونکه) روان فتحنامه سیله قیوجیلر کنخداسی صالح اغا و مصاحب
بشیراغا قدحجه استانبوله کوندر لده سرای عامره ده سلطان احمد
مرحومک شهرزاده لری سلطان بایزید و سلطان سلیمانکه یکری بشر
باشنده نوجوانلر ایدی اعداملر یچون قائمقام میرام پاشا ایله بیستنجی
باشی دوجه محمد اغایه خطابا خط همایون کوندر لمشیدی فتحنامه
اعلانیه یدی کون یدی کجده شهر د و نغاسی اولوب هر کس عیش
و عشرته و نشاط و مسرتة مشغول ایکن میرام پاشا بیستنجی باشی ایله
شهرزاده لری آخرته کوندر دیلر ایسه ده صکره بوضع ناسزا باعث
اختلال اولدی (چون) امیر کونه اوغلی کاکان ملتفت اولغله وزارت
خاصلری واستیه ده فریدون پاشا بکجه سی و آخور قبوده سرای
و کاغد خانه ده برچفتاک ویریلوب مارمه سی میریدن کوریلور ایدی
التي بدی سنه فسق و فجور ایله متعم اولوب آخر سلطان ابراهیم زمانده
قتل اولندی (بعد از ان) شاه تبریزه کلوب عسکر جمع ایلدیکنی
واصفهان دن درت پاره طوب کتور دوب روانه کیده جکئی وان والبسی
دلاور پاشا وزیر اعظم محمد پاشایه یازمغله اول دخی آستانه به عرض
ایتمکین عسکر جمعه درت نفر سور یچی پاشا چبقارلدی رجبک اون دزدنده
رستم خان ایله شاه عجم کلوب روانی محاصره ایتدکده وزیر اعظم رابع
شوالده اناطولی و قره مان و سیواس و مرعش و حلب و شام و طرابلس
و ارض روم و طره بوزن و جلدر و قارص ایالتلرینه مجعلا ارضرومه
اوردوده بولنه سز دیوا و امر کوندردی قزلباش دخی سپت اورلکیچون
خا لرینه چبوق سالیانه ایدوب تقابیدن ایکی پاره طوب کتور تندی
شمانک اون بدبسته دیار بکر والبسی محمد پاشا مأمورا تقابسه درک

ایتمکه کیتدی یکری ایکبسته وزیر اعظم دیار بکردن قلوب ناسع
رمضانده یکری بیک قدر عسکر ایله ارضرومه کلدکده سیواس
والبسی ابراهیم پاشا انجق اون بش آدم ایله کلیدی شوالک ایکبسته
وزیر اعظم حسن قلعه سنه کلدکده قره مان و اناطولی پاشالری
یکرمبشر آدم ایله ارضرومه کلدیلر شاه ایسه اوش خانی کلک علی
خان وابدال خانی التي بیک قدر قزلباشله سلماسته و براق خان ایله
برقاج بیک قزلباشی بایرمة قر بنده ورستم خان قزلباشی درتیک
قرلباشله خویده البقومشیدی پادشاه عسکر اخر اجنه اقدام ایتدیه ده
شتا تقریبی چبقار یله مدی ماه مر بوزک یکری ایکبسته قارصه کیدمک
اوزره ایکن روان والبسی مرتضی پاشا کنخداسی ذوالفقار اغا دن
کاغد کلوب مضایقه بی و بش اون کونه دک امداد اولمز ایسه قلعه نک
کیده جکئی یازمش و مرتضی پاشا شهید اولمین کنخداسی ذوالفقار
اغا محافظه به قیام ایلش ماه مر بوزک یکری التپسته اناطولی و البسی
کورجی محمد پاشا ویکری طقوزنده قره مان و البسی قارصه کیتدیلر
یکری درنده روان قلعه سنک قزلباشه کدیکی خبری عمره ذی القعدة ده
سرداره واصل اولد قده هر نقدر قبش ایسه ده حسن قلعه سنده
وزیر کلان دیار بکرو وان وایدین ویدایس حاکی ابدال خان وان
محافظه سنه کوندرلدی و قلاع ساره به ده محافظه ایچون عسکر
کوندرلدی سادس ذی القعدة ده استانبول دن پیاده عسکر کلیدی
ناسع ذی القعدة ده وزیر اعظم روانک کیتدیکنی بعد التلخیص ارضرومه
کلوب دیار بکر و حلب و البسی حسن قلعه سنده قالدیلر نضیه
معلوم پادشاهی او ایچق و قوعه کلان احوالی مقدرات الیه دن بیلوب
سعی و اقدامده قبضور اولمیشی معلوم اولمشدر خاطر ده دغدغه
کتور مبوب خدمتده مقید اولمش دیو خط شریف کلکله سردار اکرم
دخی مصاحبه تقید ایلدی (پس) بیک فرق التي محرمک اوننده
مناسب محلزده اون بدی باب یتشیر سکساز یوزر قطار دوه آورا یکی
قبولی آورته سی آجق آخور باید رلفیچون فرمان کوندرلدی نصف
محرمده جانپولاد زاده مصطفی پاشا ارضرومه کلیددی یکری
سکرزنده باخط همایون اسانت سابقه سی مقتضای قتل اولندی

(پوئاده) کوچك احمد پاشا شهيد اولمغه شام اياتي وزير اعظم
كجنداسي ابازه درویش محمد پاشايه توجیه اولندی (سادس جادی
الاولده سردار اعظم ارضرو مدن کچوب اوائل جادی الاخرده
قشله ایچون دیار بکره کلدیلر) درویش محمد پاشا شاهه عبدالله اغایی
مسل ایلوب کوندز مشیدی معن اوغلند نصکره خرמוש اوغلی نام عرب
بکی عربان ایله اولخوالی بی اسلیلا ایتمکله عبدالله اغایی بخار به خرמוש
اوغلی اتباعندن بیکدن زیاده نفوسی قتل ایلندی (پس) وزیر اعظم
محمد پاشا روانه امداد ایتمدی دیو عزل اولوب قائمقام بیرام پاشا سابع
رمضانده وزیر اعظم و سردار اکرم اولدقده سرحد و مصلوئه دك
محافظه خصوصی دیار بکره والبسی طیار محمد پاشایه اصمزلندی
اولکجه سردار سابق او تور قرق آتلاوایله حقیقوب شوالک اون ایکسده
حضور همایونه واردقده نصیراتی مقتضاسی مسافر خانه وزرا اولان
صبرجه سرایه قویدیلر (قبودان مصطفی پاشا جادی الاولده
آق دکرذن معتمدا دوغمالیله کلدکده قائمقاملی دخی ویرلدی عاشر
شوالده بیرام پاشا آلائی ایله اسکداره کچوب اون اوچکو نصکره حلبه
هزیمت ایلندی (چون) وزیر سابق محمد پاشا طغسان کون صرجه
سرایده یاتوب جمیع اموالی میری به ضبط اولندی ماه محرک اون
یدیسنده جرمی عفو وغیره ربیع الاولده اوزی اباتی ویریلوب
اول سمترک محافظه سنه تعیین اولمغین اوئچی کون کیتدیلر (پس)
ماه مزبورک اون یدیسنده شاه طرفندن مقصود خان نام الحئی اسکداره
بعده حضور همایونه کلوب شاه جرمندن استعفا ایدوب نامه سنده
مال اولمغله الحئی داود پاشا سرایه حبس کی کوندلندی (پوئاده
الچینک اونده شکنده ایکی نفر آدمی طشره ده طویلوب قید و بندله
استانبوله کلدکده پادشاه غضبیلوب الحینک سرایی قارشو سنه
صلب ایلندی ویرولرخی وقولقاری کسوب کتورد کلری مکتوبلری
بیونلرینه طاقغله اوچکون مصلوب اولوب الحئی به داغ برداغ اولدی
(غیباذا) وزیر اعظم بیرام پاشا بغداد ایچون اولهارده عسکر ایله
اسکداردن قالقوب اما سیه به واردقده بکرمی بیک خرروش صرفه
طشره دن صو کزندی و بره او بخانه بیدرتدی واندن بیکده به واروب

خاندان کالریا بیدرتدی واندن توقاته واروب مهمات سفریه و ذخایر جمع
ایلدی غره صفرده عتابه واندن ایلمارله بیره جکه واروب موصله
طوبلر ونجه خانه کوندزدی و ربیع الاخرده عسکره اجازت ویروب
اماسیه قشلاغنه رجعت ایلندی (پس) نصف شوالده اسکداره
اوتاغ همایون قورلمغه ذی القعدک اون التیسنده اردوی همایون
اسکداره کچوب بکرمی اوچسده سلطان مراد حضر تلی ایله
اسکداره کچمکین اسکداردن بغداده یوز اون بش قوناق ترتیب واندی
ذی الحجه ک بکرمی اوچنده اسکداردن قالقوب بشچی منزله ازنگمیده
واردقده تشییع ایدلرد و ندیلر بیت قرق سکر محرک اون درنده
این او کینه واردقده وزیر اعظم بیرام پاشا قونییه دن اخبارله کلوب
رکاب همایونه یوز سورنجه مکرر سمور کور کلر و صرع اکر او آت
و محوهر خنجر ایله ملقت اولدقده نصکره رفاقتله مأمور اولدیلر
بولو ادینه واردقده اناطولی والبسی و ارداری علی پاشا اردوی
همایونه ملحق اولدی (قونییه به واردقده روم ایلی و البسی ارسلان
پاشا اوغلی عسکریشمارله اردویه داخل اولدی چاقندخانه واردقده
طرابلسدن معزول بلغار احمد پاشا کلیچک تعدیاته بناء قتل اولندی
اطنه به واریلوب کیریدن کچلور کن یدی سکر نفرادم قلعه دن اشاغی
کندیلرین صویه آندیلر اطنه و البسی جعفر پاشا حبس ایدی عزله
قورتلندی ربیع الاولک اون برنده که الی ایکیچی قوناقدر حلب الشهبایه
واریلوب اون الی کون اقامت اولمغله رضوان بک مصر عسکر یله
و طرابلس و البسی شاهین پاشا اردوی همایونه ملحق اولدیلر
ماه مزبورک بکرمی ایکسده حلبدن کوچیلوب قریه مزاره واردقده
اواخری میراواسی دلی میر پاشا کلوب شا کیری دخی کلکله قتل اولندی
بیره جکه واردقده عثمان پاشاک بافرمان قرق پاره سفینه دن نهر
فرات اوزینه قوردیخی جسر دن عسکر کچوب پادشاه انا و مفتی
یحیی افندی بالمعیه قایق ایله کجدیلر بیره جکده ایکسی بکرمی بشر
واوچی اون سکرز وقیه قله آنا ریش پاره عظیم طوبلر یایدیلدی
سکرز یوز پاره کیلر یایدیلدی سیواس و البسی کور خزینه دار
و یوز اوق بکی شمسی پاشا زاده اوراده اردویه ملحق اولدیلر سادس

ربیع الاخر ده جلاب نام موضعده وزیر اعظم میرام پاشا فوت اولمده
 مهرهمایون موصله طیار محمد پاشایه کوندرلدی اوراده شام والیسی
 درویش محمد پاشا آوردوی همایونه ملحق اولدی (ارضرومدن
 معزول کورجی محمد پاشا چورس قلعه سی اوزرینه آقین ایدوب
 جنکده قزلباشی پریشان ایتد کد نصکره بش دیل و بوز اون بش کله
 کوندرمش دللردن صورلدقده شاهک لشکر قزلباشله بغداد قرینه
 کادیککی خبر ویرد کارنده قتل اولندیلر ماه مزبورک بکرمی اوچنده
 دیاربکره واریلوب اون کون آرام اولندی ایکی کون نصکره وزیر اعظم
 الای ایله آوردوی کله دیلر چول حاکی ابوریش اوغلی و حلب و طرابلس
 والیبری عسکر لریله و برقاج سنجاق بکری دیاربکره والیسی درویش
 محمد پاشایه قوشیلوب ایلرو کوندرلدی (ربیع جمادی الاولده دیارب
 بکردن کوچیلوب پادشاه تبدیلا واروب ماردینی سیرایتدی ماه مزبور
 سلخنده موصله وارلدقده بکرمی پاره طوب قاره دن ماعداسی شط
 نهرندن کوندرلدی و طو پلرک دانه لری زعماء و باب تیمار توزیع اولندی
 موصلدن کرکوک قلعه سی جوارینه اینلد کده برکون اوتراق اولمده
 عسکره چبوق کسمک امر اولوب توغلر ایلرو کوندرلدی مقدمات
 ارضروم والیسی کنعان پاشا و اخسینیه حاکی سفر پاشا عسکر نازاله
 مأمور روان اوزرینه واروب روان حاکی کلپ علی خان ایله عظیم
 محاربه دن نصکره قزلباشی بوزوب دورتوز کله و اوتوز اسیر و شهر روز
 غارتنه کوندریلن عسکر دن دخی برقاج دیل و وافر ذخیره ایله نصیرت
 خبری برکونده بغداد آئنده کله تغال خیر اولندی (اسکدار دن
 حرکتک یوزطف سان بدیچی کونیکه ثامن رجیدر امام اعظم جوارینه
 اینلدی اما التمش النسی اوتراقدر (چونکه) حافظ پاشا بغدادی
 قراکلی قیو طرفندن و خسرو پاشا امام اعظم قیوسی طرفندن
 دوککله قزلباشلر اولمچلاری محکم ایتشیدک اورته ده کی آق قیو سمتدن
 قزلباشلرک غافل اولدقبری موصلده معلوم شاهانه اولدقده اورادن
 محاصره یه امر اولندی (واو تاغ همایون امام اعظم زیارتگاهنی اوکته
 فوراندی و بر سر تقع دیه یه تماشای جنک حصاری ایچون قصر
 سفری قوراندی پادشاه امام قبل الفتح حیبا ایدرم دیو امام اعظمی

زیارت ایوب قصر سفری یه ایند کده همان عسکره قازمه و کورک
 و باروت و فیل توزیع اولوب ثلثا کیجه سی ایکی یچی ساعت
 مرورنده مترسه کسیر لکه باشلندی آق قیودن وزیر اعظم
 و حسن اغاوروم ایلی والیسی ارسلان پاشا زاده علی پاشا و انلرک
 اشاغبسنندن قراکلی قیویه طوغری مصطفی پاشا و سیواس
 والیسی کورخزینه دار و پیاده عسکر و کوستندیل و اولونیه بکری
 و انلردن اوتو اماطولی والیسی حسین پاشا و مصر عسکری مترسه
 کوروب کورجی پاشا و نوغای پاشا زاده قره غوله تعیین اولندیلر
 صباحه قدر مترس تمام اولمده عسکر اسلام قلعه نک قره جانینی ایکی
 طرفدن شط کارینه و ارنجه احاطه ایندیلر اولکیجه و فرداسی جنک
 اولوب و ازدارلی علی پاشا و قانلی محمد پاشا یاره لندی (چونکه) سلطان
 مراد حصار تلیرک بغداد اوزرینه کله جکی شاهک معلومی اولدی
 نامدار خانلری و کزیده عسکرین بغداد محافظه سنه تعیین ایتشیدی
 ورؤسای ملاحده دن خلف نام میر ایله پیاده تفکیکلرک باشی اولوب
 بغداد و روان جنک کارنده بولنان میر فتاح اوغلی اغا صادق که روان
 فتحنده مظهر عفو همایون اولمشیدی اون ایکی بیک تفک اندازله
 اول خیشی و نیجه خانلری بغداد خانی بکناش خانه بعد التسلیم کدیسی
 الی قوناق بعید محله قرار ایتشیدی (پس) قلعه محاصره سنک
 فرداسی قره جانیندن طو پلرک کله اونی وزیر اعظمه والیسی قیودان
 پاشایه و دردی حسین پاشایه و بریلوب سکری اوچ قولدن طو پلر
 آتشدی رجیک اون ایکی پیاده سلحدار پاشا و طرابلس والیسی شاهین
 پاشا اون ایکی بیک عسکر ایله مأمور واروب بغداد مضافاتندن شهر بان
 قصبه سنی نواحیه سیله غارت ایدوب کله دیلر سلحدار پاشا عسکر ایله
 شط صوبینی کچوب قوشلر قلعه سندن یاننده کی اون اوج پاره طوب ایله
 بغدادده کی بناری خراب ایلدی محاصره نک سکرته مترسرخندق
 کنارینه کلوب وزیر اعظم و قیودان پاشا و حسین پاشا قورلاردن قله لک
 اکثری خراب اولمده قزلباشلر خرما زنبیللرینه طپراق طو دیروب
 لیل کدکاری قیادیلر محاصره نک اون اوچنده کنعان پاشا طرفندن
 کلن متعین باش و دلق قتل اولوب رؤس مقطوع لری قلعه یه قارشد

دېرلدى طيزاق سورلك امر اولمغه بېكدن زياده خرما درختي كېنلوت
تاينه لرياپلدى واوزرينه بطوبار چقارلدى وخنه قار طولديريلوب
حصار قبولينه يئاشلدى پاشا شاه خضر تلى اكتر يا مرسله واروب
جلبه استمالت ويرلدى بونجه مدينه قلعه نك سكر يوزراعدن
زياده برى يئقلىدى بىكرى اوچى كچه قزلباش لار شلاك ابتدلىر مكر
دياله طرفندن اون يكييك قدر قزلباش لشكري گلش شعبانك ايكېسند
مير عرب ابوريش اوغلى برتقريب على خانى طوتوب كتوردى
سره كلوركن طوتديلر ديو عذرى دكلموب قتل اولدى (ثالث شهبانده
طيزاق سوريلوركن محاربه اولدى كورخزينه دار وطر ابوزان والبسى
و بوراق وچوزم بىكرى ياره لندىلر (سادس شهبانده ايكيوز التمش
بيك طوربه توزيع اولتوب طاعلر كې خندق كارينه يئقلىدى اون دزدند
عسكر كوندريلوب دباله كارينه كلن قزلباشلار تار مار ابتدلىرى
ون يديسند ظهريه قريپ عسكر خيرونوب اوكلرنده كى قلعه له هجوم
او قزلباشلار غوغايي يئوتدىلر بركون مقدم پادشاه خضر تلى وزير اعظم
طيار محمد پاشايه خندق قار طولدى بچون بوريش ايتز سن يئوردقده
پاشاهم يوزيشك وقتى وار بچله ايله عسكر قيردر ميلم قريبا شهر فتح
اولور ديدى پادشاه تكرار يامشك دلاور لكك بوميدر قلعه اتنى بچه بر
بىكدر سن يئوردقده وزير اعظم جاننى پادشاهمه فدا ايتدم همان
حق تعالى قلعه بى احسان ايتسون ديوب يارين يوريشدر ديدى
اولكېچه يوريش اولدى ظنيله قزلباشلار رخنه له كلكلارنده غاربان
الله الله ديو اول كد كره اوشمكله صبحه قدر بره رتبه جنك ايتدىلر كه
كېچن جنكراونودلدى وهر طرفدن قلعه له چيقىلوب اعلام دىكلدى
قزلباشلار ممانعت ايدنجه دست دركريسان جنك اولوب جوق كېسه
شهيد اولدىسه ده غلبه ايله قلعه لرتدى اولكون وزير اعظم كندى
قولنده كى قلعه له يور يئوب اوكنه كلن قزلباشى قيره رق كيدركن
طرف دشمندن آكنه قورشون اضاييله فوت اولدقده پادشاه غيور آه
طيار بغداد كې يوز قلعه دكرلك ديو مهر همايونى قيودان مصطفى
پاشايه ويرمكىن اولدىخى اول جان پازارى اولان مرسه كلوب غازبان ايله
كلاول قزلباشه بروجه له يور يديكه غاز يله زرك غېرىن كوره ب

اولك نه كون ايچوندر ديو توما قلعه به هجوم ولايه قزلباشك وجودى
معدوم ايتدىلر وقلعه به قريپ قلعه لربالجه آلنوب غاز يلايه طولدورلدى
وعلى السحرينه قزلباش اوزر رتبه يور يديكلارنده ايچروده اولنر
جانلردن قطع اميد ايدوب شعبانك سكر نچى يوم جمعه كه محاصره نك
قرقچى كوندرا الامان صداسنى يئندودست رجايى دامن عفو سلاطاني به
يئدايتدىكلارنده بالاتماس نيكده والبسى حسن پاشا واروب بغداد خانى
يكتاش خانى حضور وزيره كتور بجه خيمه وزيردن اوتاغ همايونه دك
يامر شاهانه سپاه و سلمه دار ايكي صف ديز يلوب اطراف وجوانب
عسكر اسلامه مالا مال اولدى (اوتاغ همايونده روز حشر دن نسانه
عالى ديوان قور يلوب پادشاه كامكار ديزلى اوزره بره رصع شمشير
ايدار مهابت رستمانيه تخت زر بن اوزره اوتور ديلر و يمين ويسارنده
قهرمان جهان غلامان ال باغليوب شيخ الاسلام ووزرا واركان ديوان
مقاملرنده طور دقتلرنده وزير اعظم يكتاش خانى حضور همايونه
كتور بچك يكتاش خان پادشاهى كور بجه عطفى كيدوب حر كنه
بحالى قالمدى هر نه ايسه يراو بوب تدلل واقفاره رجايى عفو ايتدىكه
پادشاه انا م دى بوكون قلعه بى بوشا اتقى شرطيله امان ويردم
اول گلش اولسك بوقدر زحمت چكرايدك اماولى نعمتك اوغرنده
يوم رتبه سعى ايتديگكده مديور سن ديو مرصع سرغوج و سراسره
قاپاوسمور خلعت و محوهر خنجر احسان ايتدىلر قلعه به وار خانلر
وقزلباشلار بوكون قلعه دن چيقسولر صكره شاهى استين كيتسون
برى استين فالسون كېسه به جبريمز بوقدر ديوب يكتاش خانى يته
وزر چادرينه كوندردىلر يكتاش خان دىخى پادشاه اسلام سره امان
ويردىلر مير قشاح و يار على خان و خلف خان و نقد على خان و بيك
باشلر و يوز باشلر بوكون عصره دك طشره جيقسونلر و عسكر دن
شاهه كيدنلر سكرى قراكلوق قيودن و بوندن تالانلر امام اعظم
قبوسنلر جيقه لردىوايچر و به مکتوب كوندردىكده صكره وزير اعظم
عسكر بىكرلك ضبط ايتدىكى قلعه لرتد اغلر وار غافل بولمسونلر
ديدكده وزير اعظم دىخى مقتضايه خبر كوندريچك عسكر ايتسه
بهانه آرلردى على العموم ايچر واقوب قزلباشلار جنكه باشلدىلر يكتاش

خاک مکتوبی ایچ رویه وارد قده میرفتاح و یار علی خان و خلف خان
خو فلرندن یو کون حجامه کیدوب یارین چاقالم دیو قتل ایله کیجه
قالمشلرایدی عزیزلرک هجرملرین کورد کلرنده جمله سی قله یه کوروب
تحصن ایتدیلر و لشکر قزلباش دخی ناچار فراره یوز طوئیلر اول کیجه
غازیلر شهرده یو اید قلمری قزله باشلری قتل و ماللرین یغما ایتلریله
بقیه روافض قراکلی قیوسمه یغلوب طور دیلر (پس) علی السحر
وزیر اعظم تسلیم ایچون عسکر ایله بغداده کیرد کده عسکر اسلام قراکلی
قیوده یغیلان اوچ درتیک قزلباشه تعرض ایله قتال عظیم اولدی
(القصه طرف شاهانه دن حسین باشا و سلیمار باشا کلوب روافضه
پادشاهک امانی اماند ر قورقوب طشیره کلک دید کلرنده میرفتاح
و علی یار و خلف خان طشیره جیقوب حضور همایونه کلجه سلیمار
باشا حبسه ویرلدی لکن ایچروده میرفتاح ایکی نفر اوغلاری قله لردن
جیقوب قزلباشه بکدل تکرار عصبان ایتد کلرنده برقاج ساعتده
نیجه بیک قزلباش قریلوب زنده لر کده اوتاغ همایون اوکنده بیونلری
اوزلدی ایرتسی میرفتاح اوغلارینه مکتوب کوند ر مکتبه آنلردخی
جیقودیلر سارینه تکرار امان ویرلمکین اناطولی والیسی حسین باشا
یارویه جیقوب وارک بیقلک کیدک دیور و افطی جیقارد قده عسکر
اسلام امانی دکلوب اکثر قزلباشی قیرملریله ماعداسیله میرفتاح اوغلاری
اوردوی همایونه کلدیلر (ماحصل اوتوز بیک قزلباشک اون بیک
قدری ایام محاصره ده ویکرمی بیک قدری نقض امان سببیه اوج کون
ایچنده فلجورن کچوب همان اوچبوز قدر قزلباش شاه اوردوسنه واردی
یوغنیت و فتوحات نصره اهالی بغداد جمله طشیره جیقوب داد ای
پادشاه صاحب داد دیو چاغرشد کلرنده ماللری غارت اولماق
وهریری بولد یغی اشیاسنی آلق و اولاد ناسه کیسه تعرض ایتوب
هر کیمک چادرینده دزداری بولنور سه صاحب خیمه سیاست اولتیق
باینده فرمان صدور ایتدی (پس) بتوفیقه سبحانه بغداد بیک قرق
سکرده قبضه تصرف شهر یاری یه کیرد کده اشته شمدی امام اعظم
حضر تلبنی زیارته یوزیمز اولدی دیوب بعد الزیارة والصدقات
فتحنامه یازیلوب خلیل اغا ایله استانبوله کوند رلدی (واوتاغ همایون

امام اعظم قیوسنه نقل اولندی و قلعه تعمیر بنه باشلندی و سلیمار
باشا به قیود اتلق منصبی ویرلدی و خاندان اغا زاده فتحنامه ایله نیجه
قرالنه کوند رلدی اول کیجه بکاش خان سراینده بخانه ایله هلاک
اولغله مالی بایاسنه کوند رلدی ایرتسی بغداد ابالی کوجک حسن
اغایه توجیه اولندی (پس رکاب همایون دولت علیه یه عودت مقرر
اولیحق مقدم میرفتاح و غلاری و سائر محبوس قزلباش خانلری محبوسا
دیار بکره کوند رلد کده نصره پادشاه اناام امام موسی کاظم جانبده
کچوب بغداده نظام ویرلمک و شاهدن انتقام المعیجون عسکر اسلامه
وزیر اعظم بزمده بغدادده قالدیلر (یوارالق) بغداد بار و نخانه سه
آتش اصابت ایله ایچ حصارک بر مقداری یغیلوب نیجه مؤمنین قوت
اولد کلرنده مکیدت روافضه جمله در دست قزلباشلر عموما قتل
اولندی ماه رمضانک اون التیسنده پادشاه غیور امام موسادن دیار بکره
حرکت و سلیمار باشایی رکاب همایون قائمقامی ایتدیلر (چونکه)
بغداده توجهدن بش ماه مقدم شاهدن کلان مقصود خان
موصلمده قالمشیدی شهر یار کزین رمضانک بکرمی اوچنده موصله
کلر کده خلعت کیدوب نامدایله شاهه کوند ردی (صورت خط
همایون) شاه صفی بهادر ارشده الله القادر نامه همایونم وصولنده
معلوم اوله که آدمکلر کدن خلیفه مقصودی کوند روب صلح مراد ایچین سن
الهیکی بر مقدار اکلندر مکدن مراد بعضی اشقالمز و ارایدی شمدی
اشقالمز بر طرف اولدی امدی صلح مرادک ایسه اجداد عظام
زمانلرنده زیر تسخیریمزه کیرن مملکتلری بکلر بکیریمزه تستلیم
ایلیه سن عسکر طفر مائرم واروب ضبط ایده لز و عادت ویریلان هداایا
و پیشکشی سال سال کوند رهن والابوسر حدلره قسلاوب
اوله هارده عسکر دریا مثالله ایلر و مملکتکه واریم مقرر در ارایسک
میدانه کل سرورلک دعوا سنده اولنره برده بکیشک ناسرادر آتدن
قورقانه آتیه بنوب قلیچ قوشاقتی خطادر ازل آرالده مقدر اولان ظهوره
کلور الم حکیموب قارشوکلر سن و السلام علی من اتبع الهدی فی شهر
رمضان سنه ثمان واربعمین و الف (پس) رکاب همایون غره شوالده
دیار بکره قریب مدرس کوی نام مقامه کلد کده نهیه عید

اولد قد نصكره شهرده سر ايه اينوب هنكام شستا تفرجي یتش برکون
ديار بکرده اقامت و امام اعظم تربه سینه سمیدن باب وشيکه وآو بزه
وقنادیل بایدروب بغداده کوندر د کد نصكره ذی الحجه نك اون ايکسند
ديار بکرده دار السلطنه جانيه عزيمت بيوردیلر (چونکه) وزیر اعظم
قره مصطفی پاشا عسکر ايله بغدادده قالمشیدی عجم الحبسی نامه همايونله
بغدادده کلد کده حزه پاشا زاده ايله شاهه کوندر لدی شوالک
اون درنده بغداد قلعه سنک نعمری بتکده عشر ذی القعدة ده
کوخيلوب باش طولايه قونلدي قاون يديسند طرف شهر ياريدن
قبوچی باشي شهباز اغا خط همايون و قلع و خفتان و بوزاللي
يوك الحجه كتوردی يكرمي يديسند بغداد دن ديار عجم قصديله
اوجني منزل اولان خالص طبر اعنه قونيلوب يكرمي کونانده طورلدی
عشر ذی الحجه ده کيريدن شهربان جانيه کيلوب اون اوجني کون
شاهدن صلح رجاستنه الحی کلمک اوزره ايدیکی خبر ویرلدی اون
طقوزنده الحينک اوج نفر آدمی رستم خاندن مکتوب کتوردی ايرتسی
برو منزلدن وارد قلری منزله دك يولک طر قيني عسکر ايله قات اندر قات
اولمغين قزلباشلر مد هوش اولدیلر (درت کوندر نصكره روايه نام
منزلده حزه پاشا زاده ايله شاهک محمد قولي نام الحبسی تصادق
ايدوب ايرتسی قزل رباط منزلنده الحی وزیر اعظم حضورينه کلوب
صلحه رابطه ویريله مدیکسندن وزیر اعظم والچیدن رستم خانه مکتوبلر
کوندرلدی (وفات خداوندگار سابق) يک يكرمي التي و يک اوتوزير
سندلنده ايکي دفعه پادشاه اولوب بعد الخلع سرايده منزوی اولمشلر
ايدی يک قرق سکر اواسط رمضاننده مرحوم اولمغله اياصوقيه
حرمنده قبويه متصل قبل القمح شستا اولمش قبه عالی به دفن اولندی
سن شریقلری حبسینه قریبدر (پس) پادشاه انام اول بهارده ديار
بکرده استانبوله کاورکن بدوندن معرتول وزیر سابق طبانی بصی
محمد پاشا ک عجماله رکابه کلمه سچون خط همايون کوندر مکله يک قرق
طقوز محرمک اون يديسند انقره ده ملاقی اولمغين قائم مقام خلعتی
کيدرلدی (سادس صفرده) از تکمیده کلند کده استانبولدن علما و اعيان
نصف منزله دك استقبال ايتدیلر (تامن صفرده) قدرغه ايله اخشاه

قریب سنان پاشا کوشکنه یناشیلوب عاشر صفرده بغچه قبوسندن
عظیم الای ايله استانبوله داخل اولدقلرنده بغدادده اسیر اولان خالیر
ویوز قدر سرخسر الایده بله ایدیلر ایکی طرفدن صف صف دیریلن
خلق آوار بلند ايله پادشاه دعا و ثنار ایتدیلر (استانبولدن مدت
عینلری اون اوج یحی ماهدر) وزیر اعظم طرفندن اون ایکی کونده
رحیب انا کلوب شاه ايله غالبانه صلح اولد یخی خبرینی کتر مکله دردی
کون التفاتنامه و مرصع سیف و خلعتله وزیر اعظمه کوندرلدی
دریم الاخرده سردار اکرم شاه عجم ايله رضای همايون موافق غالبانه
عقد صلح ایتد کد نصكره عجم الحبسی محمد قولي بکی آستانه به
کوندر مشیدی کلوب مظهر نوازش و احسان اولدی (ماه رجیده
پادشاه انام اون کون عظیم خسته اولدیلر یوانشاده قائم مقام طبانی بصی
محمد پاشا اسماعی مقتضای یدی قلعه حبس و قتل اولوب حسین پاشا
قائم مقام اولدی (چونکده) صدر اعظم صلح ذی الحجه ده منزل آباده
قوتوب درتک مقتضای کوندر مک اوزره قابل ایسه ده صلح
ایچون شاهه و بغداد سرحدندن قالمقی اوزره رستم خانه مکتوبلر
یاریلوب والچی طرفندن کیدن آدم التي کونه دك کلمک اوزره قول
اولدی (سردار اکرم ایلرویه توجه مراد ایتد کده الحی حضور
سرداره کلوب مکتوبلر عزک جوابنه دك توقف بیورک مراد اوزره
جواب کلز ایسه امر سزک دیو نضر عنه یناء تأخیر اولمشیدی
غره محرمده رستم خانک درتکدن قالمقوب کیرویه کیتدیکی اشید مکله
ايرتسی خانقاه کوچک نام منزلده بغداد والیسی حسن پاشایه و آن
ودرویش محمد پاشایه بغداد ویرلدی درت کون صكره قصر شیری
قرینده رحارا اواستند رستم خاندن امر یکزه امثالادر تیکدن قالمقوب
وشاهک صاروخان نام الحبسی وارمق اوزره در دیو مکتوب کلدی
محرمک اون برده اول منزلده صاروخان کلوب صدر اعظم ايله
بر مقدار مکالمه دنصكره ايرتسی دیوان عالی اولوب صاروخان ايله
مقدماکلن محمد قولي بکه و آدملریته خلعت کیدیرلدی (رابع عشر
محرمده) وزیر اعظم او تاغنده بعض اراضی و قلاعک شاه طرفندن
منبط اولمشی الناس اولندیسه ده مساعده اولنوب آخر یووجهله

صلحه قرار ویرادی صورتی کذا بغداد ایالتدن حسان و بدره و مندلین
 و درنه و درتک تاسر منلر نام محله دك میانه ده کی صحرالوجاف عشیرتک
 ضیاءالدین و هروی قبیله لری و زنجیر قلعه سنک طرف غریب سنده کی
 قرا و شهر زول قرینه ظالم قلعه سنک با آسند کی طاغیرك قلعه
 مزبوره به ناظر اولان اطراف شهر زوله چقان کدو که دك و قرینه قلعه
 و توابعی طرف شهر یاریدن ضبط اولوب بونلردن ماعدا اخسده
 و قارص و وآن و شهر زول و بغداد و بصره تک سائر لری داخلده کی
 قلاع و بقاع و نواحی و اراضی و جبال و تلاله شاه جانیندن قطعه
 تعرض اولمیه و منسلحیندن درتک و ارنجه اولان قلاع و پیره
 و زردویه و زنجیر قلعه سنک جانب شرق سنده کی قرا و قلاع و اوزمان
 و توابعی اولان قرا و مهربان و توابعی شاه طرفندن ضبط اولوب انلر
 سنور لری داخلده کی برله طرف سلطنتدن مداخله اولمیه و زنجیر
 قلعه سیکه طاغیرك قلعه سنده در و وآن سرحدنده کی قوشور و ماکور
 و قارص جانیندن مغاز برد نام قلعه لر طرفیندن هدم اولنه و السلام
 پس ابرسیاق مذکور نامه بی شاهه مهر اتمکچون اوچکون وعده ایله
 الحین آدم بیسی کیمشیدی تاسع عشر محرّمده مهر لنوب کما کاه
 استانبوله کیده جک محمد قولی بک نامه بی در دواته کوندر مکچون اوزدوده
 قالمغه فرداسی دیار رومه عوفت نیته کو چیلوب حوین صحراسنه
 اینلیدی و دیاله صوینک علی کچیدی نام معبرنده درویش محمد پاشا
 اربلوب بغداده کیتدی محرمک یکر می بشنده نهر مذکور دن کچیلوب
 کرکوک جاننده وارلیدی و رجب اغا خبر فتحه در دواته کوندر لیدی
 صفیرک ایکه سنده کرکوک قرینه کرکوک والنسی آتش محمد دن شکایت
 اولمغین قلعه به حبس اولندی عاشر صفرده ایما که واریلوب نهر زابکی
 کچلدکده عنتاب بکی عثمان پاشا تعدیته سبب حبس و مالی مصادره
 اولندی (یکرمی دیسند) اسکی موصله رجب اغا کلوب امر صلح
 مقبول و الدیفی متضمن خط شریف کتوردی (نصف ربيع الاولده
 دیار بکره وارلدقده شاهدن صلحه مغایر بر وضع ظهور ایتمکله تکرار
 اوزرینه وارلمچون بر مدت دیار بکرده مکث مناسب کور لمشیدی

تکرار شاهدن دیار بکره الحی کلوب استحکام صلحه مدار ایچون
 مقدما و انده النان مرتضی پاشا کخداسی ذو الفقار وارضرومدن
 منفصل محمد پاشا و جلدردن منفصل مرتضی پاشا بر قاج سنجاق
 بکری و سارایکوز دن زیاده کیمه بی وزیر اعظم اردوسنه کوندر دی
 الحی به چندان التفات اولمچوب اسیر لره رعایت اولندی و اندن وزیر
 اعظم قره مصطفی پاشا بولی صحراسنه ایندکده الغار له استانبوله و رودینه
 امر کما کاه کونیک قصیه سنده استانبولدن مآذونا شاهه کیدن محمد
 قولی بکه راست کلوب ضیافت اینلیدی (سادی عشر رمضانده اسکداره
 کلدکده ارکان دوات استیقال اتملریله طرف پادشاهیدن کلن مرصع
 و ختلواته بنوب شیخ الاسلام محیی افندی ایله الای کوشکنه دك همغان
 اولدی وزرا و ارکان دولت سرایه قدر کتدی لروز بر اعظم باب سعادتده
 آندن نزول و اواء سعادت یدا پید پادشاهه بعد التسلیم بابوس ایدوب
 دست بر سینه حضور همایونده دیکلدکده پادشاه انام لالا خوش کلدک
 ایتمک سکا حلال اولسون دیوب مکرر سمور خلعت کیدردیلر و اندن
 وزیر اعظم سرایه کلوب امور دولته مشغول اولدی (بعد ازان)
 پادشاه عالمناه بغداددن نامزاج کلوب عید شریفده بر مقدار صحت
 یولقله سنان پاشا کوشکنه و اندن آت میداننه ناظر سلطه دار پاشا
 سرایه واروب کسب هوادن صکره سرای همایونه کلمش لرایدی فرداسی
 مزاج شریف لری متغیر اولوب دوا تأثیر ایتمکله بیک قرق طغوز و انلک
 اون النجی بوم خجیده بعد الغروب شهراده سلطان قاسمک
 بوغلادیفی اوطه ده کلمه شهادت واستغفار کویان سمع جنازه روان
 اولدقلرنده وزیر اعظم قره مصطفی پاشا سرایه کلدکده صکره
 قواغاسی شهراده سلطان ابراهیمک اولدیفی محله واروب شهر آدم
 مبارک باشکن صاغ اولسون برادر یکر سلطان مراد دار بقایه کیتدی
 تحت سلطنت سزک یورک دیدکده سلطان ابراهیم مقدما برادر لرنک
 نیمه اوغراد قلرین کور مشیدی سز بکا مکر و آل ایدر سز بن تحت
 و سلطنت استم قرن دشم صاغ اولسون دیواستاع ابدنجه والده سلطان
 کلوب ارسلان باشک صاغ اولسون کل چیق دیدکده ینه تعالی اینلیدی
 آخر قواغاسی و والده قولتوغنه کیروب کنیدیکز وارک باقل دیو زورایله

طشهره کتوودیلر وزیر اعظم پادشاه ملک خنار همی اولان او طه قیوسنده
متصدیدی سلطان ابراهیمی اول او طه به کتور و ب لالاک بودر
دید کلرنده صدر اعظم را و یوب تعزیت و تهنیت ایلدی (ماحصل
پادشاه میتل یانته واروب پیوردی یوزین آجدیلر کوردیکه برادر پدر
اخر ایلدی یوزین اور تدیلر اندن تحت او طه سنه توجه ایدوب قبول
کیرو و تدیلر و بردخی اجدیروب مطمن اولدیلر وزیر اعظم و قیو اغامی
و مقر بین پادشاه ایله تحت او طه سنه کیروب بسم الله پادشاهم دیدیلر
و حضرت عمر لرضی الله عنه کندی ایلله صادر دیغی عمامه که الان تبرکات
طورر باشلرینه کیرکن ال قال دیروب الحمد لله یارب که بخمین عبد ضعیفی
بو مقامه لایق کوردک دیدیلر و اندن وزیر قولتو غنده تحت سلطنته
جلوس پیورد کلرنده حمد و شکر ایدوب یارب ایا مده امت محمدی خوش
حال ایلله و بر بریزدن خوشود ایلله دیود عایور بحق حضار آمین دیدیلر
اولکیجه مفتی و قضا و سائر انشاء الله یاربین مبارک یوم چیسکه سادس
عشر شوالدر جلوس همایونم واقع اولمشدر بیعت ایچون دیوان
همایونم کلاه سر دیوبانذات خط همایونلر کوندر دی فردامی عالی
دیوان ترتیب اولنوب تحت همایون قورلدی پادشاه نوجه اقامت رسم
غرا ایچون سیاه شمله صارینوب جلوس پیورد کلرنده بعد الیه جله
سیاه یاغلندیلر و اندن وزیر اعظم امر ایلله پادشاه مقفور بعد التجهیز
غزاده بند کلری اوچ راس اسب ترسده اکرانوب تبوقی اوکنده
چکیلوردی پدیری سلطان اجدتیه سنه دفن اولندی مدت عمر لری
یکرمی طقوز سنه و مدت سلطنت لری اون ییدی سنه در

* مقاله سلطنت سلطان ابراهیم بن سلطان اجدخان *

سلطان ابراهیم طاب ثراه حضرت لری تحت سلطنته جلوس و حضرت
ابی ایوب انصاری رضی الله عنده و اجداد عظامی مراقبین بعد الزیاده
سرای همایونه عودت لرنده و زرا و اهل دیوانه خلعت کیدروب سلطانیه
عطیات کوندر دی (بعد ازان) بیک اللهی محرمده غلطه تک طشهره
اسکله سنه حریق اولوب بر سر سفینه تک باز و تنه اصابت ایتمکله زیانته
آتش وزیر اعظم قره مصطفی پاشا تک یوزینه طوقمقین اوچ ماه
یمار اولوب کثمان پاشا قائم مقام ایلدی (پس) سلطان مراد خوفندن

اختفایدن زور یارندن حافظ کور نام شقی بخلیص جان امید یله مخفی
اولد کلری مواضعده کی رفقا سنک دفترینی وزیر اعظمه و پردکده
وزیردخی های سن دخی صاعمنی دیو قتل ایدوب رفقا سنک دخی
حقارندن کلدی (پس) سلاطین بیشتنک ناسیدن امتیازی خطیه
وسکه اولمغین وزیر اعظم تجدید سکه ایلدی و روم ایلی خصارنده
محبوس میر قنصاح او غلیکه بغداد فتحنده اسیر اولوب کلشیدی
قتل اولدی (واردل حاکمی راقو چینک الجبسی کلوب اون بش بیک
التون خراج کتوردی (ع ب ذ) بیک اللهی بر سنه سی سابع
ربیع الاولنده شاه محمدن ابراهیم خان نام الحی صلح و صلاحی انق
و تهنیت جلوسی متضمن نامه و هدایا کتور مکین ییدی قله ده محبوس
قرلباشلر ایلله عوده مآذون اولدی (چونکه) قبولان سیاوش پاشا
محرمد حیدر اغا ایلله قره دکره چیقوب ازاق قلعده سی استخلاص
مأمور اولمشلردی وزیر حسین پاشا سلسله عسکر یله و بهادر
کرای خان تاتار اسکر یله و کفه و البسی یوسف پاشا مأمور واروب ازاق
قلعه سنی محاصره ایتد کلرنده کفار لغم ایلله بدیوز قدر کسینه پی
شهید و بر اغمله دخی وافر آدمی شهید ایلدی او چیمچی کیجه طشهره
چیقوب طرفیندن بالمحاربه نفوس کثیره تلف اولدی بعده حسین پاشا
لغم آند قده کفار ک خارج حصار ده اغا جدن باید کلری سور
طوتیشوب بر کون بر کیجه یا غلیله کفار حصاره قاجدیلر فاما اهل
اسلامک بارونی دو کتوب روز قایم دخی یا قشقه غلیله کبر و به
رجعت اولندی (وینه) رمضانک آخر کیجه سی لیلله نجسده سلطان
محمد خان وجوده کلکین استانبولده او چکون اوچ کیجه دونه
اولدی (پوئشاده ایدین و تنکه اللریینه مستولی اولان قبه او غلی
مواعید کاذبه ایلله استانبوله کتور یلوب شوالک اون سکر بده صلب
اولندی (وینه) سلطان زاده وزیر محمد پاشا رابع دی اقمده ده
ازاق فتحی ایچون روس سفرینه سردار نصب اولندی (وینه)
قبودان سیاوش پاشا عدم امتراج و اداره سنه معنی عزل اولمغین مهمات
دوئلای دخی وزیر اعظم رؤیت ایتدیلر (وینه) طمشوار و البسی
سلطان مراد مر حومک نظر کرده سی اولمغه اموال عظمه

جمع ایتشیدی حتی بیت المال نمایند قریب خزینه سپهک شده سکسان
 یک غرو شد راج درت شده الدیغند نما خدا خزینه پادشاه بدین ملوک
 مخصوص اموالی بی تکلف ایتشیدی (سلطان مراد و فاتحند صکره
 منصب له چیتقد قد بر مقیدار ذی قیم اشیا سی میری به آلتدیده ده
 بستانی باشی سنان اغا ما مورواروب پاشانی قتل ایتشکله لایعده اموال
 واشیا سی میری به آلتدی (بوشاده) شاه عجم سنان بن صفی هلاک اولوب
 اوغلی عباس شاه اولغین تجریدند معاهده ایچون بغدادده سکر یوز
 هسکر کوندردی (پس) سلطان زاده محمد پاشا کندی حدودینی
 کچندکده تاتارخان عسکر بیستمار ایله محندن قویدی استانه ده قراق
 ازاق قلعه سندن کتیدی دیو خبرشایع اولغله قیوچی باشی رجب اغا
 صدراعظم طرفندن تصحیح ایچون ایله ارایله قیل سکرده واردیکه
 درون قلعه بنارمکر قراق امداددن ما یوسا قلعه بی آتشایوب قاچش
 رجب اغا آتشی اطفاء و قلعه بی ضبط ولوازی کوروب آستانه به کلدی
 (وینه) شعبانده عجم شاهنک مقصود نام الچسی کلوب کا کان صلح
 و صلاحله آسوده حال اولق رجا ایتشکین قرین اکرام اولدی
 (بعد ازان) حلب والیسی نصوح پاشا زاده حسین پاشا پندار اوغلی ایله
 وزیر اعظم حقنده بیرون ادب سوز شو یلکله وزیر حلی سیاوش پاشایه
 و بردکده حسین پاشا حلب منصبه الی کبسه و یردم دیو سیاوش
 پاشانک واران مسلمان رد و حلیده تمکن صورتن کوستر یچک تسلیم احوالی
 دولت یازمغین حسین پاشایه سواس و یربلوب مخالفت ایدرسده اوزرینه
 خواله عسکر اولغنی مشر خط هما یون کوندردکده حسین پاشا
 عسکر یله خلیدن سیواشه کتیدی اولزمان سیواس والیسی کورخرینه دار
 ابراهیم پاشا ایدی منصبک برای مصلحت حسین پاشایه و یرلدی
 حقندن کلاه سن دیو وزیر اعظم نهانی مکتوب کوندزمکله کورخرینه دار
 عسکر یله واروب قیصریه قریبده حسین پاشا ایله محاربه ایتدیده ده
 کورخرینه دار یوزمغین حسین پاشا سیواشه کیتوب وزیر اعظم ایله
 حضور هما یونده مرافعه اولوزم دیو استنه طرفته یوریدی و طرف
 سلطنتده اولنلک کلام دروغنه اعتماد اطر افتد کی وزیرانی اله المیچون
 مکتوب لر ککوندردیکی استانبولده طویلوب اراجیه خوجا ایجه

اناطولی والیسی خفته لرلی عثمان پاشا مزبورک دفعه ستردار تعیین
 اولندی (و آستانه دن برقاچ یوز آدم سدره ایچون از نکمیده کوندردیوب
 محسب اغا سی شعبان اغاده قازطایغه لوند جفته کوندردی عثمان
 پاشا ایسه حسین پاشا دین برقوناق کیر و کیدوب محاربه به قیصریه ایدند
 مرقوم ایله محمد در دیر لیدی (پس حسین پاشا از نکمید برارند
 نی خواجه چا یرینه ایتدکده استانبولدن دلی قیطاس اغا ایله کیدن
 عسکر و سابقا جید ایلکی شمسوار یک و بعضی اغرا ما مور عثمان
 پاشایه ملحق اولغین حسین پاشایه مقابل اولدیلر قاما دلی قیطاس اغا
 عثمان پاشایه سن حسین پاشا ایله برلکده سن دیمکله عثمان پاشاده حسین
 پاشایه دلی قیطاس بزنی اسانه اله یوز یارین مقابله ایدم دیو خفته خیر
 کوندرمکین ایرتسی جنگ اولوب عثمان پاشا یوزلیدی قیطاس اغرا دای
 جنگ ایتدیده ده مجروحان نکمیده رجعت ایدنجه حسین پاشا اسکنداره
 توجه ایلدی (وزیر اعظم دخی اواسط ریسع اولوده اسکنداره عسکر
 و طوب کوروب کورجی محمد پاشا بی میر عسکر ایلدی و پادشاهده
 سکرده کجی حسین پاشا عسکر یله بولغورلی حواله سنده سیران
 دپه سته اینوب طرف دولتدن تحریک ایدنلرک مکتوب لرینه اعتناء مهربان
 و رودینه منتظر ایکن اولکجه دارالسلامه اغا سی خط هما یون کتوروب
 انقباده دعوت ایتدکده محرکینک مکتوب لرینه دروغ ایدیکن ییلوب
 مهربان ما یوسا ضروری امر پادشاهی به راعم شلر عله دینوامی کورمه که
 کلام ایدی ممکن اولدی امر پادشاهی کجی دیندی علی الصباح وزیر اعظم
 عسکره قومه ایدوب فوج فوج جنکه یوریدیلر مکر آخر لیلده حسین
 پاشا برقاچ آدمیه قاجوب دلی پاشی و یولک پاشلرینی براتشیدی
 یونلر عاقبت امر ملاحظه سیله وزیر کلوب استیمن ایتلر یله عقوا اولدیلر
 و عساکر سائر بریشان واردولری یغما اولندی (حسین پاشا صلی اوغلی
 و اون نفر آدمیه له بر اوادی قریبده ذونه نام محاربه کی چفتلکده وارقدده
 اوغلی بر اغوب کندی خفته روسخفه کیدر کن ایدنه بستانی پاشیسی
 سنان اغا راست کلوب قید و بندله استانبولده کوندردی و اوغلی اون الی
 باشند جمیل الصوره سید چلی ایدی چفتلکدن احضار و باشند
 یشل شال حضور هما یونه کتورلدکده نقیب الاشراف شفاعتیه له

قتلند قورتلدى فاما حسين پاشا استانبوله كليجك قتل اولندي (بوانشاده)
ازاق محافظه شده كي اسلام پاشا دائما قره دگر سوا حلي غارت ايدن
قزاق اشقياسني قرارگاهني اولان اطه بي وچر كس گرمان و مقاصد
حصار لرني فتح ايدوب بشييك قدر مسلمان اسيريني اطلاق واهاليسي
استرقاق ايلديكي خبري كلدی (ويته) پياله پاشا دوغلايله آق دكره
چيقوب اسبانیه ولايتندن فلوري يفاسته حيله دفعه قلاع كفاردن
برقعه عظيمه و مهموره اوزرينه واراجني ككفار قاچوب شهر
حالي قالمسين بسمانده الشمس قدر اسير و ايكي يكر بالغه الوب
بعد الاغنام قلعته نك واروشني اجراق و تحريب ايلدي (واندن
ينه اسبانیه سوا حليده فتورون قلعته سي او كنده قرمزى اطلس
وشمع كافور يوكلي برقاليون الدي اولمده اوزاقدن يلكن كورنمكه
اوزرينه واريلوب بالمحاربه اولدني الندي (ويته) قبريس سوا حليده
مائه نك درت پاره فرقه سني الوب التي ماهده بو قدر فتوحه
استانبوله كلد ككده پايه وزارت ويرلدي (چونكه) وزير اعظم
قره مصطفى پاشا شجاعت و عقل و كياست وجود سخاوتله موصوف
ايدى لكن جلوسه نصكره برآي استقلال دولتك ابرا ديني تكثير
ومصارفني تقليل اينديكندن مخلق قلوبى كنديدن متفر اولمشيدي
اهل اغراض كونا كون قبحيت اتني مع زياده پادشاهه افاده لنده پيك
اللي اوج نصف ذى الحجه شده بو غيلوب مهر همايون شام واليسي
سلطان زاده محمد پاشايه كوندريلوب گنغان پاشا قائم مقام اولدي
(پس) وزير اعظم محمد پاشا پيك اللى درت محر منده شامدن
استانبوله كلوب اوچي كون ديوان ايلدي وشام كورجى محمد پاشايه
وانا طول قائم مقام گنغان پاشايه ويرلدي (بوانشاده) قپودان پياله پاشا
دوغلايله مغرب طرا بلسنه قصد ايدوب اندر رئيس الغزاة محمد طايي
نام مالداري چاغرى ندفه اولدني پادشاه ايچون ايكي طاق سيم
وزردن ممول صحن و صدر اعظم ايچون وافر هداياستني پياله پاشايه
هداياي كثيره ايله كوندروب قورتلدي (پياله پاشا استانبوله كلوب
هداياك بر مقدارني محله تسليم و ماعداسني كتم ايتكله ماه محر مده
اعدام اولوب قپودانلق امرآي دريادن يكر پاشايه بعده بيع الاخرده

ينه سلمدار يوسف پاشايه حلب اياالتيله ويرلده حلبه تسليم كوندردى
(بعد ازان) پادشاه انام جهادى الاخر لك يكر مى سكرنده ادرنه
سفرينه توجه ايدوب بخورلى قصبه سته وارلده اهل قصبه دن
بر پيره قصبه بي قيد حياتله احسانه نصكره ادرنه يه واروب برقاج
حرامى طولمغه قتل اولنديلر حتى حرامينك برى سياست اولنور كن
پادشاهم بي قول طائفه سندنم ديوجك بندني پادشاهم ديوب امر يله
حرامينك دخت و پاسي قيرلدي (بوانشاده) استانبوله قتل و قال اولمغه
استانبوله عودت همايون يورلدي (ويته) مصر واليسي مقصود پاشا
مصرده نظم ايتكله اهالي پاشايي قصر يوسفه خيس و احوالى دولته
ياز دقلرنده مصر ايوب پاشايه ويريلوب بحرا كوندردى (ومقصود پاشا
رجبك يكرمى ايكسند استانبوله كوندريلوب قتل اولندي (غب ذا)
پادشاه دار السعاده اغاسي سنبل اغايه مغبر اولمغه مصر دن طاش
ياتر علي اغايي كتوروب دار السعاده اغاسي ايلدي (وسنبل اغايي
مصره نفى ايتكله اولدني اموال واشيا و لحدا ميهله و مكه مكرمه
قاضي بروسه وي محمد افندي و نبيحه حجاج كمي به بنديلرنك وقت
اولديغندن كيمده همان درت پاره طوب و ارايدى اوائل جهادى الاولده
ردوس لمانته وارلده اهالي سنبل اغايه مائه نك التي پاره چكمره سيله
قورصانلري كريد جزيره سي او كنده ستره مترقيدرديديلر ايسه نه
سنبل اغا و ملاجه بيشك لازمدر ديور دوس ايمانندن كريد اطه لرينه
واردقلرنده كفار كلوب بالمحاربه سنبل اغا و رئيسي شهيد و ملاي
اسير ايتديلر التوز قدر بجاچدن الشمس قدر زنده قالمشيدى كفار
قلبونى ضبط و كر بده واردقلرنده كريد حاكمه هديه لرورديلر
وسنبل اغا نك براسني قنديه بكنه كوندرنجه كريدك رهبانلري جزيره
نك آتلك اياق باصديغي ابو علامت اولمديغي بحر بدر ديديلر برقاج
كون صكره مزبور كيلر پراغوشته حصارينه قريب واردقلرنده آنان
كمي ايچندكي اموال كثير ايله باتدى بو كيفيت سمع همايونه و اصل
اولدنده دوختار تينيه شروع اولوب كريد سفر نك ظهورينه بادي
اولدى (چون) حلب سلمدار يوسف پاشايه ويريلوب حلبه واردقه
چون عربانك بكي مير عيسافك فقر ايه تعديتانه واقف اولنجه

میر عسافی دعوت ابتدا کرده بزعر بائر قرب شهره وارد یعمز یوق
 عفوایتسوندیو بر قاج آت کوندروب عذر ایلدیه ده پاشا طرفندن
 لی قورد نام کیمسه میر عسافه کبدوب حلبه بش ساعت قریب
 محله کلیمکه قرار ویرمکه پاشاده اورا به اولجه مارمه بی کوندردی
 پاشا چول بادشاهنه ضعیافت ایدچک دیو اهالی معنون و محشم
 ضیافتگاهه کلدیلر پاشاده الای عظیمه حلبدن چقد قدده دلی قورد
 کلوب اکرم ایدکز میر عسافی اعدام ایسه شالدرز برا امان یورل بسی
 ویردیکز وهم قتی چوق عربانه کلکین ظفره سردر بود قدده ملاقات
 اولوب صکره چاره سی ~~ک~~ ربله وهم امانه عدم از عایتکن
 اشید یلور سه من بعد بر یرک عشا اثر وقیا ثلثی تسخیر ایده مر سز
 دیوسو یلدی چون ضیافتگاهه وارلدی (میر عسافی اتی یکدن زیاده
 مرزا قلو سیاه پوش عرب آتلوسیه ظاهر ووزو بر قاجوز زره پوش
 عرب ایله عسکر دن آیر یلوب حضور پاشایه کلدی باغباتک تدبیری
 اوزره مطره جی و تفنیکچیلر عسافه چقد قدده قورشون تدقلرند
 مکر عسافی اوج عدد زره کیش قورشونلر تاثیر ایتدیجه پاشاندکی عربلر
 ایله ورا ی محمراده کی صف بسته عربانه فرار و انلر ایله پاشایه هجو ملرند
 سبک رفتار ان حلبه فرار ایدوب ماعدا درتیک قدر آدم صویلدی
 و پاشاده حلبه قاج فله بونجه مارمه تاراج کرده عربان اولدی (پس میر
 عسافک اولکدن زیاده طغیان دولته منعکس اولد قدده یوسف پاشا
 سوء تدبیر تمثیله حلبدن عزل و انقاددن معزول درویش محمد پاشایه
 ویر یلوب کوندربلکه میر عسافی حسن تدبیر اطاعت ایتدیر یلوب
 مظهر عفو اولدی (چون) دارالسماده اغا سبک مائه کفاری یدنده
 قضا زده اولدیغی سمع همایونه ایشدی برای اخذ انتقام آق دکره سفر
 فرمان ایدیلر و اوهارده روم ایلی امراسی ساقز مقابله سنده چشمه
 اسکله سنده جمعیت و سردار تعین اولان میراخور سابق امامیه بکی
 احد پاشایانده موجود بولنه لردیو او امر طاعلدی ووالی قره مان
 طوراق پاشا بوجه بی سفاین ایله کوندرد و داماد شهر یاری سلحدار
 یوسف پاشا قبودانلغه بحر و بر سپه ارانی ضم اولندی روم ایلی
 والیسی سلانکده امر اوهماتی بعد الجمع بحرا چشمه به کجی و می

پاشا ردوسدن بحرا سرداره کلور کن اق دکرده اسگری اطه سی
 لمانده اتوز الی کافرایله اون بندر مه طوب چکر بر مائه کیسینه راست
 کلوب آلدی و جزایر و طونس و طرابلس عساکری دخی سفر همایونه
 دعوت اولندیلر (پس) سردار اکرم یوسف پاشا ترسانه ده عسکر
 بحر بیکه جزایر قبله مسادر سار عساکرایله بیک الی بش صفرینک
 ایکسند بحرا کوندروب ~~ک~~ کندیده رابع ربیع الاولده مائه سفری
 دیو دوغایله ساقره واروب روم ایلی و اناطولی عساکری بحرا
 قره حصار لمانه کوندردی غره ربیع الاخرده ترمش سواحلنه بعده
 بنفشه سواحل مقابله سنده کلدکده فورتنه دن دوغای پریشان اولغله
 بعض شیفه مائه بورتنه و به مضبسی چوقه اطه سنده دوشمش لرایدی
 وندیکدن کرید امدادینه باروت ودانه و قورشون و خبره و تفنیک یوکللی
 کمی به راست کلوب آلدیلر ماه مزبورک ایکسند اوارینه وارلد قدده
 طرابلس و طونس پاشاسی عبدالرحمن پاشا بحرا دوغایه ملحق اولدی
 (پس) سردار اکرم ماه مزبورک یکرمی ایکسند امر اوواجهه سنده
 کرید سفرینه مأمورینی حاوی خط شریف او قودوب کرید قحی نیتنه
 حایه بورتنه طوغری کیتدیلر فرداسی وقت عصرده کرید فریفته
 سکلیه نام خراب اطه به وارلد قدده کفار دخان ایله دوغای ~~ک~~ کلدیکنی
 یلدر دیلر فرداسی اخشام وقتی سواحل کریده واریلوب قرا و بیوت
 کفاری تارمار ایتدیلر فرداسی سحری کریدک قلیج بورنی طولاشیلوب
 کریدایله تودوری ارا سنده ملورلدی کنار یاش کویستر مکه روم ایلی
 والیسی حسن پاشا عساکر ملغایله حایه حصارینی محاصره ایچون
 اخشام وقتی چیقوب ایتسی بین الصلاتین حایه قلعه سی مقابله سنده کی
 جسر قرینده دپهره واردیکه کفار فارغ البادر اوزرلینه واروب الامان
 رعایا و اطفال ونسای کتوردکده سردار اطفال ونسای غازیله ویروب
 رعایای آزاد و احراق ممالک و قطع اشجار وقتل اسیردن عسکری منع
 ایتکله اهالی ممنوناوردوبه ذخایر کتوروب جزیره بک اسلامه یکم سنده
 قائل اولدیلر (واندن کریده اوج درت میل قریب حایه نکهبانلری
 اولان ایا تودوری قلعدری اوزرلینه وارلدیکه دیوارینک عرضی الی
 ذراع و ارتفاعی اون ابکی ذراع درونلری بالیزر وجهه خانه و ذخایر ایله

طوبایدر درت ساعتده فتح اولندی کفار ایسه اشبوا یکی قلعه به طیانوب
اشاغی قلعه به جمع اولسرایدی اولکجه سردار عسکری حایه جانینه
کوندرد که نصکره اما سیه یکی احد پاشا و ترخاله یکی احد یکی وعسکر
ملغایی و بر مقدار طونس و طرابلس عسکر لرینی صند اللرایله کوند زمکه
ربیع الاخر یکرمی سکر نده واروب اشاغی قلعه بی محاصره و بخار به
ایتدیلر سر داریه دوتغایله کلوب باشترده دن قلعه به طوبایر اندی عسکر
اسلام حصاره هجوم و نصب اعلام ایتدکارنده بر کافر بالای حصار دن
کاک قلعه سز کدر دیمکله غازیلر وارنجه قیویاننده آماده ایتدکاری اغمه
آتش اورمقین طرفیندن خیلی نفوس تلف و حصار رخنه دار
اولدقد نصکره غازیان قلعه بی فتح و ایچنده کی کفاری حله قیردیلر
بعده دوتغای همایون کلوب ایانودوری ایچاننده آسوده اولدی (پس)
سردار اکرم سلخ ماه مز بورده کیمدن چیقوب حایه قارشوسونده
با کاهنه نزول و مهمات سفریه بی آماده وثالث جادی الاولده کلبسای
قسططنین دپه سنده مترس قورمغه باشلیدی اولار روم ایلی والبعی
حسن پاشا و الای بکری والاحه حصار واولویه وایلدضمان بکری
یدی قطعه بالیزایله حاضر انوب پیشگاه طوبیخانه ده ملقا متریه
کیردیلر (بعده) میزده امرای ترخاله و کوسندیل واسکندریه درت پاره
طوبایله سیه سوردی و یسارده یانیه واسکوب و سلا نیک و اخری
بکری النی پاره طوبایله مترس قور دیلر و میراواء دوقه کین علی یک
وسپاهیلری و تونس دلاور لری سوده بوغاز نده امداده کلان کفاری
حصاره دخولدن منع تعیین اولندیلر و سردار طاش کپریده
عسکر طرفنه و دوتغای طرفنه نکهه انلر قوبدی واقعا حایه قلعه سی
روی زمینه پمانند اولوب امرای وندیک در تیوز سنده و جوده
کنوز مشلر و ایچنده اوچوز طقسان بش پاره کزیده طوب اولوب
هرون حصارده کی خندق عمقی اون بش ذراع و عرضی یمش ایکی
ذراع معماریدر (رابع شهر مذکورده علی الصباح محاصره
و دوکلهک باشلیدی و کفارک طوب و تفنگلریند با قلمبوب اوردوی
همایون مقابله حصاره قور لملله غازیلر مترساردن چنکه اهتمام
ایتدیلر پس کفار غازیلرک غیرتی کور و ببالا کزیده کی سواری

و پیاده کفاری چنکه سوقی ایتلر ایله اهالی کزید و سوده لپا شده کی
اون یدی پاره قدر غده و اون درت قلیونک یکدن زیاده لشکری
دوقه لین علی یک ایله چنکه باشلیدق لرنده اوچوز قدر غازی کفاری
بوزوب علملر ایله او توز قدر یاش سرداره کوندردی محاصره نک بشنجی
کونی مترسار ایلر و یتمکاه حصاره وار یچق قرق نفر فدای کافر
اوغرین کلوب مترسارده بش نفر کیمه بی شهید ایتد کد نصکره
حصاره قاجدیلر التجی کون یوزدن زیاده کافر مترسلره هجوم لرنده
روم ایلی عسکری اکثرینی قتل و یاشلرین سرداره کنورد کلرید نصکره
پردخی کفار حصار دن حقیقه مدیلر بو محله طرابلسدن اوچ سفینه
و بر قاج سفینه و مصر دنده خیلی دلاور (باروت ایله اورده و به کلدیلر
جون) کزید جزئی قالدیه دن حایه نک محاصره اولدیغی ایتستدی
کخداسی بشیوز فدای کافر ایله سوده دنده در تیوز کافر الوب
محاصره نک طقوز بی کونی قلعه قارشوسونده کلور یک صبح کاذبه
بشیوز قدر قراغوله راست کلوب بر ساعت چنک ایتدیده کخند ایله
الیدن زیاده کافر یاشلری و یار دملری سرداره کنورد بلوب ماعداسی
قاجدیلر (محاصره نک اوننجی کونی حصارک کوشه سنده بافرمان
تاییه دوز بلوب سپد سورملکه باشلیدی فرداسی حسن پاشا روم ایلی
عسکر ایله حصاره سپد سوزوب طرفیندن طوبایر اندی محاصره نک
اون بدیه یکجه جادی الاولک اون طقوز یدر جزایر عسکر یله مملو
یکرمی پاره سفیان ایماه کلد کده سوده ایماهی محافظه به کوند رملکین
کفار اولطرقدن حصاره دخولدن قالدی بعده سردار اهل دوتغای
طریق سورمکه مأمور ایدوب تراب خندقه وارد قده یمین و یسارینه
ایکی طایفه دوز بلوب عسکر طولدر یمین لملری بولتوب ابطال اولندی
(محاصره نک یکرمی بریکه ماه مز بورت یکرمی اوچددر محصور اولان
کفار جزالدن اسمداد ایچکله بشیوز پیاده فدای قالدیه دن سوده به
کلوب محصوریند خبر کوندز ملریله انلرده چنکه حاضر لندیلر کلان
خنازیر نصف الیلده قراغوله راست کلوب چنک ایتد کلرنده کهارک
اکثری قتل و لیجه سی اسیر و لیجه سی عرق اولوب از کافر قورتلدی
فرداسی حصارک آهن پوش سواری کفاری قلعه قیوسی اوکند صف

باغملر ایدی اهل اسلام طرفه شدن حاضران طوبی ایلوب نیجه
سواری و پیاده جاء دوزخه کوندلدی اولکوب سرداره اوج طبل
وایکی بیراق و یوزاون زنده وایکیوزکله گتورلدی وایکیوزدن زیاده
کافر مغرب عسکرینده گرفتار قالدی ز برانلر الد قلمی اسرانی کیلرینه
وضع ایدرلدی (چونکه) سفرك مبدائی مائه نامیه ایدی وندیک کفاری
بلکه مراد کربداوله دیو خایه ده باب حصار مقابله خندقدن طایفه
طیراق طایفه ترتیب و برقات تراب و برقات حیم ایلده دوشوب تکمیل
ایتمیشیدی سردار امر ایلده بر قاج بهادر تاییه به یورش ایندیله
تحافظه سنده کی کفار زهر مار تناوانه کیمکله انجق بر کافر یولوب قتل
اولدیسده حصار بر چنده کی ملاعین جنکه باشلیجه غزات بشوب
جنک ایتدیلر ولکن طایفه زیر حصارده اولدیفندن خلی بهادر شهید
و مجروح اولدی کفار کمال غرور ایلده بچشینه کونی علی الغفله موحدینی
یاصمق اوزره ایکن کینکاهده یولان غازیله ملاعبه هجوم و نیجه لرین
قتل ایتدیلر (بواننده) حسن پاشا و مراد اغا غازیله کفارک خندقدن
تاییه آلتیه کلد کلری یولی باصوب جنکده نصکره راه بهمان و خندق
ضبط ایتدیلر و بر قاج کونده حصارک دیوار بی دلوب هر کون خندقده
جنک اولغله کفار سنک کران و خیره ایلده خلق زخمدار و انواع ملامتله
خیلی مؤمنینی شهید ایتدیلر بر مقدار امداد لرینه کافر کلوب قوت برلجه
باشاده عسکر ایلده خندقده کیردی و مراد اغا مترس و سیدری خندقده
وزیر حصاره کتور مکله علی الصباح ضرب طوبله حصارک سکسان
بر ذراع دیواری بیقلجه اولوبه عسکری کیجه قیوا و کنده کی تاییه به
یوریمکله خلی غازی شهید اولدی محاصره نک فرق برنجی کونیکه
جادی الاخرک اون اوچیدر یوزاللی قطار باروت ایلده معمول لغ نصف
نهارده بافرمان آتشدن قده خلی دیوار دخی بیقلوب ایکیوز قدر آدم
شهید و مجروح اولدقد نصکره غازیله هجوم ایدوب برج اوزرنده
کافر لری هلاک و مال لرین یغمالدیلر ایکی ساعت صکره کفار کلنجه
غزات مترسلره دو کلدیلر اولکون جزا بقولندن بر زرین الای بکسی
اجدیک شهید اولوب کفار حیاتلرندن مأیوس اولدیلر محاصره نک
فرق ایکنجی کونی کفار لیلایه نک سیدلرین یا قفله خندقده کی سیدلر

آتش الوب غازیله سویندر مکه چالشد قده طوب و تفنگدن خلی آدم
شهید و مجروح اولدی (محاصره نک فرق در دخی کونی بعض دلیران
بام حصاره حقیوب عظیم محاربه ایتدیلر فر داسه بیکه جادی الاخرک
اون بدیسیدر بعد سلوة الصبح خندقده کی بش پاره طوبیله بافرمان
آتمله حصارده کی کفار طوبیوب حاضرلندیلر غازیان الله الله دیو
یوریدکده درت ساعت جنک اولدیسده برایش کور یله میجه دوندیلر
یومحاریده بیکدن زیاده شهید و حسن پاشا و مراد اغا پاره لمتکین
سردار اکرم ملالین ییلدر میوب هر کسک خاطر مجروحی مرهم اطفا
تطیب و شهدانک بر لرین اولاد و برادر لرینه و یروب ایتسی احوالی
دولته عرضله عسکر و جزینه و ذخیره ایتدی یوریشک ایکنجی کونی
دیوار حصار بر مراد بیقلله دیواردن یوقاری غزات حقیوب سر
بر چنده مترسلر قور دیلر و بر جنک طیراغی التندن ایکی عظیم دلك
کشاده باروت قیوب آتشدن فر مانه منظر اولدیلر (یوریش نانی)
محاصره نک الی ایکنجی کونی غازیان صباحدن طهره دك بافرمان
خندق و تاییه له طوبیوب باروت آتش و یرد کلرنده قلعه اوستنده کی
یوزدن زیاده کفار برهوا اولغین غازیان رایات نصرتی سر بر چده دیکوب
جنکه باشلدیلر و وزرا و اسراغم کد کلریدن قلعه به حقیوب کد کلری
ضبطلرنده کفار خل رزم اولان بر چدن یوکسک تاییه به قاجوب
غازیانی نشانه طوب ایتدیلر غازیان اول تاینده به کیره میجه بر ساعتدن
زیاده حصار ضبط اولوب نیجه غزاة شهید اولغین ناچار خندقده
چکلد کلرنده سردار خندقده عسکره انعام و ترقیلر و تیارلر و بر مکله
رایات اسلامی به سر بر چده دیکدیلر (چون حایه حصاری الی درت
کون محاصره اولوب سر بر چده مترس التندی جنود فنک و شهر خلق
سبت کونی ناچار کد کلره کلوب امان دید کلرنده ایکی متعین کیسه
حصاره رهن قونیلوب امراء فر نکندنه ایکی مصحت کذار که بری
وندیکدن کله و بری شهر لودن حضور سرداره کلد کلرنده اولای
کیده جنک کفارک جان و مال و عیال لر یله مملکت لرینه مروره (ثانیسا
شهر لونک مال و عیال و املاکته تعرض اولغین اوزره اوامر و بر مکله
یکشنبه و دوشنبه کونی احوال و اتقان کیلرینه تحمیل و سه شنبه کونی

دیار لرینه کینه کارنده برح حصارده اذان محمدی قرائت و ریایات اسلام
دیندار کد نصکره هر کس املا کینه متصرف اولوب سایه پادشاهیده
آسوده سال اولسونلردیوندا اولندی (بوقیح حلیل جادی الاخرک
یکرمی طقورچی یوم ثلثاده ایدی صانته نیقولانام کلبه سایه محراب
ومنبر وضع اولوب البوم خنکار جامعی دینلور وایکی معظّم کلبه ساده
جامع اولوب بری یوسف پاشایه و بری موسی پاشایه منسوب اولدی
والتمش کونده قلعه ت تعمیر و لوازمی بندی دردیچی کون سردار غازی
قنوجیلر کتخداسی حسین اغای خیر بشارت فحله بحرا استانبوله
کوندر مکه استانبولده اوج کون کیمه سبله دوتما اولوب مرقوم
حسین اغا مرصع سیف و خلعت سمورله سردار اکره کوندر ایدی
پس) فتحک اون دردنی کونی کفار سکسان یاره چکدری و قدرغه
ودرت مارنه وخیلی پورتون ایله قلعه اوکوندن کلوب مالنه و دوقه
و فرانجه و پایا و اسبانی و وندیک کلبه یله سوده قلعه سی لیمانته کیر دیلر
ایسه ده طشره چقانلری طعمه تبع غازیان اولدی (چونکه) دوتمای
کفار کور قوز حصارنده محافظه ده ایدی عسکر اسلامک حایه بی
محاصره ایدیکن اشد کلرنده ممالک محروسه به ضرر قسیدیه موره
بلادنن بالو باره اوزرینه قرق یاره چکدری و درت ماونه و اونوز
قدر فرقه ایله کلوب ساحل بحره دو کلبه و شهره قوبلد قلرنده
اهالی التمش قتل باقیسی شهردن حصار دیلر (چونکه) وندکلو
اوته دیر و دخا یری ممالک اسلامدن الورل دی بودده ده دخیره
و برلیدیکدن وندیک توابعندن کفالونیه و زاکلبه ساطرندن ایکی سیک
قدر کافر قتل و جوعه سبب قارلی ایلی اوانسینه تابع بهمن نواحی به
چقد قلرنده انا موره قلعه سندن درتوز غازی کلوب صیاحدن زواله دک
محاربه و سکسان پاشا و لالی براردل التمه ماعدایی مجروح و مکسور
کیلرینه قاجدیلر (پس) مقدماد کرا اولندی اوزره کفار سوده لیمانته
برایش کوره مدکلرندن بوانساده تمش قدر قدرغه و ماونه و اونوز بش
پورتون ایله برصباح سوده دن حایه اوکینه کلرنده قلعه دن طوب
ایلوب جنکه حاضر لندیلر و دوتمای همایوله چقانلور کن شدید روز کار
اسمکین اهل اسلام برتقریب لیمانته کربوب کفار کیلری اوج درت کونده

سوده لیمانته کیر دیلر برقاچکون صکره کفاردن سر داره دل کتورادی
کفاردنده بری طرفدن دل المغیچون بشوز کافر حایه مقابلنده کی
قلال اوزرینه کلبه سیر ایدی مکر نصف اللیلده اوتوز قدر غازی اول
که ساره چقه شلر امش طلوع شمسیده جنکه باشلد قلرنده غازیلر
طرف جنکه کلبه یله کفارک چله سی جیقیدی خطیله سر دارده واریجه
جانب بگردن قدرغه لری اهل اسلامی طوبه طو ندیلر ما حاصل بر قاج
مادهون کلبه یاقبسی قاجدی و برایش کوره مدکلرندن مائه و دوقه
و اسبانی کیلری وندیکدن اربیلوب دیار لرینه کیتدیلر (سردار غازی
بو کیمینی دوانه یازوب عسکر استه کله سکبان نامی قره حسن اوغلی
حسین اغا عسکر ایله کوندر ایدی) بوانساده کفاردر یاده خلی خسارت
ایتمکله سردار غازی مراد اغای الوب دوتما ایله اوزر لرینه عزیمت
و اطراف کزوب راست کله مکه شعیانک یکرمی التمشنده حایه لیمانته
کلدیلر (پس) سردار حایه قلعه سنک مالز مه سن بعد التکمیل غره
رمضانده عسکر ایله قلیون و شقه ره بنوب عزم روم ایتدیلر افر بیوز
اطم سنده قزلحصاره کلر کارنده عسکره اجازت و یردی اوراده
دواندن آدم کلوب بودیدن معزول دلی حسین پاشا عسکر یله مأمورا
بنفشه به کلوب اندن حایه به کیمه چکینی خبر و یردی و مراد اغا دخی
کیمه کیچون خط همایون صادر اولغین سر دارده مرقومی بنفشه به
کوندر دی اندن دوتما چله ساقی لیمانته کلوب هوا یا مساعد اولغله
سردار ایکی یاره قورسه قدر غدر یله عید قطر کونی استانبوله کلدیلر
و دوتمای همایون دخی موسی پاشا ایله سادس شوالده استانبوله کلدیلر بوقیح
عظمه (غزای اول) عباره سی تاریخ دوشدی (چون) دلی حسین پاشا
باروت و خرینه و مهمات و کروه ملغا ایله شوالک ایکسینده اون بر یاره
کی به بنوب مخالف روز کار جیمه فین ه ارشدانله بنفشه به وارد قده
التمش یاره کفار کیسک کرید سمعنده و کیمی چوقه اطم سنده دولتیدن
خرینه و عسکرک حایه به کیده چکلرین اشتلر یله هجوم ایچون
بکلر کلرشی دولته یازمغین ترسانه کتخداسی حال زاده یدی یاره قدرغه
ایله امداده کوندر یلوب اون یاره ردوس قدر غدری دخی تعیین اولدی
نهار زاده نصف ذی الحجه ده دلی حسین پاشا ایله حایه لیمانته

کیرد کزنده حایه محافظی غازی کوچک حسین پاشا ماه من بوزک یکر می
 برنده حایه دن مأمور استانبوله توجه ایلدی (منقولدر که حسین پاشا
 بنفشه بابا بستن گزیده عبور مشکدر اوابهارده کیده لم دیو عسکره
 قشلاق تعیین و یکباری لیمانه باغلق تدارکنی کوسترنجیه کفار جاسوسلری
 احوالی کفار یلدر دیلر وقت دخی اربعمین و حسمین اواب یکباری
 کسلیکین رهز نلک قصدنده اولان کفار دوتاسی مملکتلرینه کیتدیله
 بو کیفیتی حسین پاشا دولته یاز مغله ترسانه کنخدا سی قدر غه لرایله
 بنفشه به کلوب حسین پاشایی عسکر و ذخیره یکباریله اوچکونده گزیده
 یگوردی (بوندن اقدام عسکر قلعه دن حقیقوب کفار قراغولی برمیل
 یاقلمش لرایسه ده رعایا شهره قومزلدی واسطه ذی القعدة ده بش التي
 بیک فرنگ طو پسر حصاره هجوملرند حسین پاشا درتیک عسکر ایلله
 حقیقوب کفاری بوزمیشیدی بود قعه سردار حسین پاشا عسکر ایلله
 سودیه حقیقوب لب دریان بر قاج یوز قیون سورنجیه کفار بر بندن
 استمداده برا و بحرا هجوم تدارکننده اولد قلربی دولته یازدی غازیان
 سوده مقابله کی طوزله به وارنجیه یا اوب هر خر و جلرند کفاری اسیر
 ایلرله قریه لر رعایای بی پروا حایه به کلوب کیدر اولدیله (بواشاده
 گزیده قلان مراد اغا سکبان باشی اولمغله استانبوله استاندی (پس)
 وزیر اعظم سمن محمد پاشا هر هفت پادشاهه نقود و اشیا و کرانیه اهدا یا
 و یروب ارباب مناصبدن مبالغه کثیره آوردی اوائل خالده داماد
 شهر یاری قیودان یوسف پاشا ایلله ظاهرده محبت ایدرایسه ده زوال
 صدارت خوفیه یوسف پاشا کلزدن مقدم مصری توجیه ایتدی یروب
 حایه دن مصره کیمک ایچون فرمان کوندر مک صد دنده اینک یوسف
 پاشا حایه بی بعد الفتح آستانه به کلوب مصر ایلله مدافعه تدبیری عاقل
 اولنجیه وزیر اعظم حل اخری ایلله پادشاه یوسف پاشا بونجه خراش
 صر قیله صلحا بر قوری قلعه آوب ایچنده کی کفاری بوقدر که یوز بیک
 انتون وجوا ایلله مملکتلرینه کوندر مک کار عقالمیدر مکر که خفیجه
 مبالغه کثیره المیش اوله والا بوقدر غنیمت مفت یره الدن حقیقوب بونجه
 مصر وفات مقابله سنده بر بوش قلعه که بهر سینه مستحفظلرینه بوقدر
 بیک غروش استانبولدن کیمکه محتاج فتح ایتدیم دیو پادشاهه ایکی

عدد رخام عمود کتور مک برایشمیدر دپدی واقعا یوسف پاشا حایه
 غنائم بدین پادشاهه بر قاج رأس اسیر ایلله ایکی عدد موزون سماکی احر
 دیر کدن غیری نسنه کتورمیشیدی بر کون یوسف پاشا حایه به دایر
 سوز آجوب پادشاهم وزیر غلطه ده کی بالیوس التمش بیک قنوری
 و عدا عتکله یوسفی منعه چالشمیشیدی ممکن اولمچیه مهمات و عسکر
 امدادنده تعمدا تقصیر ایدوب شمعی قواکزه اظهاردات ایدر
 دید که پادشاه وزیری چاغردوب یوسف پاشا بالمواجهه وزیرک
 تقصیر ایتدن بحث ایدنجیه وزیر عرض ایتدی بیک خصوصانک قنقه سینه
 مساعدده اولدی دیو عتفله جواب ویردی آخر پادشاه شوالک یکر می
 سکر ندیه وزیر اعظم سمن محمد پاشادان مهری آوب صالح پاشایه
 ویردی (ولکن یوسف پاشانک حایه دن مال غنائم کتورمیدیکی خاطر
 همایونی تشویشیه دوشوروب اهل اغراضیه تحریک ایتلرله رابع
 ذی الحجه ده یوسف پاشایه البته ایچ ایلی بکیر بکیلیکی ایلله وار کیدی
 بتون بتون آل دید که پادشاهم یکبار باطلق اوزره در و وقتار اربعمین
 اولوب موسم سفر اولدیغندن پاشقه میر میرانلره جزیره ده کججا بش
 یوقدر شمعی کیده م دینجه پادشاه یوسف پاشا کی غازی وزیری
 قتل وقوجه مصطفی پاشای قیودان ایلدی (بوارالق) وزیر سابق
 سمن محمد پاشا نیکبولی و بولی سنجاقلری ار بهاق ویریلوب سردارلق
 ایلله گزیده مأمور اولدی (وحایه محافظی کوچک حسین پاشا دعوتله
 برکروه اسیر ایلله آستانه به کلد که اسیر قازغه اوریلوب پاشا مظهر
 التفات پادشاهی اولدی (وینه) حایه ده لب دریاده واقع کیمو
 قلعه سنده کی ایکوز قدر سولتات حسن پاشا و حسین پاشایه عدم
 اطاعتله سکبان باشی مراد اغا عشرين محرمده اوچبیک عسکر ایلله
 وارد قده کفاری یوزوب قلعه بی ضبط نصکره در تیوز قدر زن
 و دختر و غنائم ایلله اولکون بیه حایه به کلدی اخذ اولسان ایکوز کفاره
 من بعد قلعه لرینه سولتات قوماق اوزره امان ویرلمکین سار سرکش
 رعایاده انقیاده یاشلدیلر (بعد ازان) حسین پاشایه جاسوسلر کلوب
 قنده به کفاری بتدل و طایفه لر یایدیروب طوپلر ایلله طوناندیلر
 و قریه لر دن سکر بیک قدر کافر انتخاب ایتدیلر و ونلک

اطرافشده اونها بشيك قدر سولتات و سكر يوز سواری بر يکوب
زا کيسادن کچور مکچون سوده دن پور تونلر کيدوب مارتده سوده
جمع اولد قسده نکره کیمی رعایا سوروب حایه بی محاصره و کیمی
دو نغایله محاربه ایله جکلر دید کارنده دولته بعدد العرض سوده نك
طشمره طرفنده دیواری اوکتمده کی میدانه طیراق سوریلوب قلعه بی
طوپدن حایه ایچون سد ایلدی لر بری طرفدن حایه طرفه دخی
سرایا خندق کس دیروب صولر اقتدی لر و برج و بارولر ینه محکم تر سولر
یایدیلر (سوده دن بر کافر کلوب محاصره ایله جکلر ین سو و یلمکله
دو نغایک عجمه و رودینه و امرداد و زخایر کچور مکچون سوده کیلری
پورتون و ینقشه کنارلنده کزد کلری بی دولته یازدی اوائل صفرده
سوده لیماشدن قرق درت پاره پوتون اطهر لی غارت نیته چیه دیار
واوندده او توز پاره چکدی لر کی کدی (بواشاده قوری تالی قریه سنک
قیودانی حایه یه کلوب مسلمان اولغین سوده قطدر و کیلر کور کچیلری
ناقص اولغله اونا پارسی تدارک ایچون قدیده کیدوب ساری لیماک
حایه چابنده کی طوزله کنارینه کله جکلر ین خبر و ردی واقعا صفرده
یرقاج پاره چکدی ری ایله ایکی بیک کافر طوزله کله کین حسین پاشا و اروب
جنک ایتمکله کفار صندالره جان آتوب یوزدن زیادسی قتل و ینچه سی
غراق اولغین مهماتلری ضبط اولندی ماه مز بوزک اونا اوچنده ینه
تابور قورمچون بش الی قطعه قدر غه ایله محمل مز بوره کلد کلر نده
حسین پاشا و اروب ینه مظفر اولدی (بعده کفار سوده یه و اروب
ایو قرون نام محملدن ایکی قیودان ایله او چور آتلو کافری غازیلرک
طوزله کیده جک بولنه بوسید قویدیلر بو کیفیت طو و لیحق حسین پاشا
او توز قرق آتلو ایله کینکاهه اوغرا یوب عظیم محاربه ایتمکین کفاردن
اللی درت کله کس دیروب قرق سکر کافر ایله اول ایکی قیودانلری
طوتدی بقیه ایوسف کیلر یله پراکنده اولدی لر (پس) عشرین صفرده
یکرمی پاره و نیک قلیونی بوزجه اطه یه قصدلر نده قلعه دن طوب ایله
بری باندی و باقیسی جزیره نك قله جانین طولاشوب محاصره ایتدی لر دو نغای
و سردار بوغازده ایدی ترسانه کخنداسی جمال اوغلی برقاج پاره قدر غه
ایله کوندر ایدی الحق قلعه نك باروت و مهماتی اولغین لیمانده کی

یولچیلر کوچک خضاره کوروب بر ایکی کون جنک ایتدی لر آخر وزیر
سابق محمد پاشا کلیولیدن سلطانیه قصیه سنه کچوب آنده ساکن
طویل احداغابی بشوز آدم ایله کوندردی (بعده کس دیروب کلن
روم ایلی والیسی حسن پاشاده دو نغایه کسکر یله کوندر مکله کفار او کوب
کیلر یله قاچدی لر (بوارالق) سوده نك حایه طرفنده اسیرتی نام مین
مناسرتک اطرافشده متر سولر قوریلوب ایچند اوج درت بیک کافر کیر مکله
حایه دن سوده یه طوب کیده جک یوللره طاش ذوکوب سید ایتدی لر
صفرتک یکرمی برنجی کونی عید نصاری ایدی (حسین پاشا و اروب
اول یوللری تمیز لکن کفار متر یسه کیر مکله مناصرتا وزرنده براز جنک
اولوب کفاری مناسرتا نندن آیرمچون بخامق صورت یله پاشا قدم برقه
اولجوارده کی بل در کمرلری جابنده کیدنجه کفارده آر دی رینه دوشوب
طوپدن آبلد قده کری دونیلوب کفاردن پشم سکر کله و یکرمی اوج
زنده و میا لر نده زیاده ممتیر اولوب یوز سور دکری پیاض اوزر
مصور بر اقلری آتوب بالیسلامه حایه یه کیر لیدی (وینده) ایتد
ربیع الاولاده قندید جنرالی برچکدی ری و درت ماونه بی بوغاز سمت
یوللادی واقعه ده او توز بش پاره پورتون و قلیونار ییده سوده دن
اول سمت کیمش لر ایدی (حسین پاشا بو کیفیت دولته یاز مین قیودان
موسی پاشا دز یادن دو نغایله و سردار محمد پاشا قره دن کلیولی به
واندن ناشر پیع الاخرده دو نغایله قاقوب کفارک بوغازدن طشمره
یکرمی الی پاره کیلر یله امیر اقدان صصره نك عظم محاربه دفعه کره
کریده توجه ایتدی لر و لکن سردار محمد پاشا یله قیودان پاشا میانه
نفاق کوروب بر لر ین دولته یازمغله ماه مز بورا یکرمی اوچنده اون پاره
قدر غه ایله احدا پاشا امدا ده کوندر لیدی (وکن) حسین پاشا و ستر غه بی
براغوب کیتد کد صکره جنرال قسده دن او قرونه کلوب بیک قدر
کافر جمع ایتد کده حسین پاشا ساکنان پاشی مراد اغابی عسکر ایله
ربیع الاولک اونا برنده کوندر مشیددی دروازه حصارده کی کفار
بونلری کوزیمچک فرپنده کی ملا فشه طراغنه قاچلر یله حصار اوکنده کی
کفاردن خیلی باش و دل آتوب ساری جنرال ایله حصاره قاچدی لر
واندن کفار جبل مذکورده طابور قوروب رعایا و ایکیک قدر فرنگی

ایچینه قویدقد نصکره اولو الیدن عسکر تدار کننده اولدی
اشید لمکه (حسین پاشا کنجنداسنی بشیوز عسکر ایله سر راهلرینه
کوندر مکله دامن کوه ملاقشه ده کفار له جنکه باشلد قدده حسین پاشاده
اوجییک قدر عسکر ایله کلنجه کفار مترسه کوروب جنکه باشلدیلر
آخر بچاق مصورتیله کفار تابوردن چقار اوب بالمحار به التمش قدر اسیر
و بشیوزدن زیاده رؤس مقطوعه و یکر می قدر بلالو بشلوردن درزنجیر
والی بیراق و اوجییک قدر تفنگ غنا یمله حایه به کلندی بوغزاده انجی
بر نفر شهید اولدی (وینه) اوائل جادی الاولده سردار استر فی
مناسرتی فیکه کله جکی کفار اشتمکین ماه مزبورک اوجی کیجه سی
مناسرتدن سوده به قاجد قلزنده اردلندن غزاه واروب کین اسیر و کین
طعمه شمشیر و ماللرین یغمالدیلر و مناسرتی هدم و اطرافند کی نواحی بی
ضبط ایتدیلر (وینه) رابع جادی الاولده بر ایکیوز موحدین حایه به
درت ساعت آسیا بلردن دقیق ایندر مکچون سحری وار دقلزنده
بر قاج قیودان پیکدن زیاده کافرا یله دکر منلری غفله احاطه و محار به به
باشلیجه حسین پاشا ایکیوز سواری و بیس قدر پیاده ایله یتشد کده
کفار اولمکه له قریب طاعه قاجدیلر ایسه ده سوار یلر یکر می اوتوز
قدر بی اسیر و باقیسنی قیدیلر بو محار به ده همان بر سپاه شهید اولدی
(بو ائشاده) مائه و دوقه و ونیدیکدن اوتوزیدی پورتون و طقوز چکدرمه
اگر چه کفار امداد ایچون سوده لیمانه کیردی و لکن حسین پاشا
منصور الله اولمکه حایه ایله سوده میانی لاشه کفار له طولدی
واون الی دفعه محار به ده نیجه بیسک ملاعین قیروب حایه خار جنده
بشییک قدر رؤس مقطوعه دن اوج قله یاپلیدی (بنابرین کفار حایه دن
بعیدر غو و سار قلاع و کوهستانه قاجدیلر (پس) جادی الاولک
یکرمی سکزندده دوتغای همایون حایه لیمانه کوروب سردار اکرم
سمین محمد پاشا قره دن کروه ملغا ایله اوجکونده طوپلری سوده کنارینه
بشدیروب سابع جادی الاخرده طرفیدن سوده حساری دوکلمکه
باشلندی و لیماک طرفینی ضبط ایچون یوز قرق پاره کی حایه اوکته
قونیلوب سوده اوکنده کی کافرد و تخاصنه طوپلر حواله سیله لیمان و قلعه دن
آرمه چالشدی (وینه) کفارک ابوقرون حصار بی براغوب کیده جکی

اشید لمکه جادی الاخرک سکر بی نصف الیلنده حسین پاشا واروب
قلعه بی بعد الضبط کلورکن مکر در یادن بوصی به کافر چقمش ایش
اوزلرینه اوغرانوب خیلی جنک اولمغین کفار یوز یلوب یتش سکسان
قدری دریاه بوغمله انجی اون سکر یاش و بش دل آلتدی (چون)
سردار عسکر ایله ملاقشه یولندن ابوقرون حصارنه واردیلر حصار
مزبور اچق برده اولمکه کفار کیلری طوب ایله غازیلری بعضی ورا یتدیکندن
سردار امر به اوج پاره فلو نیورنه و اوج بالمز لیمان مزبور کنارینه
قور یلوب سلفکه متصرفی چرکش عثمان پاشا و اوونیه و دوقه کین
بکلی طوپلری محلیه کتوردیلر و ایلا مترس قور یلوب ایتسی کفار
کیلرینه حواله اولمغین دریاه آچلدق لرنده موحدین مسترح ایکن
بر قاجیک کافر فرستدر دیو چکدری و ماونه لایله کلوب مستریس اوزرینه
دو کلنجه موحدیه پریشانلق کلشدی (حسین پاشا طوب کلد کده
ملاعین کیلرینه قاجدیلر ایسه ده ایکیوز قدری قور یلوب اون قدر
مسلم بخروج اولدی (پس) سردار محمد پاشا نازک مزاج اولوب روزگارک
کرم و سردندن جای محرقه به اوغرامق له سلخ جادی الاخرده
وفات ایتد کده حسین پاشا و قیودان موسی پاشا اموره ناظر اولوب
کوچک حسین پاشا روم ایلی قولنده کی و حفته لری عثمان پاشا ناطولی
قولنده کی طوپلر اوزرینه طوروب سوده حصار بی محاصره و محار به ده
اولکپدن زیاده اهتمامه خیلی رخنه و بر دیلر لکن حصار مذکور وسط
در پاده اولوب یوریش ناقابل و قعی بر مدت محاصره به محتاج اولوب
وقتخی تنک اولمکه تاخیر اولندی (پس) قیودان پاشا دوتغایله
روم ایلی کنارنده کی ذخایری کزیده نقل ایچون و کرید محافظی حسین
پاشایه اوائل شهبانده سردار لاق امری و مرصع شمشیر و ایکی خلعت
فاخره و خط همایون کلد کده مو جیجه سکبان باشی مراد اغابی
حایه محافظه سده براغوب ماه مزبورک اون ایکیبنده غزاه ایله
ابوقرونده اوردوی همایونه ورود و فرداسی قیودان پاشا و سار پاشا
و بکلی دعوت ایدوب سوده مدیت و افره محاصره به محتاج اولدیغندن
رتو قلعه سنک فتحه قراره بر یلوب سوده لیمانی محافظه سده چوقدار
مصطفی پاشا عسکر ایله کوندرلدی شعبانک اون التیسنده بش پاره

طوب واون ایکی قلمبوره ایله ابوقرونه کو چلمدکده اناطولی والیسی
عثمان پاشا یمنده وروم ایلی والیسی حسن پاشا ایله قره مان والیسی
یسارده برقاون یوایدیلر بیقلی مصطفی پاشا سردار غازی ایله همقان
اولکون ارستو عجراسنه قوندیلر ماه مزبورک اون طغوزنده مدینه
منزله اینلدکده کفارک اقرب طاہور لینه چرخه جیلر هجوم ایدیجک
کفار صعب سنگستانه قاچدیلر ساردرت طاہور کفاری دخی قاچیلر ایله
تعقیب ایدیلر یوزدن زیاده باش واونوزدن زیاده اسیر آلوب ره راسته کی
رعایه استمالت و پرهرک شعبانک یکرکی اوچنده رغو باغلرینه کلدکلرینه
امر عالی کلوب بوسنه دوغما اقتضا سند کوزه قشلا ندیریلوب
قارشویاقده کی یوز بیک کیله ذخایر و مهمات سارده دن غیری تمقدار
خزینه و ذخیره لازم ایسه عرض اولنه و بای حال سعی موفور ایله وجوده
کتور یله یسورلغین ایتسی قلعه مزبوره الله وازلدی رغو قلعه سی
لب دریاده واقع ایچ قلعه سی قبا اوزرنده غلطه حصار ی قدر
و عشره قلعه سی طوبخانه دن سودایچه میدانی قدر اون بیکدن
زیاده خانه لو و قرق الی کلیسا نو مستحکم حصار اولوب مهماتی
مکمل اولدیغندما عدا عظیم خندق او کلرینه سراپا اوج آدم
بویندن مرتفع حصار یچه چوریلوب کمی دز کلرندن ایکی
اوج سرن بو یچه قاز قاز قاقاش و انک خارجه خندق قازیلوب
اوکنه تابه لر باشلش و دوغما کفار قلعه وارشنگ ایکی جانبه
لنکرانداز اولوب طوب الله المغاله کلی تدار که محتاج اولغین طویلر
ولوازم نقلیچون حایه به آدم لمر کوندرلدی و چنلر و سیتلر اوریلوب
شعبانک یکرکی النجی کیچه سی متر یسه کیرلدی (چونکه) کفار
افدجه پیرامن حصارده بعد الحار به یسه حصاره قاچوب حصار
وماونه لردن یچد طویلر الله یکه شهر بکی چاوش پاشا مجروح
وایله سان الای بکی حسین بک شهید اولمشیدی روم ایلی عسکری
وقول کتخداسی ابراهیم اغا و عثمان پاشا وزغرجی باشی مصطفی تابه ره
مقابل مترس الوب کیر دیلر جزایر و توشلی و سار عسکر طرف طرف
محاصره و جنکه باشلدیلر اولکون کفار حصار وکیلردن بیک سکر یوز
ذابه آتوب حصار دانه لرینکده ضعیفی یکر میشی و یکرکی بشر وقه

کلوردی تاسع شعبانده شافعی وقتنده طوبلری چو بیک قصدیه یالی
قبوسندن درت بیک کافر چیقوب مترساره یوریدکده هر بر غازی
اونراون یشرکله کسوب حسین پاشا اونانی اوکنه بیک بشیوزدن
زیاده باش و یوز لیدن زیاده براردل کتورد کلرند نصیره مترساره
یور ییوب حصاره بش بردن لغم اور یاه رق ایکی قوادن طیراق
سور لکله خارج خندقده کی کفار حصاره قاچدیلر رغو قلعه سینه
اوج یچق ساعت باو یوتمه حصار بیک کفاری خیلی خسارت و ذخیره
یوللرین کسر لردی فرداسی دلی کتخدایک قدر پیاده و سواری ایله
حصار مزبوره واروب خالی بولدیلر مکر کفار غازیلرک کله چکن
طوب یوب طاغله قاچش لردی کتخدای حصار ی بعد الضبط وقت
عصرده کفار اوزرینه واروب اخشامه دک جنکه الشمس قدر کله
ویوز طقسان قدر اسیر الدیلر (وینه) ثامن رمضانده مترساره لغملر
ایر شمدن رغو قلعه سنک اطرافندن موحدین باو یوتمه حصار بیک
خندقه کیروب اولکون اخشامدن صیاحه دک خندقدن و کفار
حصار یچه اوزرندن و بدیلردن جنک ایدوب بعونه تعالی اوکون
خندق ضبط فرداسیکه ماه مزبورک اون اوچیدر یوریش ایله ترسانه
اوزرینه چیقیلوب علم نصب و اذان او قندی (و بالحار به وقت ظهرده
کفار یزدن قو پارلغله هر جانبدن غازیلر حصاره کیروب سراپا کفاری
قیردیلر و م ایلی والیسی کو جک حسین پاشا یور ییوب درون شهره
وار یچه تابور و تابه لرده کی کفاری قیردی و سردار دخی امداد ایدوب
ضحوه کبراده شهره کیر لکین بر ساعتده ایچر وده بشیکدن زیاده کفار
قلمچدن بکدی بو جنکده جنرال و سوده قیودانی طوپال کافر قتل
اولوب بقیه السیوف اسیر اولماله لغمه حاجت قالمدی (لکن محاصره
اولند قده جله ماللرین بجزا قاچر ملریله غازیان غنایمندن محروم اولدیلر
و حصار الله قدر نصیره کفار جبه خانه ایله ملو بر شیفه بی کتوره میوب
قاچش لرایدی شیفه و یچنده کی بشیوز قطار باروت و او جیوز قطار
فتیل و یوز قطار قور شون و ایکی بیکدن زیاده یوالی و وافر خبره
آلندی (بعده غازیان قلعه به کیروب بقیه کفار ایچ حصاره قباغه له
محاصره و حایه دن بالیخ کتیریلوب قورلد قده ایچرو دن کفار طویلر

هجوم ایدنجه یوز قدری کسملرین باقیینی بیه حضاره قاجدیله انجق
 حضاره قاجا اوزرنده اولوب لغم کارایچک تکرار حایه دن طوبلر
 ومهمات کتر میکیون بحرا موسی پاشا کیمشیدی وندیکنن حایه خانه
 وباروت ایله عملو الشمس پاره طوبلور یوز تون قندیه به کیدرکن
 راست کلوب الدی و حایه دن مستوفی ثمان و طوبلر کتوردی آخر
 محمدیک حصار قیوسنه قریب قلعه کوشه سی تیدی الله برافم ترتیب
 ایدوب مترسده عسکر مهیا ایکن خامس شوالکه محاصره نک اوتوز
 طقوزنجی کوندر سحری آتشلله قلعه قلمه برهوا اولنجه غازیله
 یوریبوب اخشامه دک خندقده و برج اوزرنده نیمه کافر قیدیلر ایدسه ده
 نه فتح اوله مدی آخر غازیله اقدامه تایله اوزرنده حقیقوب بیراق
 دیگر کلرنده کنار صلمه طالب اولر یله سردار حسین پاشا امر یله
 کوجک حسین پاشا و کتخداه مصطفی اغا پای حصاره واردی و ایچرودن
 بر قاج متعین کافر حقیقوب جان و ماللرینه امان نامه الیلر و طریفه
 اوچر آدم رهن وضع اولندی علی الصباح دیوان قورلمه قلعه
 مفتاحیه برقیو دان نامه کتوردوب سکان حصاردن مراد ایدیلر بحرا
 قندیه به کیدرکلرنده حسین پاشا رتمو قلعه سنی بعد الضبط اوائل شوالده
 اون راس قیودان و یکریمی نفر بلالو باشلو کافروا ونفر جاریه خبر فخله
 ذواته کوندرلدی (ومقدما فتح اولان مله پوتمه حضاری بعد التمهیر
 محافظه سی ایچ ایل والیسی صباغر مصطفی پاشایه احواله اولندی
 اول سنه سردار دلی حسین پاشا عسکر اسلامه رتموده قشایوب جامع
 و مدرسه و حمام بنسایتیدی (غریبه ذی القعدة ده دواتدن مصاحب میر
 محمد اغا کلوب سرداره شمشیر و خلعت و حسن پاشا و عثمان پاشا
 و کتخدایه خلعتلر کتوردی سردار دخی اوائل ذی القعدة ده
 قندیه یوللری کور میکیون میر محمد اغا ایله قار بوزنی در بندینه
 واروب قندیه به ایکی ساعت تلبس و قریبه ایندیله (وسایع ذی
 القعدة ده حصار طرفنده طایس کبریده بریوکسک دبه دن قندیه
 قلعه سنی تماشا و طشره ده کی کفار له جنک اولمسه اوتوز قدر اسیر
 قرق قدر باش و بیک قدر اعنام النوب رتمویه دونلدی و لکن سردار
 اول حصارک متانتی و دلالرینک صربلغنی کوردیکه مهمات و طوبلر

همه حال دونما به محتاجدر بهار دن مقدم عسکر و ذخیره ومهمات
 وایکیوز لغمچی و طاشچی کوندر یله دیو دولته یازدی و رغو و کسما و
 و ابوقرون و مله پوتمه قلاعتک اواز منی بعد التکمیل حایه به کیدوب
 قیودانک دونما ایله ورودینه مترقب ایکن قیودان موسی پاشا اواخر
 ذی القعدة ده الشمس پاره قدرغه وایکی قلیون و یکریمی شیفه و خزینه
 و ذخیره ایله حایه لیمانه کلوب کیلردن ذخیره چقا ررکن فورتنه دن
 بش پاره شیفه ذخیره سیله باتوب باقیلریده خلعتلر و اغسله ناچار سابع
 عسکر ذی الحجه ده دونما ایله موره سمته کیدرکن اغریوز اوکنده برحر بی
 قلیوننه راست کلوب بالحاره شهید اولیچق سابقا دفتردار موسی پاشا
 قیودان اولدی (پس) سردار حسین پاشا بوستانچی باشی مصطفی
 پاشایی حایه محافظی ایتد کد نصکره رتمویه توجه و بیک الی یدی
 محرمنده سرایه واروب فصل بهار ده دک قندیه اواز میله مشغول اولدی
 اطرافده کی قلاع و نواحی رعایاسی امانله برلرینه کلوب قندیه به قاچانلرده
 فرصد بولدیجه برلرینه کلورلدی طوبلر قلی دونما به محتاج اولقدن ناشی
 دولتدن موسی پاشا ماه صفرده کلدیله خامس صفرده قاعد کلوب
 قندیه ده کی کفاردن مرمری نام کافر وافر اشکرایله اطاعت ایدن
 قر اغارتنه حقیقوبن خبر و بر مکه دلی کتخدا درتوز عسکر ایله قندیه
 صحرا سنه وارد قنده کنار حقیقوب صف باغلقله سردار و عسکر
 بیرامن حصارده صحرادن آقن نهراوزره طوبلر دلاورلر ضحوة کبرادن
 غروب ده ک محاربه ایله کفاری توسکر تیلر یو محاربه ده صولاق
 و فریدون نام بهادرلر مجروح واون ایکی نفر شهید اولدیه ده کفاردن
 اون سکر باش و درت اسیر و در تیک قیون سوریلوب رتمویه دونلدی
 (چون) سردار حسین پاشا رابع ربیع الاخرده رتمو خار خنده اوتاغده
 نزول و اقسرای متصرفی محمد بکی رتمو محافظه سنه تعیین ایلدی
 قیودان پاشا ابتدا اناطولی عسکرینی ومهمات و خزینه کی کور میکیون
 ساقزه وارد قده کفار دونما سنک طغیانلقدن دو نوب اغریوز
 یاقلشد قده کفارک طقوز پاره پورتی اغریوز لیمانی محاصره ایتد کلرین
 اشیدنجه ماه من بوزک یکریمی یدیه سنده ایکیوز قدر لغمچی و بر مقدار
 مهماتی ترسانه به کتورد ما عدا مهمات وجهه خانه مایه و حکمیر یاره

قالهین اولسنه قنده محاصره منی تاخیر اولندی ماه من بورك یکر می
 اوچنده دولندن میر محمد اغا مطلوب اولان عسکر و مهمات و خزینه ایله
 دین و دولته لایق خدمت وجوده کتور یله دیو خط هما یون کتوردی
 (چونکه) قنده کفاری قریبده کی قرا رعایا سنی اضلال اوزره ایدیلر
 حسن پاشا و عثمان پاشا قنده قارشو سنده اوج درت کره کفاره غالب
 اولسرایدی (حسین پاشا رتمودن ثالث جادی الاخرده حیدر دده
 وزیر اعظم دن کلان محمد اغا امر شریف و مکتوبه ملا فی اولغله
 بیک قدر پیاده و بشبور سواری ایله قنده قلعه سنه یوریدیلر بر ساعت
 قانجه یالکر سواری ایله طوب منزلی وارد قیلرند بئش بلوک اتلو
 وایکی بیک پیاده کافر جیقوب ایچی ساعت جنک اولغین کنار منهر ما
 قانچ قیلرند غازیان قلعه قیوشنه دك سوروب ایکوز باش والی دل
 الد قیلرند عسکره حسین پاشا و عثمان پاشا قلعه مقابله سنده بر ساعت کیره
 قونوب حصار ی طشهر دن محاصره و حسن پاشا باشوغ تعیین
 اولند قنده عسکره حسین پاشا رتمویه دونوب یکر می دردی کوباردویه
 کاندی (وینه) جادی الاخرده قیودانلق فضلی پاشا یه ویرملکله
 بیک بشبور پیاده بی اوتوز یاره قدر غه یه تحیل ایله ساقزه چیقغین
 اون یوزتون ایله اناطولی عسکر بی چشمه دن آکوب دواتدن کله جنک
 الی یاره قدر غه یه منظر ایکن اناطولی دن الی یاره مانه کبسی و درت
 قلیون رجیک اون یدبسنده ساقزه کلوب عنده جنک اولغله کفار
 منهرم اولوب دوتندی هما یون کریده روانه اولدی (چونکه) سردار
 غازی رتمویه کیمشیدی قنده کفاری عسکر اسلامه و مطیع
 قرا رعایا سنه ضرر دن خالی اولوب عسکر اسلامده مقاتله ده ثابت
 ایدیلر در نیله قستلی نام موضع رعایا سنی اطاعت دن چغمشلر ایدی
 ضرب شمشیرا تکرار تسخیر اولندی (پس) سردار غازی خامس
 شهبانده قنده یه کلد کره هنوز وندیکدن امداده کلن مقیر و مار قونام
 کافرلر توابعلریله روم ایلی غازیلرین له کتور مکه حیدر دقلرند غازیلر
 طوبوب کنار هجوم ایتدیلر و سردار دخی امداده کلوب یکچشم
 شاهین اغا بر کافر کسجه نیموره مستغرق بر کافر چیقیدی شاهین اغا
 اکاده بر نیره اوروب تأثیر ایچیک بلوک چاوشی عرب سنل دخی بر نیره

اوردی اولدخی تأثیر ایچیک سوار اولدیغی رخش قوتیله قفا سندن
 قاپوب ایکسیده اتلر دن ایرلد قده عرب سنل اول کافرک باشن کسوب
 سردار کتوردی مکر اول کافر دعوائی دلاور لکله رعایا نیک اطاعت دن
 خروجنه باعث اولان کافر ایمش کفار عموما اول ایکی بهادر لره
 هجوملرند سردار بالذات واروب کفار یوزلمه این حصار خند قنده دك
 قیره رقی قودیلر (وینه) ناسع عشر شعبانده سردار غازی حبیب اغا
 واشجی علی اغا ایله بره بتره سمند کی قریب قستلی حصارینه واروب
 اون ایکی یاره طوب ایله محافظه سنه آدم قیوب دوندی (وروم ایلی
 والیسی کوچک حسن پاشا بی قنده اوزرند کی عسکره سردار ایدوب
 رتمویه عودتند شهبانک یکر می سکرند دوتما حاینه لیماننه کلمکین
 قیودان پاشا رتمویه واروب سردار حسین پاشا یه بولاشدی
 (پس) قنده محاصره سنه دوتما ایله طوب نقلی مشاوره اولنور کن
 کفار ک جهله چکد بره و قلیون و مار نه لری کلوب طوب نقلنه مانع
 اولدیلر (بولاشاده قیودان پاشا دولندن استمکه کتوردیکی عسکر ی
 کریده چهاروب دوتما ایله استانبوله کیتدی (پس) سردار الی یاره
 قلیورنه کد بری طقوز وقیه وایکبسی یدبشر وقیه و اوچی بشر وقیه
 اتار عرب لره یو کلمشیدی استانبول خصکی حسن اغا خط هما یون
 و شمشیر و خلعت کتوروب مشهور منده قنده فتحیله دولت و دینه لایق
 خدمت یوریشیدی سردار دخی بنقشه بولن محافظه ایدوب
 یدی سکر یوز لغجی و عسکر و ذخایر کوندر ملک ایچون دواته یازدی
 و سالف الذکر الی یاره طوب بر خامس شهبانده رتمودن و حاینه دنده
 طقوز یاره طوب انواع مشغله قنده یه قلعه منی او کنه کتوریلوب
 کفار له جنکر اولغین شهابیلر اغاسی علی اغا شهید اولوب بری
 حبیب اغایه ویرلیدی (پس) قنده حصار ی برمتین قلعه اولوب اوج
 درت سنه دتور کفار استمکام ویرمشلر اعلار ندن غیری قونداغه
 بمش مهیا سکر یوز قدر طوب و اونیک سولتات و اوتوز بیتر اوچنک
 آور کافری وار محاصره یه اقلی قرق یاره بالیز لازم دیو سردار
 دواته یازدی روم ایلی والیسی حسن پاشا قلعه بی محاصره ایدوب ایچرودن
 کفار چقارمزدی سردار کیرور تمویه وارد قنده عاشر ذی القعدة ده

استمالتی حاوی خط همایون که کلد زخار و امجی و قور یچی و ساقزده کان
مصر قوی گرفته کلک لارمدر دیو دولته یازدی (بوانشاده) بوسنه
عسکری شیک و زاده اوزرینه ما وور ایکن والسی ابراهیم پاشا
تکاملیدن کفار بعض قلاع و نواحی بی ثبات اعمار یله ایالت بوسنه
تکلی با نیایه ویریلوب عسکر ایله زاده و شیک اوزرینه تعیین اولندی
بوانشاده چتالیه قریبده و استراجه طاعنده و ادرنه یوانده و افر حیدود
کفره سی بعض قراوقله لری باصوب متمولنی قتل و مالین اورلردی
رجاله دن معزول اشیا ادرنه بوسناجی با نیایه اوزرینه کوندرلری
(بغزازان) سلطان ابراهیم علت سودایه مبتلا اولدقلرندن بعض
مشایخه اوقوعه غله مستخرج اولورلردی سابع عشر شعبانده داود پاشا
سمتده ساکن ارباب عزیمدن برامامه کپدرکن برعربده راست کادی
پادشاه ایسه مقدماعربیه بی ساع ایتمشدی وزیراعظم صالح پاشاک
عدم تعیینه جلله چاغردوب بن عمر به بی ساع ایتمشیکن نیچون تئیم
طوتمزدیو اول امام خانه بنده بیکناه صالح پاشایی بوغدربوب مهری
قیوجیلر کخدا سیله قیودان موسی پاشایه ارسال و دفتر دار احمد پاشایی
قامقام ایلمدی (بیچاره موسی پاشا سرور وزارتله استانبوله کلنجه
مهر قامقام احمد پاشایه ویریلوب موسی پاشا ایتمجی وزیر مقامنده قادی
(چونکه) سلطان ابراهیمک حین جلوسنده ارکان دولت برزحسنا
جاریه کوندروب توالدوتنه اسله ترغیب ایتمش لرایدی بنابرین نسوان
طائفه سی فرجه یولوب اکثر امورده دید کلرین پادشاهه ایتدیرلرایدی
کرچه براق شهرزاده وجوده کلدی و لکن مداخله زنانه نظام دولت
مختل اولوب استانه و طشیرده ظهورایدن تکالیف کونا کوندن اعلا
وادی جگری خون اولدی حتی طرف دولتدن ره ضانده سیواس والسی
واردار علی پاشادن اوتوزیک غروش عیدخر جلغی استندکده پاشا
قدرتم بو قدر دیدیسه ده تکرار استه نلیمک بو قدر اجه بی زدن ویریم
دیومباشیرینه جواب ویردی و ابشیر پاشاک سیواسدن منکوحه سی
دخی استمکله بر مسلمک منکوحه سی نیچه غیره تسلیم ایدیم دیوا کاده
جواب ویروب نظام عالم ایچون بر مقصدار عسکر ایله استانبوله توجه
ایدوب یانیده شقیانک فقر اید تعیینلری بویدن آشجه دفعه ایچون

ابشیر پاشا سر عسکر تعیین اولندی (چونکه) وزیر مقتول صالح پاشا
بغدادی خزینه داری ابراهیم پاشایه ویروب کوندرمشیدی بودفعه
بغداد وزارت عظمی امیدیه استانه کان موسی پاشایه ویرلمکین مسلم
کوندروب آردجه کندیده کتمشیدی ابراهیم پاشا افندیسی صالح
پاشاک قتل طویچق بغداد قولله یکدل اولوب موسی پاشا مسلم
ردایدنجه محفظه به مأمور قول موسی پاشاک مختل الدماغ ولدیفن
بلر یله مقاتله ایله پاشایی بر قریب آلوب ایچ قلعه به حبس اشد کلریده
بغداد مرقوم صالح پاشا برادرلی مرتضی پاشایه ویریلوب
کوندرلری (و ابراهیم پاشاک قتلنه میراخور ثانی و مرتضی پاشا نکرده
قتلنه آدم کوندریلوب بغدادینه موسی پاشایه ویرلمکله دیار بکرده
موسی پاشا و بغدادده ابراهیم پاشا قتل اولمغین موسی پاشا بغدادی
ضبط ایدوب نظام ویردی (پس) محرم او اولنده ساقزده ساقزده
ایصاره لیمانه کفار دو نعلی کپدر کده فرطه طهور یله اوز سکر قدرده
وسکر قلبونی شکسر اولوب ایچنده بی کفرک کریک عرق اولدیغی
ساقزده دولته یازدی (بویدن مقدم قور و صحر اسنده لفظ قریبه سی
قرینه جنرال اوغلی اون بر قیودالله استرا اولمشیدی بودفعه باباشی
سر داردن او غلنک خلاصنی الحی کوندروب رجالتدیده ده
قول اولوب روم ایلی و اناطولی و ملاغایا کری صف صف الای
باغلیوب الحی به کوستراد کدنصرکه کوندرلری (سادس صفرده جنگ
اولغله اسکوب الای بکسی سلیمان بک و کوچک بورجه و نیکده الای
بکسی کورجی علی اعاشمید او دیلر (وینه) ابدر یاده فتح اولان مرزیه
حصای محافظه سنه عسکر ایله یوشجه علی اعافوشیدی علی الغفله
چکدر یلر یله بیکدن زیاده کافر کلوب محاصره و محاربه ایتدکده
ایچنده کی غازیلر اوردودن استمداد اعمار یله سردار دلی کخدا بی
وایلغین منصرف صوغای حسن پاشایی وقد وز علی اعایی یمین
و یسار الای بک یله امداده کوندرمشیدی انلرده اوتوز برصا تیک
ره بر کونده واروب کوردیلر که محافظین او چکون چنکده نصرکه
حصاری ملاعینه ویرمشلر ملاعین یولر قارشو حیفوب چند
تکلیه در یانیده الی پاره چکدرمه و بورتون پاشوب صاحبدر

اخشامه دك جنك ايتديلر مفسد اولميشي دونوب كيتديلر (بوانشاده)
 حايه محافظه سنه مامور اولان مراد اغا علي اولمغه سردار كلوب
 اولهارده محاصره به قرار ويراكده نسكره آستانه به كيتدي (چونكه)
 هزاره قنده حصارى خارجنده قشلوب قره طرفى ضبط ايتلر ايتدي
 مار البيان التي ياره طوبى نغري اون ياره طوب دحي كتور يلوب متر يسه
 كيرمكي دوتماك ورودينه توقيف ايتديلر (نصف ربيع الاولده كفارك
 دوتماي صافز قرينده فورطنه به اوغرايوب اون التي حكدرمه ايكي
 ماونه سكر بورقونى عرق اولديسه ده غازيلر كتر يسه كيرمسي دوتماك
 ورودينه موقوف ايتديكي طوبى بجه خند قدن طوبور ونايهل
 ايتديلر ورايكي دفعه جنك ايتدوب مهنرم اولديلر (سادس ربيع الاخرده
 قنده حصارى مقابلنده نظارنه نام محله ايكي باليز والي قشورنه
 جيقار يلوب ايمان وقلل ودرين شهر دوكلهك باشلمغه كفارك قبولدن
 حقه ميوب يدي سكر يوز طوب ايله جنكه باشل قارنده غازيلر قلعه يدي
 احاطه ايتديلر كفرن دل انوب صورلد قده وندك دوتماي بوغازي
 قشاندی جزيره كي ترك يقيناً ما يوسا كوچرلر دوشاغ اولديغن خبر
 وبردی ككفارك هر كوز دريادن كلن امدادی كوزلر كك غازيلر
 ضعف كككاه سردار نمودن اوج طوب دحي كتوردوب انواع استانه
 دوتماك ايكي كي متر يسه كيرمكه عاريلري قائل ايتدي (وروم ايلي
 وناطولي عسكري به برر قولدن برقميله صحن يولاري قازدروب
 بر طايه وضع اولندي (سر بوندن اقدام فتح اولان پوتمه قلعه سنه
 بشوز كافر صارد قده محافظلري رتمو واطرافنده يمانديغندن ايجنده
 همان اون يدي سياه قالمغه اون رين شهيد ايتدوب قاچيلر ايتدي
 (بوانشاده به هجوملرند اولل ربيع الاخرده سلفكه سنجاغى يكي
 كوچك مصطفى باشا امداده كوندردى ملاعين مائه كيلرله علي القله
 جيقوب نصف الليلده قلعه يي محاصره ايتلر ايتدي باشا صباحه قريب
 بشوز آدم ايله حصاردن جيقوب هجوم ايتديك ملاعين كيلر يسه
 فرار ولب دريادن طوب جنكه باشلديلر اسمعيل الاي مكسي على اغا
 مائه قبودا قور شونه اوزمغين كفار يوز يلوب سكر باش ولس دل
 النمله ماعداسي بحرا قاجديلر (وينه) ربيع الاخره اون برده كوچك

حسن باشا روم ايلي عسكري به وسر دار ايتا عيله بشكاه قلعه ده متر يسه
 كيروب يقلي مصطفى باشا اناطولي عسكري به صاغ طرفه متر يسه
 قوندی و محمود باشا آق تايه محاصره سنه ككوندر يلوب اوج
 قولدن طوبيلري حصاره حواله ايتديلر و متر يلوب يوب خند قده
 ايتديلر شهر مذ كورك يكرمي التمي كچه سي ثلث اخيره ده اوج يك
 قدر پاده وديوز قدر سوارى كافر اناطولي قولنه جيقوب برقاج بيكي
 دخی ايجروده حاضر ايتديلر سردار و سار و زراطوبوب آماده اولمشلر
 ايتدي كفار سردار تايه سنه يوز يلوب كچه قرا كولاغنده ايكي ساعت
 جنك اولدي شافعي وقتنده غازيلر بالاتفاق هجوم ايتدكلرند ملاعين
 قاجديلر و غزاة و كفار مختلط خند ق كازنده كي تايه لرينه كيروب
 اندن خند قه بخار كن يك ايكوز كافر قليمدن كچوب ايكوز قدر
 سوارى طوبلدي و خند ق ياننده واقع تايه لرده كي طوبيلري ضبط
 اولندي بو محاربه ده يالكر ايكي غازي مجروح اولدي (بووقعه د نسكره
 حصار محاصره اولنوب ليمان اغزندن كفار كيلري كيره ممكله ليمان
 اوتنه جايي ديوار بن دلوب كلن امداد و ذخيره يي ايجر و الد قارندن
 كفار قوتلنوب صحن يوللري و طوب متر يلري مقابله سنه تايه ل
 و متر يلر قازمغه باشل قارنده دوتماي همايون يقينا كلوز اميد يله
 جادي الاولك يكره يستده روم ايلي والبسي كك وچك حسن باشا
 عسكري به بر قولدن وقره حصار متصرفي يقلي مصطفى باشا ونيكده
 متصرفي محمد باشا اناطولي عسكري به بر قولدن تعيين و مقدا ليمان
 مقابله سنه قوللان طوبيلر قلعه نك برج و بارولري حواله سنه قونياوب
 محل مزبوره دخی كاتقري متصرفي طوعا نجي حسن باشا وچر كس
 عثمان باشا و وافر عسكري تعيين اولند قد نسكره سردار غاري دخی
 توابيله روم ايلي و اناطولي عسكري ميسانه متر يسه كيروب التي باليز
 اناطولي قولنه والي باليز روم ايلي قولنه و برلكاه قلعه دوكلهك
 باشلندي جادي الاخره ايكسند وقت عصر سوارى و پاده كفار
 جيقوب روم ايلي قوليله جنكه باشلجق سردار ينشوب غروبه دك
 جنك اولمغه كفار قاجوب غازيلر ايله مختلط تايه لره كيرديلر و غازيلر
 نچه ككفاري ديه لوب جيقديلر اثناء جنكه سردار حسين باشا

چکه سبندن قورشونله اورا لشیکن غیرتده قصور ایتمدی مترسلر
 سوریلوب خند قه یاقلاشد قده اناطولی قوی تاییه به قریب وارمقله
 لغملر آشلنوب تاییه ده کی کفار هلاک اولمجه پیاده عسکری اول تاییه بی
 آلدیلر (یوشاده) دوتغا بو غازه کلوب کفار کیلرندن کیچه مینجه
 ضروری قوه دن بعض مهمات کوروب ثامن جهادی الاخرده
 یک کیلرله حایه قلعه سنه واردیلر بو کیفیتدن غازیلر غناک اولوب
 کریددن ذخیره امینده اولدیلر مراد اولنسه دوتغا ایام شاده روم ایلی
 و اناطولی کارلارنده اکلنوب نوبته ذخیره نقل ایدرلردی اهل مال ایدیلر
 دیوسر دار دولته یازدی (پس سزدار دایما عسکره استمالت و برردی
 روم ایلی و اناطولی مترسلری اوکنده اوج عدد قلعه و تاییه ل کفارله
 طولمشیدی نصف جهادی الاخرده اختتامده عسکره روم ایلی و اناطولی
 قوللرندن کفار اوزرینه لغملر آیلوب تاییه ره هجوم و ش ساعت
 بعد الحصار به غازیلر تاییه ره کوروب ایچنده کی کفاری قردیلر و صاغ
 قلا لیرینی حصار و خند قه دوکد کد نصکره طشرده کی اون الی عدد
 شبقه طوبلریکه اون التیش و قیه اتار و تشبوز تفک و یوزدن زیاده
 خبره و سائر آلات حربی ضبط اولندی و ایچنده اذان محمدی اوقندی
 ایرتسی کیچه روم ایلی قوللندن یوریدیلان لغملر آشلنوب تاییه ره کی
 کفار یاصد بریلوب ایکی ساعت جنگ اولمقله کفار منهر ما خند قه
 قاچد قارنده غازیلر تاییه ره کوروب ایچنده کی کفارک اکثرینی قیرادیلر
 و اول تاییه ایله الی پاره طوب و تشبوزدن زیاده تفک و آلات حرب
 آلمقله مترسلرک اوکی آچیلوب خند قه کارینه وار بلنجه خند قه
 دلکرا آچیلوب بالمحاربه خند قه ضبطده نصکره قلعه دیوارینه الی
 لغملر اناطولی و لرت لغملر روم ایلی قوللرندن یوریدیلوب آلمقله قلعه
 دیوارندن کدکرا آچلدیسه ده ایچروده اوتوز ییکدن زیاده جنگی کافر
 اولدیغندن بالمساوزه شافعی وقتده ایکی قوللار کد کله هجوم
 اولند قده کفار یمش سکسان وقیه اتار نجه و هاوئلر بله طرفیندن
 زنجیرلی کله لر یاغدر مغین ظهره قدر عظم محاربه اولدیسه ده غزات
 کفارک آتشدن یاقیوب سمندر منالی کدک باشلرندن ایچرویه قورشون
 یاقدر یروب کدکلی ضبط ایتملر ایدی کفار کدک آتشدن لغملر یاپوب وقت

ظهیرده آتشدن قده برقاچ ادم تلف اولوب غازیلر خند قه دوکدیلر
 یوارالقد کفار کدکلی اردندن یاپوب ضبطه مشغول اولدیلر
 نصف اللیلده اناطولی قوللندن لغملر آیلوب کفارک لغملرینی یاصدرمقله
 اناطولی عسکری کد که واروب قوشلغه دك جنگ اولندی کفارینه
 آتش یاغدر دیلر غازیلر مترس المشر ایدی کفار حاضر لدری لغملری
 آتشدن قلرنده غازیلر ضروری خند قه ایشدیلر ولیکن ینه غیرتلوب
 قبل الصبح هجوملرند ایرتسی ظهیر قهر جنگ اولندی روم ایلی
 قوللنده کی کدکرا لرتدن کدکرا لغملر آشلنوب آتشدن قه روم ایلی غازیلری
 مترسلر دیلر اناطولی غازیلر یدامداد ایتمقله عصره دك جنگ ایدیلر
 کله و خبره لک قلعه دن یاغور و کبی یاغدیغنه غازیلر یاقیوب
 مترسلرک ملاعین طرفیندن مصنع لغملر یاپوب آتشدن قلرنده صاغ
 قلا لیر خند قه ایلوب شهداک اضعا فی کافر قیرلندی ینه غازیلر خند قه
 طوروب کدک باشلرینه صحن یوللری یورتمکه مشغول اولدیلر کفار
 یارین صلح اولوب قلعه بی رضامزله ویره لم دیلر بله جنگدن ال
 چکله شیدی اولکیچه و ندیکدن اون یدی چکدرمه و سکر قلیون
 امداد و ذخیره سی و مالته و دوقه و پاپا کیلری دخی کلوب کفار
 قوللنچک کالاول جنگد باشلنجه غزاته کلال کلدی (زیرا عسکرک
 اکثری شهید و کزیده سی مجروح اولدیغندن باشقه دوتغاک کلدیکی
 دیگر کونه الم و یردی اگرچه غیرتلوب تاییه و مترسلردن طوب و تفکله
 برقاچ کون اعدایه باش کوسترمدیلر ولیکن اعدا مدافعه ده اقدامله
 روم ایلی قوللنده یدی لغملر و اناطولی قوللنده اون بر لغملر ایدوب نیچه نفوسی
 شهید ایشدیلر حال یوبله ایکن غیرتلوب روم ایلی قوللندن بش لغملر
 و اناطولی قوللندن یدی لغملر آشلنوب مستوفی کدکرا آچلدیسه ده یوریش
 ممکن اولمغین حال دولته یازلد قده قیودان پاشا تقصیراته سبب قتل
 اولوب ویتوق احمد پاشا قیودان اولدی (یوشاده) یوغازده کی
 کفار صندال لرایله اجه آبادده کی صودن صولنور لرایدی الب قریه سی
 و سائر قرا اهل البسی صویه بیحد سلمن آتملر بله ایچن خسار یقیرلادی
 (بعد از ان) سلطان ابراهیم وزیر اعظم احمد پاشای دایم ایچکون
 روجه سنی تظلیق ایشد یروب اون سکر کون سرای همایونده جمعیت

سوراولدی و آت میشد انده کائن ابراهیم پاشا سیرانی سکرچی قادیه
و پروپ اورای آرامگاه مراد ایتمکین ایچنده کی کاشانه فرشیچون
کیچمه لده بدستان و خانلردن لازم اولان اشیاء نفیسه میریدن ایچملری
ویرمک اورزه صاحب لردن جبر و قهر التوب کاشانه مذکوره سراسر
وشق و سمور و زراندوز رایلده دوشمشبکن پادشاه بکتمبوب اورز رینه
مأمور اولان دفتر دار خالیجی زاده بی عزل و حبس ایلدی (وینه) تکملو
پاشانک سوء تدبیردن بوسنه سرحدنده واقع قرق سنجاقده کی فلاح
و بلا نقه ره کفار استیلا و اختصار حد و دینه کلد کده اهالی سرای
خوفلردن صحرايه اوردی چیقار دیلر بعد کفار کلپس قلعه سن الوب
نیجه مؤمنینی شهید و ماللرینی ضبط ایتد کلزینک خبری اوائل منفرد
دولته کلد کده کایا اغماض اولمغین خلق انکشت برده ان مهیرت اولدی لر
(وینه) مشعله جی حاجی محمد نام عربکه کیچمه لده حسب الاقتضا
حضور همایونده مشعل چکمکله مظہر نظر پادشاهی اولمشیدی
قیو جیلر کنخداسی حسین اغا عربی نو بیک غیریده پادشاهه
کورنگدن منع ایلدی برنوبی ککونی پادشاه عربی کوروب
های حاجی محمد نیچون کورنگز سن دید کده الله یتصرک الله یا سلطانم
قیو جیلر کنخداسی بزی قومز دیچمه پادشاه حسین اعان عزل
و حاجی محمدی دفعه قیو جیلر کنخداسی ایلدی (پس) سائف الذکر
واردار علی پاشانک تکمیل احوال عالم داعیه سیله خلق باشنه برکدر دیک
معلوم پادشاهی اولد فده منصبی اولان سیواس ابشیر پاشایه ویریلوب
حقندن کله سن دیو اورز رینه تعین اولندی ابشیرک واردار ایلده حقوق
اولمغین بویه حقکو وزیر نیچه قتل ایدلم دیدیسه ده باباشی باباشک
دیومو کدا خط همایون کلچمه ضروری سیواسه وارد فده واردار
بن پادشاهه عامی دکم دیو سیواسی ابشیره بعد التسليم شرعی دعوام
واردیو جمعیت عظیمه استانبول طرفته کیتدی ربیع الاولده بغداد
مخافطه سی نامیله اسکساره ملقا رجالی چقار یلوب اقتضا ایدرسه
ابشیر یاننه وارمقله واردار له جنک ایدله و الا بغداده کیده لر دینلدی
ابشیرده بعض بهانه ایلده واردار عقبچه کیتدوب بالمواضعه
مکتوبلر لردی چون واردار بشیرک قدر عسکر ایلده چرکسن

قصیده سنه قوندی شام منسلمی محمد پاشا مأمور اولارده مترصد ایدی
آستانه دن بر مقدار بستانچی عسکری حصکی ایلده کلوب منسلم مر قومه
ملحق اولدی و قره مان والیسی کو پر بلی محمد پاشا و قره حصار والیسی
حسین پاشا مأمور اولمقله یقین کلش لرایدی و عسکر سور یجملکنه مأمور
عجم ابراهیم پاشا سیواس حد و دینه کلد کده واردار عسکر کوندر و ب
ابراهیم پاشایی قاجردی و اموالنی ضبطد نصکره هر طرفدن کندویه
هجوم اوله جغن یلینجه ایلغار له واروب منسلم محمد پاشایی و حصکی بی
در زنجیر اور دوسنه کتودی ابشیر و قعه بی طوی بیجق اطرافده کر
مأمور بن ایلده کلوب واردارک اور دوسنی باصدی و وارداری طوتوب
پاشا بابایونه حالدر نیچون بویه چیقمز بویه کیتدک دیچمه واردار سنک
عورتکی سیواسدن استدی لر عرضکی صیانه ویزمدیکم ایچون سنی
اوزریمه کوندر دیلر ظلم عباد اللهک مالی الوب ویرمدیکم ایچون بک
قتل ایجاب ایدرمی دیدی ما حصل ابشیر واردارک سرمق طوعنی دولته
کوندردی (وینه) داماد شهر یاری فضلی پاشا ربیع الاولده روم ایلندن
استانبوله کلوب روم ایلی رعایاسنک خراب اولدیغنی و کفارک بوسنه
حد و دینه استیلا سنی پادشاهه سو یلینجه بابکا وزیر بوسنه حد و دنده
برقاج پلنقه ایلده برکلیسالندی دیمشیدی دیو وزیر اعظم احمد پاشایی
چاغر دوب فضلی پاشا و قعه بی حضورده وزیر مواجعه سنه سو یلد کده
وزیر تکذب ایدوب خبیلی مناقشه اولدی او لکون فضلی پاشایی امر
غزاده و قوف تام صاحبدر دیو کرید سقرینه تمین ایتدر د کلر نده
فضلی پاشا امتناع اید یچک وزیر پادشاهه شته اموره اعتراض ایدر لر
خدمت تکلیف او لچق ابا ایدر لر دیو تلخیص ایتد کده فضلی پاشا
درت پاره قدر غه ایلده ایاق محافظه سنه کوندر لدی کفار کلری بو عازی
سد ایتش لرایدی پادشاهه صور دغه وزیر کفار کلری کیتدی دیوب
حضور همایونده سو یلیمسون دیو یساع ایتشیدی (بعد ازان)
قزاق طائفه سی لهدن رو کر دان اولمقله برقاج برار بویار لر بن
قریم خانی اسلام کرای خانه کوندر و ب مستأمنلکی قبول و سفر رده
اسلام اوغرینه بدل جان ایتمکی وله سفرینه امدادی و تانار عسکر یله
اقین ایتمکی تههد ایلدی تانار خان کافره اقین ایتمکله قرق بیکدن زیاده

اسیر اخذ و روس مخوسی با قوب بی قوب خبر بشارت فتحه کوندر دیک
آدمه وزیر اعظم احمد پاشا روس بزمه بارش قدر خان الدیغی اسرایی
بوترفه کوندر سنکه صلحه بناء اطلاق ایده لم دیو مکتوب یازوب
خاتک قبو کتخداسی جشید چاوشی قپوچی باشی ایله کوندر دکه انزده
خان حضور ینه واروب افاده اید یچک بز یاد شاهک بنده سیر روس
کفاری صورتاه صلحه ادعایدر فرصت بولجه شیفه لایله واروب اناطولی
سواحلی خراب ایدرل شونده ایکی خالی قلعه وار ایچنه نفر کوندرک
مواجهلری بوسوا حاکم بالق محصورلندن ویریلور دیو دفعاتله عرض
ایتدک مقید اولدقلرندن روس اول قلعه لری الوب ایچنه قزاق وضع
ویکر میدن زیاده قلعه یاپدی بوسنه دنصکره افکر مانی کلیاستیلا
و بغدادی دخی ضبط ایده جکلری مقرر ایدی بود دفعه اوزر لینه اقل
ایتدیکمزد فرقی یک قزاق بزه تابع اولوب بریوک خطما لریله بونجه
کفاری اسیر ایتدک انشاء الله روس قرانی بغداد کی طرف سلطنتدن
نصب ایتدیرم دیو جواب ویر یچک انزده بوجوابلریله استانبوله
کلیدلر (پس) پادشاهک سابق الذکر اوضاعندن هر کسه خیرت
الوزروب بوسنه حدودنده کفار اوتوز قرق پاره قلعه و پلنقه الدیغی
ودونخاک بوغازدن طشره چیهقه مدیغی و کربده کی غازیلر پریشانی
وزیر اعظم احمد پاشاک عدم تقبل رندن اولدیغی بلنمکه گفتکو
جو غالدی واقعا احمد پاشا کار گذار و احوال عالمدن خبردار کن اوضاع
نامه قولله حرکت و جمله بی اضرار و انصافدن بیرون شیء الوب
مناصبی نامستحقینه ویزمکه هر کسک نصب ایچون ویردیک عامه نک
معلومی اولوب ویرمینلردن فرمان و مباشر ایله حقوق لازمه اکی
تحصیل ایدردی (حتی کربد سرداری حسین پاشا یاننده کی امر نک
دخی منصب لری غیره فروخت و حسین پاشاک ویردیک زعامت
ودر لکری بله استانبوله دلدیکنه ویرردی (بوارالق) پادشاه
درون و بیرونی سمور ذات همایونلر ینه مخصوص مرصع توکمه او برنوع
لباس اختراع ایتمکه هر بری سکر یک غروشه چقاردی وایوده
ساکنه و بوده قزی نام پر کو عورت هر کیچه حکایه سولمکه پادشاهی
اکلندیردی بر کیچه اوائل زمانده بر پادشاهک لباسی و سرانک فرش

و یصدق و پرده سی سموردن ایش دیمکه پادشاهده اول وادی به میل
ووزر او امر او علمادن سمور کورک مطلوب اولوب قدرتی او لمینلردن
جبراً تحصیل اولندی حتی اوجاق اغا لردن سمور و کبسه لر استندکده
انزده پادشاه ووزر دن متنفر ناثره فتنه ایضا دینه حاضر لندیلر
بوانشاده) والده سلطانک بعض نصایحی نزد همایونده اصفا و اتمد یغندن
طوب قبو بقیچه سنده ساکنه اولوردی اسکرار بقیچه سنه نفی اولندی
و قرق یک ریالله پادشاهه برنجوهر قایق یاپدر مغه صدر اعظم متعهد
اولدی (بعد ازان) صدر اعظم نصف رجیده کوچک اوغلی باقی یک
مرحوم مصطفی پاشاک سکر یاشنده دخترین الوب طوب قبوده قره
کتخدان جبراً الدیغی بقیچه ده انواع فساداتله سوره یاشیلد قدر
اوجاق اغا لردن بکناش اغا و قوجه مصلیح الدین اغا و مراد اغا
و قره چارشی اعدام قصدیه دعوت ایلدی بولرده واروب مصلیح
اکلنجه مراد اغا را آسانقله اولمز دیور فقاسیله اورطه جامعه کیدو
اوجاق اختیار لری و اوطه یاشیلری بعد الاحضار پادشاهه بونجه
فساداتی او کرادن ویردر بر مستقیم آدمی وزیر ایتدیرمه لم دیو رجیک
اون بدیجی جمعه کونی اغا لریله قول مسلح اورطه جامعه بریکوب صلوه
صیحدن مقدم جله لساندن تذکره ایله مراد اغا مفتی عبدالرحیم افندی به
واریجه مفتیده علمایه تذکره لر کوندر وپ سلطان جهانمغه کلدکده
علماده جامع منوره کلوب اوجاق اغا لریده توابعلریله و گروه سپاه حرم
جامعی طولدر دیلر واندن وزیر احمد پاشایی جامعه استدیلر و زیرایسه
کیچه دن قاچشیدی قضیه مسموع همایون اولوب مفتی به طاعنسونلر
دیو خبر کوندر دکه مفتی وزیر ی بزه تسلیم ایتسون شرعی سوزیمز وار
دید کدن صکره اورطه جامعه کیدوب احمد پاشا واجب القتلدر دیو
سابق دفتر دار محمد پاشایی ابرامله وزیر لکه قبول و طرف پادشاهیدن
کلن طابو چی مصطفی پاشایله جبراً حضوره کوندر دکه پادشاه مهری
محمد پاشایه و یروب احمد پاشا داماد مدر تخلصی رجا ایدزم بیوردیلر
واندن محمد پاشا جامعه کلوب احمد پاشایی تخلصه دار سوز سولمکجه
جلاه سی بواولمز دیو محمد پاشایی پادشاهه کوندر دیلر محمد پاشا حضوره
واروب جلاه نک جوانی بعد التبلیغ اعلیه رقی پادشاه بزه کی هزار

وزیر سکا قربان اولسون احد پاشایی ویر شوفته دفع اولسون دینچه
پادشاه بره قوجه کوپک وزیر اعظم اولمچون قوی تهریک ایتدک
صکریه سنک حقکدن کلورم دیمکله محمد پاشا خانه سنه کیدوب عزالت
نفسی دیندیه ده اوجاق اغاری زورله بنده جامه کتور دیلر
وشهرزاده لری حفظ ایتسونلر دیو والده سلطاننه تذکره وقبو اغاسی
و بستانچی باشی به خبر کوندروب احد پاشایی بای حال قتل و سلطان
ابراهیمی خلع و شهرزاده بی جلوس ایتدر مکله اتفاق ایتدیلر ایچرودن
میراخور ماورا کلوب جهیتک اصلی ندر طاغملز لر ایتسه اونیک آمده
چبقوب قرارم وزیرم قنده در بولسونلر جوابی کتورد کده بزوریری
کنیدین استرزی ایاق دیوانی ایتسون مراد لریمزی اکلده لم بویله
پادشاهلق اولمز دیو نایب احرکاتی تعداد د نصکریه رشوت قالفسون
وزیری بزه ویرسون جوابیله میراخوری کوندربیلر اولکون جهه
قیلمیوب دکاکین قبا غمشیدی اخشام وانجه جله جامعه قالدی
اولکجه وزیر احد پاشا ایکی آمده تبدیلا قاجدیه ده وزیر اعظم
صوفی محمد پاشا احد پاشایی قاجدیغی بزدن کتوردوب الم چکمه قول
طاغنه سنک بویله حرکتلری اوله کلشدر دیدی و مفتیدن قتلنه قنوی
کتورتد ک نصکریه کتوراسنی کوندروب احد پاشانک جمیع مالی کنیدین
سو الله یازدرندی اول لیل عجیب اولیلاک بدیجی ساعتده احد پاشایی
بوغوب میته سن آت میدانته کوندردی فرداسیه که رجیک اون سکرنجی
یوم سبتدر علما و اوجاق اغاری و عموما عسکر پر سلاح وزیر اعظم محمد
پاشانک اوکنه دوشوب آت میدانته وار دیلر و اندن سلطان احد
جامعی حرم نه طولوب بیاضی حسن افندی بی پادشاهه کوندربکارنده
پادشاه اشته وزیری اولدر دم دخی نه استرلر دیو چک بیاضی پادشاهم
سزدن شکوالری بودر که بونجه بیت مالی تلف ایتدیکز بوسه ده
سرحدینه کفار مستولی اولدی حالا فرنک کیلری بوغازده دوتغای
همایون چیقیه میوب استانبول محصور قالدی دیدکده پادشاه کفار
برکلبسا المش و بوغازدن کیلر چوقدن کیتش بیور ییجق بیاضی اشته
وزیر سزی بویله الداتمش شمعی علما و وزرا و عساکر بنده لریکز
پادشاهمی کورمک استرلر دیو عودت ایتدی بعده مصر دن معزول

اسعد افندی و مدر سبتدن فصیحی چلبی ایله پادشاهک خلعه و بیوک
شهرزاده سلطان محمد بیعتیه قرار ویرلشدر دیو والده به خبر کوندربکارنده
سرایه کلسونلر جوابیله کلکین جهور سرای عالی به واروب ارباب
حل و عقد دهلیز حرم خاصده والده سلطان حضورینه مطوردقلزده
والده نک پادشاهه قبا منکسر ایکن پادشاه حضر تلری بعد البوم
قانونه رعایتله حرکت ایدوب تختده اوتوسن و مان و ملک تصر فی
مشورت علما ایله وکلانک الله اولسون زیر او غلم سوء قرناشرینه
اوغراددی شمعی بدی یاشنده معصومک سلطنتی نیجه ممکندر دیدکده
جمله سنه شرعا و قانونا جواب ویرلد ک نصکریه لطف ایدوب شهرزاده
حضر تلری کنورک دنیجک والده حضر تلری بر مقدار سکوتد نصکریه
واره بم صار یجاغن صاروب جبقاره بم دیو کیتدی (پس) شهرزاده
سلطان محمد حضر تلری نک سن شریفلری بدی اولوب باشلرنده
مناسب مجوزه عرض اغاری اطرافن المش قوشخانه قیوسی سمنددن
ظهور ایدوب منتظرینه عرض دیدار ایدرک بیک الی سکرز رجیک
اون بدیجی سبت کونی ساعت طقوزده باب السعاده اوکنه قوریلان
تخت همایونه جلوس ایتدکده (اولا شیخ الاسلام بعده وزیر و علما
و کبرانک متعینلری بیعت و دامنیوس ایدوب معصوم خوف ایتسون
دیو سائر ناسه هجوم ایتدر مدیلر امر بیعت تمامده پادشاهه نوجاه
حضر تلری نک محافظه سی رائده و بستانچی باشی به اصمیرلوب اعظم
دوات بالاتفاق سلطان ابراهیمک اولدیغی محبه کیتدیلر سلطنتداراغا
و چوقداراغا و بستانچی باشی جمله نک اوکنه دوشوب پادشاهم علم
واعیان رأیلری اوزره ایچرو بیورک دید کلرنده سلطان ابراهیم بلند
آواز ایله بره خائنلر هر بریکزه احسانلر ایتدی شمعی هواکزه او یوب
بنی قالدی رمق تدارکن ایتدیکز بن پادشاه دکلم دیدکده قره چلبی زاده
عبد العزیز افندی خیر پادشاه دکلسن امور شرعیه و دینی به عدم
تقیدله جهاتی خرابه ویردک و اوقاتیکی لهو و غفلتله کچوروب رشوتی
فاش و بونجه ظلم بی عالمه مساط و بیت مالی تلف ایتدک دیو و جاها
حرمت ملرکانه به مغایر سوزلر سویلدی (سلطان ابراهیم مجاب اولمچیه
اندر و ن اغاری اوت پادشاه سن سکاکلک اولمز برقا کون استراحت

یورک ینہ دولت علیہ صیانتیچون علما و سائر قولار بکر بوتدار کی
کور مشلردینچہ بن نیچون تختمدن قالقردید کده تکرار عبد العزیز افندی
اجداد عظامکک طریقہ کنندیکک ایچون لایق تخت دکاسن کفار
بوسنه به مستولی اولدی سکسان پاره کفار قلیونی بوغازی سد
ایتدیلر حالاجنک اولبور سنک خبرک یوق عالم خراب اولدی همان
قالقمق کرکسن دیدکده سن بلان سویلر سن بنی قالدیروب البله بره
اشارت ایدوب شوقدر اوغلنجی پادشاهی ایدرسن بلکه بوقوجه بی
پادشاه ایدرسن دیو وزیر اعظم صوفی محمد پاشایه اشارت ایدنجه تکرار
عزیز افندی سن نسا سور ینہ او یوب خزینه بی تلف ورشوق فاش
ایتمکله خاتم مضر سن و خلافتک شرعی دکلردید کده شیخ الاسلام
بره عبد الرحیم افندی سن بن مفتی ایدم شمدی بکا قصه ایدرسن
دینچه خبر بنی سن مفتی ایتمک بلکه الله ایلدی دیدکده پادشاه دوستن
آسمانه قاندر وب الهی بن بونلری سکا صالدم بوظالمارک حقندن
کل دیوبد دعا ایلدی (ماحصل سلطه داراغا و جو قدر اراغا سلطان
ابراهمک قوتوغنه کیروب یورک دیوباب مجده کوردیلر که
برکار کیر اوطه نک تیمور پنجره سندن صحن کیره چک قدر کوب سائر
پنجره و جامه لرن دیوار ایتشلر و مالومه وایکی رأس جاریه اول اوطه به
قولاش همان پادشاهی ایچرو ایدوب قپوسن اورتدیلر و کلیدینه
فورشون آقیدوب دوندیلر فاما پادشاهک شب و روز کریه و اینی
اشیدن اندرون خلقی بونه دیمک پادشاهی تختندن ایتدیروب دیری
مزاره قویدیلر و برده صومی تختنه بکوردیلر بونک مستغرق احسانیر
بویله فریاد و فغانی ایتمکدن اولک یکدر طشره چیقاروب جلوس
ایتدیره لم دیمکد باشلد قلرند نغیری سپاه کده بو کیفیت نینلری اولدیغنی
و کک لای دولت اشیدیمک ازاله سنه فتوی اندقد نصکره سرابه
کلوب (اذا جمع الخلیفان فاقتلوا احرهما) مضمو نیله ماه رجبعک
یکرمی سکر بنی یوم ثلثاده سلطان ابراهیمی آخرته کوندروب ایاصوفیه
قیوسی یاننده سلطان مصطفی تر به سنه دفن ایتدیلر سن شیر یغاری
اوتوز سنه دن زیاده و مدت سلطنت طاری سکر سنه و طقوز ماهدر
رحمة الله علیه

* مقاله سلطنت آوجی سلطان محمد خان بن سلطان ابراهیم خان *
سلطان محمد طاب راه حصر تلری جلوس همایون بیوروب حضرت
ایوبی رضی الله عنه زیارته وارد قده شیخ الاسلام سیف قوشادوب
عظیم الای اولغله میراخور کیر حسین اغا رخش همایونی عنانندن
طوتوب یدردی وزیر مفتی منصبلرنده ایقا اولوب قره چاپی زاده
عبد العزیز افندی صدر روم اولدی (بومیانه ده) کرید سرداری
حسین پاشادن مکتوبله آدم لکلوب قندیه به یوریش و انعم الیه
آجدیغی رخنه لردن هجو ملرنده کفارده لغملر آتوب بر قاجیک ادم
شهید ایتدیه ده ایکی اولقدر کافر قیرادی و غاز یلرایکی اوچ قلعه
الوب شهره قو بلق صد دنده ایکن کفارک وافر کیلر یله امدادی کلوب
قندیه لپانته کیردیلر و قلعه ده کفار لایعد اولدیغندن غزاة بالکن
محافظه به اشتغالله توقف اولندی دیویازمش و دوغما و عسکر و ذخیره
و مواجب استمکله صدر اعظمده تدارکنه اشتغال کوستردی (وینه)
حیدر اوغلی محمد نام شقی وزیر مقتول احمد پاشا بر سنجاق توجیهی
ایچون اوتوزیک غروشمی الدی دیوانا تولیده قطع طریقدن باشقه
بوسنه حاجتی اورمغله افسهر الیه ایلغون میانشدن عسکر سن عبور
محال ایدیکی بلتمکله اناطولی و البسی احمد پاشا کوتاغیه دن مکمل
عسکر الیه ماء و را اوزرینه واروب قره حصار قرینده اللشدیلر اشقیبا
صورت انهرام کوستروب قاچنجه احمد پاشا اشقیبا منهرام اولدی قیاسیله
صندقلی اووه سنده غافل ایکن برکیجه حیدر اوغلی یوز قدر ادمه
پاشایی شبنون و کرفتار و جمیع مالی ضبط د نصکره عنتری و کله پوشاه
بر بار کیره بند یروب آزاد ایلدی (حیدر اوغلنک برار پهلوانی قاطرچی
اوغلی نام شقی پاشاک اطلاقنی طویچق واروب احمد پاشایی شهید
ایلدی بو خبر استانه به کلیچک هرکیم حیدر اوغلنی قتل ایدرسه مالی
صور لیوب کندویه ایالت ویرلمک و عده جیلتی مشغل اطرافه اوامر
کوندردی (بعد از ان) وزیر اعظم صوفی محمد پاشا دولنک ایراد
و مصارفنی یوقلیوب ابتدا اندرون تعییناتنده کی اسرافاتی به عده
طشرده کی زوائد اخراجاتی قطعله مصارفنی تقلیل و کمرک و مقاطعاتدن
ارباب وظائف برالرن به قلمه ناستحققتک و طاقین قطع مستحققتک

جهان تعلیق ایلدی و کندی اصلده سپاه اولغله اوجاقلرینه اعتبار
ایتدیه ده سابع رمضانده اناطولی سپاهیله رینگ اسکدرده جهیلری
اولجق مفتی و علما پاشا قیوسنه کلوب سابق قول کتخداسی حسین اغا
کوندرد که سپاهیلر جوابنده ولدش نامبله بزاوغلاریمزه علوفدل یزدن
و یروب بلوکه چقارلق التماسدن مراد مزاولاد مزنان پاره صاحبی
اواسونلر دیمکدر حالا کو چکلرین یازمیوب بیوکری دخی یازد قد نصکره
زاده و کزیده کزنده استرل اوغلاریمز بزدن آبرمز و بزم پادشاه
و صاحب مهر سر سفره کتما من خلاف قانوند و خدر مترلر رمضانده
ویریلور کن رمضان کلدی خدمتدن اتریوقه پادشاه نوجهله شرعه بنا
ارلنوب قتل اولندی دیو سیوانده ابشیر پاشا بزدن صوره یور
حقیقتی یازسونلر صمن اولیان خت و صیده نیچون متهم اولدم دیدیلر
حسین اغا بوجوانی کتور نیجه وزیر اعظم مصلیح الدین اغایه قنی بی
وزارته نصب صمد دنده کی پیکر دید که سلطانیم حالا اول پیمان اوزریم
اگرچه خلع بزم مشورتی له درو لکن قتل خصوصیتده مدخله یوقدر
نیجه وزیر قتل خصوصیتده مفصل تمسک وارد دیو مفتی عبدالرحیم
افتدینک فتوا سنه تلمیح ایلدی و اندن سپاهیله یو ابده سزه دعوی
دوشمزر عایا خراب اولغله خدمت سودا سندن کچوب ادبکر له
طوبه دیو خبر کوندردی تکرار سپاهیله خبر کوندرب حالا پادشاهمزی
سره انا تمیز و زر او بستانجیله لر بزم بش الدیمز بزدن اون الدیلر
سلطان سلیمان قانونی اوزره غلامیه نامه له هر نه تعیین اولور سه قانعز
ایته خدمتله لریمزی ویرر سر دیدیلر و یو دعوی اوزره زمرة سپاه
هر یردن گروه گروه استانبوله جمع اولغله باشلدیلر حتی چالنان بیقلی
مجمود نام سپاهکه بر جری و عقلی کوزنده شخص اولمغین جلوسدن نصکره
روم ایلندن یرینی تکیجه استانه یه کیشیدی سپاهیله باشنه بر ککله
آتش فتنه علولندی اخر وزیر اعظم اوجاق رجائی اله اکوب بره موجب
فتوای شریف بالحا ربه او چیموز قدر سپاهی بی قتل ایتدر مکه
فتنه باصلدی (ولکن وزیر و مفتی ایکی قول پینه شقاق و خصومت
القا ایتدکلرندن باشقه یو وقعه دنصکره زمام حل و عقد اوجاق اغاری
لنه کچوب وزیر محکوم اولدی و گروه سپاه منکسر اولوب

ولدش ماده سی بر طرف قیلندی (و بیقلی محمود بروسه جانبته قاجشیدی
عثمان پاشا زاده حسین بک یکشهرده قتل ایتکله حسین بکه قره مان
ایالتی کوندردی (وینه) مارالذکر حیدر اوغلی قره حصار صاحبی
باصوب قتل رجال و غارت اموال ایتد که محمد پاشا که مقدا حیدر ایلی
سجانی ویریلوب حیدر اوغلنک استیصاله مأمور اولغله ابازه
حسن اغایی مسلم ایدوب کوندردمشیدی حیدر اوغلی قره حصاردن
اسبارطیه سه قصده کلد که اهالی اوچیک غروش ویره جک
اولملریله اسبارطه خارجیتده ایدی مسلم مزبور اسبارطه دن کلوب
علی الفغله ایلا یاصوب برقریه ده حیدر اوغلی طومغله استانه یه
کتورد که حیدر اوغلی صلب اولنوب ابازه حسن اغایه خدمتی مقابلی
یکی ایل ترکن اغایی ویرلندی (بوارالق غازیان قندیه دن از چکدیلر
کفار دوغاسی سوده یه کلوب طشره بشیک قدر کافر دوکلند که
حایه محافظی مصطفی پاشا عسکر ایله طوز لایه واروب بالمحاربه
ایکبوز قدر بلاو کافر دبه لیدی (وینه) حایه قرینده اسفا کیدنا حایه سنک
مکانلری صعب اولغله خلق مطیع دکلر ایدی عسکر کوندرد که
عاصیلری قاجوب رعایا سی منقاد اولمغین قلعه سی هدم اولندی
سردار غازی حبیب اغایی عسکر ایله اسیه قلعه سی فتحه و سلحداری
یواشجه علی اغایی قراوتواجی محافظه سنه بعد التعمین خامس شوالده
حصاره ناظر سیه اوزرینه انوب انده قشلدیلر (روم ایلی و البسی
کوچک حسن پاشا قلعه دن طوب اصابتیه شهید اولد قده روم ایلی
بیقلی مصطفی پاشایه ویرلندی و اچر و دن برقاچور خروات و سواتات
سرداره کلوب اکتریسی مسلمان اولدیلر (بوارالق) تاتار خان
له طائفه سنک قرقدن زیاده قلعه لرین الوب قرقبیک قراقکه کندی
عسکریدر بری حایه دوغوب قلعه سلطان طونه ساحلنده کلی
قبیه سنده قشلدی (پس) غازیلر کرچه مترساردن چیقیدیلر و لکن
ینه قندیه حواله سنده طایمه لردن قتال ایدر لردی محرمده برکفار کبسی
قلعه مک اوتنه حایته یناشوب اخشامدن صباحه دک شملکلر ایتدیلر
دل انوب صورلد قده اول کی و ندیکدن مرده خیری کتور دیکه
قراجه ایله اسایته بارشدیلر محلا امداد کلک اوزره در دیو خیر

ویر یحسک خامس محرمده روم ایلی و اناطولی بکری و زعماسرداره
 کاوب اوج سنه در جزیره قالدق امداد مز یوق کفارک امدادی کلورسه
 حال مشکل اولور دید کلرنده سردار بونله اسمالت ویرد کد نصکره
 ایکی ایالت قولندن اوج آدم و اوجا قعدن ایکی آدم ایله احوالی
 دولته عرض و آغز زنده اصمردی (نامن محرمده وندیکدن صلحنامه
 کلوب بیال اولمغله ستر اولندی (وینه) سادس عشر ربیع الاخرده
 وندیک بالیوسنک حمله سی ظهور ایتمکله روم ایلی حصارینه حبس
 و مالی میری به ضبط و ترجانلری بوغیلوب دریایه آتندی ایکی کونصکره
 الی پاره ملونه و التمش پاره قدر غه ایله قبودان ویتق احمد پاشا سراسر
 بورتندن کلیبولی به وارد قده وندیک قلیونلریکه ایکی سنه به قریب
 بوغازده اولوب اجه آباد سا جلنده کرته قریه سی التمد با نورلردی
 بو سنه دن معزولا آستانه به کلن درویش پاشایه سلسله ویریلوب دونخانی
 بو غزدن پکو رمکیچون قره طرفنه تعیین اولمیشیدی کرته بایرینه
 حصار دن درت پاره طوب چیقاروب آندقد قده کفار قاقوب اسکی
 استانبول ساحلنه تیمور پراقیدیلر دونخانی همایون کفار هجوم و کبلرین مجروح
 ایتمکله کفار منهر ما چکلجه دونخانی همایون سافر لمانته کیردی (وینه)
 کیرید سردار بینه خلعت و امر واروب اوفند قده مکمل دونخا چیقادی
 و اوجاق کیلریده و ارمق اوزره درقندیه فتحنه غیرت ایلیه سن
 پیور لمش (وزیر اعظمده مک و بنده قره مان ایالتی و درت سنجاق
 عسکری و طشرده کی متفرقه و چاوش و کاتب سفره تعیین اولندیلر
 دیویازمش (چون) قبودان پاشا دونخا ایله فوج لمانته کیردی
 علی الصباح بکری درت پاره کفار کبسی بوغازی الوب عظیم جنک
 اولد قده بوغازی کفارک بیراغن قاپوب عسکرده یور بنجه کفار کندی
 کبسی ناچار آتشفله قبودان بد کینه سرایتله اولدخی باند قده
 کافر اوج پورتون ویر چکدری بی بد کادی ویر قبودانکه سابقا مسلمان
 اولمغله کی ویرلشیدی مرتد اولوب چکدرمه سیله کفار قارشیدی
 ویری طرفدن طوب ایله کفارک ایکی قلیوتی باروت خزینه سندن
 طوئشدر دیلر لکن قبودان برار بک کیلرینی مدلولو طرفنه کوندر مش
 بولوب رجال ملغاده کیلرینی الارغه ایدوب سیرجی اولدیلر و برماونه

ایمان اغزینه اوتور مغله کافر احراق ایلدی قبودان بو کیفیتی کور یحسک
 کفارله طویلشهرق فوج لمانندن چیقوب ردوس جزیره سنه وارد قده
 اون چکدری و اون قلیون طونسدن و اون سکر سفینه مصر دن
 کلکله حمله سن آلوب کریده عزیمت ایلدی (چونکه) صدر اعظم
 صوفی محمد پاشا کندی ولی عهد مؤید ملا حظه سیله اندرون خلعتک
 و والدنک التماسلرینک خلافتن اشلردی و اوجا قلیونک کندویه خصم
 اولد قلیونی پیلور کن مدارا ایتمدیکندن باشقه غرض امیر حرکت
 و طمینه نیاه اصحاب اغراضده رایتک خلافتنه حر کتد باشلیدیلر
 و ولایت عهدا دعاستنده اولد یغن پادشاهه افاده ایتملریله نهانی ازاله سی
 نصیم اولوب برسیب صوری حدوئنه منتظر ایدیلر (بود قده فوج
 و قده سی طویلغله مراد اغا والده و اعیان دولته خبر اشوبوز پردونخا
 تدارکنده قصور ایتمکله دونماتک حالی بو کامجر اولدی دیو عزله اتفاق
 ایدیلر و وزیرایسه دونخا احوالین اشدیک کی سرای همایونه کیدوب
 برای مشورت علما و اعیان دعوت ایتمشیدی حمله سی حضوره وارد قلدند
 پادشاه تختشین والده یاننده وارکان دولت قیامده ایدی پادشاه و وزیر
 بچون دونخا به اهتمام ایتمک پیور یحسک وزیر پادشاه هم برتار یخده بویله
 سعی و اهتمامه مکمل دونخا حقار لمشدر دیدی پادشاه مهر همایونی
 بدندن آلوب وزیر طشره چقچه حسب الاشاره آلیقودیلر پادشاه
 کل اغا آل مهری سی وزیر ایتمد کوریم بچه خدمت ایدر سی دیو مهری
 مراد اغایه و پردی اوراده والده سلطان بو نجه اموال النوب مصیلت
 بویله کورلیدی کاه بنم قلمی نصیم ایدر و کاه پادشاه می بعضی نسته
 قرمان ایتدیکه بونی سکا کیم او کرتدی جانم دیرلر دیو قاضیه سکر
 عزیز افندی به طعن ایلدی اولمغله قره مصطفی اغا رجال ملغاه عظمی
 اولدی (پس) مراد پاشا ناسع جهادی الاولاده حضور دن حید قده
 وزیر سابق بستانچی پاشی حبسته و کخنداسی اغا زاده محمد اغای
 قیو جیلر او طمینه حبس ایلدی وزیرک جمیع مالی النوب ملغره به نئی
 و قتل اولندی (و کخنداسی ایله مستشاری ککو چک دفتر دار شامی
 مراد افندیکن ماللری النوب بوغلیدیلر (بعد از ان) کورجی عبداللہی
 دفتر لوسیه زور بالرندن اولوب سلطان مراد زماننده اختفا ایتمشیدی

بعد زمان خطباتی عفو اولغله نیکه دهه ممکن ایدی قتل اولان
سپاه یارک انتقامی وزیر و مفتیدن المعجون عسکر بر کدروب پوئاده
نیکه دن قونی به کلد کده قونی به سپاهیلریده تابع اولغله اطرافه
آدملر کوندروب خلق جبر و قهر اقالدردی (وزیر اعظم مراد پاشا
بوجه قتل حرکتدن مراد کندر خصمک صوفی محمد پاشا قتل اولدی
جهتی طاعنه سن دیور جب اغا ایله مکتوب کوندرد کده یکی جامع
وقعه سنده تلف اولان بولداش لر بمنک نمازلی قیلندی فتنه باعث
اولان پاشا کیتدیسه مفتی ایله حضور همایه نده مرافعه اولورم دیو
جوانی رجب اغا کلوب وزیر خبر و ردی (وقاطر جی او علی
انواع فساداتله بولا وادیندن کلوب در یوز اوندله کورجی بی به
ملحق اولغله اون بشیکدن متجاوز اشقیبا کوتاهیسه فر بنده التون
طاش صحراسنه کلدکاری اشید بلجه تاسع عشر جادی الاخرده
وزیر و مفتی وار کان دولت و ملغار جالی برای مشورت پاشا قبوسنه
کلوب اول کورجیدن کان محضراوقندی مضموننده الحمد لله مسلمان
صوفی محمد پاشا ناحق بره بزی قیردی و حقیرده واجب القتلدر دیو به
پناه فتوی و بریلوب قتلار بمنک نمازلی قیلیمه رفق در بابه آتندی
شرع الله شرع الله شرع الله دیو یازمش قول اغاسی قره چاوش
بقه سپاهی بولداش لر بمنچون بوشقی ایله اتفاق ایدوب کاغد کتور در سن
دید کده وجوه سپاهندن ذوالفقار اغا و روز نامه جی و سارلری بوبانده
مدخلز اولدیغنه بمن ایدرز دینجه قره چاوش سرتک بمنکره اعتبار
اولمز بز بولداش لر بمنک اشقیبا سنی بوعوب دریایه اتارز سر بمنچون
بولداش لر بمنکی ضبط ایتز سکز دید کده جو بلرنده بز بوند کیلری
ضبط پدرز لماغ بحرا ده کیلری بمن ضبط ایدلم وانلرک سپاه اولد قلی
نه معلوم دینجه قره چاوش بر انلر یله جنک اید جکر بمنله کیدر بمنسر
دید کده سپاهیلر حله کیدرز دیدلر اولمخلده قول و سپاه یلنلرین اصلاح
اید سر دیو خط همایون کلکین کورجی بی و اتباعک فر لم بمنچون
النان فتوی چقار یلوب حاضر اولان علمایه امضا تکلیف اولند دقده
قره چلی زاده محمود افندی و عبدالعزیز افندی اعتراض ایتلر یله
دیوان بوردی ما حصل طاووقی پاشا سر دار اغله اسکداره کور یلوب

رجب اغاده سپاه و وکلادن بنده نامه ایله کورجی بی به کوندردی
طاووقی پاشا بر مقدار سواری و بر مقدار ملغا ایله جادی الاخرده
از نیکیده وارد قده استانبولدن کان ملغا واز نیکید ملغاسی قاطر جی
اوغلنه تابع اولملر یله طاووقی پاشا ماه مز بورد عهده دار اوله میوب
کیرودوند کده ماه مز بورت یکرمی رنده اوتاع وتوغ ووزیر وافر قول ایله
اسکداره کور یلوب اون یک قدر آدم اولغله منزس و خندق قاروب
اوتوردیلر ماه مز بورت یکرمی بدیننده مرقوم رجب اغا کورجی بنیدن
صدیر اعظم وارکان دولته مکتوبلر کتور دیکه مقدما کورجی نینک
دعواسی مفتی و اوغلنک قتل ایکن بودده عزالرینه راضی اولوب
قول ایله بارشد یغیزی پادشاهه عرض ایدک دیو یازمش ایسه ده
جواب ویرلدی چون کورجی بی طوزله بی کدی قول و سپاه مدافعه دن
اعراض ایتد کلرنده سپاه قوللرم اجدادمه خدمت ایتدیکز کی لالامه
مطیع اولوب مخالفین ایله البته جنک اید سر دیو خط شریف صدور
ایدوب اوله سعادتده اسکداره کور یلد کده قره چاوش اقدام ایله
وزیر اعظم بر قاج بیک سواری ایله کورجی بی آوردوسنه طوغری
بور بنجه حیدر اغا زاده قتالدن منع ایتد کین وزیر الارعه دن مخالفینک
اورد و سن کوروب یینه کلدی (اقدیمه برای نصیح کورجی بی به
بلوک چاوشلری کوندردمشیدی جادی الاخره یکرمی اتیشنده
شومضمونه مکتوب کتور دیلر که بر جنک بمنچون کلدک بلکه بری
تکفیر و دیمزی اباحت اتمک وجهی الکن بمنچون کلدک و مفتی اهل
عرض اولغله تیدیلن المناس ایتد قبول اولدی قاطر جی اوغلنکه
قطاع طریقدر یاغزه الوب امت محمد اوزرتدن شرمن دفع ایتدک
باری مز بوره وقرز اجدده بر سنخاق ویکا ترکن اغاخی احسان
اولنسون دنوب کیده لم دیو نیاز ایتش نیازینه مساعدده برله سپاه
بلغورلی دیه سی پاشه قونوب عرض اولان سجاقلرک اوامری یاز یلورکن
بروسه دن برک کلوب جلاللری صوبیدی دیدی مکر قاطر جی اوغلی
وقرز اجد کورجیدن خبر سز بر قاجوز سواری ایله او طرفه واروب
مز بورت یکی صوملر همان وزیر اعظم و عموما عساکر جادی الاخره
یکرمی اتیشنده وقت ظهرده جنکه پاشا دیلر حیدر اغا زاده محمد پاشا

چرخه سرداری اولغله سفر پاشا زاده رستم پاشا و ارسلان پاشا
و کانقریدن معزول مصطفی پاشا و خان زاده مصطفی پاشا و محمد پاشا
و امحق پاشا و حامی محمد پاشا و مؤذن حسین پاشا و امیر پاشا و سلیمان پاشا
و عمر پاشا زاده محمد پاشا و سارامرا و وزیر اعظم ریه ایلر و یوریه
و رازنده سردار حیدر اغا زاده و انک اردنجه قیو خلقله وزیر اعظم
بلغورلی طاعنی اطرافنده طوروب قول و سپاه پهنه ده و قلمده سردار
و وزیر اعظم مبره ده چرخه به تعیین اولان پاشا لایله طاوفچی
مصطفی پاشا ایلر و قایش بیکارینه وار دقلرنده کورچی بنیده قاطرجی
اوغلانی در یوز لوندله چرخه جیلره چبقاروب سکبانی اورمانه موسی به
قویدی و کندی چرخه جی اولوب ابتدا طاوفچی پاشا و سفر پاشا زاده
قاطرجی اوغلیله چنکه باشلیجه قاطرجی اوغلی فرار ایتمکین
یونلر تعقیله اورمان اوکنه وار دقلرنده درکین سکبایریش الیوز قدر
پاشا لوی خا که دوشورنجه یونلر کیر و فرارلنده قاطرجی اوغلی تعقیله
طاوفچی پاشا بی قاجردی و سفر پاشا زاده به برنامدار پاشا زاده سن
جایاد بو انده کی خشی اورمندی اولمبار به ده اسماعیل بک مقبول
و سلیمان پاشا و براق پاشا و بیکر مجروح اولدیلر بو کیفیت و ریزه خبر
ویرلد که قول یولکری پاشا قولنه تعیین اولغله پاشا جمله عسکر ایله
چرخه به امدادله جنک ابتدا یلر اخشام اولنجه کورچی بی و قاطرجی
اوغلی اولوا الامرله مقاتله جارت کلدردیو ار نکمیده کلنجه بر قاجیک
ریال مال امان الوب بعد الوب اناطولی برم و روم ایلی سرتک دیو
بری جانب خبر کوندردی جهادی الاخرک یکر می طغورنده و وزیر اعظم
جمله ایله استانبوله کلوب بمالک محروسه حکامنه کورچی بی و قاطرجی
اوغلی و قزار احمد قنغیکرک تحت حکومتده وار رسه باشن کسوب
استانبه کوندره سر و ماعداسنه تعدی ایتمه سر دیو او امر کوندردی
(بوانشاده) بغداد و البسی قیو جی باشی موسی پاشا بغدادده ایکوزدن زیاده
متمول کیمسه لری رافضیلک تمهیله قتل و مال لریزین المغله بغداددن
عزل اولوب وزیر کورچی بی مدافعه سنده ایکن استانبوله کلنکین مفتی
و سارمرفلرله تنظیم امور استانبده وزیر اسکداردن کلدیکن کبی
موسی پاشا بی باخط همایون قتل و مالی مصادره ایلدی (پس)

نامن رجیده بهایی اقلیدی مفتی اولغله سانی عبدالرحیم افندی بک
حج شریفه عزیمتیه اذن و یرلدی (پس) کورچی بی اسکداردن
ولایتیه کیمکله قاطرجی اوغلی آریلوب ایکوز قدر اشقیا ایله مدرنی
قرینده اطه قریه سنی غارت و احراق و ایکوز قدر عورتی اشقیایه
توزیع وایکی حسنا قزی تراشدنصکره غلام شکلنده الوب سکوت
طاغنه چپقدی و قزار احمد اسکی شهرده طو تیلوب استانبوله کتوردلده
صلب اولندی (و قیر شهر بکی اسحق بک قره بیکار قرینده علی الغفله
کورچی بی باصوب سمرقطوعنی دولته کوندردی (چون) قیودان
وینق احمد پاشا فوجه و قعه سنده نصکره دو تنایله واروب قندیه به
قریب بالبوک سرو نام قلمه بی در یادن و سار عسکر قره دن هجومه
خامس رجیده فتح ایلدی (بوانشاده) کفار کیلری کورنکله قیودان پاشا
اوزرلینه واروب یرمقدار الله کد نصکره رمویه و اتدن حاییه کلوب
فرق للی یازه قایقلره لوند یازدی و قره دن اماسیه بکی احمد پاشا یاتنه
کلوب سوده قلعه سنی قایقلر ایله تسخیر قصدیه قره جانیندن زرد بانلر ایله
قلعه به هجومنده شهید اولیق سردار حسین پاشا یقلی مصطفی پاشا بی
حاییه به کوندروب مرقوم ایچون قیودانلغی دولته یازدی (چونکه)
روم ایلی و البسی سورنازن مصطفی پاشا کریده کلوب وزیر اعظم صوفی
محمد پاشایه استنادا ایالتدن دوشن محلولاتی بن توجیه ایدرم دید که
حسین پاشا بن سردارم محلولات و توجهات بکا مفوضه صدر ادبکله
او توردیمکله مبانلری فتلشدیکندن حسین پاشا دوشن محلولاتی
صاتوب مستحقینه و یرمز دیو نهانی عسکری افصاده چالشوردی
(بوانشاده) یقلی مصطفی پاشایه قیودانلق امری کلوب محضر اعیانده
قرائت و مضموننده پوسنه دو تنایله مکملدر قندیه تسخیرینه سعی و اقدام
ایده سر دیو یازلغله حضار مجلس دو تنایله عسکر کتور مدیکند غامدا
کفارله چنکه بزدن عسکر آلدی مادمکه بره عسکر و جبه خانه
واقعی کلمه مترسبه کیر میزدید کلرنده سورنازن پاشا و سکبان باشی
محمدود اغا فرستدر دیو حسین پاشا کل قندیه به کیدر شاطر بن طوندق
کفار ایله نهانی سوزی وردیو قول و روم ایلی عسکر بی تحریر بک ایتلر ایله
ایرتسی رجیک یکر می ایکنجی کیمجه سی اشقیا باله تعلیم ابتدا سکبان باشی

قبو سنی طاشلیوب بعده سردارک سرانی احراق ایله قتلنه هجوملرند
 سردار براز محاربه دنا صکره روم ایلی کنخدا سنک اونا غنده غننی اولدی
 (کر وه اشقی پاشانک اموال و جوار و غلماتی یغمالیوب عرضنی پامال
 ایند کلر نده سکبان پاشی و سوز نازن پاشانادم اولوب بشر او نر آدم
 ایله و سار بکلر و پاشا سردار اکر مک یاتنه کلدیله و سکبان پاشی
 و سوز نازن طرفلر دن بر قاج بکلر بکلری اشقبابه یولدا شلر مرادی بکلر ندر
 دید کلر نده شمد نصکره طور میرالبته قاقوب کیده لم دیو چاغر شدیله
 بالاخره جبه خانه و طو بلر رغو قلعه سنه نقل اولنوب روز قاسمه دک
 کلکه قرار ویرلکین اوردی قاضیسی ماوقه بی دولته یازوب چتال
 یاش بک ایله کوندردی (پس) میانه دن عداوت قاقوب سردار
 اکره جوار و غلماتی تسلیم لر نده سردار چله عسکره
 بن بادشاهک و کیلی و جله کزک سرداری دکلم بو حقارته ندن مستحق
 اولدق کفار شاطرنی کوندردی دیمش سکر کتورک کوره بم
 بونجه زماندر دین او غریبه مال و جائه چالشمشکن بویه تهمتی بکا
 نیجه اسناد ایدر ستر اعدای دینه قارشو قنخی ملت بویه ایندی جله
 مالی یغمالیتمشکن ینه پندن علوفه استر ستر یوزاری زاری اغلیجه
 حان سکبان پاشی سردارک اباغ او یوب جله نک جرایمک عفونی نیاز
 وبعد الوم او غریبکزه جان و یاشلرین فدا اید چکار ینه کفیلیم دید که
 قولدخی سرداره معاونه تعهد ایتلر یله فتنه باصلدی ایرتسی بعض
 فتنه انکیرلر قول سردار ایله متحد اولوب جرم و تهمتی ستره عزو ایندیله
 دیوروم ایلی عسکرین تحریک ایندیله ستره ده میانه اصلاح اولد قد نصکره
 سردار اکر غیری بونلره سوز کچسز و نفی دخی اولر همان رغو
 قلعه سنه زیاده جه آدم قونوب جبه خانه حفظ اولنه و عسکره اجازت
 ویر یله دیو دولته یازوب مر حوم قبودان پاشا اختلافاتی دخی
 کوندردی قره خواجه پاشا و امراء بحریه سردار اکر مک حالنه
 واقف اولوب بر در با عسکر یله طشمره حقیقه لم و ستر کل متر یسه کیره لم
 و کور کچی و جرایر و طونس کیلر یله بالیر لری چکوب ستره امداد ایدم لم
 دیو صاری علی قبودانله سرداره مکتوب کوندرد کلر نده سرداره
 بو کیفیتنی اغیان عسکره سو یلیجه سکبان پاشی و سار عسکر ضروری

سرداره مطیع اولوب قاسم اشانی ایکن متر یسه کیره مکه راضی اولدیله
 قره حوجه پاشا ایکی بیک قول و در تیک کور کچی واون پاره بالیر
 وز غریجی پاشی دخی بیک بشیوز عسکر ایله اوردویه کلوب ایرتسی
 متر یسه کیرد کلر نده کفار دن یدی سکر اغم ایتلوب هر بر نده هجوم
 ایندیله رایسه ده کفار منهر م اولدیله سلخ شعبانده مترس او کنده کی
 یکی متعین تاییه یه لایلا هجوم اولند قدده کفار اوچ درت پرلر دن
 اغم اتوب صباحه دک جنک اولغله بعونه سنجانه تاییله آلنوب
 ایچنده خند قدده کیر مکله دهلیز ل آچلنجه کفار پتیش یدی
 اغم اتوب بکرمی بیک قدر مسلمان ایله سکبان پاشی محمود اغا تلف اولدی
 و روم ایلی والیسی سوز نازن زنجدار اولغله ایاتی بیغلی مصطفی پاشا
 او برلدی (سابع شعبانده بیغلی مصطفی پاشایه قبودانلق مقرر نامه سیر
 اوجاق طرفدن عسکر احوالی بلمک ایچون کور حسین اغا کریده
 کوندردی ماه مزبورک بکرمی اوچنده چتال یاش بک اعلام و محضری
 استانبوله کتورد کده اوجیک قول و بیک قدر سپاهی کریده مامور
 اولدیله (سادس رمضانده کور حسین اغا کریده کلوب حله هابور
 و امر شریفی سرداره و یردی وزیر مکتوبنده حایه محافظه سنه کی
 ملغاندن بیک بشیوز بی حقاره سن دیمکله مقتضای سنجه عمل اولدی
 سکبان پاشی شهید اولدی قول کنخدا سنی و سار اوجاق اغ لری
 کوندردی ستر دیو سردار دولته عرض ایدوب مر قوم کور حسین اغا ایله
 کوندردی مشیدی کور حسین اغا سکبان پاشی اولوب کریده کلدی
 فاما عسکر متر سده جان و پاشله چالشور کن کور حسین متر سدن
 بر مقتضای امر عالی بیک بشیوز ملغانی چقار نیجه عسکره کلال کلوب
 فراره پاشلیدیله و فلانلر ده خد متبه نکاسل ایشیلر (غرایبندر که
 مر قوم کور حسین اغا کرید دن استانبوله کلوب سردارک علیهتم
 سوزل سو یلیجه وزیر و سار اوجاق و حسین پاشای چکه مر لردی
 وزیر کریده کی بعض اغیان عسکر حسین پاشا دوشن زعامت و بیمار لری
 ار بانه ویر یوب قلعه نک قنخنده نکاسل ایدر ش و عسکرک اوصاع
 ناهمواری انک سوء تدبیردن ایش واقع ایسه ملر قره یازله دیو خقیقه
 مکتوب کوندردی (حسین پاشا بود ستره بی طو یچ و زرا و قل

اعیان بنم خدمتده قصورم و نامستحقه درك تو جیهم واریسه
 سوبلك دیدكده جله سی بزم بوجزیده اوج درت سنه درمکتر سرک
 حراستکرله در دوشن مخلولانی نامستحقیندو برمدیکز و قلعه خصوصنده
 قطعا تقصیرات ایتمدیکز و بزم نابجا حرکتی عدم طاقنددر دیدکارنده
 سردار دخی ایالتلردن و اوجاقلودن محضر لاکوب استانه کوندردی
 (پس) ثالث شوالده حیدر اغازاده محمد پاشا قبودان اولوب قدر غدر ایله
 کریده توجه ایلمدی اقد بجه کریده خط همایون و مکتوب واروب
 اوقندقدده عرض اولان اموره جواب یازلمیوب همان قلعه فتحند مقید
 اوله سر و عسکره خر جلق و ذخیره و پروپ مترسدن آریله سر
 پیور لش و وزیر مکتوبنده چتال باش ایله بشیک عسکر و ذخیره
 کوندرلدی کچور مکک بک کلرین کوندره سر قلعه فتح اولدیه
 اقدام ایدوب بر قدم کیر و چکلمیه سر پیدری امداد یتشدیریلور دیو
 یازمش فاما کفار هر کون درت بش لغم اتمه له قتی چوق آدمی شهید
 ایندیکندن عسکر سرداره کلوب مقدور مردن زیاده چالشندق و شتاده
 یاقلشدی مترسلردن البته حقار عسکر جدیده ایله بر مقدار من اوله اهره دك
 طور سون غیری دوغلا ایله کیدرز دیو جله سی مترسدن چیتجه
 بشده بری دوغلا ایله کوندرلد کد نصکره حسین پاشا اناطولی عسکر به
 نظارت ستمه طوبلر قیوب پیدری دوکدی ولکن مترسدن عسکر
 چیتجه کفار کیچن سنه فتح اولان ایکی عظیم تایی بی آلدی (بعد از ان)
 نصف شوالده پادشاه حضر تله ایله اوج شهراده سنت اولدیله (وینه)
 قاطرچی اوغلی شاه محمد وزیر اعظم معرفتیه ایله استانبوله کتوردلده
 وزیر حضوره کتوروب اشته قاطرچی اوغلی دیدکاری خنزیر بودر
 عفور جاشنه گلش دینجه یکیشهر سنجاغی ویرلدی بر کون قاطرچی اوغلی
 مفتی ایله اثناء مصاحبتده سعادتلو و حاکم غاره جه غاره جه کوزلری
 کوردیکم کی اودم صیده یازدی پاشا دوش دیدی یوزم اوستنه دوشدم
 ایه دوش دیمسه همین دوشمکه طوروب یقیلوردیم الله حنکارمک یاشن
 اوزون ایلسون دیور اویدم دیدی (وینه) قبودان حیدر اغازاده
 آق دکره چقبوب یکرمی پاره سفاین ایله قزلحصاره کلد کده یقلى
 مصطفی پاشا روم ایلی والیسی اولوب بالوکاله قبودانلغله ده غناد

استانه به کتوررکن قبودان جدیدك قزلحصاره ایدیکنی ییلورکن
 یولشمیوب استانه به کلنجه صدر اعظم نیچون ایالتکه کیمک دیو
 آزار دنصکره عفوا یلدی قبودان حیدر اغازاده ده عید اضحیادن مقدم
 استانه به کادی (پس) وزیر اعظم مراد پاشا اسافل ناسله سیر و صحبتده
 اولوب اعداسی طرفندن عیاشلق افتراسی سمع همایونه وار ییچق بن سینی
 باغ و بجه لده عیش و عشرتده اولغیچوغی وزیر ایدم مصلحتکده اول
 بردخی سنك عیاشلغکی اشیدرسم باشکی کسرم دیو خط کوندر دکره
 وزیر پادشاهك خط خواجه سی مصاحب بشیر اغایی یونی سن تعلیم
 ایتدك دیویکی قبوسنایله کوندروب برغیری اغا خط تعلیمه تعیین
 اولندی او اخر ذی القعدة ده کنعان پاشا و سکیان باشی کور حسین اف
 اوچبوز سکسان قدر عسکر ایله کریده وارد قلندر سلیمان پاشا رتو
 و محمد پاشا حایه محاذیه سنده قاندر قندیه کفاری اوچبوز سکسان
 آدم امداد کلدیکنی اشیدیک ذی الحجه نك یکرمی برنده فر مز ی
 مناسزه چیتقدده سردار چنگله کفاری خندفرینه طبعدی
 (وینه) شهر مذ کورده سرداره خلعت و خط همایون کلوب
 مفهونده محل مناسبه ایکی اوج یره قلعه یاپلوب عسکر جدید
 وارد قدده محافظه ایدله و درت سنه دیز و زحمت چکن عسکره
 اجازت ویریه دیو یورلغین سردارده محرمده قاستره قلعه سنی
 قرینه و قندیه نك طرف شرق پسندده نظارتیه و قندیه مقابله
 ابتدا قوندقلری یورد برنده طوب اینریشور محله قلعه لری یایلمی تنسبت
 وقاستره قرینه همان بر کوجک یاپدیریلوب جبه خانه نك اکثرین ایچنه
 قویدی یوردیرینه یاپیله حق قلعه ایکبوز الی بیک غروشه کشفله
 دولته یازلدقدده وزیر حایه دفتر داری محمد پاشایه کرید مالندن
 ویردیو امر کوندر نجه عسکرک مواجی کرید مالندن ویرملکه کلی
 زجت چکیلور کن قلعه مصر فی تدارك اولغی بر وجهله ممکن دکل
 بزم برایکی بیک آدمه کچمه مز بوجز بره نك جز ثباتنددر جزیره نك
 اوتور بیک غروش جزیه سی و ساراعشار و جرایم قولدن مایه ایسنك
 وظائفه انبجی کافیدر دیو دولته باروب اصفا اولغی ضروری اسکی
 یورده قلعه به باشلندی (وینه) ربیع الاخر ده آق دکره یوز غازی نه

بکرمی پاره قلیون و سکر چکدری و ایکی ماونه ایله کافر کلکله عنکبوت
احمد پاشا بوغاز محافظه سینه تعیین اولندی (و بومعهده) موسقی
شناسدن خلخالی نام کیسه در تنه درنا دیلالی دینه زک فوت اولدی
نعموز بالله (پوئشاده) مضایقه میری به سبب عموما ار باب تیازه نصف
بدل ویرلمکه فرمان اولاندی (پس) خامس جادی الاولده قبودان
پاشا دوتما ایله اق دکره چیقوب کفار دوتما می بوغازی سدا تمکه
حصارلده قالدی و بر مقدار محاربه دتصکره عسکر ترتیب اولندی
(پس) بودفعه کرید دن کلن عساکره علوفه کز کریده در دتیمکه
انلرده نظملرنده بونلریک قدر مأمورلردر بوزیکر مبنی انجیق کریده
وارمشد در دیورد ایدرلردی (اواخر جادی الاخرده هر او طه دن
ایکبشمر نفر و ایکی بولک باشی عبدالرحمن پاشا ایله انا طولیدن و عنکبوت
احمد پاشا روم ایلندن واروب بوغازده کی دوتمای کفاری برکاره
قادر دیلر لکن محاربه به جسارت اولمغله صوغان دره سینه طوپلر
قور یلوب دوتمای کفارک صویه برابر دو کلسی رأی اولندی (و قبودان
پاشا بکلر بکپسینه کیروب مهمانله کریده توجه ایتدی و بوغازدن دوتما
خروجی ایچون اول بهارده دوتما ترتیب اولتوب یکیدن بکرمی طقوز
پاره قلیون و بر پورتون انشاشنه امر اولندی هر چند پاشا کراسته ایله
اولر دینلدیسه ده اقدام اولندی (چونکه) حل و عقد امور او جاق
اغالریله کتخدایک انده ایدی بکتاش اغا مراد پاشایه غیری سسنگ
وزارتک بتدی طایعا مهری پادشاهه تسلیم ایله دیو خبر کوندر مکین
اولدخی سابع شعبانده مهری پادشاهه و بر دتکده ملک احمد پاشا
صدر اعظم اولوب مراد پاشایه بدون ایالتی ویرلدی (بومیهانه ده)
سردار حسین پاشا دن مکتوبله دلی برادر کلوب زادره دن قندیه به
اوج بیک کفار کچوب سردارده عسکر ایله یکی بنا اولتان قلعه اوکنده
ایدی برکون کفار وقت غروبده طاپور دوزوب علی الصباح جنگ
اولغین کفار دن التمش دل طو تیلوب نیچه سی مقتول و ماعداسی قلعه به
قاچدیله و عسکر و طنمه کیده رزدیمکله سردار روز فاسمه ایکی ماه
قاله اجازته متعهد اولدی و مجددا عسکرک کلسی مهمدر دیو دولت
یازدی و تودره قلعه سنک نقرات و مهماتی مکمل ایکن وزیر مراد پاشا ک

حانیه اغاغنه کوندر دیکی احمد اغا بکرمی پاره فرقه بی قور صانلغه
کوندر دکده تودره قلعه سنک نقراتی دخی اول فرقه دلره کیروب قلعه نک
خالی ایدیکن کفار طویغین قلعه به هجوملری دلی برادر خبر ویردی
وینه) واسطه شعبانده قبودان پاشا بوغاز ککبیلریله قندیه
مقابلنده کی کوچک قلعه آلتنه واروب بر مقدار عسکر و خزینه و مهمات
چقار دتد نصکره بر قاج کفار کیلری سور مکله بحاله ساقز طرفنه
کیتد کده جزیره عسکری سب و لعن ایتدیله (وینه) اواخر شعبانده
قندیه جزایک اچبسی کلوب سزده اسیر اولان جنرال اوغلیله بزده کی
اناموره بکنی و سائر اسیرانی مبادله ایدوب فیما بعد طرفیندن طویلان
اچیه ایله قور تلسون دیدکده سردار حضرتلری بز اوجه الله غزا
ایده رز شهدا و اسیرانک اجرلری علی اللهدر اکر قلعه و جزیره کی
تسلیم ایدر سکر سزه امان و یروب ولایتکزه کوندر رز والا مصالحه
اولمزدیدی مکرملعونک مرادی احوال غازیانی اکلوب شیفخون ایتک
ایمش اتفاق بر کافر قلعه خندقندن خفیه سرداره کلوب اسلامی
به دالقبول کفارک وقت هجوملری سوبلینجه سردارده اوردوبی خالی
براغوب کفارک کذر کاهلرینه کزلندی شهر مذکورده اون بشیک کفار
اوردوبه هجوم ایچون کینکاهی یکد کارنده غازیله هجومی قیروب
همان اوچبور قدر کفار ایلرودن قاچدیله (بوارالق) صدر سابق
مراد پاشا تعلقاندن سر منجم حسن افندی بر نیچه مدتدنبرو دولت
فتی ورتقی اربابی ایدی جرایم سابقه سینه بناء در یاده اعدام اولتوب
یوز الی کپسه لک ترکه سی میری به التندی (پس) شوالده حیدر اغا
زاده عزل اولوب ردوس بکی علی پاشا قبودان اولغین ثانی عشر
ذی القعدة ده در تیک عسکر و اون سکر قدرغه ایله اق دکره چیقوب
طشیره ده کی بک کبیلریله قبش فصلنده برهفته ده ذخایر ایله کریده
واردی (چونکه) صیده و باروت مقساطعه لری او جاق طرفنه
عا ایدیدی تحصیله مأمورا واران مصطفی اغا ککبیلر محصولاتی
معن اوغلی متعلقا تندن میر ملهم و علی بک یدلرنده بولوب تحصیل
ایده مدیکنی دواته یازد قده شام و البسی ایشیر پاشا مأمورا عسکر
ایله میر ملهم اوزرینه کیتدی و بوندن اقدام اغا رز سوبیله خول بکی

میر عساف بیگلرکدن عزل اولغله توابع و اولغله واروب ملهمه
تابع اولشیدی (ملهمه ابشیر پاشا ک حرسکتی اشیدنجه دورزی
عسکرین یول اوزرنده پوصی به قیوب نفکجی و پیاده لری بالای
کهسارده حاضرلدی ابشیر کال غرورله علی العیبا آغراغنی ایلرو
سوروب اردنجه مکمل عسکرله کنگاهه وارد قده کنگاهه کی
وبالای جبالده کی عساکر ابشیرک آغراغنی غارت و یقه یقه به جنکه
باشلد قلرنده شام ملغاسنک ابشیر غیظلری اولدیغندن دنوب کیملریله
ابشیر دلاورلکه قوریلوب منهزما شاهه وارد قده حلب و شام
و نمک سائر عسکر مأمور اولق اوزره کندی کنگه سردار ولسنی
دولته یازمغین دیار بکر و حلب و البلی و اناطولی سپاهبشی ابشیرک
معینه تعیین اولندیلر (ملهمه بو کیفیتی طوینجه ابشیر پاشا زنده کی
مالی مع زیاده الدی دیو اوجاق اغارینه مکتوب و نقود بسیار کوندرنجه
انلرده تلف اولان مالی تضمین شرطیله مکتوب کوندر کوندر ابشیر
پاشا ضروری فارغ اولدی باد فتر تلف اولان اشیا ک قیملرینی مأمور
اولنلرده کندیلر و تکرار اوجاق اغارینه ملهمدن اچمه لری بو غیملر
الد قلرنده ابشیر قضیه بی اکیوب ناچار سکوت ایلدی (چونکه)
کرید شرفبسنده واقع اسنیه حصارینک یالکز قرا و نواحسی حبیب
اغامعرفیه مقدمه فتح اولشیدی قلعه بناسی تمام اولوب عسکره
بعدالاجازه سردار قلعه مذکوره فتحه عسکر کوندردی شهبانک
اون اوچنده قنده به بش پاره سفاین ایل یوز یکریمی بش رأس آت
و سکر یوز فرنگ امداده کلکله اسنیه به کوندریلان غازیلر امداد
کوندرلکین قلعه مذکوره محاصره اولوب عصر دن عشا به دک
جنک اولغله بش یوز قرق اسیر و یکریمی قبودان و برجنزال قتل اولوب
عودت اولندی (بوندن مقدمه بقدان بکنک پونه نام دختری آستانه به
کتوریلوب استندکجه مسامحه اولنور دی مر از پاشا اوجاق اغارینه
پاولاکی نام ذمی ایکوز بیک غروش و یروب دختری مجار قرانه تزویج
ایتدرمکه کتور رکن تاتار خانه تابع خطمان راست کلوب دختری
تزویج ایتدر که بغزان یکی استانبوله مال کوندروب پاولاکنک
قتلی رجا ایلدی (وینه) تاسع محرمده دوتمای همایون آستانه دن اللجی

کون کریدک ایا قصره ایمانسه واروب عسکر بی بعدالاجاز قبودان
پاشا ک ساقزه عودتی خبری سرداره واروب کلنجه چیقسان عسکر
ارزاده اون برکون اوزوب افتان و خیزان اوردویه کلدیلر (سادس)
صفزده التمش پاره کفار کپسنگ در بایه چیقدیغی خبری قبودان پاشا دن
استانبوله کلد کده اطرافه تکالیف شاقه اوامری کوندرلدی (بوماهدمه
کریده کوندریلان عسکر سرداره ملاقی اولدیلر کفار قلعه ده محصور
اولوب خط و غلايه سبب جنزاللری قتل ایتشار ایکن یتنه کریده امداده
مصر اولدیلر (اوائل ربیع الاولده قبودان پاشا بدی پاره قدرغه ایل
استانبوله کلوب کفارک عظیم دوتما جیقاره جفنی واحوال دریایی
خبر و بردی (بواشاده) قنده کفاری ضعیفترینه بناء اهل و عیال
ونفایس امواللری بر کبیر قلیونه قیوب و ندیکه کوندر کده امر
بحریه دن محمد پاشا راست کلوب قلیونی الدی (بوارالق) بغداد دن
فریادچی کلوب قزلباشک حرکتی خبر و یرمکین التیوز عسکر
تعیین اولندی و بغداد اغا سی الیاس اغا مکتوبنده اوچ رأس
خان اوچیک سرخسرایله هویزه به کلوب عقبه لرنجه اون ایکی بیک
قزلباش دخی هویزه قریبده کوجه صوینه قونشدر مراد لری بغداده
کلکدر کالی تدارک و امداده مسارعت لازمدر دیو وزیر اعظمه یازمغله
ابشیر پاشا سردار اولوب دیار بکر و ارض روم و البلی معینه تعیین
اولندی (بوسالده سپاهک هم تیار لری بد لاری آندی و هم سفره
مأمور اولدیلر حال بویله ایکن علوفه استیان سپاهیلر سفره بسکر کریده
دیمکله انلرده وزیر اعظمه برالای فقیر لر ز علوفه مرزی و یرمز لر دینجه
وزیر بونلره بره پادشاه عا عیلمی دیو حایق ریجق بونلرده یز بیراقسن
اغامز سفره کیده میر دید کلرنده وزیر خفت ایدوب حاضر اولک
بنده کیده رم کیمز ایسم کافر شبقه سی باشمه اولسون دیمکله جله مر
کیده رز دیو طاغمدیلر وزیر سفره کیده دیو توغلر اصمیرلنوب امر محاله
باشلندی (وینه) مفتی بهایی افندی صلابت دینیه سی مقتضای
اوجاق اغار یله امتزاج ایده ممکن جادی الاولک اون برنده عزل اولوب
قره چلی زاده عبدالعزیز فندی مفتی اولد قده بهایی افندی ارپالغی
اولان برنجه به نئی اولندی (ومن العجایب) مضایقه میری به بناء اناطولی

نوعی سی دفترده دعا کویان متقاعدین ووظایف علما و دشمنان
وسادات و درویشان سنه ده یوزیمش یوک ایچ اولوب بیک التمش بر
سنه سی تمامیری به التمش چون تلخیص اولندقدده بیک واده اوتوز
بیک قدر آدمک دفعه ارزاقن قطعه بدد عالی قنغیکر بویینه اله جق
دینجه مستشار امورده ات صاری کاتب بونجه زماندر قلاع فتح
اولور ملافلان درویش فلانک دعاسیه فتح اولنددیغی اشیدلمدی
قلعه لری الان و کفاره قلیچ چالان سرخوش فلان ظالم فلان پاشا در
اویله ضعیفا د عازله نه ایش ~~ک~~ و دیلور دیکله بونجه ارزاق دفعه
قنغیکر وجوه اسرافانه صرف اولنددی چوق کچرین غیرت الهیه
ظاهر ایه عامه فقرانک کوزی باشی الان مغرورنک باشاری
خاک هلا که دوشدی (چونکه) مقدماد و نمانا سنه فرمان
اولغین وزیر بجه قیوسنده طولی التمش ذراع بر قلیون قوردرمشیدی
خامس جادی الاولاده وزیر و ارکان دولت ایندر مک کیتدی لر
مفتی جدید بعد الدعاء قلیون دریاه اینزکن یانی اوزره دوریلوب
عرق اولدی و انبارده بولان و غیریدن الی قدر آدم تلف اولدقدده
ناس ظالمه یاپلان قلیونک حالی بدر دیدیلور اقسام قنطوع الرزق مظلومینک
صرصر آهی نتیجه پذیر اولوب (اهایله باتدی وزیرک کبسی دریاه)
مصراعی تاریخ دوشدی اخر اورزندن بر طبقه سی یوزیلوب حقارلمه
بورنسز قولاسمز ترسانیه کتورلیدی (ضحکه) جادی الاخرده
فضیلتدن عاری چوی زاده افندی فوت اولدیار بر کون مجلسنده
بر مسئله دن بحث اولوب کتاب الطهاره ده یازاردیکله مرقومک
کتابخانه لره کتاب الطهاره نامه ~~ک~~ کتاب ارادیغی مشهوردر
باغیه سکر لکندن احمد نام اوغلاننه لوظه ایدوب کون بر تخمین
ابو فی احمدی طویمان خون آلودیله مفتی یحیی افندی به کتورد کلرنده
شو آدم بو بایده ده جامه سلیمش دیدی بعد زمان مذکور احمد
فاضل احمد پاشا ز مانده دفتر دار پاشا اولدقدده بر قاضی بالمناصبه
بو دکایه بی احمد پاشا نقل ایدوب با سائس مسار اولجه قاضی
صلحتی کلیوب من بعد مجلسنه واره مدی (وینسه) تاسع عشر
جادی الاخرده قنغیکر قیوسنده استبا حصارخی کفار بر اقله

ضبط اولندی ماه من بورك بکره بسنده کریده سکر یوز سپاهی یازیلوب
درت اولطه خلقی و اناطولی و البسی احمد پاشا ایالتی عسکر یله و سائر
مأمورین قلیونلره برلشدیلر و بکری اوچنده اوتوز قلیون و اوتوز سکر
قدرغه والی پورتون والی ماونه و برقاج آتش کبسی و وزیرک قضا زده
اولغله تعمیر اولان کبسی ترسانه دن ساقزه و اروب بک کبیلر یله جمعا
یوزاللی پاره سفاین رجبک اون ایکبسند کریده کیدر کن دکر منک
یوزازنده التمش پاره کفار دو تناسیه جنک ایتلر یله کفار کبیلرینک
سرن و دومن و الاتلرین خراب ایدوب اخشام اولجه نقشه پاره اطلدی
لپاننده باتدی لر کفار دو تناسی آردلرینه دوشوب لپندن طشره کوزنملر یله
علی الصباح قبولدن پاشا دو تناسی ایکی قول ایلدی و اوغلی و متعلقات یله
اون بر پاره بک کبیلرینه بنوب جنک کفارک برقاج کبسی باقدی بر کافر
کبسی اوتور مشیدی قبولدان باشدارده سیله اوزرینه و اروب جنک
ایدر کن کفار کبیلری باشدارده بی اورتایه الدقلرنده سائر بکلر یکلرنده بی
قلیونلری براغوب اچلدیلر هله اوغلی بنشوب باشدارده بی قور تاردی
قبودان پاشا تعلقات یله یسه جنکه کیر دیسه ده روز کار دشمن کبیلرینه
موافق اولغله وزیرک بایدیغی قلیون و سپاهله تملر دیکر قلیون یانوب
برقاج جبهه جی کبیلری آلتسرمیدانده قانجه تخلف ایدن بکار کبیلرینه
شومیدانده کی قلیونلری چقارک دیوا کید یورلیدی کوندر دی اصفا
اولمیحق کفار قلیونلره اوشد کده اناطولی و البسی احمد پاشا قلیوننده جنک
ایدیرک شهید اولدی ما حصل الی پاره قلیون کفار یید کلیوب عسکرین
سویندر دی و ایکبسندخی بقوب عسکری قاره یه دوکلدی و بر ماونه
کفار ملحق اولدی و ایکی پاره کی بر اطمیه باندن قره ایتد کلرنده
قبودان پاشا منهر ما ردوسه کیتد کد نسکره کفار اطمیه د کبیلر ی
اسیر ایلدی نجات بولان کبیلر ردوسه کانجه قبولدان پاشا جنک کن
روگردان اولنلری تو بیخ ایدوب احوالی دولت یازدی قنغیکر کفازی
ایسه کال ضعیفلرن دن قلعه بی ویرمک اوزره ایدیلر دو تناسی الی پاره
قلیون وجبه خانه و در تیوز قدر طوب و مهمات و ذخیره آندیغین طوب و بجه
قوتلنوب کالاول جنکه باشلدیلر قبولدان پاشا الی پاره سفاین ایلد
ردوسدن کریده و اروب خزینه و اشکر و ذخیره و مهماتی تسلیم ایلدی

(وینده) رجیده سپاهیلر علوفه ایچون اغالری و دفتر داری طاشلیوب
 طاغله قارنده او آکیجه سرفتنه لر ینک بر قاجی بوغلیوب شهبان اغا
 سپاه اغاسی نصب اولندی (پس) ابازه حسن اغامقدما حیدر اوغلی
 طوتوب کتور مکه یکی ایل و بوده اغنک اوج سنه لکی باخط همايون
 کندویه ویرلشیدی بر سنه ضبطد نص کره یدنده کی خط موججه
 ابقار جاسیه میری به اچمه کچر و بوز بر وار کان دولته هدا یا کوندر دیسه ده
 اوجاق اغالری و کتخدایک رایلریله مزبور و بوده لقی دلی برادر زامادی
 آق علی به ویریلچک حسن اغا وزیر و واروب تظلم ایلمدی و دولته
 اولان خدمتی بر بر سو یلمدی دلی برادر آنده بولمغه له خیلی مشایمه
 ایتد کلرنده وزیر کتخداسی غده محمد عیدر دینچه حسن اغا خیمه
 ال اوروب بره قومار باز وزیر احوالی سولمک نیچون هیسدر بلکه
 عیب مغلوب اولدی فکر آدم لره بنم کی خدمتکاری پامال ایتدر مکرر
 دید کده وزیر غدر اولدیغنی یلور کن ضروری حسن سوزی اوزاتمه
 احوالکه صورت ویریلور دیو طرح مجلس ایلمدی حسن اغا اسکداره
 کچمه وزیر طور میوب ولایتکه کیده سن دیو ییورلدی کوندر کده
 اقدیمجه علوفه ایچون دفتر داری طاشلین سپاهیلر عوما حسن اغایه
 تابع اولوب صاری کاتب و دلی برادر و غده کتخدایک و دفتر دارک
 ازاله سیچون خبر کوندر دیلر اوجاق اغالری بود عوادن کچوب طاغیلک
 و الاضرر کورر سر دیو خبر کوندر نیجه آلمده یو آت میدانی دکل
 اغال بورایه کلسونلر قلیچ ایله کوریشم لم دیو خبر کوندر کده اغال
 ابرامیله وزیر حسن اغایه کچوب کیده سن دیو تکرار ییورلدی کونده رنجه
 حسن اغا و بوده اغم ابقا یا خود میری به وساره کیچن اچمه ویریلیمجه
 کتتم دیو کله میری به کیچن اچمه سندن اوتوز کبسه کوندر یلوب قالی
 دینلدی حسن اغا یرمی مغدور کوندر ووب اول ولایتله اجمار لری
 دید کده بورادن کینسونلر ده استر لسه انا طولی بی آتسه یاقسو نلر دیو
 جواب کلیمجه حسن اغا و بانی بونیکره دیو جمعیتله اسکداردن قانقوب
 اطرافیده کی سپاهیلری طوعا و کرها جلبله ارنکمیده واروب بره مقدار
 سکیان یازدی و صحرایه خیام قور ووب مظالمه باشلیدی و بکتاش اغانک
 میراخوری کلیدن اوتوز ینک غروش و برقاج آت و برقاج قطار دوه ایله

کلور کن ابازه حسن اغا میراخوری قتل و اموالی ضبط ایتدیکنی
 رغا اغالره یازدی (بواشاده) بولی سنجاغندن خروج ایدن
 کوله اوغلی وافر آدمه کلوب ابازه ملحق اولدی و ایدن ابازه
 قسطنیونیده افلاقی ناحیه سنه واروب راست کلدیکی ملغانک بورن
 و قولاغن و باشن کسوب غارته باشلیدی و شاهین اغایی بکتاش
 اغانک انقره به بقین چفتلکنی غارته کوندر کده چفتلک کتخداسی
 قسراقلری انقره قلعه سنه قومق استیججه قاضیسی کدر اوغلی ابازه دن
 خوقاراضی اولدی (مکره) بعض ملاحظه به بناء ایچر و الدی
 بکتاش اغا بوتعللی اشید یچک کدر اوغنک و بعض اعیان ولایتک
 قتلرینه اوامر کوندر دیسه ده تنفیذ اولندی (بواشاده) بولی سکاندن
 سلیمان اغا ابازه ملحق کوله اوغلی طوتوب قرق الی قدر آدمی قتل
 و کندی بوش الی ادمیله استانه به کتور د کده وزیر اعدام ایلمدی
 (بواشاده) ابازمک حقندن کلک شرطیله بولی سنجاغی ویریلن
 جان پولادی حسن اغا اسکدار صحرایه قاپودور کن بر کیچمه
 ایکی نفر آدمی توغلرین الوب ابازه به فرار لرنده حسن اغایه جادات
 به قهقهه ایلمدی (پس) ابازه ایله قدیم دوستلخی اولان چاوش زاده
 محمد اغادن بکتاش اغا و ساطیله یوز اوتوز کبسه الوب اقدیمجه
 سیواس ویرلشیدی و ابشیر پاشاده شامدن معزول اولوب کوکسون
 یایله سنده منصبه منتظر اولمغه سیواس ابشیره و شهر زول چاوش
 زاده به ویرلدی فاما شهر زولدن تحصیل مال محال اولمغین چاوش
 زاده مکرر و مدیون اولدی (بواشاده) ابشیر سردار و بونجه امرا
 و بکتر عسکر لر به عیینه تعیین اولوب ابازه اوزرینه مأمور اولدیسه ده
 پرلندن حرکت ایتدیلر (چون) اوجاق اغالری کالان بواوب و والری
 یقلمشیدی کتخدایک ایله ینلرینه نفاق کیر ووب ابشیر پاشا ایله ابازه
 حسن اغا دوستدرد یو فرامان والیسی قاطرچی اوغلی سردار ایدوب
 ابشیری بغداد له تطیب فکر نده او ادیلر قاطرچی اوغلی نه سردار لقی
 اخری کتورن وزیر اغاسی شاهین اغا اسکداره کچوب منزل بار کیرلری
 لاغر اولمغه اسکداره جانیولادی حسن اردو سنده کی توانا آتله
 ینک استیو چک آت صاحب لری قلیچ ایله شاهنک باشن شق و یاننده کی

ناتارک قوانی چالوب آتترین قورتار دقلرنده شاعین فوت اولغین
خدمتکارلری و ناتار وزیر اعظمه حیفوب حسن پاشاک میرا خوری
حاجی عثمان چالیدی دید کلرنده وزیر حاجی عثمانی کتر تمکین ناتار
و خدمتکارلر گاه بوایدی و گاه بوکه بکرزایدی و گاه ات اوزرنکی ظاهر
میرا خوردر دید کلرنده وزیر حاجی عثمانک انکار و دفع و نظمانه باقبوب
خون ناحقنی اهراق ایلدی (چونکه) اقدمجه بازه قسطهونی به واروب
والیسی علی پاشایی بالمحار به بوزمشیدی و ابشیرده سردارلخی رفعتدن
مغیرا و اوب بالواسطه صلح اتمک نامیه و اروب بازیه ملحنی اولدی
و قاطرچی اوغلنه بوقضیه سهولی دفع اولور یرکدن حرکت اینه
دیو یار دی ایسه ده قاطرچی اوغلنک جمعیت تدارکنده اولدیغنی
ایاره اشیدچک زله دن عسکر کوندر مکه اقسر ای سمتمده مقاتله
اولغین قاطرچی اوغلی بوزیلوب قونییه رجوعنی اوجاق اغاری
ظوینجه اضطرابه دوشدیلر (بوانشاده) بغداد قوی پاشا لرخی قتل
ایتملرله بغداد دیار بکر والیسی حیدر اغا راده و برلمشکن ابشیره عرض
اولمقدقه قبول ایتمامکین بغدادیته حیدر اغا راده ده قالدی
(بعداران) کردستان بکلرندن داسنی میرزا پاشا که یدی کره بغداد
سفرنده برارلخی تقریری مراد پاشا صدارتده موصلی و یرمشیدی بعده
عزل اولوب استانه یه کلکاه منصبدن مأیوس قرق الی ادمیه
اسکدارده قوت یومیه یه محتاج ایدی و کذلک قره مان دفتر دارلندن
معزول نسیمی اقدیدی و آیدنلی یکن بک نام سپاهی پاشا لرنده کی
سپاهیلر ایل اسکدار خانلرنده خورو ذلیل نیچه زمان قالمش لری ایدی
یونلر تو ابلر ایله اخر شعبانده اسکدار دن اناطولی یه کیتد کلرنده
اوجاق اغاری های یونلر بزدن متا لمر در بازیه کیتد لر دیو اسکداره
بشبو زادم کچروب شاه سلیمان مصطفاسی ودلی دلاور اغا و وزیر اغا لرندن
یورناز شاهین و امثانی و اندن معزول محمد امین پاشا یا شبوغلغیله تعقیبه
کوندر و بولند قلمری رده دیه لمتنی تنبیه ایتدیلر لکه جوارنده چلتکلک
ایچنده اخشام وقتی ایشیلد کده بزولایتمه کیده رزایاره کیلسک صبا نیجه
یولندن کیدردک دیدیلر ایسه ده تنفیذ اولوب حله ایتد کلرنده داسنی
میرزا اسبنه سوار و مزاغنی قاپوب حاضر لندی شاه سلیمان مصطفاسی

داسنی به نیره حواله ایدنجه دفع ایدوب یقه مصطفی اغا بغداد سفرنده
سنی قاج کره قزلباش لشدن قورتاردم و سکا نیجه اچیلر و یردم ایلمک
مقابلی بومیدر دید کره اولدخی بابام اولسک اقدیمک تنبیهی اوزره
سنی قتل ایدرم دیونکرار حله ایدنجه داسنی لشدن کی مزر اقله مصطفی
اغایی و بر قاجنی بعد الهلاک فراره یوز طو نیجه ایکیوز دن زیاده آدم
تعقیب ایتدیلر ایسه ده داسنی حله سنی اعدام ایدوب آتی یر بتاغه
یانچق محمد امین پاشا و دلاور اغا سکا ضرر یوز یوقدر دیو عهد و عین
ایتملرله داسنی تسلیم اولنجه یتدیه چکدیلر (نسیمی و یکن بکده
مجر و حاینده چکدیلر و صاغ قلانلرخی قتل ایدوب یوا و حنی استانه یه
کتور رکن مال دیه ده فرمان کلکین قتل ایتملرله یونلرک باب
همایونده رؤس مقطوع لرخی کورنلر اوجاق اغا راده سب و لعن ایتدیلر
اغارک ایسه تاسه تعذیلری یرکمال ایدی از حله علوفه دیو الد قلمری
خراتک اکثرین اکلدن غامدا مناصب و می اتدن بحساب رشوتلر
آلورلر ایکن طو عیوب ککنخدایک و بکاش اغا اطرافدن نیجه اتمعه
کتور دیوب اهل سوقة کرانیها ایله توزیع و اچیه سنی جبراً تحصیل
ایدلردی و لکم قیه سی سکر اچیه ایکن اون اوج اچیه یه چیقاروب
ارض روم و اناطولی و روم ایلمدن کتور تدکلری قبولاری ذبح
ایتد یرلردی و برو سه و ساقز دن حریر و دیعی و ساقز و بغداد
و شامدن مره و حلالی کتور دیوب اوچرقات بهاسیله اهل سوقة توزیع
ایدلردی و خلق لحم و مأکولات غلا سندن شکا یتلرنده استانبول
اغنیای یریدر فقرا طشیره یه کیدوب بلغور و بوله ماج یسون دیو
خلاطیات ایدلردی (حتی بکاش اغا حلب پایه سیله انقره قاضیسی
کدر اوغلنی ایازه شرنندن آتلمی انقره قلعه سنه المقده تعال ایتدی
دیو قتل ایتدردی و میری یه سکسانه نان غروش مواجیه سکسانه
و یرلمک حاقندر یر مواجیه زیوفه تبدیل اولسه بیک کبسه ده اوچبوز
فضله قاور دیو یهود و صرافلر ایلله زیوفه تبدیل ایتدردی
وارنا و لقدمه که یار اچیه کس دیروب مواجیه و یرملر ایل مال قارون جمع
ایلدی (بوانشاده) علوفه زمانی یا قلاشوب مضایقه خر یتدیه زیاده
اولغله دقتدار امیر مصطفی پاشا و اوجاق اغاری رأی ایتدیلر که

باغداد و بوسنه اطرافنده کسبلان زیوف اجهلری و میخانه لده برین
قرل و قیرق یاره و اجهلری اصنافه و یروب هر یوزاون سکر اجه به
برالتون السهرق جمع اولان یوز یکریمی بیک التونی جهودله ایکشیر
پاره طر حله ایک یوز قرقبیک ریالی علوفه به ویره و بر وجه محرر جمع
اولان زیوف اجهلر دفتر دار پاشا سراینده بغلوب اهل حرفه توزیع
ایچون یزارستان کنخدا سته تنبیه اولند قده کنخدا ده اجه بی رابع
رمضانده اهل سوقه عرض اید نجه هر سنک سوزارلری جهود
عظیله وزیر اعظم ملک احمد پاشا به یز بویل اون درت تکلیف
چکدک اغار قره دکر دن سفینه سفینه باقر و شاب و قندق و طوز
وازمیر و آق دکر دن شایقه شایقه صابون و دیمی و صاقز و بوغاصی
وفلان و فلان کتوروب بزه طر حله اضعاغ مضاعف بهارین الدیلر
بویله مظالم اولمشکن زیوف اجه نک یوزاون سکرینه برالتون استمک
نه دیمکد و دید کلرنده وزیر یزه کافر کدیلر وارک و برک دیو آزار اینه
بونلرده بزمسلماز دیو فریاد ایده رک دکالری قیایوب عظیم جهیلده
مفتی عز یزافندی به واردیلر وزیر یزه کافر کدیلر دیو ظلمی دفع ایتدی
قالق احوالمری پادشاهه یلدر دید کلرنده مفتی دفع صد دنده اولیجی
سلطان ابراهیمی و وزیر ی قتل قاریشور سن یازم احوالمره نیچون
قارشمز سن دیو زورله سرای همایونه کتور د کلرنده اونیه کدن
زیاده آدم باب السعاده به وارنجه طولوب داد پادشاهم داد دیو
چاغر شدیلر (پادشاه مصلحتی صورت قده بویل اون درت تکلیف
چکد کلری زیوف اجه تکلیفی تفصیلا عرض اید یوب پادشاهم
لالاکه وار دق یزه کافر دیو شتم ایتدی شمدی سکا کلک اوزریمز دن
ظلمی قالدردید کلرنده پادشاه سزم ظلم اولدیغنه رضام یوقدر دیو
سلطان سلیمان قانونندماعداتکالیف محمد ثانی عفو ی باندیدلرینه
خط همایون و یروب طاغیله دینلده اهل سوقک صاحب و قوق
بخت دیگره کیروب پادشاهم عالم ظلمه خراب اولدی قره چاوش
و بکاش اغا و کنخدا یک و صاری کاتب و دلی برادر و فلان و فلان
اون الی کیمینه دولتکه مستولی اولوب بیت المال و اموان میری بی یرل
بونلر قتل اولند بجه پادشاهلری ایده مز سن دیو وزیرک عرانه و اوچاق

اغار بیک قتلده ایاق باصردیلر اغار ایسه اهلینک مفتی بی سرایه
کتورد کلری اشد کلری کبی آت میدانه برکشلرایدی اولکون
پادشاه مهری احمد پاشا دن الوب سیاوش پاشا به ویرمکله وزیر جدید
و مفتی حضور دن طشره جیفوب یارین کلک دیو جمعیتی طاغید قدن
صکره بیوک والده امریله آت میدانه اغار و واروب بوکون ناسی
طاغید ق یارین تدبیر سز کدر دید کلرنده بکاش اغا عبوس و جهله
وزیر به پاشا قرنداش اگرچه بواشی ایتدک اما بوا ایتدک دینجه
وزیر بزنه ایتدک دید کده بزم مشاوره مز اولدین نیچون مهری الدک
سکا وزارت کی و یردی دیدی وزیر بی پروا بکا وزارتی سعادتلو پادشاه
و یردی دینجه خوش آمدی بویله ایسه نه کوزل الله مبارک ایلیمه
اما بزم مشورتی اولمیه بجه ایش ایدیم دیرسک وزیر کی ایده مز سن
دید کده پادشاه نه یور رسه آتی ایدرم فرمان انکدر بزم و سزک
یونمز قیلدن اینجه اولق لازمدر دیوب سراینه کلدی و لکن وزیرک
بو جوابلری اول یلیدلرک تقاریق اعضا سته لرزه دهشت صالیدی
فرداسی علی السحر ناس سرایه توجهلرنده یوللره و بندلره تعیین
اولان ملغانیچه لری قتل و مجروح ایدوب سرایه وار مقدن منع ایتدیلر
وقول اغاسی سراج خانه به واروب جبراد کا کینی آچمدردی اگرچه
وزیر و مفتی نصیح و پندلر به جمعیت طاغیلوب فتنه باصلدی فاما
اوچاق اغار بیک یرلری برهلوب باشلرینه کله جک بلایی دفعه چاره
آر لردی و اکثر اهل سوق ملغانا وصولاق اولملر به اغار دیش بیه
دکلرندن متعینلری مختفی اولدیلر (چونکه) ابازه حسن اغا قسطنیونیدن
اون بیک آدمه زیله طرفنه کلشیدی ابشیر پاشا و سائر و زرا و بکلر
ابازه به ملحق اولدیلر (پس طیار پاشا زاده و طوپال محمد پاشا و معزول
کنار دفتر دارلری ابله ابازه نک آستانه به توجهلری اوچاق اغازی
اشیدیمچک اوزر لرینه اون بیک آدم چقار لمسی وزیر به سویلد کلرنده
مساعده اولیجی یوزیر خود رأی یزه یار اولمزد دیو حرم همایونده
ترخان سلطان اغارلندن خصملری اولان درت نفر طواشیلرک اراله سی
استانیه باشلدیلر زرا مهر همایون قول اغاسی قره چاوشه و یر ملک
مهمم ابکن مذکور طواشیلر مخالفیه سیاوش پاشا به ویرلمشیدی بیوک

والده سز طواشیلری قتل ایتیمجه بر مراد اوله من سز دیواغالی
فته به تحریر بص ایتیمکه قره جاوش و بکتاش اغا و کتخدا بک و سارلری
ثانی عشر رمضانده مفتی و قاضی عسکرلری اغا قیوسنه کنوردوب
والده رأیله مذکور طواشیلری ایچرودن استدیله اندرون خلق ایسه
اغالرك بومرتبه طغیا نلغین بیولك والده کوسم سلطان حایه سیله اولدیغنی
پلوزلردی زیر سلطان مشارالیه اولنده الی سنه تصرف صاحبه سی
اولوب سلطان محمدك والده سی ترخان سلطانی چکه ممکله بر برلندن
خوفلندن بیولك والده او جاق اغالرك بقاسنی کندوبه باعث راحت
یلوب شویله تدبیر ایتککه اغالرك قولی تحریر بکله سلطان محمدنی خلع
و برادری سلطان سلیمانی جلوس و ترخان سلطانی اسکی سرایه نی
و تاباغنی قتل ایده لر (زیرا سلطان سلیمان والده سی دل اشوب سلطان
مجدوبه اولمغله حل و عقد کالاول یدنده قاله بو خصوصی طواشیلردن
سر یستانی علی اغا و کریمچی باشی به سویلدی و او جاق اغالری کلوب
علیهلرنده اولان مارالیمان درت نفر طواشیلری طلب و قتل ایده لر
دیویمور قانو و بعضی اوغرن قیواری آجق قودر دیغنی اغالره خفیه
یلدردی و سر جلوانی او یس اغایه مسموم شربت و یروب پادشاهه
ایچوردیو تنبیه ایتدکده ملکی نام جاریه سی وقعه دن برکون مقدم
ترخان سلطانه وقعه بی سویلکله اولدخی پادشاه و باش لاسلیمان اغا
وریمخان اغایه ماجراجی سویلدی اغالرك کده تذکره سی کلوب درت نفر
طواشیلری استد کلرنده لاسلیمان اغا وقعه بی تصحیح ایتکین ریمخان اغا
ولالا ابراهیم اغا و اسماعیل اغا و علی اغا جمعا اون درت نفر اغالر والده
کیره نك اعدامنه عهد و میثاق ایتدیله او لکیجه بعد التزایم هر کس
مقابلینه کیدوب یرقاج ساعت هرورنده ترخان سلطانك باش اغاسی
سار اغالری و زلفیلری وقعه دن آگاه ایتیمکه جله سی پرسلان حاضر لنجه
لاسلیمان اغا و کلریندو شوب بیولك والده نك مکانه ملو غری
یوزید کلرنده باش قیو اوغلانی برکروه مسلح طواشیلر ایله قیو اوکنده
ایدیلر مانع اوله لم صاندیلر ایدی سلیمان اغا و ورک دیمکله باش
قیو اوغلانی پاره ایوب ماعداسنی قاجر دیلر و اندن والده معظمه
اوطه سی اوکنه وار یلوب سلیمان اغا ایچر و کیتدکده والده منتظر

اولدیغنی گروه باغیه ظنیله کلد یکر می دینجه سلیمان اغا و طشره
بیولك دیدیکی کی والده مصلمتی اکلوب بر مختفی یر کزلند یسه ده اول
جمعیت عظمی ایچر و کیروب کوچك محمد نام کچسه والده بی شهید
ایتد کدنصره اوطه ارین یغمال دیلر والی س سنده بر کدر دینی اول
بیشمار خاصه همایونه و مر جان چار شو سنده بنا ایتدیکی خاندن
یکرمی صندوق فلور یسی بولوب میری به اندی اگر چه والده کیره نك
ظلمی بی حد ایدی و لکن مائل خیرات اولمغله اسکدارده جامع و عبارت
یادرمشیدی و سادات علوفه سی انك اثری اولمغله ایکوز دن زیاده
رجال و نسا خلال شهر مبارکده وقفندن علوفه الوار و بهر سنه
رجیده زندانده کی مدیونلرك دیون و یروب قاتلدن ماعداسنی
قورار ردی و خد متنده کی جواری بی آزاد و تجهیز و چراغ ایدردی
و بیکس یتیمه قزلری ارایوب بعد التجهیز تزوج ایتدیردی و حریم
محترمیننه تعیین ایتدیکی صبره الا کیدر رجه الله علیها (پس) اول
اخشام صدرین قوس سی زاده و شعبان افندی وزیر اعظم سی جاوش
باشانك افطسارینده ایدیلر او جاق طر فندن مصو نی عمر کلوب
بعد الطعام وزیره اغالر اغا قیوسنده سترنی و افندیلری استرلردید کده
وزیرده قاضی عسکرلری کوندردی رئیس افندی وزیرك دخی کیمسنی
تذیب ایتیمجه وزیر مصو نیدن مصلمتی صور دقده درت عربك
باشلرین استرلر دبوچك وزیر مصو نی ایله سترایه واروب اورته قیو
ایچر و سنده بیولك اغالرك اولوزد قزلری زده پادشاهم او جاق اغالری
فلان و فلان درت اغالری استرلر دیو نیلجی صی کوندرنجه قلیچلر
غلافندن خیقوب ایچر و ده غریو عظیم قویو یچق وزیر سترایه
و مصو نی جمعیتکاهلر بنه کیتدیله او لکیجه سترایده نیوقت شعوعک
ضیا باش اولدیغنی قول اغاسی اوزاقدن کورنجه بکتاش اغایه سترایده
چوق و ملر کزه یوردیوب دام تزویرك طو نیلدیغنه استدل ایتشلر ایدی
مصو نی عمر کلوب اغالره غالب اولدک ایشی بتدی ایچر و ده قلیچلر
عریان طوت قاب صداسی آسمانه جیمغله بر باب همایوندن ک حبله
قاچدق دینجه اغالر مدهوش مشورته باشلدیله چون وزیر تلجی بی
ایچر و کوندروب سترایه کلدیکی کی آد کلکین سترایه واروب

للاسلامان اغادن مصلمتی دگلد کد نصکره حضوره وارنجه لالا احوال
معلومک اولمشدر صداقتله خدمت ايله دولتمه خیانت ایدنلرک جزالری
ویرلسون بیوردقده وزیرده فرمان پادشاهمکدر دیوب چیتدی
وسرای کزوب بعضی آحق قبولری بکچیشدن صورنجه بستانچی
باشی به بیوک والده طرفندن امر اولمه آحق قویدق دبدیلر
وزیرجه سنی قباتدی وایچرو خلقنی سلاخلند یروب تابصباح بکلدیله
بوستانچی باشی علی اغا طشره ده ایدی علی الصباح قتل اولندی
وکرچی باشی وسائرلریده اعدام اولندیله وقت سحرده علما ووزر
وارکان دولت ایچرودن دعوت اولغله سابقا قبضریه ملاسی نعمان
افندی جله دن مقدم سیرایه کلوب ملتفت اولدی (بعده حنفی افندی
وخواجه زاده مسعود افندی بعده بالی زاده کلدیله طلوع شمسد نصکره
پادشاه برنخت وزیر قیامده ال باغلدی وایچ خلقی وسائرلری پرسلان
قات اندرقات سلام یرنده طور دیلر حنفی افندی وخواجه زاده پادشاهم
سن خلیفه سن سکا مخا لغت ایدنلرک قتلری واجبتدر امر ايله
علم رسول الله دیکلسون و منادیله اولی الامر اطاعت ایدنلری چاغرسون
و فتوی و قاضیه سکرلکی اربابنه ویر انشاء الله مخا لغتک جمعینه
انحلال کلور دبدکلرنده لواء سعادت دیکلدی (چونکه) قاضیه سکرل
ایلاغا قبوسنه کیمشلا ایدی نقیب زیرک زاده واستانبول قاضیه سی
بستان زاده وقره چلبی زاده محمود افندی دخی اغا قبوسنه کیتدیله
ومفتی عبدالعزیز افندیله اغارک خاطرلری فدا اولر دیو کلنجه اغارک
بیغنی باله کسمز اولوب یورکلندیله ایدن غموما اورتی جامعه کیدرلریکن
اغابوم صاحب و مقر بلرک ایتدی کلری ندر امور دولته قاریشانلری
استمیر دبدیکم ایچون والده سلطانی اتباعیه قتل ایتدیله قاتی
استرز دیو حایقرنجه ایچلرندن بری سن والدهنک وارثنی اولدک جوابی
اغایه اشندردی زیرا اغادن قول دلکیر ایدیلر (ماحصل اغار ومفتی
وصدرین اورتی جامعه وارد قلرنده ملغسا مسلح جامعی قوشادوب
آت میدانی لشکر پرسلانجه طوادی (ازین جانب) چون سرایده
لواء محمدی دیکلدی مفتی وصدرین وقاضی اغار یا ننده اولمیرله
ابوسعید افندی به فتوی وحنفی زاده به روم وخواجه زاده به انطولی

قاضیه سکرلکی و بیاضی حسن افندی به استانبول افندیلکی ویرلد کدن
صکره منادیله مسلمان اولان سرایده زیر لواء سعادت کلسون اولی الامر
اطاعت ایتدیوب اورتی جامع جمعینه وارن باغیبلرک قتلرینه فتوی
ویرلشدردیوندا ایتدیله کلر نده برسا عتیده سیرایک ایچی و طشره
حوایسی و طشره میدانی ایچ یغچه دن صوق چشمه به دك باب همایون
اوکنده کی میدان وایاصوفیه حریمی واطرافیه سلطانی احد آخور
قبویه وارنجه پرسلان اهلای ايله طوادی وجهه علما واعیان واغوات
اتباعیه وسپاه وجهه جیلر وسائر اوجاق نفراتی کلدیله واسکی اوطه
ملغاسی اورتی جامعه کیمشلا ایدی علم سعادتک چیتدیغنی اشد کلری کی
عموما باب همایونک ایچرو حوایسنده طواد قلرنده اغار اورتی جامعه در
بو کیفیتی اشدوب خوفلرندن نه ایدیه جکلرین بلزلر ایدی اورتی جامعه
خط کلوب سرکه قول اغاسی و قول کیمشلا سی و بکتاش اغا
سرایاق دیوانمه حاضر اوله سر والا حق کزدن کلور بیورلش
همان قول اغاسی قره چاوش بزدن اوزایه وارر یوق پادشاه اوزریمز
کلورسه دو کوشورز دینجه بونجه حشرات ضروری تابع اولمشلا ایدی
واره لم سنجاغ شریف آلتنده بوانه لم دیو سیرایه جان آندقلر نده
سائر چور به جی و اوطه باشیه لرد فراره حاضر ایدیلر اغار استکلری
درت نفرطواشی به مصاحب وزاغلیلر دن اون آدم دخی ضمه بونلری
ویرک یامصره کوندلرک دیو اورتی جامعه دن عرض حاللرنده اغار نه ویریلور
ونه نی اولنور ایاق دیوانمه کلوب هر نه سوز یکر وارایسه سویلیه سر دیو
خط کوندلرک قول اغاسی اوطه باشی وچور باجیلره اوطه
قبوسنی حراست ایدوب کلنلری ایچرو آلت و ایچرودن کیمسه بی
صالبو یرمیک دیدکده بر بیر اوطه باشی بهی اغا اوطه زده یولاش
قالیوب هب سیرایه کیتدیله دینجه اغار مفتی وعلما حیزان اولیچق
صمصونی عمر قول کیمشلا سته نه طورر سیر پادشاه بزی بر قاج طواشی به
دکشدی شهری بر قاج بردن آتشیوب قوله یغما ایتدیله لم نجله سنی
طرفه دوزلر بعده دوغماوسر حدلر دن یولداش لری کتورده لم پادشاه
شهر اوایله نه قادر اولور دبدکلرنده قول اغاسی بزم تراغز دولت و دنیا به
متعلق در سوزیمز اولدی نه کوزل والا امر الله کدرین جان ایچون

دولته و عباد الله سوء قضه لا یقیدر دینچه بکتاش اغا یوق بوش بره
اولیر کاورلر سه دو کوشورزدیدی آخر کنخدابک خانی جلب ایچون
آتون کتور دوب میدان یغدی و آتون استیان بری کلسون دیواعلان
ایتدیروب بر فرد کلمنجه بکتاش اغایه بره طمکارارناود برنی حالزه قومیوب
افساد ایتدک دیونچیه شتومند نصکره آتونی کبرو کوندردی و شیخ ولیکه
اغارک دائما مستشار و کرمیده لیدر کندینی خسلای ایچون اغار
بقه سز تولدم ظن ایدر سر عالمی خرابه و یردیکر ضیانت عرض ایچون
ضروری قبول یکره ملازم اولدم اراکرده بولمق خطا دردیوسرایه جان
آندی شعبان افندی و صنعی زاده سرایه کیتدیلب و نقیب زبرک زاده
سرایه و اروپ اغتذار ایتکله نقابت ایقا اولدوب صنعی زاده به
تعلیم و فضل اولدی قدسی زاده خجالتدن خانه سندن چیمادی مفتی عزیر
افندی انواع خجالتله یانی کوشکنه و اروپ ایچرو عرض اولدوقده
مأذونا سماتیه ده کی بیچیه سنه کیتدی (پس) اغار بری جانیده یالکر
قالغله قول اغاسی ابو سعید افندی به بن سلطانک قدیمی بنده سیم
دیو ضراعتنامه یازوب اغا لادن استعفا و پادشاهدن استشفاع نیاز
ایلدی و کنخدا بکده لاسلیمان اغایه بزم منصبلر یزدن کچدک
قوشجه جانغری بزه باغشلیک حاشا که بر پادشاهه عاضی اوله یوز
حضور همایونه وارمدیغمز سوء جرأت برید سندن خوفادر دیوتد کره
کوندریچک سبکان باشی حسن اغایه اغالق و کوچک قاسم اغایه
قول کنخدالغی و مصطفی اغایه صمصومنجی باشلیق و یریلوب
اغالقدن معزول قره چاوشه طمشوار و قول کنخدالغیدن چقان
یاد کاره و زارتله بوسنه و بکتاش اغایه بروسه و یریلوب بحال کیتلری
ایچون بوینی یاره او محمد پاشا جعیتکا هارینه کوند زلدی و اروپ
خطی او قودوقده جله سی ضروری فرمان پادشاهمک دیوب مالز مه
ندار کنه باشلدیلر اولکیجه وزیر و مفتی واعیان برای تحفظ سرایده
قالدیلر فرداسی والده شهیده نک جنازه سی سلطان احمد تر به سنه
دفن اولندی و حرم همایوندی جواریسی بعد التجهیز مناسب
کسانه و یرلدی (پس) اولکیجه معزول اغار و کنخدابک ماللرین
بیچیه لینه طاشوب فرداسی منصبلرینه کیتک اوزره شهر دن چکمهجه

حوالہ سندہ کی چادرلرینه کیتدیلب (پس) بکتاش اغا بروسه به کیتیوب
صمصومنجی او طه سندہ اختفا مراد ایتدکده انلرده سکا منصب
و یردیلب کیترا ایسک بیچیه صاحب اولورز دیملر یله جراح جامعی یاننده
تر لکچی محمد خانہ سنه تبدیلا و اروپ کر لکچک طرف پادشاهیدن
مأمورا بویاجی حسن اغا اولمزلی باصدی بکتاش ایسه بر مضیق محله
صقلمشیدی قلیچ اوجیله دورنه رک چقار یلوب خون آلود باغلور کن
بقه بویاجی حسن کل همان اغز مدن بر کفر سوز چقمیدن بنی بونده
اولدر دیمسی استغراب اولور آخر بر بار کبره بنسدریب قوللری باغلو
و ایاقلری بو قاغولی علی ملاء الناس تذلل ایله آقسرایدن سرای همایونه
کتورر صکن اهل سوق مراسم شتوم متو عذبی اجرا ایتدیلب
بکتاش ایسه مکشوف الید مر یوط الرجل بار کبر اوزرنده طال قاوق
قانه مستغرق ایتتی نچدیدنا پار مغین قالدیروب کلمه شهاده
مشغول ایدی اللیدن زیاده آردینه دوشوب بره اور کیدی بی دیرلر ایدی
بو حاله خلق و اطفال جروب و شتوم ایدر رک باب همایونه دک کیتدیلب
نعوذ بالله من مجازات الاعمال و سیئات الافعال (ما حصل بکتاش
سرای همایونده بو غیلوب میتہ سی میدان سیاسته براغلدی و اموال
فراوانی میری به اندقد نصکره اوغلنک دلالتیله منزلده کی حوض آب
یقلوب التده بر حوض مثالی محزنده دوک ریال وایکی کرکم قلاوری
و بیچیه ذقیم اشیاء بولنوب آندی (و بویاجی حسن اغایه خدمتی مقابلی
قپو جیلر کنخدالغی و یرلدی (بعد) اغای سابق قره چاوش
مصطفی اغایه طمشوار و یرلکله چکمهجه قریشده خیامنده ایدی
سلوری قریشده بر غازقریه سنده کی چفتلکنده وارد قره قپودانلق امری
کوندر لمشیدی بویاجی حسن اغا مأمورا و اروپ بنده چکدی و سلوری
اسکله سندن بندیروب سرایده حضور همایونه کتوردکده پادشاه
قول اغاسی سنسن بیور یحق بلی پادشاهم دیو یرا ویدی یانیچون بونچیه
فتنلر قالدر دک دینچه حاشا پادشاهم صوجم بو قدر دیدی یا بونچیه
فتنلری کیم قالدردی دیدکده بکتاش اغا و قول کنخداسی قالدردی
دیدی یاسن اغا دکلمیدک دیدکده پادشاهم انلر مغلبه دن ایدی
سوزلرینه مخالفته قادر دکل ایدم دیدی یا بر قاچ کره سنی خط ایله دعوت

ایندم نیچون کلدك و شمدي تعجب كلدك د نیچدر زان اولوب كلكه
انلر مانع اولورلردی دید كده طشره خقار یلوب بو ستانچی باشی به
ویرلمكده رهضاك یكرمی سكرنده بوغیلوب بیک بشیوز كبسه قدر
نقودی و نیجه تحف اشیا سی میری به اندی (بعده) كخدا بك كه
قول كخدا سی مصطفی اغادر بوسنه ایالتی ویرلمكده یوز یكرمی بیک
التون ایله استانیولدن چیمه شیدی وفادارالورلر زعیله اتبعاعنه آوج
آوج التون و یروب تكفور طاغندن ملغریه طوغری کیتدی مقدما
بكتاش اغا نك قتللی اشتمکین و سوسه ده ایدی بودفعه قره چاوشك
قتللی اشید یك بار پنگاهن تركه یر هكبه التون و جواهر آلوب
برایکی آدمه فرار ایدنجه طوطی ایچون اطرافد اوامر طوغریه
شیخ اوغلی قره جك سمته طوطوب مأور اولان دفتر دارزاده
محمد پاشایه تسلیمده اولمیشدی سر مقطوعنی شیخ اوغلیله استانه
کن و ندردی (منقولدر كه وزیر اعظم دولتک بر قاج ستهلك ایراد
و منارفنی یوقلیوب اغارک مداخله ایتد کلمی اموالک محاسبه سن
کور د كده كخدا بك ایکی سنده اون بشیك كبسه مال میری
آلوب بشیك كبسه سنی اتلاف ایتدیکی متین اولدی بو نكیخی
ایکیمیک كبسهلك قدر نقودی و ییحد تحف اشیا سی میری به اندی
چین فرارنده اموال متروكه سنی اتبعاعنی یغمالیوب قاچشلر ایدی
مشارالیه دفتر دارزاده قرق بوك ایچله لن التون تحصیل ایدوب استانه به
كوندردی (بعده) مفتی عبدالعزیز افندی اغارلر قوتیله شیخ الاسلام
اولمغین اغارک رضاسنی رضای شاهانه اوزرینه ترجیح ایدردی
انکچون بودفعه علم حقیقیدی کون اغاقموسنه اندن ات مبدانه کیتدی
سلطان ابراهیم خلعهده دلزاراغی تغیننه بادی اولمغله بوجه عینیده
اکاقیاس ایتشیدی سابع عشر رمضانده ارپهلق اولمق اوزره ساقزه
كوندرلدی (چون) اغارک دواتی مضمحل اولدی ابراسنی وزیر اعظم
ومفتی و صدیق واعیان دولت خانه لرینه ککلوب تهنیه ایشدیلر
(صاری کاتب دنیلن شخص حبس اولوب ماملکی میری به اندی
كخدا بك جاهل اولوب صاری کاتب السرا ایدمكده والده دن
كخدا بکه و اغارله کلن تذکره له جواب یازردی اغارک بازار اقباله

کساد غلامی کلد كده کلن تذکره لری ملك احمد پاشایه بعده وزیر اعظم
سیاوش پاشایه کورستر مكله کانه اظهار صداقت ایدردی فاما لسانی
بلاسی قتل اوله جغنی اشیدنجه بچا غله کندی کندی ذبح ایلدی
(وعسس باشی عراغا اغارله مستند ایدی اموالی مصادره اولندی
(ودلی برادر خفیه کورچی پاشایه اوتوز كبسه وانك بدیله وزیر یوز یكرمی
كبه و ایکیمیک التون قیتلور قوشاق و یروب عفو اولندی
(ورئیس الکتاب محمد افندی جمعیت کیچه سی وزیر ی اغار طرفه
سوق ایتشیدی تاسع عشر رمضانده وزیر سن سلحدار پاشانك قتلنه
سیپسن دیو حبه و یردی (و ملك احمد پاشایه سلسره و یرلمشکن
ملغریه نفی اولوب كخدا سی غده محمد استانه به استندی (غره شوالده
عیدشریف علوفه سی و یرلدی هر علوفه ده اغار الی بیک غروش
حصه لشورل ایدی بو علوفه ده اولمقدار ایچه میری به قالدی (بوماهده
دارالسعاده اغاسی محمد اغاعزل و لالا سلیمان اغادار السعاده اغاسی
اولدقده اوجاق اغار بیک کوب عزتی انك جبهه سنده طلوع ایتكده
حل و عقد امور دولته کیفماشاء متصرف اولمغه باشلادی (و جلالی
ابراهیم اغا که جلوسده دارالسعاده اغاسی ایدی سلطان ابراهیم
قله سندن اولدیغند نماعدا بیوک والده رأیله اوج دفعه پادشاه معصومه
سوء قصدی شایعدر اولا پادشاهك لبه ختا ننده آت رجولینی
دارالسعاده اغاسی بولمغله طوطوب حددن افزون قان آفتدی
عن قصد طوطوب پادشاهه اهانت ایتدی دیدیلر (ثانی پادشاهی
تراش ایچون برزهر نك اوستره حاضر لیوب اغار واقف اولنجه عظیم
غلاغله اولمشیدی (ثانیا بودفعه کی وقایعدر مزبور مصرده قتل اولوب
اموالی میری به آندی (وسر حلوائی او یس بک بووقعه ده بیوک والده
امریله پادشاهه شربت مسموم ایچورمکه تعهدنه سبب طرد اولندی
(بعدازان) ابازه حسن اغا نك یاننده نیجه الوف کیمه برکشیدی مقدما
طیار اوغلی و چاوش اوغلی محمد پاشا و طوپال پاشا ابشیر پاشایله ابازه به
ملحق اولمغین اطراف و اکنافدن آزرده اولنلرده اول کروه جان
آتمغه باشلیدیلر ابازه اوزرندن ترکن و بوده لغنی الان اق علی اغا اموال
مقرره بی تحصیل و اونیک غروش دخی زیاده الوب ابشیره و یرمكده

ابشیر یاننده ابازه خوفندن امین اولدی ابشیر ابازه جمعیتی کیتدیجه
زیاده انوب قراوقصباتده ایتمک لری قالدی سپاهیله ابشیره بزنسکچون
اسکداره دك واروب مخالفکی قتل وسنی وزیر ایتمدیروب سندن خدمت
وولدش لریمزی الورز دیملریله ابشیر وخامت عاقبتی دوشنوب لسان
ومکتوبله فساددن ابراء ذمت ایدردی واورتوزیک قدر آدمی اولغله
اطرافدن ذخیره بهادیوخر جلق الوب ذخیره جمعه مباشر لر کوندردی
بعدالعید استانه یه کلک اوزره انقره یه کلدکده کدر اوغلنی قتل ایدن
عبدالله پک انقره والیسی ایدی استقبالیله ابشیرک رکابن اوپدکده
ابشیر شمدیلک صوچکی عفو ایتدک وار بزم ویه جک وقوناق
حاضرله دیملکله اولدخی کلوب ذخیره تدارک ایتدی ابشیر انقره یه
کیرنججه سز بکتاش اغا سوریلک کدر اوغلنی کی حلب پایه سیله علمادن
برقمین ملای قتل ایتدی کزدیو عبدالله بکی ویدی سکر نفاعیانی
قتل و بونلرک ظلمه معین بر قاج کیمسه لری صلبه نضکره انقره ده کی
کروه ملقادر اونی بشیک غروش مال امان الدی واسکی شهره
و بعضی برله متسللر دیگوب اطرافه پیور ایدیلر کوندردی اغار
صباغ ایکن وزیر سیاوش پاشا ابازه یه سنکه حسن اغاسن البته جمعیتی
طاغده سن سکار ابو منسوب ویره لم اکر یویله جلالیلک ایدر سنک
مقدم ظهور ایدن جلالیلرک انجام حاللرین ملاحظه ایده سن دیو
یازدقده اولدخی بکتاش وقره چاوش وکنج دایک وصاری کاتب
ودلی برادر وغده کنجدا و صمصونی عمر و تذکره جینک قتل لاری
مرادیمز در دیو یازمشیدی بودقعه اغارک کاری تمام اولیحق وزیر ابازه
کروه نکرده کارینی بر مکچون اشته قتللرین استدیگر سکر آدمک متعینلری
قتل اولندی بعدالایوم طاغیله سر دیو تاتار سلیمان ایله ابازه یه مکتوب
کوندرنججه ابازه اکر چه اغارک قتلنه بمنون اولدی قاما ابشیرک میرملهم
ودورزی یه غیظی اولغین ایالت شام کندویه و طرابلس دیلمدیکی
آدمه والوبه شام کندی ثوابغه ویرلمک نیازیله تاتار سلیمان کنجدا سی
بیرام اغای قوشوب کوندردی وزیر پنه جمعیتی طاغیده سن مأمولکه
مساعده اولور دیو خط همایونی الحیحیحی حاکمی اغا و بیرام اغایله
کوندرنججه ابشیرده مرزورانی عودت ایتدیمکله بیرام وزیر کلوب

واللهی ابشیر صدارتی استمر یاننده کی سپاه البته سکا مهری کتور دیرز
دیملریله صورت طلبیده اولور دینجه وزیر طاع باشندده مهر استمر یونده کلسون
دیددی بعده وزیر ومفتی وارکان دولت حضور همایونده مشورت ایدوب
اناطولی والیسی یوینی اگری محمد پاشا و سلحدار حسین پاشا و صمصونی
باشی مصطفی اغا سهولی جمعیتی دفعه کوندرلدی (بواشاده ابشیرک
پروسه اوزرینده کله جکی طویلوب و بر سپاهی ابشیرک اسکی شهر
صحرانده اوتاغک قورلدیغنی وزیر سو یلینجه درویش محمد پاشایه
اناطولی ویریلوب عسکر ایله بروسه محافظه سنه کوندرلدی و کبه جی
علی اغایله ایکی بیکدن زیاده ملقا کوندرلدی درویش پاشا بروسه یه
واروب اوچبیک کوکلی یازمق بهانه سیله شهر و قراخانه لردن
اونر غروش جعله بروسه اطرافه خندقلر قازدردی (پس) یوینی
اگری محمد پاشا و سائر لری قرب شهرده ابشیره خط همایونی و یروب
برر منصبله قایلرلق و اغارله خدمت ویرلمک و سپاهک مأمور لارینه
مساعده اولمق اوزره تطیب خاطر مقرر اولدقده ابشیر دیوان ایدوب
یونجه زماندر سپاه وقول پدنه نزاع دوشدی غیری سلطان سلیمان
قانونیله عمل اولوب طرفیندن نزاع قطع اولندی دیو حجت یازدیروب
ایکیوزدن زیاده عمده سپاهک اسامیسی حجه درج اولندی صکره
بو حجت کبریلی محمد پاشانک الله کبر مکله بن سره دولته منازعه نیجه
اولور کوستره یم دیو حجتده اولنلری قتل ایلدی ماحصل حجت
آستانه یه کلدکده دفع فساد ایچون امضانوب موجبجه حلب ابشیره
وترکن اغالغی ابازه یه ویرادی و کیچن سنه ترکندن جمع اولان قرق
سکر بیک ریال والده شهیده وقفنه عائد اولغله قیصریه قلعه سنده
محفوظ ایدی ابشیر اولر ریال لاری پادشاهه کوندردی (پس) حلب
وترکن اغالغی امراری ابشیر و ابازه یه کلدکده سپاه کروهنه شمدی
جمعیتله منصبلریمزه کیسک بونلرک دماغی فساد ده در دیرلر یزوراده
طوره لم ستر علوفه نامیه استانبوله کیدک بزد واروب بعد تنظیم المصلح
منصلریمزه کیده لم دیملریله سپاه الدانوب استانبوله کلدیلر ابشیر
و ابازه دن اثر اولنججه خدمت و غلامیه دن مایوس اولدش لری چون وزیر
عرضحال ویردیلر جواب ویریلنججه اغالغی دفتر داری طاغیله

بر قاج کبسه اله بیلدیلر (چون) دارالسعاده اغاسی سلیمان اغاوالده
 و پادشاه یاننده مستقل بالرأی ایدی و وزیر اعظم سیاوش پاشاده
 اغا لک استیصالته و اباز و ابشیرک دفعه سبب مستقل اولغله مستعد
 بالرأی ایدی (بو ائشاده ابشیر و اباز طرفدن دفتر دارامیر پاشا و یرقاج
 کبسه لک باشلری استمکین وزیرک دفتر داره غیظی اولغله عزل
 و حبس و مالی اخذ و خالیجی زاده بی دفتر دار ایتد کده امیر پاشا
 دارالسعاده اغاسنه سلطانم اطلاق اولور سم اوج آیه دک درت بیک
 یوک ایجه مال پادشاهی تحصیلنه متعهدم دیوچک اول دخی وزیر
 خبر کو ندر ووب قورنارنجه وزیر بو شکل وزارتدر که بر عریک محکومی
 اولم دیدی بوسور اغایه یتشدیر لجه یتلدیر نه نفاق کیر ووب فلک وزیردن
 روگردان اولغله باشلدی (ابشیرک هنکام تفرعننده وزیر ابشیره مکتوب
 یاز ووب بنم قرنداشمنه عقلله طالب صدار تسن مقر بین وار ایکن
 کیمسه وزارت ایده مز اول سنکله انلری پرداخت ایده لم بعده مهره
 سنده واصل اولور سن دیو نصح ایتد بیدی ابشیر وزیرک بو مکتوبی
 دارالسعاده اغاسنه کوندرنجه اول دخی والده و پادشاهه قضیه بی
 اعلام و مقتول اغا لک وزیر بو قدر بیک فلور یسنی صاقلدی دیمکله
 والده ده کنخداسی قاسم اغایه نهانی سیاوش پاشانک عزلی لازم کورجی
 محمد پاشا وزارتیه لایق میدر دیوچک قاسم اغاده سیاوش پاشا کورجیدن
 هزار مرتبه اعقلدر اگر عزلی لایدا یسه باری بر صاحب رأی وزیر اواسه
 دیدی مرادی کورجی بلی محمد پاشا ایدی والده شمعی کورجی بی وزیر
 ایده لم ایده مز ایسه یتد ارکی قابلدر دیدی بو مقاله وزیره عکس
 ایتد کده قاسم اغایی خلوتخانه سنه چاغردوب سن بنم پدرم اول سندن
 یو آدمیتی مأمول ایتمز ایدم دید کده قاسم اغاده افتدم بوسوزی کتم ایدک
 یتد کز حیاته اولدجه خدمتکرده بذلقه دور ایدرم دیدی (پس
 دارالسعاده اغاسی کورجینک وزارتیمچون والده و پادشاهه سوز بکر مکه
 سیاوش پاشایی سرایه احضار و مهری جبر ایدندن الد قد نصکره
 کورجی پاشایی حضور همایونه کتوردوب نصف ذی القعدة ده مهری
 یتدینه و یردی سیاوش پاشانک قتلی مصمم ایکن والده راضیه اولمغین
 ماملکی النوب کنخداسی محمد اغایله ملفره یه نفی اولندی (بعده بوسنه

ایالتنه کوندر بلوب اورادن فضلی پاشا آستانه یه اسندی (وزیر سابق
 ملک احمد پاشادن کنخداسی غده محمد استمش بیدی بن صاغ ایکن
 و یرم دیدیسه ده کنخداعاقبت ملاحظه سیله مأذونا آستانه یه کلد کده
 امیر دفتر دارک دفتری موجبجه التیور کبسه پاشا سندن و در تیور
 کبسه کندودن استنوب حبسه و یرلدی (وزیر کورجی پاشا کندی
 قرنداشی جعفر پاشایه شام ایالتی و یروب اق محمد پاشایی عزل ایلدی
 چون) بونی اگری محمد پاشا ابشیر و اباز غایله سنک یتدیکنی عرض
 ایدوب حجت مذکوره بی دولته کوندر مکین سیاوش پاشاده اکا و زار تله
 دیار بگری و یرمشیدی بونی اگری دیار بگری عدم قبولله استانبوله
 کلوب شامه طالب اولدی مکر ابشیر بونی اگری یه سن شام منصبی
 الوب اورادن عسکر ایله و بن حلبدن واروب ملهمدن انتقام اله لم
 دیمش کورجی شامی قرنداشنه و یرنجه بونی اگری بکایاشامی و یر
 یاقبه نشین ایلد کده وزیر البته دیار بکره کیت دینجه بونی اگری سنک
 قرنداشک جعفر پاشا ایکی سوزی بر یره کتوره مزعتوه ایکن شاهه مستحق
 اولده بن بونجه خدمتده بولمخه یکن ندن مستحق اولم دید کده وزیر
 منصب استرسک اشته دیار بکر والاسنک باشک کسرم دینجه سن بنم
 باشم کسه مز سن یازق سکادیو دارالسعاده اغاسنه عرض حال ایدوب
 اورادنده جواب یأس الدی (زیرا بونی اگری سنک ابشیرله مارالبیان اتفاق
 معلوم ایدی اولساعت بونی اگری قنیره یه نفی اولندی (بو ائشاده)
 ابشیر یاننده کی زور بار ایله حلبه و اباز ترکن و یرده لغنه کیتدی
 و قره مان طوپال محمد پاشایه و یرلدی قاطر جی اوغلنه شهر زول
 و یرمشیدی استانبولدن مأذونا قونیه ده اوتوردی ابشیره فرصت
 بولورسک قاطر جی اوغلنی قتل ایله دیو امر کیت کله قاطر جی اوغلی
 اکلفین قونیه نک خندقلرین قاز ووب ندار کده اولدی و ابشیرده افشیره
 واردی بکاش اغا کنخداسی کورجی عمر مختی ایدی وزیر صاصب
 چیقوب قاپوچی باشی ایتدی حین اختفاده قیوجیلر کنخداسی بویاجی
 حسن اغا یوز الی کبسه می الدی دیو دعوی ایلدی قره چاوش
 مالشند بره کبه فلوری الدی دیمکله بویاجی حسن اغا طمشوار
 ایالتنه کوله سنجاغنه نفی اولندی (والده کنخداسی قاسم اغا که مقدمه

والده به کورجی پاشا ضدارت از بانی دکلدر دیمکله وزیر و دارالسعادة
اغاسی فرصت کوزه درلردی والده قاسم اغایه دولتک ایرادی آز
مصرفی چوق کورجیدنده بر خدمت وجوده کلدی دیدکده اولدخی
کوپریلی محمد پاشا وزیر اولورسه بواشک عهده سنندن کلور دینجه
والده او یله بینام آدمه نیجه مهر و یریلور دیدی (سلطانم ابتدا
قبه نشین بعده وزیر ایدرسن دیمکله والده پادشاهه سویلیوب
پادشاهده دارالسعادة اغاسنه کوپریلی محمد پاشا صاحب رأی و تدبیر
ایمش قبه نشین ایدلم دیدکده اغاده معقول دیو کورجی پاشای آگاه
ایتمکین اولکون کوپریلی کوستندله نفی اولندی (واندن اغاووزیر والده به
کنخدا کز قاسم اغا مهری کوپریلی محمد پاشایه البور مکچون سلطانه
بشیوز کبسه و یرمش دیوشایدن برینی کنخدا ایدک شو یعنی سوز
باتسون دیدکلرنده والده اینانوب قهوه جی محمد کنخدا اولوب قاسم اغا
خانه سنده اوتورسن دیمکله بیچاره قاسم اغاک مالی آتوب قبریسه
نفی اولندی (بعدازان) محرمده کورجی وزیر مصر دن معزول
طرخونجی احمد پاشای کتوردوب بوزاللی کبسه مال میری استمکله
یدی قله به ویکرمی قدر اتباعنی بابا جعفر زنداننه حبس ایلدی
(وقول اغاسی حسین اغا عزل اولنوب رکا پدار سلیمان اغا اغاق ایل
چیقدی) وایکیمیک سپاهی بشکطاشدن یدی پاره فرانجه سقینه سنه
یتوب کریده کتدیله (اواخر محرمده سقر مواجی بالکزملاغیه ویرلمکین
سپاهیلر علوفه ایچون دفتر دار صاری عبدالله افندی بی طاشلدقدن
صکره ینه هچوملرنده دفتر دار بالاسنیفا عزل اولدی (دفتر دار سابق
ابراهیم پاشا علبل و بی مجال ایدی مقدما ذمتده چیقان ایکوز
کبسه بی تعداد ایلنه دفتر دار اولدیه ده بکرمی ایکی کونصره فوت
اولغین امیر پاشا ینه دفتر دار اولدی (قول کنخدا سی کوچک قاسم اغا
مصر دن کلان طرخونجی احمد پاشای وزیر و سورنا زن مصطفی
پاشای دفتر دار ایتک داعیه سنه دوشمکین عزل اولوب بانه به
کوندرلدی و ترخونی و سورنا زنده نفی اولندی (ربیع الاولده بعض
غلمان خاصه نک دارالسعادة اغاسنه سوء قصد ایده جکاری طویلغله
بیوک او طه دن اون ایکی غلمان سپاهیلاک ایل چیقارلدی (بوانشاده)

خروات بی زرین اوغلی وندیک قلیونلرندن نوه سوا حلینه دوکیلان
ملاعین ایل زادره قلعه سنی اخذ و موستاره قصدلرنده موستاردن
سکزیور دلاور چیقوب جنکله کفاری بوزدیله فامادرتیوز قدر دلاور
شهبداولدی بوسنه محافظی سیاوش پاشایه فریادجی کلوب پاشاده
اوجیک آدم کوندر دیمسه ده شتادن او جیوزی فوت اولنجه احوالی
دولته عرض و موستار یلرک خون آلود فریاد نامه لرین کوندردی
ربیع الاخرده واروب مفتی حضور هه ایلونده کورجی وزیر بزرگ
بو خصوصه تدارک کورک دیمز میدک دیدکده وزیر النان بر پلنقه در
نه انلره ونه بزه یار دیومصائب سیر حدی کالعدم فرض ایتدی ولکن
کفارک طغیانغی سویلمکله اوجیک قدر ملغیا حصکی حسن اغایله
سیاوش پاشایه کوندرلدی مقدر ما کفار کلپس قلعه سنی استیلارنده
طولا سکز و عرضادرت کونلک محله کی ممالکی آلمش لرایدی (بودقه
زرین اوغلی جنرال ایل موستاره قصد و زادره قلعه سنی محاصره
ایتدیله قلعه ده کی اوچوز قدر مسلمین امداد دن مأیوسا قلعه بی
ویرد کلرنده ملاعین بوخسار تندنصره اطفال مؤمنینی مادرینه
قارشو دوپاره ایتدیله (بعده ذکورا وانا جمع ایتدکاری اسیرانی
قلیونلرینه طولدر دیلر و قلعه به التیوز تفک انداز براغوب اطراف
غارته باشدیله سیاوش پاشا طویوب اوزر لرینه وارمی اوزره ایکن
کافر زادره بی تخریب ایدوب قاجدینغی خبری کلدی (یوارالق)
فاطر جی اوغلی لارنده دن یرمقوله خانونی برآدمینه استدی امتناع
اولیحق درتیک قدر آدمله لارنده بی محاصره و عورتی الوب عظیم
فساد ایتدی (چون) ابشیر پاشا مکمل قیوایله حلبه واردی اعیانندن
کنخدا یری صالحم محمد بکرمی کبسه و سائر تحف و سردار قره سلیمان بکرمی
کبسه و پردونانش آت و اعیان سائرده نقود و تحف هدایا ویرد کلرنده
ابشیرده فقرای حایت ایدوب نیکاملغی اطرافه و دولته طاغاد قد نصره
خارج حلبه اوتاق قوروب خله اعیان ولایتی بعد الصیافه سپاه ایل
قولی بارشدردی و بر قانوننامه دوزوب هر منصب اهلنه و یرله ورشوت
و جائزه النیه و امرا و قضات اوچ سنه دن مقدم عزل اولیه و سکه
نصیح اولنه و امور دین و دوات شرع و قانون ایل تنقیح اولنه دیو

یازدردی و بوقانوندن رجوع ایتمکسه سپاه و قوله بین غلبه
 ایندرد کد نصره دیار بکرو بغداد و ارض روم و سیواس و قره مان و سار
 اناتولی و لایه لایه مکتوب لر کوندر و بوز خضرده قول و امر
 و بکک بکک بوقانونی نموده مرعش چارینه کله تخلف ایندک
 حقندن کوندر و یازدی (طرابلس و البسی عمر پاشا ابشیردن خوف
 قره مانده قاطرچی اوغلنه کلشیدی قاطرچی اوغلی ابشیرک مکتوبی
 عمر پاشایه کونستروب ابشیرک اغاسنه باقی بره حریف طاغ باشند
 حرامی ایدم حق تعالی بکابویه احسان ایتدی پادشاه نصر تندن دوغم
 پاشاک اوزریمه کلورسه التیبیک یرار عسکرم و ارباصوب قرارم
 وار اشتدیکک کبی سویله بره خیه عورتلی کیدیلر دیو طشره ایلدی
 (بواشاده) لارنده خلقی عرض و محضرایله دولته کلوب قاطرچی اوغلنک
 ایندیکی وقایعی مفتی و وزیر افاده لرنده وزیر جواب شافی و برمدی
 (بواشاده) ابشیرک اطرافه بوجه بالامکتوب کوندر دیکی اشیدلده
 سیاوش پاشا تحریریکله در دیو سیاوش پاشا روم ایل ابالته قالدیر بلوب
 روم ایل و البسی فضلی پاشا بوسنه به کوندرلدی (وینه) جادی الاولده
 اقدام شاهانه ایله قرق پاره قدرغه حاضرانوب موجود اولان کور کچی
 انجق اوتوزینه کفایتله اونی کور کچیسر قالدیده استانیول و اطرافده کی
 سئله و بیکارلری طولدر دیر (وکریده) خزینه کوندر لک مهم اولوب
 نخرینه ده مضایقه اولمغه اطرافه محصلر کوندرلدی و قیودان پانایه سن
 فلان ساحله وارد قده محصلر شوقدر کبسه بی سکا تسلیم ایده جکک شو
 مقداری سنک و شومقدار بی کریده کتوردیلند کده قیودان پاشا اوزیره
 سلطانم بوش لقلقه ایله دوغما کتمزد بجه وزیر سن به بروق قولسن نه دیر لسه
 اویله ایله دیدی قیودان ینه سو یلنجیک وزیر سنک باشکی کسوب
 سوزیمی دکلیه فی قیودان ایدرم دیدکده قیودان سکوت ایدوب کیتدی
 (بعده ازان) خامس جادی الاخرده مصر دن عرض و محضر
 و دفتر کلوب حضور همایونده بوسنه حاصلات آرا اولمغه مطالب
 اولان بقایاک بعضی عزل اولان ترخونی احمد پاشاده در حالا
 والی مصر طواشی عبدالرحمن پاشا اکثر مالی یکی نفر اغاره و طواشی لره
 صرف ایتدی بوضو رتبه جیب خر جلی و سار عوائد و هدایا قطع

و یا تقلیل اولوب و ایلر عوائد نامیه بر شیشه قارشیمه یا خود بر وجه تأیید
 متصرف اوله بوضو رتبه طرف همایونه جیب خر جلی اولور
 والا لایه شلر (وزیر و مفتی و حنفی افندی معقول دیوب مقتضای سجه
 خط یازیلور کن خواجه زاده مسعود افندی پادشاه ولات مصر
 حالا اوچر دور درینک کبسه ایله عزل اولور لر بو عرض و محضر
 و دفتر والینک رأیله در مراد لری مصری تأیید آلمقدرم مصر الدن
 چیقارمه حرمینه حکمکن اولمزدید کده والده و دارالسعاده اغاسی
 تصدیق اید یچک وزیر مسعود افندی به صوص دیدی مسعود افندی
 بونده ده می صوص دیر سن پادشاهه حق سو یلیدر د بجه جواب
 شافسی مجلس آخره قالدی (بعده پادشاه استانیولده لحم سکره
 صاتیلور کی نیچون بولمز یورد قده وزیر و مفتی و سار لری پادشاهم
 ات و یتمک و هر شیء دولته کده فراواندر دیدیلر خواجه زاده پادشاهم
 حالا نرخمورینه باقلمز و شهرده لحم بولمز ظاهرده بهاسی سکره و لکن
 سمورات کز اوجه اوزاون ایکبشر اجهیه صاتیلور دیدی فرداسی
 خواجه زاده دعوتله بالکر حضوره واروب امور دواته داتر کلمات خفیه
 اولدی بوقضیه ره پناه کاه وزیر عزل اوله جق و کاه اغا حقیقه جق
 دیواستانیولده اراجیف چوغالد قده وزیر دارالسعاده اغاسنه واروب
 بی عزل و نفیدن قنغسنی ایده جک ایسه کز ایدک بویه و رارتدن
 موت اهو ندر دیدکده اغا و مقر بین هر قدر مصالح دولت مشوش ایسه ده
 کورجی پاشا کندی ایشلرینه یاراد یغندن خلقک لسانی قطع ایچون
 تأیید صدارتی حاوی وزیر خط شریف و خنجر و خلعت کوندر دیر
 (وینه اوائل جادی الاخرده قیودان علی پاشا دوغما ایله آق دیکره
 متوجه اولدی لکن اسکی استانیول اوکنده اون طقوز پاره سفاین
 کفار اولمغه قیودان بوغازده یر کافر طوطردی و سویلدوب استانیوله
 کوندردی اول کافر بواون طقوز پاره قلیون کفارک قره غوللر بدر
 دوغمانی کیروده مراد لری بوغاز حصار بی تخریدر د بجه بوغاز
 حصار لری محافظه سنه عسکر ایله یوسف پاشا کوندرلدی (فاما قیودان
 مغربه قاچدی سوزی حقیقه دی بر کون مقدم ایسه مکتوبی کلدیکه
 کفار کباری بوغاز اوکنده اولمغه دوغمانی چبقارمق کوچدر دفعه

سفاین یوغاز ایچنه طاغیلوب دونما چقمیه جق دیواشاعه اولنه دیمش
(بواشاده حصکی اغاقبودان پاشایه البته جقمیه سن دیو کوندلر لمشیدی
شویله مکتوب کتوردیکه قبودان اشته دونما استد کلرینه
ویرسونلر بکا ایچنه ویرمدیلریدی سکرکی ایله قورصاناق
ایدوب بچو نرم کیچن سنه بونجه خسارت اولدی عسکر بکا
منقاد دکل ایکن کفار اوزرینه نیچه وار یلور عفو اتسونلردیو
یازمش (اواخر شهر مذ کورده قبوداندن وزیر مکتوب کلوب که اریکیری
اسکی استانبول اوکنده ایدی قبودان پاشا درده بی قویوب ید که بنمش
و برابله مظلومه ده سکر بکا کیلر بله خفیه یوغازدن داشره اولمش بعه
سار کیری کلیبولیده قویوب قره دن مدلولو قارشو سنده اول کیلره مهمات
یوکلدوب بکار کیلر بله ساقزه توجه ایلمش علی الصباح کفار طیوب
تعقیب ایندی لر ایسه ده فرطنه دن ایکی معظم قلیون و اوج ماونه لری
پاره لنوب ماعه داسی لنی اوکنده لنگر برایشلر قره یتاق بک کزوده ایدی
مالنه کیری اسیر ایندی لر صکره بریوک کافرایله مبادله اولندی (آق دکر
قورصانلرندن ییلان دلی نام فرخته بی بک پاره مکمل فرقتسه ایله
اطه لر ارا سنده کزرتکی برکافر قلیونی براطه رعایا سنندن کلیتو مال آلمش
وعسکری طشره چیقوب قلیونده یکرمی قدر کافر قالمش مرقوم
ییلان دلی قلیونی اخذ و مالی غنیمت ایندی و میر علم حسن پاشا محافظه سنه
مأمور اولد بی بوزجه اطه یه واصل اولدی (وقودان علی پاشا
کریده واروب مهماتی اولاشدر دیسه ده توفیق سزا کنده یار عزل اولوب
قبودانلق درویش محمد پاشایه و برلدی (بوارالق) کفار متعینلرندن
یری اسلامه کلوب کرید سردارینه دولتلو بکا ایکی بیک غازی قوش
آق تابه بی فتح ایده یم دید که سردار ده آق تابه نیچه فتح اولور
تحت زمینی جبهه القدر دیدی برکون اولملعون مرتد اولوب قلعه یه
قاچمشیدی (بواشاده بر قاج بیک کافرایله اردو بی باصوب خیلی جنکله
نیچه غازی شهید اولدیسه ده کافراک جله سی قلیبدن بکدی (چونکه)
ترخونی احمد پاشا یانیده نفی اولغله سلا نیکه مقیم اولدی وزیر اعظم
کورجی پاشا کلایل رای اولوب خدمت صدارتی مشکور اولما غین
ترخونی احمد پاشا صدارته سوق اولوب القارایله استانبول کلدی

فاما کورجی ترخونیدن وسوسه ایدوب محافظه مسند ایچون
بونجه وزرای یوغاز محافظه سی نامبله چقارن اناطولی قاضیه سگری
مسعود افندی در وحالا وزیر اعظمی عزل و یوغاز نفی تدارکنده در
قاضیه سگری عزل ونصبه نه قارشو لر دیو سپاه طائفه سنه تعلیم
وقاضیه سگری بر طرف ایندی لر سکر سره شوقدرشی ویرم دید که
بو کیفیت مسعود افندی طو یغین والده یه خبر اوچروب رای اولندی بی
اوزره ثانی عشر رجیده یارین صره چقوب ترخونی به شام ویر یله چک
وسفر همایون ایچون مشورت اوله جق دیو وزیر حضوره جاغرلدی
علی الصباح وزیر ومفتی و صدرین وارکان یالی کوشکینه کلوب
الی بیسک التون صره کوندلر کدن صکره دونمای همایونه دار سور
آغلغله مسعود افندی ایله وزیر پینده مهمانده تقصیراته متعلق
مشاجره لر اولد قده قول اغاسی مسعود افندی به سن در پاسفری ایندی کی
قلبون اولیچق نه ایش کور یلور دینجه اولدخی در پاسفر پنه وارمدم اما
یلورم بودو لتلی پوش لقلقه ایله دونما و قبودانی چقاروب شمدی
قبودان و دنیایی ایچرویه دعوت ایندی باری قبودان لشره ده فرصت
کوزنسه و بورادن دونما یه مهمات و براسه مصلحت کور ملک منصور
ایدی دیدی (بود فمه دفتر دار وزیره امانه ایله افندی حضر تلی
بود کلوصاحب دولت افندی بک سویله دیه یم صاندی مسعود افندی
دفتر دارک یوزینه حایقروب سن خدمتکده مقیم داول دیدی بوارالق
خاص اوطه پاشی خط همایون کتوروب وزیره مسوندی مضمونده
سنکه وزیر مسن مهریمی ویره سن یورلمش ناچار کورجی مهری و پروب
بونجه سفر لده و سرحد لده عمر کچور دم و صفایلی دین و دوات
خدمتده آغرتدم بندن مهری الملق لایقیمی دینجه مسعود افندی
افندی لر پاشا لر سویلسکره پادشا همز مهرین بومعتوه دن المغله ظلمی
ایتمش اولدی بره معتوه سن تدبیر مصالح دولته عاجز اولدی بکدن پاشقه
خیانتکده ظ هر در کیچن کون اناطولی قاضیه سگری وار ایکن مهری استیم
السونلر دیم بکمی اشته بو مهر اول السونلر دیو استغنا ایندی بک مهر در
اتباع ولوا حقکله دولته از می خیانت ایندی بک یثو ر دید که پاشا و سار لری
میهوت اولدی لر اولجل جله ارکان دعوتله حضور همایونه کیدر کن

کورجیده کیمک استیججه بستانچی باشی سز بونده محبوس سکر دیو
 آلیقودی چون حضوره کیرلدی پادشاه کیمی وزیرایدلم دیو اوج دفعه
 سوال یوردیلر آخر مفتی پادشاهم فلانی وزیرایله دیه میر بویاید فرمان
 افندی مکر دیو چک پادشاه بن مهری کیریده سردارم حسین پاشا به
 ویره حکم واحد پاشایی قائمقام ایتدم پیوریجق احمد پاشا برابوب
 مبارکباد دینلد کد نصکره پادشاه حسین پاشا ایچون نه رأی ایدرسر
 پیوردقده استشاره ایچون طشره چیقیلوب اگر حسین پاشا به مهر کیدرسه
 کیریده یوز بیک عسکر کیمک لازمدر حالا کیریده ده کی غزاته
 الی مواجب ویریله چک وار بو طرفدن کیده چک عسکرده ادنی مرتبه
 بر ییلاق مواجب المیججه کیمزلر بوضورتده درتیک یوک ایچقه و یوسدال بها
 و سائر مهمات کیریده کوندر ملک لازم او اور دنیجک ینه حضوره
 کیریلوب استیجواب اولندقده مسعود افندی حنفی افندی به پادشاه
 جواب استر دیمکله اولدخی مذاکره اولانان محاذیری سو یلیججه جمله سی
 تصدیق ایتدکلرنده تکرار مشورت اولوب احمد پاشا دونغا احوالی
 و کیرید احوالی و بونده کی مواجبات و مصارفات احوالی تنظیمه
 تعهد ایتکین ینه حضوره کیریلوب احمد پاشا شروط ثلثه بی
 ادایه متعهد اولدی دیدکلرنده پادشاهده سنی وزیر ایتدم افندیلر ایله
 مشورت ایت تقصیرک اولور سه باشک کسرم پیوریجق اولدخی
 برابوب خاکپای همایوندن ایکی التاسم واربری مال میری بی هر کیده
 به اورسم تحصیل ایده یم کیمسه فارشمسون و بریده کورجی پاشا
 افراط اوزره علوفات و مضرتوجیهات ایتش لغواید یم دیمکله
 بروفق ملتس خطلر ویریلوب هر خصوصده مستقل بالرای اولسق
 اوزره برخط شریف دخی ویرادی واندن برای تهیه وزیر سراینه
 کلند کده وزیر مفتی و صدرین وارکانه بن بومقامه لایق دکل ایکن
 حق تعالی احسان ایلدی نظام دولت ایچون یابودر که هر نه دیلرسم
 ایدرم یا خود کله بی ویررم سائر کی رشوت و شفاعتله منصب ویررم
 دیدی کرچه توفیر خزینه و تقلیل مصارفه موفق اولدی لکن اعیان
 و مقرینک خاطر لرین شکست ورجار بن رد ایتکله عاقبت کله بی ویردی
 (کورجی پاشا ایکی کون حبس د نصکره یدی قله به کوندر یلوب

نیجه مدتدن صکره اوخری سنجاغی بعه طمشوار ویرادی کورجینک
 زمان وزارتنی ایکوز اوتوز اوج کوندر اشهر اسماسی اولان کورجی
 عدد نه موافق دوشدی (چون) ترخونی احمد پاشا وزیر اولدی
 خزینهده مضایقه اولدیفندن اهل مناصبک متوللرندن امداد خزینه
 شکنده ایکوز کیمسه استدانه ایتدی وخلق قلیچدن قورقردیو
 زندان و کور کده کی بحر میندن برقاج آدمی لیلانقل و کتاری کوملک
 و صرمه اوچغورلی طون ایله مجمع ناس اولان موضعه بر اقدر دیسه ده
 ظرفای ناس مقتولینک طبانی التندن و اوچندن و خشونت جته سند
 یلمدیلر علما و اعیان و وزیرک تهیه سنده ایکن کمرک و مطبخ و غنه
 امینی حسن اغا کلند کده مفتی سلطانی بوقولکر خدمتده مقیم
 بنده کزدر دیو چک وزیر چین جینله استانبولده ات بولمر بولسانده
 لاشه کی سمور قیون تدارک ایله والاسنی چارپاره ایدوب شهر قیولرینه
 اصارم و بوکون خزینه به اوچوز کیمسه کوندر صکره سنکله
 حسابلشورم دید کده حسن اغا دولت اوچوز کیمسه بوق و سعم مرتبه
 قوللق ایتیم دیو چک اصلاحق کورک اچ و بوکون اوچوز کیمسه بی
 دفتر داره ویرولحومی مبدول ایله چیق ایتد کده حسن اغا یم جانله
 اوچوز کیمسه بی دفتر داره ویردی کورجی پاشا توجیهاتی افو
 و ویرکولرینی قطع ایچون خط ویرلشیدی فسادی منج ایدیکی
 پادشاه افاده اولندقده کورجینک جمله توجیهاتی تقریر ایتدم
 برینه معارضه و قبل حلول الوقت عزل ایتیمه سر دیو خط کلکین
 توجیهاتی برزه مدی (بوانتاده) سلسره ویکبولیدن ملک احمد پاشا دن
 مکتوب کلوب اسلام کرای خان قزاق اتفاقله له اوزرینه واروب
 بالمحاربه اوتوز بیک قدر کفاری هلاک و ییحد اسیر آندیغنی یازمش
 و بودن محافظی مراد پاشا دن مکتوب کلوب قنیزه والیسی اسمعیل
 پاشا واکری والیسی سلیم پاشا کا زنداشته لر اولوب و طمشوار والیسی
 احمد پاشا که ام کلثوم سلطان زوجیدر غافل بولمشریله برکروه
 محارجه به چیقوب ایکی سنجاقلق منازلی کیمسه نک خبری یوغیکن
 مرور و جنات بکنی زنده طوتوب وافر خیمارت ایتدی ذکر اولانان
 ایاتلر باینه توجیه اولمق مأمورلرد بویازمش (وبنه) اون بش پاره

تن قزاغتك قايقلىرى باجلىق قصبه سنى اوروب اهل بسنى قتل وماللىرى
غارتد نصكره مسوره وشله وترقور سوا حلقده قصد كرنند ايندكلىرى
خبرى شعبانده كلكله وزير بوغازه قوريجى كوندردى (چونكه)
دارالسماعده اغاسى سلمى ان اغا خدمت سابقه سنه بناء وجود عظيم
پيدا ايدوب هراوره قارشى له خزان پيدا ايتشيدى فاما ترخونى
وزيرك نصبنده مدخل اولمغه له بزم كى صادق خدمتكارك قدرى
بلمز سوزنمز دكلمز شككده نازك سوزمكه باشلدى (بواشاده يوسف
پاشايه عاتكه سلطان نكا حلقوب مجلس عقدده كى وزرا وعلمايه
ويريله جك خلعتلر دارالسماعده اغاسنه اصمرا ندقده نه التون وار
ونه كورك وار ديو والده يه حددن زياده سوزسوز يلمكه عزل اولوب
مصره كيمكه ماذون اولدى ويرينه اسكى سراى اغاسى بيرام اغا
دارالسماعده اغاسى اولدى (وينه) قره دكرده اراق اشقباسنك
تأديي لازم اولمىن دوغمانظارنه كيدن شهباز پاشا اون پاره قدرغه ايله
قره دكره سردار تعيين اولدى (وينه) اوائل رمضانده بىك قدر سپاه
وچاوش ومتفرقه وقبوجى وغير يارعلوفه ايچون دفتر دار امير پاشاك
قوناغنى باصوب اموالى بغمالمريله سوزنازن مصطفى پاشايه دفتر دار
اولدى (بواشاده) شهباز پاشا اون پاره جكدري ايله روم ايلي سوا حلقده
قراق آرركن قراق قايقلىرى سينوب طرفنده اق لمانه يقين برساحل
باصوب انده اولدقلى طويلفله پاشا اول طرفه جكدريوب درت پاره
قدرغه فورطنه دن صولمغىن يدكه الوب كيدر كن كفار اون اتى پاره
شايقه وفايق ايله اق لماندن برواستيفان لمانه كلوب قدرغه لى كورنجه
سوا حلقدن الديغى اسراى مسلمى بعد القتل پاشاييله جنكه حاضرلدى
طوب محلقه ياقلمدين ملغا كىلر ين ايلرو سورد يلكفار بونلره برياليم
طوب وتفنك بوشالديغى كى الارغه اولديلر پاشا ايريشوب جنكه
باشلدقده الارغه ده كى قدرغه ره خبر كوندردى كى ديلر ككفار
پاشا قدرغه سنى اورتا يه الوب خبلى جنك اولدى وايكى پاره كافر
شيقه لى پاشاك شيقه سى طرفينه يتاشد يلك ايسه ده پاشا شيقه لى
باتردى اخشام اولنجه كفار دريا يه كيدوب بونلر سينوبه كلكلر نده پاشا
نافرمانلىق ايدن قدرغه قبودانلر ين صلب مراد ايدنجه بز قول طاقه سندن

ديدكلىر نده پاشا احوالى دوتنه يازدى (وينه) مفتى ابوسعيد افنديك
نايچا ده حر كندن علماء عوما اياغه قاقه غله رمضانك ايكسمنده عزل
وبهائى افندى مفتى اولدى (وزير سابق كورجى پاشاك مالى المتوب
بو وقته قدريدى قله ده محبوس ايدى باشى عقرب صوقغله مفتى
جديد ز جاسيله اوخري سنجاغى ويرلدى (وشهباز پاشا اون پاره
قدرغه ايله منهرما استانبوله كلوب وزير معتمد محمدك اوغلى حسين
مخاربه ده معاونت ايتوب انهرامه سبب مستقل اولدى ديوجك
وزير مزبور محمدى آصدى ودفتر دار سوزنازن پاشا قلت اموال
خرينه دن شكايات ايتكىن وزرا ومفتى واركان حضورده مشورت ايدوب
جميع ابالت صاحبلى تحملى كوره شوقدر ابقه قناعته شومقدار ينى
هر سنه استانه يه كوندرك اوزره هر منصبه حاليجه مال ارساليه
باغلقوب بعد اليوم بونلردن مصر كى مال كلسون وزعامت وخالصردنده
كفايتدن زياده سى مبرى به باغلقسون ديو قرار وبريلچك وزير كندى
خالصردن مبرى به يكرمى بىك غروش باغلقدى و بونلر بيردن سنه ده
يديوز بىك غروش حاصل اوله جنى بيلندى (و بمالك محروسه ده كى
بهره كرمندن بررريال طواحين التيق اوزره وامر يازيلوب بونلر نده سنه ده
يوز بىك غروش حاصل اوله جنى بيلندى (و بلاد اسلاميه نك
هر منزله بر ايكبشر غروش صالمنق رأى اولنديسه ده فتنه خوفندن
چله سندن فراغت اولدى (ترخونى ابتداء وزارتنده امور نرخ
واحوال فقر ايله قيد كوستر مشيرى مكر بر نمايش ايمش اسعار دن
ايقار الدى مثلاً رغن شمع يكرمى ابقه يه ايكن يكرمى سكره چيقاردى
سوزا زانجه يكرمى ايكنى به ايندردى فاما قيه عثمانيكه درتيوز
درهم در شمع ماده سنده اوچيوز فرق درهم موم بروقيه اعتبار اولسه
تا كه درتيوز درهم يكرمى سكره اريشه بوبيله براعجوبه غير مسبوق المثل
ايجاد ايتككه پاشا قيه سى ديوسو بيلندى (اواسط شوالده كفار قلوبلر
بو غازدن كيمكىن دو نغماي همايون بو غاز محافظه سندن كلدى
تاتار خاك اوتوپك قدرله كفارى قيرديغى متحقق اولدى (قبودان
درويش محمد پاشا استانه يه استانمشيدى و اخر شوالده عظيم الاى ايله
كلدى واقما كوچك احمد پاشا نصكره بوييله مكمل قبولى وزير كورلر ندر

طشهره دهیدی بیک آبهیم اصادردی حالا آینه سواری و پیاده تخمینا
ایکبیک دلاور و اریدی قاما ظلمیده بقین زمانده اشیدلمشدر ایکی کپسه
الای کوشکی او کندن دخان ایچهرک کچمکله پادشاه کوروب دحانی
یساغ ایتدی (ترخونی وزیر مصر دن عزل اولوب عبدالرحمن پاشا
نصب اولدقدده ترخونیک ماملکن الوب جوز عظیم ایتشیدی
عبدالرحمن باغانی انعام قصیدله آستانهیه استدی (بعداران) محرمده
مفتی قزاق خطمانیدن مکتوب کتوزن شخص شویله نفریر ایتدی که
خطمانله تنهاسو یلشدم مقدا قاسم پاشاده برترسانه لیک اسیری
ایکن اسلامه کیش وفرصت بولوب ولایتنه قاچش و برارانی حسیله
خطمان اولش انجق محبت دین محمدی قلمبده جایکیر اولمغله
دین و دولته خلوصله بل باغیش ولکن بو کیفیتی باشنده کی قزاق
طائفه سنه بانددر میوب فقد خانه بیلدر مش خان اعتماد ایتمیچک
نماز مغربی خانه قیلوب قرآن عظیم تلاوت ایتکله خاندۀ اعتماد ایتش
صکره قزاق بو احوالی طیوب قتلنه قصدلرنده رنعلرنجه یمین ایدوب
برکبساناسیله اناندر مش مکتوبنده حالا او چپوز بیک قزاغه مالک
اولوب پادشاه اسلام قولو غنه بل باغیشم همان بکا خدمت
یورسونلر جان و باشله چالشورم دیمش شخص مذکور شویله تبلیغ
پسام ایتدی که خطمانک اوغلیکه حالا افلاق و یوده سی داماد پدر
قرقیق تفک اندازۀ مانکدر مقدا افلاق بکلرندن برینک قزی
استانه ده رهن ایدی مراد پاشا زمانده افلاق و یوده سندن بکنتاش اغا
وافرمال میوب قزی کوندرد که خطمان او غلنه و یروب افلاقه
قزاق متحد اولشیدی و یوتقریب بکنتاش اغا خطمانک قیو کتخداسی
اولمغله بکنتاش اغانک قتلنه بمحضور اولدیغنی سویلیدی (بوندن اقدام)
تاتار خانه قلیچ قفتان کتوزن میر علم احمد اغا بواشاده کلوب دیرکه
خان کتوز دیکیم قونتوشک یانکز صول یکن کلوب روی نه عظیم
کسترمیدی و قلیچی او کتله قویدی باقدی و بکا خطاب ایدوب
بنم قلعده ایکی معین کافر اسیرم و اریدی استانبوله قاچدقلرنده
و کلای دولت کتاره صائمش لرنم ایسه نیچه معین میرزالیم کفارده
اول ایکی اسیرله ایکوز معین مسلمانی اسیر لکدن قور تار مغیچون

کفارله خبر اشمش ایدم بزه بوغدرک معناسی ندر قزاغی منع ایتسم قزاق
عالمی خراب ایدردی امیدی البته اول ایکی اسیری کتوز دوب بکا
کوندرسونلر و حاضرده اسیرمن اولمغله بود فمه پادشاهه جواری تدارک
اولمغدی دیوبنی کوندردی و بنده خان قلیرونده قین ایدوب قزاق و افلاق
کندویه رام اولدقلرند نماعدا ایکوز بیک تاتار کندویه فرمانبردر
وقالموق طائفه سندن قرق الی بیک شیاطینی طونه حواله سنه کچر مکله
اورغون و تاراج استیالرا طرافدن درنکه الحاقده در و بغدادانی بی
انجیمه سن دیوواران اوامره باقیوب بغدادانی اورمق سودا سنده در
طونه مجاهد اولور سه قور قیلور دیدی (بواشاده) خادم عبدالرحمن
پاشا مصر دن معزولا چیقوب یرینه واره جق محمد پاشا حدود
شامده خسته لیمکله جرحه حاکی علی بک جریم ایله بیلدن کلوب
مصری ضبط ایتدی (پس) کورجی پاشاوز یرایکن انکلتزه بالیوسی
توسط صلح ایتکله وندی کدن الحی استمشیدی صفراک اوز طقوزنده کلوب
هر سنه قنده دن جرنیه نامنه یکریمی بک غروش و یریلوب درتوز بیک
غروشده دوغنا خرجی کوندر لک اوزره صلح اولم دید که کلامندن حیلۀ
اکلا شلین ادرنهیه کوندر یلوب حبس اولندی (بوارالق قیودان پاشا
ایمانی و دوغنا او از میچون اجه و برلیدی دیو پادشاهه اعلام و پادشاهده
وزیر عتاینده وزیر پادشاهم او جاققلر دغا عدا شوقدر حوالات
و شوقدر نقد و یردم قناعت ایتزدیدی قیودان خبر بکا شومقدار دن
زیاده اجه و یرمدی یلان سویلر دیوجک وزیر (قیودانی آزار لینجه
قیودان کوکروب بن فتح بغداد دنبر و وزارتله خدمتده یم سن بکا
بویله دیه جک وزیر دکلسن دیو منازعه ایتدی (قیودان پاشا دوغنا
ایچون ممالکدن کورجکی بدلی استمکله بدل تحصیل اولوب کلیچک
قیودان بدلی المیوب کورجکی استمکله براولقدر دخی اجه ضمه کوجه
مطلوب اولان کورجکی بی تدارک ایتدی لر (ومن الحجاب) و آخر
ربیع الاخرده کوز الحصارده عظیم زلزله اولوب اوجیک قدر رجال و نسا
وصبیان هلاک و اولقه دری مجروح اولغین بلا وار ثلرینک ترکه لرینی
میری به قبض ایچون دفتر داردن مباشر و قاضی عسکر دن قسام
کوندردی (بواشاده) خطمان الحیسی کلوب خطمان پادشاهک

فرمانبر بنده سیدر قوت و لشکری افلاق بغدادندن زیاده در شمدی
خان ایله له سفرینه متوجهدر بغدادن حد و دندن بر مقدار یرک باطل
و علم ایالت نامیه توجیهنی نیازیدردیو التماسند کتور دکه مسکنی
اولان برلر توجیهله ایالت براتی و طبل و علم کوندربلوب بغدادنه تعرضی
معقول کورلمدی (خان کندی اتباعنددن بری ایچون اسمعیل تولیتنی
دوانسه یازدقده دارالسعاده اغاسی بیرام اغا تولیتی برتبرداره و یروب
خانک عرضنی یرتدی خان اشید یچک اسمعیل قاضیسه بریرلیغ
کوندروب تولیتی فلان آدمه ضبط ایتدیروب تبرداری طردایله
والاسنی و تبرداری اصارم دیمش قاضی یویراییغی خطمان الحیلرله
وزیراعظمه کوندردی (اقدیجه امداد میری و یرمکله عزل اولان
قول اغاسی سلیمان پاشا مهر ایچون اندرونه بشپوز کبسه عرض
ایتدیسده مساعده اولمندی میری یه یوزاللی کبسه و یرمیوب وزارت
ایچون بشپوز کبسه وعدی غریبدر (چونکه) ابشیر پاشایه حلب و ابازه یه
ترکن و بوده لغی و قونیله حسن اغایه یوزا لوس و بوده لغی و یریلوب
فته باصلمشیدی حسن اغادن شکایت اولغله عزل اولوب بری چاوش
زاده محمد پاشا کنخداسی رضوان اغایه الجدر النوب و یرلدکده چاوش
زاده و ریزه رضوان اغا ترکنی و یرر سکرز فته حاضر در دیدیسده
و یردیلر رضوانده اوچبوز قدر آدمه عزیمت و متسللی قونیله یه واروب
ترکنه تصدی اید یچک حسن اغا قونیله والیسی چوالچی زاده حسن
پاشاک متسللی و قاضی واعیان کنوردوب ترکن و بوده لغی اوچ
سنه یه دک کند و یه توجیه اولمندیغنی مشعر خط همایون چقاریمه
رضوان متسللی ارجاع ایتدی برلدی رضوانک یاقلشدیغنی حسن اغا
طوی یچق ساریمه و ترکن کوندروب حیمانه ده جنک ایتدرمکله رضوانک
یوزاللی قدر آدمی هلاک و کندی زخمدار انقره یه دوشوب احوالی
آستانه نیه بعد الاعلام پیک قدر آدم ایله بنه حرکت اقدام ایلدی
حسن اغا یوکیفیتی طوییمجه ابشیر و ابازه دن وافر آدم کتوردوب
ترکن ایله حاضر اندی رضوان پیک سکرز یوزا دمله قره حصاره
اونغرادقده صاریمجه لر قونیله دن یوریمکله بنه جنک اولوب طرفیندن
وافر آدم دوشدی (وقاطرچی اوغلی حیدر سنجاغنده ایدی رضوانه

نصرت ایچون حسن اغا و زینه سردار تعیین اولمندی (چونکه)
ترخونچی احمد پاشا مقدما دیار بکردن بعد العزل حج شریفه کیدوب
بعد الحج مدینه یه کلدکده مکه قاضیسی اسمعیل زاده محمد افندی یه
روضه مطهره یه جین سنا اولند قده حضرت حبیب اکرم دن
علیه السلام (اولا یو عبدعاسی یه شفاعت لرین رجایله ثابا حرمینه خدمته
وسیلله ایچون ایالت مصرک یوقفیزه منبر اولمستی رجایله دیملکه
اسمعیل زاده اوکجه واحد پاشا اردیجه مواجهده یه واردیلر اسمعیل
زاده ال قالدیروب یار رسول الله امتکدن یو عبد مذنب احمد روز محشرده
شفاعتکی استر و حرمینه خدمته وسیله ایچون مصرک کند و یه
توجیهنی نیازیدردیو دعا ایدوب حاضر و ن آمین دیدیلر دعا خیر اجابتده
اولغله احمد پاشا در عقب مصر والیسی اولوب روضه مطهره
حرمنده واقع بر ساحه ملسا که ماتحت القباب اووقتده دک رمل و تراب
ایدی رخام بسط ایلدی و غلال و جرایسنه حبسه قدر طبع و کتم
ایتدرمدی انجیق مصر خلقنی ایکی صنف بواوب بری امیرالحاج
رضوان پیک و توابی و بری جرجه حاکمی علی پیک و هوادار یازر برا
رضوان پیک بکرمی سنه دن زیاده امیرالحاج اولغله ایکی پیک فقرایه اوجه الله
هر سنه نفقه و جامه و یرردی (سلطان مراد زماننده استا بوله کلوب
دعوتله حضور همایونه کیردکده سلام ایچون قدین خیمنده ایدوب
رستم دامنوس ملوکانه بی ترک اید یچک پادشاه بره ملعون یونجه اعظم
حضور مده یز او پرلر نیچون او پیک دیدکده سعادتلو خنکارم بن
نه خاکم که دامنوسدن استکاف ایدم یوناخیر قولک او تور سنه یه
فریدر امیرالحاج لغله هر سنه دامن بیت الله و حجر مکرم تقبیلی ایلد
مشرف اولان محل کلمه شهادتک زمینوسله تدلانی روا کوردم
و یومعنائی مرچنلو پادشاهمک کمال و دیانت و تقوا سنه و قوفله تحین
خدمت و محض دیانت عدا ایتدم دیدکده پادشاه یو جوابدن امتحین
اولدی یاسن زور بالی ایدوب مصرده بر سرای یاید رمش سنه که
قبوسی سیرایم قیوسندن یوک و کری یوکسک ایش دیوچک بلی پادشاهم
یوک و یوکسکدر امیرالحاج خلق تقریری لوا سعادت مفخر عالم علیه
السلام اول قیودن کیروب چیقار علم شریف سروسرافراز کی

راست یوردرکن مهجته رزینته میل نشیب ایندرمک ایچون قیوی بیوک
 یاپدردم دیدکده سلطان مراد حضرت تلی عفو و عنایت و خلعتله
 امیرالحاجلق خدمتده مقرر و مصره کوندردی (یس) احمد پاشا
 مصردن استانبوله کلوب نیجه شداید نصیره صاحب مهر اولدی
 قیودان پاشا ایچه استدکجه مضایقه امیری به بناء بولنائی بنشد یروب
 هر هفته سپاه علوفه سنی کندی و یرردی و لکن مسند صدارت ایچون
 بیلرندنه تنافر کالده ایدی برکون وزیر و قیودان و دفتر دارترسانه ده
 ایدیلر قیودان دفتر داره البته ایچه بول دیدکده دفتر دارده سکا ایچه بی
 طاشدن کسه جک دکاز یا خزینته جالی معلوم نیچون وقته کوره سهولتله
 ایش کور من سن سن وزیر ايسک بنیده وزیرم و سن بر جلالی ظالم سن
 کردیکلک یرلری خراب ایندکی دیو جک قیودان بن جلالی دکلم سلطان
 مراد بغدادی دشمندن الوب بکا اصمرا لعله اورایه نظام و یروب
 اون سته در وزارتله وارد یغ ایالتلرده ممدوح دیدکده وزیر اعظم
 پاشا قرنداش عیدر هرايش بتر دیو تسکینه چالشدی اما قیودان
 مرد جری اولمغین پاشا حضرت تلی مراد کز قیودان سابقه کورجی
 پاشانک ایندیکی کبی بکاده اوله ایتمک ایسه فارغ اولک دونماتک مهماتنه
 اقتضا ایدن ایچه بی نقد المدخفه قالمی و بر غروش حواله قبول ایتم
 دیدی واقعاور یرو دفتر دارک قیودانه بو وجهله قصه دلی واریدی
 فقط بر مقدار نقد و اوچوز کبسه و ارنجه حوالات و یریلوب تحصیله
 مباشر کوندر لکه قرار و یرلشدی آخر اوچیده حضور همایونده
 مناقشه ایدوب پادشاه و یردن حقیقتی صور دقده پادشاه مقدار
 کفایه نقد و بر مقدار حصولی آسان حوالات و یرلدی دیدی دفعه
 اخیرده قیودان پادشاه ماملکمی دونماتیه صرف ایندم و لکن ونیدک
 دونماتیه و کرید غائله سینه مالم یتمز لالا که بیور عادنا و یره کلدکاری
 قدر مال و یرسون دیدکده یاسکا اوچوز کبسه و یرمشا بیوردیلر
 قیودان حواله تذکره لری کوستروب بکا کرمی کبسه نقد و یردی
 حوالات تحصیل اولنه قدر وقت کینچ مرادی بی اعدام ایندر مکدر دیو
 اغلینجه و یردن دلکیر اولان مقربین قیودانی تصدیق ایند کلرند
 پادشاه وزیر یی چاغردوب سوبلنجه پادشاهم نقدا ایچه بی نزه دن

پوله لم حوالاتدن کلنه دک بدندن صرفله پادشاهمه مالا و بدنا خدمت
 اینسون دیمکله قیودانه سوء قصدی بلندی وزیر ایراد و مصرفی ضبط
 و امور دولتی تصحیح داعیه سیله مقربین و خواصک رجالین طوتمدیغندن
 کندوبی پادشاهه بکد کلرین بیلوب و همه دوشد یسه ده مرادم
 نظام دولت و پادشاه و عباد الله خدمتدناحق یره اولور رسم
 شهید اولورم دیو طورردی (حتی قیودان خصوص نیچون مجلس
 دیگرده پادشاه کندوبی عتابنده پادشاهم مقصودم دولتکه نظام
 و یرمک و ایراد و مصرفی هیچ اولر ایسه تسویه دراستقامت نیچون جلالی
 کندومه دشمن ایندم مهری کچه دیلر سک و یروبی آخر اولدر رسک
 همان برکون اول اولدر دیوب قیودانک تکلیف مالا یطافندن شکایت
 اینشیدی (نوروز دن بشکون مقدم بر سمور خلعت و مجوهر خنجر
 و عطیه ایله خط کلوب القابنده وزیر اعظم مشیر مقیم نظام دولتم
 دیو یازلمغین اتباعی مسرور اولد قلرندنه هی ایچه قیو بنم مقدمه
 قتلدر دیدی قبیل نوروزده دیوانده پاشا قرنداش لربو کون صوک دیوانه
 کلشدر در حقوقی حلال ایدک دیو جک سلطانم نیچون بویه بیور رسن
 حق تعالی نیجه یلار عمر و یره دیدیلر) او ائشاده رسول اللهی علیه السلام
 خوابده کوروب احمد سنی استمزلر بتر طور دک شمد نصیره بزه کل دیو
 مبارک اللریله اشارت و دعوت بیور ملریله قتلی محقق بیلدی کرچه
 پادشاه کندوبیه بر مقدار خاطر مانده او اوب مراد لری عزل و ننی ایدی
 اما بد خواهلر پادشاهم لالاک برادرک سلطان سلیمانی اجلاسه عزیمت
 ایندی عفلر باشمزده یو قدر دیدیلر یوم نوروزده و کلادن پادشاهه
 بر معناد هدا یا کیدر وزیرده هدیه سنی کوندروب قبول اولدقده
 ترسانه به واروب قیودانله تمشیت اموره مشغول ایکن سرایدن حصکی
 اجب السلطان فرماتی تبلیغ ایدیچک خنده زهر آلودله ایدست الوب
 سر نی اللهه اصمرا دق آخرت حقنی حلال ایدک بزه غدر ایدلرده مهر
 اولر دیدکده جلاله سی سلطانم خیر سو یلیک دینجه بن رؤیا می کوردم
 دیوب بر قاج رکعت نماز و توبه و استغفار دنصکره بذل صدقاتله
 حضوره واریچق پادشاه عظیم عقاب ایدوب قالدیرک دیدکده
 پادشاهم نی شرعله اولدر میور سک موجب قتل صوچم یوق ایکی الم

روز هجدهم در کربلا نکه در دیدار شده است با بی بی باشی و غوب و بی بی خور
قبودن طشیر بر اقدی احد پاشا ک سنی الشمس اوج اولوب طقوز بیچق ماه
وزارت ایتدی رحمه الله پس قبودان درویش پاشا احد پاشا بر بنه وزیر
اولد قده چاوش زاده محمد پاشا قبودان اولدی و دفتر دار پاشا غیظی
وارا یکن میرینک ضرورتی اولوب دفتر دارده کار گذار اولد قده انتقام
اخذینه باشمادی و قبودان لغتده وزیر شهیدک و دفتر دارک اچمه دیو
ایکی ایاقلرین بر پاوجیه قوی عیشیدی شمعی ایش باشنه دوشوب خزینه
ندارکنده حالمز نیجه اولوردیو شاشیدی و دفتر داره خلعت کیدروب
علوفه بی تکمیل همت ایدک دیو مودت کوستردی و وزیر مقتولک
یکخداسی مؤمن اغایی حبس ایدوب کونا کون اشکنجه دنسکره
ماملکن الدی و دفتر داره عاقبت ملاحظه سبیله فتور کلکین غره
جادی الاولاده عزل اولوب طمشوار ایلالتی ویرلدی (و باش باقی قولی
نوره لی مصطفی اغایی دفعه دفتر دار ایلدی احد پاشا زمانده
قرداش خطماتنه اسکی طیراق ایالت نامیله ویرلدیسه ده فیصل
بولمشیدی (درویش پاشا وزیر اولد قده افلاق بکی قزینی اوغلنه
البویرن قزاق کفارینه ممالک محروسه دن پرویر ملک مملکت یار ایاق
قومق کیدر دیمکله یوانه دک سن خان حاضر تدرینه متعلق سن
لهرن الدیفک یرلن سکایت طور دیفک یره قناعت و مر اجعتکی خان
طرفنه ایلد دیندی و قبودان چاوش زاده سلخ جادی الاولاده دونما ایلد
بحر سفیده کیتدی (یواننده) حلب اعیانندن صالحم محمد اغا فوت اولوب
حلب والبسی ابشیر پاشا یکریمی بشیک غروش رسم قسمندن قاضیه عسکره
یسک غروش کوندروب و باقبسنی آلد قده دنسکره الشمس کبسه لک
اشباسنیده بالمر ایلد البوب جبراورنه سنه الشمس کبسه بی پاشادن آلدق
دیدرتدی و نیجه متولیدن سنک صالحمه دینک واردردیو قتی چوق
اچمه ل و جرمه ل الدی (و ابشیرک حلبده اوچوز قدر ایچ اوغلانی
اولوب ادنی اغاسی واردیخی قضا دن درت بش کبسه آلد قده
کلز ایکن ابشیر صلاح و تقوی دعواسیله حبس و اثین کونلری صائم
وهر کیجه نهجد و عباداته قائم حر بر لباس کیمز و التوندن خاتم و قوشاق
وساعت قوللغز دخان ایچن یاننده مذموم ایدی و تنها مجلسلرند

طبری و سلف صالحین حکایاتن اوقیدوب قیامتده حالمز نیجه اولوردیو
آغلردی ما حصل ایالت حلب ابشیردن کوردیکی ظلی بروقتده
کوزمش والدینی مالی پروالی آلمشکن بر طاقم خرلا بفهم ابشیری
ولی قیاسیله اتباعی برامزاق ایدر دیرلردی (وزیر اعظم درویش پاشا
قبودان ایکن ابشیر حلب منصبک تمسکندن افزون توابع ولوندانکر
واریمش سار و وزیرا کی دائرة اعتدال و انتقادده مستریح اولک دیو
بازد قده اولدخی ایازه وقعه سنندیر و کان وزرا اعدامی مراد ایتدکلرندن
ضروری یونجه آدمی جمع ایدم و یواننده تفیق اعدا ایلد معروض
قنله کلکله تخلیص جان ایچون یاغزه کلکلسر سن صدر اعظم اولوسکر
طاغیدرز والا ممکن دکل دیمشیدی (درویش پاشا وزیر اولیجی
رضاکر واریسه حلبی آخره ویره لم یوغیسه اوزر یکرده قالسون
همان استانه کلکله مسارعت ایده سیر دیو یاز دیسه ده ابشیر اعتماد
کلکین تعویبقی متضمن جوابلر کوندردی (وینده) نیجه ییلدنبر و
سیاه بلوکلری کابلیخی دور ایتدیر یله میوب نیجه سنک علوفه سنی قالوردی
موردی دفتر دار غیرت ایدوب تمامادور ایتدردی (یواننده) پادشاه
برادر لری شهراده سلطان سلیمان و سلطان احمدی سرایده کی
جشیرا که حبس ایدوب اسکدر نیجه سنه کیتدی (چونکه) یویاجی
حسن اغا خدمتله وجوده کتورمکین قپو جیلر کتخداسی اولمشیدی
بعد زمان بدل جعنه چقد قده رجال و نسائی مختلط زنجیرنده کز دیرردی
حتی در زنجیر عورتلردن محنته تحمل ایده میوب جان ویردکده مینه نک
کردنی زنجیردن تخلیص ایچون مفتاح استنجک جانلری چیقسون دیو
مینه بی یله طاشیمقله خدام ضروری مینه عورتک باشن کسوب جشه سنی
زنجیردن قورتارلردی (یواننده) برکروه مسلمینک صورینی غصبله
خانه سنک جام و شادر و انتدن اقبودوب منزلی گوشه سنده خیرامینه سبیل
چشمه یاپدیرردی (اصحاب شفه مفتی به تشکیلرند مفتی چاغردوب
عباد اللهک صوینه بابشمه دیو ارزلدیسه ده متبه اولدی یونندن اقدم
برزاعم فوت اولد قده زعامتی صغیر اوغلنه ویرلشکن ترخونی وزیر ایکن
مرقوم یویاجی اول زعامتی المشیدی صبی مرزور اسکدارده پادشاه
عرضه انده پادشاه مجانست سن و سال مناسبتله یوانوغلجی بنم زعامت

و بر دیکم دگلی پیور یحیی بلی پادشاهم دیملر به شمدی بویه جی حسنی
قتل وزعامتی بنه صغیره ویره سن دیو وزیر خط کوندر مکن وزیرده
بویاجی حسنی قتل ایتمکله ماملکی میری به الندی (چونکه) عبدالرحمن
پاشا سرایده قپواغاسی ایدی سلطان ابراهیمی شهید ایندر دکن صکره
رخونی احمد پاشا اوزرینه مصره والی اولوب احمد پاشای حبس
وماملکن بعد الاخذ عریان وحقیق استانه به کیندر مکه احمد پاشای
یدی قله ده حبس بعده نفی اولندی (وقتا که احمد پاشا وزیر اولدی
مصری حصکی محمد پاشایه ویردی حصکی محمد پاشا حدود شامده
خسته لنوب متسلمی مصره کلدکه جله اتفاق به عبدالرحمن پاشای
یوسف کوشکنه ایندر دیلر برهفته صکره استانه به استمکن عبدالرحمن
پاشا آستانه به متوجه اولدی (ولکن احمد پاشای ایندیکی خاطر بنه
کلمکله زیاده بطاأله قونیه به کلوب اتباعنه بوفصل ریعه آتلمی
بونده چاپر لدوب استانه به کینم و پادشاهدن یار منصب یاتقا عدر جالدرم
جانی استیان طورسون دیوچک عسکری طاغیلوب همان امکدار لری
قالدی پاشا یا ننده کی ایکبوز الی بیک آتوتک یوز ککبه سنی
خر جلق ایچون خزینه سنده ابقا و ماعداسنی قلا امکدار لره و یروب
قتل اولورسم التونلر سزک اولسون اما آستانه به واروب قورتلورسم
آتوتلری بنه بکا و برک دیدی و (قونیه ده اتلری چایره قیوب آستانه دن
آبانه ظهور ایدر دیو انتظارده ایکن قپو کخدا سندن مکتوب کلوب
احمد پاشاک قتل و درویش پاشاک وزیر اولدیغنی یازمغله عبدالرحمن
پاشا اتباعنه و بر دیک التونلری اخذ و جادی الاخرده استانبوله کلدکه
مهر همایون ایچون پادشاهه بشیوز و والده به یوز ککبه عرض ایتمکله
مصلحت قوت قریبه به کلمشیدی مصر دن محاسبه دفتری کلوب
عبدالرحمن پاشاده وافر مال اولدیغنی یازمغله وزیر اعظم چاغردوب
پاشا قرنداش اشبود دفتر و جینجه زمتکرده شو قدر مال میری وار تسلیم
خزینه ایدک دیوچک اولدخی جواب قطعی ایله بی پروا قلوب کینجه
وزیر و دفتر دار بوتک وضعی وضع دکلدر دیو تفقد اوزره ایکن
مقریندن بری وزیر غافل نه طور رسون خادم مهری آلدی دیو
تذکره کوندر مکن اولسانت وزیر حضور همایونه واروب پادشاهم

عبدالرحمن پاشاده مضر مالنندن ایکی بیک ککبه واروب بر مکده غنادر
ایدر (ومرجوم سلطان ابراهیم بنفسه قتلند مباشر اولمغله ایام فترتده
اموال کثیره جمع ایدوب طشره چیققد قده پادشاهمک تیغ قهر به
جزالین بولان اوجاق اغارینه بر قاج یوز ککبه و بر مکه مصری
تجربیل ایندیکی معلوم همایونلر مصرده ده خزینه به بوقدر
دینی واریکن مهر ایچون پادشاهمه بشیوز ککبه عرض ایلمش قتل
اولدجه پادشاهمه اولان ایکی بیک ککبه دینی ویرمز حقندن کانون
جمله مالی طرف همایوندن الله دیو تلخیص ایدوب والده به دفتر وتذکره
کوندر دی (عبدالرحمن پاشا قیددن آزاده سراینده اوتور رکن قوز
بکچبسی سر عتله کلوب سلطانم پادشاه سبزی استر دیوچک عبدالرحمن
پاشا اتباعنه آخرت حقن حلال ایدک دیوب تجدد وضوء و بر قاج
رکعت نماز واستغفار دکن صکره مصرده بیک بر التونه الیغنی کبلانه
بندی اولو قنکه سراج باشی کبلانی حاضر لدی آت فریاد ایدوب
اولک ایاقلر به زمینی حفر ایدر رک کوزلندن قطرات اشک دو کر دی
پاشا بوکا نولدی دیوچک سراج باشی سلطانم اوچکوندریم یمن
خسته ده کل اصلی بلم دیدکه پاشا اغلیوب اجملرک کلدیکی حیوانک
بله معلومی دیو سرایه واروب حضوره کیردکه پادشاه بره سن ذمتکده بی
مالی نیچون ویرمز سن دیدی پادشاهم جمله مالم سزکدر ویره یم دیرکن
پادشاه قالمیرک دینجه قپو آره سنده بوغیلوب بوقدر بیک ککبه لک مالی
ونقودی الندی (بو ائشاده) حبس اولان اوزون یوسفکه اعظم الظالمین
ایدی یوز اوتوز ککبه و یروب قورتلدی ولکن بعض محاسبه بکا ظالم
دیرلر بندن بوقدر اجه الندی ظلم ایتمس بواقچه بی کچدن الله یم دیمکله
وزیر استیدوب بلا مان قتل ایندی (چونکه) سید محی الدین نامده
همایونده هند پادشاهنه ایلک ایله کوندر لمشیدی هند پادشاهی
شاه جهانکده سید حاجی محمد نام فاضل و دانا الجبسی او آخر رجیده
آستانه به کلوب کتور دیک هدایا که مجموعه ای اوچبوز بیک غروش
قیمتلو بر سور غوجک اوزرنده بر الماس مواجهد شریفده کی الماسک
جرمندن راجع و بر سیف و بر خنجر در رکاب همایونه عرض ایتمکده
ایلی به کرام تام اولدقدن صکره جواب نامه یازیلوب زمره قبضه لی

بر خنجر و یگر می رأس حسنا جواری و بر پسا طلی آت هند پادشاهنه
 هدیه و ایلچی به التي يك التون و كورك و مکمل آت و بر یلوب یانته
 ذوالفقار اغانام خر لایفهم بوستانچی بی ایلچی تعیین ایتدیله و تنبیه ایتدیله که
 وار ایلچی بی خانه که دعوت ایله فاما یانته بر سوز سو یلبم دیرکن
 خلط ایتمه دیدیلر اول دخی ایلچی بی دعوت ایتکله ایلچی خانه سینه
 کلد کده لایعد و ضایح و نکره طعمام دوشنوب میدانه لحنه کلد کده
 ایلچی به هندده لحنه وار میدردینجه ایلچیده ذو خاصه اولمین نباتات
 یارده اقالیم معتدلده قتی از بولور دیدی ایلچینک سوزین ایلکیوب
 سلطانم بو بر نافع شیر روحه قوت و بر دیدی ایلچی خنده ایدوب
 بوماده ریح اولدیغنه شبهه یوق تقارب حزو فدن غیری روحه
 مناسبتی یلم دینجه ایلچینک سوزینی دکل خنده سنیده ایلکدی و همان
 احقانه قهقهه ایدوب سلطانم لطیفه خوشر اما ارناود لک غدا سی
 جیکر اولغله عقلاری زیاده در بو شناق لحنه یدیکچون توانا و بهادر
 اولور ل دید کده ایلچی بیور دیکر قاعده اور زره ارناود ل جکر دار
 و بو شناق لمستریج روز کار اولق اقتضایدر دیوب منقبض اولدی
 نه حال ایسه سفره دن قالق یلوب کیدیله جک وقتده ایلچی به انشاء الله
 جنابکر له یوللرده ذوق ایدر ز دیو جک ایلچیده اوت سیر و سفرده
 چوق اعاجیب غریبه تماشا اولور دیو قالقوب (سبحان من خلق البقر
 علی صورة البشر) بحیثیه نه کورل رفیقمر وار دیه رک سکا تیه
 کیتد کد نصکره حاضر و نه شو کدی ایله ابو مصاحب ایتدی
 او اصطلاح سویلدی بن قبا تور کده سویلدیم دیدی بر قاج کون
 صکره هند ایلچی و زیزه بن یمنه اوغرایه حکم سزک ایلچیکره اورایه
 اوغرامق مشکل سکر مکده مفارقت ایده یوز دیو لسان حالله ایلچینک
 استحقاقیه عدم رضاسنی اشرا ب ایتدیسه ده بری جانبک اول مقوله
 دقایق حاجتی دکل یک معقول دیمایله ناچار حجاز یولده دن کیتدیله
 چونکه (قیودان چاوش زاده محمد پاشا روز خضرده اق دکره
 جیفم شیدی کریده واروب حایه ده اون ابکی یک کیمسه جبه خانه
 و مهمات وضع و سلسله نام حصاری محاصره و شعبانک یگر می درنده
 فتح ایدوب یک بشیور قدر کفازی اسیر و اول قدرینی قلیچدن کچردی

قلعه مزبوره خلقی مطیع و خراجگذار ایدی دیو سردار طرفندن
 سویلدیسه ده اصفا ایتدی و اندن قیودان یوز قدر کبله رد و سه
 وارد قده التمش یاره کفار دو نخاسی قیودانی لیا نده قرق کون محاصره
 ایتدیله بالاخره قیودان بر قاج چکدیری ایله جزیره آردندن را کلبه
 سمتنه کید یچک کفارده کیدوب سائر کیلر قور تلد یلر قاسم و نصکره
 قیودان پاشا دولته کلد کده معزول اولدی (بو ائشاده) ابشیر
 و ابازنه نک باشقه باشقه جمعیتلری واسطتا بوله کلوب دولته
 مداخله ایدنلری پرداخت ایتک تدار کنده اولد قلی ایشیدلیدی
 حتی شوالده سپاه زور بارندن یوسف اغا علوفه ایچون توابعیه
 اسکداره کلد کده قزل بیراق اغاسی شعبان اغا او چیوز قدر آدمه
 ایلا باصوب یوسف اغای وزیره کتور دیککی آنده یوسف اغا
 بوغیلوب در یایه آتلدی (ابازنه حسن اغاده او چنجی کون یالکر توابعیه
 آستانه به کلد کده بکتاش اغا و چاپی کتخدا و امثالی زور بارلر قتلرینه
 سبب مستقل اولدیغندن مظهر التفات بیغایه اولوب یته ترکمن
 اغالغی عرض اولند قده قبول ایتدی (پس) باله فعات ذکری
 کیچن بغداد حاکمینک دختری قرداش قز اغی خطمانه ویر مکله
 بغداد بکی قزاق طایفه سنک مصاهر تیه استظهار ایتشیدی بغداد
 بکنک یاز یچسی افلاق و یوده سی اغاتاتای یانته قاچوب مپانه رین
 افساد ایتکله اغاتاتای بغدادیه یوریمکین بغداد بکیده بری سردار
 ایدوب مسکرله کوندردی مکر اغاتاتای مذکور سردار له بغداد
 بکنه ظفر بو اورسم سنی یک ایدرم دیو مکتو بلشمنلر مکتو یک بری
 بغداد بکنک الله بکنجه سرداری بعدالقتل افلاق عسکری کثیر
 و ولایتم اعیانی پیننه شقاق و تفاق دوشدی دیو جنکدن فراغت
 و خراش و اتبعا عیله ولایتیه عزیمتله خوتنه دکل وارد قده اغاتاتای
 عسکر یله کلوب مذکور یاز یچ بی بغدادیه بک نصیبیه مصلحتی دولته
 یازوب نشانده سنه برات و اسکف و علم رجا ایتدی (بغداد و یوده سی
 دخی دامادی قزاق خطمانه التجا ایدوب خطمانک اوغلی قرقبیک
 قزاق عسکر یله بغدادیه کلد کده نشانده اولان کافر قاچغین یته بغدادی
 ضبط ایدوب سنجار قلعه سنی خطمان او غلنسه ویر مکله اولدخی

عورتی که آستانه دن کیدن معهوده در جله امو الیه قلعیه قویوب
قران عسکر یله افلاق تخریبه کیتدی اغاتای نشانده سنک طردین
اشدیچک افلاق عسکر یله واروب قرقبیک قزاقک سکر بیکنی اسیر
وماعداسنی قیرغله خطمان اوغلی فرارایتد کد نصکره اغاتای ینه
یازیچی بی بک نصب ایدوب سنجار قلعه سنی محاصره ایتدی (خطمان
اوغلی ایسه قلعیه کیرمشیدی افلاق و محارمله عینی قلعه نک واروشنی
احراق و بولدقلرینی قتل و غارت ایتلریله بویامه دک محاصره متمادی
اولدی (غرایبندر که رادول و یوده سنک اوغلی استانبوله کلوب
مرد اولان باباسنک منصبی استردی و رادولک کندیه تغیری
ولدی یوغنیکن سلسله والیسی سیاوش پاشا اوزی صوبو حیدودلرندن
بر کافرک رادول او غلیم دید یکنی اشیدیچک مزبوری کتوردوب
رعایت ایتدیکنی اغاتای اشید نجه بغدادنه نصب ایتدیکی یازیچی به
معارض اولوردیوسه سیاوش پاشایه سکر بیک غروش و یروب
اول مدعی بی اخذ و قتل ایتدی (چونکه) قیودان سابق علی پاشا
مورده بالیه پادرده مقیم ایدی مورخه خانه داندن عبدی بک نام شاب
متمول مورخه خراجی آتشیدی قارلی ایللی سنجاغیده و زارتله
ویریلوب کوندرد کده علی پاشایی بهر حال اله کتوردیوتنبیه اولغنین
اولدخی واروب لواء مزبوری ضبط و خراج جعنه کوندردیکی
زور بار عن قصد علی پاشایه متعلق رعایایی رنجیده زنده علی پاشا
بو خوالیک رعایایی بزه متعلقدر عبدی بک ادبیه طور سون
خراج بهانه سبله تعدی ایتسون یوخسه کندی بیلوردید کده عبدی
بکده بن فرمانله حقوق دیوانیه جعنه مأمورم دیو شاطریله مکتوب
کوندرد کده علی پاشا شاطره براییکی یوزدکنک اوردقد نصکره سنک پاشاک
نه او غلاند که حدین بلبوب بویله خبر لر کوندرد مقدار بی بلدییم
دیو شاطری بعد الارجاع بر مقدار لو ندله حمایت رعیت صورتده
او طوالی به چادر لر قوردی عبدی بک طویلیچق ایلغار ایلله کلوب
خیمه سنده قید و بند نصکره آستانه به کوندرمکین بو یوزدن شان آلوب
مورده دن بر خزینه لک قدر مال تحصیل ایلدی (علی پاشا آستانه به کلجه
حبس اولوب محرمه قدر ایکوز کبسه استندی) (اواننده بالیه پادره

سمت به بحر بی قلیونی یتاشوب خلاف رضای پادشاهی حنطه
آلورکن علی پاشاک اوغلی قلیونی ضبط و ایچنده کی کفاری
تیمورلد کد نصکره حنطه اولدیارده ساکن تیمور اغادن النغله تیمور اغایی
عنائنده اولدخی بافرمان و یردم دیو فرمانی چقاردی مکر جزیره کی
سفاین ریشلری طرف تقریبده بویله او امر تحصیل و ایکی قات
بهاسبله حریرله صائمیه به حریرله بی مهابا ایش کوردر لایمش
ماحصل پاشا زاده قلیونی ایچنده کی کفار ایلله و تیمور اغایی و فرمانی
استانه به کتورد کده وزیر قلیونی اسیر لریله ترسانه به کوندردی و فرمان
قلاندن صوراد قده ساخته در دینلیدی و تیمور اغا اول نهمته بوغلدی
(پو ائشاده) اسلام کرای خان له جوالی استعمال ایچون اتالخی
سفر اغایی اوزی قزاقی خطماننه کوندروب اولدخی لهدن آتار
دلی خانه کوندردیکه له قرالی کیچین سنه دنیرو ولایتده یاز دینی عسکر
و نهمه دن وظیفه ایلله بکرمی بیک تفنک انداز ایلله البادر قلعه سنه
کلوب یوزاللی بیک عسکر ایلله اورزیمزه یور یوب قارت قسطنطنین
قلعه سنه کلشدرخان عالیشان بالذات امداد ایتز سنه ولا یتیزی
خراب ایدردیمکله خاندخی شبرین و مانقط و سنچور بکرینه و سائر
قراجی میرزاه آدمه لر کوندروب توجهن اعلان ایچون بیک قدر
ناناره عثمان اغایی سردار و اوراق اوغلی میرزارندن اسلام میرزایی
قوشوب کوندرد کد نصکره کندیده شوالک بکرمی ید یسینده
پانجه سرایدن بشخی کون کندینک سرحدی اولان فرنگ مان
قلعه سی خندقه قوندی رابع ذی القعدة ده اوزی اوزرنده دیوان بکپنده
واروب اسلام کرای کلکله ایرتسی آق صوبه ایلد کده طرف سلطنتدن
بکراغا قلیچ قفتان کوردی و اندن دمو که پلنقه سنه به به بخلیک
پلنقه سنه وارلد قده خطمان عسکر ندر عثمان اغا کلدی ایرتسی مار قوصقه
وسو کوشکی پلنقه لرینه فارشو ایلد کده برقه دارا تلوا ایلله خطمان
سابق بغداد و یوده سی لپونی ایلله خانه بواشدیلر و خلعتلرین کیوب کپرو
عسکر لر ینه کیتدیلقوغه کوجه احوالی مذاکره اولوب تورلین آریلان
بالیجه و اوصو وافر نطغانق نهرلرینک کارلری قلعه لر و پلنقه لر در کچلرین
اما قیدین خطمانلرینک قرار کاهی اولان پار قلعه سنه و قسطنطنیه وارنجه

واقع اولان ولایتلر معمر در دیو نهر طورلی طرفندن خان یوز بیکدن زیاده
تاتار ایله وقوچار یولی جانینده قزاق عسکری کچوب اوغورلینه
کلان قلعه و پلنقه و قریه لری اوروب مغتم اولدی لر واسیرالمیه رقی ایاد
قلعه سی قرینه کلد کارنده له قرالیده وانکو قلعه سی قرینه کلشیدی
تاتار عسکرینی طوینجه فرار ایتمایله خان دل ایچون بشیوز تاتار ایله
عثمان اغابی کرندردی قرالک البادر وارشاوده کی عسکرینه یازدیغی
مکتوبی کتورن ادملری طویلوب صورلد قده قرالک مرادی سزک
کلدی بککن معمر ولایتلرده قشلاق اییدی عسکر تاتاری اشیدنجه کیر و
دونوب طوزله کارنده خون قلعه سی قرینه اوزیجه پلنقه سینه صغندی
ذخیره سی یوق آتلی زبوندر گیدکده اوزرلینه وارلاق معقول
اولیوب اطرافده کی قلعه وقصبه لری احراق و تخریب و ذخیره لری
کسملک رای اولمغله طابورلینه قریب ویسلان قلعه سنی محاصره
و ذخیره سنی کسد کارنده دشمنه کماله ضعف کلکین بکرمی بیک
نمجه لودن بشیک قالمیوب کیمی اسیر و کیمی هلاک و نیجه سی تاتاره
فاقد قلمنده قرال ضروری خاک وزیری سفر غازی اغابه قدیمدن
ویزه کلدیکم خزینه دغیری تقدیر مال استورسه ویره لم دیو مکتوب
کوندزمکله سفر اخاده خانه عرض ایدنجه خان صلح رضا و پردی
ایش ارلری هر چند بویله فرصت اولمز شونلری بتره لم دیدیلر ایسه ده
خان پراو جاقدن امان دیند کدنصکره سوزیندرمک لایق دکل دیو جک
فرمان سز کدر اما له ولایتک ضبط و ربطی بکارانده در اولولندن
ایکی نفر بیک زاده رهن آلتوب هر سینه خزینه کلدکده ایکی رهن
کتوریلوب تبدیل اولنجه دیو قرار ویرلمکله کلان ادی کوندردیلر
وارد قدمنا چار وکلای له قانجه قلعه سینه کلوب سویلشمکه آدم
استدکارنده خان طرفندن ملاغنی اغا و سفر غازی اغا و ساریش التی
امرا قانجه به وار ییحق له طرفندن قنلا زیوش و امر استندن
اون نفر کافر عسکر ایله جیقوب طرفین حاضرلند قده سفر اغا و شیرین
بکی و سار اغا رقیسانه طرفینده کفاره بزمه بار شمع استر سکر سینه ده
خزیننه کزی و قبیله و یروب پادشاهن ممالکند و قزاق ولایتنه
مضرته اولیده سز و ایکی بکرزاده کزی رهن و یروب دوستلره دوست

و دشمنانم اوزرینه عسکر استدی بکرمده ویره سکر و بوقدر تاتار
و نوغایلر ولایتک زده استدی کلری قلعه و پلنقه و قرادن طویملق
ویزه سکر و الایوز بیکدن زیاده تاتار و نوغای و سکرسان بیک قزاق
ولایتکزی الیادردن وارشاوه به دك یاقوب یبقارل دید کارنده ملاعین
راضی اولوب سزدارل بیک اوغلیله برویوده اوغلی رهن ویردیلر
ومن بعد نقض عهد اولنماق اوزره محرمک بکرمی بشنده عقد
مصالحه دزنصکره دونیابوب اولکجه ویسلان قلعه سینه خانه
یولشدیلر ایکی کونصکره عسکر اسلام خاندن مأذونا چاپوله جیقبدیلر
و خان حضرتلری یصادده کلان عسکر و آغراق ایله جورته اسلاخ
یولشدن کیدوب عسکر تاتار اطرافه یایلمغین نیجه اسیر و طویملق اله رقی
قارت قسطنطنین قلعه سینه کلد کارنده سفر غازی عسکر ایله کلدی
و چاپوله کیدن میر زالده وافر طویملق کتوروب ماه صفرده ولایتلینه
کیتدیلر (بعد از ان) خامس محرمده مراد پاشا بدوندن دعوتله آستانه به
کلوب قبودان پاشا اولدی (و ثالث عشر صفرده مفتی بهایی افندی
وفات ایدوب ابوسعید افندی دفعه ثالثه ده ینه مفتی اولدی (و قبودان
علی پاشا اطلاق اولوب النان سفاین و اشقیاسی ویرلدی (و کربد
سرداری حسین پاشانک یا محاربه اوچبیک قدر کفاری کشته تیغ آبدار
ایندیکنک خبری ربیع الاخرده دوله کلدی (و ینه زاده
سرخنده کی ککین قلعه سی اوزرینه اون ایکینیک کفار کلوب
سردارلینه ریم پایا قرمزی چوقه تاج و کندی صورت منحوسه سیله
منقش سورغوج کوند رمشیدی نیجه و بخار و طوت و غیر بدنده اون
ایکینیک کفار معینه کلوب قلعه مذکوریه محاصره لنده بوسنه والبسی
فضلی پاشا بتالوقه ده بوانوب ایالت عسکرین کوند ریمک بوسنه
خانه دانندن علی بک پاشایه بالنفس کیمیک تکه لی پاشا کی مملکتی کافره می
و یرمک استرسن دیدکده فضلی پاشا ایالت عسکر ایله واروب کفاره
عظیم محاربه و بیکرمیدن زیاده باش قبودانلر ایله بیک ایکوز کافری هلاک
واوچوزنی اسیر ایتمکله سارلری منهر ما فاجدیدلر حتی غازیلر پاشلری
اولان سورغوجلی کافری احاطه لنده ریم پایا کوندردیکی طوپه
صارلمغین پاره پاره ایدوب باشی و سورغوجنی و سار کله و اسیرلری

و طبل و میراقلینی فضلی پاشا آستانه به کوندردی (جادی انولده)
 له الجبسی کلوب بعض هدایای جزئیة ایل به برسم اسب و اوزرنده برسم
 آدم کتوردی (پس) روز خضر دن بشکونصر کمره کهارد و تناسی
 بوغازه کلوب تمسابق او کیده یاتد قلیزنده قیودان سابق علی پاشا اوج
 یاره قدرغه ایله کوندردی که مغرب کیلرینی جمع و کفارت احوالندن
 خبر آله و امر اء بحر دن سویدان زاده محمد پاشا در علیه ده مغلول ایدی
 ترسانه دن قدرغه ویریلوب سفره مأمور اولدی و طرابلسدن یدی یاره
 مکمل و معظم قلیونلر کلکله طرابلس اغاسی محمد اغا ایله قلیونلر قیودانی
 کوچک محمد کاردان اولملر یله قیودان پاشا امور دوتغایی بواکسیله
 مشورت ایدردی برکون قیودان پاشا بونلری حضوره کتوزد و ب
 پادشاه خوش کلدیکزدی بجه کوچک محمد اغا پادشاهم بونجه بلر در
 دشمندن انتقام الندی دولتکده مکمل قالیونلر ایله کلدک یانائل شهادت
 و یا باعث نصرت اوله وز دید کده طرابلس قلیونلر ینک مهمات و آلاقی
 ترسانه دن و ما کولاتی وزیر طر فشدن ویریه دیویدلر ینه خطهایون
 ویردیه ده ترسانه کتخداسی جفاله زاده تعیین اولان باروت و سار مهماتک
 نصفی ویردی و طرابلس قلیونلر ینه قاضیه تعبیر ایتدکاری آلت یکر می بشر
 قنطار اولقی اوزره تعیین اولمشکن اون بشر قنطار ویردی و قلیونلرک
 طوبلری تیمور اولمغله هر قلیونه در در طوب ویرلک بیورلغین
 سقط و عمل مانده لکه یا قلمش در در طوب ویرمکه بونلر ده کتخدایه
 رنجیده خاطر اولدیلر اولکونکه بونلر حضوره کرمکاه پادشاه بونلر
 خلعت و میانه لرنده تقسیم ایچون اون بش کپسه ویرمشیدی ترسانه
 کتخداسی برنده حصه مز واردیو برکپسه سن آلهجه محمد اغا جواب
 مسکت ایله کپسه بی الدقدند نصره نقصان اوزره کوندردیکی مهماتی
 کیر و کوندردی (اتفاق دارالبعاده اغاسی بهرام اغا مأمور طرابلس
 قلیونلر ینه کلوب طرابلس نفراتک او طبه باشی لرندن برجل اسود ایله
 مصاحبت و بجه سنه کنوروب اولیکجه ضیافت ایتدی اثناء کلامده
 او طبه باشی ترسانه کتخداسنک عطیه کپسه لرنک برین آلدیغن و مهماتی
 جیمه نصف ویرمکه کیر و کوندردی کن سویدلی علی الصباح
 قزل اغاسی مصلحتی پادشاهه بلدر بجه قیودان پاشایه عتاب آمیز خبر

کیتد کده کتخدای و اربوب یکر می بش قنطار یدی عدد قواما نیه
 و سار مهمات لازمه بی تمام قلیونلر تسلیم ایلدی (وقیودان پاشا
 احوال محاربه بی طرابلس قیودانلر یله مشورتده انلرده مینه و مپسره
 و قلوب و ساقه ترتیب ایتلر یله بورایی پادشاه به بکندی و یکر می اوج یاره
 استانبول قلیونلر ینه سیواس و البخی طاق و قبحی مصطفی پاشا
 و چتال باش ابراهیم پاشا و قره حصار صاحب کی جان میرزا و قره حصار
 شرقی یکی ایالتلری عسکر یله بندیلر و درتیک قدر ملغسایه قایقلر ایله
 کلیبولیه و اربوب بت کیلر ینه کیرمکه فرمان اولندی (چونکه)
 وزیر اعظم دوتغایک تنظیمه صرف مقدور ایدوب مراد پاشا بی
 قیودان ایلدی مراد پاشاده دستور عظیم الوقار اولمغله وزیر اقران
 معامله سن ایدوب دفتر داره شویله ایتسون بویله ایتسون دیو خبر
 کوندردیکندن وزیر کوجندی دوتغای قالمقی اوزره ایکن قیودانه
 بر قاج کپسه لازم اولوب ترسانه ده ویردن استد کده وزیر شمدی
 مضایقه وار مالکزدن و اربوب صکره برینه قویک دیوچک مراد پاشا
 بن مالیدن زیاده سیله خرچ ایتدم ایچه استدیکنه نیچون رنجیده
 اولور من بر زمان ینده وزیر ایدم قیودانه مهمات لازمه ایچون
 استدکاری قدر ایچه ویردم بیت الملائک امور غزادن اهم نه مصلحتی وار
 دیبجه وزیر سلطان ابراهیم وقعه سن تلخیص ایدوب اولزمان بن سته کده به
 دکادم دیدی (و دفتر داره پاشا بش کپسه استدیکده اولدخی بوقدر مال
 ویرلدی غیر ایچه بوقدر دیدیه ده وزیر ابراهیم له دفتر دار ایچه بی
 قیودان پاشایه ویردی اما اینلری قتالشدی برکون مراد پاشا ترسانه ده
 متفکر ایکن سورنازن باشی احمد اغایی کوروب احمد اغا بو حریف
 بزی پادشاهه کچمکدن کچمز لا لا ابراهیم اغایه سلام ایله جائمی
 پادشاه او غریبه فدا ایتدم اما بو حریف بی بر طرفه آتمقه غزالچون
 چکیلن امکار هبا اولمیه دیدی (واقعا و اثناده وزیر مراد پاشایی کیده
 سردار ودلی حسین پاشایی کیددن کتوردوب قیودان ایتکه قرار
 ویرمشیدی اما خیر خواهلری حسین پاشا مراد پاشا دن استدر شمدی
 دوتغایه ایکن مراد پاشا بی عزل نامناسبد ر دیشلردی اولکون
 مراد پاشا حضوره ایونده کورک کیوب وار دوتغای قادر بیور لمغله

جہادی الاحرار بکرمی برنده دوتغای ہمایونلہ بشکطاش اوکینہ فرداسی
قرقلہ سی اوکینہ وار دقدہ پادشاہ قبودان پاشای استمکلہ حضورہ
واروب عظیم التفات واستماتند نصرہ کایولی بہ کوندردی (وقبودان
سابق علی پاشا اوج پاره قدرغہ ایلہ طشرہ کوندربلایوب کیلربنہ
بشیوزجنہ جی تسلیم اولمشییدی بوزجہ اطہیہ واردقدہ اون بش پاره
مصرسفینہ سیلہ یک کیلریدہ کلایوب بشی کون قبودان پاشایوغازدن
طشرہ جیقیدی (چون) دوتغای ہمایون اعداکیلری مقابلہ واردی
علی پاشایوزجہ اطہدی سفاین ایلہ کفسارکیلرینک آردلرین آلدی
ومدلاووساقر طرفندہ کی یک کیلری وتونبیدن کلن درت پاره
قلیونہ کلایوب یوم سبتہ ترتیب معہود اورزہ دیزبلایوب طلوع شمسیدہ
کلبا نک اللہ اللہ ایلہ کفار اورزینہ یوریدیلر کفسار ایلہ یونلری برقا عہ
کریدہ کیدرل قیاسیلہ سیرایدلر دی دوتغای ہمایون موافق روزکارلہ
کفارہ هجوم ابتدیلر اولاقاسم پاشای امیرقبودان برقلیونہ چایوب
قال عظیمہ فتح ایلدی وطرابلس غازیلریدہ برقلیون مضبوط ابتدیلر
وبرقلیونہ ماونہ چاتمغلہ ایچندہ کی کفارمایوس اولوب قلیونی آتشیلیجہ
دوکیلن کفار اسیر اولدی واسکندریہ لی حمیرقبودان برکافر قلیونیلہ
اوج ساعت جنسک ایدوب کندی ونیچہ مؤمنین شہید اولدیسہ دہ
ملاعینک اکثری قلیچدن یکدکد نصرکہ ملاعین ضروری قلیونلرین
آتشیلیجہ حمیر قبودانک کیسیدہ یانوب دریایہ دوشن مؤمنین وکافرین
فرقتہ وسندالرا ایلہ آاندی (قبودان مراد پاشا برفرقتہ ایلہ متصل
میانہ سفن اسلامیہ دہ کزوب استمالتلر ویردی ومجروحلہ احسابلر
ایدوب اغیارلری جنکہ سورردی (وپا ترونہ قلیونی کفار قلیوننک
قبودانہ هجوم وسائرلر دہ امداد ایریجہ ملاعونلری روم ایللی
کنارینہ صفشدریلر اخر کفارک قبودانہ سی قارہ بہ قریب پرہ
تیمور براقدقدہ بزم پاترونہ مرا ایرلدی وماونہ لریمز کفسار ماونہ لرینی
طویلہ رق برینی شکست ودر حال ضرب دستلہ آلدقارندہ
کفسار قاجدیلر وبرمجروح قلیونلری کیدرکن بتدی وقبودان
پاشا امریہ قدرغہ لکنارہ قریب تیمور براغن قبودانہ قلیوننک
اوزرینہ یوریبوب پاره پاره ایتد کلرندہ ایچندہ کی خنا ازیرناچار

بانندہ کی قدرغہ لرین یاقوب قاجدیلر الحمدللہ تعالی ملاعین منہزم
وقتی خوق کافرکشتہ وغرق اولوب سکزیوزقدر اسیرآندی ویکرمی
اللی پاره کفار قلیوننک سکزی اخذ واحراق اولنوب ماعداسیلہ
کفسار امروز جانبہ کتیدیلر (وجنرال د کوشوب اوغلی وکاتبیری اسیر
اولدیلر و النان کیلرک صفراسندہ بش پاره بیوک طویلر بولندہ
یومخار بہدہ همان بشیوز قدر دلاور شہید اولدیلر) دوتغای ہمایون
اسکی استانبول اوکینہ واردقدہ طونس ومصر قلیونلری کلدیلر
واندن بوزجہ اطہیہ واردقدہ قبودان پاشا کتخداسی قرہ کوز
محمدافندی بی خبر فتحیلہ استانبولہ کوندروب مال ومهمات استمکلہ
وزیراعظم بر موجب دفتر مجروحلہ تقاعد وظیفہ سی ویردی (وکتخدایہ
بشیوز ملغا وبشیوز جیسہ جی وبشیوز طویلی وواتوز قرق کبسہ
ومهمات لازمہ وروب کوندردی واندن دوتغای ہمایون ساقزہ
واردقدہ اون برپارہ جزایر قلیونی کلدی (پس وند کلودوتغایارینک
انہزامنی اشیدنیجہ اون سکز چکدیری والی ماونہ ویکرمی ایکی
پورتون دونادوب مجددا جنرال نصیلہ اطہل آرہ سنہ کوندردیکی
اشیدلادی دوتغای ہمایون ساقز دن اغریوزہ متوجہ اولدقدہ
کفار کیلری دکرمنلکدہ اولدیغی اشید لمکین استندیلہ کیدلدی
(چون) یک کیلریلہ جزیرہ استندیل کارینہ کلدی سیدی احمدپاشا
باشوغلاقیلہ دوتغادن عسکر جیقوب نصف اللیدہ حصاری محاصرہ
ایتدیلر واطرافہ عسکر طاغیلوب ایکی کون ایکی کیچہ قریہلری
احراق ونخریب ووافر مال الدقدہ نصرکہ کفارک دوتغاسی دکرمنلکدہ
اولغہ قبودان پاشا دوتغایلہ اوزرلرینہ واردقدہ دکرمنک رعایاسی
عبودیت ایتدیلر فرداسیکہ سادس عشرین رجیدز کفار دوتغاسیلہ
ظہردن اخسامہ دلک عظیم جنسک اولوب شدت روز کاردن چاتیلہ
مغلہ آیرلدی حتی سیدی احمدپاشانک اولدیغی قلیون کفار دوتغاسنک
ایچنہ ارغرایوب شدت روز کاردن دونہ ممکلہ طوب یاغدر برق منکشہ
جانبہ کیدی واندن قبودان پاشا ساقزہ بعدہ فوجہ بہ واردقدہ ماونہلری
آندہ بر اعوب الی قدر قدرغہ ایلہ اغریوزہ وار یچی سیدی احمد
پاشانک قلیونیدہ کلدی جوقہ اطہل بنہ وکفالونہ اطہ سنہ قصد

اوانه جغنی کفار طوب محافظه به کیتد کوری اشید یلیچک ینده استندیل
اطه سنه عودت و سادس عشرین شعبانده استندیل بعد از تحریک
و تابعی دولته تحریر و مهمات واجه طلبیه کتخداسنی کوندر دکه
وزیر کتخدایی آزارلدی و اندن قبودان ساقزه عودت و تکرار جیفوب
مدلو و امروز واسکرویه اوغرایوب نصف شوالده ساقزه کلدکه
مغرب کیلرینه اذن و یروب نقشه پاره اوزرندن کریده کیدرکن بر قلیون
خبر المغله عبدی پاشا کیدوب صانتورون قربنده قلیونی آلدی
واجازت ویریلن کیلرده ایکی قلیون المغله ایکسینه بودرم حصارینه
کوندرلدی و اندن قاستوری حصاری اوکنه وارلدقه کربد سرداری
کلوب قبودان پاشا ایله کورشدی قبودان پاشاده یا تسووقتی پاشا برده به
کیروب کرید ستمته کیتدی و اندن او اخر ذی القعدة ده ردوسه
کلوب مصر یکی مصر دن فلنک کیمسبله کلورکن ایکی قورصان
قلیونیه ایکی ساعت جنک ایتدیکی اشید ملکین یدی پاره یک کیلری
کوندر یلوب کیمی کتوردیلر که طوپدن غرباله دونوب ایچنده طغوز
آدم قالمش عبدی پاشا اون قدر غه ایله اطلر آره سنی دورد نصکره
قبودان پاشاده حادی عشر ذی القعدة ده ردوسدن کلوب از میرده
بیرام ایتدی و کلیبولیده امراء دریاه اذن و یروب ذی الحجه یکرمی
برنده یدکنده آلتی پاره اقدرمه معکوس اللواء اوزرلنده بوغازی زنجیری
اسیرلایله الای کوستروب شلکرایده رک استانبوله کیردی و آلتان
اسیرانک خمس اولق اوزره سکن یوزدر زنجیر اسیری دیوان همایونه
عرض ایدوب دامنبوسله مشرف اولدقه پادشاه غزاک مبارک اولسون
للا دیوجک بر او یوب غزا پادشاهم کدر بن ادنی قولیکم دینجه اوج
سمور کورک بربری اوزرینه کیدر یلوب بروفق ملتس دریا سفرنده کی
پاشا ار و اغارک منصلری ابقا اولندی (چونکه) مصر والبسی محمد
پاشایه دولتدن رجب اغا کوندر یلوب دوغای همایونه اون بش پاره
مکمل سفاین استمشیدی رجب اغا مصر دن سفینه لری کوندر یوب
آلای کیلریله استانبوله کلورکن مصر سفینه لری اناطولی سواحله
کفارله محکم جنک ایتدیه ده فورتیه دن پراکنده اولوب رجب اغانک
بندیکی قلیونه کفار طوب یا غدر مغله رجب اغا باشند قره ایدوب

قلیون باتد قد نصکره رجب استانبوله کلدی قبودان پاشا ایسه کفاری
بعد الانهزام ساقزه کلوب مصر قلیونلری مهمات و اموال مرتبه
عسکر دن تهی کلجه قبودان پاشا دولته مصر دن ترتیب اولان قلیونلرک
تجهیزته میریدن یوقدر یک غروش تعیین اولمشیدی کلن اون بش
پاره قلیونه شوقدر یوز کسبه صرف اولندی دیوم مصر و البسی
طرفه یازمش حالا قلیونلرده عمله برار طوب و مهمات اولیوب درمه
چاته عمل مانده آدم لرایله برر قوری تکنه اولغله هر برینه بکره بشیر
اوتوزر جبه جی بی بر قویق بهر حال مصر و البسنک حقتدن کلنک
محض عدلدر دیو یاز مغین رجب اغا حبس و مصر و البسنک عزل
اوله جغنی شایع اولدی (مرز یفون مفتیسی عبدالله افندی بی یکن سنه
شهید ایدن دلی سلیمان ودلی محمد و صاریجه بلوک باشی الاجه خاند
برکاریان اوروب سکسان بیگ غروشلق مال الدقد نصکره روم ابلی
و البسی حیدر اغازاده محمد پاشایه انساب ایتدیلر دلی سلیمان و افرمال
عرضبله پاشا دن متسلک آلتی اوزره ایکن وزیر اعظم امر یله ارضرومی
حسن اغا بونلرک اوزرینه وارمغله طرفیندن نیجه کسان مجروح اولوب
حسن اغا مرقوم بلوک باشینک قلیج ایله قولانی کسدکه بلوک باشیده
هول جاناله حسن اغایی شهید ایلدی بالآخره بلوک باشی قتل ودلی سلیمان
واون قدر رفقاسی ودلی محمد طویلوب یوزد قلی کربانک اموالی
ایله وزیره کوندرلدی دلی سلیمان مرز یفون مفتیستی شهید ایشد که
اون درت یاشنده برمه پاره اوغلنی آلمشیدی اوغلانده به کلکله وزیر
بونلری قتل و لاشلرین اسواقه بعد الالقاء مفتی زاده به ملا عینک
اموالندن وافرشی و یروب وطنه کوندردی (بوارالق) تن قزاغی
قره دکره جیفوب ارکلو و وارنه مثلوسوا حله طوقمغله ترسانه ده
سفاین بولنامه عین اسکدار قایق لینه ملغاندیر یلوب محمود پاشا سردار لغیله
قره دکره کوندرلدی قزاقلر باحق حدودند تعرضلرته
سلسلرته دن سیاوش پاشا کلوب قره به جیقان ملا عینی باعیدی
و برشایقه ایله بر مقدار کافر طوتوب ماعداسی دریاه قاجد قلیونده
سیاوش پاشا طویلان کفاری آستانه به کوندر مکین کورکه ویرلدی
محمود پاشا ارکلی به واروب یونجه ظلم و تعدید نصکره آستانه به کلدی

رمضانده افلاق و یوده سی اغاتای هلاک اولمغله بدیوز کبسه نقدی
خزینده کلدی (چونکه) قزل اغاسی بهرام اغا بالاستقلال دولته
صاحب فتح ورتق اولدیغندن جمیع مصلحتده بدطولی کوسترمشیدی
وزیر و والده سلطانیه و موره لی دفتر دار دارالسعاده اغاسیه منسوب
اولدقلمندن دفتر دار بهرام اغا اغانه سیله صدارنه طالب اولمغله
اغوا وسطه سیله والدهیه تذکره یازوب مهری بکا و برزرسه التیوز کبسه
ویرم دیدیسه ده والده موره لینگ حیلله کار ایدیکنی بلدیکندن
تذکره سنی وزیر کوندروب برسرزدن کیمیز بعض مزخرف کلمات ایچون
کبسهیه خاطر مانده اولیه سر ترتیب بحازات وقتی دکلدی دیو خبر
کوندی دیسه ده وزیر دفتر داره اوغلم مصارف جو غالدی بش التیوز
کبسه ایچ کتور مهماته صرف اولسون مهر شرعی طوعا سکا و یروب
تقاعد ایده بم دیوجک موره لی سلطانم یونه سوزدر قولکه نیچون
سوءظن ایدرسن دیدکده وزیر تذکره سنی چقاروب کوسترنجه موره لی
اغلیه رقی ایاغنه دوشوب نی یومقامه سن کتوروب چراغ ایندک
نیجه کافر انعم اولورم دیو ایمان غلا طله قرآنه ال اور ییچق وزیر
اینازکی اولوب بلکه تذکره ساخته در دیو دفتر داره کورک کیدرمشیدی
(بوائساده بهرام اغا و مصاحبین بر محسود عوامز بر فته قوپار سه
استدناس بزه هجوم ایدر لر پادشاهک برادر لی تلف اولسه استقلال
طرفه منحصرا اولور دیو بد خواها لبق فکرین ایشلر و خاص
اوطه باشی حسن اغا و ایچ اغا زنهانی بونک فکرین ایدر اولدیلر
چون سلطان محمد خان بر قاتون عید کیجه سی خاص اوطه به کلوب اغارک
جمعیت پراطاقلریله کسب شوق ایلدی خواجه رحمان اغا که فضیله او
معرفتو طواشی ایدی اغایه دیدیکه پادشاه بزم ضبطمه مآوف اولمغله
زوق ایندساط یلر اغارک ایچنده کی صبیح الوجه اغا یادی انجذاب
در وندر پادشاه معصوم بو کیجه انلرک حرکات و سکنا تلیته
فریفته اولوب برینی مقرب خاص ایدرسه تعین اولطرقه دوشمکین
بزم متاع رعیتز کاست اولور بو تقدیرجه پادشاهی خاص اوطه دن
حرمه آله لر دیدی پادشاه ایسه یانسو نمازینی بعدالادانتخت اوزرنده
اغارک ملاعب و سرور لی سیرته ایکن دارالسعاده اغاسی کلوب

ایچرو بیورم سرشکننده کورندی پادشاهده هم ملوکانه وهم ظریفانه
اغالالا اجساد عظامرک عید کیجه لری خاص اوطه ده اکلدی کلدی
مکر اغارک یومقوله سرورله لعب و هنر کوستر دکلدی ایچون اعش دیدی
دهنی بو کیجه بر یونده بز مانع اولمغله کلامیه تلخیص بیوردقده اغا والدهیه
واروب بو کیجه پادشاه خاص اوطه ده قالورسه مصاحبیلر پیدا اولوب
اوغلو کر انقیاددن حیقار دیوجک والدهیه بهی اغا ارسلانم معصومدر
بو کیجه اغارک لعب و هنر لری سیرایتمک قانوندی نصف اللیله دک
طورسون دیدیسه ده اغانه خاص اوطه به کلوب ایچرو بیورک دیدکده
پادشاه چین چینله بو کیجه یونده اکلورز دیجه اغا غضیله والده
حضرتلری استر بیور ملوسر دیوجک پادشاه ملول اولوب بر زمان
وقارله سرفرو و ملاحظه دنصکره قاقوب حرمه خرام بیوردقده
قیواغاسی و علما خاصه اغادن اول دکلدی ایدلر شمدی ایسه قات اندر قات
اولوب لیله عید لیله ماتم اولدی چون پادشاه ایچرو کیتدی اغا اغار
التون ویرم کیچون کبر و قالدقده خاص اوطه باشی حسن اغا و بر قاج اغا
دارالسعاده اغاسیه به ظالم ابتداء دولت عثمانیه دنبروزم مقامزده اولان
خدمتکار لر پادشاهلرک خاص الخاص بنده لر ده دکلدی ملوکه استر کلدی
وقتده با خصوص عید کیجه لرنده خاص اوطه ده اکلمک قانون
دکلدی پادشاهی ایکی ساعت اکلدی میوب کل سنی والدهک استر دیو
خواه و ناخواه قالدی هتک حرمت سلطنت دکلدی عالمی قبضه
تصر فکه المیچون خانه دان سلطنته اها نب فکرنده اولدی کی
طویمدقی دیوشهراده لره سوء قصد مقاله سنی سو یلدیلر و براغا
بز بو بایده یا انتقام آلورز یا قتل اولورز دیو خنجر ایله اغارک اوزرنه
یوریدکده اغا خاص اوطه قیوسندن صحرایوب تبردار ایله کیتدی
فرداسیکه یوم عید در اغا مشغله دن و شهراده لره سوء قصد تهمینی
خوفندن وقعه بی اسانه آله مدیسه ده اندرون خلقی بو کوتاناسر اسوزلر
و حرکتلریته بناء اغادن مستشعر اولوب بالاتفاق عیدک اوچنی کوی
دارالسعاده اغاسی دولته تسلط ایچون شهراده لره سوء قصد تبرنده در
بونک دفعی خدمه دولت اوزرنه و سزله واجبدی غافل اولمغله سر
دیو ایکی تذکره یازوب برینی اورنه جامعه و برینی مجمع سپاه اولان خانه

برافردن قلعه طشهره به خیمه مویدی مشورتی اولمغه باشلیدی
دارالسعاده اغاسی تذکره لری وطشهره نك قارشقانی طوبیجه پادشاه
ووالده بی آزاد ایدک مصرده دعاده اولمغه دیدکده والدہ مفتی
ابوسعید افندی بی کتورتدی مفتی دولتک و اغانک خیرخواهی اولمغه
حضور همایونده دواندن نزاع و گفتگو اکسک اولمغه خاص او طه ایلری
تسلیمت وارضایده لم دیو خاص او طه به واروب نصیح و پندله
خاطر لری الہ الدی وطشهره کفتگو ایدنلره تذکره لک اصلی
یوقدر اشخاصی ضبط ایدک دیو ضابطلرینه تنبیه ایله آتش فتنه بی
سوتندردکده نصکره اغایه خنجر حکملر تان باره ایله مصره کوندر یلوب
اغاده مقامنده ثابت اولدی (چونکه) تازارخان اسلام کرای اوآخر
شعبانده فوت اولمشیدی برادری محمد کرایکه کنیدن مقدم خان ایدی
سلطان ابراهیم زماننده عزل اولمغه ردوس قلعه سنده ایدی برادری
پرینده خان اولمغیچون شوالک اون برنده دعوتله استانیوله کلدکده
پادشاه بالذات مرصع خنجر و سورعوج و کورک احسان ایدوب
قرنداشک زماننده اول جانبیلر اختلالدن آسوده اولمغه خاطر همایونم
مطمئن ایدی سندخی زیاده خدمت ایلده سنن پیوردقده خان سرفرو
ایدوب پادشاه همز حضور ترینه دخی زیاده خدمت ایدرم دیو طشهره
حقیقجه دونامش براسب احسان اولتوب مقامنه اجلاسه مأمور اولان
حسن پاشازاده حسین بک ایله شوالک اون التبتسنده قدرغه ایله عزیمت
اثناسنده فریمده میرزا لریننده اختلاف دوشوب قلعه سلطان
هوادر لریله باش چکوب مسقولیده له ممالکنی استیلا ایلدی دیو
قره دزدن خبر کلمکین خان حضرتلری قاره دن اینلغار ایله روانه اولدی
(پس) وزیر اعظم درویش پاشا اندرون و بیرونده نافذ الکلم اولان
رجالہ مدارا و سرکشتری کشدونه بند و ضرورت خریننه بهمانه سیله
مناسب و خدماقی بالمر ایده صابوب بدلی و سابقده خیفه النان رشوقی
آشکاره دوزداره آلدرمغه میری به خدمت ایلدی و مصالحتی کار داتلره
اصماریوب ناسزا سنده اولمغه بدقه بریکری عزل بتم دیمکله ایلرده
استقامتله خدمت ایتدیلر (بو اثناده) بعض کسان وز بدن رکاب همایونه
شکایت ایتلریله و راجی مختل ایدی برکون دیوانده خجالیله برترمه کاوب

سراینه کلدکده برالی و براباغی طوبیوب فلج مرضنه مبتلا اولمغه
امور دیوانه بی یوسف پاشایه احواله و احوالی تطبیضنده پادشاه حکمیلر
نعمین و تسلیمت کونه خط شریف کوندر دی اوائل ذی الحجه ده
وزیرک صبح اولان یریده عملدن قلوب نعمین اولان اطباء پادشاهه جواب
ویردیلر (بو اثناده) مهر همایون کیمه ویرلک مناسبدر دینلدکده
کیمی سیاوش پاشایه و کیمی مراد پاشایه و کیمی ملک احمد پاشایه و کیمی
موره وی دفتر داره و کیمی ابشیر پاشایه ویرلک مناسبدر دیدیلر وزیر
مفتی بی چاغردوب پادشاه مهری بدن الورسه مراد پاشایله ماجرامر
معلوم اکا ویرلمکله غیرت ایله دیدی فرداسی ینه حضورده مقریندن
بری سیاوش پاشای اقدقده والدہ سیاوشک عظمی ارسلا تمدن زیاده
اولمغه متکبر آدم نیجه قوللق ایدر دینجه دارالسعاده اغاسی و سائر لری
سیاوشی سومر لردی والدہ بی بعدالتصديق طبعیعتلرینه موافق اولان
ملک احمد پاشای تر جیحلرنده دفتر دار پاشاده بیک جانله استدی لکن
اصحاب حل و عقد و قریب و وزیر حرم خاصدن حقیقه اولسون دیو
عایشه سلطانک نامر دی حلب و البسی ابشیر پاشای اختیار ایتدیلر
ابشیر اولمغه مهر مراد پاشایه ویرلک پادشاه ووالده نك مراد لری
ایدیکنی درویش پاشا طوبیوب تکرار مفتی بی دعوت و بای حال مهر
مراد پاشادن صرف ایله ابشیره ویرلسن تصویب ایلدی تکرار
مفتی دعوتله حضوره واروب مهرک ابشیر پاشایه ویرلسی خصوصی
مشورت اولمغی مفتی و درویش پاشا نکرده مرادی بودر دیمکله
فرداسیکه سابع عشر ذی الحجه در مهر میراخور کبر محمد اغایله ابشیر
پاشایه کوندر یلوب ملک احمد پاشا مقام اولدی (بو اثناده) امراء مصرک
مال قارونه مالک عمده سی جرجه لی علی بک فوت اولمغه اموال بی شماری
میری به ضبط اولندی (بو اثناده) مصر و البسی حصکی محمد پاشا نك
سلام چاوشی بوشناق مصطفی اغا وافر مبلغ و بروب حبش بکر بکسی
اولمغه کتخداسی مقرایات امیر الامر اولان سواکن جریره سنه واروب
حددن افرون ظلمه پاشا دقده اهل حبش کتخدای طرد ایتدیلر بعد
پاشا واردقده حبش لرمک حبشدن شیخ مرنام نصرانی ایله وافر عسکر
کتور دوب پاشاییده اوغرتدیلر (چونکه) حرم خاص طواشیلرندن

او توردن زیاده اغا مصرده ممکن اولوب سایه شاهانه ده مرقه البان
ایدیلر اما مصر قولا له یئلرنده زیاده برودت وار ایدی بودقه
حبش جانینه عسکر کوند رملک لازم کلکین مصر قولا بز امیر الحاج
خدمته ما مورز طواشیرک نعمته مستغرق بونجه قولاری وار
بو خدمته انلر کلسونلر دید کارنده اغا لامتاع ایدوب
مجادله و مقاتله دن بر قاج آدم تلف اولمغله دفع قساده ایچون
والی معرفتله اغا لدن بعضیلری ایزیم نامه له طهره حقارلد قده
اسبق دارالسعاده اغاسی علی اغا ایله مصاحب مقصود اغا
سیکبار مصر دن شامه واندن استانبوله کلوب احوالی پادشاهه
اعلام ایلرله دارالسعاده اغاسی و مصاحب وارلی مصره کوجوب
شمیلک کینلرین درکین ایدیلر (چونکه) مفتی ابوسعد افندی
توجیه صدارت استصوابنده دارالسعاده اغاسنه و درویش پاشا
وضینه هم زبان اولدیغی کی ملک پاشانک قائم مقاملغده دخی هندستان
ایدی میراخوز اول محمد اغا اندرون اغاری قوتله درویش پاشا ماننده
میراخوز کلبه اولوب شملی ایازه اخداوز ارقله غاقبه نشین اولمیشدی
مزبور محمد اغا درتیک غروش رشوت ویروب مهری المغین التي نغرا یله
حلبه ورود و باشنده قرمری مقدم ایله بلوک باشی هیئتده ابشیره
مهری تسلیمنده ابشیر پاشا مهری قرق نغراسکفلی قبوجی ایله قبریجی
باشی کتور مک معتاد ایکن بره خوارده سائس بر قاج از اذل ایل بویه
لوند قیافت سنک کتور مک نه دن اقتضا ایددی طوغری سویه والاسی
قل ایدرم دیوجک میراخوز دره بوب سلطانم یددی شکر کپسه ویردم
دیددی ابشیر خیرم وارا مالجی بی کیمه ویردک دیدکده ویردیک یزلی
سویلدی بابم خصم من میراخوز راق منصبتی نجه به الدک دیدکده
یکرمی کپسه به الدم دیوجک بر ساده خلعت کیدیلر بوب بزدون اغاسنه
مسافر بویردی واندن ابشیر پاشا بود یاز لک احوالی زیاده مختلدر
نظام ویزد کد نصره آستانه به وار یز ز دیو بطانی مشعر کدله دولته
یازد قده کاردان دولته وحشت و خشیت وهر کوند زندیکنه ندامت
کلنج طرف خلا فده اوللر بونده مراد پاشا کی وزیر وار ایکن ابشیره
مهر کوندن لملک نه مناسبی ویز دیو سوز چو خالدی مفتی و دارالسعاده

اغاسی مطمئن الحاضر اوله حق سوز لر ایله ابشیره مکتوبلر یازوب
عجالة کله سن تأخیره به سانه ایتمه سن دیو خط شریفی حصص کی ایله
کوندرد کلرنده ابشیر حصص کی به بقیه بره پستانجی سز بی سائر کی قیاس
ایدر سز که عجله ایله استانبوله واره یم و کار ساز اولان طواشیرک
فرمانبری اوله یم بو کونکه وزیر اعظم مصر و بغداده وارنجه حلب
وشام وانا طولی و سائر بلاد مختلدر دفع اختلالد نصره استانبوله
وار یم و پادشاهک دولته اندرون ویر وندن مستولی اولوب بجه
مناصب و خدمتی رشوتله ویر نلره وهر کپسه حدین ییلدیر یم دیوب
حصص کی چوردی واندن ابشیر پاشا کندی ایله معاهده ایدن طوائف
ستپاه و الای بکلرینه و امرا و کتخدایر لرینه و ملغاسر دار لرینک
مشاهرینه هر بریکن بشیر او نر آدم ایله قوتیه صحرانده بره ملاقی
اوله سز رفع رشوت و دفع مناسلم و تصحیح امور دوات ایچون مشورته
وار سباهک چاققارینی تصحیح و ولد شلرین عنایت و غلامید لر
البورزم و التونی بوز یکرمی قپهیه و غروش سکیسانه اولقی اوزره
اونی اون بر درهم چل اقبه ایله ملغانک علوفه لرین قسطنطنیه ویر
و مناصب و کد کلرک رشوتله صائلسنی قاندر یم دیو خبر کوندردی
بیچاره ابشیرک مرادی بالجله قهر رجال و جلب اموال و ثریه خونا
و تسلط ظلمه ایکن ادعاسی رفع رشوت و اجرای عدالت اولوب جوز
و جبروتله دیبای خلقت باشنه تنک ایتشکن دیسانک عمارتی بزم المزله
اولور و دولته نظامی بز ویر ز دیوب لسان حاله مهدی آخر زمان
وارایسه بز دعواسنده بر جبار ایدیک حیرت افزا در (ما حصل دولته
تخلدن بیز و مواعیده بر الای حشراتی بر کدیروب شام و حلب
و بغدادی هوا دارلرینه ویردی (ازین جانب) حصص کی اغا استانه به
کلوب ابشیرک کاغذی ادا و معلوما تی سویلد کده دارالسعاده اغاسی
و مقربین مفتی به مهرک ابشیره ویرلسمه سن سیمسن اشتها طاعتدن
چیقدی دید کلرنده اولدیجی دارالسعاده اغاسنه دولته بز کرداب
جاندیر البه چکر دیدیسمه ده شرکاء دوات و سائر لری کونا کون
کفتکو ایدیلر (پاشانده موره لی دفتر دار و قائم مقام پاشا کافه امور دولتی
باش محاسبه جی موقوفاتی محمد افندی ایله استشاره ایدلر دی بعض

کسان موقوفاتی به بغداد و شام و مصر و ایالت سائر به او امر
 کوندربلوب ابشیر عاصیدر تعلقاتی ایچرو و قویمه سز و ایالتلری بکری
 ضبط اید و سز دیلیدر والا توابعی ایالتلره بر اشور سه حال کوجا شور
 دیلر به موقوفاتی بوتدیبری ملک پاشایه سو یا نیجه بن بو سوزی کجه
 سویلسم مصره طابلسن دیرلر دیدی بوارالق مقتضات اعداسی فرصت
 بولوب عایشه سلطانک باش اغاسی مرجان اغا ابشیری وزیر ایتدر مک
 ایچون مفتی اون بیک التون و پردی اشته وزیر ایتدر دیک آدم جلالی
 اولدی کوره لم نه یاپارلر دیمکه باشلیدیلر (چون) ابشیرک بحال
 کلمه جنکی و سپاه و امرای قونیه به دعوتی و ایالتلری کندی توابعه
 توجیه صد دنده اولدیغی بیلندی مرقوم مرجان اغا ابشیرک آستانه ده
 قبو کنخداسی کی ایدی ایچرو و استنوب پادشاه و والده بونشکل ایشدر
 وار پاشا کی کتور پیور لمغین مرجان اغا بکری قدر تبردار ایله حلبه
 کیتد کد نص کره صفد بکچسی بعده استعجال خطیله خزینه دار
 صاحب علی اغا کوندردی (ازان جانب) ابشیر پاشا
 زکن اغاسی ابازه بی کتور دوب تفویض امور ایتدی و نیجه مشاهیر
 سباهله اواخر محرمده حلبدن قالدی اولاموره لی دفتر دار
 طرفندن اناطولیده کی مقاطعات التمش بش و التمش الی سینه لری
 تداخل سببیه فروخت و پیشه بنلری آنوب بقایاسی دیونه حواله
 اولمشیدی (ابشیر پاشا التمش بش سینه سی غره محر مندن ضبط ایتک
 اوزره یکیدن مالدار آدمز و یروب اکثریتک بدللری بعد الاخذ
 تداخل نامیه بر الای طه عکارل میری بی مدیون ایتشله دیو دواته
 یازد قدده خلقک بو قدر مالی ضایع اولوب دفتر دار و اموال میری اعیانی
 زهر بوتمشه د و ندیلر زرا اناطولی ایالتی چتال پاشا احمد پاشایه
 و مرعش سیدی پاشایه و دیار بکر خالچی زاده مصطفی پاشایه
 و سیواس طاووقچی پاشایه حددن افزون جوار ایله و یروب منصبرینه
 کوندربلشیدی سیدی احمد پاشا حقوق سابقه به بناء ابشیره بولاشد قدده
 سکا مرعش آزدردیو اناطولی ایالتیده و پردی چتالباشک متسلی
 ابشیره کلوب نظم ایتد کده و پردیکر ایکوز کپسیدی و پردیکک کپسه دن
 آل دیو طرد ایلدی (قائمقام پاشایه حلب بوز بیک غروش جائزه ایله

ویرلشیدی ابشیر طیار پاشا زاده مصطفی پاشایه او بیک فلوری به
 و یروب سکر بیکنی پادشاهه وایکی بیکنی و الدهیه کوندروب حلبک
 توجیهنی حاوی خط همایون کتورتدی و سوربارن مصطفی پاشایی
 یاننده نشانی و طوبخانه لی صاری محمودی چاوش باشی و هر مرتبه ده
 بر آدم استخدام ایدوب انطا قیسه به طوغری آهسته آهسته کلمه ده
 ایدسه سالف الذکر او ضاعندن جله به خصوصاً دفتر دار پاشاید
 حیرت الویرلشیدی جمیع مقاطعات و خدمات مکرمه امینی حسن اغا
 و دی برادر و امشالی مالدار لده اولغله اقتضای ایتد کجه هر بری
 میری به بقول و پردردی ابشیر خدماتی غیره و یروب مذکورلک میری به
 کچن ایچلری مضمحل اولیچق جله سی دفتر داره بزم و سائرلک
 مالی هوا به منقلب ایدن آدم جائزه ده قصد ایدرسن مهری آل بزمال
 و جانله خدمت ایدرز دید کلرنده دفتر داره ابشیر کلر مرادی اناطولی به
 استیلا در مهری بکا و یرک قاطرچی او غلنی چرخه جی ایدرم و واروب
 حقندن کلورم دیدی بو سوزک طبع همایونه ملایم کلدی بکنی قپودان پاشا
 اشید نیجه حضوره واروب پادشاهم زنه اررای بمضادن رجوع ایتد
 بن ابشیرک کله جکنه متعهدم دیوب واقع حالی ابشیره یازدی بوا ثاده
 ابشیر شامدن محمد پاشایی عزل و شاه غازی پاشایی نصب ایدوب
 خط اصدار ایتدردی ابشیر اطنیه به کلد کده والی مملکت محمود پاشایی
 شا کیرلک کتر تنه بناء حبس ایتدی و خادم قرن داشتی حسن اغا بی
 بالنازعه قونیه دن اخراجه باعث اولان بو سنوی صاری محمد
 قرمان دفتر داری ایدی کتر شکا نه مینی ایلغنه کتور دوب قتل ایتدی
 اوائل ربیع الاولده بوللر قبش و دعوی و شکوی چوق اولغله
 او بپاره دک قونیه ده اقامته اذن عالی رجای ایتد کده ارکان دوات مفتی به
 چونکه ابشیر پاشا مطیع و منقاد در بوا آه دک نیچون کلدی دید کلرنده
 اولدخی قسلاق القاسنه مساعده اولغوب استعجاله کیدن کلمه صبر
 ایتد دیو تسلیم ایتدی (بوارالق او جاق محضری سلیمان اغا اسقه لاله
 کوندربلشیدی ثامن عشر ربیع الاولده چو بانلیده ابشیره ملاقی ایلدی
 کو پر بلی محمد پاشا کو پری قصه سنده معزول او تورزدی کو قلمه
 قانده بشره لاله قمره اختیار عیدر آدمدر دیو طیار

و یروب از تیغه دله کتوردی و چوق شیء دانشوب طرابلسه کوندردی
 (پس درویش پاشاک الم عزلی شدت مرضه بادی او اوب خامس
 ربیع الاولده و فائده طقسان بشیپک فلوریسی و سکر یوز کبسه
 اچمه سی و سائر نقود و جواهر و آلات زروسیم و تحف و نوادر دغا عدا
 کتخداسی علی اغا دفتر اموالی پادشاهه و یرد کده خارج از دفتر
 جواهره دایر تحف نادیده ایله مالامالایکی صندیفی و بیک کبسه قیقلو
 ایکی فر صغ خنجر ی پادشاهه تسلیمه اظهار صدقات ایتدی
 و یونلردغا عدا نفایس اشیاء و تفکک و سیوف نادیده خاصه همایونه
 آلتدی (پس ابشیر پاشا واسطربیع الاولده موره لی دفتر داره انتفات
 نامه کوندروب بنم اغلوم بزوار نجه قده قدر سپاهک علوفه لری و یروب
 بلوکلری دورایتدر اچمه لازم او اورسه کوندیرم دیوبازدی وزیر
 حقهنده اراجیف چو غالمشیدی خزینه دار علی اغا و مرجان اغا
 طر فلرندن وزیر کله چکی خبری کلد کده وزیرک یاننده بحد عسکر وار
 ارکان دولندن فلانی عزل و فلانی نفی و فلانی قتل ایده جک ایغش
 دیو دیگر کونه اراجیف چیمه شیدی سابقا استعجالنه ککیدن
 قوز بکچپسی کلوب وزیر ربیع الاولک آخر جمعه سنی یکشهرده ادا
 ایده جک دیو خبر صحیح کتورمکین مؤمن اغا و عجم محمد افندی و امثالی
 استقباله کتیدیلر دفتر دار بر موجب فرموده ربیع الاخرده علوفه
 چقاروب زیوف اولغله طاشلدقلرنده جرمن مانندن یوز کبسه
 استقرارله بلوکلری دورایتدر دی (حیدر سنجاغی متصرفی
 قاطرچی اوغلی ابشیرک قدیم عدوسی ایدی و حیدر سنجاغندن
 بعض رعایا کلوب ابشیره شکایت ایتشلا ایدی قبودان مراد پاشا
 حامیسی اولغین رعایان آل دیفک اچمه بی ادا و تعمدیدن فراغت
 و قریه کده ساکن اول دیو مکتوب کوندروب قاطرچی اوغلیده
 موجبجه عمل ایتد کده مراد پاشا ابشیره قاطرچی اوغلی حقهنده شفاعتنامه
 یازدی و قاطرچی اوغله ده وزیر اوحوالی یه یاقلش دقده هدیه ایله
 بعدالاستقبال ایاغنه دوشوب تذال ایله دیوبازدی (پس قاطرچی
 اوغلی مراد پاشا تعلیمی اوزره حیدر سنجاغندن عسکر فراوان جمع ایدوب
 وزیر اساقلی منزلنده ایکن عسکرین و رای جملده اختفا واللی قدر

گزیده سواری ایله ابازه خیمه سینه ایندی ویول بساطنی و سلاحنی
 چیقارمیه برق ابازه ایله وزیرک اوتاغنه واروب ایاغنه یوزسورد کدنصکره
 سیفنی وزیرک اوکته قیوب دولتلو جریمه معتزقم یوزیره قیوب قوللغه
 کلام اشته سیف اشته بوینم عفو ایدرسک بوکله فی اوغر کده
 فبا ایدنجه خدمت ایندرم دیو تکرار ایاغنه دوشبجه وزیرعالیجناب
 خوش کلدک الم چکمه دیو خلعت کیدروب قبول ایلدی (پس) وزیر
 ارنگمیده یاقلش بجه کاردان دولت خوفلرندن تکرار مقر بین و ساطنیله
 دارالسعاده اغاسنه ابشیری اراله و دفتر داری وزیرایتدر مکه دایر
 سوزر سویلروب پادشاهی اویدر ملریله ربیع الاخرده مفتی و قائم مقام
 و قیودان و اعیان دعوتله حضوره واروب پادشاه مفتی و قائم مقام
 ابشیرک رضای همایونمده مغایر حرکتی معلوم مهری دفتر دار پاشا
 لالامه و یرمک استرم پیور یحیی پادشاهم اعلی در دیدیلر دونوب مراد
 پاشایه لالاسن نه دیرسن بیوزدقده پادشاهم ابشیر لالاکر برقاچکونه قدر
 بونده در عزل او اورسد اناطولیته قاریشقلغه سبب اولوب بلکه خالمر
 همایونه کدر و یرمک ایش اقتضاسنه بادی او اور لالاکر کلد کدنصکره
 سهولی مرادیکری اجر ایدر سز دیو جک دارالسعاده اغا بی و متر بین
 دفتر دارک طرفدار لری اولملریله پادشاهم مراد پاشا جنتیمکان پدر بکرک
 قته نه سبب اولان ظالمردیو منازعه یه باشلدقلرنده بالاجاره حضوردن
 چیقانجه اغالمراد پاشایه سسنگ تجبر و تسلطک بشمشز اینکن بویله
 جلالی یه صاحب او اوب پادشاهمزلک تدبیرین ابطال ایدرسن دیو
 خنجر چکوب تبرداران و اتباعه اورک دیدکلرنده مراد پاشا ده طال خنجر
 طشره یه مسارعته کتیدی اغار بستانجیلره بره اورک دیدیلر ایتسه ده
 مراد پاشا ایلند آواراله پادشاهمزی خلاف شیمله سوقک جزاسنی قریبا
 کوررسن دیو سرایشه کلد کده ایاغنده کی و جعی بهسانه ایدوب ابشیر
 کلد کده دیوانه وارمدی (چون) وزیرازنگمیده کلدی اولدن دروننده
 خوف و ارایدی بودفعه مقرینک دفتر داری وزیر ایتک استند کلرینی
 و مراد پاشا وقعه سنی اشدنجه برو حرکت ایتوب سرای همایونده
 وزیرایه خنجر چکلمک و مهر تحویلته مداخله اولنق نه دیمکدر دیو
 مفتی به نهانی مکتوب کوندردی مفتیده والده یه ابشیره مدارا و استمالت

لازم در دینچه استمالت و نوازشی منضمین خط و سمور کورک و مرصع خنجر
خواججه پادشاهی ریحان آغا ابله کوندربلوب بحاله کتوره سن دیوتنبیه
اولندی ریحان آغا تا من ربيع الاخره از نکمیده حضور وزیر و اربوب
خلعتی الیه اباس و خنجر میانه بند و خطی و پردکده و زبرده آغایه
حلمت کیدربوب کتخداسنه مسافر و پردکده نصکره نهانخانه سنده ابازه
و کورت محمد آغار کاتب خیرالدین زاده و امثالی محرم لریله خط هم ایونی
بعد القرائه ریحان آغایی مخفیچه چاغردوب احوالی صورت دقده سلطانم
پادشاهم زک ضمیرنده حق کرده ذره قدر تغیر یوقدر جابکزی کبی بلند
صیت و زدن خدام قورقار خاطر کزی خوش طو تک دید کده پاغا
برالای خان دولت القاسیلد قلم مصمم ایدی کنی بیلورم مرادم ایسه دین
و دولت خدمتنده بولمقدردینچه ریحان کلام الله کتوردوب حروف
ثلثه قسمیه ابله پادشاه و والده نک کندویه سوء قصه لری اولدیغنی
اناندر دقده بعد الیوم پادشاه و والده یاننده قبو کتخداسی اولق اوزره
ر بطشرا ط صد اقت ایتدی لر بری جانیده اهل دیوانک خسته پندن
جانلری اغزینه کشیدی رئیس و چاوش باشی بی وزیر استمکله ضروری
کتیدیلر ایتسی کرک امینی حسن آغا بلوک کاتبی قلندر محمد افندی ابله
کتیدیلر کرک امینی وزیر و توابعه هدیله وزیر مکه وزیر بری
اوزرینه ایکی خلعت کیدربوب الم چکمه وار بشوز کپسه حاضرله
دیو عودت ایتدردی قیودان مراد پاشا کتخداسی الا کور محمد افندی
تهی دست و ارمغین وزیر بعد العتاب طاش قران نام بلوک باشی به
مسافره بردی چاوش باشی صاری محمود کتبخه عزل ایدوب عایشه
سلطان کتخداسی احمد آغایی نصب ایتدی (واتی بلوک آغاری بی
عزل ایدوب کندی معتمد لری بی نصب ایتدی و رئیس الکتاب هدایاسنی
کوندربوب بولشد قده قیام ایدوب بلا خلعت انصرافه اذن و پردی
واندن وزیر مال دپه به کلدکده ربيع الاخره اون یدیسند الای ایچون
سپاه و ملغا اسکنداره کتیدیلر وزیر آلاینکده اوجی اسکنداره کندی
فرداسی استقباله کیدیلر حک ایدی والده دن تذکره کلکین اسکندار
کیچن ملغا استانبوله کوراسی و اوجاق خلق وزیر بکر می یک آد

کلیور مرادی بزی سپاه قیردر مقدر دیو سلا حله دیلر (پس) وزیر
ربیع الاخره اون سبکزننده مال دپه دن حرکت ایدینچه خواججه
ریحان آغا ایلر و کلدکده قول آغاسی و سائر ضابطان بلا نفقات و مفتی
و وزیر اوصدر بن و سائر اعیان بستانجی باشی کور بستانده وزیر بولشوب
الایک ابتدا سنده سربو این آردینچه اوجاق آغاری آردینچه صدر بن
آردینچه وزیر آردینچه مفتی وزیر ابله هم عنان آردینچه ابازه و کورت محمد
بکرزاده علیسی و ما عدا سپاه صف اندر صف ایدی اسکنداره
ابشیرک منکوحه می عایشه سلطان سرایه جمله ایندکده عظیم
ضیافت نصکره ارکان دولت آستانه به کتیدیلر فرداسی علی الصباح
وزیر و مفتی بر قاج خدمتکاره سرای همایونه کلدکده وزیر
کورک کیدربلوب بینه اسکنداره کوندردی فرداسی که
یوم سبتدر التمش اوج نفر علما و وزیر ابله ادرنه قیوسندن الای کربوب
غایتنده صاغده وزیر و وصولده مفتی ابوسعید افندی آردینچه الوان
بیر اقلوب بچد سپاه و صار بچه و اوندات دبدبه و طنطنه ابله قصر همایون
او کینه کلدکده وزیر و مفتی مسارعتله کتیدیلر و بر معناد علما
وزیرک سرایند کیدوب مراسم دست بوسی بی ادا لازم ایکن چاوش
باشی باب سرای و برده طور و ب افندی دیلر ایچروسی طار صفا کلدپکن
دیمکله انلرده آت اوزرندن سلام لیوب طاغله یلر (چون) وزیر
ربیع الاخره بکر می برنده عایشه سلطان زفافه بعد الدخول فرداسی
تمشبت اموره باشلیوب اولاموره لی دفتر داردن علوفه ایچون اچیه
استدی یوقدر دینچه یامهر ایچون پادشاهه بشوز کپسه عرض ایتدک
اول اچیه بی کتور مواجبه ویره لم دیدکده موره لی سلطانم بوبکا
اسناد در دیوچک وزیر بره خائن بولکلامی پادشاه اسانلریله پیوردیلر
دیو کتخداسنه حبسه و یروب مام لکن قبضه دار دفتر داری کاسه
زیاده دوندردی و سابق موره والیسی کورد احمد پاشایه موره به وار
دفتر دارک کافه اموالی قبض و دفتر ابله و برادر و اتباعندن اختفا
ایتدک لری اموالی چبقارت دیوتنبیه و یانته آدم قوشوب اولکینچه موره به
کوندردی زیرا دفتر دارک برهفته مقدم بکر می سکر عربه زر و سیم ابله
مالا مال اموالی موره به کوندردی شایع ایدی (اواننده درویش پاشا

کننداسی علی اغایی جبرا وزارتله دفتردار ایدوب علی اغا علیه رقی
ابا ایتدکده وزیر واراستقامتله خدمتده اول دیویوزینی طرف آخره
دوندرمکله ناچار علی اغا طشره چیقوب منزلته کیتدکده موره لی بی
انک حبسه کوندروب کاب دفتردارک حسا بی کورمکه باشلدیلر
وقائمقام ملک احمد پاشا وزیرایکن ابازه دن ترکن اغاغنی آخره ووروب
بونجه مانی مصادره وقتلنه نیت ایتدکده ابازه بش اون کبسه وار
کنوره یم بهانه سیله اسکداره کچوب اندن انقره به وارمغه مغد وریتی
ابشیره سولمشیدی بوجهندن ابشیره ملک احمد پاشایه خاطرمانده ایدی
بودفمه مهره طالب اولوب مهر ابشیره کوندردکده مفتی به تعریضات
ایلدیکی ودفتردارک مهری طلبنده مدخلی اولدیغی جمله نک معلومی
ایدی قائمقام اولدیغی کی خواص صدارتدن اولان معظمتات توجهاته
وارنجه مداخله سنده بعض محرماری سلطاتم ابشیره مرتبه صاحب
جبروتدر بویله مستقل تصرفاتکزه شاید مغیراوله دیدکلرنده به آدم
زده برزمان وزیرایک پاشاقرند اشمر بکنمیکنی بوزسون وزیرکلسون
دیو بوستان او یوغی کی طوره لمی دیوب مال جعنده دقیقه فوت
ایتمامشیدی برکون وزیر ملک پاشایه وان ایالتی ووروب اسکداره
کچوردی وقائمقاملغنده بادفترالدیغی التمش کبسه بی تحصیل ایدوب
اولکیجه چاوشلرایله ککبوزه به طوغری کوند ری (وباش محاسبه
موقوفاتی محمد افندی دفتردار محبوسک نصب عینی ایدی ملک پاشانک
قائمقاملغنده اولان امورک جمله سی انک رایله در دیوریم الاخرک
یکرمی بشنده حبس اولندی ودفتردار محبوس یدی قله به کوندردی
(وشامی زاده ریاستدن عزل وحبس اولوب اموالی قبض اولمغه امر
اولندی) وطوب قبولی مصطفی اغا ایکبوز کبسه وریکی تعهدایتمکین
خدمتده ایقا اولندی (وباش باقی قولی ابراهیم اغا یکرمی کبسه ووروب
منصبینده قالدی) اما دلی برادر و دامادی آق محمد محبوس اولوب ترسانه
امینی صالح چلبی مقرر قیلندی (وغده محمد حبسه قالد یرلدقده ارکان
دوات خوفه تابع اولدیلر وزیرایسه کمال وقارایله دائما دیز چوکوب
کیمسه به التفات ایتمز خصوصاً هدی سی اولمیلره تقدیر عزیز و محترم
ایسه ده چین چین کوستروب خلقی تحت القهر قوللورم زعمده اولدی

وغروشی سکسان اجه به ندا ایتدردیسه ده نفوذ مختل اولمغه لغوا اولدی
(بوئشاده) موره لی دفتردارک دفتر محاسبه سی دوریلوب خفی و جلی
مالی التقدیر نضکره والده طرفندن قتل اولمبوب نفی اولسون دینمکله
اوائل جادی الاولیده قبریسه نفی نامیله سکر نفیر چاوش ایله محفرا
قرق کچد طاغلرینه وارلدقده ابد ستالوب بر قاج رکعت نمازدن صکره
توبه واستغفارله اولقدرداغلبوب آلتی به سوردیکه بوزی وجهه سی
مالش زمیندن صیریلوب خون آلود اولمشیدی اولخالده بیچاره بی
قتل ایتدیلر (حاجی احمد نام کبسه منزلته مختفی ایکی صندوق دروننده
الهی بیك التونی چیمغله وزیر پادشاهه کوندردی وسراینک بعض
برلری قاریلوب یوز کبسه مقداری نفوذ بولندی وملکی خاتون
زوجی شعبان خلیفه ده سکسان کبسه امانی بولندی (وموقوفاتی محمد
افندیکه موره لی دفترداردن بر ساعت آیرلزدی ابشیره مهر کیتدکدن
صکره موره لیک وزارتله طالب اولسی موقوفاتینک تعلیمیه در دیونیمت
ایتمشرایدی) وکذلک قائمقام پاشا کننداسی غده محمد اغا ملک پاشایی
باخود دفتردارک وزیر ایتدرمکه چالشمشیدی موقوفاتی ایله غده محمد
بلا خدام برز بارکزه بند بریلوب ازینقه وارلدقده بعدالقتل ماللری
میری به التندی (وریاستدن معزول شامی زاده محبوس ایدی مهاجته
شفعا ایله اوائل جادی الاخرده یوز سکسان کبسه به قورتلدقده
استانبولده طورمنسون دینکین حج شریفه نیتله اسکداره خانه سنده
انحراف مزاجله مختفی قالدی (ودلی برادر وامثالی جریمه لرو ووروب
قورتلدقلرنده خلق بو مقوله اموری مقتبک تعلیمیه در دیدیلر
(بعد ازان) وزیر بقانون نوروز به پیشکشی ایله صدارت پیشکشی
جسع ایدوب نظیری ناباب سمند وایکی رأس آت که سرپا چواهرله
آرسته ایدی وسائر تحف بو غچه لر دغا عدا برعه به ایله یوز کبسه لک
فلوری بی رکاب همایونه کوندردی (ووالده به یکرمی کبسه کوندروب
دارالسماعه اغا سنه وسائر اغازه حبه واحده کوندرمیجه جمله سی
مغیر اولدیلر (چونکه) وزیر اسانت سابقه سنه بناء خوفندن بونجه سپاه
وزور بار و صاریمه سکبان ایله آستانه به کلمشیدی وسیدی احمد پاشایه
اناطولی بی ووروب صاریمه سکبانلر ایچون بونلری اناطولی ایاالتده

خدمتند بر کون بره لازم اولوریدی و سیدی به تفتیش اشقیبا و جمع
اسلمه خدمتند دخی اصغر لمغله متسلمی واروب اول دیاری خراب ایتدکه
شکایتچیلری آستانه به کیدرکن سیدی راست کلوب کینی ضرب و کینی
در زنجیر کیرود و ندردی و کونا هیده به واریجق وزیرک اصغر لدیغی
اشقیبا قبایح صور مق و تفنک جمعی به سانه سیله ایالت کوندروب
تخریت بلاد و تعذیب عباد ایتدرد که گروه گروه رعایا آستانه به کلوب
دیوان پادشا هیده فریاد ایتلریله سیدی عزل و آستانه به احصاریه
آدم کیدوب اناطولی صکور حسن پاشایه ویرلدی (بولی سنجاغی
و یوده لقله کواردمحمد و یرمکین اولدخی یکرمی پیک اخه ای دعوان
ایکبیک غروش الوب مدعی و مدعی علیه در زنجیر ماملکرین الوردی
و ناسک حرمنه و امرد اولادینه نیجه تعرضلرنده بشوز قدر رعایا
استانیوله کلوب شکوی ایتدیله بالاخره بولی آخره ویرلدی (و حلب
والیسی طیار اوغلندن وافر آدم شکایت کلدیلر (و قرق بلوک باشی
نام ظالمه طرازانی و یرمشیدی اهالی جور بی اندازه سته طاقت کتوره میوب
یالمقاتله نیجه نفوس تلف اولمغله ایلرده عرض محضره کلوب شکایت
ایتدیله حاصل وزیر توابعی قارمق ایچون یونجه عباد و بلادی
یاعمال ایتدی جادی الاخره سپاه وزیرک و عدندن مایوس اولمیریله
وزیر ایله ینلرینه شقاق کیردی وزیره خیر خواهلری غیری پادشاهه
مطیع اولوب وضع ساتی و عسکر ایله قورغنی براق دیملریله وزیرده
سپاهه قطعا یوز و یرمیجه استانیول واسکدارده کی سپاه جولی حوالی
صاتوب حبه واحده به مالک اولمقلرنده غیری وزیرک ترش رولغندن
انواع فصل و مذمتله فتنه و فساد به سانه آرلر ایکن اناطولیدن کل
شکیلر دن ولایتلری احوال خبر الدقلرنده طرفلرن کینخدایرلری
وزیره واروب اهل و عیالین ساریمجلر الله قالمش حاله مرختک به ق
باری ارکزه کیده لم دید کلرنده وزیر دوتما چیقجه صبر ایلک دوتما
بعض اختیارلری بو حریف مراد پاشا دن قورقار دوتما چیقجه
نه جواب و یروب اشهر ییزی قتل ایلر دولتی برکشته ایتکه اتفاق
ایتدیله آخر سپاه اناطولی ده کی لوندانک ایتدکلری تعدیاتدن بحمله
پادشاه عرض ماللرنده مظالمی دفع ایده سن دیو خط و یروب لالامه وارک

پیورلمغله سپاهک غیظ و حیرتلی زیاده لندی (واندن مفتی به واروب
اولدخی صاونجه اناطولیده کی مظالم و عرض اکسکلکنی سراپا یازوب
اورته جامعه بلند آوازله علی ملاء الناس او قیدیلر کرچه فتنه علولندی
لکن اراجیفه باعث اولوب وزیردن دلگیر اولنر خلقی تخریکه باشلدیلر
وزیرایسه مقرینک کندوبه خاطر مانده لکلرینی و قیودان مراد پاشا کی
رقیبی و مواعید کاذه ایله کتوردیکی سپاهک عموما عداوتلری پیلورکن
سپاهی تحریک ایدن برقاج اشهرلر ایلر قتل اولنسه ساری برایسه
قادر اوله مزمله حفظه سن ایتدی (پوئشاده طوائف سپاه ایازه
و کورد محمد ینه برکون بره لازم اولور پاشایه احوالری سویلیک
والا هر چه باد اباد دید کلرنده ایلرده قضیه بی وزیره سویلیجه
اغال برنم سپاهه ایتدی بکرم مواعیده اذن همایون اولدی و ایچلرندن
اوج درت اشهرک اخذینی فرمان ییوردیلر دیوچک ایازه و کورد محمد
طشهره حیقوبهای وزیرک بره سوء قصدی وار بو طائفه ک اشهرلری
برز دیو خوفه باشلدیلر (پوارالق اسکدار ده صاریمجه ایله سپاه کرانه
غوغا ایدوب بر سپاه صاریمجه لک سرچشمه سنی قتل ایتکله شقاق
زیاده لندی (و صاریمجه سبا هیلک ایله کیده کیمکه طالب اولمیریله
درت وزیر صاریمجه و قاطرچی اوغلی مأمور اولدیله (چونکه) قیودان
مراد پاشا بعض ملاحظه به مینی ابشیرک صدارتنه سبب اولمشیدی
ابشیر استانیوله کلدکه حرص و طمع و غرورندن مراد پاشایه رعایت
ایتدی حتی ازینقه کینداسی الا کور محمد افندی به یور و یرمیدیکند غم اعدا
بود فمه اغاری مؤاخذه ایتدکه دلی برادریده حبس ایتدی
مراد پاشا بره متعلقدر دیو رجایتدیسده اوتورینک غره شنی الوب
اطلاق ایتکله بوکه بکرم معامله بارده رایله خاطرینی قیزدیغندن
مراد پاشا آرزوده دل ایدی و مراد پاشانک اندرون و بیرونده نیجه
احسانیده طرفداری اولوب ابشیرک برمنقرینی کورمش بنده سی
اولمغله دشمنی زیاده ایدی (پوئشاده) پادشاه مراد پاشایه
ایکی سمور کورک کیدیزوب لالاسنه سابقده ایتدی کک خدمتدن زیاده
بوسنه سندن خدمت او مارم پیور دقده ابشیرچکه میوب ترساید
مهمانته ایتد و یرمک و حوالات تحمیلننده قصور ایتک و مهم اولان

امورینه تعویقه معارض اولمق کبی مکر و حیل ایله دونخایی
نیز قالدرد یو خبر لر کوندر مکه باشلیجه مراد پاشا ده دفتر دار
دونخا مهماننه اقتضا ایدن ایچه بی ویر میور کرم ایدوب یوقوللرینه
تنبیه پیوردقلری تنبیه اکیدی دفتر داره پیورسونلر دیو خبر کوندر دکه
وزیر پادشاهدن ایکی کوزک کین ایچه بی بولور دینجه اول ساعت
بوسوزی جاسوسلر مراد پاشایه یتشدر دیلر بر کون وزیر ترسانه ده
مراد پاشایه پادشاه بو هفته ده بای حال دونخا ک اخراجنه تنبیه
پیوردی حقیق کر کسن دید که اولدخی البوم تکبیل مهسان
در تیوز کبسه یه محتاج و برلندکجه دونخا حقیقه مزد دینجه وزیر صد ارتکز
ایامنده پادشاهدن در تیوز کبسه استقرار ایتمش سکن بر قاج دفعه در
تحصیلانی فرمان پیور لر خاطر ک ایچون تعویق ایتدک اول ایچه بی
مهماننه صرف ایدک دید که مراد پاشا اول ایچه بی مع زیاده
ویردم دیوب وزیر اصفا ایتمینجه مهماتی ندارک ایدلم دیو دفع
مجلس ایلدی (اولکیجه مراد پاشا اسکداردن کورت محمدی احضار
و بشیوز فلوری و یروب او غل قدر یکی ییلورم بزمه کوکل برلکنده اول
هر مرادیکزه مساعده اولور وزیر غایبانه ایتدیکم آدمیت عالمک
معلومی و کلدنبرو نیچه کبسه نک مالی آلوب نیچه لر یتیده ناحق بره
قتل ایلدی خوفندن سنلری الدادوب کتور مشیدی شمعی امنیت
کلنجه رجا کره مساعده دکل بی دونخا ایله چقاردقدن صکره جله کزی
اعدام ایده جکی معلوم دید که کورت دخی سلطانم جله مزی صاغ
قوم ییلورم همان سنلر برایش کورک جله سپاهلری کندیمره اویدرغه
تعهد ایدرم دینجه پاشا کوردی اسکداره کوندردی ابرنسی کیجه
میریده مانلری باتان دلی برادر و آق علی و معمار مصطفاسی و کرک
امینی و امثالنی خفیة چاغردوب اموال کزنی صحیحه معهدم دیوبیکدل
اولدی و اوجاق اغاسی قره حسن اوغلی حسین اغا نکره میریده
ایکوز کبسه سی باتمغه ابشیره غیظ تامی وار ایدی مراد پاشا دعوت
ایدوب اغا قرندهش بزه اعانه ایدرسک ایچه کی صحیح ایدرم دید که
امر سلطانم کدر همان خدمت پیوردیو دامنبوس ایلدی (پوند نصکره
هر قدر مجروح و مقید و رل و رایسه بو معاهده یه کر دیلر بعده شعبان

خلیفه بی لیل چاغردوب بن والده حضر تر یتسک چراغ خاصیم
ابشیر بی چقاردقدن صکره سز نه ایده جکی ییلورم بسزدیو چک با اقدام
بزمه خوفن بود کلیدر مورهلینک سنده امانت مالی واردر دیو ماملکی
المغه شمعی خانه مدن حقیقه میورم دینجه مراد پاشا وارقدین حضر تر یتسه
سلام ایله والده سلطان و ارسون وزیر علیهم مرده دونخا حقیقه دکه
حفر زده برخلاف امور تلخیص ایدرسنه اعتماد پیور مسون دید که
اولدخی زوجہ سی ملکی قادینی والده کوندردی بعده مراد پاشا
قول کنخدا سته و اوجاقده کی اتیاعنه تعلیمی لازم اولان اموری
بعد التفهیم فرمان وزیر اوزره ایشنده اولدی غره رجیده وزیر لوندر
و سپاهلر زمره بکاشیه بی قیردیره چق دیو خبر حقیقه دکه کنخدا بک
اوطه لرک طشره قیولرینه آتلوی منع ایچون زنجیر لر چکسدردی
در عقب ابشیر اسکداره فرار ایده چک او ازه سی دخی حقیقغین
هر کس وحشت عظیمه یه مبتلا اولدی لر بو اخبار کاذهلری مراد پاشا
چقارددی (پس اوائل رجیده کورت محمد سپاهلر ابشیری
وزارتدن قالد یرسقی مراد پاشا سارجال یمزه مساعده یه متعهد اولدی
دیو چک یو یوله یا قتل او اورن یا یواشی پاشه چقارد دیو کورده متابعت
ایتدی لر چک ایکسند کورد محمد بشیوز سپاهله آت میدانه کلوب
نظام دولته متعلق سوزلر یمز وار دیو اوطه لر خبر کوندردی اوطه باشلر
مانع اولدی لر ایسه حدوث فتیه حاضری اولدقلرندن قول دکلوب
میدانه کلنکرند کورت محمد یولداش لر اوتنه دشر و سز کله آره مرده
نفاق و ارایدی مضی ماضی عالم ظلمه شویله اولدی بویله اولدی دیو
بروجه بالاقابعی سوبلیوب یومظالمی دفعه و دین و دولتک نظامنی
مشورته کلنک یزسزک ضابطلری کزی کتورلم سزده بزم ضابطلری یمزی
میدانه کتورک دیوب سپاه بیک جانله میدانه کلنکه طالب اولان
ملغاضا بطلر بی صورتا جبرا قالدیروب و ملغاده سپاه اغا لر بی میدانه
کتور دکلرند بو وقته قدر حدوث ایدن فتیه لر کلن جبه جیلر
جمله دن اول عوماکلوب طرفین بارشلدقدن صکره سپاهلر اناطولیده بی
مظالمی و لوندرک عرض و مانلرینه تسلطلری و وزیرک طشره ده
و آستانه ده کی تعدیاتی بعد ائذ کیر بویله بلاد عبادی تخریه سبب اولان

وزیر شرعانه لازم آید بکنه اطراف دن الدقلری فتوالری او قنوب
قول دخی اجرا سنه چالشورز دیو قول و قرار استدیله و بالاتفاق
کورد محمدی صاحب کلام استدیله اولدخی مفتی بی آت میدانده
کتور دیوب احوالی افاده والبته صدر اعظمی بوجه کتور دیوب
دعوا مزی کوردیمکله مفتی وزیر و اروپ کفیتی بلد برنج و زیرهای
افندی بی پاره لقمی استرسک دیو مفتی بی سراینده توقیف
وقضیه بی تلخیص استدی پادشاه ترسانه بعجه سنده ایدی قیوچیلر کتخداسی
مأمور اجیتیه و اروپ مراد لرینی حضوره اعلام ایدوب طاغلسونلر
فرمانی تبلیغنده کورد محمد عرضحالیه مساعده پیورلسون دیدی
مراد لری وزیر اعدام ایدی مساعده اولندی (اخشام و آنچه سیاه
اغالی او طه لده وجبه جی و طو بی و سائر نفقات میدانده کچه لایلر
جمیتک ایکنجی کونی پادشاه مراد پاشا رایله سرای عامره به کلدیلر
قول کتخداسی مصطفی اغاوزیرک طرفداری او اوب جمیتیه کلامکین
سرمه صونی محمد اغا قول کتخداسی اولدی (اوچجی کون علی السکر
ولات ولوندات ظلمدن آستانه به کلن رعایا و فقرا عسکرک اوکته دوشوب
داد و فریاد استدیله و آت میدانده ابشیری و قول کتخداسی استرزدیو
پادشاهه عرضحال کوندرد کلرنده نصیح و بند ایچون قول اغاسی کنعان
پاشا مأمور و اروپ پادشاهه ابشیری دیار آخره کوندروب مهری غیره
ویرم ورجارینه مساعده ایدرم طاغلسونلر پیوردی دیدکده فرمان
پادشاهه کدر اما سن بهرماه قرق اسامه محلول استیوب او طه باشیلر
ناچار صاغ یولداشیرک اسامه بی محلولدر دیمکله بوجه یکتیری مایوس
ایدن ظالم دکلست دیو هجو ملرنده کنعان پاشا کوچه سرای همایونی
طوندی او اوقت مفتی ابشیر ایله متفقد سیه و قولک باغیلرینی قیل
لازمدر دیمش دیو خبر شایع اولیچق بزانی وزیر کتور مکه کوندردک
قتلزه فتوی و یرمش دیو تکرار وزیر و مفتی و قول کتخداسی استدیله
بوارالق مراد پاشا عیارلری نه طور رسوز بر اسکدارده کی لوندی
سراینه کتور دیوب جمهوری قراجق دید کلرنده عسکر وزیر سراینه
هجوم استدیله وزیرک اتباعی بونلرک بر قاجانی مجروح اید بجه تحقیق
وزیرک مرادی محاربه ایس دیو سلا حلقه کتدیله (ازین) جانب

وزیر خانی کندیمنه دشمن ایتمش امر اللهک دیه رک سرای همایونه
کتدی کده عسکر وزیر و مفتی خان لرینه واروب اموال بحسابلرینی
بغمال دیله (ماحصل وزیر حضوره واروب پادشاهه بونلرک مراد لری
پادشاهه سوء قصد فرما ن ایله اواء سعادت جیغسون واهالی
بریکوب اوزلرینه وارلسون دیدی سده عسکر و شهرلو و سرایلیده
وزیر بازق لفظی سویلر بر فرد یوغیدی (پس) پادشاه ارکان دواته
بوجه عتدن مرادندر دیمکله جله خاموش اولدیله مراد پاشا کور اوجیه
قول کتخداسی محمد اغایه اشارت ایتمکین اولدخی پادشاهه قوللر یکر
وزیر و مفتی بی استرزدیدی پادشاه مفتی بی ایچون استرلر پیور یچق
وزیرک نامشروع امورینه عتیت و یردی دیو یکان یکان خیانتلرینی
ایراندده همان ابشیر پاشا مهر همایونی پادشاهه و یرمکله استانی باشدیه
ابشیری مأمور ورا طه به حقار دقدن عسکره پادشاه قیودان مراد پاشا به
کل لالال مهری سنی وزیر ایدم پیوردی (پس) استانی باشی مفتی
ابوسعید افندی بی دخی مأمور و حضور دن حقار و ب منصب فتوی
حسام زاده عبدالرحمن افندی به و یرلدی (واندن پادشاه وزیر و مفتی بی
عزل ایدم شمدی نقیده ایدرم غیری طاغلسونلر دیو آدم کوندردی
بنه اصفا اولیچق ایکنس سنده قتلنه فرمان اولدقده علما رجاریله
ابوسعید افندی قتلدن قور بیلوب ابشیرک سرمه قطوعی مجمع اسکره
کوندردی (وابه سعید افندی مخدومیه کلیولی به نی اولدی فاما عسکر
بنه طاغلیوب فلان وفلا نیده استرزدید کلرنده بوی مصطفی افندی
واسعه افندی و عتیتی افندی و منفقری زاده مأمور و جمیتکاهه و اروپ
شوکتلو پادشاهه قول و سیاهه التفات ملوکانه ایله سلام ایدوب
قرللم ابشیر پاشای استدیله قتل ایدم و مفتی بی اسکله متفقد دیدیلر
نی ایدم رضای همایونی استرلسه جمیتی طاغلسونلر دخی استدیله
واراینه بلا جمیت حقارندن کلامک ایچون وزیر اعظم خط و یردم
یر قانون رجاری مقبولدر در یاده دشمن حرکتی معلوم دو نجا جیه کیه دک
امور مهمه تعطیلنه باعث اولسونلر پیور دیله دید کلرنده کورد محمد
امر پادشاهه رک اما عسکرک دخی استدیله واری جمیت طاغلدقده
عوق اولور دیمکله عصمتی افندی بقه اغاوزیر و مفتی احوالی بتدی

ساری جزئیات قیلتند در خصوص او ندك حقارندن لمكى و سباهك
 مأمولرینه مساعدده اولمغی پادشاه تنبیهیله وزیر متعهد اولوب ب شاهد
 اولدق اول ایشلری بتمش فرض ایدك شمیدی جمعیته اصرار خروج علی
 السلطان اولور همان طاغیلوب پادشاهك خیرد عاسن اله مزید کده
 جله سی مهورت او اولوب بو خصوصیاتك اجرا اولنه جفته بزه حجت
 ویرك دیملرله عصمتی افندی حجتی تحریر و افندیلر بعد التهمیر الاربینه
 ویرد کلرنده کورد محمد ایچد سباهله اسکداره کچوب قول وجه جبارده
 طاغیلر (و قیودانلق بوزجه اطه محافظی سورنازن مصطفی پاشایه
 ویریلوب کلنجبه دك دو تنك اخراجی توقیف اولندی (و دفتر دارلق
 صوفی محمد پاشایه ویرلدی (پس) ایشیرك قتلنی اسکدارده کی یك قدر
 صاریمجه سکبان اشید نیمه اناطولی به قاچدیلر و ابازه حسن اغا ایشیرك
 قتلنه باعث اوللردن اخذ انتقام ایچون ایشیرك خیر خواهلرله
 اناطولی به کچوب جمعیته باشلندی (پس) یك التمش بش اوائل
 شعبانده قیودان پاشا بوزجه اطه دن استانبوله کلوب دو تنك ایله
 بوغاز حصارینه وار دقده سفاین کفار بوغاز اوکنده ایدی
 ماه مزبورك اون التمسندده اوزر لینه وار یلوب ظهر دن غروبده دك
 جنك اولمغله طرفیندن و افر نفوس دوشدی و سسکسان اوج جاعتك
 جور باجیمی بکناش اغا ك ماونه سی زنجدار اولدی (و قاطرچی اوغلی
 بندیکی قلیونله بدی پاره کفار کبسی عشا یه دك جنك ایدوب در تیور
 سسکسان آدمدن او تور قدر آدم قالدقده کفار قلیونی بد کلدن سسده
 کنوره میوب روز کار قلیونی اناطولی کنارینه چقار نیمه ایچنده کی
 مسلمین قاطرچی اوغلیله قره به دو کلوب قلیونی یا قدیلر و کفار کیلرینك
 بری حرق و بری غرق و برقاجی مجروح اولدی (و دو تنك ایله همایوندن
 طفور پاره سفاین تلف اولوب ماعداسی ساقزه طوغری کیتشیدی
 کفارك بنفشه حصارینی محاصره سنی قیودان پاشا اشیدیمچک برو چوردن
 هجومه کفاری قاچردی (پس) قیودان پاشا بنفشه حصارینی
 قورتازمقدنغیری برایش کورمدن آستانه به کلد کده ارضیروم ویرلدی
 (چون) مراد پاشا حامل مهر اولدی اغا ایله ارباب خدمتک میریده کی
 ایچده لینی ضروری صاغه جیقاریمچون التزام سابقلری اوزره

خدمات و مقاطعاتی بینه انلره ضبط ایتدرمکله ایشیرك توجیه ایتدی کی
 ادملرک ویرد کیری محو اولدی و مقاطعاتك دعاویسی خیلی مدت سورملکله
 بالاخره تحصیل اولوب میری به حکمیان ایچده تکرار فقرادن التندی
 و سباهك ولد شلرینی و روان و بغداد سفر لرندنرو جالتان اسامه لینی
 تصحیح ایدوب ویردی (ترخونچی پاشا سباهی بی یکریمی بشیرك ریشیور
 طقسان و قوی الی بشیرك اسامه یه ایتدرمکدن مراد پاشا سباهی بی الی
 شکدن و قوی سسکسان ییکدن زیاده ایتکله میرینك مصارفی ایرادك ضعیفی
 اولدی و دار السعاده اغاسی بهرام اغا و سارمقرینك رجائیکره لینه
 ضروری مساعدده اولمغله وزیر مصرف چوق ایراد از رجاء اولان اموری
 زودن ویریم دینکجه فتنه قالد یروب اشقیابه ولدش ویرمک و چالق
 و ویرباری تصحیح ایتک سکا لازمی ایدی کندی کسب بد کدر دیو
 جوابلر کلوردی و اناطولیله ابازه نك جمعیتی قیود عظیم اولوب وزیر
 ناچار اولمغین سادس عشر شوالده و زارندن قصرید و بالا اتماس شام
 ایالتی کند ویه توجیه و اسکدارده مقیم سلیمان پاشایه مهر همایون
 ویرل کده مراد پاشا آستانه دن قدرغه ایله پیاس اسکله سنه جیقوب
 شامه متوجه حاجیه وارد دقده حای محرقه دن وفات ایتدی (به بدازان)
 افراسیاب اوغلی علی پاشا اوتوز سنه دیر و بصره والبسی اولوب کچن
 سنه وفاتسده اوغلی حسین پاشا جانشین پدر اولدیسده ده اهالی ایله
 و غلری انحد بك و فتحی بك ایله منازعه لری اولمغله احمد بك و فتحی بك
 اهالیك محضزلرله بغداد والبسی مرضی پاشایه کلوب شکوی
 ایتدیلر (مرضی پاشاده طمع خامه بناء احمد بکی بصره به اجلاس
 ایچون کخدا سنی عسکر ایله کوندردی (حسین پاشا کخدا بی قومینجه
 مرضی پاشا قضیه بی دولتله یازد قده کاردان دولت میری به نفع
 ملا خطه سبله احمد بکی بصره به اوتوردوب حسین پاشا بی اخذ
 اید سن دیو مرضی پاشایه امر کوندرماریله مرضی پاشا چند فراوانله
 احمد بك و فتحی بکی الوب بصره به وار نیمه حسین پاشا هوادار لری
 احمد بکده تابع اولمچق حسین پاشا اموال عظیمه ککند بندن معین
 بر عسیره نك حایه سسده کیره کین مرضی پاشا احمد بکی بصره به
 اوتوردی و لکن مرضی پاشا قوت ظالمه بی غایت اولوب دجله ده

قیان خانی نام قلعه ده اموال تجار محفوظ ایدی اومالی کتورک دیدکده
احمد بک و قنچی بک ساطع نام اول اموال هند و عرب و عجم و روم
تجار بنکدر بلاد اسلامیه و ممالک کفره ده تبارک ناحق بره مالاری
التمام شد در دیدکده البته کتورک دیو نهید ندنه ناچار احمد بک و قنچی
بک قیان خانه کیدوب بونجه کسانک اموال فراوانی سفاین اینه بصره به
کتور مکّه باشلیقی کبار تجار بونلر یغما کر ایش دیو اطراف دهی
ندوی و عربان مشایخه خبرلر اوچروب شهر و قرا خلیفه جمینه
قرار و بر دیلر (مرتضی پاشا جمعی طویلیق بکرایله قیان خانه مال
کتور مکّه کوندر یکی آدمه بیورلدی کوندر ووب احمد بکی و قنچی
بکی قتل و میتلر بن خلقی تخویف ایچون سرای میداننه بر اقدرد قده
اهالی و عربان میتلر کوری کور ووب جمعی کاهلر بیت کیملر یله پاشاده
کننداسنی بصره به والی ایدی اولکیجه بصره نواحسندن هزاران
عربان کلوب علی الصباح اهالی ایله بالاتفاق مرتضی پاشایه بره ظالم
بکراده لر ییزی نیچون اولدر دیک و تبار مالی الموق نه مذهبه واردیو
فریاد ایدیلر پاشایسه مصلحتی طویلمین صباحه قارشو خزینه سن
کوندر ووب فراره حاضر نشیدی (حسین پاشا کلوب بصره لویه
یشوا اولغا جهنک ایده رک پاشایی عربان و نالان چوله جقار ووب
بصره ده الدیغی دکل بغداد دن کتور دیک اموال بدخی الیدی بالآخره
توسعه مصلحتین ایله پاشا قتلدن قورتیلوب بیسرو پا افتان و خیران
بغداده یاقلاشد قده اهالی دلگیر ایدیلر پاشایی بغداده قوماملر یله
ناچار قوشلر قلعه سنه قونوب عربانی دولته یازمغین حلب سیدی احمد
پاشادن مرتضی پاشایه ویرلدی (چونکه) ابشیر صدارته کلوز کن
باشنده کی صاریجه سکبانی سیدی احمد پاشایه قوشوب اناطولی بی
ویرمکه اولدخی بی باک فقرایه تحملدن خارج تعدی ایدکده کوتاهیه
خلق شکایتله عزل ایدر ملریله سیدی پاشا بوغاز حصار محافظی
اولوب آرزمانده خلیجه خدمت ایدی (و کورد محمد ابشیری قتل
ایندرد کد نصره ابازه نک مطمح نظری اولان یکی ایل و بوده لغنی
الوب ضبطه کیتدی ابازه ابشیرک قتلشدن مکدر و کورد محمد مغیر
اولوب بیک قدر ایلوا یله اسکدار دن کیدنجه ابشیرک جمله اتباعی باشنه

بر کرایله کورد محمد ابازه خوفندن و یوده لغنی ضبط ایده میوب قونیه ده
مقیم اولمشیدی (بواشاده) سیدی به قره مان ابالتی ویریلوب بوغاز دن
قره مانه وارد قده ابازه حسن اغاس سیدی ایله بالمکاتبه بکدل اولدیلر
سیدی قونیه به یاقلاشیقی کورد محمد قونیه اعیانه سیدینک نه مرتبه
ظالم ایدی یکی معلوم کز بن عسکر جمع ایدوب او غرامتیه بم سترده
والیکرک ابقاسنی و سیدینک عربانی دولته یازک دیملکه اها ایده اولوجمله
یارد قده نصره کورد محمد اوچبیک قدر تفنک انداز جمعیله سیدی به
ولایتیه کلیه سن سنی اسمرلر دیو اهلای استانتدن مکتوب کوندر محمد
سیدی ابازه دن ایکبیک تفنک انداز کتور دوب درتیک قدر عسکر ایله
یوریدی و کورد محمد ده جمع ایدوب عسکر و شهر لویله چاقوب اوچ
ساعت جنک نصره قونیه عسکری یوز یلوب سیدی عسکر ندن
یوز قدر و قونیه لیدن در یوز دن زیاده آدم دوشدی بو کیفیت دولته
یازمغین قره مان کور حسین پاشایه و حلب سیدی به ویریلوب
سیدینک ابازه ایله اتحادینه سبب زکن و یوده لغنی کورد محمد دن ابازه به
ویریلوب بر بندن تبعید اولمشیدی کورد محمد عربانی طریقه قونیه دن
حلبه واروب حلب دن معزول قره مصطفی پاشایه دولت سیدینک قتله
فرصت آرر قونیه لی عرض و محضر ایله عزل ایدر دیلر دیدی و حلب
اعیانیه سیدینک بو قدر بیک ادبی وار کوتاهیه ده شو یله ظلم ایدی
قونیه ده بویله قتال ایدی حلبه کیرر سه ایشکز خرابدر دیملکه اهالی
مصطفی پاشایی حلبه ابقایدوب سیدی بی اسمر کلور سه معناله
ایدرز دیدیلر (پس سیدی حلبه توجه ایدکده اهالی مسلمانی طرد ایلر یله
سیدی کلوب حلبی محاصره و محاربه وضو و ذخیره لری قطع
و طشهره ده کی باغ و بوستان و بیوتی احراق وایکی ماه محاصره دن نصره
بای حال حلبه دخولی دولتن رجا ایلدی اها لیده سیدینک خسارتی
دولته یاز دیلر دواندن سیدی به تصحیتمه کلدیسه ده باب الفرج
طرفندن طپراق سور ووب یوریشه آرقالیق اها لی تکرار دولته حلب دن
اومیدی کسک دیوشکوی ایلر یله حلب بغداد دن معزول مرتضی پاشایه
سیواس سیدی به ویریلوب بعد البوم مغایر رضای همایون حرکتک
اشیدلمسون دیو تو بیخی مشر خط شریف قریسدن معزول کمله لی

احمد پاشا ایله کوندرلده سیدی آه حلب دیه رک سیواسه طوغری
 کتیدی سیدی حلب التده ایکن کورد محمد طرابلس شامه
 واندن بحرا اطنده قریب رساحله چیمشیدی اطنه والبسی کورجی
 وزیر اداری جعفر پاشا نام معتوه طرند یروب سرمعتووعی دولته
 کوندردی وسیدی وایازه ده اشیر و قعه سمنده یولان شقارون اله
 کیرنری قتل ایتدیله (وموره لی دفتر دار جراحی عبدی پاشا طرابلس
 شامه کوندر یلوب کوریل محمد پاشا معزول اولدی (پس) حلیده کی
 قره مصطفی پاشا مدعوا دولته کلورکن اناطولی ایالتی ویریلوب قبول
 ایتیمجه کهله لی احمد پاشا ویریلوب قره مصطفی پاشا استانه به کاکه
 مآدون اولدی (پس) سابقا بوسنه دفتر داری مصطفی نام سقیمه دفتر دار
 علی پاشا التمش کیمسه و یروب حبش ایالتی المغله مصطفی اغا نام دایمی
 مسلم کوندرده کز اوجه برمتسلاک تمسکی دخی خزینته داری برتازه
 اوغلانه و یروب ناظر نامیله متسلطه همراه ایلدی مزبوران حبسه
 وارد قلرند هواکن اسکله سمنه متاع بوکلای اوج یاره قلیون کلدی
 از قدیم کرک نامته آنورکن مسلم مصطفی اغا نقدا کرک استیوجک
 اعیان ولایت قاعده بودریدیلر ایتسه ده مصطفی اغا دکلیمتجه حبش
 قولاری یو بدعی احداث ایتدرمز دیو تجارت و اعیانله اتفاقلرند ناظر
 اولان خزینته دار قاضی و اعیانله متسلاک امرینی کوسر و ب رسم سابق
 اوزره کرک الوب تجاری ریجیده اتم دیو بحث اهالی ایکی کیمسه به
 متسلاک امری ویریلورمی دیوا کیمسیده قلعه به قالد یروب دلی
 درویش نام شیریری مسلم ایتدیله پاشای بد تمل طول امل ایله جده به
 چیقوب وقعه بی طو ییمجه اصلاح ذات الدین ایچون مکه شیر یقندن وجده
 بکندن ایکشیر آدم کتوردوب بحرا سواکنه وارد قده اهالی به
 نواز شش نامه یازوب برادرینی بعضی اعمال و شریف وجده بکنک
 ادملرله کوندردی یونلر ساحل حبشه وارد قلی کی دلی درویش
 یونلری و مر قوم ناظری قتل ایدوب مسلم مصطفی اغای وار پاشا که
 احوالی سوبله دیو کوندردی مصطفی اغا کلوب خبر ورنجه پاشا
 ایکبوز قدر توابعیله یاش قلعه بی محاصره اوزره ایکن حبش قولاری
 کلوب بحار به ایتلرله پاشا ناچار بحرا جده به کیدوب احوالی مصر

والبسی حصکی محمد پاشا به یازنجه اولدخی یوشناق احمد یک
 سردار ایله امیکیک مصر قولی کوندرده کده احمد یک جده دن
 مصطفی پاشا ایله سواکن اسکله سمنه واروب بحار به ایتکله دلی درویش
 فرار ایتکین مصطفی پاشا حبشده قرار ایتدی (چونکه) قزاق
 کفاری یوسالده نقض عهدله قره دکرده بعضی سواحلی غارتد نصکره
 مسقولیدن یوزیک قدر عسکر کتوردوب لیده بر معتبر حصار
 محاصره ده یولمغین خان حضر تلی عسکره تارله واروب قزاق
 قلعه سنی ضبط و یولدیخی ملاعینی قتل و اسیر نصکره محاصره اولان
 قلعه جانینه جان آندی ملاعین یو کیمیتی طویجق ولایتلرین تاناردن
 قورتارمغه کیدرکن برجامورلی موضع مضیقده عسکر تانار راه بحار
 کفاری سیده الی بیک قدر قزاقک نصقندن زیاده سنی و یوزیک
 مسقولیک ثلثانی مقدار بی قیرد قلرند بعد الیوم اطاعتدن چیمه
 اوزره قزاق بقایامی صلح اولملرله باقی قیلان اوتوزیک قدر مسقولی
 عقرو اولدیه ده معرکه دن اوج مرحله آراد قلرند لشکر تار قیلرند
 ایر یوب اوتوزیک قدر کفارک بشوز دن ماعداسنی قیرد قدر نصکره
 خان اور دیمسه کلورکن چه قرالی طرفدن له مملکتیه مستولی اولدیخی
 مز ده سیله مسقورالندن بشوز نفر کافره راست کلرله بدی کیمسه دن
 ماعداسنی قیردیلر یوار القده چه قرالی سرتامرله مملکتیه مستولی
 اولوب بد عاده سندن انتزاع تدارک عطیه به محتاج و شدت شتاده
 مانع اولمغین اول بهاره توقیله خان بطریق الرحمن بشیک تفنک
 انداز قزاق ایله قریمه کلدیکی ربیع الاخرده معروض پادشاهی اولدی
 یو ایتاده) قندی محاصره سنده کی عزاندن محضر کلوب بوراده عسکر
 ازالدی و موجود کده علوفه لری و قنبله کلدی کندن دشمندن قلعه
 المی دکل الثانی قلاعی به محافظه به قدر تمیز یو قدر اگر وزیر اعظم
 بالمله قول و سیاهله کلورسه یلکه جزیره عموما الله والایوضر ورتله
 جائزه امانله مقر اسلام اولان قلاعی کفاره و برزدیو یازمشلر اوچکون
 حضورده مشورت اولوب سلسلته والبسی سیاوش پاشا عنوان سر
 عسکری ایله بنفشه دن کریده کلوب تکمیل مهمات دو تمارد نصکره
 قیودانلق ایله اق دکره کیمک اوزره قرار ویرلمکله سلسلته صاری

کنعان پاشایه و برادی (چونکه) سلیمان پاشا فلت ایراد و کثرت مواجب
غائله شدن و دولته مستولی اولنلردن عاجز اولمشیدی نه حال ایسه
توجیه مناصب و مصادراتدن و بالاسندنه جمع اینسدیکی بر قاجوز
کیمه بی دفتر داریدله مغشوش و قزل انجیمه بوزوب هزار غنله بر قسط
ملوفه و یرد کده نکره رضاشایه مصادراتدن استعفا ایلدی (کار دان
دولت بو برخلیم بیر هر اموزده رأیمره مراجعت ایدر و زارنده بر قات
فرسوده کی طوزوب قق و رتق امور نهانی المزده اولسون دیدیلر سده
جادی الاولک ایکسینده مهره یون کرید سر داری حسین پاشایه
و یریلوب ملک و جودک کریده لارم دکله قره دن کله سن والا خدمت
محافظه ده اوله سن دیو خط سریت و مهره یون قیو جیلر کنخدا سیله
کوندر بلوب قیودان سورنارن پاشا قانقاسام اولدی و خالی زاده
دفتر دارلردن اسلیقا ایمکین مصطفی پاشا کنخدا سی لفاق قره کوز
محمد آغا دفتر دار اولدی (چونکه) سلیمان پاشاک و یردیکی مواجبک
نصتی که یار اولوب صاف اولانیده ضابطان ریوفه بوزوب توجیه
ایتملیله نقرات اهل سو قدن الذقری اشیاک بهاسی اول انجیمه دن
و یرد کلرنده سو قیلر المیوب دائما غوغا اولوردی (بواشاده کریددن
بر قاجوز قول کلوب آغا قیوسندنه بز کریده غزالیتک خلاطه و ر قسط
مواجبوز و یرلیدی دیو نظملرنده روی دل ایله دفع لارم ایکن قول کنخدا سی
عثمان آغازه ادب سرلر آغاقیوسنده بویله روز بالی ایتمه وارمیدر بولری
یوغار کسن قلامه سنه کوندره لم دیو برالای محبت کشیده بی ضابطه لرنه
اسلیا او طه لرنه کوندردی بولر واروب بو حقارتی بواشاشلرینه
سو یرد کلرنده بولداشلرک ایسه زیوف انجیمه دن چکر لری یاغشیدی
بولر ایله همداستان اولدیلر مکر سه پاهکده علوفه سی تمام و یرلمش
سپا هیلر قضیه بی طو نیجه ایچلرندن حسن آغا و شاملی محمد آغا
و قره قاش محمد و امشالی زور با پاشی اولوب بقه یولداشلر نیجه ماهدر
بکلر علوفه مزدور اولمز نصفنر علوفه المین دفتر قیابوب کله جک
مواجیده و یره لم دیدیلر خان کوشه لرنده آج و محتاج بودلانی نیجه بر چکه لم
دیو خامس جادی الاولاده جمهورله قول او طه لرنه واروب بولداشلر
سره و یره بویله غدره پادشاهک رضاسی یوقدر بونی شرکاء دولت

طه مکار لری ایتدی انلرک و جود لرن قالدیروب دولته نظام و یره لم
دیو قول ایله اتفاق ایتدیلر و اولکیجه او طه لرده قالب شویله مشورت
ایتدیلر که پادشاهدن ایاق دیوانی استیوب بو خصوصاتی شفاها عرضله
حس ادایتکلر بی اعدام ایتدیره ل و اندرون و یروندن او توز قدر کیمه بی
دفتر ایدوب فردامی دن و دولته نافع خود بخود سوبلیه حکمیز وار
دیو ایاق دیوانی استد کلرنده قول کنخدا سی عثمان آغاسوه تدبیر هممیه
و قول آغاسی محمد عزل اولندیلر فتنه (دفع اولمیحق نقیب افندی
و شایخی پاشا محمد علرینه واروب طرف همایوندن ابلاغ سلامه نصیح
ایتدیلر ایسه ده متصح اولیوب فردامی یته ایاق دیوانی استد کلرنده
علما و اعیان سرایه کلوب ایاق دیوانک دفعه سه سی ایتدیلر سپاه منعیلرندن
قره عبدالله مصلمحه کذار اغنه مینی موقوفات خواجه سی اولمشیدی
و یو کونا فسادانده بولنوب طرفینی الدن بر اقردی طرف دولندن مجمع
سپاهه واروب بولداشلر یونک اصلی ندر دیرکن بره منافق سنی بیلورز
دیو قلیچ او شوروب هر یاره سنی مهتر خانه طر ارا نلرنه اصندیلر و یرنه
ایاق دیوانته اصرار لرنده پادشاه وزرا و علما ایله الای کوشکینه کلین
طوائف عسکر آت میدانندن قصر عالی الته کلجه طولدی سپاهدن
مهتر حسن آغا ایلر و واروب پادشاهم قولار یکک عرضحالی بودر که
الحمد لله پادشاهمزه امور سلطنتی تصرفه استعداد نام حصوله کلدی
کریده وزرا و عسکری قوللرک ایل و نه سار کفارله محاربه ده حکم کلر بی
و بر او محرا کفارک خسارتی پادشاهمزه سوبلرلر ممالک ظلمه خراب
اولوب رعایانک چوغی دار حربه قاجدی پادشاه قول ایله و قول خزینه
ایله و خزینه رعایا ایله اولور قوللرک علوفه نامیه کور دیکی دار
السلطنه ده کیمز مشوش انجیمه در اندرون اغاری و مصا حیلرک
جایه سنده اولنلردن میری تحصیل اولیوب مراد لرنجه حرکت ایمان
وزرا عزل و قتل اولور و طشره ده زیوف انجیمه تدارک و دفتر داره
تسلیمه کندی منافعلرنه بقسارل دیوانرون و یروندن او توز قدر
اسامی یازیلو دفتر حقاز دیلر و یره و یریلن علوفه بودر دیو پادشاهه
بر قاج زیوف انجیمه کور س تورد کلرنده پادشاه قوللرم بود دفترده
اولنلر بی اولسون قتلاندرن فارغ اولک یور یحق خیر قتل

اولمده فراقه فراغت ایتمیز دید کلزنده دفترده مسطور و دار السعاده
 اغاسی بهرام اغا و قباوغاسی احمد اغا و راجو ابراهیم اغا ک قیدری
 کوزیلوب میتلری آت میداننده کی چناره اصلدیده سائر زنده
 قتل اولمده فراقه طاعلیز دیدیلر (چونکه) مهر شریف قباوغاسی
 کتخداسیله کرید سرداری دلی حسین پاشایه کوندلر سیدی اولکون
 قائم مقام سورنارن مصطفی پاشا صدر اعظم اولوب سپاهی محمد اغا
 مهر شریفی دوندر مکه کوندلر دیده سورنارن کتخداری
 شکر صواب کوزیمکله درت ساعت مرورنده عزل اولوب اسبق
 صدر اعظم سیاوش پاشای سلسله دوزن صندلر به دعوت خط شریف
 کوندلر یلوب وزیر تانی یوسف پاشا قائم مقام اولدی (و حسام زاده
 پادشاهی ایاق دیواندن منع ایدوب مصباح اغا صاحب اولور
 دیو عسکر اسانندن خود بخود اشیدد فیه مفتی اکندن فراغت و قدس
 شریف قضاسی رجا و مفتی که ملک زاده افندی بی سوق ایتمکله
 اولکون مقام افتد ملک زاده به و قدس شریف قضاسی حسام زاده به
 وزیر لشیدی (خواجه زاده مسعود افندی جسور و حقکویغله مشهور
 نالغین اوج ساعت مرورنده ملک زاده عزل اولوب عسکر التماسیله
 مشیخت اسلامیة مسعود افندی به ویراد کده مفتی فتنه عبارسی نارنج
 دوشدی (پس دفترده مسطور اولنر قتل اولمده فراقه طاعلیز دیو ج میتدن
 خبر کلکله خاص اوطه باشی حسن اغا و ایچ خزینه داری یوسف اغا ک
 قیدری کورلدی (فرداسی والده خضر تارینک مصاحبه سنی ملکی
 اوسته و ملکی اوسته نک زوجی شعبان خلیفه و خواجه بلال اغا
 قتل اولنوب میتلری چنار اغا جنه اصلدی (و قول اغاسی محمد اغا
 عسکر التماسیله عزل و حرم همایوندن چوقه دار محمد اغا اولدی
 و سیاوش پاشی محمود اغا لمصلحه بر کون حبس و فرداسی قورتلشیدی
 عسکر بزره رغما اطلاق اولدی دیو قتل ایدوب چناره اصلدیلر
 (و دفتر دار سابق خالیمی زاده محمد پاشا زینوف کتخداسیله قتل اولدی
 و کر کچی حسن اغا و رسانه امینی محمد افندی و دلی برادر و طوب
 قبولی مصطفی اغا و معماره مصطفی سی فرار و اختفا ایتملریله خانلری
 مهرلنوب تفحصلرینه باقلدی (پس روجه بالا کتخداسیله قتلاریله

عسکری به تشفی غبطه حاصل اولوب سائر زنده بولنوب قتل اولنق
 شرطیله ایکنی کون جمعیت طاعلیغله اسواق شهر و دکا کین اجلدی
 جساد اولک اونید بستمده فرار ایدن قول کتخداسی عثمان اغا
 خانه سنده بو غلمش بولنوب اموال کثیره سی میری به اندی (چون سیاوش
 پاشا سلسله طرقتدن قرق الی آدمله تاسع جادی اولده آستانه به
 کلوب مقام صدارنه تانیس او توردی (کر کچی حسن اغا اله کچوب
 تن بی جانی چناره اصلدی (غره جادی الاخرده سورنارن مصطفی پاشایه
 ارضروم و حلبدن کلن قره مصطفی پاشایه قبودانلق و برلدی
 و مختفیلرین دلی برادر احمد اغا نکده تن بی جانی چناره اصلدی (چونکه
 کرید سرداری حسین پاشایه مهر کتورن قباوغاسی عدم مساعده
 روز کاردن دفعه ثالته ده بنفشه دن کریده پناشیجی عوده مأمور اولان
 سپاهی محمد اغا ابرشمکین ایکسیده عودت ایدوب مهر همایونی
 سیاوش پاشایه کتور دیلر اولکون رسانده امینی صالح افندی و جزیه دار
 طوب قبولی مصطفی اغا بولنوب میتلری چناره اصلدی مامور بوز
 الی سنده وزیر سابق سلیمان پاشایه بوسنه و برلدی ایکی کونصکره
 معماره مصطفاسی بولنوب قتل اولدی (و سکبان باشی ایکن ابتداء وقعه ده
 مضابط اولان اغایه ایلحصان سنجای و برلدی و سابق قول اغاسی
 محمد اغا بولنوب قتل اولمغه مالی میری به آندی (ابو سعید افندی به
 مکه مکرمه و نقیب الاشراف زیرک زاده به مدینه منوره و بریلوب
 ملک زاده کعبه ده محاورته مأمور اولدی (مفتی سابق عزیر افندی
 ساقز ار په لغیله بروسه ده ایدی خواجه زاده مسعود افندی اخذ انقام
 ایچون ساقز ار په لغی رفعله مدانیه ار په لغی و یروب کوندردیکه
 قبول ایتمزه فرمانه عدم انقیاد اسنادیله مظهر قهر سلطانی
 ایتدیره بوخرده بی عزیر افندی الکفین مدانیه ساقز دن بر قاج مرتبه
 راجدردیو تشکر ایتدی (پس دفتر دار زاده محمد پاشا تعین تام کسب
 ایتمکله صدر اعظم اوله جق دیوسو یلنوردی (سیاوش پاشا آستانه به
 خسته کلوب هر تقدیر اسیر فراشاییده حب جاهه بناء دفتر دار
 پاشا ملکی اوسته و شعبان خلیفه و یکر می قدر مقتولک اموالی
 قبض ایدوب میری به عشرینی کوس سترمدی دیو خلاق واقع

بر قاج کره بطیص ایدوب مفتی مسعود افندیده تصدیق ایتمکین
 بچاره محمد پاشا قتل اولندقدده اولکجه سیاوش پاشاده وفات ایتدی
 دفتر دار مقبولک کافه اموالی النوب غره رجیده صاری علی افندی
 دفتر دار اولدی (پس سیاوش پاشا غره رجیده فوت اولدقدده
 مفتی مسعود افندی سو قیسه مهر همایون قبو جیلر کتبه داسیله
 شام محافللی بوی یارلی محمد پاشایه کوندر یلوب قوجه یوسف پاشا
 قائمقام اولدی (وقره مصطفی پاشا قبو دانلقدن استقا ایتمکین تاسع
 رجیده مصر ویر یلوب قبو دانلق سلاستره والیسی کنعان پاشایه
 ویرادی (چونکه اندرون و بیرونده نیجه کبار اساقل ناس یوزندن
 تلف اولوب سیاهی حسن اغا و شاملی محمد وقره قاش محمد وقره عثمان
 و عیاق علی و امثالی زور بار مال قارون جهیله استانیولده میدان
 اغاری دیو مشهور اولملریله صاحبزاده مراجهتسز هریری بر سرای
 دوشدوب اعیان شهر اولدیلر و بکر مبشر سراجله زخمشوار قائمقام
 و سائر کبرایه کیدوب اکثر کلاملری نافذ اولدیغندن عاقبت امر دن غافلر
 یونلره ملازمت و هدایا و نفود عرضیه حصولی متعسر مکروه مصالحی
 تکلیف ایتملریله یونلرده انارک مصالحک حصولی مدبران دولته ابرامه
 پاشا دقلزنده رئیس الکتاب شامی زاده و دفتر دار صاری علی افندی
 بوخیلرک هجو مندن توجهات و امور میری کوجلشدی دیملریله
 قائمقام و مفتی چاره سازاق فکرین ایدوب ملغا ایله اتفاقه محتاجدر دیو
 قرارلری والدیه و پادشاهه بعدالاعلام قره حسن اوغلی حسین اغا که
 صورتا مر یض و سیرتا قوت تدبیرله اوجاق ازدری ایدی لایلا کتوردوب
 یواحوالک چاره سنی صورتدقلزنده سلطانیم نیچون تلاش ایدرسن
 کیجه جی اوغلی محمد اغابی اوجاغزک عقلاسی سور و سقهاسی قورقار
 مرقومی قول کخدا سی ایدوب اول خییلرک نامدار لزندن بش التبسنی
 دیوانده قتل ایدک ماعداسی مضحکل اولور دیدکده حسین اغا
 معزز اخانه سنه ککیندرلدی اوجاقلو ایسه کیجه جی اوغلی نفی
 ایندر مشلر ایدی اولکجه دعوتله آستانه یه کتورلدی (یواشاده)
 سید احمد پاشا وایازه حسن اغاک باشلرینه ابشیر لوندانی و سائر اشقیا
 بریکوب اناطولی بی ظلمله خراب و ابشیرک قتلنه جمعیت ایتدی کزدیو

اله کیرن سیاهی بی قتل و خانه لرین یغمالملریله آستانه یه شا کیلرکلوب
 بر قاج دفعه رکابه عرضحال و بر مشلر ایدی اوجاق اغاری سیدی پاشا
 اناطولی بی خراب و بولد اشلریمزی قتل ایتدی کفار دوتغاسی بوغازی
 قیایوب آق دکره سفر غائله سی وارا بکن پادشاه بالذات سیدی اوزرینه
 کیتمکه محتاجدر دیو مشورت ایتدی ککرنده قره حسن اوغلی تخریکبله
 بعض زور بار طرفداری زور باره اعیان دولت اناطولی سفرندن
 حکیمورلر اناطولی یه سفر اولور سه سرک زوالکر محال ایمش دیملریله
 (ثالث رجیده اغار تخریکبله عموما سپاه آت میدانه کلوب پادشاه بالذات
 سیدی اوزرینه سفره کتیمک لازمدر دیو قائمقام و مفتی یه ابراملرینه
 انلرده کویا بحسب الضروره جمعیتک صاحب کلامی سپاه محمد ایله
 سرایه کیدوب مصلحتی عرض ایتدیلر دفع جمعیت نیچون عزیمت سورتی
 کوستر یلوب ماه مز بورك اون در دنده توغ همایون جبه خانه اوکنه
 دیکلکجه میدان اغاری تمشیت مز املرینه مغرور اسقردن ارکنه پاشا دیلر
 (پس اعیان دولت قره حسن اوغلی رایله کیجه جی اوغلی محمد اغابی
 قول کخدا سی ایدوب سفر مشور نیچون وزرا و علما و قول و سپاه
 و میدان اغاری دعوتله سرایه کک کلزنده دیوان مشورتده یوسف پاشا
 قول و سپاه صاحبزادری اناطولی یه حرکت هجیایون نیچون استرلر دیو
 پادشاه هم جواب استر دیدکده زور با باشی سیاهی حسن اغا کندی
 آت میداننده ظن ایدوب سیدی پاشا بولد اشلریمزی وزرا بایه ظلمله
 اناطولی بی خراب ایتدی بالذات پادشاه همز کیتمکجه دفعی ممکن دکل
 دیجه یوسف پاشا شیخ لاسلامه افندی حضرتلری سیدی اوزرینه
 حرکت هجیایونله سفر مشور و عیدر دیدکده اولدنی مشروع دکلر
 تأدینه بروز بر تعیینی کافیدر دیدی واندن کروه ملغا یه سرته در ستر
 دیدکده قول کخدا سی اگر سیدیک عصیه فی واقع ایسه بروز بر حقیقتدن
 کلور پادشاه همز حرکتی اوجاغز معقول کورمز دل دیجه سیاهی
 محمد ورفقاسی بی کتخدایک اناطولی الدن کیتدی بویله نافع مصلحتی
 نیچون بوزر سن دیدککرنده قره حسن اوغلی مفتی یه سلطانیم
 حکم علی السلطان ایدوب مصالح عبادک افسا دینه سبب اولنلر
 شرعانه لازمدر دیو جیک اولدنی سیف سیاست لازمدر دیدکده

با اشارت پادشاهی حسن اغا و شاهلی محمد و بمقام علی و قره عثمان قتل
اولدیلر و ایکی کون ایکی کیجه ده مشهور اشغیا قتل اولمغین توغلر
جبه خانه او کندن قالدیلدی (زور باباشی حسن اغا بمش کون طغیانلق
ایتمکله اوچبیک قدر ارارلی سپاه ایشیدی کور بیل محمد پاشا وزارتده
اسامه لری چالوب اکثریسی قتل اولندی (بواناده اناطولیدن معزول
رضوان پاشا نیک ظلمی تعین ایتمکله سیاستا قتل اولندی (پس دولتدن
ذوالفقار اغایله هند پادشاهه کیدن نامه همایون جوابیله قائم بک نام
هند اچبسی رجیک اون سکرزنده استانبوله کلوب نامه سن و بردی
هدایاسی انواع تحف و تقاریق کثیره دن ماعدا برقصه جوهر دار
شمشیر و خنجر ایدی (چونکه) سباوش پاشا وزیر اولوب منصبی
سلستره بی دامادی صاری کنعان پاشایه ویرمیشیدی قپودان
قره مصطفی پاشا مصر والیسی اولیچق صاری کنعان پاشایه قپودان
اولمغله کورجی عثمان پاشا قوت مالیه ایله سلستره والیسی اولدیه ده
اربابی اولمغین سلستره دن روم ایلی ویرلدی (وقوجه یوسف پاشا
اعدا افترا سببه قائم مقاملقدن عزل و سلستره ویریلوب حیدر اغا زاده
محمد پاشا رجیک یکریمی اوچنده قائم مقام اولدی (قول اغاسی محمود پاشا
وقعه چنارده مقتول بولنان قول کنخدا سی ترکه سندن وافرشی
اکل ایتدیکنده اعدا زور بارایله نهانی انجادی ایشیدلمکین شعبانک
اون ایکبسنده قتل اولوب اندرونن مخرج چوقه دار حسین اغا
وزارتله قول اغاسی اولدی (پس معنی مسعود افندی تعین
کسب ایدوب قره حسن اغا زاده جائزده و قائم مقامده اوجا قدن
اولسون مراد اوزره آتوب طوته لم دیو حیدر اغا زاده بی قائم مقام
ایتدیروب حدی نجاوزنده قره حسن اغا زاده مسعود افندی دن
دامن چین اولدی (پس) سیدی پاشا سیواسی ظلمله خراب ایدوب
یا قهرقی بیقه رق بش التی بیک صاریجه سکیاله کوتاهیله اطرافده
کلدکده دامه دوشورمکچون سلستره ویریلوب جرایم کدشته سنک
عفوخی ناطق امر شریف و اوجاق اغالردن استمالنامه لر کوندرلادی
بوخرده بی سیدی اکلده ده متوکلا علی الله عتبه علیه به کلدکده
مظهر التفات شاهانه اولوب سلستره به کوندرلادی (قوجه یوسف پاشا

ایسه سلستره به کیدردی ملغره به کوندرلادی کده حقنه ده اولان افترانک
عفوخی استرجاتیمکین بیلرکنه مرجه خاصلر توجیهیله متقاعدینه
ملحق اولدی (بواناده) وندیک ملاعینی رؤسای ملت مسیحیه دن
استمداده بکش پاره مفاین تدارک و بوغازی سد ایده چکری بیک
خبری کلدی (ودونمای کفاردن بر بنام قپودان اوتوز قدر اتیاعیله فرار
و بوغاز محافظی چتال باش مصطفی پاشا عرضیله دولته کلوب
مسلمان اولدقده قپودانلق رتبه سی ویرلدی (غبدا) قپودان کنعان
پاشا شعبانک یکریمی اوچنده قرق بش قدرغه ویدی ماونه ویکرمی
یدی قلدوله آق دکره چقبوب دونمای کفاری کثرت اوزره مکمل
کور بیک روم ایلی طرفنه کچوب کفار کیلر بیک جنگیچلری چوق ودریانک
افندیسی انلرک طرفنه بزم کیلریمزه مستوفی جنگیچی قونیدی و بو قدر
عسکر ایله ایش کورلر دیو واقع حال دولته بعدالعرض علوفه و بخشش
ایله لوند یازوب ایتداجنک ایتسونلر بعده بخشش و علوفه لری ویره لم
دیجه یازیلان اوندات راضی اولوب طاغلد قلزنده تاجار قپودان پاشا
رابع ره مضانده بوغازده کفارله جنکه باشلیچق کیلرده کی عسکر قلدیله
خو فلرندن قاره به دوکلد کلرند قپودان پاشا کند ویه تبعیت ایدن
چکدرمه لر ایله ضروری کفاره هجوم ایتدی اما دریانک افندیسی کی
روز کارده اعدا مراد نیجه اسمکین خیلمی طوب جنگی ایتدی عسکر
اسلام باشند قره ایدوب برافد قلی سفاینی تخلص ایچون قپودان
پاشا چکدرمه لر کوندرمیشیدی کفار کیلر بیک تسلطندن یا قشماغین
پاشا دارده ایله یدی سکر ترسانه کبسی و محل معرکه ده بولناندن اون ایکی
امر اکیلری قوریتلوب سکرز پاره قدرغه کفاره اسیر و ماعدا سی محترق
اولوب کفاردن انجیق بش پاره کی محترق اولدی (قپودان پاشا
بعد الانهرام اول کیلر ایله قواله به طوغری کیمشیدی (سیدی پاشا
سلستره به کیدرکن ویره قریبنده دونمای انهرامنی طویجه بلا فرمان
عسکر یله کلوب کلبد البحر قلعه سنی محافظه واول سمنلرده کی یالیری
غارتیه حقیقتان کفاردن بر قاج دفعه کله واسیرالدینی مسعود همایون
اولدقده سمور کوزک و مجوهر شمشیر کوندریلوب خدمت محافظه ده
اوله سن بیورلادی (چون) مهر همایون شامده یوننی پاره لو محمد پاشا به

واردی حلبه کلوبیدی سکر ستمدبرویکی ایل ویوده لغنی جبراضبط
ایدن ابازه حسن اغایی احضار و دیار بکری ابازه به ویوده لغنی ابازه
کنخدا سنه و یروب حادی عشر رمضانده استانبوله کلدی (بعد از آن)
بوزجه اطه فاتح سلطان محمد همتیه آبادان والی الان ماوای اهل ایمان
اولمغه سفاین اسلامیه ایمانه التجایله کفاردن قورتیاوردی بود فعه
وندیک دونغاسی جزیره مزبوره بی محاصره ابتدایر محافظه سنه مأمور
اولان احمد پاشا زعما واریاب تیماری حقلیوب طاعتمشیدی ویراوندکه
مواجبی بیغا سمند کی محله دن ویریلورکن بر قاج سنه مواجبری
ویرلمکله جزیره مستحفظ و مهمات و ذخاردن خالی ایدی امداد ممکن
اولمحق محاصره نک طقوز بکه رمضانک بکرمی بریدر اولمصار نامدار
اماله گرفتار کفار اولدی (چون) خواجه زاده مسعود افندی نک
ظاهرده دعواسی اموردولتی تصحیح اینسده درونی غرضدن خالی اولمغه
مصلحتنه رواج ایچون مهری بوخی یاره لی محمد پاشایه رأی ایتمشیدی
فاما وزیر کادکده حضور همایونه بالکز جد کیدوب کلدیکنندن
مسعود افندی بحضور اولوب بو آدمی یا کلش سوق ایتشیر تبدیلی لازم
دیونهای والدیه به خبر کوند زیمک والدیه بو آدمی کندی اسندی
ایکیده بر وزیر تبدیلیک ضرری نیچون ملاحظه ایتلر دیملکه مسعود
افندی قائم مقاملقتن معزول حیدر اغا زاده به بومعتوهی بز سوق ایتدک
شمیدی ایاغز المغه چالشور کفار بوزجه اطه بی الدی بو وضعه مزه کوره
استانبوله کاور قوی تحریکله سلطان سلیمانی جلوس ایتدیره لم
سنده وزیر اولوب عالمک نظامنه بقمه لم دینجه اولدخی صدارت آرزوسیه
قول کنخدا سی کیچ جی اوغلنه و او جاق متعینلرینه کشف راز و قوی
تحریکله سلطان سلیمان والدیه سی کنخدا سی قره علی اغا و سه پاهدن
دیگر علی اغایله بوتدیر فاسدده متفق اولمشلر واقع غیر واقع بو کیفیتی
وزیر پادشاهه و والدیه به اعلامنده مسعود افندی نک اقدیمجه وزیر حقنده
اولان سوء قصدی وزیرک اعلامنی تصدیق ایتکین مسعود افندی
دیار بکر قضاسی نامیه رمضانک بکرمی بشنده الی نفر بیستانی ایل
بروسه به نفی اولوب مشیخت اسلامیه حنفی زاده به ویرلدی (بیماره
مسعود افندی بروسده معالی زاده بغچه سنه اینوب جریمه تفحص

اولمیدن اعدا افترا سنه وجود ویرلمک لایقیمی دیو عدم امثال صورتی
کوستردی (اواشاده سیدی و ابازه نفراتندن بوللر مخوف اولمغین
مسعود افندی دیار بکره کیمک ایچون بروسده سکبان یازدی عاجلا
دیار بکره کیلسون دیو در عقب فرمان کلنجه مکر بروسه حاکی
روح الله افندی مسعود افندی به خاطر مانده ایش مسعود افندی نک
عوق و تاخیرین دولته عرض ایتکله صدر اعظم عرضی دیوانه کتوروب
اشته مسعود افندی دیار بکره کیمک بروسه ده لوند جمعیله
بوراده کی هوادارلرینک فتنه قوپارملرینه منتظر ایش دیو مسعود
افندی نک و آستانه ده کی هوادارلرینک اعدا ملرینه خط شریف
الد قد نصکره اگر دیار بکره کیدرسه ابکیچی قوناقدی والا بولدیغک
پرده قتل ایده سن دیو بروسه حاکنه امر کوندرمکله بروسده حکم
قضا اجرا اولندی (چون) صدر اعظم مفتی بی اعدام ایتدردی فرداسی
قبودانلق امری بی بوغاز حصار محافظی سیدی احمد پاشایه کوندروب
بوغازده محترق اولان دونغاسی همایون و کفار کیلرینک دریاده کی
التیوز قدر طوبلرک اخراجی وسفن موجوده ایل خدمت محافظه بی
اصمارادی (وقبودان سابق کنعان پاشاک قتل لازم ایکن صدر اعظم
اللی کسه سن الوب آغریوز محافظی ایتدی) (بوزجه اطه
محافظی احمد پاشا زعما واریاب تیماری حقلیوب
جزیره بی کفاره ویرمکه سبب مستقل اولمشیکن
قبودان پاشا حایه سیله عتاب یله

اولدی دیو گفتکو

اولدی

کل طبع الجلد الاول وبتلوه طبع الجلد الثانی من تاریخ

* کلشن معارف * بعون الله المنزه من الموانع

والصوارف * فی اواسط جادی الاولى

سنه اثین و مأتین

والف

